

شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید

نامه‌های پولس رسول به کلیسای مشکل‌آفرین:

اول و دوم قرنتیان

دکتر باب آتلی

پروفسور بازنشسته علم هرمنوتیک

(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری راهنمای تفسیری

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

فهرست مطالب

I.....	اختصارات انگلیسی کاربردی در این تقسیم
II.....	مقدمه نویسنده
IV.....	راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس
۱.....	معرفی اول قرن‌تیاں
۷.....	اول قرن‌تیاں ۱
۵۱.....	اول قرن‌تیاں ۲
۷۱.....	اول قرن‌تیاں ۳
۸۵.....	اول قرن‌تیاں ۴
۱۰۰.....	اول قرن‌تیاں ۵
۱۱۱.....	اول قرن‌تیاں ۶
۱۲۹.....	اول قرن‌تیاں ۷
۱۵۳.....	اول قرن‌تیاں ۸
۱۶۳.....	اول قرن‌تیاں ۹
۱۷۹.....	اول قرن‌تیاں ۱۰
۱۹۵.....	اول قرن‌تیاں ۱۱
۲۱۷.....	اول قرن‌تیاں ۱۲
۲۳۶.....	اول قرن‌تیاں ۱۳
۲۴۵.....	اول قرن‌تیاں ۱۴
۲۶۴.....	اول قرن‌تیاں ۱۵
۲۹۴.....	اول قرن‌تیاں ۱۶
۳۰۶.....	معرفی دوم قرن‌تیاں
۳۱۱.....	دوم قرن‌تیاں ۱
۳۲۹.....	دوم قرن‌تیاں ۲
۳۳۹.....	دوم قرن‌تیاں ۳
۳۴۹.....	دوم قرن‌تیاں ۴
۳۵۹.....	دوم قرن‌تیاں ۵
۳۷۴.....	دوم قرن‌تیاں ۱:۶ - ۱:۷
۳۸۳.....	دوم قرن‌تیاں ۱۶-۲:۷
۳۹۰.....	دوم قرن‌تیاں ۸
۴۰۲.....	دوم قرن‌تیاں ۹
۴۱۴.....	دوم قرن‌تیاں ۱۰
۴۲۱.....	دوم قرن‌تیاں ۱۱
۴۳۱.....	دوم قرن‌تیاں ۱۲
۴۴۳.....	دوم قرن‌تیاں ۱۳
۴۵۰.....	معانی واژگان دستور زبان یونانی
۴۵۸.....	موضوع خاص: انتقادات متنی
۴۶۱.....	واژه نامه
۴۶۹.....	بیانیه عقیدتی

فهرست موضوعات خاص

۸.....	موضوع خاص: فراخواندن
۱۰.....	موضوع خاص: کلیسا (<i>EKKLESIA</i>)
۱۰.....	موضوع خاص: تقدس در عهد جدید
۱۲.....	موضوع خاص: قدیسان
۱۳.....	موضوع خاص: صلح (<i>SHALOM</i>) [<i>OT</i>]
۱۴.....	موضوع خاص: پدر بودن خدا
۱۶.....	موضوع خاص: شکرگزاری
۲۱.....	موضوع خاص: بی گناه، معصوم، منزه، بدون رسوایی
۲۳.....	موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق (۱۲۸)
۲۷.....	موضوع خاص: <i>KOINŌNIA</i> (رفاقت/دوستی)
۲۷.....	موضوع خاص: پسر خدا
۲۹.....	موضوع خاص: دلگرمی
۳۰.....	موضوع خاص: اسم خدا- (عهد جدید)
۳۲.....	موضوع خاص: تعمید
۳۶.....	موضوع خاص: این دوران و دوران پیش رو
۳۶.....	موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه
۳۸.....	موضوع خاص: استقامت
۴۰.....	موضوع خاص: مسیح (از دانیال ۹:۲۶)
۴۱.....	موضوع خاص: انتخاب/مقصد از پیش تأیین شده و نیاز به یک توازن الهیاتی
۴۲.....	موضوع خاص: گوشت (<i>SARX</i>)
۴۴.....	موضوع خاص: باطل و بی اثر
۴۸.....	موضوع خاص: خونبها/باز خرید
۵۲.....	موضوع خاص: تنویر
۵۲.....	موضوع خاص: وحی/الهام
۵۳.....	موضوع خاص: استفاده پولس از حالات ترکیبی <i>HUPER</i>
۵۴.....	موضوع خاص: راز در انجیل
۵۷.....	موضوع خاص: تمام یا کامل
۵۹.....	موضوع خاص: تا ابد (<i>OLAM</i>)
۶۲.....	موضوع خاص: جلال (<i>DOXA</i>)
۶۲.....	موضوع خاص: نام‌هایی برای خدا
۶۵.....	موضوع خاص: تثلیث
۶۷.....	موضوع خاص: شخصیت روح
۷۷.....	موضوع خاص: آتش (<i>KB ۹۲, BDB ۷۷</i>)
۷۸.....	موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمون و مفاهیم آنها
۷۹.....	موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری و نجات استفاده شدند
۸۱.....	موضوع خاص: مقدس
۸۴.....	موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان)
۸۶.....	موضوع خاص: رهبری خادم
۸۷.....	موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

۹۴ موضوع خاص: فرستادن (<i>APOSTELLŌ</i>)
۹۷ موضوع خاص: پادشاهی خدا
۱۰۳ موضوع خاص: روح در عهد جدید
۱۰۵ موضوع خاص: بالیدن
۱۰۶ موضوع خاص: خمیر
۱۰۸ موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید
۱۱۶ موضوع خاص: ارتداد (<i>APHISTĒMI</i>)
۱۱۸ موضوع خاص: وراثت ایمانداران (از اول پطرس ۱)
۱۲۵ موضوع خاص: بازگشت مسیح در هر لحظه، در برابر ایده‌ی هنوز زود است (پارادوکس عهد جدید)
۱۳۲ موضوع خاص: زنان در انجیل
۱۳۵ موضوع خاص: روزه
۱۳۵ موضوع خاص: شیطان فردی
۱۴۴ موضوع خاص: نصایح پولس به بردگان
۱۴۶ موضوع خاص: ثروت
۱۴۹ موضوع خاص: بدن و روح
۱۵۵ موضوع خاص: تقدیس
۱۵۶ موضوع خاص: یکتاپرستی
۱۶۰ موضوع خاص: تخریب
۱۶۵ موضوع خاص: مهر
۱۶۷ موضوع خاص: برنابا
۱۶۸ موضوع خاص: دیدگاه پولس نسبت به قوانین موسی
۱۶۹ موضوع خاص: انتقادات متنی
۱۷۶ موضوع خاص: اندازه پاداش و مجازات
۱۸۱ موضوع خاص: دریای سرخ
۱۸۶ موضوع خاص: پسح (ترتیب مراسم)
۱۸۸ موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین (ارواح ناپاک)
۱۹۰ موضوع خاص: آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی
۱۹۲ موضوع خاص: داوری در عهد جدید
۱۹۸ موضوع خاص: سر (<i>KEPHALĒ</i>)
۲۰۰ موضوع خاص: زنان در انجیل
۲۰۹ موضوع خاص: گرایش انجیل نسبت به الکل و سو استفاده از الکل
۲۱۲ موضوع خاص: پیمان
۲۱۹ موضوع خاص: روح در کتاب مقدس
۲۲۲ موضوع خاص: نفرین (<i>ANATHEMA</i>)
۲۲۵ موضوع خاص: مسیحیت مشارکتی است
۲۲۶ نبوت عهد عتیق
۲۳۰ موضوع خاص: شخصیت روح
۲۳۸ موضوع خاص: عشق ورزیدن (<i>HESED</i>)
۲۴۲ موضوع خاص: تمام یا کامل
۲۴۳ موضوع خاص: امید (<i>ELPIS</i> ، در پولس)
۲۴۷ موضوع خاص: نبوت عهد جدید
۲۵۳ موضوع خاص: آمین

۲۵۶	موضوع خاص: قلب (عهد جدید)
۲۵۹	موضوع خاص: زنان در خدمت
۲۵۹	موضوع خاص: نظریه‌هایی در ارتباط با "زنان سکوت اختیار کنند"
۲۶۰	موضوع خاص: تسلیم‌ارائه (HUPOTASSŌ)
۲۶۷	موضوع خاص: کاریگمای کلیسای اولیه
۲۶۸	موضوع خاص: ایستادگی (HISTĒMI)
۲۷۱	موضوع خاص: قیام از مردگان
۲۷۱	موضوع خاص: ظاهر شدن‌های عیسی پس از رستاخیز
۲۷۲	موضوع خاص: عدد دوازده
۲۷۳	موضوع خاص: یعقوب، برادر ناتنی عیسی
۲۷۷	موضوع خاص: نخست زاده
۲۷۷	موضوع خاص: اصطلاحات عهد جدید برای بازگشت مسیح
۲۷۹	موضوع خاص: منشأ (ARCHĒ)
۲۸۲	موضوع خاص: سطوح فرشتگان در نوشته‌های پولس
۲۸۶	موضوع خاص: واژگانی که برای انسان‌های ابله بکار برده می‌شوند
۲۸۸	موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (PHTHEIRŌ)
۲۸۹	موضوع خاص: راز
۲۹۱	موضوع خاص: بازگشت مسیح در هر لحظه، در برابر هنوز زود است (پارادوکس عهد جدید)
۲۹۲	موضوع خاص: شیپورهای استفاده شده توسط قوم بنی اسرائیل
۲۹۶	موضوع خاص: ده یک
۲۹۹	موضوع خاص: "درب" در عهد جدید
۳۰۱	موضوع خاص: قوی باشید
۳۰۴	موضوع خاص: ماراناتا
۳۰۶	موضوع خاص: سوفسطائیان
۳۱۳	موضوع خاص: تیموتائوس
۳۱۷	موضوع خاص: رنج
۳۱۹	موضوع خاص: ضمانت
۳۲۳	موضوع خاص: آن روز
۳۲۵	موضوع خاص: تضمین
۳۳۲	موضوع خاص: وفور (PERISEUŌ)
۳۳۴	موضوع خاص: طرحها
۳۳۴	موضوع خاص: تیتوس
۳۳۵	موضوع خاص: دعا، تمجید و شکرگزاری پولس از خدا
۳۴۵	موضوع خاص: جسارت (PARRHĒSIA)
۳۴۷	موضوع خاص: عیسی و روح
۳۵۷	موضوع خاص: دوباره نو شدن (ANAKAINŌSIS)
۳۶۳	موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (SHEOL/HADES, GEHENNA, TARTARUS)
۳۷۰	موضوع خاص: KTISIS (ساختن)
۳۸۶	موضوع خاص: توبه (عهد عتیق)
۳۹۴	موضوع خاص: ده یک
۳۹۷	موضوع خاص: انتخاب، تقدیر و نیاز برای برقراری یک توازن الهیاتی
۴۰۶	موضوع خاص: صدقه دادن

۴۰۸	موضوع خاص: <i>OLAM</i> (تا ابد)
۴۱۱	موضوع خاص: اعتراف/اقرار
۴۱۲	موضوع خاص: تسلیم/ارائه (<i>HUPOTASSŌ</i>)
۴۳۳	موضوع خاص: آسمان و آسمان سوم
۴۳۵	موضوع خاص: شیطان
۴۳۷	موضوع خاص: ضعف
۴۴۶	موضوع خاص: ”حقیقت” در نوشته‌های پولس

اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

<i>Anchor Bible Commentaries</i> ، ویرایش Albright William Foxwell و David Noel Freedman	AB
<i>Anchor Bible Dictionary</i> (جلد ۶) ویرایش David Noel Freedman	ABD
<i>Analytical Key to the Old Testament</i> نوشته John Joseph Owens	AKOT
<i>Ancient Near Eastern Texts</i> ، نویسنده: James B. Prirchard	ANET
<i>A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament</i> نویسندگان F. Brown, S. R. Driver and C. A. Briggs	BDB
<i>The Interpreter's Dictionary of the Bible</i> (چهار جلد) نویسنده George A. Buttrick	IDB
<i>International Standard Bible encyclopedia</i> ، ویرایش James Orr (۵ جلد)	ISBE
Jerusalem Bible	JB
<i>The Holy Scriptures According to the Masoretic Text: A New Translation</i> (The Jewish Publication Society of America)	JPSOA
<i>The Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament</i> نوشته Ludwig Koehler and Walter Baumgartner	KB
<i>The Holy Bible From Ancient Eastern Manuscripts</i> (the Peshitta) نوشته George M. Lamsa	LAM
Septuagint (Greek-English) نوشته Zondervan ۱۹۷۰	LXX
<i>A New Translation of the Bible</i> نوشته James Moffatt	MOF
Masoretic Hebrew Text	MT
New American Bible Text	NAB
New American Standard Bible	NASB
New English Bible	NEB
NET Bible: New English Translation, چاپ دوم بنا	NET
<i>New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis</i> (۵ جلد) نوشته Willem A. VanGemeren	NIDOTTE
New Revised Standard Bible	NRSV
New International Version	NIV
New Jerusalem Bible	NJB
<i>Old Testament Passing Guide</i> by Todd S. Beall, William A. Banks and Colin Smith	OTPG
Revised English Bible	REB
Revised Standard Version	RSV
The Septuagint (Greek-English) by Zondervan, 1970	SEPT
Today's English Version ، توسط اتحادیه انجمن های کتاب مقدس	TEV
Today's English Version from United Bible Societies	YLT
<i>Zondervan Pictorial Bible Encyclopedia</i> (5 vols.), ed. Merrill C. Tenney	ZPBE

مقدمه نویسنده:

چگونه این تفسیر می‌تواند به شما کمک کند

تفسیر انجیل یک فرایند منطقی و معنوی است که تلاش می‌کند تا نویسنده باستانی تحت الهام را به شیوه‌ای درک کند که بتواند پیام خدا را به زبانی که امروزه قابل درک است، بیان کند.

فرایند معنوی بسیار حساس است و به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. این فرایند شامل تعادل و باز بودن با خداست. باید تشنه (۱) او، (۲) شناختن او (۳) و خدمت به او باشیم. این فرایند شامل دعا، اعتراف و تمایل به تغییر شیوه زندگی است. روح در فرایند تفسیر قاطع است، ولی چرا درک انجیل به صورتی دیگر برای مسیحیان صادق و خداپرست عجیب است؟

فرایند منطقی را راحت‌تر می‌توان توصیف کرد. ما باید نسبت به متن استوار و بیطرف باشیم و نباید تحت تاثیر تعصبات فردی یا مذهبی قرار بگیریم. ذهنیت همگی ما از لحاظ تاریخی شکل خاصی گرفته است. هیچکدام از ما مفسر واقع‌گرا یا بی‌طرف نیست. این تفسیر یک فرایند دقیق منطقی را که حاوی سه اصل ساختار یافته تفسیر است را ارائه می‌کند تا کمک کند بر تعصبات مذهبی خود غلبه کنیم.

اصل اول

اصل اول توجه به زمانهای تاریخی است که در کتاب مقدس نگاشته شده و نیز توجه به مناسبتهای تاریخی از دید نگارنده. نویسنده اولیه هدفی و پیامی برای برقراری ارتباط داشت. متن نمی‌تواند معنایی داشته باشد که غیر از منظور نویسنده باستانی تحت الهام بوده است. قصد او - و نه تفکر تاریخی، احساسی، فرهنگی، فردی یا تعصبات دینی - نکته کلیدی است. کاربرد، بخشی جدایی‌ناپذیر از تفسیر است، ولی تفسیر مناسب باید همیشه بر کاربرد تقدم داشته باشد. همیشه باید تکرار شود که هر متن انجیلی فقط و فقط یک معنی دارد. این معنی آن چیزی است که نویسنده اصلی قصد داشته که تحت هدایت روح القدس با زمان خود ارتباط برقرار کند. یک معنی خاص می‌تواند کاربردهای بسیار متفاوتی برای فرهنگهای مختلف و موقعیتهای متفاوت داشته باشد. این کاربردها باید با اصل حقیقت نگارنده اصلی مرتبط شوند. بدین منظور این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا مقدمه‌ای برای هر یک از کتابهای انجیل باشد.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی ادبیات هر واحد است. هر کتاب انجیل یک سند متحدالشکل است. مفسرین حق ندارند که یک جنبه از حقیقت را با حذف بقیه متمایز سازند. بنابراین، ما باید تلاش کنیم تا قبل از اینکه هر تکه را جداگانه تفسیر کنیم، هدف کل کتاب انجیل را درک کنیم. هر بخش به صورت منفرد - فصلها، پاراگرافها، یا آیات - نمی‌توانند معنایی داشته باشد و کل آن واحد معنی دیگری داشته باشد. تفسیر باید از گرایش قیاس کل به گرایش القایی هر بخش تغییر جهت داده شود. بنابراین، این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا به دانشجویان در تحلیل ساختار هر واحد توسط پاراگرافها کمک کند. بخشهای هر پاراگراف و فصل تحت الهام نیستند، بلکه به ما در شناسایی تفکر هر بخش کمک می‌کنند.

تفسیر در سطح یک پاراگراف - نه جمله، عبارت، گزیده، یا کلمه - کلید پیگیری منظور اصلی نگارنده انجیل است. پاراگرافها بر اساس عناوین متحدالشکل هستند، که اغلب به آنها تم یا جمله موضوعی گفته می‌شود. هر کلمه، عبارت، و جمله در پاراگراف به نوعی با این عناوین متحدالشکل در ارتباط هستند. آنها بحث را محدود به موضوعی خاص کرده، آن را بسط داده، توضیح داده و یا مورد سوال قرار می‌دهند. کلید واقعی برای تفسیر درست این است که تفکر نویسنده اصلی را پاراگراف به پاراگراف در طی هر بخش که کتاب انجیل را تشکیل می‌دهند، دنبال کنیم. این راهنمای مطالعاتی تفسیری برای کمک به دانشجویانی تنظیم شده که این کار را با مقایسه با ترجمه‌های مدرن انگلیسی دنبال می‌کنند. برای این هدف ترجمه‌های خاصی انتخاب شده‌اند، زیرا آنها بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

۱. نسخه ویرایش چهارم متن یونانی جامعه متحد انجیلی (UBS⁴) منتشر شده است. این متن توسط اساتید مدرن متن پاراگراف بندی شده است.
۲. نسخه جدید شاه جیمز (New King James Version - NKJV) ترجمه کلمه به کلمه متن دستنویس یونانی است که به Textus Receptus نیز معروف است. تقسیم‌بندی پاراگراف‌های آن طولانیتر از سایر ترجمه‌ها است. این واحدهای طولانیتر به دانشجو امکان مشاهده موضوعات متحدالشکل را می‌دهد.
۳. نسخه جدید استاندارد بازمینی شده (New Revised Standard Version - NRSV) نسخه تغییر یافته ترجمه کلمه به کلمه است. این ترجمه در نقطه میانی دو نسخه مدرن قرار می‌گیرد. تقسیم بندی پاراگراف‌های آن کاملاً در شناسایی موضوعات مفید است.
۴. نسخه انگلیسی امروز (Today's English Version - TEV) ترجمه پویایی است که توسط جامعه متحد انجیلی منتشر شده است. این ترجمه

تلاش می‌کند که خواننده انگلیسی مدرن امروزی بتواند معنی و مفهوم متن یونانی را درک کند. اغلب، به خصوص در اناجیل، تقسیم بندی پاراگراف‌ها بر اساس گوینده است تا موضوع، درست همانند نسخه بین‌المللی جدید. برای ترجمه و تفسیر، این نسخه مفید و کمک کننده نیست. جالب است که به این نکته توجه کنیم که هم UBS⁴ و هم این نسخه توسط یک موسسه ترجمه شده‌اند، با این حال، پاراگراف بندی آنها تفاوت دارند.

۵. انجیل اورشلیم (Jerusalem Bible - JB) یک ترجمه پویا است که از روی نسخه کاتولیک فرانسه ترجمه شده است. مقایسه پاراگراف بندیهای این نسخه از دیدگاه اروپایی بسیار مفید است.

۶. نسخه چاپی مربوط به سال ۱۹۹۵ بنام انجیل امریکایی جدید بازبینی شده (Updated New American Standard Bible - NASB) ترجمه کلمه به کلمه است. تفسیر آیه به آیه در ادامه این پاراگراف بندی است.

اصل سوم

اصل سوم این است که ترجمه‌های مختلف انجیل را مطالعه کنید تا معنی و مفهوم گسترده‌تر و جامع‌تری را بتوانید از کلمات و عبارات انجیل درک کنید. اغلب یک کلمه یا عبارت یونانی را می‌توان به چندین شیوه مختلف درک کرد. این ترجمه‌های متفاوت این گزینه را در اختیاران قرار می‌دهند و به شما کمک می‌کنند که بتوانید تنوعات مفهومی نسخ دستنویس یونانی را شناسایی کنید. اینها بر روی دکترین تاثیر نمی‌گذارند، بلکه به ما کمک می‌کنند که به متن اصلی که نویسنده باستانی تحت تاثیر الهام بوده نزدیکتر شویم.

این تفسیر راه سریعتری را به دانشجو برای بررسی ترجمه خود ارائه می‌دهد. قطعیت هدف نیست، بلکه اطلاع رسانی و تفکر برانگیز بودن است. اغلب، سایر تفاسیر احتمالی به ما کمک می‌کنند که زیاد کوتاه نظر، دگم و مذهبی نباشیم. مفسرین لازم است که طیف وسیعتری از گزینه‌های تفسیری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند که زبان یونانی قدیم تا چه اندازه می‌توانسته است مبهم باشد. حیرت آور است که چقدر تفاهم اندکی میان مسیحیانی که ادعا می‌کنند انجیل منبع حقیقت است، وجود دارد.

این اصول به من کمک کردند که برای بیشتر مسائلی که از نظر تاریخی ذهنیت مرا شکل داده بودند، با اجبار کردن خود بر تلاش بر روی متن باستانی، فائق‌گردم. امید من این است که برای شما هم برکتی باشد.

باب آتلی

۲۷ ژوئن ۱۹۹۶

راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس:

جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آنچه در زیر می خوانید، توضیح مختصری درباره فلسفه هرمنوتیک دکتر باب آتلی و روشهای مورد استفاده او در تفسیر انجیل است.

آیا می توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می شود؟ آیا می توانیم از طریق منطق آن را به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلقی وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا در این دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سوالات - سوالاتی که همه افراد معقول به آن می اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگی به خاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده ام بود. در سنین بزرگی سوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبه رو می شدم یا در باره آنها می خواندم، مفهومی نمی بخشیدند. آن روزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومییدی در مواجهه با دنیای بی احساس و مشقت باری بود که در آن زندگی می کردم.

بسیاری ادعا می کردند جوابهایی برای این پرسشهای اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی بردم جوابهایشان براین مبانی بود: (۱) فلسفه های شخصی، (۲) اسطوره های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنیهای روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود و نسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تایید کننده، تعدادی ادله وبراهین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگی ما بر مبنای آنها بگذارم.

اینها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ را در اینها یافتم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تایید علم باستان شناسی، (۲) صحت پیشگوییهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تالیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگیهایشان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت به عنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد، بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدسی، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید.

تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگی - مسیح را، آن طور که توسط کتاب مقدس شناخته می شود - یافته ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می شد چه تفسیرهای گوناگون و عدیده ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیساها و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می توانم تفاسیر متنوع و متضاد بسیاری بخشهای مشکل کتاب مقدس را تایید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟

این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. می دانستم ایمانم به مسیح، (۱) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گراییهای فرهنگ من (پست مدرنیته)، (۲) دگم اندیشی و مطلق انگاری نظامهای متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (۳) و خود بینی فرقه های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجو برای راههای صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش داوریهای تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن به عنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده می کردم و با این کار نا امنیها و کمبودهای خود را از نو تایید می نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمی توانم کاملاً عینی گرا باشم، می توانم کتاب مقدس را به طرز درست تر مطالعه کنم. می توانم پیش داوریهای خود را از این طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند، محدودیت ببخشم. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده ام، اما با ضعفهای خود مواجهه کرده ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است.

اجازه بدهید تعدادی از پیش فرضهای خود را که در مطالعه ام از کتاب مقدس دخیل می کنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی

نمایید:

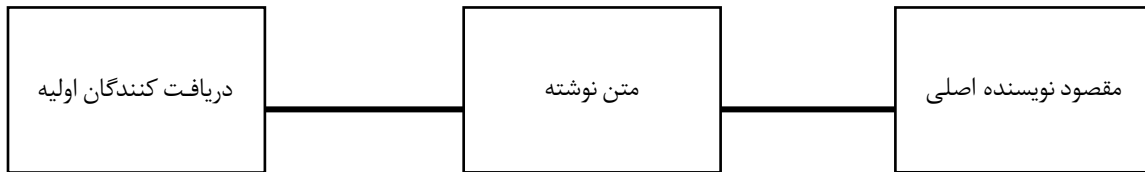
I. پیش فرضها

۱. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. از این رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.
۲. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چهارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی‌کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنان که در ابتدا آنرا می‌خواندند یا می‌شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و اشکال و اسلوب تفهیم و تفاهم معمول مردم را به کار می‌گیرد.
۳. من ایمان دارم کتاب مقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می‌باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.
۴. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می‌باشد. گرچه هرگز نمی‌توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را می‌دانیم، بسیاری از شاخصها، نشانگر آن می‌باشند:
 - a. ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
 - b. زمینه تاریخی و/ یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
 - c. چهارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
 - d. طرح متن (طرح کلی) واحدهای ادبی، آن طور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می‌کنند
 - e. خصیصه‌های دستوری ویژه که برای بیان پیام به کار رفته‌اند
 - f. واژگان انتخابی برای ارائه پیام

مطالعه هریک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش می‌گردد. پیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهم، اجازه دهید برخی روشهای نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روشهایی که این قدر باعث گوناگونی در تفاسیر شده‌اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

II. روشهای نامناسب

۱. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژگان به عنوان اظهاریه‌های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلیتر آن ندارد. این کار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می‌گویند.
۲. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده‌ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
۳. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس به عنوان روزنامه صحیح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
۴. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی / الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
۵. نادیده گرفتن پیام اصلی به وسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه‌اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا به عنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می‌افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می‌نامند.



حداقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده می‌شوند:

در گذشته روشهای مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می‌شدند. اما برای تایید حقیقی الهام منحصر به فرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسبتر می‌باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به منظور بررسی درستی حقیقت، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می‌باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راه‌های اشتباهی است که مشاهده کرده‌ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متون و (۲) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده» ایمانداران زمانهای بعد (برای من اهمیت دارد). راه‌های اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش محرک‌ها، پیش‌داوری‌ها، اسلوب، و کارهایمان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم چنانچه هیچگونه مرزی، محدودیتی، شروط و موازینی برای این کار وجود نداشته باشد؟ در اینجا است که هدف نویسنده و ساختار متن، موازینی در اختیار می‌گذارند تا بتوانیم پهنه تفاسیر احتمالاً صحیح را محدودیت بخشیم. در پرتو روش نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روش‌هایی امکان دارد برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس وجود داشته باشد که تا اندازه‌ای هم راست آزمایی و همخوانی آن را فراهم می‌کنند؟

III. روشهای ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

در این مقطع اسلوب منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمی‌دهم که برای تفسیر ژانرهای ادبی خاص به کار می‌روند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می‌پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده‌ای درباره روشهای تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گردون فی» و «داگلاس استوارت» از انتشار «زان درون» می‌باشد.

روش من متمرکز بر روی خواننده است که اجازه می‌دهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. این کار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار می‌دهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تاثیر نامتناسب مفسران محفوظ می‌دارد. شنیده‌ام که می‌گویند: "کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن می‌سازد." مقصود از این گفتار، کم ارزش شمردن کمکهای مطالعات نیست بلکه استدعایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب.

ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحنه بگذاریم. شش مورد زیر حداقل تاییدیه مبسوطی را ارائه می‌دهد:

۱. زمینه تاریخی
۲. متون ادبی
۳. ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)
۴. کاربرد واژگان معاصر
۵. بخشهای موازی / مترادف و مشابه کتاب مقدس
۶. ژانر

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تائیداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و درعین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده ایم. چهار دوره مطالعه طراحی شده اند تا بینشهای تفسیری ذیل را فراهم کنند:

۱. دوره اول مطالعه

a. کتاب را در یک جلسه بخوانید. یک مرتبه دیگر آن را در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است نظریه ترجمه آن متفاوت باشد:

(۱) ترجمه کلمه به کلمه (NRSV, NASB, NKJV)

(۲) ترجمه معادل پویا (JB, TEV)

(۳) ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)

b. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.

c. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که به روشنی تم اصلی را بیان می کند.

d. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

(۱) عهد عتیق

(a) داستانسرایی عبری

(b) شعر عبری (ادبیات حکمت، مزمور)

(c) نبوت عبری (نظم، نثر)

(d) قوانین در شریعت

(۲) عهد جدید

(a) داستانسراییها (اناجیل، اعمال رسولان)

(b) مثالها (اناجیل)

(c) نامهها/رسالهها

(d) ادبیات مکاشفه ای

۲. دوره دوم مطالعه

a. کتاب را دوباره کامل بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.

b. عناوین اصلی را به صورت طرح کلی در آورید و در جمله ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.

c. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمکهای مطالعات، بازنگری کنید.

۳. دوره سوم مطالعه

a. کتاب را دوباره کامل بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.

b. موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده اند فهرست کنید.

(۱) نویسنده

(۲) تاریخ

(۳) دریافت کنندگان

(۴) دلیل خاص برای نوشتن

(۵) جنبه های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می باشند

(۶) اشارات به اشخاص و رویدادهای تاریخی

c. طرح کلی آن بخش از کتاب مقدس را که در حال تفسیر آن هستید، به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.

d. زمینه تاریخیتان را با استفاده از «کمکهای مطالعات» بازنگری کنید.

- a. « واحد ادبی » خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
- (۱) ترجمه کلمه به کلمه (NRSV، NASB، NKJV)
 - (۲) ترجمه معادل پویا (JB، TEV)
 - (۳) ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)
- b. ساختارهای ادبی یا گرامری را بیابید
- (۱) عبارات تکرار شده، افس ۱: ۶ و ۱۲ و ۱۳
 - (۲) ساختارهای دستوری مکرر، رومیان ۸: ۳۱
 - (۳) مفاهیم مغایر
- c. موارد زیر را فهرست کنید
- (۱) کلمات مهم
 - (۲) کلمات غیر معمول
 - (۳) ساختارهای مهم دستوری
 - (۴) کلمات، بندها، و جملات بسیار مشکل
- d. بخشهای مشابه مربوطه را در کتاب مقدس بیابید
- (۱) روشن ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق: الف) کتابهای الهیات نظام مند؛ ب) کتاب مقدسهای مخصوص مراجعات؛ ج) کشف الیای
 - (۲) در داخل موضوعتان، مفاهیم بظاهر متضاد و در واقع همخوان را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس به صورت دو مفهوم به ظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد معرفی شده اند! بسیاری از اختلافات فرقه‌ای از این سرچشمه می‌گیرند که افراد از روی نیمی از این مفاهیم دوگانه و پر تنش در کتاب مقدس برای "اثبات عقیده خود توسط آیات" استفاده می‌کنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است و ما باید پیام کامل آن را بجوئیم تا برای تقصیر خود توازن و تعدیل کتاب مقدسی ارائه دهیم.
 - (۳) عبارات موازی یا هم معنی را در همان کتاب یا نوشته‌های همان نویسنده یا همان "ژانر" بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می‌باشد.
- e. برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از "کمک‌های مطالعاتی" بهره بگیرید.
- (۱) نسخه‌های مختلف کتاب مقدس را بخوانید
 - (۲) دایره المعارف، کتابهای راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس
 - (۳) پیشگفتارهای کتاب مقدس
 - (۴) تفاسیر کتاب مقدس (در این مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند.)

IV. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

در اینجا به کاربرد می‌پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده‌اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آن را در زندگی و فرهنگ خود به کار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می‌کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود می‌گفت، و به کارگیری آن واقعیت در زمان ما."

پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی‌توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود به کار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه می‌گفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است!

«طرح کلی» مشروح شما، به صورت پاراگرافها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگرافها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بندها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته‌ای که دست اندر کار می‌باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، به وسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی می‌کنیم. اما

تنویر، الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می‌فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسایل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای این کار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه‌گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. از این یک معنا می‌توان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت‌کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

V. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و متنی در تفسیرکردن و در کاربرد صحبت کردم. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

۱. برای کمک روح القدس دعا کنید (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰:۲۶ و ۱۶:۲).
۲. دعا کنید خدا شما را بیخشد و از گناهایی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (اول یوحنا ۱:۹).
۳. برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (مراجعه شود به مزمور ۱۹:۷ الی ۱۴؛ ۱:۴۲ به بعد؛ ۱۱۹:۱ به بعد).
۴. هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود به کار ببندید.
۵. فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.

کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قولهای ذیل بمن کمک کرده‌اند توازن بین این دو را بیابم:

۱. نوشته‌ای از James W. Sire در کتاب Scripture Twisting صفحات ۱۷-۱۸:

"تنویر به اذهان قوم خدا می‌آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه اساتید معنوی یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف می‌کنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفاسیر قابل قبول باید از طریق آنها به دست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را می‌دهد، این کار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان تواناییهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهایی در تمام مواردی است که در باره آنها سخن می‌گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می‌توانند آن را به اندازه کافی درک کنند."

۲. در مورد Kiergaard، در کتاب Bernard Ramm به نام Protestant Biblical Interpretation صفحه ۷۵:

به گفته Kiergaard، مطالعه دستوری، واژه‌ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی به شمار می‌آید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آن را با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتاب مقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا به صورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی‌شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را می‌خوانند، آنگاه آن را به عنوان کلام خدا خوانده است."

۳. H.H. Rowley در کتاب The Relvance of the Bible صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی‌تواند همه گنجینه‌های آن را از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی‌آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه‌های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعات روحانی با بینش روحانی دریافت می‌شوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. در این صورت او می‌تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنیتر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

VI. روش کتاب تفسیر پیش رو

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه‌های ذیل برای کمک به رویه‌های تفسیری شما تنظیم شده:

۱. طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده‌اید، به این اطلاعات مراجعه کنید.
۲. بینشهای متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. اینها به شما کمک می‌کنند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.
۳. در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم‌بندی پاراگراف‌ها و عناوین توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده‌اند:
 - a. کتاب مقدس The New American Standard Bible، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)
 - b. کتاب مقدس The New King James Version ترجمه جدید (NKJV)
 - c. کتاب مقدس The New Revised Standard Version (NRSV)
 - d. کتاب مقدس Today's English Version (TEV)
 - e. کتاب مقدس The New Jerusalem Bible (JB)

تقسیم‌بندی پاراگراف‌ها الهام نشده‌اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. به وسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از نظریه‌های متفاوت ترجمه و دیدگاه‌های مختلف علم الهی می‌باشند، می‌توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می‌گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می‌باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه‌ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگراف‌های اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب به صورت پاراگراف بندی این قدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطلبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

۴. ترتیب یادداشت‌ها مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می‌شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشت‌ها از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم می‌کنند:

- a. ساختار ادبی
- b. بینشهای تاریخی و فرهنگی
- c. اطلاعات دستوری
- d. مطالعات واژه‌ای
- e. بخشهای موازی (مشابه یا مترادف) مربوطه

۵. در بعضی مقاطع کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه New American Standard Version (بروز شده در ۱۹۹۵) به وسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

- a. کتاب مقدس The New King James Version (NKJV) که مطابق پیرو متن نسخ خطی «متن دریافتی» می‌باشد.
- b. ترجمه جدید The New Revised Standard Version (NRSV) که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیساها می‌باشد.
- c. ترجمه The Today's English Version (TEV) که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتاب مقدس آمریکا است.
- d. کتاب مقدس The New Jerusalem Bible (JB) که ترجمه‌ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.

۶. برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک می‌کند:

- a. تفاوتها در متون خطی
- b. معانی جانشین واژگان
- c. متون و ساختار مشکل دستوری
- d. متون دارای چند معنی. اگر چه ترجمه‌های گوناگون به زبان انگلیسی نمی‌توانند برطرف کننده این مسائل باشند، ولی باعث می‌گردند تا برای مطالعه هر چه بیشتر و کاملتر مورد نظر قرار گرفته شوند.
- e. در پایان هر فصل سوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده‌اند و در این سوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند.

معرفی اول قرن‌تینان

(توصیه‌های کاربردی برای کلیسای مشکل‌آفرین)

- I. منحصر به فرد بودن اول قرن‌تینان
- A. از آن بیش از هر نوشتار دیگری از پولس توسط پدران اولیه کلیسا نقل شده است که اهمیت و مفید بودن آن را به وضوح نشان می‌دهد.
 - B. در *Muratorian Fragment* که فهرستی از کتب شرعی و دینی از رم است (سال ۲۰۰ میلادی)، اول قرن‌تینان به عنوان یکی از نخستین نوشته‌های پولس فهرست شده که همچنین اهمیت آن را نشان می‌دهد.
 - C. در این نامه پولس تمایز مشخصی میان نظر شخصی و فرامین سرورمان را مشخص می‌کند. با این وجود، این بر مبنای شناخت او از تعالیم عیسی در هر یک از موارد موضوعی است. اگر او می‌توانست، گفته‌های عیسی را عیناً منتقل می‌کرد. او معتقد بود که عقیده او هم تحت الهام بوده و دارای اقتدار است (مراجعه شود به ۲۵: ۷ و ۴۰).
 - D. چهارچوب هدایت و راهنمایی پولس برای مشارکت در کلیسا این است که آزادی مؤمنان، و همچنین مسئولیتهای سازمانی آنها، نه بر اساس قانون، بلکه بر اساس عشق است. سلامت و رشد کلیسا در مجموع، ارجح تر از امتیازات شخصی است (مراجعه شود به ۱۲: ۷).
 - E. این نامه، (به همراه دوم قرن‌تینان) به ما یک نگرش اولیه به کلیسای عهد جدید، ساختار آن، روشها و پیام می‌دهد. با این وجود، باید به خاطر داشت که این کلیسا، نه یک کلیسای معمولی بلکه یک کلیسای دردسر ساز و مشکل آفرین بوده است.

II. شهر قرنتس

- A. خطوط حمل و نقل زمستانی در اکثر نقاط جنوبی یونان (یعنی کیپ مالاثو) بسیار خطرناک بودند. بنابراین، کوتاه ترین مسیر زمینی ممکن از اهمیت به سزایی برخوردار بود. موقعیت جغرافیایی قرنتس در فاصله چهار مایلی از بین خلیج قرنتس (یعنی دریای آدریاتیک) و خلیج سارانیک (یعنی دریای اژه) باعث شده این شهر جهت حمل و نقل عمده تجاری، تجارت (متخصص در انواع سفال و نوع خاصی از برنج) و مرکز نظامی از اهمیت خاصی برخوردار شود. در روزگار پولس، این به معنای واقعی کلمه بود که فرهنگ شرق و غرب با یکدیگر برخورد می‌کردند.
- B. قرنتس همچنین مرکز بزرگ فرهنگی جهان یونانی-رومی بود چرا که میزبان بازی‌های دو سالانه ایستمنی بود که از ۵۸۱ سال قبل از میلاد آغاز شده بود (در معبد پوسیدون). فقط بازیهای المپیک آن در هر چهار سال یکبار، به اندازه و اهمیت آنها رقم می‌زدند (مراجعه شود به *Thucydides*, Hist 1.13.5).
- C. در سال ۱۴۶ قبل از میلاد مسیح قرنتس علیه روم شورش کرد (*Achaean League*) و یونان توسط ژنرال رومی لوسیوس مومینوس، قرنتس تخریب شد و مردم آن به بردگی گرفته شدند. با توجه به اهمیت اقتصادی و نظامی آن، در ۴۶ یا ۴۸ قبل از میلاد مجدداً توسط جولوس سزار بازسازی شد. این یک مستعمره رومی بود که سربازان رومی در آن بازنشسته می‌شدند. این یک تقلید و بازسازی از معماری و فرهنگ رومی و نیز مرکز اداری رومی (یعنی سناتور) استان آخیا در ۲۷ قبل از میلاد بود. این یک استان سلطنتی در ۱۵ میلادی بود.
- D. دژ قدیمی قرنتس، که بیش از ۱۸۸۰ فوت بالاتر از دشت است، محل معبد آفرودیته بود. به این معبد ۱,۰۰۰ روسپی (*Strabo*, Geography, ۲۲-۲۰ فوریه) متصل شد. قرنتسی خطاب کردن (به عنوان مثال *Korinthiazesthai*، ابداع شده توسط *Aristophanes* [۴۵۰ الی ۳۸۵ قبل از میلاد]) مترادف با سست و شل و ول بود. این معبد، همانند اکثر شهر، در حدود ۱۵۰ سال قبل از رسیدن پولس در یک زلزله تخریب شد، و مجدداً در سال ۷۷ میلادی نیز تخریب شد. مشخص نیست که آیا فرقه باروری در روزگار پولس هم ادامه یافت یا خیر. از آنجا که رومیان، در ۱۴۶ قبل از میلاد، شهر را نابود و تمام شهروندان آن را به قتل رسانده یا اسیر کرده بودند، عطر و طعم یونانی شهر توسط استعمار روم جایگزین شده بود (*Pausanias*, II.3.7). این رویکرد فرهنگی رومی به جای فرهنگ یونانی، تفاوت زیادی در تفسیر اول قرن‌تینان دارد.

III. مؤلف

- A. پولس رسول در دومین سفر بشارتی خود به این شهر آمد، ماجرای آن در کتاب اعمال رسولان ۱: ۱۸ الی ۲۱ یافت می‌شود. از طریق یک الهام، خداوند بر پولس نشان داد که بسیاری ایمان خواهند آورد و هیچ مخالفت جدی با بشارت او صورت نخواهد گرفت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۹ الی ۱۰).

B. استراتژی بشارتی پولس این بود که در شهرهای اصلی روزگار خود کلیسا برپا کند، و میدانست که بازدید کنندگان ایمان آورده، فروشندگان دوره گرد، و ملوانان به هر جا که میروند، خبر خوش و انجیل را پخش خواهند کرد. این بر عهده کلیسای محلی بود که مسئولیت بشارت آن محل را تقبل کند.

C. همچنین پولس آکیلا و پریسکیلا و همچنین خیمه دوز یهودی چرم دوزان در قرن پنجم پیدا کرد. آنان در سال ۴۹ میلادی توسط فرمان کلادیوس بر علیه هر گونه آداب و مراسم یهودی (Orosius, Hist., ۷: ۶: ۱۵ الی ۱۶) از روم بیرون رانده شده بودند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۲). پولس تنها به قرن پنجم رفته بود. هم سیلاس و هم تیموتائوس در مقدونیه به ماموریت رفته بودند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۵). او بسیار دلسرد شده بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۹ الی ۱۹، اول قرنتیان ۲: ۳). با این وجود، او مقاومت کرد و هیجده ماه در قرن پنجم ماند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۱۱).

D. نگارنده این کتاب بودن پولس توسط کلمنت روم که نامه ای به قرن پنجم در سالهای ۹۵ / ۹۶ میلادی نوشته بود، تأیید شده است (اول کلمنت ۳۷: ۵، ۴۷: ۱ الی ۳، ۴۹: ۵). نگارنده این کتاب بودن پولس هرگز مورد تردید قرار نگرفت، حتی توسط اساتید منتقد عصر مدرن.

IV. تاریخ

A. تاریخ سفر پولس به قرن پنجم توسط کلیسای امپراتور کلودیوس در دلفی یافت می شود که تاریخ مشاعره گالیو را از ابتدای ماه ژوئیه ۵۱ تا ۵۲ ژوئیه مشخص می کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۱۲ الی ۱۷) که در نتیجه تاریخ ورود پولس میشود حدود سالهای ۴۹ الی ۵۰ میلادی.

B. تاریخ نامه پولس چیزی در اواسط دهه ۵۰ میلادی میباشد. او آن را از افسس نوشت که برای بین دو سال (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۱۰) تا سه سال (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۳۴) در آنجا مشغول بشارت بود.

C. تاریخ نگاری نوشته های پولس بر اساس F. F. Bruce و Murry Harris و با اندکی تطبیق

کتاب	تاریخ	محل نگارش	رابطه با کتاب اعمال رسولان
۱. غلاطیان	۴۸	آنتیوخوس سوریه	۱۴: ۲۸، ۱۵: ۲
۲. اول تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	۵: ۱۸
۳. دوم تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	
۴. اول قرنتیان	۵۵	افسس	۱۹: ۲۰
۵. دوم قرنتیان	۵۷/۵۶	مقدونیه	۲: ۲۰
۶. رومیان	۵۷	قرنتس	۳: ۲۰
۷ الی ۱۰. نامه های در زندان			
کولسیان	اوایل دهه ۶۰	رم	
افسیان	اوایل دهه ۶۰	رم	
فیلمون	اوایل دهه ۶۰	رم	
فیلیپیان	اواخر ۶۳ الی ۶۳	رم	۲۸: ۳۰ الی ۳۱
۱۱ الی ۱۳. چهار سفر بشارتی			
اول تیموتائوس	۶۳ (یا دیرتر)	مقدونیه	
تیتوس	۶۳ ولی قبل	افسس	
دوم تیموتائوس	۶۸ بعد از میلاد ۶۸	روم	

V. مخاطبین نامه

A. دریافت کننده این نامه کلیسای نوپایی بود که اکثریت آن را غیر یهودیان را تشکیل می دادند. جمعیت قرن پنجم از نظر نژادی و فرهنگی متفاوت بود. ما از باستان شناسی و کتاب مقدس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۴-۸) می دانیم که یک کنیسه در قرن پنجم وجود دارد.

B. سربازان رومی بعد از انجام بیست سال خدمت سربازی، در آنجا بازنشسته میشدند. قرن پنجم یک شهر آزاد، مستعمره روم و پایتخت استان رومی آخیا بود.

C. به نظر می رسد این نامه منعکس کننده چندین گروه در کلیسا باشد: (۱) یونانیان متفکری که هنوز به سنت های فلسفی خود افتخار می کردند و تلاش می کردند تا این سنتهای قدیمی و فکری را با مسیحیت پیوند دهند؛ (۲) حامیان رومی و نخبگان اجتماعی؛ (۳) یک گروه معتقد یهودی و اکثریت غیر یهودی "خدای ترس" را تشکیل می دادند که به کنیسه میرفتند؛ و (۴) تعداد زیادی از بردگان ایمان آورده

VI. هدف نامه ها

A. از چهار منبع مختلف پولس شنید که مسائلی در قرن‌تس ایجاد شده و در حال توسعه هستند:

۱. مردم خلوئه، ۱: ۱۱
 ۲. نامه ای از کلیسا و پرسیدن سوالاتی، ۷: ۱ و ۲۵، ۸: ۱، ۱۲: ۱، ۱۶: ۱ و ۱۲
 ۳. بازدید شخصی از استفان، فورتوناتوس و آخیکوس، ۱۷: ۱۶. ممکن است نامه (# ۲) توسط این مردان (# ۳) آورده شده باشد. جالب است که Murry Harris معتقد است کتاب "اول قرن‌تس" براساس اطلاعاتی است که پولس در مورد کلیسا دریافت کرده است.
 ۱. گزارشات شفاهی اعضا خانه خلوئه، که منجر شد پولس فصلهای ۱ الی ۴ را بنویسد
 ۲. گزار شفاهی نمایندگان کلیسا (یعنی استفان، فورتوناتوس و آخیکوس) که باعث شدند پولس فصلهای ۵ الی ۶ را بنویسد
 ۳. سوالات مکتوب از کلیسا، که باعث شدند پولس فصلهای ۷ الی ۱۶ را بنویسد
- B. کلیسا دچار تفرقه و نفاق شده و از رهبران مختلف جانبداری میکرد: پولس، آپولو، پطرس و احتمالاً یک گروه مسیح (مراجعه شود به ۱: ۱۲). نه فقط کلیسا بر سر شیوه رهبری دچار تفرقه شده بود، بلکه چندین مسئله اخلاقی و استفاده از نعمات الهی هم مسئله ساز شده بودند. نکته اصلی این بحث، اقتدار پولس رسول (به ویژه دوم قرن‌تس) بود!

VII. تماسهای پولس با کلیسای قرن‌تس - پیشنهادات آزمایشی

- A. چند نامه پولس به قرن‌تس نوشت؟
۱. فقط ۲ نامه، اول و دوم قرن‌تس
 ۲. سه نامه، که یکی از آنها مفقود شده است
 ۳. چهار نامه که دو تا از آنها مفقود شده اند
 ۴. برخی از اساتید عصر مردن بخش هایی از دو نامه مفقود شده را در دوم قرن‌تس یافته اند.
 - a. نامه قبلی (اول قرن‌تس ۵: ۹) در دوم قرن‌تس ۶: ۱۴ الی ۱۷: ۱
 - b. نامه شدید (دوم قرن‌تس ۲: ۳ الی ۴ و ۹، ۷: ۸ الی ۱۲) در دوم قرن‌تس ۱۰: ۱۳
 ۵. پنج، نا دوم قرن‌تس ۱۰: ۱۳ که پنجمین نامه میشود، و پس از گزارش تیتوس در رابطه با اخبار بد بعدی ارسال شد.
- B. نظریه شماره ۳ به نظر بهترین گزینه است.
 ۱. نامه قبلی مفقود شده (اول قرن‌تس ۵: ۹)
 ۲. اول قرن‌تس
 ۳. نامه شدید، مفقود شده (احتمالاً بخشی از آن در دوم قرن‌تس ۲: ۱ الی ۱۱، ۷: ۸ الی ۱۲ ثبت شده است)
 ۴. دوم قرن‌تس
- C. یک پیشنهاد بازسازی

تاریخ	بازدید	نامه
سال ۵۰ الی ۵۲ میلادی، دومین سفر بشارتی پولس	a. در دومین سفر بشارتی پولس، وی برای ۱۸ ماه در قرن‌تس ماند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۱ الی ۱۱)	
سال ۵۲ میلادی، گالیو فرماندار شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۱۲ الی ۱۷)		a. اول قرن‌تس ۵: ۹ الی ۱۱ به نظر میرسد اشاره به نامه ای درباره شرایط غیر اخلاقی در کلیسا داشته باشد. این نامه نامشخص است مگر اینکه: (۱) برخی تصور کنند که دوم قرن‌تس ۶: ۱۴ الی ۱۷ بخشی از آن است یا (۲) که دوم قرن‌تس ۲: ۳ و ۴ و ۹ نام های آئوریستی بوده و به دوم قرن‌تس

اشاره دارند.

سال ۵۶ میلادی (بهار)

b. پولس در زمانی که در افسس بود، در مورد مشکلات در کلیسا از دو منبع خبرهایی می شنود: (۱) مردم خلوتی، اول قرن‌تین ۱:۱۱ و (۲) استفان، فورتوناتوس، و آخیاکوس، اول قرن‌تین ۱۶: ۱۷. آنها ظاهراً نامه‌ای از کلیساهای خانه‌ای قرنتس که حاوی سوالاتی بودند، آورده بودند

سال ۵۶ میلادی (زمستان) یا
سال ۵۷ میلادی (زمستان)

b. پولس با نوشتن اول قرن‌تین به این سوالات پاسخ میدهد (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۷: ۱ و ۸: ۱، ۱۲: ۱، ۱۶: ۱ و ۲). تیموتائوس (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۴: ۱۷) پاسخ را از افسس (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۶: ۸) به قرنتس دریافت میکند. تیموتائوس قادر نبود که مشکلات کلیسا را حل کند.

c. پولس یک بازدید اضطراری و دردناک از قرنتس انجام داد (در اعمال رسولان ثبت نشده است، مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۲: ۱). موفقیت آمیز نبود و او مجبور به بازگشت شد.

c. پولس چندین نامه نوشت (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۲: ۳ الی ۴، ۷: ۸ الی ۱۲) به کلیساهای خانگی در قرنتس که توسط تیتوس تحویل داده شدند (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۲: ۱۳، ۷: ۱۳ الی ۱۵). این نامه نامشخص است مگر اینکه تصور کنیم بخشی از آن در دوم قرن‌تین ۱۰ الی ۱۳ باشد.

d. پولس برنامه ریزی کرده بود که تیتوس را در تروآ ببیند، ولی تیتوس نیامد، بنابراین پولس به مقدونیه رفت (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۲: ۱۳، ۷: ۵ و ۱۳)، احتمالاً فیلیپی (مراجعه شود به MSS B، C، K، L، P).

d. او تیتوس را پیدا کرد و شنید که کلیسا به رهبری او پاسخ داده و او سپس نامه دوم قرن‌تین را با شکرگزاری

فراوان نوشت (مراجعة شود به ۷: ۱۱ الی ۱۶). این نامه توسط تیتوس تحویل داده شد.

e. تغییر مشخص حالتها میان فصلهای ۱ الی ۹ و ۱۰ الی ۱۳ توسط برخی از اساتید به عنوان اخبار بدتر توصیف میگردد (احتمالاً احیای مخالفان قدیمی و همچنین اضافه شدن مخالفان جدیدتر) از کلیساهای خانگی قرن‌س پس از اینکه فصلهای ۱ الی ۹ نوشته شدند (F. F. Bruce)

e. به نظر میرسد به آخرین سفر ثبت پولس به قرن‌س در کتاب اعمال رسولان ۲۰: ۲ الی ۳ اشاره شده باشد. هر چند به نام قرن‌س مستقیماً در آن اشاره نشده، ولی چنین تصور میشود. در طول ماه‌های زمستان، او در آنجا مانده بود.

VIII. جمع بندی

- A. در اول قرن‌س ما پولس، شبانی را میبینیم که با مشکل کلیسا برخورد می‌کند. در این نامه و در غلاطیان، ما می‌بینیم او به شیوه‌های گوناگون، بر اساس نیاز کلیسا، حقایق کلی انجیل را اعمال می‌کند: آزادی برای کلیساهای غلاطی / اعمال محدودیت بر کلیساهای قرن‌س.
- B. این کتاب یا مجموعه‌ای از "غولهای فرهنگی" یا یک ثروت حقیقت اصل است که در یک محیط خاص تاریخی و فرهنگی کاربرد دارد. ما باید مراقب باشیم که حقیقت و برنامه‌های فرهنگی این واقعیت را اشتباه نگیریم. برای یک بحث مفید در مورد این مطلب مهم به کتاب How To Read the Bible for All Its Worth اثر Gordon D. Fee and Douglas Stuart صفحات ۶۵ الی ۷۶ مراجعه کنید.
- C. این کتاب شما را به حد‌نهایی توانایی معنوی خود برای تفسیر کتاب مقدس میرساند. این کار شما را مجبور خواهد کرد تا جنبه‌های الهیاتی خود را بازنگری کنید. این پنجره‌ای برای اراده خدا برای روزگار ما باز میکند، همانطور که برخی از نوشته‌های کتاب مقدس چنین میکنند.

IX. رئوس مطالب اول قرن‌س

- A. معرفی، ۱: ۱ الی ۹
۱. سلام اول نامه، ۱: ۱ الی ۹
 ۲. تشکر، ۱: ۴ الی ۹
- B. مسائل گزارش شده از قرن‌س ۱: ۱۰ الی ۶: ۲۰
۱. جناح بندی‌های درون کلیسایی به علت سوء تفاهم از انگیزه‌ها و پیام‌های رهبری مسیحی (به عنوان مثال پولس، آپولو، پطرس)، ۱: ۱۰ الی ۴: ۱۲
 ۲. بی اخلاقی‌های شوکه کننده، ۵: ۱ الی ۱۳
 ۳. دعوا و مرافه‌های مسیحیان، ۶: ۱ الی ۱۱
 ۴. آزادی مسیحی با مسئولیت محدود میشود، ۶: ۱۲ الی ۲۰
- C. نامه‌ای از قرن‌س که سوالاتی آزار دهنده می‌پرسد، ۷: ۱-۱۰ الی ۱۶: ۴
۱. مسائل جنسی انسان، ۷: ۱ الی ۴۰
 ۲. ارتباط با فرهنگ بت پرستی و آزادی مسیحی، ۸: ۱ الی ۱۱: ۱
 ۳. عبادت و روحانیت مسیحی، ۱۱: ۲ الی ۱۴: ۴۰
 ۴. بینش در خصوص اسکاتولوژی، به خصوص در مورد قیامت، ۱۵: ۱ الی ۵۸
 ۵. کمک به کلیسای مادر در اورشلیم، ۱۶: ۱ الی ۴
- D. جمع بندی
۱. برنامه سفر پولس (و مبشران همسفر او)، ۱۶: ۵ الی ۱۲
 ۲. نکته نهایی و وداع، ۱۶: ۱۳ الی ۲۴

X. خواندنی‌های پیشنهادی در مورد تفکرات پولس

- .A The Mind of St. Paul, William Barclay, published by Harper & Row
- .B Paul, Apostle of the Heart Set Free, F. F. Bruce, published by Eerdmans
- .C The Origins of Paul's Religion, J. Gresham Machen, published by Eerdmans
- .D Paul, An Outline of His Theology, Herman Ridderbos (translated by John De Witt), published by Eerdmans
- .E Epochs in the Life of Paul, A. T. Robertson, published by Baker
- .F A Man In Christ, James S. Stewart, published by Harper & Row
- .G Dictionary of Paul and His Letters, published by IVP
- .H Paul in the Roman World, The Conflict at Corinth, Robert M. Grant, published by Westminster, John Knox Press
- .I After Paul Left Corinth, Bruce W. Winter
- .J After Paul Left Corinth, Bruce W. Winter

مطالعه حلقه اول

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. هسته مرکزی تمام کتاب را با کلام خود بیان نمایید.

۱. موضوع کلیت کتاب

۲. نوع ادبیات (سبک)

مطالعه حلقه دوم (از "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

کتاب مقدس را برای بار دوم در یک نشست مطالعه نمایید. رؤس مطالب موضوع اصلی را مشخص و آن را در یک جمله بیان نمایید.

۱. موضوع اولین متن مستقل

۲. موضوع دومین متن مستقل

۳. موضوع سومین متن مستقل

۴. موضوع چهارمین متن مستقل

۵. غیره

اول قرنتیان ۱

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
خوش آمد گویی و شکرگذاری ۳-۱:۱	خوش آمد گویی ۳-۱:۱	درود ۳-۱:۱	خوش آمد گویی ۱:۱ ۲:۱ ۳:۱	خطابه و خوش آمد گویی ۳-۱:۱
۹-۴:۱	برکات معنوی در قرنتس ۹-۴:۱	شکرگذاری ۹-۴:۱	دعای خیر بنام مسیح ۹-۴:۱	شکرگذاری ۹-۴:۱
بخشهای کلیسا ۱۷-۱۰:۱	فرقه‌گرایی گناه است ۱۷-۱۰:۱	بخشهای قرنتس ۱۷-۱۰:۱	بخشهای کلیسا ۱۳-۱۰:۱ ۱۷-۱۴:۱	اختلاف عقیده در میان ایمانداران ۱۶-۱۰:۱
مسیح قدرت و حکمت خداوند است ۲۵-۱۸:۱	مسیح قدرت و حکمت خداوند است ۲۵-۱۸:۱	مصلوب شدن مسیح (۱۸:۱-۵:۲)	مسیح قدرت و حکمت خداوند است ۲۰-۱۸:۱ ۲۵-۲۱:۱	حکمت راستین و دروغین (۱۷:۱-۴:۳) ۲۵-۱۷:۱
۳۱-۲۶:۱	۳۱-۲۶:۱	۳۱-۲۶:۱	۳۱-۲۶:۱	۳۱-۲۶:۱

* پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی، واژه‌نامه و اصطلاحات دستور زبان یونانی.
مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۱:۱

از پولس، که به خواست خدا فرا خوانده شده است تا رسول عیسی مسیح باشد، و از برادرمان سوشتینس،

- ۱:۱ "پولس" بیشتر یهودیانی که در روزگار پولس بیرون از فلسطین زندگی می‌کردند دارای دو نام بودم بودند، یکی نام یهودی و دیگری نام یونانی (اعمال رسولان ۹:۱۳). نام یهودی پولس، شائول بود. او، همچون پادشاه باستانی قوم بنی اسرائیل، از تبار بنیامین بود (رومیان ۱:۱۱؛ فیلیپیان ۳:۵). نام رومی یا یونانی او، پولس، بمعنی "کوچک" بوده است. این نام اشاره به یکی از موارد زیر دارد:
۱. اشاره به جثه کوچک او، که در یکی از کتابهای غیر شرعی قرن دوم بنام اعمال پولس، در فصلی که مرتبط با تسالونیکا و بنام "پولس و تکلا" است، نیز به آن اشاره گردیده بود.
 ۲. اشاره به حس درونی خود پولس که خود را حقیرترین رسولان می‌دانست، زیرا در واقع او بود که کلیسا را تحت ستم قرار داد (۱ قرن‌تینان ۱۵:۹؛ افسسیان ۳:۸؛ تیموتائوس ۱:۱۵).
 ۳. و یا اینکه تنها علت آن، نام‌گذاری والدین او در بدو تولد بوده باشد.
- "فراخوانده شد" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: فراخواندن

(Special Topic: Called)

- خدا همیشه در فرا خواندن، انتخاب کردن و تشویق ایمانداران به سوی خود گام اول را بر میدارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵، ۱۵: ۱۶، اول قرن‌تینان ۱: ۱ الی ۲، افسسیان ۱: ۴ الی ۵ و ۱۱). اصطلاح "فراخواندن" در چندین مفهوم الهیاتی استفاده شده است.
- A. در عهد عتیق، "فراخواندن به نام او" همیشه در متن دعاها استفاده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۲۶، ۱۲: ۸، ۲۱: ۳۳، ۲۶: ۲۵، کتاب خروج ۳۴: ۵).
 - B. با فیض خدا (یعنی کتاب خروج ۳۴: ۶ الی ۷)، و از طریق کاری که مسیح انجام داده و روح القدس گناهکاران را محکوم کرده است (یعنی klētos، مراجعه شود به رومیان ۱: ۶ الی ۷، ۹: ۲۴، که از نگاه الهیاتی مشابه اول قرن‌تینان ۱: ۱ الی ۲ و دوم تیموتائوس ۱: ۹، دوم پطرس ۱: ۱۰ است) گناهکاران به رستگاری فراخوانده میشوند.
 - C. به نام خدا گناهکاران برای رستگاری فرا خوانده میشوند (یعنی epikaleō، مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۱، ۲۲: ۱۶، رومیان ۱: ۱۰ الی ۱۳). این عبارت یک اصطلاح در دعاهای یهودیان است.
 - D. در مواقع بحران و فشار ایمانداران به نام او فرا خوانده میشوند (یعنی اعمال رسولان ۷: ۵۹).
 - E. ایمانداران فرا خوانده میشوند که همانند مسیح زندگی کنند (یعنی klēsis، مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱: ۲۶، ۷: ۲۰، افسسیان ۴: ۱، فیلیپیان ۳: ۱۴، دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱، دوم تیموتائوس ۱: ۹).
 - F. ایمانداران فراخوانده میشوند تا بشارت کنند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۲، اول قرن‌تینان ۱۲: ۴ الی ۷، افسسیان ۴: ۱).

■ "رسول" در زبان یونانی این لغتی بسیار رایج برای "فرستادن" است (apostellō). به موضوع خاص در ۱ قرن‌تینان ۹: ۴ رجوع نمایید. این واژه موارد مصرف متعددی به لحاظ الهیاتی دارد.

۱. عالمان یهود از آن بعنوان فردی که در مقام نمایندگی رسمی شخص دیگری فراخوانده و فرستاده شده استفاده می‌کنند، چیزی شبیه واژه "سفیر" (۲ قرن‌تینان ۵: ۲۰).
۲. در اناجیل از این اغلب واژه در رابطه با عیسی بعنوان شخصی که توسط پدر فرستاده شده، استفاده شده است (متی ۱۰: ۴۰؛ ۲۴: ۱۵؛ مرقس ۹: ۳۷؛ لوقا ۹: ۴۸). در یوحنا این واژه برای نشان حس مسیحایی بکار رفته است (یوحنا ۴: ۳۴؛ ۵: ۲۴، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۷؛ ۷: ۲۹؛ ۸: ۴۲؛ ۱۰: ۳۶؛ ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۳، ۸، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵؛ ۲۰: ۲۱). از این واژه برای عیسی که در حال فرستادن ایمانداران است، استفاده شده است (یوحنا ۱۷: ۱۸؛ ۲۰: ۲۱).
۳. در عهد جدید در رابطه با حواریون عیسی استفاده شده است

a. دوازده شاگردی که بعنوان حلقه اصلی حواریون شناخته می‌شوند (لوقا ۶: ۱۳؛ اعمال رسولان ۱: ۲۱-۲۲).

b. گروه خاصی از دستیاران کمکی و همکاران رسولی

(۱) برنابا (اعمال رسولان ۴: ۱۴، ۱۴)

(۲) آندرونیوکوس و یونیا (KJV، یونیا، رومیان ۷: ۱۶)

(۳) آپولس (۱ قرنتیان ۴: ۶-۹)

(۴) یعقوب، برادر خداوند (غلاطیان ۱: ۱۹)

(۵) سیلوانوس و تیموتائوس (۱ تسالونیکیان ۲: ۶)

(۶) احتمالاً تیتوس (۲ قرنتیان ۸: ۲۳)

(۷) احتمالاً اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵)

c. هدیه‌ای مداوم در کلیسا (۱ قرنتیان ۲: ۲۸-۲۹؛ افسسیان ۳: ۱۱)

۴. پولس در نامه‌هایش از این عنوان برای اشاره به خودش زیاد استفاده کرده تا راهی برای تصریح این فراخوان و اختیار توسط خداوند و بعنوان نماینده عیسی باشد (رومیان ۱: ۱؛ ۱ قرنتیان ۱: ۱؛ ۲ قرنتیان ۱: ۱؛ غلاطیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۱؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱؛ تیتوس ۱: ۱).

■ "عیسی مسیح" این واژگان بخشی از عنوان کامل "خداوند عیسی مسیح" است (۱ قرنتیان ۲: ۱، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۰). این سه عنوان هریک ویژگی خاص و منحصر بفرد خود را دارند.

۱. "عیسی" نامی است که توسط یک فرشته در بیت‌الحم به کودک داده شد (متی ۱: ۲۱). این نام از نام عبری تشکیل شده است: "یهوه"، نام پیمانی برای خداوند، و "رستگاری" (هوشع). این نام مشابه یوشع می‌باشد. هنگامی که به تنهایی بکار برده شود، اغلب مشخص کننده مرد، عیسی ناصری، فرزند مریم می‌باشد (متی ۱: ۱۶، ۲۵؛ ۲: ۱؛ ۳: ۱۳، ۱۵، ۱۶).

۲. "مسیح" ترجمه یونانی از کلمه عبری مسیحا است (*Messiah*، کسی که با روغن تدهین شده است). این نام تصریح کننده عنوان عهد عتیق عیسی بعنوان فرستاده‌ای که یهوه وعده آند را برای بوجود آوردن عصر جدیدی از عدل، می‌باشد.

۳. "Lord" (در نسخه KJV و در اول قرنتیان ۱: ۱ بکار برده شده است) ترجمه واژه عبری *adon* بمعنی "مالک، شوهر، ارباب و سرور" می‌باشد. یهودیان برای پرهیز از بکار بردن اشتباه نام مقدس یهوه و متقاعب آن زیر پا گذاشتن یکی از فرامین ده فرمان، از تلفظ آن می‌هراسیده و اجتناب می‌کردند. آنان هر بار که متن کتاب مقدس را می‌خواندند، واژه *Adon* را جایگزین یهوه می‌کردند. به همین دلیل است که ترجمه‌های انگلیسی که ما در دست داریم، همگی نام یهوه را در عهد عتیق با حروف بزرگ درج کرده‌اند (YHWH). به انتقال این عنوان به عیسی (*kurios* در زبان یونانی)، نویسندگان عهد جدید بر جنبه آسمانی بودن او میزان برابری وی با پدر صحه می‌گذارند.

■ "به خواست خدا" این یکی از چندین تأکیدی است که در ارتباط با سطح اختیارات پولس در این وجود دارد، می‌باشد ("رسولی را فرا خواند"، ۱ قرنتیان ۱: ۱، "به خواست خدا"، ۱ قرنتیان ۱: ۱، و "بنام خداوندان عیسی مسیح"، ۱ قرنتیان ۱: ۱۰). اختیارات رسولی پولس بزرگترین مشکل الهیاتی نامه‌های قرنتیان، بویژه دوم قرنتیان است.

مشابه همین عبارات در اول کولسیان ۱: ۱؛ اول قرنتیان ۱: ۱؛ دوم قرنتیان ۱: ۱ و دوم تیموتائوس ۱: ۱ دیده می‌شود. پولس متقاعد شده بود که از جانب خداوند به مقام رسول، برگزیده شده است. این احساس ویژه‌ی فراخوانده شدن از جانب خداوند، باعث ماجرای دمشق گردید (اعمال رسولان ۹: ۲۲، ۲۶).

■ "سوستینیس" احتمال دارد که وی همان رهبر یهودی باشد که در اعمال رسولان ۱۷: ۱۸ از وی نام برده شده است. او توسط مردم مورد ضرب و شتم قرار گرفت و احتمالاً بعداً تبدیل به فردی مؤمن و رهبر یک کلیسای محلی گردید. این امکان وجود دارد که او برای پولس (۱ دستیار، ۲) کاتب، (۳) سرمنشأ اطلاعات درباره کلیسا و یا (۴) کسی که کلیسا را خوب می‌شناخت، بوده باشد.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۲: ۱

آیه کلیسای خدا در قرنتس، که در مسیح عیسی تقدیس شده و فرا خوانده شده‌اند تا قوم مقدس خدا باشند، همراه با همه آنان که در هر جای دیگر نام خداوند ما عیسی مسیح را می‌خوانند، که خداوند ما و خداوند ایشان است:

موضوع خاص: کلیسا (ekkleisia)

(Special Topic: Church – ekklesia)

کلمه یونانی *ekkleisia* از دو کلمه می‌آید "خارج از" و "فرا خواند". این کلمه کاربرد دنیوی دارد (یعنی اتباع را به گردهمایی فرا خواندن، رجوع شود به اعمال ۱۹:۳۲ و ۳۹ و ۴۱) و به واسطه استفاده Septuagint این کلمه برای "حضر در کلیسای" اسرائیل (Qahal, BDB 874, KB 1078). رجوع شود به اعداد ۱۶:۳، ۲۰:۴، تثنیه ۳۰:۳۱، به عنوان یک کاربرد دینی تلقی می‌گردد. کلیسای اولیه خود را به عنوان ادامه مردم خدا در عهد عتیق می‌دانستند. آنها اسرائیل جدید بودند (رجوع شود به رومیان ۲:۲۸ و ۲۹، غلاطیان ۳:۲۹، ۶:۱۶، اول پطرس ۲:۵ و ۹، مکاشفه ۶:۱)، تحقق ماموریت جهانی خدا (رجوع شود به پیدایش ۳:۱۵، ۱۲:۳، خروج ۵:۱۹ و ۶، متی ۱۸:۲۸ الی ۲۰، لوقا ۴۷:۲۴، اعمال ۸:۱، موضوع خاص: برنامه رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید).

این کلمه با چندین مفهوم در اناجیل و اعمال به کار برده شده است.

۱. دیدارهایی با جنبه غیر روحانی در شهر، اعمال ۱۹:۳۲ و ۳۹ و ۴۱
۲. مردم خدا در عیسی، متی ۱۶:۱۸ و افسسیان
۳. گردهمایی محلی ایمانداران در عیسی، انجیل متی ۱۸:۱۷، اعمال رسولان ۵:۱۱ (در این آیات، کلیسا در اورشلیم)، اعمال رسولان ۱۳:۱۱، رومیان ۵:۱۶، اول قرنتیان ۱۶:۱۹، کولسیان ۴:۱۵، فیلمون آیه ۲
۴. کل مردم اسرائیل، اعمال ۷:۳۸ در مراسم استغفار
۵. مردم خدا در منطقه، اعمال رسولان ۸:۳، غلاطیان ۱:۲ (یهودا یا فلسطین)

کلیسا، یعنی مردمی که گرد هم آمده اند، نه یک ساختمان. برای صدها سال هیچ ساختمانی برای کلیسا وجود نداشت. در یعقوب (یکی از نخستین کتب مسیحی) کلیسا به کلمه *synagōgē* (انجمن) اطلاق می‌شد. این اصطلاح برای کلیسا فقط در کتاب یعقوب دیده می‌شود (رجوع شود به کتاب یعقوب ۲:۲ و ۱۴:۵).

■ "خدا در قرُنش" این عبارات، دو حالت مجزا را درباره "کلیسا" بیان می‌کند.

۱. کلیسا، بدن دوباره متولد شده و تعمید داده شده ایمانداران است. اکثر جاها در عهد عتیق که کلمه *ekkleisia* در آن بکار برده شده، این قالب را بازتاب می‌دهد.
۲. کلیسا همچنین معرف بدن عیسی در یک قالب جهانی است. این حالت را می‌توان در متی ۱۸:۱۶ مشاهده کرد (اولین جایی که می‌توان بندرت استفاده آن را توسط عیسی مشاهده کرد، متی ۱۷:۱۸ است که دو بار بکار رفته است)؛ اعمال رسولان ۹:۳۱ نیز "کلیسا" را بصورت مفرد و در اشاره به تمامی اجتماعهای محلی در یهودا، جلیلیه و سامره بکار برده؛ و در نهایت، استفاده این واژه در افسسیان، که نامه به تمام کلیساهای آسیای صغیر بود (افسسیان ۱:۲۲؛ ۳:۱۰، ۲۱؛ ۵:۲۳-۳۲).

این بدن بزرگ از عیسی، توسط مجموعه بزرگی از تمامی ایمانداران بوجود آمده (برخی که اکنون زنده یا مرده‌اند) و از این بدن جهانی، بصورت محلی صدای عیسی مسیح بگوش می‌رسد.

■ "که در مسیح عیسی تقدیس شده" این جمله وجه و صفی مجهول کامل است که بمعنی شروع و تداوم تقدیس آنان بوسیله کار عیسی بوا سطره روح القدس می‌باشد (۱ قرنتیان ۶:۱۱). این واژه (*hagiazō*) مرتبط است به کلمه "مقدس" (*hagios*) و "قدیس" ("قدیسان" *hagioi*). این واژه از جدایی ما از خدا بمنظور خدمت سخن می‌گوید. در اینجا اشاره به جایگاه ما در ارتباط با خداوند دارد، آنگونه که ۱ قرنتیان ۳:۱ دارای چنین جایگاهیست، اما در بخشهای دیگر عهد عتیق، ایمانداران برای رسیدن به آن "تقدیس" کوشش نمایند (متی ۵:۴۸). این جایگاهیست که باید آن را با تلاش بدست آورد. پولس کلیسای نفاق افکن و مقرو را "قدیسان" نامید، حتی با وجود شکستها و گناهایی که مرتکب می‌شدند!

موضوع خاص: تقدس در عهد جدید

(Special Topic: NT Holiness / Sanctification)

عهد جدید معتقد است که وقتی گناهکاران با توبه و ایمان به سوی عیسی باز می گردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۱: ۲۰)، آنها بلافاصله موجه و تقدیس می شوند. این موقعیت جدید آنها در مسیح است. پارسایی او به آنها نسبت داده میشود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۶؛ رومیان ۴). آنها درست و مقدس (عملی از سوی خدا) اعلام میشوند.

اما عهد جدید نیز مؤمنان را به تقدس و تقدیس دعوت می کند. این هر دو موقعیت الهیات در کار پایان یافته عیسی مسیح و دعوت به مسیحیت در نگرش و اعمال در زندگی روزمره است. به عنوان رستگاری یک هدیه رایگان است و هزینه زندگی و شیوه زندگی هم همینطور تقدس است.

مسیحیت پیشرو

رومیان ۶: ۱۹
دوم قرنتیان ۱: ۷
افسیسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰
اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ الی ۷ و ۵: ۲
اول تیموتائوس ۲: ۱۵
دوم تیموتائوس ۲: ۲۱
اول پطرس ۱: ۱۵ الی ۱۶
عبرانیان ۱۲: ۱۴

پاسخ اولیه

اعمال رسولان ۲۶: ۱۸
رومیان ۱۵: ۱۶
اول قرنتیان ۱: ۲ الی ۳، ۶: ۱۱
دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳
عبرانیان ۲: ۱۱، ۱۰: ۱۰ و ۱۴، ۱۳: ۱۲
دوم پطرس ۱: ۲

□ "نام عیسی مسیح" این قالب دستوری بصورت یک هسته مرکزی مشخص گردیده است. ایمانداران توسط پدر تقدیس (منبع، یوحنا ۱۷: ۷؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۳) بواسطه مسیح گردیده اند (زمینه ها، ۱ قرنتیان ۱: ۲؛ افسسیان ۵: ۲۶). هر دوی این جنبه ها در عبرانیان ۲: ۱۱ در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. معمولاً این اعمال توسط روح القدس عملی می گردند (واسطه، رومیان ۱۵: ۱۶؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳). این یکی از راه های مورد علاقه پولس برای مشخص کردن ایمانداران است. مثال خوبی در این رابطه افسسیان آیات ۱: ۳، ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳ است. در این مورد می توانید به کتاب *The Mind of St. Paul* نوشته William Barclay صفحات ۱۲۱ تا ۱۳۲ مراجعه نمایید. یعنی اتحاد واجب با عیسی (اعمال رسولان ۱۷: ۲۸).

جالب است که بدانیم در برخی کتب، این نام چگونه نوشته شده است

۱. "بنام مسیح عیسی" - MSS P46, B, D, F, G

۲. "بنام عیسی مسیح" - MSS A, B, C

اینگونه اختلافات اغلب در زمان خواندن و کپی کردن بوقوع می پیوندند. در عین اینکه بر روی معنای کلام تغییری ایجاد نمی کنند، اما نشان می دهند که کاتبین اولیه به مفهوم مقدماتی متن اهمیت می دادند و نه به ادبیات صلیبی آن.

□ "فراخوانده شده اند" وجه وصفی حال است. پولس در حالی رسول نامیده شد که مسیحیان قرنیه هم قدیس نامیده شدند (رومیان ۱: ۷). به تأکید زیادی که بر روی دکنترین انتخاب این فصل در اول قرنتیان ۱: ۹، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸ شده توجه نمایید. این ساختار اشاره به شروع کار خدا از طریق فراخوان آنان و سپس فراخواندن عیسی به دعا برای نجات و رستگاری دارد، که نتیجه آن، دعا، عبادت و اطاعت در حال پیشرفت است. اجابت ایمان / توبه شروع اولیه نجات می باشد. به موضوع خاص: فراخواندن در اول قرنتیان ۱: ۱ شروع نمایید.

□ "مقدس" (در نسخه انگلیسی قدیس نوشته شده است) این واژه (*hagioi*) به لحاظ الهیاتی به واژه عهد عتیق "مقدس"، (*kadosh*) که بمعنی "کنار گذاشته شده برای خدمت به خدا" می باشد، مرتبط است (۱ قرنتیان ۱: ۲؛ ۲ قرنتیان ۱: ۱؛ رومیان ۱: ۱؛ فیلیپیان ۱: ۲). این واژه بجز یکبار و آن هم در کتاب فیلیپیان (۴: ۲۱)، در عهد جدید بصورت جمع بکار برده شده است. اما حتی در آنجا نیز بصورت کلی بکار رفته است. نجات یافتن بخشی از جامعه ایمانی، خانواده ایمانداران و بدن عیسی است.

قوم خدا بدلیل نسبتی که با عدالت عیسی دارد (رومیان ۴: ۲؛ ۲ قرنتیان ۵: ۲۱؛ غلاطیان ۳). این خواست خدا بود که آنان زندگی مقدسی داشتند (۱ قرنتیان ۱: ۴؛ ۴: ۱؛ ۵: ۲۷؛ کولسیان ۱: ۲۲؛ ۳: ۱۲). ایمانداران هم مقدس شمرده می شوند (تقدیس) و هم به زندگی چون قدیسان فراخوانده می شوند (تقدیس در حال پیشرفت). توجیه و تقدیس باید در کنار یکدیگر شهادت داده شوند!

موضوع خاص: قدیسان (Special Topic: SAINTS [hagios])

این یک لغت هم عرض با واژه عبری *kadosh* می‌باشد (اسم، BDB871؛ فعل 1066-1067 KB, BDB872؛ به موضوع خاص مقدس مراجعه کنید)، که معنی اولیه آن، "شخصی را، چیزی را، مکانی را برای استفاده انحصاری یهوه کنار گذاشتن (بمفهوم ذخیر کردن" است. در زبان انگلیسی این لغت بعنوان "مقدس" استفاده می‌شود. اسرائیل "قوم مقدس" یهوه بود (۱ پترس ۲:۹؛ که نقل قولی از خروج آیه ۱۹:۶ است). یهوه برای بشریت به واسطه ذاتش (ابدی و خلق نشده) و شخصیتش (غایت کمال) کنار گذاشته شد. او استانداردی است که هر آنچه که وجود دارد بر مبنی او قیاس و سنجیده می‌شوند. او والاتر و بالاتر از هر چیز است، ذاتی مقدس که دیگران را تقدیس می‌کند.

او آدمیزاد را برای دوستی آفرید، اما اخراج آنان از بهشت (پیدایش ۳) مسبب بوجود آمدی مرزهای دوستی و اخلاقی با خالق عظیم و بشریت گنهکار گردید. خواست خدا بوده که مخلوقات را هشیارانه بیافریند، لذا، مردمش را به تقدیس فرا خواند (لاویان ۱۱:۴۴؛ ۲:۱۹؛ ۷:۲۰؛ ۲۶:۲۱؛ ۸:۲۱). بوسیله ارتباطی مبتنی بر ایمان با خدای یهوه و با وعده او، مردمان او مقدس می‌شوند، اما در عین حال به ادامه چنین زندگی نیز فراخوانده می‌شوند (به موضوع خاص تحکیم و همینطور متی ۵:۴۸؛ افسسیان ۴:۱، ۱۷:۵-۲، ۳:۱۵؛ ۱ پترس ۱:۱۵ رجوع شود).

چنین زندگی ممکن است زیرا ایمانداران کاملاً پذیرفته شده و بواسطه (۱) زندگی عیسی و (۲) کار و حضور روح القدس در ذهن و قلب آنان، بخشیده شده‌اند.

این موضوع باعث بوجود آمدن تناقضی میان ایمانداران می‌گردد:

۱. مقدس بودن بخاطر حقانیت ذاتی عیسی (رومیان ۴)
۲. فراخوانده شدن به زندگی این چنینی بخاطر حضور روح القدس (به موضوع خاص تحکیم مراجعه شود)

ایمانداران "قدیس" هستند (*hagioi*) به دلیل:

۱. خواست روح اقدس (پدر، یوحنا ۶:۲۹، ۴۰؛ ۱ پترس ۱:۱۵-۱۶)
۲. کار پسر مقدس (عیسی، ۲ قرنتیان ۵:۲۱؛ ۱ پترس ۱:۱۸-۲۱)
۳. حضور دائمی روح القدس (رومیان ۸:۹-۱۱، ۲۷)

عهد جدید این کلمه را بصورت جمع بکار می‌برد، قدیسان (بجز یک جا در فیلیپیان ۴:۲۱، اما حتی در متن آن را تبدیل به جمع می‌کند). نجات یافتن بخشی از یک خانواده است، یک بدن و یک ساختمان! ایمان انجیلی با دریافت شخصی شروع می‌گردد، اما در دوستی مشکلاتی بوجود می‌آورد. همه ما بواسطه سلامتی، رشد و بدن نیکی که از عیسی داریم، یعنی کلیسا (۱ قرنتیان ۷:۱۲) دارای نعمتی خدادادی هستیم (۱ قرنتیان ۱۲:۱۱). ما نجات یافتیم که خدمتگذار باشیم! "تقدس" ساختار خانواده است!

این نام برای ایمانداران بصورت لقب (اعمال رسولان ۹:۱۳، ۳۲، ۴۱؛ ۲۶:۱۰؛ رومیان ۷:۱؛ ۱ قرنتیان ۲:۱؛ ۲ قرنتیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۱؛ فیلیپیان ۱:۱؛ کولسیان ۲:۱) و راهی برای خدمت به دیگران تبدیل شد (رومیان ۱۲:۱۳؛ ۱۶:۲؛ افسسیان ۱:۱۵؛ کولسیان ۱:۴؛ ۱ تیموتائوس ۵:۱۰؛ عبرانیان ۶:۱۰). پولس فقط یک بار چیزی را از کلیساهای بی‌ایمانان فراگرفت و آن را برای کلیسای مادر در اورشلیم استفاده کرد (رومیان ۲۶-۲۵:۱؛ ۱ قرنتیان ۱۶:۱؛ ۲ قرنتیان ۸:۴؛ ۹:۱).

■ "همراه با همه آنان که در هر جای دیگر" پولس از این عبارت برای یادآوری به ایمانداران قرن‌تی که بخشی از یک خانواده بزرگتر کلیسا هستند، استفاده می‌کند. آنان شایستگی رفتار خاص را نداشتند. آنان باید با تمامیت مسیح هم‌نوا باشند (۱ قرنتیان ۴:۱۷؛ ۷:۱۷؛ ۱۶:۱۱؛ ۱۴:۳۳).

■ "نام خداوند ما عیسی مسیح را می‌خوانند" این بخش اشاره به تبدیل شدن به یک مسیحی (اعمال رسولان ۲:۲۱؛ ۲۲:۱۶؛ رومیان ۹:۱۰-۱۳)، اما در عین حال ادامه‌دار بودن عبادت دارد (عهد عتیق نام را بکار برده است، پیدایش ۴:۲۶؛ ۸:۱۲؛ ۲۵:۲۶). در اینجا بصورت وجه وصفی زمان حال بکار برده شده، که ارتباط ایمانی لحظه به لحظه با مسیح را تعریف می‌کند (مشابه الهیات پولس در زمان کاربرد "بوسیله مسیح") و در عین حال تأکیدی بر یک خواست شخصی است. به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱۰:۱ مراجعه نمایید.

■ "خداوند ما و خداوند ایشان است" این عبارت دیگر نیست که از واحد بودن همه ایمانداران و کلیسا می گوید. عیسی مالک و سرور همه جماعت‌های مسیحی است که قرن‌تس نیز شامل آن می شود. پولس خود و سوستینس را در این عبارات با ایمانداران قرن‌تس شناسایی می نماید. باید به آنان یادآوری شود (۱) که آنان فقط یکی از جماعت‌های مسیحیان هستند و (۲) که پولس یکی از آنان است که برای آنان فعالیت می کند!

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تس ۳:۱

۳ فیض و سلامتی از سوی خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

۳:۱ "فیض" پولس کلام آغازین "درود" (*charein*) در نامه را با یک واژه منحصر بفرد مسیحی که ندای مشابهی هم دارد، *charis* تغییر داده است (رومیان ۷:۱؛ ۲ قرن‌تس ۱:۲؛ غلاطیان ۳:۱؛ افسسیان ۲:۱؛ فیلیپیان ۲:۱؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۱؛ فیلمون ۳:۱).

■ "سلامتی" (در نسخه انگلیسی از واژه "صلح" استفاده شده است) این امکان وجود دارد که فیض، بازتاب دهنده یک واژه معمولی برای خوش آمد گویی در زبان یونانی بوده باشد، لذا "صلح" نیز بازتاب دهنده یک واژه مشابه عبری، یعنی *shalom* است. واژه *shalom* در زبان عبری هم برای سلام بکار می رود و هم برای خداحافظی. این واژه نه فقط از فقدان مشکلات، بلکه از وجود نیکی و سلامتی سخن می گوید. خوش آمدگویی پولس می تواند از کتاب اعداد آیات ۶:۲۵-۲۶، در جایی که هم برای صلح و هم برای فیض ظاهر می شود، نشأت گرفته باشد. بلحاظ الهیاتی، فیض همیشه مقدم بر صلح است، اما هر دو این واژگان فقط در یک رابطه ایمانی با مسیح یافت می شوند (هم بصورت مشارکتی و هم بصورت فردی).

موضوع خاص: صلح (*Shalom*) [OT]

SPECIAL TOPIC: PEACE (*shalom*) [OT]

واژه عبری *shalom* (BDB 1022, KB 1532) در میان واژگان هم ریشه زبان سامی، رواج داشته است.

A. زبان اکدی

۱. صدمه ندیدن
۲. سالم ماندن
۳. در وضعیت خوب بودن

B. زبان اوگاریتی (کنعانی)

۱. صدمه ندیدن
۲. سلامت بودن

C. عربی

۱. سلامت بودن
۲. در شادی بودن

D. آرامی

۱. کامل بودن
۲. به پایان رساندن
۳. صدمه ندیدن

E. عبری

۱. تکمیل
۲. سلامتی
۳. رفاه
۴. صلح

امروزه واژه *shalom* برای سلام و خداحافظی بکار برده می شود. این واژه هنوز نبود شریر و حضور نیکی را در خود حفظ کرده است (خرسندی از زندگی). این واژه از حالت روانی امنیت و رضایت سخن می گوید. توجه نمایید که عهد عتیق چگونه از "پیمان صلح" حرف می زند (اعداد ۲۵:۱۲؛ حزقیال ۳۴:۲۵؛ ۲۶:۳۷؛ همچنین به پیدایش ۲۶:۲۹، ۳۱ و یوشع ۹:۱۵ نیز توجه نمایید). این امر باید پیگیری شود (مزمور ۳۴:۱۴؛ رومیان ۱۴:۱۹). AB جلد ۵ صفحه ۲۰۶ می نویسد، "صلح"، "حقیقت" و "عدالت" مفاهیم هم‌تراز در زبان عبری هستند (زکریا ۸:۱۶-۱۹). یهوه "خدای صلح" نامیده شده است

(داوران ۲۴:۶؛ رومیان ۱۶:۲۰؛ ۲قرن‌تین ۱۳:۱۱؛ فیلیپیان ۴:۹؛ ۱تسالونیکیان ۵:۲۳). مسیحا "شاهزاده صلح" خوانده خواهد شد (اشعیا ۹:۵). روز جدید، زمانی که صلح، حقیقت و عدالت برای بشریت به واقعیت خواهد پیوست (اشعیا ۶۰:۱۷؛ ۶۶:۱۲، ۲۲). عبارت "خیلی خوب" که در پیدایش ۱:۳۱ بکار رفته، دوباره ممکن خواهد شد، قول می‌دهم ("بهشتی جدید و زمینی جدید").

■ "سلامتی از سوی خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح" هر دو واژه "فیض" و "صلح" از پدر و پسر گرفته می‌شوند. پدر و عیسی بلحاظ دستوری بشکل واحد مرتبط هستند (یک حرف اضافه، ولی دو موضوع). در میان نویسندگان عهد جدید این امر بمنظور نشان دادن جنبه آسمانی عیسی رواج داشت (۱تسالونیکیان ۱:۱؛ ۳:۱۱؛ ۲تسالونیکیان ۱:۲؛ ۱۲:۲؛ ۱۶:۲). کاربرد عناوین عهد عتیقی خداوند برای عیسی، راه دیگری برای نشان دادن حقیقت مشابه است (ارباب)؛ در عین حال رویدادی عهد عتیقی "روز خداوند ما"، که اکنون برای عیسی بکار می‌رود ("روز خداوند ما عیسی مسیح"، ۱قرن‌تین ۱:۸).

برای عنوان "خداوند عیسی مسیح" به یادداشت ۱قرن‌تین ۱:۱ مراجعه نمایید.

موضوع خاص: پدر بودن خدا (Special Topic: The Fatherhood Of God)

I. عهد عتیق

A. این حس وجود دارد که خدا به واسطه خلقت، پدر است

۱. پیدایش ۱:۲۶-۲۷

۲. ملاکی ۲:۱۰

۳. اعمال رسولان ۱۷:۲۸

B. پدر قیاسی است که در حالات متعدد بکار برده شده است

۱. پدر اسرائیل (با انتخاب)

a. "پسر" - سفر خروج ۴:۲۲، تثنیه ۱:۱۴، اشعیا ۲:۱، ۱۶:۶۳، ۸:۶۴، ارمیا ۱۹:۳، ۹:۳۱ و ۲۰، هوشع ۱۰:۱، ۱۱:۱، ملاکی ۱:۶

b. "نخستین زاده" - ارمیا ۱۹:۳

۲. پدر پادشاه اسرائیل (مسیحیت)

a. دوم سموئیل ۷:۱۱ الی ۱۶

b. مزمور ۷:۲، اعمال رسولان ۳۳:۱۳، عبرانیان ۵:۱ و ۵:۵

c. هوشع ۱:۱۱، انجیل متی ۱۵:۲

۳. تشبیه عشق والدین

a. پدر (استعاره)

(۱) پسر خود را حمل می‌کند - تثنیه ۳۱:۱

(۲) تادیب - تثنیه ۵:۸، امثال ۱۲:۳

(۳) ارائه می‌دهد (سفر خروج) - تثنیه ۶:۳۲

(۴) هرگز فراموش نمی‌کند - مزمور ۱۰:۲۷

(۵) عشق می‌ورزد - مزموز ۱۳:۱۰۳

(۶) دوست/راهنما - ارمیا ۴:۳

(۷) شفا دهنده/بخشنده - ارمیا ۲۲:۳

(۸) ترحم می‌کند - ارمیا ۲۰:۳۱

(۹) مربی - هوشع ۱:۱۱ الی ۴

b. مادر (استعاره)

(۱) هرگز فراموش نمی‌کند - مزمور ۱۰:۲۷

(۲) عشق مادرانه - اشعیا ۱۵:۴۹، ۹:۶۶ الی ۱۳، و هوشع ۴:۱۱ (با تصحیح پیشنهادی در متن کلمه تغییر کلمه بنده به نوزاد)

II. عهد جدید

A. تثلیث (متونی که هر سه در آنها ذکر شده‌اند)

۱. انجیل

a. انجیل متی ۳:۱۶ و ۱۷، ۱۹:۲۸

b. انجیل یوحنا ۱۴:۲۶

۲. پولس

a. رومیان ۱:۴-۵؛ ۱:۵؛ ۸:۱-۴، ۸-۱۰

b. ۱قرنتیان ۲:۸-۱۰؛ ۱۲:۴-۶

c. ۲قرنتیان ۱:۲۱-۲۲؛ ۱۳:۱۴

d. غلاطیان ۴:۴-۶

e. افسسیان ۱:۳-۱۴، ۱۷:۲؛ ۱۸:۳؛ ۱۴:۳-۱۷؛ ۴:۴

f. ۱تسالونیکیان ۱:۲-۵

g. ۲تسالونیکیان ۲:۱۳

h. تیتوس ۳:۴-۶

۳. پطرس - اول پطرس ۱:۲

۴. یهودا - ۲۰-۲۱

B. عیسی

۱. عیسی به عنوان "تنها تولد یافته" - انجیل یوحنا ۱:۱۸، ۱:۱۶ و ۳:۱۸، اول یوحنا ۹:۴

۲. عیسی به عنوان "پسر خدا" - انجیل متی ۴:۳، ۱۴:۳۳، ۱۶:۱۶، انجیل لوقا ۳:۳۲ و ۱ و ۳۵، انجیل یوحنا ۳:۳۴ و ۱:۴۹، ۶:۶۹، ۱۱:۲۷

۳. عیسی به عنوان پسر محبوب - انجیل متی ۳:۱۷، ۱۷:۵

۴. استفاده عیسی از پدر برای خدا - انجیل مرقس ۱۴:۳۶

۵. استفاده عیسی از ضمائر برای نشان دادن رابطه خودش و ما با خدا

a. "پدرم" - برای مثال در انجیل یوحنا ۱۸:۵، ۱۰:۳۳، ۱۹:۷، ۱۷:۲۰

b. "پدرت" برای مثال انجیل متی ۵:۱۶ و ۴۵ و ۴۸، ۱:۶ و ۴ و ۸ و ۹ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۶ و ۲۳، ۱۱:۷، ۲۰:۱۰ و ۲۹، ۱۸:۱۴

c. "پدر ما" برای مثال انجیل متی ۹:۶ و ۱۴ و ۲۶

C. یکی از استعاره‌های خانوادگی که زیاد برای رابطه صمیمی میان خدا و نوع بشر به کار رفته است:

۱. خدا به عنوان پدر

۲. ایمانداران به عنوان

a. فرزندان خدا

b. فرزندان

c. تولد یافته توسط خدا

d. تولد دوباره

e. به سرپرستی گرفته شده

f. ثمر یافته

g. خانواده خدا

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۱:۴-۹

من همواره خدای خود را به خاطر شما و آن فیض خدا که در مسیح عیسی به شما بخشیده شده است، سپاس می‌گویم. زیرا شما در او از هر حیث غنی شده‌اید، در هر نوع بیان و هر گونه معرفت، چنانکه شهادت ما بر مسیح در میان شما استوار گردید، به گونه‌ای که شما

از هیچ عطایی بی‌نصیب نیستید، در همان حال که مکاشفه‌ی خداوند ما عیسی مسیح را انتظار می‌کشید. ^۸ او شما را تا به آخر استوار نگاه خواهد داشت، تا در روز خداوندمان عیسی مسیح بری از ملامت باشید. ^۹ آمین است خدایی که شما را به رفاقت با پسرش، خداوند ما عیسی مسیح، فرا خوانده است.

۴:۱ "من همواره خدای خود را به خاطر شما سپاس می‌گویم" این جمله اخباری حال کامل است که از عملی در حال اجرا سخن می‌گوید. آیات ۴-۹ ضمایم شکرگزاریهای پولس در رابطه با زندگی این کلیسای پر مخاطره است. دیباچه‌های شکرگزاری در نامه‌های قرن اول، از عناصر فرهنگی قابل پیشبینی بوده است. در مقدمه‌ای بر کولسیان ۲ (و نه همچنین در غلاطیان) شکرگزاری وجود ندارد.

دو نسخه خطی باستانی به زبان یونانی وجود دارد (κ^* و B) که ضمیر "خود" در آنها حذف شده است. با این وجود، نسخه‌های خطی یونانی κ^2 ، P^{61} ، A، C، D، F، G و همینطور نسخه ترجمه‌های Vulgate، Syriac، Coptic و ارمنی این ضمیر را حفظ کرده‌اند. متن UBS⁴ یونانی به داشتن این ضمیر امتیاز A داده است (بمعنی مطمئن بودن است).

موضوع خاص: شکرگزاری

(Special Topic: Thanksgiving)

I. مقدمه

A. این نگرش مناسب مؤمنان نسبت به خداست

۱. ستایش ما از خدا از طریق مسیح است

a. دوم قرن‌تین ۲: ۱۴

b. دوم قرن‌تین ۹: ۱۵

c. کولسیان ۳: ۱۷

۲. این انگیزه مناسب برای بشارت است، اول قرن‌تین ۱: ۴

۳. این موضوع همیشگی بهشت است

a. مکاشفه ۴: ۹

b. مکاشفه ۷: ۱۲

c. مکاشفه ۱۱: ۱۷

۴. این موضوع همیشگی ایمانداران است

a. کولسیان ۲: ۷

b. کولسیان ۳: ۱۷

c. کولسیان ۴: ۲

II. مفاد انجیلی

A. عهد عتیق

۱. دو کلمه اصلی

a. *yadah* (BDB 392, KB 398)، که یعنی ستایش

b. *todah* (BDB 392, KB 1695) که یعنی شکرگزاری. معمولاً در مورد قربانیهای تقدیمی استفاده میشد (مراجعه شود

به دوم تواریخ ۲۹: ۳۱، ۳۳: ۱۶)

۲. داوود لاویان خاصی را برای ستایش و تشکر خداوند منسوب کرد. این کار توسط سلیمان، حزقیال و نحیمیا ادامه یافت.

a. اول تواریخ ۱۶: ۴ و ۷ و ۴۱

b. اول تواریخ ۲۳: ۳۰

c. اول تواریخ ۲۵: ۳

d. دوم تواریخ ۵: ۱۳

e. دوم تواریخ ۷: ۶

- f. دوم تواریخ ۳۱: ۲
- g. نحمیا ۱۱: ۱۲
- h. نحمیا ۱۲: ۲۴ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۸ و ۴۶
۳. کتاب سرود مزامیر جمع آوری ستایش و قدردانی از اسرائیل است
- a. شکرگزاری از یهوه برای وفاداری وی به پیمان
- (۱) مزامیر ۱۰۷: ۸
- (۲) مزامیر ۱۰۳: ۱ به بعد
- (۳) مزامیر ۱۳۸: ۲
- b. شکرگزاری بخشی از مراسم معبد بود
- (۱) مزامیر ۹۵: ۲
- (۲) مزامیر ۱۰۰: ۴
- c. شکرگزاری با قربانی همراه بود
- (۱) مزامیر ۲۶: ۷
- (۲) مزامیر ۱۲۲: ۴
- d. شکرگزاری به خاطر کارهای یهوه
- (۱) رهایی از دشمنان
- (a) مزامیر ۷: ۱۷
- (b) مزامیر ۱۸: ۴۹
- (c) مزامیر ۲۸: ۷
- (d) مزامیر ۳۵: ۱۸
- (e) مزامیر ۴۴: ۸
- (f) مزامیر ۵۴: ۶
- (g) مزامیر ۷۹: ۱۳
- (h) مزامیر ۱۱۸: ۱ و ۲۱ و ۲۹
- (i) مزامیر ۱۳۸: ۱
- (۲) رهایی از زندان (استعاره)، مزامیر ۱۴۲: ۷
- (۳) رهایی از مرگ
- (a) مزامیر ۳۰: ۴ و ۱۲
- (b) مزامیر ۸۶: ۱۲ الی ۱۳
- (c) اشعیا ۳۸: ۱۸ الی ۱۹
- (۴) او ستمکاران را از بین برد و پارسایان را تمجید کرد
- (a) مزامیر ۵۲: ۹
- (b) مزامیر ۷۵: ۱
- (c) مزامیر ۹۲: ۱
- (d) مزامیر ۱۴۰: ۱۳
- (۵) او می آمرزد
- (a) مزامیر ۳۰: ۴
- (b) اشعیا ۱۲: ۱
- (۶) او مردمانش را تامین میکند
- (a) مزامیر ۱۰۶: ۱ به بعد
- (b) مزامیر ۱۱۱: ۱

(c) مزامیر ۱۳۶: ۱ و ۲۶

(d) مزامیر ۱۴۵: ۱۰

(e) ارمیا ۳۳: ۱۱

B. عهد جدید

۱. کلمه اصلی که برای تشکر و شکرگزاری استفاده شده (برخی منابع)

a. *eucharisteō* (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱: ۴ و ۱۴، ۱۰: ۳۰، ۱۱: ۲۴، ۱۴: ۱۷ و ۱۸، کولسیان ۱: ۳ و ۱۲، ۱۷: ۱۷)

b. *eucharistos* (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۵)

c. *eucharistia* (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۴: ۱۶، دوم قرن‌تینان ۴: ۱۵، ۹: ۱۱ و ۱۲، کولسیان ۲: ۷، ۴: ۹)

d. *charis* (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵: ۵۷، دوم قرن‌تینان ۲: ۱۴، ۸: ۱۶، ۹: ۱۵، اول پطرس ۲: ۱۹)

۲. مثال عیسی

a. برای خوراک شکرگزار بود

(۱) انجیل لوقا ۲۲: ۱۷ و ۱۹ (اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۴)

(۲) انجیل یوحنا ۶: ۱۱ و ۲۳

b. برای دعاهای پاسخ داده شده شکرگزار بود، انجیل یوحنا ۱۱: ۴۱

۳. سایر مثالهای شکرگزار بودن

a. به خاطر نعمت مسیح از سوی خدا، دوم قرن‌تینان ۹: ۱۵

b. به خاطر خوراک

(۱) اعمال رسولان ۲۷: ۳۵

(۲) رومیان ۱۴: ۶

(۳) اول قرن‌تینان ۱۰: ۳۰، ۱۱: ۲۴

(۴) اول تیموتائوس ۴: ۳ الی ۴

c. به خاطر شفا، انجیل لوقا ۱۷: ۱۶

d. به خاطر صلح و آرامش، اعمال رسولان ۲۴: ۲ الی ۳

e. به خاطر رهایی از خطر

(۱) اعمال رسولان ۲۷: ۳۵

(۲) اعمال رسولان ۲۸: ۱۵

f. به خاطر تمامی شرایط، فیلیپیان ۴: ۶

g. برای تمامی انسانها به خصوص رهبران، اول تیموتائوس ۲: ۱ الی ۲

۴. سایر جنبه های شکرگزار بودن

a. اراده خدا برای تمامی ایمانداران است، اول تسالونیکیان ۵: ۱۸

b. شاهد و سندی بر زندگی پرشده توسط روح القدس است، افسسیان ۵: ۲۰

c. نادیده گرفتن آن گناه است

(۱) انجیل لوقا ۱۷: ۱۶ الی ۱۷

(۲) رومیان ۱: ۲۱

d. پادزهری برای گناه است، افسسیان ۵: ۴

۵. شکرگزار بودن پولس

a. نعمت او برای کلیسا

(۱) برای اعلام انجیل

(a) رومیان ۱: ۸

(b) کولسیان ۱: ۳ الی ۴

(c) افسسیان ۱: ۱۵ الی ۱۶

(d) اول تسالونیکیان ۱: ۲

(۲) برای بخشش فضل

(a) اول قرنتیان ۱: ۴

(b) دوم قرنتیان ۱: ۱۱، ۴: ۱۵

(۳) برای پذیرفتن انجیل، اول تسالونیکیان ۲: ۱۳

(۴) برای همکاری در گسترش و توسعه انجیل، فیلیپیان ۱: ۳ الی ۵

(۵) برای رشد در فیض الهی، دوم تسالونیکیان ۱: ۳

(۶) برای دانش انتخاب، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳

(۷) برای نعمت روحانی، کولسیان ۱: ۱۲، ۳: ۱۵

(۸) برای آزادی در دادن، دوم قرنتیان ۹: ۱۱ الی ۱۲

(۹) برای لذت به خاطر کسانی که تازه ایمان می آورند، اول تسالونیکیان ۳: ۹

b. شکرگزاری فردی او

(۱) به خاطر مومن بودن، کولسیان ۱: ۱۲

(۲) برای رهایی از یوغ گناه، رومیان ۷: ۲۵، دوم قرنتیان ۲: ۱۴

(۳) به خاطر فداکاری برای دیگر ایمانداران، رومیان ۱۶: ۴، دوم قرنتیان ۸: ۱۶

(۴) برای برخی اعمال که صورت نگرفته اند، اول قرنتیان ۱: ۱۴

(۵) برای نعمت روحانیت فردی، اول قرنتیان ۱۴: ۱۸

(۶) برای رشد روحانیت دوستان، فیلمون ۴ الی ۵

(۷) برای قدرت فیزیکی جهت بشارت، اول تیموتائوس ۱: ۱۲

III. جمع بندی

A. شکرگزاری پاسخ اصلی ما به خدا پس از اینکه نجات یافتیم، است. این مسئله نه تنها در موافقت کلامی، بلکه در مورد شیوه زندگی نیز بیان می شود.

B. شکرگزاری به خاطر همه چیز هدف زندگی بلوغ یافته در حفظ خدا است (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۳ الی ۱۸)

C. شکرگزاری یک موضوع تکراری عهد قدیم و جدید است. آیا برای شما هم هست؟

□ 'به خاطر... آن فیض خدا که در مسیح عیسی به شما بخشیده شده است' پولس تأکید دارد که تمام نعمات و موقعیتی که آنان دارا هستند، نه بدلیل شایستگی، بلکه بواسطه فیض خدا و از طریق کار تمام شده عیسی مسیح بوده است (وجه و صفی آنوریستی مجهول، افسسیان ۲: ۸-۹). عنوان شدن این موضوع به منظور جبران غرور معنوی در

۱. رهبران مستعد آنان

۲. نعمات معنوی هر یک از آنان

۳. پیشزمینه فکری آنان (بواسطه دارا بودن فرهنگ یونانی)

۴. موقعیت اجتماعی آنان (فرهنگ رومی)

لازم بوده است.

۵:۱ "شما در او از هر حیث غنی شده اید" این ضمیر اخباری مجهول آنوریستی با ۱ قرنتیان ۴:۱ به لحاظ الهیاتی همخوانی دارد (فیض عطا شده خدا بواسطه مسیح). در تمام افعال مجهول بکار رفته در اول قرنتیان ۱: ۴-۹، انگشت اشاره به خداوند است. تثلیث خداوند هر آنچه را که ایمانداران نیاز داشتند، فراهم آورده است (همه نعمتهای معنوی، اول قرنتیان ۱: ۷). به موضوع خاص: تثلیث در اول قرنتیان ۲: ۱۰ مراجعه نمایید. به سه حق تقدم این آیه که توسط پولس بکار رفته، توجه نمایید ("همه" یا "هر حیث"). خداوند مهیا کننده از هر حیث است. او نیازی به مهارت، هوش یا جایگاه اجتماعی نوع بشر ندارد.

NASB "در هر نوع بیان و هر گونه معرفت"

NKJV "در هر سخن و هر معرفت"

"در سخنرانی و آگاهی از هر چیزی"	NRSV
"در همه چیز از جمله همه سخنان و دانشها"	TEV
"در هر نوع سخن و دانشی"	NJB

ترجمه The Philips عبارت "از کلام بر لبان شما تا آنچه که قلباً درک می‌نمایید" را اضافه کرده است. اینها دو جنبه از غرور معنوی یونانی هستند (بعدها Gnostic) که کلیسای قرن‌تین در حال گسترش بود (۱ قرن‌تین ۱۳: ۱-۳). آنان بجای مسیح، نعمات و کارهای خود را ستایش می‌کردند. این خدا بود که به آنان چنین نعمتهایی عطا کرده بود. برای غرور انسانی نباید هیچ جایی وجود داشته باشد (افسسیان ۲: ۹). به موضوع خاص: خود ستایی در اول قرن‌تین ۵: ۶ رجوع نمایید.

معرفتی که پولس به آن اشاره می‌کند، نه دانش معرفت نظری بوده و نه معرفت آکادمیک، بلکه مربوط به حقیقت مسیحیت و چگونگی کاربرد آن در زندگی مربوط می‌گردد (۱ قرن‌تین ۸: ۱-۱۰؛ رومیان ۱: ۱۴-۱۳: ۱۵). دانش و معرفت بشری ساخته می‌شود، اما معرفت الهی لایتناهی بوده و ما را بسوی صلح و همخوانی در جامعه مسیحی رهنمون می‌سازد. چقدر ما به نعمت حکمت خداوند در کلیسای امروز خود نیازمندیم!

۶: ۱ "چنانکه شهادت ما بر مسیح" وعظ انجیل که از روح القدس نیرو گرفته باشد، نعمتهای معنوی این ایمانداران را غنی‌تر می‌کند. همچون تمام نعمات و برکات خداوند، همه اینها نیز بواسطه مسیح به سوی قلبهای نیازمند بشر سرازیر می‌گردند.

"در میان شما تأیید گردید"	NASB, NKJV
"در میان شما تقویت گردید"	NRSV
"بشدت در میان شما تثبیت گردید"	TEV
"در شما ریشه دوانده است"	NJB

این یک واژه یونانی است بنام *bebaios* که بر سه چیز دلالت دارد

۱. آن چه که مطمئن، قطعی یا قابل اعتماد است (رومیان ۴: ۱۶؛ ۲ قرن‌تین ۷: ۱؛ عبرانیان ۲: ۲۰؛ ۳: ۶؛ ۱۴؛ ۱۹: ۶؛ ۲ پطرس ۱: ۱۹، ۱۹).
۲. عملی که بواسطه آن چیز قابل اعتمادی نمایان یا بوجود آید (رومیان ۸: ۱۵؛ عبرانیان ۲: ۲، Louw and Nida، کتاب *Greek-English Lexicon of the New Testament*، جلد ۱، صفحات ۳۴۰، ۳۷۷، ۶۷۰).

۳. این واژه در پاپیروسهای کوبین که در قرن اول در مصر یافت شدند، بصورت واژه ای فنی برای ضمانت قانونی بکار برده شده بود (کتاب *The Vocabulary of the Greek New Testament* نوشته Moulton and Milligan، صفحات ۱۰۷-۸).

در اینجا اشاره به قدرت خداوند دارد که در میان آنان به نمایش گذارده شده بود (نعمتهای معنوی). این می‌تواند اشاره به مانیفستهای دیگر روح القدس داشته باشد، زیرا ضمیر اشاره مجهول دیگری در دستور زبان آتوریستی می‌باشد که به موازات ۱ قرن‌تین ۵: ۱ بکار گرفته شده، (و همچنین وجه وصفی مجهول آتوریستی در ۱ قرن‌تین ۴: ۱)، همچنین اشاره به کارهای خداوند بواسطه روح القدس در مکالمات آنها دارد.

"به گونه‌ای که شما از هیچ عطایی بی‌نصیب نیستید"	NASB, NJB
"که شما از هیچ عطایی کم نیاورید"	NKJV
"به گونه‌ای که شما از هیچ عطای معنوی بی‌نصیب نیستید"	NRSV
"که شما از دریافت کوچکترین نعمتی محروم نشوید"	TEV

واژه بکار برده شده برای "عطا" *charisma* است. این لغت مرتبط است با واژه "مَنّت"، *charis*، که بر معنوی بودن عطایای ارزانی شده از جانب خداوند برای کارهای نیک دارد (۱ قرن‌تین ۷: ۱۲، ۱۱). این عطایا بمنظور جلال عیسی بوده‌اند، نه روح و یا هر فرد مسیحی (فصلهای ۱۲-۱۴). همه نعمات لازم، در کلیسای قرن‌تین مهیا بود، همانگونه که در همه کلیساها وجود داشت (۱ قرن‌تین ۵: ۱). خداوند نعمات و برکات فراوانی (مجهول مضاعف که به "بی‌نصیب" وصل است) در فاصله میان دو ظهور مسیح و بواسطه روح القدس برای قومش مهیا کرده است.

■ "انتظار می‌کشید" واژه یونانی آن می‌تواند دارای معانی زیر باشد

۱. بی‌صبرانه انتظار کشیدن برای رویدادی قابل پیشبینی در آینده (عبرانیان ۱۰: ۱۳؛ ۱ پطرس ۳: ۲۰)
 ۲. مشتاقانه در انتظار رویدادی در زمان آینده بودن (رومیان ۸: ۱۹، ۲۳، ۲۵؛ فیلیپیان ۳: ۲۰؛ عبرانیان ۹: ۲۸)
- ترجمه نسخه‌های NASB، NKJV، NIV و شماره از معنی شماره ۲ پیروی کرده‌اند، در حالیکه نسخه NJB از معنی شماره ۱ بهره برده است.

□ "مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح" واژه یونانی بکار برده شده در این عبارت *apocalypsis* است. این واژه اغلب "مکاشفه" ترجمه شده است. معنی ابتدایی این واژه بمعنی کنار زدن پرده برای نمایان شدن چیزی است. این واژه عنوان آخرین کتاب عهد جدید است. در اینجا اشاره به بازگشت مسیح دارد (۱ قرنیتیان ۱: ۸). به موضوع خاص: واژگان استفاده شده در عهد جدید در رابطه با بازگشت عیسی در ۱ قرنیتیان ۱۵: ۲۳ مراجعه نمایید.

۸:۱

NASB, NKJV "کسی که شما را تا به آخر تصدیق خواهد کرد"

NRSV "او شما را تا به آخر نیرو خواهد بخشید"

TEV "او تا به آخر شما را محکم نگه خواهد داشت"

NJB "او تا به انتها، به توان بخشیدن به شما ادامه خواهد داد"

در طول آیات اول قرنیتیان ۱: ۴-۹، اشاره کامل در افعال مجهول خداوند بوده است. در عین حال، ۱ قرنیتیان ۸: ۱ مبهم است. برخی مفسران تصور می کنند که برای اولین بار در این بخش، مسیح کسیست که به "او" اشاره شده است. به لحاظ متنی بنظر می رسد بهتر است اینگونه تصور گردد که خدای پدر هنوز کسی است که ایمانداران را تحمل کرده و موجبات رضایتمندی آنان را فراهم می آورد.

واژه "تصدیق" در ۱ قرنیتیان ۶: ۱ بکار برده شده بود. این کلیسا نیازمند ثبات بود تا بتواند از تزلزل رهایی یابد. این یکی از مقصودهای اصلی از نامه های پولس به آنان بود. انجیل عیسی مسیح تأیید شده بود (۱ قرنیتیان ۶: ۱) و آنان نیز با کمک خداوند تأیید و تصدیق خواهند گردید (۱ قرنیتیان ۸: ۱). در ۲ قرنیتیان ۸: ۲، پولس از آنان می خواهد که عشقشان را به او اثبات نمایند.

بنظر می رسد که انجیل دارای دو تضاد درباره ارتباط یک ایماندار با خداوند باشد.

۱. در ذات خود وابسته به عهد است؛ لذا، در خود یک شروع و یک تداوم ایمان و توبه را دارد

۲. در وفاداری خداوند دارای امنیت است (یهودا ۲۴). هیچکس نمی تواند رابطه ما را با خداوند سلب نماید (یوحنا ۶: ۳۷، ۳۹؛ ۱۰: ۲۸؛ رومیان

۸: ۳۸-۳۹). این دو از جنبه های لازم "عهد" خداوند هستند.

□ "بری از ملامت" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: بی گناه، معصوم، منزّه، بدون رسوایی

(Special Topic: Blameless, Innocent, Guiltless, Without Reproach)

A. کلام آغازین

۱. این مفهوم از نظر الهیاتی شرایط اصلی نوع بشر را توصیف میکند (یعنی کتاب پیدایش ۱، باغ عدن)

۲. گناه و شورش این حالت از رفاقت کامل را تخریب کرده است (یعنی پیدایش ۳)

۳. انسانها (زن و مرد) آرزوی احیا دوستی با خدا را دارند زیرا آنان از تصویر او و شبیه او خلق شده اند (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)

۴. خدا با انسان گناهکار به طریق مختلف برخورد کرد

a. رهبران الهی (یعنی ابراهیم، موسی، اشعیا)

b. سیستم قربانی (لاویان ۱ الی ۷)

c. مثالهای الهی (نوح و یعقوب)

۵. نهایتاً خدا مسیح را فرستاد

a. جهت مکاشفه کامل خودش (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۴، کولسیان ۱: ۱۳ الی ۱۷، عبرانیان ۱: ۲ الی ۳)

b. به عنوان یک قربانی کامل برای گناه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنیتیان ۵: ۲۱)

۶. مسیحیان بی گناه شدند

a. به طور قانونی از طریق پارسایی منتسب به مسیح (مراجعه شود به رومیان ۴: ۳، ۶، ۸، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، یعقوب ۲: ۲۳)

b. به طور پیشرونده از طریق کار روح القدس (انجیل یوحنا ۱۶: ۸ الی ۱۱)

c. هدف مسیحیت، همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰، دوم قرنیتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹،

افسیسیان ۱: ۴، ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، تیتوس ۲: ۱۴، اول پطرس ۱: ۱۵)،

که در واقعیت احیا تصویر گم شده خدا در آدم و حوای سقوط کرده است.

۷. بهشت احیا کامل رفاقت باغ عدن است. بهشت اورشلیم جدید است که در حضور خدا به یک زمین پاک شده (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۰) به پائین می آید (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱: ۲). انجیل با یک موضوع آغاز و خاتمه می یابد.
- رابطه دوستانه صمیمانه با خدا
 - در یک باغ (پیدایش ۱ الی ۲ و مکاشفه ۲۱ الی ۲۲)
 - با بیان یک نبوت، و حضور و همراهی حیوانات (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۶ الی ۹)

B. عهد عتیق

- بسیاری واژه‌های عبری وجود دارند که مفهوم کمال، بی گناه و معصوم را بیان میدارند، به طوری که به سختی میتوان آنها را نام برد و تمامی ارتباطات پیچیده میان آنها را گفت.
- اصطلاحات اصلی که مفهوم کمال، معصومیت یا بی گناهی را در بر می گیرند (بر طبق Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament*, صفحات ۹۴ الی ۹۹) به این شرح میباشند
 - shalom (BDB1022, KB 1532)
 - thamam (BDB1070, KB 1743)
 - calah (BDB478, KB 476)
- ترجمه Septuagint (انجیل کلیسای اولیه) این مفاهیم عبری را به اصطلاحات یونانی کوبین ترجمه میکند که در عهد جدید استفاده شده اند (به بند C در زیر مراجعه کنید).
- مفهوم کلیدی به سیستم قربانی کردن مرتبط است.
 - amōmos (BDB 1071), مراجعه شود به خروج ۲۹: ۱، لایوان ۳: ۱ و ۳: ۱۰، ۱ و ۶، اعداد ۶: ۱۴)
 - amiantos و aspilus همچنین مفهوم کلاسیک دارند

C. عهد جدید

- مفهوم قانونی
 - مفاهیم قانون کالتیک عبری ترجمه شده توسط amōmos (BDB 1071), مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۷، فیلیپیان ۲: ۱۵، اول پطرس ۱: ۱۹)
 - مفاهیم قانونی یونانی (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱: ۸، کولسیان ۱: ۲۲)
 - مسیح آن بیگناه، بی تقصیر و معصوم است (amōmos), مراجعه شود به عبرانیان ۹: ۱۴؛ اول پطرس ۱: ۱۹)
 - پیروان مسیح باید همانند او رفتار کنند (amōmos), مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، ۵: ۲۷، فیلیپیان ۲: ۱۵، کولسیان ۱: ۲۲، دوم پطرس ۳: ۱۴، یهودا ۱: ۲۴، مکاشفه ۱۴: ۵)
 - این مفهوم همچنین در مورد رهبران کلیسا استفاده میشود
 - anegklētos "بدون متهم کردن" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۱۰، تیتوس ۱: ۶ الی ۷)
 - anepileptos "فرا تر از انتقاد" یا "هیچ مسئولیتی برای سرزنش وجود ندارد" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۲، ۵: ۷، ۶: ۱۴، تیتوس ۲: ۸)
 - مفهوم "بدون شک" (amiantos) در موارد زیر استفاده میشود
 - خود مسیح (مراجعه شود به عبرانیان ۷: ۲۶)
 - میراث مسیحیان (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۴)
 - مفهوم "یکپارچگی" یا "یک صدایی" (holoklēria) (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۶، اول تسالونیکیان ۵: ۲۳، یعقوب ۱: ۴)
 - مفهوم "بدون خطا"، "معصوم بی گناه" با amemptos بیان می‌شود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶، فیلیپیان ۲: ۱۵، ۳: ۶، اول تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۳: ۱۳، ۵: ۲۳)
 - مفهوم "سرزنش نمیشود" با amōmētos بیان میشود (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۴)
 - مفهوم "بی عیب"، "بدون شک" اغلب در عباراتی استفاده می‌شود که دارای یکی از موارد فوق نیز هستند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶: ۱۴، یعقوب ۱: ۲۷، اول پطرس ۱: ۱۹، دوم پطرس ۳: ۱۴)
- D. تعداد کلمات در زبان عبری و یونانی که این مفهوم را بیان می کنند اهمیت آن را نشان می دهد. خداوند ما را از طریق مسیح فراهم کرده است و اکنون از ما می خواهد مثل او باشد.

مؤمنان از لحاظ موقعیتی و قانونی از طریق کار مسیح «درست»، «صالح»، «بی تقصیر» اعلام می شوند. اکنون مؤمنان باید جایگاه خود را بدست آورند. "در نور گام بردارند زیرا او در نور است" (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۷). "ارزش فرا خواندن برای قدم زدن دارد" (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵). عیسی تصویر خداوند را احیا کرد. دوستی صمیمانه اینک امکان پذیر است، اما به یاد داشته باشید که خداوند مردمی را میخواهد که منعکس کننده شخصیت او باشند، همانطور که پسر، در برابر دنیای گمراه و سقوط کرده رفتار کرد. ما به هیچ چیز کمتر از تقدس فرا خوانده نمیشویم (متی ۵: ۲۰، ۴۸؛ افسسیان ۱: ۴؛ اول پطرس ۱: ۱۳-۱۶). تقدس خدا، نه تنها به لحاظ قانونی، بلکه از نظر وجودی!

■ "در روز خداوندان عیسی مسیح" نویسندگان عهد جدید، عبارت "روز یهوه" را در عهد عتیق برداشته و آن را به ظهور دوم عیسی تعمیم داده اند. عیسی مسیح جایگزین یهوه در آفرینش، رستگاری و داوری می باشد.

۹:۱ "امین است خدا" عبارت "امین" در عهد عتیق یک استعاره برای نشان دادن ثبات و استقامت است. به این دلیل از استعاره استفاده شده تا قابل اطمینان بودن، قابل تکیه کردن، وفادار بودن نشان داده شود. هیچیک از این موارد معرف بشر نمی باشد. اینها قابل اعتماد بودن یا وفادار بودن خدا را نشان می دهند و نه انسان را (تثنیه ۷: ۹؛ مزمور ۳۶: ۵؛ ۴۰: ۱۰؛ ۸۹: ۱، ۲، ۵، ۸؛ ۹۲: ۲؛ ۱۱۹: ۹۰؛ اشعیا ۴۹: ۷؛ رومیان ۳: ۳؛ ۱۳: ۱۰؛ ۲۱: ۱؛ ۱۸: ۱؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۴؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳). ما نه به خود، بلکه به قابل اعتماد بودن خداوند باور داریم! عهد تعبدی از قدرشناسی سرچشمه می گیرد! تمرکز انجیلی همواره بر روی امین بودن خداوند بوده و نه ایمان یک ایماندار! ایمان به تنهایی کسی را نجات نمی دهد. رحمت خداوند است که باعث نجات می گردد، اما این رحمت بواسطه ایمان بدست می آید (افسسیان ۲: ۸-۹). هرگز تمرکز بر روی میزان ایمان نبوده (متی ۱۷: ۲۰)، بلکه بر روی موضوع آن یعنی عیسی مسیح بوده است. امید ما به شخصیت غیر قابل تغییر خداوند است که ما را فرا می خواند و به ما قول می دهد (ملاکی ۲: ۶؛ ۲۱: ۲۰).

ایمان به مسیح منتهی به دریافت هدیه رایگان خداوند می گردد (رومیان ۳: ۲۲، ۲۵؛ ۴: ۵؛ ۶: ۲۳؛ ۹: ۳۰؛ غلاطیان ۲: ۱۶؛ ۱ پطرس ۱: ۵). بشر باید هدیه خداوند که همانا بخشش و رحمت بواسطه ایمان به مسیح است را اجابت نماید (هم در شروع و هم بصورت دائمی). (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶-۱۷؛ ۶: ۴۰؛ ۲۶-۲۵: ۱۱-۱۰ رومیان ۹-۱۳).

خداوند با جدیت عهد خود، به موضوع بشر رانده شده از بهشت می پردازد. او همیشه شروع کننده بوده (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵) و تاریخ و مرزبندیها را مشخص نموده است (مرقس ۱: ۵۱؛ اعمال رسولان ۲۰: ۲۱). او به بشر اجازه می دهد تا در نجات خود بوسیله اجابت فرامین عهدها، ایفای نقش نمایند. این اجابت اجباری شروع و ادامه ایمان، توبه، تعبد، خدمت، پرستش و استقامت است.

Michael Magill در کتاب *New Testament TransLine* صفحه ۵۴۴# ۲۴ تفسیر بسیار خوبی دارد:

"به جملات بکار رفته در زمان گذشت در اول قرنیتیان ۱: ۵-۶، زمان حال در اول قرنیتیان ۱: ۷ و زمان آینده در اول قرنیتیان ۱: ۸ توجه نمایید. خداوند در همه این زمانها وفادار و امین بوده است."

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق (۱۶۸)

(SPECIAL TOPIC: Believe, Trust, Faith, and Faithfulness in the Old Testament) (۱۶۸)

I. مقدمه

لازم به ذکر است که استفاده از این مفهوم الهیات، در عهد جدید بسیار حیاتی است، و به این وضوح در عهد عتیق تعریف نشده است. یقیناً در آنجا نیز هست، ولی در قالب افراد و شخصیت‌های کلیدی به نمایش گذاشته شده است.

عهد عتیق اینها را در هم ادغام می کند

A. فرد و جامعه

B. برخورد شخصی و اطاعت فرد با ایمان

ایمان هم برخورد شخصی است و هم شیوه زندگی روزانه! راحتتر می توان زندگی یک مرید مومن توصیف کرد تا در قالب کلمات (یعنی

مطالعه کلمات). ویژگی شخصی در این موارد به بهترین وجه به تصویر کشیده شده است:

A. ابراهیم و فرزندانش

B. داوود و اسرائیل

این افراد با خدا دیدار می‌کنند و زندگی آنها برای همیشه تغییر می‌یابد (نه زندگی کامل، بلکه زندگی از روی ایمان و وفاداری). آزمایش ضعفها و قوتها را در ایمان به خدا در مواجهه با او آشکار کرد، ولی رابطه صمیمی و ناشی از اعتماد در طول زمان تداوم یافت. آزمایش شد و بهبود داده شد، ولی با وقف کردن خود و شیوه زندگی خود به اثبات رسید و تداوم یافت.

استفاده از ریشه اصلی .II

A. אָמֵן (آمین) (BDB 52, KB 63)

۱. فعل

- a. ریشه *qal* - پشتیبانی، تغذیه (دوم پادشاهان ۱: ۱۰ و ۵، استر ۷: ۲، کاربرد غیر دینی)
- b. ریشه *Niphal* - اطمینان حاصل کردن، مطمئن شدن، سخت شدن، بنا کردن، تأیید کردن، وفادار یا قابل اعتماد بودن
- (۱) انسانها، اشعیا ۲: ۸، ۵۳: ۱، ارمیا ۱۴: ۴۰
- (۲) چیزها، اشعیا ۲۳: ۲۲
- (۳) خدا، تثنیه ۹: ۷، اشعیا ۷: ۴۹، ارمیا ۵: ۴۲
- c. ریشه *Hiphil* - سخت ایستادن، باور داشتن، اعتماد کردن
- (۱) ابراهیم به خدا ایمان داشت، پیدایش ۶: ۱۵
- (۲) اسرائیلیها در مصر ایمان آوردند، خروج ۴: ۳۱، ۱۴: ۳۱ (در تثنیه ۱: ۳۲ نفی شده)
- (۳) اسرائیلیها به یهوه ایمان آوردند و توسط موسی با او صحبت کردند، خروج ۹: ۱۹، مزامیز ۱۲: ۱۰۶ و ۲۴
- (۴) آهاز به خدا اعتماد نکرد، اشعیا ۹: ۷
- (۵) هر کس که به او ایمان آورد، اشعیا ۱۶: ۲۸
- (۶) حقایق نسبت به خدا را باور کرد، اشعیا ۴۳: ۱۰ الی ۱۲
۲. اسم (مذکر) - وفاداری (تثنیه ۲۰: ۳۲، اشعیا ۱: ۲۵ و ۲۶: ۲)
۳. قید - صادقانه، به راستی، موافقم، شاید اینطور باشد (رجوع شود به تثنیه ۱۵: ۲۷ الی ۲۶، اول پادشاهان ۳۶: ۱، اول قرنتبان ۳۶: ۱۶، اشعیا ۱۶: ۶۵، ارمیا ۵: ۱۱ و ۲۸: ۶).
- B. אָמַן (حقیقت) (BDB 54, KB 68) - اسم مؤنث، سختی، وفاداری، حقیقت
۱. انسانها (اشعیا ۲۰: ۱۰، ۴۲: ۳، ۴۸: ۱)
۲. خدا - خروج ۳۴: ۶، مزامیر ۲: ۱۱۷، اشعیا ۱۸: ۳۸ و ۱۹، ۶۱: ۸
۳. حقیقت - تثنیه ۴: ۳۲، اول پادشاهان ۱۶: ۲۲، مزامیر ۴: ۳۳، ۳: ۹۸، ۵: ۱۰۰، ۱۱۹: ۳۰، ارمیا ۵: ۹، زکریا ۱۶: ۸
- C. אָמַן (ایمان) (BDB 53, KB 62) - سختی، استقامت، وفاداری
۱. دستان - خروج ۱۲: ۱۷
۲. زمان - اشعیا ۶: ۳۳
۳. انسانها - ارمیا ۳: ۵، ۷: ۲۸، ۹: ۲
۴. خدا - مزامیر ۱۱: ۴۰، ۱۱: ۸۸، ۱: ۸۹ و ۲ و ۵ و ۸، ۱۳۸: ۱۱۹

استفاده پولس از این مفهوم عهد عتیق .III

- A. پولس مبنای درک جدید خود از یهوه و عهد عتیق را در برخورد با عیسی در مسیر دمشق بنا نهاد (اعمال ۱: ۹ الی ۱۹، ۲۲: ۲۲ الی ۱۶، ۲۶: ۹ الی ۱۸)
- B. او پشتیبانی عهد عتیق از درک جدید خود را در این دو متن کلیدی عهد عتیق یافت که از ریشه אָמַן (آمین) استفاده می‌کردند
۱. پیدایش ۶: ۱۵ - ملاقات شخصی ابراهیم با خدا (پیدایش ۱۲) که منجر به زندگی اطاعت گونه از روی ایمان وی شد (پیدایش ۲۲-۱۲). پولس به این در رومیان ۴ و گالیسیان ۳ اشاره دارد
۲. اشعیا ۱۶: ۲۸ - آنان که ایمان می‌آورند (یعنی خدا آنها را آزمایش کرد و سنگ بنایشان را نهاد) هرگز
- a. رومیان ۹: ۳۳ "شرمنده" یا "نا امید" نخواهند شد
- b. رومیان ۱۰: ۱۱: همانند بالا
۳. حقوق ۴: ۲ - آنان که به خدای وفادار ایمان دارند پارسا زندگی می‌کنند (رجوع شود به ارمیا ۲۸: ۷). پولس از این متن در رومیان ۱: ۱۷ و غلاطیان ۳: ۱۱ استفاده می‌کند (همچنین به عبرانیان ۱۰: ۳۸ توجه کنید).

IV. استفاده پطرس از مفهوم عهد عتیق

A. پطرس اینها را ادغام می‌کند

۱. اشعیا ۱۴:۸ - اول پطرس ۲:۸ (سنگ لغزان)

۲. اشعیا ۱۶:۲۸ - اول پطرس ۲:۶ (سنگ بنا)

۳. مزامیر ۲۲:۱۱۸ - اول پطرس ۲:۷ (سنگی که رد کردند)

B. او از زبان خاصی استفاده می‌کند که اسرائیل را توصیف کند، "نژاد منتخب، دیانت سلطنتی، قوم مقدس، مردمی برای مالکیت خاص خدا" در

۱. تثنیه ۱۵:۱۰، اشعیا ۴۳:۲۱

۲. مزامیر ۶:۶۱، ۶۶:۲۱

۳. خروج ۱۹:۶، تثنیه ۷:۶

V. استفاده یوحنا از مفهوم

A. استفاده در عهد جدید

کلمه "ایمان" از کلمه یونانی *pisteuō* می‌آید که همچنین می‌تواند به "ایمان"، "باور" یا "اعتماد" ترجمه شود. برای مثال، به عنوان اسم در انجیل یوحنا استفاده نشده است ولی در قالب فعل اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲:۲۳ الی ۲۵ عدم قطعیتی در تعهد جمعیت نسبت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. سایر مثالها از این نوع کاربرد سطحی کلمه "ایمان" در انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹، و اعمال ۱۳:۸ و ۱۸ الی ۲۴ دیده می‌شود. ایمان واقعی انجیلی بیش از پاسخ اولیه است. باید همراه با یک فرایند شاگردی باشد (رجوع شود به انجیل متی ۱۳:۲۰ الی ۲۲ و ۳۱ و ۳۲).

B. استفاده به عنوان حرف اضافه

۱. *Eis* به معنی "در" است. این ساختار خاص تاکید بر این دارد که ایمانداران باید به عیسی اعتماد/ایمان داشته باشند.

a. در نام او (یوحنا ۱:۱۲، ۲:۲۳، ۳:۱۸، اول یوحنا ۵:۱۳)

b. در او (یوحنا ۲:۱۱، ۳:۱۵، ۱۸، ۴:۳۹، ۶:۴۰، ۷:۵ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸:۳۰، ۹:۳۶، ۱۰:۴۲، ۱۱:۴۵ الی ۴۸، ۱۲:۳۷، متی ۱۸:۶، اعمال ۱۰:۴۳، فیلیپینان ۱:۲۹، اول پطرس ۱:۸)

c. در من (یوحنا ۶:۳۵، ۷:۳۸، ۱۱:۲۵، ۲۶ و ۱۲:۴۴، ۴۶ و ۱۴:۱، ۱۲ و ۱۶:۹، ۱۷:۲۰)

d. در پسر (یوحنا ۳:۳۶، ۹:۳۵، اول یوحنا ۵:۱۰)

e. در عیسی (یوحنا ۱۲:۱۱، اعمال ۱۹:۴، غلاطیان ۲:۱۶)

f. در نور (یوحنا ۱۲:۳۶)

g. در خدا (یوحنا ۱:۱۴)

۲. *ev* یعنی "به" آنطور که در یوحنا ۳:۱۵، مرقس ۱:۱۵ و اعمال ۵:۱۴ آمده است

۳. *epi* یعنی "این" یا "براساس" مانند انجیل متی ۲۷:۴۲، اعمال ۱۷:۱۱، ۹:۴۲، ۱۶:۳۱ و ۲۲:۱۹، رومیان ۴:۵ و ۲۴، ۹:۳۳، ۱۰:۱۱، اول تیموتائوس ۱:۱۶، اول پطرس ۲:۶

۴. به صورت دلخواه و بدون حرف اضافه در غلاطیان ۳:۶، اعمال ۸:۱۸، ۲۷:۱۵، اول یوحنا ۳:۲۳ و ۵:۱۰

۵. *hoti* که به معنی "باور کرد که" در متن می‌گوید که به چه باید باور کرد

a. عیسی محبوب مقدس و اول خداست (یوحنا ۶:۶۹)

b. عیسی همان من هستم است (یوحنا ۸:۲۴)

c. عیسی در پدر و پدر در عیسی است (یوحنا ۱۰:۳۸)

d. عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۲۰:۳۱)

e. عیسی پسر خدا است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۲۰:۳۱)

f. عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱:۴۲، ۱۷:۸ و ۲۱)

g. عیسی آن است که با پدر است (یوحنا ۱۴:۱۰ الی ۱۱)

h. عیسی از جانب پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۶:۲۷ و ۳۰)

i. عیسی در چهارچوب یک پیمان در خدا خود را معرفی می‌کند، "منم" (یوحنا ۸:۲۴ و ۱۳:۱۹)

- z. با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۸: ۶)
 k. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالوکیان ۱۴: ۴)

VI. جمع بندی

- A. ایمان انجیلی پاسخی است به کلام/وعده الهی. خدا همیشه نخستین گام را برمی دارد (یعنی انجیل یوحنا ۴: ۶ و ۶: ۶۵)، ولی بخشی از این ارتباط الهی نیازمند پاسخ انسان است (رجوع شود به موضوع خاص: پیمان).
۱. توبه (موضوع خاص: توبه را ببینید)
 ۲. ایمان/اعتماد (موضوعات خاص را ببینید)
 ۳. اطاعت
 ۴. استقامت (موضوع خاص: استقامت را ببینید)
- B. ایمان انجیلی
۱. یک رابطه فردی است (ایمان اولیه)
 ۲. تأیید حقیقت انجیلی است (ایمان به مکاشفه خدا، یعنی کتاب مقدس)
 ۳. پاسخ بصورت پیروی درست از آن (وفاداری روزانه)
- ایمان انجیلی بلیط به بهشت یا یک بیمه نامه نیست. یک رابطه فردی است. هدف خلقت است، انسان با هدف و با دوست داشتن خدا خلق می شود (پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). مسئله "صمیمیت" است. خدا خواهان دوستی است، نه یک مواجهه الهی خاص. ولی دوستی خدال متعال نیازمند فرزندان است که ویژگی "خانواده" را نشان می دهند. (یعنی تقدس، لاویان ۲: ۱۹، متی ۵: ۴۸، اول پطرس ۱: ۱۵ و ۱۶). سقوط (پیدایش ۳) بر پاسخ مناسب ما تأثیر گذاشت. در نتیجه خدا از جانب ما عمل کرد (رجوع شود به حزقیال ۲۷: ۳۶ الی ۳۸)، به ما "قلبی جدید" و "روحی جدید" داد، که ما را قادر می سازد از طریق ایمان و توبه با وی دوستی و از وی اطاعت کنیم!
- هر سه اینها مهم و حیاتی هستند. هر سه باید انجام شوند. هدف شناخت خداست (با هر دو مفهوم عبری و یونانی) تا شخصیت او را در زندگیمان منعکس کنیم. هدف ایمان روزی به بهشت رفتن نیست، بلکه هر روز همانند مسیح بودن است!
- C. وفاداری انسان نتیجه (عهد جدید) است، نه پایه (عهد عتیق) برای یک رابطه با خدا: ایمان انسان به وفاداری او، اعتماد انسان به قابل اعتماد بودن او. قلب نگرش عهد جدید به رستگاری این است که انسان باید با برداشتن اولین گام پاسخ دهد و دائماً به لطف و رحمت خدا که در عیسی است، پاسخ دهد. او دوست داشته است، او فرستاده است، او فراهم کرده است، ما باید با ایمان و وفاداری پاسخ دهیم (اشعیا ۸: ۲ و ۹ و ۱۰)!
- خداوند وفادار به مردم وفادار نیاز دارد تا خود را به جهان بی ایمان نشان دهد و آنها را با ایمان فردی بسوی خود آورد.

■ "شمارا فرا خوانده است" این عبارت ادامه تأکید بر انتخاب ایمانداران قرن نهمی توسط خداوند است (۱ قرننیا ۱: ۲، ۹، ۲۴، ۲۶؛ اعمال رسولان ۹: ۱۸).

■ "به رفاقت با پسرش" واژه یونانی بکار رفته برای این جمله، *koinonia* است که بمعنی ملحق شدن در انجام کاری است. خداوند ما را به اتحاد با پسرش فرا خوانده است، هم بصورت وضعی (به موضوع خاص: تقدیس در ۱ قرننیا ۱: ۲ مراجعه نمایید) و هم بصورت ارتباطی. هدف مسیحیت شبیه به مسیح بودن است (رومیان ۸: ۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۴: ۱؛ ۱۰: ۲).

شیوه زندگی ایمانداران پس از ملاقات آنان با مسیح، شاهدهی بر رستگاری آنها است (کتاب عهد جدید یعقوب و ۱ یوحنا). آنان با مرحمت خدا و بوا سطره ایمان به کارهایی که انجام می دهند نجات یافته اند (افسسیان ۲: ۸-۹، ۱۰)؛ آنان نجات یافته اند تا خدمتگذار با شند (رومیان ۶: ۱۱)؛ ایمان بدون عمل، مرگ است، همانگونه که عمل بدون ایمان چنین نتیجه ای بهمراه خواهد داشت (متی ۷: ۲۱-۲۳ و یعقوب ۲: ۱۴-۲۶). هدف انتخاب پدر این است که ایمانداران "قدیس و بدون ملامت" باشند (افسسیان ۴: ۱؛ متی ۵: ۴۸).

پولس اغلب مورد حمله قرار می گرفت زیرا که بنظر می رسید مشوق زندگی انسانهای بی خدا بود. انجیلی که با نیت غیراخلاقی وعظ گردد می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. انجیل پولس مملو از رحمت الهی، حاصل کار عیسی مسیح و سرشار از عشق روح القدس بود، اما در عین حال پاسخ مناسبی را از سوی مخاطب می طلبید، نه فقط شروع کار با توبه، بلکه ادامه توبه. زندگی با خدا باید حاصل کار باشد و نه یک زندگی فاقد شریعت. صرف انجام کارهای نیک ساز و کار رسیدن به رستگاری نیست بلکه نتیجه حاصل از آن است. بسیار دشوار است که بتوان با تضاد بسادگی به

رستگاری رسیدن و هزینه دادن برای هر چیزی ارتباط برقرار کرد. اما هر دوی این موارد باید در چارچوب خاص خود چه بلحاظ متضاد بودن و چه بلحاظ دیالکتیکی مورد توازن قرار گیرند. انسان هرگز نباید تقدیس و توجیه را از یکدیگر تفکیک نماید.

موضوع خاص: KOINŌNIA (رفاقت/دوستی)

Special Topic: Koinōnia (Fellowship)

اصطلاح "رفاقت/دوستی" (*koinōnia*) یعنی

۱. رابطه نزدیک با یک نفر
 - a. با پسر (۱ قرنتیان ۱: ۹، اول یوحنا ۱: ۶)
 - b. با روح القدس (۲ قرنتیان ۱۳: ۱۴، فیلیپیان ۲: ۱)
 - c. با پدر و پسر (۱ یوحنا ۱: ۳)
 - d. با دیگر برادران و خواهران خود (اعمال رسولان ۲: ۴۲؛ ۲ قرنتیان ۸: ۲۳؛ غلاطیان ۲: ۹؛ فیلمون ۱۷؛ ۱ یوحنا ۳: ۷)
 - e. بدور از دید شیطان (۲ قرنتیان ۶: ۱۴)
 ۲. رابطه نزدیک با چیزها و گروه ها
 - a. با انجیل (فیلیپیان ۱: ۵، فیلمون آیه ۶)
 - b. با خون مسیح (۱ قرنتیان ۱۰: ۱۶)
 - c. نه با تاریکی (۲ قرنتیان ۶: ۱۴)
 - d. با رنج (۲ قرنتیان ۱: ۷، فیلیپیان ۳: ۱۰، ۴: ۱۴، اول پطرس ۴: ۱۳)
 ۳. هدیه یا کار انجام شده به شیوه‌ای سخاوتمندانه (رومیان ۱۲: ۱۳، ۱۵: ۲۶، ۲ قرنتیان ۸: ۴، ۹: ۱۳، فیلیپیان ۴: ۱۵، عبرانیان ۱۳: ۱۶)
 ۴. هدیه خدا از فضل از طریق مسیح، که همبستگی بشریت را با او و برادران و خواهرانش بازگرداند
- این رابطه افقی (انسان به انسان) را مطرح می‌کند که از طریق رابطه عمودی (انسان به خالق) بوجود می‌آید. همچنین بر نیاز و خوشبختی جامعه مسیحی تأکید دارد (عبرانیان ۱۰: ۲۵).

■ "پسرش" عیسی بعنوان پسر خدا، مضمون تکراری نوشته‌های پولس است (رومیان ۱: ۳، ۴، ۹: ۵؛ ۱۰: ۸؛ ۳: ۲۹، ۳۲؛ ۱ قرنتیان ۱: ۹؛ ۲ قرنتیان ۱: ۱۹؛ غلاطیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۲۰؛ ۴: ۴، ۶؛ افسسیان ۴: ۱۳؛ کولسیان ۱: ۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۱۰). او فقط در یک زمان "پسر" نیست، بلکه "پسر" در ابدیت است (عبرانیان ۱: ۲؛ ۳: ۶؛ ۵: ۸؛ ۷: ۲۸). عیسی همیشه و همواره پسر خدا بوده است. سرفرازی عیسی بوا سطره رستخیز و عروج او، حیات ازلی تجلی می‌یابد.

موضوع خاص: پسر خدا

(Special Topic: The Son Of God)

- این یکی از القاب اصلی عیسی در عهد جدید است. مطمئناً مفهومی الهی دارد. این لقب عیسی "پسر" یا "پسرم" را هم شامل می‌کند، همچنین خدا به عنوان "پدر" خطاب می‌شود (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه کنید). بیش از ۱۲۴ مرتبه این لقب در عهد جدید تکرار شده است. حتی وقتی عیسی خودش را "پسر انسان" معرفی می‌کند، بر طبق دانیال ۷: ۱۳ الی ۱۴، باز هم مفهوم الهی دارد.
- در عهد عتیق اصطلاح "پسر" به چهار رده خاص اشاره می‌کند (به موضوع خاص: پسر... مراجعه شود).
- A. فرشتگان (معمولاً به صورت جمع به کار می‌رود، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۲، ایوب ۱: ۶، ۱: ۲)
 - B. پادشاه اسرائیل (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷: ۱۴، مزور ۷: ۲، ۲۶: ۸۹ الی ۲۷)
 - C. مردم اسرائیل به صورت کل (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۲۲ الی ۲۳، تثنیه ۱: ۱۴، هوشع ۱: ۱۱، ملاکی ۱: ۲)
 - D. داوران اسرائیلی (مراجعه شود به مزور ۶: ۸۲)

مفهوم دوم که به عیسی مرتبط است، بدین ترتیب، "پسر داوود" و "پسر خدا" هر دو با دوم سموئیل ۷، مزور ۲ و ۸۹ مرتبط می‌شوند. در عهد عتیق "پسر خدا" هرگز به صورت مشخص و صریح در مورد مسیح به کار نرفته است، به جز بصورت پادشاه اسکاتولوژیک به عنوان یکی از "تدهین شدگان" اسرائیل. با این وجود، در کتیبه بحر المیت، لقب مسیح یک دلالت عمومی دارد (به مراجع خاص در *Dictionary of Jesus and the Gospels*، صفحه

۷۷۰ مراجعه شود. همچنین، "پسر خدا" یک لقب مسیحی در دو اثر یهودی بنیادی در مورد مکاشفه یوحنا است (مراجعه شود به دوم اسداس ۲۸:۷، ۱۳:۳۲ و ۳۷ و ۵۲، ۱۹:۱۴ و اول انوش ۲:۱۰۵).

زمینه عهد جدیدی آن، چنان که به عیسی اشاره می‌کند را می‌توان به بهترین شکل در چند گروه خلاصه کرد:

۱. از قبل وجود داشتن او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱۵ الی ۳۰، ۵۶:۸ الی ۵۹، ۲۸:۱۶، ۵:۱۷، دوم قرنیتیان ۹:۸، فیلیپیان ۶:۲ الی ۷، کولسیان ۱:۱۷، عبرانیان ۳:۱، ۵:۱۰ الی ۸)

۲. تولد منحصر به فرد بودنش (از یک باکره) (مراجعه شود به اشعیا ۷:۱۴، انجیل متی ۱:۲۳، انجیل لوقا ۱:۳۱ الی ۳۵)

۳. تعمیدش (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۷، انجیل مرقس ۱:۱۱، انجیل لوقا ۳:۲۲، صدای خدا از بهشت که پادشاه مزمور ۲ را با خدمتگزار رنجدیده اشعیا ۵۳ متحد میسازد)

۴. وسوسه‌های شیطان (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱ الی ۱۱، انجیل مرقس ۱:۱۲ و ۱۳، انجیل لوقا ۴:۱ الی ۱۳. او وسوسه شد تا نسبت به فرزندی خود تردید کند یا حداقل ماموریت خود را به شیوه دیگری غیر از مصلوب شدن انجام دهد)

۵. تأیید او توسط اعتراف کنندگان غیر قابل قبول

a. شیاطین (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۲۳ الی ۲۵، انجیل لوقا ۴:۳۱ الی ۳۷ و ۴۱، انجیل مرقس ۳:۱۱ و ۳، ۱۲، ۷:۵، به موضوع خاص: شیطان (روح ناپاک) مراجعه شود)

b. بی‌ایمانان (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷:۴۳، انجیل مرقس ۱۴:۶۱، انجیل یوحنا ۷:۱۹)

۶. تأیید او توسط شاگردانش

a. انجیل متی ۱۴:۳۳، ۱۶:۱۶

b. انجیل یوحنا ۳:۳۴ و ۱، ۴۹، ۶:۶۹، ۱۱:۲۷

۷. تأیید او توسط خودش

a. انجیل متی ۱۱:۲۵ الی ۲۷

b. انجیل یوحنا انجیل یوحنا ۳:۳۶

۸. استفاده‌های استعاره‌ای او در مورد خدا به عنوان پدر

a. استفاده او از *abba* برای خدا

(۱) انجیل مرقس ۱۴:۳۶

(۲) رومیان ۸:۱۵

(۳) غلاطیان ۴:۶

b. استفاده مکرر او از پدر (*patēr*) برای توصیف رابطه خودش با خدا

به طور خلاصه، عنوان "پسر خدا" برای آنان که عهد عتیق و وعده‌هایش و طبقه‌بندی‌هایش را می‌دانند، مفهوم الهیاتی عظیمی دارد، ولی نویسندگان عهد جدید نسبت به استفاده آن توسط پیروان سایر ادیان به واسطه سابقه شرک آنان در مورد "خدایان" که با زنان صحبت می‌کردند که نتیجه آن تایتان‌ها و زیانت‌ها بودند، نگران بودند.

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۱:۱۰-۱۷

۱۰ ای برادران، به نام خداوند ما عیسی مسیح از شما تمنا دارم که با هم توافق داشته باشید و در میان شما تفرقه نباشد، بلکه در اندیشه و رأی با هم متحد باشید. ۱۱ زیرا ای برادران من، اهل خانه خلوته به من خبر داده‌اند که در میان شما جدال‌هاست. ۱۲ مقصود اینکه یکی از شما می‌گوید، «من به پولس تعلق دارم»؛ دیگری می‌گوید، «من متعلق به آپولس هستم»؛ یکی می‌گوید، «من به کیفا تعلق دارم»؛ و دیگری، که «من از آن مسیح هستم.» ۱۳ آیا مسیح تقسیم شده است؟ آیا پولس بود که برای شما بر صلیب شد؟ و آیا به نام پولس تعمید گرفتید؟ ۱۴ خدا را شکر می‌کنم که به جز گریسپوس و گایوس، هیچ‌کس دیگر از شما را تعمید ندادم، ۱۵ تا کسی نتواند بگوید به نام من تعمید یافتید. ۱۶ البته خانواده استیفاناس را نیز تعمید دادم؛ ولی به یاد ندارم کسی دیگر را تعمید داده باشم. ۱۷ زیرا مسیح مرا نفرستاد تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم، ولی نه با حکمت سخنوری، مبادا قدرت صلیب مسیح بی‌اثر گردد.

۱۰:۱ "اکنون" (مطابق نسخه اصل) این یک حرف نقض است، مثل اما. پولس متن نامه خود را با این کلمه آغاز می‌کند.

■ "شمارا نصیحت می‌کنم" (مطابق نسخه اصل) این عبارت هم بملایمت عنوان شده و هم به درستی. گوینده‌ی آن، مخاطل را به یک زندگی مناسب و معقول و در عین حال چالش‌ساز فراخوان می‌دهد. پولس اغلب از این عبارت بهره برده است (۱ قرن‌تیا ۱:۱۰؛ ۴:۱۶؛ ۱۵:۱۶؛ ۲ قرن‌تیا ۲:۸؛ ۵:۲۰؛ ۶:۱۰؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۲:۱؛ ۸:۱۵؛ ۳۰:۱۵؛ افسسیان ۱:۴؛ فیلیپیان ۲:۴؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۰؛ ۱ تیموتائوس ۳:۱؛ فیلمون ۱:۹-۱۰). به تفسیر دوم قرن‌تیا ۱:۴-۱۱ نیز مراجعه نمایید.

موضوع خاص: دلگرمی

Special Topic: Comfort

I. دلگرمی در عهد عتیق (یادداشت از اشعیا ۴۰:۱)

این واژه (عمدتاً *Piel*). "دلگرمی یا دلگرم باشید" می‌تواند عنوانی برای این بخش از کتاب اشعیا تلقی گردد. این عبارت حس همدردی و اهمیت دادن به یهوه را نشان می‌دهد (اشعیا ۱۲:۱). این لغت ظاهراً از زمانی که اسبهای خسته نفس می‌زدند، بوجود آمده است. یهوه از اینکه باید قوم خود را تنبیه می‌کرد، اندوهناک بود. اکنون زمان تنبیه به سر آمده است. مشخص نیست که این امر به دلایل زیر است یا خیر:

A. توبه آنان (حزقیال ۱۸)

B. انتخاب یهوه برای عمل کردن به جای آنان، حتی با وجود اینکه آنان قادر به توبه راستین نبودند (حزقیال ۳۶:۲۲-۳۸)

اکنون روزی جدید فرا رسیده است! سر زدن این آفتاب به دلیل شخصیت یهوه، نه توبه قوم او (رومیان ۳:۲۱-۳۱؛ غلاطیان ۳: افسسیان ۸:۲-۹)؛ کارایی او و نه آنان، برنامه ابدی او که آنان نیز بخشی از آن هستند، می‌باشد.

II. دلگرمی در عهد جدید (یادداشت از دوم قرن‌تیا ۱:۴-۱۱)

این عبارت، *paraklēsis*، به اشکال مختلف خود، ده بار در دوم قرن‌تیا ۱:۳-۱۱ بکار رفته است. این عبارت یک واژه کلیدی در طول تمامی آیات بوده و همچنین در دوم قرن‌تیا ۱-۹ بیست و پنج بار تکرار گردیده است. معنی اصل آن "در کنار یکدیگر بودن" است. این واژه اغلب در پرونده‌های قضایی، زمانی که وکیل مدافع دادخواست قانونی را تنظیم می‌کرد بکار برده می‌شد. در این متن بمنظور تشویق و دلداری بکار رفته است. واژه مرتبط با آن *paraklētos* است که در یوحنا ۱۴:۱۶، ۲۶؛ ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۷ در رابطه با روح القدس و همینطور در اول یوحنا ۲:۱ در رابطه با عیسی بکار رفته است. در این متن در رابطه با پدر بکار برده شده است (به موضوع خاص: شفیع [*paraklōtos*] مراجعه نمایید). فعل آن در حالات مختلفی بکار برده شده است.

A. نسخه Septuagint

۱. تشویق و تقویت کردن، تشنیه ۳:۲۸

۲. تسلی یافتن در پیدایش ۲۴:۶۷؛ ۳۷:۳۵؛ مزمور ۵۰:۱۱۹ (در یک قالب مسیحایی در اشعیا ۴۰:۱؛ ۴۹:۱۳؛ ۵۱:۳؛ ۶۱:۲)

۳. شفقت داشتن، تشنیه ۳۲:۳۶؛ داوران ۲:۱۸؛ مزمور ۱۳۵:۱۴

۴. دلداری دادن، اشعیا ۳۵:۴

۵. فرا خواندن، خروج ۱۵:۱۳

B. نامه‌های پولس به قرنتس

۱. نصیحت کردن، اول قرن‌تیا ۱:۱۰؛ ۴:۱۶؛ ۱۴:۳۰-۳۱؛ ۱۵:۱۶-۱۶؛ دوم قرن‌تیا ۲:۸؛ ۵:۲۰؛ ۶:۴؛ ۸:۱؛ ۱۰:۱۰

۲. آرامش دادن و خوشحال کردن، دوم قرن‌تیا ۱:۴؛ ۶:۷؛ ۷:۲؛ ۷:۶؛ ۷:۷؛ ۱۳:۷؛ ۱۳:۱۱

۳. ابراز همدردی کردن، اول قرن‌تیا ۴:۱۳

۴. عجز و لایه کردن، التماس کردن، درخواست کردن، اول قرن‌تیا ۱۶:۱۲؛ دوم قرن‌تیا ۹:۵؛ ۱۲:۱۸

■ "برادران" پولس از واژه "برادران" زیاد استفاده می‌کرد. حتی با وجودی که پولس باید این جماعت را با کلامی محکم نصیحت می‌نمود، اما با همه اینها باز آنان برادران و خواهران او در راه مسیح قلمداد می‌شدند. پولس از این واژه برای نشان دادن موضوعی جدید استفاده می‌کرد، اما در این کتاب او همچنین برای تک بودن این کلیسا برای پولس و دیگر کلیساها بهره می‌برد.

■ "به نام خداوند ما عیسی مسیح" در دنیای یهودیان، نام فرد معرف شخصیت و حدود اختیارات اوست. در ترجمه فیلیپس از جوهره "به نام خداوند عیسی مسیح" گرفته شده است.

موضوع خاص: اسم خدا- (عهد جدید)

Special Topic: The Name Of The Lord (NT)

در کلیسا این اسم متداول عهد جدیدی برای حضور و قدرت فعال خدای تثلیث است. یک فرمول جادویی نیست، بلکه درخواستی برای شخصیت خدا آن طور که در عیسی دیده شد، است.

اغلب این اصطلاح به عیسی به عنوان سرور اشاره می‌کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲:۱۱)

۱. در کار ایمان فرد به عیسی (مراجعه شود به رومیان ۱۰:۹ الی ۱۳، اعمال رسولان ۲:۲۱ و ۳۸، ۸:۱۲ و ۱۶، ۱۰:۴۸، ۱۹:۵، ۲۲:۱۶، اول قرن‌تینان ۱:۱۳ و ۱۵، یعقوب ۲:۷)
۲. در زمان جن‌گیری و بیرون راندن دیوها (مراجعه شود به انجیل متی ۷:۲۲، انجیل مرقس ۹:۳۸، انجیل لوقا ۹:۴۳۹، ۱۰:۱۷، اعمال رسولان ۱۹:۱۳)
۳. در زمان شفا دادن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳:۶ و ۱۶، ۴:۱۰، ۹:۳۴، یعقوب ۵:۱۴)
۴. در زمان بشارت (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰:۴۲، ۱۸:۵، انجیل لوقا ۹:۴۸)
۵. در زمان مراسم در کلیسا (مراجعه شود به انجیل متی ۸:۱۵ الی ۲۰)
۶. در زمان موعظه برای پیروان سایر ادیان (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴:۴۷، اعمال رسولان ۹:۱۵، ۱۵:۱۷، رومیان ۵:۱)
۷. در دعا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۱۳ الی ۱۴، ۱۵:۷، ۱۶، ۱۶:۲۳، اول قرن‌تینان ۱:۲)
۸. راهی برای اشاره به مسیحیت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶:۹، اول قرن‌تینان ۱:۱۰، دوم تیموتائوس ۲:۱۹، یعقوب ۲:۷، اول پطرس ۴:۱۴)

هر آنچه به عنوان بشارت‌دهنده، کمک‌کننده، شفا دهنده، بیرون کننده دیو و غیره انجام دهیم، در شخصیت او، قدرت او و بنام او انجام می‌دهیم (یعنی فیلیپیان ۲:۹ الی ۱۰)!

■ "که با هم توافق داشته باشید" دو وجه وصفی حال کامل در بندهای عنوان شده توسط پولس وجود دارد (*hina*).

۱. که ممکن است به ادامه اختلافات دامن نزنند (حال حاضر)
۲. که ممکن است (حال حاضر) با یکدیگر گره خورده باشند (وجه وصفی مجهول، که در اینصورت این بخش را زائد می‌نمایاند).

این وجوه وصفی احتمالی را بوجود می‌آورند. بخشهایی وجود داشتند که در آنها این فرقه‌ها به یکدیگر گره نخورده بودند. رفتار و کرداری که لازمه بوجود آمدن اتحاد است، در افسسیان ۲:۴-۳ ذکر شده است.

میل پولس برای این کلیسا، دعای عیسی را در یوحنا ۱۷:۱۱، ۲۱-۲۳ بیاد می‌آورد که می‌گفت: "ای پدرِ قدّوس، آنان را به قدرت نام خود که به من بخشیده‌ای حفظ کن، تا یک باشند، چنانکه ما هستیم." افسسیان ۴:۱-۶ نیز در همین جهت است. توافق داشتن (و نه متحدالشکل بودن) برای هر کلیسای سالم و روبه رو شدی، امری حیاتی محسوب می‌گردد (فیلیپیان ۱:۲۷). عدم توافق منجر به بوجود آمدن اذهان خشک و بسته می‌گردد (دوم قرن‌تینان ۳:۱۴؛ ۴:۴؛ ۱۱:۳).

■ "در میان شما تفرقه نباشد" این واژه (*schismata*) در احزاب سیاسی نفاق افکن یونانی کوبین بکار برده می‌شد (اعمال رسولان ۴:۱۴؛ ۷:۲۳).

واژه انگلیسی "schism" بمعنی تفرقه و نفاق از همین واژه یونانی گرفته شده است. این معضل یکی از بزرگترین مشکلات همین کلیسا بود (اول قرن‌تینان ۱۱-۱۸؛ ۱۹-۱۲؛ ۲۵).

۱. حضور فردی ایمانداران بخاطر نوع خاصی از رهبری در کلیسا (همچون فصاحت و بلاغت)
۲. غرور و حسادت ورزیدن ایمانداران بر سر عطایای معنوی
۳. دسته‌بندی ایمانداران بر اساس موقعیت اقتصادی آنان (غنی و فقیر)
۴. تبعیض میان ایمانداران بواسطه طبقه‌بندیهای اجتماعی (برده و آزاد)
۵. دسته‌بندی نژادی آنان (یهودی و غیر یهودی)
۶. حسادت ورزیدن یا غرور داشتن در میان طبقه مجرد و متأهل

۷. غرور ورزی نسبت به میزان سواد و دانش (سطح تحصیلی و روشنفکری در قرن اول، صوفیان)

این موارد به هر روی مؤکد سر سختی، غرور، دگم‌اندیشی و ویژگیهای فردی است که در برخی کلیساهای پیداشده نیز سایه افکنده است. هر گروه مدعی اول بودن در پیروی از رهبرانشان می‌باشند (لوتر، کالوین، آرمینیوس، و سلی و غیره). هر گروه فکر می‌کنند که فقط آنان هستند که خداوند را بازتاب می‌دهند. خداوند! چقدر به تواضع و آموزش نیازمندیم. همه آنانی که به نام عیسی دیگران را فرا می‌خوانند، کلیسای او هستند!

■ **“در اندیشه و رأی با هم متحد باشید”** ترجمه *The Today’s English Version (TEV)* عبارت “کاملاً و فقط با یک اندیشه و مقصود با یکدیگر اتحاد داشته باشید” را ثبت کرده است. آن مقصود، در واقع پادشاهی خداوند، انجیل، جامعه بزرگ، قدوسیت فردی می‌باشد ولی نه بر اساس اولویتها و تمایلات فردی!

۱۱:۱ **“اهل خانه خلوته”** ما در رابطه با این زن هیچ نمی‌دانیم، بجز اینکه احتمالاً او یکی از اعضای کلیسای قرنتس یا یکی از کارگران او عضو این کلیسا بوده است. نام او، نام کوچک دمتر، الهه حاصلخیزی زمین، حبوبات و نان بوده است. خدمتگزاران او سرمنشأ دانش پولس درباره مشکلات بوجود آمده در کلیساهای قرنتس بوده‌اند. به بخش مقدمه، شماره A / VI رجوع نمایید.

■ **“در میان شما جدالهاست”** مشابه همین عبارت (*ep15*) در فهرست اعمال نفس در غلاطیان ۵: ۲۰ ذکر شده، که ذات مردم خودخواه، خشمگین و فرومایه را نشان می‌دهد. همچنین در فهرست گناهیانی که پولس ذکر کرده نیز وجود دارد (اول قرنتس ۳: ۳؛ دوم قرنتس ۱۲: ۲۰؛ اول تیموتائوس ۴: ۶). اما این موضوع هرگز ذات کلیسای مسیح را نمی‌تواند در برگیرد!

۱۲:۱ بنظر می‌رسد که این آیه فهرستی از تفرقه‌ها باشد (گروه پولس، گروه آپولوس، گروه کیفا، گروه عیسی). مشخصات این رهبران از اجزای زیادی شکل گرفته است (پولس = بخش آزادی، که بتنهایی با ایمان، غیریهودیان را شامل شده است؛ آپولوس = بخش فلسفی؛ کیفا = بخش سنتی و شرعی یهودیت؛ دوم قرنتس ۱۱: ۱۸-۳۳؛ مسیح = آنان که از درجات والا، قدرت فراخوان، متبرک و یا معنوی برخوردار هستند؛ دوم قرنتس ۱۲: ۱). با اینحال، هیچ اطلاع دقیقی درباره الهیات یا عامل محرکه هر یک از این گروه‌ها در عهد جدید در دست نیست. این رهبران بخودی خود نفاق افکن نبودند. این گروه‌های قرنتسی بودند که مدعی شده و نفاق افکنی می‌کردند.

■ **“آپولوس”** وی واعظی بسیار توانمند و تحصیلکرده از اسکندریه مصر بود (اعمال رسولان ۱۸: ۲۴-۱۹: ۱)، اما از بازگشت سر باز زد (اول قرنتس ۱۲: ۱۶). او به نوعی رهبری بود که این کلیسا را غرق در خود کرده بود.

■ **“کیفا”** این نام معادل زبان آرامی برای نام یونانی پطرس می‌باشد. مشخص نیست که پطرس واقعاً در قرنتس بوده یا خیر. اگر نبوده باشد، پس این شخص می‌تواند بازتاب دهنده بخش “یهودایی” باشد (غلاطیان و احتمالاً دوم قرنتس).

■ **“من از آن مسیح هستم”** مشخص نیست که این عبارات عکس‌العمل پولس به رهبران نفاق افکن بوده و یا گروه منحرف دیگری بودند که مدعی تحت رهبری عیسی مسیح بوده‌اند. کلمنت روم، کسی که برای قرنتس در سال ۹۵ پس از میلاد نامه نوشت (I Clem. 48)، با اینکه از دیگر گروه‌های نفاق افکن سخن گفته اما ذکری از گروه مسیح به میان نیاورده است. همین امر این دیدگاه را تقویت می‌کند که ممکن است بانگی از سوی پولس بوده باشد. آنان می‌توانستند رهبران انسانی را برگزینند، اما او تنها به عیسی تعلق داشت!

دیگر مفسران فرض می‌کنند که این گروه ممکن است مدعی دارا بودن آگاهی خاصی، یا مکاشفه خاص، یا ارتباطی خاص با عیسی بوده باشند (یک روشنفکر یا نوعی تفرقه‌افکن عرفانی). اما باز، مشخص نبوده و بطور قطع نمی‌توان از آن سخن گفت. ما درباره کلیسای قرن اول و دوم چیز زیادی نمی‌دانیم.

۱۳:۱ این آیه عکس‌العمل‌های وحشت‌زده پولس را ثبت کرده است. “آیا مسیح تقسیم شده بود؟” این جمله مجهول کامل اخباری بوده که از تقسیم شدن عیسی بوسیله رفتار و کردار این گروه‌های نفاق افکن در قرنتس خبر می‌دهد. اگر این جمله را سوالی در نظر بگیریم، پس باید انتظار پاسخ مثبت داشته باشیم.

نسخه پاپیروس که در سال ۲۰۰ پس از میلاد نوشته شده بود، در متن تفاوت مشهودی دارد، “عیسی نمی‌تواند تقسیم شود” (اما این نسخه پاپیروس صدمه دیده و قابل اطمینان نیست). اکثر نسخه‌های باستانی و قابل تکای یونانی، A, B, C, D, F, G عبارت منفی را حذف کرده و متعاقب آن، این جمله به (۱ سوالی؛ ۲ حرف ندا؛ و یا ۳) یک اظهار نظر تبدیل شده است. نسخه⁴ UBS به متن کوتاهتر رتبه A (مطمئن) داده است.

□ "آیا پولس بود که برای شما بر صلیب شد؟ و آیا به نام پولس تعمید گرفتید؟" اینها تأکیدات پولس بمنظور نشان دادن برتری عیسی (با کم بها نشان دادن خودش) به این گروه‌های نفاق افکن یا حداقل گروهی که به نام او خوانده شده بود، هستند. پاسخ این سوالات، "خیر" می‌باشد.

۱۴:۱ "گریسپوس" نام این شخص در اعمال رسولان ۸:۱۸ نیز ذکر شده بود. وی رهبر کنیسه‌ای در قرنتس بود که عیسی مسیح را پذیرفته بود. اعمال رسولان ۸:۱۸ همچنین می‌گوید که او در کنار سایر اعضای خانواده خود تعمید دریافت کرده بود (اول قرنیتیان ۱:۱۶). پولس به روشنی این تعمید را انجام داده بود. در دنیای باستان، هنگامی که ربیب خانواده آیین خود را تغییر می‌داد، معمولاً همه اعضای آن خانه نیز از او پیروی می‌کردند. این امر طبیعتاً شامل کودکان و مستخدمین نیز می‌گردید. برای اطلاع بیشتر به اعمال رسولان ۵:۱۶ در وب سایت www.freebiblecommentary.org مراجعه نمایید.

□ "گایوس" نام این شخص در رومیان ۲۳:۱۶ ذکر گردیده بود. کلیسای قرنتس در خانه او شکل گرفت. نام رومی او Gaius Titus Justus بود.

۱۶:۱ "استیفانوس" نام این شخص در اول قرنیتیان ۱۶:۱۵، ۱۷ ذکر گردیده بود. او یکی از سه عضو کلیسا بود که نامه‌ای را از سوی کلیسا برای پولس در شهر افسس آورد. به بخش مقدمه A / VI رجوع نمایید.

۱۷:۱ "زیرا مسیح مرا نفرستاد تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم" این عبارات بمعنای کم اعتبار نشان دادن عمل تعمید نیست، بلکه نشان دادن عکس‌العملی به روح تفرقه‌ای بر کلیسای قرنتس سایه افکنده و باعث شده بود تا رهبران خاصی پر اهمیت جلوه داده شوند، بود. با اینحال، این اظهارات نشان دهنده عدم "نگاه مذهبی" به تعمید، از لحاظ رحمت الهی بوده است. شگفت‌انگیز است که برخی از مترجمان، نامه‌های پولس را در حالی با دیدگاه دینی ترجمه می‌کنند که او در تمام نوشته‌هایش، فقط یکبار در اول قرنیتیان ۱۱ از شام خدا و دوبار در رومیان ۱:۶-۱۱ و کولسیان ۲:۱۲ از تعمید سخن گفته بود. با اینوجود، تعمید خواست خدا برای هر ایماندار است:

۱. تعمید مثالی از عیسی است (متی ۳:۱۳-۱۷)

۲. تعمید فرمان عیسی است (متی ۲۸:۲-۱۰)

۳. تعمید بعنوان عملی طبیعی برای هر ایماندار مورد توقع است (رومیان ۶: اعمال رسولان ۲:۳۸)

من تصور نمی‌کنم که این راهی برای دریافت برکت و رحما از خداوند یا روح القدس باشد. بلکه فرصتی عمومی برای نوباوران بود تا بتوانند ایمان خود را در جمع نشان دهند. هیچ نوباور تازه‌ای این سوال را مطرح نمی‌کند که "آیا من بمنظور نجات یافتن باید تعمید داده شوم؟" اما عیسی سوال کرد! عیسی به کلیسا دستور داد تا این کار را انجام دهند! انجام دهید!

موضوع خاص: تعمید

Special Topic: Baptism

I. تعمید در زندگی یهود

A. تعمید در میان یهودیان قرن اول و دوم امر رایجی بود

۱. آمادگی برای عبارت در معبد (یعنی پاکیزگی)

۲. خود تعمیدی نوایمانان

اگر کسی از سایر ادیان بخواهد فرزند اسرائیل شود، باید این کار را انجام دهد

a. ختنه، اگر مرد باشد

b. خود تعمیدی توسط غسل، در حضور سه شاهد

c. قربانی کردن در معبد

۳. عمل طهارت (مراجعه شود به لایوان ۱۵)

در گروه‌های فرقه‌ای فلسطین قرن اول، مانند اسن‌ها، تعمید ظاهراً متداول بود و تکرار می‌شد. با این وجود، برای یهودیان مادرزاد، تعمیدهای توبه‌ای یحیی برای فرزندان ابراهیم که باید همان مراحل پذیرش نوایمانان از سایر ادیان را طی می‌کردند، تمسخرآمیز بود.

B. برخی نمونه‌های عهد عتیقی برای مراسم شستشو را می‌توان ذکر کرد

۱. به عنوان نمادی برای پاک‌ی معنوی (مراجعه شود به اشعیا ۱:۱۶)

۲. به عنوان یک تشریفات منظم که توسط کشیشان اجرا می‌شد (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۰:۱۹، لایوان ۱۶)

باید توجه داشت که سایر تعمیدهای قرن اول فرهنگ یهود توسط خود فرد اجرا می‌شد. فقط فراخوانده‌های یحیی تعمید دهنده او را به عنوان ارزیاب و (مراجعه شود به انجیل متی ۷:۳ الی ۱۲) مسئول این عمل توبه مشخص می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۶)

II. تعمید در کلیسا

A. با اهداف الهیات

۱. بخشش از گناهان - مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۳۸، ۲۲:۱۶
 ۲. دریافت روح القدس - مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۳۸ (اعمال رسولان ۴:۴۴ الی ۴۸)
 ۳. وحدت با مسیح - مراجعه شود به غلاطیان ۳:۲۶ و ۲۷
 ۴. عضویت در کلیسا - مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲:۱۳
 ۵. نمادی از تحول معنوی - مراجعه شود به اول پطرس ۳:۲۰ الی ۲۱
 ۶. نمادی از مرگ معنوی و رستاخیز - مراجعه شود به رومیان ۶:۱ الی ۵
- B. تعمید در کلیسای اولیه فرصتی برای فرد بود تا در ملا عام اقرار (یا اعتراف) کند. این مکانیزی برای رستگاری نبوده و نیست، ولی فرصتی برای تأیید کلامی ایمان بود/ است (احتمالاً "عیسی خدا است"). به خاطر داشته باشید که کلیسای اولیه هیچ ساختمان و بنایی نداشت و به دلیل پیگرد، اغلب مردم همدیگر را در خانه‌ها یا مکانهای مخفی ملاقات می‌کردند.
- C. بسیاری از مفسرین تصریح می‌کنند که اول پطرس یک مراسم تعمید است. هر چند این امکان هست، ولی تنها گزینه نیست. البته، این درست است که پطرس تعمید را یک عمل بسیار مهم در ایمان می‌داند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۳۸ و ۴:۱، ۴۷:۱۰). با این وجود، یک مراسم مقدس نبوده و نیست، بلکه یک رخداد ایمان است که نمادی از مرگ، دفن و رستاخیز است و ایمان آورنده با تجربه خودش عیسی را شناسایی می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۷:۶ الی ۹، کولسیان ۲:۱۲). این عمل مقدس نیست بلکه نمادین بوده و فرصتی برای اقرار است نه مکانیسمی برای رستگاری.

III. تعمید و توبه در اعمال رسولان ۲:۳۸

اعمال نوشته Curtis Vaughan پی نویسی جالبی در صفحه ۲۸ در ارتباط با اعمال رسولان ۲:۳۸ دارد.

"کلمه یونانی که برای "تعمید" (baptized) استفاده شده سوم شخص دلالتی است، کلمه‌ای که برای "توبه" استفاده شده دوم شخص است. این تغییر از دستور دوم شخص به سوم شخص دلالتی بر این دارد که درخواست اولیه پطرس توبه بوده است."

این امر با تأکید یحیی تعمید دهنده (مراجعه شود به انجیل متی ۲:۳) و عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱۷) ادامه پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که توبه کلید معنوی و تعمید اظهار بیرونی این تغییر معنوی می‌باشد. عهد جدید در مورد ایمانداران تعمید داده نشده چیزی نمی‌داند. برای کلیسای اولیه، تعمید اقرار در ملا عام ایمان بود. این فرصتی برای اقرار در ملا عام نسبت به ایمان به عیسی بود، نه مکانیسمی برای رستگاری. باید به خاطر داشت که تعمید در موعظه دوم پطرس ذکر نشده است، ولی توبه ذکر شده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳:۱۹، انجیل لوقا ۲۴:۱۷). تعمید مثالی بود که توسط عیسی بنا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۳ الی ۱۸). عیسی امر به تعمید کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸:۱۹). سوال مدرن در مورد الزام به تعمید برای رستگاری در عهد جدید مطرح نشده است. باید تمامی ایمانداران تعمید داده شوند. با این وجود، از فرد باید در مقابل مکانیسم مقدس بودن محافظت شود. رستگاری یک مسئله ایمانی است، نه یک مکان درست، یا کلمات درست یا عمل مناسب.

NASB "نه با حکمت سخنوری"

NKJV "نه با حکمت کلامی"

NRSV "نه با حکمتی فصیح"

TEV "بدون استفاده از زبان حکیمانه انسانی"

NJB "نه با مفاهیم حکمت زبانی"

عبارت *Sophia* (هو شمندی یا حکمت، صوفیگری در زبان فارسی) در اول قرنتیان ۱:۱۷-۲۴ در جهت انسانی آن بکار برده شده (حکمت جهانی، حکمت انسانی، حکمت انسان رانده شده). منطق و/یا حکمت انسان نمی‌تواند جایگزین خبر خوش خداوند بوا سطح مسیح یا مرگ او برای بشریت گردد. قدرت در این پیام است، و نه در پیام‌آور آن (نه حتی در پولس، دوم قرنتیان ۱۰:۱۰؛ ۶:۱۱). مقطعی از این کلیسا در گیر علم بدیع و معانی بیان گردید (به کتاب *Philo and Paul Among the Sophists* نوشته Bruce W. Winter مراجعه نمایید). گروهی از معلمان دروغین یهودی به قرنتس خواهند آمد تا بدلیل

عدم دارا بودن فصاحت بیان و فن سخن‌وری در دوم قرن‌تین ۱۰-۱۳ به پولس حمله نمایند. هیچکس در برابر خداوند جلال داده نخواهد شد (اول قرن‌تین ۱: ۲۹؛ افسسیان ۲: ۹).

■ «مبادا قدرت صلیب مسیح بی‌اثر گردد» اگر انسانها می‌توانستند به واسطه رفتار و کردار خود، خود را نجات دهند، دیگر نیازی به مرگ عیسی نبود! اما آنان نه می‌توانستند و نه می‌توانند! قدرت صلیب در توشه‌ی کاملیست که بواسطه عیسی فراهم آمده است. هر کاری که برای نجات دنیا لازم بود، انجام شده، تمام شده و برای زندگی، آموزه‌ها، مرگ، رستاخیز، عروج و ظهور دوباره عیسی فراهم گردیده است تا انسانها بتوانند فقط بواسطه ایمان آن را طلبیده و دریافت نمایند.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱: ۱۸-۲۵

۱۸ زیرا پیام صلیب برای آنان که هلاک می‌شوند جهالت است، اما برای ما که نجات می‌یابیم قدرت خداست. ۱۹ زیرا نوشته شده است: «حکمت حکیمان را نابود خواهد ساخت و فهم فهیمان را باطل خواهد گردانید.» ۲۰ براستی، حکیم کجاست؟ عالم دین کجاست؟ مباحثه‌گر این عصر. کجاست؟ مگر خدا حکمت دنیا را جهالت نگردانیده است؟ ۲۱ زیرا از آنجا که بنا بر حکمت خدا، دنیا نتوانست از طریق حکمت خدا را بشناسد، خدا چنان مصلحت دید که از راه جهالت موعظه، کسانی را که ایمان می‌آورند، نجات بخشد. ۲۲ زیرا یهودیان خواستار آیت‌اند و یونانیان در پی حکمت، ۲۳ ولی ما مسیح مصلوب را وعظ می‌کنیم که یهودیان را سنگ لغزش است و غیر یهودیان را جهالت، ۲۴ اما فراخوانندگان را، چه یهودی و چه یونانی، مسیح قدرت خدا و حکمت خداست. ۲۵ زیرا جهالت خدا از حکمت انسان حکیمانه‌تر و ناتوانی خدا از قدرت انسان تواناتر است.

۱۸:۱ "پیام صلیب" عبارت "پیام" [در نسخه انگلیسی *word* نوشته شده است] (*logos*) به موضوع موعظه پولس ارتباط دارد (اول قرن‌تین ۱: ۱۷ و ۲۳). معمولاً پولس در موعظه‌هایش هم بر مصلوب شدن و هم بر قیام مسیح از مردگان تأکید دارد. اما در این متن تمرکز او بر روی مصلوب شدن (پیدایش ۳: ۱۵؛ مزامیر ۲۲؛ اشعیا ۵۳؛ زکریا ۹-۱۴) و نتایج آن است (اول قرن‌تین ۱: ۳۰).

NASB, NKJV

NRSV "حماقت"

TEV "بی‌معنا است"

NJB "نابخردی"

بعدها این واژه یونانی بشکل "Moron" وارد زبان انگلیسی شد که بمفهوم آدم سبک مغز و کم عقل است. در مشخصاتی که پولس برای حکمت انسان رانده شده از بهشت منظور کرده، این یک عنصر کلیدی محسوب می‌گردد (اول قرن‌تین ۱: ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵)، و همچنین به آیات ۲: ۱۴؛ ۳: ۱۸-۱۹؛ ۴: ۱۰ نیز توجه نمایید. انجیل یک مکاشفه از سوی خداوند بوده و کشف بشر محسوب نمی‌گردد!

■ «برای آنان که هلاک می‌شوند جهالت است، اما برای ما که نجات می‌یابیم قدرت خداست» این دو وجوه وصفی زمان حال هستند. اولی مجهول و دومی معلوم است. به موضوع خاص: رستگاری (زمان افعال یونانی) در اول قرن‌تین ۳: ۱۵ رجوع نمایید. در اینجا فقط دو گروه از مردم وجود دارند: آنان که هلاک می‌شوند و آنان که در حال نجات یافتن هستند (دوم قرن‌تین ۲: ۱۵؛ ۴: ۳). واژه "هلاک" به معنای از بین رفتن فیزیکی نمی‌باشد، بلکه از دست دادن همیشگی دوستی و مودت با خداوند است. دوستی که برای آن منظور انسان آفریده شد. به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱: ۲۸ رجوع نمایید. مفسران امروزی کلمات نامطبوع عبری را برداشته و سپس آنها را به مفهوم واقعی کلمه ترجمه کرده‌اند. دو مثال در این رابطه:

۱. "خوابیدن" = مرگ، نه بیهوشی تا رستاخیز

۲. "هلاک شدن" = از دست رفتن معنویت، نه نابودی مطلق

برخی معتقدند که نابودی (توقف زندگی) بیشتر جنبه انسانی دارد تا توصیف یک جهنم دائمی (کتاب *The Fire that Consumes* نوشته Fudge). مشکل جایی بوجود می‌آید که کلمه مشابهی که قبلاً برای تعریف جهنم بکار برده می‌شد، اکنون برای بهشت بکار برده شده ("ابدی"، متی ۲۵: ۴۶) و ذکر یک قیام مضاعف آنگونه که کتاب دانیال ۱۲: ۲؛ یوحنا ۵: ۲۸-۲۰ و اعمال رسولان ۱۵: ۲۴ بیان شده است. با اینحال این خدا نیست که انسان را به جهنم می‌فرستند، بلکه عدم پذیرش (۱ نوری که در اختیار انسان گذاشته شده (مزمور ۱۹: ۱-۶؛ رومیان ۱-۲) و یا ۲) انجیل باعث بانی آن است (گناه نابخشودنی و گناه تا دم مرگ، از جمله گناهان یک بی‌ایمان است). بی‌ایمانی در این زندگی، بر روی زندگی ابدی ما نیز تأثیر می‌گذارد.

عهد جدید رستگاری را بصورت‌های زیر توصیف می‌کند

۱. نتیجه عملی از روی عمد در زمان گذشته (زمان آئوریستی، اعمال رسولان ۱۵:۱۱؛ رومیان ۸:۲۴؛ ۲ تیموتائوس ۱:۹؛ تیتوس ۳:۵)
۲. نتیجه عملی که در طول حیات ادامه دارد (زمان حال حاضر، اول قرن‌تینان ۱:۱۸؛ ۲:۱۵؛ دوم قرن‌تینان ۲:۱۵)
۳. نتیجه رویدادی در زمان گذشته که تبدیل به موقعیت کنونی می‌گردد (زمان کامل، افسسیان ۲:۵، ۸)
۴. نتیجه‌ای که در زمان آینده حاصل می‌گردد (زمان آینده، رومیان ۵:۹-۱۰؛ ۹:۱۰؛ ۱۱:۱۳؛ اول قرن‌تینان ۳:۱۵؛ فیلیپیان ۱:۲۸؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۸-۹؛ عبرانیان ۱:۱۴؛ ۹:۲۸)

خطر الهیاتی اینست که هر یک از این موارد را بعنوان جوهره رستگاری دارای قطعیت بدانیم. ما همیشه باید در برابر هرگونه ساده‌باوری که منجر به شروع جریانی شده، و یا کمال‌گرایی که فقط بر روی ماحصل کار تأکید دارد، هشیار باشیم. رستگاری تازه یک شروع، و یک واکنش به پیشکش رایگان خداوند بواسطه مسیح بوده که می‌تواند منجر به یک مدل زندگی همچون عیسی مسیح گردد. این موضوع همچون یک میهمان نیست که به ورود او خوش آمد گوییم، بلکه پیامی درباره آن شخص است که باید آن را پذیرفته، و یک زندگی که به تقلید از آن شخص باید بسازیم. رستگاری یک محصول، یا یک سیاست تضمینی، یا بلیطی به بهشت نیست، بلکه رابطه‌ای روزانه و در حال رشد با عیسی است. عهد جدید بر روی یک مرید و حواری بودن تأکید دارد، و نه بر عمل تصمیم‌گیری.

راز واقعی اینست که در هنگام عرضه شدن پیام انجیل، برخی "بله" می‌گویند و برخی نجات می‌یابند، اما برخی می‌گویند "نه" و بر شورش خود صحه می‌گذارند (لوقا ۲:۳۴؛ یوحنا ۹:۲۹؛ ۱ پطرس ۲:۷). من از اینکه می‌بینم برخی پاسخ مثبت می‌دهند شگفت‌زده نمی‌شوم، بلکه از این دچار شگفتی می‌شوم که می‌بینم با وجود

۱. اشتیاق خداوند برای نجات همه انسانها
۲. کار به اتمام رسیده عیسی مسیح
۳. اظهار لطف و مرحمت روح‌القدس
۴. گناه بشریت
۵. عدم هدفمندی زندگی بدون وجود خداوند

باز انسانهایی پیدا می‌شوند که پاسخ "منفی" داده و این دعوت را رد می‌کنند! راز انتخاب پاسخ مثبت و منفی در اینجاست. (دوم قرن‌تینان ۳:۱۴؛ ۴:۴؛ ۳:۱۱)

■ "قدرت خدا" انجیل قدرت خداوند است (اول قرن‌تینان ۱:۲۴؛ رومیان ۱:۱۶). انجیل قدرت خدا را به ما نشان می‌دهد. این کتاب مولد ایمان است. توبه را بوجود می‌آورد. انجیل تولید کننده حکمت، عدالت، تَقْدُس، و رستگاری است (اول قرن‌تینان ۱:۳۰). موعظه صلیب همه این کارها را انجام می‌دهد. این قدرت خداست که در ورای همه این کلام مکتوب (انجیل)، کلام زنده (مسیح)، کلام موعظه شده (خبر خوش)، و کلام ساخته شده (پادشاهی خدا شبیه به مسیح) قرار دارد.

۱۹:۱ این آیه نقل قولی از اشعیا ۲۹:۱۴ بوده و مثالی است از متقارنهای مترادف در عهد عتیق. تأکید این آیه بر نابخردی حکمت بدون وجود خدا در انسان است (اشعیا ۲۹:۱۳؛ جامعه ۱:۱۲-۱۸؛ ۱۲:۱۲).

■ "نابود" این عبارت بخشی از نقل قول عهد عتیق است (اشعیا ۲۹:۱۴). به موضوع خاص: *Apollumi* در اول قرن‌تینان ۸:۱۱ مراجعه نمایید.

۲۰:۱ این آیه فهرستی از انسانهای معتقد به فلسفه عقلایی است (یهودی و غیر یهودی). می‌توان آن را کنایه‌ای دانست به اشعیا ۳۳:۱۸ در نسخه LXX (*Jerome Biblical Commentary*، صفحه ۲۵۷). انسانها نمی‌توانند انجیل را کشف کنند. این راز خداوند است که از اعصار متمادی پیشین نهفته باقی مانده است (افسسیان ۲:۱۱ - ۳:۱۳). برنامه و تدارکات خدا بدلیل عدم شایستگی و حکمت انسان ممکن است احمقانه بنظر برسد.

■ "این عصر ... دنیا" این دو عبارت بازتاب دهنده یک مفهوم مشابه هستند که بمعنی زمانه افول کرده کنونی می‌باشد. این همان دنیایی نیست که خداوند قصد ساختنش را داشت، اما انجیل می‌تواند این عصر رو به انحطاط را به سوی دوره‌ای که مقصود اصلی خداوند از آفرینش آن بود، رهنمون سازد (پیدایش ۱-۲ و مکاشفه ۲۱-۲۲).

واژه "دنیا" در عهد جدید به دو حالت بکار رفته است: (۱) سیاره بمفهوم فیزیکی (یوحنا ۳:۱۶) و (۲) جامعه منحط بشری که به دور از خدا شکل گرفته و سازماندهی شده است (یعقوب ۱:۲۷؛ ۴:۴؛ یوحنا ۲:۱۵-۱۷). در نوشته‌های پولس، واژه عبری *Olam*، به زبان یونانی *aiōn* ترجمه

شده، که هم معنی با *kosmos* می‌گردد (اول قرتیان ۱: ۲۰؛ ۲: ۶؛ ۳: ۱۹؛ افسسیان ۲: ۲). برای مطالعه بیشتر درباره موضوع *Kosmos* به موضوع خاص: بکارگیری *Kosmos* (جهان) در نوشته‌های پولس در اول قرتیان ۳: ۲۱-۲۲ مراجعه نمایید.

موضوع خاص: این دوران و دوران پیش رو (Special Topic: This Age and the Age to Come)

پیامبران عهد عتیق آینده را در امتداد زمان حاضر می‌دیدند. از منظر آنان، آینده تجدید حیات جغرافیایی اسراییل می‌بود. با این وجود، آینده را حتی بعنوان روزی جدید می‌پنداشتند (اشعیا ۶۵: ۱۷؛ ۶۶: ۲۲). با تکرار نفی مغرضانه بیهوده توسط نوادگان ابراهیم (حتی پس از تبعید) پارادایم جدیدی در ادبیات میان دوره‌ای دو عصر جدید و عتیق شکل گرفت (I Enoch, IV Ezra, II Baruch). چنین نوشتاری، تمایزی را میان دو عصر پدید آورد: دوران شریانه امروزی که شیطان بر آن مسلط است و دوران پیش رو که توسط روح القدس و مسیح منجی به حقانیت خواهد رسید. در مبحث کنونی الهیات (آخرت شناسی) پیشرفت مشهودی حادث شده است. الهیات دانان آن را "الهام در حال توسعه" می‌خوانند. عهد جدید بر این واقعیت دو دوره الهی صحه می‌گذارد.

عبرانیان (پولس)	پولس	عیسی
عبرانیان ۱: ۲؛ ۶: ۵؛ ۱۱: ۳	رومیان ۲: ۱۲	متی ۱۲: ۳۲؛ ۱۳: ۲۲، ۳۹
	اول قرنتیان ۱: ۲۰؛ ۲: ۶، ۸؛ ۳: ۱۸	مرقس ۱۰: ۳۰
	دوم قرنتیان ۴: ۴	لوقا ۱۶: ۸؛ ۱۸: ۳۰؛ ۲۰: ۳۴-۳۵
	غلاطیان ۴: ۱	
	افسسیان ۱: ۲۱؛ ۲: ۲، ۷؛ ۶: ۱۲	
	اول تیموتائوس ۶: ۱۷	
	دوم تیموتائوس ۴: ۱۰	
	تیتوس ۲: ۱۲	

در الهیات عهد جدید این دو دوران یهود به دلیل پیشگویی‌های دو ظهور مسیح موعود، هم‌تراز یکدیگر قرار گرفته‌اند. تجسم دوباره مسیح بیشتر پیشگویی‌های گشایش عهد جدید را تکمیل می‌کند (دانیل ۲: ۴۴-۴۵). با این حال، ورود وی را در چارچوب قاضی و فاتح می‌نگرد، در عین اینکه او از ابتدا بشکل خادمی زجر دیده (اشعیا ۵۳؛ زکریا ۱۲: ۱۰) و متواضع و فروتن (ذکریا ۹: ۹) آمد. وی همانگونه که در عهد عتیق پیشبینی شده بود، به قدرت باز خواهد گشت (مکاشفه ۱۹). تکمیل این دو مرحله منجر به پادشاهی امروز (آغاز شده)، اما آینده (هنوز به نتیجه نرسیده) خواهد گردید.

■ "مگر خدا حکمت دنیا را جهالت نگردانیده است" با توجه به نوع کاربرد دستوری این جمله، بنظر می‌رسد که پولس انتظار پاسخ "مثبت" داشته است.

۱: ۲۱ "زیرا از آنجا که بنا بر حکمت خدا" این آیه می‌تواند کنایه‌ای باشد به امثال ۸: ۲۲-۳۱، همانگونه که در یوحنا ۱: ۱-۵، ۹-۱۴ چنین بوده است. همچنین اشاره دارد به برنامه خدا برای بازسازی بشریت منحن شده. این بازسازی از پیش از آفرینش در قلب خدا بوده است (متی ۲۵: ۳۴؛ اعمال رسولان ۲۳: ۲؛ ۲۸: ۳؛ ۱۸: ۴؛ ۲۹: ۱۳؛ افسسیان ۴: ۱؛ اول پطرس ۱: ۱۹-۲۰؛ مکاشفه ۱۳: ۸). این برنامه شامل:

۱. پیش‌آگاهی از انحطاط بشر
۲. عدم توانایی بشر در اجرای خواست خدا (تثنیه ۳۱: ۲۷-۲۹؛ یوشع ۱۹: ۲۴؛ غلاطیان ۳).
۳. تدرکاتی که خداوند بواسطه مسیح بوجود آورده است (عهد جدید، ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴)
۴. دعوت از یهودیان و غیر یهودیان به ایمان به مسیح (اول قرتیان ۱: ۲۱؛ افسسیان ۲: ۱۱-۱۳)

موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه

(Special Topic: YHWH's Eternal Redemptive Plan)

باید به شمای خواننده اذعان دارم که در این نقطه من متعصب هستم. نظام خدانشناسی من بر پایه مکتب جان کالوین یا سایر مکاتب ریاکار نیست، بلکه ترویج قوی مسیحیت است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۲۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۴۶: ۲۴ و ۴۷، اعمال ۱: ۸). من معتقدم خدا یک برنامه جاودانی

برای رستگاری تمامی بشریت دارد (برای مثال پیدایش ۳:۱۵ و ۱۲:۳، خروج ۱۹:۵ و ۶، ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۱۸، ۳۶:۲۲ الی ۳۹، اعمال ۲:۲۳، ۳:۱۸، ۴:۲۸، ۱۳:۲۹، رومیان ۳:۹ الی ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ الی ۳۱)، تمامی آنها در تصور او به زیبایی خلق شدند (رجوع شود به پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷). تمامی آن وعده‌ها در عیسی جمع شده‌اند (مراجعه شود به غلاطیان ۳:۲۸ و ۲۹، کولسیان ۳:۱۱). عیسی راز خداست، پنهان بود ولی اینک هویدا شده است (رجوع شود به افسیسیان ۲:۱۱ و ۳:۱۳)! انجیل عهد جدید، و نه اسرائیل کلید کتاب مقدس است.

این درک مقدماتی، تمامی تفسیرهای مرا از کتاب مقدس رنگین می‌سازد. من تمامی متون را با این ذهنیت خواندم! یقیناً این تعصب است (در تمامی تفاسیر دیده می‌شود!)، ولی این یک پیش‌فرض ناشی بر مبنای آگاهی به کتاب مقدس است.

تمرکز پیدایش ۱ الی ۲ بر آن است که یهوه مکانی را خلق می‌کند که او و بالاترین مخلوقش، نوع بشر می‌توانند با هم رفاقت کنند (رجوع شود به آفرینش ۱:۲۶ و ۲:۸). خلقت فیزیکی مرحله‌ای است برای این اقدام الهی.

۱. سنت آگوستین به این شخصیت حفره الهی شکل در انسان می‌دهد که فقط می‌تواند توسط خود خدا پر شود

۲. سی اس لویس به این سیاره نام "سیاره لمس شده" را می‌دهد (توسط خداوند برای بشر تهیه شده).

عهد عتیق اشارات زیادی بر این اقدام الهی دارد.

۱. آفرینش ۳:۱۵ نخستین وعده‌ای است که یهوه نوع بشر را در فاجعه و گناه و شورش رها نمی‌کند. به اسرائیل اشاره نمی‌کند زیرا اسرائیلی وجود ندارد، یا مردم تحت پیمان، تا زمانیکه ابراهیم در آفرینش ۱۲ ظهور می‌کند.

۲. پیدایش ۱۲:۱ الی ۳ اولین نام بردن یهوه از رستگاری توسط ابراهیم است که مردم پیرو، و اسرائیل را بوجود می‌آورد. ولی حتی در این نخستین یادآوری، خدا مجبور بود که مراقب تمام دنیا باشد. به پیدایش ۱۲:۳ توجه کنید!

۳. خروج ۲۰ (سفر تنبیه ۵) یهوه فرمان او (خدا) را به موسی داد تا مردم خاص خود را هدایت کند. توجه کنید که در خروج ۱۹:۵ و ۶، یهوه رابطه خاصی را که اسرائیل خواهد داشت افشا می‌کند. ولی همچنین توجه داشته باشید که آنها، همانند ابراهیم، منتخب بودند تا جهان را برکت دهند (رجوع شود به خروج ۱۹:۵ "تمامی زمین از آن من است"). اسرائیل باید مکانیزی می‌بود برای ملت‌ها تا یهوه را بشناسند و به خدا روی آورند. متأسفانه آنها موفق نشدند (رجوع شود به حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸).

۴. در اول پادشاهان ۸ سلیمان معبدی را اهدا می‌کند تا همه بتوانند بسوی یهوه بیایند (رجوع شود به اول پادشاهان ۴:۳ و ۸:۶۰).

۵. در مزمو ۲۷:۲۲ و ۲۸، ۴:۶۶، ۹:۸۶ (مکاشفه ۴:۱۵)

۶. از میان پیامبران یهوه به طور مستمر برنامه‌های رستگاری او (خدا) را آشکار می‌کرد.

a. اشعیا - ۲:۲ الی ۴:۴، ۱۲:۴، ۵ و ۶:۲۵، ۹ و ۶:۴۲ و ۱۰ الی ۱۲، ۲۲:۴۵، ۵:۴۹، ۶ و ۴:۵۱، ۵ و ۶:۵۶ الی ۸، ۱:۶۰ الی ۳، ۱۸:۶۶ و

۲۳

b. ارمیا ۱۷:۳، ۴:۲، ۱۹:۱۶

c. میکاه ۴:۱ الی ۳

d. ملاکی ۱:۱۱

تاکید کلی با به کارگیری "پیمان جدید" آسانتر می‌شود (ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸)، که بر بخشش یهوه تأکید دارد، نه بر عملکرد انسان انحطاط یافته. این "قوت قلب جدیدی" است، "تفکری جدید"، و "روحی جدید". اطاعت ضروری ولی درونی است، نه فقط اعمال ظاهری (رجوع شود به رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱).

عهد جدید به وضوح برنامه رستگاری جهانی را به راه‌های مختلف به اجرا می‌گذارد.

۱. کمیسیون عالی (انجیل متی ۲۸:۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۴۶ و ۴۷، اعمال ۱:۸)

۲. برنامه جاودانه خدا (یعنی از پیش تعیین شده) - انجیل لوقا ۲۲:۲۲، اعمال ۲:۲۳، ۳:۱۸، ۴:۲۸، ۱۳:۲۹

۳. خدا می‌خواهد تمامی انسانها نجات یابند - انجیل یوحنا ۳:۱۶، ۴:۴۲، اعمال ۱۰:۳۴ و ۳۵، تیموتائوس ۲:۴ الی ۶، تیتوس ۲:۱۱، دوم پطرس ۳:۹، اول یوحنا ۲:۲ و ۴:۱۴

۴. مسیح عهد قدیم و عهد جدید را متحد می‌سازد - غلاطیان ۳:۲۸ و ۲۹، افسیسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳، کولسیان ۳:۱۱. تمامی موانع و تمایزات در مسیح از بین می‌روند. عیسی "راز خداست"، که پنهان بود ولی اینک آشکار شده است (افسیسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳).

عهد جدید بر عیسی تمرکز دارد، نه اسرائیل. انجیل، نه منطقه‌ای و نه جغرافیایی، بلکه در مرکزیت است. اسرائیل اولین مکاشفه بود ولی عیسی آخرین است (رجوع شود به انجیل متا ۵:۱۷ الی ۴۸).

امیدوارم زمانی را نیز صرف خواندن این مقاله کنید: موضوع خاص: چرا به نظر می‌رسد که وعده‌ها و پیمانهای عهد عتیق با وعده‌ها و پیمانهای عهد جدید متفاوت هستند؟ می‌توانید آن را در www.freebiblecommentary.org بیابید

- **“توانست خدا را بشناسد”** یونانیان باور نداشتند که خداوند قابل شناخت است. خدایان آنان دارای ضعفهای انسانی بوده و نقشی در رویدادهای این دنیا نداشتند. بشریت رو به انحطاط نمی‌تواند خدا را کشف نماید، اما خدا اینگونه برگزید که خود را به واسطه مسیح (کلام زنده) و بواسطه انجیل (کلام مکتوب)، و همچنین بواسطه بازسازی بشریت از بین رفته به بشر بشناساند (پیامی که باید بوجد آید)!
- **“خدا چنان مصلحت دید که از راه جهالت موعظه”** نحوه معرفی مد نظر نیست، بلکه مفاد انجیل است که برای ذهن بسته جهالت به نظر می‌رسد (اول قرنیتان ۲: ۱۴).
- **“کسانی را که ایمان می‌آورند، نجات بخشد”** این یک مصدر کامل آئوریستی است که بدنبال وجه وصفی حال کامل آمده است. در واقع جوهره ندای انجیل به نمایش گذاشته شده است. واژه “نجات” در عهد عتیق برای مقاصد فیزیکی بکار برده شده بود، اما در عهد جدید برای بخشش و پذیرش معنوی نیز بکار رفته است. پذیرش ما توسط خداوند بواسطه مسیح، امری مسلم است، اما از جانب ما، تدارم ارتباط ما با عهد خداوند محسوب می‌گردد. هر آنچه که میان انسان و خداوند در جریان است، بواسطه عهد او می‌باشد. خداوند همیشه شروع کننده پیمان بوده و ملزومات آن را نیز مشخص نموده، اما اینگونه خواست که ما انسانها شخصاً باید او را اجابت کرده و به دعوت او پاسخ دهیم. به موضوع خاص در اول قرنیتان ۳: ۱۵ توجه نمایید.

موضوع خاص: استقامت

(Special Topic: Persevere)

توضیح دکترین انجیلی در ارتباط با زندگی مسیحی بسیار سخت است زیرا در قالب دیالکتیک شرقی ارائه شده است (به موضوع خاص: ادبیات شرق (پارادوکسهای انجیلی) مراجعه شود). این دو متناقض به نظر می‌رسند، با این حال، هر دوی آنها انجیلی هستند. مسیحیان غربی گرایش به این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت دیگر را نادیده انگاشته و یا آن را کم ارزش تلقی کنند. برخی مثالها:

- A. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه نسبت به ایمان آوردن به مسیح است یا یک تعهد مادام العمر که شاگرد او باشیم؟
 - B. آیا رستگاری یک انتخاب است به وسیله لطف از جانب خداوند یا ایمان و پاسخ همراه با توبه از جانب نوع بشر به پیشنهاد الهی؟
 - C. آیا وقتی رستگاری را دریافت کردیم، غیر ممکن است آن را از دست دهیم یا نیازمند تلاش مداوم برای حفظ آن است؟
- در طول تاریخ کلیسا، مسئله استقامت همیشه مورد منازعه بوده است. مشکل با تضاد میان عبارات عهد جدید آغاز می‌شود:

A. متون در ارتباط با اطمینان

۱. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۳۷: ۶، ۲۸: ۱۰ الی ۲۹)
 ۲. اظهارات پولس (رومیان ۸: ۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱: ۱۳، ۲: ۵، ۸: ۱، ۹: ۱، فیلیپیان ۱: ۶، ۲: ۱۳، دوم تسالونیکیان ۳: ۳، دوم تیموتائوس ۱: ۱۲، ۴: ۱۸)
 ۳. اظهارات پطرس (اول پطرس ۴: ۱ الی ۵)
- B. متونی که می‌گویند استقامت نیاز است
۱. اظهارات عیسی در سایر اناجیل (انجیل متی ۲۲: ۱۰، ۱۳: ۱، ۹: ۲۴ الی ۳۰، ۲۴: ۱۳، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳)
 ۲. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۳۱: ۸، ۴: ۱۵ الی ۱۰)
 ۳. اظهارات پولس (رومیان ۱۱: ۲۲، اول قرنیتان ۲: ۱۵، دوم قرنیتان ۵: ۱۳، غلاطیان ۶: ۱، ۳: ۴، ۵: ۹، ۶: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۲، ۳: ۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱: ۲۳، دوم تیموتائوس ۲: ۳)
 ۴. اظهارات نویسندگان عبرانیان (۲: ۱، ۳: ۶، ۴: ۱۴، ۴: ۱۱)
 ۵. اظهارات یوحنا (اول یوحنا ۲: ۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۷: ۲ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱ و ۲۱: ۷)

رستگاری انجیلی حاصل عشق، رحمت، ترحم و بزرگی خدای سه گانه است. هیچ انسانی نمی‌تواند نجات یابد بدون شروع با روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۶ و ۶: ۵). الهیت ابتدا می‌آید و دستور کار را تعیین می‌کند، ولی انسان باید با ایمان و توبه از ابتدا و تداوم آنها پاسخ دهد. خدا بر اساس رابطه پیمانی با انسان کار می‌کند. مزایایی هست و همینطور هم مسئولیتهایی!

رستگاری به همه انسانها ارائه شد. مرگ عیسی با مشکل گناه انسان سقوط کرده سر و کار دارد! خدا راهی را ارائه کرده و می‌خواهد همه تمامی کسانی که آنها را به تصویر کشیده با عشق به عیسی به او پاسخ دهند.

اگر مایل هستید که در این زمینه بیشتر مطالعه کنید به منابع زیر مراجعه نمایید

۱. Dale Moody, *The Word of Truth*, Eerdmans, چاپ ۱۹۸۱، صفحات ۳۴۸ الی ۳۶۵

۲. *Kept by the Power of God* از انتشارات Bethany Fellowship، اثر Howard Marshall، چاپ ۱۹۶۹

۳. *Life in the Son*، انتشارات Westcott، اثر Robert Shank، چاپ ۱۹۶۱

انجیل به دو مسئله متفاوت در این زمینه اشاره می‌کند: (۱) کسب اطمینان به عنوان مجوزی برای یک زندگی بی‌ثمر، یک زندگی خودخواهانه و یا (۲) تشویق کردن آنان که با بشارت و گناهان فردی در تقلا هستند. مسئله اینجاست که گروه اشتباه پیام اشتباه دریافت می‌کند و سیستم‌های الهیات انجیلی را بر روی عبارتهای محدود انجیل بنا می‌کند. برخی مسیحیان ناامیدانه به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالیکه دیگران به هشدار سفت و محکم استقامت نیازمند هستند. شما عضو کدام گروه هستید؟

۲۲:۱ "یهودیان خواستار آیت‌اند" این آیه نشان دهنده سطح آگاهی پولس از زندگی مسیح می‌باشد (متی ۱۲:۳۸؛ ۱:۱۶؛ ۱۴؛ مرقس ۸:۱۱-۱۲؛ یوحنا ۴:۴۸؛ ۶:۳۰).

■ "یونانیان در پی حکمت" "یونانیان" (*Hellēnes*) اشاره به تمام اقوام غیر یهودی دارد. کاربرد این مورد به روشنی در اعمال رسولان ۱۸:۱۶-۲۱، ۳۲؛ رومیان ۱:۱۳ دیده می‌شود.

۲۳:۱ این آیه باید با حرف نقض "اما" شروع می‌شود. پاسخ پولس به "آیات" و "حکمت"، انجیل بود.

■ "مصلوب" این وجه وصفی مجهول کامل است. مصلوب شدن مسیح، که نه منطقی بود و نه معجزه، قلب انجیل پولس است. زمان کامل تصریح می‌کند که عیسی "آن مصلوب شده" باقی خواهد ماند. هنگامی که ما عیسی را در بهشت ببینیم، او همچنان نشانه‌های حاصل از مصلوب شدنش را بر بدن خواهد داشت (یوحنا ۲۰:۲۵) زیرا که آن نشانه‌ها تبدیل به مدال افتخار و جلال او شده‌اند. عیسی تنها بخش از تثلیث است که بدن فیزیکی دارد.

کاملاً امکان پذیر است که این زمان کامل، یک کامل تدریجی بوده که بر روی تکمیل رویداد یا واقعه‌ای تمرکز کرده و از نتیجه حاصله سخن می‌گوید (بر گرفته از کتاب *A Manual Grammar of the Greek New Testament* نوشته Daner and Mantey، صفحات ۲۰۲ و ۲۰۳). مصلوب شدن عیسی بر رستگاری ما مهر تأیید زد. او کامل کننده پیدایش ۳:۱۵؛ مزامیر ۲۲؛ اشعیا ۵۳ و زکریا ۱۲:۱۰ است. برای یهودیان، دیدن یک منجی در حال زجر، تکان دهنده بود!

به عناوین مسیح منجی که بوسیله جارچیان و اقرار کنندگان بکار برده می‌شود، توجه نمایید

۱. عیسی همان مسیح (منجی) است - اعمال رسولان ۵:۴۲؛ ۹:۲۲؛ ۱۷:۳؛ ۱۸:۵؛ ۲۵؛ اول قرنتیان ۱:۲۳

۲. عیسی همان پسر خداست - اعمال رسولان ۹:۲۰؛ رومیان ۱:۳-۴

۳. عیسی ارباب ما است (یهوه) - اعمال رسولان ۳۶:۲؛ ۱۱:۲۰؛ رومیان ۱۰:۹؛ دوم قرنتیان ۴:۵؛ کولسیان ۲:۶

اینها خلاصه مباحث الهیاتی بوده که بمنظور تحکیم اثبات مسیح بکار برده می‌شدند (به کتاب *Unity and Diversity in the NT* نوشته James D. G. Dunn صفحات ۳۴ تا ۶۳ مراجعه شود).

NASB, NKJV,

NRSV "سنگ لغزش"

TEV "که کراهت دارد"

NJB "مانعی"

این واژه یونانی (*skandalon*) برای تله حیوانات بکار برده می‌شد (غلاطیان ۵:۱۱). یهودیان بدلیل مصلوب شدن عیسی، او را پس زدند (تثنیه ۲۱:۲۳). آنان انتظار داشتند تا منجی، افسر فاتح نظامی با شد (که او همان است و باز خواهد گشت!). یهودیان یک منجی در حال زجر را بر نمی‌تاباندند (پیدایش ۳:۱۵؛ مزامیر ۲۲؛ اشعیا ۵۲:۱۳ - ۵۳:۱۲) و دو مرحله ظهور را باور نداشتند (تجسم و بازگشت جلال آفرین).

موضوع خاص: مسیح (از دانیال ۹:۲۶)
(Special Topic: Messiah (from Dan. 9:26))

دشواری ترجمه این است که استفاده‌های متفاوتی است از کلمه "مسیح" یا "آن تدهین شده" (BDB 603, KB 645) وجود دارد. از این اصطلاح برای روغن مالی مخصوص بر روی یک فرد که مشخص کند فردی توسط خدا فراخوانده شده و تجهیز گشته تا وظیفه رهبری خاصی را به انجام برساند استفاده شده است.

۱. در مورد پادشاهان یهود استفاده شده (برای نمونه، اول سموئیل ۲:۱۰، ۱۲:۳، ۲۴:۶ و ۱۰، دوم سموئیل ۱۹:۲۱، ۲۳:۱، مزمو ۸۹:۵۱، ۱۰:۱۳۲ و ۱۷، مراثی ارمیا ۴:۲۰، حبقوق ۳:۱۳، "شاهزاده تدهین شده" در دانیال ۹:۲۵)
۲. در مورد کشیشهای یهود استفاده شده (برای نمونه "کشیشهای تدهین شده، کتاب خروج ۲۹:۷، لاویان ۴:۳ و ۵ و ۱۶، ۶:۱۵، ۷:۳۶، ۸:۱۲، احتمالاً مزمو ۸۴:۹ الی ۱۰، و ۱۳۳:۲)
۳. در مورد ریش سفیدان قوم و پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۶:۷، اول تواریخ ۱۶:۲۲، مزمو ۱۰۵:۱۵، که اشاره به پیمان مشارکت مردم دارد، احتمالاً حبقوق ۳:۱۳)
۴. در مورد پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹:۱۶، احتمالاً اول تواریخ ۲۹:۲۲)
۵. در مورد کورش استفاده شده است (مراجعه شود به اشعیا ۴۵:۱)
۶. ترکیب شماره‌های ۱ و ۲ در مزمو ۱۱۰ و زکریا ۴
۷. در مورد آمدن خاص خدا استفاده شده، داوود پادشاه که عصر جدید عدالت را می‌آورد
 - a. عسای یهودا (مراجعه شود به پیدایش ۴۹:۱۰)
 - b. قصر ایشا (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷)
 - c. پادشاهی جهانی (مراجعه شود به مزمو ۲، اشعیا ۹:۶، ۱۱:۱ الی ۵، میکاه ۵:۱ الی ۴)
 - d. بشارت به نیازمندان (مراجعه شود به اشعیا ۶۱:۱ الی ۳)

من شخصا تمایل دارم که "آن تدهین شده" را با عیسی ناصری شناسایی کنم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴:۴۱، ۱:۲۵) به واسطه:

۱. معرفی پادشاهی جاویدان در دانیال ۲ در طول امپراتوری چهارم
 ۲. معرفی "فرزند انسان" در دانیال ۷:۱۳ که پادشاهی ابدی به او داده می‌شود
 ۳. عبارات رستگاری در دانیال ۹:۲۴ که به نقطه اول تاریخ سقوط جهان اشاره می‌کند
 ۴. استفاده عیسی از کتاب دانیال در عهد جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۱۵، انجیل مرقس ۱۳:۱۴)
- باید اعتراف کرد که این عنوان به ندرت در عهد عتیق استفاده شده، احتمالاً فقط در کتاب دانیال ۹:۲۵ استفاده شده است. همچنین باید تأیید کرد که عیسی در شرایط کلی که در عهد عتیق در مورد مسیح تعریف شده، نمی‌گنجد.
۱. در اسرائیل رهبر نبوده
 ۲. به طور رسمی توسط یک کشیش تدهین نشده
 ۳. فقط نجات دهنده اسرائیل نیست
 ۴. نه فقط "فرزند انسان" بلکه به طور حیرت‌انگیزی "فرزند خدا" است.

NASB, NJB "و غیریهودیان را جهالت"

NKJV "و یونانیان را جهالت"

NRSV "جهالت را بر غیریهودیان"

TEV "سخنان پوچ بر غیریهودیان"

یونانیان نیز مسیح را بخاطر مفهوم قیام وی از مردگان که در باورهای فلسفی آنان نمی‌گنجید (زیرا در باور آنان بدن فیزیکی خواستگاه شریب بود) انکار کردند. چنین اظهاراتی از سوی پولس نیز پایه افکار یونان را نشان داده و مطمئناً دیدگاه اصلی پولس درباره عیسی نبوده است. هشیار باشید تا انجیل را با دسته‌بندیهای فرهنگی و ملی خود مورد داوری قرار ندهید! نسخه NKJV بدنبال Textus Receptus، عبارت "یونانیان" را بکار برده که در واقع از نسخه خطی اصلاح شده یونانی³ و^C پیروی کرده است. سایر نسخه‌های خطی یونانی عبارت "غیریهودیان" (*ethnesiu*) را ذکر

کرده‌اند. واژه "یونانیان" در اول قرن‌تین ۱:۲۲ و ۲۴ دیده می‌شود. احتمالاً کاتبین با ستانی اول قرن‌تین ۱:۲۳ را بمنظور سازگاری با سایر قسمت‌ها، تغییر داده‌اند.

۲۴:۱ "فراخوانندگان" شروع اول قرن‌تین بر فراخوان (انتخاب) و رحمت خداوند تأکید کرده، همانگونه که تنها زمینه‌های رستگاری برای کلیسای قرن‌تین بر آن پافشاری می‌نماید (اول قرن‌تین ۱:۲، ۸، ۲۶، ۲۷؛ افسسیان ۱-۲). ما از یوحنا ۶:۴۴، ۶۵ یاد گرفتیم که هیچ کسی بسوی عیسی نخواهد آمد مگر اینکه روح القدس و خداوند او را به آن سمت سوق دهند. فراخوان خدا نیاز انسان را به اجابت آن نه از بین می‌برد و نه آن را کوچک می‌نماید، بلکه هر دو لازمه شروع و تدارم آن هستند.

موضوع خاص: انتخاب/مقصد از پیش تأیین شده و نیاز به یک توازن الهیاتی

(Special Topic: Election/Predestination And The Need For A Theological Balance)

انتخاب دکترین جالبی است. فراخواندن برای طرفداری یا حمایت نیست، بلکه فراخواندن برای این است که راه باشید، ابزاری برای رستگاری دیگران. در عهد عتیق این اصطلاح اساساً برای خدمت کردن استفاده شده است، در عهد جدید برای رستگاری استفاده شده که خدمتی است. انجیل هرگز آنچه که به نظر می‌رسد تضاد میان اراده خدا و اراده آزاد انسان است را نمی‌پذیرد، ولی هر دو را تأیید می‌کند. مثال خوبی از تنش انجیلی می‌توان رومیان ۹ در مورد انتخاب پادشاهی خدا و رومیان ۱۰ در مورد نیاز انسان به پاسخ باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۱:۱۰ و ۱۳).

کلید این تنش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۱:۴ یافت. عیسی مرد منتخب خدا است و همه چیز در انتخاب او است (Karl Barth). عیسی پاسخ "بله" خدا به نیاز انسان سقوط کرده است (Karl Barth). افسسیان ۱:۴ همچنین با تصریح اینکه هدف تقدیر بهشت نیست، بلکه تقدس است کمک می‌کند تا مسئله مشخص شود (همانند مسیح بودن). ما اغلب جذب مزایای انجیل می‌شویم و مسئولیتها را فراموش می‌کنیم! فراخواندن خدا (انتخاب) برای زمان و در عین حال برای ابدیت است!

دکترین‌هایی در رابطه با سایر حقایق ارائه شده‌اند، البته نه یک حقیقت منفرد و نامربوط. یک مقایسه خوب می‌تواند یک کهکشان در برابر یک ستاره باشد. خدا حقیقت را در یک قالب شرقی ارائه داده نه غربی. ما نباید تنشی را که با پارادوکسهای دکترین حقیقت به وجود می‌آیند حذف کنیم (خدا به عنوان متعالی در برابر خدا به عنوان همه جا حاضر. امنیت در برابر استقامت، عیسی برابر با پدر در مقابل عیسی به عنوان خدمتگزار پدر، آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی به پیمان، و غیره).

مفهوم الهیاتی پیمان پادشاهی خدا را (که همیشه پیش قدم بوده و دستور کار را تعیین می‌کند) با الزام اولیه در توبه پایدار و پاسخ از روی ایمان از جانب نوع بشر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۵، اعمال رسولان ۳:۱۶ و ۱۹، ۲۱:۲۰) را به هم می‌پیوندد. مراقب باشید که تأیید یک وجه پارادوکس وجه دیگر را کم ارزش نکند.

موضوعات خاص زیر را مطالعه کنید

۱. انتخاب/تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی
۲. تقدیر در برابر آزادی اراده انسان
۳. پیمان
۴. ادبیات شرقی (پارادوکسهای انجیلی)

■ "چه یهودی چه یونانی" این عبارات نشاندهنده مقصود انجیل از اتحاد همه انسانها بوا سطه مسیح است. این است راز خداوند که در همه اعصار نهفته شده، اما اکنون به روشنی دیده می‌شود (افسسیان ۲:۱۱ - ۳:۱۳).

■ "مسیح قدرت خدا و حکمت خداست" عبارت اول به دلیل بکار بردن لفظ "قدرت خدا" در رومیان ۱:۴، می‌تواند اشاره به قیام مسیح داشته باشد. دومین عبارت به شکل منحصر بفردی با مشکلات کلیسای قرن‌تس با تأکید بر آگاهی و دانش ارتباط دارد. با اینحال، می‌تواند مرجعی برای امثال ۳۱-۸:۲۲ نیز تلقی گردد (حکمت آفرینش، اول قرن‌تین ۸:۶؛ کولسیان ۱:۱۵-۱۷؛ عبرانیان ۱:۲).

۲۵:۱ "جهالت خدا از حکمت انسان حکیمانه‌تر است" این عبارات مضمون عهد عتیق بوده (اشعیا ۵۵:۸-۹) و در اول قرن‌تین ۱:۱۸، ۲۱، ۲۳ نیز تکرار شده است. به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱۵:۳۶ مراجعه نمایید.

۱. *Mōros* (جاهل)، اول قرن‌تین ۱:۲۵، ۲۷؛ ۳:۱۸؛ ۴:۱۰
۲. *Mōria* (جهالت)، اول قرن‌تین ۱:۱۸، ۲۱، ۲۳؛ ۲:۱۴؛ ۳:۱۹
۳. *Mopainō* (جاهل فرض کردن) اول قرن‌تین ۱:۲۰

■ «توانایی خدا از قدرت انسان توانا تر است» این عبارات ابتدا به ساکن عظمت غیر قابل قیاس خداوند را تصریح می کنند. او حتی درون ضعفهای بشر نیز بزرگ جلوه می کند (اول قرنیتیان ۱۲: ۵، ۷-۱۰). این عبارت می تواند اشاره به شکست «واضح» عیسی از نقطه نظر یک انسان تلقی گردد (دوم قرنیتیان ۱۳: ۴)، با اینحال در واقعیت، پی آمدهای ابدی آن یک پیروزی محسوب می گردد!

پیروزی انجیل از آن خداوند است نه بشریت. به موضوع خاص: ضعف در دوم قرنیتیان ۱۲: ۹ رجوع نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۱: ۲۶-۳۱

۲۶ ای برادران، وضع خود را، آن هنگام که خدا شما را فرا خواند، در نظر آورید. بیشتر شما با معیارهای بشری، حکیم محسوب نمی شدید؛ و بیشتر شما از قدرتمندان یا نجیب زادگان نبودید. ۲۷ اما خدا آنچه را که دنیا جهالت می پندارد، برگزید تا حکیمان را خجل سازد؛ و آنچه را که دنیا ضعیف می شمارد، انتخاب کرد تا قدرتمندان را شرمنده سازد؛ ۲۸ خدا آنچه را که این دنیا پست و حقیر می انگارد، بلکه نیستیها را، برگزید تا هستیها را باطل سازد، ۲۹ تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند. ۳۰ از اوست که شما در مسیح عیسی هستید، که از جانب خدا برای ما حکمت شده است، یعنی پارسایی، قدوسیت و رهایی ما. ۳۱ تا چنانکه آمده است: «هر که فخر می کند، به خداوند فخر کند.»

۳۱-۲۶ این پاراگراف آخر از فصل اول ارتباط پر تنش «حکمت» و «دانش» را آنگونه که به انجیل ارتباط پیدا می کند، به ما نشان می دهد. در یک حالت، این دو «بد» هستند، و در حالت دیگر «خوب». اجازه دهید نقل قول بسیار خوبی از کتاب *Paul, An Outline of His Theology* نوشته Herman Ridderbos در اینجا ذکر کنم:

«جهت اطمینان باید بگویم که، ارتباط ایمان و دانش، *pistis* و *gnosis*، همچون ایمان و کارهای انسان، رابطه ای دو جنبه ای و دمدمی است. از یک سو دانش راه ایمان را سد کرده است. در حالیکه این ضد و نقیض در غلاطیان و رومیان امری کارآمد مطرح گردیده، اما *gnosis* تهدیدی به ایمان مسیحی است بویژه در اول قرنیتیان (۱ قرنیتیان ۱: ۲۶-۲۹). و این خطر نه فقط در جهتی که پولس آن را «حکمت این دنیا» می خواند وجود دارد (۱ قرنیتیان ۱: ۲۱)، بلکه از بخش مشخصی از *gnosis* یعنی ایمان مسیحی نیز دیده می شود. پولس آن *gnosis* برسمیت نمی شناسد: می دانیم که همه ما دارای آگاهی و دانش هستیم (۱ قرنیتیان ۸: ۱). اما او بسرعت اضافه می کند: دانش افزون می شود، عشق ساخته می شود. آنچه که در اینجا معضل دیده می شود به اشتباه *gnosis* مسیحی خوانده شده، که خود را بالاتر از ایمان نشان می دهد، دانشی که حقیقتاً برای خدمت به آزادی فردی نیاز است، اما نه برای تذهیب کلیسا. این *gnosis* فقط فردگرایی را ترویج داده و در برابر عشق می ایستد. در این حالت، *gnosis*، حتی بصورت کاربردی می تواند در برابر عشق قد علم نموده و در عین اینکه آسیب می رساند، هیچ نفعی هم ندارد (۱ قرنیتیان ۱۳: ۲، ۳)» صفحه ۲۴۲.

۲۶:۱

NASB, NRSV,

NJB "در نظر آورید"

NKJV "ببینید"

TEV "بخاطر آورید"

این یا یک جمله حال کامل دستوری است و یا یک حال کامل اخباری. Moffatt آن را بصورت «به درجات خود نگاه کنید» ترجمه کرده است. این فراز به معنی کنار گذاردن کلیسای اولیه و رهبران آن نبوده، بلکه بر عشق و قدرت خداوند صحنه می گذارد. هدف شکستن غرور این کلیسای متکبر بوده است. کلیسای اولیه عمدتاً بر روی آنچه که جامعه از آن «بی بهره بوده» ساخته شده بود. با اینحال، بوضوح یکی از قابلیت های قرنیتس با پشتوانه رومی و روشنفکری فرهنگی ساخته شده بود. با استفاده از آنهایی که از جایگاه جهانی بی بهره بودند، خداوند نیروی خود را بزرگ می نماید.

■ «بیشتر شما با معیارهای بشری، حکیم محسوب نمی شدید» این بخش اشاره به حکمت بشری یا استانداردهای جهانی دارد (اول قرنیتیان ۱: ۲۰؛ ۲: ۶، ۸؛ ۳: ۱۸).

موضوع خاص: گوشت (sarx)

(Special Topic: Flesh (Sarx))

این کلمه اغلب توسط پولس در غلاطیان و مفهوم توسعه یافته الهی آن در رومیان استفاده شده است. اساتید میان اینکه چگونه میان مفهوم این کلمه تمایز قائل شوند اختلاف نظر دارند. به طور قطع وجوه اشتراکی در معنی وجود دارد. موارد زیر صرفاً در تلاش برای توصیف معنی کلی این کلمه می باشد

A. بدن انسان، انجیل یوحنا ۱: ۱۴، رومیان ۲: ۲۸، اول قرنتیان ۵: ۵، ۷: ۲۸، دوم قرنتیان ۴: ۱۱، ۷: ۱۲، ۵: ۱۲، ۷: ۱۲، غلاطیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۶ و ۲۰، فیلیپیان ۱: ۲۲، کولسیان ۱: ۲۲ و ۲۴، ۲: ۵، اول تیموتائوس ۳: ۱۶

B. تبار انسانی، یوحنا ۳: ۶، رومیان ۱: ۳، ۴: ۱، ۹: ۳، ۵ و ۸، ۱۱: ۱۴، اول قرنتیان ۱۰: ۱۸، غلاطیان ۴: ۲۳ و ۲۹

C. فرد انسانی، رومیان ۳: ۲۰، ۷: ۵، ۸ و ۷، اول قرنتیان ۱: ۲۹، دوم قرنتیان ۱۰: ۳، غلاطیان ۲: ۱۶، ۵: ۲۴

D. به صورت انسانی سخن گفتن، انجیل یوحنا ۸: ۱۵، اول قرنتیان ۱: ۲۶، دوم قرنتیان ۱: ۱۲، ۵: ۱۶، ۱۰: ۲، غلاطیان ۶: ۱۲

E. ضعف انسانی، رومیان ۶: ۱۹، ۷: ۱۸، ۸: ۵ و ۶ و ۹، دوم قرنتیان ۱۰: ۴، غلاطیان ۳: ۳، ۵: ۱۳، ۱۶، ۱۹ الی ۲۱، غلاطیان ۲: ۱۸

F. دشمنی انسان با خدا در ارتباط با سقوط انسان، رومیان ۷: ۱۴، ۱۳: ۱۴، اول قرنتیان ۳: ۱ و ۳، افسسیان ۲: ۳، غلاطیان ۲: ۸، اول پطرس ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۱۶

باید تاکید کرد که "گوشت" به عنوان شیطان، آن طور که در تفکر یونانی هست، در عهد جدید دیده نمی شود. از نظر فلاسفه یونانی، "گوشت" منبع مشکلات انسان است، مرگ انسان را از این نفوذ آزاد می سازد. ولی در عهد جدید، "گوشت" زمینه نبرد مناقشات معنوی و الهی است (رجوع شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸)، با این حال خنثی است. انسان می تواند از بدنش برای نیکی یا پلیدی استفاده کند.

■ "بیشتر شما از قدرتمندان" این عبارت اشاره به قدرت فیزیکی یا جایگاه اجتماعی دارد.

■ "یا نجیب زاده" این عبارت اشاره به پیشزمینه خانوادگی فرد دارد که شامل سرمایه، تحصیلات و امتیازات اجتماعی می باشد. این سه مزیت صوفیان را در بر می گیرد که به موقعیت تحصیلی، اجتماعی و کمالات خود بسیار افتخار می کردند.

۱: ۲۷ "آنچه را که دنیا ضعیف می شمارد، انتخاب کرد" این عبارت ضمیر اشاره میانی در دستور زبان آئوریست است. خداوند خود برگزید تا مانیفست قدرتش بوسیله ضعفا نشان داده شود تا هیچ تردیدی درباره آن که جلال داده خواهد شد، باقی نماند (دوم قرنتیان ۱۲). پیروزی از آن منابع خداوند است، نه آنچه که انسان به آن دست یافته (اول قرنتیان ۱: ۲۹؛ افسسیان ۲: ۹) یا جایگاه اجتماعی آنان.

برای مطالعه بیشتر درباره "جهالت" به یادداشت اول قرنتیان ۱: ۲۵ و برای "دنیا" به موضوع خاص در اول قرنتیان ۳: ۲۱-۲۲ مراجعه نمایید.

۲۸:۱

NASB "چیزهای این دنیا و آنچه که حقیر پنداشته می شود"

NKJV "چیزهای این دنیا و چیزهایی که حقیر پنداشته می شوند"

NRSV "آنچه که در این دنیا پست و حقیر است"

TEV "آنچه که دنیا حقیر می پندارد"

NJB "آنان که در میان استانداردهای انسانی رایج و خوار هستند"

این عبارت متضاد "خردمند... توانمند... نجیب زاده" در اول قرنتیان ۱: ۲۶ است. عبارت "چیزهای" به مفهوم واقعی کلمه بمعنی "آنان که در خانواده های دین مایه دنیا آمده اند" بوده، که یکی دیگر از نشانه های نجیب زادگان رومی است.

NASB, NRSV "بلکه نیستیها را"

NKJV "آنچه که نیستند را"

TEV "چیزهایی که نیستند"

NJB "آنچه که بحساب نمی آید"

آیا این طبقه بندی دیگری بر اساس موضوعات/مردم بوده و یا خلاصه است؟ بدلیل اینکه kai (و: A, C*, D, F, G; MSS P⁴⁶, R*, A, C*, D, F, G) همچون بقیه، پیش از این عبارت ذکر نشده، لذا احتمالاً خلاصه یک بیان می باشد. خداوند فرا می خواند و از مردمی استفاده می کند که دنیا به آنها بی توجه است! نکات الهیاتی عبارتند از:

۱. "هیچ بشری در حضور او فخر نکند" (اول قرنتیان ۱: ۲۹)

۲. قدرت خدا در بدن ضعیف بشر تجلی می یابد (دوم قرنتیان ۱۲: ۱-۱۰)

۳. وساطت مسیح تجلی می یابد (اول قرنتیان ۱: ۳۰)

بواسطه مسیح، هر آنچه که یهودیان و یونانیان جستجو کرده و در تلاش برای دستیابی به آن بودند، بصورت هدیه‌ای از بهوه و بوسیله عیسی مسیح و با تقویت از جانب روح القدس، بدست آمد!

■ "هستیها را باطل سازد" واژه یونانی این عبارت، *katargeō* است. به یادداشت اول قرن‌تین ۱:۱۸ و موضوع خاص زیر رجوع نمایید.

موضوع خاص: باطل و بی‌اثر

(SPECIAL TOPIC: NULL AND VOID (*katargeō*))

لغت (*katargeō*) یکی از کلمات مورد علاقه پولس بود. در ابتدا وی بیست و پنج بار آن را تکرار کرد، اما دایره مفهومی آن بسیار وسیع‌تر است.

A. مبنای ریشه آن از لغت *argos* گرفته شده که بمعانی زیر است:

۱. غیر فعال

۲. بی‌کار

۳. بلااستفاده

۴. بی‌مصرف

۵. غیرمتعارف

B. ترکیب آن با *kata* برای ابراز حالات زیر استفاده می‌شود:

۱. عدم فعالیت

۲. بلااستفادگی

۳. عملی که لغو شده باشد

۴. عملی که با کاری به انجام رسیده باشد

۵. کاری که کاملاً غیر عملی باشد

C. در لوقا یکبار برای نشان دادن بی‌حاصل بودن کاری نشان داده شد، بنابراین مگر اینکه منظور درخت بوده باشد (لوقا ۱۳:۷)

D. پولس آن را به دو روش اصلی استفاده می‌کند

۱. خداوند ابزارهایی غیرعملی درست می‌کند که با انسان عداوت دارند

a. طبیعت گناهکار بشریت - رومیان ۶:۶

b. قوانین موسی در ارتباط با وعده خداوند به "دانه" - رومیان ۴:۱۴؛ غلاطیان ۳:۱۷؛ ۴:۵، ۱۱؛ افسسیان ۲:۱۵

c. نیروهای آسمانی - ۱ قرنطیان ۱۵:۲۴

d. "مرد بی‌قانون" - ۲ تسالونیکیان ۲:۸

e. مرگ فیزیکی - ۱ قرنطیان ۱۵:۲۶؛ ۲ تیموتی ۱:۱۰ (عبرانیان ۲:۱۴)

۲. خداوند پیمان قدیم را با پیمان جدیدتر جایگزین می‌کند

a. هر آنچه که به قوانین موسی مربوط می‌شود - رومیان ۳:۳، ۳۱؛ ۴:۱۴؛ ۲ قرنطیان ۳:۷، ۱۱، ۱۳، ۱۴

b. قیاس ازدواج استفاده شده در قانون - رومیان ۷:۲، ۶

c. هر آنچه که در این عصر هست - ۱ قرنطیان ۱۳:۸، ۱۰، ۱۱

d. این بدن - ۱ قرنطیان ۶:۱۳

e. رهبران عصر امروزی - ۱ قرنطیان ۱:۲۸؛ ۲:۶

این لغت به اشکال مختلف ترجمه شده است، اما معنی اصلی آن برای نشان دادن بی‌مصرفی چیزی است، باطل و بی‌اثر، غیر عملی، فاقد توان، اما نه الزاماً هر آنچه که وجود ندارد، نابود و یا نیست شده.

۲۹:۱ "تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند" این یک فعل شرطی اُتوریستی بوده که از یک انتخاب شخصی سخن می‌گوید. هیچ موجود خلق شده‌ای نمی‌تواند در برابر خالق خود به خود ستایی بپردازد (افسسیان ۹:۲)! این هسته پیام پولس به قرن‌تین مغرور بشر رو به افول و بطور کلی یهودی و غیریهودی بوده است (رومیان ۳:۲۷؛ افسسیان ۹:۲). به موضوع خاص: بالیدن در اول قرن‌تین ۵:۶ رجوع نمایید.

■ "بشر" منظور هر آنکس که از پوست و گوشت ساخته شده می‌باشد. به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱:۲۶ مراجعه نمایید.

NASB	"بواسطه کارهای او"
NKJV	"در او"
NRSV	"او سر منشأ است"
TEV	"خدا"
NJB	"بوسیله او"

این عبارات دقیقاً معنی "از طریق او" را می دهد، که یک اصطلاح یونانی برای نشان دادن اولین سبب یا محرک اولیه است. پدر آن را فرستاد، عیسی آن را آورد، و روح القدس به آن انرژی بخشید. آنچه که بدنبال می آید فهرستی است از نعمات الهی برای ایمانداران بواسطه مسیح.

□ "حکمت از جانب خدا" در عقاید یهودیان، حکمت تشکیل شده در امثال ۸: ۲۲-۳۱ و کولسیان ۲: ۲-۳. حکمت یک فرد است. حقیقت یک فرد است. انجیل یک فرد، یعنی عیسی است! (یوحنا ۱۴: ۶).

اگر چنانچه پولس عناصر فلسفی درون این کلیسا را مورد خطاب قرار داده بود، پس صوفیه می توانست با غرور آنها و در سنتهای فرهنگی آنها ارتباط داشته باشد (افلاطون، سقراط، ارسطو و غیره). این می تواند یک استعاره تلقی گردد. همچنین ممکن است که عرفان آغازین در کلیسای مذهبی قرن ۱۸ بوده که احتمالاً در کلیسا نفوذ کرده بود (اول قرنتیان ۱: ۱۸ - ۲: ۸؛ ۳: ۱۸-۲۳؛ ۸: ۱-۲). در این صورت، پس با تفسیر پولس در کولسیان مربوط می گردند (مسیح، او، حکمت است، کولسیان ۱: ۹؛ ۲: ۳).

من تصور می کنم که این واژگان اشاره به آنچه که مسیح برای ایمانداران انجام داده، باشد

۱. او برای ما در حکم حکمت خدا است

۲. او برای ما عدالت خداوند است

۳. او برای ما تقدیس خداوند است

۴. او برای ما احیای خواست خداوند است

همه اینها خدای پدر هستند بواسطه خدای پسر.

□ "پارسایی" این یک استعاره از دادگاه شرع است (رومیان ۳: ۲۱-۲۶؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱). در زمان پولس، ربیان یهود حکمت نیمه شخصی را از امثال ۸ گرفته و آن را به شرع موسی تعمیم دادند. بواسطه آن شخص بالاترین میزان اختیار را بدست می آورد. اگر پولس با عناصر یهودی در کلیسای قرن ۱۸ فکر می کرد، این عنوان برای او بالاترین تخصیص در نظر گرفته می گردید.

موضوع خاص: پارسایی

(Special Topic: Righteousness)

"پارسایی" یکی از موضوعات حساس است که هر دانشجوی انجیل باید مطالعات فردی جامعی در خصوص این مفهوم انجام دهد. در عهد عتیق، شخصیت خدا به صورت "عادل" و "پارسا/صالح" (فعل، BDB 842, KB 1003، اسم مذکر، BDB 841, KB 1004، اسم مونث، BDB 842, KB 1006) توصیف شده است. این اصطلاح بین النهرینی از "ساقه نی" می آید که از آن در ساختمان به عنوان ابزاری برای تشخیص صاف بودن سطح افقی دیوارها و پرچینها استفاده می شد. خدا این اسم را برای استفاده استعاره ای برای ماهیت خودش انتخاب کرد. او یک سطح کاملاً صاف است (مانند خطکش) که توسط آن همه چیز ارزیابی می شوند. این مفهوم صادق بودن و همچنین حق داوری او را تصریح می کند. انسان با تصویری از خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۱: ۵ و ۳: ۶). نوع بشر برای دوستی با خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۸). کل خلقت مرحله ای است برای تعامل میان خدا و نوع بشر. خدا می خواست بالاترین مخلوقش، یعنی نوع بشر، او را بشناسد، دوستش داشته باشد، به او خدمت کند، و مانند او باشد! وفاداری نوع بشر آزمایش شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳) و اولین زوج در آزمایش شکست خوردند. این باعث شد رابطه خدا با انسان قطع شود (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۵ الی ۲۱).

خدا قول داد که این دوستی را مجدداً برقرار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵). به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود). او این کار را با اراده خود و توسط پسرش انجام داد. انسانها توانایی مرمت این شکاف را نداشتند (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۸ الی ۳: ۲۰، مکاشفه

(۵).

پس از سقوط، نخستین گام خدا برای برقراری مجدد این رابطه، مفهوم پیمان بر اساس دعوت انسان به توبه، وفاداری و پاسخ به اطاعت از وی بود (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۲۲: ۳۶ الی ۳۸). به واسطه سقوط، انسانها فاقد توانایی دادن پاسخ مناسب بودند (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱، غلاطیان ۳). خدا خودش باید نخستین گام را برمی داشت تا پیمان شکنی انسانها را مرمت کند. او این کار را با اقدامات زیر انجام داد:

۱. از طریق کارهای مسیح نوع بشر را صادق اعلام کردن (عدالت قضایی)
 ۲. از طریق مسیح به رایگان صداقت را به نوع بشر دادن (عدالت محسوب شده)
 ۳. دادن روح به نوع بشر که صداقت را ایجاد می کند (مسیح گونه بودن، بازایی تصویری از خدا)
 ۴. تجدید دوستی باغ عدن (کتاب پیدایش ۱ الی ۲ را با مکاشفه ۲۱ الی ۲۲ مقایسه کنید)
- با این وجود، خدا می خواهد که به پیمانش پاسخ دهیم. خدا حکم می کند (به رایگان می دهد، مراجعه شود به رومیان ۸: ۵، ۲۳: ۶) و تامین می کند ولی انسانها باید پاسخ داده و آن را ادامه دهند با

۱. توبه
۲. ایمان
۳. پیروی شیوه زندگی
۴. استقامت

بنابراین، پارسایی یک پیمان و اقدام دوجانبه میان خدا و بالاترین مخلوقش است، بر اساس شخصیت خدا، کار عیسی و فعال کردن روح القدس، که به آن هر فرد باید شخصا و به صورت مداوم پاسخ مناسب بدهد. به این مفهوم "دادن حق با لطف و از طریق ایمان" گفته می شود (مراجعه شود به افسسیان ۸: ۲ الی ۹). این مفهوم در اناجیل فاش می شود، ولی نه با این کلمات. در ابتدا توسط پولس، که از اصطلاح یونانی صداقت به اشکال مختلف بیش از یکصد مرتبه استفاده شده مطرح شد.

پولس که یک روحانی آموزش دیده است، از اصطلاح *dikaionē* در مفهوم عبری کلمه *tsaddiq* که در نسخه عبری انجیل به کار رفته، استفاده می کند، نه از نسخه یونانی. در نوشته های یونانی این کلمه به کسی گفته می شود که توقعات خدا و جامعه را برآورده می کند (مانند نوح، یعقوب). در مفهوم عبری همیشه در قالب کلمات پیمان است (به موضوع خاص: پیمان مراجعه شود). یهوه خدای عادل، با اخلاق و معنوی است. او می خواهد مردمش منعکس کننده شخصیتش باشند. انسان آزاد شده تبدیل به مخلوق جدیدی می شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۷: ۵، غلاطیان ۱۵: ۶). این تازگی حاصلش تازگی شیوه جدید زندگی خداپسندانه است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۵، غلاطیان ۲۲: ۵ الی ۲۴، جیمز، اول یوحنا). از آنجا که اسرائیل یک حکومت مذهبی بود، هیچ تعریف واضحی میان سکولار و روحانی (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در قالب کلمات عبری و یونانی به کلمه "justice" (عدالت) (در رابطه با جامعه) و "پارسا" در رابطه با مذهب ترجمه شده است.

خبر خوب عیسی این است که رابطه انسان سقوط کرده با خدا تجدید می شود. این کار با عشق، رحم و لطف خدا انجام می شود، زندگی، مرگ و قیام از مردگان پسرش و با اظهار عشق روح القدس و جلب توجه به سوی خبر خوش. Justification یک حرکت آزاد از جانب خداست، ولی باید در قالب خداپسندانه باشد (وضعیت آگوستین، که منعکس کننده شکل بخشی مجدد که بر آزادی انجیل و کلیسای کاتولیک رم تاکید بر زندگی تغییر یافته بر اساس عشق و وفاداری نسبت به خدا). برای اصلاح کنندگان کلمه "صداقت خدا" حالت اضافه عینی است (این عمل که انسان گناهکار برای قابل پذیرش شود) [تقدیس موقعیتی]، در حالیکه برای کاتولیکها این یک مضاف الیه است، که فرایند بیشتر تبدیل شدن به خدا است [تقدیس تجربی در حال پیشرفت]. در واقعیت یقینا این هر دو است.

در دیدگاه من از تمام انجیل، از کتاب پیدایش ۴ گرفته تا مکاشفه ۲۰، حکایت از این دارد که خدا رابطه دوستی با بهشت را تجدید می کند. انجیل از دوستی خدا با انسان از همان ابتدا شروع می شود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲) و انجیل با همین شیوه خاتمه می یابد (مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). تصویر و هدف خدا بازایی می شود.

برای مستندسازی بحث فوق به عبارتهای منتخب از عهد جدید در زیر بر اساس گروه کلمات یونانی مراجعه کنید

۱. خدا صادق است اغلب با اینکه خدا قاضی است مرتبط می باشد)

- a. رومیان ۲۶: ۳
- b. دوم تسالونیکیان ۵: ۱ الی ۶
- c. تیموتائوس ۸: ۴
- d. مکاشفه ۵: ۱۶

۲. عیسی صادق است

- a. اعمال رسولان ۱۴: ۳، ۷: ۵۲، ۲۲: ۱۴ (عنوان مسیح)

- b. انجیل متی ۲۷:۱۹
- c. اول یوحنا ۱:۲ و ۲۹، ۳:۷
۳. اراده خدا برای مخلوقش صداقت است
- a. لاویان ۲:۱۹
- b. انجیل متی ۵:۴۸ (مراجعه شود به ۱۷:۵ الی ۲۰)
۴. ابزار خدا برای تامین و ایجاد صداقت
- a. رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱
- b. رومیان ۴
- c. غلاطیان ۳:۶ الی ۱۴
- d. رومیان ۵:۶ الی ۱۱
۵. داده شده توسط خدا
- a. رومیان ۳:۲۴، ۶:۲۳
- b. اول قرنتیان ۱:۳۰
- c. افسسیان ۲:۸ الی ۹
۶. دریافت با ایمان
- a. رومیان ۱:۱۷، ۳:۲۲ و ۲۶، ۴:۳ و ۵ و ۱۳، ۹:۳۰، ۱۰:۴ و ۱۰:۶ و ۱۰
- b. دوم قرنتیان ۷:۵ و ۲۱
۷. توسط کارهای پسر
- a. رومیان ۵:۲۱
- b. دوم قرنتیان ۵:۲۱
- c. فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱
۸. اراده خدا این است که پیروانش صادق باشند
- a. انجیل متی ۵:۳ الی ۵:۴۸، ۷:۲۴ الی ۲۷
- b. رومیان ۱۳:۲، ۵:۱ الی ۵، ۶:۱ الی ۲۳
- c. افسسیان ۴:۱، ۱۰:۲
- d. اول تیموتائوس ۶:۱۱
- e. دوم تیموتائوس ۲:۲۲، ۳:۱۶
- f. اول یوحنا ۷:۳
- g. اول پطرس ۲:۲۴
۹. خدا جهان را با صداقت داوری میکند
- a. اعمال رسولان ۳:۱۷
- b. دوم تیموتائوس ۴:۸
- صداقت یک مشخصه خدا است، که آن را توسط مسیح به انسان گناهکار می دهد.
۱. یک حکم خدا
۲. هدیه ای از خدا
۳. یک کار مسیح
۴. زندگی که باید زندگی کرد

ولی صالح شدن هم فرایندی دارد که باید با نیرومندی و پایداری آن را طی کرد، که با فرارسیدن بازگشت دوم، به سرانجام خواهد رسید. دوستی با خدا در رستگاری تجدید می شود ولی تداوم و پیشرفت آن در طی زندگی و مواجهه رو در رو با او (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۳) در زمان مرگ انجام می شود.

برای جمع بندی این بحث، در اینجا نقل قول خوبی را برگرفته از *Dictionary of Paul and His Letters* از IVP بیان می دارم:

"کالوین بیش از لوتر بر جنبه رابطه‌ای صداقت و صالح بودن خدا تاکید دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه لوتر از صداقت خدا در بردارنده جنبه برائت باشد. کالوین بر طبیعت حیرت‌انگیز ارتباط یا رساندن صداقت خدا به ما تاکید می‌کند" (صفحه ۸۳۴).

از نظر من، رابطه مومن با خدا شامل این سه جنبه است:

۱. انجیل یک فرد است (تاکید کلیسای شرقی و کالوین)
۲. انجیل حقیقت است (تاکید آگوستین و لوتر)
۳. انجیل زندگی تغییر یافته است (تاکید کاتولیک)

همه اینها درست هستند و باید برای مسیحیت سالم و انجیلی با همدیگر حفظ شوند. اگر هر کسی بیش از حد تاکید کرده یا مسامحه نماید، مشکلاتی به وجود می‌آیند.

ما باید عیسی را بپذیریم!
 ما باید به انجیل ایمان داشته باشیم!
 ما باید همچون مسیح بودن را ادامه دهیم!

■ "قدوسیت" این یک استعاره از سیستم قربانی کردن در اسرائیل است (رومیان ۶: ۱۹-۲۳). این واژه از ریشه مشابه "مقدس" یا "تقدیس شده" گرفته شده است. در عهد جدید اشاره به یک شخص، مکان، یا چیزی که از خدمات خداوند بدور است، دارد. به لحاظ الهیاتی اشاره به موقعیت ایمانداران در راه مسیح دارد. آن لحظه‌ای که شخص ایمان خود را وقف او نماید، وی تطهیر و تقدیس می‌گردد (رومیان ۸: ۳۰). به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۲: ۱ توجه نمایید.

■ "رهایی" (واژه انگلیسی "باز خرید" می‌باشد). این واژه بمعنی "خرید دوباره" چیزی می‌باشد (رومیان ۳: ۲۴). این یک استعاره از بازار بردگان است. موضوع اصلی اهل عتیق و مفهوم رستگاری است.

موضوع خاص: خونبها/باز خرید

(Special Topic: Ransom-Redeem)

I. عهد عتیق

A. اساسا دو اصطلاح عبری وجود دارند که در بردارنده این مفهوم می‌باشند.

۱. *Ga'al* (BDB 145 I, KB 169 I) که به معنی "بهای آن پرداخت شده و آزاد است" می‌باشد. حالت دیگر این اصطلاح *go'el* مفهوم واسطه انسانی را به آن اضافه می‌کند که معمولا عضو خانواده است (سرپرست خانواده). این جنبه فرهنگی حق باز خرید اشیاء، حیوانات، زمین (مراجعه شود به لاویان ۲۵ و ۲۷) یا اقوام (مراجعه شود به روت ۴: ۱۴، اشعیا ۲۲: ۲۹) از دید الهیاتی به تحویل اسرائیل از مصر توسط یهوه منتقل می‌شود (مراجعه شود به کتاب خروج ۶: ۶، ۱۳: ۱۵، مزمور ۲: ۷۴، ۱۵: ۷۷، ارمیا ۱۱: ۴۱). او تبدیل به ناجی می‌شود (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۵، مزمور ۱۹: ۱۴، ۷۸: ۳۵، امثال ۱۱: ۲۳، اشعیا ۱۴: ۴۱، ۴۳: ۱۴ و ۴۴: ۶، ۴۷: ۴، ۴۸: ۱۷، ۴۹: ۷، ۲۶: ۵، ۵۴: ۸، ۵۹: ۲۰، ۶۰: ۱۶، ۶۳: ۱۶، ارمیا ۳۴: ۵۰).

۲. *Padah* (BDB 804, KB 911) که به معنی "تحویل دادن" یا "نجات دادن" است.

- ۱) رستگاری تنها مولود (کتاب خروج ۱۳: ۳۵ الی ۱۵ و اعداد ۱۵: ۱۸ الی ۱۷)
- ۲) رستگاری فیزیکی برابر رستگاری معنوی (مزمور ۷: ۴۹ و ۸ و ۱۵)
- ۳) یهوه اسرائیل را از گناهانشان و شورشیان نجات خواهد داد (مزمور ۷: ۱۳۰ الی ۸)

B. مفهوم الهیاتی آن در بردارنده چندین رابطه است

۱. یک نیاز، تعهد، مجازات و زندانی شدن وجود دارد

۱) فیزیکی

۲) اجتماعی

۳) معنوی (مراجعه شود به مزامیر ۸: ۱۳۰)

۲. برای آزادی، رهایی و احیا بهایی باید پرداخت شود

۱) در ارتباط با قوم اسرائیل (مراجعه شود به تثنیه ۸: ۷)

۲) در رابطه با فرد (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۵ الی ۲۷، ۳۳: ۲۸، اشعیا ۵۳)

۳. شخصی باید به عنوان واسطه و ذینفع عمل کند. در *ga'al* این شخص معمولاً یکی از اعضا خانواده یا نزدیکان است (*go'el*, BDB 145)

۴. یهوه معمولاً خود را با اصطلاحات خانوادگی معرفی می‌کند.

(۱) پدر

(۲) شوهر

(۳) یک ناجی از نزدیکان خانواده/ناجی رستگاری از طریق یهوه رها میشود، بهایش پرداخت می‌گردد و رستگاری حاصل می‌گردد.

II. عهد جدید

A. از چندین اصطلاح که در بر دارنده مفهوم الهیاتی بحث هستند، استفاده شده است.

۱. *Agorazō* (مراجعه شود به اول قرن‌تیم ۲۰:۶، ۷:۲۳، دوم پطرس ۱:۲، مکاشفه ۹:۵، ۳:۱۴ الی ۴). این یک اصطلاح تجاری است که منعکس کننده بهای پرداخت شده برای چیزی است. ما مردمانی هستیم که خونبها می‌گیریم که بر زندگی خود کنترلی نداریم. ما به مسیح تعلق داریم.

۲. *Exagorazō* (مراجعه شود به غلاطیان ۳:۱۳، ۴:۵، افسسیان ۱۶:۵، کولسیان ۴:۵). این نیز یک اصطلاح تجاری است. این اصطلاح منعکس کننده مرگ جایگزین عیسی از جانب ما است. عیسی نفرینی که بر بر مبنای شریعت بر ما بود و انسانهای گناهکار نمی‌توانستند آن را تحقق بخشند، تحمل کرد (شریعت موسی، مراجعه شود به افسسیان ۲:۱۴ الی ۱۶، کولسیان ۲:۱۴). او نفرینی را که بر ما بود (مراجعه شود به تثنیه ۲۳:۲۱) برای همه ما (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰:۴۵، دوم قرن‌تیم ۵:۲۱) تحمل کرد! از طریق عیسی عدالت و عشق خدا در هم آمیخت و تبدیل به بخشش کامل و پذیرش شد!

۳. *Luō* (آزاد کردن/رها کردن)

a. *Lutron* "بهای پرداخت شده" مراجعه شود به انجیل متی ۲۸:۲۰، انجیل مرقس ۱۰:۴۵). اینها کلمات قدرتمندی هستند که از دهان خود عیسی بیرون آمده اند و در رابطه با هدف آمدنش می‌باشند، برای اینکه ناجی جهان باشد، برای اینکه بدهی گناهانی را که مرتکب نشده است، بپردازد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۲۹).

b. *Lutroō*

(۱) که ناجی اسرائیل باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴:۲۱)

(۲) تا خودش را قربانی کند که مردم را نجات دهد و پاک سازد (تیتوس ۲:۱۴)

(۳) برای اینکه جایگزین بدون گناه باشد (اول پطرس ۱:۱۸ الی ۱۹)

c. *Lutrōsis*, "رستگاری"، "آزادی"

(۱) نبوت زکریا در مورد عیسی، انجیل لوقا ۱:۶۸

(۲) دعای آنا با خدا برای عیسی، انجیل لوقا ۳:۳۸

(۳) عیسی بهتر است، قربانی برای یک مرتبه، عبرانیان ۹:۱۲

۴. *Apolytrōsis*

a. رستگاری در آمدن دوم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳:۱۹ الی ۲۱)

(۱) انجیل لوقا ۲۱:۲۸

(۲) رومیان ۸:۲۳

(۳) افسسیان ۱:۱۴، ۴:۳۰

(۴) عبرانیان ۹:۱۵

b. رستگاری در زمان مرگ عیسی

(۱) رومیان ۳:۲۴

(۲) اول قرن‌تیم ۱:۳۰

(۳) افسسیان ۱:۷

(۴) کولسیان ۱:۱۴

۵. *Antilytron* (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲:۶). این یک متن مهم است (همانند تیتوس ۲:۱۴) که رهایی را با مرگ عیسی بر بالای صلیب به عنوان جایگزین مرتبط می‌کند. او تنها قربانی قابل قبول است، کسی که به خاطر "همه" مرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۲۹، ۳:۱۶، الی ۱۷، ۴:۲۴، اول تیموتائوس ۲:۴، ۴:۱۰، تیتوس ۲:۱۱، دوم پطرس ۳:۹، اول یوحنا ۲:۲، ۴:۱۴).

B. مفهوم الهیاتی در عهد جدید

۱. انسان برده گناه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸:۳۴، رومیان ۳:۱۰ الی ۱۸ و ۲۳، ۲۳:۶)
۲. وابستگی انسان به گناه در قانون عهد عتیقی موسی آشکار شده است (مراجعه شود به غلاطیان ۳) و موظفه عیسی بر بالای کوه (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷). عملکرد انسان تبدیل به مجازات ممرگ برای او شده است (مراجعه شود به کولسیان ۲:۱۴)
۳. عیسی، بره معصوم خدا، آمد و بجای ما مرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰:۴۵، انجیل یوحنا ۱:۲۹، دوم قرنتیان ۵:۲۱). ما را از گناه خریدند تا به خدا خدمت کنیم (مراجعه شود به رومیان ۶).
۴. به طور ضمنی هم یهوه و هم عیسی "نسبت نزدیک" دارند که از طرف ما عمل می‌کنند. این استعاره‌های خانوادگی (یعنی پدر، شوهر، پسر، برادر، نزدیکان) تداوم می‌یابند.
۵. رستگاری بهایی نیست که به شیطان (یعنی الهیات قرون وسطی) پرداخت شده باشد، بلکه آشتی با خدا و عدالت خداوند با عشق خدا و کامل بودن در مسیح است. در صلیب صلح بازگردانده شد، شورش بشر آموزش داده شد، تصویر خدا در بشریت در حال حاضر به طور کامل در همکاری صمیمانه عمل می‌کند!
۶. هنوز یک جنبه آینده نگرانه ای در رستگاری وجود دارد (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۳، افسسیان ۱:۱۴، ۴:۳۰)، که شامل احیا کالبد ما و صمیمت فردی با تثلیث خدا است (موضوع خاص: تثلیث را مطالعه کنید). کالبدهای احیا شده ما همانند او خواهند بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳:۲). او یک بدن فیزیکی دارد، ولی با یک بعد اضافی. به سختی می‌توان پارادوکس اول قرنتیان ۱۵:۱۲ الی ۱۹ را با اول قرنتیان ۱۵:۳۵ الی ۵۹ توصیف کرد. بدینی است یک کالبد فیزیکی و زمینی وجود دارد و همچنین یک کالبد معنوی و بهشتی. عیسی هر دو را داشت.

۳۱:۱ این آیه نقل قولی است از ارمیا ۹:۲۳-۲۴. پولس این نقل قول را در دوم قرنتیان ۱۷:۱۰ تکرار می‌کند. "خدا" در گفته‌های ارمیا اشاره به یهوه دارد، اما در اینجا اشاره به عیسی است! این یک تکنیک رایج در عهد جدید برای صحنه‌گذاران بر جنبه‌های الهی عیسی است. ما در ظاهر و باطن خود بخود ستایی نمی‌پردازیم، بلکه او را می‌ستاییم که بواسطه او همه جنبه‌های کامل خدایی، قرار گرفته است! این دو نقل قول از ارمیا ارتباطی را میان اول قرنتیان ۱-۴ و دوم قرنتیان ۱۰-۱۳ نشان می‌دهد. مخالفان صوفیان یهودی هستند که شیوه‌های کلامی را می‌ستودند (از کتاب *Philo and Paul Among the Sophists* نوشته Bruce W. Winter).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. چرا فراخوان خدا در نوشته‌های پولس مورد تأکید قرار گرفته است؟
۲. چگونه ممکن است که خدا انسان گناهکار را "مقدس" شمارد؟
۳. دلیل عطایای معنوی در کلیسا چیست؟
۴. چرا کلیسای قرنتس تفرقه افکن بود؟
۵. چگونه اول قرنتیان ۱:۱۲ با القاب مدرن ارتباط می‌یابد؟
۶. آیا پولس در اول قرنتیان ۱:۱۷ تعمیر را کنار می‌گذارد؟
۷. چرا یهودیان انجیل را انکار کردند؟
۸. چرا یونانیان انجیل را انکار کردند؟
۹. چرا خدا مردمان ضعیف را که هیچ جایگاه اجتماعی نداشته و یا از خردمندی برخوردار نبودند، برای گسترش پیام انجیل انتخاب کرده است؟

اول قرن‌تیاں ۲

بخش‌های پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
اعلام مصلوب شدن مسیح	مسیح مصلوب شد	مسیح مصلوب شد	پیام درباره مسیح بر روی صلیب	حکمت راستین و دروغین (۴:۳ - ۱۷:۱)
۵ - ۱:۲	۵ - ۱:۲	۵ - ۱:۲	۵ - ۱:۲	۵ - ۱:۲
مکاشفه توسط روح خدا	حکمت معنوی	حکمت معنوی	حکمت خدا	
۱۶ - ۶:۲	۱۶ - ۶:۲	۱۳ - ۶:۲	۱۲ - ۶:۲	۹ - ۶:۲
			۱۶ - ۱۳:۲	۱۶ - ۱۰:۲
		۱۶ - ۱۴:۲		

* پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی، واژه‌نامه و اصطلاحات دستور زبان یونانی.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی درباره اول قرن‌تیاں ۱:۲-۱۶

A. برخی افراد در کلیسای قرن‌تس بودند که بسیار به روشنفکری گرایش داشتند (سنتهای لفظی قرن اول). در چنین متنی که بیش از حد بر روی دانش و کارایی بشر تأکید شده، پولس فصل ۱ را با تأکید بر رحمت خدا آغاز می‌نماید (همانگونه که در افسسیان ۱: ۱-۱۰ انجام داد). با اینحال، او می‌پذیرد که حکمت و دانش هم نعمات الهی هستند. در فصل ۲، پولس همین مضمون را با تأکید بر مکاشفه در برابر کشف بشری، ادامه می‌دهد. در حالیکه قرن‌تیاں هیچ ادعایی مبنی بر دستیابی به دانشی که از آن بهره‌مند بودند، نداشتند، همزمان هیچ ادعایی نیز بر چگونگی دستیابی به آن دانش نداشتند.

B. بطور مقدماتی، اول قرن‌تیاں ۱: ۲-۱۶ تقویت فصل اول قرن‌تیاں آیات ۱۸:۱-۲۵ است.

C. آیات ۱۶-۱۰ می‌توانند در اشاره به ده‌ها دسته‌بندی از دیدگاه‌های معنوی یا مکاشفه ارزیابی شوند.

خداوند همواره طوری عمل کرده که به هر صورت ممکن خود را به ما نمایان سازد (مکاشفه، اول قرنیتیان ۲: ۱۰-۱۲)؛ او انسانهای مشخصی را منظور ثبت و تشریح کارهای خود انتخاب نموده (الهام و وحی، آیه ۱۳)، و در نهایت، روح خود را در انجیل دمیده تا خوانندگان حقایق مکاشفه او را درک نمایند (تنویر، اول قرنیتیان ۲: ۱۴-۱۶).

موضوع خاص: تنویر

(Special Topic: Illumination)

خداوند در گذشته به گونه‌ای عمل کرد که بتواند خود را به روشنی برای بشر آشکار سازد (آفرینش، سیل، ندای بزرگان اقوام، مهاجرت قوم اسرائیل، فتوحات مختلف و ...). این موضوع به لحاظ الهیاتی "مکاشفه نامیده می‌شود. او افرادی را مشخص کرد تا همه چیز را ثبت و مکاشفه خود را برای اقوام مختلف تشریح کنند (یوحنا ۱۴: ۲۶؛ ۱۶: ۱۲-۱۵). در الهیات این موضوع "الهام" نامیده می‌شود. وی روح را فرستاد تا به خوانندگان کمک تا او و وعده‌هایش، بویژه مسیح در حال ظهور را درک نمایند. در الهیات این مبحث "تنویر" یا روشنگری نامیده می‌شود. مشکل از اینجا شروع می‌شود، که اگر روح درگیر درک خداوند است، پس چرا حجم زیادی از ترجمه‌های گوناگون از خداوند، خواست او و راه‌هایش وجود دارد؟

بخشی از مشکل مربوط می‌شود به درک اولیه و تجربیات شخصی خوانندگان. اغلب یک برنامه‌ریزی روزانه شخصی برای استفاده از کتاب مقدس آن هم با متنی مملو از چرکنویس و یا به بصورت سر سری در دستور کار است. اغلب چارچوبی الهیاتی بر روی انجیل تعریف می‌گردد که فقط اجازه سخن گفتن در برخی مقاطع و به روش‌های انتخابی داده می‌شود. روشنگری فقط با الهام بوجود نمی‌آید با اینکه روح القدس در هر دو مورد وجود دارد. الهام (به موضوع خاص الهام رجوع نمایید) با ورود به عهد جدید متوقف شد (یهودا ۳، ۲۰). بیشتر متون عهد جدید که به تنویر مربوط می‌گردند، اشاره به انجیل و زندگی مسیح‌گونه دارند (رومیان ۸: ۱۲-۱۷؛ ۱ قرنیتیان ۲: ۱۰-۱۳؛ افسسیان ۱: ۱۷-۱۹؛ فیلیپیان ۱: ۹-۱۱؛ کولسیان ۱: ۹-۱۳؛ اول یوحنا ۲: ۲۰-۲۷). در واقع این یکی از وعده‌های "پیمان جدید" می‌باشد (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ بویژه نسخه ۳۴).

بهترین راهی که می‌توان به روح اجازه دهیم به ایمانداران کمک کند تا مکاشفه را درک نمایند، می‌تواند تشریح مرکزیت اصلی پاراگراف باشد، نه ترجمه جزئیات هر خط. این تفکر موضعی است که حقیقت مرکزی نویسنده اصلی را بیان می‌کند. مشخص کردن کتاب یا ادبیات آن به یکی از دلایل نویسنده اصلی الهام شده کمک می‌کند. به هیچ مترجمی وحی نمی‌شود. ما نمی‌توانیم روش‌های انجیلی نویسنده اصلی را دوباره تولید کنیم. ما می‌توانیم و باید تلاش نماییم تا بفهمیم آنها در آن روزگار چه می‌گفتند و سپس آن حقایق را به زبان امروزی خودمان نقل کنیم. در انجیل نقاط گنگ و نهان وجود دارد (تا یک دوره خاص). با برخی موضوعات و متون همیشه مخالفت بعمل خواهد آمد اما ما همواره باید به روشنی حقایق را اظهار نموده و اجازه دهیم تا مترجمین مستقل ایماندار آزادانه و در مرزهای تعیین شده نویسنده اصلی کار کنند. مترجمین باید در روشنایی فراهم آمده کار کنند و همیشه آغوششان برای روشنایی بیشتر از کتاب مقدس و روح القدس باز باشد. خداوند بر اساس میزان درک ما و اینکه چگونه بوسیله آن درک زندگی می‌کنیم، قضاوت خواهد کرد.

موضوع خاص: وحی/الهام

(SPECIAL TOPIC: INSPIRATION)

این ادعای ایمان است که خدا به طور مستمر توسط روح خود در ضبط اعمال خود، وعده‌ها، و اراده برای بشریت درگیر کرده است. این افشا کردن را "مکاشفه" می‌نامند. آنچه که او برای نسل‌های آینده ثبت کرده، "الهام" نامیده می‌شود.

تنها مورد استفاده از کلمه "الهام یا وحی" در کتاب مقدس در ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶ و به معنای واقعی کلمه "خدا بازدمید" است. توجه داشته باشید "متن" در عهد جدید همیشه به عهد عتیق اشاره می‌کند (به عنوان مثال، ۲ تیموتائوس ۳: ۱۵ اشاره به تربیت یهودی تیموتائوس دارد). توجه کنید که هدف کتاب مقدس دو قسم است.

۱. حکمتی که به رستگاری منجر شود، ۲ تیموتائوس ۳: ۱۵

۲. آموزش بوسیله عدالت، ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶

توجه داشته باشید که چگونه یوحنا ۵: ۳۹، ۱ قرنتینان ۳: ۱۵-۴ و ۱ پطرس ۱: ۱۰-۱۲ عهد عتیق را به مثابه اشاره به مسیح می بیند. عیسی خود این موضوع را در لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷ تصریح می کند! این روح خدا بود که نویسندگان عهد عتیق را هدایت کرد (۲ پطرس ۱: ۲۰-۲۱). کلیسا شریعت عهد عتیق را پذیرفت (به موضوع خاص شریعت رجوع نمایید). آنان متوجه تحت الهام بودن موضوعات بطور کامل بودند (متی ۵: ۱۷-۱۹). با اینحال، متوجه شده بودن که عهد جدید که شامل رفتار و کردار مسیح است، نهایت مکاشفه می باشد (متی ۵: ۲۱-۴۸؛ عبرانیان ۱: ۱-۲). عیسی مکاشفه کامل و نهایی یهوه است (یوحنا ۱: ۱-۵، ۱۴؛ کولسیان ۱: ۱۵-۱۶). او وعده منجی عهد عتیق را به سرانجام می رساند (متی ۲۶: ۳۱، ۵۶؛ ۲۷: ۱۴، ۷۹؛ لوقا ۲۰: ۱۷؛ یوحنا ۱۲: ۱۴-۱۶؛ ۱۳: ۱۸؛ ۱۵: ۲۵؛ ۱۷: ۱۲؛ ۱۹: ۲۴-۳۶؛ اعمال رسولان ۱: ۱۶؛ ۳: ۱۸، ۲۱-۲۶؛ ۴: ۲۵-۲۸).

روح القدس ذهن و قلب را پیش از اینکه شخص بتواند درک نماید، باید باز کند (اعمال رسولان ۸: ۳۴-۳۵؛ ۱۳: ۲۷). روح نویسندگان انجیل را به گونه ای راهنمایی می کند تا کلمات را در قالب گفتارها، اصطلاحات و تصورات انسانی از حقایق و مکاشفه خدا بوسیله مسیح ثبت نمایند (یوحنا ۱۴: ۲۶؛ ۱۵: ۲۶-۲۷؛ ۱ قرنتینان ۲: ۱۰-۱۱، ۱۳-۱۶).

بحث مبسوط و خوبی را می توانید در کتاب *Christian Theology* نوشته Millard J. Erichson، جلد دوم، صفحات ۲۲۴-۲۴۵ مطالعه نمایید.

همچنین مبحث خوبی درباره ادبیات برگرفته از "گفتار" تا اسناد مکتوب را در کتاب *The Lost World of Scripture* نوشته John H. Walton و D. Brent Sandy چاپ سال ۲۰۱۳ می توانید مطالعه نمایید.

مطالعه کلمات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۱ قرنتینان ۲: ۱-۵

۱ من نیز ای برادران، هنگامی که نزد شما آمدم، با فصاحت و حکمت بشری نیامدم، آنگاه که راز خدا را به شما اعلام می کردم. ۲ زیرا عزم جزم کرده بودم در میان شما چیزی ندانم جز عیسی مسیح، آن هم عیسای مصلوب. ۳ من با ضعف، و با ترس و لرز بسیار نزد شما به سر بردم، ۴ و پیام و وعظ من با کلمات گیرای حکیمانه بیان نشد، بلکه با برهان روح و قدرت، ۵ تا ایمان شما نه بر حکمت بشری، بلکه بر قدرت خدا مبتنی باشد.

۱: ۲ "ای برادران" چنین مشخصه ای برای ایمانداران اغلب توسط پولس بطور خودآگاه یا ناخودآگاه، و بمنظور مشخص کردن قدم بعدی در معرفی یک حقیقت یا حقیقتی جدید، بکار برده می شد (۱ قرنتینان ۲: ۱؛ ۳: ۱؛ ۴: ۶؛ ۷: ۲۴؛ ۱۰: ۱؛ ۱۱: ۳۳؛ ۱۲: ۱؛ ۱۴: ۶، ۲۰، ۳۵؛ ۱۵: ۱، ۳۱، ۵۰، ۵۸؛ ۱۶: ۱۵). این واژه مردان و زنان کلیسای قرنتس را مخاطب قرار می داد. برای مطالعه بیشتر درباره موضوع "برتری" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: استفاده پولس از حالات ترکیبی HUPER

(Special Topic: Paul's Use of *Huper* Compounds)

پولس علاقه ویژه ای به ایجاد کلمات جدید با استفاده از حرف اضافه یونانی *huper* دارد، که اساساً به معنای "بیش از" یا "بالا" است. هنگامی که با حالت مضاف الیه (مفعول عنه) استفاده می شود، به معنی "از جانب" است. این همچنین می تواند به معنای «درباره» یا «مربوط به» باشد مانند *peri* (مراجعه شود به دوم قرنتینان ۸: ۲۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۸). هنگامی که در حالت مفعولی استفاده می شود، به معنی "بالای"، "بیش از" یا "فراتر از" است (مراجعه شود به *A Grammar of the Greek New Testament in the Light of Historical Research*, A. T. Robertson، صفحات ۶۳۳-۶۲۵). وقتی پولس می خواست مفهومی را برجسته کند، از این حرف اضافه در ترکیب استفاده می کرد. در زیر لیستی از کاربردهای کلی این حرف اضافه در ترکیبات پولس مبینید.

A. *Hapax legomenon* (فقط یک بار در عهد جدید استفاده شده است)

۱. *Huperakmos*، سالهای نخستین زندگی، گذشته، اول قرنتینان ۷: ۳۶
۲. *Huperauxanō*، به شدت افزایش یافتن، دوم تسالونیکیان ۱: ۳
۳. *Huperbainō*، پا فراتر نهادن یا سرپیچی کردن، اول تسالونیکیان ۴: ۶
۴. *Huperkeina*، فراسو، دوم قرنتینان ۱۰: ۱۶

۵. *Huperekteina*. بیش از حد طولانی، دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۴
۶. *Huperentugchanō*. شفاعت کردن، رومیان ۸: ۲۶
۷. *Hupernikaō*. به شدت پیروز شدن، رومیان ۸: ۳۷
۸. *Huperpleonazō*. در فراوانی بیش از حد بودن، اول تیموتائوس ۱: ۱۴
۹. *Huperupsoō*. به برتری عالی رسیدن، فیلیپیان ۲: ۹
۱۰. *Huperphroneō*. افکار بلند داشتن، رومیان ۱۲: ۳
- B. کلماتی که فقط در نوشته‌های پولس استفاده شده اند
۱. *Huperaimomai*. خود را تحسین کردن، دوم قرن‌تین ۱۲: ۷، دوم تسالونیکیان ۲: ۴
۲. *Huperballontōs*. بیش از اندازه، فوق العاده، دوم قرن‌تین ۱۱: ۲۳، (در اینجا فقط به صورت قید، ولی در قالب فعل در دوم قرن‌تین ۳: ۱۰، ۹: ۱۴، افسسیان ۱: ۱۹، ۲: ۷، ۳: ۱۹)
۳. *Huperbolē*. بیش از حد پرتاب کردن، بیش از اندازه مسلح بودن، رومیان ۷: ۱۳، اول قرن‌تین ۱۲: ۳۱، دوم قرن‌تین ۱: ۸، ۴: ۷ و ۱۷، ۷: ۱۲، غلاطیان ۱: ۱۳
۴. *Huperekperissou*. فراسوی تمامی مقیاسها، افسسیان ۳: ۲۰، اول تسالونیکیان ۳: ۱۰، ۵: ۱۳
۵. *Huperlian*. بالاترین درجه، فوق العاده، دوم قرن‌تین ۱۱: ۵، ۱۲: ۱۱
۶. *Huperochē*. برجسته، برتر، اول قرن‌تین ۲: ۱، اول تیموتائوس ۲: ۲
۷. *Huperperisseuō*. فوق العاده فراوان، رومیان ۵: ۲۰ (حالت میانی، بیش از اندازه پر شدن، سرریز، دوم قرن‌تین ۷: ۴)
- C. کلماتی که پولس استفاده کرده و به ندرت دیگر نویسندگان عهد جدید از آنها استفاده کرده اند
۱. *Huperanō*. به مراتب بالا، افسسیان ۱: ۲۱، ۴: ۱۰، و عبرانیان ۹: ۵
۲. *Huperechō*. تعالی، بالا بردن، رومیان ۱۳: ۱، فیلیپیان ۲: ۳، ۸: ۴، ۷: اول پطرس ۲: ۱۳
۳. *Huperēphanos*. فرض کردن یا سرگردان، رومیان ۱: ۳۰، دوم تیموتائوس ۳: ۲ و انجیل لوقا ۱: ۵۱، یعقوب ۴: ۶، اول پطرس ۵: ۵.
- پولس مردی با شور و شوق زیاد بود. وقتی چیزها یا مردم خوب بودند، بسیار خوب بودند و زمانی که بد بودند، خیلی بد بودند. این حالت به او اجازه داد تا احساسات عالی خود را درباره گناه، خود، مسیح و انجیل بیان کند.

NASB, NKJV "شهادت خدا"

NRSV, NJB "راز خدا"

TEV "حقیقت پنهان خدا"

در اینجا یک تفاوت در نسخه خطی یونانی دیده می‌شود. واژه یونانی *musterion* (راز) در نسخه‌های MSS P⁴⁶. A، و C دیده می‌شود. لغت *marturion* (شهادت) در نسخه‌های خطی B، C و D دیده می‌شود. چنانچه "راز" را انتخاب درست در نظر بگیریم، مفهوم آن در ۱ قرن‌تین ۲: ۷؛ افسسیان ۲: ۱۱ - ۱۳: ۳؛ و کولسیان ۱: ۲۶-۲۷ تعریف شده، که اتحاد یهودیان و یونانیان بواسطه عسی درون یک خانواده (یعنی کلیسا) محسوب می‌گردد. اگر "شهادت" را انتخاب درست بدانیم، پس ارتباط آن به آیه ۱: ۶ باز می‌گردد، که می‌تواند مترادف با "انجیل" تلقی گردد. نسخه⁴ UBS به واژه "راز" امتیاز B (یعنی تقریباً مطمئن) می‌دهد.

واژه "راز" اغلب در نسخه‌های پایروس قرن اول که در مصر یافت شد، دیده می‌شود. این واژه مرجعی برای شروع جدید دانش محرمانه‌ایست که فقط برای گروهی خاص در دسترس می‌باشد، بکار برده می‌شد (ادیان مرموز). پولس این واژه فنی را برداشته و آن را در ارتباط با آنان که روح خدا شامل حال آنان می‌شد (ایمانداران)، و آنان که از این روح بی‌بهره بودند، بکار برد. هیچ مرزی در این مقطع میان ایمانداران در نوشته‌های پولس وجود ندارد (۱ قرن‌تین ۳: ۱). همگی "بالغ" در نظر گرفته شده‌اند (۱ قرن‌تین ۲: ۶).

موضوع خاص: راز در انجیل

(Special Topic: Mystery in The Gospels)

A. در سایر اناجیل (اناجیل غیر از انجیل یوحنا) از "راز" به عنوان بینش معنوی حاصل شده از تمثیلهای عیسی استفاده شده است.

۱. انجیل مرقس ۱۱:۴

۲. انجیل متی ۱۱:۱۳

۳. انجیل لوقا ۱۰:۸

B. پولس از آن به چندین شیوه متفاوت استفاده می‌کند:

۱. سختی نسبی اسرائیل که باعث می‌شود پیروان سایر ادیان هم شامل پیام شوند. این ورود پیروان سایر ادیان به عنوان مکانیسمی برای یهودیان عمل می‌کند که عیسی را به عنوان همان مسیح موعود بپذیرند (مراجعه شود به رومیان ۱۱:۲۵ الی ۳۲).

۲. بیان خوش به ملتها داده می‌شود، به آنها می‌گوید که پیام مسیح در مورد آنها هم هست (مراجعه شود به رومیان ۱۶:۲۵ الی ۲۷، کولسیان ۲:۲).

۳. کالبد نوایمانان در آمدن دوم (مراجعه شود به اول قرن‌تیاں ۵:۱۵ الی ۵۷، اول تسالونیکیان ۴:۱۳ الی ۱۸).

۴. جمع شدن همه چیز در مسیح (مراجعه شود به افسسیان ۸:۱ الی ۱۱).

۵. پیروان سایر ادیان و یهودیان به عنوان وارثان (مراجعه شود به افسسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳).

۶. رابطه صمیمانه میان مسیح و کلیسا که در قالب اصطلاحات ازدواج توصیف شده است (مراجعه شود به افسسیان ۵:۲۲ الی ۳۳).

۷. پیروان سایر ادیان هم که مضمول پیمان می‌شوند و در روح مسیح ادغام می‌شوند تا بلوغ شبه مسیح ایجاد کنند، یعنی تصویر از بین رفته خدا در انسان را احیا کنند (مراجعه شود به پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷، ۵:۱، ۶:۵ و ۱۱ الی ۱۳، ۸:۲۱، ۹:۶، کولسیان ۱:۲۶ الی ۲۸)

۸. ضد مسیحیان پایان زمان (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲:۱ الی ۱۱)

۹. مناجات کلیسای اولیه درباره راز انجیل در اول تیموتائوس ۳: ۱۶ یافت می‌شود.

C. در مکاشفه یوحنا از آن به عنوان معنی نماد آخرالزمانی استفاده شده است.

۱. ۱:۲۰

۲. ۱۰:۷

۳. ۱۷:۵ و ۶

D. اینها حقایقی هستند که انسان قادر به کشف آنها نیست؛ این حقایق باید توسط خدا نشان داده شوند. این دیدگاهها برای درک برنامه ابدی خدا بمنظور احیای تمام مردم جهان حیاتی می‌باشند (پیدایش ۳:۱۵). به موضوع خاص برنامه ابدی یهوه مراجعه نمایید.

۲:۲ "من" در آیات ۱ تا ۵ به نظر می‌رسد که پولس خود را با موارد زیر مقایسه کرده است

۱. در موعظه قبلی انجیل در آن جایی که او از منطق یونانی استفاده کرد و حتی از اشعار آنان نقل قول آورد (اولین بار توسط اوریگن مطرح گردید، اعمال رسولان ۱۷:۱۶-۳۴)

۲. در موعظه انجیل او در برابر آنان که در قرن‌تس با زبان حکمت و بلاغت انسانی درباره موضوعات عرفانی صحبت می‌کردند

□ "عیسی مسیح، آن هم عیسیای مصلوب" این عبارت یک وجه وصفی معلوم است (۱ قرن‌تیاں ۱:۲۳). در این وجه وصفی دو جنبه الهیاتی نمایان شده است:

۱. زمان کامل نشان می‌دهد که عیسی بر صلیب باقی مانده است. هنگامی که او را ببینیم، او هنوز آثار جرح را بر بدن خود خواهد داشت. این آثار به نشان افتخار و جلال او بدل شده‌اند (به یادداشت اول قرن‌تیاں ۱:۲۳ مراجعه شود).

۲. ندای مجهول نشان می‌دهد که مرگ عیسی بوسیله موارد زیر بود:

a. بوسیله پدر و برنامه ابدی او (اعمال رسولان ۲:۲۳؛ ۳:۱۸؛ ۴:۲۸؛ ۱۳:۲۹) برای رستگاری بشر

b. بوسیله گناه و سرکشی مردمی که یک قربانی را طلب می‌کردند (رومیان ۵:۱۴-۱۵، ۱۸-۱۹)

پیام مرگ عیسی بخاطر بشریت هسته مرکزی الهیات پولس است. مفهوم مسیح منجی که رنج می‌کشد و در حال مرگ است برای تفکرات سنتی یهودیان کاملاً غریبه بود. این جنبه از انجیل باید پولس را عذاب می‌داده است. چگونه ممکن است کسی که توسط یهوه تدهین شده بود، توسط خداوند مورد نفرین واقع گردد (تشبیه ۲۱:۲۳). با این وجود، این بخشی از مکاشفه عهد عتیق بود (پیدایش ۳:۱۵؛ مزامیر ۲۲؛ اشعیا ۵۳؛ زکریا ۱۲:۱۰). عیسی، پسر بی‌گناه خدا، به جای ما مرد (رومیان ۵:۱۸-۱۹؛ ۲ قرن‌تیاں ۵:۲۱). او برای ما نفرین گردید (غلاطیان ۳:۱۳). عیسیای مصلوب برای همه راز پنهان خداوند است (کولسیان ۲۸-۱:۲۶؛ ۲:۴).

۳:۲ "من با ضعف، و با ترس و لرز بسیار نزد شما به سر بردم" این بخش ممکن است کنایه‌ای به کتاب خروج ۱۵:۱۶ در نسخه LXX باشد. پولس نارساییهای خود را به ما نشان می‌دهد.

۱. او بدلیل رفتار خشن فیلیپی، تسالونیک‌یی و بیریه می‌هراسید (اعمال ۱۶-۱۷)
 ۲. او بخاطر نتایج و احتمالاً اسلوب گفتارش در آتن، سرخورده شده بود (دیدگاه اوریگن از اعمال ۱۷:۲۲-۳۴)
 ۳. مشکلات فیزیکی او، احتمالاً مشکل بینایی، سبب دشواریهای بزرگی گردیده بود (۲قرن‌تیان ۷:۹-۱۲)
 ۴. عدم ایمان و دلسردی در حالیکه در قرن‌تس بسر می‌برد
- مسیح باید بارها بر پولس ظاهر می‌گردید تا او را تشویق نماید (اعمال ۹:۱۸-۱۰:۹؛ ۱۱:۲۳؛ ۱۱:۲۷-۲۳). کلام و وضعیت جسمانی او باعث ایمان آوردن مردم به مسیح نبود، بلکه جذابیت انجیل و نیروی روح‌القدس این کار را کرد (۱قرن‌تیان ۲:۴؛ ۱:۱۷؛ ۲قرن‌تیان ۱۰:۱۰).
۱. عیسی نیز دوران دلسری خود را داشت (جتسیمانی)
 ۲. رسولان اغلب آموزه‌های عیسی را بدرستی درک نمی‌کردند
 ۳. پولس احساس ضعف و هراس داشت

ما باید بعنوان یک انسان بپذیریم که دارای ضعفهایی هستیم، حتی باوجودیکه نیروی انجیل و حضور روح را حس می‌کنیم! شخصیت خداوند و پیشبینیهای او بواسطه انسان ضعیف بزرگ می‌گردد (۱قرن‌تیان ۱:۲۶-۲۹؛ ۲قرن‌تیان ۱۲).

ضعفهای پولس همان چیزهایی هستند که معلمان دروغین در ۲قرن‌تیان ۱۰-۱۳ بخاطر آن به پولس حمله کردند. آنان تواناییهای خود را بزرگ جلوه می‌دادند (بلحاظ تحصیلی، موقعیت اجتماعی، نعمات الهی، فن بیان). نوشته‌های پولس به روشنی بیشتر بلحاظ لفظی ساختاربندی شده (۲قرن‌تیان ۱۰-۱۳) و قویتر از پیام شفاهی او بودند. به موضوع خاص: ضعف در دوم قرن‌تیان ۱۲:۹ مراجعه نمایید.

۴:۲

NASB "نه با کلمات حکیمانه مجاب کننده"

NKJV "نه با کلام حکیمانه انسانی"

NRSV "نه با کلام مجاب کننده حکمت"

TEV "بواسطه کلام استادانه حکمت انسانی ارائه نگرید"

NJB "بنا نداشت تا با جدل فلسفی کسی را متقاعد کند"

این عبارت در نسخه‌های خطی یونانی بسیار متغیر می‌باشد.

۱. مشکل اول برمی‌گردد به صفت بسیار نادر *peithois* (MSS P46, 8, A, B, C, D)، که در هیچ‌کجای دیگر نسخه‌های Septuagint، پاپیروس کوبین یا عهد جدید یافت نمی‌شود.
۲. برخی مفسران تصور می‌کنند که این تفاوتها ناشی از کاتبینی بوده که با این صفت آشنایی نداشتند. ممکن است آنان با تغییری جزئی این صفت را به *peithoi* که بمعنی "ترغیب و متقاعدسازی" است، تغییر داده باشند.
۳. برخی نسخه‌های خطی یونانی عبارت "ترغیب انسان" را اضافه کرده‌اند (۱قرن‌تیان ۲:۱۳ و MSS⁸², A, C).
۴. در برخی نسخه‌های خطی واژه "کلام" (*logos* یا *logois*) وجود ندارد (MSS P⁴⁶, F, G) و متن یونانی توسط Chrysostom).

با توجه به متن اصلی بهترین حالت وصل کردن این عبارت با موضوع رد لفاظی، منطق و حکمت توسط پولس است (۱قرن‌تیان ۱:۱۷؛ ۱:۲؛ ۱۳). با اینحال، معنی دقیق کلمه *peithois* کماکان نامشخص باقی می‌ماند (به *New International Dictionary of New Testament Theology*، جلد ۱ صفحات ۵۹۳-۵۸۸ رجوع نمایید).

■ "با برهان روح و قدرت" این عبارت اشاره به زندگی دستخوش تغییر قرن‌تانی که ایمان آوردند، دارد. همچنین می‌تواند مرتبط با حضور تأیید کننده نشانه‌هایی که پولس اغلب در موعظه انجیل بکار می‌برد، باشد (اعمال ۱۳:۱۱؛ ۱۴:۱۰؛ ۱۶:۱۸، ۲۸؛ ۱۹:۱۱-۱۲؛ ۲۰:۱۰). به یادداشت "ز" روح با حروف بزرگ یا کوچک در اول قرن‌تیان ۲:۱۱ مراجعه نمایید.

۵:۲ در نگاه پولس، تنها امید بشریت در رحمت خدای پدر، کار به اتمام رسیده پسر، و نیروی روح القدس بود. بعبارت دیگر، خداوند تنها بنیانگذار راستین رستگاری است. مکاشفه خداوند، و نه اکتشاف بشری، حکمت خداوند، و نه علم بیان و منطق انسان، تنها منبع اعتماد بنفس ما هستند.

برای پولس، انجیل خداوند و پاسخ مناسب انسان رانده شده از بهشت به او (توبه، ایمان، اطاعت و استقامت) کلیدهای دستیابی به حیات ابدی هستند.

متن NASB (بروز شده): اول قرن تیان ۶:۲-۱۳

اما در عین حال، ما در میان بالغان به بیان حکمت می‌پردازیم، اما نه حکمتی که متعلق به عصر حاضر یا حکمرانان این عصر باشد که محکوم به زوالند، بلکه حکمت خدا را بیان می‌کنیم که در رازی نهان بود و خدا آن را پیش از آغاز زمان برای جلال ما مقرر فرمود. اما هیچ یک از حکمرانان عصر حاضر این حکمت را درک نکردند، زیرا اگر آن را درک کرده بودند، خداوند جلال را بر صلیب نمی‌کردند. چنانکه آمده است: «آنچه را هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده، و به هیچ اندیشه‌ای نرسیده، خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است.»

زیرا خدا آن را توسط روح خود بر ما آشکار ساخته چرا که روح همه چیز، حتی اعماق خدا را نیز می‌کاود. زیرا کیست که از افکار آدمی آگاه باشد، جز روح خود او که در درون اوست؟ بر همین قیاس، فقط روح خداست که از افکار خدا آگاه است. ولی ما نه روح این دنیا، بلکه روحی را یافته‌ایم که از خداست تا آنچه را خدا به ما عطا کرده است، بدانیم. و از همین سخن می‌گوییم، آن هم نه با کلماتی که آموخته حکمت بشری باشد، بلکه با کلماتی که روح می‌آموزد؛ و بدین سان حقایق روحانی را با کلمات روحانی بیان می‌کنیم.

۶:۲ "اما در عین حال، ما در میان بالغان به بیان حکمت می‌پردازیم" پولس احتمالاً

۱. در اینجا و در ارتباط با تأکیدات قرن تیان بر حکمت انسانی و نگاه آنان به "بالغ بودنشان"، با طعنه سخن گفته است (کتاب *A Theology of the New Testament* نوشته George E. Ladd، صفحات ۳۸۳-۳۸۵).
۲. این می‌تواند با ایمانداران نوپا در اول قرن تیان ۳:۱-۴ ارتباط داشته باشد، که پولس آنان را به روح تفرقه افکن جهانی در کلیسا مرتبط می‌دانست
۳. همین واژه در افسسیان ۴:۱۳، *teleios*، ایمانداران بالغ را در مقابل کودکان تعریف می‌کند (مفهوم "طفل" در افسسیان ۴:۱۴). همچنین به ۱۴:۲۰؛ فیلیپیان ۳:۱۵ و عبرانیان ۵:۱۴ نیز توجه نمایید.

در موضوع خاص زیر ببینید که در کتاب عبرانیان کلمه چگونه بکار برده شده است.

موضوع خاص: تمام یا کامل

(Special Topic: End or Full (*Telos*))

این موارد رده بالای معنوی، قالبی است که دوباره در عبرانیان باز گشته است

۱. *Telos* پایان، تحقق چیزی (عبرانیان ۳:۶، ۱۴:۸، ۱۱)
۲. *Teleiōō* "چیزی را تکمیل کردن"
 - a. (عیسی) برای کامل کردن نویسنده رستگاری بوسیله رنج (عبرانیان ۲:۱۰)
 - b. (عیسی) بوسیله رنجی کشید به کمال رسید (عبرانیان ۵:۸-۹)
 - c. قانون باعث کامل شدن چیزی نگردید (عبرانیان ۷:۱۹)
 - d. یک پسر، چیزی را برای ابد تکمیل کرد (عبرانیان ۷:۲۸)
 - e. پرستش کننده را تکمیل کنید (عبرانیان ۹:۹)
 - f. کسانی که نزدیک می‌آیند را کامل کنید (عبرانیان ۱۰:۱)
 - g. وی برای همیشه آنانی را که تقدیس شده‌اند را تکمیل کرده است (عبرانیان ۱۰:۱۴)
 - h. آنان جدای از ما نباید کامل شوند (عبرانیان ۱۱:۴۰)
 - i. روح پارسایی مردان به کمال رسید (عبرانیان ۱۲:۲۳)
۳. *teleios* بالغ (عبرانیان ۵:۱۴)
۴. *teleios*، نابرناکل کامل تر (عبرانیان ۹:۱۱)
۵. *teleiostēs*، فشار بر بلوغ (عبرانیان ۶:۱)
۶. *teleiōsis*، چنانچه تکامل از درون کاهنیت لاوی بوده باشد (عبرانیان ۷:۱۱)

■ "نه حکمتی که متعلق به این عصر باشد" این جایی است که پولس بر مفهوم دو عهد در دو عصر تصریح می‌کند: عصر شیطانی حاضر، که تحت سیطره انسان رانده شده از بهشت قرار دارد، و عصر عدالت و پارسایی که باید بیاید و تحت حکمرانی مسیح منجی قرار خواهد داشت. حکمت بشر زمینی بر اساس پیشفرضها و تغییرات از فرهنگ به فرهنگ و دوران به دوران می‌باشد. به موضوع خاص درباره مفهوم دو دوره یهود در اول قرن‌تین ۱:۲۰ مراجعه نمایید.

■ "حکمرانان این عصر" این عبارت ممکن است اشاره به درجات آسمانی یا دوره‌های عرفانی داشته باشد (رومیان ۸:۳۸-۳۹؛ افسسیان ۱:۲۱؛ ۳:۱۰؛ ۱۲:۶؛ کولسیان ۱:۱۶؛ ۲:۱۰؛ ۱۵، *Bauer Arndt Gingrich and Danker* (فرهنگ لغات انجیلی یونانی) صفحه ۱۱۴، جلد ۳، کتاب *Answers to Questions* نوشته F. F. Bruce، صفحه ۹۰). بنظر می‌رسد مفاهیم بکار رفته در این جمله بیشتر در قالب رهبران انسانی قابل برداشت باشند (اول قرن‌تین ۲:۸؛ اعمال ۳:۱۷؛ رومیان ۱۳:۱-۲؛ همچنین به کتاب *The Hermeneutical Spiral* نوشته Grant Osborne صفحات ۸۲-۸۳ مراجعه نمایید). تشخیص این نکته که پولس درباره منطق انسانی سخن می‌گوید یا فعالیت‌های شیطانی در پس منطق انسانی؛ ولی اینگونه بنظر می‌رسد که هر دو در جریان هستند. انسانها بدلیل گمراهی ناشی از اخراج از بهشت، خیلی سریع تحت تأثیر قرار می‌گیرند (رومیان ۱۲:۲؛ غلاطیان ۱:۱۴؛ افسسیان ۲:۲)، اما در عین حال از حضور شیاطین ماورالطبیعه نیز متأثر می‌گردند (فرشته یا شیطان، ۲ قرن‌تین ۴:۴؛ دانیال ۱۰).

NASB	"که می‌میرند"
NKJV	"که به هیچ خواهند رسید"
NRSV	"که محکوم به زوالند"
TEV	"قدرتهایی که توانشان را از دست می‌دهند"
NJB	"که دوام نخواهند آورد"

این عبارت وجه وصفی زمان حال معلوم است که فعل آن بمعنی "بی‌اعتبار کردن یا غیر عملی کردن" چیزی است (اول قرن‌تین ۱:۲۸؛ رومیان ۶:۶). پولس این عبارت را بیست و هفت بار بکار برده است. اگر این عبارات را در اشاره به حدود اختیارات بشر فرض کنیم، پس از بین رفتنی خواهند بود. اگر اشاره به حدود اختیارات فرشتگان آسمانی داشته باشد، پس می‌توان گفت که این دوره نیز رد خواهد شد و دوره رستگاری فرا خواهد رسید. به موضوع خاص باطل و بی‌اثر (*Karargeō*) در اول قرن‌تین ۱:۲۸ مراجعه نمایید.

۷:۲ "اما" این کلمه نقیض پر محتوایی است، "الا" ("*alla*"). حکمت و نیروی پولس از خدا نشأت گرفته بود.

■ "حکمت خدا ... که در رازی نهان" این حکمت از جانب خداست (عبارت *Theos* که از یونانی گرفته شده در متن یونانی بمنظور تأکید در ابتدا آورده شده است)؛ رازی نهان است (وجه وصفی مجهول، افسسیان ۳:۹)؛ این راز اکنون به روشنی بواسطه مسیح آشکار گردیده است (رومیان ۱۶:۲۵؛ افسسیان ۳:۳-۵؛ کولسیان ۱:۲۶). این راز آشکار شده (انجیل) بر مکاشفه خدا در مقابل اکتشاف بشری تأکید می‌نماید (رومیان ۱۶:۲۵-۲۶؛ افسسیان ۱:۹-۱۰؛ ۳:۳-۵؛ کولسیان ۱:۲۶؛ ۲:۳-۴). جامعترین مفهوم این راز، اتحاد یهودیان و غیر یهودیان در قالب یک قوم جدید خداوند است (کلیسا، افسسیان ۲:۱۱-۱۳). به موضوع خاص: راز در اول قرن‌تین ۱:۲ مراجعه نمایید.

NASB	"که خدا مقرر فرمود"
NKJV	"که خدا مقرر فرمود"
NRSV	"که خدا فرمان داد"
TEV	"که خدا برگزید"
NJB	"که خدا مقرر فرمود"

حتی پیش از آفرینش، خدا برای بازسازی بشریت برنامه داشت (متی ۲۵:۳۴؛ یوحنا ۱۷:۲۴؛ افسسیان ۱:۴؛ ۱ پطرس ۱:۲۰؛ مکاشفه ۱۳:۸ و همچنین اعمال ۲:۱۳؛ ۳:۱۸؛ ۴:۲۸؛ ۱۳:۲۹). عبارتی که در اینجا "مقرر کردن" ترجمه شده، عبارتی مرکب از دو حرف اضافه "قبل" و "مرزبندی کردن" است (اعمال ۲۸:۴؛ رومیان ۸:۲۹، ۳۰؛ افسسیان ۱:۵، ۱۱).

عبارت قطعی برای تقدیر در عهد جدید، در رومیان ۸: ۲۸-۳۰؛ رومیان ۹ و افسسیان ۱: ۳-۱۴ بکار رفته است. این متون بروشنی تصریح می‌کنند که پادشاهی از آن خدا است. کنترل همه چیز، حتی تاریخ بشریت کاملاً در دستان اوست. در طول زمان، برنامه‌ای از پیش تعیین شده بمنظور احیای بشریت از سوی خداوند در جریان بوده است. با اینحال، این برنامه اختیاری یا منتخب نبوده است. این برنامه فقط مبتنی به پادشاهی خدا یا علم غیب نمی‌باشد، بلکه همچنین بر پایه شخصیت تغییر ناپذیر او مبتنی بر عشق، شفقت، و رحمت بی‌پایان است. ما باید مراقب چند قطبی شدن در تضادهای الهیاتی و تاریخی میان آگوستین در مقابل پیلاگیوس یا فلسفه کالوین در مقابل فلسفه ارمنی باشیم.

تقدیر، دکترینی نیست که بخواهیم بر مبنای آن عشق، رحمت و شفقت خداوند را محدود کرده و یا برخی از این موارد را بخاطر آن از انجیل حذف نماییم. ما بواسطه تقدیر، ایمانداران را تقویت کرده و دیدگاه آنان را نیرو می‌بخشیم. عشق خدا متعلق به همه بشریت است (۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ ۲ پطرس ۳: ۹). خداوند کنترل همه چیز را در دست دارد. هیچ چیز و هیچکس نمی‌تواند ما را از او جدا سازد (رومیان ۸: ۳۱-۳۹). تقدیر یکی از دوراه نگاه درست به زندگی را شکل می‌دهد. خدا به تمامی تاریخ گذشته همچون زمان حال می‌نگرد؛ این انسانها هستند که در قالب زمان گرفتارند. دیدگاه و قابلیت‌های روحی ما محدود هستند. هیچ مغایرتی میان پادشاهی خدا و خواست آزاد بشر وجود ندارد. این یک ساختار پیمانی است. این مثالی است از حقیقت انجیلی که در چارچوب یک جفت متناقض و دیالکتیکی مطرح شده است. این نمونه‌ها اغلب بصورت تضاد نماد پیدا می‌کنند. حقیقت ایست که میان این جفتهای بظاهر متضاد، توازنی وجود دارد. ما نباید تنش را با انتخاب یکی از این حقیقتها حذف نماییم. ما نباید هر حقیقت انجیلی را در قالب خودش محصور نماییم.

ذکر این نکته ضروری است که هدف ما برای زمان مردن، انتخاب بهشت نباشد، بلکه همچون مسیح زندگی کردن در حال حاضر اهمیت دارد (افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰)؛ ما انتخاب کرده‌ایم که "مقدس و بی‌تقصیر" باشیم. خواست خدا بوده که ما را بگونه‌ای تغییر دهد تا دیگران بتوانند این تغییر را دیده و به ایمان به مسیح پاسخ دهند. تقدیر یک افتخار فردی نیست، بلکه یک مسئولیت پیمانی است! ما نجات یافته‌ایم تا خدمت نماییم!

■ "پیش از آغاز زمان" این عبارت یک اصطلاح عهد عتیق برای اشاره به گذشته ابدیت است. این عبارت مربوط می‌شود به عبارت عبری *Olam*، که می‌تواند معنای ابدیت، گذشته یا آینده نیز بدهد. در عین حال می‌تواند از یک دوره زمانی محدود نیز سخن بگوید. این لغت باید با توجه به متن ترجمه شود. ترجمه آن ارتباط مستقیم با موضوع دارد (خدا، قولهای پیمان عهد عتیق، زندگی زمینی، گناهکار، غیره). همچنین برای عهد جدید ترجمه یونانی عبارات *aiōn*, *aiōnios*, *eis ton aiōna* نیز درست بوده، که بدنبال ترجمه *olam* در نسخه Septuagint نوشته شده است. خداوند ابدی و ماندگار، اما هر چیز فیزیکی (آسمانها و زمین) ناپایدار بوده و از بین خواهد رفت. همچون همه کلمات، اما بخصوص *olam* و *aiōn*، متن بسیار سخت و نوع ترجمه تعیین کننده است. برای مطالعه بیشتر درباره بحث جالب "ابدیت"، به کتاب *Synonyms of the Old Testament* نوشته Robert B. Girdlestone صفحات ۳۱۲ تا ۳۱۹ و کتاب *Answers to Questions* نوشته F. F. Bruce صفحات ۲۰۲-۲۰۳ مراجعه نمایید.

موضوع خاص: تا ابد (*Olam*)

Special Topic: 'Olam (Forever)

واژه عبری *Olam* (BDB 761, 798) کاملاً گنگ است (کتاب Nidotte، جلد ۳، صفحه ۳۴۵). این واژه برای نشان دادن طول زمان در حالات مختلف استفاده می‌شود (که مفهوم آن در متن مشخص می‌گردد). به مثال‌های زیر توجه نمایید.

۱. چیزهای باستانی

a. مردم، پیدایش ۴: ۶؛ ۱ ساموئیل ۸: ۲۷؛ ارمیا ۵: ۱۵؛ ۲۸: ۸

b. مکان‌ها، اشعیا ۵۸: ۱۲؛ ۴: ۶۱

c. خدا، مزمور ۲: ۹۳؛ امثال ۸: ۲۳؛ اشعیا ۱۶: ۶۳

d. اشیا، پیدایش ۲۶: ۴۹؛ ایوب ۱۵: ۲۲؛ مزمور ۷: ۲۴، ۹: ۴۶؛ اشعیا ۹: ۴۶

e. زمان، اشعیا ۹: ۵۱؛ ۹: ۶۳؛ ۱۱: ۱۱؛ تثنیه ۷: ۳۲

۲. زمان آینده

a. زندگی افراد، خروج ۶: ۲۱؛ تثنیه ۱۷: ۱۵؛ ۱ ساموئیل ۱: ۲۲؛ ۱۲: ۲۷

b. مبالغه در تکریم به پادشاه، ۱ پادشاهان ۱: ۳۱؛ مزمور ۷: ۶۱؛ ۷: ۶۱؛ نحمیا ۳: ۲

c. تداوم وجودی

(۱) زمین، مزمور ۷۸:۶۹؛ ۱۰۴:۵؛ جامعه ۱:۴

(۲) آسمان‌ها، مزمور ۱۴۸:۵

.d. وجود خدا

(۱) پیدایش ۳۳:۲۱

(۲) خروج ۱۸:۱۵

(۳) تثنیه ۴۰:۳۲

(۴) مزمور ۲:۹۳

(۵) اشعیا ۲۸:۴۰

(۶) ارمیا ۱۰:۱۰

(۷) دانیال ۷:۱۲

.e. عهد

(۱) پیدایش ۹:۱۲، ۱۶:۱۷، ۱۳:۱۹

(۲) خروج ۱۶:۳۱

(۳) لاویان ۸:۲۴

(۴) اعداد ۱۹:۱۸

(۵) ۲ساموئیل ۵:۲۳

(۶) مزمور ۱۰:۱۰۵

(۷) اشعیا ۵:۲۴؛ ۳:۵۵؛ ۸:۶۱

(۸) ارمیا ۴۰:۳۲؛ ۵۰:۵۰

.f. عهد ویژه با داوود

(۱) ۲ساموئیل ۷:۱۳، ۱۶:۲۵، ۲۹:۲۲؛ ۵۱:۲۳

(۲) ۱پادشاهان ۲:۳۳؛ ۹:۴۵

(۳) ۲تواریخ ۱۳:۵

(۴) مزمور ۱۸:۵۰؛ ۸۹:۴، ۲۸:۳۶، ۳۷

(۵) اشعیا ۷:۹؛ ۳:۵۵

.g. مسیح خداوند

(۱) مزمور ۴۵:۲؛ ۷۲:۱۷؛ ۸۹:۳۵-۳۶؛ ۱۱۰:۴

(۲) اشعیا ۹:۶

.h. شرع خداوند

(۱) خروج ۲۹:۲۸؛ ۳۰:۲۱

(۲) لاویان ۶:۱۸، ۲۲:۷؛ ۳۴:۱۰؛ ۱۵:۲۴

(۳) اعداد ۱۸:۸، ۱۱:۱۹

(۴) مزمور ۱۱۹:۸۹، ۱۶۰

.i. وعده‌های خداوند

(۱) ۲ساموئیل ۷:۱۳، ۱۶:۲۵؛ ۵۱:۲۲

(۲) ۱پادشاهان ۹:۵

(۳) مزمور ۱۸:۵۰

(۴) اشعیا ۴۰:۸

.j. نوادگان ابراهیم و سرزمین موعود

(۱) پیدایش ۱۳:۱۵؛ ۱۷:۱۹؛ ۸۴:۴

(۲) خروج ۳۲:۱۳

۳) ۱ تواریخ ۱۶:۱۷

k. جشن‌های ویژه عهد خداوند

۱) خروج ۱۲:۱۴، ۱۷، ۲۴

۲) لاویان ۲۳:۱۴، ۲۱، ۴۱

۳) اعداد ۱۰:۸

l. ابدیت، بی‌پایان

۱) ۱ پادشاهان ۸:۱۳

۲) مزمور ۶۱:۷-۸؛ ۷۷:۸؛ ۹۰:۲؛ ۱۰۳:۱۷؛ ۱۴۵:۱۳

۳) اشعیا ۲۶:۴؛ ۴۵:۱۷

۴) دانیال ۹:۲۴

m. ایمانداران به آنچه که مزامیر می‌گویند، تا ابد عمل خواهند کرد

۱) شکرگذاری مزمور ۳۰:۱۲؛ ۷۹:۱۳

۲) تحمل برای حضور وی، مزمور ۴۱:۱۲؛ ۶۱:۴، ۷

۳) اعتماد به شفقت او، مزمور ۵۲:۸

۴) شکر خداوند، مزمور ۵۲:۹

۵) سرودن پرستشها، مزمور ۶۱:۸؛ ۸۹:۱

۶) اعلام عدالت او، مزمور ۷۵:۷-۹

۷) جلال دادن نام او، مزمور ۸۶:۱۲؛ ۱۴۵:۲

۸) تقدیس نام او، مزمور ۱۴۵:۱

n. آنچه که در اشعیا بمنظور تعریف عصر جدید بکار رفته است

۱) عهد بی‌انتهای اشعیا ۲۴:۵؛ ۵۵:۳؛ ۶۱:۸

۲) یهوه، سخره‌ای تا ابد ماندگار، اشعیا ۲۶:۴

۳) نشاط تمام نشدنی، اشعیا ۳۵:۱۰؛ ۵۱:۱۱؛ ۶۱:۷

۴) خداوندگار لازل، اشعیا ۴۵:۱۷

۵) رستگاری ابدی، اشعیا ۴۵:۱۷

۶) محبت بی‌پایان (Hesed)، اشعیا ۴۵:۸

۷) نشانی بی‌پایان اشعیا ۵۵:۱۳

۸) نامی ماندگار، اشعیا ۵۶:۵؛ ۶۳:۱۲، ۱۶

۹) نوری جاودان، اشعیا ۶۰:۱۹، ۲۰

یکی از کاربردهایی که در ارتباط با تنبیه ابدی فرد گناهکار بصورت منفی در اشعیا ۳۳:۱۴ دیده می‌شود، "آتشگاه جاودان" است.

اشعیا اغلب از "آتش" برای نشان دادن خشم خدا استفاده می‌کند (اشعیا ۹:۱۸، ۱۹؛ ۱۰:۱۶؛ ۴۷:۱۴)، اما فقط در اشعیا

۳۳:۱۴ است که به آن لقب جاودان داده است.

۳. هم به سمت جلو و هم بسمت عقب در زمان ("از ابدیت تا ابدیت")

a. مزمور ۴۱:۱۳ (شکر خداوند)

b. مزمور ۹۰:۲ (خود خداوند)

c. مزمور ۱۰۳:۱۷ (محبت عیسی مسیح)

بخاطر داشته باشید که این متن است که وسعت معانی عبارات را مشخص می‌کند. عهدها و قول‌های بی‌انتهای همگی مشروط هستند (ارمیا ۷، به موضوع

خاص پیمان رجوع کنید). مراقب نقطه نظر امروزی خودتان در هنگام قرائت، و با الهیات سیستماتیک در بکار رفتن هر یک از لغات عهد عتیق، باشید.

بیاد داشته باشید که عهد جدید، وعده‌های عهد عتیق را جهانی کرده است (به موضوع خاص: نبوت‌های عهد عتیق درباره آینده در مقابل نبوت‌های

عهد جدید، رجوع نمایید).

موضوع خاص: جلال (doxa) Special Topic: Glory (doxa)

مفهوم انجیلی جلال را به سختی می‌توان توصیف کرد. LXX از doxa برای ترجمه بیش از بیست کلمه عبری استفاده کرده است. به کرار و به شیوه‌های متفاوت در عهد عتیق از این کلمه استفاده شده است. این کلمه بر خدا، عیسی، انسانها، و پادشاهی مسیحی دلالت دارد.

در عهد عتیق متداولترین کلمه برای "جلال" (kabod, BDB 458, KB 455-458) اساساً یک اصطلاح تجاری در ارتباط با مقیاس و اندازه‌گیری بود ("سنگین بودن"، KB 455). آن چیزی که سنگین بود با ارزش بود و یا ارزش چشمگیری داشت. اغلب مفهوم روشنایی به آن اضافه می‌شد تا عظمت خدا را بیان کند (رجوع شود به سفر خروج ۱۶:۱۹ الی ۱۸، ۱۷:۲۴، ۱۸:۳۳، اشعیا ۱:۶۰ و ۲). او به تنهایی با ارزش و قابل احترام است (رجوع شود به مزمور ۲۴:۷ الی ۱۰، ۲:۶۶، ۹:۷۹). او درخشانتر از آن است که انسان کم ارزش بتواند او را ببیند، بنابراین او خود را در ابر، دست و یا دود می‌پوشاند (رجوع شود به سفر خروج ۱۶:۷ و ۱۰، ۱۷:۳۳ الی ۲۳، اشعیا ۵:۶). یهوه را تنها و بطور درست می‌توان توسط مسیح شناخت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۱۸، ۱:۴۶، ۱۲:۴۵، ۸:۱۴ الی ۱۱، کولسیان ۱:۱۵، اول تیموتائوس ۱:۱۶، عبرانیان ۱:۳، اول یوحنا ۱:۲:۴).

برای یک بحث کامل در مورد kabod به موضوع خاص: جلال (عهد عتیق) مراجعه کنید. جلال ایمانداران این است که آنها انجیل و جلال خدا را درک می‌کنند، نه اینکه خودش را (رجوع شود به اول قرن‌تیا ۱:۲۹ الی ۳۱، ارمیا ۲۳:۹ و ۲۴). برای بحث دقیقتر به NIDOTTE، جلد دوم، صفحه ۵۷۷ الی ۵۷۸ مراجعه کنید.

۸:۲ "اگر" A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament* صفحه ۸۵ این جمله را شرطی نوع دوم دانسته و نام آن را "متضاد حقیقت" می‌داند. در اینجا نویسنده برای روشن کردن فرجامی کذب، اظهارات کذب بر زبان آورده است. "اگر حاکمان این عصر درک کرده بودند که (فعل کامل اخباری)، که یعنی درک نکرده بودند، پس خداوند جلال (فعل کامل اخباری آئوریستی) را مصلوب نمی‌کردند، یعنی مصلوب کردند".

□ "خداوند جلال" در اعمال ۲:۷ و افسسیان ۱:۱۷ از این عبارت برای تعریف از یهوه استفاده شده و احتمالاً کنایه‌ای به خروج ۱۶:۲۴ است. عبارت مشابهی نیز در یعقوب ۱:۲ برای عیسی بکار برده شده است. این مثال دیگری از نویسندگان عهد عتیق برای بکارگیری عناوین یهوه برای عیسی و متعاقب آن، تصریح برابری وی با یهوه می‌باشد (۲ قرن‌تیا ۴:۶).

موضوع خاص: نام‌هایی برای خدا

(Special Topic: The Names For Deity)

A. El (BDB 42, KB 48)

۱. ریشه باستانی نام برای خدا قطعی نیست، هرچند، بسیاری از اساتید معتقدند که از ریشه Akkadian به معنی "قوی بودن" یا قدرتمند بودن می‌آید (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۱۷، کتاب اعداد ۱۹:۲۳، کتاب تثنیه ۷:۲۱، مزمور ۱:۵۰).
۲. در زیارتگاه کنعانیان بالاترین خدا El (متون Ras Shamra) است، به معنی "پدر خدایان" و "ارباب بهشت".
۳. در انجیل El اغلب با سایر اصطلاحات ترکیب میشود. این ترکیب شدن‌ها تبدیل به شیوه‌ای برای مشخصه خدا شده‌اند.
 - a. *El-Elyon* (خدای والاترین، BDB 42 & 751 II)، کتاب پیدایش ۱۸:۱۴ الی ۲۲، کتاب تثنیه ۸:۳۲، اشعیا ۱۴:۱۴
 - b. *El-Roi* ("خدایی که ببیند" یا "خدایی که خود را آشکار میکند"، BDB 42 & 909)، کتاب پیدایش ۱۳:۱۶
 - c. *El-Shaddai* ("خداوند متعال"، یا "خدای تمامی شفقتها" یا "خدای کوه"، BDB 42 & 994)، کتاب پیدایش ۱:۱۷، ۱۱:۳۵، ۱۴:۴۳، ۲۵:۴۹، کتاب خروج ۳:۶
 - d. *El-Olam* ("خدای جاویدان"، BDB 42 & 761)، کتاب پیدایش ۳۳:۲۱. از منظر الهیات این اصطلاح به وعده خدا به داوود مرتبط است، دوم سموئیل ۷:۱۳ و ۱۶
 - e. *El-Berit* ("خدای پیمان"، BDB 42 & 136) داوران ۹:۴۶
۴. El برابر با
 - a. یهوه در اعداد ۸:۲۳، مزمور ۱:۱۶ الی ۲، ۸:۸۵، اشعیا ۵:۴۲

- b. الوهیم در کتاب پیدایش ۳:۴۶، یعقوب ۸:۵، "من El هستم، الوهیم پدر شما"
- c. *Shaddai* در کتاب پیدایش ۲۵:۴۹، اعداد ۴:۲۴ و ۱۶
- d. "حسادت" در کتاب خروج ۱۴:۳۴، کتاب تثنیه ۲۴:۴، ۵:۹، ۶:۱۵
- e. "رحم" در کتاب تثنیه ۳۱:۴، نحما ۳۱:۹
- f. "بزرگ و حیرت انگیز" در کتاب تثنیه ۲۱:۷، نحما ۵:۱، ۹:۳۲، دانیال ۴:۹
- g. "آگاهی" در اول سموئیل ۳:۲
- h. "پناهگاه قوی من" در دوم سموئیل ۳۳:۲۲
- i. "انتقام گیرنده من" در دوم سموئیل ۴۸:۲۲
- j. "آن مقدس" در اشعیا ۱۶:۵
- k. "قدرت" در اشعیا ۲۱:۱۰
- l. "رستگاری من" در اشعیا ۲:۱۲
- m. "قوی و قدرتمند" در ارمیا ۱۸:۳۲
- n. "مجازات" در ارمیا ۵۶:۵۱

۵. ترکیب تمامی اسامی مهم عهد عتیق برای خدا در یوشع ۲۲:۲۲ یافت میشوند (El، الوهیم، یهوه، مجموعه تکرار میشود)

B. *Elyon* (BDB 751, KB 832)

۱. معنی اصلی آن "بالا"، "عالی" یا "بالا برده شده" است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۷:۴۰، اول پادشاهان ۸:۹، دوم پادشاهان ۱۷:۱۸، نحما ۲۵:۳، ارمیا ۲:۲۰، ۱۰:۳۶، مزمور ۱۳:۱۸).
۲. از آن به عنوان مفهوم همسو برای چندین اسم دیگر خدا استفاده شده است
- a. الوهیم - مزمور ۱:۴۷ الی ۲، ۷۳:۱۱، ۱۰۷:۱۱
- b. یهوه - کتاب پیدایش ۲۲:۱۴، دوم سموئیل ۱۴:۲۲
- c. *El-Shaddai* - مزمور ۱:۹۱ و ۹
- d. *El* - اعداد ۱۶:۲۴
- e. اله - اغلب در کتاب دانیال ۲ الی ۶ و عزرا ۴ الی ۷ استفاده شده است، و مرتبط با *Ilair* (اصطلاح آرامی برای "خدای والا") در دانیال ۲۶:۳، ۲:۴، ۱۸:۵ و ۲۱ میباشد.
۳. اغلب توسط غیر اسرائیلیها از آن استفاده می شود
- a. ملکیزد، کتاب پیدایش ۱۴:۱۸ الی ۲۲
- b. بلام، کتاب اعداد ۱۵:۲۴
- c. موسی، زمانی که در کتاب تثنیه ۸:۳۲ از قوم صحبت می کند
- d. انجیل لوقا در عهد جدید، هنگامی که خطاب به کفار می نویسد، همچنین از اصطلاح معادل یونانی *Hupsistos* استفاده می کند (مراجعه شود به ۱:۳۲ و ۳۵ و ۷۶، ۶:۳۵، ۸:۲۸، اعمال رسولان ۷:۴۸، ۱۶:۱۷)
- C. الوهیم (حالت جمع) - الوها (حالت مفرد)، اساسا در اشعار استفاده می شود (BDB 43, KB 52).
۱. این اصطلاح در خارج از عهد عتیق دیده نمیشود
۲. این کلمه میتواند به معنی خدای اسرائیل یا خدای اقوام باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۳:۶، ۳:۲۰). خانواده ابراهیم چندین خدا را می پرستیدند (مراجعه شود به یوشع ۲:۲۴).
۳. می تواند اشاره به داوران اسرائیلی باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۶:۲۱، مزمور ۶:۸۲)
۴. اصطلاح الوهیم در مورد سایر موجودات روحانی (فرشتگان، شیاطین) در کتاب تثنیه ۸:۳۲ (LXX)، مزمور ۵:۸، یعقوب ۶:۱، ۷:۳۸ نیز استفاده شده است
۵. در انجیل این نخستین عنوان/نام برای خدا بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۱). تا کتاب پیدایش ۲:۴ انحصارا از این اصطلاح استفاده شده است، جایی که با یهوه ترکیب میشود. اساسا (از دیدگاه الهیات) اشاره به خدا به عنوان خالق، نگه دارنده، و ایجاد کننده زندگی در این این سیاره دارد (مراجعه شود به مزمور ۱۰۴).

- مترادف با El است (مراجعه شود به کتاب تثنيه ۱۵:۳۲ الی ۱۹). همچنين همسو با يهوه در مزمور ۱۴ است (الوهيم، ۱، ۲، ۵، يهوه ۲ و ۶، حتی آدون آيه ۴).
۶. هر چند اين کلمه جمع است و در مورد ساير خدايان استفاده ميشود، اين اصطلاح اغلب به خدای اسرائيل دلالت دارد، ولی معمولاً فعل مفرد برای آن استفاده ميشود تا دلالت بر کاربرد يکتا پرستی آن داشته باشد (به موضوع خاص: يکتا پرستی مراجعه شود).
۷. خیلی عجيب است که اصطلاح متداول برای خدای يگانه اسرائيل جمع است (همچنين به "ما" در کتاب پيدایش ۱:۲۶، ۳:۲۲، ۷:۱۱ توجه کنید). هر چند هيچ قطعیتی وجود ندارد، نظریاتی وجود دارند:
- در زبان عبری کلمات جمع زیادی وجود دارند که از آنها برای تاکيد استفاده ميشود. چیزی که به اين حالت نزديک است در زبان عبری حالت دستور زبانی است که جمع شاهانه ناميده ميشود، که حالت جمع برای بزرگ نمایی مفهوم به کار ميرود.
 - اين ميتواند اشاره به شورای فرشتگان داشته باشد که خدا در بهشت با آنان ملاقات می کند و فرامینش را به آنان می گوید (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹:۲۲ الی ۲۳، يعقوب ۱:۶، مزمور ۱:۸۲، ۵:۸۹ و ۷)
 - حتی ممکن است منعکس کننده مکاشفه خدا در عهد جديد در قالب یک خدا به شکل سه فرد باشد. در کتاب پيدایش ۱:۱ خدا خلق می کند، کتاب پيدایش ۲ روح مقدس است و در عهد جديد عیسی نماینده خدای پدر آفريننده است (مراجعه شود به انجيل يوحنا ۱:۳ و ۱۰، رومیان ۱۱:۳۶، اول قرنتيان ۸:۶، کولسیان ۱:۱۶، عبرانیان ۱:۲، ۱۰:۲)
- D. يهوه (BDB 217, KB 394)
- این اسمی است که منعکس کننده خدا به عنوان خدای خالق پيمان است، خدا به عنوان ناجی و رهایی بخش. انسانها پيمان شکنی میکنند، ولی خدا به عهد، کلام، وعده و پيمان خود پایبند است (مراجعه شود به مزمور ۱۰۳).
 - کتاب پيدایش ۲:۴ الی ۳:۲۴ با مکاشفه خاصی درباره جایگاه برتر و هدف نوع بشر، و همچنين مسئله گناه و شورشی که به واسطه جایگاه خاص او بود، آغاز ميشود.
 - در کتاب پيدایش ۴:۲۶، گفته ميشود "انسانها شروع به فراخواندن نام خدا (يهوه) کردند". با اين حال، کتاب خروج ۳:۶ دلالت بر اين دارد که نخسين انسانهای مطيع پيمان (خان سالاران و خانواده ايشان) خدا را فقط به عنوان *El Shaddai* می شناختند. نام يهوه فقط یک مرتبه در کتاب خروج ۳:۱۳ الی ۱۶ و به خصوص آيه ۱۴ ذکر شده است. با اين حال، نوشته های موسی اغلب با استفاده از شیوه های مرسوم بازی با کلمات تفسير میکنند، نه از طريق روشهای ریشه يابی لغات (مراجعه شود به کتاب پيدایش ۵:۱۷، ۳۶:۲۷، ۱۳:۲۹ الی ۳۵). نظریات متعددی در خصوص معنی اين کلمه وجود دارد (به نقل از IDB جلد دوم صفحات ۴۰۹ الی ۴۱۱).
 - از ریشه عبری "نشان دادن عشق پرشور"
 - از ریشه عبری "دمیدن" (يهوه به عنوان خدای توفان)
 - از ریشه اوگاریک (کنعانی) به معنی "سخن گفتن"
 - بر اساس یک سنگ نبشته فنیقیه ای، صفت فاعلی به معنی "کسی که حمايت میکند"، یا "آن که برپا میکند"
 - از حالت Qal عبری، "آن يگانه ای که هست..."، یا "آن يگانه ای که حاضر است" (در حالت زمان آینده "آن يگانه ای که خواهد بود")
 - از Hiphil عبری به معنی "آن که باعث وجود داشتن است"
 - از ریشه عبری "زندگی کردن" (مراجعه شود به کتاب پيدایش ۳:۲۱)، به معنی "همیشه زنده، آن يگانه ای که همیشه زنده است"
 - از متن کتاب خروج ۳:۱۳ الی ۱۶ حالت غير کامل استفاده شده در فعل زمان کامل، "بايد به آنچه که قبلاً بودم همچنان ادامه دهم" یا "من همانی خواهم بود که همیشه بوده ام" (مراجعه شود به *A Survey of Syntax in the Old Testament* اثر J. Wash Watts صفحه ۶۷). اسم کامل يهوه اغلب به صورت اختصار یا احتمالاً به صورت اوليه استفاده می شود.
 - Yah (به عنوان مثال، Hallelu – yah، BDB 219، مراجعه شود به کتاب خروج ۲:۱۵، ۱۷:۱۶، مزمور ۸:۸۹، ۳۵:۱۰۴)
 - Yahu ("iah") پسوند اسم مثلاً اشعيا (Isaiah)
 - Yo ("Jo") پيشوند اسم، مثلاً جاشوا (Joshua) یا يوئيل (Joel) - بعداً در يهود نام اين پيمان بسيار مقدس شد (تتراگرافيتون) که يهوديان از بيان آن وحشت دارند که مبادا فرمان کتاب خروج ۷:۲۰، کتاب تثنيه ۱۱:۵، ۱۳:۶ را بشکنند. بنابراین آنها اين نام را با اسامی ديگری همچون "مالک"، "ارباب"، "شوهر"، "سرور" - adon یا Adonai (به معنی سرورم) جایگزین کردند. وقتی که به نام يهوه در زمان خواندن عهد عتيق ميرسند آن را "سرور" تلفظ می کنند. به همین دليل است که در ترجمه های انگلیسی بجای يهوه "سرور" نوشته ميشود.

۴. همانند EI، اغلب یهوه با سایر اصطلاحات جهت تاکید بر مشخصه های خاص خدای پیمان اسرائیل ترکیب می شود. ترکیبات زیادی وجود دارند که در اینجا به برخی از آنها می پردازیم:
- یهوه - *Yireh* (یهوه ارائه میکند، BDB 217 و 906)، کتاب پیدایش ۱۴:۲۲
 - یهوه - *Rophekha* (یهوه شفا دهنده شما است، BDB 217 و 950، وجه وصفی *Qal*)، کتاب خروج ۱۵:۲۶
 - یهوه - *Nissi* (یهوه نشان من است، BDB 217 و 651)، کتاب خروج ۱۷:۱۵
 - یهوه - *Meqaddishkem* (یهوه تنها کسی که تو را تطهیر میکند، BDB 217 و 872، وجه وصفی *Piel*)، کتاب خروج ۳۱:۱۳
 - یهوه - *Shalom* (یهوه آرامش است، BDB 217 و 1022)، داوران ۶:۲۴
 - یهوه - *Sabaoth* (یهوه میزبان، BDB 217 و 878)، اول سموئیل ۱:۳ و ۱۱، ۴:۴، ۱۵:۲، اغلب در مورد انبیا
 - یهوه - *Ro'I* (یهوه چوپان من است، BDB 217 و 944، وجه وصفی *Qal*)، مزمور ۱:۲۳
 - یهوه - *Sidqenu* (یهوه عدالت است، BDB 217 و 841)، ارمیا ۶:۲۳
 - یهوه - *Shammah* (یهوه آنجا است، BDB 217 و 1027)، حزقیال ۳۵:۴۸

۹:۲ "چنانکه آمده است" این یک اصطلاح عبری (حال اخباری مجهول) برای معرفی نقل قول عهد عتیقی است. کلمنت روم (اولین رساله کلمنت به قرنیتیان ۳۴)، که در سال ۹۵ پس از میلاد نوشته شد حاکی از این است که این یک نقل قول از اشعیا ۴:۶۴:۴ نسخه Septuagint و یا احتمالاً تلفیق با ۱۷:۶۵ می باشد (اشعیا ۵۲:۱۵ و ارمیا ۳:۱۶). اوریگون و جروم اینگونه تصور می کردند که پولس از یک مرجع غیر دینی بنام *Apocypse of Elijah* نقل کرده که تقریباً بطور کامل مفقود شده است. حقیقت اینست که این نقل قول / کنایه با هیچ متنی از عهد عتیق منطبق نمی باشد (نظیر همین مشکل درباره متی ۲۳:۲؛ یوحنا ۷:۳۸ و یعقوب ۴:۵ صدق می کند).

خداوند همواره به شیوه هایی عمل کرده که بشریت حتی قادر به تصور آن نیز نبوده است (اشعیا ۵۵:۸-۹)، اما اکنون بوسیله کلام انجیل و روح، می توانند بواسطه ایمان این شیوه ها را درک نمایند! عجب وعده شگفت انگیزی!

▣ "قلب" به موضوع خاص در ۱ قرنیتیان ۱۴:۲۵ رجوع شود.

۱۰:۲ "زیرا خدا آن را توسط روح خود بر ما آشکار ساخته" پدر، بواسطه روح، راز پنهان عیسی مسیح را آشکار ساخته است (*apokaluptō* ضمیر اخباری کامل اَنُورِیستی). تمام حکمت در عیسی نهفته است (۱ قرنیتیان ۱:۱۸-۲۵، ۳۰).

به تثلیث خدا در ۱ قرنیتیان ۲:۸-۱۰ توجه نمایید: خداوند جلال مصلوب شده (عیسی)، خدا (پدر)، و روح.

موضوع خاص: تثلیث

(Special Topic: The Trinity)

به فعالیت هر سه نفر در یک قالب متحدالشکل توجه کنید. کلمه "تثلیث" که نخستین بار توسط ترتولین ها به کار برده شد، یک کلمه انجیلی نیست، ولی مفهوم آن فراگیر است.

A. اناجیل

۱. انجیل متی ۱۶:۳ و ۱۷، ۱۹:۲۸ (و بقیه بطور موازی)

۲. انجیل یوحنا ۲۶:۱۴

B. اعمال رسولان - اعمال رسولان ۲:۳۲ و ۳۳، ۳۸ و ۳۹

C. پولس

۱. رومیان ۴:۱ و ۵:۱ و ۵:۵ و ۸:۱ الی ۴، ۱۰:۸

۲. اول قرنیتیان ۸:۲ الی ۱۰، ۴:۱۲ الی ۶

۳. دوم قرنیتیان ۱:۲۱ و ۲۲، ۱۴:۱۳

۴. غلاطیان ۴:۴ الی ۶

۵. افسسیان ۳:۱ الی ۱۴ و ۱۷، ۱۸:۲، ۱۴:۳ الی ۱۷، ۴:۴ الی ۶

۶. اول تسالوکیان ۲:۱ الی ۵

۷. دوم تسالوکیان ۲:۱۳

۸. تیتوس ۳:۴ الی ۶

D. پیتر - اول پطرس ۱:۲

E. یهودا - ۲۰ الی ۲۱

چندگانگی خدا در عهد عتیق دیده می شود

A. کاربرد به صورت جمع برای خدا

۱. نام الوهیم (Elohim) جمع است (به موضوع خاص: اسامی الهی مراجعه کنید)، ولی وقتی در مورد خدا به کار می رود همیشه فعل به صورت مفرد است

۲. "به ما" در سفر پیدایش: ۱:۲۶ و ۲۷، ۳:۲۲، ۱۱:۱۷

B. "فرشته خدا" (به موضوع خاص: فرشته خدا مراجعه کنید) نماینده مرئی الهیات است

۱. سفر پیدایش ۱۶:۷ الی ۱۳، ۱۱:۲۲ الی ۱۵، ۳۱:۱۱ و ۱۳، ۴۸:۱۵ و ۱۶

۲. خروج ۳:۲ و ۴، ۱۳:۲۱، ۱۴:۱۹

۳. داوران ۲:۱، ۶:۲۲ و ۲۳، ۱۳:۳ الی ۲۲

C. خدا و روح القدس جدا هستند، سفر پیدایش ۱:۱ و ۲، مزامیر ۳۰:۱۰۴، اشعیا ۹:۶۳ الی ۱۱، حزقیال ۳۷:۱۳ و ۱۴

D. خدا (یهوه) و مسیح (Adon) جدا هستند، مزامیر ۶:۴۵ و ۷، ۱:۱۱۰، زکریا ۸:۲ الی ۱۱، ۹:۱۰ الی ۱۲

E. مسیح و روح القدس جدا هستند. زکریا ۱۰:۱۰

F. هر سه در اشعیا ۱۶:۴۸ و ۶۱:۱ نام برده شده اند.

الهی بودن مسیح شخصیت روح القدس باعث مشکلاتی برای یکتاپرستان سختگیر و ایمانداران اولیه شد (به موضوع خاص: یکتاپرستان مراجعه شود)

۱. ترتولین - پسر را زیر دست پدر می دانستند

۲. اورینگن - ذات الهی پسر و روح القدس را پائینتر می دانستند

۳. آریوس - الهی بودن پسر و روح القدس را انکار می کردند

۴. یکتاپرستان - از لحاظ ترتیب زمانی مطرح شدن، به یک خدا در قالب پدر، پسر و روح القدس اعتقاد داشتند.

تثلیث از لحاظ تاریخی یک فرمول بسط یافته است که توسط مطالب انجیلی مطرح شده است

۱. به طور کامل الهی بودن عیسی، برابر بودن با خدا در ۳۲۵ پس از میلاد توسط شورای نیکیا تصریح شد (رجوع شود به یوحنا ۱:۱، فیلیپیان ۲:۶، تیتوس ۲:۱۳)

۲. برابر بودن شخصیت و الهیت کامل روح القدس با پدر و پسر در سال ۳۸۱ پس از میلاد توسط شورای قسطنطنیه تصریح شد

۳. دکتین تثلیث سه گانه به طور کامل در اثر آگوستین بنام *De Trinitate* بیان شده است

این واقعا یک راز است. ولی عهد جدید یک ذات الهی را (یکتاپرستی) با سه شخصیت (پدر، پسر، روح القدس) تصریح می کند.

□ "چرا که روح همه چیز، حتی اعماق خدا را نیز می کاود" در اینجا تأکید بر روی شخصیت کامل روح است (اشعیا ۶۳:۱۰؛ افسسیان ۴:۳۰). روح برای ما تنها واسطه شناخت خدا است (رومیان ۸:۲۶-۲۷؛ ۱۱:۳۳-۳۶). این آیه ادامه تأکید بر تمام متن است که می گوید انسانها قادر به شناخت خدا یا کارهای او نیستند (برنامه هایش). "اعماق" یک استعاره است که برای نشان دادن (۱) عمق در برابر تو خالی، یا (۲) هر آنچه که پنهان بوده و در ورای قدرت انسان برای دستیابی و اکتشاف قرار دارد. کار روح برای رسیدن به رستگاری و یک زندگی همچون مسیح بسیار حیاتی است (یوحنا ۱۶:۷-۱۴).

عبارت "همه چیز" (NKJV) ممکن است یکی از آن مواردی باشد که قرنتس بر سر آن در تفرقه بود. چیزهای عمیق خدا برای هر آنکس که ایمان به مسیح را تجربه می کند، فراهم است. دیگر هیچ چیز پنهان و محرمانه ای وجود ندارد. انجیل برای هر آنکس که آن را بپذیرد، مهیا است. دیگر هیچ "چیز عمیق"، روشنفکرگرای یا انحصارگری وجود ندارد!

چنین تضمین شگفت انگیزی از پیشبینی خداوند بعدها توسط عارفانی که مدعی دانشی ماورای آگاهی بشری بودند، بکار گرفته شد (کتاب عرفانی و غیر شرعی *Ascension of Isaiah*).

(Special Topic: The Personhood Of The Spirit)

در عهد عتیق "روح خدا" (ruach) نیرویی بود که هدف یهوه را تحقق می‌بخشید، ولی اشاره کوچکی هست که فردی بود (یکتاشناسی عهد عتیق، به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه شود). با این حال، در عهد جدید شخصیت کامل و فردیت روح افشا می‌شود:

۱. می‌توان به او توهین کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۳۱، انجیل مرقس ۳:۲۹)
 ۲. آموزش می‌دهد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲:۱۲، انجیل یوحنا ۱۴:۲۶)
 ۳. شهادت می‌دهد (انجیل یوحنا ۱۵:۲۶)
 ۴. محکوم، هدایت می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶:۷ الی ۱۵)
 ۵. می‌توان وی را "او" خطاب کرد (hos، مراجعه شود به افسسیان ۱:۱۴)
 ۶. می‌تواند ترسناک باشد (مراجعه شود به افسسیان ۴:۳۰)
 ۷. می‌تواند فرو بنشیند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵:۱۹)
 ۸. می‌تواند مقاومت کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷:۵۱)
 ۹. او حامی ایمانداران است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۲۶، ۱۵:۲۶، ۱۶:۷)
 ۱۰. او پسر را جلال می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۱۶)
- متون تثلیث (در اینجا به سه مورد از بسیار موارد اشاره می‌کنیم، موضوع خاص تثلیث را بخوانید) از سه فرد صحبت می‌کنند

۱. انجیل متی ۲۸:۱۹

۲. دوم قرنتیان ۱۳:۱۴

۳. اول پطرس ۱:۲

هر چند کلمه یونانی روح (*pneuma*) خنثی است، وقتی به روح القدس اشاره می‌شود، عهد جدید عمدتاً از صفت نشان دهنده مذکر استفاده

می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸:۱۶ و ۱۳ الی ۱۴)

روح به فعالیت‌های انسان مرتبط است

۱. اعمال رسولان ۱۵:۲۸

۲. رومیان ۸:۲۶

۳. اول قرنتیان ۱۲:۱۱

۴. افسسیان ۴:۳۰

در ابتدای اعمال رسولان، بر نقش روح تاکید میشود (همانند انجیل یوحنا). پنتیکاست شروع کار روح نیست، بلکه فصل جدیدی است. عیسی

همیشه روح داشت. تممید او شروع کار روح نبود، بلکه فصل جدیدی بود. روح ابزار موثر هدف پدر برای احیای انسانها است که از تصویر او ساخته

شده‌اند (به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود)!

۱۲-۱۱:۲ این آیات نمونه‌ای از حقیقت عنوان شده در پیش از این می‌باشد. به شیوه کاربرد "روح" در بار اول و سوم در این آیه و حرف کوچک "S" برای روح در زبان انگلیسی توجه نمایید، در حالیکه دومین "روح" با حرف بزرگ نوشته شده است. در متن یونانی هیچ راهی برای تشخیص بزرگی یا کوچکی حروف وجود ندارد، لذا، بوجود آمدن این تغییرات فقط حاصل کار مترجمین است. یک حرف بزرگ "S" می‌تواند اشاره به روح القدس و حرف کوچک "s" اشاره به روح انسانی داشته باشد (اول قرنتیان ۱۸:۶؛ رومیان ۸:۱۶؛ دوم قرنتیان ۱۳:۲؛ ۱۳:۷؛ ۱۳:۱۲؛ ۱۸:۱۲؛ غلاطیان ۱۸:۶؛ فیلیپیان ۴:۲۳). این آیه می‌تواند کنایه‌ای به امثال ۲۷:۲۰ باشد.

۱۲:۲ "روح این دنیا" این عبارت دلالت دیگری بر واژه *kosmos* (دنیا، به موضوع خاص در اول قرنتیان ۳:۲۱-۲۲ مراجعه نمایید)، جامعه انسانی سازماندهی شده به دور از ارتباط با خدا (در نوشته‌های یوحنا زیاد دیده می‌شود) می‌باشد. امروزه ما آن را "بشریت آتئیست" می‌نامیم (اول قرنتیان ۶:۲). رومیان ۸:۱۵ آن را "بردگی روح" نامیده است.

□ "بلکه روحی را یافته‌ایم که از خداست تا آنچه را خدا به ما عطا کرده است. بدانیم" ایمانداران می‌توانند انجیل مسیح و برکات آن را فقط بواسطه او و روح القدس دریابند.

کاملاً حقیقت دارد که اخراج انسان از بهشت و موقعیت موقت آنان، حتی ایمانداران نمی‌تواند بطور کامل خدا را بشاسند، اما می‌توانند تا حدی او را شناخته و آنچه را که برای رستگاری و زندگی در کنار خدا بواسطه مکاشفه پدر، کار پسر و تنویر روح القدس، درک نمایند. ما بدلیل اینکه نمی‌توانیم از همه چیز آگاهی داشته باشیم، اما دلیل نمی‌شود که حقیقت روشن انجیل را در آغوش نپذیرفته و با آن زندگی ننماییم.

برای ایمانداران بسیار حیاتی است که بدانند حکمت خداوند "برایگان" در اختیار آنان قرار داده شده (رومیان ۸:۳۲). این نعمات خداوند است که او مصرانه می‌خواهد در اختیار بشری قرار دهد که از تصویر او ساخته شده است (پیدایش ۱:۲۶-۲۷)، اما اکنون بدلیل سرکشی، از او جدا شده است (پیدایش ۳). حکمت خداوند در نتیجه هوش، موقعیت اجتماعی یا نبوغ بشر بدست نیامده، بلکه مکاشفه عشق خداوند و مرحمت او بواسطه کار مسیح و روح رهنمون آن بوده است. از زمان ظهور مسیح، خواست بشر جهالت بوده است! روح القدس نور، حقیقت و رستگاری به ارمغان می‌آورد. اما روح این دنیا، تاریکی، نیرنگ و مرگ به همراه آورده است.

۱۳:۲ "از همین سخن می‌گوییم" بسیار مهم است که ایمانداران این حقایق اهدایی از سوی خدا را در اختیار دیگران نیز قرار دهند. آنان زندگی و نور دنیای در حال مرگ هستند، اگر آنان فقط حقیقتِ خدای پسر، خدای حقیقت را دریافت نمایند، دنیایی دوست داشتنی که بازسازی خواهد شد! مکاشفه در وحله اول قابل احیا بوده (۲ تیموتائوس ۲:۱۵) و سپس قابل انتقال (۲ تیموتائوس ۳:۱۶-۱۷).

NASB	"با آموزه‌های روح، تلفیق افکار روحانی با کلمات معنوی"
NKJV	"که روح القدس آموزش داده، در قیاس با چیزهای معنوی با معنویت"
NRSV	"توسط روح آموزش داده شده، ترجمه چیزهای روحانی به آنان که روحانی هستند"
TEV	"با کلماتی که روح می‌آموزد؛ و بدین‌سان حقایق روحانی را با کلمات روحانی بیان می‌کنیم"
NJB	"در رابطه با آنچه که از روح یاد گرفته‌ایم، زبان معنویت را در قالب چیزهای روحانی قرار دهیم"

این عبارت به دلایل مختلفی مبهم است. قبل از اینکه به این موضوع بپردازم، متن بزرگتری را یادآوری می‌کنم که کلیدی بوده و دارای جزئیات مبهم دستور زبان یونانی یا علم زبان‌شناسی نیست. متن بزرگتر مرتبط است با ایمانداران بالغ (اول قرن‌تین ۲:۶). این متن حکمت و دانش بشری را در تضاد با حکمت خداوند که همانا مسیح بوده، و دانش خداوند که در انجیل نهفته را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد. این امر حقیقت اصلی فصل‌های ۱ و ۲ می‌باشد.

روح القدس راه گریزناپذیر ارتباطی می‌باشد (یوحنا ۱۶:۸-۱۴). او حقایق معنوی را برای آنان که به مسیح ایمان آورده و روح او را در کالبد خود پذیرفته‌اند، عیان می‌سازد. مبحث پولس در اینجا به نوعی شبیه به حکایت بزرگ یا دانه‌ی عیسی است (متی ۱۳). پیام انجیل درک شده و بوسیله شنوندگان آن دریافت، اما بوسیله شنوندگان بی‌اعتنا، رد گردید. واژه *pneumatikois* می‌تواند خنثی (چیزهای معنوی) یا مذکر (مردمان عرفانی) باشد. گروه دیگری از شنوندگان در آیه بعد اشاره شده‌اند که *psuchikos* نام دارند (طبیعت یا انسان راه گم کرده). احتمال دارد که این واژه در اول قرن‌تین ۲:۱۳ اشاره به مردمان عرفانی/معنوی داشته باشد. از همین گروه قبلاً در اول قرن‌تین ۲:۶ (*teleiois*) ایمانداران بالغ) و همچنین اول قرن‌تین ۲:۱۵ (در جاییکه آنان را *pneumaikos* نامیده بودند) ذکر به میان آمده بود. بنظر می‌رسد که به سه گروه از مردم در این متن اشاره شده است.

۱. آنان که گمراه شده‌اند

۲. ایمانداران نجات یافته، اما نابالغ

۳. ایمانداران بالغ

بین موارد یک و دو تفاوت مشهودی وجود ندارد.

اگر چنین باشد، پس روح چگونه با حقایق معنوی ارتباط برقرار می‌کند؟ وجه وصفی حال کامل، *sunkrinontes*، در نسخه Septuagint برای تعبیر رویا بکار رفته است (پیدایش ۴۰:۸؛ ۲۲:۱۶؛ ۱۲:۴۱؛ ۱۵؛ داوران ۷:۱۵؛ دانیال ۵:۱۲؛ ۷:۱۵؛ ۱۶). با اینحال، مشابه یونانی این واژه در اینجا و در دوم قرن‌تین ۱۰:۱۲ بکار رفته که در عهد جدید با حالت طبیعی خود یعنی حس "قیاس" استفاده شده است. اینکه دقیقاً روح چگونه حقایق معنوی را به مردم روحانی وصل می‌کند، مبهم بوده و مشخص نیست. ما نباید در نحوه ترجمه و تفسیر این متن دگم یا سرسخت باشیم. حقیقت بزرگ اینست که خدای مقدس راه برقراری ارتباط با بشر رو به انحطاط را جستجو نموده و به آنان وصل می‌گردد (۱ قرن‌تین ۲:۱۲). خداوند سخن خود را با صدای رسا بیان می‌کند، اما آیا ما آن را می‌شنویم؟

مقاله جالبی درباره "مکاشفه و کلام خدا" در نشریه *Expositor's Bible Commentary* جلد ۱ صفحات ۴۶۱-۴۶۲ وجود دارد. یک پاراگراف آن چنین می‌گوید:

"برای نویسندگان عهد جدید، مکاشفه نیازمند حقیقت است. این حقیقت یکی از قابلیت‌های زبان است. به این شیوه مکاشفه و متن کلام بصورت مجزا در الهیات عهد جدید به یکدیگر وصل می‌شوند. رویدادها و ترجمه‌ها در کنار یکدیگر به جلو می‌روند. مکاشفه عهد جدید آنگونه که مد نظر عیسی بوده فقط شامل حقیقت انتزاعی و بدون زمان و یا تجربیات موضوعی حواریون نشده، بلکه شامل رویدادهایی که قطعی، جزعی و واقعی بودند نیز می‌گردد. ترجمه و تفسیر آنچه که رسولان درباره رویدادها عنوان کرده‌اند نفس موضوع می‌باشد. نویسندگان قصد داشتند تا با انتقال این موضوعات به خوانندگان، هر آنچه را که حق بیان و مطلب بوده و در آن دوران در حال رویدادن بوده را برسانند. هر چه بخواهیم بر علیه نویسندگان عهد جدید یا اعتقادات دینی آنان بگوییم، باید بپذیریم که آنان مدعی ارائه مکاشفه الهی به ما و به زبان انسانی بوده‌اند (۱ قرنیتیان ۲: ۱۳).

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۲: ۱۴-۱۶

۱۴ اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا در نظرش جهالت است، و قادر به درکشان نیست، چرا که قضاوت درست درباره آنها تنها از دیدگاهی روحانی میسر است. ۱۵ اما شخص روحانی درباره همه چیز قضاوت می‌کند، ولی هیچ‌کس را یارای قضاوت درباره او نیست. ۱۶ «زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد تا به او مشورت دهد؟» ولی ما فکر مسیح را داریم.

۱۴:۲

NASB	"انسانی معمولی"
NKJV	"انسان معمولی"
NRSV	"آنان که از معنویت بویی نبرده‌اند"
TEV	"انسانی که بی‌روح است"
NJB	"شخص معمولی"

این نقطه مقابل یک "فرد معنوی" است که اشاره به اول قرنیتیان ۲: ۶، ۱۳ و ۱: ۳ دارد. واژه *psuchikos* بارها در اشاره به زندگی بر روی زمین و زندگی در ارتباط با حواس پنجگانه تکرار شده است (زندگی، *bios* در مقابل زندگی *zoē*). عبارت *ikos* در انتهای متن یونانی بمعنی "شخصیت‌پردازی شده با" دارد (۱ قرنیتیان ۳: ۳). سپس می‌تواند معنی زمینی در برابر آسمانی یا معنوی در برابر غیر معنوی بدهد (۱ قرنیتیان ۱۵: ۴۴، ۴۶؛ یعقوب ۳: ۱۵؛ و یهودا ۱: ۱۹).

NASB	"نمی‌پذیرد"
NKJV, NRSV	"دریافت نمی‌کند"
TEV	"نمی‌تواند دریافت کند"
NJB	"جایی برای آن ندارد"

این عبارت منفی یونانی معنی "انکار می‌کند"، از پذیرش آن امتناع می‌ورزد، "درک نمی‌کند" و یا "حس نمی‌کند" را نفی نمی‌کند. این عبارت بدون حرف نفی، اغلب برای خوش‌آمدگویی میهمان بکار می‌رود. این واژه (*dechomai*)، لوقا ۸: ۱۳؛ اعمال ۸: ۱۴؛ ۱: ۱۱؛ ۱۷: ۱۱؛ ۲ قرنیتیان ۱۱: ۴؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۶؛ یعقوب ۱: ۲۱ مترادف است با *lambanō* (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۴۸: ۱۴؛ ۱۷: ۱۴). این واژه ارتباطی با جهالت انسان ندارد، بلکه به عجز او از درک حقیقت معنوی دارد!

این مسئله راز چرا و چگونگی شنیدن و پاسخ انجیل توسط برخی، و عدم پاسخ برخی دیگر می‌باشد. آیا این انکار، ارتباط با تقدیر داشته و یا خواست بشر؟ پاسخ این سوال "مثبت" است، اما چگونگی ارتباط این با یکدیگر بخش دیالکتیکی ذات مکاشفه است (فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳، به موضوع خاص ۲ قرنیتیان ۱۷: ۸-۱۶ مراجعه نمایید). من این جمله Frank Stagg را که کتاب *New Testament Theology* گفته، دوست می‌دارم، "در عهد جدید، نقطه مقابل انتخاب، عدم انتخاب نیست، بلکه انکار مکاشفه خداوند است" (صفحه ۸۷).

▣ "جهالت" به موضوع خاص در ۱ قرنیتیان ۲۵: ۱ مراجعه نمایید.

■ "قضاوت درست درباره آنها تنها از دیدگاهی روحانی میسر است" این یک واژه حقوقی است که از آزمایشات نفس گیر در برابر دادگاه (لوقا ۲۳:۱۴؛ اعمال ۱۹:۱۲؛ ۸:۲۴؛ ۲۶:۲۵؛ ۱۸:۲۸) و یا چیزی را بدقت آزمودن، سخن می گوید (Scriptures، اعمال ۱۷:۱۱؛ خوراک، ۱ قرنتیان ۱۰:۲۵، ۲۷). مشابه همین واژه دوبار دیگر در اول قرنتیان ۱۵:۲ دیده می شود.

■ ایماندارانی که روح به آنان عطا شده قادر به داوری مناسب مفاهیم دنیای فیزیکی و روحانی هستند (۱ قرنتیان ۱:۲۲-۲۵ و ۲:۲، همچنین ۲۹:۱۴ و ۱ تسالونیکیان ۵:۲۰-۲۱). با اینحال، بخش غیر روحانی اول قرنتیان ۱۴:۲ نمی تواند چیزهای روحانی، حقایق روحانی و یا مردم روحانی را از یکدیگر تمیز دهند.

۱۵:۲ "ولی هیچ کس را برای قضاوت درباره او نیست" این البته یک قالب عمومی مذكر است. ایمانداران نمی توانند توسط بی ایمانان مورد داوری قرار گرفته، حتی بدرستی درک شوند (۱ قرنتیان ۴:۳-۴). این می تواند مرجعی برای برخی دشمنان پولس در قرنتس تلقی گردد (۱ قرنتیان ۹:۳). این قرار گرفتن روح است که نور را از طریق انجیل به واقعیت می آورد، نه واقعیت این عصر یا واقعیت فیزیکی، بلکه واقعیت خدا!

۱۶:۲ این آیه کنایه ای است به اشعیا ۴۰:۱۳ در نسخه Septuagint. در اشعیا ۴۰:۳ واژه "ارباب" (Lord) در ارتباط با نام آسمان یهوه بکار برده شده، اما در اینجا پولس از این نقل قول برای اشاره به عیسی استفاده می کند (همچنین به یادداشت رومیان ۱۰:۱۳ و فیلیپیان ۲:۱۰-۱۱ مراجعه نمایید). این نکته، تأکید متن را بر نیاز روح برای انسانها بمنظور "شنیدن" کلام انجیل و درک حقیقت معنوی ادامه می دهد. این متن و یوحنا ۱۴-۱۶ در درک کار روح خدا بسیار حیاتی می باشد.

بدون روح، بشریت سقوط کرده درگیر گمانه زنیها و اسطوره سازیها و حتی ساختن واقعتهای دروغین نشأت گرفته از شیاطین و اشرار می گردد. این مسئله برای مذاهب دنیوی و فلسفه انسانی یک تراژدی محسوب می گردد.

■ "ولی ما فکر مسیح را داریم" ضمیر "ما" جنبه تأکیدی دارد! می تواند اشاره به (۱ پولس و یارانش، ۲) واعظین مسیحی، و یا (۳) مسیحیان بالغ داشته باشد. این عبارات به این معنا نیست که ایمانداران هر آنچه را که مسیح می دانست، می دانند، بلکه به این معنی است که روح ذهن ما را به چشم انداز او، ارجحیتهای او و قلب او باز نموده است (رومیان ۱۲:۲؛ فیلیپیان ۲:۵).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. واژه "راز" را که پولس در این متن بکار برده، تعریف نمایید.
۲. منظور پولس از اینکه او با ترس و لرز بسیار به قرنتس آمده بود، چیست؟
۳. پولس بر پایه چه مدرکی معتقد بود که موعظه او از خدا نشأت گرفته است؟
۴. چرا نویسندگان عهد جدید برای تعریف جزئیات بهشت یا جهنم تمایلی نشان نمی دادند؟
۵. تفاوت میان "مکاشفه"، "وحی" و "تنویر" را توضیح دهید.
۶. سه راه مجزایی را که پولس برای بکار بردن واژه "روح" در این فصل استفاده کرده را فهرست وار بیان کنید.
۷. چهار راهی را که پولس برای بکار بردن واژه "حکمت" در این فصل استفاده کرده را فهرست وار بیان کنید.
۸. در اول قرنتیان ۱۳:۲ بدنبال ترجمه های مختلف بگردید. هر یک از این آیات چه به ما می آموزند؟

اول قرن‌تیاں ۳

بخش‌های پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
کارگرانی برای خدا	فرقه‌گرایی جسمانی است	انشقاق میان رهبران	خادمین خدا	حکمت راستین و دروغین (۴:۳ - ۱۷:۱)
۹ - ۱:۳	۴ - ۱:۳ آبیاری، کار، و هشدار	۴ - ۱:۳	۴ - ۱:۳	۴ - ۱:۳ مکانی برای واعظین مسیحی
	۱۷ - ۵:۳	۹ - ۵:۳	۹ - ۵:۳ ۱۵ - ۵:۳	۹ - ۵:۳
		معلمان و کلیسا تحت نظر خداوند		
۱۷ - ۱۰:۳		۱۵ - ۱۰:۳ ۱۷ - ۱۶:۳	۱۷ - ۱۶:۳	۱۵ - ۱۰:۳ ۱۷ - ۱۶:۳
	پرهیز از حکمت دنیوی			نتیجه‌گیری (۱۳:۴ - ۱۸:۳)
۲۳ - ۱۸:۳	۲۳ - ۱۸:۳	۲۳ - ۱۸:۳	۲۳ - ۱۸:۳	۲۳ - ۱۸:۳

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی درباره اول قرن‌تیاں ۳-۱:۳

- A. در این فصل، پولس به ادامه شخصیت‌پردازی مسیحیان قرن‌تس، به همان میزان نابالغان در فصل ۲ ادامه می‌دهد.
- B. فرقه‌هایی که در فصل ۱ ذکر شده و بر روی شخصیت تمرکز کرده بودند، دوباره در بطور مشخص در فصل ۳ از آنان سخن بمیان می‌آید. این امر نشان می‌دهد که فصل‌های ۱ تا ۳ بحث‌های تقویت شده درباره حکمت انسانی و رهبری مسیحی هستند.
- C. به سه گروه توجه نمایید.
 ۱. انسان طبیعی، ۱ قرن‌تیاں ۱:۲
 ۲. انسان معنوی، ۱ قرن‌تیاں ۱:۳
 ۳. کودکان نوزاد در راه مسیح، ۱ قرن‌تیاں ۱:۳
- D. آیات ۱۰ تا ۱۷ همواره بتعریف وضعیت هر نفسانی هر فرد مسیحی پرداخته است. این امر بوسیله مقایسه متن بزرگتر در اول قرن‌تیاں ۱:۱ تا ۴:۳ میسر بوده است. مدرک دیگری که برای این نقطه نظر می‌توان به آن اشاره کرد، مورد خطاب قرار دادن کلیسا (بصورت جمع) توسط پولس در اول قرن‌تیاں ۱:۳ و ۱۶ است. تکرار کاربرد عبارت "هر فرد"، "هیچکس"، "هر کسی که" در اول قرن‌تیاں ۱:۳، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸ نیز به این ترجمه اعتبار می‌بخشد.

با این وجود، می توان این متن را به رهبران کلیسا نیز مرتبط دانست (اول قرنیتیان ۳: ۱۰). گروه های تفرقه انگیز با نمی توان به تمام مسیحیان قرنیتسی (بلوغ اول قرنیتیان ۲: ۶)، بلکه برخی از آنان ("کودک نوزاد در مسیح" یا "مردان نفسانی" در ۳: ۱ تعمیم داد. این رهبران این گروه های تفرقه انگیز بودند که پولس خود را با آنان و آپولس در اول قرنیتیان ۳: ۶-۹ مقایسه می کند. متنی که بلافاصله در بعد می آید، اول قرنیتیان ۳: ۱۰-۱۵ است که آن را به رهبران ربط می دهد، تا چگونگی بکار بردن نعمات معنوی آنان را در خدمت به کلیسا تشریح کند. این آیه در جهت هشدار اول قرنیتیان ۳: ۱۷ می باشد.

تصمیم گیری میان این دو دیدگاه دشوار است: (۱) عهد جدید موقعیت عرفانی و پی آمدهای نفسانی مسیحیان را مورد بحث قرار نمی دهد و (۲) "تباهی" اول قرنیتیان ۳: ۱۷ مورد تأیید قرار نگرفته است. آیات ۱۵ و ۱۷ باید در همین امتداد قرار گیرند. همه آن "اگر"ها در این متن جملات شرطی هستند که با توجه به مقاصد نویسنده، درست بنظر می رسند. از آیه ۱۴ اینگونه بنظر می رسد که آنان ایمانداران راستین بوده باشند، درحالیکه در آیه اول قرنیتیان ۳: ۱۵ برخی دچار عذاب شده و تمام پادشاهی خود را از دست می دهند. فعل بکار برده شده برای "آزمودن" در اول قرنیتیان ۳: ۱۳ از یک آزمایشی سخن می گوید که حاصل آن قبولی می باشد. با اینحال، از متن اینگونه برداشت می شود که پولس آنان را متهم به درک نکردن انجیل، عدم پایبندی به معنویات، حسود و تفرقه افکن می کند.

بنظر من بهتر است که این متن را به همه مسیحیان تعمیم نداده، اما در عین حال، آن را فقط به رهبران نیز محدود ننماییم. این مان بخصوص به آن گروه از مردمانی ارتباط پیدا می کند که در کلیسا به تفرقه افکنی و جداسازی دامن می زنند. همه ایمانداران روی بابت خدمات یا صدماتی که به بدن عیسی مسیح، یعنی کلیسا وارد آورده اند، پاسخگو خواهند بود (۲ قرنیتیان ۵: ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱۰).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۳: ۱-۴

اما من، ای برادران، نتوانستم با شما همچون اشخاص روحانی سخن بگویم بلکه همچون اشخاص نفسانی، یعنی مانند کسانی که در مسیح، کودک نوزادند. ^۲من به شما شیر دادم نه گوشت، زیرا آمادگی آن را نداشتید و هنوز هم ندارید، ^۳چرا که هنوز نفسانی هستید. وقتی در میان شما حسد و جدال هست، آیا نشان آن نیست که نفسانی هستید و مانند انسانهای معمولی رفتار می کنید؟ ^۴زیرا وقتی یکی می گوید: «من به پولس تعلق دارم»، و دیگری می گوید: «من متعلق به آپولس هستم»، آیا انسانهای معمولی نیستید؟

۱: ۳ "ای برادران" به یادداشت کاملتر در اول قرنیتیان ۲: ۶ مراجعه نمایید.

□ "نتوانستم با شما سخن بگویم" این عبارت یک مصدر آنوریستی و اخباری بوده که اشاره به شروع موعظه پولس در کلیسای قرنیتسی می کند (اعمال رسولان ۱۸: ۱-۱۸).

NASB	"اشخاص روحانی"
NKJV, NRSV	"آنچنان با اشخاص روحانی"
TEV	"با مردمی که دارای روح هستند"
NJB	"بعنوان مردمی روحانی"

پولس این عبارات را خطاب به چه کسانی بیان می دارد؟ (۱: ۴) همه ایمانداران و یا (۲) آنان که بلحاظ روحانیت به بلوغ نرسیده اند (تفرقه افکنان در اول قرنیتیان ۳: ۴)؟ پاسخ به این سوال در گروه چگونگی تفسیر آیه ۲: ۶ است. آیا در کلیسای قرنیتیان ایمانداران بالغی بودند که بوسیله روح القدس هدایت می شدند یا اینکه هیچیک از آنان به بلوغ نرسیده بودند؟

□ "بلکه" یا "alla" یک حرف نقض توانمندی می باشد. میان "بالغ" در اول قرنیتیان ۲: ۶ (اشخاص روحانی) و "اشخاص نفسانی" در اول قرنیتیان ۳: ۱-۴ تضاد وجود دارد. هر دوی این گروه ها دارای روح هستند (مسیحی هستند)، اما شخصیت گروه اول توسط روح القدس شکل گرفته، درحالیکه شخصیت گروه دوم را این جهان شکل داده است.

NASB	"اشخاص نفسانی"
NKJV	"همچون نفس و شهوت"
NRSV	"همچون مردمان نفسانی"
TEV	"گویی که شما به این دنیا تعلق دارید"

در زبان یونانی این عبارت "sarkinos" است. *inos* در انتهای کلمه بمعنی "ساخته شده از" یا "گرفته شده از" می‌باشد ("دل‌هایی از گوشتین" در دوم قرنتیان ۳:۳). بنظر می‌رسد که این متن ("همچون نوزادانی در مسیح") درباره همه ایماندارانی که دارای روح هستند، اما در عین حال در راه‌های دنیوی قدم بر می‌دارند، بکار گرفته شده باشد. در اینجا منظور نفس پولس در برابر روح نیست (رومیان ۸: ۱-۱۱)، بلکه یک دسته‌بندی از ایمانداران است. اگر چنین چیزی درست باشد، پس می‌توان گفت که یکی از محدود جاهایی در عهد جدید است که این فرق در آن قائل گردیده شده است. این تراژدی رستگاری بدون تقدیس است. در حالی مسیح را بعنوان منجی بدانیم که او را ارباب و سرور خود قلمداد نماییم. اگر چنین موقعیت ترسناکی از روح، توسط حسادت، جدال، و روح تفرقه بوجود آمده باشد، پس کلیسای مدرن امروزی چه می‌شود؟ تراژدی "مسیحیان نوزاد" برای پادشاهی خدا و قلب پادشاهمان!

■ "کسانی که در مسیح، کودک نوزادند" هر ایماندار راه خود را بعنوان یک کودک مسیحی آغاز می‌نماید. هیچ خجالت و شرمندگی هم در این وجود ندارد. این صل همان استعاره‌ای است که از مفهوم "تولد دوباره" گرفته شده (یوحنا ۳: ۳؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۷؛ ۱ پطرس ۱: ۳، ۲۳)، اما مهم اینست که ما نوزاد باقی نماییم!

۲:۳ "من به شما شیر دادم" این بخش ادامه استعاره نو مسیحیان بعنوان مخلوقات کاملاً تازه زاده شده می‌باشد (عبرانیان ۵: ۱۲-۱۴؛ ۱ پطرس ۲: ۲). Hippolytus و Tertullian اینگونه به ما می‌گویند که کلیسای اولیه بعنوان اولین عشاء ربانی و نماد این حقیقت، یک لیوان شیر به کسانی که تازه به مسیح ایمان آورده بودند می‌داد.

■ "زیرا آمادگی آن را نداشتید" زمانیکه پولس این نامه را می‌نوشت، ماه‌ها سپری شده بود. با وجودیکه یک نوزاد مسیحی بودن در شروع زندگی مسیحیت هیچ اشکالی ندارد، اما همچنان یک کودک مسیحی بودن پس گذشت سالها همچنان یک تراژدی محسوب می‌گردد. شروع آیات فصل ۳ باید غرور رهبران روشنفکر تفرقه‌افکن را جریحه‌دار کرده باشد. این بازی تکان‌دهنده با جمله زمان ناقص ("زیرا شما آمادگی نداشتید") و زمان حال ("هنوز هم ندارید") می‌باشد. لغت "قادر" در زبان یونانی واژه *dunamai* بوده که بمعنی قدرت عمل، به مرحله انجام رساندن، و چیزی را به نتیجه مورد نظر رساندن می‌باشد. ایمانداران نجات یافته‌اند تا خدمت نمایند؛ آنان اکنون فراخوانده شده‌اند تا همچون مسیح باشند، نه اینکه بعداً به بهشت بروند. این "ایمانداران" در پادشاهی خدا دارای هیچ توانی نیستند، آنان فقط نیروی نفسانی داشته که در واقع ضعف است!

۳:۳

NASB "هنوز نفسانی هستیید"

NKJV "هنوز شهوانی هستیید"

NRSV "هنوز درگیر نفس هستیید"

TEV "شما هنوز همچون مردمانی هستیید که در این دنیا زندگی می‌کنید"

NJB "شما هنوز بوسیله گرایش‌های طبیعی خود زندگی می‌کنید"

در زبان یونانی این *sarkikos* است. *ikos* در انتهای لغت بمعنی "شخصیت‌پردازی شده توسط" می‌دهد (اول قرنتیان ۲: ۱۴-۱۵). پولس در اینجا با کلمه *sarks* (نفس) در اول قرنتیان ۳: ۱ و ۳ بازی کرده تا بسیاری از مسیحیان قرن‌س را بعنوان نجات یافته، اما در عین حال نابالغ تعریف نماید. آنان خودخواه بودند، ولی عاری از نفس‌پرستی نبودند! برای "نفس" به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱: ۲۶ مراجعه نمایید.

■ "حسد و جدال" اینها دو مورد از کارهای نفسانی هستند که در غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱ آورده شده‌اند. این کارها شواهدی هستند که نشان می‌دهند برخی مسیحیان قرنتی هنوز درگیر کارهای نفسانی و شهوانی هستند.

در برخی متون خطی یونانی (D, P⁴⁶ و ترجمه‌های سوریه‌ای) واژه مضاعفی هست بنام "بخشها"، که همچنین در غلاطیان ۵: ۲۰ نیز دیده می‌شود. این واژه مشکل قرن‌س را بیان می‌کند. با اینحال این واژه در ترجمه‌های MSS P11, 8, A, B, C و ترجمه‌های Vulgate, Coptic, و ترجمه ارمنی حذف گردیده است. بنظر می‌رسد که کاتبین این واژه را اضافه کرده باشند (UBS4) به حذف این واژه رتبه B داده که بمعنی تقریباً مطمئن می‌باشد.

■ "آیا انسانهای معمولی نیستید" قالب بکار برده شده به لحاظ دستور زبان، انتظار پاسخ "مثبت" را از این سوال دارد. این جوهره نفوس انسانی است. بلوغ در ثمره آن دیده می‌شود، هم در گفتار و هم در کردار (رومیان ۸: ۱-۱۰؛ متی ۷: ۱).

۴:۳ این آیه تقسیم‌بندی‌های بوجود آمده در کلیسا را در اول قرنتیان ۱: ۱۰-۱۷ بازتاب می‌دهد.

۵ مگر آپولس کیست؟ پولس کیست؟ آنان فقط خادمانی هستند که خدا به هر کدام وظیفه‌ای سپرده تا شما به واسطه ایشان ایمان آورید.
 ۶ من بذر را کاشتم و آپولس آن را آبیاری کرد، اما خدا بود که موجب رویش آن شد. ۷ پس نه کارنده چیزی است و نه آبیاری کننده، بلکه فقط خدا که رویاننده است. ۸ آن که می‌کارد و آن که آبیاری می‌کند، هر دو یکی هستند و هر یک به فراخور محنتی که می‌کشند، پاداش خواهند یافت.
 ۹ ما فقط همکارانی هستیم متعلق به خدا، و شما مزرعه و ساختمانی متعلق به خدایید.

۵:۳

NASB, NRSV,

NJB "چیست"

NKJV, TEV "کیست"

نسخه King James در پیروی از نسخه‌های خطی یونانی P⁴⁶, C, D, G از عبارت "کیست" استفاده کرده است. بیشتر ترجمه‌های پیشرفته انگلیسی عبارت "چیست" را بکار برده‌اند (ti) که ظاهراً بمنظور پرهیز از تمرکز بر روی شخصیتها این کار صورت گرفته است (آپولس، پولس، پطرس). وجود عبارت ti در آیه ۷ بر این مسئله صحنه می‌گذارد. به کتاب *A Textual Commentary on the Greek NT* نوشته Bruce Metzger صفحه ۵۴۸ رجوع نمایید.

□ "خادمان" این عبارت (diakonos) است که ما لغت انگلیسی "deacon" بمعنی "شماس" را از آن گرفته‌ایم (فیلیپیان ۱:۱؛ ۱ تیموتائوس ۳:۸، ۱۲). اینگونه بنظر می‌رسد که یکی از سه واژه یونانی (diakoneō and therapeuō, hupēreteō) برای تفکیک خدمت، کمک، یا بشارت بکار رفته است (واژه رایج دیگر در این رابطه latreuō است که خدمات کاهنان را مشخص می‌نماید. به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرن‌تین ۴:۱ مراجعه نمایید.

□ "تا شما به واسطه ایشان ایمان آورید" مسیحیت با یک تصمیم ارادی برای اجابت انجیل خدا (جمله اخباری حال آنوریستی) که همانا عیسی مسیح، آموزه‌های او، کارهای او برای احیای بشریت، قیام او و ظهور دوباره او است، آغاز می‌گردد. هیچکس نمی‌تواند در رستگاری نفوذ کند. این کاری نیست که از عهده والدین، ملتها و حتی هوشمندی و روشنفکری انسان بر آید. این چیز است که بر روی دوش نعمت عهد خدا و پاسخ مناسب ما به این عهد می‌باشد (توبه، ایمان، اطاعت، خدمت و استقامت). مردم بوسیله اجابت دعوت مسیح، باور نمودن کلام انجیل و قدم در راه او مسیحی می‌گردند. مسیحی شدن با دو مورد اول نیز قابل اجراست. خبر خوش، یک فرد، یک حقیقت و یک مدل زندگی است. هر سه این موارد برای بالغ شدن ضروری می‌باشند.

واژه یونانی "باور" (pisteuō) در زبان انگلیسی بصورت باور، اعتقاد و ایمان ترجمه شده است. مشابه عهد عتیق آن بمعنی "استوار بودن" و متعاقب آن، برای استفاده بشکل استعاره در رابطه با شخصی که قابل اعتماد، صادق، قابل تکیه و یا با وفا می‌باشد (به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۹:۱ مراجعه شود). در حالیکه معانی این متن روشن می‌گردند، انسانها فقط می‌توانند به اعتماد، وفاداری و صداقت خداوند در عهد که با بشر بسته پاسخ مناسب دهند! موضوع ایمان، وعده ایمان، همانا خداوند است! رحمت او، بخشندگی او، ندای او، پسر او، روح او، همه اینها تنها امید بشر سرکش می‌باشد.

□ "که خدا به هر کدام وظیفه‌ای سپرده" در اینجا تأکید بر روی عنصر آسمانی است، نه اجابت و کارایی بشری. اما هدف از تقدیر، تقدس است (افسیان ۱:۴؛ ۲:۱۰)، نه یک موقعیت غرور آفرین، نه تمرین برای افتخارات شخصی یا کارایی‌های فردی. هر ایمانداری توسط خداوند برای خدمت در کلیسا و برای کلیسا تجهیز شده است (اول قرن‌تین ۷:۱۲، ۱۱؛ افسسیان ۴:۱۱-۱۳).

تمیز دادن عبارت "خدا" (در نسخه انگلیسی "the Lord") و مورد اشاره آن دشوار است. معمولاً این خدای پدر است که انسان را بسوی رستگاری فرا می‌خواند. اما پولس بارها در اول قرن‌تین عیسی را Lord خطاب کرده است (اول قرن‌تین ۱:۲، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۰؛ ۲:۸). با اینحال، پولس بارها واژه Lord را در نقل قولهایش از عهد عتیق به یهوه نسبت داده بود (اول قرن‌تین ۱:۳۱؛ ۲:۱۶؛ ۳:۲۰). این ابهام به وضوح در اول قرن‌تین ۲:۱۶ دیده می‌شود. در این آیه Lord نقل قولی است از عهد عتیق که به موازات "فکر مسیح" استفاده شده بود.

عبارت "به هر کدام" نیز بروشنی نشان دهنده دشواری در فرد یا گروهی است که پولس آنان را مورد خطاب قرار داده است. آیا آنان رهبرانی همچون پولس و آپولس بودند، یا ایمانداران قرن‌تسی، یا همه ایمانداران؟

۱. همه ایمانداران فراخوانده شده و دارای نعمات الهی هستند، اما برخی از نعمت رهبری نیز برخوردارند (اعداد ۳:۱۶).

۲. آیا متن بطور مشخص جمع را مورد خطاب قرار داده و یا تأکید آن بر روی افراد است؟ (رهبران خاص)

۶:۳ "کاشتم...آبیاری کرد" پولس در اینجا از استعاره‌های ویژه کشاورزان بهره برده است. انجیل کاشته شده (متی ۱۳)، اما انسانها آن را برداشت و از ذات آن بهره می‌برند.

مأموریت بزرگ (متی ۲۸:۱۹-۲۰) دو برنامه کاری به موازات هم دارد.

۱. تبلیغ مسیح

۲. شاگردی مسیح

پولس کلیسا را با موعظه انجیل آغاز کرد و آپولس در کلیسا درس داد. هر دو لازم و تفکیک نشدنی هستند.

□ "خدا بود که موجب رویش آن شد" این جمله ناقص است که معنی ادامه عملی از زمان گذشته است. کارهای آپولس و پولس، یک بار صورت پذیرفتند، اما کارهای خداوند کماکان ادامه دارند (اول قرن‌تین ۷:۳).

۸:۳

NASB, NKJV "یکی هستند"

NRSV "دارای اهداف یکسان هستند"

TEV "هیچ تفاوتی میانشان نیست"

NJB "همه یکی می‌باشند"

سوالی که درباره این عبارت یونانی مبهم مطرح می‌شود (NASB, NKJV) اینست که (۱) آیا همه رهبران برابر هستند؟ (۲) آیا همه رهبران در مأموریت خود برای بزرگ شدن کلیسا سهیم هستند؟ تضاد واقعی میان نعمات روحانی و معنوی نیست (آغاز بشارت یا شاگردی، واعظ/معلم، غیره، افسسیان ۴:۱۱)، بلکه میان کار خدا و ابزار بشری است. کلید کار، خداوند است!

□ "هر یک به فراخور محنتی که می‌کشند، پاداش خواهند یافت" مفهوم پاداش در اول قرن‌تین ۳:۱۰-۱۵ شکل گرفت. درباره بحث پاداشها، به یادداشت کاملتر در اول قرن‌تین ۳:۱۴ مراجعه نمایید.

ایده پاداش برای خدمت به اصول روحانی و معنوی مربوط می‌شود که در اول قرن‌تین ۳:۱۳ و غلاطیان ۶:۷ به آن پرداخته شد. ما هر آنچه را که بکاریم، درو خواهیم کرد (دوم قرن‌تین ۹:۶).

بحث الهیاتی مرتبط با این مسئله، درجات پاداش است. دانش انجیل توسط روح انرژی می‌گیرد. فراخوان به رهبری در میان کلیسای خدا منجر به مسئولیت بزرگتری می‌گردد (لوقا ۱۲:۴۸). بنظر می‌رسد که عهد جدید درجات پاداش و جزا را آموزش می‌دهد (متی ۱۰:۱۵؛ ۱۱:۲۲، ۲۴؛ ۱۶:۶؛ ۲۳:۲۱، ۲۳؛ مرقس ۱۲:۴۰؛ لوقا ۱۲:۴۷-۴۸؛ ۲۰:۴۷؛ یعقوب ۳:۱). به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۹:۲۴ مراجعه شود.

۹:۳

NASB, NKJV "ما همکاران خدا هستیم"

NRSV "ما خادمین خدا هستیم که با هم کار می‌کنیم"

TEV "ما شریکانی هستیم که با هم برای خدا کار می‌کنیم"

NJB "ما در کار برای خدا سهیم هستیم"

REB "ما همکارانی هستیم در خدمت به خدا"

ترجمه‌های متفاوت سعی در نشان دادن کار کردن آپولس و پولس "برای" خدا هستند، نه اینکه آنها با هم همکار هستند. برتری این کار برای خداوند است نه رهبران موقت انسانی!

اشاره به پولس و آپولس است. این یک استعاره از مشرق زمین در رابطه با خانواده‌ای که با هم در مزرعه کار می‌کنند، می‌باشد (دوم قرن‌تین ۶:۱). این آیه سه حالت مضاف الیه دارد: همچون کلیسای قرنتس، پولس و آپولس که متعلق به خدای پدر هستند.

□ "شما مزرعه و ساختمانی متعلق به خدایید" این آیه اشاره به کلیسای قرنتس دارد. پولس با این استعاره از رشد و نمو محصولات کشاورزی (اشعیا ۶۱:۱۳؛ متی ۱۳:۱۵) و چارچوب ساختمانی (افسیان ۲:۲۰-۲۲؛ کولسیان ۲:۷؛ اول پطرس ۲:۵) سعی در تعریف کلیسا دارد. بلحاظ الهیاتی باید بخاطر داشت که منظور از کلیسا، مردم است و نه ساختمان.

۱۰ با فیضی که خدا به من بخشیده است، همچون معماری ماهر پی افکندم و دیگری بر آن پی، ساختمان می‌سازد. اما هر کس باید آگاه باشد که چگونه می‌سازد. ۱۱ زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند جز آن پی که نهاده شده است، پی دیگری بگذارد، و آن پی همانا خود عیسی مسیح است. ۱۲ اگر کسی بر این پی ساختمانی از طلا یا نقره یا سنگهای گرانبها یا چوب یا علف یا کاه بسازد، ۱۳ کار هر کس آشکار خواهد شد، چرا که آن 'روز' همه چیز را ظاهر خواهد ساخت. زیرا آتش نتیجه کار را آشکار کرده، کیفیت کار هر کس را خواهد آزمود. ۱۴ اگر کاری که کسی بر آن پی بنا کرده است باقی بماند، پاداش خواهد یافت. ۱۵ اما اگر کار کسی بسوزد، زیان خواهد دید؛ و هر چند خود نجات خواهد یافت، اما همچون کسی خواهد بود که از میان شعله‌های آتش جان به در برده باشد.

۳: ۱۰ "با فیضی که خدا به من بخشیده است" پولس در این آیه به رستگاری خود، فراخوانده شدن از سوی خداوند و بر خورداری نعمت از سوی او بعنوان رسول و یک غیریهودی اشاره می‌کند (اول قرن‌تبیان ۱۵: ۱۰).

■ "معماری ماهر" این عبارت همچنین بمعنی "ناظر ساختمان" نیز می‌تواند باشد. مادر زبان انگلیسی واژه "آرشیتمکت" را از همین واژه یونانی گرفته‌ایم. عبارتی پولس بر حدود اختیاراتی خود بعنوان رسولی که برای غیر یهودیان از سوی عیسی مسیح فرا خوانده شده، و اولین کسی که انجیل را برای این قرن‌تبیان وعظ می‌کند، صحنه می‌گذارد.

■ "پی افکندم" این اشاره به شروع موعظه انجیل در قرن‌تس دارد. این عبارت می‌تواند کنایه‌ای به اشعیا ۲۸: ۱۶ باشد. عیسی زیربنا است!

■ "و دیگری بر آن پی، ساختمان می‌سازد" پولس کلیسا را شروع کرد، اما دیگران برای رشد آن تشریک مساعی می‌کنند. آپولس تنها یک نمونه است (اول قرن‌تبیان ۳: ۵-۹). با اینحال، در متن این عبارت باید در ارتباط با آن رهبرانی در کلیسا باشد که روح تفرقه را گسترش می‌دادند. آنان باید رهبرانی از کلیساهای دیگر باشند.

■ "هر کس باید آگاه باشد" این جمله دستوری زمان حال از لغت *blepō* است بمعنی "می‌بینم". این یک هشدار بوده تا رهبران کلیسا بدانند روزی فرا خواهد رسید تا بابت کارهایی که در کلیسا انجام دادند، جواب پس خواهند داد. ما نیز همینطور (دوم قرن‌تبیان ۵: ۱۰).

۳: ۱۱ دو معیار در این عبارت برای کلیسا دیده می‌شود

۱. پیام رهبران/ایمانداران باید حول محور مسیح باشد (اول قرن‌تبیان ۳: ۱۱-۱۲ و افسسیان ۲: ۲۰-۲۱)

۲. زندگی رهبران/ایمانداران باید همچون مسیح باشد (اول قرن‌تبیان ۳: ۱۲-۱۵).

۳: ۱۲ "اگر" این اولین بخش از مجموعه جملات شرطی بوده که تصور می‌شود بخاطر دیدگاه نویسنده یا برای مقاصد ادبی بکار رفته، درست باشند (اول قرن‌تبیان ۳: ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸). همیشه رهبران پر ثمر و با ارزش، و مهلک و مخرب بوده و هستند!

■ "کسی بر این پی ساختمانی... بسازد" سوال تفسیری اصلی در اینجا اینست که پولس از پی چه ساختمانی صحبت می‌کند: (۱) انجیل، اول قرن‌تبیان ۳: ۱۱ یا (۲) کلیسای قرن‌تس، اول قرن‌تبیان ۳: ۱۰؟ آیا او رهبران را مورد خطاب قرار داده یا بطور کلی ایمانداران را؟ کسی که اول قرن‌تبیان ۳: ۱۰-۱۵ را ترجمه می‌کند باید آن را به اول قرن‌تبیان ۳: ۱۶-۱۷ ربط دهد، که تعریف کلیسا بعنوان معبد خدا بطور کلی می‌باشد.

■ "طلا یا نقره یا سنگهای گرانبها" تأکید در اینجا بر روی چیزهای دوام، زیبا و با ارزشی هستند که با آتش از بین نمی‌روند. سنگهای گرانبها می‌توانند جواهرات، سنگهای کم‌بها یا مرمهرای جلا داده شده باشند.

۳: ۱۳

NASB "آشکار خواهد شد"

NKJV "معلوم خواهد شد"

NRSV "عیان خواهد شد"

TEV "دیده خواهد شد"

NJB "نشان داده خواهد شد"

بوضوح معلوم شدن برنامه بشارتی این ایمانداران یا رهبران (مشوقها، اعمال، اهداف) بوسیله تکرار سه مرتبه‌ای افعال در اول قرن‌تبیان ۳: ۱۳ مورد تأکید قرار داده شده است.

۱. مشهود می گردد (phainō)

۲. نشان داده می شود (dēloō)

۳. عیان می شود (apokaluptō)

این نمایش و داوری عیان از ایمانداران باید در ارتباط با کرسی داوری عیسی در دوم قرنیتیان ۵: ۱۰ باشد.

■ "آن روز همه چیز را ظاهر خواهد ساخت" این عبارات اشاره به "روز خدا" دارد، که شامل جلال و پاداش برای ایمانداران و جزا برای بی ایمانان خواهد بود. با اینحال، حتی ایمانداران نیز روزی در برابر عیسی پاسخگو خواهند بود (دوم قرنیتیان ۵: ۱۰؛ متی ۱۲: ۳۶-۳۷؛ ۲۵: ۳۱؛ رومیان ۲: ۱۶؛ ۱۲: ۱۴؛ غلاطیان ۵: ۱۰؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷).

■ "آتش" به موضوع خاص زیر توجه نمایند.

موضوع خاص: آتش (KB 92, BDB 77)

(Special Topic: Fire)

در کتاب مقدس، آتش هم مفهوم مثبت و هم مفهوم منفی دارد.

A. مثبت

۱. گرمی (مراجعه شود به اشعیا ۴۴: ۱۵، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۸)
۲. نور (مراجعه شود به اشعیا ۵۰: ۱۱، انجیل متی ۲۵: ۱ الی ۱۳)
۳. آشپزی (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲: ۸، اشعیا ۴۴: ۱۵ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۲۱: ۹)
۴. پاک کننده (مراجعه شود به کتاب اعداد ۳۱: ۲۲ الی ۲۳، امثال ۱۷: ۳، اشعیا ۱: ۲۵، ۶: ۶ الی ۸، ارمیا ۶: ۲۹، ملاکی ۳: ۲ الی ۳)
۵. تقدس خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱۷، کتاب خروج ۳: ۲، ۱۹: ۱۸، حزقیال ۱: ۲۷، عبرانیان ۱۲: ۲۹)
۶. رهبری خدا (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳: ۲۱، کتاب اعداد ۱۴: ۱۴، اول پادشاهان ۱۸: ۲۴)
۷. قدرت بخشیدن خدا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳)
۸. محافظت خدا (مراجعه شود به زکریا ۲: ۵)

B. منفی

۱. سوزاندن (مراجعه شود به یوشع ۶: ۲۴، ۸: ۸، ۱۱: ۱۱، انجیل متی ۲۲: ۷)
 ۲. نابود کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۹: ۲۴، لاویان ۱۰: ۱ الی ۲)
 ۳. خشم (مراجعه شود به کتاب اعداد ۲۱: ۲۸، اشعیا ۱۰: ۱۶، زکریا ۱۲: ۶)
 ۴. مجازات کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳۸: ۲۴، لاویان ۲۰: ۱۴، ۲۱: ۹، یوشع ۷: ۱۵)
 ۵. نشانه های اسکاتولوژیک دروغین (مراجعه شود به مکاشفه ۱۳: ۱۳)
- C. خشم خدا در برابر گناه اغلب به صورت تصویری از آتش بیان میشود
۱. خشم او میسوزاند (مراجعه شود به هوشع ۸: ۵، صفتیا ۳: ۸)
 ۲. او آتش فرو میریزد (مراجعه شود به نحمیا ۱: ۶)
 ۳. آتش ابدی (مراجعه شود به ارمیا ۱۵: ۱۴، ۱۷: ۴، انجیل متی ۲۵: ۴۱، یهودا آیه ۷)
 ۴. داوری اسکاتولوژیک (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۰، ۵: ۲۲، ۱۳: ۴۰، انجیل یوحنا ۱۵: ۶، دوم تسالونیکیان ۱: ۷، دوم پطرس ۳: ۷ الی ۱۰، مکاشفه ۸: ۷، ۱۶: ۸، ۲۰: ۱۴ الی ۱۵)

D. آتش اغلب به عنوان تجلی خدا بیان میگردد

۱. کتاب پیدایش ۱۵: ۱۷
۲. کتاب خروج ۳: ۲
۳. کتاب خروج ۱۹: ۱۸
۴. مزامیر ۱۸: ۷ الی ۱۵، ۲۹: ۷

۵. حزقیال ۱: ۴ و ۲۷، ۱۰: ۲

۶. عبرانیان ۱: ۷، ۱۲: ۲۹

E. همانند بسیاری از استعاره ها در انجیل (یعنی خمیرمایه، شیر) آتش میتواند بسته به متن نعمت یا نفرین باشد.

□ "خواهد آزمود" این اشاره به تذهیب کننده آتش دارد (اول قرن تیان ۴: ۵)، که با نیت قبولی، مورد آزمایش قرار می دهد (*dokimazō*).

موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها (Special Topic: Greek Terms For Testing And Their Connotations)

دو اصطلاح یونانی وجود دارند که به مفهوم "آزمودن کسی برای هدفی" هستند.

۱. *Dokimazō, Dokimion, Dokimasia*

این اصطلاح یک اصطلاح متالورژیست است برای آزمودن اصل بودن چیزی (به صورت استعاره برای فردی) با استفاده از آتش (موضوع خاص: آتش را مطالعه کنید). آتش ماهیت واقعی فلز را نشان می دهد و مواد خارجی را می سوزاند (یعنی خالص می کند). این فرایند فیزیکی تبدیل به اصطلاحی قدرتمند برای خدا و یا شیطان و یا انسانها برای آزمودن دیگران شد. این اصطلاح فقط در مفهوم مثبت آزمایش و با دید پذیرش استفاده می شود (موضوع خاص: خدا مردمش را می آزماید [عهد عتیق] را مطالعه کنید).
در عهد عتیق برای آزمودن موارد زیر استفاده شده است:

a. گاوها، انجیل لوقا ۱۹: ۱۴

b. خودمان، اول قرن تیان ۲۸: ۱۱

c. ایمان ما، یعقوب ۳: ۱

d. حتی خدا، عبرانیان ۹: ۳

تصور می شد که حاصل این آزمونها مثبت باشد (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۸، ۱۴: ۲۲، ۱۶: ۱۰، دوم قرن تیان ۱۸: ۱۰، ۱۳: ۳ و ۷، فیلیپیان ۲: ۲۷، اول پطرس ۱: ۷). بنابراین اصطلاح دربردارنده این عقیده در مورد کسی است که آزموده شده و پذیرفته می شود

a. ارزش دارد

b. خوب است

c. اصل است

d. ارزشمند است

e. قابل احترام است

۲. *Peirazō, Peirasmus*

این اصطلاح اغلب مفهوم آزمودن به منظور یافتن خطا و یا رد کردن دارد. در مورد وسوسه عیسی در بیابان استفاده شده است.

a. دربردارنده تلاش برای به دام انداختن عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، ۱۶: ۱، ۱۹: ۳، ۱۸: ۲۲ و ۳۵، انجیل مرقس ۱: ۱۳، انجیل لوقا ۴: ۲، عبرانیان ۱۸: ۲)

b. این اصطلاح (*Peirazōn*) به عنوان لقبی برای شیطان در انجیل متی ۴: ۳، اول تسالونیکیان ۳: ۵ (یعنی "وسوسه") استفاده شده است

c. کاربرد

۱) توسط عیسی استفاده شد تا به انسانها هشدار دهد خدا را مورد آزمون قرار ندهند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۷، انجیل لوقا ۴: ۱۲، [یا مسیح مراجعه شود به اول قرن تیان ۹: ۱۰])

۲) همچنین به تلاش برای انجام کاری است که شکست خورده است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱: ۲۹)

۳) در رابطه با وسوسه و محاکمه ایمانداران استفاده شده است (مراجعه شود به اول قرن تیان ۵: ۷، ۹: ۱۰ و ۱۳، غلاطیان ۱: ۶، اول تسالونیکیان ۳: ۵، عبرانیان ۱۸: ۲، یعقوب ۲: ۱ و ۱۳، اول پطرس ۴: ۱۲، دوم پطرس ۲: ۹)

□ "کیفیت کار هر کس" در متن، این عبارت اشاره به فعالیتهای فرد در کلیسا دارد. همه نعمات روحانی برای ساختن کلیسا فراهم آمده اند (۱ قرن تیان ۷: ۱۲). هیچ رمز معنوی میان یک روحانی کلیسا و فرد عامی، یک رهبر و پیرو او وجود ندارد، اما این رمز در حیطه وظایف آنان وجود دارد (اعداد ۳: ۱۶). رهبران بیش از سایرین پاسخگو هستند (یعقوب ۳: ۱).

۱۴:۳ "اگر" این دومین مجموعه جملات شرطی بوده که با توجه به نقطه نظر نویسنده یا مقاصد ادبی او، درست بنظر می‌رسد. (اول قرن‌تبیان ۳:۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸).

□ "پاداش خواهد یافت" این آیه به پاداشها مربوط می‌شود و نه رستگاری. همه مردمانی که مورد خطاب قرار گرفته‌اند، تصور می‌شود که ایمانداران بوده باشند!

در عهد جدید مفهوم پاداش باید از بوسیله شایستگی از رستگاری تفکیک شود (رومیان ۶:۲۳). در عهد عتیق پاداشها یا برکات به اطاعت متصل بودند (تثنیه ۱۱:۱۳-۱۳، ۲۷-۲۹؛ مزامیر ۱). این امر به نوعی هنوز صحت دارد. با اینحال، رستگاری یک نعمت است، نه یک پاداش. زندگی با ایمان و اطاعت در نتیجه‌ی رستگاری است، نه آنچه که بسوی رستگاری رهنمون می‌سازد. پاداشها می‌توانند از بین بروند، با اینوجود، رستگاری حفظ می‌گردد. پاداشها یکی از روشهایی هستند که حاصل کار رو به گسترش ایمانداران شناسایی می‌گردند. پولس اکنون شیوه ارزشیابی خود را جهانی کرده (۱ تسالونیکیان ۲:۱۹-۲۰؛ فیلیپیان ۲:۱۴-۱۶) تا شامل حال همه ایمانداران شود. پاداشها راهی برای شناسایی کسانی هستند که بطور مؤثر و سرشار از ایمان در گسترش کلام انجیل تلاش می‌کنند. پاداشها برکات الهی بواسطه نیروی درونی پادشاهی فراهم می‌گردند. در عین حال، همچون همه روابط داخلی میان دو عهد، ایمانداران باید بطور مداوم پاسخی در خور و شایسته به این دعوت از سوی خداوند دهند (اول قرن‌تبیان ۹:۲۴-۲۷). به موضوع خاص: اندازه پاداش و مجازات در اول قرن‌تبیان ۹:۲۴-۲۷ مراجعه نمایید.

۱۵:۳ "اگر کار کسی بسوزد" تراژدی زندگی بی حاصل یک مسیحی خودخواه و تفرقه‌افکن - یک تراژدی برای شخص، یک تراژدی برای کلیسا، و یک تراژدی برای کسی که هنوز نجات نیافته است!

□ "هرچند خود نجات خواهد یافت" این بخش اولویت رحمت را حتی با وجود امکان از دست دادن پاداش، نشان می‌دهد. این مفهوم ممکن است معمای غیر قابل حل الهیاتی یک رستگاری رایگان را بوسیله رحمت خدا، کار تمام شده مسیح و دم روح، در تضاد با همه هزینه‌هایی که باید در زندگی مسیحی خود پرداخت نماییم، حل نماید. تنها ترس من از بکار بردن این متن بعنوان یک مفهوم کلیدی، اینست که چرا اینقدر به ندرت در متن کلام، طبقه‌بندی الهیاتی "سیر قهقرایی"، هوای نفس و کودک مسیحی بکار برده شده است! کلیسای مدرن با بکار بردن این مفهوم، یک کلیسای دنیوی، بی خاصیت و بی روح را به تصویر می‌کشد، در حالیکه به ندرت بر لزوم رشد روح در عهد جدید صحنه می‌گذارد (عبرانیان ۱۴:۵-۱۱).

□ "جان به در برده باشد" این مؤخره از جنبه علم آخرت‌شناسی حائز اهمیت است. به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری و نجات استفاده شدند

(Special Topic: Greek Verb Tenses Used For Salvation)

رستگاری یک محصول نیست، بلکه رابطه روزانه فردی با خدا در مسیح است. با اعتماد کردن فرد به مسیح خاتمه نمی‌یابد، تازه شروع شده است (یک دروازه و سپس یک راه، مراجعه شود به انجیل متی ۷:۱۳ الی ۱۴). یک بیمه آتش سوزی نیست، و نه بلیط به بهشت، بلکه زندگی است که در شبیه مسیح بودن باید رشد کند (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۸ الی ۲۹، دوم قرن‌تبیان ۳:۱۸، ۷:۱، غلاطیان ۴:۱۹، افسسیان ۱:۴، ۴:۱۳، اول تسالونیکیان ۳:۱۳، ۴:۳ و ۷:۵، ۲۳، اول پطرس ۱:۱۵). در آمریکا ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید هر چه یک زوج بیشتر با هم زندگی کنند، بیشتر شبیه به یکدیگر می‌شوند. این هدف رستگاری است!

رستگاری به عنوان عمل کامل شده (آتوریست)

- اعمال رسولان ۱۵:۱۱
- رومیان ۸:۲۴
- دوم تیموتائوس ۱:۱۹
- تیتوس ۳:۵
- رومیان ۱۳:۱۱ (زمان آتوریست با مسیر آینده ترکیب کرده است)

رستگاری به عنوان حالی از بودن (کامل)

- افسسیان ۲:۵ و ۸
- رستگاری به عنوان فرایندی ممتد (حال)

- اول قرن‌تینان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲
- دوم قرن‌تینان ۲: ۱۵
- اول پطرس ۳: ۲۱

رستگاری به عنوان آینده‌ای که تحقق خواهد یافت (حالت آینده در زمان فعل یا متن)

- رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۱۰: ۹ و ۱۳
- اول قرن‌تینان ۳: ۱۵، ۵: ۵
- فیلیپیان ۱: ۲۸
- اول تسالونیکیان ۵: ۸ الی ۹
- عبرانیان ۱: ۱۴، ۹: ۲۸
- اول پطرس ۱: ۵

بنابراین رستگاری با تصمیم اولیه و ایمان آغاز می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳)، ولی این باید تبدیل به شیوه زندگی از روی ایمان شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹، غلاطیان ۲: ۱۹ الی ۲۰، افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰)، که روزی تحقق آن دیده خواهد شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). رستگاری وضعیت نهایی جلال یافتن نامیده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰) می‌توان آن را به شیوه زیر به تصویر کشید:

۱. رستگاری اولیه - نجات یافتن از مجازات گناه
۲. رستگاری در حال بسط یافتن - نجات یافتن از قدرت گناه
۳. رستگاری نهایی - جلال یافتن (نجات یافتن از وجود گناه)

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۳: ۱۶-۱۷

۱۶ آیا نمی‌دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟^{۱۷} اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد؛ زیرا معبد خدا مقدس است و شما آن معبد هستید.

۱۶:۳ "آیا نمی‌دانید که معبد خدایید" در رابطه با "معبد" هیچ بند یا فصلی وجود ندارد (*naos*)، فقط مرکز زیارتگاه یا محراب). ضمیر "شما" (آیا "شما" نمی‌دانید...) بصورت جمع بکار برده شده، در حالیکه "معبد" مفرد نوشته شده، لذا، در این متن "معبد" باید در اشاره به تمام کلیساهای قرن‌تس بکار برده شده باشد (دوم قرن‌تینان ۶: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۲۱-۲۲)، که می‌تواند شامل چندین ساختمان کلیسایی گردد.

تمرکز بر ایمان یهود بجای اینکه بوسیله ایمان فردی به یهوه بوجود آید، در تشریفات دینی و نماز درون معبد شکل گرفت (ارمیا ۷). بحث بر سر این نیست که شخص در کجا و چه موقع و چگونه به عبادت بپردازد، بلکه چگونگی رابطه با خدا حائز اهمیت است. عیسی بدن خود را بسان معبد خدا می‌دید (یوحنا ۲: ۲۱). عیسی بمراتب بزرگتر از معبد در عهد عتیق است (متی ۱۲: ۶). فعالیت‌های خداوند از یک مکان مقدس منتقل شده به بدن ایمانداران (احیا شده، مقدس). تمرکز کارهای خدا در این دنیا بر روی مردم است! بدن عیسی اکنون یک مکا است، هم برای شخص و هم برای جمع.

□ "روح خدا در شما ساکن است" در اینجا "سکنی گزیدن" فعلی اخباری حال حاضر است. "شما" بصورت جمع بکار برده شده است. مفهوم معبد بعنوان مکانی منحصر بفردهای یهوه در عهد عتیق در اینجا بمواظت مفهوم کلیسا بعنوان مکانی در آن روح القدس ساکن می‌گردد، با بکار رفته است. مفهوم ساکن شدن روح خدا در عهد جدید به کرات تکرار شده است. گفته می‌شود که هر سه شخص تثلیث در بدن ایمانداران ساکن هستند.

۱. روح القدس (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ رومیان ۸: ۹، ۱۱؛ اول قرن‌تینان ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۴)
۲. پسر (متی ۲۸: ۲۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۰، ۲۳؛ ۱۵: ۴-۵؛ رومیان ۸: ۱۰؛ ۲ قرن‌تینان ۱۳: ۵؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ افسسیان ۳: ۱۷؛ کولسیان ۱: ۲۷)
۳. هم پدر و هم پسر (یوحنا ۱۴: ۲۳ و دوم قرن‌تینان ۶: ۱۶)

۱۷:۳ "اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد" این جمله شرطی نوع اول است که واقعیت غیر روحانی ایمانداران را در صدمه زدن به کار کلیسا متصور می‌شود (رهبران یا نفاق افکنان). در اینجا تأکید بر روی اعمال فردی ایمانداران است. این کار نه بر روی رستگاری آنان، ۱ قرن‌تینان ۱۵: ۳، بلکه بر طول عمر و پاداش آنها تأثیر می‌گذارد.

تراژدی عظیم ایماندارانی که خودخواهانه زندگی می‌کنند، در واقع حیات بی‌ثمر از معدود منابع موجود آنها است. آنان با انجیل آشنایی دارند؛ روح در آنان ساکن است، با اینحال آنان و کلیسا توسط اعمال و کردارشان تخریب می‌گردند. این همانجایی است که لوقا ۱۲: ۴۸ با صدای بلند سخن می‌گوید! آیا با شما نیز سخن می‌گوید؟

واژه *phtheirō* (تخریب) بارها در عهد جدید بکار رفته است.

۱. خراب شدن و از بین رفتن فیزیکی (میوه پلاسیده یا گوشت گندیده، حتی کاربرد برای امور مالی به صورت استعاره)
۲. خراب شدن و از بین رفتن اخلاقیات (شکستن قوائد یک مسابقه ورزشی یا از شخصی سوء استفاده جنسی کردن)
۳. تخریب

a. فیزیکی

b. روحی

c. ابدی

فقط خود متن می‌تواند معنی آن را مشخص نماید. در اینجا در حالت بندهای موازی بکار رفته، اما مشخص نیست که معنی مشابهی در هر متن دارد یا نه، زیرا اولین بند اشاره به کلیسا داشته و دومین بند اشاره به یک شخص. این واژه در متن این متن اشاره به ایمانداران نجات یافته اما نابالغی دارد که روح تفرقه را در کلیسای قرتنس گسترش می‌دهند. به موضوع خاص در اول قرتنیاں ۱۵: ۴۲ مراجعه شود.

تشخیص مفهوم "تخریب" در این متن دشوار است (متی ۱۸: ۶؛ لوقا ۱۷: ۱-۲؛ رومیان ۱۴: ۱۵؛ اول قرتنیاں ۵: ۵؛ ۸: ۱۱؛ تیموتائوس ۱: ۲۰).

حال که درباره ایم موضوع صحبت می‌کنیم، اجازه دهید که بگوییم شخصاً باور ندارم که این واژه (و واژگان مرتبط با آن) می‌تواند برای اثبات نابودی فیزیکی انسانهایی که در گمراهی بسر می‌برند، بکار رود (کتاب *The Fire that Consumes*، نوشته Fudge)، اما بیشتر هوشیاری و جدای ابدی آنها از خدا مورد نظر من است (جهنم، کتاب دانیال ۱۲: ۲؛ متی ۲۵: ۴۶؛ اعمال رسولان ۲۴: ۱۵).

این امکان وجود دارد که پولس در ارتباط با اول قرتنیاں ۵: ۵ و تیموتائوس ۲: ۲۰ به این موضوع اشاره می‌کند، (اما همیشه با امید و دعا برای بازگشت به راه خدا بدنبال توبه).

□ "معبد خدا مقدس است و شما آن معبد هستید" این یک مفهوم مشارکتی است. پیامد منطقی و مرتبط با آن اینست که فرد ایماندار نیز به مثابه معبد خداوند است (قرتنیاں ۶: ۱۹). مسیحیان به تقدس فرا خوانده شده‌اند (متی ۵: ۴۸؛ افسسیان ۱: ۴).

موضوع خاص: مقدس

(Special Topic: Holy)

I. عهد عتیق (عمدتاً از اشعیا الهام گرفته شده)

- A. ریشه اصطلاح *kadosh* (KB 1072, BDB 872) مشخص نیست، احتمالاً کنعانی است (یعنی Ugaritic). این احتمال هست که بخشی از ریشه آن (یعنی *kd*) به معنی "تقسیم کردن" باشد. این منشا اصطلاح متداول "تفکیک شده برای استفاده خدا (از فرهنگ کنعانی، مراجعه شود به کتاب تثنیه ۷: ۶، ۱۴: ۲ و ۲۱: ۲۶) است.
- B. در رابطه با حضور خدا در اشیا، مکانها، زمانها و افراد است. در کتاب پیدایش از آن استفاده نشده است ولی در کتابهای خروج، لاویان و اعداد متداول است.
- C. در ادبیات انبیا (به خصوص اشعیا و هوشع) عنصر فردی از پیش وجود دارند ولی بر آن تاکید نشده و پیش آورده نمی‌شود (موضوع خاص: آن مقدس را مطالعه کنید). این تبدیل به شیوه ای برای اطلاق کردن وجود خدا است (مراجعه شود به اشعیا ۶: ۳). خدا مقدس است. نام او که بیان کننده شخصیت او است مقدس است. مردمش که باید شخصیت او را به دنیای نیازمند آشکار کنند مقدس هستند (در صورتیکه از پیمان ایمان اطاعت کنند).

۱. استفاده به عنوان صفت، BDB 872 שׁוֹבֵה־קֹדֶשׁ، "مقدس"، "روحانی"

- a. خدا، اشعیا ۵: ۱۶، ۶: ۳ (سه مرتبه)، موضوع خاص: آن مقدس را مطالعه کنید
- b. نام او، اشعیا ۴۰: ۲۵، ۴۹: ۷، ۵۷: ۱۵
- c. مقرر او، اشعیا ۵۷: ۱۵
- d. شبات او، اشعیا ۵۸: ۱۳

۲. فعل، BDB 872 קִדַּשׁ ، "جدا از هم"، "consecrated"

a. شخصیت خدا، اشعیا ۵: ۱۶، ۲۹: ۲۳

b. خدا، اشعیا ۸: ۱۳، ۶۵: ۵

c. فرشتگان خدا، اشعیا ۱۳: ۳

d. نام خدا، ۲۹: ۲۳

e. فستیوال، اشعیا ۳۰: ۲۹

f. انسانهای محبوس، اشعیا ۶۶: ۱۷

۳. اسم، BDB 871 קִדְשׁ ، "جدایی"، "مقدس"

a. بذر مقدس، اشعیا ۶: ۱۳

b. کوه مقدس، اشعیا ۱۱: ۹، ۲۷: ۱۳، ۵۶: ۷، ۵۷: ۱۳، ۶۵: ۱۱ و ۲۵، ۶۶: ۲۰

c. جدا کردن، اشعیا ۲۳: ۱۸

d. راه تقدس، اشعیا ۳۵: ۸

e. محراب، اشعیا ۴۳: ۲۸، ۶۲: ۹، ۶۴: ۱۱

f. شهر مقدس، اشعیا ۴۸: ۲، ۵۲: ۱

g. آن مقدس، اشعیا ۴۹: ۷ (موضوع خاص: آن مقدس را مطالعه کنید)

h. دست مقدس اشعیا ۵۲: ۱۰

i. روز مقدس، اشعیا ۵۸: ۱۳

j. مردم مقدس، ۶۲: ۱۲

k. روح القدس، ۶۳: ۱۰ و ۱۱

l. پادشاهی خدا، اشعیا ۶۳: ۱۵

m. مکان مقدس، اشعیا ۶۳: ۱۸

n. شهر مقدس، اشعیا ۶۴: ۱۰

D. رحمت و عشق خدا از مفاهیم الهیاتی پیمانها، عدالت و شخصیت اصلی او جدایی ناپذیر هستند. در اینجا تنش خدا نسبت انسان به نامقدس، گمراه و یاغی دیده میشود. مقاله بسیار جالبی در مورد رابطه میان خدا به عنوان "رحیم" و خدا به عنوان "مقدس" در *Synonyms of the Old Testament* اثر Robert B. Girdlestone صفحات ۱۱۲ الی ۱۱۳ وجود دارد.

II. عهد جدید

A. نگارندگان عهد جدید (به استثنای لوقا) عبری فکر میکردند، ولی به یونانی کوبین مینوشتند. کلیسای عهد جدید از ترجمه یونانی عهد عتیق Septuagint استفاده کرد. این ترجمه یونانی عهد عتیق بود، نه ادبیات، تفکر، یا مذهب یونانی که دستور زبان را کنترل میکرد.

B. عیسی مقدس است زیرا از خدا و همانند خدا است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۳۵، ۴: ۳۴، اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۴: ۲۷ و ۳۰، مکاشفه ۳: ۷). او مقدس و پارسا است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۲۲: ۱۴). عیسی مقدس است زیرا گناه نکرده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۶، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، عبرانیان ۴: ۱۵، ۷: ۲۶، اول پطرس ۱: ۱۹، ۲: ۲۲، اول یوحنا ۳: ۵).

C. زیرا خدا مقدس است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱، اول پطرس ۱: ۱۵۶ الی ۱۶، مکاشفه ۴: ۸، ۶: ۱۰)، فرزندان او باید مقدس باشند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، اول پطرس ۱: ۱۵). مسیحیان نجات می یابند تا با همانند مسیح بودن (تقدس) خدمت کنند.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۳: ۱۸-۲۳

^{۱۸}خود را فریب مدهید. اگر کسی از شما خود را با معیارهای این عصر حکیم می پندارد، برای اینکه حکیم باشد، باید جاهل گردد. ^{۱۹}زیرا حکمت این دنیا در نظر خدا جهالت است. چنانکه نوشته شده: «حکیمان را به ترفند خودشان گرفتار می سازد.» ^{۲۰}و باز نوشته شده است: «خداوند از اندیشه ورزی های حکیمان آگاه است و می داند که آنها بطالت محض است.» ^{۲۱}پس دیگر کسی به انسانها فخر نکند. زیرا همه چیز

متعلق به شماس،^{۲۲} خواه پولس، خواه آپولس، خواه کیفا، خواه دنیا، خواه زندگی، خواه مرگ، خواه زمان حال و خواه زمان آینده، همه و همه از آن شماس^{۲۳} و شما از آن مسیح‌اید و مسیح از آن خداست.

۱۸:۳ "خود را فریب مدهید" (نسخه اصلی: "اجازه ندهید که هیچکس خود را فریب دهد") این یک جمله دستوری با حرف منفی بوده که معمولاً به معنای توقف عملی در حال اجرا می‌باشد. برخی از ایمانداران قرن‌تس به عضو بودن خود در کلیسا یا تبعیت خود از برخی رهبران و/یا دانش خاص در کلیسا، فخر می‌فروختند.

عبارت "فریفتن" حالت تشدید شده واژه *apataō* (افسیان ۵:۶؛ ۱ تیموتائوس ۲:۱۴؛ یعقوب ۱:۲۶) با پیشوند *ek* می‌باشد (رومیان ۷:۱۱؛ ۱۶:۸؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۲). این واژه هم‌معنی با *planaō* بوده (بمعنی آواره بودن، کجرو بودن، به بیراهه رفتن)، که در اناجیل سینوپتیکی، نامه‌های یوحنا و پولس بکار رفته بود (۱ قرن‌تس ۶:۹؛ ۱۵:۳۳ و صفت در دوم قرن‌تس ۶:۸). خودفریبی یک تراژدی معنوی است (رومیان ۱۲:۱۶؛ غلاطیان ۶:۳؛ ۲ تیموتائوس ۳:۱۳؛ ۱ یوحنا ۸:۱). پولس ممکن است به مزمو ۳:۷ یا اشعیا ۵:۲۱ یا حتی ارمیا ۹:۲۳-۴۷ کنایه داشته باشد. بسیاری از رهبران تفرقه‌انداز در قرن‌تس فکر می‌کردند که بسیار دانا و بالغ هستند، اما بر عکس، آنان خود شیفته و خودفریب بودند.

□ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است. بسیاری در کلیسای قرن‌تس بدلیل دارا بودن از دانش یا نعمات روحانی و معنوی مغرور بودند. این تمایلات شبیه به آنچه که بعدها علوم عرفانی شناخته شد، می‌باشد. بلحاظ تاریخی مشخص نیست که قرن‌تس تحت تأثیر این نظام فکری یونانی قرار گرفته بود یا خیر. اینگونه نظام‌های فکری (یک دوالیسم رادیکال میان روح و ماده) بطور کامل تا قرن دوم مستند نگردیدند، اما بدعت بزرگی برای کلیسای اولیه بودند.

□ "کسی از شما خود را با معیارهای این عصر حکیم می‌پندارد" این جمله اشاره به آن دسته از افرادی دارد که تصور می‌کنند از دانش و جایگاه خاص و والایی برخوردار هستند. کسانی در کلیسا هستند که تصور می‌کنند بواسطه مقام روحانیت، دانش، جایگاه اجتماعی و یا میزان هوشمندی از مقام ارشدی برخوردار هستند. ممکن است که این جمله اشاره به گروه رهبران منافقی که در اول قرن‌تس ۱:۱۲؛ ۳:۵، ۲۱ از آنها ذکر به میان آمد، داشته باشد.

□ "باید جاهل گردد" این جمله دستوری میانی در دستور زبان آئوریستی می‌باشد. انجیل خدا، شخص مسیح، تنها حکمت راستین می‌باشند. این عبارت اغلب برای تعریف "حکمت این عصر" بکار برده می‌رفت (اول قرن‌تس ۱:۱۸، ۲۷). پولس حتی آن را در اول قرن‌تس ۴:۱۰ در یک جمله تمسخرآمیز در ارتباط با مسیحیان قرن‌تسی که ادعا می‌کردند صاحبان حکمت انسانی هستند، بکار برده بود. به موضوع خاص: عباراتی برای مردمان جاهل در اول قرن‌تس ۱۵:۳۶ مراجعه نمایید.

۱۹:۳ "حکمت این دنیا در نظر خدا جهالت است" علت این امر محدودیت دانش انسان خرد، دنیوی و رانده شده از بهشت است (اول قرن‌تس ۱:۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵). برای مطالعه بیشتر درباره "جهالت" به یادداشت اول قرن‌تس ۱:۲۵ مراجعه نمایید.

۱۹:۳-۲۰ این آیات نقل قول‌های تقریباً تغییر یافته از ایوب ۵:۱۳ و مزامیر ۹۴:۱۱ هستند. برای واژه "شایستگی" به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تس ۴:۲۰ مراجعه نمایید.

۲۱:۳

NASB	"پس دیگر کسی به انسانها فخر نکند"
NKJV	"لذا نگذارید کسی به انسان جلال دهد"
NRSV	"پس نگذارید دیگری کسی به رهبران انسانی فخر کند"
TEV	"هیچکس، دیگر، نباید درباره آنچه که بشر قادر به انجام آن است، فخر کند"
NJB	"پس دیگر چیزی مایه فخر بشریت نیست"

این آیه می‌تواند کنایه‌ای به ارمیا ۹:۲۳-۲۴ باشد. فخرفروشی بشر بارها در اول قرن‌تس مورد اشاره قرار گرفته است. (اول قرن‌تس ۱:۲۹، ۳۱؛ ۳:۲۱؛ ۷:۴؛ و دوم قرن‌تس ۵:۱۲؛ ۱۰:۱۷؛ ۱۱:۱۲، ۱۸، ۳۰؛ ۱۲:۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷). به موضوع خاص در اول قرن‌تس ۵:۶ مراجعه نمایید. این موضوع در قرن‌تس مشکل بزرگی بود (و بطور کلی برای بشریت). مشکل بیشتر شامل کلیسا بود تا برخی رهبران؛ پیروان نیز بی‌مسئولیت بودند. این امر بیشتر شبیه غرور و خودپسندی شیطانی است (من پیرو کالوین هستم؛ من پیرو ولسلی هستم؛ من پیرو...؛ اول قرن‌تس ۴:۶).

۲۱:۳-۲۲ پولس تصریح می کند که همه چیز (فهرستی که بسیار شبیه به رومیان ۸:۳۸-۳۹ است) بواسطه مسیح به ایمانداران تعلق دارد. واژه *kosmos* (دنیا) در اینجا بصورت مثبت و برای نشان دادن مراحل آفرینش بکار برده شده است (پیدایش ۱:۳۱ نسخه LXX). بواسطه مسیح، ایمانداران وارثان عزیز همه چیزها و همه زمانها هستند (رومیان ۸:۱۲-۱۷). خود را محدود نسازید.

موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان)

(Special Topic: Paul's Use of *Kosmos* (World))

پولس از کلمه کاسموس یا جهان به شیوه‌های مختلفی استفاده کرده است

۱. تمام نظم خلق شده (رجوع شود به رومیان ۱:۲۰، افسسیان ۱:۴، اول قرنتیان ۳:۲۲، ۸:۴ و ۵)
۲. این سیاره (رجوع شود به دوم قرنتیان ۱:۱۲، افسسیان ۱:۱۰، کولسیان ۱:۲۰، اول تیموتائوس ۱:۱۵، ۳:۱۶، ۶:۷)
۳. انسانها (رجوع شود به رومیان ۳:۶ و ۱۹، ۱۱:۱۵، اول قرنتیان ۱:۲۷ و ۹:۴، ۱۳ و دوم قرنتیان ۵:۱۹، کولسیان ۱:۶)
۴. انسانهایی که بدور از خدا سازماندهی شده و عمل می کنند (رجوع شود به اول قرنتیان ۱:۲۰ و ۲۱، ۲:۱۲، ۳:۱۹، ۱۱:۳۲، غلاطیان ۴:۳، افسسیان ۲:۲ و ۱۲، فیلیپیان ۲:۱۵، کولسیان ۲:۸ و ۲۰ الی ۲۳). بسیار شبیه کاربرد یوحنا است (یعنی اول یوحنا ۲:۱۵ الی ۱۷)
۵. ساختار فعلی جهان (رجوع شود به اول قرنتیان ۷:۲۹ الی ۳۱، غلاتیان ۶:۱۴، مشابه فیلیپیان ۳:۴ الی ۹، جایی که پولس ساختارهای یهودی را توضیح می دهد)

از برخی لحاظ، اینها یکدیگر را همپوشانی می کنند و سخت می توان هر یک از کاربردها را طبقه بندی کرد. این کلمه، همانند بسیاری دیگر در تفکر پولس باید در مفهوم متن تعریف شوند نه بر اساس یک تعریف از قبل تعیین شده. واژگان پولس سیال هستند (رجوع شود به A Man in Christ نوشته جیمز استوارت). او سعی در برقراری ادبیات مذهبی ندارد بلکه صرفاً می خواهد مسیح را معرفی نماید.

۲۳:۳ " شما از آن مسیح اید " " شما " مؤکد و جمع بسته شده است. این عبارت موقعیت جلال یافته شده عیسی را در کلیسا نشان می دهد (اول قرنتیان ۲۹:۱-۳۱). این بخش از آیه به مسئولیت آنان بعنوان ایمانداران اشاره می نماید.

■ " مسیح از آن خداست " این عبارت اشاره به تسلیم جسمانی مسیح به پدر دارد (اول قرنتیان ۱۱:۳؛ ۲۸:۱۵). در اینجا موضوع جوهره نیست (یوحنا ۱:۱-۳)، بلکه یک مسئله کاربردی است. تثلیث (به موضوع خاص در اول قرنتیان ۲:۱۰ مراجعه نمایید) وظیفه-محور است.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. چه تفاوتی میان شیر و خوراک عادی، آنگونه که به موعظه مسیحیت ربط پیدا می کند، وجود دارد؟
۲. آیا روزی فرا خواهد رسید تا مسیحیان در برابر داوری خداوند قرار گیرند؟ اگر بلی، چرا؟
۳. آیه اول قرنتیان ۳:۱۰-۱۵ به چه کسانی اشاره دارد؟
۴. آیا اول قرنتیان ۳:۱۶ اشاره به افراد ایماندار دارد یا کلیت کلیسا؟
۵. واژه "تخریب" در اول قرنتیان ۳:۱۷ به چه معنی است؟ چگونه به اول قرنتیان ۳:۱۵ ارتباط می یابد؟
۶. آیا فرمانبرداری مسیح از پدر، که به روشنی در اول قرنتیان ۳:۲۳ و ۲۸:۱۵ دیده می شود، به این معنا است که او خدا نیست؟

اول قرن‌تیاں ۴

بخش‌های پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
مأموریت رسولان	ناظران رازهای خدا	کاربردها	رسولان مسیح	نتایج (۱۳:۴ - ۱۸:۳)
۵ - ۱:۴	۵ - ۱:۴	۵ - ۱:۴	۵ - ۱:۴	۵ - ۱:۴
۱۳ - ۶:۴	جاهلان بخاطر مسیح ۱۳ - ۶:۴	۷ - ۶:۴	۷ - ۶:۴	۱۳ - ۶:۴
		۱۳ - ۸:۴	۱۳ - ۸:۴	
۲۱ - ۱۴:۴	مراقبت پدران پولس ۲۱ - ۱۴:۴	تذکر پدران و هشدار ۲۱ - ۱۴:۴	۱۷ - ۱۴:۴	فرجام‌خواهی ۱۷ - ۱۴:۴
			۲۱ - ۱۸:۴	۲۱ - ۱۸:۴

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

خلاصه‌ای از رئیس مطالب فصل ۴

- A. آیات ۱-۵ به داوری مسیحیان و مورد داوری قرار گرفتن می‌پردازد.
- B. آیات ۶-۱۳ تضاد رهبران مغرور قرن‌تسی و رسولان واقعی را نمایان می‌کند.
- C. در آیات ۱۴-۲۱ پولس از ارجحیت خود و برنامه سفرش با وجود اتهامات مخالفان می‌گوید.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تیاں ۴-۵

پس همگان باید به ما به دیده‌ خادمان مسیح و مباشرانی بنگرند که رازهای خدا به آنان به امانت سپرده شده است. آ و حال انتظاری که از مباشر می‌رود این است که امین باشد. آما برای من قضاوت شما یا قضاوت هر دادگاه انسانی دیگر چندان مهم نیست. من حتی خود نیز درباره‌ خویشتن قضاوت نمی‌کنم. ۴ زیرا در خود عیبی نمی‌بینم، آما این مرا بی‌گناه نمی‌سازد. بلکه خداوند است که درباره‌ من قضاوت می‌کند. ۵ پس درباره‌ هیچ چیز پیش از وقت قضاوت نکنید تا اینکه خداوند بیاید. او آنچه را که اکنون در تاریکی نهان است، در روشنایی عیان خواهد کرد و نیت‌های دل‌ها را آشکار خواهد ساخت. آنگاه تشویق و تمجید هر کس از خود خدا خواهد بود.

۱:۴ "همگان باید به ما به دیده‌ خادمان مسیح و مباشرانی بنگرند" این یک جمله اخباری زمان حال است. ایمانداران باید موقعیت و جایگاه رهبری را در نظر داشته باشند. رهبری برای پادشاهی خدا حکم خدمتگذار/مباشر را دارد (مرقس ۱۰:۴۲-۴۴). الهیات پولس دنباله‌رو کلام عیسی مسیح است.

□ "خادمان مسیح" به موضوع خاص زیر توجه نمایند.

موضوع خاص: رهبری خادم Special Topic: Servant Leadership

I. در عهد عتیق ("خدمتگذار من")

این عنوانی برای احترام و فراخواندن بود (BDB 713, KB 774)

A. این عبارت در یک حالت بهم پیوسته و کلی بکار می‌رفت

۱. پطریارخ بعنوان یک گروه - تثنیه ۹:۲۷
۲. پیامبران - پادشاهان ۷:۹؛ ۱۳:۱۷؛ عزرا ۹:۱۱؛ ارمیا ۷:۲۵؛ ۵:۲۶؛ ۵:۲۹؛ ۱۹:۳۵؛ ۴:۴۴
۳. اسرائیل - مزمور ۱۰۵:۶؛ ۱۳۶:۲۲؛ اشعیا ۴۱:۸-۹؛ ۴۴:۱، ۲، ۲۱؛ ۴۵:۴؛ ۴۸:۲۰؛ ۴۹:۳؛ ارمیا ۳۰:۱۰؛ ۲۷:۴۶؛ ۲۸:۳؛ ۴۹:۳؛ ارمیا ۳۰:۱۰؛ ۲۷:۴۶؛ ۲۸:۳
۴. نسخه Septuagint عبارتی را به ارشیا ۱:۴۲ اضافه می‌کند که آن را در اشاره به ملیت بنی اسرائیل مبدل می‌کند ("یعقوب خدمتگذار من است، من به او کمک خواهم کرد؛ اسرائیل انتخاب من است")

B. این عبارت برای افراد بکار می‌رفت

۱. ابراهیم - پیدایش ۲۶:۲۴؛ مزمور ۱۰۵:۶
۲. ایوب - ایوب ۱:۸؛ ۳:۲؛ ۷:۴۲، ۸
۳. اسحاق - پیدایش ۲۴:۱۴
۴. یعقوب - ۱ تواریخ ۱۶:۱۳؛ مزمور ۱۰۵:۶؛ حزقیال ۲۵:۲۸
۵. موسی - خروج ۱۴:۳۱؛ اعداد ۷:۸-۱۲؛ تثنیه ۳۴:۵؛ یوشع ۱:۱-۲، ۷، ۱۳، ۱۵
۶. یوشع - یوشع ۲۴:۲۹؛ داوران ۲:۸
۷. کالیب - اعداد ۱۴:۲۴
۸. داوود - حزقیال ۳۷:۲۵
۹. زروبابل - حجی ۲:۲۳
۱۰. سلیمان - ۱ پادشاهان ۳:۸
۱۱. اشعیا - اشعیا ۲۰:۳؛ ۴۴:۲۶
۱۲. عیسی - متی ۱۲:۱۵-۲۱ نقل قول از اشعیا ۴۲:۱-۴

II. در عهد جدید (بوژه قرن‌تینان)

رهبران خداوند نعمتی در کلیسا هستند (افسسسیان ۴:۱۱)، اما آنها هنوز خدمتگذار هستند، نه رئیس! پولس از ده‌ها واژه برای مورد خطاب قرار دادن خدمتگذاران/مبشرین در نامه‌های قرن‌تینان استفاده کرده است.

A. کمکهای محلی (در اصل "گرد و خاک بپا کردن")

۱. *Diakonos* ۱ قرن‌تینان ۳:۵؛ ۲ قرن‌تینان ۳:۶؛ ۴:۶؛ ۱۱:۱۵ (دو بار) ۲۳
۲. *Diakonia* ۱ قرن‌تینان ۱۶:۱۵؛ ۲ قرن‌تینان ۳:۷، ۸، ۹ (دو بار)؛ ۴:۱؛ ۵:۱۸؛ ۶:۳؛ ۸:۴؛ ۹:۱؛ ۱۳:۱۱؛ ۱۵:۱۱
۳. *Dialoneō* ۲ قرن‌تینان ۳:۳

B. خدمتگذار یا دستیار، *hupēretēs* (در عهد جدید درباره طبقات مختلف نوکران بکار برده شده است)، ۱ قرن‌تینان ۴:۱

C. برده (کسی که به مالکیت فردی دیگر در آمده و توسط دیگران هدایت می‌شود)

۱. *Doulos* ۱ قرن‌تینان ۷:۲۱، ۲۲ (دو بار)، ۲۳؛ ۲ قرن‌تینان ۴:۵
۲. *Douloō* ۱ قرن‌تینان ۹:۱۹

D. همکار - کمکی (تلفیق خورشید+کارگر)، *sunergos*، ۲ قرن‌تینان ۱:۲۴

E. کارپرداز (کسی که سرمایه گروه کر را تأمین می‌کند)

۱. *Chorēgeō* ۱ قرن‌تینان ۹:۱۰
۲. *Epichorēgeō* ۲ قرن‌تینان ۹:۱۰

F. مبشر (در نسخه Sepruagint در اشاره به بوتیفار، یوشع به موسی، سموئیل به الی، ابیشک به داود و لویان به قوم بنی اسرائیل بکار رفته بود، *leirourgia* واژه کلی برای خدمت در نسخه Septuagint، ۲قرننتیان ۹:۱۲)

همه این عبارات نشاندهنده درک پولس از بشارت است. ایمانداران به مسیح تعلق دارند. در حالیکه مسیح خادم دیگران است (مرقس ۱۰:۴۵)، ایمانداران نیز به دیگران خدمت می‌کنند (۱ یوحنا ۳:۱۶). رهبری کلیسا یک رهبری خادم است (متی ۲۰:۲۰-۲۸؛ مرقس ۱:۳۲-۴۵؛ لوقا ۲۲:۲۴-۲۷). همه این تفرقه‌اندازان مغرور و خودشیفته در کلیسای قرن‌تس انجیل را کاملاً آشتیاب برداشت کرده و در درک قلب و بشارت عیسی شکست خوردند!

ایمانداران عضوی از یک خانواده هستند. هدف هدایت آنان بسوی باورهای فردی نیست، بلکه هدایت آنان بسوی سلامتی و رشد در بدن، خانواده و ساختمان معبد است (همه استعاره‌های عهد جدید). ایمانداران از نعمات الهی (۱قرننتیان ۱۲:۱۱) برای هدف مشترک برخوردار هستند (۱قرننتیان ۷:۱۲). ما نجات یافته‌ایم تا خدمتگذار باشیم!

■ "مبشران" این واژه از یک تلفیق یونانی گرفته شده است، "خانه" و "قانون". این خدمتگذار بود که خانه/املاک را مدیریت کرده و به مالک حساب پس می‌داد (واژه در متی ۲۵:۱۴-۴۶؛ لوقا ۱۶:۱، مفهوم عبارت "تخصیص دادن"، "آنچه که به کسی تخصیص داده می‌شود". این چنین است تأکید بر مسئولیت‌پذیری و قابل اعتماد بودن کلام انجیل (اول قرننتیان ۲:۴؛ ۱:۴؛ ۱۷:۹؛ کولسیان ۱:۲۵؛ ۱تسالونیکیان ۴:۲؛ تیتوس ۱:۷؛ ۱پطرس ۴:۱۰). خداوند خادمین خود را مورد داوری قرار خواهد داد (اول قرننتیان ۴:۴، ۵:۳؛ ۱۳:۳). عجب افتخار و وظیفه بزرگی نصیب ما گردیده است!

■ "رازهای خدا" این عبارت به اشکال مختلف توسط پولس بکار رفته است. بنظر می‌رسد که جهت اولیه اینگونه باشد که خدای واحد بواسطه مسیح قصد متحد کردن یهودیان و غیر یهودیان را به شکل یک خانواده واحد دارد، در اینصورت هدف آیات کتاب پیدایش ۳:۱۵ و ۱۲:۳ محقق می‌گردد. به موضوع خاص: راز در اول قرننتیان ۲:۱ مراجعه نمایید.

■ "که امین باشد" این صفت *pistos* است. عیسی از مفهوم یک خدمتکار وفادار در متی ۲۵:۲۵؛ ۲۱:۲۵، ۲۳ بهره برده بود!

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

(SPECIAL TOPIC: Believe, Trust, Faith, and Faithfulness in the Old Testament)

I. مقدمه

لازم به ذکر است که استفاده از این مفهوم الهیات، در عهد جدید بسیار حیاتی است، و به این وضوح در عهد عتیق تعریف نشده است. یقیناً در آنجا نیز هست، ولی در قالب افراد و شخصیت‌های کلیدی به نمایش گذاشته شده است.

عهد عتیق اینها را در هم ادغام می‌کند

A. فرد و جامعه

B. برخورد شخصی و اطاعت فرد با ایمان

ایمان هم برخورد شخصی است و هم شیوه زندگی روزانه! راحتتر می‌توان زندگی یک مرید مومن توصیف کرد تا در قالب کلمات (یعنی مطالعه کلمات). ویژگی شخصی در این موارد به بهترین وجه به تصویر کشیده شده است:

C. ابراهیم و فرزندانش

D. داوود و اسرائیل

این افراد با خدا دیدار می‌کنند و زندگی آنها برای همیشه تغییر می‌یابد (نه زندگی کامل، بلکه زندگی از روی ایمان و وفاداری). آزمایش ضعفها و قوتها را در ایمان به خدا در مواجهه با او آشکار کرد، ولی رابطه صمیمی و ناشی از اعتماد در طول زمان تداوم یافت. آزمایش شد و بهبود داده شد، ولی با وقف کردن خود و شیوه زندگی خود به اثبات رسید و تداوم یافت.

II. استفاده از ریشه اصلی

A. אָמֵן (آمین) (BDB 52, KB 63)

۱. فعل

a. ریشه *qal* - پشتیبانی، تغذیه (دوم پادشاهان ۱:۱۰ و ۵، استر ۷:۲، کاربرد غیر دینی)

b. ریشه *Niphal* - اطمینان حاصل کردن، مطمئن شدن، سخت شدن، بنا کردن، تأیید کردن، وفادار یا قابل اعتماد بودن

(۱ انسانها، اشعیا ۲:۸، ۵۳:۱، ارمیا ۱۴:۴۰)

- ۲) چیزها، اشعیا ۲۲:۲۳
- ۳) خدا، تثنیه ۷:۹، اشعیا ۷:۴۹، ارمیا ۵:۴۲
- c. ریشه *Hiphil* - سخت ایستادن، باور داشتن، اعتماد کردن
- ۱) ابراهیم به خدا ایمان داشت، پیدایش ۱۵:۶
- ۲) اسرائیلیها در مصر ایمان آوردند، خروج ۴:۳۱، ۱۴:۳۱ (در تثنیه ۱:۳۲ نفی شده)
- ۳) اسرائیلیها به بیهوشی ایمان آوردند و توسط موسی با او صحبت کردند، خروج ۱۹:۹، مزامیر ۱۲:۱۰۶ و ۲۴
- ۴) آهاز به خدا اعتماد نکرد، اشعیا ۷:۹
- ۵) هر کس که به او ایمان آورد، اشعیا ۱۶:۲۸
- ۶) حقایق نسبت به خدا را باور کرد، اشعیا ۴۳:۱۰ الی ۱۲
۲. اسم (مذکر) - وفاداری (تثنیه ۳۲:۲۰، اشعیا ۱:۲۵ و ۲۶:۲)
۳. قید - صادقانه، به راستی، موافقم، شاید اینطور باشد (رجوع شود به تثنیه ۱۵:۲۷ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱:۳۶، اول قرنطیان ۱۶:۳۶، اشعیا ۱۶:۱۶، ارمیا ۵:۱۱ و ۲۸:۶). این کاربرد ادبی "آمین" در عهد عتیق و عهد جدید است.
- B. פמא (حقیقت) (BDB 54, KB 68) - اسم مؤنث، سختی، وفاداری، حقیقت
۴. انسانها (اشعیا ۱۰:۲۰، ۳:۴۲، ۱:۴۸)
۵. خدا - خروج ۳۴:۶، مزامیر ۲:۱۱۷، اشعیا ۱۸:۳۸ و ۱۹، ۸:۶۱
۶. حقیقت - تثنیه ۴:۳۲، اول پادشاهان ۱۶:۲۲، مزامیر ۴:۳۳، ۳:۹۸، ۵:۱۰۰، ۳۰:۱۱۹، ارمیا ۵:۹، زکریا ۱۶:۸
- C. פמא (ایمان)، (BDB 53, KB 62) - سختی، استقامت، وفاداری
۵. دستان - خروج ۱۲:۱۷
۶. زمان - اشعیا ۳۳:۶
۷. انسانها - ارمیا ۳:۵، ۲۸:۷، ۲:۹
۸. خدا - مزامیر ۱۱:۴۰، ۱۱:۸۸، ۱:۸۹ و ۲ و ۵ و ۸، ۱۳۸:۱۱۹
- III. استفاده پولس از این مفهوم عهد عتیق
- C. پولس مبنای درک جدید خود از بیهوشی و عهد عتیق را در برخورد با عیسی در مسیر دمشق بنا نهاد (اعمال ۹:۱ الی ۱۹، ۲۲:۱۶ الی ۲۶:۹)
- D. او پشتیبانی عهد عتیق از درک جدید خود را در این دو متن کلیدی عهد عتیق یافت که از ریشه פמא (آمین) استفاده می کردند
۴. پیدایش ۱۵:۶ - ملاقات شخصی ابراهیم با خدا (پیدایش ۱۲) که منجر به زندگی اطاعت گونه از روی ایمان وی شد (پیدایش ۲۲-۱۲). پولس به این در رومیان ۴ و گالیسیان ۳ اشاره دارد
۵. اشعیا ۱۶:۲۸ - آنان که ایمان می آورند (یعنی خدا آنها را آزمایش کرد و سنگ بنایشان را نهاد) هرگز
- a. رومیان ۹:۳۳ "شرمنده" یا "نا امید" نخواهند شد
- b. رومیان ۱۰:۱۱: همانند بالا
۶. حقیق ۴:۲ - آنان که به خدای وفادار ایمان دارند پارسا زندگی می کنند (رجوع شود به ارمیا ۲۸:۷). پولس از این متن در رومیان ۱:۱۷ و غلاطیان ۳:۱۱ استفاده می کند (همچنین به عبرانیان ۱۰:۳۸ توجه کنید).
- IV. استفاده پطرس از مفهوم عهد عتیق
- C. پطرس اینها را ادغام می کند
۱. اشعیا ۸:۱۴ - اول پطرس ۲:۸ (سنگ لغزان)
۲. اشعیا ۱۶:۲۸ - اول پطرس ۲:۶ (سنگ بنا)
۳. مزامیر ۲۲:۱۱۸ - اول پطرس ۲:۷ (سنگی که رد کردند)
- D. او از زبان خاصی استفاده می کند که اسرائیل را توصیف کند، "نژاد منتخب، دیانت سلطنتی، قوم مقدس، مردمی برای مالکیت خاص خدا" در
۱. تثنیه ۱۰:۱۵، اشعیا ۴۳:۲۱
۲. مزامیر ۶:۶۱، ۲۱:۶۶

C. استفاده در عهد جدید

کلمه "ایمان" از کلمه یونانی *pisteuō* می‌آید که همچنین می‌تواند به "ایمان"، "باور" یا "اعتماد" ترجمه شود. برای مثال، به عنوان اسم در انجیل یوحنا استفاده نشده است ولی در قالب فعل اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲:۲۳ الی ۲۵ عدم قطعیتی در تعهد جمعیت نسبت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. سایر مثالها از این نوع کاربرد سطحی کلمه "ایمان" در انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹، و اعمال ۱۳:۱۳ و ۱۸ الی ۲۴ دیده می‌شود. ایمان واقعی انجیلی بیش از پاسخ اولیه است. باید همراه با یک فرایند شاگردی باشد (رجوع شود به انجیل متی ۱۳:۲۰ الی ۲۲ و ۳۱ و ۳۲).

D. استفاده به عنوان حرف اضافه

۱. *Eis* به معنی "در" است. این ساختار خاص تأکید بر این دارد که ایمانداران باید به عیسی اعتماد/ایمان داشته باشند.

a. در نام او (یوحنا ۱:۱۲، ۲:۲۳، ۳:۱۸، اول یوحنا ۱۳:۵)

b. در او (یوحنا ۲:۱۱، ۲:۱۵، ۳:۱۸، ۴:۳۹، ۶:۴۰، ۷:۵ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸:۳۰، ۹:۳۶، ۱۰:۴۲، ۱۱:۴۵ الی ۴۸، ۱۲:۳۷، متی ۱۸:۶، اعمال ۱۰:۴۳، فیلیپیان ۱:۲۹، اول پطرس ۱:۸)

c. در من (یوحنا ۶:۳۵، ۷:۳۸، ۱۱:۲۵ و ۲۶، ۱۲:۴۴ و ۴۶، ۱۴:۱ و ۱۲، ۱۶:۹، ۱۷:۲۰)

d. در پسر (یوحنا ۳:۳۶، ۹:۳۵، اول یوحنا ۵:۱۰)

e. در عیسی (یوحنا ۱۲:۱۱، اعمال ۱۹:۴، غلاطیان ۲:۱۶)

f. در نور (یوحنا ۱۲:۳۶)

g. در خدا (یوحنا ۱:۱۴)

۲. *ev* یعنی "به" آنطور که در یوحنا ۳:۱۵، مرقس ۱:۱۵ و اعمال ۵:۱۴ آمده است

۳. *epi* یعنی "این" یا "براساس" مانند انجیل متی ۲۷:۴۲، اعمال ۱۷:۱۱، ۹:۴۲، ۱۶:۳۱ و ۱۹:۲۲، رومیان ۴:۵ و ۲۴، ۹:۳۳، ۱۰:۱۱، اول تیموتائوس ۱:۱۶، اول پطرس ۲:۶

۴. به صورت دلخواه و بدون حرف اضافه در غلاطیان ۳:۶، اعمال ۸:۱۸، ۲۷:۱۵، اول یوحنا ۳:۲۳ و ۵:۱۰

۵. *hoti* که به معنی "باور کرد که" در متن می‌گوید که به چه باید باور کرد

a. عیسی محبوب مقدس و اول خداست (یوحنا ۶:۶۹)

b. عیسی همان من هستم است (یوحنا ۸:۲۴)

c. عیسی در پدر و پدر در عیسی است (یوحنا ۱۰:۳۸)

d. عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۳۱:۲۰)

e. عیسی پسر خدا است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۳۱:۲۰)

f. عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱:۴۲، ۱۷:۸ و ۲۱)

g. عیسی آن است که با پدر است (یوحنا ۱۴:۱۰ الی ۱۱)

h. عیسی از جانب پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۶:۲۷ و ۳۰)

i. عیسی در چهارچوب یک پیمان در خدا خود را معرفی می‌کند، "منم" (یوحنا ۸:۲۴ و ۱۳:۱۹)

j. با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۸:۶)

k. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالوکیان ۴:۱۴)

VI. جمع بندی

D. ایمان انجیلی پاسخی است به کلام/وعده الهی. خدا همیشه نخستین گام را برمی‌دارد (یعنی انجیل یوحنا ۴:۴۴ و ۶:۶۵)، ولی بخشی

از این ارتباط الهی نیازمند پاسخ انسان است (رجوع شود به موضوع خاص: پیمان).

۱. توبه (موضوع خاص: توبه را ببینید)

۲. ایمان/اعتماد (موضوعات خاص را ببینید)

۳. اطاعت

۴. استقامت (موضوع خاص: استقامت را ببینید)

E. ایمان انجیلی

۱. یک رابطه فردی است (ایمان اولیه)

۲. تائید حقیقت انجیلی است (ایمان به مکاشفه خدا، یعنی کتاب مقدس)

۳. پاسخ بصورت پیروی درست از آن (وفاداری روزانه)

ایمان انجیلی بلیط به بهشت یا یک بیمه نامه نیست. یک رابطه فردی است. هدف خلقت است، انسان با هدف و با دوست داشتن خدا خلق می‌شود (پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷). مسئله "صمیمیت" است. خدا خواهان دوستی است، نه یک مواجهه الهی خاص. ولی دوستی خدال متعال نیازمند فرزندان است که ویژگی "خانواده" را نشان می‌دهند. (یعنی تقدس، لاویان ۲:۱۹، متی ۵:۴۸، اول پطرس ۱:۱۵ و ۱۶). سقوط (پیدایش ۳) بر پاسخ مناسب ما تاثیر گذاشت. در نتیجه خدا از جانب ما عمل کرد (رجوع شود به حزقیال ۲۷:۳۶ الی ۳۸)، به ما "قلبی جدید" و "روحی جدید" داد، که ما را قادر می‌سازد از طریق ایمان و توبه با وی دوستی و از وی اطاعت کنیم!

هر سه اینها مهم و حیاتی هستند. هر سه باید انجام شوند. هدف شناخت خداست (با هر دو مفهوم عبری و یونانی) تا شخصیت او را در زندگیمان منعکس کنیم. هدف ایمان روزی به بهشت رفتن نیست، بلکه هر روز همانند مسیح بودن است!

F. وفاداری انسان نتیجه (عهد جدید) است، نه پایه (عهد عتیق) برای یک رابطه با خدا: ایمان انسان به وفاداری او، اعتماد انسان به

قابل اعتماد بودن او. قلب نگرش عهد جدید به رستگاری این است که انسان باید با برداشتن اولین گام پاسخ دهد و دائما به لطف و رحمت خدا که در عیسی است، پاسخ دهد. او دوست داشته است، او فرستاده است، او فراهم کرده است، ما باید با ایمان و وفاداری پاسخ دهیم (اشعیا ۸:۲ و ۹ و ۱۰)!

خداوند وفادار به مردم وفادار نیاز دارد تا خود را به جهان بی ایمان نشان دهد و آنها را با ایمان فردی بسوی خود آورد.

■ "اما برای من قضاوت شما یا قضاوت هر دادگاه انسانی دیگر چندان مهم نیست" پولس زیر حملات گروه‌های خاصی در قرن‌تس قرار داشته است (کودکان مسیحی، اول قرن‌تس ۳:۱، یا حتی گروه‌های یهودی مخالف شبیه به یهودی کنندگان در غلاطیان). برآورد آنان از مأموریت رسولی او در اولیت قرار نداشت، (هر چند که دردآور بود). دل نگرانی او چگونگی نگاه مردم به انجیل و کلیسا بود (اول قرن‌تس ۸:۱۳؛ ۹:۱۹-۲۳؛ ۱۰:۲۳، ۳۳؛ ۲ قرن‌تس ۴:۲؛ ۵:۱۱؛ رومیان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵).

■ "هر دادگاه انسانی" این عبارت اشاره به مراحل دادگاهی که در ۱۳:۳ در اشاره به دادگاه "الهی" در روز آخر مطرح شده بود، دارد (۱ قرن‌تس ۱:۸؛ ۵:۵). در حالیکه آیه ۴:۳ اشاره به *sarkinois* نموده (ایمانداران نابالغ در اول قرن‌تس ۳:۱)، این عبارت اشاره به *psuchikos* (مردم معمولی بدون روح) در اول قرن‌تس ۲:۱۴ دارد.

■ "من حتی خود نیز درباره‌ی خوب‌شدن قضاوت نمی‌کنم" بسیار دشوار است که کسی بتواند به لحاظ روحانی خود را آزمایش نماید. اغلب ایمانداران نسبت به خود خیلی سختگیر بوده در حالیکه نسبت به دیگران ساده برخورد می‌کنند. اغلب ما خود را با دیگر انسانها مقایسه می‌کنیم (دوم قرن‌تس ۱۰:۱۲-۱۸). ما باید اجازه دهیم که خداوند ما را داوری نماید (اول قرن‌تس ۴:۵). او می‌داند که قلب ما در چه موقعیتی قرار داشته شرایط ما را درک می‌کند (۱ سموئیل ۱۶:۷؛ ۱ پادشاهان ۸:۳۹؛ ۱ تواریخ ۲۸:۹؛ ۱۷:۱۰؛ لوقا ۱۶:۱۵؛ اعمال رسولان ۱:۲۴)

■ "زیرا در خود عیبی نمی‌بینم" پولس پیش از ایمان آوردن چنین احساسی نسبت به رابطه‌اش با شرع موسی داشت (اعمال ۲۳:۱؛ فیلیپیان ۳:۵-۶). روح باعث بر ملا کردن حرص او گردید (رومیان ۷:۷) و پولس به گناه محکوم گردیده و در اینجا بود که به دعوت خداوند به واسطه عیسی مسیح پاسخ داد (رومیان ۳:۱۹-۲۶). او در طول حیات خود زیر سایه رحمت خداوند همواره همچون یک مباحث به بشارت پرداخت. در پارادوکس رحمت خداوند، او همچون مباحثی که باید حساب پس داده و جوابگو باشد دارای وجدان و ضمیری صلح‌جو بود، اما فقط یک داور آسمانی در زمان آخرت می‌تواند ارزیابی مناسب و پاداشی در خور عطا نماید!

NASB, NRSV "تبرئه شده"

NKJV "توجیه شده"

TEV "بی‌گناه"

NJB "توجیه کنید"

این یک جمله مجهول اخباری می‌باشد. یک واژه حقوقی برای کسی که از تبعات جنایتی تبرئه گردیده است (رومیان ۳: ۲۴). بلحاظ الهیاتی شبیه به "هیچ محکومیتی" در رومیان ۸: ۱ و متن حقوقی رومیان ۸: ۳۱-۳۵ است. در این متن بمعنی این است که پولس از داوری الهی رها نخواهد بود (دوم قرن‌تینان ۵: ۱۰) حتی با وجودیکه وجدان او پاک بوده است.

▣ "بلکه خداوند است که دربارهٔ من قضاوت می‌کند" مباحثان نیز برای کارهای خود به خداوند جوابگو خواهند بود (اول قرن‌تینان ۲: ۴؛ ۳: ۱۱؛ دوم قرن‌تینان ۵: ۱۰؛ ۱۸: ۱۰).

۵:۴

NASB, NKJV

NRSV "بنابراین"

TEV "پس"

NJB "به این دلیل"

این آیه نتیجه بحث پولس بر روی این موضوع بوده، و فرمانی در ارتباط با سنجش‌های زودرس انسان می‌باشد.

▣ "دربارهٔ هیچ چیز پیش از وقت قضاوت نکنید" این جمله دستوری معلوم با حرف منفی بوده، که معمولاً بمعنی توقف عملی که در حال انجام است، می‌باشد (متی ۷: ۱-۵). این گروه‌های تفرقه‌انداز یا طرفداران معلمان دروغین اکنون پولس را مورد داوری قرار داده‌اند. پولس باید در طول این سالها بحرانهای زیادی را پشت سر گذاشته باشد (دوم قرن‌تینان ۱۰-۱۲).

▣ "تا اینکه خداوند بیاید" ظهور مسیح برای بار دوم قطعی است؛ زمان و چگونگی آن مشخص نیست. باید تا زمان مناسب، منتظر ارزشیابی حقیقی بمانیم (متی ۱۳: ۲۴-۳۰، ۳۶-۴۰).

▣ "او آنچه را که اکنون در تاریکی نهان است، در روشنایی عیان خواهد کرد" حتی ایمانداران نیز بابت برنامه‌هایشان، طرز برخورد و عوامل مسبب رفتارهایشان جوابگو خواهند بود (اول قرن‌تینان ۳: ۱۳؛ یوحنا ۳: ۱۷-۲۱؛ رومیان ۲: ۱۶؛ دوم قرن‌تینان ۵: ۱۰). پولس از همین کلمه "چیزهای پنهان" (*krupta*) بارها بهره برده بود.

۱. رومیان ۲: ۱۶ - "چیزهای پنهان انسان"

۲. ۱ قرن‌تینان ۴: ۲۶ - "چیزهای تاریک پنهان"

۳. ۱ قرن‌تینان ۱۴: ۲۵ - "چیزهای پنهان قلب"

۴. ۲ قرن‌تینان ۴: ۲ - "چیزهای پنهان شرم‌آور"

▣ "خدا هر کس را همانقدر که سزاوار است، تحسین خواهد نمود" این موضوع بر اساس قواعد غلاطیان ۷: ۶ دوباره تکرار شده است (ایوب ۳۴: ۱۱؛ مزمور ۶۲: ۱۲؛ جامعه ۱۴: ۱۲؛ ارمیا ۱۷: ۱۰؛ ۱۹: ۳۲؛ متی ۱۶: ۲۷؛ ۲۵: ۳۱-۴۰؛ رومیان ۲: ۱۶؛ ۱۴: ۱۲؛ ۱ قرن‌تینان ۳: ۸؛ ۲ قرن‌تینان ۵: ۱۰؛ ۱ پطرس ۱: ۱۷؛ مکاشفه ۲: ۲۳؛ ۲۰: ۱۲؛ ۲۲: ۱۲).

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۴: ۶-۷

"اگر اِپلِس و خودم را نمونه آوردم، برای این بود که مطلب روشنتر شود. مقصودم اینست که شما نباید میان ما فرق بگذارید و از بین ما که کلام خدا را به شما تعلیم می‌دهیم، یکی را بر دیگری ترجیح دهید و یا به یکی، بیش از دیگری افتخار کنید.^۷ چرا اینقدر به خود می‌بالید؟ مگر هر چه دارید، از خدا نیافته‌اید؟ پس در این صورت چرا طوری رفتار می‌کنید که گویی با تلاش خودتان چیزی را کسب کرده‌اید؟"

۶:۴

NASB "اِپلِس و خودم را نمونه آوردم"

NKJV "برای نمونه انتقال دادم"

NRSV, TEV,

NJB "اعمال کردم"

ترجمه عبارت یونانی "نمونه آوردن" (*meteschēmatisa*) که یک گزارشی معلوم آئوریستی می‌باشد) در این متن بسیار دشوار است. در سایر متون، فیلیپیان ۲:۳، حالت معلوم آن به معنای "تغییر شکل دادن"، و در دوم قرنتیان ۱۱:۱۳-۱۵، حالت میانی آن بمعنی "تغییر قیافه دادن" است. ایده اولیه تغییر دادن مجموعه‌ای از شرایط از یک گروه به گروه دیگر است. پولس خود و آپولس را بعنوان مثالهایی برای همه رهبران مطرح کرده است.

NASB	"که بواسطه ما یاد بگیرید که از آن چه نوشته شده، فراتر نروید"
NKJV	"که شاید یاد بگیرید که بوسیله ما فراتر از آنچه نوشته شده، فکر نکنید"
NRSV	"که شاید یاد بگیرید که بوسیله ما معنی "چیزی و رای آنچه نوشته شده" را فرا بگیرید"
TEV	"قوائد مناسب را مشاهده نمایید"
NJB	"هیچ چیزی فراتر از آنچه که نوشته شده نیست"

عبارت "نوشته شده" برای معرفی نقل قولهای عهد عتیق، زیاد استفاده شده است. در اینجا ظاهراً برای معرفی یک مثل شناخته شده بکار رفته است. ترجمه‌های احتمالی می‌تواند به شرح زیر باشند:

۱. مقدمه یک نقل قول از عهد عتیق (اول قرنتیان ۱:۱۹، ۳:۳۱؛ ۱۹:۳)
۲. شعار یکی از گروههای تفرقه‌افکن در قرن‌تس
۳. "مشاهده قوائد مناسب" (ایمانداران باید با تسلیم در برابر آنچه که نوشته شده زندگی نمایند):
 - a. بویژه آنانی که پولس در فصلهای ۱ تا ۳ به آنها اشاره کرده بود
 - b. همچون برخی معلمان دروغین یهودی، از آنچه که در کلام متن نوشته شده فراتر نروند

NASB	"تا هیچیک از شما بخاطر دیگری متکبر نگردید"
NKJV	"که هیچیک از شما نتواند در برابر دیگری تکبر کند"
NRSV	"پس تا هیچیک از شما بخاطر دیگری متکبر نگردد"
TEV	"هیچیک از شما به یک نفر فخر بفروشد و دیگری را خوار نماید"
NJB	"هیچ فردی در میان شما نباید با مهم دانستن خود مقایسه کردن، به دیگری زیان وارد نماید"

واژه یونانی *phusioō* در اصل بمعنی باد کردن یا باد به غبغب انداختن است (کتاب *Word Pictures in the New Testament*، نوشته Robertson، صفحه ۱۰۵، و کتاب *Word Studies* نوشته Vincent صفحه ۷۶۶ از *phusa* بمعنی غریو کردن). این عبارت در ادبیات مسیحیان (احتمالاً پایه‌گذار آن پولس بوده است) بصورت استعاره برای نشان دادن غرور و خود بزرگ‌بینی بکار رفته است. این یکی از مشکلات بزرگ روحانی برای کلیسای قرن‌تس بوده است. پولس این کلمه را در اول قرنتیان ۴:۶، ۱۸، ۱۹؛ ۵:۲؛ ۸:۱؛ ۱۳:۴ و همینطور در فهرست گناهان در دوم قرنتیان ۱۲:۲۰ بکار برده است. این لغت تنها در خارج از نامه‌های قرنتیان در عهد جدید و در کولسیان ۲:۱۸ بکار برده شده، در جایی که اشاره به دانش خاص رویاهای عرفانی شده است.

ایمانداران نباید خودخواهانه و از روی تکبر معلمان خاصی را بر معلمان دیگر ترجیح دهند. آنان باید گوینده را بواسطه مفهوم پیامی که منتشر می‌کند (۱ یوحنا ۴:۶-۱) و نحوه زندگی آنان (متی ۷:۱) مورد قضاوت قرار دهند، نه بر اساس زیبایی فن بیان یا شخصیت یا سوابق شخصی و یا حتی رهبرانی که خود را منصوب به آنان معرفی می‌نماید (استفاده از القاب).

۷:۴	
NASB	"برای چه خود را بزرگ می‌دانید"
NKJV	"چه چیزی شما را از دیگری متفاوت می‌کند"
NRSV	"چه کسی در شما چیز متفاوتی می‌بیند"
TEV	"چه کسی شما را بر دیگران ارجح کرده"
NJB	"چه کسی شما را مهم کرده"

ضمیر "شما" و افعال بکار برده شده در اول قرنتیان ۷:۴ جمع هستند، اما مفاد "هر-یک-از-شما" هنوز به قوت خود باقیست. کاربرد جمع "شما" در اول قرنتیان ۸:۴ نیز ادامه می‌یابد.

واژه مرکب یونانی *diakrinō* اغلب در اول قرنتیان به اشکال مختلف بکار برده شده است.

۱. برای ترجیح دادن در موضوعی یا مراجعه به مقام بالاتر (اول قرن‌تینان ۷:۴)
۲. برای داوری (اول قرن‌تینان ۵:۶)
۳. برای مرزبندی و تفکیک (اول قرن‌تینان ۲۹:۱۱)
۴. برای آزمایش (اول قرن‌تینان ۳۱:۱۱؛ ۲۹:۱۴)
۵. برای تمیز دادن چیزی (اسم از قالب *diakrisis* در اول قرن‌تینان ۱۰:۱۲)

واژه مرکب مرتبط با آن *anakrinō* است که در اول قرن‌تینان ۲:۱۵ بکار رفته است (دو بار)؛ ۴:۳، ۴ و ۲۴:۱۴. مراحل ارزیابی مناسب میان ایمانداران و رهبران و میان رهبران با یکدیگر برای کلیسای قرن‌تس بسیار حیاتی و مهم بود.

این شکل سوال و جواب از روشهای متداول آموزشهای پولس بود که به "زخم زبان" شهرت دارد. در عهد عتیق و تکنیکهای روحانیان یهودی (ملاکی) نیز رواج داشت. بنظر می‌رسد که پولس رهبران مغرور گروههای متفرق را مورد خطاب قرار داده است (احتمالاً کلیساهای خانگی).

■ "هر چه دارید، از خدا نیافته‌اید" پولس به این رهبران مغرور یادآوری می‌کنده که آنان کاشفان و سازندگان واقعیت نبوده، بلکه آن را از دیگر برنامه‌های بشارتی دریافت کرده‌اند.

■ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که تصور می‌گردد از دیدگاه نویسنده و یا بمنظور مقاصد ادبی، استفاده آن کاملاً بجا بوده است. این سومین سوال لفظی اول قرن‌تینان ۷:۴ است. برخی رهبران و پیروان آنها چنان عمل می‌کردند که گویی آنها سرمنشأ حقایقی هستند که از آن سخن می‌گویند. مشکل دیگر قرن‌تس خودپسندی بود (۱ قرن‌تینان ۱:۲۹، ۳:۳۱؛ ۴:۲۱؛ ۷:۴؛ ۱۳:۴). به موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۵:۶ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۸:۴-۱۳

^۸ شما تصور می‌کنید که تمام برکات روحانی را که لازم داشتید، به دست آورده‌اید و از لحاظ روحانی بی‌نیاز هستید. همچون سلاطین، بر تخت پادشاهی تکیه زده‌اید و ما را به کلی فراموش کرده‌اید! ای کاش که واقعاً بر تخت سلطنت نشسته بودید، زیرا در آن صورت ما نیز می‌توانستیم با شما سلطنت کنیم. ^۹ گاهی فکر می‌کنم که انگار خدا، ما رسولان را در انتهای صف قرار داده است، صف اسیران جنگی که محکوم به مرگ هستند و در مقابل انظار مردم، به دنبال سپاهیان پیروزمند حرکت می‌کنند؛ زیرا ما در معرض تماشای فرشتگان و مردم قرار گرفته‌ایم. ^{۱۰} شما به ما می‌گویید: «اعتقاداتان شما را تبدیل به افرادی احمق کرده است!» در صورتی که خودتان مسیحیانی دانا و باشعور هستید! ما ضعیفیم، اما شما قوی! همه ما را پست می‌شمارند، اما به شما احترام می‌گذارند! ^{۱۱} تا به این لحظه، همواره گرسنگی و تشنگی کشیده‌ایم؛ پوشاک نداشتیم تا خود را از سرما حفظ کنیم؛ مورد بد رفتاری قرار گرفته‌ایم؛ و آواره و بی‌خانمان بوده‌ایم. ^{۱۲} با دستهای خود، کار کرده و زحمت کشیده‌ایم تا زندگی خود را تأمین کنیم. هر که ما را لعنت کرد، برای او دعای خیر کردیم. هر که ما را آزار رساند، تحمل کردیم. ^{۱۳} وقتی به ما توهین کردند، با ملایمت جواب دادیم. با این حال، همچون زباله و تفاله با ما رفتار می‌شود.

۸:۴-۱۳ ریشخند تکان‌دهنده!

۸:۴

NASB "بی‌نیاز هستید"

NKJV "لبریز هستید"

NRSV "از پیش هر آنچه را که خواسته‌اید بدست آورده‌اید"

TEV "آیا هر آنچه را که نیاز داشتید، بدست آوردید"

NJB "صاحب همه چیز هستید"

ضمیر "شما" در اول قرن‌تینان ۸:۴، ۱۰ بصورت جمع بکار برده شده است. واژه "بی‌نیاز" ("لبریز" در نسخه انگلیسی) معمولاً برای خوردن چیزی بمفهوم سیر شدن بکار می‌رود (اعمال ۲۷:۳۸)، اما در اینجا یک استعاره (متی ۵:۶) برای نشان دادن غرور روحانی است. آیه ۸ می‌تواند شامل سه سوال (TEV) یا سه اظهار نظر (NASB, NKJV, RSV, REB) بوده باشد. اینها مجموعه‌ای از سخنان نیشدار یا سوالاتی که باعث عیان کردن غرور رهبران متفرق قرن‌تسی می‌گردد، هستند. (دارای ضوئد مجهول کامل)، اما پولس آرزو می‌کرد که آنان رسیده باشند، اما حقیقت نداشت، اعمال آنها نشان دهنده میزان بلوغ آنان بود (کودکان در مسیح).

□ "سلاطین... تخت پادشاهی" پولس با تصویر کشیدن دنیای پس از مرگ، سعی در تکان دادن رهبران خودپسند و خود-شایسته‌پندار داشت. همه ایمانداران در راه مسیح در پادشاهی مسیح سهیم هستند، اما پس از بازگشت دوم او. این رهبران خود را از پیش صاحب این پادشاهی می‌دانستند.

۹:۴ "انگار خدا، ما رسولان را در انتهای صف قرار داده است، صف اسیران جنگی که محکوم به مرگ هستند" این آیه تصویری برداشته شده از رژه جشن پیروزی روم است (کولسیان ۲: ۱۵)، در زمانیکه زندانیان محکوم در پایان این رژه به نمایش گذاشته می‌شوند (این زندانیان معمولاً در میدان مسابقات روم کشته می‌شدند، اول قرن‌تین ۱۵: ۳۲).

موضوع خاص: فرستادن (apostellō)

(Special Topic: Send (apostellō), From Which Comes "Apostle")

این یک اصطلاح متداول یونانی برای فرستادن است (یعنی *apostellō*) که چندین کاربرد الهیاتی دارد:

۱. در یونانی کلاسیک و در میان روحانیون به مفهوم فراخواندن و فرستادن یک نماینده رسمی از طرف شخص دیگری است، همانند سفیر در انگلیسی (*ambassador*) (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۵: ۲۰)
۲. اناجیل معمولاً از این فعل در مورد عیسی استفاده می‌کنند که از سوی پدر فرستاده شده است. در انجیل یوحنا این اصطلاح مفهوم مسیحانه‌ای دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۰، ۱۵: ۲۴، انجیل مرقس ۹: ۳۷، انجیل لوقا ۹: ۴۸ و بخصوص انجیل یوحنا ۳: ۳۶ و ۵: ۳۸، ۶: ۲۹ و ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱ - هم اصطلاح *apostle* و هم مترادف آن *pempō* در آیه ۲۱ استفاده شده‌اند). در مورد عیسی که ایمانداران را می‌فرستد، استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۸، ۲۱: ۲۰ - هم اصطلاح *apostle* و هم مترادف آن *pempō* در آیه ۲۱: ۲۰ استفاده شده‌اند).
۳. در عهد جدید حالت اسم *apostle* برای شاگردان استفاده شده است
 - a. دوازده شاگرد حلقه داخلی شاگردان (انجیل مرقس ۳: ۳۰، انجیل لوقا ۶: ۱۳، اعمال رسولان ۱: ۲ و ۲۶)
 - b. گروه خاص شاگردان کمک کننده و همکارانشان
 - i. برنابا (اعمال رسولان ۱۴: ۴ و ۱۴)
 - ii. اندرونیکوس و جانیکوس (KJV, *Junia*، مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۷)
 - iii. آپولس (اول قرن‌تین ۴: ۶ الی ۹)
 - iv. یعقوب برادر خداوند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۹)
 - v. سیلوانوس و تیموتی (اول تسالونیکیان ۲: ۶)
 - vi. احتمالاً تیتوس (دوم قرن‌تین ۸: ۲۳)
 - vii. احتمالاً اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵)
 - c. هدیه‌ای به کلیسا (اول قرن‌تین ۱۲: ۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴: ۱۱)
۴. پولس از این عنوان برای خودش برای تصریح اقتدارش به عنوان نماینده مسیح در اکثر نامه‌هایش استفاده می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱، اول قرن‌تین ۱: ۱، دوم قرن‌تین ۱: ۱، غلاطیان ۱: ۱، افسسیان ۱: ۱، کولسیان ۱: ۱، اول تیموتائوس ۱: ۱، دوم تیموتائوس ۱: ۱، تیتوس ۱: ۱)
۵. مسئله‌ای که ما به عنوان ایمانداران مدرن با آن مواجه هستیم این است که عهد جدید هرگز مشخص نکرده است که این هدیه‌ای که از آن صحبت می‌کند چیست یا شامل چیست و چگونه مومن می‌تواند آن را شناسایی کند. بدیهی است فرد باید میان دوازده شاگرد اصلی (۳ الف) و کاربرد بعدی (۳ ب) بتواند تمایز قائل شود. اگر فرستادگان مدرن تحت الهام نباشند که کتب جدیدی بنویسند (مراجعه شود به یهودا آیه ۳) پس آنها چه کاری می‌کنند که متفاوت با پیامبران عهد جدید و یا مبشرین است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱)؟ اینها احتمالات من هستند
 - a. آغازگران کلیسای بشارتی در مناطقی که بشارت انجام نشده
 - b. رهبران شبانها در مناطق خاص
 - c. ؟

من شماره ۱ را ترجیح می‌دهم

□ "ما در معرض تماشای فرشتگان و مردم قرار گرفته‌ایم" در اینجا پولس اشاره به وظیفه خطیر موعظه انجیل اشاره می‌کند (دوم قرن‌تین ۷:۴-۱۲:۶؛ ۳:۱۰؛ ۱۱:۲۳-۳۰).

عبارت "فرشتگان" می‌تواند مرتبط باشد با افسسیان ۷:۲؛ ۳:۱۰. خداوند خود را بوسیله کارهایش در قبال انسانها به دنیای فرشتگان آشکار کرد (۱ پطرس ۱:۱۲).

□ "اعتقاداتان شما را تبدیل به افرادی احمق کرده است" حکمت خداوند برای این دنیا حماقت است، حتی بعضی اوقات برای مسیحیان خودپسند. برای مطالعه بیشتر در رابطه با موضوع "احمق" به یادداشت اول قرن‌تین ۱:۲۵ و موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱۵:۳۶ مراجعه نمایید.

□ "در صورتی که خودتان مسیحیانی دانا و باشعور هستید! ما ضعیفیم، اما شما قوی! همه ما را پست می‌شمارند" این نیشخند زهرآمیز از اول قرن‌تین ۷:۴-۹ ادامه دارد.

□ "ضعیف" به موضوع خاص: ضعف در دوم قرن‌تین ۱۲:۹ مراجعه نمایید.

□ ۱۱:۴ "تا به این لحظه، همواره گرسنگی و تشنگی کشیده‌ایم؛ پوشاک نداشته‌ایم تا خود را از سرما حفظ کنیم؛ مورد بدرفتاری قرار گرفته‌ایم؛ و آواره و بی‌خانمان بوده‌ایم" این آیه تجربه شخصی پولس را بازتاب می‌دهد (دوم قرن‌تین ۷:۴-۱۲:۶؛ ۳:۱۰ و ۱۱:۲۳-۳۰، همچنین به عبرانیان ۱۱:۳۴-۳۸ نیز توجه نمایید). او اول قرن‌تین را از افسسوس نوشت.

□ "با دستهای خود، کار کرده و زحمت کشیده‌ایم" این آیه تأکید بر کار بوسیله دست توسط یهودیان دارد (اعمال ۱۸:۳؛ ۲۰:۳۴؛ ۱ تسالونیکیان ۲:۹؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۸). فرهنگ یونانی و البته کلیسای قرن‌تس به این امر بهای کمی می‌داد.

□ "هر که ما را لعنت کرد، برای او دعای خیر کردیم" پولس در اینجا آموزه‌های عیسی را به نمایش می‌گذارد (متی ۵:۱۰-۱۲؛ ۱ پطرس ۲:۲۳). واژه "تفرین کردن" (*loidoreō*) نیز از جمله گناهانی است که در اول قرن‌تین ۵:۱۱ و ۶:۱۰ آمده است (*loidoros*). Vincent در کتاب *Word Studies* می‌گوید، این واژه اشاره به آزار لفظی داشته، در حالیکه واژه "تهمت زدن" (*dusphēmō*) اول قرن‌تین ۴:۱۳ بمعنی بدگویی عمومی است (اول قرن‌تین ۴:۱۳؛ دوم قرن‌تین ۸:۶). من قادر نبودم که این وجه تمایز را تأیید کنم. هر دوی این واژگان بخش بزرگی از واژگان کوبین یونانی بوده که در زمره "توهین و افترا" طبقه‌بندی می‌گردند (کتاب *Greek-English Lexicon* نوشته Louw and Nida جلد ۱ صفحات ۴۳۳-۴۳۴). پولس تجربه آزار لفظی را توسط بسیاری از معلمان دروغین داشت، اما این کلیسای قرن‌تس بود که باید بیش از همه او را آزار داده باشد. گروهی از مردمانی که او شخصاً آنها را به سوی مسیح هدایت کرده و بیشترین توهینها را نیز از همانها شنیده بود.

□ ۱۳:۴ "ملایمت" به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تین ۱:۴-۱۱ مراجعه نمایید.

NASB "ما تبدیل به زباله‌های دنیوی و تفاله‌ی همه چیز شده‌ایم"

NKJV "ما را به کثافات دنیوی و آشغالهای دور انداختنی مبدل کرده‌اند"

NRSV "ما به سان خاکروب‌های دنیا شده‌ایم، تفاله‌ی همه چیز"

TEV "ما چیزی بیش از آشغالهای دنیوی نیستیم، ما تفاله‌ی زمین هستیم"

NJB "همچون زباله و تفاله با ما رفتار می‌شود"

این پاراگراف (اول قرن‌تین ۸:۴-۱۳) درد شخصی ناشی از موعظه انجیل پولس را نشان می‌دهد. او حس می‌کرد که تنها بواسطه بی‌ایمانی، بلکه این رهبران خودپسند قرن‌تسی نیز پس زده شده و مورد توهین قرار گرفته است.

اولین عبارت "زباله دنیا" اشاره به آنچه که پس از شستن لوازم آشپزی در آشپزخانه باقی مانده دارد. معنی اصلی آن "شستن همه طرفهای ظرف" است. در تعریف معانی چنین واژگان مترادفی، اصل سوال پولس که بصورت استعاره مطرح کرده بسیار دشوار است.

۱. چنانچه او از پیشزمینه عهد عتیق آنگونه که در ترجمه یونانی بیان شده استفاده کرده باشد، نسخه Septuagint، پس این واژه بمنظور زدودن و

متعاقب آن فدیة دادن بکار برده شده است (امثال ۲۱:۱۸). Damker و Bauer, Arndt, Gongrich در کتاب *Greek English Lexicon* صفحه

۶۴۷ و A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures* صفحه ۱۰۸ می‌گویند که این واژه را باید بصورت "کسی که قربانی و فدای دیگران می‌شود"

درک نمود، احتمالاً این برداشت را از نحوه کاربرد آن در Tobit 5:19 گرفته‌اند.

۲. چنانچه او از پیشزمینه یونانی بهره برده باشد، پس دو واژه در اول قرن‌تینان ۱۳:۴ مترادف آنچه که بوسیله پاک کردن، حذف می‌شود می‌توان تعریف کرد.

۳. اگر او این واژگان را بصورت استعاره استفاده می‌کند، پس هر دو فقط اشاره به بشریت دارند (Bauer, Arndt, Gongrich و Damker در کتاب *Greek English Lexicon* صفحه ۶۵۳).

دومین عبارت "پس مانده همه چیز" (در نسخه انگلیسی) نیز اشاره به هر آنچه که پس از پاک کردن باقی می‌ماند دارد. این دو واژه مترادف هستند. اینها واژگان پرمعنایی هستند اما بصورت استعاره و اصطلاح بکار برده شده‌اند. احتمالاً برای ما بیش از اندازه پر معنا و غرض هستند زیرا ما بندرت از آنها استفاده می‌کنیم. اینها به محتوای استحضای پولس کمک زیادی می‌کنند.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۱۴:۴-۲۱

۱۴ من این مطالب را نمی‌نویسم تا شما را خجل سازم، بلکه می‌خواهم شما را مانند فرزندان عزیز خود، نصیحت و راهنمایی کنم. ^{۱۵} زیرا اگر چه هزاران معلم روحانی داشته باشید، اما فقط یک پدر دارید و آن هم منم، چون من بودم که پیام انجیل را به شما رساندم و شما را به سوی مسیح هدایت نمودم. ^{۱۶} پس به شما التماس می‌کنم که از من سرمشق بگیرید و مانند من رفتار کنید. ^{۱۷} به همین دلیل «تیموتاؤس» را می‌فرستم تا در این امر به شما کمک کند. او از کسانی است که بوسیله من به مسیح ایمان آورده و برایم همچون فرزندی عزیز و قابل اعتماد است. او تعالیمی را که من همه جا، در کلیساها می‌دهم، به یاد شما خواهد آورد. ^{۱۸} می‌دانم که بعضی از شما مغرور شده‌اید، چون فکر می‌کنید که من می‌ترسم نزد شما بیایم و با شما روبرو شوم. ^{۱۹} اما من خواهم آمد، و اگر خدا بخواهد بزودی خواهم آمد تا ببینم آیا این اشخاص مغرور، فقط می‌توانند سر و صدا راه بیندازند، یا اینکه واقعاً صاحب قدرتی از جانب خدا هستند. ^{۲۰} زیرا وقتی کسی ادعا دارد که خدا در قلب او سلطنت می‌کند، باید با اعمال خود آن را نشان دهد، نه فقط با سخنان خود. ^{۲۱} حال، خود انتخاب کنید، آیا ترجیح می‌دهید برای تنبیه و سرزنش نزد شما بیایم، یا با محبت و تواضع؟

۱۴:۴ "من این مطالب را نمی‌نویسم تا شما را خجل سازم" آیات ۹-۱۳ بسیار طعنه‌آمیز بود. پولس احساس می‌کرد که آنان باید خجالت کشند (اول قرن‌تینان ۵:۵؛ ۱۵:۳۴). مشخص نیست که این پاراگراف (اول قرن‌تینان ۱۴:۴-۲۴) اشاره به عقب (فصلهای ۱-۴) یا جلو دارد. آنان در بسیاری موارد باید شرمسار باشند.

□ "بلکه می‌خواهم شما را مانند فرزندان عزیز خود، نصیحت و راهنمایی کنم" در اینجا پولس از استعاره‌ی آموزش کودکان برای تشویق قرن‌تینان استفاده می‌کند (افسیان ۴:۶). این یک واژه مرکب یونانی است ("ذهن" بعلاوه "قرار دادن") که برای یادآوری بکار می‌رود (اول قرن‌تینان ۱۰:۱۱ و تیتوس ۳:۱۰). واژه مرتبط با آن ("با" بعلاوه "یادآوری") در اول قرن‌تینان ۱۷:۴؛ ۱۱:۲۴-۲۵؛ دوم قرن‌تینان ۷:۱۵ بکار رفته است.

۱۵:۴ "اگر" این یک جمله شرطی بوده که بمعنی عملی احتمالی می‌باشد.

NASB "استادان بی‌شمار"

NKJV "ده هزار معلم"

NRSV, TEV "ده هزار مراقب"

NJB "ده هزار برده برای مراقبت از شما"

در اینجا منظور "مربی برده‌ها" است (غلاطیان ۳:۲۴). این بردگان مسئول همراهی فرزندان پسر بزرگتر به مدرسه، آموزش آنها در خانه و مراقبت آنان از خطر بودند.

□ "پدران... پدر" این استعاره پولس برای تعریف از خود بعنوان یک مبشر مسیحیت است که آنان را به سوی مسیح و ایمان هدایت می‌نماید. این عبارات مستحق کرنش و حق تقدم هستند!

۱۶:۴ "پس به شما التماس می‌کنم که از من سرمشق بگیرید" این جمله دستوری زمان حال است. ما واژه انگلیسی "mimic" را از این واژه یونانی بمعنی "مقلد" گرفته‌ایم. پولس با ایمان زندگی کرد (اول قرن‌تینان ۱۱:۱؛ فیلیپیان ۳:۱۷؛ ۴:۹؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۶؛ ۳:۹) و این رهبران این کلیسای قرن‌تسی را نیز به همین گونه زندگی دعوت کرد.

□ "سرمشق" به موضوع خاص: آسایش در اول قرن‌تینان ۱۰:۱ مراجعه نمایید.

۱۷:۴ "تیموتائوس را می فرستم" ما درباره این موضوع هیچ اطلاعاتی در انجیل نداریم. تیموتائوس در اولین سفر پولس به مسیح ایمان آورد و بعنوان دستیار او استخدام گردید. او به دوست مورد اعتماد، همراه، همکار و نماینده رسولی پولس تبدیل گردید. فرستادن تیموتائوس نشان دهنده اهمیت و علاقه پولس به این کلیسا است. اما پولس نگران است که چگونه برخی در این کلیسا ممکن است با دوست جوان و نماینده شخصی او برخورد نمایند (اول قرنتیان ۱۶:۱۰-۱۱). به موضوع خاص: تیموتائوس در دوم قرنتیان ۱:۱ رجوع نمایید.

□ "تعالیمی را که من همه جا، در کلیساها می دهم" پولس می خواست تأکید کند که کلیسای قرنتیان آموزه‌هایی مشابه سایر کلیساها دریافت خواهد کرد (اول قرنتیان ۷:۱۷؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۴:۳۳). آنها خاص یا پیشرفته نبودند. آنها نمی توانستند با دیگران تفاوت داشته یا از درجه بالاتری برخوردار باشند. به موضوع خاص کلیسا در اول قرنتیان ۲:۱ رجوع نمایید.

۱۸:۴-۲۱ این آیات برنامه سفرهای آتی پولس است، آنگونه که به قرنتس مربوط می گردند. او بدین دلیل اینکار را می کند که برخی در کلیسا از نبود او برای حمله استفاده می کردند (اول قرنتیان ۴:۱۸). آنها تصریح می کردند که (۱) عدم حضور پولس نشانه‌ای برای عدم توجه او به این کلیسا بود و یا (۲) او هرگز به قولهای خود جامه عمل نپوشاند.

۱۸:۴ "بعضی از شما مغرور شده‌اید" پولس در این فصل سه بار از این عبارت (اول قرنتیان ۴:۶، ۱۸، ۱۹) و چندین بار دیگر در نامه‌هایی که به قرنتیان نوشت، استفاده کرده است اول قرنتیان ۵:۲؛ ۸:۱؛ ۱۳:۴ و دوم قرنتیان ۱۲:۲۰). این یک مشکل خاص برای این کلیسا بود. به یادداشت اول قرنتیان ۶:۴ مراجعه نمایید.

۱۹:۴ "من خواهم آمد" پولس دوباره بازگشت تا کلیساهایی را که شروع کرده بود، مستحکم سازد (اول قرنتیان ۱۱:۳۴؛ ۱۶:۵). پولس می خواست بسوی آنان آید اما زندگی او متعلق به او نبود. او باید مسیری را که روح القدس برای او تعریف کرده بود، دنبال نماید (اعمال ۱۶:۶).

□ "اگر خدا بخواهد" این جمله شرطی از نوع سوم است، که بمعنی احتمال رویدادن عملی است. اینها برای پولس عباراتی بی معنا نبودند (اول قرنتیان ۷:۱۶؛ اعمال ۱۸:۲۱؛ رومیان ۱:۱۰؛ ۱۵:۳۲).

NASB "تا قدرت آنها را بفهمم، نه کلام آنان که خودبین هستند"

NKJV "و خواهم دانست، نه کلام آنان که از غرور باد کرده‌اند، بلکه قدرت آنها را"

NRSV "و از قدرت آنها اطلاع خواهم یافت، نه آنچه که این مردم خودپسند می گویند"

TEV "و سپس برای آگاهی خود خواهم دانست قدرتی را که این مردمان مغرور دارند، و نه آنچه را که می گویند!!"

NJB "و بعد نمی خواهم بدانم که این مردم خود مهم‌بین چه می گویند، بلکه چه قدرتی دارند"

۲۰:۴ "پادشاهی خدا" آنقدر که مسیح از این عبارت استفاده کرد، پولس بهره نبرد (بیشتر در اناجیل). این عبارت اشاره به سلطنت خدا در قلب انسانها دارد (رومیان ۱۴:۱۷)، که در نهایت روزی همانگونه که در آسمانها وجود دارد، در سرتاسر زمین نیز گسترش خواهد یافت (متی ۶:۱۰). پولس از این عبارت بیشتر در اول قرنتیان استفاده کرده (اول قرنتیان ۴:۲۰؛ ۶:۹؛ ۱۵:۲۴، ۵۰) تا سایر نوشته‌هایش. این ایمانداران لازم بود بدانند که آنها بخشی از یک جامعه بزرگتر مسیحی هستند (اول قرنتیان ۱۷:۴).

موضوع خاص: پادشاهی خدا

(Special Topic: The Kingdom Of God)

در عهد عتیق یهوه به عنوان پادشاه اسرائیل تصور می شد (مراجعه شود به اول سموئیل ۸:۷، مزمور ۱۰:۱۶، ۷:۲۴ الی ۹، ۱۰:۲۹، ۴:۴۴، ۱۸:۸۹، ۳:۹۵، اشعیا ۱۵:۴۳، ۶:۴۴) و مسیح به عنوان پادشاه ایده‌ال معرفی می گشت (مراجعه شود به مزمور ۲:۶، اشعیا ۹:۶ الی ۷، ۱۱:۱ الی ۵). با تولد عیسی در بیت‌الحم (۶ الی ۴ قبل از میلاد) پادشاهی خدا با قدرت جدید و رستگاری ("پیمان جدید"، مراجعه شود به ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۷ الی ۳۶) وارد تاریخ انسانی شد.

۱. یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی خدا را اعلام کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۲، انجیل مرقس ۱:۱۵).

۲. عیسی به وضوح تعلیم می داد که پادشاهی در او و در تعالیم او هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱۷ و ۲۳، ۷:۱۰، ۲۸:۱۲، انجیل لوقا ۹:۱۰ و ۱۱، ۲۰:۱۱، ۲۱:۱۷، ۳۱:۲۱ الی ۳۲). با این حال، پادشاهی در آینده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶:۲۸، ۱۴:۲۴، ۲۹:۲۶، انجیل مرقس ۹:۱، انجیل لوقا ۳۱:۲۱، ۱۶:۲۲ و ۱۸).

در همسوهایی سایر اناجیل در انجیل مرقس و انجیل لوقا عبارت "پادشاهی خدا" را می‌بینیم. این موضوع متداول در تعالیم عیسی بود که شامل قلمرو حال حاضر در قلب انسان، که روزی در تمامی زمین تحقق خواهد یافت بود. این در دعای عیسی در انجیل متی ۶:۱۰ منعکس شده است. متی، در نوشته‌هایش برای یهودیان ترجیح داد که از نام خدا استفاده نکند و به جای آن عبارت "پادشاهی بهشت" را استفاده کرد، در حالیکه مرقس و لوقا که برای پیروان سایر ادیان و کفار می‌نوشتند، از عنوان متداول، که نام خدا بود استفاده کردند.

این یک عبارت کلیدی در سایر اناجیل است. عیسی در اولین و آخرین موعظه‌اش، و بیشتر تمثیلهایش، روی این موضوع صحبت می‌کرد. اشاره به قلمرو حکومت خدا در حال حاضر در قلب انسانها دارد! حیرت‌انگیز است که یوحنا از این عبارت فقط دو مرتبه استفاده کرده است (و هرگز در تمثیلهای عیسی نیآورده است). در انجیل یوحنا، حیات جاویدان استعاره کلیدی است.

دو بار آمدن عیسی در این عبارت تنش ایجاد می‌کند. عهد عتیق فقط بر یک مرتبه آمدن مسیح تمرکز دارد - یک آمدن نظامی، داوری کننده و باشکوه - ولی عهد جدید آمدن او را در مرحله اول به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و پادشاه فروتن زکریا ۹:۹ نشان می‌دهد. دو عصر یهود (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه کنید) عصر شرارت و عصر پارسایی و صداقت همپوشانی می‌شوند. عیسی در حال حاضر در قلبهای ایمانداران حکومت می‌کند، ولی روزی بر تمامی مخلوقات حکومت خواهد کرد. او همان گونه که عهد عتیق پیش‌گویی کرده خواهد آمد (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹)! ایمانداران در پادشاهی خدا که از "قبل وجود داشته" در برابر "هنوز نیامده" زندگی می‌کنند (مراجعه شود به Gordon D. Fee and Douglas *Stuart's How to Read The Bible For All Its Worth* صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

□ "با اعمال خود آن را نشان دهد، نه فقط با سخنان خود" این همان ضرب‌المثل "دو صد گفته چون نیم کردار نیست" می‌باشد.

۲۱:۴ "چوب" این عبارت اشاره به چوب معلم دارد که شاگرد را تنبیه می‌کند (اول قرن‌تین ۱۵:۴). کلیسا باید تصمیم می‌گرفت که پولس را بعنوان پدری تأدیب‌گر ببیند یا بخشنده. کردار آنان نتیجه را رقم می‌زد.

□ "روح تواضع" Robert Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament* بحث جالبی درباره کاربرد "روح" در عهد جدید دارد (صفحات ۶۱-۶۳).

۱. ارواح شیطانی

۲. روح انسانی

۳. روح القدس

۴. چیزهایی که روح در انسان بوجود می‌آورد

a. "روح مقابله با بردگی در برابر روح رهاسازی" - رومیان ۸:۱۵

b. "روح تواضع" - اول قرن‌تین ۴:۲۱

c. "روح ایمان" - دوم قرن‌تین ۴:۱۳

d. "روح حکمت و مکاشفه در دانش از خداوند" - افسسیان ۱:۱۷

e. "روح ترسو نبودن در برابر عشق، قدرت و انضباط" - ۲ تیموتائوس ۱:۷

f. "روح خطا در برابر روح حقیقت" - ۱ یوحنا ۴:۶

به یادداشت "روح" در دوم قرن‌تین ۴:۱۳ مراجعه نمایید.

The Jerome Bible Commentary, NT صفحه ۲۶۰ ذکر می‌کند که آخرین جمله در اول قرن‌تین ۴:۲۱ می‌تواند کنایه‌ای به ایوب ۳۷:۱۳ باشد.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. چرا ایمانداران نباید خود را مورد داوری قرار داده و اجازه دهند دیگران آنها را مورد داوری قرار دهند؟ این موضوع چگونه به شاهد مسیحیت ما مرتبط می‌گردد؟

۲. چرا پاراگراف آیات ۶-۱۳ درباره نیروهای محرکه و مدل زندگی مبشرین امروزی سخن می‌گوید؟

۳. واژه "پادشاهی خدا" را تعریف کنید.

۴. عبارات طعنه‌آمیز پولس را در این فصل یافته و توضیح دهید.

اول قرن‌تیاں ۵

بخش‌های پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
		بی‌نظمی در قرن‌تس (۱:۵ - ۶:۲۰)		
داوری در برابر بی‌عفتی	بی‌عفتی حرمت کلیسا را می‌شکند	موردی از انضباط در کلیسا	بی‌عفتی در کلیسا	زنا در قرن‌تس
۸ - ۱:۵	۵۸ - ۱:۵	۲ - ۱:۵ ۵ - ۳:۵ ۸ - ۶:۵	۵ - ۱:۵ ۸ - ۶:۵	۵ - ۱:۵ ۸ - ۶:۵
	بی‌عفتی باید مورد داوری قرار گیرد			
۱۳ - ۹:۵	۱۳ - ۹:۵	۱۳ - ۹:۵	۱۱ - ۹:۵ ۱۱ - ۱۲:۵	۱۳ - ۹:۵ ۱۳:۵

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

پیشزمینه الهیاتی نسبت به انضباط مسیحیان

- A. این یکی از چندین مورد در عهد جدید است که درباره انضباط در کلیسا بحث می‌کند (اول قرن‌تیاں ۲:۵، ۷، ۱۳؛ دوم قرن‌تیاں ۲:۵-۷؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۱۴-۱۵؛ ۱ تیموتائوس ۱:۲۰؛ تیتوس ۳:۱۰)
- B. انضباط کلیسا سه هدف را دنبال می‌کند.
 ۱. برای حفظ شهرت و یکپارچگی کلیسای محلی
 ۲. برای کمک به شاگردان و بازسازی خطای برادران و خواهران در عهد (دوم قرن‌تیاں ۲:۵-۱۱؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۱۴-۱۵)
 ۳. برای برحذر داشتن دیگر مسیحیان از گناه (۱ تیموتائوس ۵:۲۰)
 - C. برای بوجود آمدن آن صحنه آماده شده است.
 ۱. اول، مواجهه شخصی و در صورت عدم موفقیت، قطع ارتباط (متی ۱۸:۱۵؛ غلاطیان ۶:۱؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۱۴-۱۵؛ تیتوس ۳:۱۰)
 ۲. دوم، مواجهه گروه کوچکتر (متی ۱۸:۱۶)
 ۳. سوم، جدا شدن از همکاری با مسیحیان (متی ۱۷:۱۸؛ اول قرن‌تیاں ۵:۱؛ ۱ تیموتائوس ۱:۲۰)
 ۴. همیشه باید هدف خود را توبه و بازبایی روح در نظر بگیرید، نه اینکه فقط به محصور کردن و تنبیه بیانید (دوم قرن‌تیاں ۲:۶-۸؛ غلاطیان ۱:۶).

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۵: ۱-۲

شنیده‌ام که در میان شما رسوایی بزرگی روی داده است، و فسادی اتفاق افتاده که در میان مردم خدانشناس هم دیده نمی‌شود! شنیده‌ام که یکی از اعضای کلیسای شما، با زن پدر خود زندگی می‌کند! آیا باز هم به روحانی بودن خود می‌بالید؟ چرا از غصه و شرم، عزا نمی‌گیرید؟ چرا این مرد را از کلیسای بیرون نمی‌کنید؟

۱: ۵ "در واقع گزارش شده که" (متن انگلیسی) واژه انگلیسی "در واقع" از لغت یونانی *holōs* گرفته شده که شکلی نادر بوده و بارها در اول قرن‌تینان تکرار شده است (اول قرن‌تینان ۵: ۱؛ ۶: ۷؛ ۱۵: ۲۹). این واژه از *holos* گرفته شده که بمعنی "کاملاً، جمعاً، روی هم رفته" می‌باشد. این شکل نادر معنی "عموماً اینطور فهمیده شده" نیز می‌دهد (NJB). این امر می‌تواند یکی از دلایلی باشد که پولس بابت این رسوایی قبیح، عصبانی بوده است. کلیسای قرن‌تس در چنین رسوایی می‌درخشید و بشدت به کلیساهای دیگر نیز در حال سرایت کردن بود. پولس باید به این امور خارج از عرف و رفتار این کلیسا بگونه‌ای برخورد می‌کرد که کمترین اثر منفی را بر روی سایر کلیساهای بگذارند (خمیرمایه انضباطی، اول قرن‌تینان ۵: ۶-۸).

□ "رسوایی" (واژه انگلیسی: "فساد، بی‌عفتی") این واژه از مترادف یونانی "*porneia*" گرفته شده که واژه عمومی برای بی‌بند و باری جنسی است. ما واژه پورنوگرافی را در زبان انگلیسی از همین واژه یونانی گرفته‌ایم. قرن‌تس یونانی بدلیل بی‌قیدی در مسائل جنسی معروف بود. حتی غیر مسیحیان نیز بدلیل رفتارهای اجتماعی قرن‌تینان دچار شوک می‌شدند. به کتاب *After Paul Left Corinth* نوشته Bruce W. Winter مراجعه نمایید. در عهد عتیق میان مرزی میان "زنا با محارم" و "روسپیگری" وجود داشت (هیچکدام متأهل نباشند)، اما در ادبیات کوبین یونانی چنین نیست (اعمال ۱۵: ۲۰، ۲۹). این واژه اشاره به هر نوع عمل ناشایست جنسی دارد (زنا، روسپیگری، همجنسگرایی یا حتی عمل جنسی با حیوانات). در اینجا نقض آنچه که در لاویان ۱۸: ۸ و تثنیه ۲۷: ۲۰ گفته شده می‌باشد.

□ "فسادی اتفاق افتاده که در میان مردم خدانشناس هم دیده نمی‌شود" رابطه با محارم توسط شریعت موسی منع گردیده بود (لاویان ۱۸: ۸ و تثنیه ۲۲: ۳۰)، اما در اینجا حتی برای مردم خدانشناس قرن‌تس هم مایه شگفتی بود. این امر حتی برای فرهنگ رومی قرن اول نیز فراتر از باور بود (Gaius, *Inst. I, 63 and Oxford Classical Dictionary* ۸ صفحات ۵۳۹-۵۴۰).

NASB	"آن غیر یهودیان"
NRSV	"خدا ناباوران"
TEV	"بت پرستان"
NJB	"غیر یهودیان"

پولس از این واژه برای خاص کردن وضعیت بهره می‌برد. در عهد عتیق مرز کاملاً مشخصی میان یهودیان و غیریهودیان وجود داشت. "ملت‌ها" دارای بار منفی بودند. پولس با بهره‌گیری از غیریهودیان سعی در نشان دادن فرد بی‌ایمان دارد. بسیاری از کسانی که او به آنها نامه نوشته بود، غیریهودی بودند.

NASB	"که کسی با همسر پدرش است"
NKJV	"که مردی همسر پدرش را دارد"
NRSV	"زیرا که مردی با همسر پدرش زندگی می‌کند"
TEV	"که مردی با نامادری خود همخوابگی می‌کند"
NJB	"که یکی از شما با نامادری خود زندگی می‌کنید"

این متن به روشنی اشاره به کسی دارد که با نامادری خود زندگی می‌کرد. مردی که:

۱. مردی که به دور از چشم پدرش، نامادری خود را فریفته بود
۲. مردی که با نامادری مطلقه خود زندگی می‌کرد
۳. مردی که با نامادری بیوه خود زندگی می‌کرد

۲: ۵ می‌توان این آیه را به سه شیوه برداشت کرد. (۱) سه سوال؛ (۲) سه بیان نظر (NASB, NKJV)؛ یا (۳) یک ترکیب (NRSV, TEV, NJB, NIV).

NASB "شماها خودپسند شده‌اید"

NKJV	"باد به غیب انداخته‌اید"
NRSV	"شما خودپسندید"
TEV	"پس چطور می‌توانید اینقدر مغرور باشید"
NJB	"و شما آنچنان لبریز از خود مهم‌بینی شده‌اید"

این وجه وصفی مجهول کامل از فعل "پُف کردن" بوده، که اغلب در نامه‌های قرن‌تین بکار رفته است (اول قرن‌تین ۴:۶، ۱۸، ۱۹؛ ۵:۲؛ ۸:۱؛ ۱۳:۴؛ ۲ قرن‌تین ۱۲:۲۰). این واژه، فعل "بودن" را نیز به خود متصل کرده که آن را دارای ضوئد کامل می‌نماید و معنای یک وضعیت معین شده را می‌گیرد. مشکل اصلی رفتار کلیسا بود (ضمیرها و افعال جمع). آنان بابت موقعیتی که داشتند به خود می‌بالیدند.

این رویداد تکان دهنده چندین دلیل ممکن دارد.

۱. از متن کلی اینگونه بر می‌آید که کلیسا فکر می‌کرد آن کارها تجدیدی است که رستگاری به ارمغان می‌آورد
۲. بازتاب دهنده پیش‌زمینه عالمان یهودی عقبه بود که چگونه یک دین جدید یک شخص کاملاً جدید بوجود می‌آورد (از کتاب *Word Pictures in the New Testament* نوشته A. T. Robertson، صفحه ۱۱۱)، بنابراین، در چارچوب قوائد قرن‌تین، این کار زنا محسوب نشده بلکه آزادی مسیحیان تلقی می‌گردید (تجدد انسان در راه مسیح).

NASB	"عزا نمی‌گیرید"
NKJV	"ترجیح می‌دهید عزا نگیرید"
NRSV	"چرا عزا نمی‌گیرید"
TEV	"برعکس، باید با غصه لبریز شوید"
NJB	"بهتر می‌بود اگر به تلخی اندوهگین می‌شدید"

واژه یونانی بکار رفته (*pentheō*)، متی ۵:۴؛ ۹:۱۵؛ دوم قرن‌تین ۱۲:۲۱؛ یعقوب ۴:۹) بمنظور عزاداری برای مرده بکار می‌رفت (مکاشفه ۱۸:۸، ۱۱). در جامعه یهودیان، عزاداری برای مرده، برای برخی تراژدیها یا برای کفرگویی صورت می‌پذیرفت (مرقس ۱۴:۶۳).

NASB	"از میان شما بیرون می‌گشت"
NKJV	"شاید از میان شما برده شود"
NRSV	"از میان شما خارج گردد"
TEV	"باید از جمع شما اخراج شود"
NJB	"از جمع خارج شد"

این وجه شرطی مجهول آتوریستی است. این کلمه یونانی بمعنی "برداشتن و بردن" بوده که اغلب با داوری (متی ۲۴:۳۹) و خرابی (یوحنا ۱۱:۴۸) همراه است. کلیسا از داشتن انضباط سه منظور را دنبال می‌کند

۱. پاک نگه‌داشتن کلیسای محلی (هم از گناه و بازسازی تصور آن در نزد جامعه محلی)
۲. اصلاح و احیای ایمانداران خطاکار. شاید به همین دلیل است که اول قرن‌تین ۵:۵ (همچنین واژه مشابهی در لوقا ۱۸:۲۳ استفاده شده است) اشاره به مرگ خطاکار یا خطاکاران ایماندارا می‌کند.
۳. دیگر ایمانداران با دیدن انضباط خدا تشویق به گناه نکردن شوند.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۵:۳-۵

۴-۳ اگرچه من در آنجا با شما نیستم، اما راجع به این موضوع خیلی فکر کرده‌ام. به همین دلیل، درست مانند اینکه خودم آنجا باشم، از همین جا، به نام خداوند عیسی مسیح تصمیم گرفته‌ام که چه باید کرد. نخست، اعضای کلیسا را گرد آورید، زیرا وقتی با هم هستید، قدرت خداوندان عیسی با شماست و من نیز روحاً با شما خواهم بود. سپس، این مرد را از کلیسا اخراج کنید و به دست شیطان بسپارید تا به سزای عمل خود برسد، تا شاید به هنگام بازگشت خداوند ما عیسی، لا اقل روح او نجات یابد.

۵-۳:۵ این پاراگراف یک استعاره از دادگاه است. پولس فرض می‌کند که کلیسا "دادگاه کلیسایی" نام دارد (یعقوب ۲:۱-۴). کلیسای اولیه دنباله‌رو بافت اجرایی و عبادی کنیسه بود. برگزاری اینگونه دادگاهها رایج و بسیاری از کنیسه ترد و تکفیر گردیدند.

۳:۵ " اگرچه من در آنجا با شما نیستم، اما راجع به این موضوع خیلی فکر کرده‌ام" (نسخه انگلیسی: اگرچه من من با شما نیستم اما روحم حضور دارد") اینها هر دو وجوه وصفی حال کامل هستند. این جملات به روشنی حس اختیارات رسولی پولس را نشان می‌دهند (اول قرن‌تینان ۳:۵ و ۵). اما توجه داشته باشید که او می‌خواهد کلیسا تصمیم او را تأیید نماید (اول قرن‌تینان ۴:۵).

موضوع خاص: روح در عهد جدید

(Special Topic: Spirit (*Pneuma*) in the New Testament)

واژه یونانی برای "روح" به روشهای گوناگونی در عهد جدید بکار برده شده است. در اینجا برخی نمونه‌ها و شیوه‌های ارائه شده را مطرح می‌نمایم.

A. برای تثلیث خدا (به موضوع خاص تثلیث مراجعه نمایید)

۱. برای پدر (کتاب یوحنا ۴:۲۴)
۲. برای پسر (رومیان ۸:۹-۱۰؛ ۲ قرن‌تینان ۳:۱۷؛ غلاطیان ۴:۶؛ ۱ پطرس ۱:۱۱)
۳. برای روح القدس (مرقس ۱:۱۱؛ متی ۳:۱۶؛ ۱۰:۲۰؛ یوحنا ۳:۵، ۶، ۸؛ ۷:۳۹؛ ۱۴:۱۷؛ اعمال رسولان ۲:۴؛ ۵:۹؛ ۸:۲۹، ۳۵؛ رومیان ۱:۴؛ ۸:۱۱، ۱۶؛ ۱ قرن‌تینان ۲:۴، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴؛ ۷:۱۲)

B. برای نیروی حیات بشری

۱. برای عیسی (مرقس ۸:۱۲؛ یوحنا ۱۱:۳۳، ۳۸؛ ۲۱:۱۳)
۲. برای انسان (متی ۲۲:۴۳؛ اعمال رسولان ۷:۵۹؛ ۱۷:۱۶؛ ۲۰:۲۲؛ رومیان ۱:۹؛ ۸:۱۶؛ ۱ قرن‌تینان ۲:۱۱؛ ۵:۳-۵؛ ۷:۳۴؛ ۱۵:۴۵؛ ۱۶:۱۸؛ ۲ قرن‌تینان ۲:۱۳؛ ۷:۱۳؛ فیلیپیان ۲:۵)
۳. هر آنچه که روح مولد آن است، چه در انسان چه در روح‌های انسان
 - a. روح عدم بردگی در برابر روح پذیرش - رومیان ۸:۱۵
 - b. روح نرمی و ملایمت - اول قرن‌تینان ۴:۲۱
 - c. روح ایمان - دوم قرن‌تینان ۴:۱۳
 - d. روح حکمت و مکاشفه در جهت دانش نشأت گرفته از خداوند - افسسیان ۱:۱۷
 - e. روح ترس در برابر قدرت، عشق و انضباط - ۲ تیموتائوس ۱:۷
 - f. روح خطا در برابر روح حقیقت - یوحنا ۴:۶

C. برای جهان معنویت

۱. موجودات معنوی و آسمانی
 - a. نیکی (فرشتگان، اعمال رسولان ۲۳:۸-۹؛ عبرانیان ۱:۱۴)
 - b. شر (شیاطین، متی ۸:۱۶؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۲:۴۳، ۴۵؛ اعمال رسولان ۵:۱۶؛ ۸:۷؛ ۱۶:۱۶؛ ۱۹:۱۲-۲۱؛ افسسیان ۶:۱۲)
 - c. ارواح (لوقا ۲۴:۳۷)
۲. بصیرت معنوی (متی ۵:۳؛ ۲۶:۴۱؛ یوحنا ۴:۲۳؛ اعمال رسولان ۱۸:۲۵؛ ۱۹:۲۱؛ رومیان ۲:۲۹؛ ۷:۶؛ ۸:۴، ۱۰؛ ۱۱:۱۲؛ ۱ قرن‌تینان ۱۴:۳۷)
۳. چیزهای معنوی (یوحنا ۶:۶۳؛ رومیان ۲:۲۹؛ ۸:۲، ۵، ۹، ۱۵؛ ۲۷:۱۵؛ اول قرن‌تینان ۹:۱۱؛ ۱۴:۱۲)
۴. عطایای معنوی و روحانی (اول قرن‌تینان ۱۲:۱؛ ۱۴:۱)
۵. الهام گرفته از روح (متی ۲۲:۴۳؛ لوقا ۲:۲۷؛ افسسیان ۱:۱۷)
۶. بدن روحانی (اول قرن‌تینان ۱۵:۴۴-۴۵)

D. برای شخصیت‌پردازی

۱. نگرش جهانی (رومیان ۸:۱۵؛ ۱۱:۸؛ اول قرن‌تینان ۲:۱۲)
۲. مراحل تفکر انسانها (اعمال رسولان ۶:۱۰؛ اول قرن‌تینان ۴:۲)

E. جهان فیزیکی

۱. باد (متی ۷:۲۵، ۲۷؛ یوحنا ۳:۸؛ اعمال رسولان ۲:۲)

۲. دم (اعمال رسولان ۱۷:۲۵؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۸)

روشن است که این واژه باید در نور درونی متن ترجمه و تفسیر گردد. معانی گوناگونی وجود دارند که می‌توانند اشاره به (۱) جهان فیزیکی؛ (۲) جهان غیرقابل روئیت؛ و یا (۳) همچون اشخاص جهان فیزیکی یا دنیای آسمانی داشته باشند. روح القدس آن قسمت از تثلیث خداوند است که بشدت در این مقطع از تاریخ فعال بوده است. عصر جدید روح فرا رسیده است. هر آنچه که نیک، مقدس، درست و حقیقت است، به او ارتباط دارد. حضور او، نعمات عطا شده‌ی او، و تبشیر، همگی در پیشبرد اهداف انجیل و موفقیت پادشاهی خدا موارد حیاتی محسوب می‌گردند (یوحنا ۱۴ و ۱۶). او توجه همگان را نه بسوی خود، بلکه بسوی عیسی معطوف می‌کند (یوحنا ۱۶:۱۳-۱۴). او همه ایمانداران را سرزنش می‌کند، متقاعد می‌کند، جلب نظر می‌کند، تعمید می‌دهد و به بلوغ می‌رساند (یوحنا ۱۶:۸-۱۱).

□ "همین جا، تصمیم گرفته‌ام که چه باید کرد" این جمله اخباری حال کامل است. پولس حدود اختیارات خود را، حتی در زمان عدم حضور خود تصریح کرده است.

۴:۵ "بنام خدایمان عیسی مسیح" این یکی از روشهای یهودیان در تصریح اعتبار و قدرت عیسای برخاسته از مردگان، بعنوان منبع اختیارات رسولی پولس است. پولس نماینده و مقلد اوست.

از این آیه، حالت مختلفی برای کاربرد نام عیسی مسیح بصورت "بنام....." در نسخه‌های خطی موجود است.

۱. "عیسای ما" در نسخه‌های خطی یونانی *B, D

۲. "عیسی مسیح" در نسخه خطی یونانی Ⓝ

۳. "عیسی مسیح ما" در نسخه‌های خطی یونانی D², F, G

۴. "ما" در آیات منتخب نسخه خطی کوچک ۱۰۲۱ (قرن ۱۲)

۵. "عیسی مسیح خدای ما" در نسخه خطی کوچک ۸۱ (قرن ۱۱)

انجیل نسخه The United Bible Societies Greek NT چاپ چهارم (UBS⁴) می‌نویسد که تصمیمگیری بسیار دشوار است اما شماره یک را ترجیح می‌دهد. نمونه مشابه همین مشکل خطی دوباره در اول قرن‌تین ۵:۵ ظاهر می‌شود (و همچنین اول قرن‌تین ۵:۱۱).

۱. "خدا" در MSS P⁴⁶, B

۲. "خدا عیسی" در MS Ⓝ

۳. "خدا عیسی مسیح" در MSD

۴. "خدای ما عیسی مسیح" در نسخه‌های MSS A, F, G, P

۵:۵ "به دست شیطان بسپارید تا به سزای عمل خود برسد" عبارت "بدست سپردن" واژه‌ای یونانی بوده (*paradidōmi*)، که در انجیل برای معرفی فردی به مقامات مسئول برای مجازات (متی ۴:۱۲؛ ۵:۲۵؛ ۱۰:۴؛ ۱۷:۱۸؛ ۳۴:۲۰؛ ۱۹:۲۶؛ ۱۵:۲۷؛ ۲۰:۱۸، ۲۶) و در رومیان (رومیان ۱:۲۴، ۲۶، ۲۸) برای تحویل دادن کسی به نیروی شریر آسمانی استفاده می‌گردید. این کاربرد در این متن بهترین حالت ممکن را دارد (شناسایی شیطان).

این موضوع مشابه ۱ تیموتائوس ۱:۲۰ است. در مورد اینکه این موضوع شامل چه مواردی می‌گردد، بحث زیادی میان مفسران وجود داشته است. برخی معتقدند که این کار در نتیجه اشد مجازات فیزیکی (مرگ) روی خواهد داد، آنگونه که در اعمال رسولان ۵ و اول قرن‌تین ۳:۱۷؛ ۱۱:۳۰ دیده می‌شود. برخی دیگر معتقدند که تکفیر کامل و قرار دادن شخص در دنیای شیطان، که همین دنیا است (یوحنا ۱۲:۳۱؛ ۱۶:۱۱؛ اول قرن‌تین ۴:۴؛ اول یوحنا ۵:۱۹)، جایی که از همنشینی با خدا و قوم او بدور قرار بگیرد، می‌تواند او را به سوی خدا و داوری در روز قیامت برگرداند. پولس دنیا را تحت سیطره شیطان می‌دید (افسسیان ۲:۲). کارهای شیطانی که در این دنیا ظاهر می‌گردد (مرگ، انواع بیماریهای مهلک، از دست دادن آنها، ...) همگی به شخص اول شرارت یعنی شیطان نسبت داده می‌شوند (دوم قرن‌تین ۱۲:۷؛ ۱ تسالونیکیان ۲:۱۸). همچنین ممکن است که اشاره به مدل زندگی شرورانه و سرکشانه بشر داشته باشد (ذات آدم رانده شده از بهشت). به موضوع خاص: شیطان فردی در اول قرن‌تین ۷:۵ مراجعه نمایید.

برای مطالعه درباره "گوشت و پوست" به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱:۲۶ مراجعه نمایید.

□ "لااقل روح او نجات یابد" انضباط کلیسا باید همیشه قابل احیا و بازسازی باشد، نه کینه‌جویانه و تلافی‌جویانه (دوم قرن‌تینان ۲: ۵-۱۱؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۴-۱۵). این یک دلالت عهد عتیقی از واژه "نجات یافته" است که بمعنی دریافت فیزیکی می‌باشد. این فرد، با وجود عمل غیراخلاقی، عضو کلیسا است. او نیاز دارد که روح را دریافت کند نه اینکه به رستگاری برسد.

اغلب در نوشته‌های پولس، بدن و روح در تضاد با یکدیگر قرار گرفته‌اند (رومیان ۸: ۱-۱۱). آنها نمایانگر دو بخش از ساختار قدرت، دو تعهد و دو جهان‌بینی هستند (متی ۶: ۱۹-۳۴؛ یوحنا ۲: ۱۵-۱۷).

نکته دیگر الهیاتی درباره اول قرن‌تینان ۵: ۵ اینست که شیطان ابزار خداوند و در خدمت اهداف نهایی خدا محسوب شده است. در عهد عتیق شیطان دشمن بشریت، اما خدمتگزار خداوند بود (از کتاب *An OT Theology* نوشته A. B. Davidson صفحات ۳۰۰ تا ۳۰۶). این رابطه در عهد جدید تشدید می‌گردد. شیطان تبدیل به دشمن خدا شده اما هنوز بر خلاف میلش خادم است. کارکرد شیطان در اول قرن‌تینان ۵: ۵ بالاترین حد رستگاری را برای اعضای خطاکار کلیسا به ارمغان می‌آورد.

□ "به هنگام بازگشت خداوند ما عیسی" این عبارات به روشنی اشاره به روز رستاخیز دارد. دآوری موقت خداوند در برابر مسیحیان را می‌توان در اول قرن‌تینان ۱۱: ۳۰-۳۲؛ اعمال ۵ و ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰ مشاهده کرد. آیا این متن از ۱ مرگ فیزیکی، اما رستگاری در پس از حیات می‌گوید، ۱: ۸ یا ۲ رستگاری او منوط به توبه است؟

در اول قرن‌تینان، تأکید بر وجود زمان پس از مرگ تکرار می‌گردد (۱ قرن‌تینان ۱: ۷-۸؛ ۳: ۱۳؛ ۴: ۵؛ ۵: ۵؛ ۶: ۱۴؛ ۱۱: ۲۶؛ ۱۳: ۱۲؛ ۱۵: ۵۰-۵۴؛ ۱۶: ۲۲). احتمالاً یکی از مشکلات الهیاتی در کلیسای قرن‌تینان، درک بیش از حد علوم پس از مرگ با ترکیب عرفان اولین بوده است. آنان تصور می‌کردند که بلحاظ معنوی به رشد رسیده‌اند (۱ قرن‌تینان ۴: ۷-۱۰) و اینکه بدن، شیطان بوده (تفکر یونانی) و بنابراین، به مشکلات معنوی ارتباطی پیدا نمی‌کنند. پولس این گرایش‌ها را به روشهای زیر تکذیب می‌کند

۱. تصدیق وجود یک دآوری در آینده و در حال حاضر (۱ قرن‌تینان ۵: ۵)

۲. تأکید بر نامرسوم بودن بی‌عفتی برای ایمانداران (اول قرن‌تینان ۵: ۵-۶)

همچنین توجه داشته باشید که عهد عتیق با اشاره به بیهوشی اکنون به سمت عیسی تغییر جهت داده است (۱ قرن‌تینان ۱: ۸؛ ۲ قرن‌تینان ۱: ۱۴؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۸). این یکی از راههای قطعی برای نویسندگان عهد جدید برای تصریح در جنبه الهی آسمانی عیسی ناصری است.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۵: ۶-۸

چگونه می‌توانید به پاکی و روحانیت خود بیابید، در حالی که اجازه می‌دهید یک چنین رسوایی در میانتان رخ دهد؟ مگر نمی‌دانید که اندکی خمیرمایه، در تمام خمیر اثر می‌کند و باعث برآمدن آن می‌شود؟^۷ پس این خمیرمایه گناه، یعنی این شخص فاسد را که چنین رسوایی ببار آورده است، از میان خود بیرون کنید، تا خمیری تازه و فطیر باشید، که البته می‌دانم همینطور هستید. زیرا اکنون عید پَسَح فرا رسیده و مسیح که برهٔ قربانی این عید می‌باشد، قربانی شده است.^۸ پس، بیابید این عید را برگزار کنیم، نه با نانی که با خمیرمایه گناه و شرارت تهیه شده، بلکه با نان فطیر و بدون خمیرمایه، یعنی با احترام و یکرنگی و راستی!

۵: ۶ "چگونه می‌توانید به پاکی و روحانیت خود بیابید" (متن انگلیسی: بخود بالیدن شما پسندیده نیست) این تفسیر به برداشت درست از رفتار کلیسای قرن‌تینان کمک می‌کند. آنان ادعا می‌کردند که از مجوز یک آزادی خاص بر طبق گفته‌های انجیل برخوردار هستند. آنان می‌خواستند بجای نشان دادن شاهد خود از انجیل به جامعه، آزادی جدید خود را به رخ دیگران بکشند.

موضوع خاص: بالیدن

(Special Topic: Boasting)

این اصطلاحات یونانی، *kauchaōmai*، *kauchēma*، و *kauchēsis*، توسط پولس ۲۳ بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند و فقط دو بار در بقیه عهد جدید (هر دو در یعقوب) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. استفاده عمده آن در اول و دوم قرن‌تینان است. دو حقیقت اصلی در رابطه با بالیدن وجود دارند:

A. هیچ گواهی نباید در برابر خدا به خود بالاد/جلال یابد (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱: ۲۹، افسسیان ۲: ۹)

B. ایمانداران باید در سرورمان جلال یابند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱: ۳۱، دوم قرن‌تینان ۱۰: ۱۷، که اشاره ای است به ارمیا ۹: ۲۳ الی ۲۴)

بنابراین بالیدن / جلال یافتن مناسب و نامناسب وجود دارد (یعنی غرور)

A. مناسب

۱. به امید جلال (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲)
۲. به خدا از طریق سرورمان عیسی (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۱)
۳. بر صلیب سرورمان عیسی مسیح (یعنی موضوع اصلی نوشته‌های پولس، مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱: ۱۷ الی ۱۸، غلاطیان ۶: ۱۴)

۴. پولس به اینها میبald

- a. بشارتش بدون دستمزد (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۹: ۱۵ و ۱۶)
- b. اقتدار او از مسیح (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱۰: ۸ و ۱۲)
- c. نبالیدن به کارهای دیگران (آنطور که برخی در قرنتس کردند، مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱۰: ۱۵)
- d. میراث نژادی او (همانطور که دیگران در قرنتس انجام دادند، مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱۱: ۱۷؛ ۱۲: ۱، ۵، ۶)
- e. کلیسایش

- ۱) قرنتس (دوم قرن‌تینان ۷: ۴ و ۱۴، ۸: ۲۴، ۹: ۲، ۱۱: ۱۰)
- ۲) تسالونیکیان (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۱: ۴)
- ۳) اعتماد به نفس او در آسایش و رستگاری خداوند (دوم قرن‌تینان ۱: ۱۲)

B. نامناسب

۱. در رابطه با میراث یهودی (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۷ الی ۲۳، ۳: ۲۷، غلاطیان ۶: ۱۳)
۲. برخی در کلیسای قرنتس به خود میبالند
 - a. به مردان (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۳: ۲۱)
 - b. به خرد (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۴: ۷)
 - c. به آزادی (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۵: ۶)
۳. معلمین دروغین تلاش میکردند در کلیسای قرنتس فخر فروشی کنند (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱۱: ۱۲)

■ "مگر نمی دانید که" این عبارت خاص اغلب توسط پولس در اشاره به آنچه که ایمانداران باید بدانند یا آنچه که قبلاً به آنها گفته شده بکار رفته، اما آنان بروشنی (بدلیل رفتار و کردارشان) فراموش کرده‌اند (رومیان ۶: ۱۶؛ ۱۱: ۲؛ اول قرن‌تینان ۳: ۱۶؛ ۵: ۶؛ ۶: ۲؛ ۳: ۹، ۱۵، ۱۹؛ ۹: ۱۳، ۲۴).

■ "خمیر" اشاره به یک ضرب‌المثل یهودی درباره مخمر دارد (متی ۱۶: ۶، ۱۲؛ غلاطیان ۵: ۹)، معمولاً در یک حالت منفی، بدلیل مراحل تخمیر، به هر آنچه که پوسیده است وصل می‌گردد. با اینحال، برخی اوقات این استعاره جنبه مثبت هم دارد (متی ۱۳: ۳۳؛ لوقا ۱۳: ۲۰-۲۱)، که نشان از ارتباط متن با معنی کلمه دارد.

موضوع خاص: خمیر

Special Topic: Leaven

واژه "خمیر" (BDB 329, KB 329 در زبان یونانی *zumē*) هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید در دو حالت بکار برده شده است:

۱. در حالتی از فساد، بنابراین می‌توان بعنوان نمادی از شیطان بکار برد
 - a. خروج ۱۲: ۱۵، ۹: ۱۳، ۳: ۷؛ ۱۸: ۲۳؛ ۲۵: ۳۴؛ لاویان ۲: ۱۱؛ ۶: ۱۷؛ تثنیه ۱۶: ۳
 - b. متی ۱۶: ۶، ۱۱-۱۲؛ مرقس ۸: ۱۵؛ لوقا ۱۲: ۱؛ غلاطیان ۵: ۹؛ اول قرن‌تینان ۵: ۶-۸
۲. در حالتی از نفوذ، بنابراین می‌توان اثرگذاری را متصور بود و آن را نمادی از شیطان محسوب نکرد
 - a. لاویان ۷: ۱۳؛ ۱۷: ۲۳؛ عاموس ۴: ۵
 - b. متی ۱۳: ۳۳؛ لوقا ۱۳: ۲۰-۲۱

معنی کلمه را فقط با توجه به متن می توان انتخاب کرد (که در رابطه با همه لغات چنین است!)

در رابطه با موضوع نان فطیر، باید گفت که اسرائیلیان نمی توانستند تا صبح برای نان منتظر بمانند. جزئیات این شب خروج، تا عید پسخ که با عید کشاورزی ادغام گردید ادامه یافت (خروج ۱۲:۱۵-۲۰؛ ۲۳:۱۴-۱۷؛ ۳۴:۱۸).

خمیر اغلب بخشی از موارد مراسم قربانی بود (لاویان ۷:۱۳؛ ۲۳:۱۷)، اما بعداً تبدیل به نمادی برای نشان دادن گناه و سرکشی گردید. مرحله تخمیر در این مقطع بصورت نمادی برای نشان دادن فرصت قوم بنی اسرائیل برای آزمودن زندگیشان بصورت فردی، برای مشاهده هرگونه نافرمانی یا قیام در برابر یهوه تبدیل شده بود. در حالیکه روز کفاره (لاویان ۱۶) در یک مرحله ملی عملیاتی گردید، عید نان فطیر به سطح خانوادگی و فردی باقی ماند.

این جشن الزامی سالانه، با عید پسخ ادغام گردید و رحمت یهوه را بیش از پیش برای ذهن و قلب قوم خدا حفظ نمود. در حالیکه رحمت و وعده فراهم آوردن نعمات الهی از مصر مهیا گردید، پس اسرائیل بیش از پیش نیازمند این منابع آسمانی گردید تا بتواند قومش را در هر سالی که می گذرد، حفظ نماید (خروج ۱۳:۸، ۱۴؛ تثنیه ۹:۴؛ ۲:۶، ۷، ۲۰-۲۱).

۷:۵ "خمیرمایه گناه... از میان خود بیرون کنید" این یک جمله اخباری کامل آئوریستی است. می تواند کنایه ای به سنت یهودیان در خارج کردن خمیر از خانه پیش از عید پسخ در هر سال داشته باشد (خروج ۱۲:۱۵). این مراسم سالانه نشانه توبه بوده است.

NASB "تا خمیری تازه و فطیر باشید، که در حقیقت همینطور هستید"

NKJV "تا خمیری تازه و فطیر باشید، از آنجاییکه همینطور هستید"

NRSV "تا خمیری تازه و فطیر باشید، از آنجاییکه واقعاً هستید"

TEV "تا کاملاً خالص شوید. بعد همچون خمیری تازه بدون ترشی، آنگونه که می دانم همینطور هستید"

NJB "تا بتوانید خمیر تازه ای شوید، فطیر آنگونه که هستید"

پولس ترکیب اخلاق را با موقعیت گفتاری به نمایش می گذارد. موقعیتی که ما بواسطه مسیح در آن قرار گرفته ایم، زندگی ما را مبدل به سبک زندگی مسیح می کند. آنان قوم خدا بودند، (فطیر)، اما به لحاظ آخرت شناسی در نهایت به خدا تعلق خواهند گرفت (نانی جدید).

NASB "مسیح که بره قربانی این عید می باشد، قربانی شده است"

NKJV "زیرا حقیقتاً مسیح که بره قربانی این عید می باشد، برای ما قربانی شده است"

NRSV "زیرا عید ما فرا رسیده، حال که مسیح، بره ی پسخ ما، قربانی شده است"

TEV "زیرا که جشن عید ما فرا رسیده، حال که مسیح، بره ی پسخ ما، قربانی شده است"

NJB "زیرا که پسخ ما قربانی شده، که همانا مسیح است"

پولس مرگ مسیح را به مفهوم بره پسخ در عهد عتیق ربط می دهد (خروج ۱۲:۱۵؛ ۷:۱۳). این یکی از معدود جاها در عهد جدید است که این ارتباط بخصوص را بیان می دارد:

۱. یحییای تعمیدگر متوجه این ارتباط گشته و عیسی را "بره خدا که گناهان دنیا را با خود برد" نامید، یوحنا ۱:۲۹

۲. یوحنا ۲۹:۳۶ از نقل قولی از عید پسخ در خروج ۱۲:۴۶ استفاده می کند

۸:۵ "پس، بیایید این عید را برگزار کنیم" این یک وجه شرطی حال کامل است (وجه شرطی تشویقی که دعوت به عملی می کند). این جمله تنها به روز عید در عهد عتیق مربوط می گردد (لاویان ۱۶) که در اول قرتیان ۵:۷ روز کفاره نامیده شده، در حالیکه ۱ قرتیان ۵:۷ و ۸ به عید پسخ مربوط می گردند (خروج ۱۲). این موضوع اشاره به تداوم زندگی ما دارد زیرا کار عیسی برای ما است و بوسیله ما، اما با عنصر احتمال وقوع در آینده (وجه شرطی احساسی).

■ "نه با نانی که با خمیرمایه گناه" (در نسخه انگلیسی: "نه با خمیرمایه قدیمی") این جمله اشاره به عهد جدید بواسطه مسیح دارد (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴؛ حزقیال ۲۶:۲۲-۲۸). این عهد جدید شامل خودپسندی و خوشبختی انسان نمی شود. مرگ عیسی بخش تفکیکی مکاشفه انجیلی است.

■ "گناه و شرارت" در متن و با تضادی که وجود دارد، پولس محرکه های ناشایست و حتی شریر، و اعمالی را که برخی از تفرقه افکنان در کلیسای قرتس انجام می دادند تصریح می کند.

■ "با احترام" واژه نادری که از ترکیب "طلوع خورشید" و "داوری" گرفته شده است. این واژه بار پنهان و محرکه‌های خالص را در خود دارد (اول قرن‌تینان ۸:۵؛ دوم قرن‌تینان ۱۲:۱؛ ۱۷:۲؛ فیلیپیان ۱:۱۰؛ ۲ پطرس ۳:۱).

■ "راستی" ریشه‌شناسی این واژه "alētheia" بمعنی "افشا کردن، بدون سرزنش، خبر روشن" که بموازات معنی ریشه "بی‌ریا" است. پولس نسبت به انگیزه‌های آنان احساس مسئولیت می‌کرد. به موضوع خاص در دوم قرن‌تینان ۸:۱۳ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۹:۵-۱۳

در نامه قبلی نوشتیم که با اشخاص فاسد معاشرت نکنید. البته منظورم از اشخاص فاسد بی‌ایمانان نیستند که در زناکاری، طمع، فریب مردم و بت‌پرستی زندگی می‌کنند. زیرا نمی‌توانید در این دنیا زندگی کنید و با چنین کسانی برخورد نکنید. ^{۱۱} بلکه منظورم این بود که اگر کسی از بین خودتان، ادعا می‌کند که برادر مسیحی شماست اما در عین حال زناکار، طمعکار، بدزبان، بت‌پرست، مشروب‌خوار و یا فریبکار است، با او معاشرت نکنید. با چنین کسی حتی بر سر یک سفره هم ننشینید!

^{۱۲} وظیفه ما این نیست که افراد خارج از کلیسا را مورد قضاوت و داوری قرار دهیم. اما وظیفه داریم با آنانی که در کلیسا هستند و زندگی گناه‌آلودی دارند، با شدت برخورد کنیم و بر آنان داوری نماییم. ^{۱۳} افراد خارج از کلیسا را خدا داوری و مجازات خواهد کرد. بنابراین، شما خودتان این مرد را داوری کنید و از کلیسا اخراج نمایید.

۹:۵ "در نامه قبلی نوشتیم" این عبارت احتمالاً اشاره به یک نامه گمشده دارد (M. R. Vincent, *Word Studies in the New Testament*, ص ۷۶۹). این احتمال وجود دارد که تعدادی از نامه‌های پولس مقفود شده (کولسیان ۴:۱۶) یا اینکه این عبارت نشان دهنده یک رساله آئوریستی باشد (اول قرن‌تینان ۹:۱۵)، که به اول قرن‌تینان اشاره داشته که او در حال نوشتنش بوده است (اول قرن‌تینان ۵:۱۱). به مقدمه‌ای بر اول قرن‌تینان، بخش VII، C مراجعه نمایید.

■ "اشخاص فاسد" واژه یونانی این عبارت *pornos* است (اول قرن‌تینان ۹:۵، ۱۰، ۱۱، ۹:۶). اشاره آن به "فساد" (*porneia*)، اول قرن‌تینان ۵:۱ [دو بار]؛ ۱۳:۶، ۱۸، ۲:۷؛ دوم قرن‌تینان ۱۲:۲۱) و "ترویج فساد دارد" (*porneuō*)، اول قرن‌تینان ۶:۱۸؛ ۸:۱۰). این ایمانداران جدید در قرن‌تینان عمدتاً از غیریهودیان بودند (احتمالاً یونانی). کافران در مستی و فعالیت‌های جنسی خود در معابد خدایانشان به عبادت می‌پرداختند و شامهای خاص شخصی و عمومی برگزار می‌کردند. ایمان جدیدی که در راه مسیح بوجود آورده بودند هنوز لکه‌دار فرهنگ گذشته غیر یهودی آنان بود.

موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید

(Special Topic: Vices And Virtues In The NT)

فهرستهای هم تقواها و هم گناهان در عهد جدید مشترک هستند. اغلب آنها منعکس کننده فهرستهای فرهنگی و ربی هستند. فهرستهای عهد عتیق که مشخصه‌های متضاد آنها را بیان میدارد به شرح زیر است:

تقواها	فسادها
---	۱. پولس رومیان ۱: ۲۸ الی ۳۲
رومیان ۱۲: ۹ الی ۲۱	رومیان ۱۳: ۱۳
---	اول قرن‌تینان ۵: ۹ الی ۱۱
اول قرن‌تینان ۶: ۶ الی ۹	اول قرن‌تینان ۶: ۱۰
دوم قرن‌تینان ۶: ۴ الی ۱۰	دوم قرن‌تینان ۱۲: ۲۰
غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳	غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۱
---	افسیسیان ۴: ۲۵ الی ۳۲
---	افسیسیان ۵: ۳ الی ۵

فیلیپیان ۴: ۸ الی ۹	---	
کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۴	کولسیان ۳: ۵ و ۸	
---	اول تیموتائوس ۱: ۹ الی ۱۰	
---	اول تیموتائوس ۶: ۴ الی ۵	
دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ ب و ۲۴	دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ الف و ۲۳	
تیتوس ۱: ۸ الی ۹ و ۳: ۱ الی ۲	تیتوس ۱: ۷ و ۳: ۳	
یعقوب ۳: ۱۷ الی ۱۸	یعقوب ۳: ۱۵ الی ۱۶	۲. یعقوب
اول پطرس ۴: ۷ الی ۱۱	اول پطرس ۴: ۳	۳: پطرس
دوم پطرس ۱: ۵ الی ۸	دوم پطرس ۱: ۹	
---	مکاشفه ۲۱: ۸، ۲۲: ۱۵	۴: یوحنا

۱۰:۵ نامه‌های پولس بد برداشته شده بود. پولس ایمانداران جدید را ترغیب می‌کرد تا از فساد برحذر باشند. با اینحال، برخی این عبارات را "هرگز وابسته نبودند" تعبیر کرده‌اند. پولس باید معنی کلام خود را روشن بیان می‌کرد. ایمانداران در دنیای سقوط کرده زندگی می‌کنند؛ امکان ندارد که با مردم فاسد و بی‌اخلاق ارتباط برقرار نشود (بخصوص اگر ما متی ۱۹:۲۸ را جدی بگیریم). منظور پولس این بود که به کافران اجازه ندهند که برادران دینی آنان شوند، عضو کلیسا شوند یا حتی بهترین دوستان یکدیگر شوند. این یک مصدر حال میانی از *sunanamignumi* بوده که بمعنی "با یکدیگر ادغام شدن" دارد (اول قرن‌تبیان ۹: ۱۱؛ ۲سالونیکیان ۳: ۶، ۱۴). آیات ۱۰-۱۱ تصویر واضحی از موقعیت فرهنگی کلیسای قرن‌تس ارائه می‌کند.

۱۱:۵

NASB	"کسی ادعا می‌کند که برادر"
NKJV	"هر کسی به اسم برادر"
NRSV	"هر کسی که نام برادر یا خواهر بر خود گذاشته"
TEV	"کسی که خود را یک ایماندار می‌داند"
NJB	"هر کسی که نام برادر بر خود دارد"

این عبارت یک وجه وصفی مجهول حال کامل است که به یک جمله شرطی نوع سوم ارتباط دارد. این جمله اشاره به کسی دارد که نام مسیح را بر زبان جاری می‌کند (افسیان ۵: ۳) یا نام مسیح را صدا می‌زند (رومیان ۱۰: ۹-۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۱۱). برداشتن نام مسیح بمعنی گرفتن شخصیت اوست. کاملاً روشن است که پولس (همچون عیسی) معتقد بود که زندگی هر شخص، روح درونی آن شخص را برمی‌تاباند (متی ۷: ۱۵-۲۳). حرفه باید با دانش انجیل، روح جای گرفته در بدن، اطاعت شخصی و استقامت ما سازگاری داشته باشد.

□ "بد زبان" به یادداشت کامل در اول قرن‌تبیان ۴: ۱۲ مراجعه نمایید.

□ "اگر" این یک جمله شرطی نوع سوم بوده که بمعنی امکان وقوع عملی است. چندین فهرست در نوشته‌های پولس وجود دارد که گناهان انسان را نشان داده است (رومیان ۱: ۲۹-۳۷؛ اول قرن‌تبیان ۵: ۱۰-۱۱؛ ۶: ۹-۱۰؛ دوم قرن‌تبیان ۱۲: ۲۰؛ غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱؛ افسسیان ۴: ۳۱-۴؛ کولسیان ۳: ۵-۹).

□ "حتی بر سر یک سفره هم ننشینید" این عبارات می‌توانند اشاره به شام آخر عیسی داشته باشند، اما در عین حال می‌توانند در اشاره به یک ارتباط جمعی نیز گفته شده باشند (اول قرن‌تبیان ۱۰: ۲۷). در فرهنگ رومیان ضیافت‌های شام اغلب فرصتی برای فساد نیز بود.

۱۲:۵ پولس و کلیسا باید با اعضا برخورد می‌کردند (اول قرن‌تبیان ۵: ۱۲ بجز یک پاسخ "بله")، اما ایمانداران باید به خدا اجازه دهند تا با مشکل بی‌ایمانان را حل نماید. ایمانداران نباید یکدیگر را مورد قضاوت قرار دهند (متی ۷: ۱؛ رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳)، اما

۱. ما باید حاصل کار یکدیگر را برای موقعیتهای رهبری مورد آزمایش قرار دهیم

۲. ما باید هنگامی که موقعیت اجتماعی کلیسا به خطر می‌افتد، انضباط در کلیسا را تمرین کنیم

این عبارت در جمله قشنگ بنظر می‌رسد! اینطور برداشت می‌شود که پولس تصریح می‌کند مرد گناهکار در اول قرن‌تینان ۵:۱ باید در دنیای داوری خدا قرار داده شود (خارج از کلیسا).

ممکن است تصور شود که این متن را چطور می‌توان به جوامع پیشرفته ربط داد، در زمانی که ایمانداران و بی‌ایمانان از فرصتی برای به رای گذاردن نژادهای جامعه در کنار یکدیگر برخوردارند. آیا ایمانداران باید در فعالیتهای سیاسی مشارکت داشته باشند؟ این متن به داوری در ارتباط با کلیسا محدود می‌گردد و نه نظام دموکراسی پیشرفته غربی. ایمانداران شهروندان هر دو دنیا هستند که از مزایای هر دو جهان برخوردارند! روح خدا، خواست خدا، و کتاب خدا که به ایمانداران در یافتن راهشان در این دنیا کمک می‌کند، اما بی‌ایمانان درگیر و فریفته گناه، خودخواهی و شیطان هستند. آنها به شهادت و همدردی ما نیاز دارند و نه داوری ما. آنها قادر به درک اعمال و اهداف و انگیزه‌های ما نیستند.

این مشکل که مسیحیان چه زمانی و چگونه باید یکدیگر را مورد "داوری" قرار دهند، منجر به ده‌ها نسخه خطی یونانی گردیده تا این متن را تغییر دهد.

۱. نسخه خطی اولیه P⁴⁶ (حدود ۲۰۰ سال پس از میلاد) به‌مراه ترجمه Bahairic Coptic (قرن سوم) و ترجمه Peshitta Syriac (قرن پنجم) فقط بار منفی را حذف کرده‌اند و جمله را بصورت یک جمله دستوری ترجمه کرده‌اند، "همه آنان که داخل (کلیسا) هستند داوری می‌شوند" (کتاب A *Textual Commentary on the Greek New Testament* نوشته Bruce M. Metzger صفحه ۵۵۱).

۲. ترجمه Sahidic Coptic (قرن سوم) بار منفی را با جمله قبل اضافه می‌کند، "برای چه باید آنان که خارج از کلیسا هستند را قضاوت کنم ولی آنان که داخل هستند را مستثنا کنم؟ آنان که درون هستند را نیز داوری کنید" (Metzger، صفحه ۵۱).

۳. متن UBS⁴ حتی امکان اصل بودن اینهمه تفاوت را نمی‌پذیرد.

۱۳:۵ پولس قاطعانه بحث خود را از دیدگاه یهودی با آوردن کنایاتی از نوشته‌های موسی ادامه می‌دهد (تثنیه ۱۳:۵؛ ۱۷:۷؛ ۱۲:۱۹؛ ۱۹:۲۱؛ ۲۱:۲۲؛ ۲۱:۲۴؛ ۲۴:۷). اگر کلیسا طاعت فساد اعضا (حتی جلال دادن) را داشته باشد، آنان کل کلیسا را تحت تأثیر قرار خواهند داد (اول قرن‌تینان ۵:۱۱).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسنت و قطعیت ندارند.

۱. چرا امروزه کلیساها به بحث انضباط کلیساها نمی‌پردازند؟

۲. چگونه می‌توانیم حدود اختیارات رسولی پولس را با اختیارات کلیسای محلی مرتبط کرد؟

۳. تحویل یک نفر به شیطان برای تخریب بدن او به چه معنی است؟

۴. پولس چه تعداد نامه برای قرن‌تس نوشت؟

اول قرنتیان ۶

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
در برابر بی‌ایمانان به قانون متوصل شدن ۱۱-۱:۶	برادران خود را به دادگاه نکشانید ۱۱-۱:۶	پرونده‌های قضایی کافران در دادگاه‌ها ۶-۱:۶ ۸-۷:۶	پرونده‌های قضایی علیه مسیحیان ۶-۱:۶ ۱۱-۷:۶	منابعی برای دادگاه‌های کافران ۸-۱:۶ ۱۱-۹:۶
خدا را با جسم خود جلال دهید ۲۰-۱۲:۶	خدا را با روح و جسم جلال دهید ۲۰-۱۲:۶	هشدار در برابر سهل‌انگاری ۱۱-۹:۶ ۲۰-۱۲:۶	از بدنهای خود برای جلال خدا استفاده کنید ۱۴-۱۲:۶ ۱۷-۱۵:۶ ۲۰-۱۸:۶	فساد جنسی ۱۷-۱۲:۶ ۲۰-۱۸:۶

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

توضیحات آغازین

من در طول سالهای گذشته، وکلایی داشتم که همواره از من در رابطه با این متن و ارتباط آن با جامعه امروزی سوال می‌کردند. اول، به مبحث امتناع از بردن هر شخص (حتی دیگر مسیحیان) به دادگاه باید پرداخته شود. می‌توان درباره تفاوت دادگاه‌های امروزی با دادگاه‌های کفار بحث کرد، اما چگونه؟ امروزه بسیاری از قوانین ما مطابق قوانین روم باستان است. برخی قضات امروزه ایماندار هستند، اما این نباید بر نقش آنان بعنوان یک قاضی تأثیر گذارد.

در این رابطه بنظر می‌رسد مشکلات زیادی دخیل باشند.

۱. انگیزه و هدف دادرسی دارای اهمیت بسیار است و نه فقط مبنای قانونی پرونده. ما در یک جامعه پرمنازع زندگی می‌کنیم، درست مثل آتن باستان. اغلب غرور، پول انتقام مشکلات اصلی هستند.
۲. از عواقب اجتماعی ناشی از مسیحیان حریص، حقیر، و یا عصبانی در دادگاه باز باید اجتناب شود. هر ایماندار یک وظیفه مشترک در پادشاهی خدا دارد. شاهد ما کاملاً جدی است.
۳. با اینحال، کلیسا تا به امروز نتوانسته داوری مؤثری میان ایمانداران داشته باشد. هیچ تالار گفتمان اجتماعی برای ایمانداران وجود ندارد تا این مشکلاتی را که برای آنان مهم یا بشکلی غیرمنصفانه درگیر آن شده‌اند را مطرح و به آن بپردازد.
۴. شاید یک راه حل یک انجمن وکلای مسیحی با منابع معنوی باشد (همچون متون اصلی یا حکمت الهی و غیره). نه فقط سابقه قانونی، که به مشکلات ایمانداران از جنبه حقوقی می‌پردازد. ایمانداران (وکلای مسیحی) که فکر می‌کنند در پرونده‌های موجود در حال هدایت شدن هستند

باید از خدا طلب راهنمایی و هدایت کرده و خطوطی را ترسیم نمایند که بواسطه آن بتوانند به امر حقوق قضایی بپردازند. این امر می‌تواند به ایجاد یک تالار گفتمان و داوری میان ایمانداران تبدیل شود.

با وجود اینکه عهد جدید بلحاظ تاریخی و فرهنگی دارای جهت‌دهی می‌باشد، اما مشکلات پیش پا افتاده و تمایلات بشری چنین نیستند. خداوند از لابلای این متن‌ها با ما سخن می‌گوید و ایمانداران باید برخلاف فرهنگ یونانی-رومی قرن اول، کلام و خواست او را بشنوند. این متون از ما می‌خواهند که کمتر به منازعه پرداخته و بیشتر شبیه به مسیح باشیم. آنها از کلیسا می‌خواهند که مکانی را برای گفتمان فراهم کنند (همچون دادگاه‌های کنیسه). کلام خدا به ما می‌گوید که از دست دادن چیزهای خرد شخصی بهتر از از دست دادن پادشاهی خداست (انجیل)!

در روزگاری که انضباط در کلیسای کم است، طلاق میان ایمانداران رواج دارد، با حرص و طمع عجیب است، جامعه در حال نزاع است، فصل‌های ۵ و ۶ متون حساسی برای مطالعه توسط ما خواهند بود، هم بصورت مشترک (کلیسا و کلیساها) و هم بصورت فردی. آزادیهای زندگی آمریکایی بر اساس برابر زیر سایه قانون است. این امر بدین معنا می‌باشد که ما بعنوان ایماندار، در دو گوی یا دنیا زندگی می‌کنیم، یکی شر و شیطانی و دیگری روحانی و معنوی. ما هرگز نباید سیستم قانونی خود را براندازیم، بلکه باید بخاطر داشته باشیم که ما دارای شهروندی آسمانی و بهشتی هستیم. در هر دو دنیا دارای مسئولیت و حقوقی هستیم. اما یک دنیا برای ما در درجه اولویت قرار دارد (اول قرن‌تین ۱۹:۶-۲۰)!

برخی از ایمانداران ممکن است به هر دلیلی دارای مشکلات حقوقی و قضایی باشند. همه ما باید در زیر نوری که در آن قرار گرفته‌ایم راه برویم. این متن می‌تواند آن نور را روشنتر نماید.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱:۶-۶
 ۱ هرگاه کسی از شما شکایتی علیه دیگری دارد، چگونه جرأت می‌کند آن را نه نزد مقدسین، بلکه به محکمه گنهکاران ببرد؟ آیا نمی‌دانید که مقدسین دنیا را داوری خواهند کرد؟ پس شما که قرار است دنیا را داوری کنید، چگونه قادر به قضاوت درباره مسائل بس کوچکتر نیستید؟ آیا نمی‌دانید که ما فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟ چه رسد به قضاوت درباره مسائل این زندگی. پس چرا به هنگام بروز این گونه اختلافها میان خود، کسانی را به دادرسی می‌گمارید که در کلیسا کسی به حساب نمی‌آیند؟^۵ این را می‌گویم تا شما را شرمنده سازم. آیا در میان شما شخصی حکیم نیست که بتواند به اختلافهای برادران رسیدگی کند؟^۴ در عوض، برادر علیه برادر به محکمه می‌رود، آن هم نزد بی‌ایمانان!

۱:۶

NASB	"پرونده‌ای"
NKJV	"موضوعی"
NRSV	"گله‌ای"
TEV	"اختلافی"
NJB	"شکایتی"

این متن در نسخه کویین یونانی بر روی پاپیروس در مصر یافت شد، در رابطه با (۱) "عملی" یا "کرداری"؛ (۲) "پرونده حقوقی"؛ (۳) "مشکلی" یا "دردسری"؛ (۴) "کار اداری" یا "تجارت" بکار برده شده است (کتاب *The Vocabulary of the Greek New Testament* صفحه ۵۳۲). در متن کلام، شماره ۲ بهترین گزینه می‌باشد. بر طبق اسناد بدست آمده از آتن، یونانیان به لحاظ فرهنگی، همواره به امور قضایی گرایش داشتند. رومیان نیز از برخی جهات چنین بودند. قرن‌تس در روزگار پولس یونانی نبود بلکه تحت سیطره رومیان قرار داشت (کتاب *After Paul Left Corinth*، نوشته Bruce W. Winter، از انتشارات Eerdmans چاپ ۲۰۰۱).

NASB	"همسایه‌اش"
NKJV, NRSV,	
NJB	"دیگری"
TEV	"مسیحی دیگری"

در اینجا درباره جنسهای دیگر (*heteros*) صحبت می‌شود (اول قرن‌تبیان ۱۰:۲۴؛ ۱۴:۱۷؛ غلاطیان ۴:۶). در ادبیات کلاسیک یونان، میان *alla* (جنس مشابه دیگر) و *heteros* (جنس مخالف دیگر) فرق وجود دارد. این تفاوت و یا به نوعی امتیاز در کوبین یونانی (همچون دیگر فرقهای متعددی که در دستور زبان کلاسیک یونانی و شیوه بکار بردن آنها وجود دارد) در حال از بین رفتن بود. این متن در اینجا مثال خوبی است. شیوه بکارگیری *heteros* اشاره به یک دوست ایماندار داشته که در رومیان ۱۳:۸ نیز به همین موازات انجام شده است. در رومیان ۲:۱ واژه معنی گسترده‌تری بخود گرفته و احتمالاً مهعنی همسایه، شهروند یا یک یهودی می‌دهد. مستمسک متنی برای دلالت در این آیه عبارت "در برابر مقدسین" است. همسایه‌ای که گمراه شده احتمالاً بدلیل وجود اختلاف با یک ایماندار، موافق قرار گرفتن در محضر دادگاه نیست (متی ۱۷:۱۸؛ یعقوب ۲:۱-۴).

کاملاً محتمل است که پولس امتیازی دو چندان داشت. این برای یک ایماندار مشکل است که به دلیل یک اختلاف با یک بی‌ایمان، در برابر محکمه یک کافر قرار گیرد. موقعیت بدتر برای یک ایماندارا حتی بردن یک ایماندار دیگر به محکمه‌ای است که یک کافر آن را هدایت می‌کند. من ترجیح می‌دهم که ترجمه‌ای که برای "همسایه" در اول قرن‌تبیان ۶:۱ استفاده شده، معنی "شریک در عهد" یا "یاور ایماندار" داشته باشد.

▣ "جرات" این واژه یونانی (*tolmaō*) بارها در نامه‌های قرن‌تبیان در حالاتی چون "فرض کردن" یا "یک خیره‌سر را مطمئن ساختن" بکار رفته است (اول قرن‌تبیان ۶:۱؛ دوم قرن‌تبیان ۶:۲، ۱۰:۱۱؛ ۲۱:۱۱ و رومیان ۵:۷؛ ۱۵:۱۵، ۱۸؛ یهودا ۹).

NASB, NKJV "به قانون مراجعه کن و در حضور یک ناشایست قرار بگیر"
 NRSV "او را به دادگاه و در محضر یک ناشایست ببر"
 TEV "به حضور قضات کافر برو"
 NJB "از گناهکاران تقاضای داوری کردن"

پولس نگران این نبود که با ایمانداران ناعادلانه برخورد شود، بلکه نگران بر ملا شدن مشکلات مسیحیان برای بی‌ایمانان بود. روح، کلید اصلی روابط بین افراد در کلیسا است و نه قانون کفار. تبشیر به مراتب مهمتر از عدالت شخصی است!

۶:۲ "مگر نمی‌دانید" به یادداشت اول قرن‌تبیان ۵:۶ مراجعه نمایید.

▣ "مقدسین" عبارت یونانی (*hagioi*) "مقدسین" یا قدیسان از واژه عهد عتیق "holy" (*kadosh*) بمعنی "از خدمت خدا کنار گذاشته شده" می‌باشد (خروج ۱۹:۶؛ تثنیه ۷:۶؛ اول قرن‌تبیان ۱:۲؛ دوم قرن‌تبیان ۱:۱؛ رومیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۱؛ فیلیپیان ۱:۱؛ کولسیان ۱:۲). این واژه در عهد جدید همیشه بصورت جمع بکار رفته بجز یک مورد و آن هم در فیلیپیان ۴:۲۱، اما حتی در آنجا هم مفهوم اشتراکی دارد. برای نجات یافتن باید بخشی از جامعه ایمانی در عهد خدا بود، یعنی خانواده ایمانداران. به موضوع خاص مقدسین در اول قرن‌تبیان ۲:۱ مراجعه شود.

قوم خدا بدلیل عدالت عیسی، مقدس هستند (بیان گزارشی، رومیان ۴:۲؛ دوم قرن‌تبیان ۵:۲۱). این خواست خدا است که آنها همچون مقدسین زندگی نمایند (فرمان ضروری و الزامی، افسسیان ۴:۱؛ ۵:۲۷؛ کولسیان ۱:۲۲؛ ۳:۱۲). ایمانداران قدیس شمرده شده‌اند (تقدیس بلحاظ موقعیت) و همچنین به زندگی همچون قدیسان فرخوانده شده‌اند (تقدیس در حال اجرا). توجیه و تقدیس باید در کنار هم قرار داده شوند! به موضوع خاص: تقدس در عهد جدید در اول قرن‌تبیان ۲:۱ مراجعه نمایید.

▣ "دنیا را داوری خواهند کرد" با وجودیکه عیسی بخصوص ذکر کرده بود که رسولان روزی همچون داوران عمل خواهند کرد، اما اضافه منطقی در حقیقت اینست که قدیسان نیز داوری خواهد کرد (دانیال ۷:۲۲، ۲۷؛ متی ۱۹:۲۸؛ لوقا ۲۲:۲۹-۳۰؛ مکاشفه ۲:۲۶، ۳:۲۱، ۴:۲۰). حال اینکه این اتفاق کی و چگونه روی خواهد داد، سوال دشواری است.

▣ "اگر" این جمله اول شخص شرطی بوده و اینگونه متصور است که مقدسین در امر داوری و بعنوان داور و قاضی در رویدادهای پایان دنیا مشارکت خواهند داشت.

NASB "آیا عرضه ندارید که دادگاه‌های قانونی کوچکتر برپا کنید"
 NKJV "چگونه قادر به قضاوت درباره مسائل بس کوچکتر نیستید"
 NRSV "آیا در رسیدگی به پرونده‌های کوچک بی‌عرضه هستید"
 TEV "آیا قادر به داوری به موضوعات کوچک نیستید"
 NJB "آیا برای پرونده‌های خرد عرضه ندارید"

این کنایه‌های نیشدار تلخ خطاب به کسانی است که مدعی دارا بودن حکمت آسمانی و الهی هستند! مشابه همین واژه (*anaxios*) درباره رفتار ناشایست کلیسای قرن‌تس در زمان شام مسیح بکار برده شده است (اول قرن‌تس ۱۱: ۲۷، ۲۹). این ایمانداران بی‌اخلاق، که ادعا داشتند از نیروهای روحانی خاصی بهره‌مند بودند، در واقع نمی‌دانستند که چگونه ارزیابی مناسب داشته یا حتی درست رفتار کنند!

واژه "کوچکترین" صفت برترین فعل *mikros* است. پولس قبلاً در اول قرن‌تس ۴: ۳ از این واژه استفاده کرده بود. کاربرد این لغت نهایت تمسخر و نیشخند است.

۳: ۶ "آیا نمی‌دانید که ما فرشتگان را داوری خواهیم کرد" بلحاظ ساختار دستور زبانی انتظار پاسخ "مثبت" از این سوال داریم. ایمانداران در جایگاه بالاتری از فرشتگان قرار دارند. برای ایماندارانی که در این دنیا گرفتار شده‌اند، دشوار است که جایگاه حقیقی روحانی خود را درک نمایند (اول قرن‌تس ۱۲: ۱۳). فرشتگان بعنوان خادمین خداوند و بشریت بازسازی شده خلق شدند (عبرانیان ۱: ۱۴). بر خلاف فرشتگان، این بشر است که از تصور خداوند و شباهت به او آفریده شد (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷). عیسی بخاطر بشریت بود که زندگی خود را فدا کرد، نه برای فرشتگان (عبرانیان ۲: ۱۴-۱۶). ایمانداران روزی فرشتگان را داوری خواهند کرد (فرشتگان سرکش، پیدایش ۶: متی ۲۵: ۴۱؛ ۲ پطرس ۲: ۴-۹؛ یهودا ۶ یا همه فرشتگان بعنوان یک استعاره از سیطره جهان، دانیال ۲۲: ۷، ۲۷).

براساس الهیات ربیان یهود، فرشتگان همواره نسبت به علاقه خداوند و اهمیتی که انسان رانده شده از بهشت داده، حسادت ورزیده‌اند. ادبیات یهود حتی تصریح می‌کند که سرکشی و طغیان شیطان به فرمان خدا برای خدمت به نسل آدم ارتباط داشت.

□ "چه رسد به" این عبارت بازتاب دهنده یک قسمت قوی که متکی به کلمه قبل است بوده (*ge*)، که برای نشان دادن تأکید بکار برده شده است (*Analytical Lexicon*، از Moulton صفحه ۷۵). پر رنگ بودن کلام طعنه‌آمیز روشن است.

۴: ۶ "اگر" این جمله سوم شخص شرطی بوده که بمعنی عملی احتمالی می‌باشد.

□ "می‌گمارید" راه‌های مختلفی برای ترجمه این عبارت وجود دارد. نظریه‌های موجود چنین هستند:

۱. بصورت خبری (یک بیانه) "خواهید گماشت"
۲. بصورت سوالی (یک سوال) "آیا می‌گمارید؟"
۳. بصورت حرف ندا (*NJB, NIV*)، "می‌گمارید!"
۴. بصورت دستوری (یک فرمان)، "بگمارید"

در اینجا نکته الهیاتی اینست که مسیحیان باید قادر باشند تا بر موضوعات ساده و پیش پا افتاده زمینی داوری نمایند. برای اینکه بتوان این موضوع را بیشتر روشن کرد، دو راه وجود دارد که به این متن نگاه کنیم: (۱) این متن اشاره به قاضی‌های کافر دارد و یا (۲) اشاره به حداقل اعضای مؤثر کلیسا دارد. اگر چنین باشد پس ادامه سخنان کنایه‌دار و نیشخند است.

"کسی به حساب نمی‌آیند"	NASB, NJB
"آنان که کمترین اعتبار را دارند"	NKJV
"آنان که هیچ جایگاهی ندارند"	NRSV, TEV

مشابه همین عبارت (*exoutheneō*)، وجه وصفی مجهول کامل) توسط پولس در اول قرن‌تس ۱: ۲۸ برای نشان دادن استفاده خدا از "چیزهای اولیه"، چیزهای حقیر، چیزهایی که دیگر نیستند" بکار رفت تا حکمت دنیوی را پریشان نشان داده و بگوید که خداوند خود جلال را دریافت خواهد کرد. در اینجا اینگونه بنظر می‌رسد که از کسانی می‌گوید که در کلیسا هیچ جایگاهی نداشته و یا از مهارت‌های رهبری برخوردار نیستند. خردترین مردمان خدا کسانی هستند که در نگاه خداوند لایق‌ترین می‌باشند، زیرا حکمت خداوند و روح برای برخورد با مشکلات در آنها نهفته بوده تا آنان که از بهترین سطح تحصیلات و تجربه برخوردارند اما داورانی بی‌دین و بی‌ایمان هستند.

□ "کلیسا" به موضوع خاص در اول قرن‌تس ۱: ۲ رجوع نمایید.

۵: ۶ "این را می‌گویم تا شما را شرم‌منده سازم" پولس از این عبارت زیاد استفاده می‌کند (اول قرن‌تس ۴: ۱۴؛ ۵: ۶؛ ۱۵: ۳۴؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۴؛ تیتوس ۲: ۸). شرم‌منده کردن یکی از ابزار روح برای متقاعد کردن و اجازه دادن حقیقت و عمل قابل اطمینان و رفتارها به اصلاح می‌باشد. این آیه تلخی سخنان نیشدار را ادامه می‌دهد.

□ **آیا در میان شما شخصی حکیم نیست** این هم سخنی نیشدار و تلخ دیگر به کلیسای خودشیفته بود. این یک سوال منفی تأکیدی می باشد که انتظار پاسخ مثبت دارد. به یادداشت اول قرنیتیان ۷:۴ مراجعه نمایید.

۶:۶: **آن هم نزد بی ایمانان** هیچ مقاله ای درباره این عبارت وجود ندارد، لذا می توان گفت که تأکیدی است بر کیفیت کار داوران "کافر" در این جهان.

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۷:۶-۸
اصلاً، خود شکستی برای شماس است. چرا ترجیح نمی دهید مظلوم واقع شوید؟ چرا حاضر نیستید زیان ببینید؟^۸ برعکس، خود ظلم می کنید و به دیگری زیان می رسانید، آن هم به برادران خود.

۷:۶: **اصلاً** به یادداشت اول قرنیتیان ۱:۵ مراجعه نمایید.

□ **"Then it is already"** (این عبارت در نسخه فارسی ترجمه نشده است.) این عبارت () گویای این مطلب است که این کلیسا از قبل خیلی کارها را انجام می داده است. آنها از پیش از این شکست خورده اند!

NASB, NRSV "شکستی"

NKJV "عدم موفقیتی در حد اعلا"

TEV "کاملاً ناموفق"

NJB "یک نقص"

معنی دقیق آن "کم" است، اما در جمله ای بکار رفته که حالت شکست خوردگی و ناموفقی در آن وجود دارد (دوم قرنیتیان ۱۳:۱۲؛ رومیان ۱۱:۱۲؛ ۲ پطرس ۲:۱۹-۲۰).

NASB, NRSV "چرا ترجیح نمی دهید که اشتباه نکنید؟ چرا ترجیح نمی دهید که فریب نخورید"

NKJV "چرا ترجیح نمی دهید که اشتباه خود را بپذیرید؟ چرا ترجیح نمی دهید که نگذارید فریب بخورید"

TEV "بهتر نیست که اشتباه نکنید؟ بهتر نیست برای شما که مورد دستبرد قرار نگیرید"

NJB "چرا ترجیح نمی دهید که در بی عدالتی عذاب نکشید، چرا ترجیح نمی دهید که فریب نخورید"

اینها دو جمله مجهول اخباری هستند. حقوق فردی ایمانداران به اهمیت اعتبار و مأموریت آنها در کلیسا نیست. آیا در صورت شکست پادشاهی، مسیحیان برنده می شوند؟

۸:۶ کلیسای غرب با تأکیدی که بر روی فرد دارد باعث انحراف انجیل شده است. ما در کل همواره این تأکید، مشارکت و بدنه کلیسا را نادیده می گیریم! ما مسیحیت را چیزی برای خود می دانیم بجای اینکه آن را چیزی برای انجیل بدانیم. ما بصورت فردی نجات یافتیم تا خدمت کنیم (اول قرنیتیان ۷:۱۲). ایمانداران باید جهانی عهده جدید را توسعه دهند، باید دنیا را از نگاه خداوند و بصورت مشارکتی و با مقاصد جهانی مشاهده کنند (متی ۲۸:۱۸-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال ۱:۸).

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۹:۶-۱۱
آیا نمی دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید! بی عفتان، بت پرستان، زناکاران، لواط گران - چه فاعل و چه مفعول،^۹ دزدان، طمع ورزان، میگساران، ناسزاگویان و شیادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد.^{۱۱} بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده اید.

۹:۶-۱۰ روشن است که پولس نسبت به زندگی فردی مسیحیان احساس مسئولیت می کند (اول قرنیتیان ۵:۱۰، ۱۱:۶-۹، ۱۰)، زیرا زندگی آنان بر کلیسا اثر می گذارد. رستگاری یک عمل قضایی نیست (قضاوت بوسیله ایمان)، بلکه یک زندگی تغییر یافته است (تقدس یا همچون مسیح بودن، غلاطیان ۷:۶). به موضوع خاص: تقدس در عهد جدید در اول قرنیتیان ۲:۱ مراجعه نمایید.

کلیسا در گذشته و حال فریب خورده است. این یک جمله خبری مجهول حال با بار منفی بوده که معمولاً بمعنی توقف عملی در حال انجام می باشد.

۹:۶ "آیا نمی‌دانید" به یادداشت اول قرن‌تینان ۵:۶ مراجعه نمایید. باین معنی است که ایمانداران، بدلیل رستگاری خود و روحی که در آنها جای گرفته، باید به این مسائل اشراف داشته باشند! اما یک کودک (نابالغ)، یا ایمان‌داری که در هوای نفس زندگی می‌کند قادر به دانستن اینها نیست!!! آنها بلحاظ روانی تحت سیطره این دنیای سقوط کرده و شیطانی می‌باشند (خودفریفته، شکست خورده بلحاظ فرهنگی و شکست خورده از شیطان، اول قرن‌تینان ۱۲:۲).

■ "ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد" پولس به جهت تأکید این اظهارات را دو بار بیان می‌دارد (اول قرن‌تینان ۶:۹، ۱۰). پارادکس انجیل در اینجا پر رنگ می‌شود. رستگاری در سایه کار تمام شده عیسی برایگان در اختیار ما قرار گرفته، اما رستگاری عهد، متضمن پاسخی مناسب و مداوم می‌باشد. ایمان‌داری که در راه مسیح "پارسا" اعلام شده‌اند باید در شبیه شدن به مسیح نیز تلاش کرده و بالغ گردند. هدف خداوند همیشه پارسایی مردمان بوده تا شخصیت و ذات او را بازتاب دهند. عهد جدید نیز همچون عهد عتیق می‌باشد. ریشه و بنیان پیمان جدید (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶:۲۲-۳۸) اینست که کارکرد انسان برای رسیدن به رستگاری با کارکرد مسیح جایگزین شود. اما این بر اشتیاق خداوند برای رسیدن مردمش به رستگاری اثر نمی‌گذارد. این کار فقط مکانیزم را تغییر می‌دهد. در این دوره از کلام خدا، ایمانداران بویسله قدرشناسی خود تشویق می‌گردند، نه با پاداش.

با اینحال، قواعد معنوی "کاشتن و درو کردن" (غلاطیان ۶:۷) هنوز برای ایمانداران و بی‌ایمانان مؤثر است (فصل ۳). امان از تراژدی مسیحیت بی‌حاصل (یوحنا ۱۵؛ یعقوب ۲:۱۴-۴۶؛ ۱ پطرس؛ ۱ یوحنا). این مسائل پادشاهی، کلیسای محلی، هر فرد و انسانهای گمراه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

آیا یک مسیحی که مرتکب گناهی شده که در فهرست اول قرن‌تینان ۶:۹-۱۰ لحاظ گردیده، می‌تواند نجات یابد؟ بدون تبعات آسمانی چون از دست دادن هم‌نشینی با خدا، از دست دادن هدایتهای روح، از دست دادن تضمینها، از دست دادن صلح، از دست دادن دعای مؤثر، از دست دادن پرستش راستین، از دست دادن شادی، از دست دادن شاهد، امکان پذیر نیست! چه هزینه‌ی هنگفتی باید پرداخت شود! چندین متن در اعمال رسولان و نوشته پولس وجود دارد (اعمال ۲۰:۳۲؛ ۲۶:۱۸؛ اول قرن‌تینان ۶:۹-۱۰؛ ۱۵:۵؛ غلاطیان ۵:۲۱؛ افسسیان ۵:۵) که کلام عیسی را در ارتباط با میراث پادشاهی بازتاب می‌دهند (متی ۲۵:۳۴).

موضوع خاص: ارتداد (APHISTĒMI)

(Special Topic: Apostasy)

اصطلاح یونانی *aphistēmi* زمینه معنایی گسترده‌ای دارد. در زبان انگلیسی اصطلاح *apostasy* از این اصطلاح مشتق شده و کاربرد آن خوانندگان عصر مدرن را متعصب می‌کند. همیشه، متن کلید است نه مفهوم عصر حاضر.

این اصطلاح یک کلمه مرکب است که از پیشوند *apo* که به معنی "از" یا "به دور از" و *histēmi* به معنی "نشستن"، "ایستادن" یا "درست کردن" است. به کاربردهای غیر الهیاتی زیر توجه کنید.

۱. پاک کردن/حذف کردن به صورت فیزیکی

a. از معبد، انجیل لوقا ۲:۳۷

b. از خانه، انجیل مرقس ۱۳:۳۴

c. از فرد، انجیل مرقس ۱۲:۱۲، ۱۴:۵۰، اعمال رسولان ۵:۳۸

d. از همه چیز، انجیل متی ۱۹:۲۷ و ۲۹

۲. پاک کردن/حذف کردن به صورت سیاسی، اعمال رسولان ۵:۳۷

۳. پاک کردن/حذف کردن به صورت رابطه‌ای، اعمال رسولان ۵:۳۸، ۱۵:۳۸، ۱۹:۹، ۲۲:۲۹

۴. پاک کردن/حذف کردن به صورت قانونی (طلاق)، تثنیه ۱:۲۴ و ۳ (LXX) و عهد جدید، انجیل متی ۵:۳۱، ۱۹:۷، انجیل مرقس ۱۰:۴، اول قرن‌تینان ۷:۱۱

۵. پاک کردن/حذف کردن بدهی، انجیل متی ۱۸:۷

۶. نشان دادن بی‌توجهی با ترک کردن، انجیل متی ۴:۲۰، انجیل یوحنا ۴:۲۸، ۴:۳۲، ۱۶

۷. نشان دادن توجه با ترک نکردن، انجیل یوحنا ۸:۲۹، ۸:۱۸، ۱۴

۸. اجازه دادن، انجیل متی ۱۳:۳۰، ۱۹:۱۴، انجیل مرقس ۱۴:۶، انجیل لوقا ۸:۱۳

در مفهوم الهیاتی این فعال معنی گسترده‌ای دارد

۱. لغو کردن، عفو کردن، بخشیدن از گناه، خروج ۳۲:۳۲ (LXX)، اعداد ۱۴:۱۹، یعقوب ۴۲:۱۰ و عهد جدید انجیل متی ۱۲:۶ و ۱۴ الی ۱۵، انجیل مرقس ۱۱:۲۵ الی ۲۶
 ۲. خودداری از گناه، دوم تیموتائوس ۲:۱۹
 ۳. بی توجهی کردن با دوری کردن از
 - a. قانون، انجیل متی ۲۳:۲۳، اعمال رسولان ۲۱:۲۱
 - b. ایمان، حزقیال ۸:۲۰ (LXX)، انجیل لوقا ۸:۱۳، دوم تسالونیکیان ۲:۳، اول تیموتائوس ۴:۱، عبرانیان ۳:۱۲
- ایمانداران عصر مدرن سوالات الهیاتی بسیار زیادی می پرسند که نویسندگان عهد جدید هرگز راجع به آنها فکر نکرده بودند. یکی از این سوالات در رابطه با گرایش عصر مدرن نسبت به جدا کردن ایمان از وفاداری است.
- افرادی در انجیل هستند که جزو مردمان خدا هستند ولی اتفاقاتی می افتند و باعث می شوند که آنها برونند.

I. عهد عتیق

- A. آنان که گزارش جاسوسی دوازده (ده) نفر را شنیدند، اعداد ۱۴ (مراجعه شود به عبرانیان ۳:۱۶ الی ۱۹)
- B. قورح، اعداد ۱۶
- C. پسران القانه، اول سموئیل ۲ و ۴
- D. شائول، اول سموئیل ۱۱ الی ۳۱
- E. پیامبران دروغین مرد
 ۱. تثنیه ۱:۱۳ الی ۵، ۱۹:۱۸ الی ۲۲ (راه های شناختن پیامبران دروغین)
 ۲. ارمیا ۲۸
 ۳. حزقیال ۱:۱۳ الی ۷
- F. پیامبران دروغین زن
 ۱. حزقیال ۱۷:۱۳
 ۲. نحمیا ۶:۱۴
- G. رهبران شیطنانی اسرائیل
 ۱. ارمیا ۵:۳۰ الی ۳۱، ۸:۱ الی ۲، ۲۳:۱ الی ۴
 ۲. حزقیال ۲۳:۲۲ الی ۳۱
 ۳. میکاه ۳:۵ الی ۱۲

II. عهد جدید

A. این فعل یونانی به مفهوم "مرتد شدن" (to aposasize) است. عهد عتیق و عهد جدید هر دو تشدید فعالیت شیطان و تعالیم دروغین قبل از آمدن دوم را تأیید می کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۲۴، انجیل مرقس ۱۳:۲۲، اعمال رسولان ۲۹:۲۰ و ۳۰، دوم تسالونیکیان ۲:۹ الی ۱۲، دوم تیموتائوس ۴:۴). این اصطلاح یونانی می تواند منعکس کننده حرفهای یهودیان در تمثیل خاک در انجیل متی ۱۳، انجیل مرقس ۴، و انجیل لوقا ۸ باشد. این معلمین دروغین بدیهی است که مسیحی نیستند، ولی از درون آمده اند (مراجعه شود به امثال ۲۹:۲۰ الی ۳۰، اول یوحنا ۲:۱۹). با این حال، آنان می توانند ایماندارانی را که از نظر معنوی به بلوغ معنوی نرسیده اند، اغوا و گمراه کنند (مراجعه شود به عبرانیان ۳:۱۲).

سوال الهیاتی این است که اصولاً آیا این معلمین دروغین مومن بوده اند؟ به این سوال به سختی می توان پاسخ داد زیرا این معلمین دروغین در کلیساهای محلی بودند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۱۸ الی ۱۹). اغلب سنتها یا نگرش الهیاتی یا مذهبی ما بدون استناد به متن خاصی در انجیل به این سوالات پاسخ می دهند (به استثنای روشهای شیوه بررسی و صحت مطلب که از نقل آیه و بطن محتوا می توان گرایش کسی را اثبات کرد).

B. ایمان بدیهی

۱. یهودا، انجیل یوحنا ۱۲:۱۷
۲. شمعون جادوگر، اعمال رسولان ۸
۳. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۷:۱۳ الی ۲۳ صحبت می شد
۴. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۱۳ و انجیل مرقس ۴ و انجیل لوقا ۸ صحبت می شد

۵. یهودیان انجیل یوحنا ۳۱:۸ الی ۵۹
۶. الکساندر و هیمنائوس، اول تیموتائوس ۱:۱۹ الی ۲۰
۷. آنان که در اول تیموتائوس ۶:۲۱ در موردشان صحبت شد
۸. هیمنائوس و فیلتوس، دوم تیموتائوس ۲:۱۶ الی ۱۸
۹. داماس، دوم تیموتائوس ۴:۱۰
۱۰. معلمین دروغین، دوم پطرس ۲:۱۹ الی ۲۲، یهودا ۱:۱۲ الی ۱۹
۱۱. ضد مسیحیان، اول یوحنا ۲:۱۸ الی ۱۹
- C. ایمان بی ثمر
 ۱. اول قرنتیان ۳:۱۰ الی ۱۵
 ۲. دوم پطرس ۱:۸ الی ۱۱

به دلیل الهیات سیستماتیک (کالونیسیم، ارمیسیم، و غیره) ما به ندرت به این متون فکر می‌کنیم، زیرا اینها پاسخ مجاز را بر ما دیکته می‌کنند. لطفاً در مورد من پیش داوری نکنید که این مطلب را مطرح می‌کنم. توجه من بر فرایند صحیح مطالعه انجیل است. ما باید اجازه دهیم که انجیل با ما صحبت کند و اینکه سعی نکنیم آن را در یک قالب الهیات از پیش آماده شده بگنجانیم. اغلب این کار به دلیل تعصبات فرهنگی، مذهبی و رابطه‌ای (والدین، دوستان، شبان) دردناک و ناراحت کننده است، نه به دلیل تعصبات انجیلی (موضوع خاص: دریافت کردن، ایمان آوردن اعتراف کردن یعنی چه؟ را مطالعه کنید). کسانی که جزو مردمان خدا هستند تبدیل به کسانی می‌شوند که جزو مردمان خدا نیستند (مراجعه شود به رومیان ۶:۹).

موضوع خاص: وراثت ایمانداران (از اول پطرس ۱) (Special Topic: Believers Inheritance)

در عهد عتیق هر قبیله به غیر از لایوان زمینی را به ارث بردند (مراجعه شود به یوشع ۱۴ الی ۲۲). به لایوان به عنوان کشیشان، خادمان معبد و آموزگاران محلی با دید اینکه بیهوه را دارند و وارث او هستند، دیده می‌شد (مراجعه شود به مزمور ۵:۱۶، ۲۳:۷۳ الی ۲۶، ۵۷:۱۱۹، ۵:۱۴۲، مراثی ارمیا ۳:۲۴). نگارندگان عهد جدید اغلب حقوق و امتیازات لایوان را از آنان سلب کرده و آنها را به تمامی ایمانداران اطلاق می‌کردند. این شیوه آنان در تصریح این بود که پیروان عیسی مردمان راستین خدا بودند و اینکه، هم اکنون تمامی ایمانداران برای خدمت به عنوان کشیشان خدا به خدمت فرا خوانده شده‌اند (مراجعه شود به اول پطرس ۲:۵ الی ۹، مکاشفه ۱:۶)، همانطور که عهد عتیق در مورد تمامی اسرائیل این امر را تصریح می‌کند (مراجعه شود به کتاب خروج ۴:۱۹ الی ۶). تاکید عهد جدید برای کشیش بودن هر فرد با امتیازات و مزایای خاص نیست، بلکه بر این حقیقت است که تمامی ایمانداران کشیشانی هستند که باید به صورت گروهی و جمعی خدمت کنند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۷:۱۲). به مردم عهد جدید خدا وظیفه بشارت دادن جهانی داده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳:۱۲، کتاب خروج ۵:۱۹، انجیل متی ۲۸:۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۸:۱، موضوع خاص: برنامه رستگاری جهانی بیهوه را مطالعه کنید).

این است مفهوم کار عیسی به عنوان مالک خلقت زیرا او نماینده پدر در خلقت بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳:۱ و ۱۰، اول قرنتیان ۸:۶، کولسیان ۱:۱۶، عبرانیان ۲:۱۰ الی ۳). ما شرکای این میراث هستیم زیرا او وارث است (مراجعه شود به رومیان ۸:۱۷، غلاطیان ۴:۷، کولسیان ۳:۲۴). کتاب مقدس درباره ایمانداران که چیزهای بسیاری را به واسطه رابطه خانوادگی با عیسی که وارث همه چیز است (مراجعه شود به عبرانیان ۱:۲) به ارث (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳۲:۲۰، ۱۸:۲۶، افسسیان ۴:۱، کولسیان ۱:۱۲، ۳:۲۴) می‌برند، صحبت می‌کند. بنابراین در به ارث بردن اینها شریک هستند (مراجعه شود به رومیان ۸:۱۷، غلاطیان ۴:۷):

۱. پادشاهی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵:۳۴، اول قرنتیان ۶:۹ الی ۱۰، ۱۵:۵۰، افسسیان ۵:۵)
۲. زندگی جاویدان (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹:۲۹، عبرانیان ۹:۱۵)
۳. وعده‌های خدا (مراجعه شود به عبرانیان ۶:۱۲)
۴. تعهد خدا بر وعده‌هایش (مراجعه شود به اول پطرس ۱:۴ الی ۵)

■ "فریب نخورید" این یک جمله دستوری است (کتاب *The Expositor's Bible Commentary*، جلد ۱۰ صفحه ۲۲۳، نویسنده معتقد است که جمله حال میانی بوده و معنی آن "از فریب دادن خود دست بردارید" است) با بار منفی، که معمولاً بمعنی "توقف عملی در حال اجرا" می‌باشد. همچون اول

قرنتیان ۶: ۱۸ این یک *asyndeton* است که یک حالت تأکید در دستور زبان کویین یونانی بوده، و بر اساس آن موضوعی برای جلب نظر خواننده یا شنونده مطرح می‌گردد.

	NASB, NKJV,
"ترسناک"	NRSV
"مردمی که بدسیرت هستند"	TEV
"هرزگی جنسی"	NJB

این یک لغت عمومی برای هرزگی است (اول قرنتیان ۵: ۱ [دو بار]، ۹، ۱۰؛ ۶: ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۸؛ ۷: ۲؛ ۸: ۲؛ دوم قرنتیان ۱۲: ۲۱). آیات ۹-۱۰ فهرست گناهانی هستند که در قرن اول کافران در آنها غرق شده بودند (اول قرنتیان ۵: ۹-۱۱)، که عمدتاً شامل اعمالی چون بی‌بند و باری در امور جنسی و به نام خدای باروری انجام می‌دادند.

▣ "زناکاران" برای یک ایماندار با دیدگاه عهد عتیقی، هیچ چیز بدتر از این نیست. کاربرد این لغت در فهرست گناهان مؤکد فهرست دعاهای کافران می‌باشد (اول قرنتیان ۶: ۱۱). پولس از این مفهوم (پرستش و خدمت به خدایان دروغین) اغلب در نامه‌هایش به قرنتیان (اول قرنتیان ۵: ۱۰، ۱۱؛ ۶: ۹؛ ۸: ۴، ۷، ۱۰؛ ۷: ۱۰؛ ۱۴، ۱۰، ۲۸؛ ۱۲: ۲؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۶).

▣ "لواط‌گران" این واژه یونانی *moichos*، اشاره به خیانت‌های جنسی در طول ازدواج دارد. این تنها جایی است که این واژه در نامه‌های قرنتیان بکار برده شده است.

"نامرد"	NASB
"لواط‌گر"	NKJV
"مرد فاحشه"	NRSV
"همجنس‌گرای گمراه"	TEV
"زیاده‌خواه"	NJB

این واژه (*malakos*) معنی دقیق آن، نرم است. از این واژه برای البسه نیز استفاده می‌گردد (متی ۱۱: ۸). هنگامی که برای انسان بصورت استعاره بکار می‌رود، اشاره به مردان فاحشه، معمولاً مردان جوان دارد. برای مطالعه بیشتر درباره همجنس‌گرایی، به کتاب *Dictionary of Paul and His Letters* صفحات ۴۱۳-۴۱۴ مراجعه نمایید.

"همجنس‌گرایان"	NASB
	NKJV, NRSV,
"لواط‌گران"	NJB
"(هر دو واژه با هم بصورت 'همجنس‌گرایان گمراه' ترجمه شده است)"	TEV

این واژه (*arsenokoitēs*)، از *arsēn*، یک مرد، و *keitē*، کسی که با دیگری می‌خوابد) اشاره به یک مرد همجنس‌گرا دارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ رومیان ۲۷: ۱). این یکی از مشکلات حاد جامعه روم (رومیان ۱: ۲۶-۲۷؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۰) و همینطور در شرق میانه باستان بود (لاویان ۱۸: ۲۲؛ ۲۰: ۱۳؛ تثنیه ۲۳: ۱۸). این دو واژه در اول قرنتیان ۶: ۹ به یکدیگر ارتباط می‌یابند زیرا همجنس‌گرایی به جنبه‌های معلوم (*arsenokoitai*) و مجهول (*malakoi*) این گناه جنسی اشاره دارد. در فرهنگ امروزی فشار زیادی برای پذیرش همجنس‌گرایی بعنوان یک زندگی طبیعی وجود دارد. انجیل این موضوع را محکوم به آن از منظر یک سبک زندگی تخریب کننده و بدور از خواست خدا برای مخلوقش می‌نگرد.

۱. این امر فرمان کتاب پیدایش ۱ را به منظور تولید مثل کردن نقض آشکار می‌کند

۲. این امر منجر به بوجود آمدن فرهنگ و آیینهای پرستشی کفار می‌گردد (لاویان ۱۸: ۲۲؛ ۲۰: ۱۳؛ رومیان ۱: ۲۶-۲۷؛ و یهودا ۷).

۳. این امر منجر به بوجود آمدن یک جامعه خودمحور و بدور از خدا خواهد گردید (اول قرنتیان ۶: ۹-۱۰)

با اینحال، پیش از اینکه این بحث را ببندم، اجازه دهید تصریح کنم که عشق و بخشندگی خداوند برای همه انسانهای طغیانگر وجود دارد. مسیحیان بهیچوجه اجازه ندارند که نسبت این گناه خاص، مغرورانه و با تکبر برخورد نمایند، بویژه هنگامی که به روشنی خود ما به اندازه کافی گناهکار هستیم. دعا، ابراز نگرانی

و اهمیت دادن، شهادت دادن و حس همدردی بمراتب مؤثرتر از محکومیت از روی غضب و خشم است. قولی که خداوند و روح و به ما داده وظیفه محکومیت را به سرانجام می‌رساند، اگر ما به او اجازه دهیم. همه گناهان جنسی، و نه فقط یک مورد، در نظر خدا کراهت داشته و بسمت داوری رهنمون خواهند شد. عمل جنسی هدیه‌ای از سوی خدا برای شادی و ثبات جامعه نوع بشر است. اما این حس نیرومند خدادادی اغلب انسان را بسوی یک زندگی خود محور، جستجوگر صرفاً برای لذات جنسی هدایت می‌کند که بنظر من "بابت آن هزینه هنگفتی پرداخت خواهد شد" (رومیان ۸: ۱-۸؛ غلاطیان ۶: ۷-۸).

■ "ناسزاگوییان" به یادداشت اول قرن‌تین ۱۲:۴ مراجعه نمایید.

۱۱:۶ "بعضی از شما در گذشته چنین بودید" این یک جمله اخباری ناتمام است که از تداوم عملی در گذشته می‌گوید. این عبارات نشان‌دهنده تاریکی فرهنگ کفار در روزگاران پولس می‌باشد (اول قرن‌تین ۱۲:۲)، اما در عین حال نشان‌دهنده بخشش عظیم و نیروبخش انجیل خدا به مسیح است. تغییر زندگی این کافران شاهد توانمندی برای انجیل است. اما تغییر باید دائمی و کامل باشد و نه موقت و منتخب. این کافران اکنون تغییر کرده‌اند، روح در آنها جای گرفته و از واقعیت مطلع گشته‌اند. آنان هرگز نباید به زندگی کثیف گذشته خود باز گردند (۲ پطرس ۲: ۲۲). دنیای گمراه همچنان به ما نگاه می‌کند!

■ "اما" به عبارت *alla* در متن یونانی توجه کنید که چگونه این سه بخش معنوی را ترسیم می‌کند:

۱. شسته شده

۲. تقدیس شده

۳. پارسا شمرده شده بوسیله پسر و روح بواسطه ایمان، و اجابت توبه

■ "شسته شده‌اید" این یک جمله اخباری آنورستی است. می‌تواند اشاره به عمل تعمید بعنوان یک آغاز، از روی اختیار، مشهود و عملی نمادین برای نشان دادن شستن گناهان داشته باشد (اعمال ۲: ۳۸؛ ۲۲: ۱۶؛ تیتوس ۳: ۵). در بیشتر ترجمه‌ها، این عبارت بصورت مجهول بکار برده شده بجز ترجمه Williams، که نوشته شده "شما خود را به پاکی شسته‌اید". کسانی که به آیین یهودیت به تازگی ایمان می‌آورند باید هنگام ملحق شدن به کنیسه خود را تعمید دهند. اگر این لغت را همچون اعمال ۲۲: ۱۶ به حالت معتدلتری بکار گیریم، می‌تواند کنایه‌ای الهیاتی به بحث مسئولیت در حزقیال ۱۵: ۳۱ و با تلفیق شروع حاکمیت خدا بوده باشد (حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷). این عبارات برای نشان دادن پاک شدن بصورت استعاره بکار برده شده‌اند (تیتوس ۳: ۱۵).

■ "تقدیس شده‌اید" این عبارت مجهول خبری آنورستی به معنی مرگ مسیح و واسطه شدن روح است (اول قرن‌تین ۱: ۲، ۳۰). به موضوع خاص: تقدیس در عهد جدید در اول قرن‌تین ۲: ۱ مراجعه نمایید.

■ "پارسا شمرده شده‌اید" این عبارت نیز مجهول خبری آنورستی می‌باشد. ایمانداران هنگامی که ایمان می‌آورند، هم پارسا شده و هم مقدس شمرده شده‌اند (رومیان ۸: ۲۹). جایگاه الهیاتی این وضعیت، ملزم به یک زندگی شبیه به مسیح است. به موضوع خاص: پارسایی در اول قرن‌تین ۱: ۳۰ مراجعه نمایید.

■ "در نام عیسی مسیح خداوند و روح خدای ما" این عبارات احتمالاً تأیید کننده ترجمه‌های "شسته شده" یا "خود را بشوید" در اول قرن‌تین ۱۱: ۶ در اشاره به تعمید است (رومیان ۹: ۱۰-۱۳). کار ایمانی کلیسای اولیه، تعمید بود. داوطلبان بصورت لفظی و کلامی با گفتن عبارت "من عیسی را ارباب خویش می‌دانم" یا جملاتی شبیه به این، بر ایمان خود صحه می‌گذاشتند. عبارت دوم با ذکر "روح"، می‌تواند کنایه یا فرمولی مربوط به علوم عبادی در متی ۱۹: ۲۸ باشد، "ایشان را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید". جالب است که پولس چگونه اغلب اشاره به "به نام" در ابتدای آغاز کلامش در اول قرن‌تین می‌نماید (به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱: ۱۰ مراجعه نمایید).

۱. راهی برای اشاره به ایمانداران ("که... او را صدا می‌زنیم" اول قرن‌تین ۱: ۲)

۲. راهی برای تشویق ایمانداران (اول قرن‌تین ۱: ۱۰)

۳. راهی برای تصریح حدود اختیارات پولس (اول قرن‌تین ۵: ۴)

۴. راهی برای اشاره به شروع کار ایمانداران با خواندن نام او (اول قرن‌تین ۱۱: ۶)

این نام، معرف شخصیت عیسی، اختیارات و موقعیت اوست.

روشن است که این عبارات مرجعی برای کار تثلیث خداوند است (اول قرآنتیان ۶: ۱۹-۱۱). عبارت "تثلیث" کلمه‌ای انجیلی نیست، اما مفهوم آن هست. اگر عیسی از خدا باشد و روح نیز یک شخص، پس کسی که دارای جوهره خدایی باشد، دارای سه ماهیت شخصی و ابدی نیز هست. به موضوع خاص: تثلیث در اول قرنتیان ۲: ۱۰ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۶: ۱۲-۲۰

^{۱۲} «همه چیز بر من جایز است»، اما همه چیز مفید نیست. «همه چیز بر من رواست»، اما نمی‌گذارم چیزی بر من تسلط یابد. ^{۱۳} «خوراک برای شکم است و شکم برای خوراک، و خدا، هم این و هم آن را از میان بر خواهد داشت.» اما بدن برای بی‌عفتی نیست، بلکه برای خداوند است و خداوند نیز برای بدن، ^{۱۴} و خدا به نیروی خود، هم خداوند را برخیزانید و هم ما را بر خواهد خیزانید. ^{۱۵} آیا نمی‌دانید که بدنهای شما اعضای مسیح است؟ آیا اعضای مسیح را برگیرم و آنها را اعضای فاحشه‌ای گردانم؟ هرگز! ^{۱۶} آیا نمی‌دانید کسی که با فاحشه‌ای می‌پیوندد، با او یک تن می‌شود؟ زیرا نوشته شده است: «آن دو یک تن خواهند شد.» ^{۱۷} اما آن که با خداوند می‌پیوندد، با او یک روح است. ^{۱۸} از بی‌عفتی بگریزید! هر گناه دیگر که انسان مرتکب شود بیرون از بدن اوست، اما کسی که مرتکب بی‌عفتی می‌شود، نسبت به بدن خود گناه می‌کند. ^{۱۹} آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و او را از خدا یافته‌اید، و دیگر از آن خود نیستید؟ ^{۲۰} به بهایی خریده شده‌اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید.

۱۲:۶

NASB, NKJV

NRSV "همه چیز برای من قانونی است"

TEV "کسی خواهد گفت که من قادر به انجام هر کاری هستم"

NJB "همه چیز بر من جایز است"

این عبارت می‌تواند اشاره به موردی داشته باشد که پولس پیش از این عنوان کرده بود (اول قرنتیان ۱۰: ۲۳؛ رومیان ۲: ۱۴، ۱۴، ۲۰) اما از متن اصلی توسط (۱) ایمانداران افراطی یهودی یا (۲) معلمان دروغین افسار گسیخته‌ای که از آزادیهای مسیحیت بعنوان مجوزی برای گناه کردن استفاده می‌کردند، حذف گردید (غلاطیان ۵: ۱۳؛ اول پطرس ۲: ۱۶). پولس سعی در عین اینکه میان تندروها و میانه‌روها قدمهای صحیح بردارد، اما در عین حال نیز با هر دو به درستی صحبت نماید.

این عبارات را می‌توان اولین نقل قول از شعارهای معلمان دروغین یا برداشتن کلمه یا عبارتی از سخنان پولس درباره موضوعی کاملاً متفاوت در موعظه‌های خود استفاده می‌کردند، دانست (اول قرنتیان ۶: ۱۲، ۱۳؛ ۱: ۷؛ ۱: ۸؛ ۴: ۱۰؛ ۳۳: ۱۰؛ به کتابهای زیر نیز مراجعه نمایید

۱. *The Cambridge History of Bible*، جلد ۱ صفحه ۲۴۴

۲. *Introduction to Biblical Interpretation* نوشته Klein, Bloomberg and Hubbard، صفحات ۳۶۲-۳۶۳

اینطور نیست که هر آنچه که آنان می‌گفتند، صحیح نبود، بلکه آنان به حقیقت ورای مرزهای حلال و مشروع می‌نگریستند. دشوار می‌توان دانست که پولس چگونه از این تکنیک بهره می‌برد. احتمالاً موضوع زیر بتواند مفید باشد.

۱. این موضوعات چیزهایی بودند که پولس خود در نوشته‌هایش عنوان کرده بود (اول قرنتیان ۱۰: ۲۳؛ رومیان ۲: ۱۴، ۱۴، ۲۰)

۲. اظهار حقیقتی کلی بصورت خلاصه بوده است (همچون یک تمثیل)

۳. همه استعاره‌های انجیلی درست هستند، در ارتباط با موضوعات مورد بحث، دارای محدودیت می‌باشند. هیچ مثال یا استعاره‌ای را نمی‌توان زیاد از حد تعمیم داد. آنها معمولاً یک مورد خاص را در بر می‌گیرند.

پولس تلاش می‌کند تا حقیقت مورد نظر را مجدداً تصحیح و محدودیت‌های پسوند نامناسب را محدود کند. این یکی از مشکلات عدیده علم تفسیر در هر عصری است.

■ "اما همه چیز مفید نیست" این آیه سخن از استفاده معقول و شایسته آزادی در مسیحیت دارد که باید برای با تلاش در جهت کاستن از خودخواهی و خودمحوری تمرین شود (اول قرنتیان ۱۰: ۲۳؛ ۱۴: ۲۶؛ رومیان ۱۴: ۱۹؛ ۱۵: ۲). بوجود آوردن بدنه مسیح بسیار مهمتر از حقوق و آزادیهای فردی است.

■ "مفید" اصل این واژه یونانی ترکیبی بوده و بمعنی "همه را به یک منفعت یا هدف بدور خود جمع کردن" است (اول قرن‌تینان ۶:۱۲؛ ۷:۳۵؛ ۱۰:۲۳؛ ۷:۱۲؛ دوم قرن‌تینان ۱۲:۱۹؛ افسسیان ۴:۱۲، ۲۹). فقط به این دلیل که یک ایماندار در راه مسیح از آزادی برخوردار است به این معنا نمی‌باشد که همه چیز برای دیگر ایمانداران نیز قابل تغییر است. ما آزادی خود را در راه و عشق به مسیح و کلیسای او محدود می‌کنیم. ما همیشه بدنبال ترویج سلامتی و زنده‌دلی تمامیت بدن مسیح هستیم (اول قرن‌تینان ۷:۱۲).

NASB	" اما نمی‌گذارم چیزی بر من تسلط یابد"
NKJV	" اما من به زیر هیچ سلطه‌ای در نمی‌آیم"
NRSV	" اما هیچ چیز بر من تفوق نمی‌یابد"
TEV	" اجازه نخواهم داد تا هیچ چیز مرا برده خود سازد"
NJB	" اما من مصمم هستم تا زیر سلطه هیچ چیزی نروم"

این عبارت مجهول اخباری از واژه یونانی *exomusia* است. این واژه بلحاظ معنی کاربرد وسیعی دارد.

۱. حدود اختیارات
۲. قلمرو
۳. کنترل
۴. قدرت
۵. نیروی ماورا الطبیعه

در این حالت پولس احتمالاً چندین توارد را ذهن خود مرور می‌کرد. روشن است که یک بازی با کلمه میان "قانونی یا شرعی" (*exestin*) و "تسلط" (*exousiasthēsomai*) وجود دارد. او احساس نمی‌کرد که:

۱. هیچ انسانی حق ندارد که او را مورد داوری قرار دهد (اول قرن‌تینان ۲:۱۴-۱۵؛ ۳:۴-۵)
۲. هیچ نیرویی ماورا الطبیعه‌ای بر او تسلط ندارد (اول قرن‌تینان ۲:۱۲؛ بی‌ایمانان گمراهانی هستند که بوسیله نیروهای شیطانی هدایت می‌شوند)
۳. در اسارت هیچ آزادی فردی یا برتری فردی یا وسوسه فردی قرار ندارد (*tinōs*), یک علامت مستعار مستقل نامشخص در تضاد با استفاده دوگانه از *panta* در این آیه)

پولس اختیارات خود را از مسیح گرفته بود. این مسیح و روح او بود که وی را نیرو می‌بخشید و کنترل می‌کرد. کنترل شخصی قطعاً یکی از محصولات روح است (غلاطیان ۵:۲۳؛ اعمال ۲۴:۲۵؛ ۲ پطرس ۱:۶). پولس آزادی خود را تحت کنترل داشت تا کلام انجیل بتواند موفق گردد، ما نیز همینگونه باید باشیم! پولس تصریح می‌کرد که آزادی مسیحیت نباید یک فرصت برای بوجود آمدن مجوز جهت استفاده شخصی تلقی گردد. بسیاری از چیزهایی که خوب هستند می‌توانند مشوقی برای قرار گرفتن در موقعیتهای بد باشند (رومیان ۱۴:۲۳). مشکل آزادی مسیحیت و بی‌مسئولیتی در میان مسیحیان یکی از معضلات اصلی و حساس در نامه‌های قرن‌تینان بوده است. در رومیان ۱:۱۴-۱۳:۱۵ نیز به این معضل پرداخته شده است. مایل هستم کلام آغازین خود را درباره این مبحث از تفسیر رومیان نقل نمایم.

دیدگاه‌های متنی از رومیان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵

- A. این فصل سعی در برقراری توازن میان تضاد در آزادی مسیحیان و مسئولیت‌پذیری آنان بوجود آورد. مجموعه هر یک از موضوعات از ۱۳:۱۵ جریان می‌یابد
- B. مشکلی که در این فصل نمود می‌یابد احتمالاً ناشی از تنش میان ایمانداران غیریهودی و یهودی در کلیسای روم بوده است. پیش از ایمان آوردن، یهودیان بنا را بر این داشتند تا شرع‌گرا بوده و کفار نیز قصد بی‌عفتی و بی‌عفتی داشتند. بخاطر داشته باشید که مخاطب این فصل، پیروان صدیق مسیح می‌باشد. این فصل ایماندارانی را که از هوای نفس خود پیروی می‌کنند، مورد خطاب قرار نمی‌دهد (اول قرن‌تینان ۳:۱). بالاترین انگیزه به هر دو گروه تعلق دارد. خطر افراط و تفریط در هر دو گروه وجود دارد. این بحث مجوزی برای انتخاب تشرع افراطی یا جولان دادن میانه‌روی افراطی نمی‌باشد.
- C. ایمانداران باید مراقب باشند تا مبدا فلسفه و الهیات برداشتی خود را بصورت استاندارد برای سایر ایمانداران تلقی نمایند (دوم قرن‌تینان ۱۰:۱۲). ایمانداران باید در زیر نوری که قرار گرفته‌اند حرکت نموده، اما این درک را داشته باشند که الهیات آنان بصورت خودکار، از خداوند نشأت گرفته

نشده است. ایمانداران نیز بهر حال تحت تأثیر گناه قرار خواهند گرفت. ما باید یکدیگر را تشویق کرده تا از متن کلام خدا، دلایل و تجربیات در این زمینه به یکدیگر آموزش دهند، اما در عین حال همیشه با عشق به مسیح این کار را انجام دهند. انسان هر چه بیشتر بداند بیشتر پی می برد که چیزی نمی داند.

- D. گرایش‌ها و نیروهای محرکه انسان در برابر خداوند کلیدهای واقعی سنجش کردار و رفتار آنها است. مسیحیان روزی در برابر مسیح خواهند ایستاد و بخاطر رفتاری که با یکدیگر داشته‌اند مورد داوری قرار خواهند گرفت.
- E. بگفته مارتین لوتر، "یک مرد مسیحی، آزادترین خدای همگان است، بحثی که برای هیچکس موضوعیت نمی‌یابد، اما یک مرد مسیحی که خادم همگان است، برای همگان موضوعیت می‌یابد". حقایق انجیلی اغلب در یک تضاد پرتنش عنوان می‌گردند.
- F. مشکل دشوار اما حیاتی، پرداختن به تمامی موارد عنوان شده در رومیان ۱:۱۴-۱۳:۱۵ و همچنین اول قرن‌تینان ۸-۱۰ و کولسیان ۲:۸-۲۳ است.
- G. با اینحال، لازم است بگویم که جمعگرایی در میان ایمانداران صدیق چیز بدی نیست. هر ایماندارا نقاط ضعف و مثبتی دارد. هر یک باید در زیر نوری قرار گرفته‌اند سخن بگویند و همواره قلب خود را برای روح و انجیل بمنظور دریافت بیشتر نور، باز نگه دارند. در این دوره‌ای که همچون ظرف شیشه‌ای تاریک بوده و ما در آن قرار گرفته‌ایم (اول قرن‌تینان ۱۳:۸-۱۳) انسان باید بمنظور تذهیب مشترک اخلاقی با عشق قدم برداشته (اول قرن‌تینان ۶:۱۵)، با صلح و دوستی زندگی نماید (اول قرن‌تینان ۶:۱۷-۱۹).
- H. عناوینی چون "قویتر" و "ضعیفتر"، که پولس به این گروهها گفته، آنان را در برابر ما مورد پیشداوری قرار می‌دهد. مسلماً قصد پولس چنین نبوده است. هر دوی این گروهها ایمانداران صدیقی بودند. ما نباید سعی کنیم تا سایر ایمانداران را در کالبد خودمان جای نماییم! ما یکدیگر را در راه مسیح می‌پذیریم!

دیدگاه‌های متنی به رومیان ۱:۱۵-۳

- A. بحث پیرامون آزادی و مسئولیت پذیری در مسیحیت از فصل ۱۴ ادامه می‌یابد.
- B. رئیس مطالب کلیت بحث به شرح زیر است:
۱. ما باید بدلیل اینکه خداوند ما را در راه مسیح پذیرفته است، یکدیگر را بپذیریم (اول قرن‌تینان ۱:۱۴، ۳:۱۵؛ ۷:۱۵)
 ۲. ما نباید یکدیگر را قضاوت نماییم زیرا تنها مسیح داوری و ارباب همه ما است (اول قرن‌تینان ۳:۱۴-۱۲)
 ۳. عشق مهمتر از آزادی فردی است (اول قرن‌تینان ۱۳:۱۴-۲۳)
 ۴. نمونه‌های مسیح را دنباله‌رو باشید و حقوق خود را برای تذهیب دیگران و نیکی کنار بگذارید (اول قرن‌تینان ۱:۱۵-۱۳)
- C. رومیان ۱۵:۵-۶ بازتاب دهنده سه منظور از تمامیت متن اول قرن‌تینان ۱:۱۴-۱۳:۱۵ می‌باشد
۱. با یکدیگر در توازن زندگی نمایید
 ۲. با همانگی با نمونه‌های مسیح زندگی نمایید
 ۳. با قلبهای متحد و لبهایی که شکر خدا را بیان می‌دارند زندگی نمایید
- D. به بحث مشابه تنش میان آزادی فردی و مسئولیت گروهی در اول قرن‌تینان ۸-۱۰ و کولسیان ۲:۸-۲۳ پرداخته شده است.

۱۳:۶

"خوراک برای شکم است"	NASB
"خوراک برای شکم است و شکم برای خوراک"	NKJV
"خوراک برای شکم بوجود آمده و شکم برای خوراک"	NRSV
"دیگران خواهند گفت، "خوراک برای شکم است و شکم برای خوراک"	TEV
"خوراکها برای شکم هستند و شکم برای خوراکها"	NJB

این شعار و استعاره دیگری باشد. می‌تواند در اشاره به یک موضوع غیراخلاقی که توسط معلمان دروغین ترویج می‌گردیده داشته باشد. پولس تصریح می‌کند که در آنچه که آنان می‌گفتند، عنصری از حقیقت وجود داشت (مرقس ۷:۱۹). پولس ممکن است:

۱. از یک تکنیک ادبی بنام زخم زبان استفاده کرده باشد، او از این تکنیک در جایی استفاده می‌کرد که فرد مخالف سعی در بوجود آوردن نقطه نظرات الهیاتی بود
۲. از شعارهای معلمان دروغین نقل قول می‌آورد، برخی از قسمتهایی که ممکن است از آموزه‌های مسیح یا پولس گرفته شده باشند

■ "و خدا، هم این و هم آن را از میان بر خواهد داشت" این عبارت کنایه‌ای است به پادشاهی به پایان رسیده. خوراک فقط بخشی از زمان است و ابدیت نیست. عیسی پس از قیام ماهی خورد (یوحنا ۲۱)، اما آن فقط فرصتی برای ملاقات به شاگردان وحشت‌زده‌اش بود، و نه امر فیزیکی الزام‌آور برای او. عیسی همچنین درباره ضیافت مسیحایی صحبت کرد (لوقا ۲۲: ۳۰)، اما این نیز، یک استعاره برای هم‌نشینی بود نه عمل فیزیکی که باید تکرار گردد.

عبارت "از میان بر خواهد داشت" (NASB) یا "نابود خواهد شد" (NKJV) *katargeō* است. پولس از این لغت بیست و هفت بار استفاده کرد، اما در حالات مختلف. به موضوع خاص: *katargeō* در اول قرن‌تینان ۱: ۲۸ مراجعه نمایید.

■ "بدن برای بی‌عفتی نیست" این عبارت بوضوح پسوند اشتباه را نشان می‌دهد. انسانها بصورت شگفت‌انگیزی برای زندگی کردن و بسط و توسعه این سیاره آفریده شده‌اند. با اینحال، خداوند بمنظور تضمین بقای طولانی، شاد و مفید مزه‌هایی را مشخص کرده است. از زمان سقوط بر روی زمین (پیدایش ۳)، بشر سعی داشته تا لذات شخصی و هر آنچه را که باعث ارضای غرایض روحی و جسمی خود می‌شود را بسرعت و به هر قیمتی بدست آورد!

■ "بدن برای خداوند است و خداوند نیز برای بدن" این عبارت در قالب یک ارتباط دو طرفه و موازی بیان شده‌اند. جهت آن ظاهراً بسوی تعلق ایمانداران به خداوند است (اول قرن‌تینان ۶: ۲۰؛ ۷: ۲۳؛ اعمال ۲۰: ۲۸). او از انسان می‌خواهد که از بدنش برای خدمت به مسیح و مقاصد او بهره‌گیرد. این می‌تواند بازی با لغات و واژگان در رابطه با بدن انسان و کلیسا بعنوان بدن مسیح تلقی گردد.

۱۴:۶ اول قرن‌تینان ۱۵ فصل صریحی در عهد جدید درباره قیام مسیح و قیام ایمانداران می‌باشد. در زیر سایه تفکرات یونانی (که معتقد است بدن فیزیکی شیطان است) لازم به تأکید است که فلسفه انجیلی بدن فیزیکی را خوار نمی‌پندارد. در این متن بدن به مثابه نمونه‌های زیر است:

۱. ساخته شده "برای خدا" (اول قرن‌تینان ۶: ۱۳)

۲. "اعضای مسیح" (اول قرن‌تینان ۶: ۱۵)

۳. معبدی برای جای گرفتن روح (اول قرن‌تینان ۶: ۱۹)

۴. مسیح جلال یافته (اول قرن‌تینان ۶: ۲۰)

بدن شیطانی نیست. این بدن روزی قیام خواهد کرد و عضوی از پادشاهی ابدی خواهد شد. اما در عین حال، دنیای وسوسه و صحنه نبردهای اخلاقی گناه نیز هست. عیسی بصورت فیزیکی خود را فدای کلیسا کرد. ایمانداران باید دنباله‌رو این مثال باشند (۱ یوحنا ۳: ۱۶).

■ "هم خداوند را بر خیزانید" Bruce M. Metzger در کتاب *A Textual Commentary of the Greek New Testament* نسخه‌های خطی یونانی متفاوت مرتبط با زمان این فعل را تعریف می‌نماید

۱. آنوریست در MSS P⁴⁶, C², B

۲. حال در MSS P¹¹, P⁴⁶, A, D*

۳. آینده در MSS P⁴⁶, C¹, 8, C, D³

زمان آینده بیشتر با این متن و بموازات آن در دوم قرن‌تینان ۴: ۱۴ سازگار است (صفحه ۵۵۲؛ UBS⁴ به آن رتبه "B" داده که بمعنی تقریباً مطمئن است).

این عبارت فرصت بسیار خوبی را فراهم می‌کند تا نشان دهد عهد عتیق اغلب کارهای مربوط به بازسازی بشر را به سه فرد در نزد خداوند متعلق می‌داند.

۱. خدای پدر عیسی را بزرگ کرد (اعمال رسولان ۴: ۲۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷: ۳۱؛ رومیان ۴: ۹، ۱۰؛ اول قرن‌تینان ۶: ۱۴؛ دوم قرن‌تینان ۴: ۱۴؛ غلاطیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۲۰؛ کولسیان ۲: ۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۱۰).

۲. خداوند خود فرزند خود را بزرگ کرد (یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸)

۳. روح خدا عیسی را بزرگ کرد (رومیان ۸: ۱۱)

■ "و هم ... بر خواهد خیزانید" پولس از رابطه‌ای که با مسیح داشت به وجد آمده بود (اول قرن‌تینان ۶: ۱۷). این همان مبحث آخرت‌شناسی بود که پولس درک می‌کرد (C. H. Dodd). در واقع بهشت به زندگی این جهانی پولس وارد گردیده بود و متمم یا مکملی بود برای یک زندگی در آینده.

پولس معتقد بود که عیسی بزودی باز خواهد گشت. در برخی متون پولس تصریح کرده بود که او در هنگام بازگشت زنده خواهد بود (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۷؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۲؛ فیلیپیان ۳: ۲۰). با اینحال، در دیگر متون او خود را با کسانی مرتبط می‌داند که از مرگ برخاسته‌اند (۱ قرنتیان ۶: ۱۴؛ ۲ قرنتیان ۴: ۱۴). در طول کتاب دوم تسالونیکیان انتظار یک تأخیر در Parousia می‌رود، همینطور که در برخی از بخشهای متی ۲۴، مرقس ۱۳ و لوقا ۲۱ این انتظار دیده می‌شود.

بازگشت دوم مسیح امید همه مسیحیان در هر نسلی است، اما در واقع فقط یک نسل این امید را دارد. با اینحال، قیام با یک بدن جدید و هم‌نشینی فوری، واقعیتی برای همه ایمانداران است!

موضوع خاص: بازگشت مسیح در هر لحظه، در برابر ایده‌ی هنوز زود است (پارادوکس عهد جدید)

(Special Topic: The Any-Moment Return Of Jesus Vs. The Not Yet (Nt Paradox))

- A. آیات اسکاتولوژیک عهد جدید بازتاب دهنده بینش نبوتی عهد عتیق است که پایان دنیا را از منظر رویدادهای نوین می‌نگرد.
- B. متی ۲۴، مرقس ۱۳ و لوقا ۲۱ برای تفسیر بسیار دشوار هستند زیرا آنان همزمان ده‌ها سوال را مطرح می‌کنند.
۱. معبد چه زمانی نابود خواهد گردید؟
 ۲. نشانه بازگشت مسیح چه خواهد بود؟
 ۳. این عصر چه زمانی به پایان می‌رسد (متی ۲۴: ۳)؟
- C. سبک آیات اسکاتولوژیک عهد جدید معمولاً تلفیقی است از زبان آخر زمانی و نبوتی که بصورت بشدت نمادین بکار برده شده است (برگرفته از کتاب *Ploswhares and Pruning Hooks: Rethinking the Language of Biblical Prophecy and Apocalyptic* نوشته D. Brent Sandy).
- D. آیات متعددی در عهد جدید (متی ۲۴؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۱۷ و ۲۱؛ ۱ و ۲ تسالونیکیان و کتاب مکاشفه) به موضوع بازگشت دوم مسیح می‌پردازند. این آیات مؤکد موارد زیر می‌باشند:
۱. زمان دقیق این رویداد مشخص نیست، اما بوقوع پیوستن آن قطعی است.
 ۲. جنبه عمومی آن زمان را آگاهی داریم، اما زمان قطعی آن مشخص نمی‌باشد.
 ۳. این واقعه بصورت ناگهانی و غیرمنتظره رخ خواهد داد.
 ۴. ما باید دعا کرده و برای انجام وظیفه محوله آماده و ایمان داشته باشیم.
- E. تنش متناقضی میان موارد زیر وجود دارد:
۱. هر لحظه این بازگشت ممکن است (لوقا ۲۰: ۴۰، ۴۶؛ ۲۱: ۳۶؛ متی ۲۴: ۲۷، ۴۴) و
 ۲. این حقیقت که برخی رویدادها در تاریخ امکان وقوع خواهند داشت (به مورد F توجه نمایید)
- F. عهد جدید می‌گوید که برخی رویدادها پیش از ظهور دوم مسیح بوقوع خواهند پیوست:
۱. انجیل برای تمام دنیا وعظ شده است (متی ۲۴: ۱۴؛ مرقس ۱۳: ۱۰)
 ۲. ارتداد بزرگ (متی ۲۴: ۱۰-۱۳، ۲۱؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۳)
 ۳. مکاشفه "مرد و گناه" (دانیال ۷: ۲۳-۲۶؛ ۹: ۲۶-۲۷؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۳)
 ۴. حذف هر آنچه یا هر آنکس که مانع پیشرفت می‌گردد (۲ تسالونیکیان ۶: ۲-۷)
 ۵. رویدادهایی که به تقویت مجدد یهودیان منجر گردد (زکریا ۱۲: ۱۰؛ رومیان ۱۱)
- G. لوقا ۱۷: ۲۶-۳۷ به موازات مرقس نوشته نشده است. این کتاب اما در متی ۲۴: ۳۷-۴۴ بخش موازی سینوپتیکی در خود دارد.
- H. برای مبحث بازگشت مسیح، به موضوع خاص: بزودی باز می‌گردد مراجعه نمایید.
- I. برای مبحث تأخیر در بازگشت، به موضوع خاص: تأخیر در بازگشت دوم مراجعه نمایید.

۱۵: ۶ "آیا نمی‌دانید که" به یادداشت اول قرنتیان ۵: ۶ مراجعه نمایید.

□ "بدنهای شما اعضای مسیح است" پولس از یک قیاس از پیدایش ۲: ۲۴ بعنوان مبنی برای هشدار به وحدانیت ایمانداران در هر نوع فساد جنسی بهره می‌برد. ایمانداران با مسیح یکی هستند (۱ قرنتیان ۱۲: ۲۰، ۲۷؛ رومیان ۵: ۱۲؛ افسسیان ۴: ۱۲، ۱۶، ۲۵).

□ "فاحشه" این واژه‌ای یونانی بنام *pornē* است که از فعل "فروختن" گرفته شده است (*pernēmi*، کتاب *Theological Dictionary of the New Testament*، نوشته Kittel، جلد ۶، صفحه ۵۸۰). در قرنتس (و آسیای میانه باستان) دو دسته از فواحش وجود داشتند، کالته‌ها (که بت

پرست بودند) و بردگان (که برای نفع شخصی یا دیگران دست به این عمل می‌زدند). پولس همواره درباره *porneia* صحبت می‌کرد (۱ قرن‌تیان ۵: ۱، دو بار؛ ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۸؛ ۲: ۷؛ ۲۱: ۱۱). آیینهای پرستشی کافران عمدتاً با مسایل جنسی همراه بود. شنوندگان پولس رشد کرده و در اینگونه مراسم شرکت می‌کردند، اما اکنون آنان مسیحی بودند!

NASB	"چنین نشود"
NKJV	"البته که نه"
NRSV	"هرگز"
TEV	"غیرممکن است"
NJB	"ابتدا چنین چیزی مطرح نیست"

این عبارت شگفت‌آور (حالتی برای بیان آرزوی قوی، اشتیاق یا دعا) اغلب توسط پولس برای اظهار ترسش از چگونگی پاسخ (زخم زبان) به اظهاراتش یا سوالات دینی بکار برده می‌شد (رومیان ۳: ۴؛ ۳۱: ۶؛ ۲: ۶؛ ۱۵؛ ۷: ۷؛ ۱۳؛ ۹: ۱۴؛ ۱۱: ۱۱، ۱۱؛ ۱ قرن‌تیان ۶: ۱۵؛ غلاطیان ۲: ۱۷؛ ۳: ۲۱؛ ۶: ۱۴).

۱۶: ۶ "آن دو یک تن خواهند شد" این نقل قولی از پیدایش ۲: ۲۴ است. در هنگام ازدواج، دو نفر تبدیل به یک جسم می‌گردند. نزدیکی فیزیکی تجربه‌ای بسیار نیرومند است. رابطه جنسی عملی خدادادی و از نعماتی بوده که در زندگی انسان قرار داده شده است. همچون سایر نعمات الهی، می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گرفته و از مرزهای تعیین شده توسط خداوند را عبور نماید.

۱۷: ۶ این نیز قیاسی است که از پیدایش ۲: ۲۴ گرفته شده است. زن و شوهر بصورت فیزیکی یکی می‌شوند، ایمانداران و عیسی مسیح نیز بصورت روحی یک هویت پیدا می‌کنند (یوحنا ۱۷: ۱۱، ۲۳؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ افسسیان ۵: ۲۱-۳۳). مثال خوبی که در این مفهوم الهیاتی می‌توان عنوان کرد رومیان ۱: ۶-۱۱ است. ایمانداران با مسیح می‌میرند، با مسیح دفن می‌شوند (تعمید) و با مسیح قیام می‌کنند.

NASB	"آن که با او می‌پیوندد"
NKJV	"او که می‌پیوندد"
NRSV	"هر کسی که ملحق شود"
TEV	"او که به او می‌پیوندد"
NJB	"هرکسی که خود را ضمیمه کند"

این عبارات دقیقاً به موازات ۱۶: ۶ است. ساختار دستوری آن به یکی از روشهای زیر است:

۱. یک وجه وصفی مجهول حال حاضر آنگونه که در ۱ قرن‌تیان ۱۶: ۶ دیده می‌شود (کتاب *A Grammatical Analysis of the Greek New Testament* نوشته Zerwick and Grosvenor صفحه ۵۰۸)
۲. یک وجه وصفی حال میانه (کتاب *The Anakytical Greek Lexicon Revised* نوشته Harold K, Moulton صفحه ۲۳۶)

پویایی ترجمه‌ها را هم‌تراز می‌سازد (TEV, NJB)، همینطور NASB، متن را با صدای متوسط ترجمه کرده‌اند. روشن است که متن بر روی اراده گروه‌ها تمرکز کرده است.

۱۸: ۶ "از بی‌عفتی بگریزید" این یک عبارت دستوری حال حاضر و بدون یک ارتباط دستوری به آنچه که در پس و پیش آن قرار گرفته است (،) که برای یک خواننده که با ساختار دستور زبان کوئین یونانی آشنایی دارد، راهی برای تأکید محسوب می‌گردید.

فرایض جنسی نعمتی خدادادی محسوب می‌شوند، اما در رابطه با چگونگی استفاده و تمرین آن، جنبه‌های مناسب و نامناسبی وجود دارد. پولس بوسیله نقل قول از پیدایش ۲: ۲۴ بر روی ازدواج تأکید می‌کند، اما به قاطعیت محدودیتهایی برای بی‌عفتی در روابط پیش و پس از ازدواج تبیین می‌کند. ایمانداران در این زمینه باید همواره مراقب باشند، بویژه هنگامیکه فرهنگ بی‌فاندگی رواج دارد. گناه جنسی بزرگترین مشکل زندگی ایمانی است. ایمانداران باید با تغییر مناسب زندگی بطور معقولی از این رابطه بهره‌جویند (۲ قرن‌تیان ۱۲: ۲۱؛ افسسیان ۵: ۳؛ کولسیان ۳: ۵).

☐ "هر گناه دیگر که انسان مرتکب شود بیرون از بدن اوست" این عبارت خیلی عجیب است. امیدوارم آن را درست درک کرده باشم. می‌تواند بازتاب

دهنده یکی از موارد زیر باشد:

۱. فرهنگ مشرک‌قرن‌تس

۲. آموزه‌ای که مؤکد معلمان دروغین است

۳. موعظه‌ای که پولس بر آن تأکید می‌کند (۱ قرن‌تبیان ۶: ۱۲، ۱۳)

انسانها دارای روح نیستند. آنها خود روح هستند (پیدایش ۲: ۷). در همین ارتباط، درک پولس را یادآور می‌شوم که معتقد بود ایمانداران دارای بدن نیستند، آنها خود بدن هستند. این مبحث احتمالاً از کتاب پیدایش توسعه الهیاتی پیدا کرده و در برابر تفکر یونانی قرار گرفته که معتقد بود بدن فیزیکی نماد شیطان است. عهد عتیق و عهد جدید بر یک قیام فیزیکی تأکید می‌کنند که راهی برای صحنه گذاردن بر نیکی و ابدی بودن وجود بشر است. سپس فاسقان عرفانی یا معلمانی که با نرم‌های دین و جامعه در تضاد هستند، جنبه‌های فیزیکی را از روحی تفکیک کرده و متعاقب آن، بجای اینکه رستگاری را از قدوس خداوند و یا پارسایی بدانند، آن را حاصل دانش بشری قلمداد می‌کنند. پولس تأکید می‌کند که انجیل:

۱. یک شخص است که باید با آغوش باز آن را پذیرفت

۲. یک حقیقت است که انسان باید آن را بپذیرد

۳. یک زندگی است که انسان باید از آن تقلید کند

این موارد تفکیک ناپذیرند! بشر واحد است! رستگاری فراگیر است. پادشاهی خدا فرارسیده است. پیمانی ناگسستنی میان ایمان و اطاعت وجود دارد. شروع تقدیس باید منجر به تداوم آن گردد. پارسایی نیز هدیه‌ای از سوی خدا (اخباری) و یک فرمان است (دستوری و الزام‌آور).

همکار من دکتر بروس تانکرسل در دانشگاه East Texas Baptist University بمن گوشزد کرد که در فرهنگ مشرکین، فاحشه یک جایگزین برای خدایان است. بنابراین، ارتباط جنسی تنها بی‌عفتی محسوب می‌گردد، بلکه بت پرستی هم بود.

۱۹:۶ "آیا نمی‌دانید" به یادداشت ۱ قرن‌تبیان ۵: ۶ مراجعه نمایید.

□ "بدن شما معبد روح القدس است" مسحیت معبد فیزیکی یهودیان را با بدن فیزیکی مسیح (یوحنا ۲: ۲۱) بعنوان بدن مشترک یعنی کلیسا (۱ قرن‌تبیان ۱۰: ۱۶، ۱۷؛ ۱۱: ۲۹؛ ۱۲: ۱۲-۲۷) بعنوان معبد روحانی جایگزین نمود. مفهوم معبد در اول قرن‌تبیان به دو حالت بیان شده است.

۱. در اول قرن‌تبیان ۳: ۱۶-۱۷ درباره تمام کلیساهای محلی بکار برده شده است

۲. در اینجا بعنوان یک فرد ایماندار بکار برده شده است

این امر ارتباط روان میان جنبه‌های مشترک و واحد را تشریح می‌کند. مشکل بزرگ و اصلی پولس در این متن فراخواندن قدوس خداوند است. ایمانداران باید با فرهنگ محیط زندگی خود تفاوت داشته باشند. این امر دو مقصود را دنبال می‌کند.

۱. هدف زندگی شبیه به مسیح داشتن را به سرانجام می‌رساند

۲. مردم را به ایمان به مسیح ترغیب کرده، که وظیفه بزرگ جامعه مسیحیت است (متی ۲۸: ۱۹-۲۰)

□ "روح القدس که در شماست" این یک تأکید بر حضور روح القدس است. نیروی زندگی مسیحی هدیه‌ای از خداوند است، درست مثل رستگاری. ما باید خود را در اختیار کار روح قرار دهیم. هر سه فرد تثلیث در ایماندار سکنی گزیده‌اند.

۱. روح (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ رومیان ۸: ۹، ۱۱؛ ۱ قرن‌تبیان ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۴)

۲. پسر (متی ۲۸: ۲۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۰، ۲۳؛ ۱۵: ۴-۵؛ رومیان ۸: ۱۰؛ ۲ قرن‌تبیان ۱۳: ۵؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ افسسیان ۳: ۱۷؛ کولسیان ۱: ۲۷)

۳. پدر (یوحنا ۱۴: ۲۳؛ ۲ قرن‌تبیان ۶: ۱۶)

ایمانداران مردمانی هستند که خداوند آنان را تسخیر کرده است. به وضوح این تسخیر متفاوت با مالکیت شیطان است که همکاری فعال ایماندار در هر مرحله و سطح در این زمینه، حیاتی است. شیطان خواسته‌های فردی را نابود می‌کند، اما خواست خداوند، تکریم آزادی انسان آفریده شده توسط اوست. تنها در بلوغ مسیحی (زندگی شبیه به مسیح) خواست خدا بر نیروی هدایت کننده سیطره می‌یابد!

۶: ۲۰ "این عبارت وجه وصفی مجهول آنوریستی است. این استعاره از بازار برده‌ها نشأت گرفته است (۱ قرن‌تبیان ۷: ۲۲-۲۳؛ رومیان ۳: ۲۴؛ غلاطیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۵). در عهد عتیق این واژه *go'el* بود که بمعنی یکی از نزدیکان بود که از بردگی خریدار شده بود (لاویان ۲۵: ۲۵). این عبارت مرجعی برای کفالت و کفاره‌ای است که مسیح بجان خرید (اشعیا ۵۳؛ مرقس ۱۰: ۴۵؛ ۲ قرن‌تبیان ۵: ۲۱). هنگامی که کسی از مسیح را می‌پذیرد، حقوق فردی خود را به بدنش واگذار کرده و مسئولیت سلامتی و انسجام کلی تمام معبد را بر عهده می‌گیرد، تمام بدن (۱ قرن‌تبیان ۷: ۱۲).

□ "خدا را در بدن خود تجلیل کنید" این عبارت وجه وصفی معلوم آئوریستی است، فرمانی قاطع بوده و گزینه قابل انتخاب نیست. چگونه زندگی ایمانداران برای صلح، دلگرمی و شهادت حیاتی می‌باشد. به موضوع خاص: جلال (*Doxa*) در اول قرن‌تین ۲:۷ مراجعه نمایید.

در زندگی هر مسیحی دو افراط وجود دارد که باید از آنها پرهیز شود: (۱) هر چیزی ناشایست است؛ (۲) هر چیزی شایسته است. بدنهای ما متعلق به خدا هستند، نه بخود؛ آنها برای خدمت هستند، نه برای گناه (رومیان ۶). این نقطه نظر در رابطه با بدن بسیار متفاوت با دیدگاه یونانیان درباره بدن است که آن را زندانی برای روح می‌دانستند. بدن، شیطانی نست، اما صحنه نبرد زندگی روحانی است (افسیسیان ۶: ۱۰-۲۰).

در ترجمه NKJV یک عبارت اضافه شده است؛ "و در روح شما که متعلق به خدا است"، که در برخی نسخه‌های خطی و در بسیاری از نسخه‌های خطی یونانی نیز آمده است. با اینحال، این عبارات در متون قدیمی‌تر وجود ندارد. این عبارات در نسخه‌های ⁴⁶P، A، B، C^{*}، D^{*}، F، یا G نیز وجود ندارد. نسخه UBS⁴ به متن کوتاه‌تر رتبه A داده که بمعنی مطمئن است.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. آیا این فصل به مسیحیان دوران ما توصیه می‌کند که به دادگاه مراجعه نکنند؟
۲. چگونه و چه زمان مقدسین فرشتگان را داوری خواهند کرد؟
۳. آیا فهرست گناهان در آیات ۹ و ۱۰ اشاره به اعمال فردی و زندگی از روی عادت دارد؟
۴. در زمانی که پولس تصریح می‌کند که همه چیز برای من جایز است، با توجه به عادات شخصی و فرامین انجیل، دقیقاً با گفتن این عبارات چه منظوری دارد؟
۵. چرا گناهان جنسی از مشکلات حاد روحانی محسوب می‌گردند؟
۶. تفاوت دیدگاه یونانی و مسیحی را در ارتباط با بدن توضیح دهید.

اول قرنتیان ۷

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
مشکلات در خصوص ازدواج ۷-۱:۷	قوائد ازدواج ۹-۱:۷	جهت‌هایی پیرامون ازدواج ۷-۱:۷	سوالاتی درباره ازدواج ۱:۷ ۵-۱:۷ ۷-۶:۷	ازدواج و باکره‌گی ۷-۱:۷
۱۶-۸:۷	پایبندی به سوگندهای ازدواج ۱۶-۱۰:۷	۹-۸:۷	۹-۸:۷	۹-۸:۷
		۱۱-۱۰:۷	۱۱-۱۰:۷	۱۱-۱۰:۷
		۱۶-۱۲:۷	۱۶-۱۲:۷	۱۶-۱۲:۷
زندگی که خدا تعیین کرده است ۲۴-۱۷:۷	زندگی نمایید همچون خدا شما را خوانده است ۲۴-۱۷:۷	آخرت‌شناسی و تغییرات در موقعیت زندگی زناشویی و اجتماعی ۲۰-۱۷:۷ ۲۴-۲۱:۷	زندگی نمایید همچون خدا شما را خوانده است ۲۴-۱۷:۷	۲۴-۱۷:۷
مجردها و بیوه‌ها ۳۵-۲۵:۷	سخنانی با مجردها و بیوه‌ها ۴۰-۲۵:۷		سوالاتی درباره افراد مجرد و بیوه ۲۵:۷ ۳۱-۲۹:۷ ۳۴-۳۲:۷ ۳۵:۷	۲۸-۲۵:۷ ۳۱-۲۹:۷ ۳۵-۳۲:۷
۳۸-۳۶:۷		۳۸-۳۶:۷	۳۸-۳۶:۷	۳۸-۳۶:۷
۴۰-۳۹:۷		۴۰-۳۹:۷	۴۰-۳۹:۷	۴۰-۳۹:۷

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به ۷:۱-۴۰

A. این گسترده‌ترین بحث پولس درباره روابط خانوادگی است. در این مبحث او به مسائل زیر می‌پردازد:

۱. بی‌عفتی در مسائل جنسی، ۶:۹-۲۰:۷؛ ۲:۷
۲. ازدواج، ۱ قرنتیان ۷:۲-۵، ۱۰:۱۶، ۲۸

۳. مجردها، ۱ قرن‌تیاں ۶:۷-۹، ۲۵-۲۶، ۲۹-۳۵

۴. باکره‌ها، ۱ قرن‌تیاں ۷:۳۶-۳۸

۵. ازدواج مجدد بیوه‌ها، ۱ قرن‌تیاں ۷:۳۹-۴۰

۶. موضوع تکراری، "همانگونه که هستید، باشید" اول قرن‌تیاں ۷:۱، ۶-۷، ۸، ۱۰، ۱۷-۲۷، ۲۶-۳۵، ۳۷، ۴۰؛ بدلیل بحران موجود و انتظار ظهور، اما با همه اینها پولس مجوز برخی استثناها را صادر کرد

B. فصل هفتم نمونه بسیار خوبی است که اینکه بدانیم چگونه پیش از اینکه بخواهیم با دقت تفسیر کتاب مقدس را تفسیر یا اصول جهانی برای همان موضوع ترجمه نماییم، ابتدا موقعیت دائمی و موقتی را در نظر بگیریم. آگاهی نسبت به موقعیت تاریخی در کتاب اول قرن‌تیاں بسیار دشوار است، زیرا:

۱. دقیقاً نمی‌دانیم بحران کنونی که در قرن‌تس درباره آن سخن گفته می‌شود، چه بوده است (احتمال دارد قحطی بوده باشد)

۲. دقیقاً نمی‌دانیم پولس کدام گروه تفرقه‌افکن را و در کدام آیه مخاطب قرار داده است (تارکان دنیا یا کسانی که به دین پایبندی نداشتند)

۳. ما نامه‌هایی را کلیسا برای پولس نوشت و در آنها این سوالات را مطرح کرد، نداریم (۱ قرن‌تیاں ۷:۱، ۲۵؛ ۸:۱؛ ۱۲:۱؛ ۱۶:۱) (۱۲)

C. بنظر می‌رسد که دو گرایش یا عملکرد غیرمتعارف در قرن‌تس وجود داشت که مسبب چنین نزاع بزرگی شده بود. اولین گروه کسانی بودند که بسمت ریاضت‌طلبی و مرتاضی گرایش یافتند (اول قرن‌تیاں ۷:۱). گروه دیگر کسانی بودند که بسوی بی‌بند و باری و هرگونه قوانین شرعی و دینی گرایش داشتند (۱ قرن‌تیاں ۶:۱۲؛ ۱۰:۲۳). همه حقایق توسط افراطی‌گری مورد هجوم قرار می‌گیرد. در اول قرن‌تیاں ۷ پولس سعی می‌کند با قدم‌های عملی و الهیاتی از میان این افراطیون عبور نماید، در عین اینکه با هر دو گروه نیز مذاکره می‌کند.

D. در فصل ۷ یک موضوع تکراری وجود دارد. ساختار این فصل بوسیله آیات ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۴۰ شکل گرفته و البته اشاراتی هم در آیه ۸ صورت گرفته است. موضوع "همانگونه که هستید بمانید" بوده زیرا زمان کوتاه است. این امر نمی‌تواند یک قاعده کلی باشد زیرا:

۱. مربوط می‌گردد به دوره رنج و محنت

۲. ازدواج خواست خدا برای بشر است (پیدایش ۱:۲۸)

۳. کلیسا بواسطه معلمان دروغین دچار مشکلات عدیده داخلی گردید

ممکن است تصور شود که پولس شخصاً کدام دسته (آنان که هرگز ازدواج نکردند، یکبار ازدواج کردند و یا با یک بی‌ایمان ازدواج کردند) را تجربه کرده بود. ممکن است در طول حیاتش با همه این گروه‌ها روبرو شده بود. بیشتر یهودیان خارج از دایره فرامین پیدایش ۱:۲۸ و سنت پیشین ازدواج کرده بودند. همسر پولس یا فوت کرده بود (بیوه بود) یا او را بخاطر ایمانش ترک کرده بود (یعنی طلاق گرفته بود). در مقطعی که مردم را به رستگاری رعوت می‌کرد (جاده دمشق) مجرد بود، همینطور برنابا، اما هیچوقت ازدواج پطرس را محکوم نکرد (اول قرن‌تیاں ۹:۵).

E. ازدواج در انجیل یک هنجار قابل انتظار است (پیدایش ۱:۲۸؛ ۲:۱۸). پولس احتمالاً یک بار ازدواج کرده بود (با توجه به اعمال رسولان ۲۶:۱۰، اگر پولس را یکی از اعضای سانهدرین بدانیم، پس باید متأهل بوده باشد). او تصریح می‌کند که ازدواج امر قابل تکریم برای هر ایماندار است (۱ قرن‌تیاں ۶:۱۶؛ ۷:۱۴؛ ۲ قرن‌تیاں ۱۱:۲ و افسسیان ۵:۲۲-۳۱). ما باید بخاطر داشته باشیم که پولس یک گروه محلی، غیر یهودی، تفرقه‌افکن را در قرن اول مورد خطاب خود قرار داده بود.

F. بحث پولس درباره ختنه در آیه ۱۹ تأیید می‌کند که برای پولس، آیینهای عهد عتیق و قوائد آن بواسطه انجیل عیسی برای ایمانداران غیر یهودی، صدق نکرده (اعمال ۱۵) نمی‌کند و الزام‌آور نمی‌باشد. بلحاظ الهیاتی، همواره گفته شده که پولس بر جنبه‌های اخلاقی عهد عتیق تأکید می‌کرد، اما رسم و رسومات آن را نفی می‌کرد. از برخی جهات، کاملاً درست است.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تیاں ۷:۱-۷

۱ و اما در خصوص مسائلی که به من نوشته بودید:

«مرد را نیکوست که زن را لمس نکند.»^۱ اما به سبب بی‌عفتیهای موجود، هر مردی باید زن خود را داشته باشد، و هر زنی شوهر خود را.^۲ مرد باید دین خود را نسبت به زنش ادا کند و زن نیز دین خود را نسبت به شوهرش.^۳ زن بر بدن خود اختیار ندارد بلکه شوهرش، و مرد نیز بر بدن خود اختیار ندارد بلکه زنش.^۴ پس یکدیگر را محروم نکنید، مگر با رضای یکدیگر و برای مدتی، تا خود را وقف دعا کنید. سپس باز به یکدیگر ببیوندید، مبادا شیطان شما را به سبب ناخویشتنداری در وسوسه اندازد. من این را حکم نمی‌کنم، بلکه تنها جایز می‌شمارم.^۵ آرزو می‌کردم همه چون من بودند، اما هر کس عطایی خاص از خدا یافته است؛ یکی دارای یک عطاست و دیگری دارای عطایی دیگر.

۱:۷ "و اما در خصوص مسائلی که به من نوشته بودید" احتمالاً مشکلی که در فصلهای ۱-۶ بدان اشاره شده مربوط به توسط مردم خلوئه به پولس مرتبط گردیده است. عبارت "در خصوص" اشاره به سوالات خاصی دارد که کلیسای قرنتس احتمالاً توسط استپانوس، فورتوناتوس و آکایوس به پولس ارسال کرده بود (۷:۱۲۵؛ ۸:۱؛ ۱۲:۱؛ ۱۶:۱؛ ۱۲:۱). بدون آگاهی از سوالات قرنتیان و اینکه چه کسی این سوالات را مطرح کرده، ترجمه و تفسیر این متن بسیار دشوار می‌باشد (ایمانداران صدیق، گروه‌های فاسق، گروه‌های بی‌دین یا کلیساهای خانگی تفرقه‌انداز).

NASB, NKJB	"مرد را نیکوست که زن را لمس نکند"
NRSV	"خوب است برای مرد، که زنی را لمس نکند"
TEV	"یک مرد خوب است که ازدواج نکند"
NJB	"بلی، چیز خوبیست برای مرد که زنی را لمس نکند"

واژه "نیکو" بلحاظ معنی دایره وسیعی را در بر می‌گیرد، اما در این متن "سودمند" یا "بمنفع دیگری" معنی می‌دهد (۱ قرنتیان ۷:۱، ۸:۲۶). در پیدایش ۱۸:۲ نیز در نسخه Spetuagint به همین صورت بکار برده شده است. تمام قصد پولس اینست که بگوید چه چیزی در زمان پریشانی برای انسان خوب است و چه چیزی برای پادشاهی خدا بهترین است.

این می‌تواند در اشاره به یکی از موارد زیر باشد:

۱. نقل قولی از نامه‌ای که قرنتیان به پولس نوشتند
۲. شعار یکی از گروه‌های تفرقه‌افکن

۳. عبارتی که از یکی از موعظه‌های پولس برداشت شده بود، اما به اشتباه اقتباس و در حالت زاهدانه و شرعی و افسارگسیخته به متن اعمال گردیده است.

واژه "لمس" تواردهای مختلفی دارد، "دست گذاردن بر"، "بدرست گرفتن"، "کنترل کردن". این عبارت بصورت استعاره برای تماس جنسی بکار برده شده است (LXX پیدایش ۶:۲۰؛ ۶:۲۹؛ کتاب *Antiquities* 1.163 از Josephos؛ همچنین *Plato, Leges* 8.840a؛ و *Plutarch, Alex M.* 21.4. همچنین به کتاب Bauer, Arndt, Gingrich and Danker's Lexicon, p. 102 رجوع نمایید، اما در نسخه پایپروس کویین که در مصر کشف شد، برای اعمال جنسی بکار نرفته است).

پولس از ارزش ازدواج یا امور جنسی کم نمی‌کند، بلکه سوء استفاده جنسی بشر را محکوم می‌نماید. بشر همیشه از نعمات خداوند فراتر از آنچه که تعیین گردیده استفاده کرده است. مشکل جامعه قرنتس بی‌عفتی در حد افراط بود (اول قرنتیان ۷:۲).

NASB	"به سبب بی‌عفتیهای موجود"
NKJV	"با اینوجود، به سبب بی‌عفتیهای جنسی"
NRSV	"اما بخاطر بی‌عفتیهای جنسی"
TEV	"اما برای اینکه بی‌عفتی زیادی وجود دارد"
NJB	"با اینحال برای پرهیز از بی‌عفتی"

ازدواج برای پولس مسئله نبود. این جمله خبری حال معلوم سوم شخص مفرد است. بسیاری تصور می‌کنند که پولس یک ربی بود زیرا زیر نظر جمالیل درس خوانده که در شریعت تبحر داشت. او می‌دانست که ازدواج برای به سرانجام رساندن پیام کتاب پیدایش لازم تلقی می‌گردد، "بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید" (پیدایش ۱:۲۸؛ ۹:۱؛ ۷:۱). همخوابگی جنسی هدیه‌ای از خداوند است. جامعه غیریهودیان نسبت به امور جنسی بسیار آسان گرفته و به بی‌عفتی بی‌اعتنا بود زیرا که این عمل در برنامه‌های پرستشی کفار کاملاً رواج داشته که پولس نیز لازم می‌دید این معضل را خطاب به آنان بیان دارد.

پولس موضوع الهیاتی تجرد و وضعیت رنج‌آور کنونی را مورد بحث خود قرار داده بود. بلحاظ روحانی تجرد یک عطا از سوی خداوند محسوب می‌گردد. اما روحانی‌تر از ازدواج نیست. شخص مجرد قادر است زمان، انرژی و منابع بیشتری را صرف بشارت نماید. این خوب است، اما برای همه و اکثریت جامعه خوب نیست!

مشکل واقعی پولس در این متن تجرد نیست، بلکه "همانگونه که هستید، باشید" است. زمان سختی بود. آزارها شدت می‌گرفت. تاریخ از سه دوره عظیم حطی در سطح امپراتوریهای بزرگ خبر می‌دهد. پولس بر ازدواج تأکید دارد (۱ قرنتیان ۶:۱۶)، اما در وضعیت کنونی جامعه از تجرد دفاع می‌کند. این امر به منزله یک قاعده کلی برای همگان نیست، بلکه موقت و با توجه به وضعیت فرهنگی بوده است. آنچه که پولس در ۱ قرنتیان ۷:۲ مد نظر پولس بوده، بی‌عفتی

فراگیر فرهنگ یونانی-رومی در قرن اول است. در جامعه‌ای که پایبند بی‌عفتی و بی‌قائدگی در امور جنسی است، ازدواج تک همسری بلحاظ روحانی، احساسی و فیزیکی بمراتب بهتر از آیینهای پرستشی کافران و مشرکان است. نتنها ازدواج تحکیم می‌گردد، بلکه مسئولیتی که بر دوش شریک این ازدواج نیز قرار می‌گیرد، تصریح می‌گردد.

۲:۷ "هر مردی باید زن خود را داشته باشد، و هر زنی شوهر خود را" اینها دو جمله دستوری هستند، اما تا اول قرنیتیان ۵:۷ عملکرد فرمانی نداشته‌اند. بلحاظ ساختار دستور زبانی همچون اول قرنیتیان ۳:۷ و ۴:۷ موازی محسوب می‌گردند. ازدواج استثنا محسوب نمی‌گردد؛ یک هنجار است نه یک امتیاز (۱ تیموتائوس ۳:۴؛ عبرانیان ۱۳:۴).

۳:۷ این آیه دارای دو جمله دستوری معلوم است. پولس چهار دستورالعمل را در دو آیه می‌دهد. ممکن است که پولس با دو مشکل در رابطه مسائل جنسی بشر دست به گریبان بوده است (کتاب *To What End Exegesis*، نوشته Gordon D. Fee صفحات ۸۸-۹۸).

۱. مسیحیان بی‌قید و بندی که از بافت کافران در امور جنسی استفاده می‌کنند، بویژه در معابد و جشنهای کافران و مشرکین (عیاشان و فاسقان)
۲. مسیحیانی که حتی از مسائل جنسی در حیطه کانون ازدواج نیز تابوی روحانی بوجود آورده‌اند (ریاضت‌کشان، ۱ قرنیتیان ۵:۷ و متعاقب آن، اول قرنیتیان ۱:۷ تبدیل به یک شعار یا در نهایت بصورت یکی از گروه‌های منافق می‌گردد)

۴:۷ این آیه توان پولس را در بوجود آوردن توازن در ناشایستگی فرهنگ خودش نشان می‌دهد (افسیان ۵:۲۱، ۲۲-۲۳). در دوران پولس، همسر یک مرد از حقوق کمی برخوردار بود. پولس هر دو شریک یک ازدواج را به داشتن مسئولیت‌های اخلاقی مورد خطاب قرار می‌دهد. نیازهای جنسی از شیطان نشأت نمی‌گیرد. آنها شوق و اشتیاق خدادادی هستند.

۷:۵ "یکدیگر را محروم نکنید" این یک جمله دستوری معلوم با بار منفی است که معمولاً از توقف عملی در حال اجرا می‌گوید. این عبارات مربوط به مشکل ریاضت‌کشان در کلیسای قرنتس می‌باشد. در عین تصریح می‌کند که اعمال جنسی یا جلوگیری از این اعمال، نباید به ابزاری برای کنترل یکی از اعضای این ازدواج تبدیل شوند.

■ "مگر با رضای یکدیگر" این عبارات در نسخه یونانی با *ei mēti* شروع می‌شود که بمعنی "تا شاید" یا "بلکه اینگونه شود" است (لوقا ۹:۱۳). این حالت برای هنجار مورد بحث یک استثنا قائل می‌شود. این نوع ساختار (بیشتر یک قانون و قاعده است تا یک استثنا) در طول این فصل استفاده شده است. پولس بر روی طناب محکم الهیاتی میان شریعت‌گرایی/ریاضت‌گرایی و بی‌قاعدگی به مسائل جنسی/ضدیت با فرامین دینی قدم بر می‌دارد. هر یک از این دسته‌بندیها شعارها و برنامه‌های خود را داشتند!

توجه داشته باشید که پولس یک مدل تساوی و برابری را ارائه می‌داد. شوهر حق نداشت که به تنهایی انتخاب کند! انتخاب یک فرد مذکر برای هدایت با عنایت به انجیل کاملاً اشتباه برداشت شده است. شوهر باید با از خودگذشتگی برای حفظ اخلاق و عفت در محیط خانواده عمل نماید (افسیان ۵:۲۵-۲۹)، نه برای مقاصد شخصی، بلکه در خدمت منافع روحانی و آسمانی.

موضوع خاص: زنان در انجیل

(Special Topic: Women in The Bible)

I. عهد عتیق

A. از لحاظ فرهنگی زنان جزو اموال تلقی می‌شدند

۱. در لیست اموال ثبت می‌شدند (خروج ۱۷:۲۰)
۲. رفتار با زنان برده (خروج ۲۱:۷ الی ۱۱)
۳. پیمان زنان توسط مردی مسئولیت او را برعهده داشت قابل ابطال بود (اعداد ۳۰)
۴. زنان به عنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۲۰:۱۰ الی ۱۴، ۲۱:۱۰ الی ۱۴)

B. همدلی عملاً وجود داشت

۱. زن و مرد در تصویر خدا ساخته شدند (پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷)
۲. افتخار کردن به پدر و مادر (خروج ۲۰:۱۲، تثنیه ۵:۱۶)
۳. احترام گذاشتن به پدر و مادر (لاویان ۱۹:۳، ۲۰:۹)
۴. زنان و مردان می‌توانند ناصری باشند (اعداد ۱:۶ الی ۲)

۵. دختران حق ارث دارند (اعداد ۱: ۲۷ الی ۱۱)
 ۶. بخشی از مردم تحت پیمان (تثنیه ۱۰: ۲۹ الی ۱۲)
 ۷. مشاهده تعالیم پدر و مادر (امثال ۸: ۱ و ۲۰: ۶)
 ۸. پسران و دختران Heman (خانواده لاوی) موسیقی معبد را رهبری می‌کردند (اول تواریخ ۵: ۲۵ الی ۶)
 ۹. پسران و دختران در عصر جدید نبوت می‌کنند (یوئیل ۲: ۲۸ الی ۲۹)
- C. زنان نقش رهبری داشتند

۱. خواهر موسی، مریم، پیامبره خوانده شد (خروج ۱۵: ۲۰ الی ۲۱، همچنین به میکاه ۴: ۶ توجه کنید)
۲. به زنان نعمت بافتن داده شد تا پارچه‌های جشن خیمه‌ها را بیافند (خروج ۳۵: ۲۵ الی ۲۶)
۳. یک زن متاهل، بنام دیورا، یک پیامبره بود (مراجعه شود به داوران ۴: ۴) و تمامی قبایل را رهبری می‌کرد (داوران ۴: ۴ الی ۵، ۷: ۵)
۴. هلدا پیامبره‌ای بود که شاه یوشیا او را فراخواند تا کتاب قانونی که تازه یافت شده بود را بخواند و تفسیر کند (دوم پادشاهان ۱۴: ۲۲، دوم تواریخ ۲۲: ۳۴ الی ۲۷)
۵. ملکه استر، یک الهه، یهودیان را در پارس نجات داد

II. عهد جدید

A. از نظر فرهنگی زنان هم در یهودیت و هم در روم و یونان اتباع طبقه دوم تلقی می‌شدند و حقوق و مزایای کمتری داشتند (به استثنای مقدونیه)

B. زنان نقش رهبری داشتند

۱. الیزابت و مریم الهه‌هایی نزد خدا بودند (انجیل لوقا ۱ و ۲)
۲. آنا، الهه، در معبد خدمت می‌کرد
۳. لیدیا، مومن و رهبر کلیسای خانگی بود (اعمال رسولان ۱۴: ۱۶ و ۴۰)
۴. چهار دختر باکره فیلیپ الهه بودند
۵. فیبی، خادم کلیسا در کنخریه بود (رومیان ۱: ۱۶)
۶. پریسکا (پریسیلا) همکار پولس و معلم آپولو (اعمال رسولان ۲۶: ۱۸، رومیان ۳: ۱۶)
۷. ماری، تریفینا، تریفوسا، جولیان خواهران نرون همکاران پولس بودند (رومیان ۶: ۱۶ الی ۱۶)
۸. جونیا (KJV) احتمالاً یک زن شاگرد بود (رومیان ۷: ۱۶)
۹. ائودیا و سینتیک، همکاران پولس بودند (فیلیپیان ۴: ۲ الی ۳)

III.

A. چگونه یک مومن عصر مدرن در مثالهای انجیلی تعادل برقرار می‌کند
 چگونه فرد می‌تواند حقایق تاریخی یا فرهنگی را مشخص کند که فقط در متن اصلی صادق هستند از حقیقت جاودانی که فقط برای تمامی کلیساها معتبر هستند، تمامی ایمانداران تمام عصرها؟

۱. ما باید نیت نگارنده اصلی را بسیار جدی بگیریم. انجیل کلام خداست و تنها منبع برای ایمان.
 ۲. ما باید با متون تحت الهام که به صورت تاریخی تغییر شکل یافته‌اند سروکار داشته باشیم.
- a. فرهنگ (آداب و رسوم و خط مشی‌ها) اسرائیل (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳)
- b. یهودیت قرن اول
- c. اظهارات پولس در اول قرن‌تین که به وضوح از دید تاریخی شکل گرفته است

- ۱) سیستم قانونی روم بت پرست (اول قرن‌تین ۶)
- ۲) برده باقی ماندن (اول قرن‌تین ۲۰: ۷ الی ۲۴)
- ۳) امتناع از ازدواج (اول قرن‌تین ۱: ۷ الی ۳۵)
- ۴) باکره‌ها (اول قرن‌تین ۷: ۳۶ الی ۳۶)
- ۵) قربانی کردن خوراک برای بت (اول قرن‌تین ۸، ۲۳: ۱۰ الی ۳۳)
- ۶) کارهای بی ارزش در شام خدا (اول قرن‌تین ۱۱)

۳. خدا به صورت کامل و به وضوح خودش را به عنوان یک فرهنگ مشخص در روز مشخص نشان داد. ما باید مکاشفه را جدی بگیریم، ولی نه تمام جنبه‌های تاریخی آن را. کلام خدا با کلمات انسانی نوشته شده و به یک فرهنگ مشخص در یک مقطع زمانی خاص خطاب شد.

B. تفسیر انجیلی باید در جستجوی نیت نویسنده اصلی باشد. به زبان عصر خودش چه می‌گوید؟ برای تفسیر درست، این یک امر بنیادی و حساس است. ولی بعد ما باید آن را با عصر خود مطابقت دهیم. مسئله اصلی تفسیر ممکن است تعریف اصطلاح باشد. آیا غیر از شبانهایی که به عنوان رهبر دیده شده‌اند، آیا بیشترین دیگری هم وجود داشتند؟ کاملاً مشخص است که پولس در اول قرن‌تین ۱۴:۳۴ الی ۳۵ و اول تیموتائوس ۲:۹ الی ۱۵، تصریح می‌کند که زنان نباید دعا‌های عمومی را رهبری کنند! ولی چگونه آن را با عصر حاضر مطابقت دهیم؟ من نمی‌خواهم فرهنگ پولس و یا فرهنگ خودم کلام و اراده خدا را ساکت کند. احتمالاً روزگار پولس خیلی محدود کننده بوده است، ولی همچنین روزگار من هم بسیار باز است. با گفتن اینکه حرف‌های پولس و تعالیم او مشروط، مربوط به قرن اول و حقایق وضعیت محلی هستند، احساس ناراحتی می‌کنم. من کی هستم که فکرم یا فرهنگم با یک نویسنده تحت الهام و وحی مخالفت کند؟

با این وجود، وقتی در مورد زنانی که رهبر بودند، مثالهای انجیلی وجود دارند، چه کنم (حتی در نوشته‌های پولس، مراجعه شود به رومیان ۱۶)؟ یک مثال خوب در این مورد بحث پولس در مورد عبادت عمومی در اول قرن‌تین ۱۱ الی ۱۴ است. در اول قرن‌تین ۵:۱۱ به نظر می‌رسد او به زنان، با سر پوشیده، اجازه موعظه و دعا خواندن در جمع را می‌دهد، با این وصف، در ۱۴:۳۴ الی ۳۵ از آنان می‌خواهد ساکت باشند! خادمین (مراجعه شود به رومیان ۱:۱۶) و پیامبران زن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹:۲۱) وجود داشته‌اند. این گوناگونی است که به من اجازه می‌دهد تشخیص دهم که توضیحات پولس (در بخشی که مربوط به محدود کردن زنان می‌شود) محدود به قرن‌تس و افسس قرن اول بوده است. در هر دو کلیساها مشکلاتی در مورد زنانی که آزادی جدید را یافته‌اند دیده می‌شد (مراجعه شود به Bruce Winter, *After Paul Left Corinth*) که می‌توانست باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای کلیسا در رسیدن این جامعه (جامعه زنان) در رسیدن به مسیح شود. آزادی آنان باید محدود می‌شد تا انجیل بتواند موثرتر واقع افتد.

روزگار من درست مخالف روزگار پولس است. در روزگار من انجیل می‌تواند محدود شود اگر زنان ماهر و سخنور اجازه نداشته باشند که خبر خوش را پخش کنند، یا اجازه رهبری نداشته باشند! هدف غایی عبادت عمومی چیست؟ آیا بشارت و شاگردی نیست؟ با رهبری زنان آیا خدا مفتخر و خشنود نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد که پاسخ انجیل به عنوان کل "بله" باشد! من می‌خواهم به پولس بگویم که الهیات من بر اساس نظریات پولس است. من نمی‌خواهم بیش از حد تحت نفوذ و بازیچه فمینیسم مدرن باشم! با این وجود احساس می‌کنم کلیسا در پاسخ به حقایق بدیهی انجیلی کند پاسخ می‌دهد، همانند بردگی، نژادپرستی، تعصب و جنس‌گرایی. همچنین در مورد سو استفاده از زنان در دنیای مدرن هم پاسخ و واکنش مناسب به کنندی داده می‌شود. خدا در مسیح برده و زن را آزاد می‌کند. من اجازه نمی‌دهم که محدودیت‌های فرهنگی به اینها ریشخند بزنند.

یک نکته دیگر: به عنوان یک مفسر، می‌دانم که قرن‌تس یک کلیسای بسیار درهم گسیخته بود. برکات کاریزماتیک به رخ کشیده می‌شدند. ممکن است زنان در این امر دست داشته می‌داشتند. همچنین باور دارم که افسس تحت تاثیر معلمین دروغینی بود که از زنان بهره می‌بردند و از آنان به عنوان سخنگویان جانشین در کلیساهای خانگی افسس استفاده می‌کردند.

C. منابعی برای مطالعات بیشتر

۱. How to Read the Bible For All Its Worth by Gordon Fee and Doug Stuart (pp. 61-77)

۲. Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics by Gordon Fee

۳. Hard Sayings of the Bible by Walter C. Kaiser, Peter H. Davids, F. F. Bruce, and Manfred T. Branch (pp. 613-616; 665-667)

NASB, NRSV "تا بلکه خود را وقف دعا کنید"

NKJV "تا شاید خود را وقف دعا و روزه کنید"

TEV "به این منظور که وقت خود را با دعا بگذرانید"

NJB "که خود را برای دعا کردن آزاد گذارید"

"روزه گرفتن" در نسخه Textus Receptus بدنبال K^c MSS و L و Peshitta ذکر گردیده است. با اینحال اکثریت نسخه‌های خطی یونانی، P11, P⁴⁶, P⁴⁵, G, D, C, B, A, بیشتر ترجمه‌های باستانی، و بیشتر ترجمه‌های مدرن انگلیسی این عبارت را ذکر نکرده‌اند. نسخه UBS⁴ به متن کوتاهتر رتبه "A" (مطمئن) داده است.

قواعد عهد جدید درباره روزه داوطلبانه‌ی دوره‌ای برای مقاصد روحانی در اینجا با دوره‌ای از پرهیز از ارتباط جنسی در طول ازدواج برای همین مقاصد، یکسان تعریف شده است. در حالیکه روزه بخواست خدا تمرکز بر ذهن دارد، پرهیز مقطعی از رابطه جنسی نیز همین منظور را دنبال می‌کند.

موضوع خاص: روزه (Special Topic: Fasting)

هر چند در عهد جدید روزه گرفتن دستور داده نشده است، در زمانهای مناسبی شاگردان عیسی باید روزه بگیرند (مراجعه شود به انجیل متی ۶:۱۶ و ۱۷، ۹:۱۵، انجیل مرقس ۲:۱۹، انجیل لوقا ۵:۳۵). شرایط روزه گیری مطلوب در اشعیا ۵۸ توصیف شده است. عیسی خودش در این زمینه پیش قدم شد (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۲). کلیسای اولیه روزه میگرفت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳:۲ الی ۳، ۱۴:۲۳، دوم قرتیان ۵:۶، ۱۱:۲۷). انگیزه و اعمال بسیار مهم هستند، مدت و دوره آن انتخابی است. روزه داری به شیوه عهد عتیق برای ایمانداران عهد جدید الزامی نیست (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵:۱۹ الی ۲۹). روزه داری شیوه ای برای نمایش معنویت و ایماندارانی نیست (مراجعه شود به اشعیا ۵۸، انجیل متی ۶:۱۶ الی ۱۸)، بلکه برای نزدیکتر شدن به خدا و راهنمایی گرفتن از او است (عیسی، انجیل متی ۴:۲). از نظر معنوی میتواند بسیار مفید باشد. گرایشات کلیسای اولیه نسبت به ریاضت باعث شد که کاتبین در چندین متن "روزه گرفتن" را اضافه کنند (یعنی انجیل متی ۱۷:۲۱، انجیل مرقس ۹:۲۹، اعمال رسولان ۱۰:۳۰، اول قرتیان ۷:۵). برای اطلاعات بیشتر در مورد این متون سوال برانگیز به *A Textual Commentary on the Greek New Testament* اثر Bruce Metzger از انتشارات United Bible Societies مراجعه کنید.

■ "مبادا شیطان شما را به سبب ناخویشتنداری در وسوسه اندازد" حتی زوج‌های مزدوج نیز بشدت نیازمند دوری از وسوسه شیطان در طول دوران ازدواج خود هستند. مسائل جنسی بشر، با اینکه هدیه‌ای از سوی خداوند هستند، اما انسان را می‌تواند با قدرت خیلی زیاد هدایت کنند. شیطان از نیازهای بیولوژیکی انسان بمنظور ابزاری برای دور کردن انسان از خدا بهره می‌برد. این هم برای انسانهای گمراه و هم انسانهای نجات یافته حقیقت دارد، اما درجات آن متفاوت است (۱ تیموتائوس ۵:۱۴-۱۵). روشن است که در این متن مشکلی در مورد خطاب قرار دادن مسائل جنسی بشر در کلیسای قرتس وجود داشته است. احتمالاً در این کلیسا هر دو گروه‌های افراطی حضور داشته‌اند.

موضوع خاص: شیطان فردی (Special Topic: Personal Evil)

I. شیطان موضوع بسیار سختی است

A. عهد عتیق یک دشمن قوی بر علیه نیکی (خدا) را نشان نمی‌دهد، بلکه یک خادم یهوه که به انسان جایگزینهایی را معرفی کرده و انسان را متهم به بی‌صداقی می‌کند (A. B. Davidson, *A Theology of the OT*، صفحه ۳۰۰ الی ۳۰۶).
B. مفهوم دشمن خدا تحت تاثیر نفوذ دین زرتشتی پارسیان و در نوشته‌های غیر انجیلی ساخته شد. این، به نوبه خود، شدیداً روحانیون یهود را تحت تاثیر قرار داد (تبعید اسرائیل در بابل، پارس).
C. عهد جدید موضوع عهد عتیق را به شیوه بسیار زیبایی بسط داد، ولی به صورت منتخب و طبقه‌بندی شده.
اگر کسی بخواهد از دیدگاه الهیات انجیلی، شیطان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد (هر کتاب، نویسنده، و موضوع جداگانه) نگرشهای کاملاً متفاوتی نسبت به شیطان آشکار خواهد شد.
اگر مطالعه شیطان از روی منابع غیر انجیلی و از دیدگاه سایر مذاهب یا مذاهب شرقی باشد، بیشتر توسعه‌های عهد جدید در سایه دوگانگی پارسی و یونانی-رومی قرار می‌گیرند.

اگر به صورت پیش فرض، فرد خود را بر اقتدار الهی کتب مقدس متعهد بداند (همانطور که من هستم)، پس بسط عهد جدید باید به صورت مکاشفه تصاعدی دیده شود. مسیحیان باید در برابر اجازه دادن به فولکور یهودی یا ادبیات انگلیسی، جنبه بگیرند (یعنی دانت، میلتن) تا مفهوم را بیشتر روشن کنند. یقیناً رازها و ابهاماتی در زمینه مکاشفه وجود دارند. خدا چنین تصمیم گرفت که همه جنبه‌های پلیدی، منشا آن (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید)، و هدف آن را آشکار نکند، بلکه شکست آن را آشکار کرده است!

II. شیطان در عهد عتیق

در عهد عتیق به نظر می‌رسد "شیطان" (BDB 966, KB 1317) یا "متهم کننده" به سه گروه جداگانه مرتبط باشد:

A. انسانهای متهم کننده (اول سموئیل ۲۹:۴، دوم سموئیل ۱۹:۲۲، اول پادشاهان ۵:۴ و ۱۱:۱۴ و ۲۳ و ۲۵، مزمور ۱۰۶:۶ و ۲۰ و ۲۹)

B. فرشتگان متهم کننده (اعداد ۲۲:۲۲ الی ۲۳، زکریا ۱:۳)

۱. فرشته خدا - اعداد ۲۲:۲۲ الی ۲۳

۲. شیطان - اول تواریخ ۱:۱، یعقوب ۱ الی ۲، زکریا ۳:۱

C. شیاطین (احتمالا شیطان) متهم کننده (اول پادشاهان ۲۲:۲۱، زکریا ۱۳:۲)

ابلیس فقط در دوره تعاملی پیدایش ۳ به عنوان شیطان معرفی می شود (مراجعه شود به کتاب حکمت ۲:۲۳ الی ۲۴، دوم انوش ۳:۳۱)، و حتی بعدا این تبدیل به گزینه روحانیون شد (مراجعه شود به تورات یهودیان Sanh 29a و Sot 9b). "پسران خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان شیطان در اول انوش ۶:۵۴ می شوند. آنها تبدیل به منشا الهیات روحانیون می شوند. این را برای تصریح دقیق بودن الهیات نمی گوئیم، بلکه برای نشان دادن بسط و گسترش آن. در عهد جدید این فعالیت های عهد عتیقی در دوم تواریخ ۱۱:۳، مکاشفه ۱۲:۹ به فرشتگان پلید (شیطان) منتسب می شوند.

از عهد عتیق منشا شخصیت دادن به شیطان را (بسته به دیدگاه شما) به سختی می توان تعیین کرد یا حتی می توان گفت غیر ممکن است. یک دلیل برای این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (مراجعه شود به تثنیه ۴:۶ الی ۶، اول پادشاهان ۲۰:۲۲ الی ۲۲، جامعه ۱۴:۷، اشعیا ۷:۴۵، عاموس ۳:۶). تمام علت و معلول به یهوه منسوب است تا منحصر به فرد بودن و ارشدیت خود را نشان دهد (مراجعه شود به اشعیا ۱۱:۴۳، ۶:۴۴ و ۸ و ۲۴، ۵:۴۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع احتمالی اطلاعات عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، که شیطان یکی از پسران خدا است (یعنی فرشته است) یا (۲) اشعیا ۱۴، حزقیال ۲۸ که از پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تیریه) برای نشان دادن غرور شیطان استفاده شدند (اول تیموتائوس ۳:۶). در مورد این گرایش، احساسات را هم ادغام کردم. حزقیال از استعاره های باغ عدن نه فقط برای پادشاه تیریه به عنوان شیطان استفاده می کند (مراجعه شود به حزقیال ۲۸:۱۲ الی ۱۶)، بلکه برای پادشاه مصر هم به عنوان درخت دانش خوبی و بدی استفاده می کند (حزقیال ۳۱). با این حال، به نظر می رسد اشعیا ۱۴ به خصوص آیات ۱۲ الی ۱۴، یک شورش از روی غرور فرشتگان را توصیف می کند. اگر خدا می خواست ماهیت خاص و منشا شیطان را بر ما آشکار کند، این یک شیوه کاملا غیر مستقیم و محل انجام آن بود (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید). ما باید در مقابل گرایش الهیات سیستماتیک برداشتهای کوچک و مبهم از اظهارات، نویسندگان، کتب و موضوعات جبهه گیری کنیم و آنها را به عنوان قطعاتی از یک پازل الهی ببینیم.

III. شیطان در عهد جدید

آلفرد ادرسهایم (*The Life and Times of Jesus the Messiah*)، جلد دوم ضمائم ۸، صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳ و ضمیمه ۹ صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶)، می گوید که روحانیون یهود شدیداً تحت تاثیر دوالیسم پارسی و حدس و گمان شیطانی قرار داشتند. روحانیون در این زمینه منبع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی بر انشعابات تعالیم کنیسه شدیداً حمله می کرد. من فکر می کنم که مفهوم روحانی وساطت فرشتگان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷:۵۳) و مخالفت در دادن قانون به موسی در کوه سینا، درب را برای مفهوم دشمن بزرگ یهوه و نوع بشر باز کرد. دو خدا در دوگانگی خدایان ایرانی (زرتشتی) وجود دارند.

۱. اهورا مزدا، که بعدا اهورمزد گفته شد، و خدای خالق و خدای نیکی بود

۲. انگرا مینیو که بعدا اهریمن به آن گفته شد، نابود کننده روح و خدای پلیدی

آنان بر سر برتری در زمین می جنگند. این دوگانگی به صورت دوگانگی میان یهوه و شیطان به صورت محدودتر در یهودیسم بسط یافت.

یقیناً مکاشفه تصاعدی در عهد عتیق در خصوص بسط شیطان وجود دارد، ولی نه با جزئیاتی که روحانیون یهود ادعا می کردند. یک مثال خوب در مورد این تفاوت، "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان یک الزام منطقی است، ولی مشخصه های آن داده نشده است (مراجعه شود به موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگان). حتی آنچه که ارائه شده در یک حجاب آخرالزمانی پوشیده شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۴:۱۲ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). هر چند شیطان شکست خورد و به زمین تبعید گردید، هنوز به عنوان خادم یهوه خدمت می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱، انجیل لوقا ۳:۲۲ الی ۳۲، اول قرنتیان ۵:۵، اول تیموتائوس ۲:۱).

ما باید محدوده کنجکاوی خود را به این زمینه محدود کنیم. یک نیروی انسانی وسوسه و شیطان وجود دارند، ولی هنوز فقط یک خدا هست و نوع بشر هنوز مسئول انتخابهایش می باشد. یک نبرد معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروی فقط از طریق تثلیث خدا می آید و باقی خواهد ماند. شیطان شکست خورده و حذف خواهد شد (مکاشفه ۱۰:۲۰)!

■ "شما را بسبب ناخویشنداری" این واژه *kratos* بوده که بمعنی "قدرت"، "توان"، "حکمرانی" یا یک آلفای سلبی که معنی را نفی می کند، می باشد.

نبودن کنترل نفس در آیات زیر ذکر شده اند

۱. متی ۲۳:۲۵ در ارتباط با قبايل و فریسیان
 ۲. اول قرنتیان ۷:۵ در ارتباط با زوجهای مزدوج
 ۳. ۲ تیموتائوس ۳:۳ در فهرست گناهان و ردیلتها
- واژه مرتبط، *egkrateia*، معنی کنترل نفس را در خود دارد، بویژه در ارتباط با روابط جنسی.
۱. اعمال ۲۴:۲۵ در فهرست پرهیزکاریهای ارائه شده توسط پولس به فلیکس
 ۲. ۱ قرنتیان ۷:۹ در مبحث حقوق طرفین در ازدواج
 ۳. ۱ قرنتیان ۹:۲۵ در ارتباط با آموزشهای ورزشی
 ۴. غلاطیان ۵:۲۳ در فهرست پولس در ارتباط با ثمره‌های روح
 ۵. ۲ پطرس ۱:۶ در فهرست خصلتهای شخصیتی که بلوغ به همراه می‌آورند

کنترل نفس (۱) یکی از ثمرات روحانی روح (۲) تمرینی برای کنترل نیازهای طبیعی است. سلطه روح بشر بر بدن او با کمک روح القدس و نشستن او در انسان امکان پذیر خواهد بود. امیال طبیعی شیطانی نیستند مگر اینکه انسان از مرزهایی که خدا تعیین کرده عبور نماید.

۶:۷

NASB	"اما آنچه می‌گویم امتیاز است، نه فرمان"
NKJV	"اما این را بعنوان امتیاز می‌گویم، نه یک فرمان"
NRSV	"این را از راه امتیاز می‌گویم، نه فرمان"
TEV	"من این را بعنوان یک دستور نمی‌گویم، اما فقط یک مجوز است"
NJB	"به شما می‌گویم که این یک امتیاز است، نه یک دستور"

آیا ۱ قرنتیان ۶:۷ اشاره به (۱) (۱ قرنتیان ۷:۱-۵؛ ۲) (۱ قرنتیان ۷:۳-۵؛ ۳) (۱ قرنتیان ۷:۵؛ ۴) یا ۱ قرنتیان ۷:۷ دارد؟ پولس نظر خود را با هدایت روح القدس می‌گوید. او انتظار داشت:

۱. ظهور دوم هر لحظه رخ دهد
۲. رنج هر لحظه بیشتر شود
۳. قحطی تداوم یابد.

قصد او کمک به ایمانداران برای فائق آمدن با شرایط موجود بود، نه محدود کردن آنان.

۷:۷ "آرزو می‌کردم همه چون من بودند" این عبارات می‌تواند اشاره به (۱) پولس بعنوان یک فرد داشته باشد؛ (۲) پولس بعنوان یک محتوا داشته باشد؛ (۳) پولس بعنوان کسی که بر نفس خود غالب است داشته باشد (۱ قرنتیان ۷:۹). پولس احتمالاً بدلیل فشارهای فرهنگی ناشی از زمینه یهودی او، روزی ازدواج کرده بود، اعمال رسولان ۲۶:۱۰، زیرا در آنجا ظاهراً پولس عضو سانهدرین بود ("رای دادن"). اگر او عضو سانهدرین بوده باشد پس باید ازدواج کرده باشد.

این که پولس می‌خواست ایمانداران همچون او باشند، به راه‌های مختلفی باید روشن شود.

۱. پولس در طول زندگی خود منتظر ظهور دوم مسیح بود، همه مسیحیان قرن اول نیز چنین بودند. بازگشت هر لحظه‌ای عیسی مسیح (به موضوع خاص در اول قرنتیان ۶:۱۴ مراجعه شود) باید یکی از محرکه‌ها و مشوقهای نیرومند برای رسیدن به زندگی همچون مسیح در میان مسیحیان در هر عصری باشد.
۲. پولس را باید از منظر فرمان خدا در پیدایش ۱:۲۸ که می‌گوید "بارور شوید و زمین را بارور سازید" ارزیابی کرد. اگر مسیحیان همه مجرد باشند پس تکلیف نسل بعد چه می‌شود؟
۳. پولس خود ارزش زیادی برای ازدواج قائل بود (۱ قرنتیان ۶:۱۶)، چگونه ممکن بود او را به عنوان تقلید از مسیح و کلیسا در مقایسه با همسر و شوهر در افسسیان ۵:۲۲-۳۳ استفاده می‌کنند؟

■ "هر کس عطیای خاص از خدا یافته است" بنظر می‌رسد که این بخش اشاره به تجرد بعنوان یکی از چندین عطایای روحانی دارد (متی ۱۹:۱۲). این مورد در فهرست هیچیک از عطایا ذکر نشده است (رومیان ۱۲؛ ۱ قرنتیان ۱۲؛ افسسیان ۴). بنظر نمی‌رسد که یک عمل یا عملکردی همچون سایر عطایا داشته باشد. پولس از کلمه "عطیه" بصورت خاصی استفاده می‌کند.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۷:۸-۹

۸: به بیوه مردان و بیوه زنان می‌گوییم که نیکوست همچون من مجرد بمانند.^۱ اما اگر خوب‌ستنداری نمی‌کنند، همسر اختیار کنند، زیرا ازدواج از سوختن در آتش هوس بهتر است.

۸:۷ "به بیوه مردان و بیوه زنان" (نسخه انگلیسی: "به ازدواج نکرده‌ها و بیوه‌ها") واژه اول بصورت مذکر بکار رفته و می‌تواند اشاره به (۱) هر کسی که ازدواج نکرده باشد و یا (۲) فقط مردان بیوه داشته باشد. دومین واژه بصورت مؤنث بکار برده شده و ارتباط دارد به (۱) آنان که شوهرانشان مرده بودند و یا (۲) به هر دلیلی بیوه شده‌اند.

□ "که نیکوست" به یادداشت اول قرن‌تینان ۷:۱ درباره "نیکی و خوب" مراجعه نمایید.

□ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم بوده و اشاره به عملی احتمالی دارد. (در نسخه فارسی وجود ندارد)

□ "همچون من مجرد بمانند" پولس پیش از این در اول قرن‌تینان ۷:۷ یکی از هدیه‌های خداوند را بر شمرده بود، اما این آیه وضعیتی را در زندگی عنوان می‌کند که نعمت محسوب نمی‌شود. احتمالاً "هدیه" در این متن در حالت گرایشی یا یک از لحاظ یک دیدگاه خاص مد نظر بوده است.

۹:۷ "اگر" این حالت شرطی نوع اول است که با توجه به دیدگاه نویسنده یا مقاصد ادبی او صحیح بنظر می‌رسد. در آینده بسیاری از مردمان خواهند بود که قصد ازدواج در سر داشته‌اند، نه به جهت اینکه افراد شریری هستند، بلکه آنان از نعمت مجرد بودن برخوردار نیستند.

□ "همسر اختیار کنند" این یک جمله دستوری آئوریستی معلوم است. پولس از ازدواج حمایت می‌کرد (۱ تیموتائوس ۵:۱۴).

NASB "زیرا ازدواج از سوختن در هوس بهتر است"

NKJV, TEV "زیرا ازدواج از سوختن در هوس بهتر است"

NRSV "زیرا ازدواج از سوختن در آتش هوس بهتر است"

NJB "از آنجاییکه بهتر است ازدواج کنید تا اینکه در آتش بسوزید"

به تضاد میاد "ازدواج کردن" (مصدر معلوم آئوریستی) و "سوختن" (مصدر مجهول حال) توجه نمایید. ازدواج کردن باعث تحت کنترل درآوردن هوس می‌گردد. البته این حرف به منزله بی‌احترامی به امر ازدواج نیست، بلکه یک مشاهده عملی است. ازدواج راهی طبیعی برای پر کردن اشتیاق قوی و خدادادی است. مشابه واژه "سوختن" نیز توسط پولس در دوم قرن‌تینان ۱۱:۲۹ بکار برده شد، بنابراین به خودی خود منفی محسوب نمی‌گردد.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۷:۱۰-۱۱

۱۰: "حکم من برای متأهلان این است - نه حکم من، بلکه حکم خداوند - که زن نباید از شوهر خود جدا شود." اما اگر چنین کرد، دیگر نباید شوهر اختیار کند و یا اینکه باید با شوهر خود آشتی نماید. مرد نیز نباید زن خود را طلاق گوید.

۱۰:۷ "متأهلان" این سومین گروهی است که مورد خطاب قرار می‌گیرد: "ازدواج نکرده‌ها یا مجردها"، "بیوه‌ها" و اکنون "متأهلان".

□ "نه حکم من، بلکه حکم خداوند" (نسخه انگلیسی: "نه من بلکه سرورمان") پولس با این جملات درباره طلاق به کلام عیسی اشاره می‌کند، بسیاری، ولی نه همه‌ی آنان، ثبت شده در اناجیل نسخه Synoptic (متی ۵:۳۲؛ ۱۹:۶؛ مرقس ۱۰:۱۱-۱۲؛ لوقا ۱۶:۸).

این یک مثال خوب از این واقعیت است که پولس با تمام جنبه‌های آموزش عیسی در مورد طلاق روبرو نشده بود، بلکه تنها یکی از آن موارد بود. نامه‌های پولس "اسناد تصادفی" هستند. او در اینجا نسبت به جنبه‌های ضعیف الهیاتی هر دو گروه فاسدان و زاهدان عکس‌العمل نشان می‌دهد. این وضعیت، در ادامه الگوی پل است که برخی از اظهارات معلمان دروغین یا گروه‌های تفرقه‌افکن را تایید می‌کند، اما همچنین محدودیت شعارهای آنان را فاش می‌کند. آنچه که نیمه درست است را بسختی می‌توان اصلاح کرد، بویژه اگر هر دو طرف مشکل از موقعیت سوء استفاده نمایند!

□ "زن نباید از شوهر خود جدا شود" با توجه به این جمله هم زن و هم شوهر ایماندار هستند (اول قرن‌تینان ۷:۱۲ - ۱۶). در آیین یهودیت زنان از حق طلاق برخوردار نبودند، اما در جامعه رومیان این حق برای زنان در نظر گرفته شده بود. فقط به این دلیل که در فرهنگ جامعه‌ای چیزی اجازه داده می‌شود یا نمی‌شود، به این مفهوم نیست که ایمانداران برای خود نیز این حق را قائل شده و از آن یک تابو بسازند! زیرا اگر کسی می‌تواند، دلیل بر این نمی‌شود که باید آن کار انجام شود (رومیان ۱۴:۱ - ۱۵:۱۳). مسلماً شرایط مشخصی وجود دارد که بر اساس آن طلاق بهترین گزینه محسوب می‌گردد.

۱. دو نفر بهیچوجه مناسب یکدیگر نباشند

۲. آشتی امکان‌پذیر نباشد

۳. صدمه فیزیکی به همسر یا فرزندان کاملاً محتمل باشد

در اینجا دوباره می‌خواهم بر روی جدیتِ قسمی که دو نفر به نامِ نامی خداوند بر زبان جاری می‌کنند، تأکید نمایم. ازدواج مسیحیان قول و عهد دینی است. خداوند، بیش از جوامع سکولار، ایمانداران را برای آنچه که به نام او انجام می‌دهیم، پاسخگو می‌داند. ازدواج می‌بایست دائمی باشد. ازدواج یک هنجار است و نه یک استثنا. در سال ۲۰۰۲ میزان خانه‌هایی که به هنجارهای سنتی در شمال آمریکا (شوهر، همسر و فرزندان) پایبند بودند به ۲۲٪ تقلیل یافت! آیا مشکل طلاق گرفتن به همین راحتی را درک می‌کنید؟ ازدواج در وحله اول یک قول به خدا و سپس فرد دیگر است. خانه‌های مسیحیان پایبند می‌توانند مستحکم‌ترین ابزار شهادت در روزگاران ما باشد (بسیار شبیه روم باستان).

۱۱:۷ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است که بمعنی رخ دادن عملی می‌باشد. نسخه NASB این بند از جمله را در پرانتزی و بصورت یک کنار متن قرار داده است. حالت شرطی جمله گویای این مطلب است که طلاقها در جامعه مسیحیان در حال رخ دادن بوده است.

■ "دیگر نباید شوهر اختیار کند" این جمله دستوری معلوم حال حاضر است. سوال درباره ازدواج مجدد مسیحیان سخت‌ترین پاسخ را دارد. کتاب تثنیه ۲۴ توسط موسی و بمنظور فراهم آوردن راه حل‌های ازدواج مجدد نوشته شد. پاسخهای عیسی برای سوالات فریسیان، به طور مشخص به این موضوع نمی‌پردازد. ممکن است که کسی بگوید پس مرقس ۱۰:۱۱-۱۲ چطور؟ مسئله اینجاست که انجیل آنگونه که متی ۵:۳۲ به این بند استثنا می‌پردازد، توجهی ندارد. این بند استثنا چگونه به ازدواج مجدد مربوط می‌گردد؟ تیموتائوس ۵:۱۴-۱۵ در روزگار ما باید به گروه‌های وسیعتری بپردازد تا فقط "ببوه‌های جوان". مسلماً خواست خدا برای مجردهایی که علاقمند به ازدواج هستند (۱ قرن‌تیان ۷:۹) باید به وضعیت بد جامعه ما نیز مربوط باشد. بشر بخواست خدا موجودی با غرایض جنسی خلق گردیده است. تا زمانیکه فرد از عطای تجربه، و/یا قدرت کنترل هوای نفس برخوردار نگردیده، باید راه معقولی جهت رفع این غریزه برای قوم خدا فراهم آید؛ قطعاً بی‌عفتی جنسی و هرزگی گزینه آن نیست، اما ازدواج مجدد مسیحی می‌تواند راه دوم محسوب گردد. روشن شدن این راه و رحمت خدا در این مرحله لازم می‌باشد.

■ "یا اینکه باید با شوهر خود آشتی نماید" این جمله مجهول دستوری آتوریستی است. در این موقعیت فرهنگی، گزینه برای کسی که قبلاً ازدواج کرده (۱ تجربه یا ۲) آشتی بوده است.

این آیه بصورت یک قاعده کلی برای بسیاری از ایمانداران دوران مدرن امروزی بصورت قاطعانه وضع گردیده است. آشتی همیشه یک امید بوده است مگر اینکه ازدواج مجدد یکی از طرفین بوقوع پیوندد. در آن صورت نتیجه مطلوب حاصل گردیده است (در عهد عتیق این کار نهی شده است). ترجمه اول قرن‌تیان دشوار است، زیرا

۱. غرب امروزی به روشنی بطور مستقیم درگیر مشکلات فرهنگی آن دوران نیست (خوراک نذر بت کردن، دخیل بودن دختران باکره به بشارت و غیره).

۲. دو گروه هستند که دارای ویژگیهای شخصیتی یا دسته‌بندی الهیاتی هستند (زاهدان یا فاسقان). کلمات پولس، تلاشی برای تأیید حقیقتی است که درون آن نهفته می‌باشد، اما محدودیت‌های اضافی را محدود می‌کنند (تشریح دگم اندیشانه، ازدواج نکنید، آزادی بی‌قید و شرط، اگر دلتان خواست انجام دهید...).

مشخص نیست که این موارد، بازتاب‌دهنده (۱) یهودیان/غیر یهودیان؛ (۲) شریعتمداران/کسانی که پایبند به دین نیستند؛ (۳) گونه‌های شخصیتی؛ یا (۴) دو گروه از متفکران یونانی (بعدها در میان دسته‌های عرفانی دیده شدند). این سردرگمی زمانی نمود پیدا می‌کند که مترجمان امروزی نمی‌دانند:

۱. شعارها چه بودند

۲. منبع شعارها از کجا نشأت گرفته بودند

a. موعظه‌های اولیه پولس

b. یهودیت

c. رواقیون/عرفان اولیه

پولس هر دوی این افراطیون را مورد خطاب قرار می‌دهد! مشکل تصمیمگیری درباره این موضوع است که کدام کلام خطاب به ایمانداران واقعی عنوان شده و کدامیک به گروه‌های تفرقه‌افکن. مفسران امروزی آنچه را که مایل هستند می‌شنوند و آنچه را که مورد علاقه خود نمی‌بینند، محکوم می‌کنند! ترجمه و تفسیر ما بیشتر بیانگر دیدگاه الهیاتی خودمان است تا نامه‌های پولس به یک شهر رومی در قرن اول آخائیا.

□ "مرد نیز نباید زن خود را طلاق گوید" بخاطر داشته باشید که این متن ایماندارانی را مورد خطاب قرار می‌دهد که ازدواج کرده‌اند. در عهد جدید دو استثنا برای این امر اجباری وجود دارد: (۱) فعالیت‌های جنسی غیر عادی (متی ۵: ۳۲؛ ۱۹: ۹). (۲) بی‌ایمانی (۱ قرن‌تبیان ۷: ۱۲، ۱۳).

متن NASB (بروز شده): ۱ قرن‌تبیان ۷: ۱۲-۱۶

^{۱۲} به بقیه می‌گوییم - من می‌گویم نه خداوند - که اگر برادری همسر بی‌ایمان دارد و آن زن حاضر است با او زندگی کند، آن برادر نباید زن خود را طلاق گوید. ^{۱۳} همچنین اگر زنی شوهر بی‌ایمان دارد و آن مرد حاضر است با او زندگی کند، آن زن نباید شوهر خود را طلاق گوید. ^{۱۴} زیرا شوهر بی‌ایمان به واسطه همسرش تقدیس می‌شود و زن بی‌ایمان به واسطه شوهرش. در غیر این صورت، فرزندان شما ناپاک می‌بودند؛ اما چنین نیست، بلکه آنان مقدسند. ^{۱۵} اما اگر آن که بی‌ایمان است بخواهد جدا شود، بگذار چنین کند. در چنین وضعی شوهر یا زن مؤمن اجباری ندارد با او زندگی کند. ولی خدا ما را به صلح و آشتی خوانده است. ^{۱۶} زیرا ای زن، از کجا می‌دانی که باعث نجات شوهرت نخواهی شد؟ و ای مرد، از کجا می‌دانی که همسرت را نجات نخواهی داد؟

۱۲:۷ "به بقیه" این عبارت خطاب به کافرانی است که قبلاً ازدواج کرده، و بعد یکی از آنها ایمان آورده بود. این متن نمی‌تواند بعنوان سند برای ایمانداری تلقی شود که می‌خواهد با یک بی‌ایمان ازدواج نماید. این اشاره به وضعیتی دارد که هر دو طرف در اصل بی‌ایمان بودند. یکی از زوجین مسیح را پذیرفته بود و با امید خدا، به مرور زمان دیگری نیز به مسیح ایمان می‌آورد (۱ قرن‌تبیان ۷: ۱۶).

□ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است. در قرنتس زوجها مخلوط بودند. این عبارت نشان دهنده تأثیر موعظه‌های پولس و دشواری مسائلی که در ازدواج با یک بی‌ایمان وجود دارد، می‌باشد.

□ "نبايد زن خود را طلاق گوید" این جمله دستوری حال حاضر، همچون آیه بموازات خود در اول قرن‌تبیان ۷: ۱۳ می‌باشد.

۱۴:۷

NASB, NKJV

NJB "شوهر بی‌ایمان تقدیس می‌شود"

NRSV "شوهر بی‌ایمان مقدس شمرده می‌شود"

TEV "شوهر بی‌ایمان توسط خدا قابل قبول شمرده می‌شود"

این جمله مجهول خبری همچون عبارت موازی که در اول قرن‌تبیان ۷: ۱۴ آمده، است. این جمله بدین مفهوم نیست که شوهر بی‌ایمان نجات یافته است. این موضوع ارتباط پیدا می‌کند به برخی که در قرنتس تصور می‌کردند ازدواج با یک بی‌ایمان می‌تواند شریک بودن در گناه را با یک بی‌ایمان بصورت موازی تقسیم کند. احتمالاً آنها موعظه پولس را درباره یک بدن شنیده بودند (۱ قرن‌تبیان ۶: ۱۶-۲۰). این باید به تجلی آسمانی همسر ایماندار در یک خانواده مربوط گردد. این امر نمی‌تواند به موقعیت فرد بی‌ایمان در راه مسیح ارتباط یابد. هیچ راهی برای نجات روحانی وجود ندارد بجز بواسطه ایمان و توبه شخص در راه مسیح. مسیحیت هدف ایماندار برای زن یا شوهر است (۱ قرن‌تبیان ۷: ۱۶).

NASB, NIV "زن بی‌ایمان به واسطه شوهرش تقدیس می‌شود"

NKJV, NRSV "زن بی‌ایمان بوسیله شوهرش تقدیس می‌شود"

NJB "وزن بی‌ایمان بواسطه شوهرش تقدیس می‌شود"

REB "وزن بواسطه شوهر مسیحی خود"

این تفاوت در نسخه‌های خطی وجود دارد. بیشتر نسخه‌های خطی یونانی عبارت "برادر" را بجای "شوهر ایماندار" ثبت کرده‌اند (P, G, D*, A, B, C). MSS⁴⁶. کاتیبین یونانی بمنظور توازن با عبارت پیشین متن را تغییر دادند (MSS⁴⁶, K, D^C, L). نسخه⁴ UBS به عبارت "برادر" رتبه "A" داده است (بمعنی مطمئن).

□ "در غیر این صورت، فرزندان شما ناپاک می‌بودند؛ اما چنین نیست، بلکه آنان مقدسند" این جمله ترجمه‌های متعددی دارد؛ اشاره دارد به:

۱. مشروعیت فرزندان (حالت قانونی)

۲. آیین پاکی (بلحاظ یهودیت)

۳. همسر بی‌ایمان و فرزندان در برکتی که فرد مسیحی در خانه می‌گیرد، شریک هستند (حالت روحانی).

بسیاری سعی کرده‌اند که این آیه را در ارتباط با تعمید نوزاد تفسیر نمایند، اما این امر از آنجایی که ارتباط ایماندار با فرزندان دقیقاً همچون ارتباط با همسر بی‌ایمان می‌باشد، بشدت غیرمحمتمل است. به موضوع خاص: مقدس در اول قرن‌تینان ۱۷:۳ مراجعه شود.

۱۵:۷ "اگر" این جمله شرطی اول شخص است. مسیحیت باعث از هم پاشیدگی بسیاری از خانه‌ها گردیده است (متی ۱۰:۳۴-۳۶؛ لوقا ۱۲:۴۹-۵۳).

NASB, NKJV "در چنین شرایطی زیر اسارت قرار ندارند"

NRSV "در چنین شرایطی خواهر و برادر در بند نیستند"

TEV "در چنین شرایطی، شریک مسیحی چه شوهر چه همسر، برای عمل آزاد است"

NJB "در این شرایط برادر و خواهر دیگر در بند نیستند"

این جمله مجهول کامل اخباری از واژه "به بردگی گرفته شده" می‌باشد. این آیه می‌گوید که مسیحیان در چنین شرایط فرهنگی خاصی نباید به ورود به مرحله طلاق شوند، اما اگر شریک بی‌ایمان این کار را کرد، مجاز می‌باشد. این امر هیچ ارتباطی با ازدواج ایمانداران و بی‌ایمانان ندارد؛ این موقعیت مربوط به دو بی‌ایمان مزدوج می‌شود که یکی از آنان به مسیح ایمان آورده است. در متن این عبارت اشاره به جدایی دارد و نه ازدواج مجدد (اقرتینان ۷:۱۱)، با اینحال واژگانی که پولس از آنها استفاده کرده بسیار شبیه به حقوق الهی یهودیان است که بر اساس آن ازدواج مجدد متصور گردیده است، متعاقب آن در تثنیه ۱:۲۴-۴. James S. Jeffers در کتاب *The Greco-Roman World* می‌گوید:

"واژه‌ای که در اول قرن‌تینان ۱۵:۷ "جدایی" ترجمه شده اشاره به طلاق دارد، زیرا در عهد باستان هیچ معادل هم‌ارزی برای مفهوم حقوقی و امروزی طلاق وجود نداشته است" (ص. ۲۴۷).

با اینحال، بنظر می‌رسد که بواسطه آموزه‌های عیسی، مشکل طلاق برای پولس حل شده محسوب می‌گردید (مرقس ۱۰:۲-۱۲). پولس مدافع "تجرد" کسانی بوده "تعهد" نداشته و ازدواج مجدد برای کسانی که همسرشان فوت کرده بود!

■ "خدا ما را به صلح و آشتی خوانده است" این جمله خبری مجهول کامل است. اشاره به آشتی با خدا که با صلح و آشتی در میان ایماندارانی که با یکدیگر یا در خانه‌ی او مشکل دارند، می‌کند. خواست خدا بر این است که فرزندان خاندهای شاد و پرمهری داشته باشند. نیل به این هدف گاهی با داشتن همسرانی خشن و بی‌ایمان، و گاهی نیز با داشتن همسران مسیحی اما بی‌عفت، خودخواه و گناهکار غیر ممکن است! نبود آشتی یکی از دلایل مهمی است که گاهی باعث گسستن خانه‌های "مسیحیان" می‌گردد. اغلب ممکن است یکی از طرفین ایماندار، اما فرد بی‌اخلاق و بی‌عفتی نیز باشد. صلح و صفا در خانه‌ی همه "مسیحیان" رواج ندارد! من فقط نمی‌توانم باور کنم که پولس در این متن چگونه از با یکدیگر بودن به هر قیمتی سخن می‌گوید! امکان وجود خطر همیشه هست، چه فیزیکی و چه روحی. این عبارات در این آیه نمی‌توانند یک اجبار سفت و سخت کلی و جهانی محسوب گردند. خیلی دشوار است که بتوانیم میان احترامی که برای کلام خدا قائلیم و جنبه‌های تاریخی و فرهنگی دوران خودمان که بر ما روشن می‌شوند، توازن برقرار کنیم (انجیل).

نسخه UBS4 به استفاده "شما" بصورت جمع رتبه B می‌دهد، که در نسخه‌های MSS *K, C, A, بجای "ما" بکار برده شده است (B, D, F, G, *K², MSS P⁴⁶). تفاوت‌های متنی زیادی در ارتباط با این ضمائر وجود دارند.

۱۶:۷ "ای مرد، از کجا می‌دانی که همسرت را نجات خواهی داد" در اینجا دو ترجمه وجود دارد که کاملاً در تضاد با یکدیگر هستند.

۱. این آیه احتمالاً بدنبال اول پطرس ۳:۱-۱۲ است، جایی که سیستم بشارتی دلیل پر معنایی برای تداوم روابط زناشویی می‌باشد (NRSV, TEV, NJB, NEB, NIV).

۲. ازدواج در وحله اول بشارت نیست؛ بلکه برای همنشینی و همزیستی است، بنابراین، یک شریک ایماندار نباید در زمانی که عشق وجود ندارد و سو استفاده نیز صورت می‌گیرد، با یک شریک بی‌ایمان بماند، آنهم فقط به امید اینکه بشارتی صورت پذیرد (پانویس ترجمه Philips، و نسخه LB).

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۱۷:۷ - ۲۰

۱۷ باری، هر کس آن‌گونه زندگی کند که خداوند برای او در نظر گرفته و خدا او را بدان فرا خوانده است. این اصلی است که من در همه کلیساها بدان حکم می‌کنم. ^{۱۸} اگر کسی به هنگام فرا خوانده شدن ختنه شده بوده، در همان حال باقی بماند و اگر کسی به هنگام فرا خوانده شدن ختنه نشده بوده، ختنه نشود. ^{۱۹} زیرا مهم ختنه شدن یا نشدن نیست، بلکه مهم نگاه داشتن احکام خداست. ^{۲۰} هر کس در هر وضعی که در آن فرا خوانده شده باقی بماند.

	۱۷:۷
"تنها"	NASB
"اما"	NKJV
"با اینحال"	NRSV
-حذف شده است-	TEV
"بهرحال"	NJB
"با اینوجود"	NIV

این عبارت مفاهیم گسترده‌ای از بحث پولس را در مورد مسائل جنسی معرفی می‌کند. واژه یونانی بکار برده شده *ei mē* بوده که می‌تواند معنی "مگر اینکه"، "بجز اینکه" یا "اما" داشته باشد.

"خداوند برای یکدیگر در نظر گرفته"	NASB, NRSV
"خداوند برای یکدیگر تقسیم کرده"	NKJV
"هدیه خداوند به شما"	TEV
"خداوند برای او معین کرده"	NJB

فعل *merizō* بمعنی "تقسیم کردن" است. در نسخه Septuagint برای بخش بندی سرزمین موعود میان قبایل یهودی توسط یهوه بکار برده شده (خروج ۱۵:۹؛ اعداد ۲۶:۵۳، ۵۵، ۵۶؛ تثنیه ۱۸:۸)، که آن را بصورت استعاره‌ای برای قوم خدا تبدیل می‌کند، همانگونه که فعل بعدی، "فرا خواندن" انجام می‌دهد. یهوه قوم خود را "فرا خواند" و آنان نیز نام او را "خواندند". در این متن هر دو فعل اشاره به نعمات ویژه خداوند دارند (اول قرن‌تین ۷:۷) که به مردم اجازه می‌دهند او را خدمت کنند (اول قرن‌تین ۷:۱۲، ۷:۱۱). در هنگام خوانده شدن، هر وضعیتی که زندگی آنان داشته باشد، نجات یافته یا هدیه عطا شده، اکنون باید خدمتگذار باشند ("همانگونه که هستید، بمانید"، اول قرن‌تین ۷:۸، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۴۰). با کمک خداوند و برخی استثناها، هر کجا که کاشته شده‌اید، غنچه دهید.

"در حالت بگذارید راه برود"	NASB
"پس بگذارید راه برود"	NKJV
"بگذارید هر یک از شما زندگی را هدایت کند"	NRSV
"به زندگی ادامه دهید"	TEV
"اجازه دهید هر کسی سهم خود را ادامه دهد"	NJB

(ترجمه کتاب مقدس فارسی با هیچیک از نسخه‌های بالا تطابق ندارد/ مترجم).

این واژه "قدم زدن" بمفهوم واقعی کلمه است (حال معلوم دستوری)، که استعاره‌ای انجیلی برای سبک زندگی است (افسیان ۲:۲، ۱۰؛ ۱:۴، ۱۷؛ ۵:۲، ۱۵؛ کولسیان ۱:۱۰؛ ۶:۲). پولس منظور خود را در اول قرن‌تین ۷:۱۸-۲۰ توضیح می‌دهد.

☐ "من در همهٔ کلیساها بدان حکم می‌کنم" این عبارت اغلب در اول قرن‌تین تکرار می‌شود (۱ قرن‌تین ۴:۱۷؛ ۷:۱۷؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۴:۳۳؛ ۱۶:۱). کلیسای قرن‌تس خود را "ویژه"، "مفتخر"، و "بشکل منحصر بفردی نظر کرده خدا" می‌دانست. پولس این خودشیفتگی را بوسیله بیان اینکه او همین حقایق را به همه کلیساها آموزش می‌دهد، خنثی می‌کند. به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۲:۱ مراجعه نمایید.

	۱۸:۷
"نباید ختنه شود"	NASB
"اجازه دهید ختنه نشود"	NKJV
"او نباید سعی کند علامتهای ختنه را حذف کند"	TEV
"اگر مردی که خداوند او را خوانده قبلاً ختنه شده، پس او باید به همان صورت بماند"	NJB

این جمله دستوری حال مجهول است (موازی در اول قرن‌تینان ۱۸:۷ نیز زمان حال حاضر مجهول دستوری می‌باشد). این آیه اشاره به کسی دارد که سعی در حذف نشانه‌های ختنه بوسیله عمل جراحی داشته است (I Maccabees 1:15, Josephus's *Antiq.* 12.5.1).

۱۹:۷ "مهم ختنه شدن یا نشدن نیست" این عبارت اشاره به دیدگاه پولس به مراسم و آیین و قواعد عهد عتیق دارد (اعمال ۱۵؛ رومیان ۲:۲۸، ۲۹؛ غلاطیان ۵:۶؛ ۱۵:۶؛ به موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۹:۹ مراجعه نمایید). این همان مشکلی بود که در شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵ به میان آمد و بوسیله کسانی که در کلیسای غلاطیان قصد یهودی سازی داشتند، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. الهیات پولس در این مقطع کاملاً مشخص و روشن است. غیر یهودیان نیازی ندارند که آیینها، سنن و روشهای فرهنگی یهودیان را اجرا کنند. ایمانداران یهودی نباید نسبت به آنچه که در گذشته‌ی پیمان عهد عتیق اجرا می‌کرده یا نمی‌کردند، مغرور یا شرمنده باشند. ختنه واقعی در قلب روی می‌دهد (اول قرن‌تینان ۱۰:۱۶؛ تثنیه ۱۰:۳۰؛ ۶:۴؛ ۴:۴) نه بر بدن، چون بر روی گوشه‌های ختنه شده اثر گذاشته (ارمیا ۶:۱۰) برای شنیدن خدا و لبها (خروج ۱۲:۶، ۳۰) برای گفتن پیام او، پیام جدید او در راه مسیح (ارمیا ۹:۲۵، ۲۶).

□ **بلکه مهم نگاه داشتن احکام خداست** این تأکید بر انبیای عهد عتیق است که بر اطاعت بیش از آیین اهمیت می‌دادند (۱ سموئیل ۱۵:۲۲؛ اشعیا ۱۷-۱۱؛ هوشع ۶:۶؛ عاموس ۵:۲۱-۲۷؛ میکاه ۶:۶-۸). خداوند پیش از آنکه به رفتار ما نگاه کند، به کردار و عوامل مشوق ما توجه می‌نماید. هر آنچه که خداوند در عهد جدید و عهد عتیق در چالش با بشر است، همگی مبتنی بر عهدی بوده که با وی بسته بود. اطاعت امری حیاتی محسوب می‌شود (لوقا ۶:۴۶، اما جنبه‌های خاص ملزومات هر عهد در طول زمان دستخوش تغییر شده است.

۲۰:۷ "هر کس در هر وضعی که در آن فرا خوانده شده باقی بماند" نسخه NKJV بیشتر به واقعیت نزدیک بوده و ظرافتهای بازی با لغات را در عبارت "هر کس در هر وضعی که در آن فرا خوانده شده باقی بماند"، حفظ کرده است (افسیسیان ۴:۱، ۴). این جمله حال معلوم دستوری است. این عبارات تکرار مضمون گفته شده توسط پولس در طول متن است (اول قرن‌تینان ۷:۸، ۱۷، ۲۰، ۲۴۷، ۲۶، ۴۰). عبارت "فرا خوانده شده" اشاره به زمانی دارد که آنان عیسی را پذیرفته بودند (اول قرن‌تینان ۱:۲۰). به موضوع خاص: خوانده شده در اول قرن‌تینان ۱:۱ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۲۱:۷-۲۴

۱ آیا زمانی که فرا خوانده شدی، غلام بودی؟ تو را باکی نباشد. اما اگر می‌توانی آزادی خود را به دست آوری، فرصت را از دست مده. ^{۲۲} زیرا آن که در غلامی از سوی خداوند فرا خوانده شده است، آزاد خداوند است؛ و نیز آن که در آزادی فرا خوانده شده است، غلام مسیح است. ^{۲۳} به بهایی خرید شده‌اید، پس غلام انسانها مشوید. ^{۲۴} بنابراین، ای برادران، هر کس در هر وضعی که فرا خوانده شده است، در همان وضع در حضور خدا باقی بماند.

۲۱:۷ "غلام" به موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۱:۴ مراجعه نمایید.

NASB	"اگر می‌توانی آزادی خود را به دست آوری، همان کار را انجام ده"
NKJV	"اما اگر می‌توانی آزاد شوی، همان را انجام ده"
NRSV	"اگر می‌توانی آزادی خود را به دست آوری، از فرصتی که امروز بدست می‌آوری بیش از همیشه استفاده کن"
TEV	"اما اگر از شانس آزادی بهره بردی، استفاده کن"
NJB	"حتی اگر شانس آزادی را داشتی، باید ترجیح دهی که بعنوان یک غلام از وضعیت بدست آمده بهره ببری"

این جمله اول شخص شرطی است، برخی برده‌ها از شانس آزادی برخوردار خواهند شد، بدنبال یک جمله دستوری آئوریستی، "انجام ده"! این عبارت را به دو شکل می‌توان ترجمه کرد:

۱. که یک برده باید در همان مکانی که فرا خوانده شده باقی ماند، ۱ قرن‌تینان ۷:۲۰، ۲۴

۲. که اگر او از شانس آزادی برخوردار شد، او (چه زن و چه مرد) باید از آن فرصت استفاده نماید (NASB, TEV, JB).

این با متنی که درباره آزادی (۱) مجردها برای ازدواج، اول قرن‌تینان ۷:۹ و ۲۸ (NRSV, NJB) و (۲) شریک ایماندار باید طرف بی‌ایمان خود را ترک نماید، اول قرن‌تینان ۷:۱۵. اینجا توصیه شخصی پولس و انتخاب یک ایماندارا در کنار یکدیگر قرار داده شده است. همه ایمانداران در چالش با این "نقاط خاکستری" هستند. هنگامی که عیسی و کلام انجیل مشکلی را به روشنی مورد اشاره قرار نداده‌اند، ایمانداران دارای یک "انعطاف خدادادی" می‌گردند! همه چیز در همه جا صدق نمی‌کند!

موضوع خاص: نصایح پولس به بردگان

(Special Topic: Paul's Admonitions To Slaves)

۱. قانع باشید، ولی اگر فرصت آزادی برایتان پیش آمد، از آن استفاده کنید (اول قرنتیان ۷: ۲۱ الی ۲۴)
۲. در طریق مسیح هیچ برده یا آزادی وجود ندارد (غلاطیان ۳: ۲۸، کولسیان ۳: ۱۱، اول قرنتیان ۱۲: ۱۳)
۳. با ایمان به سرورمان کار کنید، او جبران خواهد کرد (افسیسیان ۶: ۵ الی ۹، کولسیان ۳: ۲۲ الی ۲۵، اول پطرس ۲: ۱۸ الی ۲۰)
۴. در طریق مسیح بردگان برادر می‌شوند (اول تیموتائوس ۶: ۲، فیلمون ۱: ۱۶ الی ۱۷)
۵. بردگان خدا برای خدا افتخار می‌آورند (اول تیموتائوس ۶: ۱، تیتوس ۲: ۹)

نصایح پولس به برده‌داران:

بردگان و مالکان بردگان همگی یک ارباب دارند، بنابراین باید با یکدیگر با احترام رفتار کنند (افسیسیان ۶: ۹، کولسیان ۴: ۱).

بردگی یکی از اقلام فرهنگی (مانند فرهنگ پدرسالاری) است که یکی از ستونهای جهان قرن اول است. عهد جدید هیچ جنبه‌ای را به چالش نمی‌کشد. با این حال، حقیقت انجیل، در زمان خود این جنبه‌های فرهنگی را تغییر می‌دهد.

۲۳-۲۲:۷ در راه مسیح همه ایمانداران آزاد هستند؛ در راه مسیح همه ایمانداران خادم هستند (اول قرنتیان ۸: ۱ - ۱۰: ۳۳؛ رومیان ۱: ۱۴ - ۱: ۱۵). عیسی، بعنوان *gōi el* ما، ما از بندگی گناه و خود، باز خرید. اکنون ما خادم او هستیم (اول قرنتیان ۶: ۲۰؛ ۷: ۲۳؛ رومیان ۶: ۶؛ کولسیان ۲: ۱۶-۲۳).

۲۳:۷ "غلام انسانها مشوید" یونانی زبان پر پیچ و خمی است. برخی اوقات قالب واژه می‌تواند دو معنی داشته باشد. این دستور می‌تواند بشکل زیر باشد:

۱. حال میانی، "بخود اجازه ندهید که غلام انسانها شوید"
۲. حال مجهول، "توسط انسانها به بردگی نروید"

هر دوی این حالات با متن سازگاری دارند. تفرقه افکنان در کلیسای قرنتیان سعی در کنترل همه ایمانداران داشتند. این موضوعیست که امروزه نیز اتفاق می‌افتد. در میان محدودیتها باید آزادی نیز وجود داشته باشد؛ یک آزادی، نه برای نفس و گناه، بلکه نسبت به عیسی (رومیان ۶ و ۱۴): آزادی انتخاب مدل زندگی فردی پیرامون چگونگی خدمت به عیسی به بهترین نحو، و بکمک عطایای خدادادی و شرایط موجود.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۷: ۲۵-۳۱

^{۲۵} و اما در خصوص باکره‌ها، حکمی از خداوند ندارم؛ ولی در مقام کسی که به واسطه رحمت خداوند درخور اعتماد است، نظر خود را بیان می‌کنم. ^{۲۶} من بر این گمانم که به سبب بحران زمان حاضر، برای انسان نیکو باشد در همان وضعی که هست، باقی بماند. ^{۲۷} اگر به زنی بسته‌ای، جدایی مجوی، و اگر از زن آزادی، در پی همسر مباش. ^{۲۸} اما اگر همسر اختیار کنی، گناه نکرده‌ای؛ و اگر باکره‌ای شوهر کند، گناه نکرده است. اما آنان که ازدواج می‌کنند، در این زندگی سختی خواهند کشید و من نمی‌خواهم شما رنج ببرید. ^{۲۹} برادران، مقصود اینکه زمان کوتاه شده است. از این پس، حتی آنان که زن دارند چنان رفتار کنند که گویی زن ندارند؛ ^{۳۰} و آنان که سوگوارند، چنانکه گویی سوگوار نیستند؛ و آنان که شادمانند، چنانکه گویی شاد نیستند؛ و آنان که متاعی می‌خرند، چنانکه گویی مالک آن نیستند؛ ^{۳۱} و آنان که از این دنیا بهره برمی‌گیرند، چنانکه در آن غرقه نباشند. زیرا صورت کنونی این دنیا در حال سپری شدن است.

۲۵:۷ "و اما در خصوص" اینگونه علامتگذاری در متن نشان دهنده این مطلب است که پولس بسمت سوال دیگری حرکت می‌کند که از کلیسای قرنتس دریافت کرده بود (اول قرنتیان ۷: ۱، ۲۵: ۸؛ ۱: ۱۲؛ ۱: ۱۶؛ ۱: ۱۲).

NASB, NKJV,

"باکره‌ها" NRSV, NIV

"مردمان ازدواج نکرده" TEV

"مردمی که باکره باقی مانده‌اند" NJB

سوال اصلی درباره این واژه اینست که نحوه استفاده از آن در اول قرنتیان ۷: ۲۵ چگونه با ارتباط می‌یابد با اول قرنتیان ۷: ۳۶ (به یادداشت اول قرنتیان ۷: ۳۶ مراجعه نمایید). بنظر می‌رسد که محتوای اول قرنتیان ۷: ۲۵-۳۵ به مجردها در برابر مزدوج‌ها بعنوان حالت مطلوبتر اشاره داشته باشد که در نور شرایط کنونی، می‌تواند به یکی از موارد زیر مربوط باشد:

۱. ظهور قطعی مسیح برای بار دوم
۲. آزارهای دولتی
۳. قحطی در سطح وسیع
۴. قابلیت هر شخص برای تمرکز بر خدمت به مسیح

■ **"حکمی از خداوند ندارم؛ ولی ... نظر خود را بیان می‌کنم"** برخی سعی داشتند تا از اظهارات پولس در اول قرن‌تینان ۶:۷ و ۲۵ برای پایین آوردن حدود اختیاراتش بعنوان یک رسول بهره‌برداری کرده و یا وی را از تحت وی بودن، رفع مسئولیت کنند. هیچکدام از این موارد صحت ندارد. وی به شیوه اصطلاح می‌گوید که اطلاع ندارد که آیا عیسی هرگز بطور اخص درباره این مسئله نظری داشته یا خیر. آیات ۲۵ و ۴۰ نشان می‌دهند که پولس احساس می‌کرد که به او بعنوان رسول و کسی که فرا خوانده شده، این اختیار را دارد تا به مسائلی که در زندگی کلیسای غیر یهودی بوجود آمده بود، بپردازد.

■ **"در مقام کسی که به واسطه رحمت خداوند در خور اعتماد است"** این وجه وصفی مجهول کامل است. این جمله نشان دهنده راهی است که پولس بر حدود اختیارات خود بعنوان رسول و حرکت او در زیر نوری که توسط روح هدایت می‌گردید.

۲۶:۷

NASB, NKJV,

TEV "پیشانی کنونی"

NRSV "بحران قریب‌الوقوع"

NJB "بدلیل پیشانی که بر گرده‌ی ما سنگینی می‌کند"

این آیه به شیوه‌های گوناگونی ترجمه شده است، اما بسیار مهم است که بدانیم اکثریت گفته‌های فصل ۷ دارای قواعد جهانی نبوده، بلکه عکس‌العمل پولس به وضعیت موقت آن دوران بوده است. برخی از مفسران این عبارات را در اشاره به موارد زیر دانسته‌اند:

۱. بحران در فرهنگ کافران
۲. معضل محلی خاصی در قرن‌تس
۳. قحطی در سرتاسر منطقه مدیترانه
۴. نزدیکی ظهور دوم مسیح (۱ قرن‌تینان ۲۹:۷)

■ **"برای انسان نیکو باشد در همان وضعی که هست، باقی بماند"** این بازی با لغت "خوب" است (اول قرن‌تینان ۱:۷، ۱۸، ۲۶)، که در اصل بمعنی "بصرفه" می‌باشد. تکرار موضوع "در همان وضع بمانید، درست مثل زمانی که نجات یافتید" (اول قرن‌تینان ۸:۷، ۱۲-۱۳، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۷، ۴۰) الهیات استاندارد پولس در این نامه می‌باشد.

۲۷:۷ **"به زنی بسته‌ای"** (آیه انگلیسی: **"پایبند همسری هستی"**) این جمله مجهول کامل خبری از واژه *dēo* بوده، که بمعنی گره زدن یا پایبند و مقید بودن است. در اینجا بصورت استعاره برای ازدواج بکار برده شده است (اول قرن‌تینان ۲۷:۷، ۳۹؛ رومیان ۲:۷). بموازات با این عبارت در همین آیه، که آن هم مجهول کامل خبری است، "آیا از همسرت راضی هستی؟" می‌باشد که پولس به این شیوه می‌خواهد بگوید که شنوندگانش به همان صورت باقی بمانند.

■ **"جدایی مجوی ... در پی همسر مباش"** هر دوی این عبارات حال معلوم دستوری با بار منفی می‌باشد، که معمولاً بمعنی توقف عمل در حال انجام می‌باشد. اینجا دوباره ممکن است تصور شود که آیا در قرن‌تس، دسته‌های مختلف از الگوهای متفاوت خانوادگی حمایت می‌کردند (تجرد، ازدواج، بی‌قیدی در امور جنسی) یا اینکه نیت پولس به حداکثر رساندن خدمت به مسیح بوده است. بنظر می‌رسد که پولس این موضوع را به شیوه‌های زیر تصریح می‌کند:

۱. همه باید همانگونه که هستند باقی مانند
۲. اگر مجرد هستند، بر روی خدمت به مسیح تمرکز کنند
۳. اگر اشتیاقی برای ازدواج وجود دارد، مشکلی نیست، اما از ازدواج در جهت خدمت به مسیح استفاده گردد!

ایمانداران برای خدمت کردن، مجرد بمانند، برای خدمت کردن ازدواج کنند، زیر رنج و محنت بمانند و خدمت کنند، در آزادی زندگی کنند و خدمت کنند، در زیر محکومیت‌های الهیاتی هم خدمت کنند! ایمانداران نجات یافته‌اند تا خدمت کنند!

۲۸:۷ "اگر...اگر" اینها جملات شرطی نوع سوم هستند که بمعنی احتمال روی دادن عملی هستند.

■ "گناه نکرده‌ای" در اینجا پولس اظهاراتی برای جهانیان عنوان نکرده، بلکه وضعیت منحصر بفردی را مورد خطاب قرار می‌دهد. ازدواج یک هنجار خدادادی است (پیدایش ۱:۲۸).

■ "در این زندگی سختی خواهند کشید و من نمی‌خواهم شما رنج ببرید" این بیانات مربوط به ازدواج در قالب کلی نمی‌گردد، بلکه مرتبط با بحران همان موقع بوده است (۱ قرنیتیان ۷:۲۶). آیات ۳۲-۳۴ اما بعنوان یک قاعده کلی برای ازدواج بیان شده‌اند.

■ "سختی" به موضوع خاص: محنت در دوم قرنیتیان ۴:۱ مراجعه نمایید.

■ "در این زندگی" اینجا دقیقاً منظور زندگی بر روی زمین با گوشت و استخوان است. به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۱:۲۶ مراجعه نمایید.

۲۹:۷ "زمان کوتاه شده است" این جمله مجهول کامل و دارای الفاظ زائد است. ترجمه‌های گوناگونی از این جمله وجود دارد؛ بلحاظ متنی بنظر می‌رسد که با اول قرنیتیان ۷:۲۶ مرتبط باشد ("بحرانهای کنونی"). کالوین معتقد بود که این جمله اشاره به کوتاهی زندگی بشر دارد؛ برخی دیگر معتقدند که منظور کوتاهی فرصت ما در خدمت بعنوان مسیحی دارد. من معتقدم این جمله اشاره به بازگشت دوم مسیح دارد (اول قرنیتیان ۷:۳۱؛ رومیان ۱۱:۱۳-۱۲).

آیا پولس انتظار ظهور قریب‌الوقوع عیسی دارد یا بازگشتی با تأخیر؟ متونی درباره هر دو مورد وجود دارد. من فکر نمی‌کنم که الهیات پولس دچار تغییر شده باشد (یا رشد کرده باشد). او در یکی از نامه‌های خود بازگشت دوم را درس می‌دهد (۲ تسالونیکیان ۲). پولس (همچون سایر نویسندگان عهد جدید) از امید در قطعیت بازگشت عیسی بعنوان یک انسان خدایی و در حال خدمت صحبت کرده است. بازگشت مسیح انتظاریست که هر نسل از ایمانداران دارند، اما واقعیت نصیب یک نسل خواهد شد! به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۶:۱۴ مراجعه نمایید.

برای مطالعه بیشتر درباره بحث زیر و زیر کننده روز آخرت و توضیحات پولس در اول قرنیتیان ۷:۲۶، ۲۸، ۲۹ مراجعه و همینطور به کتاب *Hard Sayings of the Bible* صفحات ۵۹۳-۵۹۵ رجوع نمایید.

۲۹:۷ - ۳۰ "آنانکه" این عبارات موازی به تشریح زندگی عادی بشر می‌پردازند. ایمانداران باید مطابق با هدایای روحانی که از سوی خداوند دریافت کرده‌اند، تمرکز خود را بر روی وظیفه بشارتی خود معطوف دارند (۱ قرنیتیان ۷:۳۲، ۳۵).

ایمانداران شهروندان دو دنیا هستند، روحانی و فیزیکی یا بعبارتی کلیسا و دنیای بیرون از کلیسا. دنیای فیزیکی شیطنانی نیست، اما فانی و زودگذر است. ایمانداران باید با ذهنیت خدمت و کلام خدا زندگی کنند. ما از دنیا و منابع آن در جهت خدمت به پادشاهی خدا استفاده می‌کنیم. در غیر اینصورت، همه آن چیزهای فیزیکی و دنیوی از ما استفاده خواهند کرد!

اجازه ندهید که ازدواج شما را از الویتهای روحانی دور نماید! با حکمت الهی در هر دو دنیا زندگی کنید.

۳۰:۷ "گوی مالک آن نیستند" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: ثروت

(Special Topic: Wealth)

I. چشم انداز عهد عتیق در عنوان کل

A. خدا مالک همه چیز است

۱. پیدایش ۱ الی ۲

۲. اول تواریخ ۱۱:۲۹

۳. مزمور ۱:۲۴، ۱۲:۵۰، ۱۱:۸۹

۴. اشعیا ۲:۶۶

B. انسانها ناظرین ثروت برای اهداف خدا هستند

۱. تثنیه ۱۱:۸ الی ۲۰

۲. لایوان ۹:۱۹ الی ۱۸

۳. یعقوب ۱۶:۳۱ الی ۳۳

۴. اشعیا ۵۸:۶ الی ۱۰

C. ثروت بخشی از عبادت است

۱. دو عشر

a. اعداد ۱۸:۲۱ الی ۲۹، تثنیه ۱۲:۶ الی ۷، ۲۲:۱۴ الی ۲۷

b. تثنیه ۱۰:۳، ۲۰:۸ الی ۲۱، ۲۲:۱۰، ۱۵:۶

۲. امثال ۹:۳

D. ثروت به عنوان هدیه ای از جانب خدا برای وفاداران به پیمان

۱. تثنیه ۲۷ الی ۲۸

۲. امثال ۱۰:۳، ۲۰:۸ الی ۲۱، ۲۲:۱۰، ۱۵:۶

E. هشدار در برابر ثروت به قیمت دیگران

۱. امثال ۶:۲۱

۲. ارمیا ۵:۲۶ الی ۲۹

۳. یوشع ۱۲:۶ الی ۸

۴. میکاه ۹:۶ الی ۱۲

F. ثروت به خودی خود گناه نیست مگر اینکه اولویت داشته باشد

۱. مزمو ۷:۵۲، ۱۰:۶۲، ۳:۷۳ الی ۹

۲. امثال ۱۱:۲۸، ۴:۲۳ الی ۵، ۲۴:۲۷، ۲۰:۲۸ الی ۲۲

۳. یعقوب ۲۱:۲۴ الی ۲۸

II. چشم انداز منحصر به فرد امثال

A. ثروت حاصل تلاش فردی است

۱. سستی و تبلی محکوم است، امثال ۶:۶ الی ۱۱، ۴:۱۰ الی ۵ و ۲۶، ۲۴:۱۲ و ۲۷، ۴:۱۳، ۱۹:۱۵، ۱۹:۱۸، ۱۵:۱۹ و ۲۴.

۲. سخت کار کردن تشویق شده است - امثال ۱۱:۱۱، ۱۴ و ۱۳:۱۱

B. از فقر در برابر ثروت برای به تصویر کشیدن ضعف در برابر پارسایی استفاده شده است - امثال ۱۰:۱، ۱۱:۲۷ الی ۲۸، ۷:۱۳، ۱۶:۱۵

الی ۱۷، ۶:۲۸ و ۱۹ الی ۲۰

C. خرد (شناختن خدا و کلامش و زندگی با این آگاهی) بهتر از ثروت است - امثال ۱۳:۱۳ الی ۱۵، ۹:۸ الی ۱۱ و ۱۸ الی ۲۱، ۱۸:۱۳

D. هشدارها و نصایح

۱. هشدارها

a. موقع تضمین وام همسایه مراقب باشید - امثال ۱:۶ الی ۵، ۱۵:۱۱، ۱۷:۱۸، ۱۶:۲۰، ۲۶:۲۲ الی ۲۷، ۱۳:۲۷

b. مراقب باشید که از راه های شیطانی ثروتمند نشوید - امثال ۱۹:۱، ۲:۱۰، ۱۵ و ۱۱:۱۱، ۱۳:۱۱، ۱۱:۱۶، ۱۰:۲۰ و ۲۳.

۶:۲۱، ۱۶:۲۲ و ۸:۲۸

c. موقع قرض گرفتن مراقب باشید، امثال ۷:۲۲

d. حواستان باشد که ثروت کوتاه مدت است، امثال ۴:۲۳ الی ۵

e. ثروت در روز داوری کمک نخواهد کرد - امثال ۴:۱۱

f. ثروت "دوستان" زیادی دارد - امثال ۲۰:۱۴، ۴:۱۹

۲. نصایح

a. سخاوتمندی تشویق می شود - امثال ۱۱:۲۴ الی ۲۶، ۳۱:۱۴، ۵:۱۷، ۱۷:۱۹، ۹:۲۲ و ۲۲ الی ۲۳، ۱۰:۲۳ الی ۱۱،

۲۷:۲۸

b. پارسایی بهتر از ثروت است - امثال ۸:۱۶، ۶:۲۸ و ۸ و ۲۰ الی ۲۲

c. دعا برای نیاز است نه فراوانی - امثال ۷:۳۰ الی ۹

d. به فقیر کمک کردن همانند کمک کردن به خدا است - امثال ۳۱:۱۴

A. عیسی

۱. ثروت یک وسوسه منحصر به فرد برای اعتماد به خود و منابع خود به جای خدا و منابع او است
 - a. انجیل متی ۶:۲۴، ۱۳:۲۲، ۱۹:۲۳
 - b. انجیل مرقس ۱۰:۲۳ الی ۳۱
 - c. انجیل لوقا ۱۲:۱۵ الی ۲۱ و ۳۳ الی ۳۴
 - d. مکاشفه ۱۷:۳ الی ۱۹
۲. خدا نیازهای فیزیکی ما را تامین می کند
 - a. انجیل متی ۶:۱۹ الی ۳۴
 - b. انجیل لوقا ۱۲:۲۹ الی ۳۲
۳. هر آنچه بکاری، حاصل همان را برداشت می کنی
 - a. انجیل مرقس ۴:۲۴
 - b. انجیل لوقا ۶:۳۶ الی ۳۸
 - c. انجیل متی ۶:۱۴، ۱۸:۳۵
۴. توبه بر ثروت تاثیر می گذارد
 - a. انجیل لوقا ۱۹:۲ الی ۱۰
 - b. لاویان ۵:۱۶
۵. سو استفاده اقتصادی محکوم است
 - a. انجیل متی ۲۳:۲۵
 - b. انجیل مرقس ۱۲:۳۸ الی ۴۰
۶. داوری پایان زمان با استفاده ما از ثروت رابطه دارد - انجیل متی ۲۵:۳۱ الی ۴۶

B. پولس

۱. نگاه عملی همانند امثال
 - a. افسسیان ۴:۲۸
 - b. اول تسالونیکیان ۴:۱۱ الی ۱۲
 - c. دوم تسالونیکیان ۳:۸ و ۱۱ الی ۱۲
 - d. اول تیموتائوس ۵:۸
۲. نگاه معنوی همانند عیسی (همه چیز کوتاه مدت است)
 - a. اول تیموتائوس ۶:۶ الی ۱۰ (قناعت)
 - b. فیلیپیان، ۴:۱۱ الی ۱۲ (قناعت)
 - c. عبرانیان ۱۳:۵ (قناعت)
 - d. اول تیموتائوس ۶:۱۷ الی ۱۹ (سخاوتمندی و اعتماد به خدا، نه ثروت)
 - e. اول قرنتیان ۷:۳۰ الی ۳۱

IV. جمع بندی

- A. هیچ الهیات انجیلی سیستماتیکی در مورد ثروت وجود ندارد
- B. هیچ عبارت قطعی و مشخصی در این مورد وجود ندارد، بنابراین بینشها باید بسوی عبارتهای متفاوت باشند. مراقب باشید که در میان متون بدنبال عقیده خود نباشید.
- C. امثال، که توسط افراد خردمند نوشته شده، نگرش متفاوتی از سایر انواع ژانرهای انجیلی دارد. امثال عملی بوده و بر افراد تمرکز دارد. برقرار کننده توازن است و باید میان بقیه کتاب مقدس توازن برقرار کند (مراجعه شود به ارمیا ۱۸:۱۸)

D. روزگار ما باید نگرش خود و تجربیاتش در رابطه با ثروت را در نور انجیل تحلیل کند. اگر فقط سرمایه داری یا کمونیسیم تنها راهنمای ما باشند، اولویتهای جابجا می شوند. چرا و چگونه یک نفر موفق می شود سوالات مهمتری هستند تا اینکه چقدر اندوخته است.

E. انباشتن ثروت باید در توازن با عبادت و خدمتگزاری مسئولانه باشد (مراجعه شود به دوم قرن تیان ۸ الی ۹).

۳۱:۷ "زیرا صورت کنونی این دنیا در حال سپری شدن است" انبیای عهد عتیق (بویژه اشعیا ۵۶-۶۶) بهشت و زمین جدیدی را رونمایی کردند. دوران جدید همچون قدیم خواهد بود، اما پاک شده، اصلاح شده (۲ پطرس ۳: ۱۰-۱۳). بهشت، باغ عدن خداوند خواهد گردید، ترتیب همنشینی و مجالست بشر و حیوانات دوباره احیا خواهد شد؛ کتاب پیدایش ۱-۲ موازی می شود با مکاشفه ۲۱-۲۲.

هر نسلی از ایمانداران در حالیکه در طریق مسیح و سعی در داشتن زندگی شبیه به او به بلوغ رسیده اند (*schēma*) عبور از این دنیا را تجربه کرده اند. هر چقدر که ما عیسی را روشنتر و واضحتر ببینیم، چیزهای این زندگی برایمان کندتر و کندتر می شوند. ما از هر آنچه که در این دنیا وجود دارد برای مقاصد بشارتی استفاده می کنیم و نه مقاصد شخصی.

متن NASB (بروز شده): اول قرن تیان ۳۲:۷-۳۵

۳۲ خواست من این است که از هر نگرانی به دور باشید. مرد مجرد نگران امور خداوند است، نگران اینکه چگونه خداوند را خشنود سازد؛
 ۳۳ در حالی که مرد متأهل نگران امور این دنیا است، نگران اینکه چگونه همسرش را خشنود سازد،^{۳۴} و توجه او به امری واحد معطوف نیست. به همین سان، زن مجرد و یا باکره، نگران امور خداوند است، نگران اینکه چگونه در جسم و در روح، مقدس باشد؛ در حالی که زن متأهل نگران امور این دنیا است، نگران اینکه چگونه شوهرش را خشنود سازد.^{۳۵} من اینها را برای منفعت شما می گویم، نه تا در قید و بندتان بگذارم. مقصودم این است که به شایستگی زندگی کنید و هیچ دغدغهای شما را از سرسپردگی به خداوند باز ندارد.

۳۲:۷ - ۳۴ این آیات تعهدات مشترک زن و شوهر را نسبت به هم در قالب "یک بدن" تعریف می کند (افسیان ۵: ۲۴-۳۱). این اعمال از شیر نشأت نگرفته اند، بلکه برای تعریف رابطه میان مسیح و کلیسای او بکار می روند. روشن است که انسانهای مجرد از زمان و انرژی بیشتری برای خدمت و بشارت برخوردارند.

آنچه که پولس در طول این متن مد نظر داشته، قابلیت فعال بودن ایمانداران بدون دغدغه خاطر است. پولس از واژه *merimnaō* چهار بار در این دو آیه استفاده کرده است. این واژه می تواند در اشاره به رفتار سبک سرانه (متی ۱۰: ۱۹؛ لوقا ۲۰: ۲۵) و یا دغدغه های اصلی بوده باشد (۲ قرن تیان ۱۱: ۲۸؛ ۱ پطرس ۵: ۷). در این متن اشاره به مسائل طبیعی در زندگی زناشویی داشته که می تواند صرف زمان و انرژی در جهت خدمت برای خداوند حصول یابند. همینطور می تواند در ارتباط با فشارهای جدی که به خاطر برخورداری از ایمان در یک جامعه کافر بر فرد اعمال می گردد، باشد (۱ قرن تیان ۷: ۲۶).

پولس می خواهد که ایمانداران (۱) برای مسیح فعالیت داشته باشند و (۲) در صلح و خرسندی زندگی نمایند. هر دوی این موارد معتبر هستند، اما نیل به این اهداف دشوار است.

۳۴:۷ "زن مجرد و یا باکره" پولس اشاره به دو دسته مختلف از زنان ازدواج نکرده مسیحی می کند:

۱. یکی مسن تر، یکی جوان تر
۲. اولی قبلاً ازدواج کرده (بیوه ها) و دومی هرگز ازدواج نکرده است
۳. دومی احتمالاً اشاره به گروه خاصی از زنان مجرد یا شرکای بشارتی دارد (۱ قرن تیان ۷: ۳۶-۳۸)

اینکه چگونه در جسم و در روح، مقدس باشد" این بمفهوم شیطانی بودن روابط جنسی بشر توهین به آن نیست. آموزه های پولس بوسیله آنان که تحت تأثیر فرهنگ یونان بودند، اینگونه ترجمه و تفسیر می گردید (رواقیون، پیروان عرفان و غیره). نکته او اینست که هر فردی که بر روی عیسی تمرکز کرده، از آنجاییکه که ازدواج کرده اند و باید به مشکلات خانوادگی و مسئولیتهایی که بر عهده آنان است نیز بپردازند، می تواند زمان مفید، انرژی و منابع انسانی را در جهت اهداف روحانی نیز صرف نماید. بموضوع خاص: مقدس در اول قرن تیان ۳: ۱۷ رجوع نمایید.

موضوع خاص: بدن و روح
 Special Topic: Body and Spirit

بدن و روح دو انشعاب علم هستی‌شناسی در بشر نیستند، بلکه یک رابطه دو طرفه در این دنیا و برای خدا هستند. در کتاب پیدایش کلمه عبری *nephesh* (BDB 659)، به یادداشت کتاب پیدایش ۳:۱۸ در وبسایت مراجعه نمایید) هم برای بشر بکار رفته (پیدایش ۷:۲) و هم برای حیوانات (پیدایش ۱:۲۰، ۲۴، ۳۰؛ ۱۹:۱۲، ۱۵، ۱۶)، درحالیکه "روح" (*ruah*) فقط برای بشر بکار رفته است. این عبارات بمنزله این نیستند که بشر دارای ذات دو گانه (*dichotomous*)، ۱ قرنتیان ۷:۳۴؛ عبرانیان ۴:۱۲) یا سه جانبه (*trichotomous*) است (۱ تسالونیکیان ۵:۲۳). انسان در وحله اول در کتاب مقدس بصورت واحد معرفی گردیده (پیدایش ۲:۷؛ ۲ قرنتیان ۷:۱). برای مطالعه مختصری از نظریه‌ها درباره بشر بعنوان موجود تقسیم شده به دو بخش یا سه بخش، یا واحد، به کتاب *Christian Theology* نوشته Millard J. Erickson صفحات ۵۲۸-۵۵۷ و کتاب *Polarities of Man's Existence in Biblical Perspective* نوشته Frank Stag مراجعه نمایید.

۳۵:۷ "در قید و بندتان بگذارم" این واژه برای افسار حیوانات بکار برده می‌شد.

"بلکه آنچه را که مقتضی است ترویج کرده و تمرکز بر روی وقف خود به خداوند را استحکام بخشید"	NASB
"اما برای آنچه که مقتضی است، تا بتوانید خدا را بدون وقفه خدمت نمایید"	NKJV
"بلکه برای ترویج نیکی و وقف بدون قید و شرط به خداوند"	NRSV
"در عوض، می‌خواهم شما آنچه را که مقتضی است انجام دهید، خود را کاملاً و بدون هرگونه پیش شرطی در خدمت خداوند قرار دهید"	TEV
"تا آنکه همه چیز آنگونه که باید، باشد، و شما قادر باشید که توجه کامل خود را معطوف خداوند نمایید"	NJB

عبارت یونانی خیلی مختصر بوده و دارای دو کلمه کلیدی می‌باشد:

۱. *Euschēma*، که ترکیبی است از "نیک" و "قالب". این کلمه می‌گوید که چه چیزی مقتضی، دلپذیر و مناسب است (۱ قرنتیان ۱۲:۲۳-۲۴؛ ۴۰:۱۴؛ رومیان ۱۳:۱۳) مشابه معنی *kalos* در ۱ قرنتیان ۷:۱، ۸، ۲۶.
۲. *Aperispastōs*، یک کلمه سلبی آلفا با واژه‌ای برای برگشتن و متعاقباً از دست دادن تمرکز.

پولس می‌خواهد که همه ایمانداران بر روی مشکلاتی که در راه پادشاهی خدا و در بشارت مسیح در پیش رو دارند، تمرکز نمایند! مسلماً من با این موضوع موافقم. "مشکل" من در این متن ایسنت که ظاهراً با تنزل دادن جایگاه ازدواج بعنوان مدل مساوی با تجرد برای امر خدمت استفاده می‌کند. خداوند ازدواج را پایه‌گذاری کرد. ازدواج یک هنجار است. من بواسطه ازدواج یک انسان و مبشر قویتری هستم. این فصل توسط متشرعین و تارکان دنیا مورد بهره‌برداری و سو استفاده‌های زیادی قرار گرفته است. هدف تمرکز بر امر بشارت است، نه اینکه دگم‌اندیشانه حکم کنیم که ازدواج بهتر است یا مجرد ماندن. پولس با هدایت مقاصد خود را دنبال می‌کرد، اما این جملات نمی‌توانند تبدیل به یک قاعده کلی و جهانی شده که سایر متون وحی شده را نفی نمایند.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۷:۳۶-۳۸

۳۶ اگر مردی بر این اندیشه است که نسبت به نامزد باکره‌اش به ناشایستگی عمل می‌کند، و اگر سن ازدواج دختر رسیده و آن مرد چنین می‌اندیشد که باید ازدواج کند، آنچه در نظر دارد انجام دهد؛ با این کار گناه نمی‌کند. پس بگذارید ازدواج کنند. ۳۷ اما اگر مردی در تصمیم خود راسخ است و در فشار نیست، بلکه بر اراده خود مختار است و عزم جزم کرده که با نامزد باکره خود ازدواج نکند، آن مرد نیز عملی نیکو انجام می‌دهد. ۳۸ پس آن که با نامزد خود ازدواج می‌کند، عملی نیکو انجام می‌دهد؛ اما آن که ازدواج نمی‌کند، عملی حتی بهتر انجام می‌دهد.

۳۶:۷ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که با توجه به دیدگاه نویسنده یا مقاصد ادبی او بنظر درست می‌رسد.

"هر مردی...نسبت به دختر باکره‌اش"	NASB
"هر مردی...نسبت به باکره‌اش"	NKJV
"هر مردی...نسبت به نامزدش"	NRSV
"در صورتیکه یک زوج نامزد که تصمیم به ازدواج دارد، اگر مرد... در مقابل زن جوان"	TEV
"هرکسی با شوق زیاد...در برابر نامزدش"	NJB

نسبت به خطوط بالا، سه تفسیر وجود دارد.

۱. که این عبارات اشاره به پدر مسیحی و دختر ازدواج نکرده‌اش دارد (ترجمه‌های NASB و JB)

۲. که این عبارات اشاره به مرد مسیحی و نامزدش دارد (ترجمه‌های NRSV, TEV, NJB)

۳. که این عبارات اشاره به نوعی ازدواج روحانی داشته می‌تواند بصورت "دو نفری که در تجرد هستند" تعبیر گردد (ترجمه NEB).

واژه بکار برده شده بمعنی "باکره" است.

گزینه شماره ۱ با استفاده از عبارت "او که می‌دهد" (۱ قرن‌تین ۷:۳۸) در اشاره به پدری که دخترش را شوهر می‌دهد، بکار برده شده است. گزینه شماره ۲ از ۱ قرن‌تین ۷:۳۶ برداشته شده، "اگر او جوانی‌اش را پشت سر گذاشته". این گزینه ظاهراً با توجه به همه شواهد، اعم از متنی و تاریخی، بهترین گزینه بنظر می‌رسد. گزینه شماره ۳ یک موقعیت تاریخی خاص را متصور است. ممکن است برخی واعظانی که در قرن اول سفر می‌کردند مسیحیان باکره را بعنوان نیروهای کمکی در امر بشارت انتخاب کرده و با آنان زندگی کرده باشند، اما همچنان بعنوان نشان دادن کنترل هوای نفس خویش، مجرد باقی مانده باشند.

□ "اگر" این یک جمله شرطی نوع سوم است که از احتمال وقوع عملی سخن می‌گوید.

NASB	"او جوانی خود پشت سر گذاشته"
NKJV	"او گل جوانی خود را پشت سر گذاشته"
NRSV	"شوق قوی در سر دارد"
TEV	"شوق او بس قوی است"
NJB	"که هر چیزی باید در جای خود انجام گردد"

این عبارات می‌تواند در اشاره به (۱) وقت طبیعی ازدواج (NASB, NKJV و NJB) داشته باشد و یا (۲) از آنجایی که شکل نوشتاری جمله مذکر بنظر می‌رسد و نه مؤنث، می‌تواند اشاره به مردی که دستخوش احساسات می‌گردد، داشته باشد (NRSV, TEV). در رابطه با عبارت "جوانی را پشت سر گذاشته" (*hyperakmos*) به موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات هوپر در اول قرن‌تین ۲:۱ مراجعه نمایید.

□ "آنچه در نظر دارد انجام دهد" معنی این عبارت دقیقاً "پس باید هر آنچه که مایل است را انجام دهد" می‌باشد. این عبارت یا اشاره به زن دارد یا به مرد. ضمیر بکار برده شده در این متن بشدت گنگ و مبهم بوده و مطمئناً ترجمه را با دشواری روبرو می‌سازند.

NASB	"بگذارید ازدواج کند"
NKJV, NRSV	"بگذارید ازدواج کنند"
TEV	"آنها باید ازدواج کنند"
NJB	"آنها باید ازدواج کنند"

این جمله دستوری سوم شخص جمع بوده و دقیقاً بمعنی "بگذارید ازدواج کنند" می‌باشد. این عبارات اشاره به (۱) یک مرد و نامزدش یا (۲) "دو نفر که در تجرد بسر می‌برند" دارد.

۳۷:۷ "راسخ است" به موضوع خاص: ایستادگی در اول قرن‌تین ۱۵:۱ مراجعه شود.

۳۸:۷ "با نامزد باکره خود ازدواج نکنند، آن مرد نیز عملی نیکو انجام می‌دهد" این عبارات در نکوهش ازدواج نیست، بلکه تذکر عملی در نور یکی از عوامل زیر باشد:

۱. بحران کنونی در قرن‌تس
۲. ظهور قریب‌الوقوع دوم
۳. تمایلات جنسی طبیعی بشر که در میان مسیحیان رواج دارد

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۷:۳۹-۴۰

۳۹ "زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است. اما اگر شوهرش درگذشت، آزاد است تا با هر که می‌خواهد ازدواج کند، البته فقط در خداوند." ولی به نظر من اگر ازدواج نکنند، سعادت‌مندتر خواهد بود؛ و فکر می‌کنم که من نیز روح خدا را دارم!

۳۹:۷ "زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است" این جمله مجهول کامل اخباری است (۱ قرن‌تین ۷:۲۷). آیه ۳۹ نشان می‌دهد که ازدواج مجدد پس از مرگ شوهر، امر شریرانه‌ای نیست (۱ تیموتائوس ۵:۱۴). همچنین نشان می‌دهد که پولس چگونه سعی بر آن ندارد که قوانین سفت و سخت جهانی وضع کند.

■ **«فقط در (راه) خداوند»** دو ترجمه برای این عبارت متصور است: ۱) یک مسیحی باید با یک مسیحی ازدواج نماید (۲قرننتیان ۶:۱۴) یا ۲) زن نباید در هنگام ازدواج مجدد همچون یک مسیحی عمل نماید. اغلب ۲قرننتیان ۶:۱۴ بعنوان یک مدرک گزینشی در وحله اول بکار می‌رود، اما در متن، این موضوع را بطور اخص مورد اشاره قرار نمی‌دهد. با اینحال، بر طبق اصول، امکان پذیر می‌باشد.

۴۰:۷ **«به نظر من اگر ازدواج نکنند، سعادت‌مندتر خواهد بود؛ و فکر می‌کنم که من نیز روح خدا را دارم»** در اینجا دوباره پولس بر تحت وحی بودن اظهاراتش تأکید می‌کند (۱قرننتیان ۷:۱۲، ۲۵).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. چگونه می‌توان واقعیات فصل ۷ را به دوران امروزی خودمان اعمال نماییم؟
۲. چه میزان از فصل ۷ فرهنگی است و چه میزان جهانی؟
۳. آیا مجرد برای پولس بلحاظ روحانی از درجه ارجح‌تری نسبت به ازدواج برخوردار بوده است؟
۴. آیا کتاب مقدس اجازه طلاق داده است؟ اگر چنین است، آیا اجازه ازدواج مجدد نیز داده است؟ (۱قرننتیان ۷:۲۸، ۳۹)
۵. «بحران کنونی» که پولس در اول قرننتیان ۷:۲۶ بدان اشاره کرده، چه بود؟
۶. آیا واژه «باکره» در اول قرننتیان ۷:۲۵ و ۳۶ بشکل متفاوتی بکار برده شده است؟

اول قرن‌تیاں ۸

بخش‌های پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
خوراک اهدایی به بت‌ها	نسبت به وجدان حساسیت بخرج دهید	آیا یک مسیحی از خوارکی به یک بت هدیه داده شده می‌خورد؟	سوال درباره خوراک داده شده به بت‌ها	خوراک اهدایی به خدایان دروغین
				(۱:۸ - ۱:۱۱)
				قواعد کلی
۶-۱:۸	۱۳-۱:۸	۳-۱:۸	۱:۸	۶-۱:۸
			۳-۲:۸	
		۶-۴:۸	۶-۴:۸	مدعیان دانش
۱۳-۷:۸		۱۳-۷:۸	۸-۷:۸	۱۳-۷:۸
			۱۳-۹:۸	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به آیات ۱:۸-۱۳

- A. همانگونه که ذیل ترجمه NJB دیده می‌شود، متنی ادبی از ۱:۸ تا ۱:۱۱ در جریان است.
- B. سوال پیرامون خوردن گوشت اهدایی به بت‌ها برای مردمان امروزی عجیب بنظر می‌رسد. اما در محتوای آنچه که در روزگار پولس و در میان مردم قرن‌تس روی می‌داد، مسئله بسیار بغرنجی محسوب می‌گردید. بیشتر گردهمایی‌های اجتماعی در روزگار پولس دارای تواردهای دینی بودند. همچنین گوشتی که در بازارهای قرن‌تس به فروش می‌رسید، اکثراً و نه همه آنها، از سوی معابد کافران و بت‌پرستان تأمین می‌گردید.
- C. فصل ۸ بلحاظ الهیاتی در موازات با رومیان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵ ارزیابی می‌گردد. به موضوع خاص در دیدگاه‌های متنی از رومیان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵ در اول قرن‌تیاں ۱۲:۶ مراجعه نمایید، که برداشتی از تفسیر من از رومیان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵ می‌باشد. هر دوی این متون به مبحث پیچیده و دشوار چگونگی برقراری توازن آزادی مسیحیان در راه مسیح و مسئولیت آنها در قبال عشقشان به دیگران می‌پردازند.
- Gordon Fee در کتاب *To What End Exegesis?* صفحات ۱۰۵-۱۲۸ تصور می‌کند که این متن نه فقط به خوردن خوراک قربانی داده شده به یک بت، بلکه در حقیقت حضور در معبد و مشارکت در مراسم اهدای قربانی نیز اشاره می‌کند (که اغلب فعالیت‌های جنسی نیز بخشی از برنامه بوده است، ۱ قرن‌تیاں ۶:۱۰-۲۲).
- D. این فصل همچنین تأکید می‌کند که دانش، حتی دانش آشکار مکاشفه‌آمیز، در هنگامی که با عشق برای دیگران متوازن نباشد، فقط بخشی از آن درست می‌باشد (۱ قرن‌تیاں ۱:۱۳-۱۳).
- E. من فکر می‌کنم D. G. Dunn در کتاب خود بنام *Unity and Diversity in the New Testament* صفحه ۳۱۹ نظر جالبی دارد. او بطور خلاصه می‌گوید:

"پولس هیچوقت آزادی را برای مسیحیان یهودی مشروع نمی دانست (غلاطیان ۵: ۱؛ فیلیپیان ۳: ۲)؛ اما از مسیحیان غیر یهودی هم که در مقابل تبدیل آزادی به روشنفکری ممانعت می کردند، حمایت نمی کرد (رومیان ۱۶: ۱۷؛ ۱ قرتیان ۵: ۶؛ ۸-۱۰؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۶، ۱۴)؛".
برای پولس، "کلام انجیل برای همگان است" یک قاعده هدایت کننده بود! او در اول قرتیان ۹: ۱۹-۲۳ این موضوع را بخوبی بیان کرده است!

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرتیان ۸: ۱-۳

^۱ و اما در خصوص خوراک تقدیمی به بتها: می دانیم که «همه ما اشخاص دانایی هستیم.» اما دانش مایه تکبر است، حال آنکه محبت، بنا می کند. آن که گمان می کند چیزی می داند، هنوز چنانکه باید نمی داند. اما آن که خدا را دوست می دارد، نزد او شناخته شده است.

۱: ۸ "و اما در خصوص خوراک تقدیمی به بتها" این سوال دیگریست (اول قرتیان ۷: ۱، ۲۵؛ ۸: ۱؛ ۱۲: ۱؛ ۱۶: ۱، ۱۲) که توسط کلیسای قرتیان طی نامه‌ای از پولس پرسیده شده بود. این سوال توسط استفاناس، فورتوناتوس و آخائیکوس بدست پولس رسانده شده بود (اول قرتیان ۱۶: ۱۷).

NASB	"چیزهای تقدیمی به بتها"
NKJV	"چیزهای تقدیم شده به بتها"
NRSV	"خوراک قربانی به بتها"
TEV	"خوراک تقدیمی به بتها"
NJB	"خوراکی که به خدایان دروغین تخصیص داده شده است"

Eidōlon یک واژه مرکب بمعنی شکل، حالت، تصویر یا وضعیت؛ و *thuō* بمعنی کشتن یا تقدیم حیوانی بمنظور قربانی شدن می باشد. در اعمال رسولان ۲۱: ۲۵، از همین واژه برای منع خوردن گوشت تقدیم شده به یک بت در نامه‌ای که از شورای اورشلیم به کلیسای غیریهودیان ارسال شده بود، استفاده گردید.

■ "می دانیم که همه ما اشخاص دانایی هستیم" این عبارات احتمالاً یکی از موارد زیر است:

۱. نقل قولی از نامه‌ای که کلیسای قرتیان به پولس ارسال کرده بود
۲. شعاری از یکی از گروه‌های تفرقه افکن
۳. نقل قولی از یکی از موعظه‌های پیشین پولس که کلیسای قرتیان آن را بدرستی برداشت نکرده بود.

■ "دانش مایه تکبر است، حال آنکه محبت، بنا می کند" پولس با مطالب عنوان شده در نامه کلیسای قرتیان موافق است، اما از مضمون آن کاسته، و محتوای صحیح آن را نشان می دهد (این همچنین صحت شعارهای معلمان دروغین در فصلهای ۶-۷ را نشان می دهد).
دانش یکی از جنبه‌های فرهنگ یونان محسوب می گردید که مایه تکبر برخی در کلیسای قرتیان نیز بود. مشکلی که در رابطه با دانش وجود دارد اینست که بطور ناخودآگاه افراد را مغرور کرده و در رقابت با یکدیگر قرار می دهد (۱ قرتیان ۴: ۶، ۱۸، ۱۹؛ ۲: ۵؛ ۸: ۱؛ ۳: ۲؛ ۴: ۳۲؛ ۲ قرتیان ۱۲: ۲۰).
به یادداشت کامل در اول قرتیان ۴: ۶ رجوع نمایید. دانش بر شخص تمرکز می کند، نه بر خانواده، یا بدن، یعنی کلیسا. واژه "تقدیس کردن" (در نسخه انگلیسی بجای استفاده از واژه "بنا کردن" از واژه تقدیس کردن" استفاده شده است) در اینجا یک استعاره بوجود آورده است. پولس اغلب از "ساختن" یا "تقدیس کردن" کلیسا یا هر فرد از مسیحیان سخن گفته است (رومیان ۱۴: ۱۹؛ ۱۵: ۲؛ اول قرتیان ۸: ۱؛ ۱۰: ۲۳؛ ۱۴: ۳، ۵، ۱۲، ۲۶؛ دوم قرتیان ۱۰: ۸؛ ۱۲: ۱۹؛ ۱۳: ۱۰؛ افسسیان ۴: ۱۲، ۲۹؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۱).

مبحث محبت و عشق در آزادی در مسیحیت بسیار حساس است. دانش مشکل تکبر و غرور را حل نخواهد کرد، فقط عشق و محبت کنترل شده توسط فرد است که می تواند این کار را انجام دهد. ایمانداران باید نقطه‌ای دست یابند که باعث بنای کلیسا می گردد، نه آنچه که باعث جلال هر فرد مسیحی می شود.

به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: تقدیس

(Special Topic: Edify)

این اصطلاح *oikodomeō* و اشکال دیگر آن معمولاً توسط پولس استفاده می‌شوند. به معنای واقعی کلمه، به معنی "ساخت یک خانه" (متی ۲۴: ۷) است، اما به صورت استعاره به کار می‌رود:

۱. بدن کلیسا، کلیسا، اول قرن‌تین ۳: ۹، افسسیان ۲: ۲۱، ۴: ۱۶
۲. بنا کردن
 - a. برادران ضعیف، رومیان ۱: ۱۵
 - b. همسایگان، رومیان ۱۵: ۲
 - c. یکدیگر، افسسیان ۴: ۲۹، اول تسالونیکیان ۵: ۱۱
 - d. قدیسان برای بشارت دادن، افسسیان ۴: ۱۱
۳. بنا میکنیم یا تهذیب میکنیم
 - a. عشق، اول قرن‌تین ۸: ۱، افسسیان ۴: ۱۶
 - b. محدود کردن آزادیهای فردی، اول قرن‌تین ۱۰: ۲۳ الی ۲۴
 - c. پرهیز از گمانه زنی، اول تیموتائوس ۱: ۴
 - d. محدود کردن سخنگویان در مراسم عبادت (خوانندگان، معلمین، انبیا، زبان سخنگویان، و مفسرین و مترجمین)، اول قرن‌تین ۱۴: ۳ الی ۴ و ۱۲
۴. همه چیز باید تقدیس شوند
 - a. اقتدار پولس، دوم قرن‌تین ۱۰: ۸، ۱۲: ۱۹، ۱۳: ۱۰
 - b. خلاصه بیانات در رومیان ۱۴: ۱۹ و اول قرن‌تین ۱۴: ۲۶

۲: ۸ "اگر" (متن نسخه انگلیسی: "اگر کسی گمان که..." این جمله شرطی نوع اول است که با توجه به دیدگاه یا مقصودهای ادبی وی، کاملاً بجا بکار برده شده است (اول قرن‌تین ۸: ۳، ۵).

□ "کسی که گمان می‌کند چیزی می‌داند" این جمله اخباری معلوم است که بدنبال یک مصدر مجهول بکار برده شده است. این جمله بازتاب دهنده تکبر حاکم بر کلیسای قرن‌تین می‌باشد (اول قرن‌تین ۳: ۱۸).

NASB	"آن که هنوز نمی‌داند که باید بداند"
NKJV	"آن که هنوز هیچ نمی‌داند، با اینحال باید بداند"
NRSV	"هنوز از دانش کافی برخوردار نیست"
TEV	"حقیقتاً آنچه را که باید بدانند، نمی‌دانند"
NJB	"و با اینحال، آنطور که باید بدانند نمی‌داند"

پولس کمبود دانش روحانی کلیسای قرن‌تین را آشکار می‌کند. حکمت جهانی (فلسفه انسانی) باعث بوجود آمدن تکبر و جدایی‌ها گردیده، اما دانش خداوند از ما (اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲؛ غلاطیان ۴: ۹) و دانش ما از انجیل ما را نجات داده تا به او و قوم او خدمت نماییم.

۳: ۸ "اما آن که خدا را دوست می‌دارد" این جمله شرطی نوع اول است. کسانی در قرن‌تس بودند که خدا را دوست می‌داشتند. به تأکید پولس بر دوست داشتن توجه نمایید (حال کامل اخباری)، نه بر دانش (اول قرن‌تین ۱۳: ۱-۱۳).

□ "نزد او شناخته شده است" این عبارات ممکن است نمونه دیگری از شعارهای کسانی باشد که ادعای برتر بودن در روشنگری و روحانیت داشتند. بسیار شبیه عبارت عرفانی یافته شده در *Gospel of Truth 19:33* می‌باشد. کسی که واقعاً به روشنگری دست یافته باشد می‌داند که انسانها دسته‌بندی نشده‌اند، نه

۱. عیسی - مسیحیان غیر یهودی
۲. برده - آزاد

۳. مذکر - مؤنث

۴. قوی - ضعیف

همه این مرزها در راه عیسی 'فروریخته' شده‌اند.

دانش ما از خدا مهم است، اما دانش درباره خدا جانشینی برای روابط شخصی نیست که بنیان آن را خدا می‌نهد، و منتج می‌گردد به عشق ما به یکدیگر که نمایانگر عشق ما به "او" می‌باشد (غلاطیان ۴:۶؛ ۲ تیموتائوس ۲:۱۹؛ ۱ یوحنا ۴:۱۹).

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تیان ۸:۴-۶

پس در خصوص خوردن خوراک تقدیمی به بتها، می‌دانیم که در این جهان «بت چیزی نیست»، و «به جز یک خدا، خدایی دیگر نیست». زیرا هر چند هستند آنان که خدایان خوانده می‌شوند، چه در زمین و چه در آسمان - چنانکه به واقع نیز مردمان را 'خدایان' بسیار و 'خداوندان' بسیار است - اما ما را تنها یک خداست، یعنی پدر، که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم؛ و تنها یک خداوند است، یعنی عیسی مسیح، که همه چیز به واسطه او پدید آمده و ما به واسطه او هستیم.

۴:۸ "می‌دانیم که در این جهان بت چیزی نیست" (نسخه انگلیسی: "می‌دانیم که در این جهان چیزی بنام بت وجود ندارد") در این آیات میان مفهوم عبری "دانستن" بعنوان یک ارتباط شخصی (اول قرن‌تیان ۸:۳؛ پیدایش ۴:۱؛ ارمیا ۵:۱) و معنی "دانستن" بعنوان واقعیت درباره چیزی یا شخصی یک بازی با لغت روی داده است (اول قرن‌تیان ۸:۱، ۲، ۴).

در عهد عتیق بتها "توخالی" و "تهی" بودند. آنها اصلاً خدا نبودند (دوم تواریخ ۱۳:۹؛ اشعیا ۳۷:۱۹؛ ۲۹:۴۱؛ ارمیا ۲:۱۱؛ اعمال رسولان ۱۴:۱۵؛ غلاطیان ۴:۸). پولس طی نامه‌ای در اول قرن‌تیان، تصریح می‌کند که شیاطین از خرافه‌پرستی و بت‌پرستی انسان بهره‌برداری می‌کنند (اول قرن‌تیان ۱۰:۲۰)، اما در واقع هیچ چیزی درباره بتها صحت ندارد!

□ "به جز یک خدا، خدایی دیگر نیست" این بلحاظ الهیاتی، تأکید بر یکتاپرستی است (۱ تیموتائوس ۲:۵-۶).

بر طبق یک مکاشفه انجیلی، فقط یک خدای راستین وجود دارد (اول قرن‌تیان ۸:۶؛ تثنیه ۴:۳۵، ۳۹؛ مزامیر ۸۶:۸، ۱۰). عهد عتیق اغلب سخن از دیگر "الوهیم"هایی نیز می‌کند (موجودات معنوی و آسمانی)، اما نه همچون (در دسته‌بندی یکسان، خروج ۲۰:۲-۳؛ تثنیه ۳۲:۳۹) یهوه (خروج ۱۱:۱۵؛ مزامیر ۸۶:۸؛ ۸۹:۶). دعای یهودیان بنام *Shema* در کتاب تثنیه ۶:۴ که هر روز و در هر دعا خوانده می‌شود، نشاندهنده تأکید یهودیان بر وحدانیت و یگانگی یهوه می‌باشد (مرقس ۱۲:۲۸-۲۹).

موضوع خاص: یکتاپرستی

(Special Topic: Monotheism)

نوع بشر همیشه احساس می‌کرد که واقعیت بیش از دنیای فیزیکی است (این امر نشأت گرفته از رخدادهایی بود که خارج از کنترل انسان بودند مانند توفان‌ها، خسوف و کسوف؛ شهاب سنگ‌ها، رخدادهای جوی و آب و هوایی، و مرگ). انسان‌شنا سان به ما می‌گویند اشیایی در گورهای اولیه انسانها یافته‌اند که ظاهراً برای زندگی بعدی، که آن را در ادامه این زندگی تصور می‌کردند، بودند.

نخستین تمدن مکتوب، تمدن سومری است (در جنوب تیگرس، رودخانه فرات)، که حدود ۱۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل میلاد مسیح شروع شد. آنها در اشعاری که می‌نوشتند، دیدگاه خود از خدایان و تعاملات با آنها را بیان می‌کردند. که بیشتر همانند انسانها بودند و ضعفهای آنها را داشتند. سنتهای آنها به مراتب قبل از اینکه نگاشته شوند، وجود داشته‌اند.

خداشناسی در این دوره تحول یافت

۱. همزادگرایی به

۲. چند خدایی به

۳. یک خدای برتر (دوالیسم)

مفهوم "یکتاپرستی" (فقط و فقط یک شخص، یک خدا بدون شریک)، نه فقط "خدای ارشد" در چند خدایی یا خدای نیکی در دوالیسم ایرانی (زرتشتی)، فقط برای اسرائیل است (ابراهیم و یعقوب، ۲۰۰۰ قبل میلاد). فقط یک استثنای نادر در مصر (آمنهوتپ چهارم، که به آخناتن هم معروف بود، ۱۳۶۷ تا ۱۳۵۰ یا ۱۳۸۶ تا ۱۳۶۱ قبل از میلاد، که آتن، خدای خورشید را به عنوان تنها خدا، پرستش می‌کرد). به *The Mind of Egypt* صفحات ۲۱۶ و ۲۱۷ مراجعه کنید.

این مفهوم در عبارات مختلف در عهد عتیق بیان شده است

۱. "هیچکس مانند یهوه یا الوهیم"، سفر خروج ۸:۱۰، ۹:۱۴، تثنیه ۳۲:۲۶، اول پادشاهان ۸:۲۳
۲. "هیچکس در کنارش نیست"، تثنیه ۴:۳۵، ۳۹، ۳۲:۳۹، اول سموئیل ۲:۲، دوم سموئیل ۲۲:۳۲، اشعیا ۴۵:۲۱، ۴۴:۶، ۸ و ۴۵:۶ و ۲۱
۳. "یهوه تنهاست" تثنیه ۴:۶، رومیان ۳:۳۰، اول قرنتیان ۸:۴ و ۶، اول تیموتائوس ۲:۵، یعقوب ۲:۱۹
۴. "هیچکس مانند تو نیست" دوم سموئیل ۷:۲۲، ارمیا ۱۰:۶
۵. "تو تنها خدایی" مزبور ۸۶:۱۰، اشعیا ۳۷:۱۶
۶. "پیش از من خدایی مصور نشده، و پس از من نیز نخواهد بود"، اشعیا ۴۳:۱۰
۷. "غیر از من کسی نیست؛ من یهوه هستم و دیگری نیست؛" اشعیا ۴۵:۵ و ۶ و ۲۲
۸. "او منشا همه چیز است"، اشعیا ۴۵:۷
۹. "هیچ کس دیگری نیست، هیچ خدای دیگری نیست"، اشعیا ۴۵:۱۴ و ۱۸
۱۰. "هیچکس غیر از من نیست"، اشعیا ۴۵:۲۱
۱۱. "هیچ کس دیگری..... هیچکس مثل من نیست"، اشعیا ۴۶:۹

باید اذعان داشت که این دکرترین قاطع به شیوه پیشرفته‌ای ظاهر شد. اظهارات اولیه را می‌توان به صورت "هنوته‌ایسم" یا یکتا شناسی عملی درک کرد (خدایان دیگری هم وجود دارند، یوشع ۲۴:۱۵، اول پادشاهان ۱۸:۲۱)، ولی فقط یک خدا برای ما وجود دارد (سفر خروج ۱۱:۱۵، ۲:۲۰ الی ۵، تثنیه ۵:۷، ۶:۴، ۱۴، ۱۷، ۱۰:۱۷، ۳۲:۱۲، اول پادشاهان ۸:۲۳، مزبور ۸۳:۱۸، ۸۶:۸، ۱۳۶:۱ الی ۹).

متون اولیه که با مشخص کردن وحدانیت (یکتا شناسی فلسفی) شروع می‌شوند، ابتدایی هستند (سفر خروج ۸:۱۰، ۹:۱۴، ۲:۲۰ و ۳، تثنیه ۴:۳۵ و ۴:۳۹، ۳۳:۲۶). ادعاهای کامل و قابل رقابت در اشعیا ۴۳ الی ۴۶ (۱۰:۴۳، ۱۱ و ۶:۴۴، ۸ و ۷:۴۵، ۱۴ و ۱۸ و ۲۲ و ۵:۴۶ و ۹) دیده می‌شوند. عهد عتیق خدایان ملتها را بی‌ارزش جلوه می‌دهد، به عنوان مثال

۱. مخلوقات انسانها - تثنیه ۴:۲۸، دوم پادشاهان ۱۸:۱۹، مزبور ۱۱۵:۴ الی ۸، ۱۳۵:۱۵ الی ۱۸، اشعیا ۲:۸، ۱۷:۸، ۳۷:۱۹، ۴۰:۱۹، ۴۱:۷ و ۲۴ و ۲۹، ۱۰:۴۴ و ۱۲، ۶:۴۶ و ۷، ارمیا ۳:۱۰ الی ۵، مکاشفه ۱۰:۹
 ۲. شیاطین - تثنیه ۳۲:۱۷، مزبور ۳۷:۱۰۶، اشعیا ۸:۱۹، ۱۹:۳، اول قرنتیان ۱۰:۲۰، مکاشفه ۹:۲۰
 ۳. پوچ، خالی - تثنیه ۳۲:۲۱، دوم پادشاهان ۱۷:۱۵، مزبور ۶:۳۱، اشعیا ۲:۱۸، ۲:۲۹، ۴۱:۵، ۲:۵، ۸:۱۰، ۱۴:۲۲، ارمیا ۲:۵، ۸:۱۹
 ۴. خدایانی نیستند - تثنیه ۳۲:۲۱، دوم قرنتیان ۱۳:۹، اشعیا ۳۷:۱۹، ارمیا ۲:۱۱، ۲:۷، ۵:۷، اول قرنتیان ۸:۴ و ۵، ۱۰:۲۰، مکاشفه ۹:۲۰
- عهد جدید در رومیان ۳:۳۰، اول قرنتیان ۸:۴ و ۶، افسسیان ۴:۶، اول تیموتائوس ۲:۵ و یعقوب ۲:۱۹ از تثنیه ۴:۶ الهام می‌گیرد. عیسی آن را در انجیل متی ۲۲:۳۶ و ۳۷، انجیل مرقس ۱۲:۲۹ و ۳۰، انجیل لوقا ۲۷:۱۰ به عنوان اولین فرمان نقل قول می‌کند. عهد عتیق و همچنین عهد جدید، واقعیت سایر موجودات معنوی را تصریح می‌کنند (شیاطین، فرشتگان) ولی فقط یک خالق یعنی خدا (یهوه، سفر پیدایش ۱:۱) را تأیید می‌کند.

وحدانیت انجیلی با این ویژگی‌ها مشخص می‌شود

۱. خدا تنها و منحصر به فرد است (هستی شناسی در نظر گرفته می‌شود، ولی مشخص مشخص نمی‌شود)
۲. خدا فرد است (رجوع شود به سفر پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷، ۳:۸)
۳. خدا اخلاق است (رجوع شود به سفر خروج ۳۴:۶، ناحوم ۹:۱۷، مزبور ۸:۱۰۳ الی ۱۰)
۴. خدا انسان‌ها را در شکل خود ایجاد کرد (سفر پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷) برای دوستی و رفاقت (یعنی شماره ۲). خدا حسود است (سفر خروج ۵:۲۰ و ۶)

در عهد جدید

۱. خدا دارای سه شکل ابدی است (به موضوع خاص: تثلیث مراجعه شود)
۲. خدا بطور کامل در عیسی ظاهر شد (رجوع شو به انجیل یوحنا ۱:۱ الی ۱۴، کولسیان ۱:۱۵ الی ۱۹، عبرانیان ۱:۲ و ۳)
۳. برنامه ابدی خدا برای انسان فانی رستگار، قربانی کردن تنها پسر خود است (اشعیا ۵۳، انجیل مرقس ۱۰:۴۵، دوم قرنتیان ۵:۲۱، فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱، عبرانیان)

۸:۶ "اما ما را تنها یک خداست" این عبارت، تأکید الهیاتی بر یکتاپرستی است. به یادداشت اول قرنتیان ۸:۴ مراجعه نمایید.

در تاریخ ادیان، اعتقادات شامل ده‌ها طبقه‌بندی درباره خدایان می‌گشت.

۱. جان‌گرایی (animism) - بر پایه آن، موجودات معنوی به اشیا یا عوامل طبیعی مرتبط هستند
۲. چند خدایی (polytheism) - چندین خدا وجود دارد
۳. یک از چند پرستی (henotheism) - چندین خدا وجود دارد، اما هر خدا فقط برای یک نفر است
۴. یکتاپرستی (monotheism) - فقط یک خدا وجود دارد، (منظور خدای اعظم یک معبد بزرگ نیست)

این متن بر وجود چندین خدا تصریح می‌کند (اول قرن‌تین ۵:۸)، اما فقط یک خدا راستین است (اول قرن‌تین ۴:۸). به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه نمایید. برای آن‌انکه از سنت مسیحی/یهودی آمده‌اند، در سه فردی که تا ابدیت زنده هستند، فقط یک خالق بعنوان خدا وجود دارد. به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱۰:۲ مراجعه نمایید.

□ "پدر" این نزدیکترین، شخصی‌ترین و خانوادگی‌ترین عنوان برای خداوند است. این نام مؤکد وجود خدا در همه چیز، از جمله مخلوق است. این جنبه از خدا می‌تواند تنها بوسیله خود خداوند عیان شود، نه فلسفه بشری یا کشفیات علمی.

با وجود اینکه این عنوان خانوادگی در عهد عتیق بصورت پراکنده ظاهر می‌شود (تثنیه ۵:۳۲-۶؛ اشعیا ۶۳:۱۶؛ اشعیا ۶۴:۸؛ ارمیا ۳۱:۹، ۲۰؛ هوشع ۱۱:۳-۴؛ ملاکی ۱:۶؛ ۲:۱۰)، اما این عیسی پسر بود که چنین ریشه قدرتمندی را بصورت استعاره بوجود آورده و عیان کرد ("پدر ما"، متی ۹:۶؛ ۲۳:۹؛ افسسیان ۴:۶؛ *Abba*، مرقس ۱۴:۳۶). به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۳:۱ مراجعه نمایید.

□ "که همه چیز از اوست" این جمله تأکید می‌کند که خداوند، خالق همه چیز است (اول قرن‌تین ۱۱:۱۲؛ رومیان ۱۱:۳۶؛ دوم قرن‌تین ۵:۱۸؛ کولسیان ۱:۱۶؛ عبرانیان ۲:۱۰). به موضوع خاص: نخست‌زاده در اول قرن‌تین ۱۵:۲۰ مراجعه شود.

□ "و ما برای او هستیم" خداوند صحنه جهان را برای بشر بگونه‌ای فراهم کرد که محلی برای همنشینی و دوستی با او باشد. بمحض اینکه نتایج حاصل از شورش بشر (پیدایش ۳) بر رستگاری و نجات ما بواسطه مسیح چیره شود، آن زمان است که نیات واقعی را در خواهیم یافت. بمحض اینکه بواسطه مسیح تجسم خدا در بشر احیا گردد، آن زمان است که همزیستی و همنشینی در باغ عدن میسر خواهد گردید.

□ "تنها یک خداوند است، یعنی عیسی مسیح" کلمه "خداوند" (Lord) از ترجمه‌ی نام یهوه در عهد عتیق نشأت گرفته است که ریشه آن نیز از فعل "بودن" است (خروج ۳:۱۴، به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۲:۸ مراجعه نمایید). یهودیان از عنوان کردن بی‌هوده این نام مقدس بشدت می‌هراسیدند، لذا واژه عبری *Adon* یا Lord را جانشین آن کردند.

فراخواندن عیسی بعنوان Lord (*kurios* واژه یونانی هم‌ارز با واژه عبری آدون است) راهی برای نشان دادن ریشه داشتن او در خداوند و یگانگی با یهوه است (فیلیپیان ۲:۱۱). مفهوم یگانگی بسیار حائز اهمیت است (افسسیان ۴:۵؛ ۱ تیموتائوس ۲:۵).

با وجودیکه پولس در این متن از واژه *Theos* (بمعنی خدا) برای عیسی استفاده نمی‌کند، اما در اعمال رسولان ۲۰:۲۸؛ رومیان ۹:۵؛ و تیتوس ۲:۱۳ بکار برده و در کولسیان ۲:۹ نیز از واژه *Theotētus* بهره برده است. هیچ تردیدی وجود ندارد که در ذهن پولس، عیسی خداوند است. پول بشدت یگانه‌پرست است. او هرگز تعیین شرط نکرده که چگونه یک خدا می‌تواند در سه شخص تجلی یافته باشد، اما این نتیجه‌گیری کاملاً آشکار است. به موضوع خاص: تثلیث در اول قرن‌تین ۲:۱۰ مراجعه نمایید.

□ "همه چیز به واسطه او پدید آمده و ما به واسطه او هستیم" عیسی نماینده پدر در آفرینش بود (یوحنا ۱:۳؛ کولسیان ۱:۱۶؛ عبرانیان ۱:۲). این نقش حکمت عنوان شده در امثال ۸:۲۲-۳۱ بود. حکمت در زبان عبری واژه‌ای مؤنث است (امثال ۸:۱-۲۱) زیرا "حکمت" بصورت موصوف (BDB 315) حالت تأنیث دارد. در این متن ما میان تأکیدمان بر یکتاپرستی و مکاشفه تثلیث در عهد عتیق، تنش مشاهده می‌کنیم. به موضوع خاص اول قرن‌تین ۲:۱۰ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۷:۸-۱۳

۱۲ اما همه را این معرفت نیست، زیرا بعضی تا کنون چنان به بتها خو کرده‌اند که هنوز هم اگر چنین خوراکی‌هایی بخورند، می‌پندارند آن خوراک به واقع تقدیم بتها شده است؛ و از آنجا که وجدانشان ضعیف است، مُلوث می‌شود. ^۸ «خوراک، ما را به خدا نزدیک نمی‌سازد»؛ نه با خوردن بدتر می‌شویم، نه با خوردن بهتر. ^۹ اما مواظب باشید اختیار شما باعث لغزش ضعیفان نشود. ^{۱۰} زیرا اگر کسی که وجدانی ضعیف دارد، تو را که در این باره از معرفت برخورداری، نشسته به غذا در بتخانه‌ای ببیند، آیا او نیز ترغیب نمی‌شود خوراک تقدیمی به بتها را بخورد؟ ^{۱۱} بدین‌گونه، معرفت تو باعث هلاکت آن برادر ضعیف می‌شود که مسیح به خاطرش مرد. ^{۱۲} وقتی این چنین به برادران خود گناه می‌کنید و به

وجدان ضعیفشان صدمه می‌رسانید، همانا به مسیح گناه می‌کنید.^{۱۳} از این رو، اگر خوراک سبب لغزش برادر می‌شود، تا ابد گوشت نخواهم خورد تا باعث لغزش او نشوم.

۷:۸ "همه را این معرفت نیست" این عبارت در متن اشاره به مسیحیان "ضعیفتر" و "قویتر" دارد (رومیان ۱:۱۴، ۲، ۱۴، ۲۲-۲۳؛ ۱:۱۵). "ضعیف" در این متن اشاره به خرافات یا شریعتی که به گذشته شخص مربوط می‌شود اشاره دارد، در زمانی که هنوز تغییر آیین نداده بود. این نگاهی طعنه‌آمیز به اول قرن‌تینان ۱:۸ و خودشیفتگی گروه مشخصی از اعضای کلیسای قرنتس و تأکید آنان بر دارا بودن حکمت و معرفت می‌باشد (اول قرن‌تینان ۱:۸).

□ "و از آنجا که وجدانشان ضعیف است" ایمانداران باید در نوری که همه ما زیر آن قرار داریم، با ایمان کامل قدم برداشته و عمل نمایند (رومیان ۱۴:۲۳)، حتی در هنگامیکه این دانش اشتباه یا بلحاظ معنوی کودکانه بنظر آید. ایمانداران فقط مسئول هر آنچه که درک می‌کنند هستند.

پولس اغلب از عبارت "وجدان" در نامه‌هایی که برای قرن‌تینان فرستاده بود، استفاده کرده است (اول قرن‌تینان ۴:۴، ۷:۸، ۱۰، ۱۲، ۱۰:۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹؛ دوم قرن‌تینان ۱:۱۲، ۲:۴؛ ۵:۱۱). این عبارت اشاره به حس درونی انسان داشته که نسبت به شایسته یا ناشایسته بودن رفتاری در انسان واکنش نشان می‌دهد (اعمال رسولان ۲۳:۱). وجدان می‌تواند تحت تأثیر زندگی گذشته ما، انتخابهای ضعیف و اشتباه ما و یا حتی توسط روح خدا واکنش نشان دهد. وجدان راهنمایی بی‌عیب نیست، اما درباره مرزهای ایمان فردی، تصمیم‌گیرنده است. بنابراین، زیر پا گذاردن وجدان، حتی اگر دچار خطا یا ضعف باشد، معضل بزرگی برای ایمان تلقی خواهد گردید.

وجدان ایمانداران نیاز به کسب هر آنچه بیشتر کلام خدا و روح خدا دارد (۱ تیموتائوس ۳:۹). خداوند ایمانداران را بواسطه نوری که دارند (ضعیف یا قوی) داوری خواهد نمود، اما همه ما نیاز به باز کردن انجیل و روح خدا داریم تا بتوانیم نور را بواسطه دانش خدایمان عیسی مسیح، بیشتر دریافت نموده و رشد نماییم. به یادداشت کاملتر درباره "وجدان" به اول قرن‌تینان ۱۰:۲۵ مراجعه نمایید. همچنین به موضوع خاص: ضعف در دوم قرن‌تینان ۹:۱۲ مراجعه نمایید.

□ "مَلُوثٌ" این واژه در اصل اشاره به کثیف بودن لباس دارد (زکریا ۴-۳؛ ۳:۳؛ یهودا ۲۳؛ مکاشفه ۳:۴). سپس برای نشان دادن آلودگی اخلاقی بصورت تمثیلی از این واژه نیز استفاده گردید (مکاشفه ۴:۱۴).

شگفت‌انگیز است که این واژه برای تعریف برای ایماندارانی که از مرزهای ایمان خود فراتر رفته و وجدان خود را زیر پا می‌گذارند، بکار برده شده است. خداوند در هر شرایطی به قلب انسان می‌نگرد. خدشه‌دار کردن درک ایمانمان، حتی اگر ضعیف یا ناشایست باشد، شکاف بسیار جدی در ایمان است!

۸:۸ "خوراک، ما را به خدا نزدیک نمی‌سازد" این نشان دهنده الهیات اشتباه است، هم برای آنان که تأکید بر ریاضت‌طلبی، یا شرع یهود دارند، و هم آنان که بر آزادی بی‌قید و شرط تأکید می‌ورزند. خوردن یا نخورن ما را نزد خدا مقبول نشان نخواهد داد (رومیان ۱۴:۱۴، ۲۳؛ مرقس ۷:۱۸-۲۳). عشق برای خداوند در نشان دادن آن نسبت به سایر برادران و خواهرانی که در راه مسیح قدم بر می‌دارند بوده و کلید رسیدن به صلح و بلوغ میان مسیحیان می‌باشد.

□ "ستودن" به موضوع خاص: وفران در دوم قرن‌تینان ۲:۷ مراجعه نمایید.

□ "اگر...اگر" دو جمله شرطی در اول قرن‌تینان ۸:۸ وجود دارد که از احتمال وقوع عمل سخن می‌گویند.

۹:۸

NASB, NRSV "اما مواظب باشید اختیار شما باعث لغزش ضعیفان نشود"

NKJV "اما مواظب باشید مبدا بنوعی این آزادی باعث لغزش ضعیفان شود"

TEV "مراقب باشید، با اینحال، اجازه ندهید آزادی عمل، آنان که ضعیف هستند را به گناه کشاند"

NJB "فقط مراقب باشید که این آزادی شما، بهر صورت ممکن تبدیل به مانعی برای لغزش آنان که آسیب‌پذیر هستند، نگردد."

در نسخه‌های NASB و NKJV این عبارات خیلی مبهم ترجمه شده‌اند. ترجمه‌های مترادف در نسخه‌های TEV و NJB ایده اصلی را دریافت کرده‌اند.

دانش پولس اشاره برمی‌گردد به اول قرن‌تینان ۴-۸:۱. ایمانداران نیرومند می‌دانند که فقط یک خدا وجود دارد (اول قرن‌تینان ۸:۴). اما ایمانداران ضعیف هنوز تحت تأثیر گذشته قرار دارند. ایمانداران نیرومند بگونه‌ای عمل می‌کنند که هرگز برادران و خواهرانی را که در راه مسیح قرار داشته و یا جستجوگرهای صادقی هستند، ناامید نکنند (اول قرن‌تینان ۸:۱).

دانش تنها توان روحانی راستین نیست، بلکه عشق عملی نسبت به سایر ایمانداران، حتی ایمانداران ضعیف، خرافاتی، شریعت‌گرا، زاهد و کودک می‌باشد! دانش راستین انسان را در مقابل رحمت خداوند در راه مسیح، متواضع می‌کند!

□ "نشسته به غذا در بتخانه‌ای" به یادداشت اول قرن‌تین ۲۲-۱۰:۱۴ مراجعه نمایید.

NASB	"تقویت می‌شود"
NKJV	"جسارت خوردن می‌یابد"
NRSV	"تا حد خوردن تشویق می‌گردد"
TEV	"آیا این او را ترغیب به خوردن نمی‌کند"
NJB	"ممکن است تشویق به خوردن گردد"

این در واقع همان واژه "بنا کردن" یا "تقدیس کردن" است که در آیه ۱ ذکر آن بمیان آمده بود. در اینجا بشکل یکی از حالات زیر مطرح شده است:

۱. حالت طعنه‌آمیز درباره تأثیرات مخرب اعمال برادر قویتر
۲. نقل قولی از نامه قرن‌تین در ارتباط با چگونگی کمک به کسانی که ایمان ضعیفتر دارند

۱۱:۸

NASB	"معرفت تو باعث هلاکت آن برادر ضعیف می‌شود، برادری که مسیح به خاطرش مرد"
NKJV	"و بخاطر معرفت تو برادر ضعیفتر باید تلف شود، برای او که مسیح مرد"
NRSV	"پس بوسیله معرفت تو آن ایمانداران ضعیفی که مسیح برای آنها مرد، نابود شده‌اند"
TEV	"و لذا این فرد ضعیف، برادر تو که مسیح برای او مرد، بدلیل معرفتی که داری تلف خواهد شد"
NJB	"و بعد از طریق معرفت تو خواهد بود که این برادری که مسیح برای او مرد، آنگونه که آسیب‌پذیر است، گمراه گردیده است"

ترتیب نگارش جمله بزبان یونانی، تأکید بر "تو" دارد (این همان معرفت برتر است که بدان دست می‌یابید). زمانیکه آزادی یک مسیحی، منجر به فنا رفتن مسیحی دیگر می‌گردد، آن آزادی یک فاجعه است (رومیان ۱۴:۱۵، ۲۰).

این نظر نیز همچون اول قرن‌تین ۸:۱۰ طعنه‌آمیز است. کلیسای قرن‌تین بخاطر معرفتی که داشتند، مغرور بودند (۸:۱). در اینجا پولس نشان می‌دهد که معرفت نیز می‌تواند مخرب بوده و باعث فاجعه گردد. پولس همیشه برادر "قویتر" را پند داده تا نسبت به برادر "ضعیفتر" صبر پیشه کرده و احساس مسئولیت نماید، زیرا محبت و عشق مسیح نسبت به هر دوی آنان جریان دارد.

واژه‌های "از بین رفته"، "تلف شده" یا "نابود شده" باید در زیر نور رومیان ۲۳-۲۲:۱۴ ترجمه و تفسیر گردد، در جایی که معنی "سبب گناه دیگری می‌گردد"، که قابل قیاس با شیوه بکار رفته در اینجا می‌باشد. این تخریب نهایی نیست، بلکه رشد معنوی موقت، اما جدی است.

موضوع خاص: تخریب (apollumi)

(Special Topic: Destruction (apollumi))

این اصطلاح مفهوم گسترده‌ای دارد، که منجر به ابهامات بزرگی در مفهوم الهیاتی داوری جاودانی در برابر نابودی شده است. مفهوم پایه‌ای این اصطلاح مرکب از apo و ollumi خراب کردن، نابود کردن است.

مشکل از کاربرد نمادین این اصطلاح ناشی می‌شود. به وضوح می‌توان این را در *Greek-English Lexicon of the New Testament, Based*

On Semantic Domains اثر Louw و Nida، جلد دوم، صفحه ۳۰ دید. این کتاب معانی زیر را برای این اصطلاح فهرست می‌کند:

۱. خراب کردن (انجیل متی ۲۸:۱۰، انجیل لوقا ۳۷:۵، انجیل یوحنا ۱۰:۱۰، ۱۷:۱۲، اعمال رسولان ۳۷:۵، رومیان ۹:۲۲ از جلو ۱، صفحه ۲۳۲)
۲. شکست در بدست آوردن (انجیل متی ۱۰:۴۲، جلد ۱، صفحه ۵۶۶)
۳. از دست دادن (انجیل لوقا ۸:۱۵، جلد اول، صفحه ۵۶۶)
۴. ندانستن مکان (انجیل لوقا ۴:۱۵، جلو اول صفحه ۳۳۰)
۵. مردن (انجیل متی ۱۰:۳۹، جلد اول صفحه ۲۶۶)

۱. نابود کردن یا کشتن (انجیل متی ۲:۱۳، ۲۷:۲۰، انجیل مرقس ۳:۶، ۹:۲۲، انجیل لوقا ۹:۶، اول قرنتیان ۱۹:۱)
 ۲. از دست دادن یا رنج از دست دادن (انجیل مرقس ۹:۴۱، انجیل لوقا ۴:۱۵ و ۸)
 ۳. از بین بردن (انجیل ۲۶:۵۲، انجیل مرقس ۴:۳۸، انجیل لوقا ۱۱:۵۱، ۱۳:۳ و ۵ و ۳۳، ۱۵:۱۷، انجیل یوحنا ۶:۱۲ و ۲۷، اول قرنتیان ۹:۱۰ الی ۱۰)
 ۴. گمراه شدن/گم شدن (انجیل متی ۵:۲۹ الی ۳۰، انجیل مرقس ۲:۲۲، انجیل لوقا ۴:۱۵ و ۶ و ۲۴ و ۳۲، ۲۱:۱۸، اعمال رسولان ۲۷:۳۴)
- کیتل می‌گوید "در کل، می‌توانیم بگوئیم که شماره ۲ و ۴ زمینه گفته‌های مربوط به این دنیا در انجیل سینوپتیک هستند در حالی که شماره‌های ۱ و ۳ زمینه مطالبی هستند که در رابطه با دنیای بعدی می‌باشند، همانند پولس و یوحنا" (صفحه ۳۹۴).
- ابهام در اینجا قرار می‌گیرد. این اصطلاح معنی مفهومی بسیار گسترده‌ای دارد و هر یک از نویسندگان عهد جدید به شیوه‌های مختلف از مفاهیم مختلف استفاده کرده‌اند. من توضیح Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament* صفحات ۲۷۵ الی ۲۷۷ را دوست دارم. او این اصطلاح را به انسانهایی ربط می‌دهد که از نظر اخلاقی نابود شده‌اند و منتظر جدایی ابدی از خدا در برابر کسانی هستند که مسیح را می‌شناسند و در او حیات جاویدان دارند. گروه آخر "نجات" یافته‌اند در حالی که گروه قبلی "نابودشدگان" هستند.
- Robert B. Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament*، صفحه ۲۷۶، اشاره می‌کند که جاهای زیادی هستند که این اصطلاح را نمی‌توان نابودی ترجمه کرد. "بلکه به مفهوم شیئی یا چیزی است که دیگر نمی‌توان برای کاربرد و هدف اصلی و اولیه از آن استفاده کرد".

۱. ته مانده‌های روغن مالی و تدهین، انجیل متی ۸:۲۶
۲. خراب شدن لرد شراب، انجیل متی ۹:۱۷
۳. بهم ریختن مو، انجیل لوقا ۲۱:۱۸
۴. فاسد شدن غذا، انجیل یوحنا ۶:۲۷
۵. ذوب شدن طلا، اول پطرس ۷:۱
۶. نابودی دنیا، ۲ پطرس ۳:۶
۷. فاسد شدن فیزیکی بدن، انجیل متی ۲:۱۳، ۸:۲۵، ۱۲:۱۴، ۲۱:۴۱، ۲۲:۷، ۲۶:۵۲، ۲۷:۲۰، رومیان ۲:۱۲، ۱۴:۱۵، و اول قرنتیان ۸:۱۱

این اصطلاح هرگز به نابود شدن انسان یا خراب شدن انسان اشاره نمی‌کند، بلکه به پایان وجود داشتن بدن اشاره دارد. همچنین به صورت متداول در مفهوم اخلاقی استفاده می‌شود. "همه انسانها از نظر اخلاقی نابود شده تلقی می‌گردند، یعنی نتوانستند هدفی را که به خاطر آن نسل آنها خلق شده را تحقق بخشند" (صفحه ۲۷۶). پاسخ خدا به این مسئله گناه، عیسی مسیح بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳:۱۵ الی ۱۶ و دوم پطرس ۳:۹). آنان که انجیل را انکار کنند، اینک محکوم به نابودی بیشتر هستند، که شامل جسم و روح است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱:۱۸، دوم قرنتیان ۲:۱۵، ۴:۳، دوم تسالونیکیان ۲:۱۰). برای نظر مخالف به Fudge, *The Fire That Consumes* را مطالعه کنید.

من شخصا (مراجعه شود به R. B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament* صفحه ۲۷۶) فکر نمی‌کنم که این اصطلاح به مفهوم نابودی باشد (مراجعه شود به E. Fudge, *The Fire That Consumes*). اصطلاح جاویدان هم برای حیات جاویدان و هم مجازات ابدی در انجیل متی ۲۵:۴۶ استفاده شده است. از بین بردن یکی، از بین بردن دیگری است.

۱۲:۸ "وقتی این چنین به برادران خود گناه می‌کنید ... همانا به مسیح گناه می‌کنید" این اظهارات بسیار قوی هستند. عشق ما به مسیح بواسطه محبت کردن به یکدیگر نشان داده می‌شود. بارها در عهد جدید، اعمال مردم در برابر ایمانداران بسان عمل بر علیه مسیح (اعمال رسولان ۹:۴، ۵) و کارهای مردم برای ایمانداران بسان کار برای مسیح تلقی می‌گردد (متی ۲۵:۴۰، ۴۵).

۱۳:۸ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است. خوراک سبب زیر پا گذاردن ایمان شخصی آنان می‌گردد.

- "لغزش" این یک واژه یونانی است که برای شکار حیوانات بکار برده می‌گردد. در واقع اشاره می‌کند به "تله‌ای که در وسط آن طعمه قرار داده می‌شود".
- "تا ابد گوشت نخواهم خورد" این آیه دارای یک ساختار سه‌گانه نیرومندی می‌باشد (رومیان ۱۴:۲۱). آزادی که بواسطه مسیح بوجود می‌آید باید سازنده باشد نه تخریب کننده. آنچه که عنوان نگردد اینست که پولس گوشت قربانی اهدا شده به یک بت یا در معبدی که بت در آن قرار دارد را نخواهد خورد. این عبارت به این مفهوم نیست که پولس گیاه‌خوار خواهد گردید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. مشخص است که این مشکل متعلق به یک دوره و عصر خاص نیست؛ با اینحال، قاعده کلی در این مورد بسیار مهم است. آن قاعده را در قالب کلمات خود بیان نمایید.
۲. چگونه می توان کارهای شیطانی را به ادیان دوران کنونی مرتبط نمود؟
۳. اگر فقط یک خدا وجود داشته باشد، عیسی چگونه می تواند خدا باشد؟
۴. ارتباط میان آزادی در مسیحیت و مسئولیت پذیری در مسیحیت را توضیح دهید.
۵. ایمانداران "ضعیف" و "قوی" را تعریف کنید.
۶. آیا مسیحیان باید گیاهخوار باشند؟

اول قرن‌تیاں ۹

بخش‌های پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
				خوراک اهدایی به خدایان دروغین (۱:۸ - ۱:۱۱)
حقوق یک رسول	نشانه انکار شخصی	حقوق پولس بعنوان یک رسول	حقوق و وظایف یک رسول	پولس مثالهای خود را می‌آورد
۲ - ۱:۹	۱۸ - ۱:۹	۲ - ۱:۹	۲ - ۱:۹	۱۴ - ۱:۹
۱۲ - ۳:۹		۷ - ۳:۹	۷ - ۳:۹	
		۱۲ - ۸:۹	۱۲ - ۸:۹	
۱۸ - ۱۲:۹		۱۴ - ۱۲:۹	۱۴ - ۱۲:۹	
		پولس مختار است تا از حقوق رسولی خود چشمپوشی نماید		
	نجات همه انسانها	۱۸ - ۱۵:۹	۱۸ - ۱۵:۹	۱۸ - ۱۵:۹
۲۳ - ۱۹:۹	۲۳ - ۱۹:۹	۲۳ - ۱۹:۹	۲۲ - ۱۹:۹	۲۳ - ۱۹:۹
	تلاش برای رسیدن به تاج پادشاهی		۲۷ - ۲۳:۹	
۲۷ - ۲۴:۹	۲۷ - ۲۴:۹	۲۷ - ۲۴:۹		۲۷ - ۲۴:۹

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به آیات ۲۷-۱:۹

- A. این فصل در ارتباط با فصل ۸ است، بگونه‌ای که بدنال برقراری توازن میان حقوق مسیحیان و مسئولیت پذیری در ابراز محبت است (رومیان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵ و اول قرن‌تیاں ۸:۱۱ - ۱۳:۱۳).
- B. از متن اینگونه بر می‌آید که رهبری پولس توسط برخی گروه‌ها در کلیسای قرنتس مورد هجمه قرار گرفته بود.
 ۱. معلمان سیار یهودی که بصورت زبانی آموزش دیده بودند
 ۲. عارفان اولیه
- C. در تلفظ نامها در این فصل (و قالب افعال)، تفاوت‌های زیادی وجود دارد
 ۱. اول شخص مفرد در اول قرن‌تیاں ۹:۱-۳، ۶، ۸، ۱۵-۲۳، ۲۶، ۲۷
 ۲. اول شخص جمع در اول قرن‌تیاں ۹:۴-۵، ۱۰-۱۱، ۲۵

- a. از آنجاییکه از برنابا بویژه در اول قرن‌تین ۹:۶ یاد شده، لذا او احتمالاً باید در اول قرن‌تین ۹:۴-۵ نیز بوده باشد
- b. در اول قرن‌تین ۹:۱۰-۱۱ پولس ظاهراً آپولوس و دیگر واعظان، از جمله پطرس را نیز لحاظ کرده است
- c. پولس اغلب از "ما" برای صحبت درباره خودش استفاده می‌کرده است
۳. سوم شخص جمع در اول قرن‌تین ۹:۱۳، ۲۴، اشاره می‌کند به قرن‌تینی که ادعای معرفت و کمال کامل همه چیز خدا داشتند
۴. کاربرد ضمائر از سوی پولس بشدت دشوار بوده و منابع متعدد خطی متفاوتی در این رابطه در زبان یونانی وجود دارد

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB بروز شده: اول قرن‌تین ۹:۱-۲

آیا آزاد نیستیم؟ آیا رسول نیستیم؟ آیا خداوندمان عیسی را ندیدیم؟ آیا شما ثمره کار من در خداوند نیستید؟ حتی اگر برای دیگران رسول نباشم، دست کم برای شما هستیم؛ زیرا شما مَهر تأیید رسالت من در خداوند هستید.

۱:۹ "آیا آزاد نیستیم" در این متن مجموعه‌ای از سوالات وجود دارد. نسخه UBS⁴ چهارده، نسخه NASB شانزده، نسخه NKJV پانزده، نسخه NRSV شانزده، نسخه TEV چهارده، و نسخه NJB دوازده سوال را ثابت کرده است. البته مشخص نیست که این مطالب سوالات هستند یا اظهارات آنان (برگرفته از کتاب *A Handbook on Pauls First Letter to the Corithians* نوشته Ellingworth and Hatton صفحه ۱۹۳). همه سوالات مطرح شده در اول قرن‌تین ۹:۲-۱ مطرح گردیده، پاسخ "بله" را در مقابل مخاطب قرار می‌دهد. در مقابل، سوال مطرح شده در اول قرن‌تین ۹:۶، ۷، ۱۰ و ۱۱ انتظار پاسخ "نه" را برای شنونده بوجود می‌آورد.

این همان کاربرد "آزاد" در حالت آزادی معنوی بواسطه مسیح است (اول قرن‌تین ۹:۱۹؛ ۱۰:۲۹)، و نه آزادی رومی (حقوق سیاسی و مدنی). یک ایماندار در راه مسیح، که اکنون روح نیز در او جای گرفته، و بوسیله انجیل به آگاهی دست یافته، این آزادی را دارد که کارهایی را "انجام ندهد"؛ نیروی "نفس"، "اول خودم" آنگونه که در کتاب پیدایش ۳ مطرح گردید، اکنون تبدیل به "اول دیگران" شده است! آزادی بواسطه انجیل "آزادی انجام دادن..." نیست، بلکه "آزادی انجام ندادن..." است! آزادی سیاسی که حقیقتاً ثمره درخت دانش نیک و شر است، بسیار دشوار می‌باشد. بشر رانده شده از بهشت توان به گرده کشیدن این "آزادی" را ندارد! ایمانداران نابالغ نیز همینگونه‌اند!

■ **"آیا خداوندمان عیسی را ندیدیم"** این جمله کامل اخباری است که از نتیجه کنونی عملی در گذشته سخن می‌گوید. رسالت پولس مورد هجمه قرار گرفته بود زیرا او جزو دوازده شاگرد عیسی نبود. از جمله موارد واجد شرایط برای یک رسول، همراه بودن با عیسی در طول عمرش بر روی زمین و مشاهده قیام او بوده است (اعمال رسولان ۲۶-۱۵). پولس تصریح می‌کند که او شاهد قیام مسیح بوده است (اعمال رسولان ۹:۳، ۱۷، ۲۷؛ ۲۲:۱۴؛ اول قرن‌تین ۵:۸). فراخوان پولس بوسیله کار خاص عیسی برای مأموریتی خاص برای غیریهودیان بود که نیاز به مکاشفه‌ای خاص نیز داشت (اعمال رسولان ۹:۱۸؛ ۲۳:۱۱).

پولس نتنها در راه دمشق با عیسی روبرو شده بود، بلکه بارها در طول بشارتهای عیسی در اعمال رسولان ۲۷:۲۴، یا فرشته‌ی نماینده‌ای از جانب عیسی بر او ظاهر گردیده بود (اعمال رسولان ۱۱-۱۸؛ ۹:۲۱-۲۲:۱۷).

■ **"آیا شما ثمره کار من در خداوند نیستید"** مدرک رسول بودن پولس، چندین کلیسایی بود که او بوجود آورده بود که قرنتس فقط یکی از آنها بود (اول قرن‌تین ۴:۱۵؛ دوم قرن‌تین ۳-۳:۱).

۹:۱۲ "اگر" این جمله شرطی نوع اول، نشان می‌دهد که حدود اختیارات پولس توسط گروه‌های تفرقه‌افکن مختلفی در کلیسای اولیه، مردود اعلام شده بود (اعمال رسولان ۱۵ و غلاطیان).

"زیرا شما مَهر تأیید رسالت من در خداوند هستید" مهر در عهد باستان از یک موم حباب‌گونه بوجود می‌آمد که توسط یک انگشتری خاتم‌دار بر روی کاغذ یا بسته، فشرده و چسبانده می‌گردید. این مهر حکم تضمین محتوای بسته‌بندی را داشت و بمعنی باز نشدن آن می‌بود؛ نشان دهنده مالک اصلی و اصالت محتوا که یعنی توسط فرد درست ارسال گردیده بود. از اینگونه مهرها بصورت استعاره برای نشان دادن اطمینان در مسیحیت بکار برده می‌گردیدند (یوحنا ۳۳:۳۳؛ رومیان ۴:۱۱).

موضوع خاص: مهر (Special Topic: Seal)

مهر می‌تواند یک شیوه باستانی برای نشان دادن موارد زیر باشد

۱. حقیقت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳:۳۳)
 ۲. مالکیت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶:۲۷، دوم تیموتائوس ۲:۱۹، مکاشفه ۷:۲ الی ۳:۴)
 ۳. امنیت یا محافظت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴:۱۵، انجیل متی ۲۷:۶۶، رومیان ۴:۱۱، ۱۵:۲۸، دوم قرنتیان ۱:۲۲، افسسیان ۱:۱۳، ۴:۳۰، مکاشفه ۳:۲۰)
 ۴. می‌تواند هم نشانی از واقعیت وعده خدا برای یک برکت باشد (مراجعه شود به رومیان ۴:۱۱ و اول قرنتیان ۹:۲)
- هدف این تأیید در مکاشفه ۷:۲ الی ۴، ۹:۴ شناسایی مردم خدا است تا خشم خدا آنها بر آنها ننشیند. تأیید شیطان مردم او را شناسایی می‌کند. خشم خدا هستند. در مکاشفه، بلا (*thlipsis*) همیشه بر غیر ایماندارانی نازل می‌شود که ایمانداران را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، در حالیکه خشم (*orgē* یا *thumos*) همیشه داوری خدا بر غیر ایمانداران است تا شاید توبه کنند و به عیسی ایمان آورند. این هدف مثبت داوری را می‌توان در پیمان نفر در لایوان ۲۶، تثنیه ۲۷ الی ۲۸، مزمور ۱ دید.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۹:۳-۷

آن من در برابر آنان که درباره من به قضاوت می‌نشینند، این چنین از خود دفاع می‌کنم. آیا حق نداریم بخوریم و بنوشیم؟ آیا حق نداریم همچون سایر رسولان و برادران خداوند و کیفا، همسر ایمانداران را همراه خود داشته باشیم؟ و آیا تنها من و برنابا هستیم که باید برای تأمین معاش خود کار کنیم؟ کیست که با خرج خود سربازی کند؟ کیست که تاکستانی غُرس کند و از میوه‌اش نخورد؟ کیست که گله‌ای را شبانی کند و از شیر آن بهره‌مند نشود؟

۳:۹ "از خود دفاع می‌کنم" این واژه (*apologia*) در غالب "دفاعیه حقوقی" بکار برده شده است (اعمال رسولان ۹:۳۳؛ ۲۲:۱؛ ۲۵:۱۶؛ فیلیپیان ۱:۷، ۱۷؛ ۱ پطرس ۳:۱۵). اول قرنتیان ۹:۳ یا بشکل تناوبی از اول قرنتیان ۲:۹ یا ۴:۹ تبعیت کرده است. نسخه‌های UBS4، NRSV، TEV نشان می‌دهند که از اول قرنتیان ۹:۴ پیروی کرده‌اند، در حالیکه نسخه‌های NKJV و NJB در هر قسمت پاراگراف را قطع نکرده‌اند.

□ "برابر آنان که درباره من به قضاوت می‌نشینند" پولس توسط برخی گروه‌ها یا الهیات منافقی در کلیسای قرنتس مورد حمله قرار گرفته بود (اول قرنتیان ۲:۱۵؛ ۴:۳). آنان مدعی بودند که:

۱. او یک رسول واقعی نبود
۲. او پیام رسولان اورشلیم را تغییر داده
۳. او بخاطر پول موعظه می‌کرده است

این اتهامات بطور اخص مطرح نگردیده‌اند، اما تصور می‌گردد که از دوره تاریخی و از موضوعاتی که پولس برای مخاطبان انتخاب کرده بود، سرچشمه گرفته‌اند.

۴:۹ این آیه مجموعه سوالاتی را مطرح می‌کند (اول قرنتیان ۹:۴-۷) که پولس در آنها اختیارات خود را بعنوان رسولی که باید مورد حمایت کلیسا قرار بگیرد، تصریح می‌نماید (اول قرنتیان ۹:۱۵، ۱۸؛ ۱ تسالونیکیان ۲:۶)، اما در عین حال بر حدود اختیارات کارگران مسیحی نیز صحنه می‌گذارد.

۵:۹ "همچون سایر رسولان ... همراه خود داشته باشیم" این متن بطور مستقیم بر دارا بودن یک همسر توسط رسول، تصریح نمی‌کند، اما با اینحال اینگونه مطرح می‌نماید، هر چند که بر حق داشتن همسر و حمایت کلیسا توسط رسول تأکید می‌ورزد.

عبارت "رسولان" می‌تواند اشاره به دوازده رسول داشته و یا کاربرد جامع‌تری را در برگیرد (اعمال رسولان ۴:۱۴، ۱۴؛ رومیان ۷-۱۶:۶؛ ۱ قرنتیان ۴:۹؛ غلاطیان ۱:۹؛ افسسیان ۴:۱۱؛ فیلیپیان ۵:۲۵؛ ۱ تسالونیکیان ۲:۶). بدلیل اینکه نام پطرس جداگانه ذکر گردیده، لذا از گروه دیگری در آینده سخن

می‌گوید. این امکان همچنین وجود دارد که گروهی (یکی از گروه‌های تفرقه‌افکن) در این کلیسا در حال بالا بردن دامنه رسولی پطرس بوده باشد (اول قرن‌تینان ۱:۱۲؛ ۳:۲۲).

NASB, NKJV

NRSV, NIV "همسری ایماندار"

TEV, NJB

NEB "همسری مسیحی"

در زبان یونانی ضمائر دارای جفت هستند، "خواهری، همسری"، که اصطلاحی بود برای نشان دادن "همسری ایماندار". مشکل تاریخی اینجاست که آن را چگونه به موارد زیر نسبت دهیم:

۱. زنانی که عیسی و گروه رسولان را همراهی و کمک می‌کردند (متی ۲۷:۵۵؛ مرقس ۴۱-۴۰:۱۵)
 ۲. زنی که در اول قرن‌تینان ۳۸-۷:۳۶ مورد بحث بود (دختر یا همراه باکره یا یک نامزد)
 ۳. مجموعه همسران رهبران کلیسا، شبیه به زنان شماس در رومیان ۱۶:۱ یا "همسران خادمان" کلیسا (۱ تیموتائوس ۳:۱۱؛ ۱۰-۵:۹).
- آن دوازده نفر اصلی احتمالاً ازدواج کرده بودند زیرا تجرد در میان یهودیان بسیار نادر بود. یهودیان بدلیل فرمان کتاب پیدایش ۱:۲۸؛ ۹:۱، ۷ ازدواج می‌کردند.

■ "همچون سایر رسولان" عبارت "رسول" در عهد جدید دارای معانی زیادی می‌باشد.

۱. آنان که توسط عیسی فرا خوانده شده و در طول حیات زمینی وی او را همراهی می‌کردند
 ۲. پولس طی یک رویای خاص در راه جاد دمشق فرا خوانده شد
 ۳. هدیه‌ای که در کلیسا عطا می‌گردد (افسیسیان ۴:۱۱)، که شامل چندین نفر می‌گردد
- مشکل متن اینجاست که نمی‌دانیم بر فهرست پولس چه نامی گذاریم.

۱. سایر رسولان

۲. برادران خداوند

۳. کیفا

۴. برنابا و پولس

■ "برادران خداوند" Jerome معتقد بود که اینها پسرخاله‌ها یا پسر عموهای عیسی بودند؛ (Epiphanius ۴۰۳-۳۱۰ پس از میلاد) گفته است که آنان پسران یوسف از ازدواج پیشین بودند. روشن است که هر دوی این مترجمان به پیش‌پندارهای متأثر از روم درباره مریم مرتبط هستند و نه عهد جدید. مریم بعد عیسی فرزندان دیگری هم داشت (متی ۱۲:۲۶؛ ۱۳:۵۵؛ مرقس ۶:۳؛ یوحنا ۲:۱۲؛ ۷:۳، ۵، ۱۰؛ اعمال رسولان ۱:۱۴؛ غلاطیان ۱:۱۹).

اینگونه برداشت می‌گردد که برادران ناتنی عیسی، که در کلیسا فعالیت داشتند، برای رهبری در نظر گرفته شده بودند. در حقیقت، یکی از فامیلهای عیسی برای چند نسل رهبر کلیسای اورشلیم در طول قرن یکم بود که با یعقوب شروع گردید.

■ "کیفا" این شکل آرامی از نام یونانی پطرس می‌باشد. معنای آن تخته سنگ یا سخره بزرگ است (متی ۸:۱۴؛ یوحنا ۱:۴۲). کیفا ازدواج کرده بود (مرقس ۱:۳۰).

پولس در اول قرن‌تینان ۱:۱۲؛ ۳:۲۲؛ ۹:۵؛ ۱۵ و غلاطیان ۱:۱۸؛ ۲:۹؛ پطرس را "کیفا" می‌خواند. بنظر نمی‌رسد که بلحاظ الهیاتی هیچ تفاوتی وجود داشته باشد، بیشتر، احتمالاً از جنبه ادبیاتی این کار را می‌کرد. او از پطرس همه جا در اناجیل نام آورده بجز یوحنا ۱:۴۲.

جالب است که کلیسا ارتباط زیادی با پطرس و "این سخره" (petra) در متی ۱۶:۱۸ داشت. عیسی به زبان آرامی سخن می‌گفت و هیچ تمایزی میان این دو واژه در هر دو زبان وجود ندارد.

■ ۹:۶ "برنابا" نیز یک رسول خوانده می‌گردد، که نشان از کاربرد گسترده‌تر این واژه (افسیسیان ۴:۱۱) تا فقط اطلاق آن به دوازده نفر دارد (اعمال رسولان ۱۴:۱۴؛ ۱۸:۵).

موضوع خاص: برنابا Special Topic: Barnabas

I. آن مرد

- A. نام او در اصل یوسف بود (اعمال رسولان ۳۶:۴)
- B. او در قبرس بدنیا آمده بود (اعمال رسولان ۳۶:۴)
- C. او از تبار خاندان لاوی بود (اعمال رسولان ۳۶:۴)
- D. نام کوچک او را "فرزند مشوق" گذارده بودند (اعمال رسولان ۳۶:۴؛ ۲۳:۱۱)
- E. او "مردی نیک" خوانده می‌شد (اعمال رسولان ۲۴:۱۱)
- F. یکی از اعضای کلیسای اورشلیم (اعمال رسولان ۲۲:۱۱) و فرستاده شده بعنوان نماینده برای کلیسای در حال رشد آنطاکیه در سوریه بود (اعمال رسولان ۱۹:۱۱-۲۸)
- G. گفته می‌شود که لبریز از روح القدس بوده است (اعمال رسولان ۲۴:۱۱)
- H. گفته می‌شود که سرشار از ایمان بوده است (اعمال رسولان ۲۴:۱۱)
- I. او دارای عطای نبی و معلم بوده است (اعمال رسولان ۱:۱۳)
- J. او یک رسول خوانده می‌شد (۱۴:۱۴)

II. مأموریت او

- A. در اورشلیم
 - ۱. تمامی مایملک خود را فروخته و کل پول آن را به رسولان برای کمک به ضعفا کرد
 - ۲. رهبری کلیسای اورشلیم
- B. با پولس
 - ۱. او یکی از اولینها در تعمید شائول/پولس بود
 - ۲. او برای یافتن شائول/پولس به تاروس رفته و از او برای کلیسایی جدید در آنطاکیه کمک گرفت (اعمال رسولان ۲۴:۱۱-۲۶)
 - ۳. کلیسای آنطاکیه برنابا و پولس را به همراه کمک مالی برای فقرا به کلیسای اورشلیم فرستاد (اعمال رسولان ۲۹:۱۱-۳۰)
 - ۴. برنابا و پولس به اولین سفر بشارتی رفتند
 - ۵. برنابا در (زادگاهش) قبرس هدایت گروه را بر عهده داشت، اما خیلی زود رهبری پولس برسمیت شناخته شد (اعمال رسولان ۱۳:۱۳)
 - ۶. آنان طی گزارشی به کلیسای اورشلیم، شرح مأموریت خود را در میان غیر یهودیان اعلام کردند (۱:۱۵ - ۲۱، شورای اورشلیم)
 - ۷. برنابا و پولس درباره قوانین شرعی غذا و مجالست با غیریهودیان اختلاف نظر داشت، شرح آن در غلاطیان ۲:۱۱-۱۴ ثبت شده است
 - ۸. برنابا و پولس دومین سفر خود را برنامه‌ریزی کردند، اما اختلاف بر سر پسر خاله (یا پسر عمو) یی برنابا، یوحنا مرقس، که کار را در اولین سفر خراب کرده بودند، باعث شکست گردید (اعمال رسولان ۱۳:۱۳). پولس از همراهی با او در سفر دوم امتناع کرد، لذا گروه متلاشی گردید (اعمال رسولان ۱۵:۳۶-۴۱). نتیجه این کار بوجود آمدن دو گروه بود (برنابا و یوحنا مرقس، و پولس و سیلاس).

III. سنت کلیسا

- A. برنابا یکی از هفتاد نفری بود که بوسیله عیسی فرستاده شده بود (لوقا ۱۰:۱-۲۰)
- B. او بعنوان یک شهید مسیحی در زادگاهش، جزیره قبرس درگذشت (از کتاب *Acts of Barnabas*)
- C. کلمنت اسکندریه می‌گوید که او کتاب غیرشریعتی Epistle of Barnabas را نوشته بود

"حق نداریم که کار کنیم"

NASB

"که هیچ حقی برای کار کردن نداریم"

NKJV

"که حق نداریم برای زندگی کار کنیم"

NRSV

"تنها کسانی که برای زندگی کردن باید کار کنند"

TEV

"تنها کسانی که حق ندارند از کار کردن سر باز زنند"

NJB

ربیان همواره بر شأن کار کردن تصریح داشتند. همه ربیان باید دارای یک شغل می‌بودند زیرا کسب درآمد از طریق آموزش گفته‌های یهوه، گناه تلقی می‌گردید (Prike Abot 1:13; 4:7). پولس اینگونه انتخاب کرده بود که از حقوق خود بعنوان واعظ انجیل بهره‌برداری نکند (اول قرن‌تین ۹:۱۸)، زیرا احتمالاً (۱) بدلیل دارا بودن از خاندانی یهودی و یا (۲) بدلیل هجمه آنان که مدعی گول زدن مردم برای کسب درآمد بودند (اعمال رسولان ۲۰:۳۳؛ دوم رسولان ۱۲-۱۱:۷؛ ۱۸-۱۲:۱۴).

۱۴-۹:۷ در این آیات چندین مثال از زندگی روزانه آورده شده که بعنوان تطابق برای نشان دادن کارگرانی که بخاطر انجیل از کلیسای محل خدمت خود پول دریافت می‌کردند (رومیان ۱۵:۲۷: ۱) سربازان، آیه ۸؛ ۲) مالک تاکستان، اول قرن‌تین ۹:۷: ۳) چوپان، اول قرن‌تین ۹:۷: ۴) گاو‌نر، اول قرن‌تین ۹:۹: ۵) شخم‌زن و خرمن‌کوب، اول قرن‌تین ۹:۹: ۶) خیاط، اول قرن‌تین ۹:۱۱: ۷) یک کشیش، اول قرن‌تین ۹:۱۳.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۹:۸-۱۴

۸ آیا این سخنان سخنی صرفاً انسانی است؟ آیا شریعت نیز چنین نمی‌گوید؟^۹ زیرا در شریعت موسی آمده که «گاوی را که خرمن می‌کوبد، دهان مَی‌ند». آیا خدا در فکر گاوهاست؟^{۱۰} آیا این را درباره ما نمی‌گوید؟ بله، به یقین، این کلام برای ما نوشته شده است، زیرا هنگامی که کسی زمین را شخم می‌زند، و یا خرمن می‌کوبد، باید امیدوار باشد که از محصول بهره‌ای ببرد.^{۱۱} اگر ما بذر روحانی در میان شما کاشتیم، آیا امر بزرگی است که محصولی مادی از میان شما برداشت کنیم؟^{۱۲} اگر دیگران حق دارند که به لحاظ مادی حمایتشان کنید، آیا ما بیشتر حق نداریم؟ اما ما از این حق بهره‌ن جستیم، بلکه به هر چیز تن در دادیم تا مانعی بر سر راه انجیل مسیح ننهاده با شیم.^{۱۳} آیا نمی‌دانید آنان که در معبد کار می‌کنند، خوراکشان از معبد تأمین می‌شود، و نیز خادمان مذبح از آنچه بر مذبح تقدیم می‌شود، نصیبی می‌یابند؟^{۱۴} به همین سان، خداوند حکم کرده است که معاش واعظان انجیل، از انجیل تأمین شود.

۸:۹

NASB "بر طبق داوری انسانی"

NKJV "بعنوان یک انسان محض"

NRSV "مطابق اختیارات انسانی"

TEV "خود را به این نمونه‌های هر روز محدود می‌کنم"

NJB "حکمت محض انسانی"

متن یونانی عبارت "نه مطابق آنچه انسان می‌گوید" را اضافه دارد (*Anthrōpos*) که اشاره به انسانها دارد). پولس از این عبارات پررنگ بارها استفاده کرده است (اول قرن‌تین ۳:۳؛ ۹:۸؛ ۱۵:۳۲؛ رومیان ۳:۵؛ غلاطیان ۱:۱۱؛ ۳:۱۵). این شیوه سخنگویی با استفاده از اصطلاحات، راهی برای پررنگ نشان دادن روشهای بشر با شیوه جدید فکر کردن و عمل کردن وی تحت هدایت نور روح القدس بوده است (آموزه‌های عیسی یا دیدگاه‌های روح).

۹:۹ "در شریعت موسی آمده" شیوه یهودیان در تنظیم سوال بوسیله یک نقل قول معتبر، تا حد ممکن از نوشته‌های موسی بود (پیدایش - تشنیه)؛ بنابراین، پولس از کتاب تشنیه ۲۵:۴ نقل قول آورده بود (۱ تیموتائوس ۵:۱۸).

موضوع خاص: دیدگاه پولس نسبت به قوانین موسی

(Special Topic: Paul's Views Of The Mosaic Law)

خوب است و از جانب خداست (مراجعه شود به رومیان ۷:۱۲ و ۱۶).

A. راهی برای عدالت و پذیرش توسط خدا نیست (حتی می‌تواند لعن و نفرین هم باشد، مراجعه شود به غلاطیان ۳).

به موضوع خاص: قوانین موسی و مسیحیت مراجعه شود.

B. هنوز هم اراده خدا بر ایمانداران است زیرا این خود-آشکارسازی خدا است (پولس اغلب از عهد عتیق نقل قول می‌کند تا ایمانداران را متقاعد و یا تشویق کند).

C. ایمانداران توسط عهد عتیق آگاه می‌شوند (مراجعه شود به رومیان ۲۳:۴، ۲۴، ۱۵:۴، اول قرن‌تین ۶:۱۰ و ۱۱)، ولی با عهد عتیق نجات نمی‌یابند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، رومیان ۴، غلاطیان ۳، عبرانیان). عملکرد آن بر اساس تقدس است نه توجیه.

D. بر مبنای پیمان جدید عمل می‌کند تا:

۱. گناه آلود بودن را نشان دهد (مراجعه شود به غلاطیان ۳:۱۵ الی ۲۹)

۲. انسان رها شده در جامعه را هدایت کند

۳. تصمیمات اخلاقی مسیحیت را اعلام کند

این طیف الهیاتی در ارتباط با قوانین موسی وجود دارد، از نفرین (مراجعه شود به غلاطیان ۳:۱۰ الی ۱۳) و فوت تا برکت و ثبات که باعث می‌شوند در درک نگرش پولس نسبت به قوانین موسی با مشکل مواجه شویم. در *A Man in Christ* جیمز استوارت تفکر و نگارش پارادوکسی پولس را نشان می‌دهد:

"معمولاً از کسی که در تلاش است تا یک سیستم فکری و دکترینی را بنا کند، انتظار می‌رود که تا حد ممکن معنی و مفهوم اصطلاحاتی را که به کار می‌برد، روشن و مستحکم سازد. انتظار دارید که هدف او دقت در بیان نظراتش در میان پاراگراف‌های متن باشد. می‌خواهید وقتی که توسط یک نگارنده کلمه خاصی استفاده شد، در تمامی متن یک معنی و مفهوم مشخص داشته باشد. بیشتر عبارات و جملات او سیال و هستند، نه ثابت.... "او می‌نویسد "قانون مقدس و الهی است"، "من از قوانین خدا برای انسان فانی مسرووم (مراجعه شود به رومیان ۷:۱۲ و ۲۲) ولی به وضوح جنبه دیگر *nomos* است که باعث می‌شود او در جای دیگری بگوید "مسیح به جای ما لعن شد و این گونه ما را از لعنت شریعت باز خرید کرد" (مراجعه شود به غلاطیان ۳:۱۳)" (صفحه ۹۶).

□ "گاوی را که خرمن می‌کوبد، دهان مَبَند" این نقل قولی است از کتاب تثنیه ۴:۲۵ نسخه Septuagint. واژه *phimōsies* بمعنی "پوزه‌بند" است، که در نسخه‌های خطی یونانی $A, B^3, C, D^{b,c}, K, L, P, \mathcal{N}, P^{46}$ و اکثر نسخه‌های خطی خُردتر دیده می‌شود. این واژه همچنین در نقل قولی از پولس در متن مشابهی در ۱ تیموتائوس ۵:۱۸ دیده می‌شود. با اینحال، ویراستارهای نسخه UBS4 متغیر *kēmōseis* را ترجیح دادند، که بمعنی "پوزه‌بند" بوده و در نسخه‌های $F, D^*, MSS B^*$ و G دیده می‌شود. دلیل آنها این بود که واژه کمتر بکار برده شده (احتمالاً واژه‌ای عامیانه) احتمالاً اصل بوده زیرا واژه دیگر را انتظار می‌رفت نسخه Septuagint آن را ثبت کرده باشد و در اول تیموتائوس نیز بصورت نقل قول بکار برده شده بود، پس چرا یک کاتب باید آن را تغییر دهد؟ واژه‌ای که اصل تشخیص داده شده بود هیچ تفاوتی در ترجمه بوجود نمی‌آورد، اما قطعاً قواعد متنی را که بویسه منتقدین متنی به تصویر می‌کشد. این منتقدان تیز بین سعی در ارزیابی نسخه‌های خطی کوبین یونانی داشتند تا شکل اصلی کلمات را بیرون آورند. به پیوست دو رجوع نمایید.

موضوع خاص: انتقادات متنی

(SPECIAL TOPIC: TEXTUAL CRITICISM)

این موضوع خاص جهت توضیح یادداشتهای متنی است که در این تفسیر یافت می‌شوند. رئوس مطالب زیر مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت:

I. منابع انگلیسی انجیل

A. عهد قدیم

B. عهد جدید

II. توضیح مختصر مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "انتقاد متنی"

III. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

I. منابع متنی انجیل انگلیسی ما

A. عهد قدیم

۱. منبع مازراتی (*Masoretic Text - MT*) - متن عبری مختلط که توسط ربی آکویبا (*Rabbi Aquiba*) در سال ۱۰۰ پس از

میلاد تنظیم شده است. اضافه کردن حروف صدا دار، تاکیدها، پی نویسه‌ها، علامتگذارها و نشانه گذارها در قرق ششم پس از میلاد شروع و در قرن نهم پس از میلاد خاتمه یافت. این کار توسط یک خانواده تحصیل کرده یهودی بنام مازراتی انجام شد. فرم متنی که مورد استفاده قرار گرفت مشابه فرمی است که در میشنا، تلمود، تارگومز، پشیتا و والگیت استفاده شد.

۲. سپتواگینت (*Septuagint - LXX*) - روایتی می‌گوید که سپتواگینت (ترجمه یونانی عهد عتیق) توسط هفتاد استاد یهودی در

هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تحت حمایت شاه پتولمی دوم (*Ptolemy*) (۲۸۵ الی ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. این ترجمه ظاهراً به درخواست یک رهبر یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد تهیه شده است. این روایت از "نامه‌های ارسطو" می‌آید. *LXX* عمدتاً بر اساس تفاوت‌های میان متن سنتی عبری از متن ربی آکویبا (*MT*) هستند.

۳. کتیبه دریای سیاه (*Dead Sea Scrolls - DSS*) - کتیبه دریای سیاه به زبان رومی در دوره ۲۰۰ تا ۷۰ بعد از میلاد توسط یک

فرقه یهودی بنام "اسنس" (*Essenes*) نوشته شده بود. نسخه دستنویس عبری، در چندین نقطه در اطراف دریای سیاه یافت شد، که نگارشهای مختلف متن عبری MT و LXX در پی هم نشان می‌دهد.

۴. برخی مثالها که نشان می‌دهند چگونه مقایسه این متون به مترجمین کمک کرده است که عهد عتیق را بهتر درک کنند.

a. LXX به مترجمین و اساتید کمک کرده است که تا MT را درک کنند

(۱) LXX اشعیا ۵۲: ۱۴، "چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند"

(۲) MT اشعیا ۵۲: ۱۴ "بسیاری از تو به حیرت درآمدند"

(۳) در اشعیا ۵۲: ۱۵ تمایز ضمیر در LXX تأیید می‌شود.

a) LXX پس بسیاری از ملتها از او در حیرت خواهند شد

b) MT پس او ملتهای زیادی را شگفت زده می‌کند

b. DSS به مترجمین و اساتید کمک کرد که MT را درک کنند

(۱) DSS اشعیا ۲۱: ۸ "آنگاه دیدبان فریاد برآورد از بالای برج من ایستاده ام..."

(۲) MT اشعیا ۲۱: ۸ "و من فریاد زدم، شیر! خداوندا، من همیشه در روز در برج ایستاده و مراقب خواهم بود"

c. هر دو DSS و MT به روشن شدن اشعیا ۵۳: ۱۱ کمک کرده‌اند

(۱) DSS و LXX "ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد"

(۲) MT "او خواهد دید.... مصیبت روحش را، او اقناع خواهد شد"

B. عهد جدید

۱. بیش از ۵۳۰۰ دستنویس از نسخه یونانی عهد جدید وجود دارند. حدود ۸۵ نسخه بر روی پاپیروس و ۳۶۸ نسخه دستنویس با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود قرن نهم میلادی، یک نسخه منحصر به فرد تنظیم شد. تعداد نسخ یونانی به صورت دستنوشته حدود ۲۷۰۰ نسخه می‌باشد. همچنین حدود ۲۱۰۰ کپی از فهرست کتاب مقدس برای دعا استفاده می‌شد که ما به آنها "صورت آیات" می‌گوئیم.
۲. حدود ۸۵ نسخه یونانی حاوی بخشهایی از عهد جدید بر روی پاپیروس هستند که در موزه نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی باز می‌گردد، ولی بیشتر آنها مربوط به قرنهای سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این MSSها متن کامل کتاب مقدس را شامل نمی‌شوند. صرفاً به دلیل اینکه اینها قدیمیترین کپی‌های عهد جدید هستند، بدین معنا نیست که انواع دیگری وجود نداشته باشد. از روی بسیاری از اینها برای استفاده داخلی کپی برداری شد. در طول این فرایند، به مراقبت از آنها توجهی نشد. بنابراین در میان آنها تنوع و تفاوت وجود دارند.
۳. Codex Sinaiticus که با حرف "S" (الف) یا (۰۱) شناخته می‌شود، در صومعه سنت کاترین در کوه سینا توسط تیشندورف پیدا شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی باز می‌گردد. و حاوی هم LXX عهد عتیق و هم یونانی عهد عتیق است. این یکی از انواع "متون اسکندریه‌ای" است.
۴. Codex Alexandrinus که با "A" هم شناخته می‌شود، دستنویس متعلق به قرن پنجم میلادی است که در اسکندریه مصر یافت شد.
۵. Codex Vaticanus که با "B" یا (۰۳) هم شناخته می‌شود، در کتابخانه واتیکان در رم یافت شد و قدمت آن مربوط به اواسط قرن چهارم بعد از میلاد است. حاوی هم LXX عهد عتیق و هم نسخه یونانی عهد جدید است. این متن از نوع "متن اسکندریه‌ای" است.
۶. Codex Ephraemi، که با "C" یا (۰۴) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی است که بخشی از آن نابود شده است.
۷. Codex Bezae، که با "D" یا (۰۵) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی مربوط به قرن پنجم یا شش میلادی است. این نسخه اصلی است که نماینده چیزی است که امروز "انجیل غربی" خوانده می‌شود. حاوی اضافات بسیاری است و شاهد اصلی است برای ترجمه شاه جیمز.
۸. NT MSS را می‌توان در سه یا شاید چهار گروه/خانواده تقسیم بندی کرد که در مشخصه‌های خاصی با هم وجه اشتراک دارند.
 - a. متن اسکندریه‌ای از مصر

(۱) P⁶⁶, P⁷⁵ (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می‌کند

- ۲) P⁴⁶ (حدود سال ۲۲۵ میلادی)، که نامه‌های پطرس را ثبت می‌کند
- ۳) P⁷² (حدود سالهای ۲۲۵ تا ۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهودا را ثبت می‌کند
- ۴) Codex B که به آن Vaticanus هم گفته می‌شود (حدود سال ۳۲۵ میلادی) که شامل متن کامل عهد عتیق و عهد جدید است
- ۵) نقل قول اورینگن از این نوع متن
- ۶) سایر MSSها که این نوع متن را نشان می‌دهند: 33, W, L, C, 8
- b. متن غربی از آفریقای شمالی
- ۱) نقل قولهای پدران کلیسای آفریقای شمالی تروتولیان، سایبریان، و ترجمه قدیمی به لاتین
- ۲) نقل قولهایی از ایرانیوس (Irenaeus)
- ۳) نقل قولهایی از تائیان و ترجمه قدیمی سیریاک
- ۴) Codex D یا "Bezae" که به این نوع متن نوشته شده
- c. متن بیزانس شرقی از قسطنطنیه
- ۱) این نوع متن منعکس کننده بیش از ۸۰٪ از ۵۳۰۰ متن MSS است
- ۲) نقل قول شده از Antioch از پدران کلیسای سوریه، کاپادوسیانس (Cappadoceans)، کریسوستوم (Chrysostom) و تروودورت (Therodoret)
- ۳) Codex A فقط در انجیل
- ۴) Codex E (قرن هشتم) برای متن کامل عهد جدید
- d. نوع احتمالا چهارم سزازی از فلسطین
- ۱) عمدتا فقط در انجیل مرقس دیده میشود
- ۲) برخی از اقرارها به آن در P⁴⁵ و W هستند
- II. مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "نقد متنی"
- A. تنوعات چگونه به وجود آمدند
۱. غیر عمدی یا تصادفی (طیف وسیعی از پیش آمدها)
- a. خطای چشمی در زمان کپی و دستنویسی که چشم دو کلمه مشابه را می‌بیند و یکی یا همه کلمات بین آنها را ناخودآگاه حذف می‌کند (homoioteleuton)
- ۱) خطای چشم در حذف کلمات دو حرفی یا عبارات
- ۲) خطای ذهن در تکرار عبارت یا جمله یک متن یونانی
- b. خطای شنیداری در زمان دستنویسی و هنگامی که فرد متن را برای کپی کننده می‌خواند و در این حالت خطای نوشتاری صورت می‌گیرد. اغلب اغلاط املائی به دلیل تشابه صوتی کلمات یونانی صورت گرفته‌اند.
- c. نسخ اولیه متن یونانی فصل بندی و آیه بندی نشده بود، علامتگذاری بسیار کم و اغلب نداشتند و هیچ فاصله ای میان کلمات نبود. این احتمال وجود دارد که یک کلمه از جاهای مختلف جدا شود و بدین ترتیب کلمه دیگری شده و معنی دیگری بدهد
۲. عمدی
- a. تغییراتی اعمال شدند تا ساختار دستور زبانی متن کپی شده بهبود یابد
- b. تغییراتی اعمال شدند تا متن با سایر متون انجیل همخوانی داشته باشد (هارمونی مترادفها)
- c. تغییراتی اعمال شدند تا با ادغام دو یا چند متن متفاوت یک متن مرکب طولانی به وجود آید (تالیف)
- d. تغییراتی اعمال شدند تا مشکلی که در مشاهده شده بود اصلاح گردد (مراجعه شود به اول قرن‌تبان ۱۱: ۲۷ و اول یوحنا ۵: ۷ و ۸)
- e. برخی اطلاعات توضیحی در مورد رخدادهای تاریخی یا تفسیر مناسب متن به صورت پی‌نویس توسط یک نگارنده اضافه شد و نگارنده بعدی آن را به داخل متن منتقل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۴)
- B. فرضیه‌های اولیه نقد متنی (راهنماییهای منطقی برای تعیین اینکه کدام متن اصلی و وقتی تنوع زیادی موجود است خواننده شود)
۱. عجیبترین و غیر معمولترین دستور زبان به کار رفته در متن احتمالا اصل است

۲. کوتاهترین متن احتمالا اصل است
۳. به متن قدیمتر بهای بیشتری داده می شود به دلیل نزدیکی تاریخی به اصل، بقیه برابر هستند
۴. MSS ها که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، معمولا خوانندگان اصل دارند
۵. متونی که از نظر دکتترین ضعیف هستند، به خصوص آنها که در ارتباط با بحثهای اصلی الهیات در دوران تغییر دستنویسها بودند مانند تثلیث در اول یوحنا ۵: ۷ الی ۸ باید ترجیح داده شود.
۶. متنی که به بهترین شکل بتواند سایر نسخه های متفاوت را توضیح دهد
۷. دو نقل قول که می توانند به برقراری توازن میان سایر نسخه های متفاوت کمک کنند و آن را نشان دهند
- a. کتاب *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر J. Harold Greenlee "هیچ دکتترین مسیحی نمی تواند نسبت به یک متن قابل بحث کوتاه بیاید، و دانشجوی عهد جدید باید آگاه باشد که متن او باید ارتدکسی تر یا از نظر دکتترین باید قویتر از نسخه اصل که تحت الهام بوده، باشد" (صفحه ۶۸).
- b. W. A. Criswell به Greg Garrison از *The Birmingham News* گفته که او (کریسول) باور ندارد که تمامی کلمات انجیل تحت الهام باشد، "حد اقل نه تمامی کلماتی که طی قرنهای توسط مترجمین به دنیای مدرن منتقل کرده اند". کریسول گفت:
- "من شدیداً به نقد متن اعتقاد دارم. بدین ترتیب، فکر می کنم، نیمه آخر فصل شانزدهم انجیل مرقس ارتداد است. تحت الهام نیست، صرفاً ساختگی است... وقتی آن دستنویسهای بسیار قدیمی را مقایسه می کنیم، چنین جمع بندی که در کتاب مرقس آمده وجود ندارد. کسی آن را اضافه کرده است...."
- بزرگان SBC همچنین ادعا کردند که اضافاتی هم در انجیل یوحنا ۵، در قسمتی که عیسی در کنار حوض بیت الحم است صورت گرفته است. و در مورد دو شیوه مختلف قتل یهودا صحبت می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷ و اعمال رسولان ۱). کریسول می گوید: "این صرفاً یک نگرش متفاوت نسبت قتل است." "اگر در انجیل قرار دارد، توضیحی برای آن وجود دارد. و دو شرح از قتل یهودا در انجیل وجود دارد." کریسول اضافه می کند "نقد متنی به نوبه خود، علم حیرت انگیزی است. زودگذر نیست، بی ربط نیست، پویا و مرکز...."

III. مشکلات دستنویس (نقد متن). منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

- a. *Biblical Criticism: Historical, Literary and Textual* اثر آر. اچ. هریسون
- b. *The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption and Restoration* اثر بروس ام متزگر
- Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر جی. اچ. گرینلی

"دغدغه خدا، گاو نیست، هست؟" NASB

"آیا این گاو است که فکر خدا را بخود مشغول کرده" NKJV

"آیا این گاو است که دغدغه خداست؟" NRSV

"اکنون، آیا خدا نسبت به گاو احساس مسئولیت می کند؟" TEV

"آیا در اینجا خدا نسبت به گاو احساس مسئولیت دارد؟" NJB

آیات ۹ و ۱۰ نشان می دهند که چگونه یک متن عهد عتیق گسترش پیدا کرده (برای ترسیم یک کار یا برنامه منحصر بفرد) تا نیازهای یک روز جدید را محیا سازد (رومیان ۲۴-۴: ۲۳؛ ۱۵: ۴؛ اول قرن تیان ۹: ۱۰؛ ۶: ۱۰، ۱۱). عهد عتیق اهمیت خاصی را برای حیوانات بنمایش می گذارد (خروج ۲۱: ۳۳، ۳۵؛ ۱۳-۲۷: ۱۰؛ ۲۳: ۵، ۱۲؛ تثنیه ۵: ۱۴؛ ۴: ۲۲). عیسی به این امر اشاراتی دارد (لوقا ۱۳: ۱۵؛ ۱۴: ۵، در جاییکه قواعد ربیانی را "سبک و سنگین" می کند). البته این امر بدین مفهوم نیست که خدا به حیوانات اهمیت نمی دهد، بلکه او به انسانها هم اهمیت می دهد، و در این متن، برای کارگران انجیل هم ارزش قائل است (۱ تیموتائوس ۵: ۱۸). این مورد مشابه متی ۶: ۲۶-۳۴ است. عیسی از قوانینی که خدا در طبیعت وضع کرده برای تصریح قواعد وضع شده برای بشریت در تصویر خدا بهره برده است. این یک تکنیک عادی شناخته شده ربیان بعنوان "هر چه کمتر بهتر" یا "سبک سنگین" کردن بوده یکی از قواعد هیلل بود (، Tosefta Sanhedrin C.17 و Aboth, de Rab. Nathan XXXVII). بخاطر داشته باشید که گامالاتیل معلم پولس (اعمال رسولان ۵: ۳۴؛ ۲۲: ۳). به ضمیمه شماره سه (Rabbinical Hermeneutics) در کتاب عبرانیان بمنظور ربی شدن بوده است. برای مطالعه این کتاب به وب سایت www.freebiblecommentary.org مراجعه نمایید.

"یا همه را بخاطر ما نمی‌گوید؟ بله، بخاطر ما این کلام برای ما نوشته شده است"	NASB
"یا بخاطر ما نمی‌گوید؟ بله، بخاطر ما بی‌تردید این کلام برای ما نوشته شده است"	NKJV
"یا کاملاً بخاطر ما نمی‌گوید؟ به یقین، این کلام برای ما نوشته شده است"	NRSV
"آیا وقتی آنچه را که گفت بمنظور ما نبود؟ البته که این کلام برای ما نوشته شده بود"	TEV
"آیا آنچه را که گفت بخاطر ما نبود؟ روشن است که بخاطر ما این کلام نوشته شده بود"	NJB

پولس بارها تصریح کرده است که عهد عتیق بعنوان یک سرمشق برای ایمانداران عهد جدید نوشته شده است (رومیان ۴:۲۳-۲۴؛ ۱۵:۴؛ اول قرتیان ۹:۱۰؛ ۱۰:۱۰، ۶:۱۱). تعلیمات پولس به او یاد داد که شرع را در شرایط کنونی اعمال نماید. او در اینجا مبحث ربیانی "سبک و سنگین" یا "هر چه کمتر، بیشتر" استفاده می‌کند.

در متن کتاب تثنبه ۴:۲۵، این موضوع ناشناخته و بی‌مورد بوده است. سوالی که بر پایه علم تفسیر کتاب مقدس بوجود می‌آید این است که، "آیا پولس از نیت اصلی یک نویسنده تحت وحی بهره می‌برد؟" پاسخ به این سوال به روشنی منفی می‌باشد! اما آیا پولس از یک قاعده جامع و کاربردی متقن استفاده می‌کرد؟ پولس الهام گرفته بود. او حقیقت را در حدی می‌دید که ما توان آن را نداریم! با اینحال، ما تحت الهام و وحی قرار نگرفته‌ایم، اما بوسیله روح روشن گردیده‌ایم. مفسرین امروزی نمی‌توانند شیوه‌های تفسیری نویسندگان عهد جدید را دوباره تولید و بکار گیرند. بنابراین، بهتر این است که بگذاریم آنها خود سخن بگویند، اما خودمان را به قواعد دستوری تاریخی محدود نماییم، که این امر باعث می‌گردد نیت نویسنده اصلی را درک نماییم، اما در عین حال اجازه می‌دهیم بسیاری از قواعد که در ارتباط با نیت اصلی نویسنده می‌باشند، بکار گرفته شوند! به موضوعات خاص روشنگری و الهام و وحی در ابتدای اول قرتیان ۲ مراجعه نمایید.

۱۱:۹ "اگر...اگر" هر دوی این جملات شرطی نوع اول می‌باشند که با توجه به دیدگاه نویسندگان یا مقاصد ادبی او، درست بنظر می‌رسند.

سوال اصلی این است که آن دیگرانی که مدعی داشتن پشتیبانی از سوی کلیسای قرتنس بودند، چه کسانی بودند؟ آیا معلمان دروغین مسافر بودند یا آنان که بخشی از رهبری محلی بودند؟ احتمالاً اشاره دارد به دیگر رهبران محلی که به کلیسا اجازه پشتیبانی از خود را نمی‌دادند (ترجمه J. B. Phillips).

□ "کاشتیم... برداشت کنیم" قواعد کشاورزی در عهد عتیق در رابطه با دروی محصول تبدیل به قواعد معنوی می‌گردد (ایوب ۴:۸؛ امثال ۲۲:۸؛ هوشع ۸:۷؛ حجتی ۱:۶؛ یوحنا ۴:۳۷؛ اول قرتیان ۹:۱۱؛ دوم قرتیان ۹:۶، ۱۰؛ غلاطیان ۷:۶-۹).

□ "محصولی مادی" این عبارت در واقع *ta sarkika* بمعنی "چیزهای دارای گوشت" است، اما نه از دید گناه، بلکه بیشتر در یک حالت فیزیکی، بعنوان بشری که نیاز به زنده ماندن در این دنیا دارد، بیان شده است (آب، خوراک، پناهگاه، پوشاک و غیره... رومیان ۱۵:۲۷).

۱۲:۹ "اگر" این نیز جمله شرطی دیگری است. دیگر رهبران حق را تمرین می‌کردند (*exousia*) تا بلحاظ مادی پاداش دریافت کنند.

□ "آیا ما بیشتر" این کنایه به این حقیقت است که شروع کننده آن کلیسا، پولس بوده است. او پدر معنوی آنان بوده است (اول قرتیان ۴:۱۵). اکنون آنان حقوق معنوی وی را پس می‌زدند (اول قرتیان ۹:۱۱، ۱۴؛ رومیان ۱۵:۲۷)، اما به دیگران این اجازه را می‌دادند تا پادشاهای مادی مطالبه نمایند.

□ "به هر چیز تن در دادیم" این واژه حالت استعاره کلمه یونانی "سقف" است، بمعنی "پوشاندن"، "پنهان کردن"، "تحمل کردن و تن در دادن" (اول قرتیان ۱۳:۷).

□ "مانع" این یک واژه بسیار نیرومندی است که در سیستم‌های نظامی و ارتشی بکار برده می‌شود. این کلمه در ارتباط با از بین بردن یک جاده بمنظور جلوگیری از دسترسی و استفاده دشمن بکار برده می‌گردد.

□ "انجیل مسیح" واژه "Gospel" در حقیقت بمعنی "خبر خوش" می‌باشد. این واژه چندین جنبه را شامل می‌گردد.

۱. خبر بد گناه و سرکشی بشر
 ۲. تدارکات سخاوتمندانه خدا برای رسیدگی به وضعیت گناه بشر (مرگ مسیح)
 ۳. دعوت با آغوش باز برای هر چیزی یا هر کسی بوسیله توبه و ایمان، آنچه را که خداوند مقرر فرموده پذیرا باشند
- خبر خوش درباره عیسی شامل سه جنبه می‌گردد
۱. انسانی است که او را باید پذیرا باشیم (عیسی)

۲. واقعیات درباره آن انسان است که باید باور داشته باشیم (عهد جدید)

۳. زندگی است که آن انسان بوجود می‌آورد (زندگی همچون مسیح).

در صورتیکه هر یک از این سه جنبه نادیده گرفته شده و یا کم اهمیت تلقی گردد، خبر خوش (انجیل) صدمه خواهد خورد!

۱۳:۹ "آنان که در معبد کار می‌کنند، خوراکشان از معبد تأمین می‌شود" این آیه اشاره به کشیشان و لایوان عهد عتیق دارد (لایوان ۷:۶، ۸-۱۰، ۱۴، ۲۸-۳۶؛ تثنیه ۱۸:۱). پولس از واژه‌ای استفاده کرد که در نسخه Septuagint برای کارهای کاهانه (اعداد ۳:۷؛ ۸:۱۵) و همچنین کار کردن بطور کلی بکار برده شده است (پیدایش ۲:۵، ۱۵؛ ۳:۲۳؛ ۴:۲، ۱۲؛ ۲۹:۲۷). پولس به مأموریت بشارت خیر خوش که مشغول انجام آن بود، بعنوان کاری کاهانه می‌نگریست (رومیان ۱۵:۱۶).

۱۴:۹ "خداوند حکم کرده است" این آیه اشاره به کلام عیسی در متی ۱۰:۱۰ و لوقا ۷:۱۰ دارد. پولس همیشه سعی داشته تا حد امکان آموزه‌های عیسی را به موضوعی مربوط نماید.

متن NASB (بروز شده): اول قرتیان ۹:۱۵-۱۸

۱۵ اما من از هیچ‌یک از این حقوق بهره نگرفتم و این را نیز نمی‌نویسم تا در حَقم چنین کنید. مرگ را بر آن ترجیح می‌دهم که کسی این مایهٔ فخر را از من بگیرد. ^۶ زیرا اگر بشارت دهم مرا فخری نیست، چراکه ناگزیر از آنم؛ بلکه وای بر من اگر بشارت ندهم! ^۷ زیرا اگر به اختیار این کار را انجام می‌دادم، از پاداش برخوردار می‌بودم؛ ولی اگر به اختیار نباشد، فقط انجام وظیفه می‌کنم. ^۸ در این حالت، چه پاداشی می‌توانم داشته باشم؟ تنها اینکه انجیل را به‌رایگان بشارت دهم و از حق خود در آن بهره‌برنگیرم.

۱۵:۹ "اما من از هیچ‌یک از این حقوق بهره نگرفتم" این جمله اخباری کامل است. پولس هرگز وجهی از قرنتس دریافت نکرد، احتمالاً بدلیل اینکه کسانی در آن کلیسا بودند تا از هر چیزی برای حمله به او استفاده می‌کردند. اما او از فیلیپی (اول قرتیان ۴:۱۵) و تسالونیکا (دوم قرتیان ۱۱:۹) پول دریافت کرد، اما بعد، نه زمانی که آنجا بود.

□ "مرگ را بر آن ترجیح می‌دهم" این اظهارات درباره پذیرش یا رد وجوه دریافتی بسیار قوی می‌باشند. در عین حال در این مقطع یک مشکل بلحاظ دستور زبان وجود دارد که منجر به تعدد زیاد نسخه‌های خطی یونانی گردیده است. پولس درباره این موضوع بسیار حساس است. او از فیلیپی (فیلیپیان ۴:۱۵) و از تسالونیکا (دوم قرتیان ۱۱:۹) پول دریافت کرد، پس چرا قرنتس سوال بوجود آورده است؟ بروشنی به این دلیل که او شخصاً مورد حمله برخی گروه‌ها، نفاق‌افکن‌ها یا معلمان دروغین قرار داشت.

پس از جمله میانی، یک حالت تعلیق میان تفکرات پولس بوجود آمد. توجه داشته باشید که چگونه نسخه‌های NET Bible و NRSV یک خط تیره قرار داده‌اند، اما نسخه NJB با قرار دادن نقطه، سعی در نشان دادن مکث دستوری دارد. مشخص نیست که این مکث‌ها تا چه حد بر روی عبارات بعدی اثرگذار است. اما ظاهراً منظور پولس تصریح بر عدم دریافت هرگونه وجه نقد از کلیسای قرتیان بوده، اما او این موضوع را نگفته باقی گذاشت. این عبارات بشدت احساسی هستند. پولس دلشکسته شده و عکس‌العمل نشان می‌دهد، و در این مقطع فقط درس نمی‌دهد. تمام زندگی او قواعد را بتصویر کشیده است (همه چیز، هر زمان، با هر کسی برای انجیل، دوم قرتیان ۱۲-۴:۵؛ ۱۳-۶:۳؛ ۳۳-۱۱:۱۶)!

بسیار دشوار است نامه پولس را ترجمه کنیم، در حالیکه (۱) نامه‌ای را که کلیسای قرنتس برای او نوشته و یا (۲) هیچ اطلاعی درباره وضعیت محلی آنجا در دست نداریم.

۱۶:۹ "اگر...اگر" اینها جملات شرطی نوع سوم هستند که بمعنی احتمال وقوع عملی می‌باشند.

□ "ناگزیر از آنم؛ بلکه وای بر من اگر بشارت ندهم" پولس بدلیل فراخوان مخصوص مسیح در راه جاده دمشق، احساس می‌کرد مجبور به موعظه انجیل است (اعمال رسولان ۹:۱۵؛ رومیان ۱:۱۴). او همچون ارمیا بود (ارمیا ۲۰:۹). او باید انجیل را به اشتراک می‌گذاشت (اعمال رسولان ۴:۲۰).

۱۷:۹ "اگر...اگر" اینها هر دو جملات شرطی نوع اول هستند که با توجه به دیدگاه نویسنده یا مقاصد ادبی او، درست بنظر می‌رسند.

□ "انجام وظیفه می‌کنم" این جمله اخباری است. هم افتخار عهد خداوند نصیب کارگران انجیل گردیده و هم مسئولیتی که مایه مباهات است (اول قرتیان ۴:۱؛ غلاطیان ۲:۷؛ افسسیان ۲:۳؛ کولسیان ۱:۲۵). به یادداشت کاملتر در اول قرتیان ۴:۱ مراجعه نمایید.

۱۹ زیرا با اینکه از همه آزادم، خود را غلام همه ساختم تا عده‌ای بیشتر را دریابم. ۲۰ نزد یهودیان چون یهودی رفتار کردم، تا یهودیان را دریابم. با آنان که زیر شریعتند همچون کسی که زیر شریعت است رفتار کردم تا آنان را که زیر شریعتند دریابم - هرچند خود زیر شریعت نیستم. ۲۱ نزد بی‌شریعتان همچون بی‌شریعت رفتار کردم تا بی‌شریعتان را دریابم، هرچند خود بدون شریعت خدا نیستم، بلکه مطیع شریعت مسیحم. ۲۲ با ضعیفان، ضعیف شدم تا ضعیفان را دریابم. همه کس را همه چیز گشتم تا به هر نحو بعضی را نجات بخشم. ۲۳ این همه را به خاطر انجیل می‌کنم، تا در برکات آن سهیم شوم.

۱۹:۹ "زیرا با اینکه از همه آزادم" این عبارات تأکیدی بر آزادی معقول مسیحیان است (اول قرن‌تین ۹:۱؛ ۱۰:۱۰؛ ۲۹:۱۵؛ غلاطیان ۱۳:۱۵). مارتین لوتر گفته است: "یک انسان مسیحی، ارباب آزادی است که بنده هیچکس و هیچ چیز نیست. یک انسان مسیحی خادم همه چیز و همه کس است." به یادداشت رومیان ۱۴ و ۱۵ در اول قرن‌تین ۶:۱۲ توجه نمایید.

□ "خود را غلام همه ساختم" این بخش از آیه تأکیر بر مسئولیت‌پذیری مسیحیان است (رومان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵؛ دوم قرن‌تین ۴:۵). پولس بدلیل اینکه یک برده برای مسیح بود، لذا خود را برده‌ای همه کسانی می‌دانست که مسیح بخاطر آنها برای خدمت آمده بود، هم ایماندار و هم بی‌ایمان. به موضوع خاص خدمت رهبری در اول قرن‌تین ۴:۱ مراجعه نمایید.

□ "تا عده‌ای بیشتر را دریابم" در اینجا در واقع از عبارت "جمع کردن" استفاده شده است (*kerdainō*). این عبارت در عهد جدید به حالات مختلفی بکار برده شده است (اول قرن‌تین ۹:۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۱ پطرس ۳:۱). این هدف تبشیر برای تمام اعمال و کردار ما است (اول قرن‌تین ۲۳-۲۲:۹). تبشیر به عمد، در همه ابعاد زندگی ما، نه فقط در روش، کلید توازن مناسب میان آزادی و مسئولیت‌پذیری در مسیحیت است.

۲۰:۹ این آیه نیت پولس را نشان می‌دهد. هدف اصلی پولس بشارت دادن بود (اول قرن‌تین ۹:۲۰-۲۳؛ ۱۰:۳۱-۳۳). بنابراین، او تیموتائوس را ختنه کرد تا با یهودیان بتواند کار کند (اعمال رسولان ۱۶:۳)، اما با تیتوس این کار را نکرد (غلاطیان ۲:۳-۵) تا آزادی عمل انجیل در میان غیریهودیان بمخاطره نیافتد.

□ "هرچند خود زیر شریعت نیستم" بسیار جالب توجه است که متن غربی (*Textus Receptus*) که بدلیل گرایشی که به طولانی کردن متن دارد، مشهور است، این عبارت اصلی مشهور را ثبت نکرده است. این عبارت در نسخه‌های خطی یونانی ⁴⁶ A, B, C, D, F, G, P, N, P و همچنین نسخه Syriac, Coptic و ترجمه ارمنی دیده می‌شود. ما باید کلام پولس را به کلام عیسی در متی ۲۰-۵:۱۷ ارتباط دهیم. پولس بدور از شریعت موسی کار نمی‌کند، اما حقیقت مکمل را در مسیح می‌بیند. شریعت مضمون رستگاری نیست، اما (۱) مکاشفه راستین و (۲) بازتاب دهنده خواست خدا برای بشریت در جامعه است. عملکرد آن در تداوم تذهیب نمود پیدا می‌کند و نه داور. به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۹:۹ مراجعه شود.

۲۱:۹ "بلکه مطیع شریعت مسیحم" این عبارت شیوه عهد جدید برای پیمان جدید ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ است. چندین راه مختلف توسط پولس و یعقوب مطرح گردیده شده است ("شریعت روح حیات"، رومیان ۸:۲؛ "شریعت مسیح" غلاطیان ۶:۲؛ "شریعت کامل، شریعت آزادی"، یعقوب ۱:۲۵ و ۲:۱۲؛ "شریعت شاهانه" یعقوب ۲:۸).

۲۲:۹ "با ضعیفان، ضعیف شدم تا ضعیفان را دریابم" در اینجا معنی "ضعیف" مشخص نیست زیرا در این متن برای وسواس زیاد از حد یا مسیحیان خرافاتی بکار برده شده است (اول قرن‌تین ۸:۷، ۱۰). احتمالاً ارتباط با کافران خرافاتی داشته باشد (اول قرن‌تین ۹:۲۱). نسخه ترجمه ویلیامز حتی این عبارت را "وسواس بیش از حد" ترجمه کرده، که خوب بنظر می‌رسد. به موضوع خاص: ضعف در دوم قرن‌تین ۱۲:۹ مراجعه نمایید.

□ "همه کس را همه چیز گشتم تا به هر نحو بعضی را نجات بخشم" به تعداد عبارت "همه" در این متن توجه نمایید (در نسخه انگلیسی سه بار). نفس درونی پولس از خود-محور به انجیل-محور تغییر کرده است. او برای خدمت به مسیح، خدمت به انجیل و خدمت به پادشاهی خدا از آزادی برخوردار است (رومان ۶:۱۱؛ ۷:۴). انعطاف‌پذیری، تعمد و عشق جنبه‌های حیاتی زندگی پولس و مأموریت بشارتی او هستند! ذهن پولس همیشه معطوف به بشارت بوده است (رومان ۱۱:۱۴؛ اول قرن‌تین ۱:۲۱؛ ۷:۱۶؛ ۳۳-۱۰:۳۱؛ تیموتائوس ۱:۱۵). با اینحال، گفتن این موضوع دردناک است که آخرین عبارت گویای این مطلب است که اکثریت افرادی که شنونده او بودند، به پیام او پاسخ نداده و ایمان نیاوردند. اینکه چرا برخی می‌شنوند (با گوش بصیرت) و برخی ناشنوا باقی می‌مانند، راز انتخاب آزادی عمل و فکر است.

۲۳:۹ این آیه خلاصه و در واقع حکم عبور به آیات دیگر را دارد. می‌توان آن را در کنار اول قرن‌تین ۹:۱۹-۲۲ یا ۲۴:۲۷ دید و یا بتنهایی آن را ارزیابی نمود. این آیه از رسیدن به رستگاری بوسیله عمل دفاع نمی‌کند. پولس بدلیل بشارتی که می‌داد نجات نیافته بود. او این کار را انجام می‌داد چون انجیل را پذیرفته و اهمیت و صلح و آرامش آن را درک کرده بود.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۹:۲۴-۲۷

۲۴ آیا نمی‌دانید که در میدان مسابقه، همه می‌دوند، اما تنها یکی جایزه را می‌برد؟ پس شما چنان بدوید که ببرید. ۲۵ هر که در مسابقات شرکت می‌جوید، در هر چیز، تن به انضباطی سخت می‌دهد. آنان چنین می‌کنند تا تاجی فانی به دست آورند؛ ولی ما چنین می‌کنیم تا تاجی غیرفانی به دست آوریم. ۲۶ پس من این‌گونه می‌دوم، نه چون کسی که بی‌هدف است؛ و مشت می‌زنم، نه چون کسی که هوا را بزند؛ ۲۷ بلکه تن خود را سختی می‌دهم و در بندگی خویش نگاهش می‌دارم، مبادا پس از موعظه به دیگران، خود مردود گردم.

۲۵:۹ "هر که در مسابقات شرکت می‌جوید، در هر چیز، تن به انضباطی سخت می‌دهد" پولس در اینجا از استعاره ورزشی بازیهای باستانی ایستیمیان که در قرن‌تس بمدت دو سال برگزار شد، بهره برده است. در اینجا تأکید بر روی حداکثر بهره بوسیله رقابتهای ورزشی می‌باشد و نه تلاشهایی که با دو دل بودن انجام می‌گیرد (عبرانیان ۱۲:۱-۳). یک مسیحی برای رسیدن به رستگاری با کسی رقابت نمی‌کند، بلکه او از قبل رستگاری را تجربه کرده است. ما بواسطه مسیح در مسابقه برنده شده‌ایم، اکنون بخاطر مسیح این مسابقه را ادامه می‌دهیم!

■ "تاج غیرفانی" برندگان مسابقات قرن‌تین تاجی از کاج دریافت می‌کردند (در آتن تاجی از شاخه‌ی زیتون؛ در دلفی شاخه‌ی برگ بو)، که خیلی زود پژمرده می‌گردید. ایمانداران تاج (۱) شادی (۱) تسالونیکیان (۲:۱۹)؛ (۲) پارسایی (۲) تیموتائوس (۴:۸)؛ (۳) حیات (یعقوب ۱:۱۲؛ مکاشفه ۲:۱۰)؛ و (۴) جلال (۱) پطرس (۵:۴) دریافت می‌کنند. این تاجها هرگز از بین نمی‌روند. ما برای آنچه که از بین نمی‌رود، تلاش می‌کنیم!

۲۶:۹-۲۷ "می‌دوم...مشت می‌زنم... نگاهش می‌دارم" اینها نیز استعاره‌هایی برگرفته از مسابقات ورزشی هستند که نیاز به انضباط و کنترل نفس را در یک فرد مسیحی ترسیم می‌نمایند. زندگی مسیحی دارای ملزومات و قواعدی است. همه اینها مرتبط می‌شوند به پادشاهی که دریافت می‌کنیم و نه رستگاری ما. پولس حتماً از بازیهای ورزشی آن روزگاران خیلی بوجد آمده باشد، او اغلب از اینگونه استعاره‌ها برای نشان دادن زندگی در دنیای مسیحیت بهره می‌برد.

موضوع خاص: اندازه پاداش و مجازات

(Special Topic: Degrees Of Rewards And Punishment)

- A. پاسخ مناسب یا نامناسب به خدا بر اساس سطح دانش فرد است. هر اندازه میزان دانش فرد کمتر باشد، مسئولیت او نیز کمتر است. بر خلاف این امر هم درست است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴۵:۱۲)
- B. دانش در مورد خدا از دو شیوه ابتدایی حاصل میشود
۱. خلقت (مراجعه شود به مزمور ۱۹، رومیان ۱ الی ۲)
 ۲. کتاب مقدس (مراجعه شود به مزمور ۱۹، ۱۱۹، عیسی آنطور که در عهد عتیق آشکار شد)
- C. شواهد عهد عتیق
۱. پاداشها
 - a. کتاب پیدایش ۱:۱۵ (معمولاً همراه با پاداش زمینی، زمین و پسران همراه است)
 - b. لاویان ۱:۲۶ الی ۱۳، کتاب تثنیه ۱:۲۸ الی ۱۴ و ۵۸ الی ۶۸ (اطاعت از پیمان نعمت همراه دارد)
 - c. دانیال ۳:۱۲
 ۲. مجازاتها - لاویان ۱۴:۲۶ الی ۳۹، تثنیه ۱۵:۲۷ الی ۲۶، ۱۵:۲۸ الی ۳۷ (نافرمانی از پیمان لعن و نفرین همراه دارد)
 ۳. الگوی عهد عتیقی پاداش برای فرد پارسای تحت پیمان به واسطه گناه انسانی تغییر یافته است. این تغییر در یعقوب و مزمور ۷۳ (یعنی "آن دو شیوه"، مراجعه شود به تثنیه ۱۵:۳۰ و ۱۹، مزمور ۱) دیده میشود. عهد جدید تمرکز را از عمل به فکر منتقل می‌کند (مراجعه شود به مؤنظله کوه، انجیل متی ۵ الی ۷).
- D. شواهد عهد جدید
۱. پاداشها (فراسوی رستگاری)
 - a. انجیل مرقس ۹:۴۱
 - b. انجیل متی ۵:۱۲ و ۴۶، ۱:۶ الی ۴، ۵ الی ۶، ۶ الی ۱۸، ۱۰:۴۱ الی ۴۲، ۲۷:۱۶، ۱۴:۲۵ الی ۲۳

c. انجیل لوقا ۲۳:۶ و ۳۵، ۱۱:۱۹ الی ۱۹، ۲۵ الی ۲۶

۲. مجازاتها

a. انجیل مرقس ۱۲:۳۸ الی ۴۰

b. انجیل لوقا ۱۰:۱۲، ۱۲:۴۷ الی ۴۸، ۱۹:۲۰ الی ۲۴، ۲۰:۴۷

c. انجیل متی ۵:۲۲ و ۲۹، ۳۰، ۱۹:۷، ۱۰:۱۵، ۱۱:۲۲، ۲۴، ۱۳:۴۹ الی ۵۰، ۶:۱۸، ۱۴:۲۵ الی ۳۰

d. یعقوب ۱:۳

E. از نظر من تنها قیاسی که معنی می دهد، از اپرا است. من در برنامه های اپرا شرکت نمیکنم بنابراین آن را درک نمیکنم. هر قدر بیشتر در مورد سختی و پیچیدگی موسیقی و رقص می فهمیدم، بیشتر اجرا را تحسین می کرد. من باور دارم که بهشت جام های ما را لبریز می کند، ولی فکر می کنم خدمت زمینی ما اندازه جام را تعیین می کند.

بنابراین، دانش و آگاهی و پاسخ بر مبنای آن آگاهی منتهی به پاداش و مجازات میشود (مراجعه شود به انجیل متی ۷:۱۶، انجیل لوقا ۱۲:۴۸، اول قرنیتیان ۳:۸ و ۱۴، ۹:۱۷ و ۱۸، غلاطیان ۷:۶، دوم تیموتائوس ۱۴:۴۳). یک اصل معنوی هم وجود دارد - ما هر آنچه را که بکاریم درو خواهیم کرد! کمی بیشتر کاشتن و دروی بیشتر (مراجعه شود به انجیل متی ۸:۱۳ و ۲۳).

F. "تاج پارسایی" کار عیسی مسیح است که ما آن را پایان دادیم (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۸:۴)، ولی توجه کنید که "تاج زندگی" به استقامت در طی محاکمه بستگی دارد (مراجعه شود به یعقوب ۱:۱۲، مکاشفه ۲:۱۰، ۳:۱۰ الی ۱۱). "تاج جلال" برای رهبران مسیحی مرتبط با شیوه زندگی آنان است (مراجعه شود به اول پطرس ۵:۱ الی ۴). پولس میدانند که او یک تاج همیشگی دارد، ولی شدیداً خود را کنترل میکرد (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۹:۲۴ الی ۲۷).

راز زندگی مسیحی این است که از کار خاتمه یافته مسیح آزاد است، ولی از آنجا که ما باید از طریق مسیح به پیام خدا پاسخ دهیم، ما همچنین باید به اقتدار زندگی مسیحی وار پاسخ دهیم. زندگی مسیح گونه به همان اندازه رستگاری ماورا طبیعی است، با این حال ما باید آن را دریافت کرده و حفظ کنیم. پارادوکس رایگان ولی با هزینه هر چیزی راز پاداشها و کاشت/برداشت است. ما با کارهای خوب نجات نمی یابیم، بلکه به خاطر کارهای خوب نجای می یابیم (مراجعه شود به افسسیان ۸:۲ الی ۱۰). کارهای خوب شاهدهی هستند که ما او را دیده ایم (مراجعه شود به انجیل متی ۷). سزاواری انسان در زمینه رستگاری به تخریب منتهی می شود، ولی به زندگی خدا پسندانه پاداش داده می شود.

۲۷:۹ "تن خود را سختی می دهیم" (متن انگلیسی "منضبط می کنم"). عبارت "انضباط یا تأدیب" در اینجا دقیقاً اشاره به ضربه زدن به صورت در زیر چشم دارد. این واژه در لوقا ۵:۱۶ بصورت نمادین بکار رفته است.

پولس درباره کنترل نفس در زندگی مسیحی کاملاً جدی بود. بدن شیطانی نیست، اما زمینه ای برای وسوسه است. اگر ایمانداران بر گوشت و پوست خود کنترل نداشته باشند، توسط آنها کنترل خواهند شد (رومیان ۱۱-۸:۱). این یک پیروزی برای یکبار نیست، بلکه ماراتون طولانی مدت از کنترل نفس برای رسیدن به مسیح است. کنترل نفس حاصل تقوای نهایی روح در غلاطیان ۵:۲۳ است.

عبارت "بدن" (*Sōma*) اشاره به تمامی شخصیت پولس دارد. بدن یکی از سه جنبه ی بشریت نیست. اغلب منظور کل یک فرد است (اول قرنیتیان ۷:۴؛ ۱۳:۳؛ رومیان ۱۲:۲؛ فیلیپیان ۱:۲۰). انجیل بشریت را بصورت واحد معرفی می کند (پیدایش ۲:۷)، نه دو قسمتی یا سه قسمتی (کتاب *A Theology of the New Testament* نوشته George E. Ladd صفحات ۴۶۴-۴۶۴). برای مطالعه بیشتر به یادداشت اول قرنیتیان ۷:۳۴ مراجعه نمایید.

NASB, NKJV "مبادا پس ... خود مردود گردم"

NRSV "من خود نباید مردود گردم"

TEV "خود را از مردود شدن حفظ کنم"

NJB "من، خود شاید مردود شوم"

واژه "مردود" در ارتباط با نقض قواعد بازیهای جهانی بصورت استعاره بکار برده شده است، با نقض این قواعد، شخص نمی توانست که مسابقه را برنده شود (۱ تیموتائوس ۶:۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۴:۷). این واژه از ریشه "آزمودن" با دید پذیرفته شدن (*dokimazōi*)، ولی با یک آلفای سلبی که آن را نفی می کند، گرفته شده است (تواریخ ۱۳:۵).

این عبارات اشاره به رستگاری پولس ندارد (با اینکه با همین حس در ۲ تیموتائوس ۳:۸ بکار برده شده بود)؛ با اینکه در پاراگراف قبل اینگونه بنظر می رسد (اول قرنیتیان ۲۳-۱۹:۹). این امر دکترینهای متعددی را که توسط پولس مطرح گردیده، بخصوص در رومیان و غلاطیان نقض می کند. او در این

پاراگراف ترس خود را از مردود شدن و نپذیرفته شدن بعنوان یک گوینده کلام خوش انجیل، به بحث می‌گذارد. عهد جدید چندین مورد از این مردود شدن‌ها را ثبت کرده است (اول قرن‌تیاں ۱۵:۱۲؛ ۱ تیموتائوس ۱:۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۴:۱۰). پولس حاصل بشارت دادن‌ها را از تعمیدها و کلیساها طلب می‌کرد. آموزش مردان جوان برای بازیهای یونان در (۱) *Ars Poetica*, 412 و (۲) *Ad Martyres 3* ذکر گردیده است. ده ماه تمرینات پر حرارت فیزیکی، رژیم‌های غذایی و محدودیتهای اجتماعی از جمله این آموزشها بوده است. با اینحال، راه متقن دیگری نیز برای مشاهده این متن وجود دارد (از کتاب *Hard Sayings of the Bible* نوشته Davids, Bruce, Branch):

”در چنین نوشته‌هایی، نویسنده توازن دیده شده در عهد جدید را مورد حمله قرار می‌دهد. نویسندگان عهد جدید مشاهدات خود را از رحمت مسیح و اطمینان متقن از اینکه در راه میراث بزرگتری در بهشت هستند را مکتوب کرده‌اند. در همین زمان، آنان با نگرانی از اینکه خود یا شنونده‌های خود ممکن بود از دین برگردند و متعاقب آن هر آنچه را که داشتند از دست دهند، می‌نوشتند. نویسندگان عهد جدید هرگز امیدی را از خود نشان نمی‌دهند که مردمان بدون توبه ممکن است به بهشت وارد گردند زیرا آنان باید تا جای ممکن بدنبال مسیح باشند. این امری منطقی بوده اما ترس برانگیز نیست، نوعی از تنشهایی است که در این افراد دیده می‌شود: پولس (۱ قرن‌تیاں ۹:۲۷؛ غلاطیاں ۵:۲، ۱۰-۷: فیلیپیان ۳:۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۴:۷، گاهی از تنش در زندگی خود سخن می‌گوید و گاهی سخن از نگرانی درباره دیگران)، یعقوب (یعقوب ۵:۲۰، مقصود از نوشتن نامه، نجات یافتن است [یک گناهکار، یعنی ایمان‌داری که بسوی دنیا رو کرده]، یهودا (یهودا ۲۳) و یوحنا (۱ یوحنا ۱۷-۵: ۱۶ KJV، با تأکید بر دعا برای مردم پیش از اینکه آنان به گناه تا سرحد مرگ، آلوده شوند). فراخواندن خوانندگان امروزی، توجه به هشدارها و پیروی از کسانی است که بواسطه ایمان و تحمل، میراثدار آن چیزی هستند که به آنان وعده داده شده بود (عبرانیان ۶:۱۲)، لذا نویسنده نیز از ما سخن می‌گوید، ”ما مطمئن هستیم که بهترین چیزها به‌مراه رستگاری خواهند آمد“ (صفحه ۶۸۳).

سوالات این بحث

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماس و قطعیت ندارند.
۱. فصل ۹ چه ارتباطی با فصل ۸ دارد؟
 ۲. آیا دریافت حمایت از سوی کلیسا برای یک واعظ امری شایسته است؟ اگر چنین است، چرا پولس به این کلیسا چنین اجازه‌ای نداد؟
 ۳. چگونه پولس در برابر گروه‌های مختلف عملکرد متفاوتی از خود نشان می‌داد و در عین حال، یک ریاکار محسوب نمی‌گردید؟
 ۴. در آیات ۲۴-۲۷ استعاره ورزشی مورد تأکید قرار گرفته است. این استعاره را چگونه می‌توان به زندگی امروزی مسیحیان اعمال نمود؟

اول قرتیان ۱۰

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
				خوراک اهدایی به خدایان دروغین (۱:۸ - ۱:۱۱)
هشدار در برابر بت پرستی ۱۳ - ۱:۱۰	نمونه‌های عهد عتیق ۱۳ - ۱:۱۰	هشدار در باره اعتماد بنفس بیش از اندازه ۵ - ۱:۱۰ ۱۳ - ۶:۱۰	هشدار درباره بتها ۵ - ۱:۱۰ ۱۰ - ۶:۱۰ ۱۱:۱۰	یک هشدار و درسهای تاریخ قوم بنی اسرائیل ۱۳ - ۱:۱۰
۲۲ - ۱۴:۱۰	۲۲ - ۱۴:۱۰	۲۲ - ۱۴:۱۰	۱۷ - ۱۴:۱۰ ۲۲ - ۱۸:۱۰	اعیاد قربانی: هیچ مصلحه‌ای با بت پرستی وجود نخواهد داشت ۲۲ - ۱۴:۱۰
برای جلال خدا همه کار انجام دهیم ۱:۱۱ - ۲۳:۱۰	همه برای جلال خدا ۱:۱۱ - ۲۳:۱۰	قواعد: آزادی و مسئولیت ما در قبال دیگران ۳۰ - ۲۳:۱۰	۲۴ - ۲۳:۱۰ ۲۶ - ۲۵:۱۰ ۲۹ - ۲۷:۱۰ ۳۰ - ۲۹:۱۰ ۱:۱۱ - ۳۱:۱۰	خوراکهای قربانی شده برای بتها: نتایج عملی ۱:۱۱ - ۲۳:۱۰

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم

دیدگاه‌های متنی به آیات ۱:۱۰ - ۱:۱۱

- A. فصل‌های ۸ تا ۱۰ با توجه به تلاشی که برای برقراری توازن میان بحث‌های آزادی مسیحیان و مسئولیتی که در قبال محبت در مسیحیت وجود دارد، ارتباط مستقیم دارند. پولس بر روی قواعد سخت متمرکز نشده، بلکه بر روی اولویتهای روابط میان انسانها که باعث تقویت ایمانداران و جذب بی‌ایمانان بسوی عیسی می‌شود، متمرکز شده است.
- B. بحث پولس درباره شام عیسی، که در اول قرن‌تین ۱۴:۱۰ شروع و تا اول قرن‌تین ۲۲:۱۰ ادامه می‌یابد، پیشینی مبحث کاملتری است که در اول قرن‌تین ۱۷:۱۱-۳۴ مطرح می‌گردد.
- C. پولس در اول قرن‌تین ۱۴:۱۰-۲۲ ایمانداران "ضعیف" و در اول قرن‌تین ۲۳-۳۳ ایمانداران "قوی" را مورد خطاب قرار می‌دهد. اگر ساختار چنین نباشد، انسان متعجب می‌گردد که چگونه این دو پاراگراف یکدیگر را نقض نمی‌کنند: اول قرن‌تین ۱۴:۱۰-۲۲ می‌گوید که از خوراک قربانی‌های خوری؛ اما اول قرن‌تین ۲۳-۳۳ برای خوردن شرط می‌گذارد. احتمالاً آیه اول اشاره به یک وعده خوراک عمومی در معبد کفار و آیه دوم به وعده‌ای خوراک در یک خانه خصوصی داشته است.
- D. کتاب *Handbook on Paul's First Letter to the Corinthians* نوشته Ellingworth and Hotton چاپ انتشارات The United Bible Societies نمای کلی جالبی از اول قرن‌تین ۱۰:۱-۱۳ ارائه می‌دهد:

"ساختار اینگونه است:

- I. معرفی - آیه ۱ بخش اول
II. جنبه‌های مثبت

A. چهار مثال مثبت از عهد عتیق - آیات ۱ تا ۴ - آخرین مثال تا بخش دوم آیه ۴ ادامه یافته است.

B. نتایج از جنبه‌های مثبت در آیه ۵ استخراج گردیده است

C. درخواست از خوانندگان - آیه ۶ بخش اول

III. جنبه‌های منفی

A. پنج مثال منفی از عهد عتیق - آیات ۶ بخش دوم تا ۱۰

B. درخواست از خوانندگان - آیات ۱۱ تا ۱۳

کلمه **همه** پنج بار در آیات ۱ تا ۴ تکرار شده که تأکید زیادی را بر این حقیقت که همه افراد قوم بنی اسرائیل از حمایت و برکات خداوند در طول دوران سرگردانی در بیابان و سالهای آبی بهره‌مند بوده‌اند. **همه** در آیه ۵ در تضاد است با **اکثر آنان** و **برخی** از آنان، که در آیات ۷ تا ۱۰ چهار بار تکرار شده‌اند" (صفحه ۲۱۴).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱:۱۰-۵

۱ زیرا ای برادران، نمی‌خواهم از این موضوع غافل باشم که پدران ما همه زیر ابر بودند و همه از میان دریا گذشتند. آنان همه در ابر و در دریا در پیوند با موسی تعمید یافتند،^۳ و همه همان خوراک روحانی را خوردند^۴ و همان آشامیدنی روحانی را نوشیدند؛ زیرا از آن صخره^۱ روحانی می‌نوشیدند که از پی می‌آمد، و آن صخره مسیح بود.^۵ با این همه، خدا از بیشتر آنان خرسند نبود، پس اجسادشان در سرتاسر بیابان پراکنده شد.

۱۰:۱ "زیرا ای برادران، نمی‌خواهم از این موضوع غافل باشم" این عبارت دقیقاً تکنیکی است که اغلب توسط پولس برای ارائه یک نتیجه‌گیری بکار برده می‌شد (رومیان ۱:۱۳؛ ۱۱:۲۵؛ اول قرن‌تین ۱:۱۰؛ ۱:۱۲؛ دوم قرن‌تین ۸:۱؛ تسالونیکیان ۴:۱۳).

□ "پدران ما" این عبارت بازتاب‌دهنده (۱) یک عنصر با ایمان یهودی در کلیسا و یا (۲) غیریهودیان عهد جدید که به درخت زیتون طبیعی، یعنی اسرائیل پیوند خورده (رومیان ۱۰؛ غلاطیان ۶:۱۶)، و اکنون در راه مسیح قرار گرفته‌اند (افسیسیان ۲:۱۱ - ۳:۱۳).

□ "همه...همه" این واژه (*pantes*) دوبار در اول قرن‌تین ۱:۱۰ و یک بار در اول قرن‌تین ۲:۱۰، ۳ و ۴ تکرار شده است. این راهی است برای تأکید بر واحد بودن همه اسرائیلیان در هنگام تجربه کردن رحمت و داوری خداوند، که آن را دوره آوارگی در بیابان می‌نامند (اعداد).

■ "ابر" این عبارت اشاره به نماد منحصر بفرد حضور یهوه دارد. این ابر توسط ربی *Shekinah* ابر جلال نامیده شده بود (خروج ۱۳: ۲۱-۲۲؛ ۱۴: ۱۹). در زبان عبری *Shekinah* یعنی "سکنی گزیدن با". یهوه در تمام طول دوره داوری در نهایت صمیمیت و اهمیت در کنار قوم خود بود، تا جایی که ربیان این صمیمیت را "ماه غسل" میان یهوه و قوم بنی اسرائیل نام نهادند.

■ "همه از میان دریا گذشتند" این جمله کنایه‌ای است به باز شدن دریای سرخ. مفسرین امروزی مطمئن نیستند که این عبارات به کدام بخش از بستر دریا اشاره می‌کند. مشابه همین واژه، *yam suph* در عهد عتیق، در اشاره به ۱) خلیج عقبه (خروج ۲۱: ۴؛ تثنیه ۲: ۱؛ پادشاهان ۹: ۲۶؛ ارمیا ۴۹: ۲۱) و یا ۲) اقیانوس هند دارد. البته بروشنی اشاره به آبهای مرموز جنوب می‌کند. جالب است که بدانیم در کتاب پیدایش ۱ گفته نشده که "آب" توسط خداوند آفریده شده است. در اغلب اساطیر بوجود آمده در بین‌النهرین، از آنها (شور و تازه) بعنوان خدایانی که قصد از بین بردن بشر را دارند سخن بمیان آمده است. یهوه قوم خود را از بلایای آبی و تهاجمی حفظ می‌نماید.

موضوع خاص: دریای سرخ

(SPECIAL TOPIC: THE RED SEA)

I. اسم

- A. این کلمه در اصل *Yam Suph* است
۱. "دریای علفهای هرز" یا "دریای نی‌ها" (ریشه مصری)
 ۲. "دریای انتها (ی زمین)" (ریشه سامی)
- B. میتواند به یکی از اینها اشاره کند
۱. آب شور، اول پادشاهان ۹: ۲۶ (خلیج عقبه)، یونا ۲: ۵ (دریای مدیترانه)
 ۲. آب تازه، خروج ۲: ۳، اشعیا ۱۹: ۶
- C. *Septuagint* نخستین ترجمه‌ای است که آن را "دریای سرخ" نامیده است. احتمالاً مترجمین آن را به دریای ادوم (قرمز) منتسب کرده بودند. این نامگذاری توسط والگیت لاتین و بعداً ترجمه انگلیسی پادشاه جیمز ادامه یافت.

II. مکان

- A. به حجمهای زیادی از آب در مکانهای مختلف به این نام اشاره شده است
۱. آب باریک بین مصر و شبه جزیره سینا در حدود ۱۹۰ مایل طول (خلیج سوئز)
 ۲. آب بین شبه جزیره سینا و عربستان در حدود ۱۱۲ مایل طول (خلیج عقبه)
- B. این می‌تواند به ناحیه کم عمق در بخش شمال شرقی دریای دلتای نیل نزدیک تانیس، زون، آواریس، رامسس، که در ساحل جنوبی دریاچه منزاله (منطقه باتلاقی) است، مرتبط باشد.
- C. این می‌تواند به طور استعاره‌ای از آب‌های مرموز به جنوب استفاده شود، اغلب از دریا در پایان (انتهای زمین) استفاده می‌شود. این یعنی میتواند به یکی از اینها اشاره کند
۱. دریای سرخ امروزی (خلیج سوئز یا خلیج عقبه، مراجعه شود به اول پادشاهان ۹: ۲۶)
 ۲. اقیانوس هند (مراجعه شود به هیروودوتوس ۱-۱۸۰)
 ۳. خلیج فارس (مراجعه شود به جوزفوس، *Antiq.* ۱-۷-۳)

III. *Suph* در اعداد ۳۳

- A. در اعداد ۳۳: ۸ که حجم آب به طور معجزه آسایی تقسیم شد *suph* نامیده شد
- B. در اعداد ۳۳: ۱۰ و ۱۱ به اسرائیلیان گفته شد که کنار *yam suph* چادر بزنند
- C. دو نوع مختلف حجم آب وجود دارد
۱. اولی دریای سرخ نیست (خلیج سوئز)
 ۲. دومی احتمالاً دریای سرخ است (خلیج سوئز)
- D. اصطلاح *suph* به سه شیوه در عهد عتیق استفاده شده است
- E. *yam suph* احتمالاً به معنی "دریای نی" نیست زیرا

F. Suph می تواند از ریشه سامی بیاید و به آب های ناشناخته مرموز به جنوب اشاره داشته باشد (مراجعه شود به Bernard F. Batts. "Red Sea or Reed Sea? What Yam Suph Really Means" در *Approaches to the Bible*، جلد ۱، صفحات ۲۹۱ الی ۳۰۴).

۲:۱۰ "در پیوند با موسی تعمید یافتند" تفاوت‌های زیادی در نسخه‌های خطی یونانی در رابطه با حالت مجهول (MSS)، A، C، D) و جهت فعل (MS B) در این جمله وجود دارد. به نظر من، زمان میانی از نظر متن مناسب تأکید بر نیت اسرائیلی‌ها برای پیروی از موسی و حقیقت تاریخی است که تازه تعمید یافتگان یهودیان بر خود نظارت داشتند. اینها عبارات غیرمعمولی هستند که فقط در عهد جدید یافت می‌شوند. از این عبارات اینگونه بر می‌آید که مسئولیت‌پذیری و افتخاری که از پیمان موسایی نصیب انسان گردیده، بموازات یکدیگر بوده و در پیمان جدید ما با عیسی؛ هر دوی این موارد از سوی خدا بدست آمده و به نوعی شبیه به یکدیگر هستند. در اینجا تعمید بعنوان نمادی برای کسی که پیرو دیگری می‌باشد، بکار برده شده است.

در میان ربیان سنتی وجود دارد که به دوران Hillel باز می‌گردد (b Ker 9a; bYeb 46a). مطابق این سنت، تبلیغ تعمید به رویداد دریای سرخ ارتباط می‌یابد. به کتاب *Bible Exegesis in the Apostolic Period* نوشته Richard Longenecker صفحات ۱۰۲-۱۰۳ مراجعه نمایید.

۳:۱۰ "خوراک روحانی" این خوراک اشاره به مَنّا (خروج ۱۶) و بلدرچین (خروج ۱۶:۱۳؛ اعداد ۱۱:۳۱-۳۲) دارد، که فراهم آمدن مایحتاج از سوی خداوند برای دوران سرگردانی در بیابان بوده است.

۴:۱۰ "آشامیدنی روحانی" این آشامیدنی اشاره به فراهم آمدن آب بصورت معجزه‌آسا دارد (خروج ۱۷:۶؛ اعداد ۲۰:۸).

□ "از آن صخره روحانی می‌نوشیدند" صخره عنوانی است برای یهوه در عهد عتیق که بر ثبات و اقتدار او تأکید دارد (تثنیه ۳۲:۴، ۱۵؛ مزمور ۱۸:۲؛ ۱۴:۱۹). همچنین بصورت نمادی برای پادشاهی مسیح بعنوان یک نیروی تخریب‌کننده نیز بکار برده می‌شود (دانیال ۲:۴۵).

□ "که از پی می‌آمد" این عبارت اشاره به یک افسانه ربیان براساس کتاب خروج ۱۷:۶ و کتاب اعداد آیه ۲۰:۱۱ داشته که مطابق آن، صخره‌ای که قوم بنی‌اسرائیل را دنبال می‌کرد، مسیح بوده است. این سنت بویژه در قرآن نیز اشاره شده است.

□ "و آن صخره مسیح بود" این شیوه‌ای از نگارش ربی‌های یهود بود (شخصیت دادن به صخره احتمالاً از اعداد ۱۷:۲۱ یا تثنیه ۳۲:۴، ۱۵، ۱۸، ۳۰ اقتباس گردیده است. Targum Onkelos در اعداد ۲۱). خداوند آب مورد نیاز را در زمان آوارگی در بیابان برای قوم یهود فراهم نمود. پولس میان آنچه که خداوند در آن زمان و اکنون در این دوران فراهم نموده، شباهتهایی را می‌بیند. مطابق الهیات پولس، مسیح از پیش از آفرینش وجود داشته و نماینده خدا برای حیات و برکت بر روی زمین است. عیسی همیشه بهترین و بزرگترین برکت و نعمت خدای پدر بوده است.

۵:۱۰ "با این همه" این واژه یونانی، *alla*، تقابل پر رنگی را نشان می‌دهد. به دیدگاه‌های متنی شماره C مراجعه نمایید.

□ "خدا از بیشتر آنان خرسند نبود" همه بجز دو نفر از آن نسل مردند. فقط آنان که زیر بیست سال سن داشتند (و برای رفتن به سربازی به سن قانونی نرسیده بودند) و یوشع و کالِب بن یوفنّا (دو جاسوسی که گزارش ایمانی مثبتی را به‌همراه داشتند) وارد سرزمین موعود گردیدند (یهودا ۱:۵).

□ "پس اجسادشان در سرتاسر بیابان پراکنده شد" بر اساس لغت بکار رفته در نسخه عبری، اجساد آنان در بیابان پراکنده شده بود (در نسخه انگلیسی نوشته شده "اجسادشان در بیابان افتاده بود")، اعداد ۱۴:۱۶). آنان قوم خدا بودند، اما خداوند آنان را بخاطر کفر، مورد داوری قرار داد. این ایمانداران عهد عتیق آنچه را که خداوند بشکل معجزه‌آسایی فراهم آورده بود، به چشم دیدند. آنان خواست خدا را در رهبران خود که فرستاده خدا بودند، می‌دیدند (موسی، هارون و مریم)، با اینحال، هنوز در بی‌ایمانی زندگی کرده و قومی سرکش بودند (عبرانیان ۳-۴).

پولس درباره تلاشی که برای کنترل نفس خود می‌کرد، نظرات تندی بیان کرد (اول قرنیتیان ۹:۲۴-۲۷). در فصل ۱۱ او به کسانی اشاره می‌کند که سعی در جدا کردن حکمت الهیاتی از سبک زندگی الهی دارند (گنوستیکها و سایر روشنفکران). حتی خوراک رایج میان ایمانداران (جشن آگاپه) برای بی‌ایمانان قابل خوردن نیست (اول قرنیتیان ۱۱:۲۷-۳۲). مرگ فیزیکی می‌تواند یک داوری موقت برای ایمانداران غیرمطیع باشد.

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۱۰:۶-۱۳

حال، این رویدادها به وقوع پیوست تا نمونه‌هایی باشد برای ما، تا ما همچون آنان در پی بدی نباشیم.^۷ پس بت‌پرست مشوید، چنانکه بعضی از ایشان شدند؛ به گونه‌ای که نوشته شده است: «قوم به خوردن و نوشیدن نشستند و به جهت لَهو و لَعِب به پا خاستند.»^۸ و نه به بی‌عفتی دست‌یازیم، چنانکه بعضی از ایشان کردند، و در یک روز بیست و سه هزار تن به هلاکت

رسیدند.^۹ و نه مسیح را بیازماییم، چنانکه بعضی از آنان کردند و به وسیلهٔ مارها کشته شدند.^{۱۰} و نه شگوه و شکایت کنید، چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاک کننده هلاکشان ساخت.^{۱۱} این امور چون نمونه بر آنان واقع گردید و نوشته شد تا عبرتی باشد برای ما که در زمانی به سر می‌بریم که غایت همهٔ اعصار تحقق یافته است.^{۱۲} پس آن که گمان می‌کند استوار است، به هوش باشد که نیفتد!^{۱۳} هیچ آزمایشی بر شما نیامده که مناسب بشر نباشد و خدا امین است؛ او اجازه نمی‌دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه همراه آزمایش راه‌گریزی نیز فراهم می‌سازد تا تاب تحملش را داشته باشید.

۶:۱۰ "حال" نسخه‌های TEV, NRSV, و JB در این قسمت پاراگرافی را علامتگذاری کرده‌اند که انتقال از یک دوره تاریخی را به زمان حال نشان دهند.

این رویدادها به وقوع پیوست تا نمونه‌هایی باشد برای ما" واژه یونانی *tupoi* بمعنی "نمونه‌ها"، (مفرد این واژه *tupos* می‌باشد) بلحاظ معنی، دایره گسترده‌ای دارد. در اینجا می‌تواند اشاره به ضربت فیزیکی داشته باشد (متی ۲۴:۴۹؛ ۲۷:۳۰) یا برای همین منظور بصورت استعاره بکار برده شده باشد (اول قرتیان ۸:۱۲).

یکی از این معانی برای علامتی بکار برده می‌شد که در اثر ضربه چکش بوجود می‌آمد (یوحنا ۲۰:۲۵). لذا بعنوان یک بافت و الگو استفاده می‌گردید (اعمال رسولان ۷:۴۴؛ فیلیپیان ۳:۱۷؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۷؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۵؛ ۱ تیموتائوس ۴:۱۲؛ عبرانیان ۸:۵؛ ۱ پطرس ۵:۳).

بهترین واژگان هم‌تراز با این واژه در متن ("نمونه" اول قرتیان ۶:۱۰) در رومیان ۵:۱۴ و اول قرتیان ۱۰:۱۱ بکار برده شده‌اند. این واژگان اشاره به (۱) نمونه از پیش تعیین شده؛ (۲) همتای تمثیلی؛ و یا (۳) نمونه نمادین می‌باشند. آیات ۵ و ۱۱ به ایمانداران عهد جدید یادآوری می‌کنند که عهد عتیق با آنان دارای رابطه‌ای معنوی می‌باشد (رومیان ۴:۲۳-۲۴؛ ۴:۱۵؛ اول قرتیان ۹:۱۰؛ ۶:۱۰؛ ۱۱). مکاشفات خدا همگی ابدی بوده و قواعد آن با یکدیگر مرتبط می‌باشند.

"تا ما همچون آنان در پی بدی نباشیم" توجه داشته باشید که پولس مردمان عهد عتیق را با عهد جدید مقایسه می‌کند. در اینجا بدی مشکلی است که دوباره بوجود آمده است. می‌تواند حیات ابدی انسان را برده، و انسان را از مجالست در کنار خداوند دور نماید. شیطان می‌تواند هر مرحله از حیات بشری را مختل نماید. رستگاری ما را از این چالش‌ها نمی‌سازد (رومیان ۷:۱۰-۱۹). کلیسای قرتیان در هر دو نقطه ارتودکسی و ارتوپراکسی در خطر قرار گرفته بود! هدف دانش و اطلاعات نیست، بلکه خداوند است!

عبارت "بدنبال چیزی بودن" یعنی "مشتاق چیزی بودن" در این متن دو بار تکرار گردیده که بازتاب دهنده واژه پر معنی یونانی *epithumeō* است که از واژه‌های "یر" و "هجوم بردن" ساخته شده است. این واژه اشاره به یک احساس قوی یا احساساتی که بر ذهن و قلب انسان غلبه می‌کند، دارد. می‌تواند در یک حالت مثبت بکار برده شود، آنگونه که در فیلیپیان ۱:۲۳ استفاده شده، اما معمولاً بصورت منفی بکار می‌رود (۲ تیموتائوس ۲:۲۲). ممکن است پولس شوق زیاد و نافرمانی قوم بنی اسرائیل را که در اعداد ۱۱:۳۱-۳۵ ثبت گردیده، نشان می‌دهد، زیرا او به اعداد ۲۵:۹ در اول قرتیان ۱۰:۹ و اعداد ۱۶:۴-۵؛ ۱۷:۵، ۱۰ در اول قرتیان ۱۰:۱۰ کنایه می‌زند.

۷:۱۰ "بت‌پرست مشوید" این یک جمله یونانی دستوری با بار منفی بوده، که معمولاً بمعنی توقف عمل در حال اجرا می‌باشد. این نقل قول عهد عتیق اشاره به مجموعه بت‌پرستیهای کتاب خروج ۳۲ دارد.

آنچه که در قرتس، پولس بعنوان بت‌پرستی به آن اشاره می‌کند مشخص نیست. به نوعی ایمانداران در خطر ناامید کردن خداوند بودند. از فصل ۷ و موقعیت تاریخی در قرتس اینگونه بر می‌آید که احتمالاً مراسم پرستش کفار که آمیخته به مسائل جنسی نیز بود، و یا از فصل ۸ و برنامه‌های قربانی کفار بت‌پرست، مد نظر می‌باشد.

"قوم به خوردن و نوشیدن نشستنند و به جهت لَهو و لَعِب به پا خاستند" این عبارات اشاره به ساختن گاو طلایی توسط هارون در خروج ۳۲ و جشن کودکان اسرائیل پیش از آن و فعالیت‌های جنسی آنان دارد (خروج ۳۲:۶، ۱۹). جنبه جنسی عبارت "رقصیدن" در کلام عبری مشابهی در کتاب پیدایش ۲۶:۸ درباره همخوابگی اسحاق و ربکا دیده می‌شود.

۸:۱۰ "نه به بی‌عفتی دست یازیم" این عبارات اشاره به موقعیت کفار قرتس و همچنین گرایش کفار، حتی کفار نجات یافته به بی‌عفت بودن تحت نام مذهب دارد.

□ "در یک روز بیست و سه هزار تن" این عدد مرجعی به کتاب اعداد ۱:۲۵-۹ است که عدد بیست و چهار هزار را ثبت کرده است. بنظر نمی‌رسد که در اینجا نویسنده یا ویراستار خطا کرده باشد. این اختلاف در تمام نسخه‌های خطی یونانی دیده می‌شود. این احتمال وجود دارد که پولس در هنگام نوشتن دچار خطای حافظه شده باشد. البته این امر بدین مفهوم نیست که اعتبار و قابل اعتماد بودن متن تحت وحی به زیر سوال رفته باشد، اما دنیای باستان در هنگام استفاده از اعداد بدقت مردمان غرب امروزی نبودند.

در کتاب *Encyclopedia of Bible Difficulties* تهیه شده توسط آرچر، صفحات ۱۴۱ و ۴۰۱، او تصریح می‌کند که متون عهد عتیق که پولس به آنها اشاره دارد، از اعداد ۱:۲۵-۹ نبوده بلکه از کتاب خروج ۳۲ می‌باشد. او به نکته خوبی اشاره می‌کند که آیه ۷:۱۰ از خروج ۴:۳۲ نقل قول شده و همینطور آیه خروج ۳۲:۳۵ متذکر می‌گردد که این رقم به بیش از حتی سه هزار نفر در اول قرن‌تینان ۱۰:۲۸ نیز می‌رسد. البته به لحاظ متنی این گزینه مطمئناً ماندنی خواهد بود.

۹:۱۰ "نه مسیح را بیازماییم" این لغت یونانی *peirazō* با حرف اضافه *ek* است که آن را تشدید می‌کند (متی ۷:۴؛ لوقا ۴:۱۲؛ ۱۰:۲۵). به موضوع خاص: واژگان برای آزمایش در اول قرن‌تینان ۳:۱۳ مراجعه نمایید. کلیسای قرن‌تینان به رفتاری شبیه به قوم بنی اسرائیل در بیابان دست زده بودند (اعداد ۲۱:۵-۶). خداوند حقیقتاً برای اصلاح قوم خود به داوریهایی مقطعی و موقت متصل می‌گردد.

عبارت "خدا" (NASB, TEV, NJB, NIV) در نسخه‌های خطی یونانی P, C, B, 4 و ترجمه ارمنی دیده می‌شود. این عبارت می‌تواند به بهترین شکل در کتاب عهد عتیق به یهوه در اعداد ۲۱ تعریف شده باشد.

عبارت "مسیح" (نسخه‌های NRSV, NKJV) در نسخه‌های خطی P⁴⁶, D, F, G و ترجمه‌های ولگاته و پشیتا دیده می‌شود. این عبارت به بهترین نحو ممکن مخاطبان پولس را عنوان می‌کند.

در حالیکه UBS4 با پشتیبانی از عبارت "مسیح" در ج B را عطا کرده (تقریباً مطمئن)، اما بحث زیادی در ارتباط با واژه (Lord) در کتاب *The Orthodox Corruption of Scripture* بقلم Brad D. Ehrman صفحات ۸۹-۹۰ نیز شکل گرفته است.

به موضوع خاص: واژگان یونانی برای "آزودن" و معانی آنها در اول قرن‌تینان ۳:۱۳ مراجعه نمایید.

□ "به وسیلهٔ مارها کشته شدند" این عبارات به اعداد ۲۱ ارجاع می‌گردد. به موضوع خاص: *Apollumi* در اول قرن‌تینان ۸:۱۱ مراجعه نمایید.

۱۰:۱۰ "نه یسکوه و شکایت کنید، چنانکه بعضی از ایشان کردند" بخش اول یک جمله دستوری با بار منفی است، که معمولاً بمعنی توقف عملی در حال اجرا است. این عبارات اشاره به اعداد ۱۶:۴۱-۵۰ دارند که در اعداد ۱۷:۵، ۱۰ نیز به آن اشاره گردیده است. کلیسای قرن‌تینان همچون قوم بنی اسرائیل در گذشته شکوه و شکایت می‌کرد.

□ "هلاک کننده" این عبارت اشاره به بلای طاعون در اعداد ۱۶:۴۹ دارد. به لحاظ الهیاتی راهی برای نشان دادن مرگ در دستان یهوه می‌باشد (خروج ۱۲:۲۳، ۲۹:۲؛ سموئیل ۲۴:۱۵؛ اول تواریخ ۲۱:۱۵؛ عبرانیان ۱۱:۲۸). "فرشته مرگ" وجود ندارد! شانس، قسمت یا بختی وجود ندارد! فقط خدا هست، خدای اسرائیل، پدر سرورمان عیسی مسیح. فقط و فقط اوست که کنترل مرگ و زندگی را در دست دارد!

۱۱:۱۰ "هلاکشان" منظور آن دسته از مردمان عهد عتیق هستند که بدست هلاک کننده از دنیا رفتند.

□ "نمونه" به یادداشت کامل در اول قرن‌تینان ۱۰:۶ مراجعه نمایید. همینطور به موضوع خاص: دیدگاه‌های پولس درباره شریعت موسی در اول قرن‌تینان ۹:۹ مراجعه نمایید.

□ "غایت همهٔ اعصار تحقق یافته است" این جمله اخباری کامل و استعاره‌ای برای پیشگویی عصر جدید می‌باشد (عبارت مشابه در عبرانیان ۹:۲۶). ایمانداران در پادشاهی خدا که با آمدن اول مسیح افتتاح گشته و با آمدن دوم او به نتیجه نهایی می‌رسد، زندگی می‌کنند. ما در تنشی زندگی می‌کنیم که بر مبنای آن "شروع شده، اما هنوز زمان آن فرا نرسیده!"
به موضوع خاص: عصر حاضر و عصر پیش رو در اول قرن‌تینان ۱:۲۰ توجه نمایید.

۱۲:۱۱ آن که گمان می‌کند استوار است، به هوش باشد که نیفتد" غرور و خود بزرگ‌بینی قرن‌تینان تفرقه‌افکن معضل بزرگی بود، در حالیکه مشاهده می‌کنیم رفتارهای مشابهی نیز امروزه وجود دارد (رومیان ۱۱:۲۰؛ ۲ پطرس ۳:۱۷). خداوند پیش از قوم خود را مورد داوری قرار داده و باز هم اینکار را

خواهد کرد (ارمیا ۲۵:۲۹؛ ۱ پطرس ۴:۱۷). خودفریفتگی نفرینی می‌باشد که گریبان مردمان مذهبی را گرفته است. آنان که در راه مسیح هستند باید سخت‌کوشی را تجربه نمایند (اول قرن‌تیان ۹:۲۴-۲۷)!

۱۳:۱۰ "آزمایش" این واژه سه مرتبه در این آیه تکرار شده و بمعنی آزموده شدن با دید تخریبی است (به موضوع خاص در اول قرن‌تیان ۳:۱۳ مراجعه نمایید). در عهد جدید سه مرجع در رابطه با آزمایش وجود دارد:

۱. ذات بشر رانده شده از بهشت
 ۲. شیطان شخصی (شیطان و شیاطین شریر)
 ۳. نظام منحنط جهانی (افسیان ۲:۱-۳؛ یعقوب ۴:۱، ۴، ۷)
- NASB "اما در میان بشر نیز چنین امری رایج است"
- NKJV "بجز اینکه در میان بشر نیز چنین است"
- NRSV "که برای همگان به یکسان نیست"
- TEV "آنچه که معمولاً برای مردم بوجود می‌آید"
- NJB "هیچیک... فراتر از آن است که بشر تاب توان آن را داشته باشد"

انسانهای دیگری نیز مورد آزمایش مشابه ایمانداران قرن‌تس واقع گردیدند. عیسی نیز مورد چنین آزمایشی قرار گرفت و از تمام آن آزمایشها که برای بشر رواج دارد، سربلند بیرون آمد (عبرانیان ۴:۱۵).

□ "خدا امین است" این عبارت بسیار حیاتی و مهم است! ایمان انجیلی در گرو شخصیت خداوند قرار دارد. امید ما بر شخصیت بخشنده او، و مطمئناً بر وعده‌ها و کردار او استوار است.

این جنبه از شخصیت خداوند اولین بار در کتاب تثنیه ۷:۹ بیان گردید که بسط یافته از تثنیه ۵:۹-۱۰ است. عدالت خداوند در طول زمان میان سه و چهار نسل جابجا گردیده، اما محبت او (آنچه که او بر پایه عهد خود به آن پایبند بوده، *hesed*) هزاران نسل است که از جای خود تکان نخورده و پابرجا بوده است. مشابه همین تأیید در اشعیا ۴۹:۷ ادامه یافته است. این امر مضمون اصلی نامه‌های قرن‌تیان بوده است (اول قرن‌تیان ۱:۹؛ ۱۳:۱۰؛ ۲ قرن‌تیان ۱:۱۸، و همچنین ۱ تسالونیکیان ۵:۲۴ و ۲ تسالونیکیان ۳:۳). ایمانداران باید به امین بودن خدا و قابل اعتماد بودن او ایمان داشته باشند. جوهره ایمان انجیلی چنین است!

- NASB "بلکه همراه آزمایش راه‌گیزی نیز فراهم می‌سازد تا تاب تحملش را داشته باشید"
- NKJV "بلکه همراه آزمایش راه‌گیزی نیز فراهم می‌سازد تا تاب تحملش را داشته باشید"
- NRSV "بلکه با آزمودن راه‌گیزی نیز فراهم می‌سازد تا تاب تحملش را داشته باشید"
- TEV "در هنگامی که مورد آزمایش قرار گیرید، او به شما توان تحمل عطا کرده، و راه‌گیز فراهم خواهد کرد"
- NJB "با هر آزمون، او همچنین راه‌گیزی برای شما فراهم کرده تا بتوانید تحملش نمایید"

واژه یونانی بکار رفته در متن برای رهایی از تله‌های نظامی بکار برده می‌گردد. ایمانداران به تنهایی با آزمایش مواجه نخواهند گردید!

مشکلی که در متن وجود دارد اینست که چگونه می‌شود "فراهم کردن راه‌گیز" را با "تاب تحمل بوجود آوردن" ارتباط داد. آیا برخی راه‌گیز بدست می‌آورند و برخی دیگر تاب تحمل آن را بدست می‌آورند، و یا راه‌گیز خدا بمعنی تاب تحمل است؟ آیا این آزمون متوقف خواهد گردید یا ایمانداران بوسیله آزمون بر روی ایمانشان ادامه خواهند داد؟ با اینکه تصمیم‌گیری بر روی این نکات مبهم دشوار بنظر می‌رسد، اما خبر خوش اینست که خداوند در تمامی مشکلات در کنار ما خواهد بود (مزمور ۴:۲۳). خدا ما را تنها نخواهد گذارد. با وجود اینکه ساز و کار پیروزی در این مورد به روشنی مشخص نگردیده، اما پیروزی از آن ما است!

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تیان ۱۰:۱۴-۲۲

^{۱۴} پس ای عزیزان، از بت‌پرستی بگریزید. ^{۱۵} با خردمندان سخن می‌گوییم؛ خود درباره آنچه می‌گوییم قضاوت کنید. ^{۱۶} آیا جام برکت که به جهت آن شکر می‌گزاریم، شریک شدن در خون مسیح نیست؟ و آیا نانی که پاره می‌کنیم، شریک شدن در بدن مسیح نیست؟ ^{۱۷} از آنجا که نان یکی است، ما نیز که بسیاریم، یک بدن هستیم، زیرا همه از یک نان بهره می‌یابیم. ^{۱۸} قوم اسرائیل را بنگرید: آیا آنان که از

قربانیها می خوردند در مذبح شریک نمی شدند؟^{۱۹} آیا مقصودم این است که خوراک تقدیمی به بت چیزی است، یا اینکه بت چیزی است؟^{۲۰} نه، مقصود این است که قربانیهای بت پرستان تقدیم دیوها می شود نه تقدیم خدا، و من نمی خواهم شما شریک دیوها باشید.^{۲۱} نمی توانید هم از جام خداوند بنوشید هم از جام دیوها؛ نمی توانید هم از سفره خداوند بهره یابید، هم از سفره دیوها.^{۲۲} آیا می خواهیم غیرت خداوند را برانگیزیم؟ آیا از او تواناتریم؟

۱۴:۱۰ "پس" پولس با نتیجه گیری از بحث پیشین، بسوی یک نتیجه گیری دیگر می رود.

NASB, NKJV "عزیزان من"

NRSV, TEV,

NJB "دوستان عزیز من"

نامه های پولس به قرنتیان (و غلاطیان) دارای سخت ترین کلمات برای اهالی کلیسا است. بنابراین، او می خواهد به آنان یادآوری کند که چقدر برای او ارزشمند هستند، حتی زمانی که با آنان به درشتی سخن می گوید (اول قرنتیان ۴:۱۴؛ ۱۰:۱۴؛ ۱۵:۵۸؛ دوم قرنتیان ۷:۱؛ ۱۲:۱۹).

این واژه بوسیله خدای پدر عیسی بکار برده شده بود (متی ۳:۱۷؛ ۱۲:۱۸؛ ۱۷:۵). پولس، پطرس، یهوذا و یوحنا در نامه های خود از این صفت برای نشان دادن پیروان عیسی استفاده کردند. به آنان به دلیل رابطه ای که با عیسی داشتند، مهر ورزیده می شد؛ بوسیله خدا، بوسیله مسیح و بوسیله نویسندگان نامه های عهد جدید.

■ "از بت پرستی بگریزید" این یک جمله دستوری زمان حال است. توجه داشته باشید که "بت پرستی" مفاد مخصوص بخود را دارد. خداوند راهی را فراهم خواهد کرد، اما ایمانداران باید راهی برای بهره بردن از آن راه را جویا باشند (اول قرنتیان ۶:۱۸). یکی از راه های رسیدگی به موضوع وسوسه شیطان، رهایی از حضور آن است. ایمانداران نباید خود را در محیطی قرار دهند تا دچار وسوسه گردند. "بت پرستی" در عهد عتیق پرستش خدایان کفر بود. در دوران ما هر چیزی که جایگزین چارچوب خداوند ما گردد، بت پرستی نامیده می شود (اول قرنتیان ۷:۱۰؛ ۷:۴). همانطور که عیسی گفت، هر کجا که گنج شما نهفته باشد، قلب شما نیز همانجا خواهد بود (متی ۶:۲۱). امروزی ها الویت های خود را بوسیله زمان، پول و در طول زمان عیان می کنند. مذهب اغلب ضمیمه قابل توجهی محسوب می گردد، اما هسته اصلی این اولویت نیست. کتاب اول یوحنا با جمله "ای فرزندان، خود را از بتها محفوظ نگاه دارید" خاتمه می یابد (یوحنا ۵:۲۱).

۱۰:۱۵ این آیه دیدگاه پولس را درباره رهبری نشان می دهد. او یکی از حواریون عیسی بود، با اینحال، او به این ایمانداران مغرور توصیه می کند که کلام او را خود مورد قضاوت قرار دهند (اول قرنتیان ۴:۳۹-۴۰). او بصورت طعنه آمیز در اول قرنتیان ۴:۱۰ و دوم قرنتیان ۱۱:۱۹ از لغت مشابهی استفاده کرد.

۱۶:۱۰ ساختار این آیه بصورت دو سوال شکل گرفته است (هر چند که نسخه TEV این جمله را بصورت اخباری ترجمه کرده است).

■ "جام برکت" این عبارت احتمالاً اشاره به جام سوم در مراسم پسخ دارد. شام عیسی با آن شروع گردید.

واژه "برکت" *eulogia* بوده که از فعل *eulogēō*، بمعنی "ستودن"، "تملق گفتن"، "برکت دادن"، و یا "بهره بردن" گرفته شده است. به یادداشت دوم قرنتیان ۵:۹ مراجعه نمایید. ما در زبان انگلیسی واژه *eulogy* را از این ریشه یونانی گرفته ایم. وقتی عیسی این حکم را تصویب کرد، او جام و نان را گرفت و به خدا را شکر کرد. واژه یونانی برای شکر گفتن یا شکرگذاری *eucharistia* بوده، که ما واژه *Eucharist* را از آن گرفته ایم. هر دوی این واژگان بصورت مترادف در اول قرنتیان ۱۴:۱۶ بکار برده شده اند.

جالب است، اما بلحاظ الهیاتی ترتیب چیدمان جام و نان (اول قرنتیان ۱۱:۲۴-۲۷) که در اینجا حفظ شده، حائز اهمیت نیست. مسئله ترتیب آن نیست، بلکه بیشتر همنشینی با مسیح در مراسم شام او در مقابل همنشینی با خدایان کفر در مراسم شام آنان اهمیت دارد.

موضوع خاص: پسخ (ترتیب مراسم)

(Special Topic: Passover (Order Of Service))

۱. دعا
۲. جام شراب
۳. شستشوی دست توسط میزبان و دادن لگن به نفرات بعدی

۴. سبزیجات تلخ و سس
 ۵. بره و خوراک اصلی
 ۶. دعا و مرحله دوم سبزیجات تلخ و سس
 ۷. جام دوم شراب با بخش پرسش و پاسخ برای کودکان (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۶:۱۲ الی ۲۷)
 ۸. خواندن مزمور ۱۱۳ الی ۱۱۴ و دعا
 ۹. مسئول مراسم برای هر نفر پس از شستن دستها سوپ میریزد
 ۱۰. همه میخورند تا زمانیکه کاملاً سیر شوند، و در انتها یک تکه گوشت بره میخورند
 ۱۱. جام سوم شراب پس از شستن دستها
 ۱۲. خواندن مزمور ۱۱۵ الی ۱۱۸
 ۱۳. جام چهارم شراب، که به معنی آمدن پادشاهی است
- بسیاری معتقدند که رسم شام آخر در نقطه ۱۱ بنا شد

- "شریک شدن" واژه یونانی بکار رفته، *koinonia* است که بمعنی "مشارکت در امری" می باشد. این واژه ریشه لغت انگلیسی "Communion" بمعنی همبستگی بوده که برای نماد شام عشاءرانی بکار برده شده، که اکنون مؤکد همنشینی و مجالست می باشد، اما در آینده همنشینی بیشتری را شامل خواهد گردید. به موضوع خاص: *Koinonia* در اول قرنیتیان ۹:۱ مراجعه نمایید.
- "در خون مسیح" این عبارت تأکید بر مرگ عیسی از جنبه قربانی شدن او در متن عهد عتیق دارد (لاویان ۱-۷). خون بعنوان نماد زندگی بکار برده شده است (لاویان ۱۷:۱۱، ۱۴).
- "نانی که پاره می کنیم" این عبارت مرجعی است که ما در زبان انگلیسی برای شام عیسی بکار می بریم، "پاره کردن نان" (اعمال رسولان ۲:۴۲). این همان نمادی بود که عیسی برای معرفی پیمان جدید بوا سطره جسم پاره شده اش بر روی صلیب، بکار برد. او از روی عمد بزه پسخ را، که نماد پیمان قدیم بود، برنگزید (خروج ۱۲).
- "شریک شدن در بدن مسیح" در اینجا "بدن مسیح" دارای دو جنبه نمادین است: (۱) بدن فیزیکی او که بخاطر گناهان بشر قربانی گردید و (۲) پیروان او، یعنی کلیسا که مبدل به بدن معنوی او گشتند (که در اول قرنیتیان دارای دو جنبه هستند: a) کلیسای محلی و b) کلیسای جهانی).
- ۱۷:۱۰ این آیه تأکید بر یکی بودن مسیح و کلیسای او دارد که در شام آخر نماد یافته است (یک نان). همین واحد بودن بدن مسیح در اول قرنیتیان ۱۲:۱۲ - ۱۳ در ارتباط با عطایای روحانی نیز وجود دارد.
- ۱۸:۱۰ "قوم اسرائیل" این دقیقاً همان گوشت و استخوان اسرائیل است (به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۱:۲۶ مراجعه شود). این عبارت شیوه نمادین دیگری (اشارات تاریخی) برای نشان دادن پیوستگی افرادی است که در شام عیسی حضور داشتند.
- ۱۹:۱۰ "آیا مقصودم این است که" نوشته های پولس از ساده ترین متون انجیلی بمنظور ترجمه می باشند زیرا او بلحاظ منطقی، افکار خود را پیاده کرده است. نشانه های منطقی همچون این عبارات به مترجمین امروزی اجازه می دهد تا رؤس تفکرات پولس را در هر پاراگراف درجه بندی نمایند، که این کار، کلید ترجمه کتابهای او می باشد.
- پولس تفکرات خود را در طول این متن بوسیله مجموعه سوالاتی شکل می دهد (NASB، اول قرنیتیان ۱۶:۱۰ (دو)؛ اول قرنیتیان ۱۸:۱۰ (یک)؛ اول قرنیتیان ۱۹:۱۰ (دو یا سه)؛ اول قرنیتیان ۲۲:۱۰ (دو)؛ اول قرنیتیان ۲۹:۱۰ (یک)؛ اول قرنیتیان ۳۰:۱۰ (یک)).
- "یا اینکه بت چیزی است" بعنوان یک نمونه برای اینکه متوجه شوید چگونه متونی که توسط کاتبان باستان نسخه برداری می شد، مورد دستکاری قرار می گرفت، باید بگویم که این عبارات در نسخه های خطی اولیه باستانی از قلم افتاده بوده است (P⁴⁶، A*، و C). برای مطالعه بیشتر در این زمینه به Textual Criticism در ضمیمه دو مراجعه نمایید.
- ۲۰:۱۰ "قربانیهای بت پرستان" با توجه به عهد عتیق، پولس می دانست که بت پرستی ارتباط با نیروهای معنوی، و نه با واقعیت ظاهری، در آفرینش فیزیکی دارد (لاویان ۸:۱۶؛ ۷:۱۲؛ تثنیه ۱۷:۳۲؛ مزمور ۵:۹۶؛ ۳۷:۱۰۳؛ اشعیا ۶۵:۱۱؛ مکاشفه ۹:۲۰؛ ۱۶:۱۴). در پشت همه کارهایی که بشر انجام می دهد، جهان معنوی و روحانی قرار گرفته است (تثنیه ۸:۳۲ [LXX]؛ دانیال ۱۰؛ افسسیان ۶:۱۰-۱۸). با اینوجود، هرگز بطور مشخص عنوان نگردیده

که فرشتگان سقوط کرده در عهد عتیق همان شیاطین عهد جدید می‌باشند. پولس بوسیله عباراتی در رومیان ۸: ۳۸-۳۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۴؛ افسسیان ۱: ۲۱؛ ۳: ۱۰؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۰، ۱۵ به این نیروهای روحانی اشاره کرده است. پولس از واژه "دیوها" فقط در اینجا و تیموتائوس ۴: ۱ استفاده کرده است. به موضوع خاص: شیطان شخصی در اول قرنتیان ۷: ۵ مراجعه نمایید.

موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین (ارواح ناپاک)

(Special Topic: Angels And Demons)

A. مردم قدیم تصورگرا بودند. آنها شخصیت انسان را با نیروهای طبیعت، حیوانات و اشیا طبیعی توصیف می‌کردند. زندگی با تعامل میان این هویت‌های معنوی با انسان توصیف می‌شد.

B. این شخصیت‌سازی‌ها به مرور پلی‌تئیسم (*polytheism*) یا چند خدایی را به وجود آورد. معمولا شیطان (*genii*) خدای پائین‌تر یا کوچکتر بود و (نیکی در مقابل اهریمنی قرار داشت) که بر زندگی انسانها تاثیر می‌گذاشتند.

۱. بین‌النهرین، شورش و تقابل

۲. مصر، نظم و عملکرد

۳. کنعان، به *Archaeology and the Religion of Israel* نوشته W. F. Albright جلد پنجم، صفحه ۶۷ الی ۹۲ مراجعه شود.

C. عهد عتیق با موضوع خدایان کوچکتر، فرشتگان یا شیاطین صحبتی نمی‌کند، احتمالا به خاطر یکتاپرستی شدید (به موضوع خاص:

یکتاپرستی مراجعه کنید، کتاب خروج ۸: ۱۰، ۹: ۱۴، ۱۵: ۱۱، تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹، ۶: ۴، ۳۳: ۲۶، مزمور ۱۰: ۳۵، ۷۱: ۱۹، ۸۶: ۸، اشعیا

۴۶: ۹، ارمیا ۶: ۱۰ الی ۷، میکاه ۷: ۱۸). به خدایان دروغین مردم کافر اشاره می‌کند (*Shedim*)، BDB 993، مراجعه شود به تثنیه ۱۷: ۳۲، مزمور ۳۷: ۱۰۶) و از برخی از آنها حتی اسم می‌برد.

۱. *Se'im* (موجود نیمه‌انسان نیمه بز یا شیطان پشمالو، BDB 972 III، KB 1341 III، مراجعه شود به لاویان ۷: ۱۷، دوم تواریخ ۱۱: ۱۵، اشعیا ۲۱: ۱۳، ۱۴: ۳۴)

۲. *Lilith* (مونث، شیطان متجاوز شبها، BDB 539، KB 528، مراجعه شود به اشعیا ۱۴: ۳۴)

۳. *Mavet* (اصطلاح عبری برای مرگ که برای خدای زیر زمینی کنعانیان استفاده می‌شد، Mot، BDB 560، KB560، مراجعه شود به اشعیا ۱۵: ۲۸ و ۱۸، ارمیا ۲۱: ۹، و احتمالا تثنیه ۲۲: ۲۸)

۴. *Resheph* (بلا، آتش، تگرگ، BDB 958، KB 958، مراجعه شود به تثنیه ۲۴: ۳۲، مزمور ۴۸: ۷۸، حبوق ۵: ۳)

۵. *Dever* (بلا، BDB 184، مراجعه شود به مزمور ۵: ۹۱ الی ۶، حبوق ۵: ۳)

۶. *Az'azel* (معنی این اسم مشخص نیست، ولی احتمالا شیطان صحرا و یا نام مکانی است، BDB 736، KB 736، مراجعه شود به لاویان ۸: ۱۶ و ۲۶)

(این مثالها از Encyclopaedia Judaica جلد ۵، صفحه ۱۵۲۳ اقتباس شده‌اند.)

با این وجود، هیچ دوالیسم یا جدایی فرشتگان از یهوه در عهد عتیق وجود ندارد. شیطان خدمتگزار یهوه است (مراجعه شود به

ایوب ۱ الی ۲، زکریا ۳)، نه یک دشمن مستقل و خود رای (مراجعه شود به *A Theology of the Old Testament* نوشته A. B. Davidson، صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶).

D. یهودیت در طول دوران تبعید در بابل توسعه یافت (۵۸۶ تا ۵۳۸ قبل از میلاد). از نگاه الهیاتی، از دوالیسم دین زرتشت ایران تحت تاثیر

قرار گرفت، یک خدای نیک و والا بنام مزدا یا اهورامزدا و شیطان در مقابلش بنام اهریمن. در دوران بعد از تبعید یهود این شخصیت بخشیدن دوالیسم میان یهوه و فرشتگانش و شیطان و فرشتگانش و شیاطین شکل گرفت.

شخصیت بخشیدن به شیطان در الهیات یهود به خوبی در کتاب *The Life and Times of Jesus the Messiah* نوشته Alfred Edersheim، جلد ۲، ضمیمه ۸، صفحات ۷۴۹ الی ۸۶۳ توصیف شده است. یهودیسم شیطان را به سه شیوه شخصیت داده:

۱. شیطان یا سمائل

۲. نیت شیطانی انسان (*yetzer hara*)

۳. فرشته مرگ

ادرسهایم (*Edersheim*) اینها را به شیوه زیر مشخص می‌کند

۱. متهم کننده

۲. وسوسه کننده

۳. تنبیه کننده (جلد ۲ صفحه ۷۵۶)

یک تمایز مشخص الهیاتی میان یهودیت بعد از تبعید و عهد جدید در معرفی شیطان وجود دارد.

E. عهد جدید بخصوص اناجیل وجود و مقابله روح شیطانی انسانها با یهوه را تصریح می‌کنند (در یهودیت، شیطان دشمن انسانها است، نه دشمن خدا). آنها مخالف اراده، حکومت و پادشاهی خدا هستند.

عیسی با این اهریمنان مقابله کرده و آنها را از وجود انسانها خارج می‌کند، به آنها (۱) روح ناپاک (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴:۳۶، ۶:۱۸) یا روح‌های شیطانی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۷:۲۱، ۸:۲) گفته می‌شود. به وضوح عیسی تمایزی میان بیماری (فیزیکی و ذهنی) و اهریمن قائل می‌شود. او قدرت و بیش خود را با تشخیص دادن آنها و بیرون راندن این ارواح شیطانی به نمایش می‌گذارد. آنها اغلب او را شناخته و بر او شهادت می‌دهند ولی عیسی شهادت آنها را رد کرده و ساکت کرده و خارج می‌سازد. بیرون کردن شیطان، نشانه شکست پادشاهی شیطان است.

در نامه‌های شاگردان در عهد جدید هیچ گونه اطلاعاتی در این خصوص وجود ندارد. بیرون راندن شیطان هرگز به عنوان یک برکت معنوی فهرست نشده و هیچ روش یا فرآیندی برای نسلهای بعد برای بشارت دهندگان یا ایمانداران ارائه نشده است.

F. شیطان واقعی است، شیطان شخصی است، شیطان حضور دارد. نه مبدا او و نه هدفش فاش نشده است. انجیل واقعی بودن او را تصریح کرده و شدیداً با نفوذ او مقابله می‌کند. در واقعیت نهایت دوالیسمی وجود ندارد. همه چیز تحت کنترل کامل خدا است، شیطان شکست می‌خورد، قضاوت می‌شود و از مخلوقات بیرون رانده می‌شود.

G. مردم خدا باید در مقابل شیطان مقاومت کنند. (مراجعه شود به جیمز ۷:۴). نمی‌توانند توسط او کنترل شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵:۱۸)، ولی می‌توانند وسوسه شوند و شهادت و نفوذ آنها آسیب ببینند (مراجعه شود به افسسیان ۶:۱۰ الی ۱۸) / شیطان یک بخش افشا شده در جهان بینی مسیحیان است. مسیحیان مدرن هیچ حقی ندارند که شیطان را دوباره تعریف کنند (تفسیر Rudolf Baltmann)، شیطان را بدون شخصیت کنند (ساختارهای اجتماعی پل تبلیغ)، نه سعی کنند تا او را با اصطلاحات روانشناسی توصیف کنند (زیگموند فروید). نفوذ او فراگیر است، ولی شکست می‌خورد. ایمانداران باید در مسیر پیروزی مسیح گام بردارند.

■ "شریک دیوها" قیاس پولس را دنبال کنید. مسیحیان بواسطه بدن مسیح، یکی هستند (کلیسا) زیرا آنها با قربانی شدن او یکی شدند (بدن مصلوب شده‌ی او بر صلیب) زیرا آنها در نان شام خداوند که نماد بدن پاره شده‌ی اوست، شریک و سهیم هستند. بنابراین، کافرانی که گوشت قربانی شده برای بت‌ها را می‌خورند، مرتبط می‌گردند با دیوهایی که در پس مذاهب جهانی قرار دارند. در حالیکه ایمانداران در رویدادهای تاریخی دوران حیات عیسی، تحت عنوان مراسم و سنتها سهیم هستند (رومیان ۶)، به همین میزان بی‌ایمانان نیز با دیوها و شیاطین سهیم می‌باشند.

۲۱:۱۰ این آیه اشاره به رسوم و آیین‌های اهدا کردن قربانی توسط کافران در معابد قرن‌تس دارد. یک ایماندار نمی‌تواند در حال بر منحصر بفرد بودن مسیحیت (یعنی بر تنها خدای راستین و عیسی مسیح او) صحنه گذارد، اما همچنان در آیینهای پرستشی کافران حضور داشته باشد. اگر چنین باشد، او به لحاظ معنوی هنوز بت‌پرست محسوب خواهد گردید!

۲۲:۱۰ "آیا می‌خواهیم غیرت خداوند را برانگیزیم" این عبارات بنظر کنایه‌ای است به تنبیه ۴:۲۵، ۱۶:۳۲، ۲۱:۱۶، ۲۱:۷۸؛ و یا اشعیا ۵۶:۳. واژه خدا در اول قرن‌تیا ۲۱:۱۰ به روشنی به عیسی اشاره می‌کند، اما در اول قرن‌تیا ۲۲:۱۰ اشاره به یهوه دارد. اینگونه جایجایی، یکی از شیوه‌های نویسندگان عهد عتیق برای تصریح آسمانی بودن عیسی ناصری بوده است.

عبارت "غیرت" (در نسخه انگلیسی "حسادت" نوشته شده است) کلمه عا شقانه پر باری است. انسان فقط در مقابل کسانی که عا شقانه دوست می‌دارد حسادت می‌ورزد. یهوه بلحاظ احساسی با قوم خود آمیخته شده، که بازتاب دهنده شخصیت او هستند و نام او را در جهان حمل می‌کنند. بت‌پرستی این مجالست و مقاصد انجیلی را از بین خواهد برد.

■ "آیا از او توانا تریم" بلحاظ قواعد دستوری در پاسخ به این سوال انتظار شنیدن "خیر" می‌رود. این واژگان حکایت از دو گروه متفاوت مسیحیان دارند که اشاره می‌کنند به: برادر ضعیف در اول قرن‌تیا ۱۰:۱۴-۲۱ و برادر قوی در اول قرن‌تیا ۱۰:۲۳-۳۳. آیه ۲۲ نشان دهنده دشواری تلاش برای مواجهه با این دو گروه از ایمانداران دارد (رومیان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵). پولس تلاش می‌کند تا با راه رفتن بر روی لبه تیغ الهیاتی، میان این دو گروه فیلسوفان مسیحی و جهان بین توازن برقرار کند (آزادی و تقید در برابر تجربه پیشین).

۲۳ «همه چیز جایز است» - اما همه چیز مفید نیست. «همه چیز رواست» - اما همه چیز سازنده نیست. ۲۴ هیچ‌کس در پی نفع خود نباشد، بلکه نفع دیگران را بجوید. ۲۵ هر گوشتی را که در قصابخانه می‌فروشند، بدون نظر به وجدان بخورید، ۲۶ زیرا «زمین و هر آنچه در آن است از آن خداوند است.» ۲۷ اگر شخصی بی‌ایمان شما را به صرف غذا دعوت می‌کند و شما نیز مایل به رفتن هستید، هر آنچه در برابرتان می‌گذارد بدون نظر به وجدان بخورید، ۲۸ مگر اینکه کسی به شما بگوید: «این گوشت به بتها تقدیم شده است.» تنها در این صورت، به خاطر کسی که این را به شما گفت و به خاطر وجدان، از آن مخورید - ۲۹ البته مقصودم وجدان آن شخص است نه وجدان شما. زیرا چرا باید وجدان شخصی دیگر بر آزادی من حکم کند؟ ۳۰ اگر خوراکی را با شکرگزاری می‌خورم، چرا باید به خاطر آنچه خدا را برای آن شکر می‌گوییم، محکوم کنند؟

۱۰:۲۳ این آیه بازگشت به موضوع شروع شده در فصل ۶:۱۲ درباره چگونگی برقراری توازن میان آزادی در مسیحیت و مسئولیت‌پذیری آنان است (رومیان ۱۴:۱۹). آیات ۲۳-۳۳ برادر قوی‌تر را مورد خطاب قرار می‌دهد.

□ «همه چیز جایز است» این عبارت دو بار تکرار شده است. در برخی ترجمه‌ها، این جمله در میان علامت نقل قول قرار داده شده است (NRSV, TEV, NJB) زیرا مترجمان اینگونه تصور می‌کردند که این عبارت، یکی از شعارهای گروه‌های تفرقه‌افکن در قرن‌تس و یا یک تمثیل فرهنگی بوده است. از نگاه یک مسیحی قوی، این همان دنیایی است که از قید آن باید رها گردید (اول قرن‌تینان ۶:۱۲؛ ۱۰:۲۶؛ رومیان ۱۴:۱۴، ۲۰).

موضوع خاص: آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی (از رومیان ۱۴:۱ تا ۱۵:۱۳)

(Special Topic: Christian Freedom Vs. Christian Responsibility (From Rom. 14:1-15:13))

- A. رومیان ۱:۱۴ الی ۱۵:۱۳ تلاش میکند که میان پارادوکس آزادی و مسئولیت مسیحی تعادل برقرار سازد. واحد مفهومی از رومیان ۱۴:۱ الی ۱۵:۱۳ نشأت می‌گیرد.
 - B. مسئله ای که در این فصل تشدید میشود، احتمالاً تنش بین غیر یهودیان و مؤمنان یهودی در کلیسای رم بود. پیش از ایمان آوردن، یهودیان بیشتر قانونگرا بودند و غیر یهودیان پیرو اصول اخلاقی نبودند. به یاد داشته باشید، این به پیروان صمیمی عیسی خطاب شده است. این فصل به مؤمنان اولیه نمی‌پردازد. بالاترین انگیزه مربوط به هر دو گروه است. در افراط در هر دو طرف خطر وجود دارد. این بحث به منزله مجوزی برای قانونگرایی یا جولان دادن آزادی نیست.
 - C. مؤمنان باید دقت کنند که الهیات و اخلاق خود را تبدیل به استاندارد برای همه مؤمنان نکنند (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱۰:۱۲). مؤمنان باید در نوری که دارند گام بردارند، بدانند که الهیات آنها به طور خودکار همان الهیات خداوند نیست. مؤمنان هنوز هم تحت تاثیر گناه قرار دارند. ما باید عقل و تجربه را از کتاب مقدس آموخته و یکدیگر را به آنها تشویق کنیم. هر قدر کسی بیشتر بدانند می‌فهمند که کمتر میدانند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۳:۱۲)!
 - D. نگرش و انگیزه‌های فرد در برابر خدا کلیدهای واقعی در ارزیابی اقدامات برادر و خواهر مسیحی است. مسیحیان در برابر مسیح ایستادند تا در مورد چگونگی برخورد با یکدیگر مورد قضاوت قرار گیرند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵:۱۰، ۱۲ و دوم قرن‌تینان ۵:۱۰).
 - E. مارتین لوتر گفت: "یک مرد مسیحی، آزادتر از هر کسی است، و نسبت به کسی مسئولیتی ندارد، یک مرد مسیحی، خدمتکاری خیر خواه است و نسبت به هر کسی مسئول است." حقیقت کتاب مقدس اغلب در یک پارادوکس پر از تنش ارائه می‌شود (موضوع خاص: پارادوکس در کتاب مقدس را مطالعه کنید)
 - F. به این موضوع سخت و دشوار ولی مهم و حیاتی در تمام کتاب رومیان ۱۴:۱ الی ۱۵:۱۳ و همچنین اول قرن‌تینان ۸ الی ۱۰ و کولسیان ۲:۸ الی ۲۳ پرداخته میشود.
 - G. با این وجود، باید گفته شود که جمع‌گرایی میان ایمانداران صمیمی چیز بدی نیست. هر مومن قدرتها و ضعفهایی دارد. هر یک باید در نوری که دارد گام بردارد، و برای نور بیشتر، همیشه باید پذیرای روح و کتاب مقدس باشد. در این دوران تماشا از درون شیشه به تاریکی (اول قرن‌تینان ۱۳:۸ الی ۱۳) فرد باید برای تهذیب دوجانبه با عشق گام بردارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵:۱۷ و ۱۹).
- تفاوت‌های ما به عنوان ایمانداران درب‌های باز خدا برای بی‌ایمانان مختلف هستند تا بخشش و احیا در مسیح را بیابند. جمع‌گرایی مسیحی، با تعهدات انجیلی چیزهای خوبی برای بشارت هستند.

H. عناوین "قویتر" و "ضعیفتر" که پولس به این گروه ها میدهد آنان را نسبت به ما متعصب میکند. این یقیناً نیت پولس نبود. هر دو گروه ایمانداران صمیمی بودند. ما نباید تلاش کنیم که دیگر ایمانداران را در قالب ایمان خودمان قرار دهیم. ما در مسیح یکدیگر را میپذیریم. I. کل بحث را میتوان در موارد زیر مشخص کرد

۱. همدیگر را بپذیرید زیرا خدا ما را در مسیح میپذیرد (رومیان ۱۵: ۱۴ و ۱ و ۳، ۱۵: ۱۷)
۲. بر یکدیگر داوری نکنید زیرا مسیح تنها سرور و داور ما است (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۳ الی ۱۲)
۳. عشق مهم تر از آزادی فردی است (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱۳ الی ۲۳)
۴. الگوی مسیح را دنبال کنید و حقوق خود را برای تهنیت دیگران و نیکی کنار گذارید (مراجعه شود به رومیان ۱۵: ۱ الی ۱۳)

□ **"اما همه چیز مفید نیست"** این آزمون عملی و روحانی چنین است، "آیا بدن را تهنیت می کند (جامعه باورمند)؟" (اول قرنتیان ۶: ۱۲؛ ۳: ۴، ۲۶؛ دوم قرنتیان ۱۲: ۱۹؛ رومیان ۱۴: ۱۹؛ ۲: ۱۵). این باید آزمونی باشد که ایمانداران انجام می دهند یا می گویند. آزادی یک فرد در راه مسیح نباید به فرد دیگری را که مسیح بخاطر او نیز مرد، صدمه وارد نماید (رومیان ۱۴: ۱۵).

بعنوان نظر شخصی باید بگویم که از این آیه، اینگونه برداشت نمی شود که روحانیت باید در پایین ترین نقطه یک فرد ایماندار جریان داشته باشد، بلکه می گوید یک ایماندار بالغ نباید آزادی خود را به رخ سایر ایمانداران هم کیش خود کشد. من بلحاظ معنوی در قبال سایر ایمانداران نیز احساس مسئولیت می کنم! به موضوع خاص: **تهدیب** در اول قرنتیان ۸: ۱ مراجعه نمایید.

۱۰: ۲۴ **"هیچ کس در پی نفع خود نباشد"** این جمله اخباری معلوم است. مسیحیت رشد یافته، رفاه و آسایش دیگران را در اولویت قرار می دهد (اول قرنتیان ۱۰: ۳۳؛ ۷: ۱۲؛ ۵: ۱۳؛ رومیان ۱۴: ۷؛ ۲: ۱۵؛ فیلیپیان ۲: ۵-۱، ۲۱).

۱۰: ۲۵، ۲۷ این صدای ایمان رها شده است. اما ایمان "قوی" عموماً "محصول ایمان" "ضعیف" است (اول قرنتیان ۱۰: ۲۸-۲۹).

۱۰: ۲۵ **"وجدان"** هیچ معادلی در عهد عتیق برای واژه یونانی "وجدان" یا "ضمیر باطن" وجود ندارد، مگر اینکه واژه عبری "breast" که گاهی معنی وجدان نیز می دهد، از دانشی درباره ضمیر و عوامل محرکه آن سخن گوید. در اصل واژه یونانی اشاره به یکی از حواس پنجگانه دارد. در اینجا برای احساس درونی بکار برده شده است (رومیان ۲: ۱۵). پولس از این واژه دوبار در جریان دادگاش در اعمال رسولان استفاده کرده است (۲۳: ۱ و ۲۴: ۱۶). این واژه اشاره به حس او و عدم زیر پا گذاردن وظایف دینی بطور خودآگاه در قبال خداوند دارد (اول قرنتیان ۴: ۴).

وجدان شامل عوامل محرکه ادراک ایمانداران بر اساس (۱) جهانبینی انجیلی؛ (۲) جای گرفتن روح در بدن؛ و (۳) حکمت زندگانی مطابق کلام خدا می باشد. وجدان یک فرد مسیحی بوسیله دریافت شخصی کلام انجیل شکل می گیرد. به یادداشت کاملتر در اول قرنتیان ۷: ۸ مراجعه نمایید.

۱۰: ۲۶ **"زیرا زمین و هر آنچه در آن است از آن خداوند است."** این بخش از آیه مؤکد نیکی همه مخلوقات عالم است (اول قرنتیان ۶: ۱۲؛ ۱۰: ۲۶؛ رومیان ۱۴: ۱۴، ۲۰)، که از تلفیق آیات مزبور ۲۴: ۱ و ۵۰: ۱۲ گرفته شده، که توسط یهودیان عهد عتیق بعنوان یک دعای خیر در هر وعده غذایی بکار برده می شد.

نسخه یونانی عهد جدید آیه اول قرنتیان ۱۰: ۲۶ را در انتهای اول قرنتیان ۲۸: ۱۰ تکرار کرده است. این آیه اصل نیست. در نسخه های خطی یونانی A, B, C, D, F, G, H* و P همچنین در نسخه های ولگاته، Syriac یا ترجمه Coptic وجود ندارد.

۱۰: ۲۷ این آیه در تفکیک میان جشنهای بت پرستان و اجتماعات روزانه ی عادی بی ایمانان بسیار حیاتی است. پولس قواعد سفت و سختی را وضع نکرده است. او روابط شخصی را الویت بندی نموده است (تبشیر و شاگردی). ارجحیت با مردم است. این مردم هستند که همیشه خواهند ماند. مردم علت اصلی مرگ عیسی بودند، نه خوراک! آیات ۲۹-۳۳ خلاصه ای از آنچه را که پولس در نظر داشت به ما می گوید.

۱۰: ۲۷، ۳۰ **"اگر"** هر دوی این جملات شرطی با توجه به نیت و دیدگاه ادبی نویسنده، درست بنظر می رسند.

۱۰: ۲۸ **"اگر"** این نیز جمله شرطی نوع سوم بوده که بمعنی احتمال وقوع عملی است.

□ **"از آن مخورید"** این یک جمله دستوری حال حاضر با بار منفی است که بمعنی توقف خوردن است. اگر به مسیحی اطلاع داده شود که نباید از خوراکی بخورد به این دلیل است که با توجه به مشکل مطرح شده حضور یک ایمان ضعیف یا کسی که بتازگی در جستجوی ایمان است، حس می شود (اول قرنتیان ۱۰: ۲۹).

”چرا باید وجدان دیگری بر آزادی من حکم کند“	NASB
”چرا باید وجدان انسان دیگری بر آزادی من حکم کند“	NKJV
”چرا باید آزادی من، موضوع داوری وجدان شخص دیگری باشد“	NRSV
”چرا باید آزادی من بوسیله وجدان شخص دیگری محدود گردد“	TEV
”چرا باید آزادی من از وجدان شخص دیگری اطاعت کند“	NJB

نسخه NRSV این عبارات را بگونه‌ای علامتگذاری کرده که گویی کلام پولس بوده است. نسخه TEV بگونه‌ای ترجمه کرده بنظر می‌رسد اینها سوالاتی هستند که بوسیله شخص دیگری مطرح گردیده‌اند. یک تکنیک ادبی وجود دارد که به زخم زبان معروف است (اول قرن‌تبیان ۶: ۱۲، ۱۳). این سوالی مهم است که شما خود باید پاسخگوی آن باشید. هر یک از ما، تحت رهبری و هدایت روح القدس، باید مرزهای خود را با دیگران، بدور از عشق و احترامی که برای عیسی مسیح قائل هستیم، مشخص نماییم.

موضوع خاص: داوری در عهد جدید

(Special Topic: Judgment in The NT)

داوری قطعی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۶، عبرانیان ۹: ۲۷، دوم پطرس ۲: ۴ و ۹، ۳: ۷).

A. کسی که داوری میکند

۱. خدا است (مراجعه شود به رومیان ۲: ۲ الی ۳، ۱۴: ۱۰ و ۱۲، اول پطرس ۱: ۱۷، ۲: ۲۳، مکاشفه ۲: ۱۱ الی ۱۵)
 ۲. مسیح است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۹، انجیل متی ۱۶: ۲۷، ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱، دوم قرن‌تبیان ۵: ۱۰، دوم تیموتائوس ۴: ۱)
 ۳. پدر از طریق پسر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۲ الی ۲۷، اعمال رسولان ۱۷: ۳۱، رومیان ۲: ۱۶)
- داوری یک موضوع نامطبوع است، ولی یک موضوع تکراری در انجیل میباشد. بر اساس چندین حقیقت انجیلی است
۱. این یک جهان اخلاقی است که توسط یک خدای با اخلاق خلق شده است (هر چه بکاریم، همان را درو خواهیم کرد، مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۷)
 ۲. انسان گمراه و سقوط کرده است، ما شورش کردیم
 ۳. این جهانی نیست که خدا نیت آن را داشت
 ۴. همه مخلوقات آگاه (فرشتگان و انسانها) به خالق خود بابت نعمت زندگی حساب پس میدهند. ما خدمتگزار هستیم.
 ۵. ابدیت همیشه با اعمال و انتخابهای ما در زندگی تعیین میشود

B. آیا مسیحیان باید یکدیگر را داوری کنند؟ به دو شیوه باید با این مسئله برخورد کرد

۱. به ایمانداران نصیحت میشود که بر یکدیگر داوری نکنند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱ الی ۵، انجیل لوقا ۶: ۳۷ و ۴۲، رومیان ۲: ۱ الی ۱۱، یعقوب ۴: ۱۱ الی ۱۲)
 ۲. به ایمانداران نصیحت میشود که رهبران را مورد ارزیابی قرار دهند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۶ و ۱۵ الی ۱۶، اول قرن‌تبیان ۱۴: ۲۹، اول تسالونیکیان ۵: ۲۱، اول تیموتائوس ۳: ۱ الی ۱۳، و اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶)
- برخی شروط ممکن است برای داوری مناسب کمک کننده باشند
۱. ارزیابی باید با هدف تأیید کردن باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ - "آزمودن" با نگرش به سوی موافقت، موضوع خاص: آزمودن [peirazō and dokimazō] را مطالعه کنید)
 ۲. ارزیابی باید با فروتنی و مهربانی انجام شود (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱)
 ۳. ارزیابی نباید بر اساس غرض ورزیهای شخصی باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۲۳، اول قرن‌تبیان ۸: ۱ الی ۱۳، ۱۰: ۲۳ الی ۳۳)
 ۴. ارزیابی باید آن دسته از رهبران را شناسایی کند که کلیسا یا جامعه "نتواند از آنها انتقاد کند" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳)

۳۰:۱۰ این آیه اشاره به وعده خوراکی دارد که یک ایماندار با پس از شکر کردن، می خورد. سوال، صحنه را برای قواعد جهانی درباره تمرین حقوق ما در مسیحیت فراهم می کند که در اول قرنیتیان ۳۱:۱۰ ادامه می یابد.

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۳۱:۱۰ - ۱:۱۱

۳۱ پس هر چه می کنید، خواه خوردن، خواه نوشیدن و خواه هر کار دیگر، همه را برای جلال خدا بکنید. ۳۲ هیچ کس را آزرده خاطر مسازید، چه یهودیان، چه یونانیان و چه کلیسای خدا را، ۳۳ همان گونه که من نیز می کوشم تا همه را به هر نحو که می توانم خوشنود سازم. زیرا در پی نفع خود نیستم، بلکه نفع بسیاری را می جویم، تا نجات یابند. ۱:۱۱ پس، از من سر مشق بگیرید، چنانکه من از مسیح سر مشق می گیرم.

۳۱:۱۰ "همه را برای جلال خدا بکنید" این یک قاعده کلی است که در هر زمینه ای در زندگی ایمانداران صدق می کند (افسیسیان ۷:۶؛ کولسیان ۳:۱۷، ۲۳؛ ۱ پطرس ۴:۱۱). به موضوع خاص: جلال (*Doxa*) در اول قرنیتیان ۷:۲ رجوع نمایید.

۳۲:۱۰ "هیچ کس را آزرده خاطر مسازید، چه یهودیان، چه یونانیان و چه کلیسای خدا را" این آیه ظاهراً به سه گروه اشاره می کند. دو گروه اول با تبلیغ مسیحیت مرتبط است؛ گروه آخر با مجالست های درون کلیسا ارتباط پیدا می کند.

واژه "کلیسا" در یک حالت جهانی بکار برده شده، آنگونه که در متی ۱۸:۱۶ استفاده گردیده است. این واژه در عهد جدید بصورت های زیر بکار رفته است:

۱. یک حالت محلی (بیشتر تصادفی)
۲. یک حالت منطقه ای (اعمال رسولان ۹:۳۱؛ غلاطیان ۱:۲)
۳. یک حالت جهانی (فیلیپیان ۳:۶؛ عبرانیان ۱۲:۲۳)
۴. یک حالت فراجهانی از همه قدیسان در همه اعصار، از مرده تا زنده (افسیسیان ۱:۲۲؛ ۵:۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۲؛ کولسیان ۱:۱۸، ۲۴).

□ "کلیسا" به موضوع خاص: کلیسا در اول قرنیتیان ۱:۲ مراجعه نمایید.

۳۳:۱۰ "همان گونه که من نیز می کوشم تا همه را به هر نحو که می توانم خوشنود سازم... تا نجات یابند" بشارت انجیل، و نه حقوق فردی، الویت ایمانداران بالغ است (اول قرنیتیان ۹:۱۹-۲۲).

□ "بسیاری" در زبان انگلیسی ممکن است این واژه را در چارچوب بخش بزرگی از کلیت یک گروه تعبیر نماییم. با اینحال، در تفکر عبرانی، این واژه بلحاظ ادبی یعنی "همه". این موازات را می توان در آیات زیر مشاهده کرد:

۱. اشعیا ۵۳:۱۱، "بسیاری"

اشعیا ۵۳:۱۲ "بسیاری"

اشعیا ۵۳:۶ "همه ما"

۲. رومیان ۵:۱۸، "همه انسانها... همه انسانها"

رومیان ۵:۱۹ "بسیاری... بسیاری"

۳. در اول قرنیتیان ۱۷:۱۰ "مانند که بسیار هستیم" (در اینجا پولس از عبارت "بسیاری" در اشاره به همه گروه های ایماندار استفاده می کند).

□ "تا نجات یابند" این هدف کلام انجیل و زندگی مسیحیان است (اول قرنیتیان ۹:۱۹-۲۲). وعده خداوند در پیدایش ۳:۱۵؛ ۳:۱۲ اکنون به سرانجام رسیده است. دو سستی گسسته شده (تصویر بشر در خداوند) بوا سطره مسیح دوباره احیا گردیده است. "هر که طالب است" خواهد آمد (حزقیال ۱۸:۲۳، ۳۲؛ یوحنا ۱:۱۲؛ ۳:۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۲:۴؛ ۲ پطرس ۳:۹).

۱:۱۱ "این آیه باید در ادامه فصل ۱۰ نوشته می شد، نه ۱۱. انگیزه های انجیلی پولس و اعمال او، بموازات زندگی و آموزه های عیسی است. در حالیکه پولس از عیسی تقلید می کرد، ایمانداران در کلیسای قرنتس باید بر ۱) نیکی بدن (کلیسا) و ۲) رستگاری و نجات دنیای بی ایمان متمرکز می گردیدند.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. آیا آن عده از اسرائیلیان که در بیابان مردند، بلحاظ روحانی گم شده بودند؟
۲. مقصود اصلی از شام خداوند چه بود؟
۳. چگونه می‌توان میان آزادی و مسئولیت‌پذیری در مسیحیت توازن برقرار کرد؟
۴. هدف اصلی از آزادی ما چه باید باشد؟

اول قرنتیان ۱۱

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
		مشکلاتِ جامعه کلیسایی (۱۱:۲ - ۱۴:۴۰)		آداب عمومی پرستش (۱۱:۲ - ۱۴:۴۰)
پوشش سر در هنگام دعا	پوشش سر	پوشش معقول در مجامع عمومی	پوشش سر در هنگام پرستش	رفتار زنان در خدمات کلیسایی
۱۶-۲:۱۱	۱۶-۲:۱۱	۱۶-۲:۱۱	۱۲-۲:۱۱	۶-۲:۱۱
				۱۲-۷:۱۱
			۱۶-۱۳:۱۱	۱۵-۱۳:۱۱
				۱۶:۱۱
توهین‌ها در هنگام شام خداوند	رفتار در هنگام شام خداوند	ظواهرهای ناشایست در هنگام شام خداوند	شام خداوند	شام خداوند
۲۲-۱۷:۱۱	۲۲-۱۷:۱۱	۲۲-۱۷:۱۱	۲۲-۱۷:۱۱	۲۲-۱۷:۱۱
ساماندهی شام خداوند	ساماندهی شام خداوند			
۲۶-۲۳:۱۱	۲۶-۲۳:۱۱	۲۶-۲۳:۱۱	۲۶-۲۳:۱۱	۲۷-۲۳:۱۱
شرکتِ بیهوده در شام خداوند	خود را بیازمایید			
۳۴-۲۷:۱۱	۳۴-۲۷:۱۱	۳۴-۲۷:۱۱	۳۲-۲۷:۱۱	۳۲-۲۸:۱۱
				۳۴-۳۳:۱۱

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

- A. فصول ۱۱ تا ۱۴ به مسئله اجتماعات پرستشی می‌پردازد. این فصلها مجموعه‌ای از بخشهای مستقل را شکل می‌دهند.
۱. آراستگی مردان و زنان و کردار آنان (اول قرن‌تین ۲:۱۱-۱۶)
 ۲. مراعات شام خداوند (اول قرن‌تین ۱۷:۱۱-۳۴)
 ۳. تمرین هدایای روحانی (اول قرن‌تین ۱۲-۱۴)
- B. هنگامی که از اجتماعات پرستشی سخن می‌گوییم، دو گروه مد نظر قرار داده می‌شوند:
۱. گروه‌های کوچکتر عمدتاً در خانه‌ها گرد هم می‌آمدند، برخی در خانه همسایه‌های متمول، برخی در گردهمایی‌های قومی و برخی دیگر در مکانهایی که برده‌ها بدور هم جمع می‌شدند
 ۲. این کلیساهای خانگی کوچک بصورت دوره‌ای (زمان آن مشخص نمی‌باشد) برنامه‌های گردهمایی درون شهری ترتیب می‌دادند (غذای آگاپه به‌مراه مراسم عشای ربانی بصورت جشن).
 ۳. از دارا بودن مقررات خاص برای کلیساهای خانگی یا اجتماعات بزرگتر، اطلاعی در دست نمی‌باشد)
- C. راه‌های مختلفی برای درک اول قرن‌تین ۲:۱۱-۱۶ وجود دارد
۱. این متن در حله اول به آداب رایج در اجتماعات پرستشی (اول قرن‌تین ۱۱:۱۳) می‌پردازد، و نه ارتباط میان زنان و مردان (اول قرن‌تین ۱۱:۱۱-۱۲)
 ۲. این متن به مبحث آزادی در راه مسیحیت، که زنان و مردان رومی در کلیسای قرن‌تس برای موقعیت اجتماعی (مردان) و استقلال از سنت و فرهنگ (زنان) از آن بهره می‌بردند، می‌پردازد.
 ۳. این متن به مبحث بوجود آمدن رابطه میان شوهران و همسران می‌پردازد (افسسیان ۵:۲۲-۳۱؛ ۱ تیموتائوس ۲:۹-۱۵). روابط مناسب و معقول مبتنی بر کتاب پیدایش ۲-۳ بوده، که درجه اهمیت مردان بدلیل ریشه خلفت آدم و شروع قیام و سرکشی توسط حوا را تعریف می‌نماید.
 ۴. بحث پولس درباره پوشاندن سر محدود به زنان نیست، بلکه مردان را نیز مورد خطاب قرار می‌دهد. مثل همیشه مشکل در قرن‌تس دارای دو جنبه است. بعنوان نشانه روشنفکری در وضعیت اجتماعی، برخی مردان در هنگام رهبری اجتماعات پرستشی، بر روی سر خود پوشش قرار می‌دادند، همانگونه که در زمان بت‌پرستی رواج داشت. بعنوان نشانه رستگاری و پاکی، زنان روبنده‌های مربوط به ازدواج خود را در هنگام رهبری اجتماعات، از سر بر می‌داشتند (از کتاب *After Paul Left Corinth* نوشته Bruce W. Winter، صفحات ۱۲۱-۱۴۱).
- این متن به شکل شگفت‌انگیزی به نفع قرن‌تین رومی می‌باشد. در زندگی یهودیان و رومیان، زنان معمولاً سر خود را نمی‌پوشاندند. آنچه که در این متون دیده می‌شود عمدتاً بر پایه برداشتهای مترجم بوده تا نیت و مقصود پولس. متونی که توسط ایمانداران صدیق به شیوه‌های گوناگون درک شده و می‌شود، قطعاً نباید بصورت دگماتیک ترجمه و یا بصورت جانبدارانه درباره زنان و مردان و ارتباط میان آنها در کلیسا از هر سن و فرهنگی، ترجمه و تفسیر گردد. برای من مایه شگفتی است که می‌بینم برخی ایمانداران، مبحث پوشش سر برای مردان و زنان را در فصل ۱۱ به یک معضل فرهنگی ارجاع داده (با اینکه پولس به دیدگاه‌های پیدایش ۱-۳ گرایش دارد)، در حالیکه همزمان، بر روی محدودیتهای پولس برای زنان در کلیسا را در همه سنین و بعنوان یک قاعده کلی تأکید می‌کنند. عدم ثبات نظر در ترجمه منجر به مشکلات بزرگی در تفسیر گردیده است. بهترین مبحثی که بصورت خلاصه به این معضل احساسی و پیچیده پرداخته، کتاب *How to Read the Bible for All its Worth* بقلم Fee and Stuart صفحات ۶۱-۷۷، و یا کتاب *Gospel and Spirit* بقلم Gordon Fee می‌باشد.
- D. این فصل به ما کمک می‌کند تا لزوم محدود کردن نمادهای الهیاتی یا تعمیم آنها در روابط فرهنگی که یک مسیحی بالغ باید در خود جستجو نماید را درک کنیم. کتابی که در این زمینه به من بسیار کمک کرد *How to Read the Bible For All Its Worth* نوشته Gordon Fee and Douglas Stuart صفحات ۷۱-۸۹ است.
- E. این متن شامل دوره اولیه شام خداوند/عشای ربانی می‌باشد.
- F. علت‌های اصلی شام خداوند
۱. اتحاد و همدلی در کلیسا
 ۲. تجلی حضور عیسی

۳. تجلی قربانی شدن تاریخی عیسی
۴. تجلی رابطه جدید ما با خداوند بواسطه عیسی مسیح
۵. اظهار عملی وقایع گذشته و آینده مسیح، از عروج تا ظهور دوباره
۶. پرستشی کاملاً جدی

از اول قرن‌تین ۱۰: ۱۶-۱۷ مشخص گردید که دیدگاه پولس نسبت به این تجربیات، فراتر از اعمال نمادین و یا صرفاً جهت یادآوری بوده است (اول قرن‌تین ۲۵-۱۱: ۲۴). با اینحال، این مفاهیم هنوز پیشرفت نکرده است. احتمالاً کتاب یوحنا ۶: ۴۱-۷۱ (با اینکه در نگاه اول به متن چیزی مرتبط با شام خداوند دیده نمی‌شود) یکی از جنبه‌های این اتحاد روحانی و معنوی است. مسیحیت در وحله اول یک رابطه ایمانی و شخصی با خداوند تثلیث است.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱۱: ۲-۱۶

۲ شما را تحسین می‌کنم که در همه چیز مرا به یاد می‌آورید و سنتها را به همان شکل که به شما سپردم، حفظ می‌کنید.
 ۳ اما می‌خواهم آگاه باشید که سر هر مرد، مسیح است، سر زن، مرد است، و سر مسیح خداست. ۴ هر مردی که سر پوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را بی‌حرمت کرده است. ۵ و هر زنی که سر پوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را بی‌حرمت کرده است؛ این کار او درست مانند این است که سر خود را تراشیده باشد. ۶ اگر زنی سر خود را نمی‌پوشاند، پس اصلاً موهای خود را کوتاه کند؛ و اگر برای زن شرم‌آور است که موهایش را کوتاه کند یا بتراشد، پس باید سر خود را بپوشاند. ۷ مرد نباید سر خود را بپوشاند، زیرا او صورت و جلال خداست؛ اما زن، جلال مرد است. ۸ زیرا مرد از زن پدید نیامده، بلکه زن از مرد پدید آمده است؛ ۹ و مرد برای زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. ۱۰ از همین رو، و به خاطر فرشتگان، زن باید نشانی از اقتدار بر سر داشته باشد. ۱۱ با وجود این، در خداوند، نه زن از مرد بی‌نیاز است، نه مرد از زن.

۱۱: ۲ در زیر نور فصل پیشین، این سوال بوجود می‌آید که این آیه جدی بوده یا بصورت طعنه بیان شده است. کلیسای قرن‌تس کلام پولس را بخاطر نسپرده و آموزه‌های او را پیروی نمی‌کرد (اول قرن‌تین ۱۱: ۱۷، ۲۲). این امکان وجود دارد که آیه پرسش دیگری از سوی کلیسا برای پولس بوده باشد.

NASB	"سنتها را به جد حفظ می‌کنید"
NKJV	"سنتها را حفظ می‌کنید"
NRSV	"سنتها را نگهداری می‌کنید"
TEV	"آموزه‌ها را دنبال می‌کنید"
NJB	"نگهداری سنتها"

این جمله حال اخباری است. ایمانداران باید در حفظ حقایقی که پولس مطرح کرده بود، کوشا باشند (۲ تسالونیکیان ۲: ۱۵). این یک توازن میان انتخاب است.

واژه "سنتها" (*pardosis*) در حالات مختلفی بکار برده شده است:

۱. در اول قرن‌تین ۱۱: ۲، ۲۳؛ ۱۵: ۳ برای حقایق انجیل
۲. در متی ۱۵: ۶؛ ۲۳: ۱؛ مرقس ۷: ۸؛ غلاطیان ۱: ۱۴ در رابطه با سنتهای یهودیان
۳. در کولسیان ۲: ۶-۸ درباره گمانه‌زنیهای مذاهب باستانی
۴. کاتولیکهای رومی (ارتدوکس شرقی و روسی) از این آیه بعنوان یک متن مقدماتی انجیلی برای کلام اصلی و سنتهای کلیسا با اختیارات یکسان بهره می‌بردند
۵. در متن این عبارت اشاره به حقیقت رسالت دارد، چه بصورت کلامی و چه بصورت نوشتاری (۲ تسالونیکیان ۳: ۶).

□ "سنتها را" بیشتر اطلاعاتی که از عیسی منتقل گردیده بصورت زبانی و گفتاری از شخص به شخص بوده تا زمانی که بین ۳۰ تا ۶۰ سال پس از مرگ او به رشته تحریر درآمدند.

□ "به همان شکل که به شما سپردم" دو واژه یونانی "سنتها" (*paradoseis*) و "سپردم" (*paredōka*) از لغت *paradidōmi* شکل گرفته و برای بکار بردن آنها یک بازی با لغات بوجود آمده است. اصل آن را پولس بوجود نیآورده بود، اما بسادگی در زنجیره‌ای از مکاتبات به یکدیگر مرتبط گردیدند. واژه "سنتها" برای بیان حقایق مسیحیت که از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌گردید، بکار برده می‌شد (اول قرن‌تین ۱۱: ۲۳؛ ۳: ۱۵). پولس اطلاعات خود را درباره انجیل از منابع متعددی دریافت می‌کرد.

۱. سخنان استیفان در برابر شورای یهود (اعمال ۷)
۲. آزار مسیحیان (اعمال ۸: ۱-۳؛ ۹: ۱-۲؛ ۲۲: ۴، ۱۹)
۳. خانایا (اعمال ۹: ۱۰-۱۸)
۴. زمانی که در دمشق با مسیح گذراند (غلاطیان ۱: ۱۱-۷)
۵. زمانی که در اورشلیم با پطرس و یعقوب گذراند (غلاطیان ۱: ۱۸-۱۹)
۶. برناباس (اعمال ۹: ۲۰-۲۷؛ ۱۱: ۲۵-۲۶)

۳:۱۱ "سر هر مرد مسیح است" F. F. Bruce در تفسیر خود از اول و دوم قرن‌تینان صفحه ۱۰۳ تصریح می‌کند که در این متن کلمه *kephalē* از واژه عبری *rosh* در حالت اصلیت و ریشه آن دنباله‌روی می‌کند. این مفهوم از *kephalē* در Greek Lexicons توسط افراد زیر ثبت نگردیده است:

۱. Bauer, Arndt, Gingrich, Danker
۲. Moulton, Milligan
۳. Louw, Nida
۴. Moulton

این امر نشان می‌دهد که چگونه محتوای متن (اول قرن‌تینان ۱۱) تصمیم‌گیرنده اصلی معنی واژه است و نه فرهنگ لغات. در این متن "ریشه" یا "اصل" در ارتباط با پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۲: ۱۸، بهترین گزینه در اول قرن‌تینان ۳: ۱۱ می‌باشد (کتاب *Hard Sayings of the Bible* نوشته Kaiser, Bruce and Brauch. صفحات ۵۹۹-۶۰۲).

عیسی نماینده پدر در آفرینش کائنات بود (یوحنا ۱: ۳، ۱۰؛ اول قرن‌تینان ۸: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ عبرانیان ۱: ۲). بشر، از مرد و زن، بوسیله او و از تجلی او خلق شدند. با اینحال، پسر مطیع اوامر پدر است (اول قرن‌تینان ۳: ۲۳؛ ۱۱: ۲؛ ۱۵: ۲۸). این تواضع میان زنان و مردان نیز گسترش یافته است. آنان نیز از تجلی خداوند آفریده شده‌اند (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷)، اما باید توجه داشت که در ارتباط با کارکرد آنان، یک ترتیب وجود دارد، ابتدا مرد و سپس زن (پیدایش ۱۸: ۲)، ولی این کارکرد نابرابر نیست! به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: سر (*kephalē*)

SPECIAL TOPIC: HEAD (*kephalē*)

بحث معرفت‌شناسی گسترده‌های در مورد معنای "سر" وجود دارد (*kephalē*). اصطلاح را می‌توان به این مفاهیم درک کرد:

۱. معادل عهد عتیقی عبری آن *rosh* (BDB 910, KB 1164) است که میتواند به یکی از این معانی باشد

a. سر

b. رئیس

c. شروع یا منشا (مراجعه شود به مزامیر ۸: ۲۳، جوامع ۳: ۱۱، اشعیا ۴۱: ۴)

d. مبلغ کل

(مراجعه شود به *Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis*، جلد ۳، صفحات ۱۰۱۵ الی ۱۰۲۰)

۲. در LXX، *rosh* به این کلمات یونانی ترجمه میشود

a. *archē* (آغاز، شروع، مراجعه شود به مزامیر ۱۳۷: ۶)

b. *prōtotokos* (نخست، مراجعه شود به اول تواریخ ۵: ۱۲)

c. *kephalē* (سر)

(۱) سر انسان

(۲) سر حیوان

(۳) قله کوه

(۴) بالای برج (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۴۲)

۳. در عهد جدید *kephalē*

a. سر انسان (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۱: ۴ و ۵ و ۷)

b. سر حیوان

c. به طور مصطلح، برای یک انسان کامل

d. شروع یا منشا (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۱: ۳)

e. جمع (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۹)

f. رهبر

۱) عیسی سر تمام حاکمان و مقامات است، مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۰

۲) عیسی سر کلیسا است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۵، ۵: ۲۳، کولسیان ۱: ۱۸، ۲: ۱۹)

g. شوهر (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۳)

(مراجعه شود به *Dictionary of New Testament Theology*، جلد ۲، صفحات ۱۵۶ الی ۱۶۳)

■ "سر زن، مرد است" در اینجا "مرد" و "زن" می‌تواند بمعنی شوهر و همسر باشند (NRSV, TEV). در این متن تأکیدی صورت نپذیرفته، بلکه ترتیب عنوان شده در کتاب پیدایش ۲ بازتاب داده شده است.

■ "سر مسیح خداست" این واقعیت است که در اول قرن‌تینان تکرار گردیده است (۱ قرن‌تینان ۳: ۲۳؛ ۱۱: ۳؛ ۱۵: ۲۸). ترتیبی که برای تثلیث وجود دارد هیچ ارتباطی با نابرابری ندارد، بلکه یکی از بخش‌های کارکرد آن است. از مبحث زن و مرد نیز این حقیقت را می‌توان برداشت کرد. اشتراک پیش از سقوط انسان در پیدایش ۳ وجود داشت. این اشتراک در ایمانداران بواسطه رابطه‌ای که با پدر و بوسیله پسر بوجود آمد، دوباره فراهم گردید (عیسی تجلی مردان و زنان ایماندار را دوباره بازسازی کرد).

۱۱:۴

NASB "هر مردی که هنگام دعا چیزی بر سر داشته باشد... سر خود را بی حرمت کرده است"

NKJV "هر مردی که هنگام دعا یا نبوت، سر خود را پوشانده باشد، سر خود را بی حرمت کرده است"

NRSV "هر مردی که با سر پوشیده دعا یا نبوت نماید، سر خود را بی حرمت کرده است"

TEV "پس هر مردی که با سر پوشیده دعا کرده یا پیام خدا را در ملا عام جار زند، عیسی را بی حرمتی کرده است"

NJB "زیرا هر مردی که با سر پوشیده دعا یا نبوت نماید، بی حرمتی به سر خود را نشان می‌دهد"

در اینجا با واژه "سر" بازی شده است. دومین کاربرد این واژه در اشاره به مسیح است (TEV). پولس در کشاکش فرهنگ روم قرار داشته که نمادها و اشکال آن کاملاً در تضاد با فرهنگ یهودیان بوده است (پوشاندن سر توسط مردان). مشکل اصلی این نیست که چه کسی سر دیگری را می‌پوشاند، بلکه نماد (۱) اصالت یا (۲) اطاعت هستند که هر دو بلحاظ الهیاتی شگفت‌انگیز و دارای اهمیت هستند.

گفته می‌شود که در آن دوره تاریخی در قرن‌تس

۱. رهبران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، پرستشها را با پوشاندن سرهای خود بمنظور تفکیک از سایر مردان، هدایت می‌کردند
۲. که یهودیان در کنیسه‌های قرن‌تس زنان را وادار به پوشاندن روبنده کرده و ایمانداران یهودی نیز انتظار مشابهی را در کلیسا داشتند

در این آیه بلحاظ الهیاتی تنش وجود دارد که ظاهراً مؤکد نقش رهبری زنان در اجتماعات پرستشی در ملا عام به‌مراه پوششی پذیرفته شده، در مقایسه با ۱۴: ۳۴-۳۵، در جاییکه زنان (یا حداقل زنان "شوهردار"، اول قرن‌تینان ۱۱: ۳۵) از سخن گفتن در کلیسا منع گردیده‌اند. برخی گروه‌ها متن فصل ۱۱ را تأیید می‌کنند، در حالیکه دیگران از فصل ۱۴ استفاده می‌کنند. باید پذیرفت که کلید گشایش این آیات، موقعیت فرهنگی قرن‌تس در قرن اول می‌باشد، اما جنبه‌های خاص آن امروزه برای ما روشن نمی‌باشد. کلیسای قرن اول از رهبری زنان در عهد عتیق آگاه بود و می‌دانست که پولس در بشارت‌های خود از آنان استفاده می‌کرده است (رومیان ۱۶). برخلاف ما، آنان مشکل قرن‌تس و فرهنگ رومیان را درک کرده بودند. تعصب مذهبی بهیچوجه صحیح نمی‌باشد!

اخیراً کتابی خواندم بنام *After Paul Left Corinth: The Influence of Secular Ethics and Social Change* نوشته Bruce W. Winter. او در صفحات ۱۲۱-۱۴۱ دیدگاه‌های مفیدی را از ادبیات و هنر رومیان ارائه می‌دهد. این مقاله به‌مراه سایر مقالات (The New Woman: "Representation and Reality," in *Women in the Classical World*، E. Fantham) و "اهمیت تعریف رومیان در رابطه با پوشش سر در اول

قرن‌تینان ۱۱:۲-۱۶، TyneB 41, 2 چاپ ۱۹۹۰ صفحات ۲۴۵-۲۶۰ و "در جستجوی روشنفکری اجتماعی در کلیسای قرن‌تینان" TyneB 44.2 چاپ ۱۹۹۳ (صفحات ۳۲۳-۳۳۷) نشان دهنده میزان رومی بودن فرهنگ قرن‌تس در قرن اول میلادی بود.

با چنین دیدگاه‌های ثبت شده‌ای از قرن‌تس رومی در قرن اول، این امکان وجود دارد تا مشکلاتی را که پولس در این کتاب با آن روبرو بود، مشاهده کرد.

۱. بحث پولس در این متن بهیچوجه نه فرهنگ یونان است و نه فرهنگ یهودیان
۲. پولس دو گروه را که دارای موقعیت اجتماعی خاص بودند، مورد خطاب قرار می‌دهد
- a. گروه نخبگان اجتماعی و مردان ایمان‌داری که تراز اجتماعی خود را با پوشاندن سر به هنگام رهبری مراسم جمعی پرستشی به رخ دیگران کشیده، آنگونه که برای این طبقه اجتماعی مرسوم گردیده بود، درحالی‌که این پوشش برای رهبران مذهبی رومی-یونانی مرسوم بود. آنان به اینگونه خودنمایی می‌کردند.
- b. همسران این گروه‌های متمول حجابهای رایج اجتماعی خود را برداشته تا برابری خود را بنمایش بگذارند، نه فقط در راه مسیح، بلکه بعنوان یک موقعیت اجتماعی، آنگونه که زنان رومی در آن دوران بودند.
۳. شهروندان رومی قرن‌تس که نسبت به ایمان مسیحیت و مراسم پرستشی کنجکاو بودند، "فرستاده‌ای" را برای بررسی آن اجتماع ارسال می‌کردند (فرشتگان اول قرن‌تینان ۱۱:۱۰ ممکن است در اشاره به خدمتگذاران یا نماینده‌هایی که از طرف اربابان فرستاده می‌شدند، بوده باشند).
- این اطلاعات تاریخی/اجتماعی/فرهنگی در یک متن بسیار دشوار منطقی بنظر می‌رسند. همچنین در سایر متون اول قرن‌تینان کاملاً مناسب هستند، که به روشنی موقعیت منحصر بفرد قرن‌تینان اول قرن‌تس را بنمایش می‌گذارند.

موضوع خاص: زنان در انجیل

(Special Topic: Women in The Bible)

I. عهد عتیق

A. از لحاظ فرهنگی زنان جزو اموال تلقی می‌شدند

۱. در لیست اموال ثبت می‌شدند (خروج ۱۷:۲۰)
۲. رفتار با زنان برده (خروج ۲۱:۷ الی ۱۱)
۳. پیمان زنان توسط مردی مسئولیت او را برعهده داشت قابل ابطال بود (اعداد ۳۰)
۴. زنان به عنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۲۰:۱۰ الی ۱۴، ۲۱:۱۰ الی ۱۴)

B. همدلی عملاً وجود داشت

۱. زن و مرد در تصویر خدا ساخته شدند (پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷)
۲. افتخار کردن به پدر و مادر (خروج ۱۲:۲۰، تثنیه ۵:۱۶)
۳. احترام گذاشتن به پدر و مادر (لاویان ۱۹:۳، ۲۰:۹)
۴. زنان و مردان می‌توانند ناصری باشند (اعداد ۱:۶ الی ۲)
۵. دختران حق ارث دارند (اعداد ۱:۲۷ الی ۱۱)
۶. بخشی از مردم تحت پیمان (تثنیه ۲۹:۱۰ الی ۱۲)
۷. مشاهده تعالیم پدر و مادر (امثال ۸:۱ و ۶:۲۰)
۸. پسران و دختران Heman (خانواده لاوی) موسیقی معبد را رهبری می‌کردند (اول تواریخ ۵:۲۵ الی ۶)
۹. پسران و دختران در عصر جدید نبوت می‌کنند (یوئیل ۲:۲۸ الی ۲۹)

C. زنان نقش رهبری داشتند

۱. خواهر موسی، مریم، پیامبره خوانده شد (خروج ۱۵:۲۰ الی ۲۱، همچنین به میکاه ۴:۴ توجه کنید)
۲. به زنان نعمت بافتن داده شد تا پارچه‌های جشن خیمه‌ها را بیافند (خروج ۳۵:۲۵ الی ۲۶)
۳. یک زن متاهل، بنام دیورا، یک پیامبره بود (مراجعه شود به داوران ۴:۴) و تمامی قبایل را رهبری می‌کرد (داوران ۴:۴ الی ۵، ۷:۵)
۴. هلدا پیامبره‌ای بود که شاه یوشیا او را فراخواند تا کتاب قانونی که تازه یافت شده بود را بخواند و تفسیر کند (دوم پادشاهان ۱۴:۲۲، دوم تواریخ ۳۴:۲۲ الی ۲۷)

۵. ملکه استر، یک الهه، یهودیان را در پارس نجات داد

II. عهد جدید

A. از نظر فرهنگی زنان هم در یهودیت و هم در روم و یونان اتباع طبقه دوم تلقی می‌شدند و حقوق و مزایای کمتری داشتند (به استثنای مقدونیه)

B. زنان نقش رهبری داشتند

۱. الیزابت و مریم الهه‌هایی نزد خدا بودند (انجیل لوقا ۱ و ۲)

۲. آنا، الهه، در معبد خدمت می‌کرد

۳. لیدیا، مومن و رهبر کلیسای خانگی بود (اعمال رسولان ۱۶:۱۴ و ۴۰)

۴. چهار دختر باکره فیلیپ الهه بودند

۵. فیبی، خادم کلیسا در کنخریه بود (رومیان ۱:۱۶)

۶. پریسکا (پریسیلا) همکار پولس و معلم آپولو (اعمال رسولان ۱۸:۲۶، رومیان ۳:۱۶)

۷. ماری، تریفینا، تریفوسا، جولیان خواهران نرون همکاران پولس بودند (رومیان ۶:۱۶ الی ۱۶)

۸. جونیا (KJV) احتمالاً یک زن شاگرد بود (رومیان ۷:۱۶)

۹. ائودیا و سینتیک، همکاران پولس بودند (فیلیپیان ۴:۲ الی ۳)

III. چگونه یک مومن عصر مدرن در مثالهای انجیلی تعادل برقرار می‌کند

A. چگونه فرد می‌تواند حقایق تاریخی یا فرهنگی را مشخص کند که فقط در متن اصلی صادق هستند از حقیقت جاودانی که فقط برای تمامی کلیساها معتبر هستند، تمامی ایمانداران تمام عصرها؟

۱. ما باید نیت نگارنده اصلی را بسیار جدی بگیریم. انجیل کلام خداست و تنها منبع برای ایمان.

۲. ما باید با متون تحت الهام که به صورت تاریخی تغییر شکل یافته‌اند سروکار داشته باشیم.

a. فرهنگ (آداب و رسوم و خط مشی‌ها) اسرائیل (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳)

b. یهودیت قرن اول

c. اظهارات پولس در اول قرن‌تین که به وضوح از دید تاریخی شکل گرفته است

۱) سیستم قانونی روم بت پرست (اول قرن‌تین ۶)

۲) برده باقی ماندن (اول قرن‌تین ۷:۲۰ الی ۲۴)

۳) امتناع از ازدواج (اول قرن‌تین ۷:۱ الی ۳۵)

۴) باکره‌ها (اول قرن‌تین ۷:۳۶ الی ۳۶)

۵) قربانی کردن غذا برای بت (اول قرن‌تین ۸، ۲۳:۱۰ الی ۳۳)

۶) کارهای بی ارزش در شام خدا (اول قرن‌تین ۱۱)

۳. خدا به صورت کامل و به وضوح خودش را به عنوان یک فرهنگ مشخص در روز مشخص نشان داد. ما باید مکاشفه را جدی بگیریم، ولی نه تمام جنبه‌های تاریخی آن را. کلام خدا با کلمات انسانی نوشته شده و به یک فرهنگ مشخص در یک مقطع زمانی خاص خطاب شد.

B. تفسیر انجیلی باید در جستجوی نیت نویسنده اصلی باشد. به زبان عصر خودش چه می‌گوید؟ برای تفسیر درست، این یک امر بنیادی و حساس است. ولی بعد ما باید آن را با عصر خود مطابقت دهیم. مسئله اصلی تفسیر ممکن است تعریف اصطلاح باشد. آیا غیر از شبانهایی که به عنوان رهبر دیده شده‌اند، آیا بیشترین دیگری هم وجود داشتند؟ کاملاً مشخص است که پولس در اول قرن‌تین ۱۴:۳۴ الی ۳۵ و اول تیموتائوس ۲:۹ الی ۱۵، تصریح می‌کند که زنان نباید دعا‌های عمومی را رهبری کنند! ولی چگونه آن را با عصر حاضر مطابقت دهیم؟ من نمی‌خواهم فرهنگ پولس و یا فرهنگ خودم کلام و اراده خدا را ساکت کند. احتمالاً روزگار پولس خیلی محدود کننده بوده است، ولی همچنین روزگار من هم بسیار باز است. با گفتن اینکه حرفهای پولس و تعالیم او مشروط، مربوط به قرن اول و حقایق وضعیت محلی هستند، احساس ناراحتی می‌کنم. من کی هستم که فکرم یا فرهنگم با یک نویسنده تحت الهام و وحی مخالفت کند؟

با این وجود، وقتی در مورد زنانی که رهبر بودند، مثالهای انجیلی وجود دارند، چه کنم (حتی در نوشته‌های پولس، مراجعه شود به رومیان ۱۶)؟ یک مثال خوب در این مورد بحث پولس در مورد عبادت عمومی در اول قرن‌تین ۱۱ الی ۱۴ است. در اول قرن‌تین ۱۱:۵ به نظر می‌رسد او به زنان، با سر پوشیده، اجازه موعظه و دعا خواندن در جمع را می‌دهد، با این وصف، در ۱۴:۳۴ الی ۳۵ از آنان

می خواهد ساکت باشند! خادمین (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۶) و پیامبران زن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲۱) وجود داشته‌اند. این گوناگونی است که به من اجازه می‌دهد تشخیص دهم که توضیحات پولس (در بخشی که مربوط به محدود کردن زنان می‌شود) محدود به قرن‌تس و افسس قرن اول بوده است. در هر دو کلیساها مشکلاتی در مورد زنانی که آزادی جدید را یافته‌اند دیده می‌شد (مراجعه شود به Bruce Winter, *After Paul Left Corinth*) که می‌توانست باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای کلیسا در رسیدن این جامعه (جامعه زنان) در رسیدن به مسیح شود. آزادی آنان باید محدود می‌شد تا انجیل بتواند موثرتر واقع افتد.

روزگار من درست مخالف روزگار پولس است. در روزگار من انجیل می‌تواند محدود شود اگر زنان ماهر و سخنور اجازه نداشته باشند که خبر خوش را پخش کنند، یا اجازه رهبری نداشته باشند! هدف غایی عبادت عمومی چیست؟ آیا بشارت و شاگردی نیست؟ با رهبری زنان آیا خدا مفتخر و خشنود نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد که پاسخ انجیل به عنوان کل "بله" باشد! من می‌خواهم به پولس بگویم که الهیات من بر اساس نظریات پولس است. من نمی‌خواهم بیش از حد تحت نفوذ و بازیچه فمینیسم مدرن باشم! با این وجود احساس می‌کنم کلیسا در پاسخ به حقایق بدیهی انجیلی کند پاسخ می‌دهد، همانند بردگی، نژادپرستی، تعصب و جنس‌گرایی. همچنین در مورد سو استفاده از زنان در دنیای مدرن هم پاسخ و واکنش مناسب به کنندی داده می‌شود. خدا در مسیح برده و زن را آزاد می‌کند. من اجازه نمی‌دهم که محدودیتهای فرهنگی به اینها ریشخند بزنند.

یک نکته دیگر: به عنوان یک مفسر، می‌دانم که قرن‌تس یک کلیسای بسیار درهم گسیخته بود. برکات کارزماتیک به رخ کشیده می‌شدند. ممکن است زنان در این امر دست داشته می‌داشتند. همچنین باور دارم که افسس تحت تاثیر معلمین دروغینی بود که از زنان بهره می‌بردند و از آنان به عنوان سخنگویان جانشین در کلیساهای خانگی افسس استفاده می‌کردند.

C. منابعی برای مطالعات بیشتر

۱. How to Read the Bible For All Its Worth by Gordon Fee and Doug Stuart (pp. 61-77)

۲. Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics by Gordon Fee

۳. Hard Sayings of the Bible by Walter C. Kaiser, Peter H. Davids, F. F. Bruce, and Manfred T. Branch (pp. 613-616; 665-667)

۵:۱۱ "و هر زنی که سر نیوشیده دعا یا نبوت کند" این جمله قویا مؤکد پوشانده شدن سر زنان در هنگام دعا و نبود در اجتماعات عمومی می‌باشد. واژه "نبوت" در این کتاب به معنی "به اشتراک گذاردن انجیل" یا "موعظه در ملا عام" می‌باشد (اول قرن‌تس ۱۴: ۳۹). آیات ۴ و ۵ در ارتباط با آنچه که زنان و مردان در زمان شرکت در گروههای پرستشی انجام می‌دهد بموازات هم هستند. به موضوع خاص: نبوت در عهد جدید در اول قرن‌تس ۱۴: ۱ مراجعه شود.

■ "سر خود را بی حرمت کرده است" قرن‌تس یک اجتماع رومی بودند که فرهنگ روم را بازتاب می‌دادند. زنان رومی در دوران نوجوانی قادر به ازدواج می‌گردیدند. حجاب آنان یکی از جنبه‌های فرهنگی در مرا سم ازدواج محسوب می‌گردید. از زنان رومی انتظار می‌رفت که خارج از خانه حجاب بر سر داشته باشند. عدم رعایت این موضوع بمعنی یکی از موارد زیر بود:

۱. بی شرم و حیا بودن زن

۲. فاحشه بودن زن

۳. شریک زن همجنس‌گرا با نقش فاعل

۴. زنی "جدید" (یک حرکت اجتماعی میان جامعه رومیان در قرن اول که برای آزادی و برابری فعالیت می‌کردند)

هر زنی که با این وضع در ملا عام ظاهر می‌گردید مایه شرم و انزجار شوهر تلقی گردیده و دید بسیار بدی نسبت به او در جامعه و یا مراجعین به کلیسا بوجود می‌آمد. مسیح زن و مرد را آزاد کرد، اما هر یک از آنان در کنترل این آزادی بخاطر مسیح باید نقش ایفا کنند. زنان و مردان، همسران و شوهران که ایماندار هستند به زندگی سالم و رو به رشد در پادشاهی خداوند فراخوانده شده‌اند! این امر موضوع اول قرن‌تس ۸-۱۰ است که در فصل ۱۱ نیز ادامه می‌یابد.

■ "این کار او درست مانند این است که سر خود را تراشیده باشد" جمله بصورت مجهول نوشته شده است. از این بخش آیه برداشتهای مختلفی شده است. ممکن است:

۱. اشاره به پوشش رایج میان فواحش محلی داشته باشد.

۲. یکی از نشانه‌های فرهنگی زنان زناکار و کارهای شرم‌آور آنان در میان عموم باشد

۳. نشان دهنده اینست که زنان عنیف برای "مذاهب مرموز" و پیروان آن در منطقه بین‌النهرین دارای شخصیت خاص بودند.

۴. اشاره به رفتار غیرمنتظره زنان مسیحی در زیاد از حد کوتاه کردن موهایشان برای فرهنگ آن زمان، برای نشان دادن آزادیهای جدیدی که از آن برخوردار گردیده‌اند، دارد (امری که بلحاظ فرهنگی در روم قرن اول و مستعمرات آن رواج داشت).

در بسیاری از تفسیرها، گزینه شماره یک تصریح گردیده است. گفته می‌شود که مربوط است به معبد روسپیان دینا. با اینحال، این معبد در آکروپولیس حدود ۱۵۰ سال پیش از زمان پولس تخریب گردیده بود و هیچ مدرک تاریخی دال بر فعالیت آن در زمان نگارش این آیات وجود ندارد. هیچ مدرکی نیز مبنی بر تراشیدن سر روسپیان در یونان وجود ندارد.

سوال اصلی اینست که "پس پولس درباره چه موضوعی صحبت می‌کند؟"

۱. پوشش و کردار قابل انتظار و مناسب بلحاظ فرهنگی

۲. سو استفاده از آزادیهای فردی

۳. ارتباط مناسب میان

a. زنان و مردان

b. شوهران و همسران

c. فرشتگان و زنان (اول قرتیان ۱۱:۱۰)

d. فرهنگ و زنان (اول قرتیان ۱۱:۱۳)

من به این نتیجه رسیده‌ام که گزینه ۱ بهترین است، زیرا هم شوهران و هم همسرانشان تحت تأثیر آزادی در راه مسیح قرار نگرفته، بلکه با نادیده گرفتن کلیه امتیازات فرهنگی و کنار گذاشتن آنها، به سوی وحدت و رشد کلیسا تلاش می‌کنند.

۱۱:۶ "اگر...اگر" در این آیه دو جمله شرطی نوع اول وجود دارد که با توجه به دیدگاهی که مؤلف نسبت به ترتیب این نامه‌ها دارد، در ست می‌باشند. زنان مسیحی در کلیسا بودند که از پوشاندن سر خود امتناع می‌کردند، اما با اینحال مایل به حضور فعال در اجتماعات پرستشی بودند. این به لحاظ اجتماعی پذیرفته نبود. ایمانداران باید مسیح آزادیهای جدید خود را بخاطر موارد زیر محدود سازند

۱. اعضای ضعیفتر در کلیسا (رومیان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵)

۲. انتظارات فرهنگی جامعه‌ای که کلیسا بدنبال بشارت دادن به آنان است

NASB "سر خود را نمی‌پوشاند"

NKJV "پوشانده نشده است"

NRSV "حجاب بر خود نخواهد گذارد"

TEV "سر خود را نمی‌پوشاند"

NJB "بدون حجاب می‌رود"

اطلاعات تاریخی درباره نحوه استفاده از پوشش صورت (حجاب یا نقاب) یا روسریهایی که تا روی شانه را می‌پوشاندند توسط مردمان مدیترانه‌ای باستانی بسیار مفید است. من در یادداشت‌های اول قرتیان ۱۱:۴ اسناد متعددی را در این زمینه به نوشته تحریر درآورده‌ام. زنان رومی مجرد، نه بیوه و نه روسپیان، بلحاظ فرهنگی مجبور بودند که در ملا عام، همچون زمانی که ازدواج کنند، سر خود را بپوشانند. در دنیای منطقه مدیترانه باستان، زن مجرد بسیار معدود یافت می‌گردید.

در فرهنگ یهودیان، روبنده بعنوان یکی از نشانه‌های زیر بکار برده می‌گردید

۱. مبتلایان به جذام، لاویان ۱۳:۴۵

۲. عزادار برای مرده، حزقیال ۱۷:۲۴، ۲۲

۳. شرمساران، میکاه ۳:۷

۴. ازدواج، پیدایش ۲۴:۶۵

۵. روسپیگری، پیدایش ۳۸:۱۴-۱۵

با اینحال، بخاطر داشته باشید که پولس به هیچوجه به فرهنگ یهودیان اشاره نمی‌کند، زیرا در آن فرهنگ، هیچ مردی هنگام پرستش سر خود را نمی‌پوشاند.

- "پس اصلاً موهای خود را کوتاه کند" این یک جمله اخباری آتوریستی است. این بخش از آیه را نباید جدی تلقی کرد. پولس و کیل مدافع زنان مسیحی که مایه شرمساری جامعه هستند، نمی باشد بلکه او عواقب فرهنگی انجام اعمال غیرمعقول و عرف را گوشزد می کند!
- "پس باید سر خود را بپوشاند" این یک جمله امری ضروری حال حاضر است. زنان مسیحی بخاطر مسیح باید به انتظارات جامعه احترام گذارده و اطاعت نمایند تا بتوانند برای رستگاری و عضویت در کلیسا، به مردم دسترسی یابند. شکل این انتظارات فرهنگ به فرهنگ و عصر به عصر تفاوت و تغییر خواهد یافت! اما هدف همچنان یکی خواهد ماند (متی ۲۸:۱۸-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال ۱:۸).

۷:۱۱ "او صورت و جلال خداست" این بخش به پیدایش ۱:۲۶-۲۷ اشاره دارد، با اینحال در متن این آیه پیدایش ۱:۲۶ کلمه "مرد" بصورت کلی بکار برده شده است. بلحاظ الهیاتی دقیقاً مشخص نیست که این "صورت و جلال" در پیدایش ۱:۲۶-۲۷ به چه اشاره دارد. بیشتر مفسران آن را به شخصیت، نفس درونی، جنبه های اخلاقی، قابلیت انتخاب، قابلیت مرتبط کردن با دیگر "بردگان" مرتبط می دانند. هم در پیدایش ۱:۲۶-۲۷ و هم در ۱۸:۲ یک اشتراک مشهود میان مردان و زنان دیده می شود. مشکل از پیدایش ۳:۱۶ نشأت گرفته است! به موضوع خاص: جلال (*DOXA*) در اول قرنیتیان ۷:۲ مراجعه نمایید.

۸:۱۱

"زیرا مرد از زن سرچشمه نگرفته، بلکه زن از مرد سرچشمه گرفته است"	NASB
"زیرا مرد از زن نیامده، بلکه زن از مرد آمده است"	NKJV
"حقیقتاً، مرد از زن بوجود نیامده، بلکه زن از مرد بوجود آمده است"	NRSV
"زیرا مرد از زن پدید نیامده، بلکه زن از مرد پدید آمده است"	TEV
"زیرا مرد از زن نیامده، بلکه زن از مرد آمده است"	NJB

عبارت "سرچشمه گرفتن" در متن یونانی نیست. این عبارت فقط یک حرف اضافه *ek* می باشد (خارج از)، آنگونه که در اول قرنیتیان ۱۲:۱۱ بکار برده شده است.

پولس در اول قرنیتیان ۷:۱۱ ترتیب آفرینش را با اقتباس از کتاب پیدایش ۲ تصریح می کند (اول آدم و سپس حوا). در عین حال، پولس در اول قرنیتیان ۸:۱۱، ۹، ۱۱ بر اتکای این دو به یکدیگر صحه می گذارد (که اشاره ای به پیدایش ۱:۲۷ و ۲:۱۸ است).

۹:۱۱ "مرد برای زن آفریده نشده" باید اظهارات پولس را در غلطیان ۳:۲۸ درباره این موضوع برابری زنان، حداقل در این دوران معاصر، باعث کوچک شدن تمایزات میان دو جنس نمی گردد را بخاطر داشته باشیم. برابری میان زنان و مردان در راه مسیح بطور خودکار هیچیک از نقشهایی را که آنان به لحاظ فرهنگی / سنتی ایفا می کنند، از نقض نمی کند. ایمانداران (زن و مرد) در آزادیهای شخصی غوطه ور نیستند، زیرا که باعث خدشه دار شدن اعتبار کلیسا در میان جامعه بی ایمان خواهد گردید. ایمانداران بالغ در راه مسیح آزادیهای خود را محدود کرده و به خاطر پادشاهی او تلاش می کنند. ایمانداران در قبال (۱) بدن مسیح و (۲) جامعه بی ایمان دارای مسئولیت مشترک هستند!

۱۰:۱۱ "از همین روز زن باید نشانی از اقتدار بر سر داشته باشد" این متن را نیز همچون سایر متون دیگر، به راههای مختلف می توان درک کرد. مشکل اصلی اینجاست که بدانیم "اقتدار" (*exousia*) در اینجا معرف چه می باشد؟

اول، باید توجه داشت که *exousia* اغلب به *dunamis* ارتباط پیدا می کند. Otto Betz مقاله جالبی درباره *exousia* در کتاب *New International Dictionary of New Testament Theology*، جلد دوم صفحات ۶۰۶-۶۱۱ نوشته است. در اینجا پنج نمونه را ذکر می کنم.

exousia و *dunamis* در عهد جدید هر دو به کار عیسی ارتباط پیدا می کنند، کاری که متعاقب آن ترتیب جدیدی در ساختار قدرت عالم و توانمند شدن ایمانداران بوجود آمد" (صفحه ۶۰۹).

exousia ایمانداران. اقتدار یک مسیحی ایماندار در نقشی مسیح در خلع سلاح همه نیروهای اهریمنی نهفته است. این امر گویای رهایی و خدمت است" (صفحه ۶۱۱).

"او برای انجام هر کاری آزاد است (اول قرنیتیان ۶:۱۲ *exestin*)؛ این امر که شروع آن توسط علاقمندان به فرقه گرایی در قرن سیم بوجود آمد، بوسیله پولس که آن را درست تشخیص داده بود، مورد اهمیت قرار گرفت" (صفحه ۶۱۱).

"در عمل، این آزادی بظاهر نامحدود از لحاظ نظری، با در نظر گرفتن اینکه چه چیزی برای مسیحیان دیگر و جامعه مسیحیت به طور کلی مفید است، با توجه به این واقعیت است که رستگاری کامل هنوز در پیش رو است (اول قرنیتیان ۶:۱۲؛ ۱۰:۲۳)" (صفحه ۶۱۱).

"برای من همه چیز جایز است [exestin]، اما هر چیزی مفید نیست. همه چیز شرعی است [exestin]، اما هر چیزی شرعی بوجود نیامده است. اجازه ندهید که هرکسی فقط بدنبال نیکی برای خود باشد، بلکه باید نیکی را برای همسایه خود بجوید" (اول قرنیتیان ۱۰:۲۳). نقل قولی در میان چنین نقل قولهایی احتمالاً شاعر آزادی مردمان فاسق قرنتس بوده است. پولس در عین پذیرفتن آنان نشان داد آنچه را که این افراد می‌گویند عین حقیقت نیست." (صفحه ۶۱۱).

پولس از این دو واژه اغلب در نامه‌های خود به کلیسای قرنتس، بهره برده است

۱. *Exousia*، اول قرنیتیان ۷:۳۷؛ ۹:۴، ۶، ۱۲ (دو بار)، ۱۸، ۱۱:۱۰؛ دوم قرنیتیان ۱۳:۱۰

۲. *Dunamis*، اول قرنیتیان ۱:۱۸؛ ۲:۴، ۵؛ ۴:۱۹، ۲۰؛ ۵:۴؛ ۷:۲۴، ۲۵؛ ۸:۳؛ ۹:۱۲؛ ۱۳:۴ (دو بار)

حقوق فردی و قدرت مشکل بزرگ برای متشرعین و فاسقین بود. پولس همواره سعی داشت در میان این دو راه رود. در این متن زنان مسیحی ترغیب به پذیرش مراتب خدادادی آفرینش (مسیح-مرد-زن) بمنظور پیشبرد پادشاهی خدا گردیده‌اند. پولس بر وجه اشتراک اصلی (پیدایش ۱:۲۶-۲۷؛ ۱۸:۲) در آیات ۱۱-۱۲ تصریح دارد. بلحاظ الهیاتی بسیار خطرناک است که

۱. هر آیه را در این متون محصور کنیم

۲. یک چارچوب سفت و سخت دینی برای مشکل رابطه مرد و زن یا زن و شوهر در قرن اول را به همه دوران و اعصار و فرهنگهای آینده تعمیم

دهیم

۳. توازنی را که پولس میان آزادی در مسیحیت و مسئولیتهای مشترکی را که در عهد جدید بوجود آورده، نادیده بگیریم.

زنان آزادی شرکت در اجتماعات و رهبری آن را از کجا بدست آورده‌اند (کلیساهای خانگی)؟ قدر مسلم کنیسه این آزادی را به آنان نداده است. آیا این امر حاصل جامعه رومی قرن اول میلادی است؟ این امکان وجود دارد و به نظر من به توضیح بسیاری از جنبه‌های این فصل کمک نیز می‌کند. با اینحال، این امکان نیز وجود دارد که قدرت کلام انجیل، بازسازی تصویر اصلی خدا که از زمان رانده شدن انسان از باغ عدن مفقود گردید، منبع اصلی است. یک برابری تکان دهنده در همه زمینه‌های زندگی و جامعه بشری بوجود آمده است. اما این برابری می‌تواند تبدیل به مجوزی برای سو استفاده‌های شخصی گردد. این موضوع همان چیزی است که پولس تصریح می‌کند.

F.F. Bruce در کتاب *Answers to Questions* بمن کمک زیادی در تعمق در معضلات بحث برانگیز در ارتباط با سنتهای کلیسای مسیحیت مدرن کرد. من بعنوان یک مفسر همیشه فکر می‌کردم که پوشش زنان به قصد نشان دادن نعمات خدادادی زن دارای اهمیت بوده (یا برابری که در پیدایش ۱:۲۶-۲۷ از آن سخن گفته شده)، و نه اقتدار شوهر او. با اینحال، این تفسیر را نتوانستم در میان منابع انجیلی که از آنها بهره می‌برم، بیابم، لذا، تمایلی به قرار دادن این موضوع در تفسیرهایم و یا وعظ یا تدریس آنها بخرج نمی‌دادم. همچون F. F. Bruce، هنوز شوقی را که از این آزادی احساس می‌کردم بخاطر دارم (به کتاب *Answers to Questions* صفحه ۹۵ مراجعه نمایید). من فکر می‌کنم که ایمانداران به کار تمام وقت برای بشارت کلام عیسی فرا خوانده شده‌اند!

■ "به‌خاطر فرشتگان" سه خط ترجمه از این متن در ارتباط با فرشتگان وجود دارد.

۱. فرشتگان بصورت مرجع بعنوان نمایندگان خدا که در دعاها و پرستشهای ما بعنوان ناظر حضور دارند، اول قرنیتیان ۴:۹؛ ۱ تیموتائوس ۵:۲۱؛

مزمور ۱۳۸:۱؛ و همچنین طومارهای دریای مرده

۲. فرشتگان شریری با امبال جنسی شبیه به فرشتگان مطرح شده در کتاب پیدایش ۶:۲؛ ۲ پطرس ۲:۴؛ و یهودا ۶؛ فرشتگان ذکر شده اغلب در

اول قرنیتیان هستند (۴:۹؛ ۶:۳؛ ۱۱:۱۰؛ ۱۳:۱)

۳. *Angelous* بمعنی "پیام‌آوران" بجای "فرشتگان" ترجمه شده است

در زبان عبری (*malak*) و یونانی (*angelous*) واژه ترجمه شده برای فرشته یکی هستند. این نظریه بر اساس رسوم اجتماعی قرن اول مطرح گردیده است (کتاب *After Paul Left Corinth* بقلم Bruce W. Winter، صفحه ۱۳۳-۱۳۸). شخصی که دارای پایگاه اجتماعی بالا بوده، هرگز بدون اینکه کسی را برای بررسی موقعیت کلیسای خانگی که بنای شرکت در را داشته، به آنجا قدم نمی‌گذاشت. این امر بیشتر در دست بنظر می‌رسد تا اینکه بخواهیم اول قرنیتیان ۱۰:۱۱ را به فرشتگان شهوت‌جو یا فرشتگانی که بدنبال اعمال معقول در اجتماعات پرستشی هستند، نسبت دهیم (مزمور ۱۳۸:۱).

۱۲-۱۱:۱۱ 'در خداوند، نه زن از مرد بی‌نیاز است، نه مرد از زن' این آیات بر تعهدات متقابل میان زنان و مردان تأکید دارد (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۱۸:۲؛ غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹).

این آزادی (در بازگشت به شروع مدل آفرینش در پیدایش ۱: ۲۶-۲۷) باید به معقولترین روش ممکن در میان فرهنگ بشر رانده شده از بهشت بیان گردد. هیچ تردیدی وجود ندارد که پولس بطور کامل معتقد است رستگاری عیسی می‌تواند موقعیت هر انسانی را تغییر دهد! همه ما در راه مسیح یکسان هستیم. اکنون هدف ما به همسایگان و شهروندان ما کمک کرده تا رستگاری مشابهی را بیابند. هنوز فرهنگها مشکلات خاص خود را دارند. چون ایمانداران می‌توانند کاری را به سرانجام رسانند، به این معنی نیست که همه آنها باید همان کار را انجام دهند.

استفاده از عبارت "از" (در حقیقت بمعنی "خارج از") در این متن (دو بار) بنظر کاربرد "سر" را بعنوان "اصل" تشدید می‌کند. زن اگر از مرد جدا باشد؛ مرد از خدا بدور می‌گردد. راوی کتاب پیدایش همچنین مبنای مناسبی برای "سر" در ترتیب آفرینش بوجود آورده است. آزادی و تسلیم در راه مسیح (افسیسیان ۵: ۲۱) زمانی مناسب می‌گردند که نیکی در کلیسا هدف اصلی قرار گیرد.

۱۱:۱۳-۱۵ پولس در اول قرن‌تیا ۱۰:۱۵، زمانی که بحالت تمسخر، بر مبنای عبارت "حکیمان" که بکار برد (۱ قرن‌تیا ۴: ۱۰؛ ۲ قرن‌تیا ۱۱: ۱۰)، همین دیدگاه را دنبال می‌کند، اما در اینجا کلماتی که بکار می‌برد بیشتر جنبه "تفکرات فرهنگی" دارد تا استهزا. پولس از برچسبهای قرن اول قرتی/یونانی/رومی بهره می‌برد.

۱. زنان متأهل در هنگام حضور در مراسم عبادی و مجامع عمومی با حجاب پوشانده شده باشند (۱ قرن‌تیا ۱۱: ۱۳)
۲. مردان جوان در قرتس باید در زمان گذار به سن بلوغ موهای بلند خود را کوتاه نمایند (پس از ده سالگی). حفظ موی بلند به لحاظ فرهنگی بمعنای همجنسگرا بودن یا دارای نشانه‌های زنانه بودن است (۱ قرن‌تیا ۱۱: ۱۴)
۳. زنان با موهای کوتاه در زمره یکی از موارد زیر قرار می‌گرفتند
 - a. کسی که در جمع مایه شرمساری شناخته شده است
 - b. یک روسپی (۱ قرن‌تیا ۱۱: ۱۵)

این موارد نه دیدگاه‌های معنوی و روحانی هستند و نه انجیلی (حتی در رسوم یهودیان نیز قرار نمی‌گیرند)، بلکه دیدگاه‌های کاملاً فرهنگی هستند.

۱۱:۱۳ "خود" این عبارت بجهت تأکید بکار برده شده است.

۱۱:۱۴-۱۵ "اگر...اگر" هر دوی این جملات شرطی نوع سوم هستند که سخن از احتمال وقوع عملی می‌گویند. ترجمه‌های گوناگون انگلیسی این آیات را بصورت سوالی (NRSV, NJB)؛ اظهار نظری (NASB, TEV)؛ و یا یک سوال و یک اظهار نظر (NKJV) ثبت کرده‌اند. حرفی که بصورت یک سوال در اول قرن‌تیا ۱۱:۱۴ نوشته شده نشان دهنده سوالی است که برای خواننده انتظار پاسخ "مثبت" را بوجود می‌آورد.

۱۱:۱۶ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که با توجه به دیدگاه نویسنده یا ترتیب چیدمان نامه‌ها، کاربرد آن درست بنظر می‌رسد. در کلیسای قرتس مسیحیان ناسازگاری حضور داشتند.

NASB	"اگر کسی سر ناسازگاری داشته باشد"
NKJV	"هر کسی که بنظر ناسازگار رسد"
NRSV	"هر کسی که بخواهد ناسازگار باشد"
TEV	"هر کسی که بخواهد جدل کند"
NJB	"اگر کسی سر ناسازگاری داشته باشد"

فعل، اخباری حال کامل است که از تداوم عملی سخن می‌گوید. این ناسازگاری برای قرن‌تیا به امر رایجی تبدیل گردیده بود. آنان نزاع و مجادله را دوست داشتند!

واژه "ناسازگاری" یک واژه ترکیبی از *philos* (دوست داشتن) و *veikos* (نزاع و ستیز) است. این واژه برای رسولان در شام آخر در لوقا ۲۲:۲۴ بکار برده شده است.

■ "ما را و نیز کلیساهای خدا را چنین رسمی نیست" (۱ قرن تیان ۱۱: ۴، ۱۷). پولس به آنها چیز خاصی نمی‌دهد (۱ قرن تیان ۱۷: ۴؛ ۱۷: ۷؛ ۱۱: ۱۶؛ ۳۳: ۱۴). این کلیسا در حکمت و آزادی که داشت، تجلی پیدا کرده بود. آنان فکر می‌کردند که حق دارند متفاوت از سایر مسیحیان در کلیساهای دیگر زندگی نمایند. پولس تصریح می‌کند که آنان بهیچوجه دارای چنین حقی نیستند!

■ "کلیسا" به موضوع خاص: کلیسا (*ekklesia*) در اول قرن تیان ۲: ۱ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرن تیان ۱۱: ۱۷-۲۲

۱۷ اما در آنچه اینک به شما حکم می‌کنم، به هیچ روی تحسینتان نمی‌کنم، زیرا وقتی شما گرد هم می‌آیید، به جای فایده باعث ضرر است. ۱۸ نخست اینکه می‌شنوم آنگاه که به عنوان کلیسا جمع می‌شوید، در میان شما جداییها روی می‌دهد، و این را تا اندازه‌ای باور می‌کنم. ۱۹ شکی نیست که تفرقه‌ها نیز باید در میان شما باشد تا بدین‌گونه آنانی که اصالتشان به ثبوت می‌رسد، در میان شما شناخته شوند. ۲۰ زمانی که شما در یک جا گرد هم می‌آیید، براستی برای خوردن شام خداوند نیست. ۲۱ زیرا هنگام صرف غذا، هر یک از شما بی‌آنکه منتظر دیگران باشد شام خودش را می‌خورد، به گونه‌ای که یکی گرسنه می‌ماند، در حالی که دیگری مست می‌شود. ۲۲ آیا خانه‌ها برای خوردن و نوشیدن ندارید؟ یا اینکه کلیسای خدا را خوار می‌شمارید و اشخاص بی‌چیز را شرمسار می‌سازید؟ به شما چه بگویم؟ آیا برای این کار تحسینتان کنم؟ به هیچ روی تحسینتان نخواهم کرد.

۱۷: ۱۱ پولس موضوع جدیدی را شروع می‌کند، اما رفتارهای مغرورانه برخی ایمانداران قرن‌تسی هنوز در کانون توجه او قرار دارد. موضوع تغییر می‌کند، اما مشکل اولیه کماکان پا برجا است.

۱. روشنفکری آنان
۲. تأکید آنان بر آزادیهای فردی
۳. تصویری که از حکمت داشتند

تمام موضوعاتی که پولس به آنها اشاره می‌کند (اول قرن تیان ۱: ۷، ۲۵؛ ۸: ۱؛ ۱۶: ۱)، که بوسیله نامه با او مطرح گردیده بود، حول محور همین مشکلات می‌گردید.

حتی ضیافت‌های محبت‌آمیز آنان (یهودا ۱: ۱۲) درستی، توانایی و موقعیت جایگزین شده با محبت، خدمت و سلامت بدن تبدیل به ضیافت‌های "بیشتر برای من" گردید!

■ "تحسینتان نمی‌کنم" پولس آنان را در اول قرن تیان ۲: ۱۱ تأیید می‌کند، اما در این حوزه فقط می‌تواند آنان را سرزنش کند.

■ "شما گرد هم می‌آیید" این یک عبارت ترکیبی یونانی است، *sunerchomai*. پولس استفاده از ترکیب‌هایی که با *sun* شروع می‌شد را خیلی دوست می‌داشت. معنی اولیه آن "با یکدیگر" است. این واژه از یک ایده مشابه همچون کنیسه نشأت گرفته، که اشاره به اجتماع گروه منتخبی از ایمانداران دارد. فصل‌های ۱۱-۱۴ به مسئله گردهماییهای پرستشی می‌پردازد (اول قرن تیان ۱۱: ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۳۴؛ ۱۴: ۲۳، ۲۶).

سوالی که برای من بوجود می‌آید اینست که این "گرد هم آمدن" چگونه عملی می‌گردید. روشن است که کلیساهای خانگی متعددی در قرن‌تس وجود داشت، احتمالاً این کلیساهای ریشه برخی گروه‌های تفرقه‌انداز بودند. آیا منظور پولس اینست که همه کلیساهای خانگی با یکدیگر برای شام خداوند بدور هم جمع می‌شدند؟

۱۸: ۱۱ "نخست اینکه" این عبارت به دو روش درک می‌گردد.

۱. نخست از درجه اهمیت (NKJV)
۲. اولین مورد از دو یا موارد بیشتر، با اینحال در این متن، هیچ ذکری از مورد "دوم" نگردیده است
۳. این عبارت مشابه مشکل دستور زبان است که در رومیان ۸: ۱ دیده می‌شود.

■ "در میان شما جداییها روی می‌دهد" این جداییها اولین بار در اول قرن تیان ۱: ۱۰-۱۷ و ۳: ۳-۴ مطرح گردیدند، اما حضور آنان در طول این کتاب متصور می‌باشد. در این متن، جداییها درباره رهبران نیست، بلکه بر اساس فاکتورهای اجتماعی-اقتصادی بوجود آمده است. این مسئله ممکن است گروه‌ها را به عنوان نمایندگان طبقات اجتماعی و همچنین تأکیدهای الهیاتی تعریف کند.

NASB, NKJV	"که تفرقه‌ها نیز باید در میان شما باشد"
NRSV	"در حقیقت باید میان شما تفرقه‌ها باشد"
TEV	"تردیدی ندارم که باید میان شما تفرقه‌ها باشد"
NJB	"که باید میان شما تفاوت‌های گروهی وجود داشته باشد"

واژه اصلی "تفرقه" (۱ قرن‌تینان ۱۱:۱۹، *haireisis*) است که ما لغت انگلیسی heresies را از آن گرفتیم. معنی ریشه اصلی آن "انتخاب کردن" یا "برگزیدن" است، اما با اضافه شدن یک توارد ضمنی برای نشان دادن مقصود خاصی بکار می‌رود. انتخاب یک مورد و رد کردن انتخاب دیگر (اعمال ۱۴:۲۴؛ ۱ قرن‌تینان ۱۱:۱۹؛ ۵:۲۰). این واژه می‌تواند برای تعریف یکی از موارد زیر بکار رود:

۱. شخصی که به آموزه‌های دروغین باور داشته باشد (تیتوس ۳:۱۰)
۲. آموزه‌های دروغین در نوع خود (۲ پطرس ۲:۱)

واژه متفاوت دیگری در اول قرن‌تینان ۱۱:۱۸ بکار برده شده است؛ "بخشها" یا "جداییها" (*schisma*)، که ما واژه انگلیسی schism را از آن گرفته‌ایم. ریشه آن "جدا شدن" است (متی ۲۷:۵۱). از این واژه برای جدا کردن گروه‌ها بر روی مشکلی خاص استفاده می‌گردید (یوحنا ۷:۴۳؛ ۹:۱۶؛ ۱۰:۱۹؛ اعمال ۱۴:۱۴؛ ۴:۲۳؛ ۷:۲۳؛ اول قرن‌تینان ۱:۱۰؛ ۱۱:۱۸).

پولس با ذکر یک هدف الهیاتی (*hina*) لزوم (*dei*) حضور این گروه‌های تنوع‌طلب و تفرقه‌افکن را یادآوری می‌کند. وجود آنان برای رهبران روحانی راستین به منظور عیان شدن، لازم بود. رهبران بالغ در زمان بحرانی نقش حیاتی ایفا خواهند کرد.

گزینه دیگر اینست که برخی گروه‌ها و رهبران‌شان بوسیله رفتاری که دارند به همه نشان می‌دهند که بهیچوجه مسیحی و پیرو مسیح نیستند (۱ یوحنا ۱۹:۲؛ مرقس ۴:۱۶-۱۹)

□ "آنانی که اصالتشان به ثبوت می‌رسد" به موضوع خاص: واژگان یونانی که برای آزمایش کردن بکار برده می‌شوند در اول قرن‌تینان ۳:۱۳ مراجعه شود.

۲۰:۱۱ "برای خوردن شام خداوند نیست" این گروه‌های تفرقه‌افکن در جامعه چنان عمل می‌کردند که از دور از شأن و کاملاً بیگانه با عشای ربانی و مراسم شام آخر عیسی بهمراه شاگردانش بود. آیات پیش رو بر این دیدگاه او صحه می‌گذارند (اول قرن‌تینان ۱۱:۲۲).

□ "شام خداوند" این تنها جاییست که در عهد جدید این عبارت ظاهر می‌گردد. می‌توان آن را امکان دیگری برای یک جمله استهزاآمیز تلقی کرد. هیچیک از رفتار و کردار آنان با رفتار و کردار عیسی بویژه در فدا شدن بشر گناهکار، قابل مقایسه نیست!

این برنامه دعا و نیایش به اسامی مختلفی مطرح گردیده است.

۱. شام خداوند
۲. سفره خداوند، (اول قرن‌تینان ۱۰:۲۱)
۳. پاره کردن نان، (اعمال ۲:۴۲؛ ۲۰:۷؛ ۱ قرن‌تینان ۱۰:۱۶؛ ۱۱:۲۴؛ [لوقا ۲۴:۳۰])
۴. شکرگذاری (*eucharist*) یا برکت دادن (*eulogia*)، متی ۲۶:۲۶-۲۷؛ ۱ قرن‌تینان ۱۰:۱۶؛ ۱۱:۲۴)

۲۱:۱۱ "هر یک از شما بی‌آنکه منتظر دیگران باشد شام خودش را می‌خورد" کلیسای اولیه مراسم شام خداوند را با شام گروهی اعضا که "آگاپه" نام داشت، یکی کرد (۲ پطرس ۲:۱۳؛ یهودا ۱۲ و احتمالاً اعمال ۲۰:۷).

این آیه را به اشکال مختلفی می‌توان درک نمود.

۱. افراد متمول/تحصیل‌کرده/تأثیرگذار در جامعه پیش از همه بر سر سفره نشستند و غذای خود را بسرعت خورده تا زمانی که فقرا می‌رسیدند چیزی باقی نمانده یا بسختی چیزی برای خوردن مانده باشد.
۲. بنا بر این بوده که هر یک از اعضا غذای خود را بهمراه آورد. روشنفکران در حضور فقرا یا بردگان عضو کلیسا که خوراک کمی بهمراه می‌آوردند، غذای خود را بسرعت می‌خوردند.

مشکل خودخواهی و شکم‌بارگی بر اساس تقسیم‌بندیهای اجتماعی بود، نه اعمال و رفتار عیسی که او بروشنی به همه آموخته بود. کلیسای قرن‌تینان بهیچوجه اعتقاد نداشتند که همه در راه مسیح یکسان هستند. میان عناصر زیر، یک دوگانگی افراطی بوجود آمده بود:

۱. داشته‌ها و نداشته‌های اجتماعی
۲. غنی و فقیر
۳. مردان و زنان
۴. آزاد و برده
۵. رومیان و دیگران
۶. روشنفکری معنوی و ایماندار معمولی

این تقسیم‌بندیها به روشنی در اول قرنتیان ۱۱:۲۱ و ۲۲ تعریف گردیده است.

□ **«یکی گرسنه می‌ماند، در حالی که دیگری مست می‌شود»** پذیرفته نبودن این مسئله بروشنی نشان داده شده، چه بواسطه تقسیم‌بندیهای رومیان بوجود آمده باشد یا خودخواهی آنان. هدف اصلی این شام فراموش شده بود. این یک معضل جدی بود (۱ قرنتیان ۱۱:۲۳). از این آیه نمی‌توان بمنظور دفاع از استبداد مطلق استفاده کرد. روشن است که شراب بخشی از این برنامه بوده است. این سو استفاده‌ای است که به جد محکوم می‌گردد.

موضوع خاص: گرایش انجیل نسبت به الکل و سو استفاده از الکل

(Special Topic: Biblical Attitudes Toward Alcohol And Alcohol Abuse)

I. اصطلاحات انجیلی

A. عهد عتیق

۱. *Yayin*، این اصطلاح کلی برای شراب است (BDB 406, KB 409)، که ۱۴۱ مرتبه تکرار شده است. ریشه‌یابی این اصطلاح نامشخص است زیرا ریشه آن عبری نیست. همیشه معنی آن آب میوه (معمولا انگور) تخمیر شده است. برخی متونی که این اصطلاح در آنجا استفاده شده عبارتند از: پیدایش ۹:۲۱، خروج ۲۹:۴۰، اعداد ۵:۱۵ و ۱۰.
۲. *Tirosh*، این اصطلاح یعنی "شراب تازه" (BDB 440, KB 1727). به واسطه شرایط آب و هوایی در خاور نزدیک، تخمیر از شش ساعت پس از گرفتن آب میوه شروع می‌شود. این اصطلاح به شرابی اشاره می‌کند در حین انجام فرایند تخمیر است. برخی از متونی که این اصطلاح در آنجا استفاده شده عبارتند از: تثنیه ۱۷:۱۲، اشعیا ۴:۱۸، اشعیا ۸:۶۲ الی ۹، یوشع ۱۱:۴).
۳. *Asis*، بدیهی است که این نوشیدنی الکی است ("شراب شیرین"، BDB 1016, KB 1500، مثلا یوئیل ۵:۱، اشعیا ۴۹:۲۶).
۴. *Sekar*، این اصطلاح یعنی "نوشیدنی قوی". ریشه عبری این اصطلاح در اصطلاح "مست" یا "می‌خواره" استفاده شده است. چیزی به آن اضافه شده تا بیشتر مست کند. این اصطلاح همسو با *yayin* است (مراجعه شود به امثال ۱:۲۰، ۳۱:۶، اشعیا ۷:۲۸).

B. عهد جدید

۱. *Oinos*، معادل یونانی *yayin*
۲. *Neos oinos*، (شراب تازه)، معادل یونانی برای *Tirosh*، (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲:۲۲)
۳. *Gleuchos vinos*، (شراب شیرین، *asis*)، شرابی که در مراحل اولیه تخمیر است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۱۳)

II. استفاده انجیلی

A. عهد عتیق

۱. شراب هدیه خداست (پیدایش ۲۷:۲۸، مزمو ۱۴:۱۴ الی ۱۵، امثال ۹:۷، یوشع ۸:۲ الی ۹، یوئیل ۲:۱۹ و ۲۴، عاموس ۹:۱۳، زکریا ۱۰:۷)
۲. شراب یکی از تقدیمی‌های مراسم قربانی کردن است (خروج ۲۹:۴۰، لاویان ۱۳:۲۳، اعداد ۷:۱۵ و ۱۰، ۲۸:۱۴، تثنیه ۱۴:۲۶، داوران ۹:۱۳)
۳. شراب به عنوان دارو استفاده می‌شود (دوم سموئیل ۲:۱۶، امثال ۳۱:۶ الی ۷)
۴. شراب می‌تواند یک مشکل جدی باشد (نوح- پیدایش ۹:۲۱، لوط، پیدایش ۱۹:۳۳ الی ۳۵، شمعون - داوران ۱۶، نابال - اول سموئیل ۲۵:۲۶، اوریا - دوم سموئیل ۱۱:۱۳، امنون - دوم سموئیل ۱۳:۲۸، ایله - اول پادشاهان ۱۶:۹، بنهدد - اول پادشاهان ۲۰:۱۲، رهبران - عاموس ۶:۶، و زنان - عاموس ۴)
۵. شراب می‌تواند مورد سو استفاده قرار گیرد (امثال ۱:۲۰، ۲۳:۲۹ الی ۳۵، ۳۱:۴ الی ۵، اشعیا ۱۱:۵ و ۲۲، ۱۹:۱۴، ۲۸:۷ الی ۸، یوشع ۴:۱)

۶. شراب برای گروه‌های خاصی ممنوع شده است (کشیشان در حال خدمت، لویان ۹:۱۰، حزقیال ۲۱:۴۴، ناصریان، اعداد ۶، و حاکمان، امثال ۳:۴ الی ۵، اشعیا ۱:۵۶ الی ۱۲، یوشع ۵:۷)
۷. شراب به صورت اسکاتولوژیک استفاده شده است (عاموس ۱۳:۹، یوئیل ۳:۱۸، زکریا ۱۷:۹)
- B. سایر نگرشها
۱. در برقراری میانه روی بسیار کمک کننده است (جامعه ۲۷:۳۱ الی ۳۳)
۲. روحانیون می‌گویند "شراب بهترین داروها است، هر جا که شراب نباشد، به دارو نیاز است" (BB 58b)
- C. عهد جدید
۱. عیسی حجم زیادی از آب را به شراب تبدیل کرد (انجیل یوحنا ۱:۲۱ الی)
۲. عیسی شراب نوشید (انجیل متی ۱۱:۱۸ الی ۱۹، انجیل لوقا ۷:۳۳ الی ۳۴، ۱۷:۲۲)
۳. پطرس متهم به مستی با شراب تازه در پنتیکاست شد (اعمال رسولان ۲:۱۳)
۴. شراب می‌تواند به عنوان دارو مورد استفاده قرار گیرد (انجیل مرقس ۱۵:۲۳، انجیل لوقا ۳:۴۰، اول تیموتائوس ۵:۲۳)
۵. رهبران نباید سواستفاده گر باشند. این بدین معنی نیست که باید طرفدار منع استفاده از الکل باشند (اول تیموتائوس ۳:۳ و ۸، تیتوس ۱:۷، ۲:۳، اول پطرس ۴:۳)
۶. شراب به صورت اسکاتولوژیک استفاده شده است (انجیل متی ۲۲:۱، مکاشفه ۱۹:۹)
۷. مستی پشیمانی است (انجیل متی ۲۴:۴۹، انجیل لوقا ۱۲:۴۵، ۲۱:۳۴، اول قرنتیان ۵:۱۱ الی ۱۳، ۶:۱۰، غلاطیان ۵:۲۱، اول پطرس ۴:۳، رومیان ۱۳:۱۳ الی ۱۴)

III. بینش الهیاتی

A. تنشها و جدلها

۱. شراب هدیه خدا است
۲. مستی مشکل اساسی است
۳. ایمانداران در برخی از فرهنگها باید به خاطر انجیل آزادیهای خود را محدود کنند (انجیل متی ۱۵:۱ الی ۲۰، انجیل مرقس ۷:۱ الی ۲۳، اول قرنتیان ۸:۱۰، رومیان ۱۴)
- B. گرایش در عبور از مرزها
۱. خدا منشا همه خوبیها است
۱. غذا، انجیل مرقس ۷:۱۹، انجیل لوقا ۱۱:۴۴، اول قرنتیان ۱۰:۲۵ الی ۲۶
۲. همه چیز پاک است، رومیان ۱۴:۱۴ و ۲۰، اول تیموتائوس ۴:۴
۳. همه چیز مجاز است، اول قرنتیان ۱۰:۱۲، ۶:۲۳، ۱۰
۴. همه چیز خالص است، تیتوس ۱:۱۵
۲. انسان سقوط کرده از تمامی هدایای خدا با فرارفتن از مرزها و محدودیتها، سو استفاده کرده است
- C. سو استفاده در ما است، نه در چیزها. در خلقت هیچ چیز شیطانی وجود ندارد

IV. فرهنگ یهودیت قرن اول و تخمیر

- A. تخمیر خیلی سریع آغاز می‌شود، تقریباً شش ساعت بعد از اینکه انگور له شد
- B. آداب یهود می‌گوید وقتی کف نازکی بر روی سطح ظاهر شد (به نشانه تخمیر)، تبدیل به شراب شده است (ما آسروت ۷:۱). به این "شراب تازه" یا "شراب شیرین" گفته می‌شود.
- C. تخمیر اولیه پس از یک هفته کامل می‌شود.
- D. تخمیر ثانویه حدود ۴۰ روز به طول می‌انجامد. در این مرحله به آن "شراب کهنه" گفته می‌شود و می‌توان آن را به محراب تقدیم کرد (ادهویوت ۶:۱)
- E. شرابی که به تنه‌نشین آن باشد (شراب قدیمی) شراب خوب تلقی می‌شود، ولی باید قبل از استفاده از به خوبی صاف و تصفیه شود.
- F. شراب یک سال پس از تخمیر به خوبی عمل می‌آید. سه سال بیشترین مدتی است که می‌توان شراب را نگاهداری کرد. در این مدت به آن شراب قدیمی گفته می‌شود و باید با آب رقیق گردد.

G. فقط طی ۱۰۰ سال گذشته در محیط‌های استریل و مواد افزودنی شیمیایی می‌توان مدت زمان تخمیر را به تعویق انداخت. در دوران قدیم نمی‌توانستند فرایند تخمیر را متوقف سازند.

V. جمع‌بندی

- A. اطمینان حاصل کنید که تجربه، الهیات و تفسیر انجیلی عیسی و فرهنگ یهودی/مسیحی قرن اول را کم بها نمی‌کند. بدیهی است که آنها به طور کامل طرفدار منع مصرف مشروبات الکلی نبودند.
- B. من مدافع مصرف الکل نیستم! با این وجود، بسیاری شاهد موضع‌گیری انجیل در این خصوص هستند و اینک ادعای ارجحیت بر رسوم فرهنگی را دارند.
- C. از نظر من، رومیان ۱۴ و اول قرن‌تین ۸:۱۰ بینش و خط مشی بر اساس محبت و رفاقت برای ایمانداران ارائه کرده‌اند و انجیل را در فرهنگ ما نشر کرده‌اند، نه آزادی فردی یا داوری انتقادی را. اگر انجیل تنها مرجع ایمان و تجربه است، پس شاید ما باید در مورد این مسئله مجدداً فکر کنیم.
- D. اگر ما کلاً منع مصرف الکل را اراده خدا بدانیم، پس در مورد عیسی چه باید گفت، در فرهنگ مدرن هم ما به طور مرتب شراب می‌نوشیم (مثلاً اروپا، اسرائیل، آرژانتین).

□ «آیا خانه‌ها برای خوردن و نوشیدن ندارید؟» برخی متشرعین و مفسرین سعی بر این داشتند تا از این آیه بعنوان سند برای نخوردن خوراک در کلیسا بهره‌برداری نمایند. تاریخ و متن همیشه نقش حیاتی در ترجمه متون ادبی باستانی ایفا کرده‌اند. با برداشت و نقل قول از یک قسمت کوچک متن، انسان می‌تواند تقریباً هر چیزی را از جانب خدا و انجیل بیان کند! بقول Gordon Fee «کتابی که می‌تواند هر معنایی داشته باشد، بی‌مفهوم است!» مجموعه‌ای از سوالات وجود دارد که نشان‌دهنده نوع احساسی است که پولس هنگام نوشتن از خود نشان داده است. او از رفتاری که برخی کلیساها از خود نشان می‌دادند، شگفت‌زده شده بود (یعقوب ۲:۶).

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱۱:۲۳-۲۶

«زیرا من از خداوند یافتم آنچه را به شما نیز سپردم، که عیسی‌ای خداوند در شبی که او را تسلیم دشمن کردند، نان را گرفت^{۲۴} و شکر نموده، پاره کرد و فرمود: «این است بدن من برای شما. این را به یاد من به جای آورید.»^{۲۵} به همین سان، پس از شام، جام را گرفت و فرمود: «این جام، عهد جدید است در خون من. هر بار که از آن می‌نوشید، به یاد من چنین کنید.»^{۲۶} زیرا هر گاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که بازآید.

۱۱:۲۳ «زیرا من از خداوند یافتم آنچه را به شما نیز سپردم» پولس در مراسم شام خداوند حضور نداشت. او در غلاطیان ۱:۱۱-۱۷ می‌گوید که مکاشفه خود را بطور مستقیم از عیسی دریافت کرده و در غلاطیان ۱:۱۸-۱۹ می‌گوید که از رسولان دیگر یا رهبران اورشلیم دریافت نکرده است. با اینحال، کلام او در اینجا بازتاب دهنده دانش ناشی از سنت‌های انجیل کنیسه است.

□ «نان را گرفت» شگفت‌انگیز است که عیسی از بره پسخ بعنوان نماد استفاده نکرده است. این نان ارتباط بسیار زیادی با پیمان قدیم دارد (خروج ۱۲). قرص نان تبدیل به نماد یکی بودن و اتحاد گردید (۱۰:۱۶-۱۷).

۱۱:۲۴ «و شکر نموده، پاره کرد و فرمود» این عبارات اشاره به یک عمل تاریخی دارند (خوراک پسخ در قسمت بالایی اتاق، در شب پیش از خیانت به عیسی). بسیاری از مسیحیان این فرمان را *Eucharist* می‌نامند، که از واژه یونانی «شکر کردن» گرفته شده است (*eucharisteō*، متی ۲۶:۲۷؛ مرقس ۱۴:۲۲؛ لوقا ۲۲:۱۹).

NASB «این است بدن من برای شما»

NKJV «بردارید، بخورید؛ این است بدن من است که برای شما پاره شده»

NRSV «این است بدن من که برای شماست»

TEV, NJB «این است بدن من برای شما»

روشن است که این آیه بصورت استعاره مطرح گردیده است. در غیر اینصورت آدم‌خواری برای هر فرد یهودی وحشتناک بوده است. عیسی از پاره نان بعنوان نمادی برای نشان دادن بدن پاره خود بر روی صلیب استفاده کرده است. درحالی‌که نان قوت حیات و قوت فیزیکی بدن برای هر آنکس که بخورد است، لذا این کار عیسی برای آنکس که دریافتش کند جنبه معنوی به آن عمل می‌دهد.

بحثهای الهیاتی زیادی درباره معنی کلماتی که عیسی بکار برد، وجود داشته است. بیشتر این بحثها بر اساس (۱) ذات آن رویداد و (۲) راهی که خداوند نعماتش را فراهم می کند بوده است. آنان که این آیه را به نشانه تقدس می نگرند، بشدت بر روی یوحنا ۶ تأکید دارند، حال آنکه در متن کلام، هیچ ارتباطی با شام خداوند ندارد.

این پاراگراف در متون مختلف تفاوت‌های زیادی دارد.

۱. نسخه یونانی عهد جدید (Textus Receptus) عبارات "بردارید، بخورید" را اضافه کرده است. این عبارات در نسخه یونانی MSS C³, K, L, P نیز دیده می شوند. اما اصل نیستند.

۲. عبارت خلاصه "برای شما" که پولس بکار برده (MSS P⁴⁶, A, B, C*, K*) توسط کاتبین اولیه به اشکال مختلف نوشته شده است:

(a) "پاره برای شما" (MSS K², C³. D², F, G)

(b) "ریخته شده برای شما" (MS D*)

(c) "تقدیم شده برای شما" (لوقا ۱۹:۲۲)

UBS⁴ به متن کوتاهتر یونانی (to *huper humōn*) رتبه A (مطمئن) را داده است.

۲۴:۱۱-۲۵ "این را به یاد من به جای آورید" مشخص نیست که این یک جمله اخباری یا دستوری است. بنظر می رسد دستوری بیشتر در ساختار متن می گنجد. شام نمادین باید تا زمانیکه عیسی دوباره بازمی گردد، همیشه تکرار گردد.

جالب توجه است که از آنچه که درباره شام خداوند در انجیل متی و مرقس ثبت گردیده، عبارت "این را به یاد من به جای آورید" ثبت نگردیده است. بهرحال، در لوقا ۱۹:۲۲ و اول قرن‌های ۱۱-۲۴-۲۵ نوشته شده است. بسیار قافلگیر کننده است که بنیم چنین رویداد شگفت‌انگیزی در زندگی عیسی، که باید همیشه تکرار گردد، با تفاوت‌های زیادی در اناجیل و نوشته‌های پولس درج گردیده است.

عهد جدید مشخص نکرده که این رسم هر چند وقت یکبار باید برگزار گردد. برخی از گروه‌های ایماندار هرگز این مراسم را بجای نیاورده اند (کوئیگرها^۱)، برخی دیگر نیز هر هفته این آیین را اجرا می کنند. بدیهی است که آن گروهی که دیدگاه تقدس نسبت به این شام دارند، آن را بصورت یک رویداد اصلی تکرار می کنند (بصورت هفتگی). ایمانداران فلسطینی اولیه این را بصورت سالانه در کنار عید پسخ برگزار می کردند (همچون ایبونی‌ها که گروهی از مسیحیان از نژاد یهودی در قرون اول مسیحیت بودند که سخت به قوانین شریعت پایبند بودند، Origen and Epiphanius). آن دسته از مسیحیانی که از تکرار آیینها، نگران از دست دادن اهمیت خود هستند و این رسوم را بعنوان کانالی برای برقراری رحمت الهی نمی نگرند، معمولاً برای شام خداوند ارزش کمتری قائل هستند (بابتیستهای جنوبی هر فصل یکبار برگزار می کنند).

۲۵:۱۱ "این جام، عهد جدید است" این عهد جدیدی است که در ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ از آن بخصوص ذکر بمیان آمده است (و در حزقیال ۲۲:۳۶-۳۸ تعریف گردیده است). واژه یونانی برای عهد بمعنی "یک آرزو" یا "آخرین وصیت" بود، اما در اینجا معنای آن کاربرد واژه "پیمان" را که در نسخه Septuagint استفاده شده بود، می رساند.

مفهوم "پیمان جدید" باید برای یهودیان تکان دهنده بوده باشد. آنان به ابدی بودن پیمان موسی ایمان داشتند. ارمیا باید به آنان یادآوری می کرد که پیمانهای یهوه مشروط بر تکرار ایمان-توبه و اجابت وی بودند.

موضوع خاص: پیمان

(Special Topic: Covenant)

اصطلاح عهد عتیقی *berith* (BDB 136, KB157) به معنی "پیمان" را نمی توان به راحتی ترجمه کرد. هیچ فعلی که با این اصطلاح همخوانی داشته باشد در زبان عبری وجود ندارد. تمامی تلاشها برای مشتق و استخراج کردن و تعریف یک مفهوم ایدئولوژیک یا معنی دار نامتقاعد کننده بوده اند. احتمالاً بهترین حدس "قطع کردن" باشد (BDB 144) که دلالت بر حیوان قربانی باشد که همراه پیمان است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱۰ و ۱۷). با این حال، محور اصلی این مفهوم استاتید را وادار کرد تا کاربرد واژه را مورد بررسی قرار دهند و تلاش کنند معنی عملی آن را دریابند.

^۱ کوئیگرها یا دوستان اعضای خانواده‌ای از جنبش‌های مذهبی هستند که جامعه مذهبی دوستان خوانده می شوند. دکتربین اصلی کوئیگرها کشیش بودن همه ایمانداران است، آموزه‌ای که از آیه‌ای در عهد جدید برگرفته شده: ۱ پطرس ۹:۲. بیشتر کوئیگرها آئین خود را مذهبی مسیحی می دانند.

پیمان ابزاری است که توسط آن یک خدای واقعی (موضوع خاص: یکتا پرستی را مطالعه کنید) با مخلوقات انسانی سر و کار دارد. مفهوم پیمان، عهد، یا موافقتنامه در درک مکاشفه انجیلی بسیار حساس است. تنش میان سلطه خدا و اراده آزاد انسان به وضوح در مفهوم پیمان دیده می‌شود. برخی از پیمانها انحصارا بر اساس شخصیت و اعمال خدا هستند.

۱. خود خلقت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲)

۲. مقاومت و وعده به نوح (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶ الی ۹)

۳. فرا خواندن ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲)

۴. پیمان با ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵)

با این وجود، ماهیت طبیعی خود پیمان نیازمند پاسخ به آن است.

۱. با ایمان آدم باید از خدا اطاعت کند و میوه وسط عدن نخورد.

۲. با ایمان نوح باید یک کشتی عظیم دور از دریا بسازد و حیوانات را گردآوری کند

۳. با ایمان ابراهیم باید خانواده خود را ترک کند، از خدا پیروی کند، و به وارثین آینده اعتماد کند.

۴. با ایمان موسی باید اسرائیلیان را از مصر بیرون برده به کوه سینا برده و راهنمائیهای خاص برای زندگی دینی و اجتماعی با وعده نعمت و لعن دریافت کند (مراجعه شود به لاویان ۲۶، کتاب تثنیه ۲۷ ای ۲۸).

مشابه همین تنش در مورد رابطه خدا با انسان در پیمان جدید مطرح شده است (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، عبرانیان ۷: ۲۲، ۸: ۶ و ۸ و ۱۳، ۹: ۱۵، ۱۲: ۲۴). این تنش را به راحتی می‌توان با مقایسه حزقیال ۱۸: ۳۱ با حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸ دید (اعمال یهوه). آیا پیمان بر اساس اعمال ناشی از لطف خدا است یا پاسخ اجباری انسان؟ این یک نکته داغ میان پیمان قدیم و پیمان جدید است. اهداف هر دو یکی هستند:

۱. احیا رابطه با یهوه که در کتاب پیدایش ۳ از بین رفت

۲. ایجاد مردمی پارسا که منعکس کننده شخصیت خدا هستند.

پیمان جدید ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ این تنش را با حذف عملکرد انسان به عنوان ابزاری برای مقبول شدن برطرف می‌کند. قانون خدا به جای کدی برونی قانونی تبدیل به میل درونی می‌شود. هدف مردم خداپرست و پارسا تغییر نمی‌کند، بلکه روش‌ها تغییر می‌کنند. انسان گمراه اثبات کرد که نمی‌تواند انعکاس مناسبی از تصویر خدا باشد. مسئله پیمان خدا نبود، بلکه ضعف و گناهکاری انسان بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳، رومیان ۷، غلاطیان ۳).

تنش مشابهی میان پیمان مشروط و غیر مشروط عهد عتیق همچنان در عهد جدید باقی می‌ماند. رستگاری مطلقا با کار خاتمه یافته عیسی مسیح رایگان است، ولی نیازمند توبه و ایمان است (هم در آغاز و هم اینکه باید استمرار داشته باشد، موضوع خاص: ایمان به عهد جدید را مطالعه کنید). عیسی رابطه جدید خود با ایمانداران را "یک پیمان جدید" می‌نامد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۲۸، انجیل مرقس ۱۴: ۲۴، انجیل لوقا ۲۲: ۲۰، اول قرنتیان ۱۱: ۲۵). این یک اعلامیه رسمی و قانونی و یک فراخواندن به همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸، رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵)، یک اعلام خبری از پذیرش (رومیان ۴) و امر به مقدس بودن (انجیل متی ۵: ۴۸)! ایمانداران با عملکرد خود نجات پیدا نمی‌کنند، بلکه با اطاعت (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۱۰، دوم قرنتیان ۳: ۵ الی ۶). زندگی خداپسندانه تبدیل به شهادی برای رستگاری می‌شود، نه ابزاری برای رستگاری (یعنی یعقوب و اول یوحنا). با این حال، زندگی جاویدان مشخصه‌های قابل مشاهده‌ای دارد! این تنش به وضوح به عنوان هشدار در عهد جدید دیده می‌شود (به موضوع خاص: ارتداد مراجعه کنید).

□ "در خون من" این عبارت اشاره به قربانی شدن عیسی در زبان عبری دارد (۲قرنتیان ۵: ۲۱). خون یک اصطلاح در عهد عتیق عبری بوده که اشاره به یک قربانی برای خداوند می‌کرده است (لاویان ۱۷: ۱۱، ۱۴: تثنیه ۱۲: ۲۳). پیمان اول با خون ریخته شد (خروج ۲۴: ۸).

۲۶:۱۱

NASB, NKJV

NRSV "گاهی که از آن می‌نوشید...می‌خورید"

TEV "هر بار که از آن می‌خورید...می‌نوشید"

NJB "هر وقت که می‌خورید...می‌نوشید"

توجه کنید که هیچ زمان مشخصی در اینجا یا هر کجای دیگر در عهد جدید تعیین نگردیده است. در کتاب اعمال رسولان، عبارت خاصی که برای تعریف شام خداوند بکار رفته، "پاره نان" بوده که برای (۱) عملی روزانه (۲:۴۲، ۴:۶) و یا (۲) مراسم روز یکشنبه (۷:۲۰، ۱۱) بکار برده شده است. با اینحال، از این عبارت برای هر وعده غذا نیز استفاده گردیده است (۲۷:۳۴-۳۵).

■ "مرگ خداوند را اعلام می‌کنید" این عبارت به روشنی جنبه قربانی شدن مرگ مسیح را نشان می‌دهد. شام خداوند نگاهی معکوس به مرگ مسیح است.

■ "تا زمانی که بازآید" شام خداوند نگاهی معکوس به بازگشت دوم مسیح است (۱ قرن‌تیاں ۷:۱؛ ۵:۴؛ ۲۶:۱۱؛ مرقس ۱۴:۲۵).

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تیاں ۲۷:۱۱-۳۲

۲۷ پس هر که به شیوه‌ای ناشایسته نان را بخورد و از جام خداوند بنوشد، مجرم نسبت به بدن و خون خداوند خواهد بود. ^{۲۸} اما هر کس پیش از آنکه از نان بخورد و از جام بنوشد، خود را بیازماید. ^{۲۹} زیرا هر که بدون تشخیص بدن بخورد و بنوشد، در واقع محکومیت خود را خورده و نوشیده است. ^{۳۰} از همین روست که بسیاری از شما ضعیف و بیمارند و شماری هم خفته‌اند. ^{۳۱} اما اگر بر خود حکم می‌کردیم، بر ما حکم نمی‌شد. ^{۳۲} پس آنگاه که خداوند بر ما حکم می‌کند، تأدیب می‌شویم تا با دنیا محکوم نگردیم.

۲۷:۱۱

NASB, NKJV

NRSV "هر که نان را بخورد و از جام خداوند بنوشد"

KJV "هر که از این نان بخورد و از این جام خداوند بنوشد"

TEV "که اگر یکی از شما از نان خداوند بخورید و یا از جام او بنوشید"

NJB "بنابراین هر کس که نان را بخورد از جام خداوند نیز می‌نوشد"

حرف "و" در متن اصلی ۱ قرن‌تیاں ۲۷:۱۱ وجود ندارد، اما در ۱ قرن‌تیاں ۲۸:۱۱ و ۲۹ هست. "یا" در نیز فقط در نسخه یونانی وجود دارد. مترجمان نسخه The King James نگران این بودند که کلیسای کاتولیک درک دیگری از محل نوشیدن شراب و خوردن نان توسط کشیشها داشته باشد، لذا به عمد این آیه را اشتباه ترجمه کردند! ترجمه NKJV این ترجمه اشتباه عمدی را اصلاح کرد (به کتاب *The Orthodox Corruption of Scripture* نوشته Bart Ehrman صفحه ۱۵۴ مراجعه نمایید).

NASB, NKJV

NRSV "به شیوه‌ای ناشایست"

TEV "به روشی که او را تکریم نشود"

NJB "ناشایست"

از متن اینگونه برداشت می‌گردد که این عبارات اشاره به اتحاد گسسته شده کلیسا توسط گروه‌های تفرقه‌افکن، خودخواه و مغرور دارد، اما برخی دیگر اینگونه برداشت کرده‌اند که اشاره به اجبار برای رفتار روحانی مناسب هنگام مشاهده شام خداوند دارد (عبرانیان ۱۰:۲۹).

۲۸:۱۱ "هرکس... خود را بیازماید" این جمله حال حاضر دستوری است. عبارت "آزمودن" بمعنی "آزمودن با نیت پذیرفته شدن" بکار برده شده است. به موضوع خاص: واژگان یونانی برای "آزمودن" در اول قرن‌تیاں ۳:۱۳ مراجعه نمایید. به نوعی همه مسیحیان بدلیل گناه و تداوم تکرار آن، بی‌ارزش هستند. در این متن بویژه اشاره به عدم اتحاد و تفرقه روح‌های برخی که در کلیسای قرن‌تس حضور داشتند، می‌گردد (۲ قرن‌تیاں ۳:۵).

۲۹:۱۱

NASB "چنانچه او بدن خود را بدرستی داوری نکند"

NKJV "بدن خداوند را تشخیص ندهد"

NRSV "بدون تشخیص بدن"

TEV "اگر شما معنی بدن خداوند را درک نکنید"

NJB "بدون درک بدن"

اینگونه بنظر می‌رسد که بدن اشاره به ۱) بدن فیزیکی عیسی یا ۲) شرکت کنندگان نداشته باشد، بلکه اشاره به کلیسا بعنوان یک گروه دارد (۱ قرن‌تبیان ۱۰:۱۷؛ ۱۲-۱۳-۱۳، ۲۷). عدم اتحاد معضل بزرگیست. یک روح برتر یا تمایزات طبقاتی این مجالست را از بین می‌برد.

□ "داوری" (در متن فارسی "تشخیص" بکار برده شده است) به موضوع خاص در اول قرن‌تبیان ۷:۱۴ و اول قرن‌تبیان ۱۰:۲۹ مراجعه شود.

۱۱:۳۰ پولس به زبان ساده تصریح می‌کند که ایماندارانی که ناقض اتحاد و وحدت کلیسا هستند، ممکن است عواقب جسمی، حتی مرگ را متحمل شوند (اول قرن‌تبیان ۳:۱۷). این امر بطور مستقیم با عدم وجود احترام برای بدن عیسی، یعنی کلیسا و قوم خدا مرتبط است (اعمال ۵؛ اول قرن‌تبیان ۵:۵؛ تیموتائوس ۱:۲۰).

۱۱:۳۱ "اگر" این جمله شرطی نوع دوم است که "متضاد عمل" خوانده می‌شود. این جمله باید بدینگونه ترجمه گردد: "اگر ما خود را بدرستی داوری می‌کردیم، که نکردیم، پس نباید مورد داوری نیز قرار گیریم، که خواهیم گرفت". به یادداشت اول قرن‌تبیان ۷:۴ مراجعه شود.

۱۱:۳۲ "تأدیپ می‌شویم" بسختی می‌توان فهمید که مسیحیان چه زمانی در رنج قرار گرفته‌اند

۱. آنان در یک دنیای افول کرده زندگی می‌کنند

۲. آنان حاصل کاشت گناهان خود را برداشت می‌کنند

۳. آنان بخاطر بلوغ روحانی خود توسط خداوند مورد آزمایش قرار می‌گیرند (عبرانیان ۵:۸)

خداند آزمایش کرده و تأدیپ می‌کند (عبرانیان ۱۲:۵-۱۱). این یکی از شواهد محبت او به ما و موقعیت خانوادگی ما است.

□ "تا با دنیا محکوم نگردیم" داوری موقت ایماندارانی که به کلیسای خدا صدمه وارد می‌کنند، ممکن است بخاطر علاقه خداوند به بخشیدن آنان بمنظور پیشگیری از داوری شدیدتر در ارتباط با از بین بردن کلیسا باشد (۱ قرن‌تبیان ۳:۱۰-۱۷).

نقل قولی را از George Ladd در کتاب *A Theology of the New Testament* دوست می‌دارم. او می‌گوید:

"جهان مطابق مذهبی که دارد، مردانی را تحت فشار قرار می‌دهد که در حصار ریاضت کشیدن و تشرع افراطی گرفتارند. آنان ممکن

است در ظاهر حکمت و نوعی از خودگذشتگی و تأدیپ را ترویج کنند، اما در نهایت نمی‌تواند راه حلی برای معضل اخلاقی که انسان با آن روبرو

است را بیابند (کولسیان ۲:۲۰). با نگاه از این منظر، جهان زیر داوری خداوند قرار گرفته (اول قرن‌تبیان ۱۱:۳۲) و نیاز به آشتی دارد" (دوم قرن‌تبیان

۵:۱۹؛ رومیان ۱۱:۱۵)" (صفحه ۳۹۹).

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تبیان ۳۳:۱۱-۳۴

۳۳ "پس ای برادران من، چون برای خوردن گرد هم می‌آیید، منتظر یکدیگر باشید. ^{۳۴}اگر کسی گرسنه است، در خانه خود غذا بخورد تا گرد هم آمدن شما به محکومیت نینجامد. در خصوص سایر چیزها نیز چون نزدتان آمد، دستورات لازم را خواهیم داد.

۱۱:۳۳ "چون برای خوردن گرد هم می‌آیید، منتظر یکدیگر باشید" این جمله اشاره به اول قرن‌تبیان ۱۱:۲۱ دارد. آن افراد بصورت فردی خودخواه بودند، و نه خانوادگی، یک بدن. آنان دقیقاً در جهت مخالف آموزه‌های عیسی در رابطه با محبت کردن عمل می‌کردند.

۱۱:۳۴ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که با توجه به دیدگاه نویسنده یا ترتیب چیدمان نامه‌های او، درست به نظر می‌رسد.

□ "در خانه خود غذا بخورد" این جمله دستوری حال حاضر است. اگر ایمانداران بقدری گرسنه باشند که بواسطه آن دست به اعمال خشن یا خودخواهانه‌ای در مراسم شام خداوند بزنند، پس باید پیش از اینکه به این شام عمومی بیایند باید گرسنگی خود را برطرف نمایند.

NASB "در خصوص آنچه که باقیمانده، پس از بازگشت به آنها رسیدگی خواهیم کرد"

NKJV "و باقیمانده را پس از بازگشت مرتب خواهیم نمود"

NRSV "در خصوص سایر چیزها نیز چون نزدتان آمد، دستورات لازم را خواهیم داد"

TEV "در خصوص سایر چیزها نیز چون نزدتان آمد، رسیدگی خواهیم کرد"

NJB "سایر مسائل را هنگام آمدن باید رسیدگی کنم"

توجه داشته باشید که خداوند کاری به جزئیات آنچه که پولس در اختیار این کلیسا گذارده، ندارد. مشخص نیست که این آیه اشاره به شام خداوند دارد یا موضوعی دیگر. ساختار اول قرن‌تبیان (پاسخ به بسیاری از سوالات غیرمرتبط) نیز همین امر را می‌رساند. ماهیت مراسم شام خداوند در کتب مناجات‌نامه

دیده نمی‌شود، بلکه این ماهیت در برقراری یک رابطه با عیسی مسیح وجود دارد. جزئیات این آیین مذهبی به اندازه دارا بودن یک قلب نیک در برابر خداوند، که در عشق ورزیدن به کلیسا بوجود می‌آید، حائز اهمیت نمی‌باشد.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. آیا مسیحیان امروزی باید کلیه آیینها و رسوم کلیسای عهد جدید را عیناً نسخه‌برداری کنند؟

۲. آیات ۱۱:۲-۱۶ درباره شرکت زنان در نقش رهبری مراسم عمومی کلیسا، چه می‌گویند؟

۳. امروزه حجاب مطابق چه چیزی است؟

۴. مشکل زنان بی‌حجاب و مردان حجاب‌دار در فرهنگ روم قرن یکم را توضیح دهید.

۵. هدف اصلی پولس در مبحث شام خداوند در فصل ۱۱ چیست؟

۶. اول قرن‌تین ۱۱:۳۰ را چگونه توضیح می‌دهید؟

اول قرنتیان ۱۲

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
				آداب عمومی پرستش (۱۱:۲ - ۱۴:۴۰)
عطایای روحانی	عطایای روحانی: اتحاد در میان گروه‌های متنوع	تعدد عطایای روحانی	عطایای رسیده از روح القدس	عطایای روحانی
۳ - ۱:۱۲	۱۱ - ۱:۱۲	۳ - ۱:۱۲	۱:۱۲	۳ - ۱:۱۲
			۳ - ۲:۱۲	تنوع عطایا
۱۱ - ۴:۱۲		۱۱ - ۴:۱۲	۱۱ - ۴:۱۲	۱۱ - ۴:۱۲
یک بدن و اعضای زیاد	اتحاد و تنوع در یک بدن	بدنی که نیازمند اعضای متنوع است	یک بدن، اجزای بسیار	قیاس بدن
۳۱ - ۱۲:۱۲	۳۱ - ۱۲:۱۲	۱۳ - ۱۲:۱۲	۱۳ - ۱۲:۱۲	۱۷ - ۱۲:۱۲
		۲۶ - ۱۴:۱۲	۲۰ - ۱۴:۱۲	۲۱ - ۱۸:۱۲
			۲۶ - ۲۱:۱۲	۲۶ - ۲۲:۱۲
		۳۱ - ۲۷:۱۲	۳۱ - ۲۷:۱۲	۳۰ - ۲۷:۱۲
			۳۱:۱۲	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

A. فصلهای ۱۱-۱۴ یک مجموعه نامه را تشکیل می‌دهند که به مسئله اجتماعات پرستشی می‌پردازند. در کلیساهای خانگی قرن‌تین مشکلات متعددی وجود داشت. پولس بسیاری از این مشکلات را که کلیسا در رابطه با آنها با او مکاتبه کرده بود، مورد اشاره قرار داده است (۱ قرن‌تین ۷:۱، ۲۵:۸؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۶:۱، ۱۲). مشکلاتی که به موضوع اینگونه گردهمایی‌ها بر می‌گشت عبارت بودند از:

۱. چگونگی دعا و نبوت

a. برهنگی مرد

b. پوشیده بودن زن

۲. غرور و سواستفاده از عطایای روحانی

a. فصل ۱۲ - آیا آنان اتحادی با محوریت مسیح را بر می‌انگیزند؟

b. فصل ۱۳ - آیا آنان عشق و محبت را بر می‌انگیزند؟

c. فصل ۱۴ - آیا آنان بدن را می‌سازند؟

۳. چگونه عطایای روحانی را در نیایش و پرستش نهادینه نماییم

a. سخنگویان به زبان روح القدس و مترجمین

b. آواز خوانان

c. انبیا

B. سه آزمون در ارتباط با عطایای روحانی وجود دارد.

C. فهرست متعددی از عطایای روحانی در عهد جدید وجود دارد (رومیان ۱۲:۱۲؛ ۱ قرن‌تین ۱۲-۱۴؛ افسسیان ۴:۱۱؛ و ۱ پطرس ۴:۱۰-۱۱). این فهرستها یکسان نبوده و ترتیب عطایا نیز مشابه هم نمی‌باشد. این فهرستها نمونه نبوده و قطعیت ندارند. برخی از عطایا در گردهماییهای پرستشی کاربرد داشتند، اما برخی دیگر در خارج از این اجتماعات و گردهماییها دارای عملکرد بودند.

تأکیدی که پولس بر نعمات روحانی داشت، شگفت‌انگیز است، اما او سخنی از اینکه فرد ایماندارا چگونه می‌تواند این نعمات الهی را در خود شناسایی کند، به میان نمی‌آورد. من نسبت به تأکید بر روی بسیاری از "آزمونهای روحانی" که در عصر حاضر گسترش پیدا کردند، بی‌میل هستم. آن آزمون فقط برای عطایایی بوده که در فهرست عهد جدید منظور گردیده است. بسیاری از آنها بروشنی تعریف نشده‌اند (همچون عطایای مختص رهبری در افسسیان ۴:۱۱). مفیدترین راهنمایی که من در اینباره یافتیم، کتابچه IVP تحت عنوان *Affirming the Will of God* به قلم Paul Little است. مشابه حکمت مسیحی که به ما کمک می‌کند آنچه را که خواست خداست، یافته و هدایایی را که در امر بشارت در ما تأثیرگذارند، شناسایی نماییم.

۱. بطور مشخص، امر دعا

۲. سوال از مسیحیان بالغی که توانی را که شما دارا هستید، در شما می‌بینند

۳. جستجو بدنبال فرصتهای باز برای تلاش در راههای مختلف

۴. پیروی از اشتیاقهایی که در قلب خود حس می‌کنید

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱:۱۲-۳

۱ و اما در خصوص تجلیات روح، ای برادران، نمی‌خواهم غافل باشید. ^۲ می‌دانید که وقتی بت‌پرست بودید، به هر نحوی اغوا شده، به سوی بت‌های گنگ کشیده می‌شدید. ^۳ پس به شما می‌گویم که هر که به واسطه روح خدا سخن گوید، عیسی را لعن نمی‌کند، و هیچ‌کس جز به واسطه روح القدس نمی‌تواند بگوید «عیسی خداوند است.»

۱:۱۲ " و اما در خصوص " این عبارتیست که در اول قرن‌تین زیاد تکرار گردیده و نشان دهنده اینست که پولس در حال پاسخ به سوالاتی خاص، که از سوی کلیسا مطرح گردیده می‌باشد (اول قرن‌تین ۷:۱، ۲۵:۸؛ ۱:۱۲؛ ۱۶:۱، ۱۲).

NASB, NKJV "هدایای روحانی" (مشخص نیست چرا در نسخه فارسی کتاب مقدس "تجلیات روح" ترجمه گردیده)

NRSV

"افراد روحانی" (پانویس)

واژه یونانی بکار برده شده، حالت مضاف‌الیه جمع از واژه *pneuma* است. این عبارات می‌تواند در اشاره به افراد، هدایا یا معنویت باشد (مسائل معنوی، اول قرن‌تین ۱:۱۴).

موضوع خاص: روح در کتاب مقدس

(Special Topic: Spirit In The Bible)

- I. عهد عتیق (*ruah*, BDB 924, KB 1197؛ به موضوع خاص تنفس، باد و روح در عهد عتیق مراجعه شود)
- A. اعمال یکتاپرستانه خداوند (روح بیش از ۹۰ بار در عهد عتیق تکرار گردیده است)
۱. مثبت، پیدایش ۲:۱
 ۲. منفی، ۱ ساموئیل ۱۶:۱۴-۱۶؛ ۱ پادشاهان ۲۲:۲۱-۲۲؛ اشعیا ۱۰:۲۹
- B. نیروی خدادادی حیات در بشریت (دم خدا، پیدایش ۷:۲)
- C. ترجمه *ruah* در نسخه Septuagint بواسطه لغت *pneuma* (در نسخه LXX بیش از ۱۰۰ بار بکار برده شده است)
- D. در نوشته‌هایی که از ربیان، نوشته‌های آخرالزمانی و نوشته‌های موجود در طومارهای دریای مرده بجای مانده، تحت تأثیر آیین ذرشت، برای فرشتگان و شیاطین از واژه *pneuma* استفاده گردیده است.
- II. واژه‌های یونانی
- A. Pneō، دمیدن
- B. Pneō، وزیدن، دم
- C. Pneuma، روح، باد
- D. Pneumatikos، وابسته بودن به روح
- E. Pneumaticōs، در حالت روحانی و معنوی
- III. پیشزمینه فلسفه یونان (*Pneuma*)
- A. ارسطو از این واژه بعنوان نیروی حیات که از تولد تا تأدیب نفس را شکل می‌دهد، یاد کرده است.
- B. رواقی این واژه را بصورت مترادف *psuchē*، (روح) حتی *nous* (ذهن) و در حالت حواس پنجگانه و هوش انسان بکار برده است.
- C. در عقاید یونانی، این واژه برابر با اعمال الهی بکار برده می‌گردد (فالگیری، جادو، رمز و راز، نبوت، غیره).
- IV. عهد جدید (*Pneuma*)؛ به موضوع خاص: روح در عهد جدید مراجعه شود)
- A. حضور ویژه و پر توان خداوند
- B. روح بطور مستقیم به فعال بودن خدا در کلیسا مرتبط است (با استناد به انجیل یوحنا)
۱. نبوت
 ۲. معجزات
 ۳. سرسختی در اعلان علنی انجیل
 ۴. حکمت (انجیل)
 ۵. نشاط
 ۶. آمدن عصر جدید
 ۷. تغییر مذهب (اظهار علنی و پذیرش قلبی)
 ۸. پیروی از مسیح
 ۹. عطایای ویژه بشارتی
 ۱۰. دعا برای ایمانداران
- روح القدس اشتیاق بشر را برای دوستی با خداوند بیدار می‌کند، زیرا آنان به همین دلیل آفریده شده‌اند. این دوستی به دلیل وجود یک فرد، آن هم عیسی مسیح و کار او، مسیح خداوند ممکن خواهد بود (به موضوع خاص مسایح توجه نمایید). این بیداری روحانی جدید ما را به زندگی همچون مسیح، خدمت و اعتماد به خداوند رهنمون خواهد بود.

- C. اینگونه باید درک شود که استمرار ارتباط معنوی با روح القدس در یک سو، و بشریت بعنوان آفرینش فیزیکی این سیاره، و در عین حال موجود آفریده شده از تصور خداوند در دیگر سو قرار گرفته‌اند.
- D. پولس نویسنده عهد جدید است که الهیاتی بر پایه روح القدس و روح را پایه نهاد
۱. پولس از روح القدس برای تقابل با ذات گناه استفاده می‌کند
 ۲. پولس از روح القدس برای تقابل فیزیکی با گناه استفاده می‌کند
 ۳. پولس از روح القدس/روح برای تقابل با نحوه تفکر، دانسته‌ها و وجود بشر استفاده می‌کند
- E. برخی مثالها از ۱ قرن‌تینان
۱. روح القدس، ۱ قرن‌تینان ۱۲:۳
 ۲. قدرت و حکمت خداوند بواسطه روح القدس منتقل می‌گردد، ۱ قرن‌تینان ۲:۴-۵
 ۳. اعمال خداوند برای فرد ایماندار
- a. ذهنیت جدید، ۱ قرن‌تینان ۲:۱۲؛ ۱۴:۱۴، ۳۲
 - b. معبد جدید، ۱ قرن‌تینان ۳:۱۶؛ ۶:۱۹-۲۰
 - c. زندگی جدید (اخلاقی و بلوغ)، ۱ قرن‌تینان ۶:۹-۱۱
 - d. زندگی جدید که بواسطه تعمید نمادین می‌گردد، ۱ قرن‌تینان ۱۲:۱۳
 - e. همراه با خدا (تغییر مذهب)، ۱ قرن‌تینان ۶:۱۷
 - f. حکمت خدا، و نه حکمت دنیوی، ۱ قرن‌تینان ۲:۱۲-۱۵؛ ۱۴:۱۴-، ۳۲، ۳۷
 - g. قابلیت دریافت هدایای الهی توسط هر ایماندار برای بشارت، ۱ قرن‌تینان ۱۲ و ۱۴
۴. معنویت در تضاد با جهان فیزیکی، ۱ قرن‌تینان ۹:۱۱؛ ۱۰:۳؛ ۱۵:۴۴
 ۵. جهان معنوی در تضاد با جهان فیزیکی، ۱ قرن‌تینان ۲:۱۱؛ ۵:۵؛ ۷:۳۴؛ ۱۵:۴۵؛ ۱۶:۱۸
 ۶. راهی برای اشاره به زندگی روحانی/درونی انسان بعنوان بخشی از بدنی فیزیکی فرد، ۱ قرن‌تینان ۷:۳۴
- F. انسانها بواسطه خلقت در دو جهان زندگی می‌کنند (فیزیکی و معنوی). بشر از جایگاه همنشینی با خداوند سقوط کرد (پیدایش ۳). بواسطه زندگی مسیح، آموزه‌ها، مرگ، بازگشت به حیات و وعده به بازگشت او، روح القدس به بشر سقوط کرده عشق ورزیده تا بر روی ایمان خود از طریق انجیل کار نماید (یوحنا ۶:۴۴، ۶۵)، که در اینصورت خواهد بود که همنشینی با خداوند دوباره محیا خواهد گردید. روح القدس آن بخشی از ذات تثلیث است که عصر جدید پارسایی را شکلدهی می‌کند. روح از آن خداوند است، خدای نماینده پدر و وکیل پسر در این "عصر" (به موضوع خاص عیسی و روح القدس مراجعه شود). مشکلی باقی خواهد ماند زیرا عصر جدید در زمانی ظاهر گردید، در حالی که عصر قدیم مملو از گناه هنوز ادامه دارد. روح القدس هر چیز قدیمی را به جدید تبدیل می‌کند و این درحالی است که هر دو کماکان به حیات خود ادامه می‌دهند.

□ "ای برادران" پولس اغلب از عبارت "ای برادران" برای علامت دادن به مخاطب درباره تغییر یک موضوع بهره می‌برد. این اولین آیه شامل سه علامتگذاری پولس درباره تغییر موضوع است: (۱) و اما درباره؛ (۲) ای برادران؛ و (۳) نمی‌خواهم غافل باشید. فصلهای ۱۱-۱۴ به جنبه‌های مختلف گردهماییهای پرستشی و نیایشی می‌پردازد.

پیامی که پولس به قرتنس فرستاد بسیار دشوار بود، بحدی که اغلب مجبور بود برای آنکه به اهالی قرتنس یادآوری کند که از آنان زیر چتر خداوند یک خانواده واحد می‌باشند، از عبارت "برادران" استفاده نماید (۱ قرن‌تینان ۱:۱۰، ۱۱، ۲۶؛ ۲:۱؛ ۳:۱؛ ۴:۶؛ ۵:۸، ۷:۲۴، ۲۹؛ ۵:۹؛ ۹:۱۰؛ ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۴:۶، ۲۰، ۲۶، ۳۹؛ ۱۵:۱، ۶، ۵۰، ۵۸؛ ۱۶:۱۱، ۱۲، ۱۵، ۲۰؛ ۲ قرن‌تینان ۱:۸؛ ۸:۱؛ ۲۳:۱، ۳:۹، ۵؛ ۹:۱۱؛ ۱۱:۳).

□ "نمی‌خواهم غافل باشید" این جمله در نوشته‌های پولس بسیار دیده می‌شود (رومیان ۱:۱۳؛ ۱۱:۲۵؛ ۱ قرن‌تینان ۱:۱۰؛ ۱:۱۱؛ ۳:۱۱؛ ۱:۱۲؛ ۲ قرن‌تینان ۸:۱؛ ۱۰:۱؛ ۱۱:۴؛ ۱۳). این یکی از راههایی بود که او برای معرفی یک موضوع قابل توجه استفاده می‌کرد.

۲:۱۲ "وقتی بت پرست بودید" این یک جمله اخباری ناقص است. این ایمانداران روزی کافر و بت پرست بودند، اما اکنون آنان باید این ذهنیت و فعالیتهای مرتبط با آن را دور بریزند. کلیسای قرتنس بشدت زیر نفوذ (۱) آیینهای پرستشی ویژه بت پرستان و (۲) فرهنگ روم قرار داشت.

NASB "بسوی گمراهی هدایت می‌شدید"

NKJV "برده می‌شدید... در هر حال هدایت می‌گردیدید"

"شما اغوا گردیده و گمراه می‌شدید"	NRSV
"شما به شیوه‌های گوناگون گمراه می‌گردیدید"	TEV
"بگونه‌ای غیرقابل کنترل غرق می‌شدید"	NJB

در این عبارت دو فعل مرتبط از ریشه "هدایت شدن" وجود دارد. اولین مورد، یک ضمیر اخباری مجهول ناپیوسته، و دوم، یک ضمیر مجهول حال حاضر، "بودید و به این هدایت شدن ادامه دادید".

واژه دوم نیز بوسیله ضمیر *apo* مشدد گردیده که مفهوم "هدایت شدن بعنوان یک زندانی" را می‌رساند (مرقس ۱۴:۴۴؛ ۱۵:۱۶). این بت‌پرستان سابق مدام توسط نیروهای شیطانی و اهریمنی در آیینهای نیایشی و پرستشی، (۱ قرنیتیان ۱۰:۲۰) پیش از این که تغییر دین دهند هدایت می‌گردیدند.

□ "به سوی بت‌های گنگ" این عبارات اشاره به خدایان دروغینی دارد که بر خلاف روح القدس، قادر به سخن گفتن یا کمک کردن نبودند (اشعیا ۴۶:۵-۷؛ ارمیا ۱۰:۵؛ حقیق ۱۸:۲-۱۹).

۳:۱۲ "هیچ‌کس جز به واسطه روح القدس نمی‌تواند بگوید" این اصطلاح عبری برای وحی است (۱ سموئیل ۱۰:۱۰؛ ۱۹:۲۳-۲۴). این عبارات به ایمانداران یادآوری می‌کنند که هر کسی که ادعای سخن گفتن از جانب خدا را دارد، درست نمی‌گوید. هر ایماندار باید آنان را که مدعی رساندن پیام خدا هستند، ارزیابی نماید (۱ قرنیتیان ۱۲:۱۰؛ تثنیه ۱۸:۲۰-۲۲؛ متی ۷:۱؛ یوحنا ۴:۱-۳).

"عیسی نفرین شده است"	NASB
"عیسی را نفرین شده خطاب کند"	NKJV
"بگذارید عیسی نفرین شود"	NRSV
"نفرینی بر عیسی"	TEV, NJB

اینها سخنانی تکان دهنده هستند. اصولاً چرا باید کسی (بجز یهودیان سنتی) که مدعی سخن گفتن از جانب خداوند است، چنین سخنانی را بر زبان آورد؟ واژه (*anathema*) به نوبه خود از ریشه عهد عتیقی برخوردار است (*herem* به زبان عبری). این واژه به مفهوم جنگ مقدس مرتبط بوده، در جاییکه شهری که خود را وقف خداوند کرده بود، مقدس شمرده گردید. این امر بدین معنا است که هر آنچه که در آن دمیده شده بود، انسان یا حیوان، باید می‌مرد (یوشع ۶:۱۷؛ ۷:۱۲).

نظریه‌هایی که معتقدند چگونه این واژه باید در ارتباط با قرنتس بکار گرفته شوند معتقدند:

۱. که در آن دستورات و ویژگیهای مرتبط با سوگندهای ویژه کنیسه وجود دارد (اعمال ۱۱:۲۶؛ بعدها فرمولی که ربیان یهود برای نفرین از آن بهره می‌بردند برای خارج کردن مسیحیان از کنیسه‌ها بکار گرفته شد). برای عضو بودن باید عیسای ناصری را انکار یا لعن می‌کردند.
۲. که در آن دستورات و ویژگیهای رومیان مرتبط با نیایشهای امپراطوری وجود داشت که در آنجا فقط سزار باید "خداوند" خوانده می‌گردید.
۳. که در آن قواعد نیایشی بت‌پرستان جاری بوده و آنان با توسل به نامهای بت‌ها، مردم را نفرین می‌کردند. این جمله را اینگونه می‌توان ترجمه کرد، "ملعون باد کسی که عیسی را..." (۱ قرنیتیان ۱۶:۲۲).
۴. که هرکسی که مرتبط با این مفهوم الهیاتی باشد که عیسی لعن عهد عتیق را بخاطر ما بر جان خرید (تثنیه ۲۱:۲۳؛ غلاطیان ۳:۱۳).
۵. مطالعات اخیر بر روی قرنتس (پانویس شماره ۱ صفحه ۱۶۴ در کتاب *After Paul Left Corinth* نوشته Bruce Winter) لوحهای ویژه نفرین و لعن را در منطقه باستانی آکروپولیس در قرنتس یافته شده را نشان می‌دهد. مفسران انجیلی بر این باورند که فعل متصل "بودن" باید در این عبارت بوجود آید، "عیسی نفرین شده است"، اما این سند باستانی بروشنی نشان می‌دهد که چنین نفرینهای مربوط به دوره قرن اول روم باستان از قرنتس، نظیر اول قرنیتیان ۳:۱۲ فاقد فعل هستند (همچون برخی نفرینهای کتاب تثنیه ۲۲:۱۵-۲۰ در ترجمه LXX). شواهد باستانی یافت شده نشان می‌دهند که قرنیتیان در قرنتس قرن اول زیر نظر امپراطوری روم باستان، در هنگام خاکسپاری مسیحیان، متون نفرین و لعن (دوره بیزانس) را بهمراه آنان دفن می‌کردند (بر گرفته از کتاب *The Inscriptions*، نوشته J. H. Kent، ۵۰-۱۹۲۶. Princeton: American School of Classical Studies, 1966 جلد ۳:۸ شماره ۶۴۴).

در آن زمان برخی از بخشهای کلیسا با بازگشت به نفرینهای دوران بت‌پرستی، با نام عیسی دیگر اعضای کلیسا را مورد لعن و نفرین قرار می‌دادند. این شیوه نه تنها بشدت مقبوح و دارای ایراد جدی بوده، بلکه حرکتی نفرت‌انگیز نیز محسوب می‌گردید. این مثال دیگر است از تنشی که در درون کلیسا جریان داشت. پولس می‌خواست که آنان کلیسا را ساخته و اصلاح کنند. اما آنان بخشهایی از کلیسا را نفرین می‌کردند!

I. عهد عتیق

چندین کلمه در زبان عبری برای "نفرین" وجود دارد. *Herem* (KBD 353, BDB 356) در مورد چیزی که به خدا داده/واگذار می‌شد (مراجعه شود به LXX که آن را به عنوان *anathema* ترجمه می‌کند، BAGD ۵۴، لاویان ۲۸:۲۷) استفاده می‌گردد. معمولاً شامل تخریب آن موضوع بود زیرا برای استفاده انسانی بیش از مقدس بود (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۲۶:۷، یوشع ۱۷:۶ الی ۱۸، ۱۷:۱۲). اصطلاحی بود که در مفهوم "نبرد مقدس" استفاده می‌شد. خدا به یوشع گفت که کنعانیان را نابود کند. اریحا اولین موقعیت بود، "نخستین میوه" این نبرد/پاکسازی مقدس.

II. عهد جدید

در عهد جدید *anathema* و حالت‌های مرتبط با آن در مفاهیم مختلف استفاده شده اند:

- A. به عنوان هدیه یا پیشکش به خدا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۵:۲۱)
- B. به عنوان سوگند به مرگ (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴:۲۳)
- C. برای نفرین کردن و سوگند خوردن (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴:۷۱)
- D. فرمولی در رابطه با نفرین کردن عیسی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳:۱۲)
- E. چیزی یا کسی که به منظور تخریب یا داوری توسط خدا داده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۳:۹، اول قرنتیان ۲۲:۱۶، غلاطیان ۸:۱ الی ۹).

ردیف d در فهرست فوق بسیار بحث برانگیز است. من یادداشت‌های خود را از اول قرنتیان ۳:۱۲ اضافه می‌کنم:

"عیسی نفرین شده است" یک گفته شوکه کننده است. چرا کسی (به استثنای یهودیان سنتی) که ادعا می‌کند از طرف خدا صحبت می‌کند، چنین حرفی بزند؟ این اصطلاح (یعنی *anathema*) خودش زمینه عهد عتیقی دارد (یعنی اصطلاح عبری، *Herem*). در رابطه با مفهوم نبرد مقدس است، که شهری خود را وقف خدا می‌کند و بنابراین مقدس می‌شود. این یعنی هر چه در آن نفس بکشد، انسان یا حیوان باید بمیرد (مراجعه شود به یوشع ۱۷:۶، ۷:۱۲). نظریاتی که چگونه این اصطلاح در قرنتس استفاده می‌شد، به شرح زیر هستند:

۱. که یک ریشه یهودی در رابطه با سوگند کنیسه دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱:۲۶، یعنی، فرمولهای نفرین ریها برای حذف کردن مسیحیان از کنیسه استفاده می‌شد). برای باقیماندن فرد باید عیسی ناصری را رد یا نفرین می‌کرد.
۲. ریشه رومی در ارتباط با عبادت امپراتور دارد که فقط سزار را می‌شد "ارباب/سرور" خواند.
۳. ریشه عبادت در رابطه با بت پرستان دارد که نفرین بر کسانی داده می‌شد که از نام خدا استفاده می‌کردند. این را می‌توان چنین ترجمه کرد "باشد که عیسی ___ را نفرین کند" (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲۲:۱۶).
۴. که کسی این عبارت را به مفهوم الهیاتی مرتبط می‌کند با این مفهوم که عیسی لعنت عهد عتیق را به جای ما تقبل کرد (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۲۳:۲۱، غلاطیان ۳:۱۳).

۵. مطالعات اخیر از قرنتس (مراجعه شود به پی نویس شماره ۱ صفحه ۱۶۴ در کتاب Bruce Winter به نام *After Paul Left Corinth*) لوح‌های نفرین در اکروپولیس باستانی در قرنتس یافت شدند، مستند می‌کنند که متخصصین تصور می‌کنند رابطه ای میان فعل "بودن" باید در این عبارت وجود داشته باشد "عیسی نفرین شده بود"، ولی این سند تاریخی به وضوح نشان می‌دهد که این نفرینهای رومیان قرن نخست از قرنتس فاقد این فعل هستند (همینطور هم برخی از نفرین‌ها در LXX کتاب تثنیه ۱۵:۲۲ الی ۲۰)، همینطور هم در اول قرنتیان ۳:۱۲. شواهد باستان شناسی دیگری هستند که مسیحیان قرن نخست رومی قرنتس از نفرین در اعمال کفن و دفن استفاده می‌کردند (یعنی در دوران بیزانس، که در قبرهای مسیحیان یافت شد (مراجعه شود به The Inscriptions اثر J. H. Kent، سال ۱۹۲۶ الی ۵۰، Princeton: American School of Classical Studies, 1966, vol. 8:3, no. 644)).

برخی از کلیساهای قرنتس نفرین‌ها را به نام بر علیه دیگر اعضای کلیسا تغییر دادند. نه فقط این روش یک مشکل بود، بلکه یک انگیزه نفرت انگیز هم بود. این یک مثال دیگر از تنشهای درونی این کلیسا است. پولس از آنها می‌خواهد که کلیسایی برپا کنند، آن را تهنید کنند، ولی آنها می‌خواهند نفرین بخشی از کلیسا باشد.

□ "عیسی خداوند است" اعتراف در کلیسای اولیه با ذکر این عبارت به انجام می‌رسید (هم در رومیان ۱۰:۹-۱۳ و هم در اعمال ۲:۲۱ از یوئیل ۲:۳۳ نقل قول گردیده است؛ همچنین به یادداشت فیلیپیان ۲:۱۱ مراجعه نمایید).

□ "جز به واسطه روح القدس" وظیفه روح القدس تفهیم به جهان نسبت به گناهکار بودن و جلب مردم بسوی عیسی مسیح است (یوحنا ۱۴:۸-۱۴). هیچ انسانی نمی‌تواند بدون کمک مسیح به سوی خدا باز گردد (یوحنا ۶:۴۴، ۶۵). این راز پادشاهی خداوندیست که تمام بشر را که تصویر او بوجود آمده را به یکسان دوست می‌دارد، با اینحال ملزومات عهد او را ما باید اجابت نماییم (و به این اجابت مداوم بخشیم) و همانا توبه، ایمان، سرسپردگی، خدمت و استقامت است!

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱۲:۴-۱۱

آباری، عطایا گوناگونند، اما روح همان است؛ خدمتها گوناگونند، اما خداوند همان است؛ عملها گوناگونند، اما همان خداست که همه را در همه به عمل می‌آورد.

ظهور روح، به هر کس برای منفعت همگان داده می‌شود. ^۸ به یکی به وسیله روح، کلام حکمت داده می‌شود، به دیگری به واسطه همان روح، کلام معرفت، ^۹ و به شخصی دیگر به وسیله همان روح، ایمان و به دیگری باز توسط همان روح، عطایای شفا دادن. ^{۱۰} به شخصی دیگر قدرت انجام معجزات داده می‌شود، به دیگری نبوت، و به دیگری تشخیص ارواح. و باز به شخصی دیگر سخن گفتن به انواع زبانهای غیر بخشیده می‌شود و به دیگری ترجمه زبانهای غیر. ^{۱۱} اما همه اینها را همان یک روح به عمل می‌آورد و آنها را به اراده خود تقسیم کرده، به هر کس می‌بخشد.

۴:۱۲-۶

NASB, NRSV "گوناگونند"

NKJV "متنوعند"

TEV "انواع مختلفند"

NJB "متفاوتند"

این واژه بمعنی ۱) تقسیم کردن یا تعمیم دادن و یا ۲) گوناگون است (۱ قرن‌تین ۴:۱۲، ۵، ۶). همترازی روشنی میان اول قرن‌تین ۴:۱۲، ۵ و ۶ وجود دارد، که این امر کار هر سه شخص تثلیث را با یکدیگر متحد می‌نماید (به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۲:۱۰ مراجعه نمایید).

۴:۱۲-۶ "روح...خدا (عیسی)...خدا" به کاری که تثلیث برای اتحاد این گوناگونی و نه یکسان کردن آن، انجام می‌دهد توجه نمایید. کلیسا گروهیست مرکب از افراد مستعد با هدیه‌ای خاص عطا شده از جانب خدا. ما به یکدیگر نیازمندیم! هر یک از این اعضا دارای اهمیت هستند. هر یک برای خدمت دارای نعمتی هستند. واژه "تثلیث" یک واژه انجیلی نیست، بلکه مفهوم آن چنین است. به موضوع خاص: تثلیث در اول قرن‌تین ۲:۱۰ توجه نمایید.

۴:۱۲ "عطایا" این لغت با آنچه که در اول قرن‌تین ۱:۱۲ بکار برده شده متفاوت است. این یک واژه یونانی بنام *charisma* است. این واژه از ریشه "chairō" بمعنی "شادی کردن" یا مملو از وجد بودن است (۱ قرن‌تین ۷:۳۰؛ ۱۳:۶؛ ۲ قرن‌تین ۲:۳؛ ۶:۱۰؛ ۷:۷، ۹، ۱۶ و تلیقی آن با *sun* در ۱ قرن‌تین ۱۲:۲۶ و ۱۳:۶ بکار برده شده است). از این واژه چندین مفهوم دیگر بوجود آمده است.

۱. Chara - شادی کردن

۲. Charis - هدیه سخاوتمندانه (۱ قرن‌تین ۱۶:۳؛ ۲ قرن‌تین ۸:۴، ۶)

a. رحمت (۱ قرن‌تین ۱:۴؛ ۱۰:۱۵)

b. شکر (۱ قرن‌تین ۱۵:۵۷)

۳. Charizomai

a. سخاوتمندانه دادن

b. بخشش (۲ قرن‌تین ۲:۷-۱۰؛ ۱۳:۱۲)

c. لغو دین

۴. Charisma - هدیه رایگان (رومیان ۵:۱۵، ۱۶؛ ۲۳:۶؛ ۲ قرن‌تین ۱:۱۱) و یا آراستگی عطا شده از سوی خداوند (۱ قرن‌تین ۴:۱۲، ۹، ۲۸، ۳۰،

(۳۱)

خداوند نعمات زیادی را برایگان در اختیار کلیسا قرار داده است. این هدایا برای ساختن و رشد کردن بدن مسیح بکار برده می‌شوند. در واقع آنها کار عیسی هستند که میان پیروان او تقسیم گردیده است. ایمانداران باید هدیه عطا شده از سوی خداوند را با عشق با یکدیگر تشریح مساعی کرده تا کلیسا بتواند پیروز گردیده و دنیای راه گم کرده را اصلاح نماید (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال ۱:۸).

۵:۱۲ "خدمتها" این واژه یونانی *diakonos* است. این واژه در عهد جدید کاربردهای فراوانی داشته است.

۱. *Diakonos*

a. یک خادم (متی ۲۸:۲۰؛ ۱۳:۲۲؛ ۱۱:۲۳؛ یوحنا ۲:۵)

b. یک مبشر/واعظ (۱ قرن ۳:۵؛ ۲ قرن ۳:۶؛ ۴:۶؛ ۱۱:۱۵ [دو بار]، ۲۳)

۲. *Diakoneō*

a. خدمت کردن (۱ پطرس ۴:۱۱)

b. شماس (رومیان ۱:۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۳:۸، ۱۰، ۱۳؛ همچنین به فیلیپیان ۱:۱ توجه نمایید)

c. اداره کردن (اعمال ۲:۶؛ ۲ قرن ۳:۳؛ ۱۹:۸، ۲۰)

۳. *Diakonia*

a. ارائه کمک (اعمال ۱:۶؛ ۲ قرن ۸:۴؛ ۹:۱، ۱۲، ۱۳)

b. خدمت برای انجیل (۱ قرن ۱۲:۵؛ ۱۵:۱۶؛ ۲ قرن ۴:۱؛ ۵:۸؛ ۶:۳؛ ۱۱:۸)

c. مکاشفه‌ای از سوی خداوند (۲ قرن ۳:۷، ۸، ۹)

ایده‌ی اصلی، کمک و خدمت به افراد محتاج است (فیزیکی یا معنوی). خداوند کلیسای خود را به خدمت مجهز نموده است، خدمت به خود و خدمت به دنیای نیازمند گم شده.

۶:۱۲

NASB	"اثرات...کارها"
NKJV	"عملها...کارها"
NRSV	"عملها...عملها"
TEV	"قابلیتها...قابلیت"
NJB	"عمل...کار"

در اینجا با واژه *energēs* بازی شده، واژه‌ای که ما لغت *energy* را در زبان انگلیسی از آن بر گرفته‌ایم. معنی اولیه آن، به سرانجام رساندن یک وظیفه با کیفیت بالا می‌باشد. این جمله دارای یک اسم و ضمیر می‌باشد (همگی حال کامل). پولس از این واژه در نامه‌هایی که به قرنتیان نوشته بود، به کرات استفاده کرده است.

۱. *energēs, energiea, energeō, energēma*، اول قرن ۴:۱۲؛ ۹:۶؛ ۱۲:۶؛ ۱۰، ۱۱؛ ۱۶:۹؛ ۱۰، ۱۱؛ ۲ قرن ۱:۶؛ ۴:۱۲

۲. *sunergeō* و *ergon*، اول قرن ۳:۱۳، ۱۴، ۱۵؛ ۹:۱۵؛ ۱۵:۱۵؛ ۱۰:۱۶؛ ۲ قرن ۱:۶؛ ۸:۹؛ ۱۱:۱۵

کاری که خداوند انجام می‌دهد بسیار تأثیرگذار است. این کار به منظور انجام مقصود خداوند انجام می‌گیرد. ایمانداران به خدمت فعالانه فرا خوانده شده‌اند، اما نیرو و تأثیرپذیری از سوی خداوند است.

۷:۱۲

NASB	"ظهور روح، به هر کس برای منفعت همگان داده می‌شود"
NKJV	"به هر کس ظهور روح برای رواج نیکی داده شده"
NRSV	"حضور روح به هر صورت برای منفعت همگان نشان داده شده"
TEV	"حضور روح، به هر صورت برای منفعت همگان نشان داده می‌شود"
NJB	"ظهور خاص روح به هر کس بمنظور منفعت عموم عطا شده"

حقیقت برای زندگی و خدمت به کلیسا بسیار حائز اهمیت است.

۱. ایمانداران هدیه رایگان از جانب روح القدس برای خدمت تا رستگاری دریافت کرده‌اند.

a. هر ایماندار دارای اهمیت است

b. هر ایماندار دارای هدیه‌ای است

c. هر ایماندار یک خادم و مبشر است

۲. مقصود از هدیه خداوند ارتقای افراد نیست، بلکه برای سلامتی و رشد تمامی بدن است. ما به یکدیگر نیاز داریم!

ایمانداران خودشیفته و نفاق افکنِ قرن‌سبده‌ی نیازمند این واقعیت بودند (و البته در همه دورانها). "منفعت همگان" یا "نفع" (*sumpheron*)، اول قرن‌تین ۶:۱۲؛ ۷:۳۵؛ ۱۰:۳۳؛ دوم قرن‌تین ۸:۱۰) برای بدن، یعنی کلیسا است و نه افراد. ایمانداران باید مسئولیتهای فردی خود را بمنظور یکی شدن با روحی که در گروه صلح است، بکار گیرند (افسیسیان ۴:۲-۳). این بشدت با آنچه که فردگرایی غربی عنوان می‌کند متفاوت است.

موضوع خاص: مسیحیت مشارکتی است

(Special Topic: Christianity Is Corporate)

A. پولس و پطرس از حالت جمع در استعاره‌ها برای مردم خدا استفاده میکنند

۱. بدن (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۲:۱۲ الی ۲۰)

۲. زمین (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۳:۹)

۳. ساختن (مراجعه شود به اول پطرس ۲:۴ الی ۵)

B. اصطلاح "قدیس" همیشه جمع است (به استثنای فیلیپیان ۴:۲۱، ولی حتی در آنجا نیز مشارکت وجود دارد)

C. تأکید اصلاح طلبانه مارتین لوتر بر "کشیش بودن مؤمن" (یعنی صلاحیت روح) یک فرض کتاب مقدس است. در واقع کتاب مقدس از "کشیش بودن مؤمنان" سخن می‌گوید (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹:۶، اول پطرس ۲:۵ الی ۹، مکاشفه ۱:۶)

D. به هر مومن برای خیر همگان نعمتی داده شده است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۲:۷)

E. فقط با کار گروهی و مشارکتی است که مردم میتوانند برای خدا موثر باشند. بشارت مشارکتی است (مراجعه شود به افسسیان ۴:۱۱ الی ۱۲)

۸:۱۲

NASB, NKJV "کلام حکمت... کلام معرفت"

RSV "سخن حکمت... سخن معرفت"

TEV "پیامی مملو از حکمت... پیامی مملو از معرفت"

NJB "هدیه کلام که گویای حکمت است... هدیه کلام که گویای معرفت است"

این دو واژه یونانی، "حکمت" (*sophia*) و "معرفت" (*gnōsis*) می‌باشند. آنها بخشهای عبری "حکمت" و "معرفت" را منعکس می‌نمایند. اولین واژه کاربردی بوده و دومی بیشتر علمی می‌باشد. واژه اول به زندگی مسیحیان و دومی به تعریف مقتضی درباره دکتترین مسیحیت مرتبط می‌باشد.

۹:۱۲ "ایمان" این واژه همچون مرقس ۱:۱۵ و یوحنا ۱:۱۲ به نجات ایمان اشاره نمی‌کند، زیرا هدایا فقط به ایمانداران عطا می‌گردند، اما کار معجزه‌گر ایمان، از اول قرن‌تین ۱۳:۲ روشن گردیده است (متی ۱۷:۲۰؛ ۲۱:۲۱).

■ "شفا دادن" این واژه (*iaomai*) بصورت جمع بکار برده شده (۲ قرن‌تین ۱۲:۷-۹، ۲۸، ۳۰)، که دقیقاً بمعنی "هدیه شفا بخشیدن" است. شفا دادن نعمتی است از جانب روح که در این متن و خدمت "پیران" در یعقوب ۵:۱۴ به آن اشاره شده است. شفای فیزیکی شهادی از عشق و اهمیت خداوند بوده و هست و نشانه‌ای از شفای روحانی می‌باشد (بخشش گناهان، رستگاری). برای یهودیان، میان گناه و بیماری، رستگاری و سلامتی همواره ارتباط وجود داشت (به کتاب تثنیه ۲۷-۲۸ مراجعه شود). با اینحال، ایوب و مزامیر ۷۳ همچون یوحنا ۹ این مشکل را روشن نموده‌اند. راز اینست که چرا برخی شفا یافته و برخی دیگر شفا نمی‌یابند. ایمان انسان نمی‌تواند کلید آن باشد، بلکه کلید اصلی خواست خداست (ایمان به اندازه یک دانه خردل می‌تواند کوه‌ها را جابجا کند، متی ۱۷:۲۰).

خدا را شکر می‌گویم بخاطر شفا، شفا دهندگان و کلیسایی که برای آن ارزش قائل است!

۱۰:۱۲ "انجام معجزات" بنظر می‌رسد که این عبارت با ۱ قرن‌تبیان ۹:۱۲ موازی باشد (کار معجزه‌آمیز ایمان). از آنجاییکه این یک فهرست محسوب می‌گردد، آنها را نمی‌توان کاملاً مترادف دانست. بخشهای دقیق نامشخص هستند.

■ "نبوت" حداقل دوره برای درک این واژه وجود دارد: (۱) در نامه‌های قرن‌تبیان این واژه اشاره به پیشگویی یا به اشتراک گذاردن انجیل خدا دارد (۱ قرن‌تبیان ۱:۱۴)، (۲) در کتاب اعمال رسولان از انبیا، (۱ قرن‌تبیان ۱۱:۲۷-۲۸؛ ۱:۱۳؛ ۱۵:۳۲؛ ۲۱:۱۰ حتی نبیه ۹:۲۱ ذکر به میان آمده است). مشکل با این واژه اینست که هدیه‌ی نبوت عهد جدید چگونه به انبیا عهد عتیق ارتباط پیدا می‌کنند؟ در عهد عتیق انبیا نویسندگان کلام خدا بودند. در عهد جدید این وظیفه به دوازده رسول اصلی و دستیاران کمکی آنها واگذار گردیده است. پس از مرگ رسولان، وظیفه آنان نیز تغییر می‌کند، این درحالیست که نفس واژه "رسول" بعنوان یک هدیه‌ی آسمانی کماکان بدون تغییر باقی مانده است (افسیسیان ۱۱:۴). وحی متوقف گردیده، دیگر هیچ متنی که از سوی خدا وحی شده باشد بوجود نیامده است (یهودا ۱:۲۰). وظیفه اولیه انبیا عهد جدید پیشگویی انجیل بود، اما در عین حال وظیفه دیگری نیز داشتند، و آن چگونگی اعمال حقایق عهد جدید به نیازها و موقعیتهای امروزی ما. به موضوع خاص: نبوت در عهد جدید در اول قرن‌تبیان ۱:۱۴ مراجعه نمایید.

نبوت عهد عتیق

Special Topic: Ot Prophecy

I. معرفی

A. کلام آغازین

۱. جامعه مذهبی بر چگونه تفسیر کردن نبوت اتفاق نظر ندارد. حقایق دیگری به عنوان یک موقعیت ارتدوکس در طول قرن‌ها برقرار شده‌اند، اما نه این.

۲. چندین مرحله به خوبی تعریف شده از نبوت عهد عتیقی وجود دارند

a. قبل از دوران پادشاهی و سلطنت (قبل از شاه شائول)

(۱) افرادی که پیامبر نامیده شدند

(a) ابراهیم، کتاب پیدایش ۲۰:۷

(b) موسی - اعداد ۱۲:۶ الی ۸، کتاب تثنیه ۱۸:۱۵، ۳۴:۱۰

(c) هارون - کتاب خروج ۷:۱ (سخنگوی موسی)

(d) میریام - کتاب خروج ۱۵:۲۰

(e) مداد و الداد - اعداد ۱۱:۲۴ الی ۳۰

(f) دیورا - داوران ۴:۴

(g) بی نام - داوران ۶:۷ الی ۱۰

(h) سموئیل - اول سموئیل ۳:۲۰

(۲) اشارات به انبیا به صورت یک گروه - کتاب تثنیه ۱۳:۱ الی ۵، ۱۸:۲۰ الی ۲۲

(۳) گروه‌های انبیا - اول سموئیل ۱۰:۵ الی ۱۳، اول پادشاهان ۲۰:۳۵، ۴۱:۲۲ و ۶:۱۰ الی ۱۳، دوم پادشاهان ۲:۳ و ۷:۴، ۱ و ۳۸، ۵:۲۲، ۶:۱

(۴) مسیح پیامبر خواند شد - کتاب تثنیه ۱۸:۱۵ الی ۱۸

b. نبوت‌های سلطنتی نوشته نشده (آنها پادشاه را خطاب میکنند)

(۱) جاد - اول سموئیل ۷:۲، ۱۲:۲۵، دوم سموئیل ۲۴:۱۱، اول تواریخ ۲۹:۲۹

(۲) ناتان - دوم سموئیل ۷:۲، ۱۲:۲۵، اول پادشاهان ۱:۲۲

(۳) اخیا - اول پادشاهان ۱۱:۲۹

(۴) بیهو - اول پادشاهان ۱۶:۱ و ۷ و ۱۲

(۵) بی نام - اول پادشاهان ۱۸:۴ و ۱۳، ۲۰:۱۳ و ۲۲

(۶) الیاس - اول پادشاهان ۱۸، دوم پادشاهان ۲

(۷) میکایا - اول پادشاهان ۲۲

c. نوشته های کلاسیک انبیا (آنان مردم و پادشاهان را مورد خطاب قرار میدهند): اشعیا، ملاکی (به استثنای دانیال)

B. اصطلاحات انجیلی

۱. *ro'eh* = ناظر، اول سموئیل ۹: ۹. این مرجع انتقال به اصطلاح نبی را نشان میدهد، که به معنی "پیامبر" و از ریشه "تماس می‌گیرد" است. *ro'eh* از اصطلاح عمومی عبری "دیدن" استفاده می‌کند. این شخص راهها و برنامه های خدا را درک کرده و برای اطمینان از اراده خداوند در مورد آن مشاوره میدهد.

۲. *hozeh* = ناظر، دوم سموئیل ۲۴: ۱۱. اساسا مترادف با *ro'eh* است. اشاره به یک اصطلاح نادر عبری برای "دیدن" دارد. حالت وجه وصفی آن بیشتر و اغلب برای اشاره به انبیا مورد استفاده قرار میگیرد.

۳. *nabi* = پیامبر، هم ریشه از فعل آکادایی *nabu* به معنی "صدا کردن" و در عربی *naba'a* به معنی اعلام کردن. این متداولترین اصطلاح عهد عتیق برای پیامبران است. بیش از ۳۰۰ مرتبه استفاده شده است. ریشه این اصطلاح مشخص نیست، ولی "فرا خواندن / صدا زدن" در حال حاضر به نظر میرسد که بهترین گزینه باشد. احتمالا بهترین درک می تواند به توصیف یهوه از رابطه موسی با فرعون از طریق هارون باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۱۰-۱۶، ۷: ۱، کتاب تثنیه ۵: ۵). یک پیامبر کسی است که برای مردم خود از طرف خدا سخن می گوید (مراجعه شود به عاموس ۳: ۸؛ ارمیا ۱: ۱۷، ۷؛ حزقیال ۳: ۴).

۴. هر سه اصطلاح از دفتر پیامبر در اول تواریخ ۲۹: ۲۹، سموئیل - *ro'eh*؛ ناتان - *nabi*؛ و جاد - *hozeh* استفاده می شود

۵. عبارت "ish ha - 'elohim"، "مرد خدا" نیز یک تعریف وسیع برای سخنگوی خداوند است. این در مفهوم "پیامبر" ۷۶ بار در عهد عتیق استفاده شده است.

۶. ریشه کلمه "prophet" یا پیامبر یونانی است. این کلمه از (۱) *pro* به معنی "قبل"، "پیش" یا "برای" و (۲) *phemi* به معنی "سخن گفتن" است.

II. مفهوم نبوت

A. اصطلاح "پیشگویی" در زبان عبری گسترده تر از زبان انگلیسی بود. یهودیان کتابهای تاریخی "یوشع" تا "پادشاهان" (به استثنای روت) "پیامبران سابق" نامگذاری کردند. هم ابراهیم (کتاب پیدایش ۲۰: ۷؛ مزامیر. ۱۰۵: ۵) و موسی (تثنیه ۱۸: ۱۸) به عنوان پیامبر (همچنین میریام، خروج ۲۰: ۱۵) بودند. بنابراین، در مورد مفهوم آن در زبان انگلیسی دقت کنید!

B. "نبوت ممکن است رسماً به عنوان درک تاریخی تعریف شود که معنای آن را تنها از لحاظ نگرانی الهی، هدف الهی، مشارکت الهی تعریف میکند" (*Interpreter's Dictionary of the Bible*، جلد ۳، صفحه ۸۹۶)

C. "پیامبر نه فیلسوف و نه خداشناس سیستماتیک است، بلکه فقط یک واسطه پیمانی است تا کلام خدا را به مردم او منتقل کند تا بتوانند آینده خود را با اصلاح خود شکل دهند" (*Encyclopedia Judaica*، "Prophets and Prophecy"، جلد ۱۳، صفحه ۱۱۵۲)

III. هدف از نبوت

A. نبوت راهی برای خداست که با مردم خود صحبت کند، راهنماییهایی را در موقعیت فعلی خود ارائه دهد و امیدوار باشد که در کنترل زندگی و رویدادهای جهاننش باشد نقشی ایفا کند. پیام آنها اساسا همکاری بود. این به معنای بازجویی، تشویق، تحقق ایمان و توبه است و مردم خدا را درباره خود و برنامه های او معرفی می کند. اغلب این موارد به وضوح نشان می دهند که منتخب خدا یک سخنگوی رسمی (کتاب تثنیه ۱۳: ۱ الی ۳، ۱۸: ۲۰-۲۲) است. این، در نهایت، به مسیح اشاره دارد.

B. اغلب پیامبر یک بحران تاریخی یا الهیاتی در روزگار خود گرفته و آن را به یک محیط اسکاتولوژیکی تبدیل میکند. این دیدگاه آخر زمانی (تلولوژیک) منحصر به اسرائیل انتخابات الهی و وعده های عهد عتیق است.

C. مقام پیامبر به نظر می رسد تعادل (ارمیا ۱۸: ۱۸) برقرار کرده و جایگزین مقام مقدس به عنوان راهی برای شناخت اراده خدا است. اروپیم و تومیم به پیامی از سوی سخنگوی خداوند فراتر می روند. به نظر می رسد مقام پیامبر نیز پس از ملاکی در اسرائیل از بین رفت. این مقام تا ۴۰۰ سال بعد و توسط یحیی تعمید دهنده ظاهر نمی شود. معلوم نیست چطور هدیه عهد جدید «نبوت» به عهد عتیق مربوط است. پیامبران عهد جدید (اعمال رسولان ۱۱: ۲۷-۲۸؛ ۱۳: ۱؛ ۱۴: ۳۷، ۳۲، ۲۹؛ ۱۵: ۳۲؛ اول قرنتیان ۱۲: ۲۸، ۱۰-۲۹؛ افسسیان ۴: ۱۱) آشکارساز نیستند اما پیشگامان اراده خدا تحت پیمان هستند.

D. طبیعت نبوت به طور انحصاری یا اساسا قابل پیش بینی نیست. پیش بینی یک راه برای تایید مقام و پیام او است، اما باید اشاره کرد ". . . کمتر از ۲٪ از نبوت عهد عتیق مربوط به مسیح است. کمتر از ۵٪ به طور خاص عصر عهد جدید را شرح می دهد. کمتر از ۱٪ مربوط به رویدادهایی است که تاکنون رخ داده اند (*Fee & Stuart, How To Read The Bible For All It Is Worth*، صفحه ۱۶۶)

- E. پیامبران خدا را به مردم نشان می دهند، در حالی که کشیشان مردم را به خدا معرفی می کنند. این یک بیانیه کلی است. استثناهایی مانند هاباکوک وجود دارد که به سوالات خداوند پاسخ می دهد.
- F. یکی از دلایلی که سخت بتوان انبیا را درک کرد این است که ما نمی دانیم چگونه کتبشان ساختار یافته اند. آنها بر اساس ترتیب زمانی نیستند. آنها به نظر می رسد موضوعی باشند، اما همیشه اینطور نیست که انتظار داشته باشید. اغلب نکات تاریخی آشکار، چارچوب زمانی یا تقسیم بندی واضحی بین وحی ها وجود ندارد، مشکل است
۱. کتب را از طریق یک نشست بخوانید؛
 ۲. آنها را بر اساس موضوع مشخص کنید؛
 ۳. برای حقیقت اصلی یا قصد نیت هر وحی را معلوم کنید.

IV. مشخصه های نبوت

- A. به نظر می رسد در مفاهیم "پیامبر" و "نبوت" در عهد عتیق توسعه های صورت گرفته باشد. در اسرائیل اولیه، مشارکت انبیا به رهبری یک رهبر شایسته ای مانند الیاس یا الیشا ایجاد شد. گاهی اوقات اصطلاح "پسران پیامبران" برای تعیین این گروه مورد استفاده قرار گرفت (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۲). پیامبران بارها با اشکال اکتسابی (اول سموئیل ۱۰: ۱۰ الی ۱۳؛ ۱۹؛ ۱۸-۲۴) مشخص شدند.
- B. با این حال، این دوره به سرعت به دوران پیامبران انفرادی تبدیل شد. آن پیامبرانی (هر دو واقعی و نادرست) بودند که با پادشاه شناخته میشدند و در کاخ زندگی میکردند (جاد، ناتان). همچنین کسانی بودند که مستقل بودند، گاهی اوقات کاملاً با وضعیت موجود جامعه اسرائیلی (آموس) ارتباط نداشتند. آنها هم مرد و هم زن هستند (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۲۲؛ ۱۴).
- C. پیامبر اکثر آشکار کننده آینده بود، که با واکنش فوری انسان مطابقت داشتند. اغلب کار پیامبر این بود که طرح کلی خدا برای مخلوق خود را که توسط واکنش انسانی تحت تأثیر قرار نگرفته است، آشکار کند. این برنامه کلی اسکاتولوژیک در میان انبیای خاور نزدیک باستان منحصر به فرد است. پیش بینی و وفاداری به پیمانها، دو جنبه از پیام های نبوتی هستند (مراجعه شود به Fee and Stewart، صفحه ۱۵۰). این بدان معنی است که پیامبران در درجه اول با یکدیگر همکاری میکردند بودند. آنها معمولاً، اما نه به طور انحصاری، ملتها را مورد خطاب قرار می دادند.
- D. بیشتر مطالب انبیا به صورت شفاهی ارائه میشد. بعداً آنها را با استفاده از موضوع یا زمان سنجی یا سایر الگوهای ادبیات خاورمیانه ترکیب میشد که برای ما قابل درک نبودند. از آنجایی که اینها شفاهی بودند، همانند مطالب مکتوب ساختار یافته نبودند. این باعث می شود که خواندن این کتب دشوار بوده و درک آنها بدون توجه به شرایط تاریخی خاص به سختی صورت پذیرد.
- E. انبیا از چندین الگو برای انتقال پیامهای خود استفاده میکردند
۱. صحن دادگاه - خدا مردمش را به دادگاه می گیرد؛ اغلب این مورد طلاق است که همسرش (اسرائیل) را برای عدم وفاداری خود رد می کند (هوشع ۴، میکاه ۶).
 ۲. مراسم تشییع جنازه - این نوع پیام و مشخصه آن "غصه / پریشانی" آن را به عنوان یک فرم خاص مشخص میسازد (اشعیا ۵؛ حقوق).
 ۳. اعلامیه برکت پیمان - ماهیت و مشروعیت پیمان تاکید شده و پیامدهای آن، مثبت و منفی، برای آینده بیان می شود (تثنیه ۲۷-۲۸).

V. راهنماییهای مفید برای تفسیر نبوت

- A. هدف پیامبر اصلی (ویرایشگر) را با اشاره به محیط تاریخی و زمینه ادبی هر وحی، پیدا کنید. معمولاً این امر به اسرائیل مربوط می شود که به طریقی پیمان موسی را شکست.
- B. تمام وحی را بخوانید و تفسیر کنید، نه فقط بخشی از آن را؛ آن را به عنوان محتوا در نظر بگیرید. ببینید که چگونه به وحی های دیگر مربوط می شود. سعی کنید تمام کتاب (توسط واحدهای ادبی و سطح پاراگراف) را مشخص کنید.
- C. فرض یک تفسیر لفظی از متن را در نظر بگیرید تا زمانی که چیزی در متن خودش به شما کاربرد دیگری را اشاره کند. سپس زبان نمادین را به نثر امروزی تبدیل کنید.
- D. عمل نمادین را در نور شرایط تاریخی و متون موازی تحلیل کنید. اطمینان خاطر داشته و همیشه به یاد داشته باشید که این ادبیات خاور نزدیک است، نه ادبیات غربی یا مدرن.
- E. با پیشگوییها با احتیاط برخورد کنید
۱. آیا آنها انحصاراً برای روزگار نویسنده هستند؟
 ۲. آیا آنها متعاقباً در تاریخ اسرائیل تحقق یافتند؟
 ۳. آیا آنها رخدادهای مربوط به آینده هستند؟

۴. آیا آنها در دوران معاصر تحقق یافته اند و یا در آینده تحقق خواهند یافت؟
 ۵. به نگارندگان انجیل و نه نگارندگان عصر مدرن اجازه دهید تا پاسخ شما را هدایت کنند
 F. توجهات خاص

۱. آیا پیش بینی با واکنش مشروط واجد شرایط میشود؟
 ۲. آیا مشخص است که نبوت به چه کسی مورد خطاب است؟
 ۳. آیا احتمال انجیلی یا تاریخی برای چندین بار تحقق یافتن آن وجود دارد؟
 ۴. نویسندگان عهد جدید تحت الهام قادر بودند مسیح را در مکانهای زیادی در عهد عتیق ببینند که برای ما بدیهی و قابل دیدن نبودند. به نظر میرسد آنان از واژه شناسی و نقش کلام استفاده میکردند. از آنجا که ما تحت الهام نیستیم؛ بهتر است این گرایش را به آنان واگذار کنیم.

VI. کتب مفید

- A. *A Guide to Biblical Prophecy* by Carl E. Armerding and W. Ward Gasque
 B. *How to Read the Bible for All Its Worth* by Gordon Fee and Douglas Stuart
 C. *My Servants the Prophets* by Edward J. Young
 D. *Plowshares and Pruning Hooks: Rethinking the Language of Biblical Prophecy and Apocalyptic*
 E. *New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis* جلد چهارم، صفحات ۱۰۶۷-۱۰۷۸
 F. *The Language and Imagery of the Bible* نوشته G. B. Caird

"تشخیص ارواح"	NASB
"تمیز دادن ارواح"	NKJV
"درک ارواح"	NRSV
"قابلیت تشخیص تفاوت عطایایی که از روح سرچشمه گرفته اند و آنان که از روح نیستند"	TEV
"قدرت تمیز دادن ارواح"	NJB

برخورداری نعمات انسانی از سه منبع نشأت می‌گیرد: (۱) از طبیعت (استعدادهای طبیعی و ذاتی)؛ (۲) از روح؛ و (۳) از شیطان. این هدیه قابلیت تشخیص تفاوتها میان این سه منبع است (۱ تیموتائوس ۴: ۱؛ ۱ یوحنا ۴: ۱-۳).

■ **"سخن گفتن به انواع زبانهای غیر" glossa** واژه یونانی برای "زبان" است. این واژه در عهد عتیق بصورت مترادف "ملت یا قوم" بکار رفته است. در زبان یونانی از این واژه برای سخن گفتن بزبان مادری هر ملتی استفاده می‌گردید. این عبارت دلالت بر زبان شناخته شده بشر دارد. با اینحال، نیاز به یک مفسر بجای مترجم، که آن نیز خود یک هدیه الهی محسوب می‌گردد، در کنار بحث جامعتر پولس در فصل ۱۴، من را به این فکر مشغول می‌کند که این مبحث در قرن‌تس آن زمان، بحثی جدی و پر شور بوده است.

این که بطور قطع "زبان" در قرن‌تس چه ارتباطی با بحث پنتیکاست در اعمال رسولان دارد، مشخص نیست. معجزه‌ی اعمال رسولان ۲، گوش (۱ قرن‌تس ۲: ۶، ۸، ۱۱) است و نه زبان. تجربه‌ی زبانها در اعمال رسولان منجر به برقرار کردن ارتباط مستقیم میان انجیل و یهودیانی که در آنجا حضور داشتند، گردید. همچنین بصورت راهی برای برسمیت شناختن حضور، قدرت و خواست خدا برای پیوستن سایر گروه‌ها، همچون سامری‌ها (اعمال ۸) و گرنلیوس رومی (اعمال ۱۰) تبدیل گردید. زبانها در کتاب اعمال رسولان نشانه‌ای برای ایمانداران یهودی بود که بدانند خداوند دربی را برای غیریهودیان گشوده است (۱ قرن‌تس ۱۵: ۸). توجه داشته باشید که در کتاب اعمال رسولان، هیچ نیازی به مترجم و مفسر نبود!

زبانها در قرن‌تس شبیه به سخنان پرشور مذاهب یونانی است (دلفی). بدهیهای است که زبانهای قرن‌تس زیاد از حد مورد سوء استفاده قرار گرفته و یا بیش از اندازه بزرگنمایی گردیده بود (۱ قرن‌تس ۱۳: ۱ و ۱۴: ۱-۳۳).

زبانها راهی بودند برای فرد ایماندار تا بتواند ارتباط نزدیکی با خدا برقرار کند، اما بدون اینکه بتواند آن را درک کند. این هدیه بسیار معتبر است (۱ قرن‌تس ۱۴: ۳۹)، اما نه برای همه ایمانداران (۱ قرن‌تس ۱۲: ۲۹-۳۰)، که مجموعه‌ای از سولات را در سر دارند که همگی در انتظار پاسخ "نه" دارند). این هدیه‌ای نیست که ثابت کند انسان نجات یافته یا نشان دهد آن فرد دارای شخصیت معنوی و روحانی است. زبانها بعلاوه‌ی تفسیر آن، مفهوم دیگری از برقراری ارتباط انجیل و مخاطبین آن است.

□ "ترجمهٔ زبانهای غیر" قرن‌تس شهری فرامیلتی بود، دارای فرهنگی یونانی و بلحاظ جغرافیایی متعلق به یونان. محل این شهر همراه با خطر رفتن به کرانه‌های یونان در فصل زمستان، آن را به تقاطع تجاری امپراتوری شرقی و امپراتوری غربی تبدیل کرده بود. در قرن‌تس از همه ملیتها حضور داشتند، اما برای برقراری ارتباط روحانی با کلیسا نیاز به هدیه معنوی زبان بود، و نه یک مترجم. این زبان در قرن‌تس، زبانی شناخته شده نبود.

۱۱:۱۲ این آیه مؤکد این حقیقت است که روح به هر ایماندار، هدیه‌ی بشارت عطا کرده است (اول قرنتیان ۷:۱۲، ۱۸). همچنین، نوع آن هدیه با انتخاب روح است و نه فرد ایماندار. هدایای عطایی از جانب روح دارای سلسله مراتب نیستند. همه آنها برای خدمت به بدن مسیح، یعنی کلیسا عطا گردیده‌اند (اول قرنتیان ۷:۱۲). آنها نشانهای افتخار نیستند بلکه ابزار دست خدمتگذاران هستند.

موضوع خاص: شخصیت روح

(Special Topic: Personhood of the Spirit)

در عهد عتیق "روح خدا" (*ruach*) نیرویی بود که هدف یهوه را تحقق می‌بخشید، ولی اشاره کوچکی هست که فردی بود (یکتاشناسی عهد عتیق، به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه شود). با این حال، در عهد جدید شخصیت کامل و فردیت روح افشا می‌شود:

۱. می‌توان به او توهین کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۳۱، انجیل مرقس ۳:۲۹)
 ۲. آموزش می‌دهد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲:۱۲، انجیل یوحنا ۱۴:۲۶)
 ۳. شهادت می‌دهد (انجیل یوحنا ۱۵:۲۶)
 ۴. محکوم، هدایت می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶:۷ الی ۱۵)
 ۵. می‌توان وی را "او" خطاب کرد (*hos*)، مراجعه شود به افسسیان ۱:۱۴)
 ۶. می‌تواند ترسناک باشد (مراجعه شود به افسسیان ۴:۳۰)
 ۷. می‌تواند فرو بنشیند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵:۱۹)
 ۸. می‌تواند مقاومت کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷:۵۱)
 ۹. او حامی ایمانداران است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۲۶، ۱۵:۲۶، ۱۶:۷)
 ۱۰. او پسر را جلال می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۱۶)
- متون تثلیث (در اینجا به سه مورد از بسیار موارد اشاره می‌کنیم، موضوع خاص تثلیث را بخوانید) از سه فرد صحبت می‌کنند

۱. انجیل متی ۲۸:۱۹
۲. دوم قرنتیان ۱۳:۱۴
۳. اول پطرس ۱:۲

هر چند کلمه یونانی روح (*pneuma*) خنثی است، وقتی به روح القدس اشاره می‌شود، عهد جدید عمدتاً از صفت نشان دهنده مذکر استفاده می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸:۱۶ و ۱۳ الی ۱۴)

روح به فعالیت‌های انسان مرتبط است

۱. اعمال رسولان ۱۵:۲۸
۲. رومیان ۸:۲۶
۳. اول قرنتیان ۱۲:۱۱
۴. افسسیان ۴:۳۰

در ابتدای اعمال رسولان، بر نقش روح تاکید میشود (همانند انجیل یوحنا). پنتیکاست شروع کار روح نیست، بلکه فصل جدیدی است. عیسی همیشه روح داشت. تعمیم او شروع کار روح نبود، بلکه فصل جدیدی بود. روح ابزار موثر هدف پدر برای احیای انسانها است که از تصویر او ساخته شده اند (به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود)!

^{۱۲} زیرا بدن هر چند یکی است، از اعضای بسیار تشکیل شده؛ و همه اعضا بدن، اگر چه بسیارند، اما یک بدن را تشکیل می دهند. در مورد مسیح نیز چنین است. ^{۱۳} زیرا همه ما، چه یهود و چه یونانی، چه غلام و چه آزاد، در یک روح تعمید یافتیم تا یک بدن را تشکیل دهیم؛ و همه ما از یک روح نوشانیده شدیم.

۱۲:۱۲ این آیه پاراگرافی را شروع می کند که از ارتباطات درونی بدن انسان بصورت استعاره برای کلیسا استفاده می کند (افسیسیان ۴: ۴، ۱۶). این آیه مؤکد وحدت میان گروه های گوناگون است. تمرکز آن بر روی هیچ قسمت خاصی نیست، بلکه بر روی عملکرد کلی است، نه فردی، بلکه تمامیت خانواده. عهد عتیق و جدید با یکدیگر تشریح مساعی دارند (موضوع خاص اول قرنبتان ۷: ۱۲ را مطالعه نمایید). این بمعنی کم کردن از ارزش این حقیقت که مردم بر اساس نتیجه گیریهای فردی به مسیحیت گرویدند، بلکه به این مفهوم است که بمحض اینکه فردی مسیحی گردید، تمرکز او همواره باید بر روی سلامتی، وحدت و کردار نیک بطور کلی و در تمام زمینهها باشد!

۱۳:۱۲ "در یک روح" (ترجمه صحیح: "بوسیله یک روح") حرف اضافی () بکار برده شده می تواند معانی "با"، یا "بوسیله" را در خود داشته باشد. باید مراقب کاربرد صحیح حروف اضافی در زبان یونانی کوبین بود، در غیر اینصورت می توانند دکترین هایی را بوجود آورند. این عبارات به موازات افسسیان ۲: ۱۸؛ ۴: ۴ هستند.

روح علت اصلی متقاعد کردن مردمان برای گناهانشان و جلب آنان بسوی مسیح، تعمید آنان در راه مسیح و شکل دادن مسیح در ذات وجودی آنان است که همه را خداوند انجام می دهد (یوحنا ۱۶: ۸-۱۴). اکنون دوران روح است. فعالیتهای او نشانه ای از فرا رسیدن عصر رستگاری است. هدیه عطا شده ی اصلی روح بوده و این روح است که هدایایی عطا می کند که بازتاب دهنده وظیفه عیان نمودن عیسی مسیح، جذب گمراهان بسوی مسیح و شکل گرفتن یک زندگی همچون مسیح در ایمانداران، می باشد.

□ "در یک روح تعمید یافتیم" تعمید آب یکی از استعاره هایی است که از تجربیات روحانی گذشته برای گرویدن به دین جدید باقی مانده است (افسیسیان ۴: ۵). افسسیان ۴: ۴-۶ به روشهای گوناگونی بموازات این آیات است. این تعمید اشاره به شروع رستگاری و نجات بوده که ایمانداران را به تشریح مساعی با بدن مسیح، یعنی کلیسا و می دارد. "تعمید روح القدس" عبارتست که امروزه اغلب از آن استفاده می شود و باعث بوجود آمدن سوء تفاهم گردیده، زیرا بلحاظ انجیلی اشاره به عیسی مسیح بعنوان منجی دارد، اما امروزه بمنظور توانمندگری، سازندگی و تجربیات بعدی در زندگی ایمانداران از آن استفاده می گردد. من منکر واقعیت این تجربه نیستم، اما عبارت "تجربه خداوندی" را بیشتر می پسندم. در هنگام خواندن بیوگرافی بزرگان مسیحی، یک بافت نمود پیدا می کند: (۱) باور داشتن به مسیح؛ (۲) سعی در خدمت به او؛ (۳) شکست در تولید کاری ابدی؛ (۴) ناامیدی تلاشهای شخصی؛ (۵) نیاز به خداوند برای انجام کارهای او؛ (۶) توانمندی برای بشارت؛ و (۷) همه اینکارها برای جلال خدا و نه انسان.

□ "چه یهود و چه یونانی، چه غلام و چه آزاد" دیگر مرزهای انسانی و تقسیم بندیهای مرزی میان آنان که به مسیح باور دارند، وجود ندارد (یوئیل ۲: ۲۸ که توسط پطرس در اعمال رسولان ۲: ۱۴-۳۵؛ غلاطیان ۳: ۲۷-۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱ نقل قول گردیده). این واقعیت بدرستی بر برابری همه انسانهای ایماندار صحه می گذارد. با اینحال، الزاماً همه مرزها را از بین نمی برد. همه ایمانداران فرا خوانده شده و خادمین دارای هدایای روحانی هستند، اما یک فرد مسیحی هنوز می تواند برده باشد.

این برابری برای جامعه رومی در شهر قرنتس مایه شگفتی و تکانهنده بود. در آن جامعه مرد بالاترین حد اختیار را در ارتباط با (۱) همسرش؛ (۲) فرزندان؛ و (۳) برده های محلی دارا بوده است. در این ارتباط سلسله مراتب بسیار سختی وجود داشت. الهیات محکم پولس بر اساس آموزه ها و کردار عیسی، تغییر بسیار تکان دهنده و محکمی در جهان بینی جدید بود که باید خارج از محیط کلیسا (افسیسیان ۵: ۱۸ - ۹: ۶) و در حوزه ای که کلیسای قرنتس در آن به انحراف کشیده شده بود، به حیات خود ادامه می داد.

□ "همه ما از یک روح نوشانیده شدیم" از این عبارت برای آبیاری استفاده می گردید. معنی دقیق آن "اشباع شده" است. از این واژه برای اشاره به شام خداوند توسط آگوستین، لوتر و کالوین استفاده می گردید، اما با توجه به آیه یوحنا ۷: ۳۷-۳۹، می تواند در اشاره به روح باشد. این عبارات استعاره ای از وحدت و تجمیع بوجود آمده توسط روح می باشد.

هم "تعمید داده شده" و هم "نوشانیده شده" افعال اخباری مجهول در زبان آئوریستی هستند که بمعنی کار تمام شده ای در گذشته می باشند. تنش و موازات در اینجا، نشان می دهند که این عبارات در اشاره به تعمید آب در مسیحیت و شام خداوند نبوده، بلکه اشاره به رویدادی تکمیل شده در زمان گذشته می باشد (گرویدن به مسیحیت بوسیله روح، جمله مجهول، یا بوسیله مسیح، متی ۳: ۱۱؛ لوقا ۳: ۱۶؛ اعمال ۱: ۵، یا بوسیله پدر، اعمال ۲: ۳۳).

^{۱۴} زیرا بدن نه از یک عضو، بلکه از اعضای بسیار تشکیل شده است. ^{۱۵} «اگر پا گوید، «چون دست نیستم، به بدن تعلق ندارم»، این سبب نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. ^{۱۶} و اگر گوش گوید، «چون چشم نیستم، به بدن تعلق ندارم»، این سبب نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. ^{۱۷} اگر تمام بدن چشم بود، شنیدن چگونه میسر می‌شد؟ و اگر تمام بدن گوش بود، بوییدن چگونه امکان داشت؟ ^{۱۸} اما حقیقت این است که خدا اعضا را آن گونه که خود می‌خواست، یک به یک در بدن قرار داد.

۱۴:۱۲ - ۲۶ پولس از بدن فیزیکی برای نشان دادن شباهت‌های روابط میان بخش‌های مختلف بدن که برای عملکرد کلی لازم می‌باشند، بهره برده است. هر بخش بصورت منفرد برای سلامتی و تأثیر بر روی عملکرد کل بدن ضروری می‌باشد.

۱۴:۱۲ این آیه بخلاصه حقیقتیست که بارها در این فصل تکرار گردیده است (۱ قرنتیان ۱۲:۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۰، ۲۵، ۲۷).

۱۲:۱۵، ۱۹ «اگر... اگر» هر دوی این جملات شرطی نوع سوم هستند که از احتمال وقوع عملی سخن می‌گویند. این آیات نشان دهنده تنش هستند که نه فقط در میان گروه‌های تفرقه‌افکن، بلکه در عطای روحانی مشخصی که بیش از حد بر روی آن تکیه می‌کردند وجود دارد. همه هدایای روحانی از سوی خداوند به انسان عطا می‌گردد و اوست که انتخاب می‌کند کدام یک از آنها به چه کسی تعلق خواهد داشت (۱ قرنتیان ۱۲:۱۱، ۱۸).

۱۲:۱۷، ۱۹ «اگر... اگر» این جملات شرطی نامتمام و نوع دوم می‌باشند (در ۱ قرنتیان ۱۲:۱۷ هیچ فعلی بکار برده نشده و در هیچکدام از سه جمله بند مؤخره وجود ندارد). قسمت اول اشتباه است (تمام بدن یک چشم نیست، ۱ قرنتیان ۱۲:۱۷؛ تمام بدن یک گوش نیست، آیه ۱۷، و تمام بدن یک عضو محسوب نمی‌شوند، ۱ قرنتیان ۱۲:۱۹؛ برگرفته از کتاب *A Grammar of the Greek New Testament in the Light of Historical Research* نوشته A. T. Robertson، صفحات ۱۰۱۵، ۱۰۲۳ و کتاب *Short Grammar of the Greek New Testament*، صفحه ۱۶۶).

۱۲:۱۸ «خدا... قرار داد» این یک جمله اخباری آئوریستی است که حکایت از یک عمل شخصی و کامل شده دارد. در اول قرنتیان ۱۲:۱۱ گفته می‌شود که روح هدایا را توزیع می‌کند. این بروشنی روشن می‌کند که روح جنبه آسمانی دارد! به موضوع خاص در اول قرنتیان ۲:۱۱ مراجعه نمایید.

□ «خدا اعضا را آن گونه که خود می‌خواست، یک به یک در بدن قرار داد» ارجاع این جمله به آفرینش است، اما قیاس آن با هدایای روحانی عطا شده از سوی خداوند است (۱ قرنتیان ۱۲:۲۷). این ما نیستیم که انتخاب می‌کنیم، بلکه خداوند است که در ما می‌نهد.

^{۱۹} اگر همه یک عضو بودند، بدن کجا وجود می‌داشت؟ ^{۲۰} اما اعضا بسیارند، در حالی که بدن یکی است. ^{۲۱} چشم نمی‌تواند به دست بگوید، «نیازی به تو ندارم!» و سر نیز نمی‌تواند به پاها گوید، «نیازمند شما نیستم!» ^{۲۲} برعکس، آن اعضای بدن که ضعیفتر می‌نمایند، بسیار ضروریت‌رند. ^{۲۳} و آن اعضای بدن را که پست‌تر می‌انگاریم، با حرمت خاص می‌پوشانیم، و با اعضایی که زیبا نیستند با احترام خاص رفتار می‌کنیم؛ ^{۲۴} حال آنکه اعضای زیبای ما به چنین احترامی نیاز ندارند. اما خدا بدن را چنان مرتب ساخته که حرمت بیشتر نصیب اعضایی شود که فاقد ^{۲۵} آنند تا جدایی در بدن نباشد، بلکه اعضای آن به یک اندازه در فکر یکدیگر باشند.

۱۲:۲۲ - ۲۴ «ضعیفتر... پست‌تر... می‌پوشانیم... اعضایی که زیبا نیستند» این جملات ممکن است در اشاره به بخش‌هایی از بدن انسان باشند که بوسیله لباس پوشیده می‌گردند. این بحث روشن می‌کند که برخی از هدایای عطا شده از سوی خداوند که کمتر مشهود بوده، کمتر بلحاظ فرهنگی مقبولیت دارند، و کمتر «قابل نشان دادن هستند» نیز هنوز برای یک بدن سالم و خوشحال، لازم و مورد نیاز می‌باشند. خداوند/روح هدایایی را عطا کرد که همگی لازم و قابل احترام و تکریم می‌باشند. به موضوع خاص: ضعف در دوم قرنتیان ۹:۱۲ رجوع نمایید.

□ «احترام خاص» این واژه هم در اول قرنتیان ۱۲:۲۳ و هم در ۲۴ بکار برده شده است. به موضوع خاص در ۲ قرنتیان ۷:۲ مراجعه نمایید.

۱۲:۲۵ این آیه نقطه‌نظر اصلی پولس را منعکس می‌کند (یک *hina*، هدف اصلی). کلیسا باید یکی باشد و نه جدا شده از هم. ایمانداران باید از یکدیگر مراقبت نمایند (۱ قرنتیان ۱۲:۷)، نه اینکه هر کس خودخواهانه به کار خود مشغول باشد!

این افعال وجوه شرطی هستند که یک احتمال را بوجود می‌آورند. این همان کاری است که آنان باید انجام دهند، اما بر سر انجام آن دچار تردید هستند.

عبارت «بفکر یکدیگر بودن» معمولاً معنای اضطراب و نگرانی در پس خود دارد (متی ۶:۲۵، ۲۷؛ ۱۰:۱۹؛ ۱۳:۲۲؛ ۲ قرنتیان ۱۱:۲۸؛ فیلیپیان ۴:۶).

همچنین می‌تواند دلواپسی جدی نسبت به چیزی یا موضوعی را، آنگونه که این متن و آیات ۷:۳۲، ۳۳، ۳۴ و فیلیپیان ۲:۲۰ عنوان کرده‌اند، بیان نماید.

□ "جدایی" واژه یونانی این لغت *schisma* است که ما لغت انگلیسی *schism* و *schismatic* را از آن اقتباس کرده ایم. پولس از این "جداییها" پیشتر در اول قرن‌تینان ۱:۱۰ و ۱۸:۱۱ یاد کرده بود. آنها مشکل اولیه در قرن‌تس بودند. این جداییها در ارتباط با (۱) رهبرانی خاص؛ (۲) تأکیدات الهیاتی خاص؛ (۳) جایگاه جامعه رومی؛ (۴) بزرگنمایی هدایای خاص عطا شده؛ و یا (۵) پس مانده یک نوع طرز تفکر از گذشته بوده اند.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۱۲:۲۶

^{۲۶} و اگر یک عضو دردمند گردد، همه اعضا با او همدرد باشند؛ و اگر یک عضو سرافراز شود، همه در خوشی او شریک گردند.

۱۲:۲۶ "اگر... اگر" اینها جملات شرطی نوع اول هستند (*eite* در متن اصلی با زمان حال اخباری، ۲ قرن‌تینان ۱:۶؛ بدون دارا بودن فعل، رومیان ۱۲:۶-۸؛ ۱ قرن‌تینان ۳:۲۲؛ ۵:۸؛ ۲۷:۱۴؛ ۲ قرن‌تینان ۵:۱۰) که شوق پولس را در چگونگی رفتار ایمانداران با یکدیگر نشان می‌دهند (رومیان ۱۲:۱۵).

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۱۲:۲۷-۳۱ (بخش اول)

^{۲۷} بدین قرار، شما بدن مسیح هستید و هر یک عضوی از آنید. ^{۲۸} خدا قرار داد در کلیسا، اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان؛ بعد قدرت معجزات، سپس عطایای شفا دادن و امداد و مدیریت و سخن گفتن به انواع زبانهای غیر. ^{۲۹} آیا همه رسولند؟ آیا همه نبی‌اند؟ آیا همه معلمند؟ آیا همه دارای قدرت معجزه‌اند؟ ^{۳۰} آیا همه از عطایای شفا دادن برخوردارند؟ آیا همه به زبانهای غیر سخن می‌گویند؟ آیا همه ترجمه می‌کنند؟ ^{۳۱} اما شما با اشتیاق تمام در پی عطایای بزرگتر باشید.

۱۲:۲۸ "خدا قرار داد" این جمله اخباری آئوریستی می‌باشد. بلحاظ الهیاتی این جمله به موازات اول قرن‌تینان ۱۸:۱۲ می‌باشد.

□ "کلیسا" به موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۲:۱ مراجعه نمایید.

□ "رسولان" واژه یونانی بکار برده شده برای این لغت از فعل یونانی "فرستادن" گرفته شده است. ربی‌ها از این واژه برای کسی که از طرف جایی یا شخص دیگری بعنوان نماینده رسمی فرستاده شده بود، استفاده می‌کردند. در انجیل یوحنا برای عنوان عیسای مسیح که از طرف خدا فرستاده شده بود، مطرح گردیده بود. فرستاده، پیروان خود را نیز می‌فرستد (یوحنا ۲۰:۲۱). به موضوع خاص: فرستاده در اول قرن‌تینان ۹:۴ مراجعه نمایید.

در اصل این لغت اشاره به دوازده رسول دارد، اما بعداً برای دیگران نیز بکار برده شد: (۱) بارتولماوس (اعمال ۱۴:۴، ۱۴)؛ (۲) آندرونیکوس و یونیس (رومیان ۱۶:۷)؛ (۳) آپولس (۱ قرن‌تینان ۴:۹)؛ (۴) یعقوب، برادر ناتنی عیسی (غلاطیان ۱:۱۹)؛ (۵) ایپافرودیتوس (فیلیپیان ۲:۲۵؛ ۷و۶) سیلاس و تیموتائوس (۱ تسالونیکیان ۲:۶). هدیه آنها در افسسیان ۱۱:۴ بعنوان هدیه‌ای که هنوز در جریان هست، ذکر گردیده است.

□ "انبیا" به موضوع خاص: نبوت عهد جدید در اول قرن‌تینان ۱:۱۴ و نبوت عهد عتیق در اول قرن‌تینان ۱۰:۱۲ مراجعه نمایید.

□ "معلمان" از این هدیه در ترکیب با نبوت در اعمال رسولان ۱:۱۳ ذکر گردیده، اما در افسسیان ۱۱:۴ به کشیشان متصل شده است. پولس در ۲ تیموتائوس ۱:۱ می‌گوید که او یک واعظ، رسول و یک معلم است. در اینجا ظاهراً همچون رومیان ۷:۱۲ بصورت مستقل بکار برده شده است. همچنین در یعقوب ۱:۳ بصورت جداگانه مورد بحث قرار گرفته است. این عبارت می‌گوید که این عطایای رهبری می‌توانند بصورت‌های مختلفی و برای ایمانداران مختلفی که در آن روزگار و یا حوزه‌ای که در آن قرار داشتند، مورد استفاده واقع گردد. هر یک از این رهبران کلام انجیل را پیشگویی می‌کردند، اما شیوه‌های آنان متفاوت بود.

□ "معجزات" توجه داشته باشید که در اول قرن‌تینان ۹:۱۲ و ۱۰ این هدیه دو بار ذکر گردید، اما در اینجا یک بار. معجزات راهی برای تأیید انجیل بودند. آنان در انجیل و اعمال رسولان برجسته شده و در نامه‌های رسولان ذکر گردیدند. این معجزات هنوز در جاهایی که انجیل به تازگی به آنجا رسیده، رواج دارند.

□ "شفا دادن" این هدیه هم برای نشان دادن عشق خداوند و هم تأیید انجیل او دارای عملکرد است. سوال این نیست که آیا خدا هنوز شفا می‌دهد، بلکه اینست که چرا برخی شفا می‌یابند و برخی دیگر خیر؟ یعقوب ۵:۱۳-۱۸ راهنمایی‌های بیشتری در زمینه چگونگی رسیدگی به این موضوع در یک کلیسای محلی می‌کند. در یعقوب بحث درباره خدمت پیران محلی است و نه یک هدیه روحانی عطا شده از سوی خداوند.

NASB, NKJV "کمکها"

NRSV "اشکال مختلف یاری رسانی"

TEV "توانایی... برای کمک به دیگران"

از این عبارت برای "کارهای مفید" استفاده شده است. این یک واژه عمومی بوده و می‌تواند به خدمت عادی شماسها اشاره داشته باشد (فیلیپیان ۱:۱؛ کتاب *Word Studies* نوشته M. R. Vincent، جلد ۲، صفحه ۷۹۳).

NASB, NKJV "مدیریت"

NRSV "اشکال رهبری"

TEV "به آنان که توانایی داده شده... برای هدایت"

NJB "هدایای... راهنمایی"

اصل این لغت برای کاپیتان یک کشتی بکار برده می‌گردید (اعمال ۱۱:۲۷؛ مکاشفه ۱۷:۱۸). این واژه بصورت استعاره برای رهبران کلیسا بکار برده شده که حکم راهنما و هدایت کننده را دارند. این همان توانایی هدایت دیگران بمنظور باتمام رساندن وظایف روحانی می‌باشد. A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures In Greek New Testament* جلد چهارم می‌گوید که "کمکها" اشاره به کار شماسها دارد که به فقرا و بیماران کمک کرده و "مدیریت" اشاره به وظیفه پیران/کشیشان/اسقفها دارد. صفحات ۱۷۳-۱۷۴.

□ "انواع زبانهای غیر" به اول قرن‌تین ۱۰:۱۲ مراجعه نمایید.

۲۹:۱۲ - ۳۰ اینها مجموعه سوالاتی هستند که همگی با یک لفظ منفی شروع گردیده (*mē*)، و حکایت از سوالاتی دارند که انتظار پاسخ منفی از آنها می‌رود. این بخش در تکذیب انتقادات الهیاتی که عنوان می‌کنند "زبانها" هدیه‌ای برای هر فرد ایماندار است، بسیار مهم می‌باشد، به نوعی تأیید نشانه نجات و رستگاری، و/یا نشان خاص روحانیت واقعی است. افراط دیگر، رد مبحث "زبانها" در گذار از دوره رسولان می‌باشد. این نیز یک اغرق الهیاتی است (اول قرن‌تین ۳۹:۴۰).

تمام نکته‌ی این فصل در این است که یک بدن وجود دارد با قطعات بسیار. هیچکس (هدیه‌ای) جدا نمی‌افتد.

۳۱:۱۲ بخش اول

NASB, NIV "اما شما با اشتیاق تمام در پی عطایای بزرگتر باشید"

NKJV "اما شما با اشتیاق تمام در پی بهترین عطایا باشید"

NRSV "اما برای عطایای بزرگتر تلاش کنید"

TEV "قلب خود را بر روی عطایای مهمتر معطوف دارید"

NJB "ذهن خود را بر روی عطایای والاتر معطوف دارید"

این جمله (یا ۱) اخباری حال کامل (بیان یک واقعیت) یا ۲) یک دستوری حال کامل می‌باشد (تداوم دستوری). W. Randolph Tate در کتاب *Biblical Interpretation* جمله اخباری را ترجیح می‌دهد، بعنوان یکی دیگر از توضیحات پولس؛ "شما در تلاش برای عطایای بهتری هستید" (صفحه ۲۲).

فصل ۱۳ باید با بخش دوم این آیه شروع می‌گردید. عطایای بزرگتر می‌تواند در اشاره به ۱) ایمان، امید و عشق در اول قرن‌تین ۱۳:۱۳ بوده و با عشق بعنوان بزرگترین یا ۲) عطایا برای تغییر تمامی بدن، اول قرن‌تین ۱:۱۴، که موعظه و تدریس می‌باشد (اول قرن‌تین ۲۸:۱۲).

بنظر می‌رسد که این مدیریت اشاره به کلیسا بطور کلی دارد و نه فردی. تمرکز بر روی فرد در فرهنگ غرب رواج دارد. اما تمرکز در این فصل جنبه مشارکتی دارد. کلیسا باید برای دریافت عطایای بیشتر، از روح بیشتر تقاضا نماید (ایمانداران) تا بتواند انجیل را بیشتر نشر داده و بدن او را بسازند.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماس و قطعیت ندارند.

۱. چرا قرنتس تا این حد با عطایای روحانی دچار مشکلات عدیده بود؟

۲. ایماندار چه زمانی هدیه‌ی خود را دریافت می‌کند؟ آیا هر کسی دارای یک هدیه است؟ آیا هر کس می‌تواند بیشتر از یک هدیه دریافت کند؟ آیا

کسی می‌تواند نوع هدیه‌ی عطا شده را انتخاب کند؟

۳. هدف از عطای این هدایا چیست؟

چند راهنمایی کاربردی برای اینکه ایمانداران بتوانند هدایای عطا شده‌ی خود را بشناسند

۱. بطور مشخص از خدا بخواهید تا بشما نشان دهد.
۲. از سایر ایمانداران بالغ که شما را شناخته و ممکن است بدانند شما ممکن است دارای چه هدیه‌ای باشید، درخواست کنید.
۳. امیال ذاتی خود را جستجو نمایید.
۴. در جهتی حرکت کنید که در آن دارای بهترین روشنایی و اشتیاق هستید.
۵. سعی کنید بدنبال خرسندی‌های شخصی و ثمره‌های معنوی خود باشید.

این مطالب برگرفته از کتابچه فوق‌العاده سودمند *Affirming the Will of God* نوشته Paul Little چاپ انتشارات IVP است. این کتاب به ما می‌گوید که چگونه حکمت مسیحی درباره خواست خدا داشته باشیم، که در قیاس با چگونه می‌توانیم هدایای عطا شده هر فردی را بدانیم، می‌باشد.

با اینحال، ایمانداران باید بخاطر داشته باشند که همه این عطایا شبیه به هم نیستند. این که چه نامی بر روی هدیه‌ای که به ما عطا شده بگذاریم مهم نیست، بلکه مهم اینست که بدانیم آن هدیه از آن ما است. ایمانداران، همه ایمانداران، به خدمت فرا خوانده شده و دارای این هدیه هستند (افسیان ۱۲-۴:۱۱).

اول قرتیان ۱۳

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
				آداب عمومی پرستش (۱۴:۴۰ - ۱۱:۲)
عشق	بزرگترین هدیه	عشق، بزرگترین هدیه و راه	عشق	ترتیب اهمیت عطایای روحانی و عشق
۳:۱۳ - ۳۱:۱۲				۳:۱۳ - ۳۱:۱۲
	۱۳ - ۱:۱۳	۳ - ۱:۱۳	۳ - ۱:۱۳	
۷ - ۴:۱۳		۷ - ۴:۱۳	۷ - ۴:۱۳	۷ - ۴:۱۳
۱۳ - ۸:۱۳		۱۳ - ۸:۱۳	۱۰ - ۸:۱۳	۱۲ - ۸:۱۳
			۱۲ - ۱۱:۱۳	
			۱۳:۱۳	۱۳:۱۳

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به آیات ۱۳-۱:۱۳

- A. این فصل یک بخش جدایی ناپذیر از مبحث عطایای روحانی پولس را تشکیل می‌دهد. این "فصل عاشقانه" همه چیز را در میان درگیری بر روی مبحث عطایای روحانی، در جای خود می‌نشانند.
- B. کلیسای قرن‌سعی در بزرگنمایی برخی از این هدایا داشت. پولس بر همه این هدایای عطا شده صحنه گذارده و عملکرد و مقصود اصلی آنها را در اجتماعات پرستشی فصل‌های ۱۲-۱۴ مرزبندی می‌کند.
- C. دومین آزمون بزرگ هدایای روحانی (به دیدگاه‌های متنی فصل ۱۲ B مراجعه نمایید) اینست: "آیا این از هدایایی که خدا بما عطا کرده با عشق استفاده می‌شود؟"

نگاهی اجمالی

- A. لزوم محبت بعنوان نیروی محرکه برای تمرین هدایای روحانی عطا شده (۱ قرتیان ۱:۱۳-۳)
- B. ماهیت محبت در روابط میان مردم نشان داده می‌شود (۱ قرتیان ۷-۴:۱۳)

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۳۱: ۱۲ بخش دوم - ۳: ۱۳

۳۱: ۱۲ و اینک من عالیترین طریق را به شما نشان می‌دهم. ^{۱۱: ۱۳} اگر به زبانهای آدمیان و فرشتگان سخن گویم، ولی محبت نداشته باشم، زنگی پر صدا و سنجی پرهیاهو بیش نیستم. اگر قدرت نبوت داشته باشم و بتوانم جمله آسار و معارف را درک کنم، و اگر چنان ایمانی داشته باشم که بتوانم کوهها را جابه‌جا کنم، اما محبت نداشته باشم، هیچم. اگر همه دارایی خود را صدقه دهم و تن خویش به شعله‌های آتش بسپارم، اما محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی‌برم

۳۱: ۱۲ (بخش دوم) "عالیترین طریق" عبارت "عالیترین" یک واژه یونانی بوده که از لغت *huper* (بمعنی بر روی یا فراتر از) و *ballō* (بمعنی انداختن) ساخته شده است. این واژه استعاره‌ای است برای نشان دادن هر آنچه که فراتر از چیز دیگری می‌رود. اغلب پولس از این استعاره در دوم قرنیتیان بهره برده است (۲ قرنیتیان ۸: ۱؛ ۳: ۱۰؛ ۴: ۷؛ ۹: ۱۴؛ ۱۱: ۲۳؛ ۱۲: ۷). به موضوع خاص: کاربرد ترکیبی *Huper* توسط پولس در ۱ قرنیتیان ۲: ۱ مراجعه نمایید.

واژه "طریق (راه)" نیز یک استعاره برای نشان دادن زندگی خداپسندانه است (تثنیه ۵: ۳۲-۳۳؛ ۳۱: ۲۹؛ مزمور ۲۷: ۱۱؛ اشعیا ۵۳: ۸). ایمان در عهد عتیق، همچون عهد جدید کیش و عقیده‌ای درست نبود (ارتودکس)، بلکه یک زندگی سرتاسر مبتنی بر اطاعت و سرسپردگی بود (ارتوپراکس). لقبی که کلیسای اولیه داشت، "راه" بود (اعمال ۲: ۹؛ ۱۹: ۹؛ ۲۳: ۲۴؛ ۲۴: ۱۴). بهترین آرزوی خداوند برای بشر یک زندگی مملو از عشق و محبت که از خود او و پسرش الگوبرداری شده، می‌باشد.

۱: ۱۳ "اگر" این جملات مجموعه‌ای از جملات شرطی نوع سوم هستند که به معنی احتمال وقوع عملی می‌باشند. در اول قرنیتیان ۱: ۱۳، ۲ و ۳ دو بار تکرار شده‌اند.

NASB, NKJV "به زبانهای آدمیان و فرشتگان سخن گویم"

NRSV "به زبانهای بشر فانی و فرشتگان سخن گویم"

TEV "ممکت است که بتوانم به زبانهای نوع بشر و حتی فرشتگان سخن گویم"

NJB "با اینکه هم به زبان فرشتگان و هم آدمیان فرمان صادر می‌کنم"

بدیهی است که این جملات اشاره به هدیه‌ی زبانها که در اول قرنیتیان ۱۲: ۱۰، ۲۸-۲۹ از آن ذکر بمیان آمد دارد، هدیه‌ای که کلیسای قرنیتیان آن را برجسته کرده و پولس آن را تسخیر کرد (اول قرنیتیان ۱۴: ۱، ۵، ۶، ۱۸-۱۹).

از آنجاییکه من فکر می‌کنم که "زبانها" در اعمال رسولان متفاوت با مبحث "زبانها" در قرنتس بودند، لذا مرا به این فکر وا می‌دارد که احتمالاً پولس نیز درک کرده بود که منظور از زبانها باید زبانی باشد که بشر به آن سخن می‌گوید (پنتیکاست). بطور قطع او تأکید دارد که قابلیت شناخت زبانی کامل به تنهایی کافی نیست مگر اینکه بوسیله عشق نیرو گیرد! مسیحیت چیزی فراتر از یک پیام است؛ مسیحیت یک شخص است؛ شخصی که خود را فدا می‌کند و از خود مایه می‌گذارد و در عین حال مطیع یک شخص، یعنی عیسی مسیح است.

□ "محبت" واژه یونانی این لغت "*agapē*" است. این واژه یکی از ده‌ها مورد برای بیان "محبت و عشق" در زبان کلاسیک یونانی بوده، اما اغلب بکار برده می‌شد (بصورت حالت اسم). بنظر می‌رسد که بخاطر کاربرد آن در نسخه Septuagint (پیدایش ۲: ۲۲) و یهودیت ربیانی، کلیسای اولیه این واژه را انتخاب کرده و دلالتهای مسیحیت را به آن تزریق نمود (خدا و محبت از خود گذشته مسیح، ۱ یوحنا ۴: ۱۰). در عهد عتیق، عشق پیمانی خداوند و وفاداری به وعده‌ها و پیمانهای او با واژه *hesed* اظهار می‌گردید. آگاپه به شیوه‌های گوناگونی این مفهوم "محبت پیمانی" را در توازن با "پادشاهی خدا" بیان کرده است. این واژه تبدیل به یک واژه‌ی عهد جدید برای نشان دادن ذات خدا گردیده، زیرا که او می‌خواهد که پیروانش از او پیروی نمایند (۱ یوحنا ۴: ۷-۲۱).

فقط یک نکته را لازم می‌دانم که در رابطه‌ای که *agapē* با *philos* داشت، بیان نمایم. بنظر می‌رسد که در برخی متون مرزبندی وجود داشته باشد (یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۹). با اینحال، در کویین یونانی این واژه‌ها اغلب بصورت مترادف بکار برده شده‌اند (یوحنا ۳: ۳۵ و ۵: ۲۰).

موضوع خاص: عشق ورزیدن (*hesed*)

SPECIAL TOPIC: LOVINGKINDNESS (*hesed*)

این اصطلاح دارای یک زمینه معنایی گسترده است BDB. آن را به این ترتیب مشخص می کند. (338-339)

A. در ارتباط با انسان استفاده می شود

۱. مهربانی به هموعان (به عنوان مثال، اول سموئیل ۲۰: ۱۴؛ دوم تواریخ ۲۴: ۲۲)
۲. مهربانی نسبت به فقرا و نیازمندان (به عنوان مثال، میکاه ۶: ۸)
۳. محبت (ارمیا ۲: ۲؛ هوشع ۶: ۴)
۴. ظاهر (اشعیا ۴۰: ۶)

B. در رابطه با خدا استفاده می شود

۱. وفاداری و عهد و پیمان
 - a. "در رستگاری از دشمنان و مشکلات" (به عنوان مثال، ارمیا ۳۱: ۳؛ عزرا ۲۷: ۲۸؛ ۹: ۹)
 - b. "در حفظ زندگی از مرگ" (به عنوان مثال، یعقوب ۱۰: ۱۲؛ مزامیر ۸۶: ۱۳)
 - c. "در سریعتر شدن زندگی معنوی" (به عنوان مثال، مزامیر ۱۱۹: ۴۱، ۷۶، ۸۸، ۱۲۴، ۱۴۹، ۱۵۰)
 - d. "در رستگاری از گناه" (نگاه کنید به مزامیر ۲۵: ۷؛ ۵۱: ۳)
 - e. "در نگهداری پیمان" (به عنوان مثال، دوم تواریخ ۶: ۱۴، نحمیا ۱: ۵، ۹: ۳۲)
۲. توصیف یک ویژگی الهی (به عنوان مثال، خروج ۳۴: ۶؛ میکاه ۷: ۲۰)
۳. مهربانی خدا
 - a. "فراوان" (به عنوان مثال، نحمیا ۹: ۱۷؛ مزامیر ۱۰۳: ۸)
 - b. "بزرگ در اندازه" (به عنوان مثال، خروج ۲۰: ۶؛ تثنیه ۵: ۱۰؛ ۷: ۹)
 - c. "ماندگاری" (به عنوان مثال، اول تواریخ ۱۶: ۳۴، ۴۱، دوم تواریخ ۵: ۱۳، ۷: ۳، ۶: ۲۰؛ عزرا ۳: ۱۱)
 - d. همچون یک دژ (مزمور ۵۹: ۱۷)
 - e. در ارتباط با قدرت خداوند (مزمور ۶۲: ۱۱-۱۲)
۴. اعمال محبت (به عنوان مثال، دوم تواریخ ۶: ۴۲؛ مزامیر ۸۹: ۲؛ اشعیا ۵۵: ۳؛ ۶۳: ۷؛ مراثی ارمیا ۳: ۲۲)

این لغت به زبان انگلیسی به شیوه‌های گوناگونی ترجمه شده است. من فکر می‌کنم بهترین معنی بطور مختصر "تعهد بدون قید و بند خداوند به عهد او" می‌باشد. این لغت هم‌تراز با واژه عهد جدید "محبت" (*agapō*) می‌باشد. خداوند بدلیل ماهیت ذاتی خود، به عهدی که با ما بسته وفادار است.

NASB, NRSV "ناقوسی یا سنجی پر صدا"

NKJV "همچون دستبندی که صدا می‌دهد یا سنجی پر صدا"

TEV "چیزی بیش از ناقوسی پر صدا یا زنگی صدا دار نیست"

NJB "ناقوسی که می‌کوبد یا سنجی بهم کوبیده می‌شود"

از لحاظ تاریخی در دنیای رومیان قرن اول میلادی، از این روش توسط مکاتب دیونیوس و سیبل در پرستشها برای جلب توجه خدایانشان استفاده می‌گردید. در متن سوء استفاده قرن‌تین می‌تواند معنایی استعاره همچون "هیاهوی شیپورها" داشته باشد (متی ۶: ۲)، که باعث جلب توجه‌ها به سوی سخنگو گردیده، همانگونه که مردان در اجتماعات پرستشی موهای خود را می‌پوشاندند یا زنان موهای خود را کوتاه می‌کردند (۱ قرن‌تین ۴: ۵-۱۱).

شهر قرن‌تس در دنیای باستان بخاطر محصولات برنزی که تولید می‌کرد، معروف بود. یکی از موارد مصرف این ماده برای "طنین انداختن صدا" در تاترها بود (کتاب *Dictionary of Paul and His Letters* صفحه ۱۷۲).

پولس در اینجا اوج احساسات خود را در رابطه با فعالیت‌های روحانی و معنوی عاری از عشق و محبت نشان می‌دهد.

۱. "سنجی پرهیاهو بیش نیستم" (جمله کامل)، اول قرن‌تین ۱: ۱۳

۲. "هیچم" (جمله حال)، اول قرن‌تین ۲: ۱۳

۳. "هیچ سود نمی‌برم" (جمله حال)، اول قرن‌تین ۳: ۱۳

۲:۱۳ "قدرت نبوت" بهترین حالتی که این واژه در این کتاب درک گردیده، بعنوان "به اشتراک گذاردن پیام انجیل" است (اول قرن‌تبیان ۴:۱۱، ۵:۱۴:۳۹). سه واژه اول در اول قرن‌تبیان ۲:۱۳ با هدیه حکمت و معرفت ارتباط دارند (اول قرن‌تبیان ۸:۱۲). آنگونه که اظهارات منفی پولس در اول قرن‌تبیان ۱:۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴؛ ۲:۱، ۴، ۵، ۶، ۱۳؛ ۳:۱۹ نشان می‌دهد، در این حوزه مشکلاتی بوجود آمده بود. نبوت عاری از محبت، همچون حکمت و معرفتن عاری از محبت، برای خداوند خوشایند نمی‌باشد. هدایای روحانی را باید به شیوه‌های مناسبی بکار برد.

برای اطلاع بیشتر درباره مفهوم نبوت در عهد عتیق به موضوع خاص در اول قرن‌تبیان ۱۰:۱۲ و نبوت در عهد جدید در اول قرن‌تبیان ۱:۱۴ مراجعه نمایید.

□ "بتوانم جملهٔ اَسرار و معارف را درک کنم" پولس از این عبارت در اول قرن‌تبیان ۱:۴ برای بیان حقایق انجیل و در اول قرن‌تبیان ۵۱:۱۵ برای حقایق خاصی در ارتباط با قیام بدن از مردگان استفاده کرده است. در این متن، این عبارت ظاهراً در اشاره به معرفت به هر شکل ممکن داشته که ایمانداران قرن‌تس در جستجوی آن بودند. حتی معرفت کامل بدون محبت نیز مورد علاقه خداوند نمی‌باشد. به موضوع خاص: راز در اول قرن‌تبیان ۱:۲ مراجعه نمایید.

□ "ایمانی" این عبارت اشاره به کار معجزه‌گر ایمان دارد (۱ قرن‌تبیان ۹:۱۲، ۲۸؛ متی ۲۰:۱۷؛ ۲۱:۲۱)، اما توجه داشته باشید که در متی ۲۱:۷-۲۳ قدرت معجزه‌گر کار بدون عشق مورد توجه خداوند نبوده و حتی خداوند آن را برسمیت نیز نمی‌شناسد. برای اطلاع بیشتر از مفهوم "ایمان" در عهد عتیق به موضوع خاص در اول قرن‌تبیان ۹:۱ و عهد جدید در اول قرن‌تبیان ۴:۲ مراجعه نمایید.

۳:۱۳

NASB	"هر آنچه بدست آوردم بدهم"
NKJV	"هر آنچه دارم را صدقه دهم"
NRSV	"هر چه که دارم را بدهم"
TEV	"ممکن است هر چه دارم را بدهم"
NJB	"باید همه چیزهایی را که بدست آوردم... ببخشم"

این جمله بدین مفهوم است که انسان هر چه را که بدست آورده، جزء به جزء باید ببخشد (یوحنا ۳:۲۶، ۲۷، ۳۰). این عبارات می‌تواند کنایه‌ای به بحث عیسی با حکام ژرمنند باشد (متی ۱۹:۱۶-۲۹؛ مرقس ۱۰:۱۷-۳۰؛ لوقا ۱۸:۱۸-۳۰).

NASB, NKJV	"تا فقرا را غذا دهم"
NRSV	-حذف شده است-
TEV	-حذف شده است-
NJB	"به فقرا"

این عبارات در متن یونانی وجود ندارد اما مفهوم آن در عمل این فعل بیان شده است.

NASB, NKJV,

TEV, NJB	"تن خویش را به آتش بسپارم"
NRSV	"تن خویش را به رخ کشانم"

در نسخه خطی دو گزینه وجود دارد: "سوزاندن" (*kauthēsomai*) و "جلال" (*kauchēsōmai*) هر دو در نسخه‌های خطی اولیه یونانی و دستخطهای باقیمانده از کشیسه‌های کلیسای اولیه یافت شده‌اند. عبارت "که ممکن است جلال یابم"، بیشترین پشتیبانی را در میان نسخه‌های دریافت کرده (MSS P⁴⁶، B، ۸)، اما UBS⁴ نمی‌تواند میان هر یک از این دو تصمیم گیرد. این واژه همچنین اغلب توسط پولس بکار برده می‌گردد (۲ قرن‌تبیان ۸:۲۴؛ فیلیپیان ۲:۱۶؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۴). شهادت بواسطه به آتش کشیدن در کلیسای اولیه امری شناخته شده محسوب می‌گردید، اما بعد بعنوان آزار و رنج رساندن بیشتر رواج یافت (نرون و دومیتیان). لذا، می‌توان درک کرد که چگونه در آینده، کاتبین واژه "جلال" را به "سوزاندن" تغییر دادند.

برای مطالعه بحث کاملتر درباره گوناگونی عبارات در میان نسخه‌های مختلف، به کتاب *A Textual Commentary on the Greek New Testament* نوشته Bruce M. Metzger صفحات ۵۶۳-۵۶۴ مراجعه نمایید. همچنین برای مطالعه درباره دیدگاه‌های مخالف در این زمینه، به کتاب *The Expositor's Bible Commentary*، صفحه ۲۷۰ بخش پانویس مراجعه نمایید.

«محبت بردبار و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت فخر نمی‌فروشد و کبر و غرور ندارد. ^۵ رفتار ناشایسته ندارد و نفع خود را نمی‌جوید؛ به آسانی خشمگین نمی‌شود و کینه به دل نمی‌گیرد؛ ^۶ محبت از بدی مسرور نمی‌شود، اما با حقیقت شادی می‌کند. ^۷ محبت با همه چیز مدارا می‌کند، همواره ایمن دارد، همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می‌کند.

۴:۱۳-۷ این آیات ممکن است شعر یا مناجات درباره عشق بوده باشند که توسط پولس نوشته یا نقل قول گردیده بود. همه این جزئیات درباره عشق و محبت حالت فعال دارند. عشق یک عمل است و نه فقط یک احساس. همه این موارد در هنگام مأموریت عیسی (مکاشفه کامل از یهوه) در حالیکه در برابر مردمان ناکامل تعریف گردید. عشق یعنی یک فرد!

۴:۱۳ «بردبار» این فعل (حال کامل اخباری) یک دلالت ضمنی از صبوری و بردباری در مقابل مردمانی دارد (امثال ۱۹:۱۱؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۱۴؛ یعقوب ۵:۷، ۸؛ ۲ پطرس ۳:۹) که در برابر ما ناجوانمردانه عمل کرده، بدون اینکه هیچ تلافی از کارهای آنان صورت پذیرد. این حاصل کار روح است (غلاطیان ۵:۲۲). این از جنبه‌های شخصیتی خداوند است (رومیان ۲:۴؛ ۹:۲۲؛ ۱ تیموتائوس ۱:۱۶؛ ۱ پطرس ۳:۲۰). این کلمه (اسم) باید شخصیت ایمانداران عصر جدید را شکل داده و بوسیله روح در ذات آنها قرار گیرد (۲ قرن‌تینان ۶:۶؛ کولسیان ۱:۱۱).

■ «مهربان» این واژه که تمرکز آن بر روی مردم است فقط در اینجا دیده می‌شود. مفهوم آن «نرمی در برابر همه» است. پطرس نیز از واژه مشابهی برای عیسی در ۱ پطرس ۳:۲ استفاده کرد. همچنین یکی از هدایایی است که روح در غلاطیان ۵:۲۲ عطا کرده است.

■ «حسد نمی‌برد» این عبارت از احساس شدیدی همچون «جوشیدن در درون» نشان می‌دهد. عشق در کنترل بر روی مردم، اشتیاقی از خود نشان نمی‌دهد.

■ «فخر نمی‌فروشد» این واژه اشاره افراد خودخواهی دارد که از منظر دیگران فخر فروش دیده می‌شود. در ادبیات یونانی به افرادی اطلاق می‌گردد که بلحاظ روشنفکری یا خردمندی، خود را برتر از دیگران می‌دیدند.

■ «کبر و غرور ندارد» این اصطلاح به کسانی اطلاق می‌شود که خود را بیش از اندازه ارزش‌گذاری می‌کنند. در اول قرن‌تینان از این واژه زیاد استفاده شده است (اول قرن‌تینان ۴:۶، ۱۸، ۱۹؛ ۵:۲؛ ۸:۱) و در همین جا. این واژه منعکس کننده ذات این کلیسا می‌باشد. به یادداشت اول قرن‌تینان ۴:۶ مراجعه نمایید.

۵:۱۳ «رفتار ناشایست ندارد» تعریف این عبارت راحت نیست. این عبارت در اول قرن‌تینان ۷:۳۶ بیشتر بصورت مثبت بکار برده شده است. در اینجا دارای حس منفی است. واژه بکار برده شده در نسخه پاپیروس مصری گویای یک نفرین که به یک عمل خشونت‌آمیز یا غیرمعتارف مرتبط شده، می‌باشد (اول قرن‌تینان ۱۲:۳). این عبارت بیشتر دارای بار خشونت‌آمیز است تا بخشندگی.

■ «نفع خود را نمی‌جوید» این عبارتیست که اغلب حقیقتی را تکرار می‌کند (اول قرن‌تینان ۸:۹؛ ۱۰:۲۴، ۳۳؛ رومیان ۱۴:۱۶؛ فیلیپیان ۲:۳). بلحاظ الهیاتی این عبارت به افسسیان ۵:۲۱ ارتباط پیدا می‌کند، فروتن بودن در برابر کسانی که نسبت به مسیح بی‌احترامی می‌کنند.

■ «خشمگین نمی‌شود» (نسخه انگلیسی: «تحریک نمی‌گردد») این واژه دقیقاً بمعنی «بُرنده شدن» بوده و بصورت استعاره برای جمع کردن یک مشکل بکار برده می‌شود. همچون اعمال رسولان ۱۷:۱۶ می‌تواند دارای بار مثبت بوده و یا در اینجا که دارای بار منفی است. این اسم توسط پولس و بارناباس بر سر نبرد با یوحنا مرقس بکار برده شد (اعمال رسولان ۱۵:۳۹).

NASB «کینه به دل نمی‌گیرد»

NKJV «فکر شیطانی در سر ندارد»

NRSV «خشمگین نمی‌گردد»

TEV «اشتباهات را در دل نگه نمی‌دارد»

NJB «گله‌مندیه‌ها را ذخیره نمی‌کند»

در واقع این واژه ویژه حسابداری برای ثبت صورتحسابهای پرداخت نشده است (۲ قرن‌تینان ۳:۵؛ ۶:۲). این واژه اشاره به کسی دارد که دارای روح کینه‌توزانه است. مثال خوبی در این مورد می‌تواند اعمال رسولان ۱۵:۳۶-۴۱ و ۲ تیموتائوس ۴:۱۱ در ماجرای مرقس باشد.

این امکان وجود دارد که کنایه‌ای به ترجمه زکریا ۸:۱۷ در نسخه Septuagint باشد، "هر یک با همسایه خود سخن به راستی گویند". با این وجود، از آنجاییکه هیچیک از عبارات اطراف از عهد عتیق نشأت نگرفته‌اند، لذا احتمال اینکه این عبارت یکی از آنها باشد را ضعیف می‌نماید.

۶:۱۳ این آیه در بیان حقیقت هم دارای جنبه مثبت است و هم منفی. در این متن می‌تواند اشاره به شایعه‌پراکنی‌های رایج در میان جامعه مسیحیان داشته باشد. غیرمعمول است که واژه "بدی" (در متن انگلیسی "بی‌عدالتی" نوشته شده است) در تضاد با "حقیقت" بکار برده شود. احتمالاً "بی‌عدالتی" نقطه مقابل "درست زندگی کردن" و "حقیقت" اشاره به پیام انجیل دارد.

□ "با حقیقت" به موضوع خاص در دوم قرنتیان ۸:۱۳ مراجعه نمایید.

۷:۱۳ "با همه چیز مدارا می‌کند" واژه "همه چیز" (*panta*) چهار بار بمنظور تأکید در این آیه مطرح گردیده است. محبت فراگیر است. "همه چیز" در این جمله در حالت "همه زمانها" (هر چهار فعل زمان حال هستند) و "همه موقعیتها" بکار برده شده است.

واژه "مدارا" از لغت یونانی که برای "سقف" بکار می‌رود گرفته شده است (متی ۸:۸). این واژه بصورت استعاره برای (۱) پوشش چیزی (۱ پطرس ۴:۸؛ واژه متفاوت اما با مفهوم مشابه) و یا (۲) با چیزی همراه شدن (۱ قرنتیان ۹:۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۳:۱، ۵) بکار رفته است. ترجمه Moffat عبارت "به آهستگی عیان می‌شود" را ثبت کرده است.

□ "همواره ایمان دارد" (در متن فارسی نوشته نشده است). این عبارت در متن بمعنی "نیکی را در دیگران دیدن" یا "نسبت به یک مسیحی دیگر ابراز بی‌اطمینانی داشتن" است. همواره باید ایمان را خود را حفظ کنیم (غلاطیان ۵:۲۲).

□ "همیشه امیدوار است" در این متن محبت امید یک ایماندار در حال رشد در ایمان را حفظ می‌کند. او را ناامید نمی‌کند.

□ "در همه حال پایداری می‌کند" اینها عبارات نیرومندی برای پایداری در برابر وسوسه و آزمون هستند (متی ۲۲:۱۰؛ ۲۴:۱۳؛ عبرانیان ۱۰:۳۲؛ یعقوب ۱:۱۲). در اینجا سخن از استقامت داوطلبانه است. این عبارات بر هیچ انتقام و خشونت فردی ندارند، بلکه بر استقامتی باثبات بخصوص در برابر مردم تأکید می‌کند.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۸:۱۳-۱۳

۸ محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد. اما نبوتها از میان خواهد رفت و زبانها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد. ۹ زیرا معرفت ما جزئی است و نبوتمان نیز جزئی؛ ۱۰ اما چون کامل آید، جزئی از میان خواهد رفت. ۱۱ آنگاه که کودکی بیش نبودم، چون کودکان سخن می‌گفتم و چون کودکان می‌اندیشیدم و نیز چون کودکان استدلال می‌کردم. اما چون مرد شدم، رفتارهای کودکانه را ترک گفتم. ۱۲ آنچه اکنون می‌بینیم، چون تصویری محو است در آینه؛ اما زمانی خواهد رسید که روبه‌رو خواهیم دید. اکنون شناخت من جزئی است؛ اما زمانی فرا خواهد رسید که به کمال خواهیم شناخت، چنانکه به کمال نیز شناخته شده‌ام. ۱۳ و حال، این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان، امید و محبت. اما بزرگترینشان محبت است.

۸:۱۳ ترجمه‌های متعددی با یک پاراگراف در اول قرنتیان ۸:۱۳ شروع می‌گردند. بحث پولس درباره محبت در مسیحیت به آهستگی در حال تغییر و پیشروی در یک مسیر جدید است (کیفیت و فعالیت‌های این عصر در برابر نتیجه‌گیری عصر جدید که آغاز گردیده است).

□ "محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد" (در متن انگلیسی: "محبت هرگز شکست نمی‌خورد"). این واژه دارای دو کاربرد بصورت استعاره می‌باشد: (۱) برای هنرپیشه‌ای که دیگر بر روی صحنه مورد حمایت واقع نمی‌گردد، و یا (۲) برای گلی بکار برده می‌شد که بدلیل شرایط جوی و آب و هوایی برگزیده ریخته بود (یعقوب ۱:۱۱؛ ۱ پطرس ۱:۲۴). خداوند هرگز ناامید نمی‌گردد!

NASB	"اما... خواهد رفت، ... خواهد پذیرفت، ... خواهد شد"
NKJV	"آیا... آیا... آیا"
NRSV	"برای ... برای ... برای!!"
TEV	"هستند... هستند... هست"
NJB	"اگر باشد... اگر... اگر"

شکل دستوری *eite* (جملات شرطی نوع سوم) سخن از وجود عطایای روحانی دارد.

□ "اما نبوتها از میان خواهد رفت و زبانها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد" به ساختار موازی این جملات توجه نمایید. هدایای روحانی وجود داشت که کلیسای قرن‌تین آنان را بزرگنمایی می‌کرد (۱ قرن‌تین ۱۳: ۱-۳). این آیه بدلیل وجود یک فعل متفاوت و غالب زمانی آن، اغلب برای کم کردن ارزش زبانها بکار گرفته شده است. با اینحال، متن مؤکد این امر است که همه هدایای روحانی روزی متوقف خواهند گردید، بجز محبت که هرگز باتمام نمی‌رسد. در این متن بر روی عنصر زمان هدیه‌ی عطا شده در برابر دیگران، هیچ تأکیدی صورت نپذیرفته است. هدایای روحانی بخشی از زمان هستند، و نه ابدیت. این محبت و عشق است که ابدی و ازلی است!

۹:۱۳ بدنبال این آیه مجموعه‌ای از آیات شروع می‌گردند که تأکید بر کوچک و یا ناتمام بودن هدایای روحانی دارند. این امر بدلیل ضعف، محدودیت بشر و نبود ارتباط با هدیه آسمانی خداوند است.

۱۰:۱۳ "چون کامل آید" این واژه (*teleios*) بمعنی "بلوغ، تکامل"، و یا "کاملاً مجهز برای انجام وظیفه محوله" می‌باشد (اول قرن‌تین ۲: ۶؛ ۱۳: ۱۰؛ ۲۰: ۱۴). این سوال همواره مطرح بوده است: "این جمله به چه چیز اشاره می‌کند؟"

۱. برخی معتقدند که اشاره به عهد جدید دارد. اما هیچ چیزی در این متن گواه این امر نیست. این فقط نظریه‌ای برای ادعای تمام شدن عطایای روحانی در دوران پس از رسولان می‌باشد.
۲. برخی دیگر تصریح کرده‌اند که با عنایت به اول قرن‌تین ۱۳: ۱۱، اشاره به بلوغ روحانی (کودک و سپس بزرگسال)، و یا استفاده مستمر از عطایای روحانی دارد.
۳. برخی دیگر معتقدند که با توجه به اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲، اشاره به بازگشت دوم مسیح و به نتیجه رسیدن عصر جدید رستگاری دارد (رو در رو دیدن).
۴. بنظر من ترکیب موارد ۲ و ۳ درست می‌باشد.

تفاوت در کاربرد واژه *teleios* را می‌توان در کتاب عبرانیان مشاهده کرد. به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: تمام یا کامل

Special Topic: End or Full (*Telos*)

این موارد رده بالای معنوی، قالبی است که دوباره در عبرانیان باز گشته است

۱. Telos پایان، تحقق چیزی (عبرانیان ۳: ۶، ۱۴؛ ۸: ۶، ۱۱)
 ۲. Teleiōo "چیزی را تکمیل کردن"
 - a. (عیسی) برای کامل کردن نویسنده رستگاری بوسیله رنج (عبرانیان ۲: ۱۰)
 - b. (عیسی) بوسیله رنجی کشید به کمال رسید (عبرانیان ۵: ۸-۹)
 - c. قانون باعث کامل شدن چیزی نگردید (عبرانیان ۷: ۱۹)
 - d. یک پسر، چیزی را برای ابد تکمیل کرد (عبرانیان ۷: ۲۸)
 - e. پرستش کننده را تکمیل کنید (عبرانیان ۹: ۹)
 - f. کسانی که نزدیک می‌آیند را کامل کنید (عبرانیان ۱۰: ۱)
 - g. وی برای همیشه آنانی را که تقدیس شده‌اند را تکمیل کرده است (عبرانیان ۱۰: ۱۴)
 - h. آنان جدای از ما نباید کامل شوند (عبرانیان ۱۱: ۴۰)
 - i. روح پارسایی مردان به کمال رسید (عبرانیان ۱۲: ۲۳)
 ۳. *teleios* بالغ (عبرانیان ۵: ۱۴)
 ۴. *teleios*، تابرناکل کامل‌تر (عبرانیان ۹: ۱۱)
 ۵. *teleiostēs*، فشار بر بلوغ (عبرانیان ۶: ۱)
 ۶. *teleiōsis*، چنانچه تکامل از درون کاهنیت لاوی بوده باشد (عبرانیان ۷: ۱۱)
 ۷. *Teleiōtēs*، نویسنده و تکمیل کننده ایمان (عبرانیان ۱۲: ۲)
- عیسی بلوغ و تکاملی را به ارمغان آورد که پیمان موسایی هرگز نتوانست آن را به انجام برساند!

۱۱:۱۳ "ترک گفتم" این واژه یونانی *katargeō* است که پولس اغلب از آن بهره می‌برد. به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱:۲۸ مراجعه نمایید. در این متن پولس تصریح می‌کند که:

۱. نبوتها روزی به انتها خواهند رسید، اول قرنتیان ۱۳:۸ (آینده مجهول اخباری)
۲. معرفت روزی به انتها خواهد رسید، اول قرنتیان ۱۳:۸ (آینده مجهول اخباری)
۳. هر عطیه‌ای روزی تمام خواهد شد، اول قرنتیان ۱۳:۱۰ (آینده مجهول اخباری)
۴. دوران نونهالی روحانی روزی به سرانجام خواهد رسید، اول قرنتیان ۱۳:۱۱ (آینده معلوم اخباری)

۱۳:۱۲ "آینه" شهر قرنتس در ساختن آینه‌های بوجود آمده از آهن تراشیده شهرت داشت. این آینه‌ها بهترین از نوع خود در آن دوران بودند، اما تصویری را که منعکس می‌کردند، واضح نبود. همواره مواعی جلوی پای بشر، حتی بشر اصلاح و احیا شده وجود دارند، (۱ گناه ذاتی؛ ۲ محدودیت در عملکرد؛ ۳ محدودیت در جنبه‌های فکری؛ ۴ جهانبینی تحت تأثیر فرهنگ؛ ۵) زمان بعنوان ترتیب تاریخی؛ ۶) زبان انسانی برای توضیح و تشریح جهان معنوی و روحانی.

به آیه‌های موازی دقت نمایید

۱. اول قرنتیان ۹:۱۳، دانستن جزء، نبوت در جزئیات در برابر زمانی که کامل می‌آید.
۲. اول قرنتیان ۱۱:۱۳، یک کودک در برابر یک بزرگسال
۳. اول قرنتیان ۱۲:۱۳، یک آینه قرنتی در برابر رو در رو و دانستن بخش در برابر دانستن کل و کامل.

بنظر می‌رسد که این امر منعکس کننده یک واقعیت امروزی در برابر یک واقعیت در زمان آینده باشد، لذا، بازگشت دوم مسیح، که به سرانجام رسیدن عصر جدید خواهد بود، کانون تمرکز این مبحث می‌باشد.

■ "محو" این عبارت دقیقاً "یک معما" است (NJB). ربی‌ها معتقد بودند که خداوند با موسی بشکل چیستان و معما سخن گفت (اعداد ۱۲:۶، ۸).

■ "رو به رو" این عبارت یک استعاره برای همنشینی و نزدیکی است (قابل قیاس با اعداد ۱۲:۸). در عهد عتیق مشاهده یهوه بمعنای مرگ بود (پیدایش ۳۲:۳۰؛ خروج ۳۳:۲۰؛ یوحنا ۱:۱۸). در عصر جدید چنین امری کاملاً طبیعی می‌باشد (متی ۵:۸؛ ۲قرنتیان ۵:۷؛ ۱ یوحنا ۳:۲؛ مکاشفه ۲۲:۴).

■ "شناخت من جزئی است؛ ... به کمال خواهیم شناخت، ... به کمال نیز شناخته شده‌ام" بدیهی است که در اینجا با واژه یونانی و عبری "دانستن" بازی شده است. در عهد جدید این واژه نه به حقایق شناختی (از مفاهیم یونانی است)، بلکه ارتباطات شخصی اشاره دارد (پیدایش ۴:۱ و ارمیا ۵:۵). در این آیه نیز با واژه یونانی "شناختن" بازی شده است (*ginōskō*). کاربرد اول معنای ابتدایی آن است. عبارات دوم و سوم بصورت ترکیبی بکار برده شده‌اند (*epiginōskō*)، که بمعنی کمال کامل می‌باشد. ایمانداران خدا را در عهد جدید خواهند شناخت، همانگونه که او ما را می‌شناسد (اول قرنتیان ۸:۳؛ غلاطیان ۴:۹). "پیمان جدید" توسط قوم خدا برای شناخت او شخصیت پردازی شده است (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴). در اینباره هیچ نیازی به معلمین و وعاظ نیست!

مفهوم "شناختن" با مفهوم انتخاب مرتبط است. راز چگونگی ارتباط انتخاب (خواست خدا) با اجابت عهد (انتخاب انسان) نامشخص است. بدنبال منطق این آیات از عهد عتیق: مزمو ۱:۶؛ ارمیا ۱:۵؛ عاموس ۲:۲ و این آیات از عهد جدید: رومیان ۸:۲۹؛ ۱۱:۲؛ اول قرنتیان ۸:۳؛ ۱۳:۱۳؛ غلاطیان ۴:۹، ایمانداران خداوند را پیش از زمان، در زمان مقرر و در ورای زمان خواهند شناخت. ایمانداران اما، خدا را در صحنه‌های عدالت، تقدیس و جلال خواهند شناخت. ما او را در طول دوران عهد عتیق، عیسی و کلام انجیل شناختیم؛ به در طول زمان با رشد خود برای شبیه به مسیح شدن و بوسیله روح؛ و فراتر از زمان او را در رو در رو خواهیم شناخت، نزدیکی این ارتباط با معرفت کامل از عصر جدید رستگاری و عدالت بوجود خواهد آمد.

۱۳:۱۳ "امید" این واژه به مبهمی و نامشخصی واژه انگلیسی آن نیست. این واژه یک اطمینان قطعیت که وعده‌های خداوند در زمانی که او مقرر می‌نماید، محقق خواهد گردید.

موضوع خاص: امید (*elpis*) در پولس

(Special Topic: Hope)

پولس اغلب از این اصطلاح به شیوه‌های مختلف ولی در مفاهیم مرتبط استفاده کرده است. اغلب با تحقق یافتن ایمان مؤمن همراه بود (به عنوان مثال، اول تیموتائوس ۱: ۱). این می‌تواند به عنوان شکوه، زندگی ابدی، نجات نهایی، آمدن دوم و غیره بیان شود. تحقق یافتن قطعی است، اما عنصر

- زمان، آینده بوده و نامشخص است. امید اغلب با "ایمان" و "عشق" همراه بود (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۳: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۱: ۳؛ دوم تسالونیکیان ۱۶: ۲). لیستی از برخی از کاربردهای پولس عبارتند از:
۱. آمدن دوم، غلاطیان ۵: ۵، افسسیان ۱: ۱۸، ۴: ۴، تیتوس ۲: ۱۳
 ۲. عیسی امید ما است، اول تیموتائوس ۱: ۱ (خدا امید ما است، اول تیموتائوس ۵: ۵، اول پطرس ۳: ۵)
 ۳. مومن به خدا نشان داده میشود، کولسیان ۱: ۲۲ الی ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
 ۴. امید در بهشت قرار دارد، کولسیان ۱: ۵
 ۵. اعتماد به انجیل، کولسیان ۱: ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
 ۶. رستگاری نهایی، کولسیان ۱: ۵، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳، ۵: ۵
 ۷. شکوه خدا، رومیان ۵: ۲، دوم قرن‌تین ۳: ۱۲، کولسیان ۱: ۲۷
 ۸. رستگاری کفار توسط مسیح، کولسیان ۱: ۲۷
 ۹. تضمین رستگاری، اول تسالونیکیان ۵: ۸
 ۱۰. حیات جاویدان، تیتوس ۱: ۲، ۳: ۷
 ۱۱. نتایج بلوغ مسیحی، رومیان ۵: ۲ الی ۵
 ۱۲. رستگاری همه مخلوقات، رومیان ۸: ۲۰ الی ۲۲
 ۱۳. تصدیق پذیرش، رومیان ۸: ۲۳ الی ۲۵
 ۱۴. عنوان خدا، رومیان ۱۵: ۱۳
 ۱۵. اشتیاق پولس برای ایمانداران، دوم قرن‌تین ۱: ۷
 ۱۶. عهد عتیق به عنوان راهنمایی برای ایمانداران عهد جدید، رومیان ۱۵: ۴

- "ایمان، امید و محبت" فعل بصورت مفرد بکار رفته است (غلاطیان ۵: ۲۲). پولس اغلب از این سه واژه (رومیان ۵: ۲-۵؛ غلاطیان ۵: ۵-۶؛ افسسیان ۱۸-۱۵؛ کولسیان ۱: ۴-۵؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۳؛ ۸: ۵؛ عبرانیان) همچون دیگر نویسندگان عهد جدید نیز (عبرانیان ۶: ۱۰-۱۲؛ ۱ پطرس ۱: ۲۱-۲۲) استفاده کرده است.
- "اما بزرگترین نشان محبت است" بزرگترین است زیرا دیگران در پایان عصر به پایان خواهند رسید. ایمان دوباره در دید ایمانداران قرار خواهد گرفت و امید به حد اعلائی خود خواهد رسید، اما عشق و محبت همچنان باقی خواهد ماند زیرا که از شخصیت خدا سرچشمه گرفته است (یوحنا ۳: ۱۶؛ یوحنا ۴: ۸، ۱۶).

سوالات این بحث

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.
۱. محوریت بحث این فصل را در یک جمله با کلمات خود بیان نمایید.
 ۲. چرا پولس یک بخش درباره محبت در میان مبحث هدایای روحانی اضافه کرد؟
 ۳. آگاپه (*agapē*) را با کلمات خود تعریف نمایید.
 ۴. چرا اول قرن‌تین ۱۳: ۸-۱۳ تبدیل به صحنه نبرد بر موضوع هدایای روحانی در دوران ما گردیده است؟

اول قرنتیان ۱۴

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
				آداب عمومی پرستش (۱۱:۲-۱۴:۴۰)
زبانها و نبوت	نبوت و زبانها	در میان هدایا، نبوت بالاتر از زبانهاست	توضیحات بیشتر درباره هدایای گرفته شده از روح	عطایای روحانی: اهمیت دیدگاه آنان در جامعه
۵-۱:۱۴	۵-۱:۱۴	۵-۱:۱۴	۴-۱:۱۴	۵-۱:۱۴
	زبانها باید ترجمه شوند		۶-۵:۱۴	
۱۹-۶:۱۴	۱۹-۶:۱۴	۱۲-۶:۱۴		۱۲-۶:۱۴
			۱۲-۷:۱۴	
		۱۷-۱۳:۱۴	۱۷-۱۳:۱۴	۱۹-۱۳:۱۴
	زبانها یک نشانه برای بی‌ایمانان هستند		۱۹-۱۸:۱۴	
۲۵-۲۰:۱۴	۲۵-۲۰:۱۴	۲۵-۲۰:۱۴	۲۲-۲۰:۱۴	۲۵-۲۰:۱۴
			۲۵-۲۳:۱۴	
همه چیز باید به ترتیب صورت پذیرد	ترتیب در جلسات کلیسا		ترتیب در کلیسا	تنظیم هدایای روحانی
۳۳-۲۶:۱۴	۴۰-۲۶:۱۴	۳۳-۲۶:۱۴	۳۳-۲۶:۱۴	۳۳-۲۶:۱۴
۳۶-۳۳:۱۴		۳۶-۳۳:۱۴	۳۵-۳۳:۱۴	۳۵-۳۳:۱۴
			۳۸-۳۶:۱۴	۳۸-۳۶:۱۴
۴۰-۳۷:۱۴		۱۴-۳۷:۱۴		۴۰-۳۹:۱۴
			۴۰-۳۹:۱۴	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳. (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

- A. این آیات راهنماییهای پولس را برای اجتماعات پرستشی که در فصل ۱۱ آغاز گردیده بود، ادامه می‌دهد. برنامه‌های پرستشی در کلیسای قرن‌تس بسیار غیرمتعارف و در تمام زمینه‌ها بدور از استاندارد بود.
- B. شاخص اصلی برای ارزیابی اجرایی پرستش در وحله اول آگاهی از میزان تذهیب بوده و اینکه "آیا این برنامه تمام کلیسا را شامل می‌گردد؟" اجتماعات پرستشی دارای دو محور اصلی هستند:
۱. نیازهای فرد گمراه که اکنون حضور دارد
 ۲. نیازهای ایماندارانی که اکنون حضور دارند
- این موضوع پیرو مأموریت بزرگ عیسی در متی ۱۹:۲۸-۲۰ است. کتاب *Hard Sayings of the Bible* می‌نویسد:
- "قواعد اجرایی پولس برای زندگی دستجات کلیسایی و پرستش ثابت است. هر آنچه که انجیل منع می‌کند، بجای رشد منجر به سردرگمی می‌گردد، بجای تشویق یا تقویت منجر به صدمه می‌گردد، همه این موارد و آنچه که ماحصل داستان می‌گردد، برخلاف هدف خداوند است. تا زمانیکه زنان در قرن‌تس و دیگر کلیساهای نوپا از عطایای خود بر خلاف خواست خدا استفاده می‌کنند، حکم به سکوت واجب می‌گردد. اجرای این حکم هم برای زنان و هم مردان در تمام کلیساها دارای اعتبار است." (صفحه ۶۱۶)
- C. حال درباره مشکلات متناقض زنان شرکت کننده در اجتماعات پرستشی، اگر شما نظرات پنج مفسر را مطالعه نمایید، از پنج نقطه نظر متفاوت اطلاع می‌یابید. بنظر می‌رسد که مشکل از آنجا شروع می‌شود که همه ما با مسائل و مشکلات شخصی، مذهبی، تجربی و هر مونوتیکی که با آن مواجه هستیم این فصل را مطالعه می‌کنیم! هیچکدام از ما بی طرفانه به موضوع نگاه نمی‌کنیم. با وجودیکه انجیل را جدی می‌گیریم، اما درون انجیل، حتی پولس به دو شیوه و با دو لحن سخن می‌گوید (اول قرن‌تس ۱:۱۱:۵ در برابر ۱:۱۴:۳۴).
- برخی مفسران حتی شعر کردند آیات ۱:۳۴-۳۵ را بنام اینکه اضافات نوشتاری هستند، حذف نموده (MSS D, F, G) این آیات را پس از اول قرن‌تس ۱:۱۴:۴۰ قرار داده است) یا آن را منتسب به برداشت پولس از یکی از آموزه‌های معلمان دروغین دانسته‌اند. به هر صورت، اینگونه برداشت از موضوع، باعث می‌گردد که آنچه را که این فصل می‌خواهد بیان نماید کاملاً در تضاد با موضوع اصلی بنظر رسد.
- D. جملات پولس در اول قرن‌تس ۱:۱۴-۳۴ با رسوم یهودیان و فرهنگ یونانی-رومی در آن زمان تطابق کامل دارد. با اینحال، در بسیاری از موارد مأموریت بشارتی پولس در تضاد با رسوم یهودیان و فرهنگ یونانی-رومی بوده است.
- E. جوامع مدیترانه قرن اول مبتنی بر بردگی و مردسالاری بوده است. برای عیسی یا پولس تغییر بنیادین هر یک از ساختارهای این جوامع ممکن بود منجر به تأثیر منفی بر رشد کلیسا یا حتی بقای آن گردد. هم عیسی و هم پولس بر کرامت و ارزش انسان تأکید داشتند. انجیل در زمان مقتضی جلوی هر گونه سوءاستفاده از این دورا خواهد گرفت. بجرأت می‌توان گفت که آنان در روزگار خود با نیروی وحی سخن گفته و کلام آنان به کرامت و برابری در زمان آینده اشاره داشته است.
- F. زنان یا برده‌داران در دوران کلیسای اولیه تأثیرات منفی بر روی بشارت مسیحیت داشتند. بنوعی همین اتفاق امروزه نیز روی می‌دهد، اما از سوی نقطه مخالف. در جوامع امروزی زنان سخن‌ور بیش از دیگران بر روی جوامع تأثیرگذار هستند. این را نمی‌گوییم تا به جامعه روحانیت زنان خوش‌آید، بلکه برای درک این امر است که همه ایمانداران مستعد و دارای هدیه عطا شده از سوی خداوند، به بشارت کلام خدا فر خوانده شده‌اند، همه آنان! (افسیان ۴:۱۲).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تس ۱:۴-۵

^۱طریق محبت را پیروی کنید و با اشتیاق تمام در پی تجلیات روح باشید، بخصوص اینکه نبوت کنید. ^۲زیرا آن که به زبان غیر سخن می‌گوید، نه با انسانها بلکه با خدا سخن می‌گوید. زیرا هیچ کس سخنش را درک نمی‌کند؛ او به واسطه روح، رازها را بیان می‌کند. ^۳اما آن که نبوت می‌کند، با انسانهای دیگر برای بنا، تشویق و تسلی‌شان سخن می‌گوید. ^۴آن که به زبان غیر سخن می‌گوید خود را بنا می‌کند، اما آن که نبوت می‌کند باعث بنای کلیسا می‌شود. ^۵آرزوی من این است که همه شما به زبانهای غیر سخن بگویید، اما بیشتر می‌خواهم که نبوت کنید. آن که نبوت می‌کند، بزرگتر است از آن که به زبانهای غیر سخن می‌گوید، مگر اینکه ترجمه کند تا باعث بنای کلیسا شود.

۱:۱۴ "طریق محبت را پیروی کنید" این جمله حال کامل خبری است (رومان ۱۴:۱۹؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۱۵؛ ۱ تیموتائوس ۶:۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۲:۲۲). این عبارات نشان دهنده ارتباط آن با فصل ۱۳ می باشد. محبت بخشی از ذات خداوند و قوم او می باشد (غلاطیان ۵:۲۲؛ ۱ یوحنا ۴:۷-۲۱). بخاطر داشته باشید، فصلهای ۱۱-۱۴ هر یک بخشهای مستقلی هستند که تمرکز آنها بر روی مشکلات مرتبط با اجتماعات پرستشی در قرن سیم می باشد.

NASB "با اشتیاق تمام در پی عطایای روح باشید"

NKJV "عطایای روح را تمنا کنید"

NRSV "برای عطایای روح تلاش کنید"

TEV "قلب خود را بر روی عطایای روح متمرکز کنید"

NJB "برای عطایای روح نیز مشتاق باشید"

این نیز یک جمله دیگر دستوری از ریشه "جوشاندن" است (اول قرنتیان ۱۲:۳۱). این عبارات ارتباط متنی این فصل را با فصل ۱۲ نشان می دهد. بخاطر داشته باشید که فصلهای ۱۲ تا ۱۴ مربوط به یک دوران خاص هستند که بر روی استفاده صحیح از هدایای عطا شده توسط روح متمرکز شده اند.

واژه "روحانی" دقیقاً عین واژه ای است که در اول قرنتیان ۱:۱۲ بکار برده شده بود (اول قرنتیان ۲:۱۳، ۱۵:۳؛ ۱:۳؛ ۱۱:۹؛ ۳:۱۰؛ ۴:۱۴؛ ۳۷:۱۵؛ ۴۴:۴۶). این آیات می توانند به هدایای روح، مردم، اشیاء یا هر چیز دیگری ارتباط یابند. این ارتباط را متن کلام تصمیم گیرنده خواهد بود.

□ "بخصوص اینکه نبوت کنید" واژه نبوت در اول قرنتیان به شیوهی خاصی بکار برده شده است. این واژه به نبوتهای انبیای عهد عتیق اشاره نمی کند (نوشته شده در متن)، بلکه اشاره به برقراری ارتباطی واضح از سوی کلام انجیل، چه بوسیله وعظ در میان جمع و چه در میان شاهدان خصوصی اشاره دارد. چنین امری باید خواست هر ایماندار باشد (اول قرنتیان ۱۴:۳۹)، اما در عین حال شخص باید هدیهی عطایی از روح را نیز دارا باشد (اول قرنتیان ۱۲:۱۰، ۲۸-۲۹). همه ایمانداران در هر مرحله ای از عطایای روح که قرار داشته باشند باید در این امر مشارکت داشته باشند، اما فقط یک یا چند نفر از آنان در میان ایمانداران دارای این انرژی به جهت تأثیرگذاری خاص خواهد بود. این گوناگونی نیازمند یک مشارکت جمعی و محبت روحی میان ایمانداران است. ما بخاطر کلام انجیل به اتحاد فراخوانده شده ایم، و نه یکسانی و متحدالشکل بودن. فقط در مشارکت است که ما تأثیرگذار خواهیم بود! ما بشدت نیازمند دیگر ایمانداران هستیم. کلیسا جامعه ای است از افرادی که از سوی خداوند فراخوانده شده، دارای هدیه الهی بوده و تمام وقت بخدمت مشغول هستند. ما بمنظر نشر کلام خدا سلامتی و تقدس کلیسا دارای هدیهی روح هستیم.

جمله سوالی "آیا باعث تقدیس کلیسا می گردد؟" در واقع هدایای عطایی را با زبانها مقایسه می نماید. به این معنا که این متن "انجیل را پیشگویی" می نماید، لذا برای کل کلیسا و بازدیدکنندگان آن مقدس شمرده می گردد. سخن گفتن با زبانها فقط یک برکت برای فرد ایماندار محسوب می گردد تا زمانی که برای تمام کلیسا ترجمه گردد. این عبارت در حالت مکاشفه ای وحی که در عهد عتیق بود، قابل درک نمی باشد (به موضوع خاص: نبوت در عهد عتیق در اول قرنتیان ۱۲:۱۰ مراجعه نمایید).

موضوع خاص: نبوت عهد جدید

(Special Topic: New Testament Prophecy)

I. همانند نوبت عهد عتیق نیست (BDB 611, KB 661)، موضوع خاص: نبوت عهد عتیق را مطالعه کنید، که مفاهیم روحانی دریافت کردن و ثبت مکاشفه بیهوده را در بر دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۸ و ۲۱، رومیان ۱۶: ۲۶). فقط پیامبران می توانستند کتاب مقدس بنویسند.

A. موسی نبی خطاب می شد (مراجعه شود به تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۲۱)

B. در کتب تاریخی (یوشع - پادشاهان [به غیر از روت] پیامبران پیشین خطاب می شدند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۴).

C. پیامبران جایگاه کاهن اعظم را بدست می آوردند زیرا آنها منشا اطلاعات از خدا بودند (مراجعه شود به اشعیا - ملاکی)

D. بخش دوم احکام موسی "پیامبران" است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷، ۲۲: ۴۰، انجیل لوقا ۱۶: ۱۶، ۲۴: ۲۵ و ۲۷، رومیان ۳: ۲۱).

II. در عهد جدید مفهوم به چندین شیوه مختلف استفاده میشود

A. اشاره به انبیای عهد عتیق و پیامهای وحی شده به آنان (مراجعه شود به انجیل متی ۲: ۲۳، ۵: ۱۲، ۱۱: ۱۳، ۱۳: ۱۴، رومیان ۱: ۲)

B. اشاره به پیام برای فرد تا پیام برای یک گروه (پیامبران عهد عتیق اساساً با اسرائیل صحبت می کردند)

C. هم به یحیی تممید دهند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۴: ۵، ۲۱: ۲۶، انجیل لوقا ۱: ۷۶) و هم عیسی به عنوان مبشرین پادشاهی خدا اشاره می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۵۷، ۲۱: ۱۱ و ۴۶، انجیل لوقا ۴: ۲۴، ۷: ۱۶، ۱۳: ۳۳، ۲۴: ۱۹). عیسی همچنین ادعا می‌کرد که از سایر پیامبران بزرگتر است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۲: ۴۱، انجیل لوقا ۷: ۲۶).

D. سایر پیامبران در عهد جدید

۱. اوایل زندگی عیسی، آن طور که در انجیل متی ثبت شده است (خاطرات مریم)

۱. الیزابت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۴۱ الی ۴۲)

۲. زکریا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶۷ الی ۷۹)

۳. شمعون (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۵ الی ۳۵)

۴. حَتّی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶)

۲. پیش‌گوییهای دوگانه (مراجعه شود به قیافا، انجیل یوحنا ۱۱: ۵۱)

E. اشاره به کسی که انجیل را اعلام می‌دارد (در لیست کسانی که موهبت را اعلام می‌دارند در اول قرن‌تبیان ۱۲: ۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴: ۱۱ اضافه شده است)

F. اشاره به موهبت مستمر در کلیسا (انجیل متی ۲۳: ۳۴، اعمال رسولان ۱۳: ۱، ۱۵: ۳۲، رومیان ۱۲: ۶، اول قرن‌تبیان ۱۲: ۱۰، و ۲۸ الی ۲۹، ۱۳: ۲، افسسیان ۴: ۱۱). گاهی اوقات می‌تواند به زنان اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶، اعمال رسولان ۲: ۱۷، ۲۱: ۹، اول قرن‌تبیان ۱۱: ۴ الی ۵)

G. اشاره به بخشهای آخرالزمانی کتاب مکاشفه (مراجعه شود به مکاشفه ۱: ۳، ۲۲: ۷ و ۱۰ و ۱۸ و ۱۹)

III. پیامبران عهد جدید

A. آنان، آن طور که پیامبران عهد عتیق تحت وحی مکاشفه می‌کردند (کتاب مقدس)، مکاشفه نمی‌کردند. این اظهار به واسطه استفاده عبارت "ایمان" (در مفهوم کامل شدن خبر خوش) که در اعمال رسولان ۶: ۷، ۱۳: ۸، ۱۴: ۲۲، غلاطیان ۱: ۲۳، ۳: ۲۳، ۶: ۱۰، فیلیپیان ۱: ۲۷، یهودا ۳ و ۲۰ امکانپذیر است.

این مفهوم از کل عبارت استفاده شده از یهودا ۳ مبراست، "ایمان یکبار و برای همیشه به قدیسان واگذار می‌شود". عبارت "یکبار برای همیشه" ایمان اشاره به حقایق، دکترین‌ها، مفاهیم، تعالیم جهان بینی مسیحیت دارد. عبارت، تاکید یکبار دادن مبنای انجیلی برای محدود ساختن نوشته‌های وحی شده عهد جدید از نظر الهیات است که اجازه نمی‌دهد سایر نوشته‌های آتی، مکاشفه تلقی گردند (موضوع خاص: الهام و وحی را مطالعه کنید). در عهد عتیق، بسیاری از بخش‌ها مبهم و نامشخص هستند (موضوع خاص: ادبیات شرقی [تضادهای انجیلی])، ولی ایمانداران با ایمان تائید می‌کنند که هر آنچه برای ایمان لازم است به اندازه کافی و به وضوح در عهد جدید وجود دارد. این مفهوم در آنچه تثلیث مکاشفه نامیده می‌شود، تعریف شده است.

۱. خدا در مقاطع زمانی مختلف خود را آشکار کرده است (مکاشفه).

۲. او نویسندگان خاصی را انتخاب کرده است تا اعمال او را ثبت کرده و توضیح دهند (الهام).

۳. او روح خود را داده است تا اذهان و قلبهای انسانها را برای درک این نوشته‌ها باز کنند، نه به طور قطع، بلکه به صورت متناسب برای رستگاری و زندگی مسیح‌گونه. (نورانی، موضوع خاص: نورانی را مطالعه کنید). نکته در اینجاست که الهام و وحی محدود به نویسندگان کتاب مقدس است. هیچ نوشته، دیدگاه، یا مکاشفه دیگری وجود ندارد. قانون کلی بسته می‌شود. ما تمامی حقیقتی را که بدان نیاز داریم تا به خدا پاسخ دهیم، در اختیار داریم. حقیقت را به بهترین شکل می‌توان در نوشته‌های انجیلی در برابر مخالفت‌های ایمانداران دید. هیچ نویسنده یا سخنران عصر مدرنی آن سطح مدیریت الهی را که نویسنده کتاب مقدس داشتند را داشته باشد.

B. پیامبران عهد جدید به نوعی همانند پیامبران عهد عتیق هستند.

۱. پیش‌بینی رخدادهای آینده (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۲۷: ۲۲، آگابوس، اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱، سایر پیامبران بی‌نام، اعمال رسولان ۲۰: ۲۳).

۲. داوری را اعلام می‌دارند (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۱۳: ۱۱، ۲۸: ۲۵ الی ۲۸)

۳. اعمال نمادین که به صورت مشهود نمایانگر رخدادی هستند (مراجعه شود به آگابوس، اعمال رسولان ۲۱: ۱۱)

- C. آنان حقیقت انجیل را اعلام می‌دارند، گاهی اوقات به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۰: ۲۳، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱)، ولی این تمرکز اصلی نیست. نبوت کردن در اول قرن‌تینان اساساً برقراری ارتباط با انجیل است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۴ و ۳۹).
- D. آنان ابزارهای عصر معاصر روح برای مکاشفه عصر حاضر حقیقت خدا برای هر موقعیت، فرهنگ یا دوره زمانی جدید نیستند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۴: ۳).
- E. آنها در کلیساهای پولس فعال بودند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۱: ۴ الی ۵، ۱۲: ۲۸ و ۲۹، ۱۳: ۲ و ۸ و ۹، ۱۴: ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۷ و ۳۹، افسسیان ۲: ۲۰، ۳: ۵، ۴: ۱۱، اول تسالونیکیان ۵: ۲۰) و در *Didache* (نوشته شده در قرن اول یا دوم، تاریخ آن قطعی نیست) و در موتانیسم قرن‌های دوم و سوم شمال آفریقا ذکر شده‌اند.
- IV. آیا مواهب عهد جدید یافته‌اند؟
- A. به سختی می‌توان به این سوال پاسخ داد. این سوال کمک می‌کند که مسئله با تعریف اهداف مواهب روشن شود. آیا آنها برای تأیید موعظه اولیه انجیل هستند یا آنها شیوه‌های مستمر برای کلیسا جهت بشارت به خود و جهان گمراه هستند؟
- B. آیا کسی به تاریخ کلیسا نگاه می‌کند تا به سوال عهد جدید پاسخ دهد؟ هیچ چیزی در انجیل نیست که بگوید مواهب معنوی موقتی بودند. آنها که سعی می‌کردند از اول قرن‌تینان ۱۳: ۸ الی ۱۳ استفاده کنند که تا این مسئله را بیان کنند، از نیت نگارنده از متن سو استفاده می‌کند، که تصریح می‌کند هر چیزی غیر از محبت کردن گذرا است.
- C. وسوسه شدم که بگویم از آنجا که عهد جدید، و نه تاریخ کلیسا، نشان از اقتدار دارد، ایمانداران باید تأیید کنند که این مواهب ادامه دارند. با این حال، من فکر می‌کنم که فرهنگ بر تفسیر تاثیرگذار است. برخی متون کاملاً شفاف دیگر کاربرد ندارند (مانند بوسه مقدس، پوشیدن حجاب توسط زنان، ملاقات‌های کلیسایی در خانه، و غیره). اگر فرهنگ بر متن تاثیر گذارد، پس چرا تاریخ کلیسا تاثیر نگذارد؟
- D. این سوالی است که یقیناً نمی‌توان به طور قطع به آن پاسخ داد. برخی ایمانداران مواهب عهد جدید متوقف شده و برخی دیگر می‌گویند متوقف نشده و همچنان ادامه دارند. در این زمینه، همانند بسیاری از دیگر مسائل تفسیر، قلب مومن کلید است. عهد جدید مبهم و فرهنگی است. سختی در این است که بتوان تصمیم گرفت کدام متون تحت تاثیر فرهنگ/تاریخ قرار می‌گیرند و و کدامها برای تمام دورانها هستند (*Fee and Stuart's How to Read the Bible for All Its Worth*، صفحات ۱۴ الی ۱۹ و ۶۹ الی ۷۷). در اینجاست که بحث در مورد آزادی و مسئولیت، که در رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳ و اول قرن‌تینان ۸ الی ۱۰ یافت می‌شوند، حساس هستند. اینکه چگونه به سوال پاسخ دهیم، به دو شیوه بستگی پیدا می‌کند.
۱. هر مومن باید با ایمان و نوری که دارند، گام بردارد. خدا به قلب ما و انگیزه‌هایمان نگاه می‌کند.
۲. هر مومن باید اجازه دهد سایر ایمانداران با درک و ایمانی که دارند گام بردارند. باید تناوباتی در محدودیت‌های انجیلی وجود داشته باشد. خدا از ما می‌خواهد همانطور که او ما را دوست دارد، همدیگر را نیز دوست داشته باشیم.
- E. و در انتها باید توجه داشت که مسیحیت زندگی از روی ایمان و محبت است، نه یک الهیات کامل. رابطه با او که بر رابطه ما با دیگران تاثیر می‌گذارد، بمراتب مهمتر از کامل بودن است.

۲:۱۴

NASB, NKJV

NRSV, NJB "به یک زبان"

KJV "به زبانی ناشناخته"

TEV "به زبانی غریب"

واژه یونانی که برای این عبارت بکار برده شده *glōssa* بوده که بصورت استعاره در اشاره به نوع خاصی از زبان یا گویش بشر است. تجربه "زبانها" در پنتیکاست بروشنی اشاره به زبان شناخته شده‌ی انسانی داشت (اعمال ۲: ۶-۱۰). این معجزه باید در گوش بوجود آمده باشد ("هر یک از ایشان می‌شنید که آنان به زبان خودش سخن می‌گویند"). نظیر همین پدیده ماوراءالطبیعه بارها در اعمال رسولان بمنظور اطمینان یهودیان ایماندار از جهت پذیرش گروه دیگری از مردم توسط خداوند، بوقوع پیوسته بود (سامریان، سپاهیان روم، غیریهودیان).

با اینحال، "زبانهای" اول قرنیتیان بنظر بیشتر همردیف با سخنان پرشور پیشگویان یونانی، همچون دلفی باشد، در جاییکه یک زن به خلسه رفته و فرد دیگری سخنان او را ترجمه کرد. قرنتس یک شهر فراملیتی بود. مردم از سرتاسر دنیای شناخته شده در قرنتس بودند، با اینوجود در متن، "ترجمه زبانها" بعنوان یک هدیه روحانی مطرح گردیده (اول قرنیتیان ۱۲: ۱۰، ۳۰؛ ۱۴: ۲۶)، و نه فقط یک فردی که قادر به سخن گفتن به زبان خارجی است.

■ "نه با انسانها بلکه با خدا سخن می گوید" زبان قرنیتیان یک مکالمه خصوصی میان خدا و یک ایماندار بود (اول قرنیتیان ۱۴: ۲۴). زبانها در نوع خود بمنظور برقرار کردن ارتباط نبوده، بلکه بقصد نزدیک شدن به خدا می باشند. تنها چنانچه ترجمه شوند، سخنگو و شنوندگان آن را درک خواهند کرد.

■ "زیرا هیچ کس سخنش را درک نمی کند" بنظر می رسد که زبانها در قرنتس اصوات ناشناخته ای بودند. در دلفی یک فرد خاص (معمولاً یک زن) صداهایی غیرعادی از خود تولید کرده، سپس فرد دیگری این صداها را برای حضار ترجمه می کرد. این عمل بنظر مشابه با "زبانها" در قرنتس می باشد. توجه داشته باشید که در کتاب اعمال رسولان هیچ "مترجمی" وجود ندارد!

۳:۱۴ "تشویق" این سومین آزمون برای ارزیابی هدایای روحانی است (به دیدگاه های متنی در فصل ۱۲ C مراجعه نمایید). آیا آنان کلیسا را تذهیب و تشویق و یا بنا می سازند؟ این مضمون بارها و بارها در این فصل تکرار گردیده، اول قرنیتیان ۱۴: ۳، ۴، ۵، ۱۲، ۱۷، ۲۶. بهمین علت است که "نبوت" بعنوان نشر کلام انجیل شناخته گشته و بیش از "زبانها" مورد علاقه واقع می گردد. نبوت پیشگویی کلام انجیل برای همه حضاران است، در حالیکه زبانها اگر ترجمه نگردد، فقط مایه برکت سخنگو خواهند بود. زبانها، در صورت ترجمه، و ترجمه آنها خدمتی مشابه با مقصود اصلی پیشگویی انجیل انجام می دهند. به موضوع خاص: تذهیب در اول قرنیتیان ۸: ۱ مراجعه نمایید.

■ "تشویق و تسلی" هدف از پیشگویی انجیل بطور مشخص بشارت نیست، بلکه تشویق کلیسا نیز هست (تذهیب، تشویق و تسلی).

۴:۱۴ "آن که به زبان غیر سخن می گوید خود را بنا می کند" زبانهای قرنیتیان بدون ترجمه فقط هدایایی هستند که به هر فرد عطا گردیده اند.

■ "کلیسا" واژه *ekklesia* بدون هیچ قاعده ای اشاره به بدن کل ایمانداران می نماید. آرزوی پولس اینست که همه ایمانداران، نه فقط گروهی منتخب، از این گردهماییها برکت گیرند. به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۲: ۱ مراجعه نمایید.

۵:۱۴ "آرزوی من این است که همه شما به زبانهای غیر سخن بگوئید" آیه ۱۲: ۳۰ را مقایسه و بخاطر داشته باشید که این عبارات مبتنی به بندهای در پیش رو هستند. پولس زبانها را بی اعتبار نمی کند، بلکه (۱) بر رابطه مناسب و مقتضی آنها با سایر هدایای عطا شده تصریح داشته و (۲) برخی خطوط را برای استفاده کاربردی از آنها مشخص می نماید. بدیهی است که قرنیتیان از این هدیه برای اهداف جلال شخصی و اعتبار خود بهره می بردند.

■ "آن که نبوت می کند، بزرگتر است" این ارزشیابی که زبانها از ارزش کمتری در تذهیب اجتماعات پرستشی برخوردار هستند، مبتنی بر ضوابط پولس می باشد. اما بخاطر داشته باشید که سخن گفتن به زبانها هدیه ای معتبر از جانب روح می باشد (اول قرنیتیان ۱۴: ۱۸، ۳۹)!

■ "مگر اینکه ترجمه کند" این جمله سوم شخص شرطی بوده و در نسخه یونانی بوسیله *ei* بجای *ean* نوشته شده است. آیا این امکان وجود دارد که فرد بتواند هر از هر دو هدیه ی زبانها و ترجمه آنها برخوردار باشد؟ از سایر متون اینگونه بر می آید که رهبران مسیحی بیش از یک هدیه روحانی را دارا بودند (اعمال ۱۳: ۱، ۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۱). با اینحال، اگر امکان آن وجود داشته باشد تا فرد سخنگو به زبانها سخن گفته و سپس ترجمه نماید، پس دیگر چه نیازی به مترجم می باشد؟ این تلفیق چه تفاوتی با نبوت دارد؟ این امکان وجود دارد که یک ایماندار از هر دو هدیه که به دفعات مورد استفاده قرار می گیرد، برخوردار باشد، اما امر مرسوم نیست (اول قرنیتیان ۱۴: ۱۳). بیشتر محتمل است که پولس از یک تکنیک ادبی برای کم اهمیت جلوه دادن نیاز به درک ارتباطات در گردهماییهای پرستشی بهره می برده است.

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۱۴: ۶-۱۲

حال ای برادران، اگر من نزد شما بیایم و به زبانهای غیر سخن بگویم، چه نفعی به شما خواهم رسانید، مگر اینکه مکاشفه یا معرفت یا نبوت یا تعلیمی برایتان داشته باشم؟^۷ حتی سازهای بی جانی چون نی و چنگ اگر نواهای مشخص بر نیاروند، چگونه می توان تشخیص داد چه آهنگی نواخته می شود؟^۸ اگر شیپور آوای مشخص ندهد، چه کسی مهیای جنگ می شود؟^۹ در مورد شما نیز چنین است. اگر به زبان خود کلماتی مفهوم نگوئید، چگونه می توان فهمید که چه می گوئید؟ در آن صورت، بدین می ماند که با هوا سخن بگوئید. ^{۱۰} بی شک در جهان انواع زبانها وجود دارد، اما هیچ یک بی معنی نیست. ^{۱۱} پس من اگر نتوانم معنی گفتار دیگری را بفهمم، نسبت به او بیگانه ام و او نیز نسبت به من. ^{۱۲} در مورد شما نیز چنین است. از آنجا که مشتاق تجلیات روح هستید، بکوشید که در بنای کلیسا ترقی کنید.

۶:۱۴ "اگر" چهار جمله شرطی نوع سوم در این پاراگراف وجود دارد، اول قرن‌تبیان ۶:۱۴-۱۲، که سخن از احتمال وقوع عملی می‌گوید (اول قرن‌تبیان ۶:۱۴، ۷، ۸، ۱۱). هم اول قرن‌تبیان ۶:۱۴ و هم ۷ سوالاتی هستند که در انتظار پاسخ "منفی" می‌باشند (همچون اول قرن‌تبیان ۹:۱۴).

□ "مگر اینکه مکاشفه یا معرفت یا نبوت یا تعلیمی برایتان داشته باشم" این عبارات ظاهراً منعکس کننده هدایای دیگری هستند، اما تفاوت‌های آنها مشخص نیست. احتمالاً همچون اینجا، از بخاطر اینکه از تنی چند از رهبران برخوردار از این هدایا در افسسیان ۴:۱۱ ذکر بمیان آمده که هر یک انجیل را به شیوه‌های مختلف وعظ می‌کردند. خداوند واقعیت‌های خود را به شیوه‌های گوناگونی هویدا می‌کند، اما محتوای همه آنها یکی است. هدایای زیاد، یک انجیل؛ ایمانداران دارای هدیه، یک هدف (تذهیب کلیسا و رشد آن؛ متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال رسولان ۸:۱).

۷:۱۴-۸ پولس از نواختن فلوت و چنگ در اول قرن‌تبیان ۷:۱۴ و یک شیپور در اول قرن‌تبیان ۸:۱۴ که نظامیان از آن استفاده می‌کردند، برای بیان نکته‌های خود بهره می‌برد. از ابزار موسیقی برای مقاصد گوناگونی استفاده می‌گردد (برای بوجود آوردن موسیقی یا ارسال علامت). اگر این ابزار صدای اشتباهی را از خود خارج نمایند، شنونده دچار سردرگمی می‌گردد. صدای انسان بمنظور برقراری ارتباط ورد و بدل کردن اطلاعات با دیگر انسانها بوجود آمده است. اگر صدای تولید شود که هیچ ویژگی خاصی برای سایر انسانها نداشته باشد، در نیت اولیه شکست خورده است (اول قرن‌تبیان ۹:۱۴).

۱۰:۱۴ این آیه یک جمله شرطی نوع چهارم و بسیار نادر است. این آیه نمی‌تواند بمنظور اثبات زبانها بعنوان یک زبان شناخته شده مورد بهره‌برداری قرار گیرد. پولس از واژه دیگری (*phōnē* و نه *glōssa*) در اول قرن‌تبیان ۱۰:۱۴ و ۱۱ استفاده کرده است. این یک ترسیمی از دشواری درک یک زبان بیگانه یا استفاده شده بصورت غیرمتعارف می‌باشد. زبان انسان بمنظور درک شدن بوجود آمده است.

۱۱:۱۸

NASB, NJB
"یک بربر"
NKJV, NRSV,
TEV
"بیگانه"

barbaros) یک کلمه صداواژه برای صداهای عجیب در دیگر زبانها برای رومیان و یونانیان، بویژه قومیت‌های ساکن مناطق شمالی امپراطوری روم باستان است. رومیان و یونانیان می‌گویند که صدایی که از زبانهای قومی می‌شنوند، چیزی شبیه به "بَر، بَر" برای آنها است. واژه "بربر" نیز از همینجا گرفته شده است.

۱۲:۱۴ "از آنجا که مشتاق تجلیات روح هستید" پولس اشتیاق آنها را به چالش نمی‌کشد (اول قرن‌تبیان ۱:۱۴)، بلکه سعی می‌کند این اشتیاق را برای تذهیب تمامی کلیسا کانالیزه نماید (اول قرن‌تبیان ۷:۱۲).

NASB, NKJV,
NRSV, NIV
"هدایای روحانی"
RSV
"تجلیات روح"
TEV
"هدایای روح"
NJB
"نیروهای روحانی"

این کلمه مشابه کلمه یونانی که در اول قرن‌تبیان ۱:۱۲ بکار برده شد (*pneumatikōn*) نیست، بلکه حالت جمع خنثی از کلمه *pneuma* بوده (به موضوع خاص: روح در انجیل در اول قرن‌تبیان ۱:۱۲ مراجعه نمایید)، که بمعنی "دمیدن"، "باد" و "روح" می‌باشد. این فرم در اول قرن‌تبیان ۱۰:۱۲ دیده شده که اشاره به هدیه‌ای خاص دارد (آنچه که روح تشخیص می‌دهد، ۱ یوحنا ۴:۱). در متن ظاهراً اشاره به هدایای روحانی متفاوتی دارد که برای نیکیهای جاری در بدن بدن توسط روح به انسان عطا می‌گردد (اول قرن‌تبیان ۱۱:۱۲).

□ "بکوشید که در بنای کلیسا ترقی کنید" این یک جمله جمع دستوری حال حاضر است. هدف از هدایای روحانی ترقی و جلال فردی نیست، بلکه سلامتی و رشد بدن مسیح، یعنی کلیسا است.

برای مطالعه درباره این "فراوانی" به موضوع خاص در دوم قرن‌تبیان ۷:۲ مراجعه نمایید.

^{۱۳} از این رو، آن که به زبان غیر سخن می‌گوید باید دعا کند تا گفتار خود را ترجمه نماید.^{۱۴} زیرا اگر من به زبان غیر دعا کنم، روح دعا می‌کند، اما عقلم بهره‌ای نمی‌برد.^{۱۵} پس چه باید بکنم؟ به روح دعا خواهیم کرد و به عقل نیز دعا خواهیم کرد؛ به روح سرود خواهیم خواند و به عقل نیز خواهیم خواند.^{۱۶} در غیر این صورت، اگر تو در روح به شکرگزاری مشغول باشی، چگونه کسی که زبانت را نمی‌فهمد به شکرگزاری تو آمین بگوید؟ چرا که نمی‌داند چه می‌گویی!^{۱۷} زیرا تو براستی نیکو شکر می‌کنی، اما شکر تو باعث بنای دیگری نمی‌شود.^{۱۸} خدا را شکر می‌کنم که بیش از همه شما به زبانهای غیر سخن می‌گوییم؛^{۱۹} اما در کلیسا ترجیح می‌دهم پنج کلمه با عقل خود سخن بگویم که دیگران را تعلیم داده باشم، تا اینکه هزاران کلمه به زبانهای غیر بگویم.

۱۳:۱۴ این آیه در متن اینگونه می‌گوید که برقراری ارتباط با همه ترجیح دارد تا با یک فرد (اول قرن‌تبیان ۱۴:۱۵). آیا این آیه به این مفهوم است که ایمانداران هنگام نجات یک هدیه دریافت می‌کنند (اول قرن‌تبیان ۱۲:۱۱)، اما بعد می‌توانند تقاضای یک هدیه دیگری نیز نمایند؟ این سوال باید بدون پاسخ باقی بماند. مشخص است که به برخی هدایای متعددی عطا گردیده است (اعمال رسولان ۱:۱۳؛ ۱ تیموتائوس ۲:۷؛ ۲ تیموتائوس ۱:۱).

۱۴:۱۴ "اگر" این یک جمله شرطی دیگر از نوع سوم است همچون اول قرن‌تبیان آیات ۱۴:۶، ۷، ۸، ۱۱، ۲۳، ۲۴، ۲۸ و ۲۹.

□ "روح دعا می‌کند" این جمله اشاره به روح انسان داشته و دقیقاً استعاره‌ای برای شخصیت و ذات انسان است.

□ "عقلم بهره‌ای نمی‌برد" در اینجا پولس با علاقه‌ای که قرن‌تبیان به محبت داشتند، بازی می‌کند. او همچنین دوباره تأکید می‌کند که زبانها به تنهایی ارتباط برقرار نمی‌کنند، حتی با سخنگوی آن.

۱۵:۱۴

NASB "پس چه سودی دارد"

NKJV "پس چه نتیجه‌ای دارد"

NRSV, TEV "پس چه باید بکنم"

NJB "بعد چه"

این عبارات یک اصطلاح هستند (اول قرن‌تبیان ۱۴:۲۶؛ اعمال رسولان ۲۱:۲۲). پولس می‌خواهد به بحث خود خاتمه داده و نتیجه‌گیری کند.

□ "به روح سرود خواهیم خواند" آیا این بمعنی هدیه‌ی روحانی دیگر است؟ (اول قرن‌تبیان ۱۴:۲۶؛ کولسیان ۳:۱۶؛ افسسیان ۵:۱۹)

۱۶:۱۴ "اگر" این نیز همچون اول قرن‌تبیان ۱۴:۶، ۷، ۸، ۱۱ و ۱۴ یک جمله شرطی دیگر از نوع سوم است.

NASB "کسی که انسان بی‌عطیه را لبریز می‌کند"

NKJV "او که جای نامطلع را پر می‌کند"

NRSV "چگونه کسی می‌تواند در جایگاه یک خارجی"

TEV "چگونه مردم عادی می‌توانند در اجتماعات شرکت کنند"

NJB "انسانی که شروع کننده نیست"

این واژه در رابطه با کسی بکار برده می‌شد که نامطلع یا تعلیم ندیده در حوزه‌های خاص بوده، عبارتی فردی غیر حرفه‌ای محسوب می‌گردید (اعمال ۱۳:۱۳؛ ۲ قرن‌تبیان ۱۱:۶). کاربرد این واژه در اینجا و در اول قرن‌تبیان ۱۴:۲۳-۲۴ می‌تواند یکی از دو معنای ممکن را داشته باشد.

۱. یک بازدیدکننده معمولی در یکی از جلسات مسیحیان در اول قرن‌تبیان ۱۴:۲۳، احتمالاً کسی که برای بار اول به آن مکان آمده بود

۲. احتمالاً یک مسیحی جدید، اما کسی که از نعمت هدیه‌ی زبانها یا ترجمه آنها بی‌بهره بوده است.

عبارت "مکان" (در نسخه فارسی بکار برده نشده)، اشاره می‌کند به (۱) مراجعه کنندگان یا احتمالاً نو مسیحیانی که جای خود را برای واضح شنیدن برگزیده بودند، و یا (۲) یک اصطلاح بری شخصی که ناآگاه بوده.

□ "آمین بگوید" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

یقیناً این احتمال وجود دارد که واژه‌ای که در بالا ذکر شد ارتباط با فرد ایمانداری باشد که فاقد هدیه بوده است (از کتاب *Answers to Questions* نوشته F. F. Bruce، صفحه ۹۸). اگر چنین چیزی صحت داشته باشد، پس پولس می‌خواست که ایمانداران را "امتحان" کرده یا کلماتی را که هنگام نبوت در اجتماعات پرستشی بیان می‌کردند، "مورد داوری" قرار دهد (اول قرن‌تبیان ۲: ۱۲، ۱۵؛ ۲۹: ۱۴، ۳۷؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۰-۲۱؛ همچنین به یادداشت (یوحنا ۴: ۱ مراجعه نمایید).

هیچکس نمی‌تواند "آمین" بگوید مگر اینکه

۱. آنچه را که گفته می‌شود درک کرده باشد

۲. راهی برای ارزیابی کلام گفته شده داشته باشد (روح)

موضوع خاص: آمین

(Special Topic: Amen)

I. عهد عتیق

- A. اصطلاح آمین در زبان عبری برای موارد زیر به کار می‌رود
۱. حقیقت (BDB 49, *emeth*)
 ۲. راستی (BDB 53, *emunah*, *emun*)
 ۳. ایمان یا باوفا بودن
 ۴. اعتماد (BDB 52, *dmn*)
- B. ریشه یابی این واژه دلالت بر ثبات فیزیکی فرد دارد. مخالف آن فردی است که ثبات ندارد، می‌لغزد (مراجعه شود به مزمور ۳۵: ۶، ۴۰: ۲، ۷۳: ۱۸، ارمیا ۲۳: ۱۲) یا تکان می‌خورد (مراجعه شود به مزمور ۷۳: ۲). از این کاربرد مفهومی مفهوم استعاره‌ای برای وفاداری، قابل اعتماد بودن، صداقت و قابل اتکا بودن مشتق می‌شود (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۴).
- C. کاربردهای خاص (موضوع خاص: باور، اعتماد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).
۱. ستون، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۸: ۱۶ (اول تیموتائوس ۳: ۱۵)
 ۲. تضمین، مراجعه شود به خروج ۱۷: ۱۲
 ۳. ثبات، مراجعه شود به خروج ۱۷: ۱۲
 ۴. پایداری، مراجعه شود به اشعیا ۳۳: ۶
 ۵. راستی، مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۰: ۶، ۱۷: ۲۴، ۲۲: ۱۶، امثال ۱۲: ۲۲
 ۶. محکم، مراجعه شود به دوم تواریخ ۲۰: ۲۰، اشعیا ۷: ۹
 ۷. قابل اعتماد (تورات)، مراجعه شود به مزمور ۱۱۹: ۴۳ و ۱۴۲ و ۱۵۱ و ۱۶۰
- D. در عهد عتیق دو کلمه عبری دیگر برای ایمان فعال/جدی استفاده شده است
۱. Bathach (BDB 105)
 ۲. *yra* (BDB 431)، ترس، احترام، پرستش (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۲۲)
- E. از مفهوم اعتماد یا قابل اعتماد بودن مفهوم خاصی مشتق شد که برای تأیید صحت یا قابل اعتماد بودن اظهارات دیگری به کار می‌رفت (مراجعه شود به اعداد ۵: ۲۲، تثنیه ۲۷: ۱۵ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱: ۳۶، اول تواریخ ۱۶: ۳۶، نمیا ۵: ۱۳، ۵: ۶، ۸: ۶، مزمور ۴۱: ۱۳، ۴۱: ۱۹، ۷۲: ۵۲، ۸۹: ۴۸، ۱۰۶: ۴۸، ارمیا ۵: ۱۱، ۲۸: ۶)
- F. کلید الهیاتی این اصطلاح وفاداری انسان نیست، بلکه بیهوه است (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۴: ۶، کتاب تثنیه ۳۲: ۴، مزمور ۱۰۸: ۴، ۱۱۵: ۱، ۱۱۷: ۲، ۱۳۸: ۲). تنها امید انسان سقوط کرده ترحم، وفاداری، پیمان وفاداری بیهوه و قول او است. آنها که بیهوه را می‌شناسند باید مانند او باشند (مراجعه شود به حبقوق ۲: ۴). انجیل تاریخ و ثبت بازبایی تصویر خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) در نوع بشر است. رستگاری توانایی نوع بشر را برای اینکه رابطه صمیمانه با خدا داشته باشد، احیا می‌کند. به این دلیل است که ما خلق شده‌ایم.

II. عهد جدید

- A. استفاده کلمه "آمین" در عهد جدید برای کلام پایانی و تأیید اظهارات قابل اعتماد متداول است (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۱۴: ۱۶، مکاشفه ۷: ۱۴، ۵: ۱۴، ۱: ۷).

- B. استفاده از این اصطلاح برای پایان بخشیدن به دعا در عهد جدید مرسوم است (مراجعه شود به رومیان ۱:۲۵، ۹:۵، ۱۱:۳۶، ۱۶:۲۷، غلاطیان ۱:۵، ۶:۱۸، افسسیان ۳:۲۱، فیلیپیان ۴:۲۰، دوم تسالونیکیان ۳:۱۸، اول تیموتائوس ۱:۱۷، ۶:۱۶، دوم تیموتائوس ۴:۱۸).
- C. عیسی تنها کسی بود که از این اصطلاح (به صورت دوبار تکرار در انجیل یوحنا ۲۵ مرتبه، انجیل یوحنا ۱:۵۱، ۳:۳ و ۵ و ۱۱ و غیره) برای معرفی بیانات مهم استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴:۲۴، ۱۲:۳۷، ۱۸:۱۷ و ۲۹، ۲۱:۳۲، ۲۳:۴۳).
- D. به عنوان عنوانی برای عیسی در مکاشفه ۳:۱۴ استفاده شده است (همچنین به دوم قرنتیان ۱:۲۰، و احتمالاً عنوان یهوه در اشعیا ۶۵:۱۶ توجه کنید).
- E. مفهوم وفاداری، ایمان، قابل اعتماد یا اعتماد در یونانی با اصطلاح *pistos* یا *pistis* بیان می‌شود که در انگلیسی *faith, trust, believe* ترجمه می‌گردد (موضوع خاص: ایمان، باور یا اعتماد را مطالعه کنید).

۱۶:۱۴، ۱۷ "به شکرگزاری تو" این عبارت می‌تواند در اشاره به شام خداوند باشد، که *Eucharist* نامیده شده و از عبارت یونانی بمعنی "شکر گذاردن" گرفته شده است. اما از آیه ۱۷ اینگونه برداشت می‌شود که اشاره به دعا دارد.

□ "دیگری" به یادداشت اول قرنتیان ۱:۶ مراجعه شود.

۱۸:۱۴ "خدا را شکر می‌کنم که بیش از همه شما به زبانهای غیر سخن می‌گویم" پولس می‌دانست که از چه سخن می‌گوید. این آیه، ترکیب شده با اول قرنتیان ۱۴:۲۹، باید مسیحیان امروزی را مجاب کند که پیش از به چالش کشیدن مفهوم زبانها در دوران ما، دو بار فکر کرده و تجدید نظر کنند. همچنین هر آنکس را که بر روی آن تأکید می‌کند نیز باید دوباره درباره آن فکر کند. پولس همانقدر که آن تأیید می‌کند، از ارزش آن نیز می‌کاهد.

جالب است که این فصل چگونه میان افعال مفرد (اول قرنتیان ۲:۱۴، ۴، ۹، ۱۳، ۱۹، ۲۶، ۱۷) و جمع (اول قرنتیان ۵:۱۴، ۶، ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۳۹) جابجا می‌شود.

تنش در این کلیسا میان (۱) طبقات اجتماعی و (۲) افرادی که دارای عطای هدیه داشتند، بود. در کلیسا افراد همیشه خدمات مشترک داشتند (اول قرنتیان ۱۲:۷)!

این نیز مثال دیگری از پولس در تلاش با شناسایی یا حداقل ارزشیابی برخی ایمانداران بیش از حد متعصب در قرنتس بود. در حالیکه او بر معرفت، محبت و اکنون زبانها نیز صحنه گذاشته، اما همچنان بر تذهیب تأکید دارد.

۱۹:۱۴ "اما در کلیسا ترجیح می‌دهم پنج کلمه با عقل خود سخن بگویم که دیگران را تعلیم داده باشم، تا اینکه هزاران کلمه به زبانهای غیر بگویم" نامه‌های مستقل در فصلهای ۱۱-۱۴ به مبحث عامه مردم، اجتماعات پرستشی می‌پردازد (اول قرنتیان ۱۴:۲۳، ۲۸، ۳۴). در این دوران، پرستشهای شخصی به زبانها از مقبولیت کمتری برخوردار بودند زیرا به هیچکس دیگری آموزش داده نشده (اول قرنتیان ۱۴:۲۴-۲۵) یا تذهیب نگردیده بود ("تا که من دیگران را نیز تعلیم دهم،" اول قرنتیان ۱۴:۳، ۴، ۵، ۱۲، ۱۹، ۲۶).

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۲۰:۱۴-۲۵

"ای برادران، در درک و فهم کودک نباشید، بلکه در بدی کردن کودک باشید. برعکس، در درک و فهم بالغ باشید.^{۲۱} در شریعت چنین نوشته شده است:

«خداوند چنین می‌گوید،

"به زبانهای غریب

و با لبهای بیگانگان

با این قوم سخن خواهم گفت.

با این همه به من گوش نخواهند گرفت."

^{۲۲} پس زبانهای غیر، نشانه‌ای است نه در مورد ایمانداران بلکه در مورد بی‌ایمانان؛ اما نبوت نشانه‌ای در مورد ایمانداران است و نه بی‌ایمانان.
^{۲۳} بنابراین، اگر همه اعضای کلیسا گرد هم آیند و همه به زبانهای غیر سخن گویند، و در این حین اشخاص ناآگاه یا بی‌ایمان به مجلس درآیند، آیا نخواهند گفت که شما دیوانه‌اید؟^{۲۴} اما اگر شخصی بی‌ایمان یا ناآگاه در حینی که همه نبوت می‌کنند به مجلس درآید، از سوی همگان مجاب

خواهد شد که گناهکار است، و مورد قضاوت همه قرار گرفته،^{۲۵} رازهای دلش آشکار خواهد شد. آنگاه روی بر زمین نهاده، خدا را پرستش خواهد کرد و تصدیق خواهد نمود که: «براستی خدا در میان شماست.»

۲۰:۱۴ "کودک نباشید" این جمله دستوری حال ساده با بار منفی بوده، که معمولاً بمعنی توقف عمل در حال اجرا می‌باشد. آنان با وجود اینکه فکر می‌کردند بسیار روحانی و عاقل هستند، اما در این زمینه کودکانه عمل می‌کردند (افسیان ۱۴:۱۴).

□ "در درک و فهم" واژه یونانی که برای این لغت بکار برده شده بمعنی دیافراگم یا قسمت پایین سینه می‌باشد. در دوران باستان اینگونه باور بود که این بخش، و نه مغز، بخش فیزیولوژیکی خرد انسان است.

□ "بلکه در بدی کردن کودک باشید" ایمانداران در برخی حوزه‌ها لازم است که ناآگاه باشند (متی ۱۰:۱۰؛ رومیان ۱۶:۱۶). یکی از بزرگترین نیروهای محافظ در برابر بدی، جهل و نادانی درباره آن است.

□ "بالغ باشید" پولس از این واژه (*teleios*) برای تعریف از ایماندارانی که بطور کامل انجیل را درک کرده و با آن زندگی می‌کند، استفاده کرده است (اول قرنیتیان ۲:۶؛ ۱۳:۱۰؛ ۲۰:۱۴؛ افسسیان ۴:۱۳؛ فیلیپیان ۳:۱۵؛ کولسیان ۱:۲۸). همه ایمانداران همچون مسیحیان نونهال زندگی مسیحی خود را آغاز، و سپس رشد می‌نمایند. درک و زندگی آسمانی شامل مراحل است. با اینحال، این بمعنای بی‌گناهی نیست، بلکه بمعنی تکمیل روحانی و مجهز بودن برای خدمت است.

۲۱:۱۴ - ۲۲ این آیه قسمتی نقل قول شده از اشعیا ۲۸:۱۱-۱۲ است. این آیات اشاره به حمله آشوریان به اسرائیل دارد. آیه ۲۲ مرتبط با این نقل قول بوده و تمام متن نیست. این جمله دقیقاً در تقابل با هر آنچه که پولس در متن می‌گوید، بوده و باید با نقلی از عهد عتیق ارتباط داشته باشد. پولس از عبارت "نشانه‌ای" به دوروش استفاده کرده است: داوری و محبت.

۲۱:۱۴ "شریعت" معمولاً در متون یهودیان، این عبارت اشاره به نوشته‌ها و فرامین موسی دارد (کتابهای پیدایش و تثنیه)، اما نه همیشه. در یوحنا ۱۰:۳۴؛ ۱۲:۳۴ و ۱۵:۲۵، این عبارت اشاره به یک نقل قول از مزامیر و رومیان ۳:۹ دارد. مشابه همین عبارت در اول قرنیتیان ۱۴:۳۴ بکار برده شده، اما مشخص نیست که به کدام یک از متون اشاره داشته، احتمالاً پیدایش ۳.

Walter Kaiser در کتاب *Toward An Exegetical Theology* صفحه ۱۱۰ نظر جالب توجهی دارد. او می‌نویسد که آیات ۳۴ و ۳۵ نقل قولی از نامه‌ایست که پولس از کلیسای قرنس دریافت کرده بود. معمولاً پاسخهای پولس به سوالات مکتوب، با عبارت "اکنون درباره" شروع می‌گردد (اول قرنیتیان ۱:۷، ۲۵؛ ۸:۱؛ ۱۲:۱؛ ۱۶:۱)، اما همیشه اینگونه نیست، (نقل قولی مشهود از نامه در اول قرنیتیان ۶:۱۲ و ۱۰:۲۳ یافت شده است). اگر چنین چیزی صحت داشته باشد، پس عبارت "شریعت همچنین می‌گوید" می‌تواند در اشاره به مزمور ۶۸:۱۱ بوده، که کنایه‌ای است به اول قرنیتیان ۱۴:۳۶! مزمور ۶۸:۱۱ بر اعلام خبر خوش در اجتماعات پرستشی توسط زنان صحه می‌گذارد. Gordon Fee در تفسیر خود بر اول قرنیتیان (New International Commentary) همچنین تصریح می‌کند که پولس نویسنده اول قرنیتیان ۱۴-۳۴-۳۵ نبوده است (صفحات ۶۹۹-۷۰۸).

۲۳:۱۴ "اگر" این یک شرطی دیگر از نوع سوم شخص می‌باشد (اول قرنیتیان ۶:۱۴، ۷، ۸، ۱۱ و ۱۴).

□ "همه اعضای کلیسا گرد هم آیند" ترتیب متون فصلهای ۱۱-۱۴ به خط کشیهای راهنمایی برای اجتماعات پرستشی می‌پردازد. معمولاً این کلیساهای اولیه (به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۲:۱ مراجعه نمایید) در خانه‌های شخصی تشکیل می‌گردید (کلیساهای خانگی). اغلب در شهری به بزرگی قرنس خانه‌های متعددی وجود داشت. این امر می‌تواند یکی از علل بوجود آمدن تفرقه میان کلیسا بوده باشد. گفته‌های پولس حکایت از گروه‌های بزرگتری دارد که ممکن است برای عید محبت (اول قرنیتیان ۱۱:۱۷-۳۴) و شام خداوند جشن می‌گرفتند. اینکه چند بار یا کجا آنان یکدیگر را ملاقات می‌کردند، نامشخص است. از این آیه بروشنی اینگونه برداشت می‌شود که ورود میهمانان مجاز بوده، که نشان دهنده محرمانه یا درب بسته نبودن این جلسات می‌باشد.

NASB "شما دیوانه‌اید"

NKJV, NRSV "عقلتان را از دست داده‌اید"

TEV "همه شما دیوانه‌اید"

NJB "همه شما سخن گزاف می‌گویید"

این واژه (*mainomai*) در اعمال رسولان ۱۲:۱۵ و ۲۴:۲۶-۲۵ نیز بکار برده شده است. در یوحنا ۱۰:۲۰ از این واژه برای تشریح غلبه شیاطین استفاده گردیده است. از مفهوم اصلی این واژه دیوانگی نبوده، بلکه تسخیر شدن توسط یک روح پلید می‌باشد. در فرهنگ یونان باستان می‌توان این امر را در زمره افتخارات روحانی تلقی نمود، اما در مسیحیت چنین نیست.

۲۴:۱۴ "اگر" این نیز جمله شرطی دیگری از نوع سوم می‌باشد (اول قرن‌تینان ۱۴:۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۴، ۲۳، ۲۴، ۲۲۸، ۲۹).

NASB	"مجاب... به دادگاه فراخوانده شده"
NKJV	"مجاب... قضاوت شده"
NRSV	"نکوهش شده... به دادگاه فراخوانده شده"
TEV	"بخاطر گناهش مجاب شده... قضاوت شده"
NJB	"خود را در معرض آزمون دیده... قضاوت شده"

نبوت باعث بوجود آمدن درک و پذیرفتن و مجاب گردیدن گردیده؛ و زبانه‌ها باعث سردرگمی بی‌ایمانان بازدیدکننده از کلیسا یا نوکیشان می‌گردد.

■ "همه... همه... همه" از این بخش از آیه اینگونه برداشت نمی‌شود که هر ایمانداري در هر برنامه پرستشی صحبت می‌کرد، بلکه به این مفهوم است که هر آنچه که در مراسم عبادی انجام می‌شد، به اعتقادات معنوی که بازدیدکنندگان و احتمالاً ایمانداران جدید تجربه کرده بودند، افزوده می‌گردید.

۲۵:۱۴ "رازهای دلش آشکار خواهد شد" این جمله می‌تواند در اشاره به این واقعیت که:

۱. خداوند آگاه به افکار بشریت بوده و حکم نهایی را بوسیله روح خود فراهم می‌نماید (اول قرن‌تینان ۲۴)
۲. اعتراف به گناه در انظار عمومی، بخشی از مراسم پرستشی در قرن اول بود (متی ۳:۳؛ ۵:۱؛ اعمال ۱۹:۱۸)

موضوع خاص: قلب (عهد جدید)

(Special Topic: The Heart (NT))

اصطلاح یونانی *kardia* که در نسخه Septuagint و عهد جدید استفاده شده است منعکس کننده اصطلاح یونانی *lēb* (BDB 523, KB 513) است. به شیوه‌های مختلفی این اصطلاح استفاده شده است (مراجعه شود به *A Greek-English Lexicon* اثر Bauer, Arndt, Gingrich and Danker چاپ دوم، صفحات ۴۰۴ الی ۴۰۴).

۱. مرکز زندگی فیزیکی، استعاره‌ای برای یک فرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴:۱۷، دوم قرن‌تینان ۳:۲ الی ۳، یعقوب ۵:۵)
۲. مرکز زندگی معنوی (یعنی اخلاقی)
 - a. خدا دل را می‌شناسد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶:۱۵، رومیان ۸:۲۷، اول قرن‌تینان ۱۴:۲۵، اول تسالونیکیان ۲:۴، مکاشفه ۲:۲۳)
 - b. در مورد زندگی معنوی نوع بشر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵:۱۸ الی ۱۹، رومیان ۶:۱۷، اول تیموتائوس ۱:۵، دوم تیموتائوس ۲:۲۲، اول پطرس ۱:۲۲)
۳. مرکز زندگی فکری (یعنی فکر، مراجعه شود به انجیل متی ۱۳:۱۵، ۲۴:۴۸، اعمال رسولان ۷:۲۳، ۱۶:۱۴، ۲۸:۲۷، رومیان ۱:۲۱، ۱۰:۶، ۱۶:۱۸، دوم قرن‌تینان ۴:۶، افسسیان ۱:۱۸، ۴:۱۸، یعقوب ۱:۲۶، دوم پطرس ۱:۱۹، مکاشفه ۱۸:۷، در دوم قرن‌تینان ۳:۱۴ الی ۱۵ و فیلیپیان ۴:۷ قلب مترادف با ذهن است)
۴. مرکز اراده (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵:۴، ۱۱:۲۳، اول قرن‌تینان ۴:۵، ۷:۳۷، دوم قرن‌تینان ۹:۷)
۵. مرکز احساسات (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۲۸، اعمال رسولان ۲:۲۶ و ۳۷، ۷:۵۴، ۲۱:۱۳، رومیان ۱:۲۴، دوم قرن‌تینان ۲:۴، ۷:۳، افسسیان ۶:۲۲، فیلیپیان ۱:۷)
۶. مکان منحصر به فرد فعالیت‌های معنوی (مراجعه شود به رومیان ۵:۵، دوم قرن‌تینان ۱:۲۲، غلاطیان ۴:۶، [مسیح در قلب ما است، افسسیان ۳:۱۷])
۷. قلب استعاره‌ای است برای اشاره یک فرد کامل (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲:۳۷، نقل از تثنیه ۶:۵). افکار، انگیزه‌ها و اعمال منتسب به قلب کاملاً نوع فرد را مشخص می‌سازند. عهد عتیق برخی استفاده خاص از این اصطلاح دارد.
 - a. پیدایش، ۶:۶، ۸:۲۱، "خدا تا قلبش ناراحت شد"، همچنین به یوشع ۱۱:۸ الی ۹ مراجعه کنید

- b. تثنيه ۴: ۲۹، ۶: ۵، ۱۰: ۱۲، "با تمام قلب و با تمام روح خود"
- c. تثنيه ۱۰: ۱۶، ارمیا ۹: ۲۶، "قلب غیر یهودی"
- d. حزقیال ۱۸: ۳۱ الی ۳۲، "قبل جدید"
- e. حزقیال ۳۶: ۲۶، "دل جدید" در مقابل "دلی از سنگ"، (حزقیال ۱۱: ۱۹، زکریا ۷: ۱۲)

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۶-۳۳

^{۲۶} پس مقصود چیست، ای برادران؟ هنگامی که گرد هم می‌آید، هر کس سرودی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. اینها همه باید برای بنای کلیسا به کار رود. ^{۲۷} اگر کسی به زبان غیر سخن بگوید، دو یا حداکثر سه تن، آن هم به نوبت سخن بگویند و کسی نیز ترجمه کند. ^{۲۸} اما اگر مترجمی نباشد، او باید در کلیسا خاموش بماند و با خود و خدا سخن گوید.

^{۲۹} و از انبیا، دو یا سه تن نبوت کنند و دیگران گفتار آنها را بسنجند. ^{۳۰} و اگر فردی دیگر که در آنجا نشسته مکاشفه‌ای دریافت کند، فرد نخست سکوت اختیار نماید. ^{۳۱} زیرا همه می‌توانید به نوبت نبوت کنید تا همه تعلیم یابند و همه تشویق شوند. ^{۳۲} روح انبیا مطیع انبیاست. ^{۳۳} زیرا خدا، نه خدای بی‌نظمی، بلکه خدای صلح و آرامش است، همان‌گونه که در همه کلیساهای مقدسین چنین است.

۱۴: ۲۶-۳۳ این آیات یک دیدگاه واقعی درباره نیروی محرکه حاکم و مراسم پرستشی ساختاربندی نشده در کلیسای اولیه به ما می‌دهد. بدیهی است که در آن زمان هیچ کاهن و کشیش حرفه‌ای وجود نداشت. هر کسی که توانایی داشت می‌توانست آزادانه سخن‌وری نماید. اما مشکلات در دو حوزه بوجود آمدند.

۱. بدلیل تعدد زیاد افرادی که می‌خواستند صحبت کنند، سردرگمی فراوانی وجود داشت

۲. آنان بطور مداوم سخنان یکدیگر را قطع می‌کردند

پولس سعی دارد تا گردهماییهای پرستشی را ساماندهی کرده، به شیوه‌ای که تنها آزادی روح محدود نگردد، بلکه هدف اصلی آن گردهمایی نیز که همانا نجات و رستگاری گمراهان و بلوغ نجات یافتگان است، گردد (متی ۲۸: ۱۹-۲۰). این ساختار بخاطر نفس ساماندهی دادن کلیسا نبود (اول قرن‌تینان ۱۴: ۳۲)!

پولس بدنبال یک پرستش و عبادت زیر نظر گرفته شده نبود!

□ "همه باید برای بنای کلیسا به کار رود" این عبارت، اجباری است که دائم تکرار می‌شود (حال مجهول [deponent] دستوری) هدف از هدایای روحانی بالا بردن یک فرد نیست، بلکه رشد (هم کمی و هم کیفی) کلیسا است. عبارتی دیگر، "آیا این کار یا این ساختار، هدف مأموریت بزرگ عیسی را به سرانجام می‌رساند" (متی ۲۸: ۱۹-۲۰)؟

۱۴: ۲۷ "اگر" این یک جمله شرطی از نوع اول است. پولس بر اعمال آنها صحنه نگذاشته، بلکه آنها را هیچ می‌شمارد.

۱۴: ۲۸ "اگر" این یک جمله شرطی از نوع سوم است. پولس می‌خواهد که اجتماعات پرستشی اطلاعات روحانی برای همگان فراهم آورد. زبانها چنانچه ترجمه گردند، پذیرفته است. اجتماعات پرستشی جایی برای تجربیات شخصی و تسلط بر آنچه که باید بطور مشترک انجام پذیرد، نیست.

□ "اما اگر مترجمی نباشد، او باید در کلیسا خاموش بماند" این جمله دستوری حال کامل است. زبانها و نبوت توسط شخص مستعد قابل کنترل هستند (اول قرن‌تینان ۱۴: ۳۰). تذهیب بدن مسیح و بشارت کلام او، و نه آزادی فردی، کلید پرستشهای جمعی می‌باشند.

۱۴: ۲۹ انبیا از آزادی کامل برای سخن گفتن (موضوع، زمان یا محتوا) برخوردار نبودند. آنان باید توسط سایر ایمانداران دارای هدیه روحانی مورد ارزیابی قرار گیرند (اول قرن‌تینان ۱۴: ۳۰ و ۱۰: ۱۲؛ ۱ یوحنا ۴: ۱-۳). بخاطر داشته باشید که نیروهای شریک در زمان سخنرانی عیسی، هم در کنیسه و هم در زمان صحبت در مجامع عمومی حضور داشتند.

□ "دیگران گفتار آنها را بسنجند" به یادداشت اول قرن‌تینان ۷: ۴ و موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۱۰: ۲۹ مراجعه نمایید.

۱۴: ۳۰ "اگر" این نیز یک جمله شرطی دیگر از نوع سوم می‌باشد (اول قرن‌تینان ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹).

□ "فرد نخست سکوت اختیار نماید" این عبارت بموازات اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۸ بوده (حال کامل دستوری)، و بمعنای اینست که کلام فرد سخنگو ممکن است توسط ایماندار دیگری قطع گردیده، و اکنون وی باید پیش از واکنش نشان دادن یا حرفی به کلام پیشین خود اضافه کردن، به سخنان فرد ایماندار

جدید گوش فرا دهد. این برنامه‌های جدید کاملاً پویا و همسان‌سازی گردیده بود. دستورات اینچینی درحالی باعث جلب نظر برخی شخصیتها می‌گردند که با قدرت تمام مراتب جذب و جلب دیگر شخصیتها را نیز بجای می‌آورند.

اکنون سوال اینست که "آیا این یک ساختار استاندارد و ثابت در تمام کلیساهای پولس بوده یا اینکه فقط یک جنبه خاص در کلیسای قرنس را شامل می‌گردید؟ آیا ما نیز باید این بحث را بعنوان یک سند از عهد جدید درباره چگونگی ساختاربندی همه خدمات کلیسایی در نظر بگیریم، یا اینکه آن را فقط یک مثال از نحوه حل مشکلات در این حوزه تلقی نماییم؟"

۳۱:۱۴ "زیرا همه می‌توانید به نوبت نبوت کنید" این عبارت را تا چه حد می‌توان جدی تلقی کرد؟ آیا پولس بر یک ساختار و یا یک فرصت نامحدود برای هر یک یا همه ایمانداران در نظر می‌گیرد تا در همان مراسم پرستشی سخن گویند؟ در واقع این نمونه از یک اظهار نظر جدی است. در متن، پولس آزادیهای آنان را محدود کرده و بسط نمی‌دهد!

با همه اینها، عبارت "همه" بطور قطع می‌گوید که هم زنان و هم مردان می‌توانند نبوت نمایند (اول قرنتیان ۵:۱۱). همه ایمانداران، مرد و زن، بمنظور یک هدف مشترک دارای هدیه‌ی الهی هستند (اول قرنتیان ۷:۱۲؛ ۱۴:۲۶). این امر مستلزم نیاز به تشریح بیشتر اول قرنتیان ۱۴:۳۴ می‌باشد!

■ "تا همه تعلیم یابند و همه تشویق شوند" این بند (*hina*) می‌گوید که دغدغه اصلی پولس این نبود که همه توان سخن گفتن دارند، بلکه همه باید ساخته شده، تذهیب شده و بالغ گردند! این موضوع، بحث تکرار شده در این فصل است.

۳۲:۱۴

NASB, NKJV,

NRSV "روح انبیا مطیع به انبیاست"

TEV "هدیه اعلان پیام خدا باید زیر نظر سخنگوی آن باشد"

NJB "روح نبوتی باید تحت اختیار نبی باشد"

گوناگونی این ترجمه‌ها نشان می‌دهد که به دو روش می‌توان این عبارت را درک نمود.

۱. کسانی که پیام خدا را بشارت می‌دهند (حال اخباری) باید زیر نظر سایر بشارت دهندگان باشند (انبیا باید انبیا را کنترل کنند، اول قرنتیان ۲۹:۱۴)

۲. کسی که پیام خدا را بشارت می‌دهد دارای فرد دیگرست که او را کنترل کرده (حال اخباری) که او چه زمانی چه چیزی را بگوید (اول قرنتیان ۳۰:۱۴).

واژه "روح" بهمین شکل در اول قرنتیان ۲:۱۴، ۱۴، ۱۵، دوبار و در ۱۶ یکبار تکرار شده است. این شیوه‌ای اصطلاحی برای اشاره به شخصیت هر فرد است (اول قرنتیان ۱۱:۲؛ ۳:۵؛ ۴:۷؛ ۷:۳۴؛ ۱۶:۱۸). به یادداشت ضمیمه اول قرنتیان ۱۶:۱۶ و موضوع خاص در دوم قرنتیان ۹:۱۳ توجه نمایید.

۳۳:۱۴

NASB "زیرا خدا، نه خدای پریشانی، بلکه خدای صلح است"

NKJV "زیرا خدا تألیف کننده پریشانی نبوده بلکه صلح است"

NRSV, NJB "زیرا خدا، نه خدای بی‌نظمی، بلکه خدای صلح است"

TEV "زیرا خدا نمی‌خواهد که ما بی‌نظم بوده، بلکه هماهنگ و در آرامش باشیم"

این عبارات اشاره به آفرینش ندارند. به نظم در برابر هرج و مرج هم اشاره نشده، بلکه درگیری و خودپسندی در برابر صلح است. این عبارات بمنزله حقیر شمردن ذات پویای عبادت در قرن اول نیست (اول قرنتیان ۱۴:۳۹-۴۰)، بلکه حسادت و رفتار خودپسندانه برخی از سخنگویان مستعد مد نظر می‌باشد (دوم قرنتیان ۶:۵؛ ۱۲:۲۰؛ یعقوب ۳:۱۶). هم شیوه عبادات و هم رفتار ما، منعکس کننده خداوندی است که ما مدعی پرستش او هستیم (اول قرنتیان ۱۱:۱۷-۳۴).

■ "همان‌گونه که در همه کلیساهای مقدسین چنین است" مشخص نیست که این عبارات مربوط به اول قرنتیان ۳۳:۱۴ (NASB, NKJV) بوده یا اول قرنتیان ۱۴:۳۴ (NRSV, TEV, NJB). دلیل اینکه عبارت "در کلیساها" تکرار اول قرنتیان ۳۳:۱۴ می‌باشد، این امکان هست که آیه ۳۳ همچون اول قرنتیان ۴:۱۷ و ۷:۱۷ یک نتیجه‌گیری را بوجود آورد. این عبارت بوضوح به همه کلیساهای خانگی می‌گوید که آنها خاص، ارجح و دارای

هدیه‌ی منحصر بفردی نیستند (اول قرن‌تبیان ۴:۱۷؛ ۷:۱۷؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۴:۳۳، ۳۶؛ ۱۶:۱). به موضوع خاص: قدیسان در اول قرن‌تبیان ۱:۲ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تبیان ۱۴:۳۴-۳۶

۳۴ زنان باید در کلیسا خاموش بمانند. آنان مجاز به سخن گفتن نیستند، بلکه باید چنانکه شریعت می‌گوید، مطیع باشند. ۳۵ اگر درباره‌ی مطلبی سؤال دارند، از شوهر خود در خانه بپرسند؛ زیرا برای زن شایسته نیست در کلیسا سخن بگوید. ۳۶ آیا کلام خدا از شما سرچشمه گرفته یا تنها به شما رسیده است؟

۱۴:۳۴ "زنان باید در کلیسا خاموش بمانند" این آیه باعث بوجود آمدن مشکلات الهیاتی عدیده‌ای در بخشهای مشخصی از کلیسای مدرن امروزی گردیده است. روند فرهنگ و جامعه مدرن غربی در برابر حقوق فردی و برابری بوجود آمده در عهد جدید، و بخصوص پولس، بنظر منفی و همراه با قضاوت بر روی این موضوع خاص است. در روزگار پولس، الهیات او در رابطه با زنان بسیار مثبت بود (افسیسیان ۵:۲۲-۲۳). آنگونه که فهرست همکاران پولس در رومیان ۱۶ نشان می‌دهد، او بروشنی با زنان بسیاری کار کرده بود. همچنین به موضوع خاص: زنان در انجیل در اول قرن‌تبیان ۷:۵ مراجعه نمایید.

حتی در این متن، پولس بر روی برقراری توازن صحنه می‌گذارد، اول قرن‌تبیان ۱۱:۵ در برابر ۱۴:۳۴. گرچه اول قرن‌تبیان ۱۴:۳۴-۳۵ بشکل خاصی به قرن‌تس و قرن اول میلادی مرتبط است. نظرات زیاد هستند (به موضوع خاص زیر توجه نمایید). ارتباط این موضوع با دنیای امروز ما بسیار مسئله‌ساز است. دگم‌اندیشی بهیچوجه عاقلانه نیست. در ارتباط با این موضوع، شواهد در انجیل یکپارچه نیستند.

پولس برای گروه‌های زیادی در میان قرن‌تس قاعده "سکوت اختیار کنید" را وضع کرده بود، اول قرن‌تبیان ۱۴:۲۸، ۳۰، ۳۴. یک مشکل در میان اجتماعات پرستشی در قرن‌تس بود. زنان مسیحی بخشی از آن مشکل بودند. آزادی جدید آنها بواسطه مسیح (و یا اینکه بخشی از حرکت آزادی خواهانه زنان در جامعه رومی بودند) مشکلات عدیده فرهنگی، الهیاتی و بشارتی بوجود آورده بود. در روزگار ما عکس این موضوع صدق می‌کند. رهبران زن مستعد به کلیسای قرن بیست و یکم کمک می‌کنند تا کلام انجیل را به گوش جهانیان برسانند. این امر تأثیری بر نظم خدادادی آفرینش نمی‌دهد، بلکه اولویت بشارت انجیل را نشان می‌دهد (اول قرن‌تبیان ۹:۲۲). این مسئله یک معضل انجیلی یا دکترین نیست.

موضوع خاص: زنان در خدمت

(Special Topic: Women In Ministry)

به تمام زنانی که در کتاب رومیان ۱۶ همکار پولس بودند، توجه نمایید (فیلیپیان ۴:۳)

فیبی (شماسه) در رومیان ۱:۱۶

پریسکیلا در رومیان ۳:۱۶

مریم در رومیان ۱۶:۶؛ یونیه (یا یونیا)، در غیر اینصورت مرد خواهد بود) در رومیان ۷:۱۶

تریفینا و تریفوسا در رومیان ۱۶:۱۲

پرسیس در رومیان ۱۶:۱۲

"مادر خودش" در رومیان ۱۶:۱۳

یونیا (احتمالاً رسول) در رومیان ۱۵:۱۶

و خواهرش در رومیان ۱۵:۱۶

باید مراقب دگم‌اندیشی در حوزه زنان در زمان خدمت بشارت بود. همه ایمانداران مستعد و دارای هدیه‌ی عطا شده هستند (اول قرن‌تبیان ۷:۱۲،

۱۱)؛ همه ایمانداران مبشرین تمام‌وقت هستند (افسیسیان ۴:۱۲). در این فهرست ما یک زن شماسه بنام فیبی را مشاهده می‌کنیم و احتمالاً یک زن

رسول بنام یونیا (یونیل ۲:۲۸؛ اعمال ۲:۱۶-۲۱). چگونگی اطلاع از مرتفع کردن این مشکل بدلیل اظهارات دوگانه پولس نظیر آنچه که در اول

قرن‌تبیان ۱۱:۴-۵ در مقایسه با ۱۴:۳۴ بیان کرده، دشوار است.

موضوع خاص: نظریه‌هایی در ارتباط با "زنان سکوت اختیار کنند"

(SPECIAL TOPIC: THEORIES RELATED TO "WOMEN KEEP SILENT")

- I. این اظهارات از جانب پولس نبوده (کتاب *New International Commentary* نوشته Gordon Fee، "اول قرنیتیان"، صفحه ۶۹۹-۷۰۸)، معمولاً بر اساس برخی نسخه‌های خطی یونانی (MSS D, F, G; one MS of the Vulgate; Latin church Father Ambrosiaster, after A.D. 384) که اول قرنیتیان ۳۳-۳۴ را بعد از آیه ۴۰ قرار داده‌اند بعداً به متن اضافه گردیده است.
- II. پولس نامه کلیسا را نقل کرده، که دیدگاه‌های غلط گروه‌های تفرقه‌افکن را اظهار می‌دارد. پولس این نقل قول را بمنظور انکار آن بکار برده است. با اینحال، این مبحث طولانی (اول قرنیتیان ۳۳-۳۵ و ۳۶) با "شعرهای" اولیه‌ی پولس منطبق نمی‌باشد. چنین اظهاراتی توسط پولس تغییر داده نشده، بلکه مبحثی پایدار می‌باشد.
- III. پولس به یک مشکل در گروه زنانی اشاره می‌کند که در برنامه‌های پرستشی، با زبانها، نبوت و یا سوالات بی‌جا اخلاص ایجاد می‌کردند. درکی آنان از آزادی در مسیحیت داشتند منجر به مشکلات فرهنگی متعدد در امر بشارت و پرستش گردیده بود.
- IV. پولس زنان را محدود می‌کند، اما نه در نبوت در جمع، بلکه در ارزشیابی پیام دیگر انبیا (انبیای مرد)، لذا بر روی اختیاراتی را ایجاد می‌کند (کتاب *Men and Women in Biblical Perspective* نوشته James Hurley، صفحات ۱۸۴-۱۹۴ و همچنین کتاب *The Gift of Prophecy in I Corinthians* نوشته Wayne Grudem صفحات ۲۳۹-۲۵۵).
- V. پولس در اول قرنیتیان ۵:۱۱ و ۳۴:۱۴ سرگرم مسائل دیگریست.
- A. یکی مشکل کلیساهای خانگی (۵:۱۱) و دیگری گروههای کلیسایی (۳۴:۱۴)
- B. آیه ۵:۱۱ خطاب به زنان مجرد و آیه ۳۴:۱۴ زنان متأهل اظهار شده است.
- C. برخی زنان بسیار سرکش یا تندزبان بودند.
- تعدد و تکرر ترجمه‌ها نشان دهنده بی‌اطمینانی مترجمان امروزی در ارتباط با تمرینهای عبادی قرنیتس (به کتاب *After Paul Left Corinth* نوشته Bruce W. Winter مراجعه نمایید) و اجتماعات مسیحی قرن اول می‌باشد. آیا مشکل کدام بوده است؟
۱. محلی بوده (منحصراً در قرنیتس)
 ۲. فرهنگ رومی قرن اول،
 ۳. سوء استفاده از هدایای روح،
 ۴. سلطه‌جویی زنان
 ۵. تلاش در بوجود آوردن ساختار یهودیت
 ۶. دیدگاه‌های غلط گروههای تفرقه‌افکن در قرنس

NASB "باید به خود مشغول باشند"

NKJV "باید مطیع باشند"

NRSV "باید تابع باشند"

TEV "نباید دارای مسئولیت باشند"

NJB "وظیفه آنان تبعیت است"

این یک جمله دستوری حال کامل است. "موضوع" یک واژه نظامی برای تشریح مجموعه‌ای از فرامین بوده است. این واژه در رابطه با عیسی بکار برده شده (لوقا ۲: ۵۱ رو به والدین زمینی خود و اول قرنیتیان ۱۵: ۲۸ به پدر آسمانی خود) و یک حقیقت جهانی برای کلیسا می‌باشد (افسیان ۵: ۲۱).

موضوع خاص: تسلیم/ارائه (*hupotassō*)

(Special Topic: Submission)

انجیل Septuagint از این اصطلاح برای ترجمه ده اصطلاح متفاوت عبری استفاده کرده است. معنی اصلی آن "فرمان دادن" یا "حق فرمان" است. این برگرفته از Septuagint (LXX) است.

۱. فرامین خدا (مراجعه شود به لویان ۱۰: ۱، یونا ۲: ۱، ۴: ۶ الی ۸)

۲. فرامین موسی (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۶: ۶، کتاب تثنیه ۲۷: ۱)

۳. فرمان پادشاهان (مراجعه شود به دوم تواریخ ۳۱: ۱۳)

در عهد جدید این حس تداوم پیدا میکند همانند اعمال رسولان ۱۰: ۴۸، جایی که یکی از شاگردان فرمان صادر میکنند. با این حال، مفاهیم جدیدی در عهد جدید بسط یافته اند.

۱. یک جنبه اختیاری بسط می یابد (اغلب زمان میانی)

۲. این عمل محدود میتواند در دستورات و خواسته های عیسی دیده شود

a. به پدر (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۲۵)

b. به والدین زمینی خود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۱)

۳. مؤمنان به جنبه های فرهنگی می پردازند تا انجیل تحت تاثیر قرار نگیرد

a. سایر ایمانداران (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱)

b. همسران مومن (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۸، افسسیان ۵: ۲۲ الی ۲۴، تیتوس ۲: ۵، اول پطرس ۳: ۱)

c. ایمانداران نسبت به دولتهای کافر (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱ الی ۷، اول پطرس ۲: ۱۳)

ایمانداران بر اساس انگیزه های عشق نسبت به خدا، نسبت به مسیح، نسبت به پادشاهی خدا، و به خاطر دیگران رفتار میکنند.

همانند *agapaō* (عشق) کلیسا این اصطلاح را با معنی جدیدی بر اساس نیازهای پادشاهی و نیازهای دیگران لبریز میسازد. این اصطلاح، یک عالم جدیدی از فروتنی، نه مبتنی بر یک فرمان، بلکه یک رابطه جدید با یک خداوند متعال و مسیح او است. مؤمنان اطاعت می کنند و به خاطر همه و برکت خانواده خداوند استوار می شوند.

■ "چنانکه شریعت می گوید" آیا پولس در اینجا اشاره به متنی خاص یا یک قانون کلی می کند؟ هیچ متنی وجود ندارد که چنین چیزی را بگوید. این

امکان وجود دارد که در نور اول قرنتیان ۸: ۱۱-۹ کتاب پیدایش ۲: ۲۰-۲۴ را مرجع قرار داده باشد (۱ تیموتائوس ۲: ۱۳). برخی اینگونه تصور می کنند که نتیجه حاصل از اخراج انسان از بهشت و پیدایش ۳: ۱۶ مرجع قرار گرفته است. بلحاظ متنی همچنین ممکن است "موضوعیت" ارتباط با کاربرد کلمه در اول قرنتیان ۱۴: ۳۲ باشد، در جاییکه اشاره به تسلیم به دیگر انبیا می گردد (کتاب *Hard Saying of the Bible* صفحه ۶۱۶).

نوشته های پولس در ارتباط با کاربرد واژه "شریعت" روشن هستند. اغلب اوقات اشاره به شرع موسی، عهد عتیق دارد، اما گاهی نیز اشاره به مفهوم شرع بطور کلی دارد. اگر این نکته صحت داشته باشد، پس اشاره به اصول پدرسالانه فرهنگی یعنی "اول مردان" دارد.

اگر زنان اجازه داشتند تا در صدر امور قرار گیرند، حتی در ظاهر، به علت وجودی مسیح در قرن اول جهان یونانی-رومی صدمه وارد می گشت. به این شیوه، بسیار شبیه چگونگی رفتار عهد جدید با مسئله برده داری است. به یادداشت اول قرنتیان ۱۴: ۲۱ برای مطالعه دیدگاههای متفاوت درباره این عبارات مراجعه نمایید.

۳۵: ۱۴ این آیه نشان می دهد که عبارت "زنان" در اول قرنتیان ۱۴: ۳۴ اشاره به "همسران" دارد. آیا اینگونه گفته می شود که یک زن مجرد نیز اجازه سخن گفتن دارد؟ مشابه همین ابهام در فصل ۱۱: ۵ نیز دیده می شود.

این آیه مرتبط است با ۱ تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۲ و تیتوس ۲: ۵. آیا در ۱ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۴ یک بحث الهیاتی محسوب می شود یا فرهنگی؟ آیا در یک دوره تاریخی منحصر بفرهنگ محصور گردیده یا یک حقیقت تاریخی برای همه فرهنگها در همه اعصار است؟ شواهد انجیلی سخن از دو دیدگاه دارند (کتاب *How to Read the Bible For All Its Worth* نوشته Gordon Fee and Douglas Stuart صفحات ۱۵، ۶۳، ۷۲، ۷۴).

■ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است. همسران مسیحی در اجتماعات پرستشی در قرن نهم همواره سوالاتی را مطرح می کردند. جلسات کلیسا بطور مکرر بوسیله خوانندگان، سخنگویان به زبانها، مترجمین زبانها و انبیا مختل می گردید. اکنون همسران کنجکاور یا زنانی که می خواستند آزادیهای خود را به رخ دیگران کشند نیز فعالانه در این هرج و مرج دخیل شده بودند!

■ "از شوهر خود در خانه بپرسند" این جمله دستوری حال کامل است. به این زنان گفته شده که چه زمان و از چه کسی و به چه علت سوالات خود را بپرسند! رفتار آنان بر روی جماعت پرستشی تأثیر منفی گذارده بود.

در اینباره یادداشت Walter C. Kaiser را برای درک بهتر از اول قرنتیان ۱۴: ۳۴-۳۶ در اول قرنتیان ۱۴: ۲۱ پاراگراف دوم مطالعه فرمایید.

۳۶: ۱۴ این سوال طعنه آمیز برای وارد نمودن شوک به کلیسای مغرور قرنتیان و بمنظور درک واقعیات روحانی و جایگاه آنان در میان سایر جماعت های مسیحی می باشد. شکل دستوری زبانی دو سوال در اول قرنتیان ۱۴: ۳۶ انتظار یک پاسخ "خیر" را دارد.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۳۷:۱۴-۳۸

۳۷ اگر کسی خود را نبی یا فردی روحانی می‌داند، تصدیق کند که آنچه به شما می‌نویسم فرمانی است از جانب خداوند. ^{۳۸} اگر کسی این را نپذیرد، خودش نیز پذیرفته نخواهد شد.

۳۷:۱۴-۳۸ پولس تصریح می‌کند که آنان دارای هدایای روحانی هستند باید دیگرانی را که سخن می‌گویند و دارای هدیه از سوی خداوند هستند، به رسمیت شناسند (اول قرنتیان ۳۲:۱۴؛ متی ۱۱:۱۵؛ ۱۳:۹، ۱۵، ۱۶، ۴۳). جزعیاتی که پولس از احساس خود نسبت به رهبری دارد در اول قرنتیان ۷:۴۰ و ۳۸:۱۴ بیان شده است. پولس به هدیه رسولی خود و اختیاراتی که برای سخن گفتن از جانب عیسی به وی داده شده، آگاهی داشت. آیه ۳۸ از یک نفرین آسمانی (حال مجهول اخباری) بر کسانی که حیله اختیارات رسولان را مردود می‌شمارند، سخن می‌گوید (کتاب *The Gift of Prophecy In 1 Corinthians* نوشته Wayne Grudem صفحه ۵۲ پانویس شماره ۱۰۴).

□ "اگر... اگر" این دو، جملات شرطی نوع اول هستند که با توجه به دیدگاه نویسنده یا مقاصد ادبی او، درست بنظر می‌رسند. برخی در قرنتس اینگونه "تصور" می‌کردند که "روحانی" هستند (*pneumatikos*، اول قرنتیان ۱۲:۱)، اما رفتار و کردار آنان و روابطی که با رسولان و اختیارات آنها داشتند (اختیارات پولس) نشان می‌داد که آنچه که مدعی آن بودند، نیستند. چنانچه اختیارات پولس پذیرفته نشود، پس آنان نیز نباید بعنوان رهبران روحانی و معنوی نیز پذیرفته شوند.

۳۸:۱۴

NASB "پذیرفته نخواهد شد"

NKJV "بگذارید او را نادیده گیرند"

NRSV "نباید پذیرفته شود"

TEV "توجهی به او نکنید"

NJB "آن شخص خود را نخواهد پذیرفت"

در نسخه‌های خطی یونانی، تفاوت‌های زیادی در زمان فعل میان حال مجهول اخباری (*A* ,N* MSS*) و حال کامل اخباری (*A^c, B, N², MSS P⁴⁶*) دیده می‌شود. حالت مجهول اخباری اینگونه می‌گوید که "توسط خداوند نادیده گرفته و پذیرفته نخواهد شد". حالت امری جمله به ایمانداران قرنتس دستور می‌دهد که فردی را که اختیارات پولس یا احتمالاً تیموتائوس که خود را نماینده وی معرفی می‌نماید، به زیر سوال می‌برد، ترد نمایند. نسخه *UBS⁴* به جمله دستوری رتبه B (تقریباً قطعی) را می‌دهد.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۳۹:۱۴

۳۹ پس ای برادران من، با اشتیاق تمام در پی نبوت کردن باشید و سخن گفتن به زبانهای غیر را منع مکنید. ^{۴۰} اما همه چیز باید به شایستگی و با نظم و ترتیب انجام شود.

۳۹:۱۴ "با اشتیاق" پولس با این عبارات بر شدت مشتاق بودن تأکید دارد (اول قرنتیان ۱۲:۱۲؛ ۱۴:۱). ترجمه TEV بجای این عبارت از "قلب خود را بر روی... معطوف دارید" استفاده کرده است. برای پولس این موقعیت تاریخی، اشتیاق بسوی اعلان/نشر انجیل خداوند برای نیکی ایمانداران و بی‌ایمانان هدایت‌گر دیده است. این آیه را با اعداد ۱۱:۲۹ مقایسه نمایید.

اینگونه بنظر می‌رسد که آغاز کلام پولس در اول قرنتیان ۱۰:۱۴ نیز نتیجه‌گیری مبحث اول قرنتیان ۳۹:۱۴ باشد. واژه یونانی *ōste* که یک جمله امری بدنبال خود دارد، می‌تواند راهی برای معرفی خلاصه مضمون رسالت او بوده باشد (اول قرنتیان ۱۰:۱۲؛ ۱۱:۳۳؛ ۱۴:۳۹؛ ۱۵:۵۸؛ فیلیپیان ۲:۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۸).

□ "سخن گفتن به زبانهای غیر را منع مکنید" این همان توازنی است که برای مشکل قرنتس و امروز مورد نیاز است. ما همواره تمایل داریم تا نسبت به مسائل روحانی بر خوردی احساسی از خود نشان دهیم. در دو سوی راه حق، خندقی از خطا وجود دارد (هر کس که به زبانها سخن می‌گوید در برابر هر آنکس که این کار را انجام نمی‌دهد)!

NASB "به شایستگی و با نظم و ترتیب"

NKJV, NRSV "با نجابت و با نظم و ترتیب"

TEV "به شایستگی و بصورتی مرتب"

عبارت اول ترکیبی از قید "نیکی" (*eu*) و اسم "مدل" یا "قالب" (رومیان ۱۳:۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۲). عبارت دوم بمعنی "چیزی را بگونه‌ای صحیح مرتب کردن، بمنظور نظم و ترتیب دادن بکاری" می‌باشد (کولسیان ۲:۵). این عبارت بموازات اول قرن‌تینان ۳۳:۱۴ می‌باشد. این کار باید صورت پذیرد، ولی نه با نظمی از پیش تعیین شده (برنامه‌زیری بمنظور کنترل)، اما با هدف اصلی خدمت در اجتماعات پرستشی، که همانا بشارت و شاگردی عیسی مسیح می‌باشد (متی ۲۸:۱۹-۲۰). این عبارات، اظهارات پولس بمنظور نتیجه‌گیری درباره بحث اجتماعات پرستشی بوده که در فصل ۱۱ آغاز گردیده بود.

سوالات این بحث

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.
۱. سه شاخص برای قضاوت درباره هدایای روحانی عطا شده توسط روح چه می‌باشند؟
 - a.
 - b.
 - c.
 ۲. چرا در این فصل به زبانها در مقابل نبوت بهای کمتری داده شده است؟ آیا زبانها از درجه پایین‌تری در هدایا قرار دارند؟
 ۳. ذهن چه ارتباطی با زبانها دارد؟
 ۴. مشکل آیه ۲۲ چه می‌باشد؟
 ۵. آیا کلیسای قرن‌تس باید بعنوان سرمشق برای همه کلیساها قلمداد گردد؟
 ۶. آیا زنان باید در کلیسا ساکت باشند؟ پاسخ خود را با مقایسه آیات ۵:۱۱ و ۳۴:۱۴ توضیح دهید.

اول قرن‌تیاں ۱۵

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
قیام مسیح از مردگان	مسیح برخاسته، واقعیتِ ایمان	خبر خوش مرگ مسیح و قیام او از مردگان	قیام مسیح از مردگان	حقیقتِ قیام
۱۱-۱:۱۵	۱۱-۱:۱۵	۱۱-۱:۱۵	۲-۱:۱۵ ۷-۳:۱۵ ۱۱-۸:۱۵	۸-۱:۱۵ ۳:۱۳-۳۱:۱۲ ۱۱-۹:۱۵
قیام مرده	مسیح برخاسته، امید ما	اهمیت قیام برای ما	قیام ما	
۱۹-۱۲:۱۵	۱۹-۱۲:۱۵	۱۹-۱۲:۱۵	۱۹-۱۲:۱۵	۱۹-۱۲:۱۵
	آخرین دشمن نابود شد			
۲۸-۲۰:۱۵	۲۸-۲۰:۱۵	۲۸-۲۰:۱۵	۲۸-۲۰:۱۵	۲۸-۲۰:۱۵
	تأثیرات انکارِ قیام			
۳۴-۲۹:۱۵	۳۴-۲۹:۱۵	۳۴-۲۹:۱۵	۳۲-۲۹:۱۵ ۳۴-۳۳:۱۵	۳۴-۲۹:۱۵
بدن برخاسته	بدل جلال یافته	ذاتِ قیام	بدن برخاسته	شیوهی قیام
۴۱-۳۵:۱۵	۴۹-۳۵:۱۵	۴۱-۳۵:۱۵	۳۸-۳۵:۱۵ ۳۹:۱۵ ۴۱-۴۰:۱۵	۳۸-۳۵:۱۵ ۴۴-۳۹:۱۵
۴۹-۴۲:۱۵		۴۹-۴۲:۱۵	۴۹-۴۲:۱۵	۴۹-۴۴:۱۵
	پیروزیِ نهاییِ ما			
۵۸-۵۰:۱۵	۵۸-۵۰:۱۵	۵۷-۵۰:۱۵	۵۰:۱۵ ۵۷-۵۱:۱۵	۵۳-۵۰:۱۵ سرود پیروزی از حاصل کار ۵۷-۵۴:۱۵
		۵۸:۱۵	۵۸:۱۵	۵۸:۱۵

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی

A. بروشنی از متن اینگونه برداشت می‌شود که پولس نسبت به یک تکفیر در جامعه که قیام مسیح را انکار می‌کرد، واکنش نشان داده است (که اکثر یهودیان نیز با آن موافق بودند). نظریه‌های متعددی درباره منشأ این موضوع وجود دارد:

۱. ایده‌های عرفان اولیه (به واژه‌نامه مراجعه نمایید) که تأکید بر دوالیسم میان روح (خدا، که نیکی است) و ماده (چیزهای مادی، که شیطانی هستند)

۲. آنانکه تصریح می‌کنند قیام شروع گردیده است (۲ تیموتائوس ۲: ۱۷-۱۸)

B. این قطعیت‌ترین بخش در عهد جدید درباره قیام مسیح و قیام ایمانداران است. باید بخاطر داشت که این آیات احتمالاً پیش از اینکه هر یک از اناجیل به رشته تحریر درآیند، نوشته شده بود.

C. به تأکیدات پولس به شیوه‌ای که دکتربین این فصل به پایان می‌رسد توجه نمایید، اول قرن‌تیبان ۱۵: ۵۸. این امر مشابه با ۱ تسالونیکیان ۱۸: ۴ است. پولس همواره دکتربین خود را در حد زندگی و خدمت روزمره پایین می‌آورد.

D. مطالعه ساختار کلی این فصل طولانی کمک زیادی به درک آن می‌نماید. دکتر دیوید کینگ، یکی از همکاران در دانشگاه East Texas Baptist University رئیس مطالب یادداشتهای یکی از کلاسهای خود را بدینگونه مکتوب کرده است:

”رشد مسیحیان بالغ مستلزم درک ایمان به قیام از مردگان دارد (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱-۵۸).

۱. مقدمه: (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱-۱۱)

a. انجیل به نوبه خود بصورت محکمی مبتنی بر قیام مسیح از مردگان است (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱-۸).

۱) واقعیت‌های ابتدایی انجیلی (*kerygma*) به مرگ، دفن و رستاخیز مسیح می‌پردازند (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۳-۴)

۲) ظهورهای عیسی در پس از رستاخیز بدون هیچ تردیدی ثابت می‌کند که عیسی از مرگ برخاسته است (اول قرن‌تیبان

۱۵: ۵-۷)

۳) پولس رحمت خداوند را مورد اشاره قرار داده که به او اجازه حضور در میان شاهدان رستاخیز مسیح داده است (اول

قرن‌تیبان ۱۵: ۸-۱۱)

۲. مبنای دکتربین قیام ما، رستاخیز عیسی است (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱۲-۳۴)

a. برخی می‌گویند که از مرگ برخاسته است. پیامدهای این امر چه می‌باشد (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱۲-۱۹)

۱) موعظه ما بی‌ارزش می‌گردد (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱۲-۱۴)

۲) ایمان شما بی‌فایده می‌گردد (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱۴ و ۱۷)

۳) ما شاهدان دروغین حقیقت خدا می‌گردیدیم (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱۵)

۴) شما هنوز گناه می‌کردید (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱۷)

۵) آن دسته از ایماندارانی که از دنیا رفته‌اند تا ابد گمراه شده محسوب می‌گردیدند (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱۸)

۶) برای همه ایمانداران باید تأسف خورده می‌شد (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۱۹)

b. اما مسیح به پا خاسته است (هنوز هم)! پیامدهای این امر چه می‌باشد (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۲۰-۳۴)

۱) او اولین حاصل یک محصول برداشت شده است (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۲۰)

۲) مسیح، آن مرد بزرگ، بر مرگی غلبه کرد که اولین بار توسط اولین انسان به جهانیان معرفی گردید، آدم (اول قرن‌تیبان

۱۵: ۲۱-۲۲؛ رومیان ۵: ۱۲-۲۱)

۳) رستاخیز به دو قسمت تقسیم می‌گردد: رستاخیز مسیح و رستاخیز دیگران (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۲۳)

۴) مرگ توسط رستاخیز مغلوب گردیده و همه متعلق به خداوند، خالق همه چیز، می‌گردند (اول قرن‌تیبان ۱۵: ۲۴-۲۸)

۵) ایماندارانی که با ایمان تعمید داده می‌شوند، هم به رستاخیز فیزیکی ایمان دارند و هم به رستاخیز روحانی (اول قرن‌تینان ۲۹:۱۵)

۶) ما می‌توانیم با هرگونه خطری مواجه شویم، زیرا در صورت مرگمان، ما باید دوباره زندگی کرده و با توجه به رفتار و کردارمان (بطور ضمنی)، مورد داوری قرار گیریم، لذا باید مراقب باشیم که چگونه زندگی می‌کنیم (اول قرن‌تینان ۳۰:۱۵-۳۴)

۳. دکتترین قیام ایمانداران، مستدل است. پولس به برخی سوالات آنان پاسخ می‌دهد

a. مردگان چگونه بر می‌خیزند؟ پاسخ: به خواست و توان خداوند، همانطور که خدا گیاهان را از دانه‌ای بیرون می‌آورد (اول قرن‌تینان ۳۵:۱۵-۳۸)

b. آنان دارای چه بدنی خواهند بود؟ پاسخ: بدنی متفاوت و متناسب به زندگی متفاوتی که روزی همه ما در جهان ابدیت در آن زندگی خواهیم کرد (اول قرن‌تینان ۳۹:۱۵-۴۱)

۱) خداوند برای زندگی در این جهان بدنهای متفاوتی خلق کرده است (اول قرن‌تینان ۳۹:۱۵-۴۱)

۲) بدن قیام کرده اکنون نوع تازه‌ای از بدن است (اول قرن‌تینان ۴۲:۱۵-۴۴)

۳) طبیعت بدن قیام کرده بوسیله تضاد با بدن طبیعی روشن شده که پولس را به تضاد میان آدم و مسیح رهنمود ساخته است (اول قرن‌تینان ۴۵:۱۵-۴۹؛ رومیان ۵:۱۲-۲۱)

c. این اتفاق چه زمان روی خواهد دارد؟ پاسخ: هنگامی که عیسی دوباره آید (اول قرن‌تینان ۵۰:۱۵-۵۷)

۱) برای همگان یک تغییر لازم می‌باشد (اول قرن‌تینان ۵۰:۱۵)

۲) همه ما باید سرعت تغییر نماییم (اول قرن‌تینان ۵۱:۱۵-۵۲؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۴-۱۷)

۳) این اتفاق زمانی روی خواهد داد که خداوند در شیپور بدمد (اول قرن‌تینان ۱۵:۵۲؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۶)

۴) هنگامی که تغییر کاملاً حاصل گردد، غلبه بر مرگ محقق گردیده و پیروزی در راه مسیح از آن ما خواهد گردید (اول قرن‌تینان ۵۳:۱۵-۵۷)

۴. نتیجه‌گیری: محصل ایمان به این دکتترین، استقامت در راه خدمت است زیرا ما می‌دانیم که خدمت ما بیهوده نیست (اول قرن‌تینان ۵۸:۱۵)

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۱:۱۵-۲

۱ و اما، ای برادران، اکنون می‌خواهم انجیلی را که به شما بشارت دادم به یادتان آورم، همان انجیل که پذیرفتید و بدان پایبندید^۲ و به وسیله آن نجات می‌یابید، به شرط آنکه کلامی را که به شما بشارت دادم، استوار نگاه دارید. در غیر این صورت، بیهوده ایمان آورده‌اید.

۱:۱۵

NASB "اکنون به شما می‌شناسانم"

NKJV "اکنون می‌خواهم به یادتان آورم"

NRSV "اکنون به شما یادآوری می‌کنم"

TEV "و حالا می‌خواهم به شما یادآوری کنم"

NJB "می‌خواهم برای شما روشن کنم"

پولس ساختار نامه‌های خود را حول محور سولاتی که کلیسای قرن‌تس برای او فرستاده بود (اول قرن‌تینان ۷:۱، ۲۵؛ ۸:۱؛ ۱۲:۱؛ ۱۶:۱) با ذکر عبارت "اکنون در رابطه با" (*peri de*) تشکیل داده بود. فصل ۱۵ با *de* شروع می‌شود. آیا این امکان وجود دارد که بحث درباره قیام در میان سولات کلیسا نبوده، بلکه وضعیتی بود که پولس به عمد بوجود آورد تا عده‌ای را مورد خطاب قرار دهد؟

این عبارات حالت اخباری حال کامل از فعل *gnōrizō*، بمعنی شناساندن، عیان کردن یا اعلام کردن است. با اینحال، پولس اطلاعات جدیدی در اینباره نمی‌داد (اول قرن‌تینان ۱۲:۳)، بلکه خلاصه‌ای بود از دکتترین انجیلی که او پیشتر برای آنان موعظه کرده بود.

موضوع خاص: کاریگمای کلیسای اولیه

(Special Topic: The Kerygma Of The Early Church)

A. وعده هایی که خدا در عهد عتیق داده بود، اینک با آمدن عیسی مسیح تحقق یافته اند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۰، ۳: ۱۹ و ۲۴، ۱۰: ۴۳، ۲۶: ۶ الی ۷ و ۲۲، رومیان ۱: ۲ الی ۴، اول تیموتائوس ۳: ۱۶، عبرانیان ۱: ۱ الی ۲، اول پطرس ۱: ۱۰ الی ۱۲، دوم پطرس ۱: ۱۸ الی ۱۹)

B. عیسی در زمان تعمید توسط خداوند مسح شد (اعمال رسولان ۱۰: ۳۸)

C. عیسی پس از تعمید بشارت خود را در جلیل آغاز کرد (اعمال رسولان ۱۰: ۳۷)

D. بشارت و خدمت او با انجام کارهای خوب و حیرت انگیز و با قدرت خدا مشخص شد (انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، اعمال رسولان ۲: ۲۲، ۱۰: ۳۸)

E. مسیح بر اساس هدف جاودانی خدا به صلیب کشیده شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل یوحنا ۳: ۱۶، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۳ الی ۱۵ و ۱۸، ۴: ۱۱، ۱۰: ۳۹، ۲۶: ۲۳، رومیان ۸: ۳۴، اول قرنطیان ۱: ۱۷ الی ۱۸، ۱۵۶: ۳، غلاطیان ۱: ۴، عبرانیان ۱: ۳، اول پطرس ۱: ۲ و ۱۹، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۴: ۱۰)

F. او از مردگان برخاست و در برابر شاگردانش ظاهر گردید (اعمال رسولان ۲: ۲۴ و ۳۱ الی ۳۲، ۳: ۱۵ و ۲۶، ۱۰: ۴۰ الی ۴۱، ۱۷: ۳۱، ۲۶: ۲۳، رومیان ۸: ۳۴، ۱۰: ۹، اول قرنطیان ۱۵: ۴ الی ۷ و ۱۲ به بعد، اول تسالونیکیان ۱: ۱۰، اول تیموتائوس ۳: ۱۶، اول پطرس ۱: ۲، ۳: ۱۸ و ۲۱)

G. عیسی توسط خدا بالا برده شد و به او عنوان ارباب اطلاق گردید (اعمال رسولان ۲: ۲۵ الی ۲۹ و ۳۳ الی ۳۶، ۳: ۱۳، ۱۰: ۳۶، رومیان ۸: ۳۴، ۱۰: ۹، اول تیموتائوس ۳: ۱۶، عبرانیان ۱: ۳، اول پطرس ۳: ۲۲)

H. او روح القدس را داد تا جامعه جدید مردمان خدا را شکل بخشد (اعمال رسولان ۱: ۸، ۲: ۱۴ الی ۱۸ و ۳۸ الی ۳۹، ۱۰: ۴۴ الی ۴۷، اول پطرس ۱: ۱۲)

I. او مجددا خواهد آمد تا داوری کند و همه چیز را احیا سازد (اعمال رسولان ۳: ۲۰ الی ۲۱، ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱، اول قرنطیان ۱۵: ۲۰ الی ۲۸، اول تسالونیکیان ۱: ۱۰)

J. همه کسانی که پیام را میشنوند باید توبه کرده و تعمید بگیرند (اعمال رسولان ۲: ۲۱ و ۳۸، ۳: ۱۹، ۱۰: ۴۳ و ۴۷ الی ۴۸، ۱۷: ۳۰، ۲۶: ۲۰، رومیان ۱: ۱۷، ۱۰: ۹، اول پطرس ۳: ۲۱)

این طرح به عنوان اعلامیه اساسی کلیسای اولیه خدمت کرده است، هرچند نویسندگان مختلف عهد جدید ممکن است بخشی از آن را بخوانند و یا در موعظه‌های خود بر موارد دیگری تأکید کنند. تمام انجیل مرقس از جنبه کاریگمای پطرس پیروی می‌کند. انجیل مرقس به طور سنتی به عنوان ساختار موعظه‌های پطرس در رم است که به صورت انجیل نگاشته شده است. هم متی و هم لوقا از ساختار اساسی مرقس پیروی می‌کنند.

▣ "برادران" پولس اغلب از این عبارت برای بیان یک جنبه از موضوعی که می‌خواست بیان نموده یا تغییر دهد، استفاده می‌کند، همانطور که در اینجا انجام داده است (اول قرنطیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۱؛ ۳: ۱؛ ۴: ۶؛ ۸: ۱۲؛ ۱۰: ۱؛ ۱۱: ۳۳؛ ۱۲: ۱؛ ۱۴: ۶؛ ۲۰، ۲۶؛ ۱۵: ۱؛ ۵۸؛ ۱۶: ۱۲، ۱۵).

▣ "انجیلی را که" پولس در اینجا مفهوم "انجیل" را با "کلامی که برای شما وعظ کردم" (نسخه فارسی: که به شما بشارت دادم) هم‌تراز می‌کند (اول قرنطیان ۲: ۱۵). در تفکرات یهود، کلمات آسمانی دارای نیرو بودند (پیدایش ۱: ۳، ۶، ۹، ۱۱، ۱۴، ۲۰، ۲۴؛ مزمور ۳۳: ۶، ۹؛ اشعیا ۵۵: ۱۱؛ یوحنا ۱: ۱). این عبارت یک استعاره برای موضوعی بود که پولس وعظ می‌کرد، نه فقط شیوه‌ای برای اشاره به چگونگی تلفظ لغات و کلمات. این آیه دارای یک ریشه مفعولی است، دقیقاً "انجیلی که من به شما بشارت دادم".

آنچه در زیر می‌خوانید تفسیر من در رابطه با "خبر خوش انجیل" است در *Gospel According to Peter*، جلد ۲ که می‌توانید در وب سایت www.freebiblecommentary.org مطالعه نمایید.

"با وجود مرقس بعنوان احتمالاً اولین نویسنده انجیل، این اولین کاربرد واژه *euangelion* (مرقس ۱: ۱۴، ۱۵؛ ۸: ۳۵؛ ۱۰: ۲۹؛ ۱۳: ۱۰؛ ۱۴: ۹) توسط یک نویسنده انجیلی می‌باشد (پولس در غلاطیان ۲: ۲ و ۱ تسالونیکیان ۲: ۹؛ بلحاظ تاریخی خیلی پیشتر از این واژه استفاده کرده بود). معنی دقیق آن "خبر خوش" یا "خبر نیک" است. بدیهی است که این امر بر روی اشعیا ۶۱: ۱ و شاید اشعیا ۴۰: ۹ و ۷: ۵۲ تأثیر می‌گذارد. غالب دستوری آن می‌تواند بصورت (۱) پیام توسط عیسی ارائه گردیده یا (۲) پیام درباره عیسی است، درک گردد. احتمال دارد شماره ۲ بیشتر با مفهوم متن تطابق داشته

باشد. با وجود این، کتاب *Dictionary of Jesus and the Gospels* چاپ IVP می‌نویسد، "حالت مضاف‌علیه در "انجیل" هم دارای جنبه عقلانی است و هم ظاهری: عیسی خبر خوش را جار زده و داستان خویش را اعلام می‌کند" (صفحه ۲۸۵). *The Jerome Biblical Commentary* می‌نویسد: "شیوه کاربرد کلمه "انجیل" توسط مرقس، به پولس وابسته است. در جاییکه می‌تواند معانی چون "عمل جار زدن، و یا محتوای آنچه که جار زده می‌شود" را بدهد.

■ "که پذیرفتید" این عبارت توسط یهودیان بکار برده می‌گردید (اول قرن‌تین ۱۵:۳؛ ۲۳:۱۱؛ ۳:۱۵؛ مرقس ۴:۷؛ فیلیپیان ۹:۴؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۰؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۶). پولس در حال عبور (انجیل، اول قرن‌تین ۱۵:۳) از آنچه که از مسیح دریافت کرده (غلاطیان ۱:۱۲، ۱۶؛ اعمال ۹:۱-۲۲؛ ۲۲:۳-۶؛ ۲۶:۷-۱۸) بود. پیش از این پولس یک رسول برای غیریهودیان بود، او خود یکی از دریافت کنندگان خبر خوش بود. این جمله یک آنوریست کامل اخباری است. با وجود اینکه عیسی بخاطر همه گناهان بشر مژد، از این پاراگراف و دیگر موارد (یوحنا ۱:۱۲؛ ۳:۱۶؛ رومیان ۱۰:۹-۱۳) روشن می‌گردد که هر شخص باید خود هدیه‌ی پیشنهادی و رایگان خداوند، یعنی نجات و رستگاری (اول قرن‌تین ۱۵:۱۱) را دریافت نماید. انجیل به مسائلی چون (۱) خوش‌آمدگویی به یک شخص؛ (۲) باور به واقعیات درباره آن شخص؛ و (۳) یک زندگی اقتباس شده از آن شخص می‌پردازد.

■ "و بدان پایبندید" این جمله کامل اخباری که بمعنی اتمام عملی که از زمان گذشته شروع گردیده بود و اکنون به اتمام و ثبات رسیده، می‌باشد. این واژه سخن از لزوم استقامت و بردباری می‌گوید (به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱:۲۱ مراجعه نمایید).

موضوع خاص: ایستادگی (*histēmi*)

SPECIAL TOPIC: STAND (*histēmi*)

این اصطلاح متداول در مفاهیم مختلف الهیاتی در عهد جدید استفاده شده است

۱. ایجاد کردن

- a. شریعت عهد عتیق، رومیان ۳: ۳۱
- b. پارسایی خود فرد، رومیان ۱۰: ۳
- c. پیمان جدید، رومیان ۱۰: ۳
- d. مسئولیت، دوم قرن‌تین ۱۳: ۱
- e. حقیقت خدا، دوم تیموتائوس ۲: ۱۹

۲. از نظر معنوی و روحانی مقاومت کردن

- a. شیطان، افسسیان ۶: ۱۱
- b. در روز داوری، مکاشفه ۶: ۱۷
- ۳. مقاومت کردن بوسیله محافظت کسی
- a. استعاره نظامی، افسسیان ۶: ۱۴
- b. استفاده مدنی، رومیان ۱۴: ۴
- ۴. مکانی در حقیقت، انجیل یوحنا ۸: ۴۴

۵. مکانی در فیض

- a. رومیان ۵: ۲
- b. اول قرن‌تین ۱۵: ۱
- c. اول پطرس ۵: ۱۲

۶. مکانی در ایمان

- a. رومیان ۱۱: ۲۰
- b. اول قرن‌تین ۷: ۳۷
- c. اول قرن‌تین ۱۵: ۱
- d. دوم قرن‌تین ۱: ۲۴

۷. غرور، اول قرن‌تین ۱۰: ۱۲

این اصطلاح بیانگر فضل و رحمت و مصلحت خدا است و این واقعیت که مؤمنان باید به آن پاسخ دهند و با ایمان به آن برسند. هر دو حقیقت انجیلی هستند. آنها باید با هم حفظ شوند! موضوع خاص: پیمان و موضوع خاص: پارادوکس در انجیل را مطالعه کنید.

۲:۱۵ "نجات می‌یابید" این عبارت حال کامل اخباری بوده و بمعنی "نجات یافته شده" می‌باشد (اول قرن‌تبیان ۱:۱۸؛ ۲ قرن‌تبیان ۲:۱۵؛ ۱ پطرس ۳:۲۱؛ ۱۸:۴). نجات یک مرحله بسوی شبیه به مسیح شدن است.

به موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری و نجات استفاده شدند در اول قرن‌تبیان ۳:۱۵ مراجعه نمایید.

■ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که می‌گوید آنان باید حقیقت انجیل که پولس برای آنها موعظه کرده بود "پایبند" بوده، اما در عین حال با اضافه کردن "ei" (مگر اینکه)، یک احتمال را نیز در نظر می‌گیرد. این آیه به موازات *مَثَلِ عِيسَى* (متی ۱۳) و بحث یوحنا در ۱ یوحنا ۲:۱۹ درباره کسانی که مجالست با او بودند اما وی را ترک کردند، می‌باشد.

گروه‌های تفرقه‌افکن در قرن‌تس بواسطه رفتار و کردار و الهیات خود، نشان دادند که هرگز ایماندار نبودند! آنان (۱) انجیل پولس را رد کردند؛ (۲) اختیارات رسولی پولس را انکار کردند؛ و (۳) انجیل را با فرهنگ روم درآمیختند، تا جاییکه فرهنگ روم حاکم گردید! مسیحیت فرهنگی همیشه ضعیف بوده و در پاره‌ای از موارد اساساً مسیحیت محسوب نگردیده است!

باینحال، لطفاً توجه داشته باشید که به لحاظ متی، پولس بر اطمینان خود نسبت به راستین بودن ایمانداران قرن‌تس، تصریح می‌کند.

۱. زمان فعل آتورسیتی، اول قرن‌تبیان ۱:۱۵، "پذیرفتید"
۲. زمان فعل کامل، اول قرن‌تبیان ۱:۱۵، "که بدان پایبندید"
۳. جمله شرطی نوع اول، اول قرن‌تبیان ۲:۱۵، "استوار نگه دارید"

■ "در غیر این صورت، بیهوده ایمان آورده‌اید" بشرط آنکه... بیهوده". کلمه "بیهوده" (*eikē*) یعنی "بدون هیچ مقصود و هدف" (غلاطیان ۳:۴؛ ۱۱:۴). از متی ۱:۱۳-۹، ۱۸-۲۳ و یوحنا ۸:۳۱-۵۹ روشن می‌گردد که حرفه‌های دروغین یکی از واقعیات زندگی دینی است (به موضوع خاص: ارتداد (*APHISTĒMI*) در اول قرن‌تبیان ۶:۹ مراجعه نمایید). این عبارت چهارمین ردیف را در مجموعه‌ای که لزوم عناصر زندگی مسیحی: پذیرش، موقعیت، پیشرفت، و تداوم را تعریف می‌کند، شکل می‌دهد. رستگاری همچون استقامت، مرحله‌ایست که شامل توبه، ایمان و تعبد (هم در شروع و هم در ادامه) می‌باشد. به موضوع خاص: نیاز به استقامت در اول قرن‌تبیان ۱:۲۱ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تبیان ۱۵:۳-۱۱

۳ زیرا من آنچه را که به من رسید، چون مهمترین مطلب به شما سپردم: اینکه مسیح مطابق با کتب مقدس در راه گناهان ما مرد،^۴ و اینکه دفن شد، و اینکه مطابق با همین کتب در روز سوّم از مردگان برخاست،^۵ و اینکه خود را بر کیفا ظاهر کرد و سپس بر آن دوازده تن. پس از آن، یک بار بر بیش از پانصد تن از برادران ظاهر شد که بسیاری از ایشان هنوز زنده‌اند، هر چند برخی خفته‌اند.^۷ سپس بر یعقوب ظاهر شد و بعد بر همه رسولان،^۸ و آخر از همه بر من نیز، چون طفلی که غیرطبیعی زاده شده باشد، ظاهر گردید.

۹ زیرا من در میان رسولان کمترینم، و حتی شایسته نیستم رسول خوانده شوم، چرا که کلیسای خدا را آزار می‌رسانیدم.^{۱۰} اما به فیض خدا آنچه هستم، هستم و فیض او نسبت به من بی‌ثمر نبوده است. برعکس، من از همه آنها سخت‌تر کار کردم، اما نه خودم، بلکه آن فیض خدا که با من است.^{۱۱} به هر حال، خواه من خواه آنان، همین پیام را وعظ می‌کنیم و همین است پیامی که به آن ایمان آوردید.

۳:۱۵ "به شما سپردم" این عبارت اشاره دارد به (۱) شهادت به دریافت انجیل توسط پولس (از سوی استیپان در اعمال رسولان ۷، خنانیا در اعمال رسولان ۱۸-۹:۱۰؛ و مسیحیان از رنج دیده، اعمال رسولان ۹:۹-۲:۱؛ ۱ قرن‌تبیان ۱۵:۹) و (۲) مستقیماً بوسیله مکاشفه از سوی خداوند (اول قرن‌تبیان ۱۱:۲۳؛ اعمال رسولان ۹:۱-۲۲؛ ۳:۲۲-۱۶؛ ۹:۲۶-۱۸؛ غلاطیان ۱:۱۲). پولس انجیلی را که دریافت کرده بود، انتقال داد. پولس انسان خلاق نبود، اما شاهدی باوفا بود که واقعیتهای انجیل را به غیریهودیان جدید انتقال داد.

■ "مهمترین مطلب" این مختصرترین کلام انجیلی وابسته به رسالت رسول است. خلاصه‌های انجیل امروزی، همچون جاده رومی (۳:۲۳؛ ۸:۵؛ ۶:۲۳؛ ۱۰:۹-۱۳)، بخشهای مدرن برگرفته از نوشته‌های تحت وحی هستند. پولس می‌خواهد آنها را بعنوان ضروریات انجیل یادآوری نماید (به موضوع خاص: *Kerygma* در اول قرن‌تبیان ۱:۱۵ مراجعه نمایید).

خلاصه‌ای که پولس از انجیل ارائه می‌دهد:

۱. عیسی بخاطر گناهان ما مُرد

۲. عیسی بواقع مُرد و دفن شد

۳. عیسی از مرگ بپا خاست

۴. ما به این حقایق واقفیم، زیرا که او خود را در روزهای مختلف به بسیاری از مردم آشکار ساخت

■ **"مسیح در راه گناهان ما مرد"** واژه "مسیح" ترجمه یونانی از واژه عبری مسایح، بمعنی کسی که تدهین شده می‌باشد. این واژه، بدون اضافات رایج "عیسی مسیح" یا "خداوند عیسی مسیح" یا "مسیح عیسی" نشان دهنده ریشه‌ی اولیه‌ی سنتِ پولس است، در جاییکه بر عیسی بعنوان مسایح یهودی، همان که وعده او داده شده بود، تأکید می‌گردد. (به موضوع خاص: مسایح در اول قرن‌تین ۱:۲۳ مراجعه نمایید). با همه احتمالات، پولس اینها را از حناثیا و دیگر ایمانداران در دمشق پس از اینکه به مسیحیت گروید، دریافت کرد.

این جمله کامل اخباری است. "عیسی بهایی را پرداخت کرد که بعهد او نبوده و ما این ما بودیم که باید بهایی را پرداخت می‌کردیم که از عهده آن بر نمی‌آمدیم" (غلاطیان ۳:۱۳؛ ۱ یوحنا ۴:۱۰). عبارت "در راه" (در نسخه انگلیسی "برای" و در نسخه یونانی واژه "hyper" نوشته شده است) در واقع بمعنی "بخاطر" می‌باشد؛ در نسخه‌های یونانی اغلب از معادل دیگری بنام "anti" استفاده می‌گردید که بمعنای "به جای" می‌باشد. عبارات "نیابت"، "به جای" و "کفار" از همینجا سرچشمه گرفتند (اشعیا ۵۳:۵؛ مرقس ۱۰:۴۵).

مرگ مسیح در نوشته‌های پولس مدام تکرار می‌گردد. او از واژگان گوناگون و عبارات متفاوتی برای کفار مرگ عیسی استفاده کرده است:

۱. خون (اول قرن‌تین ۱۱:۲۵، ۲۷؛ رومیان ۳:۲۵؛ ۵:۹؛ افسسیان ۱:۷؛ ۲:۱۳؛ کولسیان ۱:۲۰)
۲. جان خود را فدا کرد (افسسیان ۵:۲، ۲۵)
۳. برخیزانیده شد (رومیان ۴:۲۵؛ ۸:۳۲)
۴. قربانی (اول قرن‌تین ۵:۷)
۵. مُرد (رومیان ۵:۶؛ ۸:۳۴؛ ۹:۱۴، ۱۵؛ اول قرن‌تین ۸:۱۱؛ ۱۵:۳؛ دوم قرن‌تین ۵:۱۵؛ غلاطیان ۵:۲۱؛ غلاطیان ۵:۲۱؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۴؛ ۵:۱۰)
۶. صلیب (اول قرن‌تین ۱:۱۷-۱۸؛ غلاطیان ۵:۱۱؛ ۶:۱۲-۱۴؛ افسسیان ۲:۱۶؛ فیلیپیان ۲:۸؛ کولسیان ۱:۲۰؛ ۲:۱۴)
۷. مصلوب (اول قرن‌تین ۱:۲۳؛ ۲:۲؛ دوم قرن‌تین ۱۳:۴؛ غلاطیان ۳:۱)

■ **"مطابق با کتب مقدس"** این عبارت اشاره به عهد عتیق دارد زیرا که تا آن زمان هنوز هیچیک از بخشهای عهد جدید، احتمالاً بجز غلاطیان و تسالونیکیان به رشته تحریر در نیامده بود. کاربرد این عبارت در اول قرن‌تین ۱۵:۳-۴ بر جنبه انبیایی (لوقا ۲۴:۲۷) و برنامه از پیش تهیه شده خداوند برای احیای بشریت تصریح دارد (اعمال رسولان ۲:۲۳؛ ۳:۱۸؛ ۴:۲۸؛ ۱۳:۲۹، همچنین به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱:۲۱ مراجعه نمایید). با اینحال، این امکان وجود دارد که کتب مقدس در اینجا اشاره به یکی از اناجیل (یا کلماتی که عیسی بطور جداگانه از انجیل‌های هم‌نوا در میان عوام استفاده می‌کرد) داشته باشد. این کلمات مشخص نیست که چه زمانی نوشته و یا چه زمانی در میان کلیساهای اولیه بکار برده می‌شدند. اگر این عبارت واقعاً اشاره به دوره انجیل داشته باشد، پس عبارت "در روز سوم" می‌تواند اشاره به قیام عیسی در روز یکشنبه، اولین روز هفته و مطابق محاسبات یهودیان، سه روز داشته باشد.

۴:۱۵ "دفن شد" یعنی واقعاً مُرده بود!

■ **"در روز سوم"** هیچ تأییدیه روشنی در عهد عتیق مبنی بر "روز سوم" وجود ندارد. با اینحال، این عبارت بخشی از *kerigma* است (مرقس ۱۰:۳۴؛ لوقا ۲۴:۴۶؛ اعمال رسولان ۱۰:۴۰، همچنین به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱:۱۵ مراجعه نمایید). برخی این عبارت را در اشاره به یونس در مزمور ۱۷:۱ یا ۱۶:۱۰ می‌دانند، اما با توجه به توضیح عیسی در متی ۱۲:۴۰ بنظر می‌رسد که در ارتباط با تجربه یونس و ماهی بزرگ باشد.

■ **"از مردگان برخاست"** این جمله مجهول کامل است که در این فصل اغلب از آن استفاده شده است (اول قرن‌تین ۱۵:۴، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰). زمان فعل یونانی سخن از تداوم وضعیت عیسی بعنوان "آن برخاسته" و زمان مجهول سخن از عمل خدای پدر در قیام او از مردگان دارد. این امر نشان دهنده پذیرش زندگی، آموزه‌ها و کفار مرگ عیسی توسط پدر می‌باشد. عهد جدید اغلب کارهای مرتبط با احیای بشریت را به سه شخصیت با محوریت خدا نسبت می‌دهد:

۱. خدای پدر عیسی را برخیزاند (اعمال ۲:۲۴؛ ۳:۱۵؛ ۴:۱۰؛ ۵:۳۰؛ ۱۰:۴۰؛ ۱۳:۳۰؛ ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۳۱:۱۷؛ رومیان ۶:۴، ۹:۹؛ ۱۰:۹؛ اول قرن‌تین ۶:۱۴؛ دوم قرن‌تین ۴:۱۴؛ غلاطیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۲۰؛ کولسیان ۱:۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۱۰)
۲. خدای پسر خود را برخیزاند (یوحنا ۲:۱۹-۲۲؛ ۱۰:۱۷-۱۸)

موضوع خاص: قیام از مردگان

(SPECIAL TOPIC: The Resurrection)

در انجیل بازگشت از مرگ سه مفهوم دارد.

- A. کسانی که نمی‌میرند، بلکه می‌روند تا با خدا باشند (انوش، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۵:۲۴، الیاس، دوم پادشاهان ۲:۱۱).
- B. کسانی که به واسطه قدرت خدا از دروازه مرگ به سلامتی فیزیکی باز می‌گردند. به این "بازگشت از مرگ" یا "قیام از مردگان" گفته می‌شود. آنها در زمانی در آینده خواهند مرد.
- C. فقط یک قیام از مرگ یا بازگشت از مرگ وجود دارد (یعنی عیسی). او مرد ولی از مرگ بازگشت (یعنی حادس / *hades*) و توسط خدا به او بدن جدیدی برای زندگی ابدی داده شد. او نخستین ثمر از مرگ است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵:۲۰ و ۲۳، "نخستین مولود از مرگ"، مراجعه شود به کولسیان ۱:۱۵ و ۱۷). به واسطه او، ایمانداران در بازگشت دوم او از مرگ برمیخیزند (مراجعه شود به مزامیر ۴۹:۱۵، ۷۳:۲۴، اشعیا ۲۶:۱۹، دانیال ۱۲:۲، انجیل متی ۲۲:۳۱ الی ۳۲، انجیل مرقس ۱۲:۲۶ الی ۲۷، انجیل یوحنا ۵:۲۵ و ۲۸ الی ۶:۳۹، ۴۰ الی ۴۴ و ۵۴، رومیان ۸:۱۱، اول قرن‌تینان ۱۵، اول تسالونیکیان ۴:۱۳ الی ۴، اول یوحنا ۲:۳).

شواهد قیام از مردگان

- A. پنجاه روز بعد در پنتیکاست، قیام از مردگان موضوع کلیدی مؤنزه پطرس بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲). هزاران نفر در که در ناحیه‌ای که این اتفاق رخداد زندگی می‌کردند، ایمان آوردند.
- B. زندگی شاگردان به صورت ریشه‌ای از ترس (آنان انتظار بازگشت از مرگ را نداشتند) به شهامت و بیباکی تبدیل شد.
- C. پولس چندین شاهد عینی منجمله خودش را در اول قرن‌تینان ۵:۵ الی ۸ فهرست می‌کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹). اهمیت بازگشت از مرگ

- A. نشان می‌دهد که عیسی همان است که ادعا می‌کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۳۸ الی ۴۰، پیش‌گویی مرگ و بازگشت از مرگ)
- B. خدا مهر تأیید خود را بر زندگی، تعالیم و مردن به عنوان جایگزین زد (مراجعه شود به رومیان ۴:۲۵)
- C. وعده به تمام مسیحیان را نشان می‌دهد (بازگشتن از مرگ، مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵)

ادعاهای عیسی که از مرگ برخواید خواست

- A. انجیل متی ۱۲:۳۸ الی ۴۰، ۱۶:۲۱، ۱۷:۹ و ۲۲ و ۲۳، ۱۸:۲۰ و ۱۹، ۲۶:۳۲، ۲۷:۶۳
- B. انجیل مرقس ۸:۳۱، ۹:۱ الی ۱۰، ۱۴:۲۸، ۳۱ و ۵۸
- C. انجیل لوقا ۹:۲۲ الی ۲۷
- D. انجیل یوحنا ۲:۱۹ الی ۲۲، ۱۲:۳۴، فصل‌های ۱۴ الی ۱۶

هم پطرس و هم پولس تصریح می‌کنند که مزمور ۱۶ به عیسی مسیح اشاره می‌کند

- A. پطرس در اعمال رسولان ۲:۲۴ الی ۳۲
- B. پولس در اعمال رسولان ۱۳:۳۲ الی ۳۷

منابع برای مطالعات بیشتر

Evidence That Demands a Verdict by Josh McDowell .A

Who Moved the Stone? by Frank Morrison .B

The Zondervan Pictorial Encyclopedia of the Bible, "Resurrection," "Resurrection of Jesus Christ" .C

۵:۱۵ "ظاهر کرد" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: ظاهر شدن‌های عیسی پس از رستاخیز

(SPECIAL TOPIC: JESUS' POST RESURRECTION APPEARANCES)

عیسی برای تأیید قیامش، خود را به چندین نفر نشان داد

- ۱. زن در مقبره، انجیل متی ۲۸:۹

۲. یازده شاگرد در گردهمایی در جلیل، انجیل متی ۲۸:۱۶
 ۳. شمعون، انجیل لوقا ۲۴:۳۴
 ۴. دو نفر در جاده به سمت عمانوس، انجیل لوقا ۲۴:۱۵
 ۵. شاگردان در اتاق طبقه بالا، انجیل لوقا ۲۴:۳۶
 ۶. مریم مجدلیه، انجیل یوحنا ۲۰:۱۵
 ۷. ده شاگرد در اتاق طبقه بالا، انجیل یوحنا ۲۰:۲۰
 ۸. یازده شاگرد در اتاق طبقه بالا، انجیل یوحنا ۲۰:۲۶
 ۹. هفت شاگرد در کنار دریای جلیل، انجیل یوحنا ۲۱:۱
 ۱۰. کیفا (پطرس)، اول قرنتیان ۱۵:۵
 ۱۱. دوازده (شاگرد)، اول قرنتیان ۱۵:۵
 ۱۲. ۵۰۰ نفر از برادران، اول قرنتیان ۱۵:۶، همچنین انجیل متی ۲۸:۱۶ و ۱۷
 ۱۳. یعقوب (از خانواده زمینی‌اش)، اول قرنتیان ۱۵:۷
 ۱۴. تمامی شاگردان، اول قرنتیان ۱۵:۷
 ۱۵. پولس، اول قرنتیان ۱۵:۸ (اعمال رسولان ۹)
- بدیهی است برخی از موارد فوق به یک نمایان شدن واحد اشاره دارند. عیسی می‌خواست آنان مطمئن شوند که او زنده است.

■ "کیفا" پولس در نامه‌هایی که برای قرنتیان نوشته بود معمولاً وی را بدین نام می‌خواند (اول قرنتیان ۱:۱۲؛ ۳:۲۲؛ ۹:۵؛ ۱۵:۵۰، اما در غلاطیان او را هم کیفا (اول قرنتیان ۲:۹) و هم پطرس (اول قرنتیان ۱:۱۸؛ ۲:۷، ۸، ۱۱، ۱۴) خوانده است. پولس هرگز او را شمعون نخوانده است. شگفت‌انگیز است که نفر اول (پس از زنان در کنار قبر) که مسیح قیام کرده بر او ظاهر گردید، همان کسی است که سه بار وی را انکار کرده بود، همان که اولین موعظه را در کلیسای پنتیکاست اجرا کرد. عیسی در مرقس ۱۶:۷ به رسولان گفته شد که او را در جلیلیه ملاقات نمایند، تأکید خاصی بر روی بعمل آورد. بدیهی است که این امر نشان دهنده محبت، درک، بخشش و بازگشت قدرت به عیسی مسیح است. اکثر یوحنا ۲۱ در تعریف بازگرداندن رهبری به پطرس است.

■ "آن دوازده تن" نسخه‌های خطی یونانی (MS D [Codex Bezael])، همینطور نسخه Vulgate، "یازده تن" را ثبت کرده‌اند. عبارت "دوازده" برای گروه رسولان تبدیل به یک واژه تکنیکی گردیده است. پولس این لغت را در هیچیک از نوشته‌های خود بکار نبرده است. برخی تصور می‌کنند که اول قرنتیان ۱۵:۳-۷ خلاصه‌ای از قواعد آیین مسیحیت در کلیسای اولیه بوده است.

موضوع خاص: عدد دوازده

(Special Topic: The Number Twelve)

دوازده همیشه عدد نمادین برای کتاب مقدس بوده است

A. خارج از انجیل

۱. ۱۲ نشان زودیاک

۲. دوازده ماه سال

B. در عهد عتیق (BDB 1040 و 797)

۱. پسران یعقوب (قبایل یهود)

۲. منعکس شده در موارد زیر

a. دوازده ستون در محراب در خروج ۲۴:۴

b. دوازده جواهر بر روی سینه لباس کاهن اعظم (که نشان از قبایل است) در خروج ۲۸:۲۱

c. دوازده قرص نان در مکان مقدس جشن خیمه‌ها در لاویان ۲۴:۵

d. دوازده جاسوس به کنعان اعزام شدند در اعداد ۱۳ (از هر قبیله یک نفر)

e. دوازده عصا (استانداردهای قبایل) در شورش کورا در اعداد ۱۷:۲

- f. دوازده سنگ یوشع در یوشع ۳:۴ و ۹ و ۲۰
 g. دوازده ناحیه فرماندهی در دولت سلیمان در اول پادشاهان ۴:۷
 h. دوازده سنگ محراب الیاس برای یهوه در اول پادشاهان ۱۸:۳۱
 C. در عهد جدید

۱. دوازده شاگرد منتخب
۲. دوازده سبد نان (یکی برای هر شاگرد) در انجیل متی ۱۴:۲۰
۳. دوازده تخت در عهد جدید برای نشستن شاگردان (اشاره به دوازده قبیله اسرائیل) در انجیل متی ۱۹:۲۸
۴. دوازده گروه از فرشتگان برای نجات عیسی در انجیل متی ۲۶:۵۳
۵. نمادگرایی در مکاشفه
 - a. ۲۴ ریش سفید بر ۲۴ تخت در ۴:۴
 - b. ۱۴۴۰۰۰ (۱۲x۱۲۰۰۰) در ۷:۴، ۱۴:۱ و ۳
 - c. دوازده ستاره بر تاج زنان در ۱۲:۱
 - d. دوازده دروازه، دوازده فرشته منعکس کننده دوازده قبیله در ۲۱:۱۲
 - e. دوازده سنگ زیرین اورشلیم جدید و بر روی هر یک نام یکی از شاگردان در ۲۱:۱۴
 - f. دوازده هزار محله در ۲۱:۱۶ (اندازه شهر جدید، اورشلیم جدید)
 - g. دیوارها ۱۴۴ ذراع هستند در ۲۱:۱۷
 - h. دوازده دروازه مروارید در ۲۱:۲۱
 - i. درختان در اورشلیم جدید با دوازده نوع میوه (یکی برای هر ماه) در ۲۲:۲

۶:۱۵ "بر بیش از پانصد تن از برادران ظاهر شد" این بخش از آیه می‌تواند در اشاره به متی ۱۶:۲۸-۲۰ باشد، بویژه اول قرن‌تین ۱۷:۱۵ که نشان دهنده مأموریت بزرگی است که به تمام کلیسا محول گردیده، نه فقط رهبرانی معدود. تأکیدی که پولس در اول قرن‌تین ۶:۱۵ دارد، واقعیت تاریخی قیام است. اگر کسی باور نداشت، اما در عوض تعداد زیادی شاهد عینی وجود داشتند که این امر را شهادت دهند.

□ "هنوز" عیسی در میانه‌ی ۳۰ سالگی مصلوب گردید و اول قرن‌تین در میانه‌ی ۵۰ سالگی او. پس در این بیست سال خلاء، بسیاری از افرادی که شخصاً با وی ملاقات کرده و از کلام او کردار او متأثر گردیده بودند، هنوز در قید حیات قرار داشتند!

□ "برخی خفته‌اند" پولس از شیوه‌ای که عیسی (متی ۲۷:۵۲؛ یوحنا ۱۱:۱۱، ۱۳) و عهد عتیق (دانیال ۲:۱۲) از خواب بعنوان استعاره‌ای برای مرگ، استفاده می‌کردند، بهره برده است.

۷:۱۵ "یعقوب" این نام اشاره به برادر عیسی دارد که تا پس از قیام، به او باور نداشت (مرقس ۳:۲۱؛ یوحنا ۷:۵). همه خانواده در اتاق بالایی حضور داشتند (اعمال رسولان ۱:۱۴). از این یعقوب بعنوان برادر ناتنی عیسی (متی ۱۳:۵۵؛ مرقس ۶:۳)، بمنظور تمیز دادن از یعقوب نبی، بعنوان حلقه داخلی که خیلی پیشتر به قتل رسید، یاد می‌گردد (اعمال ۱۲). برای نسل‌های متمادی، در کلیسای اورشلیم یکی از بستگان عیسی بعنوان رهبر حضور داشت. دهها بخش از انجیل (اعمال ۱۲:۱۷؛ ۱۳:۱۵؛ ۱۸:۲۱؛ اول قرن‌تین ۷:۱۵ و یعقوب ۱:۱) نشان می‌دهند که یعقوب رهبری بسیار قدرتمند در کلیسای اورشلیم بوده است. پولس تنها کسی است که ظهور را ذکر می‌کند. این امر نشان می‌دهد که تا چه اندازه جزئیات در عهد جدید درباره عیسی و آموزه‌ها و کردار او حذف گردیده‌اند. همه ما باید به او اطمینان داشته و او را پیروی نماییم، اما تاریخچه کامل زندگی او کامل نیست.

موضوع خاص: یعقوب، برادر ناتنی عیسی

(SPECIAL TOPIC: JAMES, THE HALF-BROTHER OF JESUS)

- A. "یعقوب عادل" نامیده شد و بعداً "زانو شتری" نامیده شد، زیرا او به طور مداوم روی زانوهایش دعا میکرد (به نقل از *Hegesippus*، نقل شده از *Eusebius in Hist* کتاب جامعه ۲۳:۲-۲۴:۴ (۱۸:۴))
- B. یعقوب تا پس از قیام عیسی از مردگان ایمان نیاورده بود (مرقس ۳:۲۱؛ انجیل یوحنا ۷:۵). عیسی پس از رستاخیز شخصاً بر او ظاهر شد (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۷:۱۵).

- C. او با شاگردان در اتاق بالایی با شاگردان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۴) حضور داشت و احتمالاً نیز وقتی که روح القدس به پنتیکاست آمد.
- D. او ازدواج کرده بود (اول قرن‌تین ۹: ۵)
- E. پولس از او به عنوان ستون (احتمالاً یک رسول، مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۹، به موضوع خاص: فرستادن [apostellō] مراجعه شود) یاد می‌کند، اما یکی از آن دوازده نفر نبود (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۹؛ اعمال رسولان ۱۲: ۱۷؛ ۱۵: ۱۳).
- F. در *Antiquities of the Jews*، ۲۰: ۹، جوزفوس می‌گوید که او در سال ۶۲ میلادی به دستور سادوجس‌های سانهدرین سنگسار شده است، در حالی که روایت دیگری (نویسندگان قرن دوم، کلمنت اسکندریه یا Hegesippus) می‌گوید که او را از دیوار معبد را هل دادند
- G. برای نسل‌های بسیاری پس از مرگ عیسی، یکی از اعضای خانواده عیسی رهبر کلیسای اورشلیم میشد.
- H. او نویسنده کتاب عهد جدید "یعقوب" و برادر نویسنده کتاب "یهودا" بود (یهودا آیه ۱).

■ "بر همه رسولان" از آنجاییکه در اول قرن‌تین ۱۵: ۵ از آن دوازده ذکر بمیان آمده، بنظر می‌رسد که اشاره به کاربرد وسیع‌تری شده باشد. یعقوب بنظر یک "رسول" در ردیف "بارناباس" (اعمال رسولان ۴: ۱۴، ۱۴)؛ آندرونیکوس و یونیا (یا یونیه در رومیان ۷: ۱۶)؛ آپولس (دوم قرن‌تین ۴: ۹)؛ اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵)؛ یا سیلاس و تیموتائوس (اعمال رسولان ۵: ۸) بوده است.

این احتمال وجود دارد که کیفا جدا از آن دوازده نفر ذکر شده بوده تا "همه رسولان" بتوانند به آن دوازده نیز ارجاع داده شوند.

۸:۱۵

NASB, NRSV "همچون کسی که در زمان نامساعد زاده شده باشد"

NKJV "همچون کسی که در زمان مقرر زاده نشده باشد"

TEV "با وجود اینکه من همچون کسی هستم که غیرطبیعی زاده شده‌ام"

NJB "چون طفلی که غیرطبیعی زاده شده باشد"

این ترجمه‌های انگلیسی، حس کلی این واژه نادر را نشان می‌دهند. این واژه فقط سه بار در نسخه Septuagint (اعداد ۱۲: ۱۲؛ ایوب ۳: ۱۶؛ و جامعه ۳: ۶) برای یک سقط جنین بکار برده شده است. این واژه از یک تولد زود هنگام و خارج از زمان مقرر خبر می‌دهد. با اینحال در این متن، پولس بنظر از تأخیر خود در ملحق شدن به گروه انبیا سخن می‌گوید (مکالمه‌ی جاده دمشق، اعمال رسولان ۹).

قطعاً این امکان وجود دارد که این عبارات نیز یکی از مطالبی که گروه‌های تفرقه‌افکن در رد و انکار اختیارات پولس مطرح می‌کردند، بوده باشد (او یک رسول معمولی نبود). پولس بر فیض مسیح در ظاهر شدن بر او در طول دوران محنتی که در کلیسا متحمل می‌شد، اذعان داشت (اول قرن‌تین ۱۵: ۱۰؛ غلاطیان ۱: ۲۳). با اینحال، او هنوز در فهرستی قرار داشت که مسیح پس از قیامش بر آنان ظاهر گردیده بود. پولس حتی تصریح می‌کند که او تنها کسی است که مسیح جلال یافته (عروج کرده) بر او ظاهر گردیده بود (غلاطیان ۱: ۱۵-۱۶).

در عین حال این امکان نیز وجود دارد که این واژه معنای دومی همچون "هیولا" داشته باشد، که در اینصورت اشاره به حملات خشن و مکرر پولس به ایمانداران بی‌گناه دارد (اعمال رسولان ۹: ۱-۲، به Jerome Biblical Commentary صفحه ۲۷۳ رجوع نمایید). از آنجاییکه این جملات معرف دوران تفریط او در زمان یهودیت و پیش از تغییر مذهب می‌باشند، احتمالاً پولس آنها را درباره خود بیان کرده است.

۹:۱۵ "در میان رسولان کمترینم" پولس حتی در طول دوران رنج در کلیسای مسیح، در برابر فیض خداوند فروتن بود. او اغلب این عبارات را برای تعریف از خود بیان می‌دارد (دوم قرن‌تین ۱۲: ۱۱؛ افسسیان ۳: ۸؛ تیموتائوس ۱: ۱۵).

■ "کلیسای خدا را آزار می‌رسانیدم" (اعمال رسولان ۹: ۱، ۱۳، ۲۱؛ ۴: ۲۲، ۱۹؛ ۲۶: ۱۰-۱۱؛ غلاطیان ۱: ۱۳، ۲۳؛ فیلیپیان ۳: ۶؛ تیموتائوس ۱: ۱۳).

۱۰:۱۵ "به فیض خدا آنچه هستم، هستم" عبارت فیض بمنظور تأکید، در ابتدا آورده شده است (رومیان ۱۲: ۳؛ افسسیان ۲: ۸-۹). همه ایمانداران به فیض خدا آنچه که هستند، می‌باشند، اما به توازن مورد نیاز برای اعمال هدفمند بشر باید توجه نمود (فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳).

□ "بی‌ثمر نبوده است" این واژه با آنچه که در اول قرن‌تین ۲:۱۵ بکار برده شده تفاوت دارد. در حقیقت، پولس از سه واژه متفاوت که در این فصل "بی‌ثمر" یا "پوچ" ترجمه شده، استفاده کرده است.

۱. *Eikē*، اول قرن‌تین ۲:۱۵

۲. *Kenos*، اول قرن‌تین ۱۵:۱۰، ۱۴، ۴۸: دوم قرن‌تین ۱:۶

۳. *Mataios*، اول قرن‌تین ۱۵:۱۷؛ اول قرن‌تین ۳:۲۰

منظور او اینست که فیض خداوند تأثیر مأموریت بشارتی پولس را ثابت کرده، که کلیسای قرن‌تس خود شاهدهی بر این مدعا می‌باشد.

□ "من از همه آنها سخت‌تر کار کردم" متن تأکید می‌کند که این عبارات اشاره به دیگر رسولان دارد. پولس خود را با دیگر رسولان در غلاطیان مقایسه و نموده زیرا دامنه اختیارات رسولی او به چالش کشیده شده بود. احتمال دارد که یک یا چند تن از تفرقه‌افکنان نظیر همین کار را در قرن‌تس انجام می‌دادند. پولس هیچ نزاع و مجادله‌ای با آن دوازده رسول نداشت. او تنها خیلی واضح بر فراخوانده شدن و اختیارات خود صحه می‌گذارد.

به موضوع خاص "حتی بیشتر" در دوم قرن‌تین ۷:۲ مراجعه نمایید.

□ "اما نه خودم، بلکه آن فیض خدا که با من است" در الهیات پولس، میان فراخوانده شدن، مورد رحمت قرار گرفته شدن و خدمت در ارتباط با پادشاهی خدا توازن وجود دارد. همواره یک توازن پیمانی میان این دو روش نگرش به تأثیرگذاری افراد وجود دارد. پولس تصریح می‌کند که او سخت‌تر از سایر رسولان کار کرده، اما او همچنان می‌دانست که خداوند سرمنشأ همه چیز است و نه او. مشابه همین توازن میان یوحنا ۵:۱۵ و فیلیپیان ۱۳:۴ یا فیلیپیان ۲:۱۲-۱۳ دیده می‌شود.

۱۱:۱۵ پولس قویاً تصریح می‌کند که انجیلی را که او دریافت و موعظه کرده بود، دقیقاً همان است که رسولان اصلی موعظه نموده بودند. این حقیقت که او چنین ادعایی می‌کند نشان دهنده مخالفت‌های بیست که او قرار بود در قرن‌تس با آنها مواجه شود. برخی حدود اختیارات او را انکار کرده و حتی ممکن است محتوای انجیل او را نیز به زیر سوال برده بودند.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱۵:۱۲-۱۹

۱۲ اما اگر موعظه می‌شود که مسیح از مردگان برخاست، چگونه است که بعضی از شما می‌گویند مردگان را رستاخیزی نیست؟^{۱۳} اگر مردگان بر نمی‌خیزند، پس مسیح نیز برنخاسته است.^{۱۴} و اگر مسیح برنخاسته، هم وعظ ما باطل است، هم ایمان شما.^{۱۵} به علاوه، برای خدا شاهدان دروغین محسوب می‌شویم، زیرا درباره او شهادت داده‌ایم که مسیح را از مردگان برخیزانید، حال آنکه اگر مردگان بر نمی‌خیزند، پس خدا او را برنخیزانیده است.^{۱۶} زیرا اگر مردگان بر نمی‌خیزند، پس مسیح نیز برنخاسته است.^{۱۷} و اگر مسیح برنخاسته، ایمان شما باطل است و شما همچنان در گناهان خود هستید.^{۱۸} بلکه آنان نیز که در مسیح خفته‌اند، از دست رفته‌اند.^{۱۹} اگر تنها در این زندگی به مسیح امیدواریم، حال ما از همه دیگر آدمیان رقت‌انگیزتر است.

"اگر" این یک جمله شرطی نوع اول بوده که می‌گوید مسیح در حال موعظه شدن بوده است (اول قرن‌تین ۱۵:۱۱).

□ "چگونه است که بعضی از شما می‌گویند مردگان را رستاخیزی نیست" سرمنشأ انکار این رستاخیز احتمالاً در فلسفه یونان است (اناجیل هم‌نوا، به واژه‌نامه مراجعه نمایید)، که فکر می‌کرد بدن انسان منبع شیاطین است. بلحاظ متنی مشخص نیست که آیا آنها رستاخیز مسیح را انکار می‌کردند یا رستاخیز همه ایمانداران را. این مسئله بغرنجی در کلیسای اولیه نبود (۲ تیموتایوس ۲:۱۸).

۱۳:۱۵ "اگر" این نیز یک جمله شرطی دیگر از نوع اول است. این حرف اغلب توسط متخصصان دستور زبان، یک وضعیت "ساده" یا "منطقی" خوانده شده است (اول قرن‌تین ۱۵:۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹). بدیهی است که در این آیه پولس از آن برای مرتفع شدن بحث خود بهره برده و نه برای تصریح بر قیام مسیح! اما منطقی در این چند آیه بسیار مستحکم است. اگر مسیح برنخاسته، پس:

۱. اصولاً هیچ رستاخیزی صورت نپذیرفته، اول قرن‌تین ۱۵:۱۳، ۱۶

۲. موعظه‌های ما همگی بیهوده هستند، اول قرن‌تین ۱۵:۱۴

۳. همگی شاهدان دروغین هستند، اول قرن‌تین ۱۵:۱۵

۴. ایمان شما فاقد وجاهت و ارزش است، آیه ۱۷

۵. ایمان شما بیهوده است، اول قرن‌تین ۱۵:۱۴

۶. شما هنوز به گناه مشغول بودید، اول قرنیتان ۱۵:۱۷

۷. همه آنان که مرده اند، از دست رفته محسوب می گردند، اول قرنیتان ۱۵:۱۸

۸. بحال همه انسانها باید تأسف خورد، اول قرنیتان ۱۵:۱۹

چنین مشکل الهیاتی درباره قیام مسیح دیگر مسئله کوچکی محسوب نمی گردد! یا او هنوز زنده است یا اینکه مسیحیت دروغ است! این دو شاخه شدن دکتربین محسوب می گردد!

۱۴:۱۵، ۱۷ "باطل... دروغ" (در نسخه انگلیسی: "باطل... بی ارزش" نوشته شده است) اینها دو واژه متفاوت هستند که بمعنی پوچ و بی حاصل می باشند. بدون رستاخیز، ادعای پیام انجیل هیچ حاصل و تأثیری نخواهد داشت!

۱۹:۱۵ "اگر تنها در این زندگی به مسیح امیدواریم" این جمله شرطی نوع اول است. پولس می گوید که اگر مسیح قیام نکرده بود، ما در این زندگی فقط امید (حال کامل دارای ضواید) داشتیم، زیرا دیگر زندگی پس از مرگ وجود نداشت - اگر مسیح برخاسته بود!

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتان ۲۰:۲۸-۲۸

۲۰ اما مسیح برآستی از مردگان برخاسته و نوبر خفتگان شده است. ۲۱ زیرا همان گونه که مرگ از طریق یک انسان آمد، رستاخیز مردگان نیز از طریق یک انسان پدیدار گشت. ۲۲ زیرا همان گونه که در آدم همه می میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. ۲۳ اما هر کس به نوبه خود: نخست مسیح که نوبر بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به اویند. ۲۴ سپس پایان فرا خواهد رسید، یعنی آنگاه که پس از برانداختن هر ریاست و قدرت و نیرویی، پادشاهی را به خدای پدر سپارد. ۲۵ زیرا او باید تا زمانی که پا بر همه دشمنانش بگذارد، حکم براند. ۲۶ دشمن آخر که باید از میان برداشته شود، مرگ است. ۲۷ زیرا خدا «همه چیز را زیر پاهای او نهاد.» اما وقتی گفته می شود 'همه چیز' زیر پاهای او نهاده شد، روشن است که این خود خدا را که همه چیز را زیر پاهای مسیح نهاد، در بر نمی گیرد. ۲۸ هنگامی که همه چیز مطیع او گردید، خود پسر نیز مطیع آن کس خواهد شد که همه چیز را زیر پاهای او نهاد، تا خدا کل در کل باشد.

۱۵:۲۰ "اما" عجب تضاد مهمی!

□ "مسیح برآستی از مردگان برخاسته" این فصل اغلب "فصل رستاخیز" نامیده می شود. هم قیام مسیح و هم پیروانش مضمون تکراری هستند. قطعیت نتایج این قیام را می توان در فعل *egeirō* می توان دید، که بمعنی بیدار شده یا برخاسته می باشد:

آیه ۱۲، مجهول کامل اخباری

آیه ۱۳، مجهول کامل اخباری

آیه ۱۴، مجهول کامل اخباری

آیه ۱۵، مجهول کامل آنوریستی (دو بار)

آیه ۱۶، مجهول کامل اخباری

آیه ۱۷، مجهول کامل اخباری

آیه ۲۰، مجهول کامل اخباری

آیه ۳۲، مجهول کامل اخباری

آیه ۳۵، مجهول کامل اخباری

آیه ۴۲، مجهول کامل اخباری

آیه ۴۳، مجهول کامل اخباری

آیه ۴۴، مجهول کامل اخباری

آیه ۵۲، مجهول کامل اخباری

به زمان ثابت مجهول توجه نمایید. خداوند تثلیث از مرگ بپا خاسته است. زمان کامل سخن از قیام مسیح در گذشته می گوید، که نشان از زنده بودن دارد. ایمانداران حقیقت قیام او را بوسیله ایمان و تضمین خود به اشتراک می گذارند!

□ "خفتگان" این یک وجه وصفی کامل است (متی ۲۷:۵۲)، که یک اصطلاح در زبان عبری برای اشاره به مرگ می باشد.

□ "نوبر" این یکی از رسوم قربانی کردن در عهد عتیق است که در لاویان ۲۳:۱۰ مورد بحث قرار گرفته است. اولین برداشت محصول در عهد عتیق، جوهای رسیده‌ای بودند که در برابر معبد خدا در روز پس از شبات هفت پسخ است که به یکشنبه قیام معروف است. این نوبرانه بمنظور نشان دادن مالکیت خداوند بر تمامی محصول تقدیم می‌گردید. این یک سبک عهد عتیق برای وعده قیام همه پیروان مسیح است! پولس از این واژه دوباره در اول قرنیتیان ۱۶:۱۵ بمنظور تعریف از اولین ایمانداران آخائیه استفاده کرده است. او همچنین در رومیان ۸:۲۳ بمنظور تشریح ایمانداران در حال دریافت روح، اما مشتاق در انتظار قیام بهره برده است. عیسی اولین کسی است که بپا خاست (کولسیان ۱:۱۸)، هر چند در زمان مقتضی، همه پیروانش تجربه مشابهی را خواهند داشت. در یک حالت روحانی، همه ما دارای یک زندگی پس از رستاخیز خواهیم بود (افسیان ۲:۵-۶).

موضوع خاص: نخست زاده

(Special Topic: Firstborn)

این کلمه "نخست زاده" (*prōtotokos*) در چندین مفهوم خاص در انجیل استفاده شده است.

۱. زمینه عهد عتیقی آن اشاره می‌کند به
 - a. نخست زاده به پیهو تعلق دارد (BDB 114, KB 131). مراجعه شود به خروج ۱۳:۲ و ۱۲:۱۲، ۲۲:۲۹، ۳۴:۱۹، اعداد ۳:۱۳ (۱۳)
 - b. نخستین فرزند خانواده (مراجعه شود به تثنیه ۲۱:۱۷، مزامیر ۸۹:۲۷، انجیل لوقا ۲:۷، رومیان ۸:۲۹، عبرانیان ۱۱:۲۸)
۲. استفاده آن در کولسیان ۱:۱۵ از عیسی به عنوان نخستین مخلوق صحبت می‌کند که احتمالاً یک اشاره عهد عتیقی به امثال ۸:۲۲ الی ۳۱ یا نماینده خدا در خلقت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۳، اول قرنیتیان ۸:۶، کولسیان ۱:۱۵ الی ۱۶، عبرانیان ۱:۲) دارد
۳. کاربرد آن در کولسیان ۱:۱۵ و ۱۸، اول قرنیتیان ۱۵:۲۰ و ۲۳، مکاشفه ۱:۵ اشاره به عیسی به عنوان نخست زاده از مردگان دارد
۴. عنوان عهد عتیقی آن در مورد مسیح استفاده شده است (مراجعه شود به مزامیر ۸۹:۲۷، عبرانیان ۱:۶، ۱۲:۲۳)، عنوانی است که چندین جنبه اولویت و محوریت عیسی را ترکیب میکند.

۲۱:۱۵ - ۲۲ این آیات ریشه‌شناسی آدم-مسیح است که در اول قرنیتیان ۱۵:۴۵-۴۸ ادامه می‌یابد (رومیان ۵:۱۲-۲۱؛ فیلیپیان ۲:۶-۱۱). در دوره آدم، همه بشریت تحت تأثیر گناه بود (مرگ). در دوره عیسی مسیح، احتمال این می‌رود که همه بشریت مورد فیض و رحمت قرار گیرند.

این آیات مبهم، در کنار رومیان ۵:۱۸-۱۹، سبب گردیده‌اند که برخی الهیات‌دانان بر یک نجات مشروط برای تمام بشریت صحه گذارند. برخی دیگر این آیات را در اشاره به قیام نجات یافتگان و گمراهان می‌بینند (دانیاال ۱۲:۲). در دوره آدم همه می‌میرند؛ در دوره عیسی همه برمی‌خیزند (برخی برای گرفتن پاداش و برخی برای مورد قضاوت واقع شدن). برای من روشن است که نوشته‌های پولس، برگرفته شده از متن کلام، بمنظور نجات یافتن، ایمان مبتنی بر توبه را مطالبه می‌کنند!

۲۳:۱۵ - ۲۵ برخی الهیات‌دانان تصریح می‌کنند که این آیات تأیید کننده مفهوم اسکاتولوژی پادشاهی مسیح از پیش است. با اینحال، این متن برای بحث درباره پادشاهی نبوده بلکه حول محور رستاخیز است. مرگ در یک قبر خالی مغلوب گردید، نه یک پادشاهی موقت در آینده. ما باید مراقب باشیم که مراتب الهیات ما چگونه ترجمه و تفسیر متن را هدایت می‌نمایند. پولس حتی در خلسه‌های روحانی خود، هرگز بحث یک پادشاهی هزار ساله (۱ تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۸) یا شیطان ضد مسیح را (۲ تسالونیکیان ۲) مطرح نکرد. عیسی هم هیچوقت بحث هزاره را، حتی در مباحثات اسکاتالوژیک خود به میان نیاورد (متی ۲۴:۲۴؛ مرقس ۱۳:۱۳؛ لوقا ۲۱). چندین کتاب خوب وجود دارد که خلاصه‌ای از هر یک از موقعیتهای هزاره فعلی را ارائه داده و اجازه می‌دهند که موقعیتهای دیگر نقاط قوت و ضعف هر یک مشخص شوند.

۱. *The Meaning of the Millennium, Four Views*, Robert G. Clouse (ed.)

۲. *Four Views on the Book of Revelation*, Marvin Pate (ed.)

۳. *Three Views on the Millennium and Beyond*, Darrell L. Boch (ed.)

همچنین به تفسیر من بر کتاب مکاشفه، فصل ۲۰ در وب سایت www.freebiblecommentary.org مراجعه نمایید.

۲۳:۱۵ "به هنگام آمدن او" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: اصطلاحات عهد جدید برای بازگشت مسیح

(Special Topic: NT Terms for Christ's Return)

تأکید اسکاتولوژیک یک روز خاص برای زمانی که انسان عیسی مسیح را (به عنوان نجات دهنده و قاضی) ملاقات می کند، توسط چندین اسم مشخص میشوند:

۱. "روز خداوندان عیسی مسیح" (مراجعه شود به اول قرن‌تیاں ۱: ۸)
 ۲. "روز خداوند" (مراجعه شود به اول قرن‌تیاں ۵: ۵، اول تسالونیکیان ۵: ۲، دوم تسالونیکیان ۲: ۲)
 ۳. "روز خداوند عیسی" (مراجعه شود به دوم قرن‌تیاں ۱: ۱۴، در MS \mathcal{N} در اول قرن‌تیاں ۵: ۵ "... ارباب عیسی" آمده است)
 ۴. "روز عیسی مسیح" (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۶)
 ۵. "روز مسیح" (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۰، ۲: ۱۶)
 ۶. "روز او (پسر انسان)" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۷: ۲۴)
 ۷. "روز ظهور پسر انسان" (انجیل لوقا ۱۷: ۳۰)
 ۸. "مکاشفه خداوندان عیسی مسیح" (اول قرن‌تیاں ۱: ۷)
 ۹. "زمانی که خداوند عیسی از آسمان ظهور کند" (اول تسالونیکیان ۷: ۱)
 ۱۰. "در حضور خداوندان عیسی به هنگام ظهور او" (اول تسالونیکیان ۲: ۱۹)
- حداقل چهار شیوه وجود دارند که در عهد جدید نگارندگان به بازگشت عیسی اشاره میکنند
۱. *epiphaneia*، که اشاره به روشنایی خیره کننده است که از نظر الهی (و نه لغوی) مرتبط به "جلال" است. در دوم تیموتائوس ۱: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱ و ۳: ۴ اشاره به اولین آمدن عیسی (یعنی قیام او از مردگان) و دومین آمدن او دارد. در دوم تسالونیکیان ۲: ۸ استفاده شده که شامل هر سه اصطلاح مهم برای آمدن دوم است: اول تیموتائوس ۶: ۱۴، دوم تیموتائوس ۴: ۱ و ۸، تیتوس ۲: ۱۳
 ۲. *parousia* که دلالت بر حضور دارد و اساسا به بازدید سلطنتی اشاره دارد. این شایع ترین اصطلاح استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳ و ۲۷ و ۳۷ و ۳۹، اول قرن‌تیاں ۱۵: ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹، ۳: ۱۳، ۴: ۱۵۶، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱ و ۸، یعقوب ۵: ۷ و ۸، دوم پطرس ۱: ۱۶، ۳: ۴ و ۱۲، اول یوحنا ۲: ۲۸).
 ۳. *apokalupsis* (یا آپوکالیپس)، که یعنی پرده برداری کردن به منظور نمایان ساختن است. نام آخرین کتاب در عهد جدید است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۷: ۳۰، اول قرن‌تیاں ۱: ۷، دوم تسالونیکیان ۱: ۷، اول پطرس ۱: ۷، ۴: ۱۳).
 ۴. *phaneroō*، که یعنی در نور آوردن یا به وضوح نمایان ساختن. این اصطلاح اغلب در عهد جدید برای بسیاری از جنبه های مکاشفه خدا استفاده شده است. این اصطلاح همانند *epiphaneia* میتواند اشاره به اولین آمدن مسیح (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۰، اول یوحنا ۱: ۲، ۳: ۵ و ۸، ۴: ۹) و آمدن دوم او (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳۰، کولسیان ۳: ۴، اول پطرس ۵: ۴، اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲) داشته باشد.
 ۵. متداولترین اصطلاح برای "آمدن" یعنی *erchomai*، هم اغلب برای بازگشتن مسیح استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۷ الی ۲۸، ۲۳: ۳۹، ۲۴: ۳۰، ۲۵: ۳۱، اعمال رسولان ۱: ۱۰ الی ۱۱، اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۶، مکاشفه ۱: ۷ و ۸)
 ۶. همچنین با اصطلاح "روز خداوند" استفاده شده است (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۲)، که یک عنوان عهد عتیقی برای روز نعمت خدا (قیام) و داوری است.
عهد جدید به طور کلی بر اساس نگرش و جهانی بینی عهد عتیق نوشته شده است که اینها را تصریح میکند:
 - a. عصر پلیدی و باغیگیری حال
 - b. عصر پارسایی که می آید
 - c. عصری که توسط نماینده روح القدس از طریق کار مسیح (آن مطهر) می آید
- فرضیه الهیات مکاشفه پیشرفته مورد نیاز است، زیرا نگارندگان عهد عتیق به میزان اندکی انتظارات اسرائیل را تغییر میدهند. به جای آمدن مسیح با یک ارتش، ملی (اسرائیل)، دو آمدن وجود دارند. اولین رسیدن به مفهوم تولد عیسی ناصری است. او به عنوان غیرنظامی غیرداور "بنده رنجور" اشعیا ۵۳ آمد. همچنین سوار بر یک کره الاغ آمد (نه یک اسب جنگی و یا پادشاه فاتح) از زکریا ۹: ۹. اولین آمدن، آغازگر عصر جدید مسیحیت، پادشاهی خدا در زمین شد (نگاه کنید به موضوع ویژه: پادشاهی خدا). در یک نگاه پادشاهی در اینجا است، اما البته، یکی دیگر هست ولی دور است. این تنش بین دو دیدگاه مسیحیت است (نگاه کنید به موضوع ویژه: مسیح) که به نوعی بیش از هر زمان بیانگر تفکر دوقطبی یهودیان است (نگاه کنید به موضوع ویژه: این عصر و عصری که خواهد آمد) و نامعلوم بود، یا حداقل مشخص نیست. واقعیت این است که این دوگانگی بر تعهد یهوه برای رهایی تمام بشریت تأکید می کند (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵، ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵ و موعظه پیامبران، به ویژه اشعیا و یونس).

کلیسا منتظر تحقق نبوت عهد عتیق نیست زیرا بیشتر نبوتها اشاره به اولین آمدن دارند (مراجعه شود به *How to Read the Bible For All Its Worth*، صفحه ۱۶۵ الی ۱۶۶). آنچه ایمانداران پیش بینی میکنند آمدن پر شکوه شاه شاهان و سرور سرورها، تحقق تاریخی عصر جدید پارسایی بر زمین همانگونه که در بهشت است، میباشد (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۰). گفته های عهد عتیق نادرست نیستند، بلکه ناقص هستند (موضوع خاص: چرا وعده های پیمانی عهد عتیق بسیار متفاوت از وعده های پیمان عهد جدید هستند؟ را مطالعه کنید). او مجدداً خواهد آمد، درست همانگونه که انبیا پیشگویی کرده بودند، با قدرت و اقتدار یهوه.

عنوان "آمدن دوم" یک اصطلاح انجیلی نیست، اما مفهوم جهان بینی و چارچوب کل عهد جدید است. خداوند همه چیز را درست می کند. رفاقت میان خدا و انسان در تصویر او احیا خواهد شد. شرارت محکوم خواهد شد. اهداف خدا شکست نخواهند خورد، نمی توانند شکست بخورند!

کلیسای اولیه هم در روز شبات و هم روز اول هفته (یعنی روز یکشنبه، روز قیامت) عبادت می کنند. کنیسه به جنبش رو به رشد مسیحی اعتراض کرده و خواست عیسی را به عنوان مسیح انکار کنند (یعنی بندیکت هیجدهم). در این نقطه (یعنی در سال ۷۰ میلادی) مسیحیان انحصاراً در روزهای یکشنبه ملاقات و عبادت میکنند.

۲۴:۱۵ "پادشاهی" تعداد دفعاتی که عیسی از این مفهوم در اناجیل هم‌نوا استفاده کرده، شگفت‌انگیز است. این عبارت موضوع اولین و آخرین مراسم او و همچنین نیروی محرکه اغلب تمثیلهای او بوده است. جالب است بدانید که این عبارت در انجیل یوحنا فقط دو بار بکار برده شده است. این پادشاهی خداوند در جهت باور کردن قلب انسانهاست، و روزی فرا خواهد رسید که سرتاسر زمین را در بر خواهد گرفت (به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۴: ۲۰ توجه نمایید).

این عبارت توسط عیسی بکار برده شد؛ کسی که هم‌اکنون و در طول دورانی حضور فیزیکی داشت و موعظه می کرد، در این پادشاهی حضور داشت (متی ۳: ۲؛ ۴: ۱۷؛ ۷: ۱۰؛ ۱۱: ۱۲؛ ۱۲: ۱۱؛ ۱۲: ۱۲؛ ۲۸: ۱۲؛ مرقس ۱: ۱۵؛ لوقا ۹: ۹؛ ۱۱؛ ۲۰: ۱۱؛ ۲۱: ۳۱-۳۲). در عین حال، این عبارت به آینده پر شکوهی که در هنگام بازگشت او زمین را رقم خواهد زد، وصل است (متی ۶: ۱۰؛ ۱۶: ۲۸؛ ۲۶: ۶۴). این عبارت منجر به تنش اسکاتولوژیک در اناجیل با بوجود آوردن عباراتی چون "از پیش/هنوز نه" گردیده است!

در رابطه با "پادشاهی"، مرجعی که بطور مشخص می‌توان ارائه کرد، نوشته‌های پولس است.

رومیان - ۱۷:۱۴

اول قرن‌تین - ۴: ۲۰؛ ۶: ۹؛ ۱۵: ۲۴، ۵۰

غلاطیان - ۵: ۲۱

افسیسیان - ۵: ۵

کولسیان - ۱: ۱۳؛ ۴: ۱۱

۱ تسالونیکیان - ۲: ۱۲

۲ تسالونیکیان - ۴: ۱، ۱۸

■ "آنگاه که پس از برانداختن هر ریاست و قدرت و نیرویی" این عبارات اشاره به نیروهای آسمانی (*eons* در تفکرات عرفانی) در این دوران شیطانی دارد (رومیان ۳: ۳۸؛ افسسیان ۱: ۲۱؛ ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۰، ۱۵)

چنین رویدادی قطعاً و به وضوح رخ خواهد داد

۱. بلحاظ الهیاتی بر روی صلیب و در زمان قیام

۲. بطور موقت در زمان بازگشت مسیح

چنانچه چنین مسئله‌ای صحت داشته باشد، پس آیات ۱ تسالونیکیان ۱: ۱۳-۱۸ نزدیکترین آیات موازی با نوشته‌های پولس خواهند بود. توجه داشته باشید که پس از این وجد روحانی، ایمانداران تا ابد با خداوند خواهند بود (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۷)، که همانا پادشاهی ابدی پدر می‌باشد (دانیال ۷: ۱۳-۱۴).

برای مطالعه بیشتر درباره "حکمرانی" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: منشأ (*archē*)

(Special Topic: *archē*)

کلمه یونانی *archē* به معنی "آغاز" یا "منشأ" چیزی است.

۱. آغاز نظم خلقت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۱، عبرانیان ۱:۱۰)
 ۲. آغاز بشارت (رجوع شود به انجیل مرقس ۱:۱، فیلیپیان ۴:۱۵، دوم تسالونیکیان ۲:۱۳، عبرانیان ۲:۳، اول یوحنا ۱:۱)
 ۳. آغاز شاهدان عینی (رجوع شود به انجیل لوقا ۱:۲)
 ۴. شروع نشان‌ها (معجزات، رجوع شود به انجیل یوحنا ۲:۱۱)
 ۵. اصول ابتدایی (رجوع شود به عبرانیان ۵:۱۲)
 ۶. به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم (رجوع شود به عبرانیان ۳:۱۴)
 ۷. سرآغاز، رجوع شود به کولسیان ۱:۱۸، مکاشفه ۳:۱۴
- برای "حکمرانی" و "قدرت" هم استفاده شده است

۱. در مورد مقامات حاکم

a. انجیل لوقا ۱۲:۱۱

b. انجیل لوقا ۲۰:۲۰

c. رومیان ۱۳:۳ و تیتوس ۳:۱

۲. مسئولان مبلغین دینی

a. رومیان ۸:۳۸

b. اول قرنتیان ۱۵:۲۴

c. افسسیان ۱:۲۱، ۳:۱۰ و ۶:۱۲

d. کولسیان ۱:۱۶، ۲:۱۰ و ۱۵

e. یهودا ۱:۶

معلمین دروغین کتاب یهودا همه مقامات زمینی و بهشتی را نفرین کردند. آنها آزادیخواهان آنتینومی هستند. آنها خود و امیال خود را اول و ماقبل از خدا، فرشتگان، مقامات مدنی و سران کلیسا قرار می‌دهند.

برای مطالعه درباره "ریاست و اختیارات" موضوع خاص زیر را مطالعه نمایید.

موضوع خاص: قدرت (exousia)

(SPECIAL TOPIC: AUTHORITY (exousia))

- I. استفاده لوقا - مشاهده استفاده لوقا از قدرت جالب است (اختیار، قدرت، یا حق قانونی)
 ۱. در انجیل لوقا ۴:۶ شیطان ادعا می‌کند که می‌تواند به عیسی قدرت دهد
 ۲. در انجیل لوقا ۴:۳۲ و ۳۶ یهودیان از آموزش دادن عیسی که از قدرت شخصی خود استفاده می‌کرد، حیرت می‌کردند
 ۳. در انجیل لوقا ۹:۱ او قدرت و اختیارات خود را به شاگردانش داد
 ۴. در انجیل لوقا ۱۰:۱۹ او قدرت خود را به هفتاد نفر از مبشرین داد
 ۵. در انجیل لوقا ۲۰:۲ و ۸ سوال اصلی حول قدرت عیسی پرسیده می‌شد
 ۶. در انجیل لوقا ۲۲:۵۳ به شیاطین قدرت داده شد تا عیسی را محکوم کرده و بکشند

لوقا این کار را نکرد ولی معرفی متی به کمیته عالی (انجیل متی ۲۲:۱۸) "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است" یک معرفی عالی در مورد اختیارات عیسی است.

عیسی بر این امر صحنه می‌گذاشت زیرا او قدرت این را داشت

 ۱. به واسطه حرفی که خدا
 - a. در زمان تعمیدش زد (انجیل لوقا ۳:۲۱ و ۲۲)
 - b. در زمان تحولش زد (انجیل لوقا ۹:۳۵)
۲. رسالت عهد عتیق کامل شد
 - a. قبیله یهودا (رجوع شود به سفر آفرینش ۴۹:۱۰)
 - b. خانواده ایشا (دوم سموئیل ۷)

- c. متولد بیت الحم (میکاه ۵: ۲)
- d. در دوران امپراتور چهارم (روم) متولد شده - دانیال ۲
- e. به فقیران، نابینایان و نیازمندان کمک می‌کرد (اشعیا)
۳. جن‌گیری او قدرت و توانش را نسبت به شیطان و پادشاهی او نشان می‌داد
۴. قدرت زنده کردن مردگان او قدرتش را بر زندگی فیزیکی و مرگ نشان می‌دهد
۵. معجزات او همگی قدرت و اختیارش را بر مسائل دنیوی، فضایی و فیزیکی نشان می‌دهد
- a. طبیعت
- b. غذا دادن
- c. شفا دادن
- d. خواندن افکار
- e. ماهیگیری

II.

استفاده پولس از "قدرت" در ارتباط با زن مسیحی

مسئله قدرت که در اول قرن‌تین مورد بحث قرار گرفته را می‌توان به طرق مختلف درک کرد.

اول قرن‌تین ۱۱: ۱۰ "از همین رو، و به خاطر فرشتگان، زن باید نشانی از اقتدار بر سر داشته باشد" استفاده از اقتدار در اول قرن‌تین را می‌توان به طرق مختلف درک کرد. نکته کلیدی (در این متن) این است که "اقتدار" (*exousia*) نمایانگر چیست. نخست، باید توجه داشت که *exousia* اغلب با *dunamis* (قدرت) مرتبط است. اتو بتز مقاله جالبی در مورد *exousia* در *New International Dictionary of New Testament Theology*، جلد دوم، صفحات ۶۰۶ تا ۶۱۱ دارد. پنج مثال در اینجا ذکر می‌شوند.

"این یک مشخصه در عهد عتیق است که *exousia* و *dunamis* هر دو با کار مسیح، عواقب نظم جدید جهان و ساختارهای جدید قدرت و قدرت گرفتن ایمانداران مرتبط هستند" (صفحه ۶۰۹)

"قدرت (*exousia*) ایمانداران. اقتدار کسانی که به مسیح ایمان دارند بر اساس حکم مسیح و خنثی کردن تمام قدرتها است. این هم بر آزادی و هم خدمت دلالت می‌کند" (صفحه ۶۱۱)

"او آزاد است که هر کاری انجام دهد (اول قرن‌تین ۶: ۱۲، ۱۰: ۲۳ *exestin*)، این تصریح که در ابتدا برای فرقه‌گرایان در قرن‌تس گفته شد توسط پولس برداشت شد که تأیید می‌کند درست است" (صفحه ۶۱۱)

"در عمل، این آزادی نامحدود، با این دیدگاه از حقیقت که رستگاری کامل هنوز باید به انجام رسد، بطور نظری بر این مبنا است که چه چیز برای سایر مسیحیان و جمعیت در کل مفید و کمک کننده است (اول قرن‌تین ۶: ۱۲، ۱۰: ۲۳)" (صفحه ۶۱۱)

"همه چیز برای من قانونی هستند (*exestin*)، ولی همه چیز مفید نیستند. «همه چیز قانونی هستند (*exestin*)» ولی همه چیز بنا نشده است. بگذاریم کسی دنبال نفع خودش نباشد، بلکه دنبال نفع همسایه‌اش باشد (اول قرن‌تین ۱۰: ۲۳ به بعد)". نقل قولهای داخل نقل قول احتمالاً شعارهای بی‌دینان در قرن‌تس بودند. پولس با تأیید بر درست بودن آنها، آنها را نشان می‌دهد، ولی با نشان دادن اینکه این کل حقیقت نیست" (صفحه ۶۱۱).

پولس اغلب از این دو کلمه در نامه‌های خود به کلیسای قرن‌تس استفاده می‌کند:

۱. *Exousia*، اول قرن‌تین ۷: ۳۷؛ ۹: ۴، ۵، ۶، ۱۲ (دو مرتبه)، و ۱۸: ۱۱؛ ۱۰: ۱۰، دوم قرن‌تین ۱۳: ۱۰
۲. *Dunamis*، اول قرن‌تین ۱: ۱۸؛ ۲: ۴، ۵؛ ۴: ۱۵، ۲۴؛ ۴۳؛ دوم قرن‌تین ۴: ۷؛ ۶: ۷؛ ۸: ۳ (دو مرتبه)؛ ۱۲: ۹، ۱۳: ۴ (دو مرتبه)

حقوق و قدرت دو مورد مهم برای هم قانون‌گرایان و هم بی‌دینان بودند. پولس سعی می‌کند که خط ظریفی میان این دو افراطی ترسیم نماید. در این متن، زنان مسیحی تشویق می‌شوند که فرمان خدادادی خلقت را بپذیرند (یعنی مسیح-مرد-زن) به منظور پیشرفت پادشاهی. پولس توافق دوجانبه اولیه (رجوع شود به سفر پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷؛ ۲: ۱۸) را در آیات اول قرن‌تین ۱۱: ۱۱ و ۱۲ تصریح می‌کند. از نظر خدانشناسی این خطرناک است که:

۱. یک آیه را در این متن محافظت کنیم
۲. خطوط سیستماتیک سخت مذهبی در روابط زن و مرد و همسر و شوهر و همسران قرن اول را با هر فرهنگی و در هر قرن اعمال کنیم.
۳. تعادل پل را میان آزادی مسیحی و تعهدات پیمان مسیحی را فراموش کنیم

کجا زنان مسیحی این آزادی را بدست آوردند که به عنوان رهبر در گردهمایی‌های دینی (مثلا کلیساهای خانگی) دعا بخوانند؟ بطور قطع از کنیسه نبوده. آیا این گرایش از جامعه روم قرن اول بوده است؟ این امکان وجود دارد و به نظر من به توضیح جنبه‌های مختلف این فصل کمک می‌کند. با این حال، این احتمال هم هست که قدرت انجیل، بازسازی تصویر اصلی خدا باشد. یک برابری شوکه‌کننده جدید در تمامی جنبه‌های زندگی و اجتماعی انسان وجود دارد. ولی این برابری می‌تواند به مجوزی برای سو استفاده فردی تبدیل شود. این بسط نامناسب آن چیزی است که پولس برایش اظهار نگرانی می‌کند.

Answers to Questions اثر اف بروس واقعا کمک زیادی به من کرد تا در مورد بسیاری مسائل بحث براگیز در رابطه با سنت‌های کلیسا در مسیحیت غرب مدرن فکر کنم. به عنوان یک مفسر من همیشه فکر می‌کردم که پوشش زنان به منظور نشان دادن هدیه الهی است (یا برابر هم بودن در سفر پیدایش ۱: ۲۶ و ۷)، نه اقتدار شوهر. ولی نتوانستم این تعبیر را میان منابع مختلف انجیلی که استفاده می‌کنم، پیدا نمایم، بنابراین، مردد بودم که آن را در توضیحات یا موعظه‌ها/آموزش‌هایم قرار دهم یا نه. هنوز احساس هیجان و آزادی را که وقتی اف بروس هم به همین فکر می‌کرد، بخاطر دارم (به بخش به "سوالات پاسخ دهید" صفحه ۹۵ مراجعه کنید). فکر می‌کنم تمامی ایمانداران فراخوانده شده‌اند تا مروجین تمام وقت مسیح باشند (رجوع شود به افسسیان ۴: ۱۱ و ۱۲)!

این متن همچنین می‌تواند به عرفان *eon* اشاره داشته باشد. در اینباره به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: سطوح فرشتگان در نوشته‌های پولس

(SPECIAL TOPIC: ANGELIC LEVELS IN PAUL'S WRITINGS)

ربی‌ها فکر می‌کردند که فرشتگان به عشق و توجه خداوند (به عنوان مثال، دادن قانون او در کوه سینا) به انسان گمراه حسادت می‌کردند و به همین دلیل نسبت به آنها خصمانه بودند. معلمان دروغین عرفان ادعا می‌کردند که رستگاری تنها با داشتن اسم رمز برای عبور از قلمرو فرشتگان متخاصم (به معنی کولسیان و افسسیان) امکان پذیر است، که منجر به بالا رفتن، و رسیدن به خدای خوب می‌شود.

George Eldon Ladd، خلاصه خوبی از اصطلاحات پولس برای فرشتگان را در کتاب «الهیات عهد جدید» به کار می‌برد:

"پولس نه تنها به فرشتگان خوب و بد، شیطان و شیاطین اشاره می‌کند؛ او از گروه دیگری از کلمات استفاده می‌کند تا صفوف فرشتگان را تعیین کند. اصطلاحات به شرح زیر هستند:

'قانون' [archē]، اول قرن‌تیا ۱۵: ۲۴، افسسیان ۱: ۲۱، کولسیان ۲: ۱۰

'حاکمان' [archai; RSV; principalities]، افسسیان ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۵؛ رومیان ۸: ۳۸

'مقام' [exousia]، اول قرن‌تیا ۱۵: ۲۴، افسسیان ۱: ۲۱؛ کولسیان ۲: ۱۰

'مقامات' [RSV; exousiai]، "مقامات"، افسسیان ۱: ۲۱

"قدرت" [dynamist]، اول قرن‌تیا ۱۵: ۲۴، افسسیان ۱: ۲۱

'قدرت‌ها' [dynamis]، رومیان ۸: ۳۸

'تاج و تخت' [thronoi]، کولسیان ۱: ۱۶

'اربابی' [RSV; kyriotēs]، "سلطه"، افسسیان ۱: ۲۱

'بزرگان' [kyriotētes]، کولسیان ۱: ۱۶

'حاکمان این جهان تاریک'، افسسیان ۶: ۱۲

'(میزبانان) روحانی پلید در بهشت'، افسسیان ۶: ۱۲

'اقتدار تاریکی'، کولسیان ۱: ۱۳

'به هر نامی که خطاب میشود'، افسسیان ۱: ۲۱

'موجودات بهشتی، زمینی و زیر زمینی'، فیلیپیان ۲: ۱۰ (صفحه ۴۰۱).

۱۵: ۲۵ "او باید تا زمانی که پا بر همه دشمنانش بگذارد" (در نسخه انگلیسی: "او همه دشمنانش را زیر پا گذارده است" نوشته شده) - این عبارت یک اصطلاح عهد عتیق بمعنی کامل شدن پیروزی است (مزمور ۸: ۶؛ ۱۱۰: ۱). در عهد عتیق، دشمنان کافران سرزمینهای اطراف بودند، اما در عهد جدید، آنها نیروهای روحانی و آسمانی که با خداوند و مسیح او در تخاصم می‌باشند، هستند. این نیروهای شیطانی انسانها را تحت تأثیر قرار داده تا از ایمان خود

دست کشیده و سر به شورش و قیام علیه خداوند بر دارند. عیسی بوسیله صلیب و قیام خود، بطور کامل بر این نیروها غلبه کرد. رستاخیز نهایی همه ایمانداران این پیروزی علامتگذاری خواهد کرد!

دو کتاب بسیار جالب منتشر شده که سعی در تشریح این دارند که این نیروها دقیقاً به چه چیزی اشاره می‌کنند.

۱. کتاب *Christ and the Powers* نوشته Hendricus Berkhof

۲. کتاب *Christ and Time* نوشته Oscar Cullmann

۲۶:۱۵ "دشمن آخر که باید از میان برداشته شود، مرگ است" این بمعنی "پوچ و تهی کردن" است. بر مرگ غلبه شده است (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ مکاشفه ۴: ۲۱). مرگ خواست خدا برای بشریت نبوده، بلکه حاصل سقوط بشریت و اخراج او از بهشت می‌باشد (پیدایش ۳). نفرین برداشته خواهد شد (مکاشفه ۳: ۲۱) همانگونه که اکنون مغلوب گردیده است.

برای مطالعه بیشتر درباره "از میان برداشتن" در اول قرن‌تین ۱۵: ۲۴ و ۲۶ به موضوع خاص: *Katargeō* در اول قرن‌تین ۱: ۲۹ مراجعه نمایید.

۲۷:۱۵ - ۲۸ ضمائم مقدم مبهم هستند. بدیهی است که این آیه اشاره به روابط داخلی پادشاهی خداوند دارد (اول قرن‌تین ۳: ۲۳؛ ۱۱: ۳). مسیح، پسر، تابع (اما نابرابر نیست، کولسیان ۳: ۱۱) پدر در عملکرد برای احیای بشریت در طول زمان است (رومیان ۱۱: ۳۳-۳۶).

۲۷:۱۵ این آیه نقل قولی از مزمور ۸: ۶ باضافه کنایه به مزمور ۱۱۰: ۱ است. به یادداشت اول قرن‌تین ۱۶: ۱۶ و موضوع خاص در دوم قرن‌تین ۹: ۱۳ مراجعه شود.

۲۸:۱۵ "هنگامی که همه چیز مطیع او گردید" این اتفاق چه زمانی رخ خواهد داد؟ سوال اساسی این است! نشانه‌های از زمان در طول این پاراگراف دیده می‌شود.

۱. پس از آن (*epeita*)، آیه ۱۵: ۲۳

۲. سپس (*eita*)، آیه ۱۵: ۲۴

۳. هنگامیکه (*hotav*)، دو بار، آیه ۱۵: ۲۴

۴. تا زمانیکه (*achri*)، آیه ۱۵: ۲۵

۵. وقتیکه (*hostan*)، آیه ۱۵: ۲۷

۶. وقتیکه (*hostan*)، آیه ۱۵: ۲۸

آیا این آیه اشاره موارد زیر دارد

۱. مرگ عیسی و قیام او

۲. عروج عیسی

۳. بازگشت عیسی

۴. برخی جنبه‌های پادشاهی هزاره

یک دوره زمانی مشخصی وجود دارد، اما ترجمه کلام پولس برای هر مترجم بمنظور اعلان زمان آن با قطعیت ناممکن می‌باشد. اغلب پیشفرض‌ها و الهیات سیستماتیک ما این پاراگراف را به صورتهای گوناگون شکل داده و هر مترجم بر اساس الهیات خود آن را ترجمه و تفسیر می‌نماید!

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱۵: ۲۹-۳۴

«اگر مردگان برنمی‌خیزند، آنان که به نیابت از ایشان تعمید می‌گیرند،^{۲۹} و یا چرا ما هر ساعت جان خود را به خطر می‌اندازیم؟^{۳۱} به فخری که در خداوندان مسیح عیسی در مورد شما دارم قسم که من هر روز به کام مرگ می‌روم.^{۳۲} اگر جنگ من با وحوش در افسوس تنها به دلایل بشری بوده است، چه سودی از آن برده‌ام؟ اگر مردگان برنمی‌خیزند،

«بیابید بخوریم و بنوشیم

زیرا فردا می‌میریم.»

۳۳ فریب مخورید: «معاشر بد، اخلاق خوب را فاسد می‌سازد.» ۳۴ سر عقل بیایید و دیگر گناه مکنید؛ زیرا هستند بعضی که خدا را نمی‌شناسند. این را می‌گوییم تا شرم‌منده شوید.

۲۹:۱۵ این آیه مشکلات عدیده‌ای را برای مترجمان بوجود آورده است. ما هیچ آیه هم‌تراز با آن در متن کلام نداریم. ما هیچ مرجع دیگری برای انجام آن در کلیساهای اولیه نداریم، هر چند برخی شواهد تاریخی درباره بعضی موارد مشابه میان مردتها در قرنهای دوم و سوم دیده شده است. باید بپذیریم که ما بلحاظ انجیلی دقیقاً نمی‌دانیم که این آیه به چه چیزی اشاره می‌کند. برخی نظریه‌ها به شرح زیر هستند:

۱. مسیحیان جدید تعمید داده می‌شوند تا جایگزین مسیحیانی که از دنیا رفته‌اند شوند
 ۲. افرادی که تازه دین خود را تغییر داده‌اند تعمید داده می‌شوند تا حرمت عزیزانشان که از دنیا رفته‌اند، حفظ گردد
 ۳. افراد تحت تعلیم پیش از تعمید از دنیا رفته و جنازه آنها توسط مسیحیان زنده تعمید داده شود
 ۴. تازه واردان به دین بر روی قبرهای بزرگان مسیحی تعمید داده شوند
- بلحاظ تاریخی چندین فرضیه را باید در رابطه با این آیه در نظر گرفت تا بتوان آن را ترجمه و تفسیر کرد
۱. این آیه ابتدا به ساکن در مجموعه‌ای از مثالها و تصاویر از واقعیت قیام قرار دارد
 ۲. کسی نمی‌تواند بر اساس تصاویر و تصورات، الهیات یا دکترین بوجود آورد
 ۳. از آنجاییکه هیچگونه دیدگاهی نسبت به مرجع تاریخی دقیق آن وجود ندارد، این متن نباید مورد تأکید قرار گرفته و یا تبدیل به یک دکترین گردد (مورمون‌گراها)
 ۴. حتی به لحاظ متنی نیز مشخص نیست که پولس این تمرینها را صحنه گذاشته یا فقط به آنها اشاره می‌کند (TEV, NJB).

□ «اگر» این یک جمله شرطی نوع اول است. نسخه یونانی از کلمه *holōs* (در واقع) در این بنده استفاده کرده است. به یادداشت اول قرنیتیان ۵: ۱ مراجعه کنید.

۳۱:۱۵

NASB, NKJV "تأکید می‌کنم"
 NRSV "که مشخص است"
 TEV "اعلام می‌کنم"
 NJB "قَسَم که"

این عبارت در نسخه یونانی نیست، اما در متن بعدی می‌تواند نوعی فرمول برای قسم خوردن باشد. پولس از اینگونه قسم، اغلب برای تصریح بر قابل اعتماد بودن اظهاراتش بهره برده است (رومیان ۹: ۱؛ ۲۳: ۱۱-۱۰؛ ۱۱-۱۰، ۳۱).

□ «به فخری که در خداوندان مسیح عیسی در مورد شما دارم» پولس اینگونه می‌گوید که کار او در قرنیتس، گواهی بر کاریست که برای مسیح انجام می‌دهد. کار او ارزش خود را داشت (دوم قرنیتیان ۳: ۱-۲؛ ۷: ۴؛ ۹: ۲-۳). کلیساهای پولس گواهی بر رسول بودن و اثرگذاری او بودند.

□ «من هر روز به کام مرگ می‌روم» در نسخه یونانی این عبارت بمنظور تأکید در ابتدای جمله قرار داده شده است (دوم قرنیتیان ۵: ۱۴-۱۵؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ ۱ یوحنا ۳: ۱۶). آیات ۳۰-۳۲ اشاره به مشکلاتی که پولس در راه خدمت به مسیح با آنها مواجه بود، دارد (دوم قرنیتیان ۱: ۸-۱۰؛ ۴: ۸-۱۲؛ ۶: ۳-۱۰؛ ۱۱: ۲۳-۲۷). او می‌دانست که کارش دارای ارزش است زیرا شخصاً مسیح جلال داده شده را در جاده دمشق ملاقات کرده بود (اعمال ۹: ۱-۲۲؛ ۳: ۲۲؛ ۹: ۲۶؛ ۱۸-۹). الهیات پولس از تجربیات و مکاشفات شخصی (اعمال ۹: ۱-۲۲؛ غلاطیان ۱: ۱۱-۱۲) و عهد عتیق (آموزه‌های او توسط ربی‌ها) نشأت گرفته بود.

۳۲:۱۵ «اگر» پولس از دوو جمله شرطی نوع اول برای بیان منظور خود استفاده کرده است. اگر هیچ قیامی صورت نپذیرفته و مسیحیت پاداشی دریافت نکرده، پس چرا پولس باید هر روز، خودخواسته بخاطر انجیل عذاب ببیند؟

□ «جنگ من با وحوش در افسُس» این تجربه در فهرست عذابهایی که پولس در دوم قرنیتیان ۱۱: ۲۳-۲۷ ثبت کرده، ذکر نشده، و بدلیل اینکه پولس یک شهروند رومی بود، نباید مجبور می‌شد که دیوهای وحشی مبارزه نماید. لذا این جمله باید یک استعاره از شرایط دشوار روحانی بوده باشد که پولس

در افسوس با آن روبرو گردیده بود (اول قرن‌تینان ۱: ۸-۱۰). برخی این اظهارات را جدی تلقی کرده و معتقدند که نشان از زندان در افسوس دارد.

■ "چه سودی از آن برده‌ام" چنانچه قیام صورت نپذیرفته بود، چه برای مسیح و متعاقباً قیام برای پولس، کارهای پولس برای مسیح هیچ اثر روحانی نداشتند. او بخاطر کلام انجیل کار می‌کرد، اما اگر انجیل حقیقت نداشته باشد، هیچ پاداشی هم در کار نخواهد بود (نه نجات و رستگاری، نه رستاخیز، نه زندگی ابدی، نه مجالست با خدا، نه پیوند دوباره با عزیزانمان در بهشت، اول قرن‌تینان ۱۵: ۱۲-۱۹).

■ "بیایید بخوریم و بنوشیم، زیرا فردا می‌میریم" این شعار پیروان اپیکور (*Epicurus*)، فیلسوف یونانی که فلسفه لذت‌گرایی را دنبال می‌کرد، بود. همچنین نقل قولی از اشعیا ۲۲: ۱۳ نیز می‌باشد (اشعیا ۵۶: ۱۲؛ لوقا ۱۲: ۱۹). این عبارات بسیار شبیه به آنچه که امروزه بیان می‌کنند است؛ "فقط یکبار بدنی می‌آید، پس هر آنچه را که دوست دارید و می‌توانید انجام دهید!" اما چه خواهد شد اگر رستاخیزی وجود داشته باشد؟ چه خواهد شد اگر ما روزی در پیشگاه خداوند مقدس بایستیم و بابت هدیه‌ی زندگی که دریافت کردیم، جوابگو شویم (دانیال ۱۲: ۲)!

۱۵: ۲۳ "فریب مخورید" این جمله دستوری مجهول حال با بار منفی می‌باشد. کلیسای قرنتس بوسیله الهیات غلط هدایت می‌گردید (اول قرن‌تینان ۶: ۹).

■ "معاشر بد، اخلاق خوب را فاسد می‌سازد" بنظر می‌رسد که این جمله از *Thais*، شاعر و نبی یونانی باشد که در ارتباط با یک روسپی بیان کرده بود. برخی تفرقه‌افکنان در قرنتس از (۱) پیش‌زمینه یونانی-رومی خود و یا (۲) بر خورداری از آزادیهای جنسی، بسیار مغرور بودند. پولس با بهره‌گیری از فیلسوفانی که آنان داشتند، بر شدت اعمال آنها تأکید می‌نماید (اول قرن‌تینان ۱۵: ۳۲ و ۳۳). پولس در Tarsus رشد کرده بود، که بخاطر مدارس فلسفه یونانی خود، بسیار شهر معروفی محسوب می‌گردید (اعمال ۱۷: ۲۸ و تیتوس ۱: ۱۲). او بصورت منحصر بفردی یهودیت ربیانی و فلسفه و تفکر یونانی را فرا گرفته بود.

■ "فاسد" به موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۱۵: ۴۲ مراجعه نمایید.

۳۴: ۱۵

NASB "سر عقل بیایید"

NKJV "به عدالت هشیار شوید"

NRSV "به عقل و ذهنی درست بیایید"

TEV "به حواس درست خود باز گردید"

NJB "از بلاهت بیدار شوید"

این یک جمله دستوری آنوریستی حال کامل است. بنظر می‌رسد که به این معنی باشد "یکبار برای همیشه بخود آید".

■ "گناه مکنید" این یک جمله دستوری حال کامل با بار منفی است که معمولاً بمعنی توقف عملی در حال اجرا می‌باشد. بدیهی است که آنان که قیام را انکار کردند در یک زندگی بدون خدا ادامه حیات می‌دادند. پولس از بی‌اخلاقی و فساد آنان بعنوان راهی برای نشان دادن غلط بودن الهیات آنان بهره برده است.

■ "خدا را نمی‌شناسند" در زبان انگلیسی این واژه "egnostic"، یا عرفان انکار وجود خدا می‌باشد. اینها سخنان طعنه‌آمیز به کسانی بودند که برای دانش احترام‌والایی قائل بودند. الهیات و اعمال آنان بوضوح نشان می‌داد که از هیچ دانشی برخوردار نبودند!

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۱۵: ۳۵-۴۱

^{۳۵} اما شاید کسی بپرسد: «مردگان چگونه برمی‌خیزند و با چه نوع بدنی می‌آیند؟» ^{۳۶} چه سؤال ابلهانه‌ای! آنچه می‌کاری، تا نمیرد زنده نمی‌شود. ^{۳۷} هنگامی که چیزی می‌کاری، کالبدی را که بعد ظاهر خواهد شد نمی‌کاری، بلکه تنها دانه را می‌کاری، خواه گندم خواه دانه‌های دیگر. ^{۳۸} اما خدا کالبدی را که خود تعیین کرده است، بدان می‌بخشد و هر نوع دانه را کالبدی مخصوص به خود عطا می‌کند. ^{۳۹} همه جسمها یکی نیستند. آدمیان را یک نوع جسم است، حیوانات را نوعی دیگر، و پرندگان را نوعی دیگر؛ ماهیها نیز دارای نوعی دیگر از جسم‌اند. ^{۴۰} به همین‌سان، کالبدهای آسمانی وجود دارد و کالبدهای زمینی. اما جلال کالبدهای آسمانی از یک نوع است و جلال کالبدهای زمینی از نوعی دیگر. ^{۴۱} خورشید جلال خاص خود را دارد، ماه جلالی دیگر، و ستارگان نیز جلالی دیگر؛ جلال هر ستاره نیز با جلال ستاره دیگر متفاوت است.

۳۵:۱۵ "شاید کسی بپرسد" پولس از این تکنیک ادبی که زخم‌زبان زندن است، بهره برده است. این قالب سوال/پاسخ در ملاکی در عهد عتیق و در عهد جدید در رومیان و اول یوحنا نیز دیده می‌شود. موضوع کار ادبی بوسیله یک دیالوگ میان نویسنده و مخالف فرضی جلو برده می‌شود. در اینجا، بحث به موضوع تقریباً متفاوتی تغییر کرده است. اول، برخی گروه‌های تفرقه‌افکن قیام مسیح را و بدن‌بال آن رستاخیز همه‌ی ایمانداران را انکار کردند. اکنون پولس کسانی را که بدن قیام کرده را به زیر سوال برده‌اند، مورد خطاب قرار داده است.

■ "با چه نوع بدنی می‌آیند" یکی از سرمنشأهای تضاد در ارتباط با بدن قیام کرده از دیدگاه منفی نسبت به بدن فیزیکی در برخی از مدارس فلسفه یونانی نشأت می‌گیرد. یونانیان اغلب ماده را بچشم شیطان دیده (Gnosticism) و حتی بدتر از آن، بدن فیزیکی را همچون زندانی ابدی روح در میان انسانها می‌نگریستند. پیشزمینه فرهنگی/فلسفی منجر به تضاد مستقیم با زمینه عبرانی (فریسی) پولس نسبت به صحنه‌گذاران بر یک بدن فیزیکی در زندگی پس از مرگ گردید.

۳۵:۱۵-۴۱ پولس از یکسری تصاویر برای نشان دادن پیوستگی، اما در عین حال متفاوت میان بدن فیزیکی و روحانی بهره برده است.

۱. بذر در برابر گیاه رشد کرده، اول قرن‌تینان ۳۷:۱۵

۲. انسان در برابر حیوان، اول قرن‌تینان ۳۹:۱۵

۳. بدن آسمانی در برابر بدنهای زمینی، آیه ۴۰

۴. نورهای شبانگاه در برابر نور خورشید، اول قرن‌تینان ۴۱:۱۵

۳۶:۱۵ "چه سؤال ابلهانه‌ای" مردمی که مدعی شناخت خداوند هستند، اما رفتار و کردار آنها بشکل غیرمعارفی آنان را همچون ابلهان نشان می‌دهد! توضیحات کنایه‌آمیز پولس، که در اول و دوم قرن‌تینان بسیار دیده می‌شوند، شخصیت اینگونه افراد را عیان می‌کند. آنها کاملاً مطمئن بودند که به دانشی که توان دیدن یا درک آن را نداشته‌اند، دست یافته‌اند!

موضوع خاص: واژگانی که برای انسانهای ابله بکار برده می‌شوند

(SPECIAL TOPIC: TERMS FOR FOOLISH PEOPLE)

این رفتار/شخص بوسیله چندین واژه در عهد عتیق بیان شده‌اند.

۱. "ابله"، "شخص ابله" (BDB 17, KB 21) - ایوب ۵:۲، ۳؛ مزمور ۱۰۷:۱۷؛ امثال ۱:۷ (و بسیاری دیگر)؛ اشعیا ۱۹:۱۱؛ ۳۵:۸؛ ارمیا ۲۲:۴؛ هوشع ۹:۷

۲. "کسی که دارای اعتماد بنفس است" (BDB 493, KB 489) - مزمور ۴۹:۱۰؛ ۹۲:۶؛ ۹۴:۸؛ امثال ۱:۲۲، ۳۲ (و بسیاری دیگر)؛ جامعه ۲:۱۴-۱۶؛ ۵:۱، ۳، ۴ (و بسیاری دیگر)

۳. "شخص توخالی و پوچ" (BDB 614, KB 663) - تثنیه ۳۲:۶، ۲۱؛ ۲ سموئیل ۳:۳۳؛ ۱۳:۱۳؛ ایوب ۲:۱۰؛ ۳۰:۸؛ مزمور ۱۴:۱؛ ۳۹:۸؛ ۵۳:۱؛ ۷۴:۱۸، ۲۲؛ امثال ۱۷:۷، ۲۱؛ ۳۰:۲۲؛ ارمیا ۱۷:۱۱

۴. "کله‌پوک" (BDB 698, KB 754) - پیدایش ۳۱:۲۸؛ ۱ سموئیل ۱۳:۱۳؛ ۲ سموئیل ۱۵:۳۱؛ ۲۴:۱۰؛ ۱ تواریخ ۲۱:۸؛ ۲ تواریخ ۱۶:۹؛ جامعه ۲:۱۹؛ ۱۰:۳؛ اشعیا ۴۴:۲۵؛ ارمیا ۵:۲۱

عیسی از سه کلمه برای تعریف از اینگونه انسانها استفاده کرد

۱. *Aphrōn*، لوقا ۱۱:۴۰؛ ۱۲:۲۰

۲. *Anoētos*، لوقا ۲۴:۲۵

۳. *Mōros*، متی ۵:۲۲؛ ۲۳:۱۷، ۱۹

محکمترین اظهارات توسط عیسی در ارتباط با کاربرد اینگونه عبارات نسبت به یک شخص در متی ۵:۲۲ دیده می‌شود، در جاییکه عبارت *mōros* بازتاب دهنده لغت آرامی *raca* بمعنی ناتوان از زندگی است. این بخش به عناوین خاصی که شخص می‌تواند یا نمی‌تواند به شخص دیگری اطلاق کند، اختصاص ندارد، اما به رفتاری در مقابل دیگران بخصوص برادران دینی خود، می‌پردازد.

واژه یونانی *mōros* "احمق" ترجمه شده، اما واژه اولیه‌ی عبری آن *mōreh*، BDB 598، بمعنی "شورش علیه خداوند" می‌باشد (اعداد ۲۰:۱۰؛ تثنیه ۲۱:۱۸، ۲۰؛ به کتاب F. F. Bruce بنام *Answers to Question* صفحه ۴۲ مراجعه نمایید. عیسی فریسیان را با واژه مشابهی در متی ۲۳:۱۷ خطاب کرده است. نه فقط اعمال ما، بلکه انگیزه‌ها، گرایشات و اهداف ما گناه در برابر سایر انسانها را مشخص می‌کند. قتل، تا جاییکه به خدا مربوط

می‌گردد، می‌تواند یک طرز فکر باشد! نفرت از برادران و خواهران ما بوضوح نشان می‌دهد که ما خدا را نمی‌شناسیم (۱ یوحنا ۲: ۹-۱۱؛ ۳: ۱۵؛ و ۴: ۲۰). بخصوص، یک طرز فکر نفرت‌آور بهتر از مرگ است، اما بخاطر داشته باشید که این بخش از متن، بمعنی شکستن همه خودخواهی‌ها و غرور در نفس انسان است.

پولس بوسیله ده‌ها واژه از عهد عتیق و عیسی در تعریف از انسانهای ابله پیروی می‌کند.

۱. *Aphrōn*، اول قرن‌تین ۳۶: ۱۵؛ دوم قرن‌تین ۱۱: ۱۶، ۱۹؛ ۱۲: ۶، ۱۱

۲. *Mōros*، اول قرن‌تین ۳: ۱۸؛ ۴: ۱۰ و یک شکل مرتبط در رومیان ۱: ۲۲

مردمانی که مدعی شناخت خداوند هستند، اما رفتار و کردار آنها بشکل غیرمعارفی آنان را همچون ابلهان نشان می‌دهد، اغلب بعنوان افرادی شناخته می‌شوند که از سطح فکری پایینی برخوردار هستند! توضیحات کنایه‌آمیز پولس، بیشتر در اول و دوم قرن‌تین، اینگونه افراد را عیان کرده است. آنها خیلی مطمئن بودند که به دانشی دست یافته‌اند که نه توان دیدن آن را داشتند و نه توان شناسایی دانش حقیقی را!

۳۶: ۱۵ و ۳۷ "آنچه می‌کاری، تا نمیرد زنده نمی‌شود" در اینجا پولس دوباره از عبارات عیسی بهره می‌برد (یوحنا ۱۲: ۲۴). کاربرد زبانی که در نوع خود پدیده خاص محسوب می‌گردد در همینجا مشخص می‌گردد (شیوه‌ای که هر چیزی در حواس پنجگانه نمود پیدا می‌کند). بنا نیست که بحث را عملی کنیم، اما اینجا یک استعاره در علم کشاورزی درباره زندگی جدید از دانه‌های بظاهر مرده و سفت بکار برده شده است.

عبارت "تا" یک جمله شرطی نوع سوم را بوجود می‌آورد که بمعنی احتمال وقوع عملی است.

□ "خواه" این جمله شرطی ناقص نوع چهارم می‌باشد (اول قرن‌تین ۱۴: ۱۰). پولس از احتمال دانه‌های غلات دیگری سخن می‌گوید.

۳۹: ۱۵ - ۴۰ "دیگر...دیگر" اولین "دیگر" چهار بار در اول قرن‌تین ۳۹: ۱۵ و سه بار در اول قرن‌تین ۴۱: ۱۵ بکار برده شده که *allos* است، و "دیگر" دوم سه بار در اول قرن‌تین ۴۰: ۱۵ بکار رفته و *hereros* نام دارد. تفاوت میان این دو در متون کلاسیک یونانی کاملاً مشخص است، اما در نسخه یونانی کوبین تقریباً از بین رفته است. در این متن، بنظر می‌رسد که مرز این تفاوتها باقی مانده باشد:

۱. *Allos*، یک نمونه از یک نوع (اول قرن‌تین ۳۹: ۱۵، ۴۱)

۲. *Heteros*، یک نمونه کاملاً متفاوت (اول قرن‌تین ۴۰: ۱۵)

۴۰: ۱۵، ۴۱: ۴۳ به موضوع خاص: جلال (*DOXA*) در اول قرن‌تین ۲: ۷ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۴۲-۴۹

۴۲ در مورد رستاخیز مردگان نیز چنین است. آنچه کاشته می‌شود، فسادپذیر است؛ آنچه برمی‌خیزد، فسادناپذیر. ^{۴۳} در ذلت کاشته می‌شود، در جلال برمی‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود، در قوت برمی‌خیزد. ^{۴۴} بدن طبیعی کاشته می‌شود، بدن روحانی برمی‌خیزد. اگر بدن طبیعی وجود دارد، بدن روحانی نیز وجود دارد. ^{۴۵} چنانکه نوشته شده است: «انسانِ اول، یعنی آدم، موجود زنده گشت»؛ آدمِ آخر، روح حیات‌بخش شد. ^{۴۶} ولی روحانی اول نیامد بلکه طبیعی آمد، و پس از آن روحانی. ^{۴۷} انسانِ اول از زمین است و خاکی؛ انسانِ دوم از آسمان است. ^{۴۸} هرآنچه انسان خاکی واجد آن بود، در خاکیان نیز وجود دارد؛ و هرآنچه انسان آسمانی داراست، در آسمانیان نیز یافت می‌شود. ^{۴۹} و همان‌گونه که شکل انسان خاکی را به خود گرفتیم، شکل انسان آسمانی را نیز به خود خواهیم گرفت.

۴۲: ۱۵ - ۴۹ انجیل هر آنچه را که به زندگی پس از مرگ ارتباط دارد، بطور مشخص یا کامل عیان نمی‌کند. احتمالاً دلیل آن اینست که ما در زندگی زمینی موقت خود قادر به هضم و درک آن نیستیم. این پاراگراف به بحث درباره بدن قیام کرده و مقایسه آن با بدن زمینی می‌پردازد. هر چند که هنوز خیلی دقیق نیست. هر آنچه که می‌توان گفت، اینست که بدنهای جدید ما کاملاً برای زندگی جدید، مجالست، عبادت و خدمت به خدای خود در عصر جدید، آماده خواهد گردید. شکل این بدن دیگر اهمیتی ندارد (فیلیپیان ۳: ۲۱؛ ۱ یوحنا ۳: ۲).

۴۲: ۱۵

NASB, NRSV,

NJB "فناپذیر...فناپذیر"

NKJV "فاسد شدنی...غیرفاسد شدنی"

TEV "فانی...جاویدان"

- اغلب از این اصطلاح در همان متن در حالت مخالف استفاده می‌شود. (رومیان ۱:۲۳؛ اول قرنتیان ۹:۲۵؛ ۱۵:۵۰، ۵۳). به تضاد موازی میان بدنهای فیزیکی زمینی و بدنهای فناپذیر آسمانی خود، توجه نمایید.
۱. فاسد شدنی در برابر فاسد نشدنی، اول قرنتیان ۱۵:۴۲، ۵۰
 ۲. رسوا در برابر با عزت، اول قرنتیان ۱۵:۴۳
 ۳. ضعف در برابر قدرت، اول قرنتیان ۱۵:۴۳
 ۴. بدن طبیعی در برابر بدن روحانی، اول قرنتیان ۱۵:۴۴
 ۵. اولین آدم در برابر آخرین آدم، اول قرنتیان ۱۵:۴۵
 ۶. تصویر زمینی در برابر تصویر آسمانی، اول قرنتیان ۱۵:۴۹

موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (*phtheirō*)

(Special Topic: Destroy, Ruin, Corrupt)

معنی اصلی اصطلاح *phtheirō* نابودی، تخریب، فساد و از بین بردن است. از این اصطلاح در موارد زیر استفاده میشود.

۱. نابودی مالی (احتمالا دوم قرنتیان ۷:۲)
 ۲. تخریب فیزیکی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳:۱۷ الف)
 ۳. فساد اخلاقی (مراجعه شود به رومیان ۱:۲۳، ۸:۲۱، اول قرنتیان ۱۵:۳۳ و ۴۲ و ۵۰، غلاطیان ۶:۸، مکاشفه ۱۹:۲)
 ۴. سو استفاده جنسی (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱:۳)
 ۵. نابودی ابدی (مراجعه شود به دوم پطرس ۲:۱۲ و ۱۹)
 ۶. سقوط سنتهای انسانی (مراجعه شود به کولسیان ۲:۲۲)
- اغلب این اصطلاح در همان متن به عنوان ناقض آن استفاده میشود (مراجعه شود به رومیان ۱:۲۳، اول قرنتیان ۹:۲۵، ۱۵:۵۰ و ۵۳). به همسوهایی متضاد میان جسم فیزیکی زمینی ما و کالبد ابدی و بهشتی ما توجه کنید.

۱. فاسد شدنی در برابر فاسد ناشدنی، اول قرنتیان ۱۵:۴۲ و ۵۰
۲. بی احترامی در برابر شکوه، اول قرنتیان ۱۵:۴۳
۳. ضعف در برابر قدرت، اول قرنتیان ۱۵:۴۳
۴. کالبد طبیعی در برابر کالبد معنوی، اول قرنتیان ۱۵:۴۴
۵. اولین آدم در برابر آخرین آدم، اول قرنتیان ۱۵:۴۵
۶. تصویر زمینی در برابر تصویر بهشتی، اول قرنتیان ۱۵:۴۹

۴۳:۱۵ "ضعف" به موضوع خاص: ضعف در دوم قرنتیان ۹:۱۲ مراجعه شود.

۴۴:۱۵ "اگر" کتاب *Handbook on Paul's First Letter to the Corinthians* از انتشارات The United Bible Societies می‌نویسد که این جمله، شرطی نوع اول نبوده، بلکه اظهار یک حقیقت است (صفحه ۳۶۱). با اینحال، A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament* شرطی نوع اول بودن این جمله را تصریح کرده است (صفحه ۱۹۷). باید توجه داشت که دستور زبان، یک علم محسوب نمی‌گردد.

۴۵:۱۵ "انسان اول، یعنی آدم" این یک نقل قول از کتاب پیدایش ۷:۲ می‌باشد. ذکر عیسی از آدم (متی ۹:۴؛ مرقس ۱۰:۶؛ لوقا ۳:۳۸) تاریخ‌نگاری و آگاهی او را از وقایع تاریخی نشان می‌دهد. عیسی فساد جفتی بنام آدم و حوا را مفروض داشته بود. استفاده‌ای که پولس از آدم-عیسی، هم اینجا و هم در رومیان ۵:۱۷ - ۲۱ بعمل آورده، مستلزم آفرینش خاصی از آدم و حوا است. این امر می‌تواند آفرینشی در آینده باشد (به تفسیر من درباره کتاب پیدایش ۱ - ۱۱ در وب سایت www.freebiblecommentary.org مراجعه نمایید. در این آفرینش، من به زمینی قدیمی اما مرتبط با آفرینش عدن اشاره کرده‌ام، اما بنظر می‌رسد که این آفرینش که در اینجا از آن سخن به میان آمده، خیلی خاص باشد.

□ "آدم آخر، روح حیات بخش شد" این بخش باید اشاره به رستاخیز مسیح داشته باشید. نباید منکر جنبه فیزیکی ظهور مسیح در پس از مرگ گردید، اما در تضاد با آدم، که کردار او منجر به مرگ او گردید، آخرین آدم، رفتار و کردارش منجر به زندگی، حیات ابدی و رستاخیز گردید! این یک نمونه از گونه‌شناسی آدم-مسیح است (رومیان ۵:۲۱-۲۲، ۴۵-۴۹؛ فیلیپیان ۲:۶-۸).

□ "روح حیات بخش" این مثال خوبی از دشواری برخی متون درباره شیوه نگارش روح با حروف کوچک یا بزرگ است (رومیان ۸:۹؛ دوم قرن تیان ۳:۳؛ غلاطیان ۴:۶؛ اول پطرس ۱:۱۱). انجیل از واژه *pneuma* در چندین آیه مختلف استفاده کرده است. به موضوع خاص: *pneuma* در اول قرن تیان ۱:۱۲ مراجعه نمایید.

۴۶:۱۲ این آیه یک اظهار نظر بر مبنای علم هستی‌شناسی نیست، بلکه یک شرح مختصری در ارتباط با اولین و دومین آدم می‌باشد (اول قرن تیان ۱۵:۴۷). زندگی فیزیکی بشر مقدم بر زندگی روحانی است!

۴۷:۱۲ "انسانِ دوّم از آسمان است" نسخه‌های خطی یونانی دارای اضافات بیشتری برای این بخش از آیه هستند. بیشتر آنان در تلاش برای برجسته نمودن نقش عیسی بعنوان انسان همچون آدم هستند، اما با نقشی فراتر از انسان. Bart D. Ehrman در کتاب *The Orthodox Corruption of Scripture* صفحات ۹۴-۹۵ فکر می‌کند که این تغییرات در نتیجه اختلافات درونی کلیسا در طول دوره زمانی نسخه‌برداری نوشته‌های خطی بوجود آمده است. او معتقد است که این اضافات به عمد بوجود آمده و به دیدگاه‌های الهیاتی اورتدکس کاتبان بر می‌گردد.

۴۹:۱۵ "همان‌گونه که شکل انسان خاکی را به خود گرفتیم" این متن در نسخه‌های یونانی اولیه D, C, A, ۸, P46 (وجه شرطی کامل ائوریستی) دیده می‌شود. ظاهراً محتوا، متن اولیه‌ی نسخه خطی B آلکساندر را طلب می‌کند که نوشته "ما باید تحمل کنیم..." (آینده اخباری). همه این کلمات یونانی شبیه به هم تلفظ می‌گردند. نسخه‌های خطی اولیه اغلب فقط یکبار و توسط یک نفر که متن را بلند می‌خواند و چندین نفر دیگر نسخه‌برداری می‌کردند، بوجود می‌آمد. به لحاظ الهیاتی، حالت آینده اخباری ترجیه داده می‌شود. سایر افعال در متن دارای زمان آینده هستند. این متن دارای جزئیات بوده و جنبه نصیحتی ندارد (توصیه به یک کار یا عمل).

متن NASB (بروز شده): اول قرن تیان ۱۵:۵۰-۵۷

۵۰^۱ ای برادران، مقصودم این است که جسم و خون نمی‌تواند وارث پادشاهی خدا شود و آنچه فسادپذیر است، وارث فسادناپذیری نمی‌تواند شد. ^{۵۱} گوش فرا دهید! رازی را به شما می‌گویم: ما همه نخواهیم خوابید، بلکه همه دگرگونه خواهیم شد. ^{۵۲} در یک آن و در یک چشم به هم زدن، آنگاه که شیپور آخر نواخته شود، این به وقوع خواهد پیوست. زیرا شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان در فسادناپذیری بر خواهند خاست و ما دگرگونه خواهیم شد. ^{۵۳} زیرا این بدن فسادپذیر باید فسادناپذیری را بپوشد و این بدن فانی باید به بقا آراسته شود. ^{۵۴} چون این فسادپذیر، فسادناپذیری را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه آن کلام مکتوب به حقیقت خواهد پیوست که می‌گوید: «مرگ در پیروزی فرو بلعیده شده است.» ^{۵۵} «ای گور، پیروزی تو کجاست؟ و ای مرگ، نیش تو کجا؟» ^{۵۶} نیش مرگ گناه است و نیروی گناه، شریعت. ^{۵۷} اما شکر خدا را که به واسطهٔ خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی می‌بخشد.

۵۰:۱۵ "جسم و خون" این یک استعاره برای بشریت است (متی ۱۶:۱۷؛ غلاطیان ۱:۱۶؛ افسسیان ۶:۱۲؛ عبرانیان ۲:۱۴).

□ "وارث" این یک استعاره با جنبه خانوادگی برای تعریف مجالست دائم ما با خداوند می‌باشد. در عهد عتیق، لایوان هیچ زمین بزرگی را به ارث نبردند (فقط ۴۸ شهر لایوان)، بدین ترتیب به آنها گفته شد که در عوض یهوه را بعنوان میراث خود بپذیرند. عهد جدید این مسئله را (همچون بسیاری از کارهای آسمانی) به ایمانداران منتقل نمود. به موضوع خاص: میراث ایمانداران در اول قرن تیان ۹:۶ مراجعه نمایید.

□ "پادشاهی خدا" به یادداشت اول قرن تیان ۱۵:۲۴ مراجعه نمایید.

۵۱:۱۵ "راز" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: راز

(Special Topic: Mystery)

I. در عهد عتیق

این کلمه آرمی (BDB 1112)، (KB 1980)، *raz*، به معنای "پنهان کردن"، "برای حفظ یک راز" است. این اصطلاح در چندین بار در دانیال مورد استفاده قرار گرفته است (مراجعه شود به دانیال ۲: ۱۸، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۴۷: ۴: ۹). این موضوع مرکزی در ادبیات آخرازمانی می‌شود و اغلب در کتیبه‌های بحر المیت ذکر شده است. خداوند توصیه‌های پنهانی خود را به پیامبرانش نشان می‌دهد (مراجعه شود به پیدایش ۱۸: ۱۷؛ ارمیا ۲۳: ۱۸؛ دانیال ۹: ۲۲؛ عاموس ۳: ۷).

در کتیبه بحر المیت، مکاشفه خداوند به وسیله (۱) پیام انبیا عهد عتیق (راز)، و همچنین (۲) تفسیر (تفکر) «معلم عدالت»، مطرح شد. این الگوی دوگانه، وحی و تفسیر ادبیات آخرالزمانی را مشخص می کند.

II. در انجیل سینوپتیک "راز" به عنوان یک بینش روحانی بر گرفته از تمثیلهای عیسی تلقی میشود.

۱. انجیل مرقس ۴: ۱۱

۲. انجیل متی ۱۳: ۱۱

۳. انجیل لوقا ۹۸: ۱۰

III. پولس از آن به طرق مختلف استفاده میکند

۱. اندکی سختگیری به اسرائیل به غیر یهودیان امکان می دهد تا آنها هم شامل شوند. این هجوم غیر یهودیان به عنوان مکانیسم برای یهودیان برای پذیرش عیسی مسیح نبوت شده (رومیان ۱۱: ۲۵-۳۲) کار خواهد کرد.

۲. انجیلی که به ملت ها داده شده است، به آنها می گوید که همه آنها در مسیح و از طریق مسیح شامل (رومیان ۱۶: ۲۵-۲۷؛ کولسیان ۲: ۲) هستند.

۳. جسم جدید ایمانداران در آمدن دوم (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۵: ۵ الی ۵۷، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸)

۴. جمع بندی همه چیز در مسیح (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۸ الی ۱۱)

۵. غیر یهودیان و یهودیان به عنوان وارثان (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳)

۶. صمیمیت رابطه میان مسیح و کلیسا با اصطلاحات مربوط به ازدواج توصیف میشوند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۲ الی ۳۳).

۷. غیر یهودیانی که در زمره مردم عهد و پیمان قرار گرفته و روح مسیح در آنها ساکن میشود تا بلوغ مسیحیت را بدست آورند، به این ترتیب تصویر آسیب دیده خدا در انسان را بازسازی می کنند (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۶: ۵، ۱۱-۱۳؛ ۸: ۲۱؛ ۹: ۶؛ کولسیان ۱: ۲۶-۲۸).

۸. پایان زمان ضد-مسیحی (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲: ۱ الی ۱۱)

IV. یک مناجات کلیسای اولیه یا تعالیم و دستورات مذهبی در مورد زار انجیل در اول تیموتائوس ۳: ۱۶ یافت میشود.

V. در مکاشفه یوحنا به عنوان نماد یوحنایی آخر الزمان استفاده شده است

۱. مکاشفه ۱: ۲۰

۲. مکاشفه ۱۰: ۱۷

۳. مکاشفه ۱۷: ۵ و ۶

VI. این اسرار حقایقی هستند که انسانها نمیتوانند آنها را کشف کنند، آنها باید توسط خدا نمایان شوند

VII. موضوع خاص: طرح رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید.

خداوند اهداف احیای بشریت را حتی از پیش از اخراج او از بهشت مشخص کرده است (پیدایش ۳). نشانه‌های این برنامه در عهد عتیق مشخص گردیدند (پیدایش ۳: ۱۵؛ ۳: ۱۲؛ خروج ۱۹: ۵-۶؛ و پیام جهانی در انبیا). با اینحال، این تقویم خاص، دقیقاً روشن نبود (اول قرنیتیان ۲: ۶-۸). این برنامه با آمدن مسیح و روح آغاز شروع به روشن شدن نمود. پولس از واژه "راز" برای تعریف این برنامه‌ی احیایی استفاده کرد که در ابتدا نهان بود، اما هم‌اکنون کاملاً هویدا گردیده است (اول قرنیتیان ۴: ۱؛ افسسیان ۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۳؛ تیموتائوس ۱: ۹). با اینحال، او از این واژه به اشکال و حالات مختلف بهره برده است.

۱. مقطعی سختگیری به قوم بنی اسرائیل بمنظور دخیل کردن غیریهودیان. این هجوم غیریهودیان همچون مکانیسمی (حسادت) برای یهودیان برای پذیرفتن عیسی بعنوان مسایح نبی عمل خواهد کرد (رومیان ۱۱: ۲۵-۳۲).

۲. انجیل برای همه اقوام و ملتها شناخته شده گردید، همه آنان که در راه عیسی و بواسطه عیسی قدم گذاردند (رومیان ۱۶: ۲۵-۲۷؛ کولسیان ۲: ۲).

۳. ایمانداران در زمان بازگشت دوم مسیح دارای بدنهای جدیدی خواهند شد (اول قرنیتیان ۱۵: ۵-۷؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸)

۴. همه چیز در مسیح خلاصه خواهد گردید (افسسیان ۱: ۸-۱۱)

۵. غیریهودیان و یهودیان هم‌میراث هستند (افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۳)

۶. نزدیکی روابط میان مسیح و کلیسا در قالب واژگان ویژه ازدواج تعریف شده است (افسسیان ۵: ۲۲-۳۳)

۷. غیریهودیان در زمره قوم عهد خداوند تلقی گردیده و روح مسیح در آنها جای گرفته تا بلوغ همچون مسیح را که همانا تصویر بازگردانده شده خداوند به بشریت رانده شده از بهشت است، تجربه نمایند (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ کولسیان ۱: ۲۶-۲۸).

۸. دشمن مسیح در پایان دنیا (دوم تسالونیکیان ۱:۲-۱۱)

۹. شمایی از راز در کلیسای اولیه در تیموتائوس ۳:۱۶ دیده می‌شود

□ "ما همه نخواهیم خوابید، بلکه همه دگرگونه خواهیم شد" از این جمله اینگونه بنظر می‌رسد که در زمان بازگشت دوم مسیح، مسیحیانی هنوز زنده خواهند بود (۱ تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۸). خواب، یک تعبیر انجیلی برای مرگ است.

آیا پولس انتظار دارد در زمان بازگشت دوم مسیح هنوز زنده باشد، یا این "ما" جنبه ویرایشی دارد؟ (زنده در زمان آمدن مسیح، اول قرنتیان ۱۵:۵۱-۵۲؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۵، ۱۷ و یا برخاسته در زمان بازگشت مسیح، اول قرنتیان ۶:۱۴؛ دوم قرنتیان ۴:۱۴؛ ۵:۱-۱۰)؟ همچون سایر نویسندگان عهد جدید و عیسی، او ظاهراً انتظار یک بازگشت فوری از سوی مسیح جلال یافته است. اما تنها پدر است که زمان آن را می‌داند (متی ۲۴:۲۴؛ مرقس ۱۳:۳۲؛ اعمال رسولان ۱:۷). ایمانداران باید هر روزه در سایه امید به بازگشت دوم مسیح زندگی نمایند، اما برنامه و قطار پادشاهی خداوند، تأخیر خواهد داشت.

موضوع خاص: بازگشت مسیح در هر لحظه، در برابر هنوز زود است (پارادوکس عهد جدید)

(Special Topic: The Any-Moment Return Of Jesus Vs. The Not Yet (Nt Paradox))

A. آیات اسکاتولوژیک عهد جدید بازتاب دهنده بینش نبوتی عهد عتیق است که پایان دنیا را از منظر رویدادهای نوین می‌نگرد.

B. متی ۲۴، مرقس ۱۳ و لوقا ۲۱ برای تفسیر بسیار دشوار هستند زیرا آنان همزمان ده‌ها سوال را مطرح می‌کنند.

۱. معبد چه زمانی نابود خواهد گردید؟

۲. نشانه بازگشت مسیح چه خواهد بود؟

۳. این عصر چه زمانی به پایان می‌رسد (متی ۲۴:۳)؟

C. سبک آیات اسکاتولوژیک عهد جدید معمولاً تلفیقی است از زبان آخر زمانی و نبوتی که بصورت بشدت نمادین بکار برده شده است (برگرفته

از کتاب *Ploswhares and Pruning Hooks: Rethinking the Language of Biblical Prophecy and Apocalyptic* نوشته D.

(Brent Sandy).

D. آیات متعددی در عهد جدید (متی ۲۴؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۱۷ و ۲۱؛ ۱ و ۲ تسالونیکیان و کتاب مکاشفه) به موضوع بازگشت دوم مسیح

می‌پردازند. این آیات مؤکد موارد زیر می‌باشند:

۱. زمان دقیق این رویداد مشخص نیست، اما بوقوع پیوستن آن قطعی است.

۲. جنبه عمومی آن زمان را آگاهی داریم، اما زمان قطعی آن مشخص نمی‌باشد.

۳. این واقعه بصورت ناگهانی و غیرمنتظره رخ خواهد داد.

۴. ما باید دعا کرده و برای انجام وظیفه محوله آماده و ایمان داشته باشیم.

E. تنش متناقضی میان موارد زیر وجود دارد:

۱. هر لحظه این بازگشت ممکن است (لوقا ۲۰:۴۰، ۴۶؛ ۲۱:۳۶؛ متی ۲۴:۲۷، ۴۴) و

۲. این حقیقت که برخی رویدادها در تاریخ امکان وقوع خواهند داشت (به مورد F توجه نمایید)

F. عهد جدید می‌گوید که برخی رویدادها پیش از ظهور دوم مسیح بوقوع خواهند پیوست:

۱. انجیل برای تمام دنیا وعظ شده است (متی ۲۴:۱۴؛ مرقس ۱۳:۱۰)

۲. ارتداد بزرگ (متی ۲۴:۱۰-۱۳، ۲۱؛ ۱ تیموتائوس ۴:۱؛ ۲ تیموتائوس ۳:۱؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۳)

۳. مکاشفه "مرد و گناه" (دانیال ۷:۲۳-۲۶؛ ۹:۲۴-۲۷؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۳)

۴. حذف هر آنچه یا هر آنکس که مانع پیشرفت می‌گردد (۲ تسالونیکیان ۲:۶-۷)

۵. رویدادهایی که به تقویت مجدد یهودیان منجر گردد (زکریا ۱۲:۱۰؛ رومیان ۱۱)

G. لوقا ۱۷:۲۶-۲۷ به موازات مرقس نوشته نشده است. این کتاب اما در متی ۲۴:۳۷-۴۴ بخش موازی سینوپتیکی در خود دارد.

H. برای مبحث بازگشت مسیح، به موضوع خاص: بزودی باز می‌گردد مراجعه نمایید.

I. برای مبحث تأخیر در بازگشت، به موضوع خاص: تأخیر در بازگشت دوم مراجعه نمایید.

۱۵:۵۲ "در یک آن" ما لغت "اتم" را در زبان انگلیسی از واژه یونانی گرفتیم که بمعنی "جدانشدنی" است.

- "در یک چشم به هم زدن" کاربرد این واژه از چشمک زدن ستاره یا حرکت سریع بال زدن حشرات گرفته شده است. مفهومی که از این دو واژه برداشت می گردد اینست که بازگشت عیسی بمحض آغاز، بسرعت روی خواهد داد. دیگر هیچ زمانی برای دعا کردن در دقایق آخر وجود نخواهد داشت.
- "شیپور آخر" این یکی از راهها در عهد عتیق برای اعلان رویدادهای خانمان برانداز بوده که *shophar* گفته می شود (شاخ چپ قوچ، اشعیا ۱۳:۲۷؛ زکریا ۹:۱۳؛ متی ۲۴:۳۱؛ اتسالونیکیان ۴:۱۶). به احتمال خیلی زیاد شیپور یک استعاره برای نشان دادن صدای خداوند (خروج ۱۶:۱۹، ۱۹:۲۰؛ مکاشفه ۱:۱۰)، همچنین صدای انبیا (اشعیا ۵۸:۱؛ عبرانیان ۱۲:۱۹) بوده است.

موضوع خاص: شیپورهای استفاده شده توسط قوم بنی اسرائیل

(Special Topic: Horns Used By Israel)

در رابطه با شیپور و کرنا در زبان عبری چهار واژه وجود دارد:

۱. "کرنا یا شاخ قوچ" (BDB 901, KB 1144) - بعنوان ساز بادی از آن استفاده می گردید، رجوع شود به یوشع ۶:۵. همین واژه در پیدایش ۱۳:۲۲ برای قوچی که بوسیله شاخهایش گرفتار شده بود بکار برده شد.
۲. "شیپور" (BDB 1051) - از واژه آشوری برای بز وحشی کوهی گرفته شده است (ibex). این همان شیپوری است که در خروج ۱۹:۱۶، ۱۹ در کوه سینا استفاده گردید. شماره یک و دو در یوشع ۶:۵ موازی یکدیگر می باشند. این شیپورها برای برقراری ارتباط بکار می رفتند.
 - a. تعداد زمانهای عبادت (لاویان ۹:۲۵)
 - b. تعداد زمانهای نبرد (یوشع ۴:۶؛ داوران ۳:۲۷؛ ۶:۳۴؛ سموئیل ۱۳:۳؛ ارمیا ۴:۵؛ هوشع ۸:۵)
 - c. تعداد دفعات تدهین هر پادشاه جدید، پادشاهان ۱:۳۴، ۳۹
 - d. دمیده شده توسط خداوند، زکریا ۹:۱۴
۳. "شاخ قوچ" (BDB 385, KB 398) - از واژه فینیقی برای قوچ گرفته شده است (یوشع ۴:۶، ۶، ۸، ۱۳). همینطور به معنای فرا رسیدن جشن آزادی و شادی نیز هست (لاویان ۲۵:۱۳، ۲۸، ۴۰، ۵۰، ۵۲، ۵۴؛ ۱۷:۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴).
۴. "شیپورها" (BDB 348, KB 344) - احتمالاً از فعل "کشیده شده" گرفته شده، که نشان از استخوان کشیده دارد (نه شاخ شکل داده یک حیوان). این شیپورها از نقره ساخته شده اند (پس از شکل و غالبدهی از مصر). موارد مصرف آنها عبارت بودند از:
 - a. هنگام تشریفات پرستشی (اعداد ۲:۱۰، ۸، ۱۰؛ عزرا ۳:۱۰؛ نحمیا ۱۲:۳۵، ۴۱)
 - b. مقاصد نظامی (نحمیا ۹:۱۰؛ ۳۱:۶؛ هوشع ۸:۵)
 - c. مقاصد سلطنتی و اشرافی (۲ پادشاهان ۱۱:۱۴)
 یکی از این شیپورهای فلزی بر روی طاق نصرت تبتوس در جنوب شرقی فوروم رومی در شهر رم ایتالیا ترسیم شده، همچنین ژوزفوس در کتاب *Antiq 3.12.6* آنها را تعریف کرده است.

۱۵:۵۴ این آیه مرجعی برای اشعیا ۸:۲۵، و همچنین کنایه ای به متی ۵:۱۱؛ ۱ پطرس ۴:۴؛ مکاشفه ۷:۱۷؛ ۴:۲۱ است. آیات ۵۴ و ۵۵ بروشنی روش پولس برای طعن زدن به آخرین دشمن بشریت، یعنی مرگ است که بوسیله قیام مسیح از مرگ مغلوب گردیده و پیروانش از مجازات بابت گناهان رها گشته و خود اکنون در انتظار یک رستخیز هستند.

۱۵:۵۵ این آیه مرجعی به هوشع ۱۳:۱۴ است که با نقل قول از نسخه Septuagint، ترتیب را معکوس می کند. بیشتر نقل قولهای عهد جدید از نسخه یونانی عهد عتیق برگرفته شده اند. این نسخه انجیل کلیسای قرن اول بوده است.

۱۵:۵۶ در این آیه پولس تصریح می کند که ارتباط بشر با خداوند بخاطر گناه او شکسته شده است (پیدایش ۳؛ رومیان ۲-۳). بشر سرکش باعث گردیده تا ما از کسی ما را برای خود آفرید، دور گردیم.

گناه بواسطه ترمرد خودخواسته بشر از خداوند وارد جهان گردید. واژه "قانون یا شرع" به شریعت موسی اشاره نمی کند، بلکه اشاره به منع های خداوند بطور کلی اشاره دارد. ما فاسد هستیم، اما خواست خداوند بر بازسازی و ترمیم رابطه با ما بواسطه مسیح بوده است. آنچه را که گناه نابود کرد، مسیح بازسازی نمود (دوستی دائمی با خداوند، تصویر از بین رفته، بازسازی گردیده است).

۵۷:۱۵ "شکر خدا" این آیه گریه‌ی پولس را در رومیان ۱۷:۶ و ۲۵:۷ بیاد من می‌آورد. این آیه پیشبینی استعاره بزرگ پولس از رژه سپاهیان روم در دوم قرن‌تیا ۱۴:۲ بوده، همچنین طغیان حق‌شناسی و سپاس او در دوم قرن‌تیا ۹:۱۵. به موضوع خاص: دعا، سپاس و شکرگذاری پولس در دوم قرن‌تیا ۲:۱۴ مراجعه نمایید.

■ "به واسطه‌ی خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی می‌بخشد" همه پیروزیهای روحانی فقط و فقط توسط مسیح صورت خواهد پذیرفت! این پیروزی هم اکنون صورت پذیرفته است! ایمانداران در نور کامل پیروزی مسیح زندگی خواهند کرد!

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تیا ۱۵:۵۸

۵۸:۱۵^{۵۸} پس، برادران عزیزم، ثابت و استوار بوده، همواره با تمام وجود به کار خداوند مشغول باشید، زیرا می‌دانید زحمت شما در خداوند بیهوده نیست.

۵۸:۱۵ این آیه نتیجه‌گیری از بحث شگرف الهیاتی قیام با مشوقهای کاربردی برای نیاز به ثبات و استقامت در زندگی روزمره مسیحی ما می‌باشد. حیات ابدی دارای شخصیت‌های مشهودی می‌باشد! یک جمله دستوری حال بدنبال دو وجه‌وصفی که بشکل دستوری بکار رفته‌اند. زمانی که او را ببینیم و در پادشاهی ابدی او خوش آمد گفته شویم، خواهیم دید که همه اینها دارای ارزش فراوان بوده است!

■ "همواره" به موضوع خاص در دوم قرن‌تیا ۲:۷ مراجعه نمایید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. چهار جنبه از زندگی مسیحیان را که در اول قرن‌تیا ۱۵:۱ و ۲ دیده می‌شود را بیان کنید.

۲. اصول اصلی انجیل را که در اول قرن‌تیا ۱۵:۳ و ۴ دیده می‌شوند را بیان کنید.

۳. چرا پولس خود را کمترین در میان انبیا می‌دید؟

۴. مبنای اعضای کلیسای قرنتس در انکار قیام چه بود؟

۵. آدم-مسیح بلحاظ علم گونه‌شناسی چه معنایی دارد؟

۶. تعمید بخاطر مردگان یعنی چه؟

۷. آیا بدن قیام کرده ما همچون انسان خواهد بود؟

اول قرنتیان ۱۶

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
وقف برای قدیسان	مجموعه‌ای برای قدیسان	پیام نهایی	اهدایها برای ایمانداران نیازمند	ستایشها، خوش آمدگویی
۴-۱:۱۶	۴-۱:۱۶	۴-۱:۱۶	۴-۱:۱۶	۴-۱:۱۶
برنامه سفر	برنامه‌های شخصی		برنامه پولس	
۹-۵:۱۶	۱۲-۵:۱۶	۹-۵:۱۶	۷-۵:۱۶ ۹-۸:۱۶	۹-۵:۱۶
۱۱-۱۰:۱۶			۱۱-۱۰:۱۶	۱۲-۱۰:۱۶
۱۲:۱۶		۱۲:۱۶	۱۲:۱۶	
آخرین درخواست و اختتامیه	آخرین پندها		کلام آخر	
۱۴-۱۳:۱۶	۱۸-۱۳:۱۶	۱۴-۱۳:۱۶	۱۴-۱۳:۱۶	۱۴-۱۳:۱۶
۱۸-۱۵:۱۶		۱۸-۱۵:۱۶	۱۶-۱۵:۱۶	۱۸-۱۵:۱۶
	بدرودی رسمی		۱۸-۱۷:۱۶	
۲۰-۱۹:۱۶	۲۴-۱۹:۱۶	۲۰-۱۹:۱۶	۲۰-۱۹:۱۶ ۲۰:۱۶	۲۰-۱۹:۱۶
۲۴-۲۰:۱۶		۲۴-۲۰:۱۶	۲۱:۱۶ ۲۲:۱۶ ۲۲:۱۶ ۲۳:۱۶ ۲۴:۱۶	۲۱:۱۶ ۲۲:۱۶ ۲۳:۱۶ ۲۴:۱۶

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. غیره

A. فصل ۱۵ یک برهان الهیاتی بسیار پیشرفته بود که به واقعیت رستاخیز می پرداخت، در حالیکه فصل ۱۶ به مسیحیت کاربردی در زندگی روزمره ایمانداران مرتبط است. پولس بدون هیچ مشکلی در بحث میان واقعیت و زندگی حرکت می کرد. این دو باید با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند. اینگونه تغییر جهت ناگهانی از یک موضوع به موضوع دیگر از ویژگیهای نوشتاری پولس بود.

B. خلاصه

۱. اول قرن‌تین ۱۶:۱-۴، جمع‌آوری کمک برای فقرای یهودا
۲. اول قرن‌تین ۱۶:۵-۹، برنامه‌های سفر به قرتنس
۳. اول قرن‌تین ۱۶:۱۰-۱۲، دیگر کارگران مسیحی
۴. اول قرن‌تین ۱۶:۱۳-۱۸، احتیاط‌های نهایی
۵. اول قرن‌تین ۱۶:۱۹-۲۴، اختتامیه

C. ارتباط پولس با آکیلا و پریسکیلا:

۱. آنان یهودیان سازنده‌ی چادر (یا چرم‌کار) در روم بودند. به حکم کلودیوس در سالهای ۴۹ تا ۵۰ پس از میلاد، تمام برنامه‌های عبادی یهودیان ممنوع اعلام شد (که در این دوره زمانی شامل فعالیت‌های کلیساها نیز می‌گردید)، و آنان وادار به مهاجرت شدند.
۲. آنان پولس را در قرتنس ملاقات کردند، اعمال رسولان ۱۸:۲
۳. آنان سپس به افسوس رفته و یک کلیسای خانگی تشکیل دادند، اول قرن‌تین ۱۶:۱۹
۴. پس از مرگ کلودیوس در سال ۵۴ پس از میلاد دوباره به روم بازگشتند و حکم آنان ملغی گردید

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تین ۱۶:۱-۴

۱ و اما در خصوص جمع‌آوری هدایا برای مقدسین: شما نیز آنچه را که به کلیساهای غلاطیه گفته‌ام، انجام دهید. ۲ روز اول هر هفته، هر یک از شما به فراخور درآمد خود پولی کنار گذاشته، پس انداز کند، تا به هنگام آمدنم نزد شما، لزومی به جمع‌آوری هدایا نباشد. ۳ وقتی آمدم، به افراد مورد تأیید شما معرفی‌نامه‌هایی خواهم داد و آنان را با هدایای شما به اورشلیم خواهم فرستاد. ۴ اگر صلاح بر این باشد که خود نیز بروم، در این صورت آنان مرا همراهی خواهند کرد.

۱:۱۶ "اما در خصوص" "Peri de" یک عبارت یونانی است که پولس از آن برای شروع پاسخ به سوالاتی که کلیسای قرتنس برای او ارسال کرده بود، می‌پردازد (اول قرن‌تین ۷:۱، ۷:۲۵، ۸:۱؛ ۱۲:۱؛ ۱۶:۱، ۱۲). (۱۲).

■ "جمع‌آوری" واژه‌ی Logia در نسخه پایروس در مصر دیده می‌شود که بعنوان کمک نقدی برای مقاصد مذهبی بکار برده می‌شد، اما هیچ ارتباطی با جمع‌آوری مالیات نداشت (کتاب *The Vocabulary of the Greek Testament* نوشته Moulton, Milligan صفحه ۳۷۷). اولین بار پولس این عبارت را برای فقرای شهر یهودا در یک مکالمه با یعقوب، پطرس، یوحنا و بارناباس در غلاطیان ۲:۱۰؛ ۶:۱۰ بکار برد. این نوع هدیه‌ی اهدایی خاص توسط کلیسای در آنتیوخ آغاز گردید، جایی که پولس و بارناباس در آن به خدمت مشغول بودند، اعمال رسولان ۱۱:۲۷-۳۰. از این کمک‌های اهدایی در چندین کتاب عهد جدید ذکر بمیان آمده است (رومیان ۱۵:۲۶؛ ۲ قرن‌تین ۸:۹؛ ۱ قرن‌تین ۱۶:۱). این کار تلاشی بود برای استحکام روابط میان کلیسای مادر (یهود)، و کلیسای غیر یهودیان. پولس از این نوع کمک که فقط یکبار صورت می‌پذیرفت، بصورت‌های مختلفی یاد کرده است.

۱. صدقه (کمک برای امورات خیر)، اعمال رسولان ۲۴:۱۷
۲. مشارکت، رومیان ۱۵:۲۶، ۲۷؛ ۲ قرن‌تین ۸:۴؛ ۹:۱۳
۳. دین، رومیان ۱۵:۲۷
۴. خدمت، رومیان ۱۵:۲۷؛ ۲ قرن‌تین ۹:۱۲

■ "برای مقدسین" ("قدیسان") "قدیس" (hogioi) یک واژه از عهد عتیق بمعنای فرد منزّه و پاکدامن (kadosh) است که برای خدمت به خداوند منصوب گردیده است (اول قرن‌تین ۱:۲؛ دوم قرن‌تین ۱:۱؛ رومیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۱؛ فیلیپیان ۱:۱؛ کولسیان ۱:۲). بجز یکبار و آنهم در فیلیپیان

۲۱:۴، این واژه همیشه در عهد جدید بصورت جمع بکار برده شده است، اما حتی در آنجا هم استفاده آن جنبه مشارکتی داشته است. نجات یافتن بخشی از جامعه ایمانی عهد خداوند، یعنی خانواده ایمانداران است.

قوم خداوند مقدس شمرده می‌شوند زیرا که پرهیزگاری مسیح در آنها نهادینه گردیده است (رومیان ۴؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱). این خواست خداست که آنها زندگی پاکی داشته باشند (اول قرنتیان ۴: ۱؛ ۴: ۱؛ ۵: ۲۷؛ کولسیان ۱: ۲۲؛ ۳: ۱۲). ایمانداران باید هم مقدس شمرده شوند (بلحاظ تذهیب) و هم مدل زندگی آنان منزّه و مقدس باشد (تذهیب متداوم). عدالت و تذهیب باید در کنار یکدیگر حفظ گردند! به موضوع خاص: مقدسین در اول قرنتیان ۲: ۱ و تذهیب در اول قرنتیان ۲: ۱ مراجعه نمایید.

■ **آنچه را که به کلیساهای غلاطیه گفته‌ام** رفتار پولس با کلیسای قرنتس متفاوت نبود. برای کار، روندی استاندارد وجود داشت (اول قرنتیان ۴: ۱۷؛ ۱۷: ۷؛ ۱۱: ۳۴؛ ۱۴: ۳۳؛ تیتوس ۱: ۵). ما نمی‌دانیم که پولس چگونه با این کلیساهای در غلاطیه ارتباط برقرار کرده بود. در واقع مطمئن هم نیستیم که به چه کلیساهایی اشاره می‌کند. برخی گمان می‌کنند که به محدوده رومیان اشاره می‌شود، درحالی‌که عده‌ای دیگر تصور می‌کنند که به زبان یا گروه دیگری از مردمان اشاره شده است.

■ **کلیساهای** به موضوع خاص در اول قرنتیان ۲: ۱ مراجعه شود.

۲: ۱۶ **روز اول هر هفته** این الگوی پرستشی توسط عیسی در روز یکشنبه، در زمان پیش از قیام او تعیین شده بود (یوحنا ۲۰: ۱۹، ۲۰). سپس تبدیل به روز خاص برای عبادت و پرستش گردید (اعمال ۲۰: ۷؛ مکاشفه ۷: ۱۰). تا زمان کنستانتین (امپراطور روم باستان که از سال ۳۰۶ تا ۳۳۷ بر روم حکمرانی می‌کرد)، یکشنبه اولین روز کاری هفته محسوب می‌گردید. مسیحیان پیش از اینکه بر سر کار خود حاضر شوند، در روز یکشنبه برای نیایش، موعظه و شام خداوند بدور یکدیگر جمع می‌شدند.

رهبران یهودی پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ پس از میلاد و چندین اصلاح، همه چیز را سازماندهی نمودند. یکی از موارد اصلاح شده، سوگندی بود که نفرین عیسی و انکار او بعنوان مسایح بود. ایمانداران اولیه در روز شنبه در کنیسه و در روز یکشنبه در کلیسا جمع می‌شدند. با اینحال، این سوگند منجر به دو دستگی گردید و ایمانداران روز یکشنبه را برای نیایش برگزیدند.

■ **هر یک از شما به فراخور درآمد خود پولی کنار گذاشته، پس انداز کند** این یک جمله امری ضروری زمان حال کامل و بدنبال آن یک وجه وصفی حال کامل که بصورت دستوری بکار رفته، می‌باشد. ظاهراً از این متن بدینگونه برداشت می‌شود که درحالی‌که روز اول هفته فرا می‌رسد، هر یک از افراد باید هدایای خود را در جایی از خانه خود نگهداری نموده، تا بعد به کلیسا ببرند. با اینحال، این واقعیت که روز یکشنبه این کار انجام می‌گردید، بمعنی اینست که آنها وجوه خود را هر روز در حین برنامه‌های نیایشی خود جمع‌آوری می‌کردند (کتاب *Apology I* نوشته Justin Martyr، صفحات ۶۷-۶۸). توجه داشته باشید که این آیه مختصر بانضمام دوم قرنتیان ۸ و ۹ راهنمایی اولیه را به ما نشان می‌دهد: (۱) بطور منظم؛ (۲) بعنوان یک اولویت؛ (۳) داوطلبانه؛ (۴) با روی خوش؛ و (۵) به فراخور درآمد هر شخص.

شگفت‌انگیز است که نویسندگان عهد جدید درباره میزان پرداخت توسط مسیحیان بحث نمی‌کنند. کلمات پولس درباره مشوقها و روند کار برای اهدای هدایا توسط کلیسای غیریهودیان به کلیسای مادر در اورشلیم تنها خطوط راهنمای مرتبط با این مبحث می‌باشد. مسیحیان درک کرده بودند که آنها صاحب هیچ چیزی نبوده و فقط مباشرین منابع درآمد خود هستند. این درک، منجر به بوجود آمدن مفهوم دیگری در عهد عتیق بنام "ده یک" گردید. با نگاهی به تقویم افراد می‌توان به مواردی که در زندگی روزمره او در درجه اول قرار دارند، پی برد! آنچه را که مسیحیان اهدا می‌کنند، حاصل قلب نیک آنان است و نه حساب و کتاب!

موضوع خاص: ده یک

SPECIAL TOPIC: TITHING

عهد جدید دارای چند مرجع درباره ده یک می‌باشد. من اعتقاد ندارم که عهد جدید این کار را آموزش می‌دهد زیرا اینکار برخلاف شرع یهود است (متی ۲۳: ۱۳-۳۶). من معتقدم که عهد جدید ضوابط این کار در دوم قرنتیان ۸ و ۹ مشخص شده‌اند (اشاره به هدیه کلیساهای غیریهودیان به فقرای کلیسای مادر در اورشلیم)، که از مسئله ده یک فراتر رفته است. اگر یک یهودی تنها با اطلاعاتی که از عهد عتیق درباره اهدای ده به سی (در عهد عتیق دو یا احتمالاً سه نوع وجود دارند؛ به موضوع خاص: ده یک در آیین موسی مراجعه نمایید) دارد فرمان صادر شده را اطاعت می‌کند، پس مسیحیان باید فراتر از این رفته و حتی وقت خود را با بحث درباره این مسئله از دست ندهند!

مسیحیان باید مراقب باشند تا مسیحیت تبدیل شریعتی همچون مسیحیت تلمود نگردد. تمایل آنان برای رضایت خدا باعث می‌گردد تا بدنبال ضوابطی برای هر بخش در زندگی خود باشند. با اینحال، بلحاظ الهیاتی بیرون آوردن قواعد قدیمی پیمان پیشین خداوند که مورد تأیید عهد جدید نیز نمی‌باشد، خطرناک بوده (شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵) و منجر به دگم‌اندیشی آنان می‌گردد، بویژه هنگامی که متکبران را سعادت‌مند و بدکاران را کامروا می‌خوانند (ملاکی ۳).

در اینجا نقل قول خوبی از Frank Stagg در کتاب New Testament Theology صفحات ۲۹۲-۲۹۳ ذکر می‌کنم.

”عهد جدید به یکباره ده یک را اهدا از روی بخشش معرفی نمی‌کند. این امر فقط سه بار در عهد جدید ذکر گردیده است:

۱. برای نادیده گرفتن احکام عدالت، رحمت و امانت در شریعت توسط فریسیان، درحالیکه از آن نعنای و شوید و زیره‌ی بعمل آمده در باغچه

خانه خود ده یک می‌دادند (متی ۲۳:۲۳؛ لوقا ۱۱:۴۲)

۲. در اشاره به فریسی مغروری که با هفته‌ای دوبار روزه گرفتن برای خود دعا می‌کرد (لوقا ۱۸:۱۲)

۳. در مبحث مَلْکِیَصِدِّق که از لاویان نیز نبود، اما از ابراهیم ده یک می‌گرفت (عبرانیان ۷:۶-۹)

بدیهی است که عیسی، ده یک را بعنوان بخشی از نظام کاری معبد پذیرفته بود، اما فقط بعنوان یک قاعده از برنامه‌های عمومی معبد و کنیسه‌ها حمایت می‌کرد. اما هیچ نشانه‌ای مبنی بر اعمال هر یک از قواعد معبد بر پیروانش در دست نمی‌باشد. ده یک‌ها عمدتاً محصولاتی بودند که قبلاً توسط کاهن در معبد خورده شده بودند. ده یک‌ها در عهد عتیق حول محور نظام قربانی کردن حیوانات توسط شریعت بوجود آمده بودند”

”بسیاری از مسیحیان این امر را برنامه‌ای عملی و منصفانه برای اهدا می‌دانند. این شیوه تا زمانی که بصورت یک اجبار و حکم شرعی تبدیل نگردد، می‌تواند کارایی خود را ثابت نماید. با اینحال، کسی نمی‌تواند ادعا کند که هدایای ده یک در عهد جدید آموزش داده شده است. این امر برای مراعات یهودیان مناسب شناخته شده (متی ۲۳:۲۳؛ لوقا ۱۱:۴۲)، اما برای مسیحیان تحکم نشده است. در واقع، یهودیان و مسیحیان اکنون می‌توانند بنوعی شبیه به عهد عتیق ده یک خود را پرداخت نمایند. امروزه این عمل بسختی شبیه مراسم باستانی متعلق به سیستم قربانی کردن توسط یهودیان است.”

Stagg جمع‌بندی می‌کند:

”درحالیکه درباره اهدای داوطلبانه بعنوان یک استاندارد برای اهدا کننده می‌توان گفت، بدون اینکه آن را به سایر مسیحیان تعمیم دهیم، بدیهی است که چنین امری بر اساس تعالیم عهد عتیق به ما نرسیده است. در نهایت شخص کاری را شبیه آنچه که در عهد عتیق صورت می‌پذیرفت، یعنی پرداخت مالیات برای حمایت از معبد و نظام کاهنیت و یک نظام مذهبی که دیگر وجود ندارد، انجام می‌دهد. ده یک در یهودیت بعنوان پرداخت مالیات امری واجب محسوب می‌گردید، تا زمانی که در سال ۷۰ پس از میلاد، معبد بزرگ تخریب گردید، ولی آن قواعد اکنون به گردن مسیحیان نمی‌باشد.

”آنچه گفته شد بمنظور کم‌اعتبار جلوه دادن ده یک نیست، بلکه برای روشن شدن رابطه آن با عهد جدید است. حمایت عهد جدید از انگیزه‌های مادی، منفعت‌طلبانه و چانه‌زنی‌های شرعی که امروزه درباره ده یک اظهار می‌گردد را باید انکار کرد. بعنوان یک سیستم داوطلبانه، ده یک بسیار بیش از اینها است؛ اما اگر می‌خواهد مسیحی تلقی گردد باید بوسیله رحمت و بخشش عطا گردد.

صرف اعتراف به عملی بودن آن، فقط منجر به آزمایش‌های پراگماتیک دنیوی می‌گردد. در اینصورت دیگر عمل مسیحی محسوب نمی‌گردد. پرداخت ده یک اگر همسان با الهیات عهد جدید باشد، باید ریشه در رحمت و محبت خداوند داشته باشد.”

NASB, NKJV ”هر چه در توان دارد“

NRSV ”هر چقدر بیشتر که می‌توانید“

TEV ”به فراخور خود، هر مقدار که جمع کرده‌اید“

NJB ”هر چقدر که هر کس می‌تواند ذخیره کند“

معنی این عبارت دقیقاً ”هر چقدر که شخص ممکن است بتواند باعث رونق گردد“ (کتاب *Word Pictures In the New Testament*، نوشته A. Robertson T. می‌نویسد، ”مشخص نیست که بلحاظ دستور زبان، قالب فعل *eudō tai* چه می‌باشد، وجه شرطی مجهول زمان حال، مجهول کامل اخباری، یا حتی وجه شرطی مجهول کامل“، صفحه ۲۰۰). این یک اصطلاح یونانی برای آرزوی خوشحالی یا سفر خوش برای کسی داشتن است (مقاصد تجاری). پولس از این روش بعنوان یک دستورالعمل برای کمک‌های اهدایی مسیحیان بهره می‌برد (مطابق با توانایی خود، دوم قرنتیان ۸:۳، ۱۱).

□ "تا به هنگام آمدنم نزد شما، لزومی به جمع‌آوری هدایا نباشد" پولس همواره نسبت به جمع‌آوری معقول وجوهات نقدی احتیاط می‌کرد. احتمالاً (۱) مشکلاتی را در این حوزه مشاهده کرده بود؛ (۲) شخصاً در اینباره مورد اتهام واقع شده بود. او از هیچیک از کلیساهایی که با آنها کار می‌کرد، وجه دریافت نکرده و تازه هنگامی که وجوهات را به اورشلیم ببرد، درخواست کرد که نماینده‌ای از سوی کلیسای تفرقه‌افکن او را همراهی نماید (اول قرن‌تینان ۴:۱۶).

۳:۱۶ "به افراد مورد تأیید شما معرفی‌نامه‌هایی خواهم داد و آنان را با هدایای شما به اورشلیم خواهم فرستاد" این آیه تلفیق جالبی از اختیارات رسولی و اختیارات کلیسایی می‌باشد. محل یا افرادی که توصیه‌نامه‌ها خطاب به آنها نوشته شده بود، پولس یا کلیسا، مورد بحث بوده است (اعمال رسولان ۲۷:۱۸). از لحاظ ساختار دستور زبانی، احتمال هر دو مورد می‌رود. نسخه King James Version و RSV تصور می‌کنند که کلیسا مد نظر بوده، درحالی‌که Williams NT, TEV, NIV, NJB و REB معتقدند که پولس بوده است. پولس می‌خواست که کلیسا نمایندگان را با او همراه کند تا وی همچون سابق متهم به انگیزه‌های اشتباه نگردد (اول قرن‌تینان ۹:۳-۱۸).

پولس اغلب برای همکارانش توصیه‌نامه‌هایی را می‌نوشت (رومیان ۱۶:۱؛ دوم قرن‌تینان ۱:۳؛ ۱۸:۸-۲۴؛ و نمونه‌های دیگر همچون اعمال رسولان ۹:۲؛ ۲۲:۵ و سوم یوحنا). پولس در دوم قرن‌تینان ۱:۳ بصورت استعاره و در حالتی که کلیساهای او حکم توصیه‌نامه او را داشتند، از این واژه بهره برده بود. بدیهی است که یوحنا رسول نیز از نامه مشابهی استفاده کرد (۳ یوحنا ۹). به نوعی این روشی بود که کلیساهای اولیه مبشرین انجیل در حال سفر را تأیید می‌کردند. ۴:۱۶ "اگر" این یک جمله شرطی از نوع سوم است که بمعنی احتمال وقوع عملی است.

NASB	"صلاح بر این باشد که خود نیز بروم"
NKJV	"صلاح بر این باشد که بروم"
NRSV	"بنظر اینگونه صلاح است"
TEV	"ارزنده بنظر می‌رسد"
NJB	"ارزش آن را دارد که بروم"

بنظر می‌رسد این عبارات که به ربط داشته باشد به: (۱) میزان هدایا؛ (۲) کسی که شروع کننده بوده، همراه کننده نیز بود؛ و یا (۳) پولس می‌خواست که این کلیسا، که چنین مشکلاتی با حدود اختیارات او داشتند، نقش و قابل اعتماد بودن او را برسمیت بشناسد.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۵:۱۶-۹
 ۵ پس از گذر از مقدونیه نزد شما خواهم آمد، زیرا از مقدونیه خواهم گذشت. شاید مدتی نزدتان بمانم، و یا حتی تمام زمستان را با شما بگذرانم، تا بتوانید مرا در سفرم به هر کجا که باشد، مدد رسانده، مشایعت کنید. ^۷ زیرا نمی‌خواهم اکنون به دیدارتان بیایم و تنها توفقی کوتاه نزد شما داشته باشم؛ بلکه امید دارم، اگر خداوند اجازه دهد، مدتی را با شما به سر برم. ^۸ اما تا عید پنتیکاست در آفَس می‌مانم ^۹ زیرا دری بزرگ برای خدمت مؤثر به رویم گشوده شده، و مخالفان نیز بسیارند.

۵:۱۶-۹ پولس از افسوس در سومین سفر خود می‌نوشت. او سپس از سوی گروهی در کلیسای قرنتس، بدلیل بی‌ثباتی در برنامه‌های مسافرتی مورد حمله قرار گرفت (دوم قرن‌تینان ۱:۱۵). در ابتدا می‌خواست که از جاده کنار دریا به قرنتس رفته و سپس به مقدونیه رود، اما از آنجاییکه می‌خواست مدت طولانی‌تری اقامت گزیند، تصمیم گرفت از جاده خاکی بسوی مقدونیه رفته و سپس به قرنتس برود. او زمستان را در آنجا ماند (اعمال رسولان ۲۰:۲، ۳). برخی در کلیسا بدلیل دو دلایه‌های برنامه مسافرتی وی، الهیات او را به زیر سوال برده بودند (بعبارتی انجیل او را).

۶:۱۶ "تا بتوانید مرا در سفرم به هر کجا که باشد، مدد رسانده، مشایعت کنید" واژه *propempō* بصورت یک واژه تکنیکی برای مایحتاج سفر مبشران مسافر بکار برده شده (اول قرن‌تینان ۱۶:۱۱، "او را بفرستید"، اعمال رسولان ۳:۱۵؛ رومیان ۱۵:۲۴؛ دوم قرن‌تینان ۱:۱۶؛ تیتوس ۳:۱۳؛ ۳ یوحنا ۶).

۷:۱۶ "اگر خداوند اجازه دهد" این جمله شرطی نوع سوم است که بمعنی عملی احتمالی می‌باشد. برای مسیحیان عهد جدید، این یک عبارت قدیمی محسوب نمی‌شد. آنان معتقد بودند که قدم‌هایشان توسط خداوند هدایت می‌گردد (اعمال رسولان ۱۸:۲۱؛ اول قرن‌تینان ۴:۱۹؛ یعقوب ۴:۱۴؛ عبرانیان ۳:۶).

۸:۱۶ "پنتیکاست" این عبارت معمولاً بمعنی "پنجاهمین" بوده و اشاره به جشن برداشت محصول گندم (جشن هفته‌ها، اعداد ۱۸:۲۶) یهودیان دارد ککه ۵۰ روز پس از دومین جشن فطیر (۱۶ نیشان) برگزار می‌گردد. بنظر می‌رسد که در این متن از این عبارت بعنوان روشی برای تاریخ‌گذاری برنامه سفر پولس استفاده شده و نه اینکه وی این اعیاد را برگزار می‌کرده است.

۹:۱۶	
NASB	"زیرا دری بزرگ برای خدمت مؤثر به رویم گشوده شده"
NKJV	"زیرا دری بزرگ و مؤثر به رویم گشوده شده"
NRSV	"زیرا دری بزرگ برای کاری مؤثر به رویم گشوده شده"
TEV	"در اینجا فرصتی مناسب برای کاری مؤثر و با ارزش وجود دارد"
NJB	"دری بسیار پر امید برای من باز شده است"

این یک جمله حال کامل اخباری است. کاربرد واژه "در" (درب صحیح است) بعنوان یک استعاره برای فرصت در عهد جدید رواج زیادی دارد (اعمال رسولان ۲۷:۱۴؛ دوم قرنتیان ۱۲:۲؛ کولسیان ۳:۴؛ مکاشفه ۸:۳).

موضوع خاص: "درب" در عهد جدید

(Special Topic: "Door" In the NT)

عهد عتیق از کلمه "درب" در چندین مفهوم استفاده میکند

۱. مفهومی

- a. برای خانه، انجیل متی ۶: ۶، انجیل مرقس ۱: ۳۳، ۲: ۲، ۷: ۱۱، اتاق طبقه بالا، انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ و ۲۶
- b. برای معبد، اعمال رسولان ۳: ۲، ۲۱: ۳۰
- c. برای زندان، اعمال رسولان ۵: ۱۹ و ۲۳، ۱۲: ۶، ۱۶: ۲۶ الی ۲۷
- d. برای تابوت/قبر، انجیل متی ۲۷: ۶۰، ۲۸: ۲، انجیل مرقس ۱۵: ۴۶، ۱۶: ۳
- e. برای آغل گوسفندان، انجیل یوحنا ۱۰: ۱ و ۲
- f. برای محوطه دادگاه، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۶، اعمال رسولان ۱۲: ۱۳

۲. استعاره‌ای

- a. نزدیکی زمان، انجیل متی ۲۴: ۳۳، انجیل مرقس ۱۳: ۲۹، اعمال رسولان ۵: ۹، یعقوب ۵: ۹
- b. محدودیت ورود برای ایمان واقعی، انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۱۴، انجیل لوقا ۱۳: ۲۴، مکاشفه ۳: ۳ و ۲۰
- c. موقعیتی برای نجات ایمان گمراه شده، انجیل متی ۲۵: ۱۰، انجیل لوقا ۱۳: ۲۵، مکاشفه ۳: ۷
- d. موقعیتی برای نجات ایمان، اعمال رسولان ۱۴: ۲۷، مکاشفه ۳: ۷
- e. فرصتی برای بشارت، اول قرنتیان ۱۶: ۹، دوم قرنتیان ۲: ۱۲، کولسیان ۴: ۳، مکاشفه ۳: ۸
- f. مکاشفه، مکاشفه ۴: ۱، ۱۹: ۱۱

۳. عنوان برای عیسی، انجیل یوحنا ۱۰: ۷ و ۹

❑ "مخالفتان نیز بسیارند" فرصتهایی که خداوند فراهم می‌کند اغلب با مخالفت‌هایی همراه است. برای مطالعه بیشتر درباره موقعیت تاریخی این وضعیت خاص به کتاب اعمال رسولان ۱۹: ۱۹-۲۰؛ ۲۰: ۱۹، ۲۳ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۱۰: ۱۱-۱۱

"اگر تیموتائوس آمد، با او به گونه‌ای رفتار کنید که نزد شما از چیزی واهمه نداشته باشد. زیرا او نیز چون من به انجام کار خداوند مشغول است؛^۱ پس کسی به دیده تحقیر در او ننگرد. او را به سلامتی راهی سفر کنید تا نزد من بازگردد؛ زیرا من و برادران منتظر اویم."

۱۰: ۱۶ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است که بمعنی احتمال وقوع عملی می‌باشد. بنظر می‌رسد که پولس قبلاً تیموتائوس و ایراستوس (اعمال رسولان ۱۰: ۲۲) و احتمالاً نیتوس (دوم قرنتیان ۱۳: ۲؛ ۷: ۶، ۷) را بسوی قرنتس از جاده زمینی روانه کرده بود. او نامه خود را از راه دریا می‌فرستاد تا بتواند پاسخ سریعتری دریافت کند.

□ "به گونه‌ای رفتار کنید که نزد شما از چیزی واهمه نداشته باشد" پولس این عبارات را بصورت فرمان بیان کرده است (حال کامل دستوری). او می‌دانست که کلیسا تا چه حد ممکن بود رفتار مناسبی نداشته باشد. وی نمی‌خواست دستیار جوانش بدلیل (۱) سن کم؛ (۲) شخصیتی که داشت؛ و (۳) خشمی که کلیسای قرنتس از پولس داشت، رنج برد (اول قرنتیان ۱۶:۱۱).

۱۶:۱۱

NASB, NKJV,

NRSV "تا کسی او را خوار نشمارد"

TEV "کسی او را حقیر نشمارد"

NJB "کسی او را دست کم نگیرد"

این جمله، وجه وصفی کامل آنوریستی بوده که بمعنی "چیزی یا کسی را هیچ شمردن" است (اول قرنتیان ۱:۲۸؛ ۱ تیموتائوس ۴:۱۲؛ تیتوس ۲:۱۵).

□ "و برادران" ما مطمئن نیستیم که این برادران شامل چه کسانی می‌شوند. احتمال دارد که یکی از آنان اِراستوس بوده باشد (اعمال رسولان ۹:۲۲؛ و تیتوس، دوم قرنتیان ۲:۱۳؛ ۷:۷-۷)، اما افراد دیگر، مشخص نمی‌باشد.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۱۲:۱۶

^{۱۲} و اما در مورد برادر ما آپولس، او را بسیار ترغیب کردم که با سایر برادران نزد شما بیاید، اما به هیچ روی رضا نداد که اکنون بیاید. اما هر وقت فرصت داشت، خواهد آمد.

۱۲:۱۶ "و اما در مورد" این نیز یکی از شیوه‌های پاسخ به پرسشهایی است که توسط کلیسای قرنتس مطرح گردیده شده بود (اول قرنتیان ۷:۱، ۲۵:۸؛ ۱:۱۲). (۱۲:۱۶؛ ۱:۱۶).

□ "آپولس" او واعظ و سخنوری ماهر و دانش‌آموخته از اسکندریه مصر بود. او پیش از این نیز در قرنتس بود (اعمال رسولان ۱۸:۲۴ - ۱۹:۱)، اما از بازگشت سر باز زد (اول قرنتیان ۱۶:۱۲).

□ "اما به هیچ روی رضا نداد که اکنون بیاید" این عبارت را به دو روش می‌توان ترجمه کرد: (۱) آپولس تمایلی به آمدن نداشت؛ (۲) خواست خدا نبود که او بیاید. از این آیه اینگونه بنظر می‌رسد که آپولس افسوس را در طول زمانی که پولس با او صحبت کرده و این نامه را برای نوشته بود، ترک کرده بود.

متن NASB (بروز شده): اول قرنتیان ۱۶:۱۳-۱۴

^{۱۳} هوشیار باشید؛ در ایمان استوار بمانید؛ مرد باشید و نیرومند شوید. ^{۱۴} همه کارهای شما با محبت باشد.

۱۶:۱۳ - ۱۴ این آیات مجموعه‌ای از پنج جمله دستوری است. این جملات خیلی شبیه به تذکرات کاربردی در اول قرنتیان ۵۸:۱۵ است. چهار آیه جمله اول، سوم شخص جمع بوده و از زمینه نظامی برخوردار هستند. آخرین جمله دوم شخص جمع بوده و ظاهراً خطاب به کلیسای مشارکتی عنوان شده است.

۱۳:۱۶

NASB "هشیار باشید"

NKJV "مراقب باشید"

NRSV "هشیار باشید"

TEV "هشیار باشید"

NJB "گوش بزننگ باشید"

این جمله دستوری حال حاضر است. معنای اولیه آن بیدار شدن است که بصورت "هشیار بودن" بکار می‌رود (متی ۲۴:۴۲؛ ۲۵:۱۳؛ ۲۶:۳۸، ۴۰، ۴۸؛ مرقس ۱۳:۳۵، ۳۷؛ ۱۴:۳۴، ۳۷، ۳۸). پولس آنان را نصیحت می‌کند که در برابر روح نفاق افکن، مُلجِد، کافر و مغرور هشیار و گوش بزننگ باشند!

NASB, TEV "در ایمان استوار بمانید"

NKJV "در ایمان محکم بمانید"

NRSV "در ایمان خود استوار بمانید"

این یک جمله دستوری دیگر است. این واژه ریشه نظامی داشته و برای مواقعی استفاده می‌شود که افراد باید موقعیت خود را حفظ نمایند. "در ایمان" اشاره به حقیقت یا دکنترین مسیحیت دارد (یهودا ۱: ۳، ۲۰).

به موضوع خاص: ایستادن (*Histēmi*) در اول قرن‌تینان ۱: ۱۵ مراجعه نمایید.

- "مرد باشید" این یک جمله دستوری حال حاضر (deponent) است. این واژه تنها اینجا در عهد عتیق بکار برده شده است. فعل این واژه از *anēr* گرفته شده، که بمعنی یک مرد یا شوهر بالغ است. این واژه در نسخه LXX در یوشع ۱: ۶ دیده می‌شود. این واژه کلی نبوده (فقط به جنس مذکر اشاره دارد)، اما همه کلیسا را تشویق به رفتار معقول بعنوان ایمانداران بالغ و شجاع می‌نماید.
- "نیرومند شوید" این عبارت دستوری حال حاضر است.

موضوع خاص: قوی باشید

Special Topic: Be Made Strong

این اصطلاح (krataioō) در صدای مجهول چندین بار در عهد جدید در مفاهیم مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

۱. توسعه طبیعی طبیعی عیسی به عنوان یک انسان، انجیل لوقا ۱: ۸۰، ۲: ۴۰
۲. ایمانداران توسط روح القدس نیرو میگیرند، افسسیان ۳: ۱۶
۳. مؤمنان به اعتقاد خود در مقابل مبارزات داخلی در کلیسای قرن‌تینان، قوی و متعهد هستند. اول قرن‌تینان ۱۶: ۱۳

۱۴: ۱۶ "همه کارهای شما با محبت باشد" توجه داشته باشید که در نسخه یونانی، "همه" بمنظور تأکید در ابتدای جمله قرار گرفته است. در یک محیط فرهنگی و مذهبی مملو از افراد گوناگون، دردسر همچون قرن‌تس، محبت امری حیاتی محسوب می‌گردد. این نیز جمله دستوری دیگری می‌باشد. اورتدکس و اورتوپراکس بدون محبت، خواست خدا یا راه خدا نمی‌باشد (اول قرن‌تینان ۱: ۱۴)! درک مفهوم آن (برای مسیحیان) که چقدر در نهایت حیاتی می‌باشد، دشوار است.

متن NASB (بروز شده): اول قرن‌تینان ۱۵: ۱۶-۱۸

۱۵ می‌دانید که خانواده استیفاناس نخستین کسانی بودند که در ایالت آخائیه ایمان آوردند، و ایشان خود را وقف خدمت مقدسین کرده‌اند. ای برادران، از شما استدعا دارم^{۱۶} مطیع چنین کسان باشید و همچنین مطیع هر کس دیگر که در این خدمت همکاری می‌کند و زحمت می‌کشد. ^{۱۷} از آمدن استیفاناس، فورتوناتوس و آخائیکوس شادمانم، زیرا جای خالی شما را پر کرده‌اند. ^{۱۸} آنان روح مرا و نیز روح شما را تازه ساختند. چنین کسان را پاس بدارید.

۱۵: ۱۶ "از شما استدعا دارم" این بخش با اول قرن‌تینان ۱۶: ۱۶ خوانده می‌شود. پولس به اعضای خانواده استیفاناس استناد می‌کند.

- "ای برادران" نسخه NRSV از عبارت "ای برادران و ای خواهران" استفاده کرده که از نیت پولس به مخاطب قرار دادن کل اعضای کلیسا خبر می‌دهد. پولس همیشه از این کلمه برای معرفی یک موضوع یا برنامه جدید در نامه‌هایش بهره برده است.

- "خانواده استیفاناس" بدیهی است که این تغییر آیین دادگان اولیه (اولین محصول) رهبران کلیسای محلی بودند. پولس از دیگر ایمانداران اولیه در اعمال رسولان ۱۷: ۳۴ ذکر بمیان آورده است.

درک مفهوم "خانواده" که همه با هم و زمانی که رئیس خانواده دین خود را عوض کرده، تغییر آیین داده باشند (کرنلیوس، اعمال ۱۱: ۱۴-۱۷؛ لیدیه، اعمال ۱۶: ۱۴-۱۵؛ زندانبان فیلیپیان، اعمال ۱۶: ۳۱-۳۳) برای مبشران مسیحیت که بر تغییر فرد تأکید دارند، دشوار می‌باشد. با اینوجود، نقش فرهنگ در درک چگونگی کارکرد ایمان در خانواده، همچون ایمان در میان قبیله و قوم، حیاتی می‌باشد. خداوند تحت تأثیر فردگرایی در جامعه مدن غرب قرار نگرفته و خود را محدود به آن نمی‌کند! این امر برای ذهن محدود و دگم‌اندیش ما بسیار دردناک است.

مفهوم تغییر دین "اعضای خانواده" برای تصدیق تعمید گرفتن نوزادان بکار برده می‌گردید. معمولاً رسم ختنه در میان قوم بنی‌اسرائیل برای کودکان هشت روزه در خانواده صورت می‌پذیرفت. احتمالاً بلحاظ انجیلی این موضوع را باید از انتها مورد ارزیابی قرار داد. ایمان راستین رشد کرده،

توبه کرده، ایمان آورده، اطاعت کرده و استقامت بخرج می‌دهد. ایمان راستین از حاصل آن مشخص می‌گردد، و نه فقط رسوم آغازین آن (اول قرن‌تینان ۱۶:۱۶ و یعقوب و اول یوحنا).

■ **"ایشان خود را وقف خدمت مقدسین کرده‌اند"** این عبارت بسیار جالبی است. واژه "وقف کرده" *tassō* بوده که بمعنی "گماشتن یا منصوب کردن" است. مفهوم و عملکرد ایمان، ایمان راستین، در خدمت نهفته است! درک انجیل نیازمند تمایل به وقف خود به خدمت به دیگران است، همچون عیسی که خود را وقف ما کرد (۱ یوحنا ۳:۱۶). این پیشرفت طبیعی بوده و امری مستثنی نیست. در حالیکه تفرقه‌افکنان (نخبگان قرنتس) بدنال منافع شخصی، پیشرفت شخصی، خود بودند، ایمان راستین از محبت پیروی می‌کرد (اول قرن‌تینان ۴:۱۴؛ ۱۶:۱۴). ایمانداران نجات یافته و برای مأموریت بزرگ، هدیه‌های خاص دریافت کرده (متی ۱۹:۲۸-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال رسولان ۸:۱) و نیکی بدن عیسی، یعنی کلیسا را بدست آورده‌اند (اول قرن‌تینان ۷:۱۲).

استفاناس و خانواده‌اش تصمیم گرفتند تا از منابعی که در اختیار داشتند، در جهت پادشاهی خداوند استفاده نمایند. اگر استفاناس یکی از اعضای ثروتمند طبقه روشنفکر جامعه بوده باشد، بطور قطع رفتار او بر اساس آموزه‌های پولس بوده است. او سرمشقی برای دیگر اعضای روشنفکر و توانمند کلیسا گردید (از کتاب *After Paul Left Corinth*، نوشته W. Winter صفحات ۱۸۴-۲۰۵). به موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۱:۴ مراجعه نمایید.

■ **"خدمت"** به موضوع خاص: رهبری خادم در اول قرن‌تینان ۱:۴ مراجعه نمایید.

■ **"مقدسین"** به موضوع خاص: مقدسین در اول قرن‌تینان ۲:۱ مراجعه نمایید.

۱۶:۱۶ **"مطیع چنین کسان باشید"** این جمله وجه شرطی مجهول کامل است. "مطیع" (*hupotassō*) یک واژه نظامی برای همسطح شدن یک نفر با مجموعه‌ای از فرامین و دستورات است. این واژه در نامه‌های پولس برای موارد زیر بکار برده شده است:

۱. روح انبیا در پیروی از انبیا، اول قرن‌تینان ۳۲:۱۴
۲. همه چیز در پیروی از عیسی، اول قرن‌تینان ۲۷:۱۵
۳. عیسی، مطیع پدر، اول قرن‌تینان ۲۸:۱۵
۴. ایمانداران مطیع رهبران فرستاده شده از سوی خدا، اول قرن‌تینان ۱۶:۱۶

بین دو واژه رهبران "آنان که خود را وقف خدمت کرده‌اند" (از واژه *tassō*) و "ایماندارانی که خود را وقف رهبران کرده‌اند" (بازی با لغات و کلمات صورت پذیرفته است *tassō* بعلاوه *hupo*)، (دوم قرن‌تینان ۹:۱۲-۱۳). به موضوع خاص: وقف در دوم قرن‌تینان ۹:۱۳ مراجعه شود.

این کلیسا مشکلاتی در حوزه رفتار و کردار متعارف و احترام به رهبران حقیقی داشته است (اول قرن‌تینان ۱۶:۱۸؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۱۲؛ عبرانیان ۱۷:۱۳). نامه کلمنت روم که چهل سال بعد به همین کلیسا نوشته شد، نشان می‌دهد که آنها هنوز همان مشکلات را داشتند.

۱۷:۱۶ **"استفاناس، فورتوناتوس و آخائیکوس"** برخی تصریح کرده‌اند که دو نام آخری که ما هیچ چیز دیگری از آنها در عهد جدید نشنیده‌ایم، از اعضای خانواده استفاناس بودند. برخی دیگر معتقدند که این سه نفر برده بودند، اما این ادعا قابل اثبات نمی‌باشد. ظاهراً آنها نامه کلیسای قرنتس را برای پولس آورده بودند. پولس برخی اطلاعات را درباره کلیسا از مردم خُلونه بدست آورده بود. کلمنت روم در حدود ۴۰ سال بعد نامه‌ای به کلیسای قرنتس نوشت و در آن از فورتوناتوس بعنوان شبان کلیسا یاد کرده بود.

■ **"زیرا جای خالی شما را پر کرده‌اند"** این عبارت در زبان انگلیسی دارای بار منفی است، اما در واقع نباید چنین باشد. گزارش آنها خبرهایی را از کلیسایی که پولس حتی با وجود مشکلات آن کلیسا، برای او آورد (اول قرن‌تینان ۱۶:۲۴). آنان حکم نمایندگان کلیساها را برای پولس داشتند. دقیقاً مشخص نیست آنها چه کاری را در کنار خوشحال کردن او (اول قرن‌تینان ۱۶:۱۸) با حضورشان برای پولس انجام دادند.

۱۸:۱۶ **"روح مرا و نیز روح شما را"** از متن اینگونه برداشت می‌گردد که پولس با بکار بردن کلمه "روح"، بعنوان راهی برای اشاره به خود بهره می‌برد (اول قرن‌تینان ۱۱:۲؛ ۵:۴؛ دوم قرن‌تینان ۲:۱۳؛ ۷:۱۳؛ رومیان ۱:۹؛ ۸:۱۶؛ فیلیپیان ۴:۲۳).

NASB, NKJV **"قدردان چنین مردانی باشید"**

NRSV **"چنین مردانی را برسمیت بشناسید"**

TEV **"چنین مردانی شایسته توجه هستند"**

این جمله، حال کامل دستوری از عبارت "ginōskō" و بمفهوم برسمیت شناختن چیزی یا کسی (دوم قرنیتیان ۲:۳) و با شناختن از جنبه پذیرفتن چیزی یا کسی می‌باشد (اول قرنیتیان ۳:۸).

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۱۹:۱۶-۲۰

^{۱۹} کلیساهای آسیا برایتان سلام می‌فرستند. آکیلا و پریسکیلا و نیز کلیسایی که در منزلشان تشکیل می‌شود، به شما در خداوند به گرمی سلام می‌گویند. ^{۲۰} همه برادرانی که در اینجا هستند برای شما سلام می‌فرستند. با بوسه مقدس یکدیگر را سلام گویند.

۱۹:۱۶ "کلیساهای آسیا" اشاره به منطقه تحت حاکمیت روم قرن اول دارد که امروزه یک سوم کشور ترکیه امروزی را تشکیل می‌دهد.

□ "آکیلا و پریسکیلا" آکیلا، همچون پولس، یک چادرساز (یا چرم‌کار) یهودی بود. همه یهودیان، حتی ربی‌ها، برای تجارت آموزش دیده بودند تا از طریق درس دادن پول در نیاورند. نام همسر آکیلا، پریسکیلا یا پریسکا، از شش مرتبه‌ای که بکار برده شده، چهار بار در اول لیست قرار داشته است (اعمال ۲:۱۸، ۱۸، ۲۶؛ رومیان ۳:۱۶؛ اول قرنیتیان ۱۹:۱۶؛ ۲ تیموتائوس ۱۹:۴). بسیاری از مفسران متوجه شده‌اند که نام وی، یکی از نامهای اشراف‌زادگان رومی بوده است (*Prisca*). از آنجاییکه نام وی در ابتدا ذکر گردیده، که معمولاً چنین چیزی در میان یهودیان مرسوم نیست، بسیاری از مفسران آن را به مثابه یک داستان عاشقانه میان بانوی ثروتمند روم و یک چادرساز دوره‌گرد یهودی می‌بینند!

نسخه ضمیمه عهد جدید یونانی، نام *Priscilla* را ثبت کرده که نام وی در اعمال رسولان ۲:۱۸، ۱۸، ۲۶ می‌باشد. نام وی همچنین در اینجا و در رومیان ۳:۱۶ نیز ذکر شده است. این امر پیرو نسخه خطی یونانی A, C, D, F, G, K, L، ترجمه‌های سوریه‌ای و اکثر نسخه‌های خطی کوچکتر می‌باشد. با اینحال، پولس وی را پریسکا صدا می‌زد که در نسخه‌های خطی M, B, 8, P46، نسخه ولگاته و ترجمه‌های Coptic نیز ذکر شده است. به کتاب *A Textual Commentary on the Greek New Testament* نوشته Bruce Metzger صفحه ۵۷۰ مراجعه نمایید.

□ "کلیسایی که در منزلشان تشکیل می‌شود" کلیسای اولیه دارای ساختمان نبود. اعضا در خانه‌های یکدیگر جمع می‌شدند. علت این امر:

۱. مشکلات مالی

۲. لزوم پنهان نگه‌داشتن برنامه‌های خود، زیرا مسیحیت در دوران اولیه امپراطوری باستان آیینی غیرقانونی محسوب می‌گردید

۳. لزوم حفظ ظاهر قانونی، زیرا کلیساهای اولیه همچون انجمن‌های اجتماعی رومیان ساماندهی گردیده بود

مفهوم کلیسای خانگی در اعمال رسولان ۲:۴۶ و ۴:۵ آغاز گردید. این بحث در رومیان ۵:۱۶، ۲۳؛ کولسیان ۴:۱۵ و فیلمون ۲ توسعه یافت.

□ "همه برادرانی که در اینجا هستند برای شما سلام می‌فرستند" بدیهی است که این عبارات اشاره به کل کلیسا دارد و نه فقط مردان.

۲۰:۱۶ "با بوسه مقدس یکدیگر را سلام گویند" این نوع خوش‌آمدگویی در جمع (بر گونه‌های یکدیگر بوسه زدن)، نشانه‌ای از دوستی بوده که در عهد عتیق خروج ۲۷:۴ می‌توان مشاهده کرد. همینطور در اناجیل، در مرقس ۴:۱۴؛ ۱۴:۱۴ نیز دیده می‌شود. این روشی مرسوم و عادی در کلیسای اولیه بود (رومیان ۱۶:۱۶؛ ۲ قرنیتیان ۱۲:۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۲۶؛ ۱ پطرس ۵:۱۴)، که از کنیسه الگوبرداری شده بود. مردان، مردان را می‌بوسیدند و زنان نیز زنان را. این مسئله توسط برخی مسیحیان مورد سوء استفاده قرار گرفته و افراد بی‌ایمان نیز آن را اشتباه برداشت کردند، لذا توسط کلیسای اولیه این رسم برچیده شد. با اینحال، این رسم هنوز در برخی مراسم در میان کلیساهای شرقی رواج دارد. معادل امروزی آن در جوامع غربی به گرمی دست دادن و یکدیگر را در آغوش گرفتن است.

متن NASB (بروز شده): اول قرنیتیان ۲۱:۱۶-۲۴

^{۲۱} من، پولس، به خط خود این سلام را به شما می‌نویسم. ^{۲۲} کسی که خداوند را دوست ندارد، ملعون باد. خداوند ما، بیا! ^{۲۳} فیض خداوند عیسی با شما باد. ^{۲۴} محبت من در مسیح عیسی همراه همه شما. آمین.

۲۱:۱۶ "به خط خود این سلام را به شما می‌نویسم" اینگونه نگارش در انتهای مکاتبات پولس کاملاً رایج بود. این کار یکی از نشانه‌های تضمین برای اصالت نامه‌های او محسوب می‌گردید (غلاطیان ۱۱:۶؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۲؛ ۳:۱۷؛ کولسیان ۴:۱۸؛ فیلمون ۱۹).

۲۲:۱۶ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است. بدیهی است که برخی افراد در کلیسای قرنیتس عیسی مسیح را دوست نمی‌داشتند!

■ **"دوست ندارد"** لغت یونانی این عبارت، "phileō" است. پولس برای اشاره به محبت و دوست داشتن، زیاد از این لغت استفاده نمی کند (تیتوس ۳:۱۵). به همین دلیل، بسیاری از مفسران تصور می کنند که او از یک شعر یا فرمول عبادی استفاده کرده است. ریشه این عبارت با فعل "بوسیدن" یکی می باشد (*philēma*). "phileō" در یونانی کویین مترادف با "agapaō" بوده (یوحنا ۵:۲۰؛ ۱۶:۲۷)، اما گاهی می تواند مرزبندیهای متنی خود را داشته باشد (یوحنا ۲۱:۱۵-۱۷).

■ **"ملعون باد"** "Anathema" یک کلمه یونانی است که منعکس کننده واژه "herem" در زبان عبری، و یا هر چیزی که به خداوند تقدیم شده، می باشد که بعد مقدس شده و باید نابود گردد (اریحا در یوشع ۶:۱۷-۱۹). از این لغت بعنوان نفرین الهی استفاده می گردید (اعمال رسولان ۲۲:۱۲، ۱۴؛ رومیان ۹:۳۱؛ اول قرنیتیان ۱۲:۳؛ ۱۶:۲۲؛ غلاطیان ۱:۸-۹). این بیانات بسیار محکم بوده و می تواند منعکس کننده حضور معلمان دروغین در قرنتس باشد (اول قرنیتیان ۱۲:۳). این امکان وجود دارد که منعکس کننده یکی از برنامه های فعلی قرنتس نیز بوده باشد. به یادداشت اول قرنیتیان ۳:۱۲ درباره این واژه مراجعه نمایید.

■ **"خداوند ما، بیا"** (*Maranatha*) عیسی و رسولان به زبان آرامی سخن می گفتند و نه عبری. از زمان امپراطوری ایران، این زبان برای سخن گفتن رواج یافته بود. در عهد جدید لغات و عبارات متعددی به زبان آرامی ثبت گردیده است.

۱. Talitha kum - مرقس ۵:۴۱

۲. Ephphatha - مرقس ۷:۳۴

۳. Abba - مرقس ۱۴:۳۶؛ رومیان ۸:۱۵

۴. Maranatha - اول قرنیتیان ۱۶:۲۲

به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: ماراناتا

SPECIAL TOPIC: *MARANATHA*

این یک واژه به زبان آرامی می باشد که منعکس کننده الهیات کلیسای فلسطینیان از (۱) آسمانی بودن عیسی (مزمور ۱۱۰) یا (۲) بازگشت دوم مسیح (اعمال رسولان ۳:۱۹-۲۱) می باشد. معنی آن به فراخور تفکیک لغت، تغییر می کند:

۱. "خدای ما، بیا" (*marana-tha*) معنی یک عبارت مشابه است که در مکاشفه ۲۲:۲۰ بکار رفته بود. لذا، اکثر ترجمه های موجود، ترجمه اول قرنیتیان ۱۶:۲۲ را قبول دارند. اگر چنین باشد، پس باید دعایی برای بازگشت عیسی تلقی گردد.

۲. "خدای ما آمده است" (*maran-atha*) می تواند یک جمله کامل آرامی باشد. این ترجمه ای است که Chrysostom (۳۴۵-۴۷۰ پس از میلاد) از آن استفاده کرد، که سخن از زنده شدن مسیح دارد.

۳. "خدای ما در حال آمدن است" یک جمله نبوتی عبری کامل بوده، که بسیاری با تصور انگیزه ای برای خدمت مسیحیان از آن استفاده می کنند. بازگشت دوم مسیح همیشه دلگرمی و مشوقی برای ایمانداران در همه دورانها بوده است.

۴. کتاب Didache (در اواخر قرن اول یا دوم نوشته شد) 10:6، از همین عبارت در متن مربوط به شام خداوند استفاده کرده است، در جاییکه حضور فعلی و بازگشت اسکاتولوژیک عیسی، هر دو در دعاها تأکید شده است.

۲۳:۱۶ "فیض خداوند عیسی" اولین قدم برای ترجمه کتاب مقدس، مشخص کردن واژگان و لغات اصلی می باشد. منبعی که در این زمینه مفید می باشد، کتاب *A Textual Commentary on the Greek New Testament* نوشته Bruce M. Metzger است. برای نشان دادن میزان سودمندی آن، اجازه دهید پاراگرافی را درباره این آیه نقل کنم.

"نسخه یونانی کتاب مقدس، از اکثر نسخه های کوچکتری همچون A C D F G K L M ^C پیروی کرده، از جمله it^{d,g,r} syr^{p,h} 6 424^C 920 1739، خلاصه آن Ἰησοῦ Χριστοῦ. ^{8a,bo} arm eth cop. می باشد که توسط *al* goth *vg* 2002 1908 1611 823 442 356 226 33 35 33 2* ^N پشتیبانی شده که در عین حال نیز همین ترجمه ترجیح داده می شود. مطالعه دهاهای خیر فعلی و دیگر (رومیان ۱۶:۲۴؛ دوم قرنیتیان ۱۳:۱۳؛ غلاطیان ۶:۱۸؛ فیلیپیان ۴:۲۳؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۲۸؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۱۸؛ فیلمون ۲۵)، و همچنین تمایل طبیعی کاتبان برای گسترش نام مقدس، احتمالاً باید قابل توجه باشد که هر شاهدهی در برابر چنین فشارهای مقاومت نماید" (ص ۵۷۰).

۱۶:۲۴ " **محبت من همراه همه شما**" این یکی از اظهار محبت‌های نادر توسط پولس می‌باشد. توجه داشته باشید که او محبت خود را نسبت به همه کسانی بیان می‌کند که در کلیسایی مملو از تفرقه و نفرت بودند.

▣ "آمین" به یادداشت اول قرن‌تینان ۱۶:۱۴ مراجعه نمایید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. فهرستی از سوالاتی را که کلیسای قرن‌تس برای پولس نوشته بود را تهیه نمایید.
۲. منابع مختلف اطلاعاتی پولس درباره وضعیت کنونی در کلیسای قرن‌تینان چه بودند؟
۳. چارچوب راهنما برای کمک‌های اهدایی در عهد جدید را فهرست‌وار بیان کنید.
۴. چرا پولس به کمک مالی به کلیسا در اورشلیم علاقمند بود؟
۵. چرا حتی پس از نجات، پولس همچنان جشن‌های یهودیان را حفظ کرده بود؟
۶. آیه ۱۶:۱۵ را چگونه می‌توان با اعمال رسولان ۱۷:۳۴ وفق داد؟
۷. آکیلا و پریسکا که بودند؟
۸. چرا پولس از عبارتی به زبان آرامی در نامه‌ای به یک کلیسای یونانی استفاده کرد؟

معرفی دوم قرن‌تیان

کلام آغازین

- A. این کتاب، بیش از هر نامه دیگری از پولس قلب و فکر یک رسول را به غیر یهودیان نشان می‌دهد. این نزدیکترین چیزی است که ما از زندگی معنوی و روحانی او داریم.
- B. این کتاب ممکن است کار لفظی کامل پولس باید. Raymond E. Brown, *An Introduction to the New Testament*, می‌گوید: "این به خوبی می‌تواند از تمامی نوشته‌های پولس متقاعد کننده ترین باشد." صفحه ۵۴۱. با این حال، این کار به منظور رد سوفسطائیان بود که به قرن‌تس آمده بودند و به روشهای گفتاری عمومی پل و همچنین محتوای آن (به عنوان مثال حمله او به خرد در اول قرن‌تیان ۱ الی ۴) حمله می‌کردند.

موضوع خاص: سوفسطائیان

(SPECIAL TOPIC: SOPHISTS)

واژه یونانی *sophia* به معنای حکمت است. اصطلاح مرتبط *sophistēs* به معنای کسی است که "ماهر" یا "تحصیل کرده در علم کلام" باشد. این معمولاً یک سخنران عمومی، معمولاً یک مسافر، که به شهر می‌آید و سعی در ایجاد یک مدرسه برای آموزش بچه‌های کلاس اشراف، میکند. این سخنرانی عمومی باعث میشد که والدین به دنبال آنها برای درس خصوصی یا تحصیل فرزندانشان باشند. با توجه به شهرت و توانایی این "خردمندان" رقابت بزرگی میان آنها برای جذب دانشجویان وجود داشت. حتی مجموعه ای از دستورات عملی برای سخنرانیهایی اولیه خود داشتند. یکی از این روش‌های تعیین شده، زمانی بود که فیلسوف فهرستی از ویژگیها و تواناییهای خود را ارائه میکرد. مسائل پولس در قرن‌تس به نظر میرسد در رابطه با این موارد بوده باشند:

۱. نفاق در کلیسا، هر کس ادعا میکرد که پیرو معلمی خاص است (اول قرن‌تیان ۱ الی ۴)
 ۲. معلمین دروغینی که به شیوه هلنیستی آموزش دیده و از اورشلیم بودند (دوم قرن‌تیان ۱۰ الی ۱۳)
- سلب مسئولیت پل از "حکمت" در اول قرن‌تیان ۱ الی ۴ راه را برای کسانی که به دلیل آموزش فلسفی و کلام خود میدرخشیدند باز کرد تا به او حمله کنند و بر دیگران داوری نمایند. تعجب آور است که معلمان یهودی در گروههای فلسفی مورد ستایش قرار میگرفتند. پولس یک سخنران عمومی برجسته نبود. به همین دلیل به او حمله میشد. او با نوشتن یک متن بی عیب و نقص و متوازن، با ساختاری مطلوب در دوم قرن‌تیان ۱۰ الی ۱۳، تلافی کرد. او از اصطلاحات آنان، و از حالات آنان استفاده کرد تا غرور و گرایش نامطلوب آنان را برملا سازد.

- C. همانند خود پولس، این کتاب یک ترکیب عجیب است، از فراز و نشیبها، از تراوش احساسات از غیض و خشم تا شادی فراوان.
- D. این کتاب واقعا یک نامه است و به عنوان یک نامه، فقط نیمی از یک مکالمه است. بسیاری از پیشگوییها و شرایط پشت پاسخهای پولس مفقود شده اند. این مثال خوبی از حقیقت است که نامه‌های عهد جدید اساساً برای تأمین نیازهای خاص نگاشته شده اند، نه فقط به عنوان مقالات الهیاتی مستقل.
- E. این کتاب توسط اساتید در موعظه‌ها نادیده گرفته شده است. این مایه تاسف است زیرا منشا بیشتر مباحثات پولس در مورد مشکلات زندگی مسیحی است.
- F. برای یک شبان، این کتاب خط مشی‌های بینشی در خصوص اینکه چگونه با مشکلات درون کلیسا برخورد کنیم ارائه میدهد. پولس به همه ما الگویی برای پیروی کردن علیرغم حملات شخصی و سو تفاهمات ارائه میکند.

نگارنده

- A. علیرغم تمام مدارکی که نویسندگان سنتی کتب مقدس را انکار میکنند، ولی این انتصاب نگارش این کتاب به پولس هرگز رد نشده است.
- B. این شرح حال خود بوده و درک برخی از عبارتهای آن بسیار دشوار است و احتمال اینکه شخصی تلاش کند بتواند شیوه نگارش پولس را با نوشتن کتابی مانند این تقلید کند، امکانپذیر نیست. دشواری و مشخص بودن نامه از حقیقت آن صحبت می‌کند. درست است که بسیاری از محققان عهد جدید معتقدند که دوم قرن‌تیان یک نامه ترکیبی است، که ترکیبی از چندین نامه جداگانه از پولس حاصل شده است. من به یکپارچه بودن آن به دلایل زیر اعتقاد دارم:

۱. در هیچ یک از نسخه‌های خطی یونانی اشاره ای به جدایی و تفرق آنها وجود ندارد

a. هیچ تغییری در واحدهای ادبی آن وجود ندارد

b. هیچ نسخه دستنویسی نیست که حاوی همه سیزده فصل نباشد

۲. هر چند دوم قرن‌تبیان ۱۳ ظاهراً برای کلمنت رم در سال ۹۶ میلادی ناشناخته بود، توسط پلی‌کراپ در سال ۱۰۵ از آن نقل قول شده است.
۳. کتاب به عنوان واحد قابل درک است. به نظر میرسد موضوعات خاصی وجود داشته باشند که یکپارچه بودن را نشان میدهند، مانند رنج کشیدن
۴. شواهد داخلی بسیار محدود هستند که بتوان به دفاع از تجزیه افراطی دوم قرن‌تبیان پرداخت.
- C. در ۱:۱ و ۱:۱۰ گفته شده که پولس نگارنده است.

تاریخ

- A. تاریخ دوم قرن‌تبیان به صورت جدایی ناپذیری به اول قرن‌تبیان و کتاب اعمال رسولان مرتبط است.
- B. اعمال رسولان ۱:۱۸ الی ۱۸ و ۲:۲۰ الی ۳ مرتبط با حضور پولس در قرنتس هستند، ولی همچنین به نظر میرسد که حداقل سفر ثبت نشده ای (دوم قرن‌تبیان ۲:۱، با بازدید سومی که در ۱۲:۱۴، ۱۳:۱ الی ۲ صورت گرفته) وجود داشته باشد.
- C. سوال مهم رابطه زمانی میان بازدیدهای پولس و نگارش این نامه‌ها به قرنتس است.
- D. مشکل حقیقی در مورد زمان رخدادها در رابطه با قرنتس این است که ما هیچ سند خارجی یا اطلاعاتی میان اعمال رسولان ۱:۱۸ الی ۱۸ و اعمال رسولان ۲:۲۰ الی ۳ نداریم، به جز خود شواهد مبهم داخلی در نامه‌های قرنتس.
- E. تماسهای پولس با کلیسای قرنتس - پیشنهاد بازسازی

زمان	بازدید	نامه
------	--------	------

سالهای ۵۰ الی ۵۲ میلادی - دومین سفر	a. پولس در دومین سفر بشارتی خود به مدت ۱۸ ماه در قرنتس ماند (مراجعه شود به	
-------------------------------------	--	--

اعمال رسولان ۱:۱۸ الی ۱۱)

a. به نظر میرسد اول قرن‌تبیان ۵: ۹ الی ۱۱ به نامه‌ای درباره شرایط غیر اخلاقی در کلیسا اشاره داشته باشد. این نامه نامشخص است مگر اینکه: (۱) تصور کنیم که دوم قرن‌تبیان ۶: ۱۴ الی ۷ بخشی از آن باشد، یا (۲) که دوم قرن‌تبیان ۲: ۳ و ۴ و ۹ نوشته‌های اُتوریستی هستند که به دوم قرن‌تبیان اشاره میکنند.

سال ۵۲ میلادی - گالیو از سال ۵۲ بخشدار شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۱۲ الی ۱۷)

سال ۵۶ میلادی (بهار)	b. زمانی که پولس در افسس بود، از دو منبع	
----------------------	--	--

خبرهایی در مورد مسائل کلیسا میشوند: (۱) مردم خلوت؛ اول قرن‌تبیان ۱: ۱۱ و (۲) استفاناس، فورلتوناس و آخاریکوس، اول قرن‌تبیان ۱۶: ۱۷. ظاهراً آنان نامه‌ای از کلیسای خانگی قرنتس آورده بودند که حاوی سوالاتی بود.

سال ۵۶ میلادی (زمستان) یا
سال ۵۷ میلادی (زمستان)

b. پولس با نوشتن اول قرن‌تبیان به این سوالات پاسخ میدهد (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۷: ۱ و ۲۵، ۸: ۱، ۱۲: ۱، ۱۶: ۱ و ۲). تیموتائوس (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۴: ۱۷) پاسخ را از افسس (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۱۶: ۸) به قرنتس میبرد. تیموتائوس قادر نبود که مسائل کلیسا را حل کند.

c. پولس یک بازدید اضطراری و دردناک از

قرنتس به عمل می آورد (در اعمال رسولان ثبت نشده است، مراجعه شود به دوم قرننتیان ۲: ۱). این سفر موفقیت آمیز نبود و او مجبور به بازگشت شد.

c. پولس یک نامه شدید الحن (مراجعه شود به دوم قرننتیان ۲: ۳ الی ۴، ۷: ۸ الی ۹) به کلیساهای خانگی قرنتس نوشت که توسط تیتوس تحویل گردید (مراجعه شود به دوم قرننتیان ۲: ۱۳، ۷: ۱۳ الی ۱۵). این نامه ناشناخته است مگر اینکه تصور شود بخشی از آن در دوم قرننتیان ۱۰ الی ۱۳ باشد.

d. پولس در نظر داشت که تیتوس را در ثروآس ملاقات کند، ولی تیتوس نیامد، بنابراین پولس به مقدونیه رفت (مراجعه شود به دوم قرننتیان ۲: ۱۳، ۷: ۵ و ۱۳)، احتمالاً فیلیپی (مراجعه شود به MSS B, K, L, P).

d. او تیتوس را یافت و شنید که کلیسا به رهبری او رای داده است. پس او دوم قرننتیان را برای تشکر فراوان نوشت (مراجعه شود به ۷: ۱۱ الی ۱۶). این نامه توسط تیتوس تحویل گردید.

بین فصلهای ۱ الی ۹ و ۱۰ الی ۱۳ تغییر حالت گفتگو وجود دارد. این توسط برخی از اساتید چنین توضیح داده میشود: (۱) اخبار بر بیشتر (معلمین دروغین دوره گرد از اورشلیم) از کلیساهای خانگی قرنتس پس از اینکه پولس فصلهای ۱ الی ۹ را نوشته بود (F. F. Bruce) یا (۲) فصلهای ۱ الی ۹ پیام پولس به ایمانداران وفادار در قرنتس است، در حالیکه فصلهای ۱۰ الی ۱۳ پیام پولس به ایمانداران یاغی در قرنتس است (از J. W. MacGorman

e. به نظر میرسد آخرین سفر ثبت شده پولس به قرنتس در اعمال رسولان ۲۰: ۲ الی ۳ به آن اشاره شده باشد. هرچند نام قرنتس در آن صراحتاً اشاره نشده است، ولی چنین تصور میشود. در طول ماه های زمستان وی در آنجا مانده بود.

۵۷ الی ۵۸ میلادی (زمستان)

پولس چه تعداد نامه به قرنتس نوشت؟

- A. فقط دو تا، اول و دوم قرننتیان
- B. سه تا که یکی از آنها مفقود شده است
- C. چهار تا، که دو تا از نامه ها مفقود شده است
- D. برخی اساتید مدرن معتقدند که نامه های مفقود شده در دوم قرننتیان را یافته اند
 ۱. نامه قبلی (اول قرننتیان ۵: ۹) در دوم قرننتیان ۶: ۱۴ الی ۷: ۱
 ۲. نامه شدید (دوم قرننتیان ۲: ۳ الی ۴ و ۹، ۷: ۸ الی ۹) در دوم قرننتیان ۱۰ الی ۱۳
- E. پنج، با دوم قرننتیان ۱۰ الی ۱۳ که پنجمین نامه میشود، پس از گزارش تیتوس در رابطه با اخبار بد بعدی نوشته شد

F. من تا C را قبول دارم (Introduction to the New Testament اثر H. C. Thiessen صفحه ۲۰۹ را هم مطالعه کنید)

۱. نامه قبلی - مفقود شده (اول قرن‌تین ۹:۵)
۲. اول قرن‌تین
۳. نامه شدید - مفقود شده (دوم قرن‌تین ۲: ۱ الی ۱۱، ۷: ۸ الی ۱۲)
۴. دوم قرن‌تین

دشمنان پولس در قرن‌تس

A. در دوم قرن‌تین به نظر میرسد مسئله با حضور چندین جناح حاکم در کلیساهای خانگی باشد (نه الزاما همان جناح های اول قرن‌تین، ولی احتمال آن هست)

۱. گروهی از ایمانداران که از فرهنگ و سنتهای رومی حمایت میکردند
 ۲. گروهی از ایمانداران که از فرهنگ و سنتهای یونانی و تعالیم برجسته آنها حمایت میکردند
 ۳. گروهی از ایمانداران که از فرهنگ و سنتهای یهودی حمایت میکردند
 ۴. گروهی از ایمانداران ضعیف و و بدون حامی و اقشار محروم جامعه
- B. رسیدن یهودیان در دسر آفرین از فلسطین که منجر به جدلهای بیشتر شد (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۱۰ الی ۱۳). آنان از یهودیان غلاطی و یهودی/یونانی کولسی قانونگرا متفاوت هستند. آنان احتمالا به طور شایسته ای آموزش دیده، معلمین برجسته ای همانند آپولو داشتند.
- C. اینها برخی از اتهاماتی هستند که در سطوح مختلف به پولس وارد شده و او به آنها پاسخ داده است.

۱. پولس بی ثبات بود (برنامه های سفرش تغییر میکرد، مراجعه شود به ۱: ۱۵ به بعد)
۲. پولس نویسنده قدرتمندی بود، ولی در سخنوری ضعف شدید داشت (مراجعه شود به ۱۰: ۱۰)
۳. پولس یک سخنگوی شیوا نبود (مراجعه شود به ۱۰: ۱۰، ۱۱: ۶)
۴. پولس پول دریافت نمیکرد (مراجعه شود به ۷: ۱۱، ۱۲: ۱۳)
۵. پولس یک رسول واقعی نبود (مراجعه شود به ۱۱: ۵ و ۱۳، ۱۲: ۴)
۶. پولس یک یهودی ارتدکس بود (مراجعه شود به ۱۱: ۲۱)
۷. پولس وحی و بینش معنوی صریحی که دیگران داشتند را نداشت (مراجعه شود به ۱۲: ۱)

مناسبت و هدف دوم قرن‌تین

- A. تشکر از پاسخ مثبت کلیسا به رهبری پولس (مراجعه شود به ۲: ۱۲ و ۱۳، ۷: ۱۱ الی ۱۶)
- B. آمادگی برای سفر سوم پولس (مراجعه شود به ۱۰: ۱ الی ۱۱). ظاهرا سفر دوم او دردناک و ناموفق بود. لحن تغییر یافته بیان فصلهای ۱۰ الی ۱۳ مشخص است. برخی تصریح کرده اند که این در نتیجه چندین نامه پولس به کلیسای قرن‌تس است که در دوم قرن‌تین جمع شده اند. همچنین محتمل است که پولس اینها را پس از شنیدن درباره یک طغیان جدید مخالفت در میان دوستان قرن‌تس نوشته باشد. این یک یادداشت احساسی است.

C. رد کردن معلمین دروغین یهودی (مراجعه شود به فصلهای ۱۰ الی ۱۲) که پولس را رد کرده بودند.

۱. شخص
۲. انگیزه ها
۳. اقتدار
۴. شیوه نگاری
۵. پیام انجیل

نامه‌های مستقل محتمل

- A. توصیف این کتاب بسیار دشوار است زیرا:
۱. تغییر حالت
 ۲. تنوع موضوعات

۳. پرائنزهایی زیاد (۲: ۱۴ الی ۷: ۱ یا ۷: ۴)

۴. آگاهی محدود ما در مورد شرایط محلی

B. با این حال، سه بخش موضوعی عمده در آن مشخص است

۱. پولس به پیام تیتوس پاسخ می دهد و برنامه های سفر خود را، فصل های ۱-۷ مرتبط میسازد (پرائنزهایی زیادی راجع به بشارت معارف

پولس وجود دارند، ۲: ۱۴ الی ۷: ۱ یا ۷: ۴)

۲. تشویق پولس برای کمک به تکمیل کلیسای اورشلیم، فصل های ۸ الی ۹

۳. دفاع پولس از رهبری خود، ۱۰ الی ۱۳

مطالعه حلقه اول

این یک راهنمای تفسیری است، به این معنا که شما خود مسئول ترجمه انجیل توسط خودتان هستید. هر یک از ما باید در زیر نوری که قرار گرفته ایم قدم برداریم. شما، کتاب مقس و روح القدس در اولویت تفسیر و ترجمه قرار دارید. شما نباید تمام مسئولیت را بر عهده مفسر قرار دهید.

کل کتاب را در یک نشست مطالعه کنید. موضوع اصلی کلیت کتاب را با کلمات و عبارات خودتان بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب

۲. نوع مجموعه نامه ها (سبک آنها)

مطالعه حلقه دوم (بر اساس "راهنمایی برای مطالعه بهتر کتاب مقدس")

کل کتاب مقدس را دوبار در یک نشست مطالعه کنید. رئیس مطالب اصلی را مشخص و آن را در یک جمله بنویسید.

۱. موضوع اولین مجموعه از نامه ها

۲. موضوع دومین مجموعه از نامه ها

۳. موضوع سومین مجموعه از نامه ها

۴. موضوع چهارمین مجموعه از نامه ها

۵. و غیره

دوم قرنتیان ۱

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تهنیت	خوش آمدگویی	تهنیت و شکرگذاری	تهنیت	خطاب به حزار و خوش آمدگویی
۲-۱:۱	۲-۱:۱	۱:۱	۱:۱	۲-۲:۱
		۱:۱	۱:۱	
		۲:۱	۲:۱	
شکرگذاری پولس پس از مصائب	آسایش در زمان رنج		پولس خداوند را شکر می کند	شکرگذاری
۷-۳:۱	۷-۳:۱	۷-۳:۱	۷-۳:۱	۷-۳:۱
	نتیجه‌ی حاصل از رنج			
۱۱-۸:۱	۱۱-۸:۱	۱۱-۸:۱	۱۱-۸:۱	۱۱-۸:۱
به تأخیر انداختن بازدید توسط پولس	صداقت پولس	روابط اخیر با کلیسا	تغییر در برنامه‌های پولس	چرا پولس برنامه‌های خود را تغییر داد
		(۱۳:۲-۱۲:۱)	(۴:۲-۱۲:۱)	(۱۱:۲-۱۲:۱)
۱۴-۱۲:۱	۱۴-۱۲:۱	۱۴-۱۲:۱	۱۴-۱۲:۱	۱۴-۱۲:۱
	صرفه‌جویی کلیسا			
۲۲-۱۵:۱	۲۴-۱۵:۱	۲۲-۱۵:۱	۲۲-۱۵:۱	۲۲-۱۵:۱
۴:۲-۲۳:۱		۴:۲-۲۳:۱	۴:۲-۲۳:۱	۴:۲-۲۳:۱

* پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی، واژه‌نامه و اصطلاحات دستور زبان یونانی.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی

- A. دوم قرن‌تین بین شش تا هجده ماه پس از اول قرن‌تین و بدنبال بازدید پولس به‌مراه تیتوس از مقدونیه صورت پذیرفت. تیتوس کسی بود که پاسخ کلیسا را به پولس گزارش داده بود (دوم قرن‌تین ۲: ۱۲-۱۳؛ ۷: ۱۱-۱۶).
- B. این یک نامه بسیار تند است. بیانات احساسی پولس را می‌تواند در نوع ادبیات و شیوه دستور زبانی که بکار برده بود، بوضوح مشاهده کرد (نبود حروف ربط و جملات ناقص).
- C. پولس بگونه‌ای خشونت‌آمیز مورد هجوم اقلیتی در کلیسا قرار گرفته بود. بنظر می‌رسد که این اقلیت شامل گروهی از جماعت محلی قرن‌تین و گروهی از یهودیان مسافر بوده باشند. اتهامات آنان عبارت بود از:
 ۱. پولس انگیزه‌های ناپاکی داشت، دوم قرن‌تین ۱: ۱۲
 ۲. پولس بی‌ثبات بود، دوم قرن‌تین ۱: ۱۵
 ۳. پولس ضعیف بود، دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۰
 ۴. پولس دارای ظاهری زشت بود، دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۰
 ۵. پولس خطیب خوبی نبود، دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۰؛ ۱۱: ۱۶
 ۶. پولس بخاطر مادیات موعظه می‌کرد؛ دوم قرن‌تین ۱۱: ۷؛ ۱۲: ۱۳
 ۷. پولس رسول واقعی نبود، دوم قرن‌تین ۱۱: ۵؛ ۱۳: ۴؛ ۱۲: ۴
 ۸. پولس یهودی ارتودکس نبود، دوم قرن‌تین ۱۱: ۲۱
 ۹. آنها برخلاف پولس، از مکاشفه مستقیم برخوردار بودند، دوم قرن‌تین ۱: ۱۲

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۱: ۱
 'از پولس که به خواست خدا رسول عیسی مسیح است، و برادر ما تیموتائوس،

- ۱: ۱ "پولس" شائول تارسوس اولین بار در اعمال رسولان ۹: ۱۳ پولس نامیده شد. این احتمال وجود دارد که اکثر یهودیان در خارج از فلسطین و اسرائیل، علاوه بر نام یهودی دارای نام یونانی نیز بودند. در اینصورت، پس والدین شائول این نام را بر روی او گذارده بودند، اما چرا پس "پولس" ناگهان در اعمال رسولان ۱۳ ظاهر می‌گردد؟ احتمالاً بدلیل (۱) دیگران او را بدین نام صدا می‌زدند، و (۲) او خود را با عناوینی چون "کوچک" یا "حقیر" خطاب می‌کرد. نام یونانی پاولوس (*Paulos*) بمعنی "کوچک" است. نظریه‌های متعددی درباره ریشه این نام یونانی مطرح گردیده است.
 ۱. بر اساس کتاب غیرشرعی از تسالونیکا که پولس و تکلا نام داشت (*Paul and Thekla*) مطابق رسوم قرن دوم، پولس دارای قدی کوتاه، چاق، کچل، زانوهای خمیده، ابروهای پرپشت و چشمانی بیرون زنده بوده که می‌تواند علت نام‌گذاری او بوده باشد
 ۲. علت اینکه پولس در برخی قسمت‌ها خود را "حقیرترین قدیسان" می‌خواند، آزارهای کلیسا، همچون اعمال ۹: ۱-۲ بوده است (اول قرن‌تین ۱۵: ۹؛ افسسیان ۳: ۸؛ تیموتائوس ۱: ۱۵). برخی این "حقیر" شماردن را علت اصلی انتخاب نام او می‌دانند. با اینحال، در کتابی همچون غلاطیان، در جاییکه او بر استقلال و برابری خود با دوازده رسول اورشلیم تأکید می‌کند، چنین استدلال و منطقی بعید بنظر می‌رسد (دوم قرن‌تین ۱۱: ۵؛ ۱۲: ۱۱؛ ۱۵: ۱۰).
- "رسول" این واژه‌ای مرسوم برای عبارت "فرستادن" است (*apostellō*). به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۴: ۹ مراجعه نمایید. این واژه موارد مصرف زیادی بلحاظ الهیاتی دارد.
۱. ربی‌ها این واژه را برای افرادی بکار می‌برند که برای مأموریت رسمی فراخوانده و فرستاده می‌شوند. چیزی شبیه لغت انگلیسی "سفیر" (دوم قرن‌تین ۲۰: ۵).

۲. در اناجیل از این واژه اغلب برای عیسی استفاده می‌شود که توسط پدر فرستاده شده است (متی ۱۰: ۴۰؛ ۱۵: ۲۴؛ مرقس ۹: ۳۷؛ لوقا ۹: ۴۸). در یوحنا این واژه صدای عصر موسی را دارد (یوحنا ۴: ۳۴؛ ۵: ۲۴، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۷؛ ۷: ۲۹؛ ۸: ۴۲؛ ۱۰: ۳۶؛ ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۳، ۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵؛ ۲۰: ۲۱). عیسی همچنین از این واژه برای فرستادن ایمانداران بهره برده است (یوحنا ۱۷: ۱۸؛ ۲۰: ۲۱).
۳. عهد جدید از این واژه برای شاگردان مسیح استفاده کرده است.

a. دوازده شاگرد اصلی که حلقه داخلی و اصلی شاگردان بودند (لوقا ۶: ۱۳؛ اعمال رسولان ۱: ۲۱-۲۲)

b. دسته‌ای خاص از افراد کمکی و همکاران رسولان

(۱) برناباس (اعمال رسولان ۴: ۱۴)

(۲) آندرونیکوس و یونیا (KJV نام او را یونیا نوشته است، رومیان ۱۶: ۷)

(۳) آپولس (اول قرن‌تین ۴: ۶-۹)

(۴) یعقوب، برادر عیسی مسیح، غلاطیان ۱: ۱۹)

(۵) سیلوانوس و تیموتائوس (۱ تسالونیکیان ۲: ۶)

(۶) احتمالاً تیتوس (دوم قرن‌تین ۸: ۲۳)

(۷) احتمالاً اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵)

c. هدیه‌ای که از سوی خداوند در کلیسا جریان داشته است (اول قرن‌تین ۱۲: ۲۸-۲۹؛ افسسیان ۴: ۱۱)

۴. پولس از حالت اسم این واژه بصورت عنوانی برای خودش در بیشتر نامه‌هایی که نوشته استفاده کرده تا راهی برای تصریح فرا خوانده شدنش از سوی خداوند و اختیاراتی که بعنوان نماینده و فرستاده مسیح برای او تعیین شده، وجود داشته باشد (رومیان ۱: ۱؛ اول قرن‌تین ۱: ۱؛ دوم قرن‌تین ۱: ۱؛ غلاطیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۱؛ اول تیموتائوس ۱: ۱؛ دوم تیموتائوس ۱: ۱؛ تیتوس ۱: ۱).

■ "مسیح" این واژه یونانی معادل واژه عبری *messiah* می‌باشد (به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱: ۲۳ مراجعه نمایید)، که بمعنی "آن تدهین شده" می‌باشد. این واژه درباره کسی می‌گوید که از سوی خداوند برای انجام مأموریتی خاص، فراخوانده و تجهیز شده است. در عهد عتیق سه گروه از رهبران تدهین می‌گردیدند: کاهنان، پادشاهان و رسولان. عیسی هر سه جای این گروه‌های تدهین شده را فتح کرد (عبرانیان ۱: ۲-۳).

■ "عیسی" این نام عبری بمعنی "یهوه نجات می‌دهد" یا "یهوه رستگاری به ارمغان می‌آورد" است. این نام توسط فرشتگان به والدین او الهام گردید (متی ۱: ۲۱). "عیسی" از کلمه عبری رستگاری و نجات، هوش، گرفته شده که نام پیمانی خداوند یعنی یهوه است. معادل این نام در زبان عبری یوشع می‌باشد. نسخه‌های خطی یونانی بمنظور ترتیب این به دو دسته تقسیم گردیده‌اند:

۱. عیسی مسیح، نسخه‌های (Peshitta, KJV, NKJV) A, D, G, K, L

۲. مسیح عیسی، (NASB, NRSV, TEV, NJB, NIV) P⁴⁶, א, B, M, P

بنظر نمی‌رسد که هیچ نکته الهیاتی خاصی در این مورد وجود داشته باشد. به موضوع خاص: نامه‌هایی برای خداوند در اول قرن‌تین ۸: ۲ مراجعه نمایید.

■ "به خواست خدا" نظیر همین عبارت در اول قرن‌تین ۱: ۱؛ دوم قرن‌تین ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۱ و دوم تیموتائوس ۱: ۱ نیز بکار برده شده است. پولس متقاعد شده بود که خداوند او را بعنوان رسول برگزیده است. احساس خاص فرا خوانده شدن در جاده دمشق بوجود آمد (اعمال رسولان ۹: ۱-۹؛ ۲۲-۲۳؛ ۳: ۲۳-۱۶؛ ۹: ۲۳-۱۶). پولس اغلب بمنظور تأیید نوشته‌هایش بعنوان آنچه که منحصرأ از سوی خداوند الهام گردیده، بر اختیارات خدادادی و فراخوان خداوند تأکید می‌کرد (وحی؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶؛ اول قرن‌تین ۲: ۹-۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳).

■ "برادر ما تیموتائوس" نام "سوستیس" در اول قرن‌تین ۱: ۱ ذکر گردیده؛ در اینجا نام "تیموتائوس"، احتمالاً یک همکار، شریک نوشتاری و یا کاتب بوده است. همچنین احتمال دارد که پولس نام تیموتائوس را به این دلیل ذکر کرده، زیرا این کلیسا در هنگامی که او نامه اول قرن‌تین پولس را به آنها تحویل داد، توجهی به او نکردند.

موضوع خاص: تیموتائوس

(Special Topic: Timothy)

- A. تیموتائوس یعنی "کسی که خداوند را تکریم می‌کند"
- B. او فرزند مادری یهودی و پدری یونانی بوده و در شهر لیستره زندگی می‌کرد (اعمال ۱۶:۱). ترجمه لاتین تفسیر اوریگن پیرامون رومیان ۲۱:۱۶ می‌گوید که تیموتائوس شهروند دربی بوده است. با توجه به آیه ۲۰:۴ در اعمال رسولان، چنین ادعایی درست بنظر می‌رسد.
- C. وی توسط مادر و مادر بزرگش در ایمان یهودیت (یا ایمان مسیحیت) آموزش دیده بود (تیموتائوس ۱:۵؛ ۳:۱۴-۱۵).
- D. وی در طول اولین مأموریت بشارتی پولس، به مسیح ایمان آورد (اعمال رسولان ۱۴:۶-۷)
- E. او از پولس و سیلاس درخواست کرد تا به گروه میسیونرها در سفر دوم ملحق گردد (اعمال رسولان ۱۶:۱-۵) و بروشنی انجام وظایف یوحنا مرقس را بعهده گرفت. نبوت، وی را مورد تأیید قرار داده است (تیموتائوس ۱:۸؛ ۴:۱۴).
- F. او توسط پولس و بمنظور کار برای یهودیان و یونانیان، ختنه گردید (اعمال رسولان ۱۶:۳).
- G. او خود را وقف پولس نموده و بعنوان نماینده رسولی وی انتخاب گردید. نام او بیش از سایر دستیاران پولس در کتاب مقدس ذکر گردیده است (۱۷ بار در ۱۰ نامه؛ رومیان ۱۶:۲؛ اول قرنتیان ۴:۱۷؛ ۱۶:۱۰؛ فیلیپیان ۱:۱؛ ۲:۱۹، ۲۲؛ کولسیان ۱:۵؛ تیموتائوس ۱:۲؛ تیموتائوس ۲:۱؛ تیتوس ۱:۴).
- H. پولس وی را "فرزند راستین من در راه ایمان" (تیموتائوس ۱:۲)؛ "فرزند عزیزم" (تیموتائوس ۲:۱)؛ "فرزند راستینم در ایمانی مشترک" (تیتوس ۱:۴). همچنین به "فرزند محبوب من و امین در خداوند" در اول قرنتیان ۱۷:۴ نیز توجه نمایید.
- I. بدیهی است که او در هنگامی که پولس از زندان آزاد گردید در روم بود، زیرا وی را در چهارمین سفر همراهی نمود (کولسیان ۱:۱؛ فیلمون ۱:۱).
- J. او در ۱ تسالونیکیان ۲:۶ بعنوان هدیه و برکت برای کلیساها، رسول نامیده شده است (افسیان ۴:۱۱)
- K. از سه نامه رسولان، دو نامه خطاب به او بوده است.
- L. نام او آخرین بار در کتاب عبرانیان ۱۳:۲۳ ذکر گردید (اما بلحاظ ترتیب تاریخی، در دوم تیموتائوس ۱:۲).

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱:۱ (بخش دوم)

۱ به کلیسای خدا در قُرنتُس، و همهٔ مقدسین در سراسر ایالت آخائیه:

۱:۱ "کلیسا" این واژه یونانی *ekklesia* می‌باشد (به موضوع خاص در اول قرنتیان ۲:۱ مراجعه نمایید). این واژه از دو کلمه تشکیل گردیده؛ "خارج از" و "خوانده شده"، لذا، این واژه سخن از کسی می‌گوید که از سوی آسمان فرا خوانده شده باشد. کلیسای اولیه بخاطر نحوه کاربرد Septuagint آن برای "جماعت" بنی اسرائیل، این واژه را از یک مفهوم سکولار گرفت (اعمال ۱۹:۳۲، ۳۹، ۴۱). آنان این واژه را برای خود بعنوان ادامه قوم خدا از عهد عتیق بکار می‌بردند. آنها قوم جدید بنی اسرائیل (رومیان ۲:۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۶:۱۶؛ ۱ پطرس ۲:۵، ۹؛ مکاشفه ۱:۶)، کامل کنندگان مأموریت جهانی خداوند بودند (پیدایش ۳:۱۵؛ ۱۲:۳؛ خروج ۱۹:۵، ۶).

□ "خدا در قُرنتُس" این عبارت دو بخش را در مورد "کلیسا" اظهار می‌دارد.

۱. بدن دوباره متولد شده و تعمید گرفته‌ی ایمانداران است. بیشتر جاهایی که در عهد جدید کلمه *ekklesia* بکار برده شده، منعکس کننده همین جنبه می‌باشد.
 ۲. در حالت کلی بیان کننده بدن عیسی مسیح است. این امر را می‌توان در متی ۱۸:۱۶ مشاهده کرد (اولین کاربردی که بندرت از این واژه توسط عیسی مشاهده گردید، متی ۱۷:۱۸ [دوبار]؛ اعمال رسولان ۹:۳۱ کلیسا را بصورت مفرد برای همه جماعت‌های محلی در یهودا، جلیله و سامره بکار برد؛ و در نهایت، در افسسیان که نامه‌ای است به کلیساهای آسیای صغیر (دوم قرنتیان ۱:۲۲؛ ۳:۱۰، ۲۱؛ ۵:۲۳-۳۲).
- یک بدن بزرگ از مسیح وجود دارد که از همه ایمانداران ساخته گردیده (برخی اکنون از دنیا رفته و برخی هنوز زنده هستند) و در آن بدن بزرگ و جهانی، همه بصورت محلی به پرستش خدا مشغول هستند.

□ "همهٔ مقدسین در سراسر ایالت آخائیه" این جمله نشان می‌دهد که نامه برای دایره وسیعتری نسبت به یک کلیسا ارسال شده بود (همینطور که بعداً مشخص شد همه نامه‌های پولس چنین بودند). عملکرد آن به مثابه رفت و برگشت نامه به تمام منطقه، همچون غلاطیان و افسسیان بود. با اینحال، این نامه‌ها بطور منحصر بفردی متمرکز بر مشکلات قرنتس بودند.

■ "مقدسین" این عبارت بمعنی کسانی است که بوسیله کار عیسی بواسطه روح، مقدس شماره شده اند (دوم قرنیتیان ۶: ۱۱). فعل *hagiazō* مرتبط با کلمه "مقدس" (*hagios*) و "مقدسین" است ("انسانهای مقدس" *hagioi*). این عبارت سخن از جدایی از خدا برای خدمت می گوید. همچون دوم قرنیتیان ۱: ۳، در اینجا نیز اشاره به موقعیت ما در راه خداوند دارد، اما در دیگر جاهای عهد جدید، ایمانداران باید برای رسیدن به "تقدس" تلاش نمایند. تقدس جایگاه نیست که باید آن را فتح کرد. پولس با "مقدس" خواندن این کلیسای مغرور تفرقه افکن، حتی با توجه به گناهان و شکستهایی که داشتند، سعی در تشویق آنان داشت! به موضوع خاص: مقدسین در اول قرنیتیان ۱: ۲ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): دوم قرنیتیان ۲: ۱

فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح، بر شما باد!

۲: ۱ "فیض و سلامتی از جانب خدا" شیوه سنتی آغاز نمودن مکاتبات در فرهنگ نشأت گرفته از روم باستان، "خوش آمدگویی" بود (اعمال ۲۳: ۲۶؛ یعقوب ۱: ۱)، و نه گفتن عبارت "فیض". پولس با تغییر لغت "*charein*" به "*charis*" واژه را کاملاً جنبه مسیحی داد (اول تسالونیکیان ۱: ۱؛ غلاطیان ۳: ۱). برخی تصریح می کنند که "صلح، یا سلام" منعکس کننده واژه عبری "شلوم" است (به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۳: ۱ مراجعه نمایید). این احتمال وجود دارد که پولس با توجه به دعای خیر در اعداد ۶: ۲۴-۲۶ از این تلفیق واژه آگاهی داشته است. بیشتر نامه هایی که بر اساس فرهنگ هلن و عهد جدید، با یک دعای شکرگزاری شروع شده، اما بدلیل مشکلات میان پولس و این جماعت، این دعا در جهت خداوند هدایت شده است (دوم قرنیتیان ۱: ۳-۷).

■ "از جانب خدا، پدر ما" این عبارت تأکید را بر روی روابط داخلی خانواده قرار می دهد (متی ۹: ۶). در عهد عتیق، خدا پدر قوم بنی اسرائیل بود (اشعیا ۴۴: ۸؛ هوشع ۱: ۳؛ ۱۱). بدلیل شخصی بودن خداوند، بهترین استعاره برای تعریف رابطه او با دیگر اعضای تثلیث و قوم او، واژگان خانواده یهود است. در حالیکه پدر بشكل بی نظیری با عیسی مرتبط است، با ایمانداران نیز ارتباط دارد. به موضوع خاص جنبه پدری خداوند در اول قرنیتیان ۳: ۱ مراجعه نمایید.

هم "فیض" و هم "صلح یا سلام" از پدر و پسر نشأت می گیرند. پدر و عیسی در قواعد دستور زبانی بعنوان یک واحد به یکدیگر وصل هستند (یک حرف اضافه، اما با دو موضوع). این شیوه ای مرسوم برای نویسندگان عهد جدید بمنظور تصریح جنبه خدایی عیسی بوده است (۱ تسالونیکیان ۱: ۱؛ ۳: ۱۱؛ ۲ تسالونیکیان ۱: ۲، ۱۲؛ ۱۶: ۲).

■ "و خداوند عیسی مسیح" این عبارات، بخشی از عنوان کاملتر "خداوند عیسی مسیح" است (دوم قرنیتیان ۱: ۲، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۰). این سه لقب هر یک دارای ویژگیهای شگفت انگیزی هستند.

۱. "مسیح" ترجمه یونانی از واژه عبری *Messiah* است (کسی که تدهین شده است). این نام تصریح کننده عنوان عهدعتیقی است که یهوه وعده فرستادن او را برای بوجود آوردن عصر جدیدی از عدالت داده بود.

۲. "عیسی" نامی است که توسط یک فرشته در بیت اللحم به نوزاد داده شد (متی ۱: ۲۱). این نام متشکل از دو اسم عبری "یهوه"، نامی برای خداوند در پیمان او، و "رستگاری" (هوشع) می باشد. این نام مشابه یوشع می باشد. هنگامیکه به تنهایی بکار برده شود، اغلب معرف مرد خاصی است، مثل عیسی ناصری، پسر مریم (متی ۱: ۱۶، ۲۵؛ ۲: ۱؛ ۳: ۱۳، ۱۵، ۱۶).

۳. واژه "ارباب" (*Lord*) (بکار برده شده در دوم قرنیتیان ۱: ۱ در نسخه KJV) ترجمه عبری واژه *adon* می باشد، بمعنی "مالک، شوهر، ارباب یا سرور". یهودیان از بر زبان آوردن نام مقدس یهوه وحشت داشتند تا مبادا باعث شکستن یکی از فرمانهای ده گانه شوند. آنان هر گاه که متون مقدس را می خواندند برای یهوه از واژه *Adon* استفاده می کردند. بهمین دلیل است که ترجمه های انگلیسی رایج، همگی واژه *Lord* را با حرف اول بزرگ برای خطاب قرار دادن یهوه در عهد عتیق می نویسند. با انتقال این عنوان (*kurios* در زبان یونانی) به عیسی، نویسندگان عهد جدید بر جنبه آسمانی و برابری وی با پدر تأکید داشتند.

متن NASB (بروز شده): دوم قرنیتیان ۱: ۳-۷

۳ متبارک باد خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح، که پدر رحمتها و خدای همه دلگرمیهاست؛ که به ما در همه سختیهایمان دلگرمی می بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته ایم، دیگران را که از سختیهای ما گذرند، دلگرم سازیم. زیرا همان گونه که از رنجهای مسیح به فراوانی نصیب می یابیم، به همان میزان نیز به واسطه مسیح از دلگرمی فراوان لبریز می شویم. اگر در سختی هستیم، به خاطر دلگرمی و

نجات شماسست، و اگر دلگرمیم، باز برای دلگرمی شماسست، و این کارگر می‌افتد آنگاه که شما همان رنجها را که ما می‌کشیم با بردباری تحمل می‌کنید. ^۷ امید ما درباره شما استوار است، زیرا می‌دانیم همان‌گونه که در رنجهای ما سهیم هستید، در دلگرمی ما نیز سهیم خواهید بود.

۳:۱ "متبارک باد" کلمه "eulogy" بمعنی "مدح و ستایش" در زبان انگلیسی از این واژه یونانی برگرفته شده است. این واژه (در پیروی از نسخه Septuagint) همواره برای انسانهایی بکار برده می‌شود که خداوند را ستایش کرده و ثنا می‌گویند (لوقا ۱:۶۸). در مرقس ۱۴:۶۱ از نام خدا بصورت زائد استفاده شده است ("آن متبارک" - در نسخه فارسی "خدای متبارک"). پولس این واژه را برای پدر در رومیان ۱:۲۵؛ ۹:۵؛ دوم قرنتیان ۱:۳؛ ۱۱:۳۱ و افسسیان ۱:۳ بکار برده است.

□ "خدا" این دعا، دوم قرنتیان ۱:۳-۱۱، خداوند را به سه روش تعریف می‌کند:

۱. او پدر عیسی است
۲. او پدر همه‌ی رحمتها است
۳. او پدر همه‌ی آرامشها است

چارچوب نامه‌های مرسوم یونانی، شکلی از دعای شکرگذاری برای دریافت کنندگان نامه بود، اما در این نامه، دعای شکرگذاری در جهت خداوند بیان می‌گردد. یهوه بعنوان پدر یوشع (نام عبری عیسی)، فقط بواسطه مکاشفه شناخته می‌گردد. هیچ بحث فلسفی نتوانست درباره این الهیات مرتبط، مطرح گردد. باید مراقب "دلایل متقن" که با مبناى منطق بجای رجوع به متن مطرح می‌گردند، بود، اما در عین حال همین دلایل متقن به بسیاری از مردمی که از پذیرش کلام خدا بعنوان یک واقعیت امتناع می‌کردند، کمک کرد. به کتاب *The Logic of Belief* بقلم Elton Trueblood مراجعه نمایید.

□ "پدر رحمتها" سه واژه یونانی وجود دارد که به "رحمت" یا "شفقت" مرتبط هستند.

۱. *Eleos*، معمولاً اشاره به احساس ترحم یا شفقت دارد (دوم قرنتیان ۱:۴؛ رومیان ۹:۱۵، که نقل قولی از خروج ۳۳:۱۹ می‌باشد)
۲. *Splanchna*، که اشاره به مکان فیزیکی فرضی نسبت به ترحم یا شفقت در دل انسان دارد (فیلیپیان ۲:۱؛ کولسیان ۳:۱۲)
۳. *Oiktirmos*، احساس یا بیان حس ترحم یا شفقت در شرایط دیگر (دوم قرنتیان ۱:۳، ۴-۶؛ رومیان ۲:۱)

این واژه بیان کننده اعمال و احساسات خداوند در قبال بشریت رانده شده از بهشت می‌باشد. این همان امید بزرگ ما به رحم و مرحمت تغییرناپذیر خداوند است.

عهد جدید اغلب از واژه "پدر" برای تعریف از خداوند استفاده می‌کند:

۱. پدرِ رحمتها (دوم قرنتیان ۱:۳)
۲. پدرِ پُر جلال، افسسیان ۱:۱۷ (اعمال رسولان ۷:۲؛ اول قرنتیان ۸:۲)
۳. پدرِ همه (افسسیان ۴:۶)
۴. پدرِ روحها (عبرانیان ۹:۱۲؛ مکاشفه ۲۲:۶)
۵. پدرِ نور (یعقوب ۱:۱۷)
۶. و دوباره و دوباره در نوشته‌های پولس، "پدر خداوند ما عیسی مسیح"

۴:۱ - ۱۱ "آرامش" این واژه، *paraklēsis*، بصورت دیگری، ده بار در دوم قرنتیان ۱:۳-۱۱ بکار برده شده است. این یک واژه کلیدی در سرتاسر این بخش و همچنین در فصلهای ۱ تا ۹ که بیست و پنج بار بکار برده شده، می‌باشد. معنی این کلمه یونانی "کسی را به‌همراه دیگری فرا خواندن" است. این واژه اغلب در دادگاه‌ها و برای وکلای مدافعی که دفاعیات حقوقی را بمنظور تسلی و راهنمایی تنظیم می‌کردند، بکار برده می‌گردید.

در این متن بصورت تسلی و دلگرمی بکار برده شده است. واژه مرتبط دیگر، *paraklētos* برای روح‌القدس در یوحنا ۱۴:۱۶، ۲۶؛ ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۷ و برای عیسی در اول یوحنا ۲:۱ بکار رفته است. اما در این متن برای پدر استفاده شده است.

فعل *parakaleō* به حالات مختلفی بکار برده شده است.

۱. در نسخه Septuagint
- a. تشویق، تثنیه ۳:۲۸
- b. آرامش، پیدایش ۲۴:۶۷؛ ۳۷:۳۵؛ مزمور ۱۱۹:۵۰ (در حالت مسیحایی؛ اشعیا ۴۰:۱؛ ۴۹:۱۳؛ ۵۱:۳؛ ۶۱:۲)

c. شفقت، تشنیه ۳۲:۳۶؛ داوران ۲:۱۸؛ مزبور ۱۳۵:۱۴

d. تسلی دادن، اشعیا ۴:۳۵

e. رهانیدن، خروج ۱۵:۱۳

۲. در نامه‌های پولس به قرنتس

a. تشویق، اول قرنتیان ۱:۱۰؛ ۴:۱۶؛ ۱۴:۳۰-۳۱؛ ۱۵:۱۶؛ دوم قرنتیان ۲:۸؛ ۵:۲۰؛ ۶:۱؛ ۱۰:۱۰

b. آرامش، خوشنودی، دوم قرنتیان ۱:۴؛ ۶:۷؛ ۷:۲؛ ۷:۶؛ ۱۳:۷؛ ۱۳:۱۱

c. ترحم داشتن، تسلی دادن، اول قرنتیان ۴:۱۳

d. التماس، لابه، تمنا، اول قرنتیان ۱۶:۱۲؛ دوم قرنتیان ۹:۵؛ ۱۲:۱۸

۴:۱ "تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختیها می‌گذرند، دلگرم سازیم" در اینجا دو دلیل برای علت رنج مسیحیان ذکر شده است: (۱) چون دیگران را به آرامش می‌رسانند، دوم قرنتیان ۱:۴؛ و (۲) زیرا ما را از متکی به خود بودن دور نگه می‌دارد، دوم قرنتیان ۱:۹. ایمانداران در دنیای منحنی زندگی می‌کنند. اتفاقات بدی رخ می‌دهد؛ برخی به شرایط بستگی دارد و برخی به شیطان درون، اما خداوند از همه آنها (نه اینکه نازل کند، بلکه اجازه می‌دهد) برای رسیدن ما به بلوغ و بشارت کلام او استفاده می‌کند (رومیان ۲:۲۸-۲۹). به کتاب *The Goodness of God* نوشته John W. Wenham مراجعه نمایید.

واژه سختی، (*thlipsis*)، بلحاظ ریشه لغوی یعنی "فشردن و له کردن" (مثل فشردن انگور برای آبگیری و یا خرد کردن گندم برای تولید آرد)، اما در اینجا بصورت استعاره برای مقاصد فیزیکی (دوم قرنتیان ۱:۶) یا احساسی (دوم قرنتیان ۲:۴؛ ۱۱:۲۸) و آسیبهای روحی (دوم قرنتیان ۴:۸؛ ۷:۵) بکار برده شده است.

اجازه دهید در اینجا نظر شخصی خود را بصورت مختصر بیان کنم. بسیار دشوار است که بتوان در این کتاب بدانیم که پولس با بکار بردن ضمائر جمع "ما" و "برای ما" به چه چیزی اشاره می‌کند. اشارات آنها می‌تواند به (۱) خودش بنهایی؛ (۲) خودش و تیم مأموریتی او؛ (۳) خودش و دیگر رسولان؛ و یا (۴) همه ایمانداران باشد. تصمیمگیری با خود متن کتاب مقدس است که آنها در برخی مواقع بسیار گنگ و مبهم است.

موضوع خاص: رنج

Special Topic: Tribulation (*Thlipsis*)

به یک تمایز الهیاتی میان استفاده پولس از این اصطلاح و استفاده یوحنا وجود دارد:

A. استفاده پولس (که منعکس کننده استفاده عیسی است)

۱. مشکلات رنج و شر که در این دنیای گمراه وجود دارند

a. انجیل متی ۱۳:۲۱

b. رومیان ۵:۳

c. اول قرنتیان ۷:۲۸

d. دوم قرنتیان ۷:۴

e. افسسیان ۳:۱۳

۲. مشکلات رنج و شر که توسط بی ایمانان به وجود می‌آیند

a. رومیان ۵:۳، ۸:۳۵، ۱۲:۱۲

b. دوم قرنتیان ۱:۴ و ۸، ۶:۴، ۷:۴، ۸:۲ و ۱۳

c. افسسیان ۳:۱۳

d. فیلیپیان ۴:۱۴

e. اول تسالونیکیان ۱:۶

f. دوم تسالونیکیان ۱:۴

۳. مشکلات رنج و شر مربوط به پایان زمان

a. انجیل متی ۲۴:۲۱ و ۲۹

b. انجیل مرقس ۱۳: ۱۹ و ۲۴

c. دوم تسالونیکیان ۱: ۶ الی ۹

B. استفاده یوحنا

۱. یوحنا در مکاشفه تمایز خاصی را میان *thlipsis* و *orgē* یا *thumos* (خشم) به وجود می آورد. *thlipsis* چیزی است که کافران بر مؤمنان انجام می دهند و *orgē* و *thumos* کاری است که خدا بر غیر ایمانداران انجام می دهد.

a. *thlipsis* - مکاشفه ۱: ۹، ۲: ۹ الی ۱۰ و ۲۲، ۷: ۱۴

b. *orgē* - مکاشفه ۶: ۱۶ الی ۱۷، ۱۱: ۱۸، ۱۶: ۱۹، ۱۵: ۱۹

c. *thumos* - مکاشفه ۱۲: ۱۲، ۱۴: ۸ و ۱۰، ۱۹: ۱۵، ۱: ۱۶، ۷: ۱، ۱۸: ۳

۲. یوحنا همچنین از این اصطلاح در انجیل خود استفاده می کند تا مسائلی را که مؤمنان در هر سنی با آنها مواجه هستند، نشان دهد (انجیل یوحنا ۱۶: ۳۳).

۵:۱ "از رنجهای مسیح به فراوانی نصیب می یابیم" واژه یونانی *pathēma* در اینجا برای نشان دادن رنج مسیح (لوقا ۲۲: ۱۵) و در دوم قرنتیان ۱: ۶ و ۷ برای نشان دادن رنج ایمانداران بکار برده شده است. پولس برای رنجی که تیم بشارتی وی می کشیدند از واژه دیگری (*thlipsis*) در دوم قرنتیان ۱: ۴ استفاده کرده است.

پولس بارها از ایمانداران بعنوان همدردهای مسیح یاد کرده است (دوم قرنتیان ۴: ۱۰-۱۱؛ رومیان ۸: ۱۷؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛ کولسیان ۱: ۲۴). ما رنج و عذاب او را نیز در کنار مرگ و قیام او را با دیگران قسمت کرده و به اشتراک همگان می گذاریم. درباره مفهوم رنج در مسیحیت غالباً سخن گفته شده است (اعمال رسولان ۱۴: ۲۲؛ رومیان ۵: ۳-۴؛ ۸: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۱۷؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۰؛ کولسیان ۱: ۲۴؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۳-۴؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۳؛ یعقوب ۱: ۴-۱؛ اول پطرس ۲: ۱۹-۲۳؛ ۳: ۱۴؛ ۴: ۱۲-۱۹). این امر برای همه مسیحیان عادی تلقی می گردد. این موضوع بنظر مضمون دوم قرنتیان می باشد. رنج مسیح نیز فراوان بوده است! بله، ایمانداران در این دنیای رو به انحطاط بخاطر مسیحی بودنشان رنج خواهند کشید، اما خدای ما نیازهای ما را در راه مسیح برطرف خواهد نمود، هم فیزیکی، هم احساسی، و هم روحی. مرگ مسیح و قیام او فقط بخاطر بهشت نبود، بلکه برای امروز نیز بود!

□ "فراوان" شیوه ادبی نگارش پولس در دوم قرنتیان می تواند نشانگر کاربرد وی از کلمه "فراوانی و وفور" باشد.

۱. *Perissos*، بیش از حد (دوم قرنتیان ۷: ۲؛ ۹: ۱)

۲. *Perissoterōs*، بسیار دردمند (دوم قرنتیان ۷: ۴؛ ۱۳: ۷)

۳. *Perisseuō*، به فراوانی (دوم قرنتیان ۱: ۵؛ ۳: ۹؛ ۴: ۱۵؛ ۸: ۲؛ ۹: ۸)

۴. *Perisseuma*، بیش از حد (دوم قرنتیان ۸: ۱۳، ۱۴)

۵. *Perisseia*، توانفرسا (دوم قرنتیان ۸: ۲؛ ۱۰: ۱۵)

هنگامیکه به بحث کاری که خدا بواسطه مسیح برای ایمانداران انجام داده می رسیم، همیشه این لغت "وافر"، "گزار"، "بیش از حد" می باشد! به یادداشت دوم قرنتیان ۷: ۲ مراجعه نمایید.

۶:۱ "اگر...اگر" در اینجا دو جمله شرطی نوع اول بکار برده شده است. در این دنیا رو به انحطاط، رهبران مسیحی آزرده خواهند شد، اما این آزردهگی برای کسانی که شنونده ی آنان هستند، کمک و رستگاری به ارمغان خواهد آورد. این رنج علتی آسمانی دارد (دوم قرنتیان ۷: ۱).

□ "به خاطر دلگرمی و نجات شماست" بدلیل اینکه دلگرمی به نجات متصل شده، بنظر می رسد که این امر بدنبال شیوه نگارش آن در عهد عتیق، *SOS* بوده که بمعنی رستگاری دنیوی است (متی ۹: ۲۲؛ مرقس ۶: ۵۶؛ یعقوب ۵: ۲۰).

در ارتباط با دوم قرنتیان ۱: ۶-۷ تفاوتی در میان نسخه های خطی یونانی وجود دارد. بدیهی ترین دلیل اینست که کلمه "دلگرمی" (*paraklēseōs*) در دوم قرنتیان ۱: ۶ با یک واژه کاملاً مشابه در قسمت دوم همان آیه اشتباه گرفته شده، که مفهوم متن را معکوس کرده است. چنین سهل انگاری، لغات دیگری توسط کاتبان بمنظور قابل فهم بودن متن اضافه گردید.

□ "با بردباری تحمل می کنید" در نسخه Septuagint از این واژه در مفهوم امید یا انتظارات استفاده شده است (ارمیا ۱۴: ۸؛ ۱۷: ۱۳؛ ۵۰: ۷). در مکاتبات پولس از "فعال بودن، محکم بودن، و داوطلبانه بردبار بودن" سخن گفته می شود، که فقط حاصل رنجهای بیست که توسط انجیل بوجود می آیند:

باور شدن، زندگی کردن، اعلام گردیدن. در نوشته‌های پولس میان "امید" (دوم قرن‌تیاں ۷:۱) و "با بردباری تحمل کردن" یک پیوستگی وجود دارد (رومیان ۵-۳:۵؛ ۵-۲۵:۸؛ ۵-۴:۱۵؛ ۵-۱:۵ و اتسالونیکیان ۳:۱؛ ۱ تیموتائوس ۶:۱۱).

۷:۱ همچون عیسی، در حالیکه ایمانداران رنجهای خود را با دیگران قسمت می‌کنند، آرامش و آسایش خداوند را نیز برای دیگران فراهم می‌نمایند. درست همانگونه که عیسی انجام داد.

امیدی که پولس به آنان داشت چنین بود:

NASB	"بمحکمی بنا شده"
NKJV	"بسیار محکم"
NRSV	"لرزه‌ناپذیر"
TEV	"هرگز نکان نخورده"
NJB	"امن"

این مشابه واژه (*bebaios*) است که در اول قرن‌تیاں ۸:۱ و دوم قرن‌تیاں ۲۱:۱ بکار برده شده است.

موضوع خاص: ضمانت

(Special Topic: Guarantee)

ضمانت از واژه یونانی *bebaios* گرفته شده که به سه مورد دلالت می‌کند.

۱. چیزی که قطعی، مطمئن و قابل اطمینان است (رومیان ۴:۱۶؛ ۲ قرن‌تیاں ۷:۱؛ عبرانیان ۲:۲۰؛ ۳:۳؛ ۶:۱۴؛ ۶:۱۹؛ ۲ پترس ۱:۱۰، ۱۹)
۲. مرحله‌ای که قابل اتکا بودن چیزی نشان داده شده یا تایید شود (رومیان ۸:۱۵؛ عبرانیان ۲:۲؛ رجوع شود به کتاب *Greek-English Lexicon of the New Testament*، نوشته Louw and Nida چاپ اول صفحات ۳۴۰، ۳۷۷؛ ۶۷۰).
۳. در *papyri* این واژه تبدیل به یک واژه فنی برای ضمانت قانونی شده است (کتاب *The Vocabulary of the Greek New Testament*، نوشته Moulton and Milligan صفحات ۱۰۷ - ۱۰۸).

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تیاں ۸:۱-۱۱

ای برادران، نمی‌خواهیم از سختی‌هایی که در ایالت آسیا بر ما گذشت، بی‌خبر باشید. فشارهایی که بر ما آمد چنان سخت و فوق از طاقت ما بود که از زنده ماندن هم نومید گشتیم. ^۱ به‌واقع احساس می‌کردیم حکم مرگمان صادر شده است. اما اینها همه روی داد تا نه بر خود، بلکه بر خدایی توکل کنیم که مردگان را برمی‌خیزاند. ^۱ او ما را از چنین خطر مهلکی رها کنید و باز خواهد رها کنید. بر اوست که ما امید بسته‌ایم که همچنان ما را خواهد رها کنید، ^۱ بخصوص چون شما نیز با دعای خود یاری مان دهید. آنگاه بسیار کسان، برای فیضی که در جواب دعای بسیاری به ما بخشیده شده است، از جانب ما شکر خواهند گزارد.

۸:۱ "ای برادران، نمی‌خواهیم ... بی‌خبر باشید" پولس از این عبارت برای شروع مجموعه‌ای از اطلاعات جدید یا جمع‌بندی مکاتباتش استفاده کرده است (رومیان ۱:۱۳؛ ۱۱:۲۵؛ اول قرن‌تیاں ۱۰:۱؛ ۱۲:۱؛ دوم قرن‌تیاں ۸:۱؛ اتسالونیکیان ۴:۱۳).

□ "فشارهایی که بر ما آمد چنان سخت و فوق از طاقت ما بود" مشخص نیست که پولس با بیان چنین اظهاراتی به چه چیز اشاره می‌کند.

۱. بلوایی که توسط دیمیتریوس پیا گردید، اعمال رسولان ۱۹-۲۳-۴۱
۲. "نبرد با وحوش در افسس" در اول قرن‌تیاں ۱۵:۳۲
۳. یک زندانی، احتمالاً با مجازات مرگ (دوم قرن‌تیاں ۱:۹-۱۰)
۴. نوعی بیماری فیزیکی

هر چه بود، برای پولس تجربه مرگ و زندگی بود (دوم قرن‌تیاں ۸:۱-۱۰) و بدیهی است که بگوش کلیسای قرن‌تس رسیده بود زیرا نیازی نبود که پولس به آن اشاره‌ای کند. برای مطالعه بیشتر درباره *hyperbolē* به موضوع خاص: استفاده پولس از حالات ترکیبی *Huper* در اول قرن‌تیاں ۲:۱ مراجعه نمایید.

۹:۱: "به‌واقع احساس می‌کردیم حکم مرگمان صادر شده است" چنین بیانی بسیار عجیب است. اول، کلمه "حکم" در میان تمام نسخه‌های یونان باستان، فقط در اینجا نوشته شده، و "حکم مرگ" بعدها اضافه گردیده است (کتاب 6:10:14 از *Antiquities* از Josephus). این امر سبب گردید که وی و همراهانش خود را منظور کمک و همدردی، بطور کامل در اختیار خداوند قرار دهند.

فعل استفاده شده در این جمله، کامل اخباری است. برخی آن را بعنوان اشاره به بیماری خاصی که پولس و همراهانش به آن مبتلا شده و نتایج آن هنوز نیز ادامه داشت، می‌دیدند. با اینحال، این جمله را می‌توان بصورت یک جمله آتوریستی با فرم مشابه بکار برده شده در دوم قرنیتیان ۲:۱۳ نیز ترجمه کرد. تمام این عبارات اضافه شده جمله را کاملاً مبهم کرده که منجر به ترجمه‌های متفاوتی نیز گردیده است. با اینحال، مفهوم روحانی آن، رنج عیانی است که به ایمانداران کمک کرده تا در راه مسیح کاملاً به خداوند ایمان داشته باشند!

□ "تانه بر خود" در حالیکه دوم قرنیتیان ۱:۴ اولین علت رنج مسیحیان را اظهار می‌دارد، این آیه از دومین علت می‌گوید. مشابه همین واقعیت را می‌توان در "بدن پاره" پولس در دوم قرنیتیان ۱۲:۷-۹ مشاهده کرد. در عالم روحانی، ضعف انسان با ایمانی همراه است که قدرت خداوند را رها می‌کند.

□ "خدایی که مردگان را برمی‌خیزاند" پولس به کدامیک از این موارد فکر می‌کند:

۱. نمونه‌هایی در عهد عتیق که خداوند انسانهایی را به حیات فیزیکی باز گرداند (۱ پادشاهان ۱۷:۱۷-۲۲؛ ۲ پادشاهان ۴:۳۲-۳۷)
۲. اظهارات الهیاتی عهد عتیق (تثنیه ۳۲:۳۹؛ ۱ سموئیل ۲:۶؛ ۲ پادشاهان ۵:۷)
۳. محبت او پیرامون رستاخیز در اول قرنیتیان ۱۵

۱۰:۱: "بر اوست که ما امید بسته‌ایم" این ضمیر اشاره به خدای پدر دارد (دوم قرنیتیان ۱:۹؛ ۱ تیموتائوس ۴:۱۰). چه عنوان زیبایی برای خداوند بکار برده شده است. پولس سکه‌ای برای خداوند ضرب نموده که بسیار قدرتمند، شگفت‌انگیز و شامل جزئیاتی از ویژگیهای اوست (فهرست کامل آن را در دوم قرنیتیان ۱:۳ مطالعه نمایید):

۱. "پدر رحمتها" (دوم قرنیتیان ۱:۳)

۲. "خدای دلگرمیها" (دوم قرنیتیان ۱:۳)

۳. "او را که قادر است" (رومیان ۱۶:۲۵؛ افسسیان ۳:۲۰)

فعل بکار برده شده اخباری کامل است که سخن از کامل شدن عملی در گذشته با نتایجی پایدار، می‌گوید (۱ قرنیتیان ۱۵:۱۹؛ ۱ تیموتائوس ۵:۵؛ ۶:۱۷).

□ "رهانید" این واژه سه بار در دوم قرنیتیان ۱:۱۰ بکار برده شده است. این امر پیرو رهایی روحانی، احساسی، اجتماعی و فیزیکی می‌باشد. پولس بارها از این عبارت استفاده کرده است (رومیان ۷:۲۴؛ ۱۱:۲۶؛ ۱۵:۳۱؛ دوم قرنیتیان ۱:۱۰؛ کولسیان ۱:۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۱۰؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۲؛ ۲ تیموتائوس ۳:۱۱؛ ۴:۱۷-۱۸). وی بواقع باور کرده بود که قرار است در افسس از دنیا برود (دوم قرنیتیان ۱:۸-۱۰).

NASB "از چنین خطر مرگ مهلکی"

NKJV "از چنین مرگی"

NRSV "از چنین خطر مرگباری"

TEV "از چنین خطرات مهلک مرگباری"

NJB "از چنین مرگی"

میان عبارت مفرد "چنین خطر مرگباری" (G, F, D, C, B, A, 8, MSS) و جمع (MS P⁴⁶) و ترجمه Syriac، در کنار متون یونانی بکار برده شده توسط (Origen, Basil, Chrysostom, Theodoret, Jerome, Augustin) در نسخه‌های خطی یونانی تفاوتی وجود دارد. عبارت جمع (TEV) غیرعادی‌ترین و باستانی‌ترین مورد است. این عبارت جمع را می‌توان در فهرست مشکلاتی که پولس در داخل و در خارج با آن مواجه گردیده بود، مشاهده کرد (دوم قرنیتیان ۱۲-۴:۸؛ ۳:۶-۱۰؛ ۱۱:۲۳-۲۹). نسخه UBS⁴ به عبارت جمع رتبه "B" داده است (تقریباً مطمئن).

NASB "با دعای خود یاری مان دهید"

NKJV "با یاری به یکدیگر بوسیله دعا برای ما"

NRSV "برای یاری به ما بوسیله دعاها خود"

TEV "با دعاها خود برای ما، یاریمان دهید"

NJB "دعاها شما به ما کمک می‌کند تا این مسئله را حل کنیم"

مفسرین زیادی تصور می‌کنند که این ساختار دستوری (کتاب *The Expositor's Bible Commentary* نوشته Murray J. Harris، جلد ۱۰، صفحه ۳۲۲) به حالت شرطی بکار برده شده است (*The Anchor Bible* جلد ۳۲ الف، صفحه ۱۱۵). اگر ایمانداران دعا نکنند، بنوعی پادشاهی خدا تصمیم می‌گیرد که کاری صورت نپذیرد (یعقوب ۲:۴). این امر نشان‌دهنده فواید دعای عبادی می‌باشد (افسیسیان ۶:۱۸-۲۰). پولس حس کرده بود که دعاهای مسیحیان که به رحمت خدا وصل بود، او را از مرگ نجات داده و کماکان محافظ او بوده است. رستگاری پولس توسط خداوند را می‌توان بواسطه دعای بسیاری از کسانی که در بشارتهای پولس دعای خیر گرفته بودند، مشاهده کرد.

■ "کسان" دقیقاً بمعنی "صورت" است (*prosōpon*). پولس از این عبارت در دوم قرنتیان اغلب استفاده کرده است (دوم قرنتیان ۳:۱۰؛ ۷:۳ [دو بار]، ۱۳، ۱۸؛ ۴:۶؛ ۵:۱۲؛ ۸:۲۴؛ ۱۰:۱، ۷؛ ۱۱:۲۰). این عبارت می‌تواند کنایه‌ای در عهد عتیق به حالت فیزیکی استاندارد نیایش یهودیان که با سر برافراشته دعا می‌کردند، بوده باشد. دقیقاً آنچه که در این متن بدان اشاره می‌شود.

پولس در دوم قرنتیان در حالات مختلفی از این عبارت استفاده کرده است:

۱. برای اشخاص، دوم قرنتیان ۱:۱۱؛ ۲:۱۰؛ ۴:۶
۲. برای صورت یک فرد، دوم قرنتیان ۳:۷ (دو بار)، دوم قرنتیان ۱۳:۱۸؛ ۱۰:۱، ۷؛ ۱۱:۲۰
۳. استعاره برای زمان گذشته در حالت "روبرو" (وضعی، و نه زمانی)، دوم قرنتیان ۸:۲۴
۴. استعاره برای ظاهر بیرونی (NRSV)، دوم قرنتیان ۵:۱۲

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱-۱۲-۱۴

^{۱۲} فخر ما، گواهی وجدان ماست بدین که رفتارمان در دنیا و بخصوص نسبت به شما، با قدوسیت و صداقت خدایی همراه بوده است. ما نه با حکمت بشری، بلکه بنا بر فیض خدا عمل کرده‌ایم. ^{۱۳} زیرا آنچه به شما می‌نویسیم درست همان است که می‌خوانید و می‌فهمید. و من امید دارم ^{۱۴} همان‌گونه که ما را تا حدی شناخته‌اید، به کمال نیز بشناسید، و بدانید که می‌توانید به ما فخر کنید، چنانکه شما نیز در روز خداوند عیسی، مایهٔ فخر ما خواهید بود.

۱۲:۱ "فخر ما" این واژه‌های یونانی *kauchaomai*، *kauchēma* و *kauchēsis* حدود سی و پنج مرتبه توسط پولس و فقط دو بار در بقیه عهد جدید (بجز یعقوب) بکار برده شده‌اند. قطعیت کاربرد آنها در اول و دوم قرنتیان می‌باشد. در رابطه با فخر، دو حقیقت اصلی وجود دارد.

۱. هیچ بدنی در برابر خداوند نباید فخر فروخته و خود را جلال دهد (اول قرنتیان ۱:۲۹؛ افسسیان ۲:۹)
۲. ایمانداران بواسطه مسیح جلال یابند (اول قرنتیان ۱:۳۱؛ دوم قرنتیان ۱۰:۱۷؛ که اشاره‌ای است به ارمیا ۹:۲۳-۲۴) بنابراین، یک فخرفروشی/تجلیل مناسب و نامناسب وجود دارد (غرور)
۱. مناسب
 - a. با امید داشتن به جلال (رومیان ۴:۲)
 - b. در راه خدا و بواسطه عیسی مسیح (رومیان ۵:۱۱)
 - c. بر روی صلیب عیسی مسیح (موضوع اصلی پولس، اول قرنتیان ۱:۱۷-۱۸؛ غلاطیان ۶:۱۴)
 - d. پولس مفتخر است که کارهای زیر را انجام می‌دهد:
 - ۱) بشارت مسیح بدون انتظار پاداش (اول قرنتیان ۹:۱۵، ۱۶؛ دوم قرنتیان ۱۰:۱۲)
 - ۲) اختیاراتی که از مسیح دریافت کرده است (دوم قرنتیان ۱۰:۸، ۱۲)
 - ۳) نسبت به کار دیگران فخرفروشی کردن، (همچون برخی که در قرنتس بودند، دوم قرنتیان ۱۰:۱۵)
 - ۴) گذشته نژادی خود (نژادپرستی و فخر فروشی که دیگران در قرنتس می‌کردند، دوم قرنتیان ۱۱:۱۷؛ ۱۲:۱، ۵، ۶)
 - ۵) کلیسای او
 - a) قرنتس (دوم قرنتیان ۷:۴، ۱۴؛ ۸:۲۴؛ ۹:۲؛ ۱۱:۱۰)
 - b) تسالونیک (۲ تسالونیکیان ۱:۴)
۲. نامناسب
 - a. در ارتباط با ماترک یهودی خود (رومیان ۲:۱۷، ۲۳؛ ۳:۲۷؛ غلاطیان ۶:۱۳)

b. برخی که در قرن‌تس فخرفروشی می‌کردند

(۱) به انسانها (اول قرن‌تیان ۳:۲۱)

(۲) به حکمت خود (اول قرن‌تیان ۴:۷)

(۳) به آزادیهای خود (اول قرن‌تیان ۵:۶)

c. معلمان دروغینی که در کلیسای قرن‌تس سعی در فخرفروشی داشتند (دوم قرن‌تیان ۱۱:۱۲)

■ **«گواهی وجدان ما»** پولس در نامه‌های قرن‌تیان اغلب از واژه «وجدان» استفاده کرده است (اول قرن‌تیان ۴:۴؛ ۷:۸، ۱۹، ۱۲؛ ۱۰:۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹؛ دوم قرن‌تیان ۱:۱۲؛ ۲:۴؛ ۵:۱۱). این واژه اشاره به حس درونی نسبت روابط اخلاقی مناسب و نامناسب دارد (اعمال ۲۳:۱؛ رومیان ۲:۱۵). وجدان می‌تواند تحت تأثیر زندگی گذشته ما، انتخابهای ضعیف و یا روح خدا قرار گیرد. وجدان یک راهنمای بی‌عیب و نقص نیست (اول قرن‌تیان ۴:۴؛ ۷:۸؛ ۱ تیموتائوس ۴:۲)، اما تصمیم‌گیرنده مرزهای ایمان فردی است (۱ تیموتائوس ۱:۵، ۱۹). لذا، زیرپا گذاردن وجدان، حتی اگر دچار خطا یا ضعف شده باشد، مشکلی اساسی برای ایمان خواهد بود.

وجدان ایمانداران نیازمند شکل‌گیری بیشتر و بیشتر کلام خدا و روح خدا می‌باشد (۱ تیموتائوس ۳:۹). این خداوند خواهد بود که در زیر نوری که ایمانداران قرار گرفته‌اند، آنها را داوری می‌کند، اما همه ایمانداران بشدت نیاز دارند که در برابر انجیل و روح و بمنظور دریافت نور بیشتر و تداوم رشد در دانش عیسی مسیح کاملاً با آغوش باز عمل نمایند. در این متن، داوری نهایی مورد بحث قرار گرفته است (دوم قرن‌تیان ۱۳:۱-۱۴). خداوند انسانها را در نور درک و وجدان آنها مورد داوری قرار خواهد داد (رومیان ۲:۱۵-۱۶؛ ۹:۱؛ ۵:۱۳).

انگیزه‌ها و کارهای پولس بشدت مورد انتقاد اقلیتی از معلمان دروغین در قرن‌تس قرار گرفته بود (فصلهای ۱۰-۱۳). بنظر می‌رسد که دو گروه در آنجا بودند: (۱) گروه محلی از مخالفان و (۲) گروهی از معلمان دروغین فلسطینی یهودی رهگذر.

■ **«قدوسیت»** در برخی از نسخه‌های خطی یونانی واژه «قدوسیت» نوشته شده است (P⁴⁶، A، B، C، K، P، NJB، NIV، NASB، Coptic). سایر ترجمه‌ها از واژه «بی‌آلایشی» استفاده کرده‌اند (D، F، G و نسخه‌های TEV، NRSV، NKJV، Peshitta، Vulgate). Bruce Metzger در کتاب A Commentary on the Greek New Testament می‌نویسد که کمیته ترجمه برای نسخه UBS³ واژه «بی‌آلایشی» را ترجیح داده (haplotēti)، اما به آن رتبه D بمعنی دارای درجه زیاد از تردید، داده است (صفحه ۵۷۵). با اینحال، نسخه UBS⁴ به آن رتبه B داده که بمعنی اطمینان تقریبی است (صفحه ۶۱۲). این افزایش اطمینان از این حقیقت نشأت می‌گیرد که پولس از واژه «بی‌آلایشی» در دوم قرن‌تیان ۱۱:۳ استفاده کرده (و ترجمه مشابه «بخشندگی و سخاوت» در دوم قرن‌تیان ۸:۲؛ ۹:۱۱، ۱۳)، اما هرگز در هیچکدام از نوشته‌هایش واژه *hagiotēti* را بکار نرفته است.

■ **«صداقت»** این واژه دارای دو مفهوم «سخاوتمند» یا «صادق» است. از این واژه در ارتباط با رویا بصورت استعاره استفاده شده بود. در عهد عتیق، چشم بصورت استعاره برای انگیزه به دو روش بکار رفته بود: (۱) چشم شیطانی (لئیم، BDB 949، تثنیه ۱۵:۹-۱۰ و ۲) چشم نیکویی (سخاوتمندانه، BDB 373 III، امثال ۲۲:۹). عیسی از همین نوع کاربرد پیروی کرد (متی ۲۳:۲۳-۲۴؛ ۲۰:۱۵). پولس نیز از این واژه در دو حالت استفاده کرد. ۱. «بی‌آلایشی، صداقت، پاکی» (بدون بحث پنهانی یا تظاهر دروغین، دوم قرن‌تیان ۱:۱۲؛ ۱۱:۳؛ افسسیان ۶:۵؛ کولسیان ۳:۲۲). ۲. «بخشندگی» (رومیان ۱۲:۸؛ دوم قرن‌تیان ۸:۱؛ ۹:۱۱، ۱۳).

■ **«حکمت بشری»** پولس از حکمت دنیوی به کرات در اول قرن‌تیان بحث کرده است (اول قرن‌تیان ۱:۱۸-۳؛ ۱:۱۶؛ ۳:۱۸-۲۳) و بصورت ریشخند در دوم قرن‌تیان ۱:۱۷؛ ۲:۴؛ ۱۳-۱۴). در این پاراگراف او بر روی حکمت دنیوی در برابر زندگی پر از رحمت در دنیا کار کرده است. شاهد پولس از رهبری او فقط بر پایه منطق نیست، بلکه زندگی الهی و وجدان پاک در برابر خداوند است. پولس مدعی نگارش همه اینها با واژگانی قابل درک و روشن است. اگر آنان تا این حد عاقل باشند پس باید بسرعت کلام او، انگیزه‌های او و سبک زندگی او را درک نموده باشند، اما در واقع چنین نبود. پولس از واژه «بشر» به شیوه‌های گوناگونی استفاده کرده است. به موضوع خاص در اول قرن‌تیان ۱:۲۶ مراجعه نمایید.

۱۳:۱-۱۴ این آیات دارای ساختار موازی بوده و ظاهراً اشاره به نامه‌های پیشین پولس دارند (مشخص نیست کدام یک). وی مکاتبه می‌کرد تا درک شود. با اینحال، رفتار و شیوه زندگی آنان نشان می‌داد که فقط بخشی را درک کرده بودند.

آیا واژه *telous* در این متن بمعنی «تکمیل» (TEV، NJB، NIV) یا «پایان» (NASB، NKJV، NRSV) است؟ هر دوی این معانی منطقی بنظر می‌رسند. اگر «تکمیل» درست باشد (کاملاً در تضاد با «بخشی») بنابراین با قسمت اول آیه دوم قرن‌تیان ۱:۱۴ مرتبط می‌گردد. اگر «پایان» درست باشد، بنابراین بموازات عبارت «روز خداوند ما عیسی» در پایان دوم قرن‌تیان ۱:۱۴ تلقی می‌گردد.

□ "به ما فخر کنید، چنانکه شما نیز مایه فخر ما خواهید بود" کلیسای قرن‌تس مؤید تأثیر جنبه رسولی پولس است. پولس مایل بود که در هنگامی که عیسی برای داوری باز می‌گردد، کلام، انگیزه‌ها و کردار آنان سرمنشأ غرور و فخر فروشی معقول باشد ("روز خداوند ما عیسی"، اول قرن‌تس ۱:۸؛ ۵:۵؛ فیلیپیان ۱:۶، ۱۰؛ ۲:۱۶؛ ۲:۵؛ ۲:۲۰؛ ۲:۲۰).
 □ "روز خداوند عیسی" عبارت "روز" در عهد عتیق یک اصطلاح می‌باشد. به یادداشتی از تفسیر من بر عاموس ۲:۱۶ مراجعه نمایید.

موضوع خاص: آن روز

(Special Topic: That Day)

این عبارت، "در آن روز" یا "تو آن روز"، شیوه بیان پیامبران قرن هشتم برای سخن گفتن از دیدار خدا (حضور)، هم برای داوری و هم برای رستاخیز بود.

یوشع	عاموس	میکاه	یوشع
مثبت	مثبت	مثبت	مثبت
منفی	منفی	منفی	منفی
۱:۱۱	۱:۵	۲:۴	۲:۴
	۲:۳	۳:۶	۳:۶
۲:۱۵		۴:۶	۴:۶
۲:۱۶	۴:۵	۵:۱۸ (۲)	۵:۱۰
۲:۱۸	۵:۹	۵:۲۰	۷:۴
۲:۲۱	۶:۲	۷:۱۱ (۲)	
	۷:۵	۷:۱۲	
	۹:۵	۸:۳	
	۹:۱۱	۸:۹ (۲)	
	۱۰:۱۴	۸:۱۰	
		۸:۱۳	

این الگو برای پیامبران متداول بود. خدا به موقع بر علیه گناه اقدام می‌کند، ولی همچنین یک روزی را برای کسانی که مایلند دل و اعمال خود را تغییر دهند (دل جدید، فکر جدید و یک روح جدید دریافت کنند، مراجعه کنید به حزقیال ۲۲:۲۶ الی ۲۷) برای توبه و بخشش پیشنهاد می‌کند! هدف خدا از توبه و رستاخیز کامل خواهد شد! او مردمانی را خواهد داشت که منعکس کننده شخصیت او خواهند بود. هدف خلقت (رفاقت میان و انسان) تحقق خواهد یافت.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تس ۱:۱۵-۲۲

^{۱۵} با این اطمینان، بر آن شدم نخست به دیدار شما بیایم تا دو بار برکت بیابید. ^{۱۶} عزم من آن بود که بر سر راهم به مقدونیه از شما دیدار کنم و از مقدونیه دوباره نزدتان بازگردم تا مرا راهی سفر به یهودیه کنید. ^{۱۷} آیا هنگامی که چنین تصمیمی می‌گرفتم، دودل بودم؟ و یا اینکه چون انسانهای معمولی تصمیم می‌گیرم، به گونه‌ای که سخنم همزمان 'آری' و 'نه' است؟
^{۱۸} به امانت خدا قسم که سخن ما با شما 'آری' و 'نه' نبوده است. ^{۱۹} زیرا پسر خدا، عیسی مسیح، که من و سیلاس و تیموتائوس به او در میان شما موعظه کردیم، 'آری' و 'نه' نبود، بلکه در او همیشه 'آری' است. ^{۲۰} زیرا همه وعده‌های خدا در مسیح 'آری' است و به همین جهت در اوست که ما 'آمین' را بر زبان می‌آوریم، تا خدا جلال یابد. ^{۲۱} اما خداست که ما را با شما در پیوندمان با مسیح استوار می‌سازد. او ما را مسح کرده ^{۲۲} و مهر مالکیت خویش را بر ما زده و روح خود را همچون بیعانه در دل‌های ما جای داده است.

□ ۱۵:۱ "با اطمینان" به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تس ۳:۴ مراجعه نمایید.

□ "بر آن شدم نخست به دیدار شما بیایم" عبارت "بر آن شدم" یک بلحاظ دستوری ناقص بوده که حکایت از تکرار عملی، در اینجا تفکراتی، در زمان گذشته دارد. در اول قرن‌تس ۱۶:۲-۸ پولس آنان را از برنامه سفر خود آگاه ساخت. او بعداً بدلیل کارهای آنان، تغییر نظر داد زیرا نمی‌خواست که مورد قضاوت قرار گیرد! جماعت اقلیتی او را نه فقط درباره سفرش، بلکه حتی نسبت انجیل او، متهم به ناتوانی و عدم ثبات کرده بودند (دوم قرن‌تس ۲۰-۱۸:۱).
 □

NASB	"تا دو بار برکت بیابید"
NKJV	"که شاید بهره دومی نیز دریافت کنید"
NRSV	"تا که شاید دو منفعت بدست آورید"
TEV	"تا بلکه دو بار برکت بیابید"
NJB	"تا که منفعتی دو برابر نسیبتان شود"

در نسخه خطی یونانی یک تفاوت وجود دارد. برخی نسخه‌های خطی از لغت *charin* استفاده کرده‌اند که از *Charis* بمعنی منفعت یا لطف گرفته شده است (A, C, D, F, G, * و ترجمه‌های سوری و ارمنی).

دیگر نسخه‌های خطی از لغت *Charan* استفاده کرده‌اند که از *Chara* بمعنی شادی و خوشنودی است (B, *، L، P). نسخه یونانی UBS⁴ به لغت *Charin* رتبه B (تقریباً قابل اطمینان) داده است. در متن (دوم قرنیتیان ۱:۱۶) اشاره به دوبار مراجعت پولس به قرنتس به‌مراه آنان و داشتن فرصت برآورده نمودن نیازهایشان در طول سفر دارد (کتاب *To What End Exegesis* نوشته Gordon D. Fee، صفحه ۹۹-۱۰۴).

۱۶:۱ "تا مرا راهی سفر به یهودیه کنید" پولس درحالیکه به خدمت کلیسای قرنتیان مشغول بود، هرگز از آنان وجهی دریافت نکرد. او نگران بود که بر سر این موضوع مورد حمله واقع گردد. درحالیکه بدلیل عدم دریافت پول از آنان مورد هجمه واقع گردیده بود.

این عبارات می‌گویند که او قصد داشت به این کلیسا اجازه دهد که نیازهای سفر وی را برآورده نمایند (اول قرنیتیان ۱۶:۶؛ رومیان ۱۵:۲۴). این می‌توانست راهی برای امتحان میزان وفاداری آنان نسبت به او و انجیل و همچنین خاموش کردن صدای مخالفانش تلقی گردد.

۱۷:۱ "چون انسانهای معمولی تصمیم می‌گیرم" این عبارت یا منعکس کننده متقدین پولس بوده (دوم قرنیتیان ۱۰:۲-۳؛ ۱۱:۱۸) یا پولس بدنبال خواست خدا در هر آنچه که انجام می‌داد، از جمله سفر (اول قرنیتیان ۴:۱۹؛ ۱۶:۷؛ اعمال رسولان ۱۸:۲۱؛ رومیان ۱:۱۰؛ ۱۵:۳۲).

بهتر بودن گزینه دوم را در متن می‌توان از دوم قرنیتیان ۱:۱۸ مشاهده کرد. وفاداری خداوند مضمون تکراری در نوشته‌های پولس می‌باشد (اول قرنیتیان ۹:۱۰؛ ۱۳:۱۰؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۲۴؛ دوم تسالونیکیان ۳:۳).

برای مطالعه بیشتر درباره "انسان" به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۲۶:۱ مراجعه نمایید.

۱۸:۱ "امانت خداوند" کلمه امانت بمنظور تأکید در ابتدای جمله قرار گرفته است. در نوشته‌های پولس این موضوع تبدیل به جزئیاتی در لقب خداوند گردیده است (اول قرنیتیان ۱:۹؛ ۱۰:۱۳؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۲۴؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۳). ایمان در عهد عتیق معمولاً در مفهوم امانت درک می‌گردد. این امر برای شخصیت و ذات خداوند حیاتی می‌باشد (تثنیه ۷:۹؛ اشعیا ۴۹:۷). رحمت و وفاداری او تغییرناپذیر است (ملاکی ۳:۶). امید بشریت در کارکرد یا از خود گذشتگی او خلاصه نمی‌گردد، بلکه در ذات و وعده‌های خداوند می‌باشد (دوم قرنیتیان ۱:۱۲، ۱۵، ۲۰)!

۱۹:۱ "پسر خدا، عیسی مسیح" پولس زیاد از عبارت "پسر خدا" استفاده نمی‌کند (رومیان ۱:۴؛ در همین آیه و غلاطیان ۲:۲۰). با اینحال، مفهوم ارتباط عبارت در میان نوشته‌های او بسیار رایج است. به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۹:۱ مراجعه شود.

□ "سیلاس" سیلاس یا سیلوانوس فردی بود که پولس برای سفر دوم بشارتی خود پس از اینکه برنابا و یوحنا مرقس به قبرس بازگشتند، انتخاب کرد.

۱. او اولین بار در اعمال رسولان ۱۵:۲۲ مورد اشاره واقع گردید. در آنجا او ریسس در میان برادران کلیسای اورشلیم نامیده شد.
۲. او نیز یک رسول بود (اعمال رسولان ۱۵:۳۲)
۳. او نیز همچون پولس شهروند روم بود (اعمال رسولان ۱۶:۳۷).
۴. او و یهودا برنابا توسط کلیسای اورشلیم به آنطاکیه فرستاده شدند تا وضعیتی را مورد بازرسی قرار دهند (اعمال رسولان ۱۵:۲۲، ۳۰-۳۵)
۵. پولس در دوم قرنیتیان ۱:۱۹ از او بعنوان واعظ انجیل یاد کرده است.
۶. او سپس در نوشتن کتاب اول پطرس به پطرس کمک کرد (۱ پطرس ۵:۱۲)
۷. هم پولس و هم پطرس او را سیلوانوس می‌نامیدند درحالیکه لوقا وی را سیلاس می‌نامید (حالت شائول در زبان آرامی). این امکان وجود دارد که سیلاس نام یهودی وی و سیلوانوس نام لاتین وی بوده باشد (کتاب *Paul: Apostle of the Heart Set Free* نوشته F. F. Bruce، صفحه ۲۱۳).

۱۹:۱ - ۲۰ "زیرا همه وعده‌های خدا در مسیح آری است" آیه ۱۹ و ۲۰ بلحاظ الهیاتی یک مجموعه هستند! پولس تصریح می‌کند که گروه بشارتی وی (خودش، سیلاس و تیموتائوس) عیسی را بعنوان تکمیل کننده وعده خدا، پسر خدا و تنها امید بشریت و مکاشفه عهد عتیق وعظ کرده بودند! موعظه آنان

سرسری نبوده بلکه کاملاً دقیق بوده است (دوم قرن‌تین ۱:۱۸). عیسی پاسخ مثبت پدر برای هر وعده‌ای، هر نیازی، و هر امیدی است (حالت کامل اخباری از فعل *ginomai*). با تأیید عیسی، آنان پیشگویی پدر را جلال می‌دهند.

همه دانش کلیساهای قرن‌تس از (۱ خدا، ۲ پسرش، ۳ وعده‌هایش (رومیان ۹:۴) و ۴) برکات سخاوتمندانه‌اش بواسطه گروه بشارتی پولس فراهم گردیده بود. اگر آنان به انگیزه‌ها و پیام پولس شک می‌کردند، اعتماد به انجیل را نیز از دست می‌دادند!

۲۰:۱ "آمین" به یادداشت کاملتر در اول قرن‌تین ۱۶:۱۴ مراجعه نمایید.

□ "جلال" به موضوع خاص: جلال (*DOXA*) در اول قرن‌تین ۷:۲ مراجعه نمایید.

۲۱:۱-۲۲ ساختار دقیقی از این دو آیه وجود دارد که تشریح می‌کند خداوند ("همانکه") برای تجهیز و تأیید این گروه بشارتی چه انجام داده است.

۱. خداوند ما را استوار نموده است، دوم قرن‌تین ۱:۲۱ (اول قرن‌تین ۸:۱). این وجه وصفی معلوم اس که بسوی تداوم عملی اشاره می‌کند. این عبارت به معنای تأیید، استوار نمودن، تثبیت کردن می‌باشد (دوم قرن‌تین ۷:۱؛ رومیان ۴:۱۶). این واژدر نسخه پاپیروس بصورت یک ضمانت‌نامه حقوقی استفاده شده است (Moulton and Milligan صفحه ۱۰۷).

۲. خداوند ما را مسح (تدهین) کرده است، دوم قرن‌تین ۱:۲۱ (۱ یوحنا ۲:۲۰، ۲۷). این یک وجه وصفی کامل آئوریستی می‌باشد. زمان جمله اشاره به عملی پایان یافته و تمام شده دارد. واژه بخودی خود بازتاب دهنده مفهوم انتخاب خدا در عهد عتیق و تجهیز برای بشارت رهبران خاصی از قوم بنی اسرائیل می‌باشد

a. انبیا، پادشاهان ۱۹:۱۶ و احتمالاً بموازات ۱ تواریخ ۱۶:۲۲؛ مزمور ۱۰۵:۱۵

b. کاهنان، خروج ۴۰:۱۵؛ لاویان ۴:۳؛ مزمور ۱۰۵:۱۵

c. پادشاهان، ۱ سموئیل ۹:۱۶؛ مزمور ۲:۱۸؛ ۵۰:۲۰؛ حبقوق ۳:۱۳

این همان واژه‌ایست که در زبان یونانی "مسیح" ترجمه شده، آنهم در زمانی که به Messiah اشاره می‌شود (آن تدهین شده). ایمانداران نیز توسط خداوند برای خدمت به پادشاهی او انتخاب و تدهین می‌شوند.

۳. خدا ما را مهر و موم کرده است، دوم قرن‌تین ۱:۲۲ (یوحنا ۳:۳۳؛ ۶:۲۷؛ رومیان ۴:۱۱؛ ۱۵:۲۸؛ اول قرن‌تین ۹:۲؛ افسسیان ۱:۱۳؛ ۴:۳۰؛ ۲ تیموتائوس ۲:۱۹؛ مکاشفه ۷:۳-۸). این یک وجه وصفی میانی در دستور زبان آئوریستی بوده که بمعنی علامتگذاری چیزی یا کسی بعنوان تملک یا اصالت آن فرد یا شیء و یا سالم دریافت کردن چیزی می‌باشد. ایمانداران به خدا تعلق دارند!

۴. خداوند روح را بصورت یک بیعانه در اختیار ما قرار داده است، دوم قرن‌تین ۱:۲۲ (دوم قرن‌تین ۵:۵؛ رومیان ۸:۹-۱۶، ۲۳، ۲۶-۲۷؛ افسسیان ۱:۱۳-۱۴).

عبارت "داده است" یک وجه وصفی کامل دیگر در دستور زبان آئوریستی بوده که سخن از کامل شدن عملی می‌گوید. خداوند همه چیز را برای فرزندانش بطور کامل مهیا کرده است.

۱. می‌سازد (زمان حال)

۲. مسح کرد (زمان آئوریستی)

۳. مهر زده (زمان آئوریستی)

۴. روح بخشیده (زمان آئوریستی)

همه این تدارکات ارتباط به وجدان پولس در دوم قرن‌تین ۱:۱۵، ۱۹-۲۰ دارد. وجدان پولس در وجدان پدر، پسر و روح‌القدس و کارهای آنان نهفته بود.

□ "مسیح...خدا...روح" توجه داشته باشید که تثلیث بخاطر تضمین، فعالانه کار می‌کند (به موضوع خاص زیر توجه نمایید. با وجود اینکه واژه "تثلیث" در انجیل دیده نمی‌شود، اما مضمون آن تکرار می‌گردد (اول قرن‌تین ۱۲:۴-۶؛ دوم قرن‌تین ۱۳:۱۴). مسیحیت یک ایمان تک‌خدایی است (تثنیه ۶:۴). با اینحال، اگر مسیح از آسمان باشد و روح‌القدس یک فرد، ما سه نفر را داریم که در یک ماهیت آسمانی قرار گرفته‌اند. یک وحدانیت سه‌گانه! به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۲:۱۰ مراجعه نمایید.

موضوع خاص: تضمین

(SPECIAL TOPIC: ASSURANCE)

A. آیا مسیحیان می‌دانند که نجات یافته‌اند (۱ یوحنا ۵: ۱۳)؟ ۱ یوحنا سه آزمایش و شاهد در این مورد دارد.

۱. دکنترین (باور، ۱ یوحنا ۱: ۵، ۱۰؛ ۲-۱۸: ۲۵؛ ۴-۱۰: ۶، ۱۴-۱۶؛ ۵: ۱۱-۱۲)

۲. سبک زندگی (تعبد، ۱ یوحنا ۲: ۲-۳؛ ۳-۲: ۶؛ ۳-۱۰: ۵؛ ۱۸)

۳. جامعه (محبت، ۱ یوحنا ۱: ۳-۲؛ ۲-۱۱: ۷؛ ۳: ۱۱-۷؛ ۳: ۱۱-۱۱؛ ۴: ۷-۱۲، ۱۶-۲۱)

B. تضمین تبدیل به یک موضوع مذهبی شده است

۱. تضمین John Calvin بر اساس خواست خدا. او می‌گوید که ما هرگز نمی‌توانیم در این زندگی نسبت به چیزی مطمئن باشیم.

۲. مبنای تضمین John Wesley بر اساس تجربه دینی. او باور داشت که ما توانایی زندگی در ورای گناهان شناخته شده را داریم.

۳. مبنای تضمین کاتولیک‌های رومی و کلیسای مسیح بر اساس کلیسای دارای اختیار است. گروهی که هر یک به آن تعلق دارند، کلید آن ضمانت است.

۴. مبنای تضمین اکثر کلیساهای تشریحی بر اساس وعده‌های انجیل است که به حاصل کار روح در زندگی ایمانداران و صل می‌باشد

(غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳) (زندگی شبیه به مسیح).

C. تضمین اولیه ایمانداران مرتبط است به ذات تثلیث خداوند

۱. خداوند، پدر محبت

a. یوحنا ۳: ۱۶؛ ۱۰: ۲۸-۲۹

b. رومیان ۸: ۳۱-۳۹

c. افسسیان ۲: ۵، ۸-۹

d. فیلیپیان ۱: ۶

e. ۱ پطرس ۳: ۵

f. ۱ یوحنا ۴: ۷-۲۱

۲. کارهای پسر خدا

a. مرگ بخاطر ما

(۱ اعمال رسولان ۲: ۲۳)

(۲ رومیان ۵: ۶-۱۱)

(۳ دوم قرنتیان ۵: ۲۱)

(۴ ۱ یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۹-۱۰)

b. دعای کاهن اعظم (یوحنا ۱۷: ۱۲)

c. تداوم شفاعت

(۱ رومیان ۸: ۳۴)

(۲ عبرانیان ۷: ۲۵)

(۳ ۱ یوحنا ۲: ۱)

۳. خدا، روح بشارت

a. فراخوان (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵)

b. مهر

(۱ دوم قرنتیان ۱: ۲۲؛ ۵: ۵)

(۲ افسسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ ۳: ۴)

c. خاطر جمعی

(۱ رومیان ۸: ۱۶-۱۷)

(۲ ۱ یوحنا ۵: ۷-۱۳)

D. اما بشر باید به آنچه که خداوند بواسطه پیمان‌ش عطا کرده، پاسخ مناسب دهد (هم با شروع و هم تداوم آن)

۱. ایمانداران باید از گناه روی گردانند (توبه) و بواسطه عیسی بسوی خدا روند (ایمان)

a. مرقس ۱:۱۵

b. اعمال رسولان ۳:۱۶، ۱۹:۲۰؛ ۲۱:۲۰

۲. ایمانداران باید بواسطه مسیح پیشنهاد خدا را بپذیرند (به موضوع خاص: معنی "دریافت"، "باور"، "اعتراف"، "فراخوان" مراجعه نمایید)

a. یوحنا ۱:۱۲؛ ۳:۱۶

b. رومیان ۵:۱ (و بوسیله قیاس، ۱۰:۹-۱۳)

c. افسسیان ۲:۵، ۸-۹

۳. ایمانداران باید به ایمان خود ادامه دهند (به موضوع خاص: استقامت مراجعه نمایید)

a. مرقس ۱۳:۱۳

b. اول قرنتیان ۱۵:۲

c. غلاطیان ۶:۹

d. عبرانیان ۳:۱۴

e. ۲ پطرس ۱:۱۰

f. یهودا ۲۰-۲۱

g. مکاشفه ۲:۲-۳، ۷، ۱۰، ۱۷، ۱۹، ۲۵-۲۶؛ ۳:۵، ۱۰، ۱۱، ۲۱

E. تضمین دشوار است، زیرا:

۱. اغلب ایمانداران بدنال تجربیات خاصی در انجیل هستند و نه وعده‌های آن

۲. اغلب ایمانداران انجیل را کامل درک نمی‌کنند

۳. اغلب ایمانداران به گناه خود خواسته ادامه می‌دهند (اول قرنتیان ۳:۱۰-۱۵؛ ۹:۲۷؛ تیموتائوس ۱:۱۹-۲۰؛ تیموتائوس ۴:۱۰؛ ۲ پطرس ۱:۸-۱۱)

۴. انواع خاصی از شخصیتها (کمال‌گرایان) هرگز نمی‌توانند محبت و پذیرش بی‌قید و شرط خداوند را درک کرده و بپذیرند.

۵. در انجیل نمونه‌هایی از حرفه‌های دروغین وجود دارد (متی ۱۳:۳-۲۳؛ ۷:۲۱-۲۳؛ مرقس ۴:۱۴-۲۰؛ ۲ پطرس ۲:۱۹-۲۰؛ ۱ یوحنا ۲:۱۸-۱۹؛ به موضوع خاص: ارتداد مراجعه نمایید).

به موضوع خاص: تضمین مسیحیت برای دیدگاه متفاوتی نسبت به این دکترین مراجعه نمایید.

۱:۲۲ "مهر مالکیت خویش را بر ما زده" به موضوع خاص: مهر در اول قرنتیان ۹:۲ مراجعه نمایید.

▣ "دل‌های ما" به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱۴:۲۵ مراجعه نمایید.

▣ "همچون بیعانه" این عبارت هم سخن از وعده پرداخت کامل در زمان آینده و هم بخشی را در زمان فعلی می‌دهد. آنچه که خداوند پرداخت کرد، زندگی پسرش و حضور کامل روح خود بود (افسسیان ۱:۳-۱۴). به یادداشت کامل در دوم قرنتیان ۵:۵ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱:۲۳-۲۴

۲۳ خدا را شاهد می‌گیرم که تنها به خاطر شفقت بر شما بود که به قُرْنُتُس بازنگشتم. ^{۲۴}نه اینکه بر ایمان شما سروری کنیم، بلکه با شما، برای شادمانی شما می‌کوشیم، چرا که در ایمان استوارید.

۲۳:۱

NASB "خدا را به روح خود شاهد می‌گیرم"

NKJV "علاوه بر این خدا را بعنوان شاهدهی در برابر روحم فرا می‌خوانم"

NRSV "اما خدا را بعنوان شاهدهی فرا می‌خوانم"

TEV "خدا را گواه می‌گیرم- زیرا که از قبلم آگاه است"

این یک قسم به صداقت است. پولس اغلب از قسم برای تأیید کلام خود بهره برده است (دوم قرنتیان ۱۱:۱۱، ۳۱؛ رومیان ۹:۱؛ غلاطیان ۱:۲۰؛ فیلیپیان ۸:۱؛ تسالونیکیان ۲:۵).

■ "شفقت بر شما" تغییر برنامه‌های سفر پولس نشان‌دهنده زلزله وی نبود، بلکه محبت وی را نشان می‌دهد. او تصمیم گرفته بود به محیطی باز نگردد که تنها در آنصورت تنها گزینه پیش روی وی، داوری و جدل بود. معلمان دروغین انگیزه‌ها و اعمال او را مورد اعتراض قرار داده بودند. پولس همه چیز را مرتب نمود.

■ "به قرنتس بازنگشتم" مباحثه‌های زیادی درباره تعداد دفعات بازدید پولس از افسس به قرنتس و تعداد نامه‌هایی که به کلیسای قرنتس نوشته، در جریان بوده است. برای مطالعه بیشتر به بخش معرفی دوم قرنتیان D مراجعه نمایید.

۲۴:۱ "نه اینکه بر ایمان شما سروری کنیم" در اینجا ما توازی را میان پولس بعنوان یک رسول دارای اختیار، ۱:۱؛ و آزادی این جماعت محلی مشاهده می‌کنیم. ایمان انجیلی، ایمان پیمان خداوند، آن در انتخابهای گوناگون شروع و گسترش یافته تا به نشات، ثبات و بلوغ منجر گردد.

■ "چرا که در ایمان استوارید" پولس این مفهوم را در اول قرنتیان ۱:۱۵ ذکر کرده است (رومیان ۵:۲؛ ۱۱:۲۰). این امر می‌تواند نشأت گرفته از عهد عتیق باشد (مزمور ۷۶:۷؛ ۱۳۰:۳؛ نحمیا ۱:۶؛ ملاکی ۳:۲؛ به موضوع خاص در اول قرنتیان ۹:۱ مراجعه نمایید). این عبارت سخن از ایمان متقن در حضور خدا می‌دهد. در نور مشکلاتی که قرنتس داشت، این اظهارات بسیار تکان دهنده می‌باشد. کلیسای قرنتیان حداقل به اندازه‌ای که کلیسای غلاطیان متأثر از معلمان دروغین بود، تحت تأثیر قرار نگرفته بود. برخی کلیساهای خانگی قدرتمند و پاک بودند (جمله کامل؛ "استوار بوده‌اید و ادامه می‌دهید"). به موضوع خاص: ایستادگی (*Histēmi*) در اول قرنتیان ۱:۱۵ رجوع نمایید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماس و قطعیت ندارند.

۱. اگر پولس درباره یک مشکل محلی در قرنتس می‌نویسد، چرا نامه در اخائیه خوانده شد؟ (دوم قرنتیان ۱:۱)
۲. دو منفعت رنج ذکر شده در دوم قرنتیان ۴:۱ و ۹ چه هستند؟
۳. پولس در آسیا از چه رنج می‌برد که نزدیک بود به مرگ او منجر شود؟ (آیات ۸-۱۰)
۴. چرا پولس بدلیل تغییر در برنامه سفر، مورد هجمه قرار گرفته بود؟ (قرنتیان ۱۶:۱-۸؛ در برابر دوم قرنتیان ۱:۱۲-۲۰)
۵. چرا ما به تثلیث باور داریم؟

دوم قرتیان ۲

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تأخیر در بازدید پولس	شفقت بر کلیسا	مکاشفات اخیر با کلیسا	تغییر در برنامه‌های پولس	چرا پولس برنامه‌های خود را تغییر داد
(۴:۲ - ۱۲:۱)		(۱۳:۲ - ۱۲:۱)	(۴:۲ - ۱۲:۱)	(۱۱:۲ - ۱۲:۱)
	۲:۲ - ۱۵:۱			
۴:۲ - ۲۳:۱	بخشش توهین‌کنندگان	۴:۲ - ۲۳:۱	۴:۲ - ۲۳:۱	
بخشش توهین‌کنندگان	۱۱ - ۳:۲		بخشش برای توهین‌کنندگان	
۱۱ - ۵:۲		۱۱ - ۵:۲	۱۱ - ۵:۲	۱۱ - ۵:۲
خستگی پولس و رهایی	پیروزی مسیح		خستگی پولس در ترواً	از ترواً به مقدونیه - رسولیت: اهمیت آن
۱۳ - ۱۲:۲	۱۳ - ۱۲:۲	۱۳ - ۱۲:۲	۱۳ - ۱۲:۲	(۶:۴ - ۱۲:۲)
		مأموریت ما		
۱۷ - ۱۴:۲	۱۷ - ۱۴:۲	۱۷ - ۱۴:۲	۱۷ - ۱۴:۲	۳:۳ - ۱۲:۲

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. غیر

دیدگاه‌های متنی

A. بحثهای زیادی در میان مفسران درباره تعداد دفعات بازدیدها و ملاقاتهای پولس از این کلیسا در جریان بوده است. این فصل معمای این مبحث بوده زیرا که بنظر می‌رسد اشاره به نام‌های پیشین و یک ملاقات دردناک داشته باشد. این مسئله هم ابهام در متن بوده و هم در میزان آگاهی ما از زندگی شخصی پولس.

B. حوزه مورد منازعه دیگر در این فصل اینست که آیا فرد خاطی ذکر شده در دوم قرتیان ۲:۵ و ۶ یکی از موارد زیر بوده یا خیر

۱. همان فرد بی‌عفت در اول قرتیان ۵

۲. رهبر یکی از گروه‌های تفرقه‌افکن یا کلیساهای خانگی که در اول قرتیان ۱-۴ از وی سخن بمیان آمد

۳. حلقه رهبری معلمان دروغین از اورشلیم که شخصاً در این ملاقات با پولس درگیر شد، دوم قرتیان ۱۰-۱۳

C. بدیهی است که بخش تفکیک کننده فصل کاملاً نامتناسب می‌باشد. فصل ۲ متصل است با مبحث برنامه سفر پولس که در دوم قرن‌تیان ۱:۱۵ ذکر گردید.

D. بحث بزرگی یا مبحثی که در پرائتز می‌توان در دوم قرن‌تیان ۲:۱۴ قرار داد، وجود دارد. پولس تا دوم قرن‌تیان ۲:۱۴ به مبحث ملاقات با تیتوس در مقدونیه باز نمی‌گردد. من خدا را شکر می‌کنم که این مبحث وجود دارد، زیرا قلب پولس و علاقه عمیق خود به عیسی مسیح را به ما نشان می‌دهد!

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تیان ۲:۱-۴

پس، عزم جزم کردم که دیگر بار، دیداری اندوهبار با شما نداشته باشم. زیرا اگر شما را اندوهگین سازم، دیگر چه کسی می‌تواند موجب شادی من شود، جز شما که اندوهگینتان ساخته‌ام؟^۳ من بدان گونه به شما نوشتم تا به هنگام آمدنم نزد شما، آنان که می‌باید مرا شادمان سازند، مایه اندوهم نشوند. چرا که به همه شما اطمینان داشتم که شادی من شادی همه شماست. زیرا با غم بسیار و دلی دردمند و چشمانی اشکبار به شما نوشتم، نه تا اندوهگینتان سازم، بلکه تا از عمق محبتم به خود آگاه شوید.

۱:۲

NASB, NKJV "اما"

NRSV, TEV,

NIV, REB "پس"

NJB "بعد"

RSV "برای"

این تفاوت در نسخه‌های خطی یونانی میان کلمات "برای" (gar, P46 و B) و "اما" (de, A, C, D, F, G) می‌باشد. UBS4 به کلمه "برای" رتبه C داده که بمعنی عدم توافق بر سر انتخاب کلمه درست می‌باشد. وجود اغلب حروف ربط در ترجمه کاملاً حیاتی می‌باشد، اما در این مورد زمان جمله تعیین کننده اصلی می‌باشد.

NASB "من این تصمیم را بخاطر خود گرفتم"

NKJV "من خود این تصمیم را گرفتم"

NRSV, TEV,

NJB "من تصمیم خود را گرفته‌ام"

اینگونه بنظر می‌رسد که پولس در ارتباط با این موضوع از روح چیزی دریافت نکرده است. او بارها گفته است که چگونه روح او را در تنظیم برنامه‌های سفر هدایت نموده است (اعمال رسولان ۹:۱۶-۱۰:۱۸؛ رومیان ۱:۱۰؛ ۱۵:۳۲؛ اول قرن‌تیان ۴:۱۹)، اما اینبار، او هیچ هدایت خاصی دریافت نکرده و خود تصمیم بر عدم آمدن گرفته است.

□ دیداری اندوهبار با شما نداشته باشم" پولس از سومین ملاقات خود با کلیسای قرنتس در دوم قرن‌تیان ۱۲:۱۴، ۱۳:۱ می‌گوید. کتاب اعمال رسولان این بازدید اندوهبار را ثبت نکرده است. شروع ماندن وی در قرنتس در کتاب اعمال رسولان ۱۸:۱-۱۱ ثبت شده است. به بخش معرفی، تاریخ E "ملاقات" C مراجعه نمایید. این رویداد احتمالاً بین نوشتن کتاب اول و دوم قرن‌تیان روی داده بود.

۲:۲ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که با توجه به دیدگاه نویسنده یا مقاصد ادبی وی، درست استفاده شده است. بازدید دوم پولس باعث ناراحتی کلیسا گشته بود. من ترجمه NJB را برای این آیه دوست می‌دارم، "زیرا که من شما را اندوهگین ساخته‌ام، من تنها مرجع شادی خود را اندوهگین ساخته‌ام". پولس با توجه به مسئولیتی که در رسول بودن خود داشت، بهیچوجه علاقمند به رویارویی نبود.

۳:۲ "من بدان گونه به شما نوشتم" نظریه‌های متعددی سعی در توضیح این آیات داشتند.

۱. برخی آن را آتوریست رساله‌ای نامیدند، که یعنی اشاره به دوم قرن‌تیان دارد (ترجمه NJB).

۲. برخی بر این باور هستند که اشاره به اول قرن‌تیان دارد

۳. برخی تصور می‌کنند که این آیات اشاره به نامه‌های مفقود شده پیشین که در اول قرن‌تیان ۵:۹ ذکر آنها بمیان آمد، دارد.

۴. برخی دیگر نیز این آیات را به یک نامه گمشده با لحن شدیدتر ارجاع می دهند، احتمالاً قسمتی از آن در دوم قرن‌تین ۱۰-۱۳ گفته شده است.

۴:۲ این آیه بوضوح درد روح و روان پولس را که درباره آنچه که در طول این سفر دردناک کشیده بود، بیان می کند. با این وجود، وی سخن حق را گفت، هر چند که دردناک بود. همچون یک پزشک، او می دانست که گاهی درد لازمه یک درمان طولانی مدت است.

پولس از دو فعل در این آیه استفاده کرد زیرا گاهی مردم بدرستی پاسخ صحیح را بیان نمی کنند. خداوند همه انسانها را با آزادی عمل آفریده، که هم ارزشمند است و هم خطرناک. هم احتمال شادی و بازسازی روح و زندگی دارد و هم وسوسه تداوم سرکشی علیه خداوند.

NASB "بویژه"
NKJV, NRSV "بشدت"
NJB "چقدر زیاد"

این آیه همچنین شامل یکی از واژه‌های خاص پولس است که اغلب در نامه‌های قرن‌تین آن را بکار برده است (*perissoteros*). به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تین ۱:۵ یا موضوع خاص در دوم قرن‌تین ۲:۷ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۲:۵-۱۱

اما اگر کسی باعث اندوه شده، نه تنها مرا، بلکه - اگر نخواهم گزاف بگویم - تا حدی همه شما را اندوهگین ساخته است. ^۵ تنبیهی که از سوی بیشتر شما بر او اعمال شده، کافی است. اکنون دیگر باید او را ببخشید و دل‌داری دهید، مبادا اندوه بیش از حد، وی را از پا درآورد. ^۶ بنابراین، از شما استدعا دارم او را از محبت خود مطمئن سازید. ^۷ سبب نوشتنم به شما نیز این بود که شما را بیازمایم و ببینم آیا در هر امری فرمانبردار هستید یا نه؟ ^۸ اگر شما کسی را ببخشید، من نیز او را می‌بخشم. و اگر کسی را ببخشیدم - البته اگر موردی برای بخشیدن وجود داشته است - در حضور مسیح و به خاطر شما چنین کرده‌ام، ^۹ تا شیطان بر ما برتری نیابد، زیرا از ترفندهای او بی‌خبر نیستیم.

۵:۲ ترجمه این آیه بسیار دشوار است! باور دارم حسی که در ترجمه RSV و Phillips بکار رفته احتمالاً بهترین در میان سایر ترجمه‌ها می‌باشد: "اما اگر کسی باعث اندوه شده، نه تنها مرا، بلکه تا حدی (اگر گزاف نگفته باشم)، همه شما اندوهگین ساخته است". در این جمله هیچ موضوعی مطرح نشده، لذا برخی آن را به (۱) تمام کلیسا (NASB, NIV, NEB, Phillips, NRSV, NKJV) و یا (۲) شخص خاصی (ترجمه KNOX) نسبت می‌دهند.

"او" کیست که پولس وی را مسبب اندوه می‌خواند؟ نظرات مختلفی وجود دارد.

۱. اشاره به اول قرن‌تین و مردی که با همسر پدر خود ازدواج کرد دارد.
۲. اشاره به رهبر یکی از گروه‌های تفرقه‌افکن یا کلیساهای خانگی دارد.
۳. اشاره به سخنگوی گروهی از "رهبران" فلسطینی که در راه بازگشت به قرنتس با پولس درگیر شد دارد، که بوضوح کلیسا آنطور که باید از پولس دفاع نکرد.

□ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است. شخصی باعث اندوه گشته، هم در رابطه پولس و هم تمامی کلیسا (مجهول کامل اخباری) و عواقب آن همچنان ادامه دارد.

۶:۲ "تنبیهی که از سوی بیشتر شما بر او اعمال شده" این تصمیم متفق‌القول نبود. پولس حتی با وجودیکه مورد حمله قرار گرفته بود، اما باز برای فرد خاصی (دوم قرن‌تین ۲:۷) و عواقب معنوی که این جدال و رو در رویی می‌توانست بوجود آورد، اهمیت قائل بود (دوم قرن‌تین ۲:۱۱).

ذکر عبارت "بیشتر شما" نشان می‌دهد که پولس تا چه حد به نحوه اداره‌ی کلیسا توجه بخرج می‌داد. او حس می‌کرد که بعنوان یک رسول برای خدمت به غیریهودیان فرخوانده شده، اما این مسئله جنبه مسئولیت رهبری وی را سلب نمی‌کرد. پولس توازن زیرادی در نوشته‌هایش میان فرامین (غلاطیان و اول قرن‌تین ۵)، و نیاز برای رهبری محلی برقرار کرده است. عهد جدید هر سه نوع نحوه اداره را در خود دارد: شیوه رسول (به صورت اسقف)؛ رهبران محلی (مشایخی)؛ و جماعت‌های کلیسایی (همه ایمانداران). کتاب اعمال رسولان ۱۵ هر سه رتبه را در روند کار جماعت لحاظ کرده است. مشکل این نیست که کدام یک از انجیل برخاسته؛ همه آنها ریشه در انجیل دارند. مشکل رهبری ایمانداران در چارچوب قواعد انجیلی است و نه چارچوب‌های شخصی!

۷:۲ "ببخشید و دل‌داری دهید" این دو مصادره‌ی آئوریستی هستند. ضوابط کلیسا هرگز جنجال برانگیز نیستند، بلکه همواره رستگاری بخش هستند (غلاطیان ۱:۶). گناه در عین اینکه باید عیان شود، اما پوشیده هم باید نگه داشته شود (بخشش توسط خداوند، بخشش توسط کلیسا) اما پس از عیان شدن.

برای مطالعه بیشتر درباره دل‌داری، به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تین ۱:۴-۱۱ مراجعه نمایید.

"ممکن است اندوه بیش از حد او را از پای درآورد"	NASB
"بوسیله اندوه زیاد بلعیده شود"	NKJV
"اندوه بیش از حد، وی را از پا درنیآورد"	NRSV
"از غمگین شد زیاد خود را کاملاً از بین ببرد"	TEV
"ممکن است از طولانی شدن اندوهش از پای درآید"	NJB

عبارت اولاً بمعنی واقعی کلمه یعنی "مبادا اندوه بیش از حد او را از پای درآورد". به موضوع خاص زیر توجه نمایید. عبارت دوم، *katapinō* یک استعاره قوی می‌باشد. معنی آن "بلعیدن" می‌باشد. این عبارت در دوم قرنتیان ۴:۵ به شکل مثبتی بکار برده شده است (بلیدن زندگی). از جنبه منفی می‌تواند بمعنی نابود شدن یا نابود کردن تلقی گردد (اول قرنتیان ۱۵:۵۴؛ دوم قرنتیان ۷:۲؛ عبرانیان ۱۱:۲۹؛ اول پطرس ۵:۸).

تجربه شخصی پولس و آموزه‌های الهیاتی وی او را کاملاً نسبت به عمق گناه و حد و مزر رحمت خدا واقف و آگاه کرده بود. انتخاب نوع کلمات نشان دهنده عمق احساسات او می‌باشد.

موضوع خاص: وفور (*Periseuō*)

(Special Topic: Abound)

این اصطلاح عمدتاً توسط پولس استفاده شده است. این اصطلاح به معنی بیش از حد، بیش از اندازه (یعنی، در مفهوم یک حس مثبت) است.

۱. حقیقت خداوند به شکوه او رسیده است. رومیان ۳: ۷
۲. هدیه رایگان در فضل آن مرد، عیسی مسیح، فراوان، رومیان ۵: ۱۵
۳. مؤمنان امید فراوان دارند، رومیان ۱۵: ۱۳
۴. با خوردن یا نوشیدن غذاهای خاص، معتقدان به خدا خدمت نمی‌کنند، اول قرنتیان ۸: ۸ (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۱۵، ۱۷-۲۳)
۵. مؤمنان در ساخت کلیسا فراوان هستند، اول قرنتیان ۱۴: ۱۲
۶. مؤمنان در کار خداوند فراوانند. ۱۵: ۵۸
۷. مؤمنان به شدت از درد و رنج مسیح برخوردارند و به راحتی در مسیحیت به اشتراک می‌گذارند، دوم قرنتیان ۱: ۵
۸. وزارت عدالت در شکوه فراوان است، دوم قرنتیان ۳: ۹
۹. شکرگزاری مؤمنان به شکوه خداوند فراوان است. دوم قرنتیان ۴: ۱۵
۱۰. فراوانی شایستگان مؤمن، دوم قرنتیان ۸: ۲
۱۱. مؤمنان در همه چیز (ایمان، سخن، دانش، محبت و عشق) و همچنین در هدیه برای کلیسای اورشلیم فراوان هستند. ۸: ۷
۱۲. لطف کامل به مؤمنان، دوم قرنتیان ۹: ۸
۱۳. قدردانی مؤمنان به خداوند، دوم قرنتیان ۹: ۱۲
۱۴. ثروت فیض خدا بر مؤمنان عفو است. افسسیان ۱: ۸
۱۵. عشق به مؤمنان می‌تواند بیشتر و بیشتر نفوذ کند. فیلیپیان ۱: ۹
۱۶. اعتماد به نفس مؤمنان در پولس منجر به فراوانی در مسیح، است. فیلیپیان ۱: ۲۶
۱۷. داشتن فراوان، فیلیپیان ۴: ۱۲، ۱۸
۱۸. مؤمنان لبریز از قدردانی هستند، کولسیان ۲: ۷
۱۹. مؤمنان عاشق یکدیگر می‌شوند، اول تسالونیکیان
۲۰. فراوانی در شیوه زندگی خداپرستانه، اول تسالونیکیان
۲۱. فراوانی در عشق مؤمنان اول تسالونیکیان ۴: ۱۰

درک پولس از فضل خدا در راه مسیح "بیش از حد و بالاتر" است، همچنین مؤمنان به پیروزی در این "فراوانی و وفور" فضل و عشق در زندگی روزمره خود نیاز دارند!

۸:۲ "از شما استدعا دارم او را از محبت خود مطمئن سازید" این عبارت اشاره به تثبیت مقام یا عملی قانونی بوسیله آرای رسمی (بکارگیری عبارات در غلاطیان ۳:۱۵) در کلیسا با انگیزه محبت می‌باشد. احتمال نیز دارد که این بیان این عبارات بصورت استعاره برای نشان دادن واقعیت چیزی بوده باشد (Louw and Nida، صفحه ۶۶۸).

۹:۲ "نوشتیم" به یادداشت دوم قرنتیان ۳:۲ مراجعه شود.

▣ "بیازماییم" اشاره به آزمون سکه‌های فلزی بمنظور اطمینان از اصالت آنها می‌باشد. بنظر می‌رسد که تواردی در عهد جدید درباره "آزمودن با دیدگاه پذیرفتن" وجود داشته باشد. به موضوع خاص درباره "آزمون" در اول قرنتیان ۳:۱۳ مراجعه نمایید.

▣ "آیا در هر امری فرمانبردار هستید" این آزمایش پولس برای آگاهی از میزان وفاداری به پولس و اختیارات او بوده است. مشکل همین بود (دوم قرنتیان ۷:۱۵؛ ۶:۱۰).

در ارتباط با "آیا" در نسخه‌های خطی یونانی تفاوت‌هایی وجود دارد. برخی نسخه‌های MSS نوشته‌اند:

۱. C, D, F, G, & - Ei

۲. A, B - η

۳. از قلم انداخته شده - P⁴⁶

اینگونه بنظر می‌رسد که P⁴⁶ در عین قدمت بسیار، با شتاب باتمام رسیده باشد زیرا اغلب کلمات و عبارات در این نسخه از قلم افتاده‌اند. اما در ارتباط با گزینه‌های دیگر، همه آنها یکسان تلفظ شده‌اند. بسیاری از نسخه‌های خطی اولیه یونانی توسط شخصی که متن را می‌خوانده و چند نفر دیگر، گفته‌های او را به رشته تحریر در می‌آوردند، نسخه‌برداری شده است. با اینحال، تفاوتها همچون آنچه که در ارتباط با صدای کلمات در این متن وجود دارد، بسیار رایج است. UBS⁴ به گزینه ۱ تبه A داده است (مطمئن).

۱۰:۲ "بخشید" واژه *charizomai* (دوم قرنتیان ۷:۲؛ ۱۰؛ ۱۳:۱۲) از ریشه فعل *chairō* بوده و بمعنی به وجد آمدن و شاد شدن می‌باشد. پولس در دوم قرنتیان ۷ از اکثریت خواست که بخشند (جمله دستوری آنوریستی)؛ وی در دوم قرنتیان ۱۰:۲ این درخواست را تکرار کرد (حال دستوری میانی)؛ او در دوم قرنتیان ۱۰:۲ به آنها (ضمیر شخصی، *egō*) ترحم و تداوم بخشش خود نسبت به فرد خاطی اطمینان داد (دو جمله اخباری کامل).

▣ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است. پولس بخشش خود را نسبت به شخص خاطی دوباره تکرار می‌کند.

▣ "در حضور مسیح و به خاطر شما" این شیوه کار پولس بود برای اینکه به کلیسا بگوید اصلاح فرد خاطی منجر به قوی شدن کلیسا خواهد گردید. او خود بدلیل عشقی که به مسیح داشت، قادر به انجام این کار بود.

۱۱:۲

NASB "تا توسط شیطان از ما سو استفاده صورت نگیرد"

NKJV "تا شیطان بر ما برتری نیابد"

NRSV "تا بوسیله شیطان فریب نخوریم"

TEV "بمنظور اینکه شیطان را از دست بالا داشتن، دور نگه داریم"

NJB "تا از فریب خوردن توسط شیطان پرهیز کنیم"

این آیه نیروی شیطان شخصی را بمنظور ایجاد خلل در برنامه خدا در این دنیا تأیید می‌کند. پولس از او در دوم قرنتیان به عناوین مختلفی یاد می‌کند.

۱. شیطان، در دوم قرنتیان ۱۱:۲؛ ۱۴:۱۱؛ ۷:۱۲

۲. "خدای عصر خود (دنیای خود)" در دوم قرنتیان ۴:۴

۳. "بلیعال" در دوم قرنتیان ۶:۱۵

۴. "مار" در دوم قرنتیان ۱۱:۳

عبارت "ما" می‌تواند به خود پولس، یا به پولس و کلیسای قرنتیان اشاره داشته باشد. جالب است که بدانید شیطان هم بوسیله گرایش به شریر و هم انحراف از نیکی انسان را وسوسه می‌کند. رفتاری ناپسند، نابخشودنی، خشمناک، و یا از سر غرور از ناحیه کلیسا می‌توانست دربی را برای شیطان بگشاید تا دوستی و همنشینی آنان را مختل سازد. به موضوع خاص: شیطان شخصی در اول قرنتیان ۵:۷ مراجعه نمایید.

□ "زیرا از ترفندهای او بی خبر نیستیم" نیروی شریر همواره سعی دارد تا زندگی ما را تحت تأثیر قرار دهد (افسیسیان ۴:۱۴؛ ۶:۱۰-۱۸). ایمانداران اغلب از ترفندهای او بی خبر هستند (*agnoeō*).

موضوع خاص: طرحها

SPECIAL TOPIC: SCHEMES (in Paul)

این واژه یونانی *noēma* است. این واژه پنج بار در دوم قرنتیان و فقط یک بار دیگر در فیلیپیان ۷:۴ توسط پولس بکار برده شده است. این واژه از ریشه *nous* بمعنی "ذهن" یا "افکار" است. پولس این واژه را به شیوه بکار گرفت.

A. شریر یا افکار مخرب

۱. طرح‌های شیطان، دوم قرنتیان ۱۱:۲
۲. اذهان بسته و با بی‌ایمانی مستور شده، دوم قرنتیان ۱۴:۳
۳. اذهان کور شده توسط شیطان (خدای این دنیا)، دوم قرنتیان ۴:۴
۴. اذهان فریفته شده توسط شیطان (همچون حوا) و به گمراهی کشیده شده، دوم قرنتیان ۳:۱۱

B. افکار آسمانی

۱. هر تفکری را برای اعطاعت از عیسی تسخیر کردن، دوم قرنتیان ۵:۱۰
۲. آرامش خداوند که همه معارف را پست سر می‌گذارد (*nous*) باعث محافظت از قلبها و اذهان شما می‌شود (*noemata*)

مهارتهای فکری و زبانی بشر بخشی از تصویر خداوند هستند (موضوع خاص: قوه کلامی بشر). این هدایای شگفت‌انگیزی می‌تواند برای نیک و شر مفید باشند. ایمانداران باید مراقب افکار و کلام خود باشند. ذهن ما می‌تواند فریب خورد، کور شود، و توسط شیطان به انحراف کشیده شود (به موضوع خاص: شیطان و موضوع خاص: سلاحهای روحانی مراجعه شود). آنها همچنین می‌توانند بشکل شگفت‌انگیزی توسط خدا نیرو گرفته و برای جلال و پادشاهی او مورد استفاده قرار گیرند. ما مباشران افکار، طرحها و انگیزه‌های خود هستیم!

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱۲:۲-۱۳

^{۱۲} پس چون برای بشارت انجیل مسیح به تروآس رفتم، دریافتیم که خداوند در آنجا دری بزرگ به روی من گشوده است. ^{۱۳} اما باز آرام نداشتم زیرا برادر خود تیتوس را نیافتیم. پس با اهالی آنجا وداع کرده، به مقدونیه رفتم.

۱۲:۲ "چون به تروآس رفتم" این عبارت پیرو برنامه سفر وی در اول قرنتیان ۵:۶ می‌باشد (اعمال رسولان ۱۶:۸-۱۱). پولس بوضوح توسط برخی در قرنتس مورد حمله واقع گردید، زیرا برنامه سفرش جامه عمل بخود نپوشاند. پولس سعی داشت تا علت را توضیح دهد.

□ "خداوند در آنجا دری بزرگ به روی من گشوده است" این وجه وصفی مجهول کامل است که می‌گوید خداوند این فرصت را برای انجیل باز کرده و آن را باز نگه خواهد داشت! "درب باز" استعاره مرسوم برای پولس می‌باشد (اول قرنتیان ۹:۱۶؛ کولسیان ۴:۳؛ و همچنین اعمال رسولان ۲۷:۴ و مکاشفه ۳:۸). این عبارت مؤید تأثیر نیروی خداوند بواسطه مأموریت کامل شده مسیح منجی و دمیدن روح خود به بشارت انجیل و شاگردی مسیحیان می‌باشد (متی ۱۹:۲۸-۲۰ و اعمال رسولان ۱۵:۳-۴، ۱۲، ۱۹:۲۱). به موضوع خاص در اول قرنتیان ۹:۱۶ مراجعه نمایید.

۱۳:۲ "باز آرام نداشتم" (نسخه انگلیسی: "روحم آرام نداشتم") شیوه استفاده از "روح" بعنوان مترادف با یک شخص یا یک انسان است (دوم قرنتیان ۱۳:۷؛ اول قرنتیان ۱۸:۱۶). پولس همواره نگران (حال کامل اخباری) قرنتس بود (دوم قرنتیان ۵:۷). تصورات پولس تندتر گردید؛ مراقب تصورات خود باشید. او درب باز در تروآس را بدلیل نگرانی که نسبت به کلیسای قرنتس داشت، رها کرد. پولس این کلیسای مغرور و نفاق افکن را دوست می‌داشت!

□ "تیتوس را نیافتیم" پولس پیشتر تیموتائوس را به قرنتس فرستاده بود، اما بدیهی است که او توسط کلیسا بخوبی مورد استقبال واقع نگردید، لذا تیتوس را بهمراه نامه‌ای با لحن تندتر فرستاد (دوم قرنتیان ۲:۳-۴). پولس در زمان مقرر خبری از او دریافت نکرد بهمین دلیل نگران گردید. نام تیتوس چندین بار در دوم قرنتیان ذکر گردیده است (دوم قرنتیان ۲:۱۳، ۶:۷، ۱۳، ۱۴، ۸:۶، ۱۶، ۲۳؛ ۱۸:۱۲).

موضوع خاص: تیتوس

(Special Topic: Titus)

- A. تیتوس یکی از معتمدترین همکاران پولس بود. این نشان دهنده این واقعیت است که چرا پولس او را به نقاط پر دردسر و مسئله ساز کرتس و کرت فرستاد.
- B. او کلا غیر یهودی بود (تیموتائوس فقط نیمی یونانی بود)، که بر اثر موعظه های پولس ایمان آورده بود. پولس از ختنه کردن او ممانعت کرد (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۳).
- C. از او اغلب در نامه های پولس نام برده شده است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۳: ۲؛ ۷: ۶-۱۵؛ ۸: ۲۴-۲۶؛ ۱۲: ۱۸؛ غلاطیان ۲: ۳-۱؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۰) بسیار شگفت آور است که لوقا نام او را در کتاب اعمال رسولان ننوشته است. بعضی از تفسیرها این نظریه را ارائه می دهند که:
۵. او ممکن است از اقوام لوقا (احتمالا یک برادر) بوده که از دید لوقا ذکر نام او را از نظر فرهنگی و اخلاقی درست نبوده است
۶. تیتوس منبع اصلی اطلاعات لوقا در مورد زندگی و بشارت پولس است و بنابراین، مانند لوقا، نام او ذکر نخواهد شد.
- D. او پولس و بارناباس را در تمامی جلسات مهم شورای اورشلیم که در کتاب اعمال رسولان ۱۵ ثبت شده اند، یعنی جاهایی که مسئله رابطه مومنین غیر یهودی با شریعت موسی به بحث کشیده میشد، را همراهی میکرد.
- E. تمرکز این کتاب بر نصایحی است که پولس به تیتوس در مورد بشارت در کرت می کند. تیتوس به عنوان نماینده رسمی پولس عمل میکرد.
- F. آخرین اطلاعات در عهد جدید در مورد تیتوس این است که برای بشارت به دالماتیا اعزام شد (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۰).

■ "به مقدونیه رفتیم" تا دوم قرنتیان ۷: ۵ در افکار پولس یک پراتنز وجود دارد. این پرت شدن از موضوع شکر خدا بخاطر مسیح است! این تغییر مسیر زیبا و مفید بوده و خدا را بخاطر آن شکر می کنیم. بسیاری از سخنان بیادماندنی پولس از چنین تغییراتی حاصل گردیده است.

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۲: ۱۴-۱۷

^{۱۴} اما خدا را سپاس که همواره ما را در مسیح، در موبک ظفر خود می بزد و رایحه خوش شناخت او را به وسیله ما در همه جا می پراکند.
^{۱۵} زیرا برای خدا رایحه خوش مسیح هستیم، چه در میان نجات یافتگان و چه در میان هلاک شوندهگان.^{۱۶} اما برای یکی بوی مرگ می دهیم که به مرگ رهنمون می شود؛ برای دیگری عطر حیاتیم که حیات به بار می آورد. و کیست که برای چنین کاری کفایت داشته باشد؟^{۱۷} برخلاف بسیاری که برای سودجویی به ارزان فروشی کلام خدا مشغولند، ما در مسیح با خلوص نیت سخن می گوئیم، همچون کسانی که سخنگوی خدایند و در حضور او می ایستند.

۱۴: ۲ "خدا را سپاس" به موضوع خاص زیر توجه نمایند.

موضوع خاص: دعا، تمجید و شکرگزاری پولس از خدا

(SPECIAL TOPIC: PAUL'S PRAISE, PRAYER, AND THANKSGIVING TO GOD)

پولس مرد ستایش و عبادت بود. او عهد عتیق را می دانست. هر یک از چهار بخش اول (یعنی کتابها) سرود ستایش با دعا پایان می دهد (مراجعه شود به مزامیر ۴۱: ۱۳، ۷۲: ۱۹، ۸۹: ۵۲، ۱۰۶: ۴۸). افرادی که خدا را می شناسند اغلب او را ستایش می کنند.

۱. پاراگراف آغازین در نامه هایش

- a. معارفه و خیر مقدم آغازین (مراجعه شود به رومیان ۱: ۷، اول قرنتیان ۱: ۳، دوم قرنتیان ۱: ۲)
b. دعای برکت آغازین (*eulogētos*)، مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱: ۳ الی ۴، افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴)

۲. دعاهای کوتاه

- a. رومیان ۱: ۲۵
b. دوم قرنتیان ۱۱: ۳۱

۳. سرودها (مشخص شده با استفاده از [۱] سرود (یعنی جلال) و [۲] "برای همیشه و همیشه")

a. رومیان ۱۱: ۳۶، ۱۶: ۲۵ الی ۲۷

b. افسسیان ۳: ۲۰ الی ۲۱

c. فیلیپیان ۴: ۲۰

d. اول تیموتائوس ۱: ۱۷

e. دوم تیموتائوس ۴: ۱۸

۴. شکرگزاری (یعنی *eucharisteō*)

a. افتتاحیه نامه‌ها (مراجعه شود به رومیان ۱: ۸، اول قرنتیان ۱: ۴، دوم قرنتیان ۱: ۱۱، افسسیان ۱: ۱۶، فیلیپیان ۱: ۳، کولسیان ۱:

۳ و ۱۲، اول تسالونیکیان ۱: ۲، دوم تسالونیکیان ۱: ۳، فیلمون ۱: ۴، اول تیموتائوس ۱: ۱۲، دوم تیموتائوس ۱: ۳)

b. فراخواندن برای شکرگزاری (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۴ و ۲۰، فیلیپیان ۴: ۶، کولسیان ۳: ۱۵ و ۱۷، ۴: ۲، اول تسالونیکیان ۵:

(۱۸)

۵. شکرگزاری کوتاه

a. رومیان ۶: ۱۷، ۷: ۲۵

b. اول قرنتیان ۱۵: ۵۷

c. دوم قرنتیان ۲: ۱۴، ۸: ۱۶، ۹: ۱۵

d. اول تسالونیکیان ۲: ۱۳

e. دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳

۶. دعای اختتام

a. رومیان ۱۶: ۲۰ و ۲۴

b. اول قرنتیان ۱۶: ۲۳ الی ۲۴

c. دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴

d. غلاطیان ۶: ۱۸

e. افسسیان ۶: ۲۴

پولس تثلیث را از لحاظ الهی و تجربی می‌شناخت. نوشته‌هایش را با دعا و ستایش شروع می‌کند. در وسط سخنرانیهایش ستایش و شکرگزاری

می‌کند. در پایان نامه‌های او، همیشه دعا، ستایش و تشکر خداوند به یاد آورده میشود. نوشته‌های پولس با نماز، ستایش و شکرگزاری نَفَس می‌کشند.

او خدا را می‌شناخت، خودش را می‌شناخت، و انجیل را می‌شناخت.

□ "همواره" خداوند همواره ما را هدایت می‌کند، (۱) بواسطه مسیح؛ (۲) در پیروزی مسیح؛ و (۳) به قصد شاهد بودن ("در میان ما"، وجه وصفی حال کامل، دوم قرنتیان ۲: ۱۵-۱۶).

NASB, NKJV "که همیشه ما را با پیروزی مسیح هدایت می‌کند"

NRSV "که همواره در راه مسیح ما را در زمره پیروزمندان هدایت می‌کند"

TEV "همچون زندانیان در صف پیروزمندان مسیح و توسط خدا هدایت می‌شوند"

NJB "که همیشه بخشی از افتخار پیروزی را در راه مسیح به ما می‌دهد"

این عبارات اشاره به رژه نظامی رومیان برای لژیون فرماندهان در خیابانهای روم دارد، که مؤید مسیح بعنوان پیروزمند است (وجه وصفی مفرد بکار برده شده است). او همه نیروهای خصومت‌آمیز را نابود کرده است (کولسیان ۲: ۱۵؛ فعل فقط در این دو آیه و در عهد جدید ظاهر می‌گردد). ایمانداران پیروان او هستند و نه زندانیان او (TEV, NEB, REB) این عبارت را "زندانیان" ترجمه کرده، که بر خلاف پیروزی مشهود در متن می‌باشد، مگر اینکه پولس به رنج خود و بی‌حرمتی‌هایی که بعنوان یک مبشر بر وی روا رفته بود، خود را با رژه زندانیان رومی مقایسه کرده باشد، اما بعنوان سربازان هم‌رزم! ما بخاطر "او" یعنی عیسی مسیح، پیروزمندان هستیم! این پیروزی از آن ما است، اما باید آن را انتخاب کرده و هر روز در راه آن قدم برداریم.

■ "ما" ضمائر جمع در دوم قرن‌تبیان ۲: ۱۴-۱۷ اشاره به (۱ رسولان؛ ۲ پولس و گروه بشارتی او؛ و یا ۳) همه ایماندارانی که کلام انجیل را انتشار می‌دهند، دارد. برای من گزینه شماره ۲ بیشتر مهم است، اما گزینه شماره ۳ نیز مد نظر هست. مبشرین پیروزمند هستند، اما برای این پیروزی بهایی وجود دارد که باید پرداخت گردد (دوم قرن‌تبیان ۴: ۷-۱۲؛ ۶: ۳-۱۰؛ ۱۱: ۲۳-۳۰).

■ "اعلامیه" (در نسخه فارسی نوشته نشده است) پولس در دوم قرن‌تبیان اغلب از این کلمه استفاده کرده است (دوم قرن‌تبیان ۳: ۱۴؛ ۳: ۳؛ ۴: ۱۰، ۱۱؛ ۵: ۱۰، ۱۱ [سه مرتبه]؛ ۷: ۱۲؛ ۱۱: ۶). این واژه بمعنی چیزی را به روشنی اعلام کردن یا شناساندن است. تمایل شدید پولس نشان دادن و شناساندن کامل خداوند در ملاء عام و شناساندن شخصیت و کار عیسی مسیح بوده است (انجیل).

■ "شناخت او در همه جا" کلیسای قرن‌تس سرخوش از گذشته هوشمند خود بود. پولس از دانشی که از خدا بواسطه مسیح داشت افتخار می‌کرد. دانش برای جلال شخصی نیست، بلکه برای بشارت مسیح است. درحالی‌که ما "همواره" (pantote) در پیروزی مسیح شریک هستیم و در آن قدم بر می‌داریم، در عین حال انتظار نیز می‌رود که به روشنی پیام مسیح را (اعلامیه او را) "در هر کجای این جهان" جار بزنیم و اعلام نماییم (panti). خبر خوش جهانی مسیح باید بمنظور پیروزی پیروانش در هر جایی به اشتراک گذارده شود (متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ لوقا ۲۴: ۴۷؛ اعمال رسولان ۱: ۸). پولس از عبارت "در همه جا" اغلب استفاده می‌کند (اول قرن‌تبیان ۱: ۲؛ ۱: ۸؛ ۱: ۸؛ تیموتائوس ۲: ۸). نمی‌دانم ممکن است که این آیه کنایه‌ای به ملاکی ۱: ۱۱ باشد، که پرستش جهانی مسیح خداوند را پیشبینی کرده، یا خیر.

۱۵: ۲ "زیرا برای خدا رایحه خوش مسیح هستیم" دو پیشزمینه برای این عبارت متصور است.

۱. در عهد عتیق، دود حاصل از سوزاندن قربانی و عود برای خدا ارسال شده و بعنوان یک رایحه خوش مقبول واقع می‌گردید. (پیدایش ۸: ۲۱؛ خروج ۲۹: ۱۸، ۲۵؛ در نسخه LXX در کتاب لاویان ۱: ۹، ۱۳، ۱۷؛ ۲: ۲ و همچنین بصورت استعاره توسط پولس در فیلیپیان ۴: ۱۸ بکار رفته است).

۲. در قرن اول در کنار جاده‌ای که سپاه رومیان بسوی روم حرکت می‌کرد، عود می‌سوزاندند.

انتشار کلام انجیل دعای قربانی پذیرفته شده توسط یهوه می‌باشد. ایمانداران در راه مسیح بمنظور شبیه شدن به مسیح و نشر انجیل او پذیرفته شده‌اند.

■ "چه در میان نجات‌یافتگان و چه در میان هلاک‌شوندگان" بنظر می‌رسد که مرز، کسانی که هلاک می‌شوند، بوسیله تداوم خواست خود بهلاکت می‌رسند (وجه وصفی معلوم)، و آنان که نجات یافته‌اند، بخواست خدا و بواسطه مسیح نجات یافته‌اند (وجه وصفی معلوم). برای بحث شگفت‌انگیز الهیاتی "آنان که نجات می‌یابند" به موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری و نجات استفاده شدند در اول قرن‌تبیان ۳: ۱۵ مراجعه نمایید. برای مطالعه درباره مفهوم "هلاکت" به بحث الهیاتی در اول قرن‌تبیان ۱: ۱۸ رجوع نمایید که بموازات با همین مبحث است.

۱۶: ۲ "و کیست که برای چنین کاری کفایت داشته باشد" موعظه کلام خدا بشریت را از لحاظ ابدیت تفکیک می‌کند. از دوم قرن‌تبیان ۳: ۵-۶ ما اینگونه یاد گرفتیم که خداوند فرزندان خود را برای چنین مسئولیت خطیری تجهیز می‌نماید. زندگی هر ایماندار برای خداوند همچون رایحه‌ای خوش است که دیگران به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند، یا با ایمان به مسیح و یا با انکار او. مهم اینست که ما چگونه زندگی کنیم؛ دیگران ما را نگاه نگاه می‌کنند (دوم قرن‌تبیان ۲: ۱۶؛ ۳: ۲، ۳).

درحالی‌که این آیه را می‌خوانیم، فکر می‌کنم که چند بار و چند جا افتخار نشر انجیل نصیب من گردیده است. هیچکس نمی‌داند که چه کسی حضور دارد و در زندگی او چه می‌گذرد! برخی از سمینارهای من بخوبی برگزار گردیدند و برخی حقیقتاً شکست خوردند! چگونه یک واعظ می‌تواند فشاری را که بر روی یک شنونده وارد شده تا بر اساس آنچه را که از انسان سخن‌ور می‌شنود، انتخابی کند که تا ابد باید در آن راه زندگی نماید؟ آنها نمی‌توانند! این وظیفه روح است و نه واعظ! ما باید وفادار به اعلان انجیل باشیم، اما مسئولیت روحانی محدودیت‌هایی دارد! این انجیل خداوند است! این دنیای اوست! هیچکس نمی‌تواند بدون لمس روح نجات یابد (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). منطق انسان یا فصاحت بیان او فاکتور حیاتی نیستند!

۱۷: ۲ "برخلاف بسیاری" پولس اشاره می‌کند به (۱) معلمان دوره‌گرد در دنیای یونانی-رومی داشته که از شهری به شهر دیگر سفر کرده و درس می‌دادند؛ و (۲) فیلسوفانی که با معلمان دروغینی که از فلسطین آمده بودند (همچون آنان که در غلاطیان ۱: ۶-۹ از آنان سخن به میان آمد) و به پولس و انجیل او و رسول بودن او حمله کردند (دوم قرن‌تبیان ۴: ۲).

به عبارت "بسیاری" عبارات متفاوتی متصل شده است (A, B, C, K, P, X, MSS). نسخه اولیه MSS (P⁴⁶, D, F, G, L) عبارت "بقیه" را ثبت کرده است (NKJV و پانویس NRSV). Bruce Metzger در کتاب *The Textual Commentary of the Greek New Testament* صفحه ۵۷۷ می‌گوید که دومین گزینه عبارتی "توهین‌آمیز" است که پولس هرگز در این متن آن را بکار نمی‌برد. UBS⁴ به این گزینه رتبه B را داده است (تقریباً مطمئن).

▣ "ارزان فروشی کلام خدا" این واژه در صنایع تولید شراب کاربرد دارد. به دوروش استفاده می‌گردید:

۱. آب به شراب می‌بستند تا سود بیشتر حاصل نمایند (تقلب)

۲. جنس دیگری را فروختن بمنظور سود بردن (دستفروشی)

پولس پیام خود (انجیل) را برای شنونده‌های مختلف تغییر نمی‌داد (یونانیان، یهودیان)، اما رویکرد خود را بصورت گزینشی بیان می‌کرد (سمینارهای پولس در اعمال رسولان و بیانات او در اول قرن‌تین ۱۹:۹-۲۳).

▣ "با خلوص نیت" این واژه از یک ریشه "مخلوط نشده" گرفته شده است (دوم قرن‌تین ۱:۱۲). این می‌تواند نقطه مقابل ارزان فروشی باشد. این واژه‌ی

نادر برای خلوص نیت احتمالاً تلفیقی از واژه "خورشید درخشان" و "داوری" است. این واژه مفهوم آشکار و انگیزه خالص را می‌رساند (اول قرن‌تین ۵:۸؛ دوم قرن‌تین ۱:۱۲؛ ۲:۱۷؛ فیلیپیان ۱:۱۰؛ ۲ پطرس ۳:۱). به موازات بیان شده میان "اما با خلوص نیت" و "اما از سوی خدا" توجه نمایید.

▣ "کلام خدا... سخنگوی خدا... در حضور خدا" پولس تأکید می‌کند که پیام انجیل او از پیام خدا بوده که همانا پیام مسیح است! پولس (دوم قرن‌تین

۱۴:۲) برای موارد زیر خدا را شکر می‌کند:

۱. پیروزی ما در راه مسیح (دوم قرن‌تین ۲:۱۴)

۲. اعلان دانشی که از او داریم، در همه جا (دوم قرن‌تین ۲:۱۴)

۳. پیام ما درباره او مولد زندگی و مرگ است (دوم قرن‌تین ۲:۱۵-۱۶)

۴. پیام خالص ما از خدا است، در حضور خدا، درباره مسیح و در راه مسیح (دوم قرن‌تین ۲:۱۷)

▣ "ما در مسیح با خلوص نیت سخن می‌گوییم، و در حضور او" دقیقاً همین عبارت در دوم قرن‌تین ۱۲:۱۹ تکرار گردیده است. بنظر می‌رسد که

اصطلاحی برای تصریح قابل اعتماد بودن واقعی بودن انجیل خداوند باشد.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما،

کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. چرا پولس برنامه سفر خود را تا این حد گسترده شرح می‌داد؟

۲. پولس چند نامه به کلیسای قرنتس نوشت؟

۳. پیشزمینه پیروزی در دوم قرن‌تین ۲:۱۴ را توضیح دهید؟

۴. چگونه می‌توان فشار روحانی توضیح داده شده در دوم قرن‌تین ۲:۱۵-۱۶ درک کرد، هنگامی که می‌دانیم انتشار انجیل می‌تواند تفاوت بهشت و

جهنم را توضیح دهد؟

دوم قرن تیان ۳

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
مبشرین عهد جدید	رساله‌ی مسیح	ماموریت ما	خادمین پیمان جدید	از تروآس به مقدونیه - رسالت: اهمیت آن
		(۱۴:۲-۶:۳)		(۲:۱۲-۴:۶)
۳-۱:۳	۳-۱:۳	۳-۱:۳	۳-۱:۳	۳-۱:۳
	روح، و نه نامه			
۶-۴:۳	۶-۴:۳	۶-۴:۳	۶-۴:۳	۱۱-۴:۳
	جلال پیمان جدید	مأموریت پیمان جدید		
۱۱-۷:۳	۱۸-۷:۳	۱۱-۷:۳	۱۱-۷:۳	
۱۸-۱۲:۳		۱۸-۱۲:۳	۱۸-۱۲:۳	۱۸-۱۲:۳

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

دیدگاه‌های متنی

A. موضوعی که این فصل بر روی آن تأکید دارد بسیار شبیه به کتاب عبرانیان است. این یک مقایسه میان عهد عتیق و عهد جدید است. انسانهای گناهکار چگونه نزد خدا مقبول می‌گردند.

۱. کیفیت شریعت موسی

۲. ایمان به کار کفار خدا در راه عیسی

این قیاس بمنظور توسط پولس بمنظور انجیل او و خود او در برابر معلمان دروغین یهودی که به قرن‌تس آمده بودند، انجام پذیرفته بود.

B. استفاده این فصل از واژه "روح" بشدت مبهم است. بحثهای بسیار زیادی بر سر دوم قرن تیان ۳:۶، ۸، ۱۷ و ۱۸ در جریان بوده است. آیا این آیات به "روح القدس" ارتباط دارند یا فقط مفهوم "معنوی" آن؟ بنظر می‌رسد که میان این دو یک سیالیت وجود دارد. عصر جدید، عصر روح است (ارمیا ۳۱-۳۴:۳۱؛ حزقیال ۳۶:۲۲-۳۸)، که یک ارتباط معنوی میان خداوند در برابر ارتباط کاربردی و شرعی برقرار کرده است.

C. پولس از واژه "شریعت" استفاده کرده است (موضوع خاص در اول قرن تیان ۹:۹)

۱. شریعت = غضب؛ رومیان ۳:۲۰؛ ۴:۱۵؛ غلاطیان ۳:۱۰-۱۳؛ کولسیان ۲:۱۴

۲. شریعت = نیکی معنوی؛ رومیان ۷:۱۴

۳. تضاد میان رومیان ۱:۵؛ ۲:۱۳؛ غلاطیان ۳:۱۲؛ و رومیان ۳:۲ یا ۸:۷؛ دوم قرن تیان ۳:۶؛ غلاطیان ۳:۲۱

۴. پولس از ابراهیم و موسی بعنوان دو نماد در روابط میان "ایمان" و "شریعت" استفاده کرده است. شریعت خوب است. از خدا نشأت گرفته است. به مقاصد الهی خدمت کرده و به این خدمت ادامه داده است (رومیان ۷:۷، ۱۲، ۱۴، ۲۲، ۲۵). شریعت نمی‌تواند صلح و رستگاری به ارمغان آورد. James Stewart در کتاب خود بنام *A Man in Christ*، تناقضات پولس را در افکار و نوشتارش نشان می‌دهد:

"طبیعتاً انتظار دارید مردی که یک نظم فکری و دکترین بوجود آورده است، خود نیز مفاهیم و اصطلاحاتی را که بکار می‌برد را تا حد ممکن تعریف نماید. ممکن است انتظار داشته باشید که در پردازش کلماتی که بکار می‌برد، دقت بخرج دهد. ممکن است از او بخواهید کلمه‌ای را که بیان کرده، نویسنده‌اش باید توان درک حس آن گفتار خاص را داشته باشد. اما چنین چیزی را از پولس مطالبه کردن، مایه ناامیدی است. اکثر کلماتی که وی بکار برده، نه سخت، بلکه روان هستند... او می‌نویسد، 'این شریعت مقدس است'؛ پس آیا نیکویی برای من موت گردید' (رومیان ۷:۱۲-۱۳) اما بدیهی است که این جنبه دیگری از *nomos* بوده که وی را وادار می‌کند تا در جای دیگر بگوید: 'مسیح به جای ما لعن شد و این گونه ما را از لعنت شریعت باز خرید کرد' (غلاطیان ۳:۱۳)" (صفحه ۲۶)

D. پولس از سه استعاره اصلی در این فصل استفاده کرده است

۱. نامه‌ها، دوم قرن‌تین ۳-۱

a. توصیه‌نامه‌ها، دوم قرن‌تین ۱:۳

b. آنها نامه هستند، دوم قرن‌تین ۲:۳

c. لوح‌های عهد عتیق، دوم قرن‌تین ۳:۳

۲. پیمانهای قدیم و جدید، دوم قرن‌تین ۳:۶-۱۱

a. نوشته شده در برابر وحی آسمانی، دوم قرن‌تین ۳:۳، ۶

b. کسی که می‌گشود در برابر کسی که حیات می‌بخشد، دوم قرن‌تین ۳:۶

۳. پرده، دوم قرن‌تین ۳:۷، ۱۲-۱۶

a. موسی، دوم قرن‌تین ۳:۱۲

b. یهودیان روزگاران پولس، دوم قرن‌تین ۳:۱۴

c. ایمانداران، دوم قرن‌تین ۳:۱۴-۱۶

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB بروز شده: دوم قرن‌تین ۳-۱

آیا بار دیگر شروع به توصیه درباره خود می‌کنیم؟ یا مانند بعضی، نیاز به ارائه توصیه‌نامه به شما یا گرفتن توصیه‌نامه از شما داریم؟ شما خود توصیه‌نامه مایید، نامه‌ای نگاشته بر دل‌های ما که همگان می‌توانند آن را بخوانند و بفهمند. شما نشان داده‌اید که نامه مسیح هستید، ثمره خدمت ما، و نگاشته نه با مرکب، بلکه با روح خدای زنده، و نه بر لوح سنگی، بلکه بر لوح دل‌های گوشتین.

۱:۳ حالت دو سوال در دوم قرن‌تین ۳:۱ بلحاظ دستور زبان، انتظار پاسخ "نه" را دارد. تشخیص اینکه بدانیم پولس زهرخند می‌زند یا دلشکسته شده، واقعاً دشوار است.

▣ "توصیه" این لغت تلفیقی است از دو لغت "قرار دادن" و "با یکدیگر"، که بصورت استعاره برای بنمایش گذاردن و یا توصیه کردن بکار می‌رود.

۱. برای نشان دادن (رومیان ۳:۵؛ ۵:۸؛ دوم قرن‌تین ۲:۱۱؛ غلاطیان ۲:۱۸)

۲. تاب آوردن (کولسیان ۱:۱۷)

۳. توصیه کردن (رومیان ۱:۱۶؛ دوم قرن‌تین ۱:۳؛ ۴:۱۲؛ ۵:۱۲؛ ۶:۴؛ ۱۰:۱۲؛ ۱۱:۱۲)

▣ "مانند بعضی" پولس اغلب از این عبارت در دوم قرن‌تین بدلیل تضاد با معلمان دروغینِ خشنی که از فلسطین آمده و با قرار گرفتن در برابر پولس و پیشزمینه او و انجیل او، سعی در بالا بردن خود داشتند، استفاده کرده است (دوم قرن‌تین ۳:۲؛ ۱۷:۲؛ ۱۰:۲). او همچنین از عبارت مشابهی که بار منفی داشت، در اول قرن‌تین و در ارتباط با اعمال و کردار برخی از اعضای کلیسا بهره برده بود (دوم قرن‌تین ۴:۱۸؛ ۱۵:۱۲).

■ "توصیه‌نامه" کلیسای اولیه سیستم نگارش توصیه‌نامه را بوجود آورد تا از قابل اعتماد بودن مشرین و کار آنها به شیوه سنتی، اطمینان حاصل نماید (اعمال رسولان ۲۷:۱۸؛ رومیان ۱:۱۶؛ اول قرنتیان ۱۶:۳، ۱۵-۱۸؛ فیلیپیان ۲:۲۹-۳۰؛ ۳ یوحنا ۱:۱۲).

۲:۳ "شما خود توصیه‌نامه‌ی ما، نامه‌ی نگاشته بر دلها" پولس تصریح می‌کند که وی نیازی به توصیه‌نامه برای خود به این کلیسا نداشت (یا از این کلیسا)، زیرا که او بنیانگذار معنوی آن کلیسا و عیسی منجی و ارباب آن بوده است. آنان از پوست و استخوان وی تشکیل شده بودند (دوم قرنتیان ۳:۳). عبارت "نگاشته بر دلها" یک وجه وصفی مجهول است. پولس این کلیسا را دوست می‌داشت. آنها برای همیشه در ذهن و قلب وی جای داشتند. مجهول بودن جمله حکایت از نماینده بودن خدا/مسیح/روح دارد (دوم قرنتیان ۳:۳)، که در نتیجه محبت پولس را بوجود می‌آورد. به موضوع خاص: قلب در اول قرنتیان ۲۵:۱۴ مراجعه نمایید.

■ "بخوانند و بفهمند" صدای این دو کلمه یونانی متفاوت است (*ginōskomenē* و *anaginōskomenē*، دوم قرنتیان ۱:۱۳). هر دوی آنها وجه وصفی مجهول هستند.

■ "همگان" این واژه بمعنی "همه" است درحالیکه شامل همه نمی‌شود (رومیان ۱۱:۲۶). بدیهی است که این عبارت، اغراقی بوده که در ادبیات یهود کاملاً رواج داشته است (متی ۵:۲۹-۳۰، ۳۸-۴۲؛ ۶:۲۴؛ ۷:۳-۵؛ ۲۳:۲۳-۲۴).

۳:۳ "نشان داده‌اید" به یادداشت دوم قرنتیان ۲:۱۴ مراجعه نمایید.

■ "نامه مسیح هستی" ایمانداران بنا را بر این دارند تا مسیح را در تمام انگیزه‌ها، کلمات و اعمال خود بروشنی نشان دهند. ما هر آنگونه که زندگی نماییم، بر اعتبار وی بازتاب می‌یابد!

■ "ثمره خدمت ما" به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرنتیان ۴:۱ مراجعه نمایید.

■ "روح خدای زنده" کاملاً روشن است که این لغت‌پردازی به تثلیث خداوند اشاره می‌کند. روح اغلب اشاره به روح عیسی دارد (رومیان ۸:۹؛ دوم قرنتیان ۳:۱۷؛ غلاطیان ۴:۶؛ ۱ پطرس ۱:۱۱). اینجا همین روانی بیان در رابطه با پدر نیز جهت‌دهی داده شده است. عنوان "خدای زنده" اشاره به یهوه نیز دارد که از فعل عبری "بودن" گرفته شده است (خروج ۳:۱۴). جزعیات این عنوان برای پدر در عهد عتیق کاملاً مرسوم است (متی ۱۶:۱۶؛ ۲۶:۶۳؛ اعمال رسولان ۱۴:۱۵؛ رومیان ۹:۲۶؛ دوم قرنتیان ۶:۱۶؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۹؛ ۱ تیموتائوس ۳:۱۵؛ ۴:۱۰؛ عبرانیان ۳:۱۲؛ ۹:۱۴؛ ۱۰:۳۱؛ ۱۲:۲۲؛ مکاشفه ۷:۲). در عهد عتیق بت‌های کافران عاری از حیات بودند. آنان توانایی اجابت خواسته‌ها را نداشته و یا همچون فصل مرده‌ی سال بودند (زمستان). یهوه تنها خدای راستین و همیشه زنده بود!

■ "نه بر لوح سنگی، بلکه بر لوح دل‌های گوشتین" بنظر می‌رسد که این عبارات اشاره به تن دادن به شریعت در خروج ۳۱:۱۸ و وعده یک پیمان جدید داشته باشد (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ و حزقیال ۳۶:۲۲-۳۸). این تضاد روشن میان پیمان قدیم بعنوان یک شریعت خارجی در برابر پیمان جدید بعنوان پیمان داخلی می‌باشد (قلب جدید، ذهن جدید، و روح جدید، حزقیال ۱۱:۱۹؛ ۳۶:۲۶).

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۳:۴-۶

ما چنین اطمینانی به واسطه مسیح در حضور خدا داریم. نه آنکه خود کفایت داشته باشیم تا چیزی را به حساب خود بگذاریم، بلکه کفایت ما از خداست. او ما را کفایت بخشیده که خدمتگزاران عهد جدید باشیم - عهدی که بر کار روح استوار است، نه بر آنچه نوشته‌ای بیش نیست. زیرا 'نوشته' می‌گردد، لیکن روح حیات می‌بخشد.

۴:۳ "اطمینان" این یکی دیگر از واژگان خاص پولس است که در بیشتر در دوم قرنتیان بکار برده شده است. این واژه از ریشه یونانی که برای ایمان، اعتماد و باور بکار برده می‌شد، گرفته شده است (*peithō* و *pisteuō*). معنی اولیه آن اعتماد، اطمینان و یا اتکاء می‌باشد.

۱. مفاد مثبت:

a. برنامه سفر پولس، دوم قرنتیان ۱:۱۵

b. اطمینان پولس به خدا بواسطه مسیح، دوم قرنتیان ۳:۴

c. اطمینان پولس به تیتوس، دوم قرنتیان ۸:۲۲

d. اطمینان پولس به مسیح، افسسیان ۳:۱۲

۲. مفاد منفی:

- a. پولس می‌خواست که با آنان مدارا کند، دوم قرن‌تین ۲:۱۰
 b. عدم تمایل پولس به قیاس اعتبار خود با معلمان دروغین، فیلیپیان ۴:۳

۵:۳ "نه آنکه خود کفایت داشته باشیم" واژه یونانی *hikanos* در عهد جدید فراوان بوده و به دو شیوه بکار برده شده است:

۱. بعنوان میزان زیادی از هر چیزی، حتی زمان (دوم قرن‌تین ۱۱:۳۰)
 ۲. متناسب، مناسب (دوم قرن‌تین ۲:۶)، شایسته، واجد شرایط، توانا یا کافی
- در اینجا حالت دوم بکار برده شده است. پولس احساس بی‌ارزش بودن خود را بوسیله این واژه در اول قرن‌تین ۹:۱۵ بیان داشته است. وی همچنین تصریح می‌کند که میسران انجیل همانگونه که در دوم قرن‌تین ۲:۱۶ و ۳:۵ عنوان گردیده، به خودی خود کافی نیستند. با اینحال، حتی اگر لایق باشیم، خداوند ما را فراخوانده و بعنوان نمایندگان خود ما را توانمند ساخته است (دوم قرن‌تین ۳:۶؛ ۲ تیموتائوس ۲:۲).
 ما تنها بواسطه "او" هست که لایق می‌باشیم (کولسیان ۱:۱۲)

■ "به حساب خود بگذاریم" واژه یونانی این عبارت *logizomai* بوده که پولس سی و چهار مرتبه آن را تکرار کرده، اما کمتر از هفت بار در بقیه عهد جدید بکار برده شده است (دوم قرن‌تین ۳:۵؛ ۵:۱۹؛ ۲:۱۰؛ ۷:۱۱؛ ۵:۱۲؛ ۶). این واژه منعکس کننده منطقی معرفتی حقیقت توسط پولس و سپس مشوق به تفکر در مشکلات می‌باشد.
 به لحاظ الهیاتی این کلمه بسیار مهم است:

۱. در نسخه Septuagint بخاطر جنبه‌های شخصی حقیقت (*New International Dictionary of NT Theology* جلد ۳، صفحه ۸۲۳).
۲. کاربرد آن در کتاب پیدایش ۱۵:۶، که پولس بمنظور تصدیق حقانیت عهد عتیق بر اساس هدیه رایگان خداوند بواسطه ایمان، بکار برده است (رومیان ۴:۳)
۳. این ممکن است که واژه فنی بوده که توسط سوفسطاییان در آیینهای خود از آن بهره می‌بردند (کتاب *Philo and Paul Among Sophists* نوشته Bruce W. Winter).

ایمانداران باید در آنچه که درباره ایمان باور دارند و علت آن، دقت نمایند. قابلیت‌های لفظی و روانی ما بخشی از تصویر خداوند در بشریت است. ما باید خدا را با ذهن خود پرستش نماییم (LXX تثنیه ۶:۵؛ متی ۲۲:۳۷). ما باید درباره ایمانی که در ما قرار داده شده، حساب پس دهیم (۱ پطرس ۳:۱۵). ما باید بواسطه باور ایمانی خود، بخاطر ثبات خود و بشارت کلام عیسی مسیح، عمیقاً تفکر کنیم. در اینباره می‌توانید به ویدیوی "چرا ما به عهد جدید باور داریم" بر روی وب سایت www.freebiblecommentary.org، با انتخاب گزینه "Biblical Interpretation Sermons" و سپس انتخاب ویدیوی سمینار Dalas, TX, 2009 و سپس در گوشه سمت راست صفحه، درس شماره ۳، مشاهده نمایید.

۶:۳ "خدمتگزاران عهد جدید" به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرن‌تین ۴:۱۰ مراجعه نمایید.

■ "نه بر آنچه نوشته‌ای بیش نیست، لیکن روح" در این رابطه مجموعه‌ای از مقایسه‌ها وجود دارد.

۱. مکتوب در مقابل وحی روحانی، دوم قرن‌تین ۳:۳ و ۶
۲. نامه در مقابل روح، دوم قرن‌تین ۳:۶
۳. خدمت قدیم در مقابل خدمت روحانی، دوم قرن‌تین ۳:۷
۴. خدمت متصل با محکومیت در مقابل خدمت متصل با ایستادن در جای حق، دوم قرن‌تین ۳:۹
۵. آنچه که به فنا رفته در مقابل آنچه جاودان است، دوم قرن‌تین ۳:۱۱
۶. پرده باز نشده در مقابل پرده کنار رفته، دوم قرن‌تین ۳:۱۴

پولس در تقابل با پیمانهای قدیمی و جدید، ولی با ایمان قلبی (رومیان ۲:۲۹؛ ۷:۶) در مقابل ایمان (شریعت‌گرایی، کارایی بشر، خودباوری).

■ "نوشته می‌گشود" بنظر می‌رسد که این عبارت در ارتباط با مقصود اولیه شریعت موسی باشد. نه برای حیات بخشیدن، بلکه برای تأکید و عیان نمودن گناه ما داده شد (رومیان ۷:۹-۱۱؛ غلاطیان ۳:۱۰). شریعت، محکومیت (رومیان ۵:۱۳)، خشم (رومیان ۴:۱۵) و خشم (رومیان ۷:۹-۱۱)؛ دوم قرن‌تین ۳:۶) بهمراه می‌آورد. به کتاب *A Theology of the New Testament* نوشته George E. Ladd صفحات ۴۹۵-۵۱۰ مراجعه نمایید. جایگاه شرع بروشنی در رومیان ۳:۲۰؛ ۵:۲۰؛ ۴:۱۰؛ غلاطیان ۳:۲۴-۲۵ دیده می‌شود. روابط میان ایماندار عهد جدید و شریعت عهد عتیق بطور کامل باعث سردرگمی بوده است. بنظر من، با توجه به همه آنچه که در عهد جدید گفته شد، مسیحیت تحت شریعت عهد عتیق قرار ندارد (رومیان ۶:۱۴)؛

غلاطیان ۵: ۱۸). این امر بدین علت نیست که شریعت عهد عتیق از میان رفته، بلکه به این علت است که مسیحیت عهد جدید، با روابط عاطفی خداوند با ما و محبت ایمانداران به یکدیگر، شریعت عهد عتیق را تکمیل می‌کند (رومیان ۸: ۱۳-۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱۴). مقصود از شریعت، روی آوردن بشریت رانده شده از بهشت خداوند به سوی مسیح است تا آنان بتوانند خود را باز یابند. با اینحال، فقط بخاطر اینکه شریعت عهد عتیق علت نجات و رستگاری نیست، اما بدین معنا هم نیست که خواست خداوند نیست که بشر دارای جوامع گوناگون باشد (متی ۵: ۱۷؛ رومیان ۸: ۴). به موضوع خاص: دیدگاه پولس درباره شریعت موسی در اول قرن‌تین ۹: ۹ مراجعه نمایید.

□ "روح حیات می‌بخشد" این عبارت شیوه‌ای را برای ترجمه انجیلی بدست ما نمی‌دهد. این پاراگراف ارتباطی با قواعد دستور زبان تاریخی بلحاظ ترجمه کتاب مقدس در برابر شیوه تمثیلی، ندارد. بلکه در وحله اول به مرز میان هدف اصلی عهد عتیق و جدید ارتباط پیدا می‌کند. بلکه بیشتر ارتباط با نقش ایمان قلبی در ذات خداوند (یوحنا ۳: ۶۳) در برابر اعتماد به منابع انسانی دارد (دانش، اعمال، جایگاه نژادی). کلید این موضوع، محبت خداوند، اعمال عیسی، و فعال شدن روح است. توجه داشته باشید که دو مبحث کشتن نوشته و حیات بخشیدن روح، حال کامل اخباری هستند.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۳: ۷-۱۱

حال، اگر خدمتی که به مرگ می‌انجامید و بر حروف حک شده بر سنگ استوار بود، با جلال به ظهور رسید، به گونه‌ای که بنی اسرائیل نمی‌توانستند به سبب جلال چهره موسی بر آن چشم بدوزند، هرچند آن جلال رو به زوال بود،^۸ چقدر بیشتر، خدمتی که به واسطه روح است با جلال خواهد بود.^۹ زیرا اگر خدمتی که به محکومیت می‌انجامید با جلال بود، چقدر بیشتر خدمتی که به پارساشمردگی می‌انجامد آکنده از جلال است.^{۱۰} زیرا آنچه زمانی پر جلال بود، اکنون در قیاس با این جلال برتر، دیگر جلوه‌ای ندارد.^{۱۱} و اگر آنچه زوال می‌پذیرفت با جلال همراه بود، چقدر بیشتر آنچه باقی می‌ماند با جلال همراه است.

۷: ۳ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول بوده که با توجه به دیدگاه نویسنده یا مقاصد ادبی وی، درست و بجا بنظر می‌رسد.

□ "خدمتی که به مرگ می‌انجامید و بر حروف حک شده بر سنگ استوار بود" هدف از شریعت، نشان دادن گناهکاری بود (غلاطیان ۳: ۲۴). این بخش، دوم قرن‌تین ۳: ۷-۱۸، یک *Midrash* ربیبانی بر کتاب خروج ۳۴: ۲۳-۲۵ است. از استعاره "پرده" در سه لایه استفاده شده است: (۱) موسی؛ (۲) یهودیان معاصر؛ (۳) ایمانداران.

پیمان قدیم توسط انگشتان خداوند بر روی لوح سنگی در کوه سینا حک گردیده بود (خروج ۱۹-۲۰). پیمان جدید نیز توسط خداوند، اما بر قلب ایمانداران وفادار حک گردیده است (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۸). اولی، توسط اطاعت و سرسپردگی نسبت به یک قانون خارجی، اما دومی، بر اساس یک رابطه داخلی شخصیت‌پردازی گردیده است.

□ "با جلال به ظهور رسید" به موضوع خاص: جلال (*DOXA*) در اول قرن‌تین ۲: ۷ مراجعه نمایید.

□ "نمی‌توانستند به سبب جلال چهره موسی بر آن چشم بدوزند، هرچند آن جلال رو به زوال بود" این جملات ارتباط پیدا می‌کند با خروج ۳۴: ۳۰-۳۵. درباره این بخش بحث‌های زیادی در جریان بوده است. برخی تصور می‌کنند که موسی صورت خود را بمنظور حفظ قوم بنی اسرائیل از زوال جلال وی، می‌پوشاند (دوم قرن‌تین ۳: ۷، ۱۳). دیگران اما، فکر می‌کنند که موسی صورت خود را می‌پوشاند چون قوم بنی اسرائیل بدلیل گناهی که داشتند، تاب دیدن جلال خدا را نداشتند.

۸: ۳ این آیه در تقابل با مأموریت موسی است که جلال خدا را با مأموریت روح، که جلال پدر را در اختیار همگان قرار می‌دهد، منعکس می‌کند.

۹: ۳ "اگر" این جمله شرطی دیگری از نوع سوم می‌باشد که با توجه به دیدگاه نویسنده و مقاصد ادبی وی، درست بنظر می‌رسد.

□ "خدمتی که به محکومیت می‌انجامید" عجب راه منفی و اشتباهی برای تعریف از پیمان قدیم می‌باشد.

□ "خدمت به پارساشمردگی" عهد عتیق بیشتر فرزندان ابراهیم را به محکومیت کشاند. عهد جدید برای تمام فرزندان آدم پارسایی و رستگاری به ارمغان می‌آورد، تنها اگر آنان به کار تمام شده خداوند بواسطه مسیح و دم روح اعتماد نمایند. به موضوع خاص پارسایی در اول قرن‌تین ۱: ۳۰ مراجعه نمایید.

□ "آکنده" این حالت حال کامل اخباری از عبارت *perisseuō* بوده که بر تداوم ذات تأکید دارد. به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تین ۱: ۵ و موضوع خاص در دوم قرن‌تین ۲: ۷ مراجعه نمایید.

"زیرا آنچه زمانی پر جلال بود، اکنون در قیاس با این جلال برتر، دیگر جلوه‌ای ندارد"
 "زیرا حتی آنچه که جلال داده شده در این مورد دیگر جلوه نداشته، زیرا که آن جلال برتر است"
 "حقیقتاً آنچه که روزی جلال داشت، جلوه خود را بخاطر جلالی عظیم‌تر از دست داده است"
 "می‌توان گفت که اکنون بخاطر شکوهی بمراتب روشن‌تر، آنچه که قبلاً روشن می‌نمود از بین رفته است"
 "حقیقتاً، آنچه که روزی جلوه خوانده می‌شد، آنچه را که مدعایش را داشت، بوسیله تضاد با شکوهی که آن را تحت تأثیر قرار داده، از بین رفته است"

عهد عتیق بوسیله عبارت "جلال داشت" شناخته می‌شود (مجهول اخباری کامل). بطور یقین این امر از جانب خدا بوده و او را منعکس می‌کند. با اینحال، مکاشفه کاملتر مسیح است، کسی که شکوه و جلال عهد جدید محسوب می‌گردد (وجه وصفی مجهول کامل). این قیاس از پیمانهای یهوه در کتاب عبرانیان شکل گرفته است. به موضوع خاص: جلال (*DOXA*) در اول قرن‌تبیان ۷:۲ مراجعه نمایید.

حرف ربط "با" (حالت فاعلی، خنثی، مفرد) بشکل یک قاب نگهدارنده در دستور زبان برای "پیمان قدیم" بکار برده شده است (اکثر نسخه‌های انگلیسی از "چه" استفاده کرده‌اند). این حرف در این متن موارد زیر را مشخص می‌کند:

۱. "نوشته شده بر لوح‌های سنگی"، دوم قرن‌تبیان ۷:۳، ۳
۲. "نوشته"، دوم قرن‌تبیان ۶:۳
۳. "مأموریت مرگ"، دوم قرن‌تبیان ۷:۳
۴. "مأموریت محکوم"، دوم قرن‌تبیان ۹:۳

■ "برتر" این عبارتی از "فراتر" یا "ورای" است. پولس از این عبارت در اینجا و در دوم قرن‌تبیان ۹:۱۴ استفاده کرده است ("جلال برتر خداوند"). او همچنین از دو عبارت *hyperballō* و *perisseuō* در دوم قرن‌تبیان ۱۱:۲۳، در جاییکه که او گذشته و مأموریت خود را با صلاحیت معلمان دروغین قیاس می‌کند، بکار برده است. پولس با احساس شدید و الفاظ اغراق آمیز سخن می‌گوید! به موضوع خاص: استفاده پولس از کلمات تلفیقی *Huper* در اول قرن‌تبیان ۱:۲ مراجعه نمایید.

■ ۱۱:۳ "اگر" این جمله شرطی دیگری از نوع اول است.

■ "زوال می‌پذیرفت" این واژه یونانی *katargeō* است، که اغلب در نامه‌های قرن‌تبیان توسط پولس بکار برده شده است (اول قرن‌تبیان ۱:۲۸؛ ۲:۶؛ ۶:۱۳؛ ۸:۱۳، ۱۰، ۱۱، ۱۵:۲۴، ۲۶؛ دوم قرن‌تبیان ۷:۳، ۱۱، ۱۳، ۱۴). به موضوع خاص در اول قرن‌تبیان ۱:۲۸ مراجعه نمایید.

■ "چقدر بیشتر آنچه باقی می‌ماند با جلال همراه است" تضاد میان آنچه که از خدا هست، یا جلال خدا را دارد نیست، بلکه چه چیزی جلال بیشتر یا جلال پایدار را دارد، می‌باشد. پاسخ، پیمان جدید در راه مسیح، عصر جدید روح، و اکنون برنامه ابدی از پیش تأیید شده‌ی خداوند است (اعمال رسولان ۲:۲۲-۲۴؛ ۳:۱۸-۲۱؛ ۴:۲۸؛ ۱۳:۲۹-۴۱).

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تبیان ۱۲:۳-۱۸

۱۲ پس چون چنین امیدی داریم، با شهامت کامل سخن می‌گوییم؛^{۱۳} نه مانند موسی که نقابی بر چهره خود کشید تا بنی اسرائیل غایت آنچه را که رو به زوال بود، نظاره نکنند.^{۱۴} اما ذهنهای ایشان تاریک شد زیرا تا به امروز همان نقاب به هنگام خواندن عهد عتیق باقی است و برداشته نشده، زیرا تنها در مسیح زایل می‌شود.^{۱۵} حتی تا به امروز، هر گاه موسی را می‌خوانند، نقابی بر دل آنها برقرار می‌ماند؛^{۱۶} اما هر گاه کسی نزد خداوند باز می‌گردد، نقاب برداشته می‌شود.^{۱۷} خداوند، روح است و هر جا روح خداوند باشد، آنجا آزادی است.^{۱۸} و همه ما که با چهره بی‌نقاب، جلال خداوند را، چنانکه در آینه‌ای، می‌نگریم، به صورت همان تصویر، از جلال به جلالی فروتر دگرگون می‌شویم؛ و این از خداوند سرچشمه می‌گیرد که روح است.

■ ۱۲:۳ "چون چنین امیدی داریم" بنظر می‌رسد که این یک جلال اسکاتولوژیک باشد (دوم قرن‌تبیان ۱۱:۳). به موضوع خاص: امید در اول قرن‌تبیان ۱۳:۱۳ مراجعه نمایید.

■ "با شهامت کامل سخن می‌گوییم" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: جسارت (*parrhēsia*)

(Special Topic: Boldness (*Parrhēsia*))

این اصطلاح یونانی از ترکیب "همه" (*pan*) و "سخن گفتن" (*rhēsis*) درست شده است. این آزادی یا جسارت در سخن گفتن اغلب مفهوم جسارت در میان مخالفان و طردکنندگان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۱۳، اول تسالونیکیان ۲: ۲).

در نوشته‌های یوحنا (۱۳ مرتبه استفاده شده است) اغلب به مفهوم اعلام عمومی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۲۰، همچنین در نوشته‌های پولس، کولسیان ۲: ۱۵). با این حال، گاهی اوقات فقط به معنی "به روشنی" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۴، ۱۱: ۱۴، ۱۶: ۲۵ و ۲۹).

در اعمال رسولان، شاگردان از پیامی در باره عیسی صحبت می‌کنند، به همان شیوه (با جسارت) که عیسی درباره پدر و برنامه‌ها و وعده‌هایش صحبت می‌کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۹، ۴: ۱۳ و ۲۹ و ۳۱، ۹: ۲۷ و ۲۸، ۱۳: ۴۶، ۱۴: ۱۳، ۱۸: ۲۶، ۸: ۱۹، ۲۶: ۲۶، ۲۸: ۳۱). پولس همچنین درخواست کرد برایش دعا شود که بتواند با جسارت انجیل را موعظه کند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۹، اول تسالونیکیان ۲: ۲) و انجیل را زنده نگاه دارد (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۰).

امید اسکاتولوژیک پولس در مسیح به او جسارت و اعتماد به نفس داد تا انجیل را در این عصر شیطنانی موعظه کند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳: ۱۱ و ۱۲). او همچنین اطمینان داشت که پیروان عیسی به صورت مناسب عمل خواهند کرد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۷: ۴).

یک جنبه دیگر در این اصطلاح وجود دارد. کتاب عبرانیان از آن به مفهومی منحصر به فرد جسارت مومن در مسیح برای نزدیک شدن به خدا و صحبت کردن با او استفاده می‌کند (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۶، ۴: ۱۶، ۱۰: ۱۹ و ۳۵). ایمانداران به طور کامل با صمیمیت پدر از طریق پسر مورد استقبال قرار گرفته و پذیرفته می‌شوند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱)!

به چندین شیوه در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است

۱. اطمینان، جسارت یا اعتماد نسبت به

a. انسانها (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۹، ۴: ۱۳ و ۳۱، دوم قرنتیان ۳: ۱۲، افسسیان ۶: ۱۹)

b. خدا (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲۱، ۴: ۱۲، ۵: ۱۴، عبرانیان ۳: ۶، ۴: ۱۶، ۱۰: ۱۹)

۲. آزادانه، شفاف یا غیر مبهم سخن گفتن (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۲، انجیل یوحنا ۷: ۴ و ۱۳، ۱۰: ۲۴، ۱۱: ۱۴، ۱۶: ۲۵، اعمال رسولان ۲۸: ۳۱)

۳. در ملا عام صحبت کردن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲۶، ۱۱: ۵۴، ۱۸: ۲۰)

۴. حالت مرتبط (*parrhēsiazomai*) برای با جسارت موعظه کردن در شرایط سخت استفاده می‌شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۲۶، ۸: ۱۹، افسسیان ۶: ۲۰، اول تسالونیکیان ۲: ۲)

۱۳:۳ "این آیه اشاره به آیه ۷ داشته که کنایه‌ای است به خروج ۳۴:۲۹-۳۵. در عهد عتیق، موسی بدلیل اینکه ترس از آنچه که ممکن است بخاطر روشنایی صورت او بر سر قوم بنی اسرائیل آید، صورت خود را می‌پوشاند (خروج ۳۴: ۳۰). پولس علت این امر را چنان تفسیر می‌کند تا استناد به عهد عتیق را تشدید نماید. صورت موسی نیز همچون پیمان او رو به خاموشی دارد!

پولس مقایسه‌های متعددی میان پیمان موسی و عیسی انجام داده است.

۱. ارباب خروج = روح عیسی

۲. تنها موسی می‌توانست بخدا نزدیک گردد، در برابر همه ایمانداران در راه مسیح می‌توانند به خدا نزدیک شوند

۳. صورت پرشکوه موسی به خاموشی می‌گراید، در برابر جلال عیسی هرگز از بین نمی‌رود

۴. پیروان موسی نمی‌توانند مسیح را در عهد عتیق ببینند، در برابر پیروان عیسی بواسطه روح می‌توانند عهد عتیق را در زیر نور مسیح بدرستی تفسیر نمایند.

۵. موسی قوانین دست و پاگیر بوجود آورد، اما مسیح رحمت آزادی به ارمغان آورد

۶. نامه شریعت موسی مرگ با خود آورد، در مقابل روح پیمان جدید، حیات، حیات ابدی و بیکران بدنبال خود آورد

۷. پیمان موسی قادر به بوجود آوردن پارسایی برای مردم نبود، اما در مقابل پیمان عیسی مردم را پارسا و رستگار نمود (هم بصورت عینی در دفاع، و هم بصورت ذهنی در تذهیب).

۱۴:۳ "اما ذهنهای ایشان تاریک شد" این یک جمله مجهول اخباری آئوریستی است. این واژه یونانی از عبارات "سخت پوست" یا "پینه بسته" گرفته شده است (مرقس ۶:۵۲؛ ۸:۱۷؛ رومیان ۷:۱۱، ۲۵). کوری روحانی دارای ریشه روحانی [۱] نگارش خداوند با صدای مجهول؛ اشعیا ۶:۹-۱۰؛ ۲۹:۱۰؛ یوحنا ۱۲:۴۰؛ رومیان ۹:۱۸ و [۲] شیطان، دوم قرن تیان (۴:۴) و ریشه انسانی (یوحنا ۳:۱۹-۲۰) می باشد. برای مطالعه بیشتر درباره بحث الهیاتی راز تاریک شدن ذهنهای قوم بنی اسرائیل، رومیان ۹-۱۱ و همینطور کتاب *Hard Sayings of the Bible* از انتشارات Varsity Press صفحات ۶۱۹-۶۲۱ مراجعه نمایید.

فعل "برقرار می ماند" در دوم قرن تیان ۳:۱۵ می تواند مجهول حال حاضر (شماره ۱) یا حال میانی (شماره ۲) باشد.

به موضوع خاص: طرح در دوم قرن تیان ۲:۱۱ مراجعه نمایید.

▣ "نقاب به هنگام خواندن عهد عتیق باقی است" موسی از یک نقاب واقعی استفاده می کرد؛ اکنون از این واژه برای تعریف کوری یهودیت معاصر استفاده می گردد. یهودیان در داوری اشعیا ۶:۹-۱۰ و ۲۹:۱۰ حرکت می کرده/می کنند. این امر همچنین اشاره به یهودیان روزگار ما دارد که مسیح را بعنوان منجی انکار می کنند (دوم قرن تیان ۳:۱۵).

▣ "زیرا تنها در مسیح زایل می شود" (نسخه انگلیسی: "این نقاب تنها در راه مسیح برداشته می شود") فقط رحمت خداوند می تواند این سنت تاریک و گناه را از بین برد. مردم مذهبی همچون افراد غیر مذهبی مستعد کوری معنوی هستند. تنها امید بشریت

۱. رحمت تغییرناپذیر پدر می باشد

۲. کفاره کامل و تمام شده پسر می باشد

۳. کار و دم روح به جهانیان می باشد

رستگاری یک هدیه روحانیست، نه بحث خانوادگی، سنت، کمی یا کیفی! آنچه که پولس احتمالاً در این متن بر آن تصریح دارد توانایی ایمانداران بواسطه روح بمنظور دیدن حیات، آموزه ها و عمل عیسی در طول عهد عتیق می باشد. عیسی خود اذهان آن دو نفر را در جاده عماؤس روشن نمود (لوقا ۲۴:۱۳-۳۵؛ بویژه دوم قرن تیان ۳:۲۵-۲۷).

NASB, TEV "برداشته می شود"

NKJV "کنار زده می شود"

NRSV "کنار گذاشته می شود"

NJB "انجام می شود"

به موضوع خاص: *Katargeō* در اول قرن تیان ۱:۲۸ مراجعه نمایید.

۱۵:۳ "قلب" به موضوع خاص: قلب در اول قرن تیان ۱۴:۲۵ مراجعه نمایید.

۱۶:۳ "اما هر گاه کسی نزد خداوند باز می گردد، نقاب برداشته می شود" این می تواند نقل قولی از خروج ۳۴:۳۴ باشد. در اینصورت ارتباط با کارهای موسی در هنگام نزدیکی به خداوند دارد. همچنین بنظر می رسد که یک دعوت جهانی برای همه و هر کسی که به خداوند بگردد دارد. واژه "باز می گردد" در زبان عبری (*shub*) اشاره به توبه دارد. واژه "خداوند"، می تواند یا به یهوه و یا به عیسی اشاره داشته باشد. بنظر می رسد که این ابهام عمدی بوده باشد. به تلفیق تأکیدی که بر انتخابهای اختیاری انسان و کارهای الهی شده، توجه نمایید (عهد).

۱۷:۳ "خداوند، روح است" مأموریت عیسی و روح بشکل جدانشدنی به هم وصل هستند (دوم قرن تیان ۳:۱۷-۱۸). مأموریت روح بزرگ نمودن عیسی است (یوحنا ۱۶:۸-۱۴).

این امکان وجود دارد که پولس درباره ارتباط عیسی و روح نظر نمی دهد، بلکه کلمه "خداوند" (*kurios*) در دوم قرن تیان ۳:۱۶ تعریف کرده، که در متن خروج ۳۴:۳۴، اشاره به یهوه دارد (به موضوع خاص در دوم قرن تیان ۱:۱ مراجعه نمایید)، اما پولس آن را به شیوه ای که در ترجمه REB بکار رفته، استفاده می کند، "اکنون خداوند آن که این کلام را سخن می گوید، روح است". در اینصورت، پس همه این بخش با وجود بکار بردن "خداوند"، اشاره به عیسی نداشته، بلکه به روح اشاره دارد (پیدایش ۲:۱ و همچنین یادداشت Gordon D. Fee بنام *To What End Exegesis* صفحات ۲۱۸-۲۳۹ مراجعه نمایید). باین ترتیب اینجا تنها جایبست که پولس *Kuuros* را برای روح بکار می برد. این امر تضاد میان قوانین شریعت عهد عتیق و بدنبال آن انجیل نانوخته می باشد (مکتوب در برابر زنده).

موضوع خاص: عیسی و روح

(Special Topic: Jesus And The Spirit)

جریان روانی میان کار روح و پسر وجود دارد. G. Campbell Morgan می‌گوید بهترین نام برای روح "عیسی دیگر" است (با این حال، آنها از یکدیگر متمایز و بوده و زندگی جاویدان دارند). فهرست زیر مقایسه مشخصه کار و عناوین پسر و روح هستند

۱. روح "روح عیسی" یا عبارات خطاب گفته می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۷، غلاطیان ۴: ۶، اول پطرس ۱: ۱۱) .a. "حقیقت"

۱) عیسی (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶)

۲) روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۶: ۱۳)

b. "حامی"

۱) عیسی (اول یوحنا ۲: ۱)

۲) روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷)

c. "مقدس"

۱) عیسی (انجیل مرقس ۱: ۲۴، انجیل لوقا ۱: ۳۵، اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۴: ۲۷ و ۳۰)

۲. هر دو با اصطلاحات مشابه خطاب می‌شوند

a. عیسی (انجیل متی ۲۸: ۲۰، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۰ و ۲۳)، ۱۵: ۴ و ۵، رومیان ۸: ۱۰، دوم قرنتیان ۱۳: ۵، غلاطیان ۲: ۲۰، افسسیان ۳: ۱۷، کولسیان ۱: ۲۷)

b. روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ الی ۱۷، رومیان ۸: ۹ و ۱۱، اول قرنتیان ۳: ۱۶، ۶: ۱۹، دوم تیموتائوس ۱: ۱۴)

c. پدر (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳، دوم قرنتیان ۶: ۱۶)

۳. هر دو در ایمانداران مقیم هستند

۴. وظیفه روح شهادت دادن برای عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۹، ۱۶: ۱۳ الی ۱۵)

■ "آنجا آزادی است" این عبارت اشاره به آزادی از کوری روحانی و شریعت‌گرایی بوجود آمده با یک رابطه ایمان شخصی با عیسی مسیح دارد (یوحنا ۸: ۳۲، ۳۶؛ رومیان ۱۴؛ اول قرنتیان ۸: ۱۰؛ ۲۳؛ غلاطیان ۵: ۱، ۱۳).

یکی از مفسران مورد علاقه من، F. F. Bruce در کتاب خود بنام *Paul: Apostle of the Heart Set Free* می‌گوید:

"پولس یقیناً می‌دانست که محبت مسیح همه قدرتها را در زندگی متقاعد می‌کند. جایی که محبت قدرت متقاعد کننده است، هیچ قید و بند و فشاری در انجام آنچه که درست بنظر می‌رسد، وجود ندارد: مرد یا زنی که با محبت عیسی متقاعد می‌گردند و بویسه روح او و خواست خدا نیرو می‌گیرند. زیرا (انگونه که پولس بلحاظ تجربه می‌گوید) "جایی که روح خداوند هست، قلب به رایگان می‌باشد" (صفحه ۲۱).

■ **۱۸:۳ "با چهره بی نقاب"** این یک وجه وصفی مجهول کامل است که از برداشتن دائمی نقاب می‌گوید. همچنین به "همه ما" در اشاره به ایماندارانی که دچار سردرگمی و تفرقه در کلیسای قرن‌تس هستند، توجه نمایند.

■ **"جلال خداوند را، چنانکه در آینه‌ای، می‌نگریم"** انجیل بطور کامل هم بهوه و هم عیسای ناصری را هویدا کرده است (دوم قرنتیان ۴: ۶). چنانچه ما به توبه و ایمان پاسخ مثبت دهیم، در ذات الهی نیز تغییر خواهیم کرد. مشابه همین استعاره در دوم قرنتیان ۴: ۴ دیده می‌شود. این مسیحیان قرن‌تس بوضوح خدا را بواسطه انجیل در مسیح دیده بودند.

واژه "می‌نگریم" بسیار نادر است. کتاب مرجع *The Greek-English Lexicon of the New Testament and Other Early Christian Literature* Bauer, Arndt, Gingrich, Danker فهرستی براساس زمان احتمالی جمله تهیه کرده‌اند (صفحه ۴۲۴).

۱. معلوم، انعکاس بوجود می‌آورد

۲. مجهول، آنچه که در آینه دیده می‌شود

۳. میانه، خود را در آینه دیدن

■ "دگرگون می‌شویم" حال مجهول اخباری می‌باشد. همه افعال در این متن دارای زمان مجهول هستند که نشانگر کار خدا از طرف ما و تبدیل ایمانداران به شبیه شدن به مسیح است (رومیان ۲:۱۲). مشابه همین فعل برای تغییر شکل و صورت بکار رفته است (متی ۱۷:۲؛ مرقس ۱۹:۲). ما کلمه انگلیسی metamorphosis را در زبان انگلیسی (بمعنی دگرپدیزی) از همین عبارت یونانی گرفته‌ایم.

■ "به صورت همان تصویر" عیسی تصویر خداوند است (دوم قرنتیان ۴:۴؛ یوحنا ۱۴-۱۸؛ ۹:۱۴؛ کولسیان ۱:۱۵؛ عبرانیان ۱:۳). بشر از تصویر خدا آفریده شده است (پیدایش ۱:۲۶-۲۷). ایمانداران تصویر مسیح هستند (رومیان ۸:۲۹-۳۰). شبیه به مسیح شدن هدف اولیه خداوند برای همه ایمانداران است (غلاطیان ۴:۱۹؛ افسسیان ۱:۴).

■ "از جلال به جلالی" در واقع اینها صحنه‌هایی از برنامه خدا برای احیا و تجدید بشریت است. ایمانداران در مرحله‌ای قرار گرفته‌اند (به موضوع خاص در اول قرنتیان ۳:۱۵ مراجعه نمایید) که بسوی شبیه شدن به مسیح در حال هدایت هستند (۱ یوحنا ۳:۲). به موضوع خاص: جلال در اول قرنتیان ۲:۷ مراجعه نمایید.

■ "خداوند، روح" برخی ترجمه‌های ممکن:

۱. King James، "حتی بوسیله روح عیسی"
۲. Vulgate، "حتی از عیسی (که خود) روح است"
۳. Westcott and Hort، "حتی از روح پادشاه"
۴. با توجه به متن دوم قرنتیان ۳:۱۶-۱۷، "حتی از خداوند که روح است" (TEV, NJB, NIV).

از برخی متون بسیار دشوار می‌توان فهمید که واژه بکار برده شده برای *pneuma* بمعنی روح، برای چه موردی بکار برده شده است:

۱. روح با حرف "s" کوچک (spirit) اشاره به روح انسان دارد (KJV). دوم قرنتیان ۳:۶، ۸؛ رومیان ۷:۶؛ اول قرنتیان ۱۵:۴۵)
۲. روح با حرف "S" بزرگ (Spirit) اشاره به روح القدس و طرف سوم در تثلیث ابدی دارد (دوم قرنتیان ۳:۳؛ رومیان ۸:۹؛ غلاطیان ۴:۶؛ ۱ پطرس ۱:۱۱).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. تفاوت عهد عتیق و عهد جدید را توضیح دهید
۲. چرا گفته می‌شود عهد عتیق مرگ است؟ آیا این بمعنی شریک بودن عهد عتیق است؟
۳. چه ارتباطی میان عهد عتیق و عهد جدید وجود دارد؟
۴. آیا این بخش سخن از روح القدس دارد یا جهان روحانی؟
۵. استعاره "نقاب" سعی در برقراری چه ارتباطی با مسیحیان امروزی دارد؟

دوم قرنتیان ۴

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
گنجینه در بدنهای زمینی	نور انجیل مسیح	گنجینه راستین، مبشرین فناپذیر	گنجینه‌هایی معنوی در ظروف خاکی	از تروآس به مقدونیه - رسالت: اهمیت آن (۲:۱۲-۴:۶)
۶-۱:۴	۶-۱:۴	۶-۱:۴	۶-۱:۴	۶-۱:۴
	سرخورده اما مغلوب نشده			مصائب و امیدهای رسولان (۷:۴-۱۰:۵)
۱۵-۷:۴	۱۵-۷:۴	۱۲-۷:۴	۱۲-۷:۴	۱۲-۷:۴
زندگی با ایمان	دیدن نامرئی	۱۵-۱۳:۴	۱۵-۱۳:۴	۱۵-۱۳:۴
(۱۶:۴-۵:۵)			زندگی با ایمان (۱۶:۴-۵:۵)	
	۱۸-۱۶:۴	۱۸-۱۶:۴	۱۸-۱۶:۴	۱۸-۱۶:۴

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

خلاصه‌ای از رؤس مطالب

- A. معرفی این فصل، دوم قرنتیان ۲:۴
- B. نقطه مقابل پیام، دوم قرنتیان ۴-۳:۴
- C. پیام پوشیده شد، دوم قرنتیان ۴:۴
- D. پارادوکس پیام، دوم قرنتیان ۱۳-۷:۴
- E. نتایج پیام، دوم قرنتیان ۱۴-۱۸:۴

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۶-۱:۴

۱ پس چون در نتیجه رحمتی که بر ما شده است از چنین خدمتی برخورداریم، دلسرد نمی‌شویم. ^۲ بلکه از روشهای پنهانی و ننگین دوری جسته‌ایم و به فریبکاری توسل نمی‌جوئیم و کلام خدا را نیز تحریف نمی‌کنیم، بلکه به عکس، با بیان آشکار حقیقت، می‌کوشیم در حضور خدا

مورد تأیید وجدان همه باشیم. ^۳ حتی اگر انجیل ما پوشیده است، بر کسانی پوشیده است که در طریق هلاکتند. ^۴ خدای این عصر ذهنهای بی‌ایمانان را کور کرده تا نور انجیل جلال مسیح را که صورت خداست، نبینند. ^۵ زیرا ما خود را موعظه نمی‌کنیم، بلکه عیسی مسیح را به عنوان خداوند موعظه می‌کنیم، و از خود تنها به خاطر عیسی، و آن هم فقط به عنوان خادم شما سخن می‌گوییم. ^۶ زیرا همان خدا که گفت: «نور از میان تاریکی بتابد»، نور خود را در دل‌های ما تابانید تا شناخت جلال خدا در چهره مسیح، ما را منور سازد.

۱:۴ "ما" روشن است که پولس از ضمایر جمع برای اشاره به خود استفاده می‌کند، همانگونه که در سرتاسر این فصل انجام داده است.

□ "از چنین خدمتی برخورداریم" پولس به "خدمت روح" (دوم قرن‌تیان ۸:۳)، همچنین "خدمت پارسایی" (دوم قرن‌تیان ۹:۳) اشاره می‌کند. پولس این کلمه را برای خدمت، *dikonia*، در دوم قرن‌تیان اغلب بکار برده است.

۱. *Diakonēō*، دوم قرن‌تیان ۳:۳؛ ۸:۱۹، ۲۰

۲. *Diakonia*، دوم قرن‌تیان ۷:۳، ۸، ۹؛ ۴:۱؛ ۵:۱۸؛ ۶:۳؛ ۸:۴؛ ۹:۱؛ ۱۲:۱۳؛ ۱۱:۸

۳. *Diakonos*، دوم قرن‌تیان ۳:۶؛ ۴:۶؛ ۱۱:۱۵، ۲۳

مسیحیان نجات یافته‌اند تا خدمت کنند (افسسیان ۲:۱۰). در مسیحیت تمرکز بر روی "چه چیز به نفع من خواهد بود" نیست، بلکه بر "بخاطر آنچه که مسیح برای من انجام داد، من چه می‌توانم برای دیگران انجام دهم" می‌باشد. پولس خدمت کرد و دیگران را به خدمت فرا خواند (غلاطیان ۲:۲۰). به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرن‌تیان ۴:۱ مراجعه نمایید.

□ "در نتیجه رحمتی که بر ما شده" رحمت خدا برای شائول، که سربازی بی‌شاعبه و ضد مسیحیت بود (۱ تیموتائوس ۱:۱۳، ۱۶)، در راه دمشق (مجهول اخباری آئوریستی) وی را ترغیب نموده تا خبر خوش را در قالب فلاکت وعظ نماید.

پولس مطالب خود را به یونانی می‌نوشت، اما به عبری فکر می‌کرد. واژه یونانی *eleeō* (رحمت، ترحم) در نسخه Septuagint برای ترجمه عبارت عبری *hesed* بکار برده شده (به موضوع خاص در اول قرن‌تیان ۱:۱۳ مراجعه نمایید)، که به صداقت عهد ارتباط پیدا می‌کند. یهوه به تمام وعده‌هایی که در پیمان خود داده، حتی هنگامی که بشریت بی‌وفایی کرده، وفادار بوده است! مکالمات احساساتی پولس بروشنی همدردی خداوند را نشان می‌دهد. وی بخاطر عهدی که بسته، در کمال ترحم با یهودیان (رومیان ۹:۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳-۲۴؛ ۱۱:۳۰) و غیر یهودیان (رومیان ۱۱:۳۲) برخورد کرده، که همانا بازبایی تصویر خداوند در بشریت و بواسطه کار مسیح و مأموریت روح می‌باشد. وفاداری خداوند به هم‌پیمانان خود و رحمت تغییرناپذیر او تنها امید بشریت می‌باشد.

□ "دل‌سرد نمی‌شویم" این جمله حال کامل اخباری است. باید آن را در نور کلی مأموریت پولس و این بخش خاص از متن درک نمود (دوم قرن‌تیان ۴:۱۶). پولس حس نمی‌کرد که دائماً در حال دل‌سرد شدن بوده است. عیسی بارها در رویا به وی آشکار شده تا او را ترغیب نماید (اعمال رسولان ۹:۱۸-۱۰؛ ۲۳:۱۱؛ ۲۷:۲۴؛ ۲ تیموتائوس ۴:۱۷). در این قسمت خاص از متن، در ظاهر دادگاه‌های فیزیکی و مشکلاتی که با کلیسای قرنتس وجود داشت، پولس اطمینان داشت که رحمت خداوند با او بوده و کنترل همه چیز را بدست دارد (دوم قرن‌تیان ۳:۱۲). وظیفه بقدری مهم بود که نباید دل‌سرد می‌گشت (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال رسولان ۸:۱).

۲:۴ "دوری جسته‌ایم" این یک جمله اخباری میان‌آئوریستی می‌باشد. مجموعه‌ای از مواردی وجود داشت که پولس شخصاً از استفاده از آنها برای خدمت خود، دوری می‌جست.

۱. چیزی را دست کم نمی‌گرفت

۲. از روش‌های شرم‌آور دوری می‌جست

۳. از خدعه و حيله دوری می‌جست

۴. از اضافه کردن موارد زاید به پیام خدا خودداری می‌کرد

هر یک از این موارد منجر به اتهام بستن توسط معلمان دروغین یا کارهایی که بر علیه وی می‌کردند، گردید.

NASB "آنچه که از شرم نهان شده"

NKJV "چیزهای شرم‌آور پنهان شده"

NRSV "چیزهای شرم‌آوری که انسان پنهان می‌کند"

TEV "کارهای محرمانه و شرم‌آور"

پولس از عبارت مشابهی برای قیاس بردگی و گناه در رومیان ۶:۲۱، و گناه بشریت که در اول قرن‌تینان ۴:۵ آشکار گردید، بهره برده است (همچنین اول قرن‌تینان ۱۴:۲۵). در این متن، بنظر می‌رسد که عبارات برای تشریح معلمان دروغین رهگذر می‌باشد.

NASB, NKJV	" فریبکاری توسل نمی‌جوییم "
NRSV	" از خدعه دوری می‌کنیم "
TEV	" با فریب عمل نمی‌کنیم "
NJB	" این روش ما نیست که به گمراهی روییم "

این یک وجه وصفی معلوم کامل است. پولس از واژه "فریبنده" ("همه" بانضمام "کار") بارها در نامه‌هایی که به قرن‌تس می‌نوشت، استفاده کرده است (اول قرن‌تینان ۳:۱۹؛ دوم قرن‌تینان ۴:۲؛ ۱۱:۳؛ ۱۲:۱۶). ما همواره باید در بکارگیری شیوه‌ها و اهداف خود بسیار دقت نماییم. زیرا در مسیحیت، نیات ما تعیین‌کننده انتهای کار می‌باشد. مشابه همین کلمه توسط پولس استفاده شده است

۱. در نقل قولی از ایوب ۵:۱۳ در اشاره به حکمت بشر (اول قرن‌تینان ۳:۱۹)
۲. درباره شیطان که دجال وسوسه نمودن حوا بوده (دوم قرن‌تینان ۱۱:۳)
۳. درباره حقه‌های شیطان و معلمان دروغین (افسیان ۴:۱۴)
۴. در اینجا درباره شیوه‌هایی که معلمان دروغین بکار می‌بستند

NASB	" کلام خدا را نیز مغشوش نمی‌کنیم "
NKJV	" یا کلام خدا را به نیرنگ در دست گیریم "
NRSV	" کلام خدا را جعل کنیم "
TEV	" و نه کلام خدا را جعل می‌کنیم "
NJB	" یا کلام خدا را جعل نماییم "

این واژه و حالاتی که به آن مربوط می‌شوند دارای معانی زیر هستند

۱. ارزان فروشی (دوم قرن‌تینان ۲:۱۷)
۲. با طعمه به تله افتادن (متی ۲۶:۴؛ مرقس ۱:۱۴)
۳. گول خورده یا فریب خورده (دوم قرن‌تینان ۱۱:۱۳؛ رومیان ۳:۱۳)

این واژه اشاره به پیامی تغییر داده شده بر اساس حساسیتهایی که شونندگان ممکن است داشته باشند و یا سعی در گول زدن شونندگان، دارد (اول قرن‌تینان ۱:۲۳)

NASB	" با بیان آشکار حقیقت "
NKJV	" با بیان آشکار حقیقت "
NRSV	" با بیانات سر باز حقیقت "
TEV	" در نور کامل حقیقت "
NJB	" با نشان دادن حقیقت بصورت عیان "

برای "بیان" به یادداشت کامل در دوم قرن‌تینان ۲:۱۴ مراجعه نمایید. واژه "حقیقت" مفهوم خاص خود را داشته که اشاره به خبر خوش مسیح، عهد جدید دارد. معلمان دروغین به شیوه‌های شرم‌آور و پنهانی کار می‌کردند، اما پولس حقیقت را در ملاء عام موعظه می‌کرد. به موضوع خاص: حقیقت در نوشته‌های پولس در دوم قرن‌تینان ۱۳:۸ مراجعه نمایید.

☐ "می‌کوشیم در حضور خدا مورد تأیید وجدان همه باشیم" پولس اشاره به محدود بودن محبت خود نسبت به دیگران دارد (اول قرن‌تینان ۹:۱۹-۲۳).

پولس نظیر همین عبارات را در دوم قرن‌تینان ۵:۱۱-۲۱ بکار برد، که در عین حال مؤکد نقش انجیل و ما در اعلان آن می‌باشد. به یادداشت کاملتر درباره "ستایش" در دوم قرن‌تینان ۳:۱ مراجعه نمایید. همچنین به یادداشت پیرامون مبحث "وجدان" در اول قرن‌تینان ۸:۷ و ۱۰:۲۵ مراجعه نمایید.

■ "در حضور خدا" (آیه انگلیسی: "در دید خدا") بنظر می‌رسد که این عبارت، اصطلاحی موازی با "خدا شاهد من است" باشد. دیگر متون خاص پولس نیز از همین عبارت به شیوه‌ای مشابه استفاده کرده‌اند (غلاطیان ۱:۲۰؛ ۱ تیموتائوس ۵:۲۱؛ ۶:۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۲:۱۴؛ ۴:۱). همچنین به فرمول قسم خوردن پولس در دوم قرنتیان ۱:۲۳؛ ۱۱:۳۱ و ۱ تسالونیکیان ۲:۵، ۱۰ توجه نمایید.

۳:۴ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که بنظر درست نیز بکار برده شده است. برخی از مردم فقط درست آن را متوجه نمی‌شوند (متی ۱۳).

■ "انجیل ما پوشیده است" این یک وجه وصفی مجهول کامل دارای زوائد از کلمه "پوشیده" است (دوم قرنتیان ۳:۱۴، ۱۶). برای پولس بدیهی است که در هنگامی که انجیل را موعظه می‌کرد، برخی افراد به آن نمی‌توانستند پاسخ دقیق دهند. در حالیکه یهودیان "سرسخت" بودند (دوم قرنتیان ۳:۱۴ و اشعیا ۶:۹-۱۰)، شنوندگان در هر دوره‌ای نیز "کور" می‌باشند (دوم قرنتیان ۴:۴). این راز تقدیر در برابر آزادی عمل است، پارادوکس انجیل نیز در همین جاست (یوحنا ۱:۱۲؛ ۳:۱۶ در برابر ۶:۴۴، ۶۵).

■ "کسانی ... که در طریق هلاکتند" پولس واژه‌سازی انجیل خود را همچون رایحه‌ی مرگ و زندگی ادامه می‌دهد (دوم قرنتیان ۲:۱۵؛ اول قرنتیان ۱:۱۸-۱۹؛ ۸:۱۱؛ ۱۰-۹:۱۰؛ ۱۵:۱۸). اعلان انجیل امری بسیار حیاتی است، برای برخی زندگی می‌آورد، اما برای برخی نیز مرگ. برای مطالعه بیشتر درباره "هلاکت" به موضوع خاص در اول قرنتیان ۸:۱۱ و مبحث اول قرنتیان ۱۸:۱ مراجعه نمایید.

۴:۴ "خدای این عصر" شخصیت شریر بارها به عناوین مختلف توسط پولس استفاده شده است.

۱. شیطان (رومان ۱۶:۲۰؛ اول قرنتیان ۵:۵؛ ۷:۵؛ دوم قرنتیان ۲:۱۱؛ ۱۱:۱۴؛ ۱۲:۷؛ ۱ تسالونیکیان ۲:۱۸؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۹؛ ۱ تیموتائوس ۱:۲۰؛ ۵:۱۵)
۲. شریر (افسیسیان ۴:۲۷؛ ۶:۱۱-۱۲؛ ۱ تیموتائوس ۳:۶، ۷؛ ۲ تیموتائوس ۲:۲۶؛ برای کارهای شیطانی جمع بکار برده می‌شود، اول قرنتیان ۱۰:۲۰-۲۱؛ ۱ تیموتائوس ۴:۱)
۳. "رئیس قدرت هوا" (افسیسیان ۲:۲)
۴. "خدای این عصر/جهان" (یوحنا وی را "حاکم این عصر/جهان" نامید، یوحنا ۱۲:۳۱؛ ۱۴:۳۰؛ ۱۶:۱۱)
۵. "وسوسه‌گر" (۱ تسالونیکیان ۳:۵)
۶. "شرور" (۲ تسالونیکیان ۳:۳، این عنوان در نوشته‌های متی و یوحنا کاملاً رایج است)
۷. "فرشته نور" (دوم قرنتیان ۱۴:۱۱)

این آیه حساسیت زیادی را برای کشیشان کلیسای اولیه بوجود آورد، زیرا بنظر می‌رسید که باعث تند شدن آتشی عرفانیون و معلمان دروغین آریایی شده بود. لذا آنها متأسفانه (Augustine و Chrysostom, Ambrose, Theodoret) متن یونانی را تغییر دادند به: "خداوند ذهن بی‌ایمان این دنیا را کور نمود". اکنون بوضوح شیطان اشاره به شاهراده و نیروی این دنیا دارد (یوحنا ۱۲:۳۱؛ ۱۴:۳۰؛ افسسیان ۲:۲). این کشیشان کلیسای اولیه به مفهوم نیروی درونی شیطانی واکنش نشان نمی‌دادند، بلکه به مفهوم الهیاتی عرفانی که بطور کلی مسئولیت آفرینش جهان را بر عهده داشته و دیدگاه‌های پایین‌تر از خداوندی مسیح در نگاه آریاییان، اشاره دارد. به موضوع خاص: شیطان شخصی در اول قرنتیان ۷:۵ مراجعه نمایید.

■ "این عصر" این نیز یک واژه یونانی برای "عصر" می‌باشد (*aiōnos*). بنظر می‌رسد که این واژه اشاره به دیدگاه یهودیان نسبت به دو دوران داشته باشد: دوران شیطانی کنونی که بوسیله گناه جلو می‌رود و دوران پیش رو، که بوسیله منجی ساخته شده و حکمرانی خواهد گردید (متی ۲۸:۲۰؛ افسسیان ۲:۲). برای مطالعه بیشتر درباره دو عصر به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱:۲۰ مراجعه نمایید. عبارت "این دنیا" (*Kosmos houtos*) و "این عصر" (*aiōn houtos*) بصورت غیرقابل تغییری بکار برده شده‌اند. (از کتاب *A Theology of the New Testament* نوشته George E. Ladd صفحه ۲۲۳).

■ "ذهنهای بی‌ایمانان را کور کرده" این جمله معلوم اخباری آتوریستی است. واژه بصورت کور شدن معنوی در متی ۱۵:۱۴؛ ۲۳:۱۶؛ یوحنا ۲:۱۱ و مفهوم آن نیز در یوحنا ۹ بکار گرفته شده است. نظیر همین واژه در یک نقل قول از نسخه Septuagint اشعیا ۶:۱۰ در یوحنا ۱۲:۴۰ استفاده شده است. این واژه در نوشته‌های پولس کاملاً نادر است (رومان ۲:۱۹ و اینجا)، اما در انجیل بسیار دیده می‌شود.

در اشعیا (۶: ۹-۱۰) این داوری خداوند است که چشمان معنوی قوم بنی اسرائیل را بدلیل تداوم بی‌ایمانی آنان کور کرده است. مشابه همین واقعیت در رومیان ۱: ۲۱ عنوان گردیده، در جاییکه جمله مجهول حکایت از خداوند دارد (رومیان ۸: ۱۱-۱۰؛ نقل قول از اشعیا ۲۹: ۱۰ و مزامیر ۶۹: ۲۲-۲۳). برقراری توازن میان موارد زیر دشوار است

۱. ناباوری بشر
۲. سرسختی الهی
۳. کوری شیطانی

باور یک هدیه از سوی خداوند است که باید به آن پاسخ مناسب داد! راز تقدیر و آزادی عمل، پارادوکس دو عهد خداوند است. ما باید اجازه دهیم که خداوند کار خدایی خود را کرده و از بشریت حساب اعمال پس گیرد. به موضوع خاص: انتخاب/تقدیر و نیاز به توازن الهیاتی در دوم قرن‌تین ۸: ۱۶-۱۷ مراجعه نمایید.

آیا می‌توانید تصور کنید که شیطان از چه نیرویی برخوردار است که حتی می‌تواند چشمان انسانها را کور کرده تا نتوانند زیبایی کلام انجیل را دیده (متی ۱۳: ۱۹) و دم روح القدس را برای اجابت آن حس نمایند (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵)؟ پولس از چندین استعاره برای تشریح انسان ناباور استفاده کرده است: (۱ سنگ‌دلان؛ ۲ کوردلان؛ ۳ بی‌وجدانان؛ و ۴ ناینایان (معنوی). در اینجا تضادی وجود داشته که همچنان نیز ادامه دارد (افسیان ۶: ۱۰-۱۹).

NASB	”تا نور انجیل جلال مسیح را که صورت خداست، نبینند“
NKJV	”مبادا نور انجیل جلال مسیح بر آنان بتابد“
NRSV	”تا از تابش نور انجیل جلال مسیح بر آنان دوری شود“
TEV	”او آنان را از رؤیت تابش نور دور نگه‌داشته، نوری که از خبر خوش درباره جلال مسیح می‌آید“
NJB	”تا آنان نتوانند تابش نور انجیل جلال مسیح را ببینند“

اگر به متن توجه کنید، متوجه می‌شوید که چندین واژه در ارتباط با نور وجود دارد. این واژه‌ها اشاره به:

۱. عیسی که اغلب "نور" نامیده گردیده است (یوحنا ۱: ۹، ۳: ۱۹؛ ۸: ۱۲)
۲. احتمالاً تجربه‌ای که پولس در جاده دمشق داشته است (اعمال رسولان ۹)

۳. احتمالاً کنایه‌ای به *Shekinah* جلال خدا از کتاب خروج که در دوم قرن‌تین ۴: ۶؛ ۳: ۷ ذکر گردیده است)

ندیدن عیسی در متن، در واقع از دست دادن نجات و رستگاری است. عهد جدید جلال مسیح و انجیل را پیشگویی کرده است. عهد عتیق بواسطه او، یعنی مسیح کامل و تکمیل گردید. مسیح، نیاز ساختاری هر بنیاد و سنگ بنای نهایی است. نادیده گرفتن او همچون سوراخی در کشتی ایمان فرد می‌باشد که منجر به غرق شدن خواهد گردید.

▣ "صورت خداست" دیدن مسیح به مثابه دیدن خداوند است (یوحنا ۱: ۱۸؛ ۸: ۱۴؛ ۹: کولسیان ۱: ۱۵؛ عبرانیان ۱: ۳). عهد جدید تصریح می‌کند که عیسی به زندگی بازگشت تا سه مقصود جامه عمل بپوشند

۱. پدر بطور کامل عیان گردد
۲. کفاره گناه پرداخت گردد
۳. به ایمانداران سرمشقی برای پیروی داده شود

۵: ۴ "ما خود را موعظه نمی‌کنیم" تلاش برای ترجمه نامه‌های پولس همچون شنیدن نیمی از یک مکالمه تلفنی است. ما از اظهارات پولس چیزهایی را برداشت می‌کنیم که باعث بیان آنها گردیده‌اند. از ۳: ۱، در همین آیه و فصلهای ۱۰-۱۳، روشن است که پولس کاری انجام داده که باعث گردیده در قرنتس به او و انجیل او حمله نمایند. پولس با تحکم خادمی و خدایی عیسی را تصریح نموده است (اول قرن‌تین ۳: ۵-۹). او تنها از خود دفاع نموده ("ما" جنبه تأکیدی دارد) و یا مستندات اعتباری خود را (فصل ۱۲) بمنظور محافظت از اعتبار انجیل خود، بزرگنمایی می‌کند. برای مطالعه درباره مبحث جالب محدودیتهای اختیارات رسول، به کتاب *A Theology of the New Testament*، نوشته George Ladd صفحه ۳۸۲ مراجعه نمایید.

▣ "عیسی مسیح به عنوان خداوند" این عبارت در واقع حرفه تعمید دادن در کلیسای اولیه بود (رومیان ۱۰: ۹-۱۳؛ اول قرن‌تین ۳: ۱۲؛ فیلیپیان ۱۱-۲: ۹). هر سه واژه اصلی بکاربرده شده در عهد جدید بمنظور مشخص کردن عیسی‌ای وعده داده شده و خادم رنج دیده بوده که در این عبارت استفاده گردیده است.

۱. مسیح - واژه یونانی معادل واژه عبری *messiah*، بمعنی "آن تدهین شده" است. این واژه گویای "کسی است که از سوی خداوند برای انجام وظیفه‌ای خاص فرا خوانده شده است". در عهد عتیق سه گروه از رهبران وجود داشتند: کاهنان، پادشاهان و انبیا که تدهین می‌شدند. عیسی هر سه جایگاه این تدهین شدگان را تسخیر کرد (عبرانیان ۱: ۲-۳)

۲. عیسی - این واژه عبری بمعنی "یهوه نجات می‌دهد" یا "یهوه رستگاری به ارمغان می‌آورد" است. این نام از سوی یک فرشته به والدین او الهام گردید (متی ۱: ۲۱). "عیسی" از کلمه عبری هوشع، بمعنی رستگاری گرفته شده و به نام عهد خداوند یعنی "یهوه" پیوند زده شده است. این نام همچون نام عبری دیگر، یوشع می‌باشد.

۳. Lord - این واژه (*Kurios*) می‌تواند در یک حالت کلی یا حالت الهیاتی خاص مورد استفاده قرار گیرد. معنی این واژه "ارباب"، "جناب"، "صاحب"، "شوهر" و یا "مرد خدا شناس" می‌باشد. کاربرد عهد عتیق این واژه (*adon*) از یک اکراه برای بکار بردن نام خداوند، یعنی یهوه (به موضوع خاص در دوم قرنتیان ۱: ۱۰ مراجعه نمایید)، و از فعل "بودن" سرچشمه گرفته است (خروج ۳: ۱۴). یهودیان از زیر پا گذاردن دستورات خداوند وحشت داشتند، "نام یهوه خدایت را به ناشایستگی مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به ناشایستگی برد بی‌سزا نخواهد گذاشت" (خروج ۲۰: ۷؛ تثنیه ۵: ۱۱). آنها فکر می‌کردند ممکن است که نتوانند این نام را به نیکی تلفظ کنند، لذا از به زبان آوردن آن پرهیز می‌کردند. بنابراین، آنها کلمه *Adonai* را جایگزین نمودند چون شباهتهایی در مفهوم با واژه یونانی *Kurios* (ارباب) داشت. نویسندگان عهد جدید این واژه را برای تشریح از ذات خداوند بودن مسیح بکار می‌بردند. در این رابطه چندین فراز وجود دارد:

۱. عیسی همان مسایح/مسیح است - اعمال رسولان ۵: ۴۲؛ ۹: ۲۲؛ ۱۷: ۳؛ ۱۸: ۵؛ ۲۸: اول قرنتیان ۱: ۲۳

۲. عیسی پسر خداوند است - اعمال رسولان ۹: ۲۰؛ رومیان ۱: ۳-۴؛ عبرانیان ۴: ۱۴

۳. عیسی ارباب و سرور است - اعمال رسولان ۲: ۳۶؛ ۱۰: ۳۶؛ ۱۱: ۲۰؛ رومیان ۱۰: ۹؛ دوم قرنتیان ۴: ۵؛ فیلیپیان ۲: ۱۱؛ کولسیان ۲: ۶. بنوعی همه این موارد، خلاصه درک کلیسای اولیه از عیسی ناصری می‌باشد.

۶:۴ "زیرا همان خدا که گفت: «نور از میان تاریکی بتابد»،» این عبارت کنایه‌ای است به پیدایش ۱: ۳ و یک اشاره شخصی به تجربه پولس در جاده دمشق (اعمال رسولان ۹: ۱-۲۲؛ ۲۲: ۳-۱۶؛ ۲۶: ۹-۱۸). پطرس نیز مشابه همین تجربه را که عیسی و نور وی (جلال او) در کوه بر وی ظاهر گردید، داشته است (۲ پطرس ۱: ۱۹).

▣ "دلها" به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱۴: ۲۵ مراجعه نمایید.

▣ "جلال خدا" بنظر می‌رسد که این عبارت اشاره به ابر جلال *Shekinah* که نماد حضور یهوه در کتاب خروج بوده داشته باشد (دوم قرنتیان ۳: ۱۷). این نماد حضور خدا پس از عبور از رود اردن و بسوی سرزمین موعود، به صندوقچه عهد انتقال یافت. یهوه بطور کامل شناخته شده، اما بشکل فیزیکی قابل رؤیت نمی‌باشد، ولی عیسی، تجسم الهی است. به موضوع خاص: جلال (*DOXA*) در اول قرنتیان ۲: ۷ مراجعه نمایید.

▣ "در چهره مسیح" این عبارت تداوم قیاس میان نقاب موسی (دوم قرنتیان ۳: ۱۳) و انعکاس کامل عیسی مسیح است (عبرانیان ۱: ۳). ایمانداران جلال مسیح را در انجیل دیده‌اند (دوم قرنتیان ۳: ۱۸).

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۴: ۷-۱۲

اما این گنجینه را در ظروفی خاکی داریم، تا آشکار باشد که این قدرت خارق‌العاده از خداست نه از ما. ^۸ اما از هر سو در فشاریم، اما خرد نشده‌ایم؛ متحیریم، اما نومید نیستیم؛ ^۹ آزار می‌بینیم، اما وانهاده نشده‌ایم؛ بر زمین افکنده شده‌ایم، اما از پا در نیامده‌ایم. ^{۱۰} همواره مرگ عیسی را در بدن خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی نیز در بدن ما ظاهر شود. ^{۱۱} زیرا ما که زنده‌ایم، همواره به خاطر عیسی به مرگ سپرده می‌شویم تا حیات او در بدن فانی ما آشکار گردد. ^{۱۲} پس مرگ در ما عمل می‌کند، اما حیات در شما.

۷:۴ "اما این گنجینه را داریم" این عبارت اشاره به فرار گرفتن روح خدا که بزرگ کننده، عیان کننده، و شکل دهنده شخصیت عیسی در زندگی ما است، دارد (یوحنا ۱۶: ۸-۱۴؛ رومیان ۸: ۹؛ کولسیان ۱: ۲۷؛ دوم پطرس ۱: ۳-۴).

▣ "در ظروف خاکی" این عبارت تأکیدی بر بدن انسان است (دوم قرنتیان ۴: ۱۰، ۱۶؛ ۵: ۱؛ پیدایش ۲: ۷؛ ۳: ۱۹؛ ۱۸: ۲۷). سرتاسر این متن، یک جدل میان موقعیت زمینی بدن پولس و نیروی روحانی خارق‌العاده انجیل و فرار گرفتن روح القدس در زندگی او است.

▣ "این قدرت خارق‌العاده" *Huperbolē*، به موضوع خاص: کاربرد واژگان تلفیقی *Huper* توسط پولس در اول قرنتیان ۲: ۱ مراجعه نمایید.

۸:۴ - ۱۱ "ما از هر سو در فشاریم، اما خرد نشده‌ایم" آیات ۸-۱۰ شامل مجموعه‌ای از نُه وجه وصفی (عمدتاً مجهول) حال حاضر هستند که حالاتی از کلمات در یونانی کوبین و در تعریف دشوار بودن مأموریت پولس می‌باشند. هشت وجه وصفی اول، جفتهای متضاد می‌باشند. اولی، تجربه پولس را تعریف کرده و دومی طبعات آن را محدود می‌نماید. نمونه‌های این کلمات عبارتند از: (۱) "در از دست دادن، اما نه بصورت مطلق" و (۲) "زمین خورده، اما از پانینفتاده". این بخش را می‌توان با دوم قرن‌تینان ۱:۶؛ ۴:۶-۱۰؛ ۱۱:۲۳-۲۸ مقایسه نمود.

۹:۴ "از پا درنیامده‌ایم" برای مطالعه بیشتر با این مفهوم، به موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۸:۱۱ و مبحث اول قرن‌تینان ۱:۱۸ مراجعه نمایید.

۱۰:۴ "همواره مرگ عیسی را در بدن خود حمل می‌کنیم" این آیه اشاره به پارادوکس ارتباط به حق ما با خدا، در حالیکه بدلیل وجود یک دنیای منحن دارای مشکلات عدیده‌ی فیزیکی می‌باشیم، دارد. ما دارای یک زندگی ازلی نیز هستیم، اما به لحاظ فیزیکی فناپذیر می‌باشیم (دوم قرن‌تینان ۱:۸). عیسی درحالی مورد انکار و ستم واقع گردید (یوحنا ۱۵:۲۰) که اکنون ایمانداران نیز به همین وضع گرفتار گردیده‌اند (اول قرن‌تینان ۱۵:۳۱؛ غلاطیان ۲:۲۰؛ فیلیپیان ۳:۱۰؛ کولسیان ۱:۲۴؛ اول پطرس ۴:۱۲-۱۹).

■ "تا حیات او" این آیه اشاره به (۱) قیام مسیح، که امید پولس بود، و (۲) وفاداری عیسی در عین زیر ستم و رنج بودن، دارد. پولس می‌خواست وفاداری و پایبندی عیسی را به نمایش گذارده (دوم قرن‌تینان ۴:۱۱) و در رستاخیز پیروانش سهیم باشد (دوم قرن‌تینان ۴:۱۴؛ اول قرن‌تینان ۱۵).

■ "در بدن فانی ما آشکار گردد" این یک وجه شرطی مجهول آنوریستی است. اگر غلاطیان ۶:۱۷ مطالعه نمایید، متوجه می‌شوید که بروشنی به زخم‌های پولس که در راه خدمت به عیسی برداشته شده بود، اشاره می‌نماید. بدن زمینی ما درحالی پاره پاره می‌شود که گنجینه نهان شده درون آن بیشتر عیان می‌گردد (دوم قرن‌تینان ۱۲:۹-۱۰).

پولس از واژه یونانی *sarx* (بمعنی گوشت بدن) در حالات مختلف استفاده کرده است.

۱. بدن انسان ("بدن" در دوم قرن‌تینان ۴:۱۰ موازی با "گوشت بدن" در دوم قرن‌تینان ۴:۱۱؛ همچنین دوم قرن‌تینان ۷:۵؛ ۱۰:۳؛ ۱۲:۷).
۲. شخصیت انسان (دوم قرن‌تینان ۵:۱۶؛ ۱۱:۱۸)
۳. تبار انسان (پدر، پسر، رومیان ۱:۴:۳)
۴. بشریت بطور کلی (اول قرن‌تینان ۱:۲۶، ۲۹)
۵. گناهکاری بشریت (رومیان ۷:۵، ۱۸:۳؛ ۴:۵، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳؛ دوم قرن‌تینان ۷:۱؛ ۱۰:۲)

۱۱:۴ "ما که زنده‌ایم، همواره به خاطر عیسی به مرگ سپرده می‌شویم" دیدگاه الهیاتی این آیه را می‌توان در اول قرن‌تینان ۴:۹ دید. در آنجا رسولان در معرض تماشای فرشتگان و انسانها قرار گرفته‌اند. ایمانداران نیز در معرض تماشای دنیای رو به انحطاط و دنیای فرشتگان قرار دارند (افسسیان ۲:۷؛ ۳:۱۰).

عبارت "همواره" (دوم قرن‌تینان ۶:۱۰) موازی با "همیشه" در دوم قرن‌تینان ۴:۱۰ است. ندای خدمت، فراخوانی از بین بردن خودخواهیهای روزمره است (دوم قرن‌تینان ۵:۱۴-۱۵؛ رومیان ۶:۷؛ اول قرن‌تینان ۱۵:۳۱؛ غلاطیان ۲:۲۰؛ فیلیپیان ۳:۸، ۱۰؛ یوحنا ۳:۱۶). این رویکرد در جهت معکوس سقوط بشر در کتاب پیدایش ۳ است. شاهدهی برای شبیه شدن به مسیح بوده که بازیابی تصویر خدا در بشریت محسوب می‌گردد.

عبارت "سپرده می‌شویم" (*paranididōmi*) برای یهودا آسخریوطی، کسی که عیسی را تحویل مقامات داد بکار برده شده است (متی ۲۰:۱۸-۱۹؛ مرقس ۱۰:۳۳). این واژه برای عیسی و در قالب یک رسول برای تعریف پیروانش در متی ۱۰:۱۷؛ ۲۴:۹؛ مرقس ۱۱:۱۳؛ ۱۲-۱۱ بکار برده شده است.

عبارت "بخاطر عیسی" را باید بعنوان یک علیت درک کرد. بار خدمت ما هیچ سودی برای عیسی ندارد، زیرا این بار بر دوش ما قرار داشته چون پیرو او هستیم. دشمنان بر وی جفا کردند، بر ما نیز روا خواهند داشت. با اینحال، کاملاً هم درست است که آنچه که ما را بعنوان پیروان عیسی مورد جفا قرار می‌دهند، همانهایی هستند که به ما در رشد و شبیه "وی" شدن کمک می‌کنند.

برسمیت شناختن پولس و مرگ عیسی بلحاظ الهیاتی در مراحل مختلفی عملی می‌گردند

۱. الهیات دینی (رومیان ۶:۳-۵؛ کولسیان ۲:۱۲؛ ۱:۳، ۳-۵)
۲. دکترین کلیسا (۱ تسالونیکیان ۴:۱۴-۱۵)
۳. تجربه شخصی (دوم قرن‌تینان ۴:۱۰-۱۱؛ غلاطیان ۲:۲۰؛ فیلیپیان ۳:۱۰)

■ "بدن فانی" به موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۱:۲۶ مراجعه نمایید.

۱۲:۴ "پس مرگ در ما عمل می‌کند، اما حیات در شما" این جمله حال اخباری آنوریستی بوده که مرگ را تشریح می‌کند. این عبارات اشاره به رنج فیزیکی برای پولس و گروه مأموریتی وی (دوم قرن‌تینان ۴:۱۶) و زندگی روحانی کسانی که او انجیل را برای آنان موعظه می‌کرد، دارد.

Victor Furnish در مجموعه کتابهای *The Anchor Bible* در تفسیر دوم قرنیتیان، معتقد است که زمان این جمله مجهول بوده (ص. ۲۵۷) زیرا با توجه به اینکه موضوع بحث، قدرت خدا می‌باشد (دوم قرنیتیان ۷:۴)، زمان مجهول در سرتاسر آیات دوم قرنیتیان ۱۰:۴-۱۱ حاکم بوده است. این امر بدین معناست که خداوند از دادگاه‌ها و دعاوی بعنوان ابزاری برای شبیه شدن پیروان "او" استفاده می‌کند. زندگی رهبران به پیام آنان قدرت می‌دهد (دوم قرنیتیان ۱:۳-۱۱:۲ تیموتائوس ۹:۲-۱۰).

متن NASB (بروز شده): دوم قرنیتیان ۱۳:۴-۱۵

^{۱۳} در کتب مقدس آمده که «ایمان آوردم، پس سخن گفتم.» با همین روح ایمان، ما نیز ایمان داریم و سخن می‌گوییم. ^{۱۴} زیرا می‌دانیم او که عیسای خداوند را از مردگان برخیزانید، ما را نیز با عیسی برخیزانیده، با شما به حضور او خواهد آورد. ^{۱۵} اینها همه به خاطر شماسست، تا فیضی که شامل حال عده بیشتر و بیشتری می‌شود، سبب شکرگزاری هر چه بیشتر برای جلال خدا گردد.

۱۳:۴ «همین روح ایمان» نکته حائز اهمیت در این بخش اینست که همان ایمانی که در عهد عتیق فرد را در نزد خدا محبوب کرد (نویسنده‌ی مزامیر ۱۶) همین ایمانی است که همین کار را در عهد جدید انجام می‌دهد (ابراهیم در پیدایش ۶:۱۵؛ نقل قول شده توسط پولس در رومیان ۳:۴، ۹، ۲۲). پولس از «روح» بعنوان راهی برای اشاره به ویژگیهای درونی ذات انسان استفاده می‌کند (به یادداشت دوم قرنیتیان ۴:۲۱ مراجعه نمایید). این امر ارتباطی با عبارات مشابهی که در اول قرنیتیان ۹:۱۲ دیده می‌شود، ندارد، زیرا که در آنجا اشاره به ایماندارانی دارد که روح به آنها هدیه‌ی ایمان عطا نموده است. این امر اشاره به نجات ایمان، همچون ایمان ابراهیم دارد (پیدایش ۱۵:۶). M. R. Vincent در کتاب *Word Studies in the New Testament* جلد دوم نظر جالبی دارد. وی می‌گوید: «نه روح القدس بصورت مجزا، و نه از سوی دیگر، سرشت و استعداد درونی بشر، بلکه تلفیقی از این دو؛ ایمان را بعنوان هدیه‌ای از روح القدس بوجود می‌آورند» (ص. ۸۲).

Robert Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament* بحث جالبی درباره کاربرد واژه «روح» در عهد جدید دارد (صفحات ۶۱-۶۳).

۱. ارواح شیطانی

۲. روح بشر

۳. روح القدس

۴. چیزهایی که روح خداوند در روح‌های بشر بوجود می‌آورد

a. 'روح آزادگی و نه بردگی در برابر یک روح اختیاری - رومیان ۸:۱۵

b. 'روح آرامش' - اول قرنیتیان ۴:۲۱

c. 'روح ایمان - دوم قرنیتیان ۱۳:۴

d. 'روح حکمت و مکاشفه درباره دانش الهی - افسسیان ۱:۱۷

e. 'روح شجاعت و نه ترس در برابر محبت و نزاکت' - تیموتائوس ۱:۷

f. 'روح خطا در برابر "روح حقیقت" - یوحنا ۴:۶

□ «در کتب مقدس آمده» این یک وجه وصفی معلوم کامل است که توسط نویسندگان عهد عتیق برای اشاره به بخشش و ارتباط متن بکار برده می‌گردید (متی ۵:۱۷-۱۹).

□ «ایمان آوردم، پس سخن گفتم» (نسخه انگلیسی: «باور کردم، پس سخن گفتم») این نقل قولیست از مزامیر ۱۱۶:۱۰ از نسخه Septuagint، که سخن از نجات یک قدیس توسط خداوند دارد.

۱۴:۴ «او که عیسای خداوند را از مردگان برخیزانید» این عبارت فرصت بسیار عالی برای نشان دادن این مطلب بوده که عهد جدید اغلب صفات کارهای مربوط به احیای بشریت را به تثلیث خداوند مرتبط می‌نماید.

۱. خدای پدر عیسی را برخیزاند (اعمال رسولان ۲:۲۴؛ ۳:۱۵؛ ۴:۱۰؛ ۵:۳۰؛ ۱۰:۴۰؛ ۱۳:۳۰؛ ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷:۳۱؛ رومیان ۶:۴، ۹؛ ۱۰:۹؛

اول قرنیتیان ۶:۱۴؛ غلاطیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۲۰؛ کولسیان ۲:۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۱۰)

۲. خدای پسر خود برخاست (یوحنا ۲:۱۹-۲۲؛ ۱۰:۱۷-۱۸)

۳. خدای روح عیسی را برخیزاند (رومیان ۸:۱۱)

در ارتباط با عبارت «خداوند عیسی» در نسخه‌های مختلف تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

۱. «خداوند عیسی» - C, D, F, G, K, MSS

۲. "خداوند عیسی مسیح" - MS 436

۳. "خداوند عیسی از مردگان" - MSS 104, 459

۴. "عیسی" - MSS P⁴⁶, B

نسخه UBS⁴ به گزینه اول رتبه "B" (معنی تقریباً قابل اطمینان) داده، اما Bruce Metzger گزینه شماره ۴ را ترجیح می‌دهد (همچون نسخه NET کتاب مقدس). با وجود همه این تفاوتها، اصیل بودن هر کدام از این موارد تأثیری در اعتماد کلی ما بر کتاب، نخواهد داشت.

■ **"برخیزانیده... حضور او خواهد آورد"** این دو جملات آینده‌ی اخباری هستند. ایمانداران از مرگ برخیزانده خواهند شد (همراه با مسیح) و به حضور خداوند خواهند رسید (همراه با دیگر ایمانداران).

تا آن زمان درک پولس از بازگشت دوم مسیح کاملاً در هاله ابهام قرار دارد. در برخی متون اینگونه بنظر می‌رسد که وی انتظار داشت تا آمدن مسیح همواره به زندگی خود ادامه دهد (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۵، ۱۷؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۲؛ و فیلیپیان ۳: ۲۰؛ ۵: ۴)، ولی در دیگر متون وی خود را در زمره ایماندارانی که مرده‌اند حساب کرده است (اول قرنتیان ۶: ۱۴؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۴؛ ۱۰-۱۱). فقط پدر از زمان بازگشت دوم آگاهی دارد (متی ۲۴: ۲۴؛ مرقس ۱۳: ۳۲؛ اعمال رسولان ۷: ۱). بازگشت دوم امید همه نسلهای ایمانداران است، اما واقعیت این است که فقط در زمان حیات یک نسل این اتفاق رخ خواهد داد. ایمانداران با آمادگی زندگی کرده و برای خدمت به مسیح آماده خواهند بود.

۱۵:۴ قلب پولس برای کمک به مردم گناهکار و روی آوردن آنان به ایمان به مسیح می‌تپید و همواره می‌خواست که آنان آرامش و صلح و آرامش راستین را درک کرده و خدا را شکر نمایند (دوم قرنتیان ۱: ۱۱ و ترجمه‌های NASB, NRSV, TEV, NJB). نسخه NKJV نسبت به عبارت "بیشتر و بیشتر" قدری جدی‌تر برخورد کرده است. این امر می‌تواند مورد حمایت حامیان پولس در کلیسای قرن‌تس نیز واقع گردد. این عبارت در تقابل با عبارت "برخی" (دوم قرنتیان ۳: ۱؛ ۱۰: ۱۲؛ اول قرنتیان ۴: ۱۸؛ ۶: ۱۱؛ ۷: ۸؛ ۷: ۱۰؛ ۸، ۹، ۱۰؛ ۱۵: ۶، ۱۲، ۳۴، ۳۵) می‌باشد. آیه ۱۵ به روشنی خلاصه‌ای از جلال است.

■ **"جلال خدا"** به موضوع خاص: جلال (DOXA) در اول قرنتیان ۷: ۲ مراجعه شود.

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۴: ۱۶-۱۸

۱۶ پس دل‌سرد نمی‌شویم. هرچند انسان ظاهری ما فرسوده می‌شود، انسان باطنی روز به روز تازه‌تر می‌گردد.^{۱۷} زیرا رنجهای جزئی و گذرای ما جلالی ابدی برایمان به ارمغان می‌آورد که با آن رنجها قیاس‌پذیر نیست.^{۱۸} پس نه بر آنچه دیدنی است، بلکه بر آنچه نادیدنی است چشم می‌دوزیم، زیرا دیدنیها گذرا، اما نادیدنیها جاودانی است.

۱۶:۴ "پس دل‌سرد نمی‌شویم" این مضمون تکراری در نوشته‌های پولس است (دوم قرنتیان ۴: ۱؛ غلاطیان ۶: ۹؛ افسسیان ۳: ۱۳؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۳). در واقع شرایط برای قوی کردن بنیه خود برای استقامت معنوی و مفید بودن ما می‌باشد.

■ **"هرچند انسان ظاهری ما فرسوده می‌شود، انسان باطنی روز به روز تازه‌تر می‌گردد"** این دو جمله مجهول اخباری می‌باشند که از تداوم عملی سخن می‌گویند. زمان مجهول جمله را در این جمله بسختی می‌توان درک و ترجمه نمود. اکثر نسخه‌های ترجمه شده به زبان انگلیسی آن را بصورت زمان معلوم ترجمه نموده‌اند، اما آنان نیز ممکن است کار خداوند را با بهره‌گیری از مصائب فیزیکی و رنج، بصورت مفهوم توانمندی و بلوغ پیروان عیسی تعریف کرده باشند (متی ۵: ۱۰-۱۲؛ یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۱؛ ۱۶: ۱-۲؛ ۱۷: ۱۷؛ اعمال رسولان ۱۴: ۲۲؛ رومیان ۳: ۵-۴؛ ۸: ۱۷؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۶-۱۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۱؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۲؛ عبرانیان ۵: ۸؛ یعقوب ۱: ۲-۴؛ ۱ پطرس ۴: ۱۲-۱۹). در افسسیان ۳: ۱۶ و ۴: ۲۴ قیاسی از یک مرد قدیمی و جدید وجود دارد، اما تضاد در اینجا میان ظاهر بدن فیزیکی و ذات درونی روحانی ما می‌باشد.

■ **"تازه‌تر می‌گردد"** به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: دوباره نو شدن (anakainōsis)

(Special Topic: Renew (anakainōsis))

این اصطلاح یونانی در حالت‌های مختلف خود (anakainō, anakainizō) دو معنی اصلی دارد:

۱. "سبب ایجاد چیزی جدید و متفاوت شدن" (یعنی بهتر) - رومیان ۱۲: ۲، کولسیان ۳: ۱۰

۲. "سبب تغییر به وضعیت ترجیحی قبلی که بهتر بود" - دوم قرن‌تین ۴: ۱۶، عبرانیان ۶: ۴ الی ۶ (بر گرفته از *Greek-English Lexicon*، اثر Louw and Nida، جلد ۱، صفحات ۱۵۷ و ۵۹۴)

ادبیات یونانی پیش از پولس یافت. احتمال دارد که پولس خودش این اصطلاح را ابداع کرده باشد (صفحه ۳۴).

Frank Stagg در *New Testament Theology* تفسیر جالبی دارد.

"احیای و تجدید فقط مختص خداوند است. *Anakainōsis*، کلمه‌ای برای "تجدید/تمدید/نو شدن یا نو کردن"، از نظر دستور زبان یک اسم حرکتی است، و در عهد جدید به کار رفته و همچنین حالت فعل آن برای توصیف تجدید یا نو ساختن ممتد، استفاده شده است همانند رومیان ۱۲: ۲، "با نو شدن ذهن خود، دگرگون شوید" و دوم قرن‌تین ۴: ۱۶، "انسان باطنی روز به روز تازه تر میگردد" کولسیان ۳: ۱۰ "انسان جدید" را به عنوان "انسان جدید" را در بر کرده‌اید، که در معرفت حقیقی هر آن نو می‌شود" توصیف می‌کند. بنابراین "انسان جدید"، "نوآوری زندگی"، "تجدید" یا "تجدید" هر چند تعیین شده، به یک اقدام اولیه و یک عمل پیوسته از جانب خدا به عنوان کمک کننده و نگهدارنده زندگی ابدی پی می‌برند" (صفحه ۱۱۸).

□ "روز به روز" پولس از اصطلاح عبری (پیدایش ۳۹: ۱۰؛ استر ۳: ۴؛ مزمور ۶۸: ۱۹) تکراری در دوم قرن‌تین ۴: ۱۶، روز به روز، و یک واژه مشابه عبری دیگر در دوم قرن‌تین ۴: ۱۷، "بیش از پیش" (*hyperbolēn eis hyperbolēn*) استفاده کرده است. بخاطر داشته باشید که نویسندگان عهد جدید (بجز لوقا) نویسندگان متفکر عبری/آرامی بوده که به زبان یونانی کوبین مطالب خود را می‌نوشتند. اصطلاحات و ساختار دستوری فراوانی در زبان عبری، به همراه تعداد متنابهی کنایات و نقل قولهای عتیق در عهد جدید وجود دارند.

۱۷: ۴ - ۱۸: ۱۷ بسیار شبیه رومیان ۸: ۱۸ بوده، در حالیکه دوم قرن‌تین ۴: ۱۸ شبیه رومیان ۸: ۲۴ می‌باشد. پولس کتاب رومیان را از قرن‌تس نوشت! او به ندای خود و مشکلاتی که در ارتباط با آن وجود داشت، فکر می‌کرد. در واقع، هیچ قیاسی میان نوری که در رنج در یک مقطع زمانی بوجود می‌آید و جلال ابدی وجود ندارد! این جهان‌بینی انجیلیست که قوم خداوند را در این جهان فانی پایدار نگه می‌دارد. او با ما است، بخاطر ما هست، و ما را برای ابد بحضور خود خواهد برد!

۱۷: ۴ "به ارمغان می‌آورد" مشابه همین فعل در رومیان ۵: ۳-۴ و یعقوب ۱: ۲-۴ بکار برده شده، که در عین حال سخن از مزایای رنج و محنت دارد.

□ "جلالی ابدی" به موضوع خاص: جلال (*DOXA*) در اول قرن‌تین ۲: ۷ مراجعه نمایید.

□ "قیاس پذیر نیست" *Hyperbolē*. به موضوع خاص: استفاده پولس از کلمات ترکیبی *Huper* در اول قرن‌تین ۲: ۱ مراجعه نمایید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. چگونه دوم قرن‌تین ۴: ۱ از روشهای معلمان دروغین سخن می‌گوید؟

۲. آیا کشیشان کلیسای اولیه صلاحیت تغییر متن یونانی دوم قرن‌تین ۴: ۴ را، بمنظور سازگاری با مشکلات آن دوران داشتند؟

۳. شیطان "خدای" این جهان است، یعنی چه؟

۴. چرا پولس تا این حد نظرات را بجای تقویت روحانی، به مشکلات فیزیکی جلب می‌کرد؟

دوم قرنتیان ۵

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
زندگی با ایمان	اطمینان از رستاخیز	اعتماد بنفس در هنگام مواجهه با مرگ	زندگی با ایمان	مصائب و مشکلات رسالت
(۴:۱۶-۵:۱۰)			(۴:۱۶-۵:۱۰)	(۴:۷-۵:۱۰)
۱۶:۴-۵:۵				
	۸-۱:۵	۵-۱:۵		۵-۱:۵
۱۰-۶:۵	جایگاه داوری مسیح	۱۰-۶:۵	۱۰-۶:۵	۱۰-۶:۵
مأموریتی برای مصالحه	۱۱-۹:۵	دفاع بیشتر از مأموریت برای مصالحه او	دوستی با خداوند بواسطه مسیح	رسالت در عمل
۱۵-۱۱:۵		۱۵-۱۱:۵	۱۵-۱۱:۵	۱۵-۱۱:۵
	با خداوند آشتی نمایید	(۱۱:۵-۱۳:۶)	(۱۱:۵-۱۳:۶)	
	۲۱-۱۲:۵			
۱۰:۶-۱۶:۵		۱۰:۶-۱۶:۵	۱۹-۱۶:۵	۱۹-۱۶:۵
			۳:۶-۲۰:۵	۱۰:۶-۲۰:۵

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

دیدگاه‌های متنی

A. پولس در دوم قرنتیان ۵:۱-۱۰ درباره مرگ خود بحث می‌کند

۱. وی از دو استعاره استفاده می‌کند

a. پوشیده بودن ما در راه مسیح بهنگام تعمید (دوم قرنتیان ۵:۲-۴)

b. حلول روح در هنگام نجات (دوم قرنتیان ۵:۵)

c. دریافت روح جدید معنوی در بدن بهنگام بازگشت مسیح (آیات ۳ و ۱۰)

۲. دنبال کردن عقاید پیشین پولس دشوار می‌باشد. او درباره موارد زیر صحبت می‌کند

۳. برای ترجمه این متن با بهره‌گیری از بهترین فرازهای گفته شده توسط پولس که بموازات هم می‌باشند را می‌توان در رومیان ۸: ۱۸-۲۵، ۲۶-۳۰ (نال‌های وی) و اول قرن‌تینان ۱: ۵۳-۵۴ (در خود ریخته) یافت.

۴. این متن به نوعی باید در ارتباط با مبحث رنجی که پولس در فصل‌های ۴ و ۶ درباره آن گفت، باشد. زندگی خداپسندانه و وفادارانه در میان شرایط موجود، موضوع تکرار شده در کتاب می‌باشد.

B. پولس درباره دوم قرن‌تینان ۵: ۶ و ۸ مبحث الهیاتی بزرگی را مطرح می‌کند. ایمانداران سابق و بی‌ایمانان تصور می‌کردند که در هنگام مرگ به *Hades* رفته تا در انتظار داوری بنشینند (به موضوع خاص: مردگان کجا می‌روند؟ در دوم قرن‌تینان ۵: ۶ مراجعه شود). نظام یهودیت حتی تصریح می‌کرد که در این مقطع از مرگ، بخشی (*Old Testament Sheol*) مابین شرارت و گناهکاری قرار دارد. پولس تصریح می‌کند که در هنگام رستاخیز مسیح، او پاراسایان را به همراه خود به بهشت خواهد برد. اکنون ایمانداران به *Hades* نرفته، بلکه در کنار مسیح قرار گرفته‌اند. مشخص نیست که این امر یا به معنی معاشرت کامل بوده یا محدود. کتاب مقدس اطلاعات جزعی درباره زندگی پس از مرگ را عیان نمی‌کند.

C. پولس در دوم قرن‌تینان ۵: ۱۰ مطلب تکان‌دهنده دیگری را بیان می‌کند. بدیهی است که همه ایمانداران و بی‌ایمانان روزی برای داوری در برابر عیسی قرار خواهند گرفت. آیا این مطلب به موازات داوری گوسفند و بز در متی ۲۵ است یا شیپور سفید بزرگ داوری در مکاشفه ۲۰؟ اگر ایمانداران بواسطه عیسی عاری از هر گناهی باشند، پس برای چه باید مورد داوری قرار گیرند؟ این نیز سوالی دیگر است که انجیل برای آن پاسخی ندارد. فرض الهیاتی بر این است که مسئولیت موارد زیر بر دوش آنان می‌باشد:

۱. پیام انجیل

۲. هدایای روحانی عطا شده به آنان

۳. شیوه بکارگیری منابع فیزیکی توسط آنان

۴. آمادگی آنان برای خدمت

اما این فقط یک گمان و حدس براساس محتوای آیات دوم قرن‌تینان ۵: ۱۱-۲۱ می‌باشد

D. مبحث مسئولیت معنوی که در دوم قرن‌تینان ۵: ۱۱-۲۱ توسط پولس مطرح شده، بروشنی منعکس کننده خودخواهی و احتمالاً اعمال و آموزه‌های غیراخلاقی معلمان دروغین می‌باشد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تینان ۵: ۱-۵

اینک می‌دانیم هر گاه این خیمه زمینی که در آن سکونت داریم فرو ریزد، عمارتی از خدا داریم، خانه‌ای ناساخته به دست و جاودانه در آسمان. ^۲ و برآستی که در این خیمه آه می‌کشیم، زیرا مشتاق آنیم که مسکن آسمانی خود را در بر کنیم، ^۳ چرا که با در بر کردنش، عریان یافت نخواهیم شد. ^۴ زیرا تا زمانی که در این خیمه هستیم با گرانباری آه می‌کشیم، چون نمی‌خواهیم جامه از تن به در کنیم، بلکه جامه‌ای دیگر به تن کنیم، تا فانی غرق حیات شود. ^۵ و خداست که ما را برای این مقصود آماده کرده و روح را همچون بیعانه به ما داده است.

۵: ۱: "می‌دانیم" اطلاع از زمینه پیشین پولس در بکارگیری ضمائر جمع در این کتاب دشوار است. گاهی وی به (۱) خود؛ (۲) به گروه مأموریتی خود؛ و (۳) به همه ایمانداران اشاره می‌کند. محتوای متن است که تعیین کننده شیوه بیان این عبارت می‌باشد. من تصور می‌کنم اینجا منظور شماره ۳ باشد.

□ "اگر" این یک جمله شرطی نوع سوم است که احتمال وقوع عملی را می‌رساند. مرگ پولس تا زمانی که بازگشت دوم محقق گردد، قطعی بود. او فکر می‌کرد که بنا بود برای مردن به آسیا رود (دوم قرن‌تینان ۱: ۸-۱۰). زندگی او بعنوان یک رسول، ساده و بدون درد نبود (دوم قرن‌تینان ۴: ۷-۱۲؛ ۶: ۳-۱۰؛ ۱۱: ۲۴-۲۸). پولس از زمان و شرایط مرگ خود آگاهی نداشت. او احتمالاً تصور می‌کرد یا امید داشت که در هنگام بازگشت مسیح، کماکان زنده باشد (اول قرن‌تینان ۱۵: ۵۱-۵۲؛ فیلیپیان ۶: ۱۴؛ دوم قرن‌تینان ۴: ۱۴). برای مطالعه یک بحث خوب و جالب به کتاب *Answers to Questions* بقلم F. F. Bruce صفحات ۲۰۰-۲۰۱ مراجعه نمایید. امید به زنده بودن در زمان بازگشت مسیح، امید هر نسل از ایمانداران است، اما واقعیت اینست که چنین افتخاری فقط نصیب یک نسل خواهد گردید.

□ "خیمه زمینی" این یکی از ده‌ها استعاره‌ی بکار رفته در انجیل، در رابطه با ضعف بدن انسان است (علف، کوزه..). پولس آگاه بود که بدنش رو به نحیف شدن می‌رود. او مجبور بود خیمه‌های قدیمی بسیاری را ترمیم نماید!

NASB, TEV "پاره شده است"

این یک وجه شرطی مجهول آنوریستی است. پولس می دانست که مرگ و زندگی در دست خداوند است (زمان مجهول). او می دانست که خواهد مرد، اما از زمان و چگونگی آن باخبر نبود (حالت وجه شرطی).

این واژه دارای معانی گسترده ای می باشد. در عهد عتیق و عهد جدید *Kataluma* برای مکانی جهت اقامت، و *kataluo* برای مکانی برای زندگی و یا استراحت بکار می رفت. در عین حال، برای تخریب یا حذف فیزیکی چیزی نیز بکار برده می شد (که یک ضمیمه استعاره از *luo* بمعنی سست و رها است، متی ۲:۲۴). در اشعیا ۱۲:۳۸ برای پایین آوردن یک خیمه و چادر بکار برده شده است. بنظر می رسد که بهترین نحوه کاربرد آن توسط پولس، در همین جا باشد.

■ "عمارتی از خدا داریم" این عمارت همیشگی بوده (یوحنا ۱۴:۲-۳؛ عبرانیان ۱۱:۱۰) که با یک چادر قابل حمل مقایسه گردیده است (عبرانیان ۹:۱۱). جمله زمان حال است. پولس نبوتی را بگونه ای بیان می کند که گویا در واقعیت در حال روی دادن است.

■ "خانه ای ناساخته به دست" بدنهای جدید ما، همچون بدن عیسی (مرقس ۱۴:۵۸؛ ۱ یوحنا ۲:۳) روحانی خواهند بود (اول قرنیتیان ۱۵:۳۵-۴۹).

■ "جاودانه در آسمان" این عبارت اشاره به منزلگاه خداوند دارد. واژه "آسمان" ("بهشت" در نسخه انگلیسی)، بصورت جمع بکار برده شده زیرا ربی های یهود بر سر تعداد آن مجادلات فراوانی داشتند. در کتاب پیدایش ۱، واژه آسمانها اشاره به اتمسفر بالای سطح زمین دارد. لذا ربیها از دانش خود بر پایه کتاب مقدس بمنظور وجود آسمان سوم و یا هفتم بعنوان منزلگاه خداوند تصریح داشتند. به موضوع خاص آسمانها در دوم قرنیتیان ۱۲:۲ مراجعه نمایید.

بهشت، در بالا یا بیرون از زمین قرار ندارد. احتمالاً در بُعد دیگری بدون زمان و مکان است. عیسی پس از قیام همچون حرکت از مکانی به مکان دیگر، قادر بود ظاهر و ناپدید گردد. زمانی که ابعاد جهان فیزیکی و مادی درک گردد، عظمت جهان معنوی سرسام آور خواهد گردید.

■ ۲:۵ "در این" این عبارت دارای معنی خنثی بوده که اشاره به "خانه" در دوم قرنیتیان ۵:۱ دارد.

■ "آه می کشیم" این کلمه حال کامل اخباری است. ایمانداران به آه کشیدن برای عهد جدید خداوند و بدنهای روحانی جدید خود، ادامه می دهند (رومیان ۸:۱۸-۲۷؛ ناله زایمان؛ دوم قرنیتیان ۵:۲۲؛ ناله و آه ایمانداران، دوم قرنیتیان ۵:۲۳؛ و ناله های روح، دوم قرنیتیان ۵:۲۶).

■ "مشتاق آنیم" این واژه نیرومندی برای نشان دادن اشتیاق است (دوم قرنیتیان ۹:۱۴). حالت موصوف در دوم قرنیتیان ۷:۷ و ۱۱ بکار رفته است. پولس مردی با احساسات قوی بود.

■ ۳:۵-۴ "در بر کنیم" پولس اغلب از لباس پوشیدن بعنوان یک استعاره برای زندگی روحانی و معنوی بهره برده است. ردای اشاره شده در اینجا، پوشش بالای بدن و رویی، همچون کت می باشد (*ependute*، یوحنا ۷:۲۱). وی از پوشش بعنوان استعاره ای برای انتخابهای روزمره فردی استفاده کرده است. ایمانداران تشویق می گردند تا زندگی قدیمی خود را همچون یک لباس کهنه از تن درآورده و در گوشه ای آویزان نمایند (دوم قرنیتیان ۳:۸، ۹؛ افسسیان ۴:۲۲، ۲۵، ۳۱؛ یعقوب ۱:۲۱؛ ۱ پطرس ۲:۱). آنان باید لباس مسیح را بر تن نمایند (دوم قرنیتیان ۳:۱۰، ۱۲، ۱۴؛ افسسیان ۴:۲۴؛ رومیان ۱۳:۱۴؛ غلاطیان ۳:۲۷). پیشتر این ایمانداران تحت کنترل نیروها و امیال شیطانی خود بودند، اما اکنون بواسطه مسیح، آنها می توانند از آن امیال روی برگردانند (رومیان ۵-۶). این ریشه ی واژگان و قرار دادن آن بر گرده ی مسیح، به احکام تعمید در کلیسای اولیه متصل می باشد، در جایکه تعمیدگرفته گان جدید لباس سفید تمیز بر تن می کنند. پولس قصد نداشت که پس از مرگ، حالتی میان مرگ و رستاخیز را تجربه نماید، بلکه می خواست در رویدادهای مرتبط با بازگشت دوم مسیح که یکی از آنها بدست آوردن بدن روحانی جدید است، مشارکت داشته باشد.

بحث الهیاتی جدا شدن روح از بدن بطور مشخص در کتاب مقدس بیان نشده، بلکه موردی است که ناخواسته بیان شده زیرا مفهوم آن در فلسفه یونانی بعنوان یک حالت ثابت در نظر گرفته شده که فراتر از تجزیه فیزیکی بدن می باشد. A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament* می گوید که "پولس نمی خواهد که با لباس معنوی جدید خود، یک روح بدون بدن باشد" (جلد ۴، ص. ۲۲۸). مطلب زیر خلاصه ای از تفسیر من بر ۱ تسالونیکیان ۴:۱۶ جلد ۷ می باشد (کامل آن را می توانید در وبسایت www.freebiblecommentary.org مطالعه نمایید).

"و ابتدا مرگ در راه مسیح شروع خواهد شد" این عبارت اغلب سردرگمی هایی درباره اینکه مردگان در فاصله زمانی میان مرگ و روز رستاخیز بکجا خواهند رفت، بوجود آورده است. این آیه می گوید که آنها در قبر خود می مانند (متی ۲۷:۵۲-۵۳).

با اینحال، دوم قرن‌تین ۸:۵ اینگونه می‌گوید که آنها در کنار عیسی مسیح هستند. نتیجه این کار ممکن است به تجزیه بدن ختم گردد. بدن فیزیکی در قبر مانده و حیات بسوی با مسیح بودن می‌رود. در اینجا سوالات بی‌پاسخ فراوانی بوجود می‌آیند. انجیل هیچ آموزه‌ی واضحی درباره این موضوع فراهم نمی‌کند.

بیشتر نسخه‌ها، آن را بعنوان قدیسانی با خدا/عیسی ترجمه کرده‌اند که با "او" باز خواهند گشت (NASB). دیدگاه دیگری در نسخه TEV دیده می‌شود، "آنان که با ایمان به مسیح مرده‌اند، ابتدا برای زندگی کردن قیام خواهند کرد".

۳:۵ "آیه سه احتمالاً در یک پراتز گفته شده است. آگاهی از آنچه که پولس دقیقاً بدان اشاره کرده دشوار است زیرا:

۱. متن با جملات استعاره زیادی ادغام گردیده
۲. عدم مشخص بودن ارتباط "برهنه" با "پوشش"
۳. ارتباط متنی رنج رسالت (مرگ) یا ضدیت (آموزه‌های دروغین)
۴. همچنین مشکل اضافه شده‌ی دیگر یعنی تعدد متون. بهترین شاهد متنی در ورای *eudusamanoi* قرار دارد ("در آوردن" MSS P⁴⁶، B، C، D²)، اما واژه مشابه دیگر *ekdusamanoi* ("بر تن کردن"، MS D*) در این متن بیشتر منطقی بنظر می‌رسد. اگر یکی را با توجه به معیارهای نقد متنی انتخاب کنیم

a. متون قدیمی‌تر یونانی بهتر خواهند بود

b. غیرطبیعی‌ترین متن احتمالاً متن اصلی خواهد بود

پس پولس چیزی را چند بار به شیوه‌های مختلف بیان کرده ("در آوردن... برهنه"). نسخه UBS4 در اینبار نتوانسته تصمیم نهایی را اتخاذ نماید (رتبه C را داده است)، با اینحال "بر تن کردن" را در متن قرار داده است. انجیل Net نیز گزینه شماره ۲ را ترجیح داده است، "بر تن کردن".

■ "برهنه" از این عبارت در ادبیات یونانی بیشتر برای جدا شدن روح از بدن در زمان مرگ بکار برده می‌شود (کتاب *Word Studies* نوشته Vincent جلد ۲ صفحه ۸۲۲؛ کتاب *New Testament Theology* نوشته Frank Stagg صفحات ۳۲۲-۳۲۴؛ کتاب *A Theology of the New Testament* نوشته George E. Ladd صفحات ۵۲۲-۵۲۴). یونانیان اشتیاق زیادی برای شروع مرحله جدا شدن روح از بدن نشان می‌دادند، با اینحال در مسیحیت، همچون یهودیت، تصریح می‌شود که ما همیشه دارای یک بدن خواهیم بود (هم ایمانداران و هم بی‌ایمانان؛ دانیال ۱۲:۱-۲؛ متی ۲۵:۴۶؛ یوحنا ۵:۲۸-۲۹). احتمالاً پولس در اینجا پولس باز هم آموزه‌های دروغین را رد می‌نماید (عرفان اولیه).

۴:۵ این آیه خلاصه و مرموز را باید در زیر نور آیات رومیان ۸:۱۸-۲۵، ۲۶-۳۰ ("آه کشیدن و ناله کردن") و اول قرن‌تین ۱۵:۵۳-۵۴ ترجمه نمود ("فناپذیر"، "بلعیده شده"). بنظر می‌رسد که آیه ۲ دوباره بازگویی شده است.

۵:۵ "آماده کرده" پولس از این عبارت اغلب در دوم قرن‌تین استفاده می‌کند (دوم قرن‌تین ۴:۱۷؛ ۵:۵؛ ۷:۱۰، ۱۱؛ ۹:۱۱؛ ۱۲:۱۲). زندگی ما توسط شانس یا بخت هدایت نمی‌شود بلکه تحت کنترل خداوند است. حتی محکمه‌ی ما می‌تواند بدلیل ایمان بزرگتر و رشد بلوغ ما صورت پذیرد (رومیان ۸:۲۸-۳۰؛ عبرانیان ۵:۸).

دریافت روح بمنزله

۱. سپیده دم عصر جدید است
۲. گواه بر نجات شخصی است
۳. بمفهوم بشارت کلام خدا است
۴. بمفهوم بلوغ است
۵. تضمین بهشت است

NASB, NJB "تعهد"

NKJV, NRSV,

TEV "تضمین"

این مفهوم از تعهد در عهد عتیق مسبوق به سابقه است (بخاطر داشته باشید، نویسندگان عهد جدید متفکرین عبرانی بودند که به یونانی کویین تفکرات خدا را به رشته تحریر در می‌آوردند).

۱. تعهد به پرداخت دین (پیدایش ۳۸:۱۷، ۱۸، ۲۰؛ تثنیه ۲۴:۱۰-۱۳)

۲. تعهد به فراهم آوردن معاش روزانه (۱ سموئیل ۱۷:۱۸)

۳. تعهد به عمل کردن به وعده‌ی داده شده (۲ پادشاهان ۱۸:۲۳؛ اشعیا ۳۶:۸)

این واژه یونانی اشاره به "پیش-پرداخت" یا پول بیعانه دارد (دوم قرتیان ۱:۲۲؛ ۵:۵). در یونانی مدرن برای حلقه نامزدی بکار برده می‌شود که خود وعده‌ای برای یک ازدواج پیش رو می‌باشد. روح وعده داده شده به پارسایی و رستگاری در عصر جدید را تکمیل نمود. اینجا همان بخش "قبلاً" و "هنوز نه" مورد تنش در عهد جدید است که بدلیل دوبار آمدن مسیح، بر روی دو دوره یهودیت سایه افکنده است (به یک بحث عالی در کتاب *How to Read the Bible for All Its Worth* بقلم Fee and Stuart صفحات ۱۲۹-۱۳۴ مراجعه نمایید). روح یک تضمینی است که برای نتیجه نهایی کار در آینده، از هم اکنون به ما داده شده است.

متن NASB (بروز شده): دوم قرتیان ۵:۶-۱۰

پس همواره دلگرمیم، هر چند می‌دانیم تا زمانی که در این بدن منزل داریم، از خداوند غریبیم،^۷ زیرا با ایمان زندگی می‌کنیم، نه با دیدار. آری، ما چنین دلگرمیم و ترجیح می‌دهیم از بدن غربت جسته، نزد خداوند منزل گیریم. آ^۸ پس خواه در بدن منزل داشته باشیم و خواه در غربت از آن به سر بریم، این را هدف قرار داده‌ایم که او را خوشنود سازیم. "زیرا همه ما باید در برابر مسند داوری مسیح حاضر شویم، تا هر کس بنا بر اعمال خوب یا بدی که در ایام سکونت در بدن خود کرده است، سزا یابد.

۶:۵

NASB "شجاعت داریم"

NKJV, NRSV "دلگرمیم"

TEV "سرشار از شجاعتیم"

NJB "سرشار از دلگرمی هستیم"

این واژه بارها در دوم قرتیان به دو حالت استفاده شده است.

۱. اعتماد بنفس، بخوبی تشویق کردن (دوم قرتیان ۵:۶، ۸؛ ۷:۱۶)

۲. جسارت (دوم قرتیان ۱۰:۱، ۲)

تداوم اعتماد بنفس ما (وجه وصفی حال کامل) در راه مسیح به ما جسارت و در امر دعا و خدمت می‌دهد.

□ "منزل... غریب" میان این دو واژه‌ی مرتبط، یک بازی با کلمات صورت پذیرفته است (همچنین در دوم قرتیان ۵:۸، ۹).

۱. *Endēmoutēs*، بمعنی در خانه بودن است (وجه وصفی حال کامل)

۲. *Ekdēmoumen*، بمعنی ما از خانه دور هستیم (وجه خبری حال کامل)

همگامیکه می‌دانید در راه مسیح قدم برمی‌دارید، همیشه در خانه و در کنار او هستید، با اینکه ما بر روی زمین با ایمان زندگی می‌کنیم (آیه ۷).

موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (*SHEOL/HADES, GEHENNA, TARTARUS*)

(Special Topic: The Dead, Where Are They)

I. عهد عتیق

A. همه انسانها به *Sheol* (دنیای زیر زمین در زبان عبری) می‌روند (هیچ ریشه‌ای برای این کلمه موجود نیست و ریشه آن مشخص نیست، (BDB 982, KB 1368)، و شیوه‌ای است برای اشاره به مکانی که مردگان را در آنجا گذاشته و در آنجا زندگی می‌کنند یا قبر است، بیشتر در ادبیات عرفانی و اشعیا استفاده شده است. در عهد عتیق هستی در سایه، هشیار ولی بدون لذت وجود دارد (مراجعه شود به یعقوب ۲۱:۱۰ الی ۲۲، ۱۷:۳۸).

B. مشخصه‌های *Sheol* (شئول)

۱. با داوری خدا همراه است (آتش)، تثنیه ۲۲:۳۲
۲. زندانی با دروازه، یعقوب ۱۷:۳۸، مزمو ۱۳:۹، ۱۸:۱۰۷
۳. سرزمین بدون بازگشت، یعقوب ۹:۷ (اصطلاح اکادادی برای مرگ)
۴. سرزمین/قلمرو تاریکی، یعقوب ۲۱:۱۰ الی ۲۲:۱۳، ۱۷:۱۸
۵. مکان سکوت، مزمو ۱:۲۸، ۱۷:۳۱، ۱۷:۹۴، ۱۷:۱۱۵، اشعیا ۵:۴۷
۶. همراه با مجازات حتی قبل از روز داوری، مزمو ۴:۱۸ الی ۵
۷. همراه با شیطان (تخریب، موضوع خاص: شیطان را مطالعه کنید)، که در آن خدا نیز حضور دارد، یعقوب ۶:۲۶، مزمو ۱۳۹:۸، عاموس ۲:۹
۸. همراه با گودال است (قبر)، مزمو ۱۰:۱۶، ۳:۸۸ الی ۴، اشعیا ۱۵:۱۴، حزقیال ۳۱:۱۵ الی ۱۷
۹. افراد شرور زنده وارد شئول می‌شوند، اعداد ۳۰:۱۶ الی ۳۳، یعقوب ۹:۷، مزمو ۱۵:۵۵
۱۰. انسان حیوان‌نمایی با دهان بزرگ، اعداد ۳۰:۱۶، امثال ۱۲:۱، اشعیا ۱۴:۵، حبقوق ۲:۵
۱۱. به مردم آنجا رفائیم (یعنی روح مردگان) گفته می‌شود، یعقوب ۵:۲۶، امثال ۱۸:۲، ۲۱:۱۶، ۲۶:۱۴، اشعیا ۹:۱۴ الی (۱۱)
۱۲. با این وجود، حتی در اینجا نیز یهوه حاضر است، یعقوب ۶:۲۶، مزمو ۸:۱۳۹، امثال ۱۱:۱۵

II. عهد جدید

- A. کلمه عبری شئول در زبان یونانی به حادس (*Hades*) ترجمه می‌شود (دنیای دیده نشده)
- B. مشخصه‌های حادس (همانند شئول است)

۱. اشاره به مرگ دارد، انجیل متی ۱۸:۱۶
۲. به مرگ مرتبط است، مکاشفه ۱۸:۱، ۸:۶، ۱۳:۲۰ الی ۱۴
۳. اغلب شبیه مکانی برای مجازات دائمی است (*Gehenna* یا جهنم)، انجیل متی ۲۳:۱۱ (نقل از عهد عتیق)، انجیل لوقا ۲۳:۴۳

C. احتمالا مجزا شده (روحانیون)

۱. بخش نیکی آن بهشت نامیده می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴:۱۲، مکاشفه ۷:۲)، انجیل لوقا ۲۳:۴۳
۲. بخش پلیدی آن که تارتاروس نامیده می‌شود، مکانی به مراتب پائینتر از حادس، دوم پطرس ۴:۲، که در آن شیاطین هستند (مراجعه شود به پیدایش ۶، اول انوش). پرتگاه (*Abyss*)، انجیل لوقا ۳:۸، رومیان ۷:۱۰، مکاشفه ۱:۹ الی ۲ و ۱۱، ۱۱:۷، ۱۷:۱ و ۸، ۲۰:۳

D. جهنما (جهنم)

۱. منعکس کننده یک عبارت عهد عتیقی است، "دره پسران هینوم"، (جنوب اورشلیم). مکانی بود که خدای آتش فینقیان، مولک (KB591, BDB 574) با قربانی کردن کودکی پرستش و عبادت می‌شد (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۳:۱۶، ۶:۲۱، دوم قرنتیان ۳:۲۸، ۶:۳۳)، که در لایوان ۲۱:۱۸، ۲:۲۰ الی ۵ منع شده بود.
۲. ارمیا این مکان را از محل عبات کفار و بت پرستان تبدیل به محل داوری یهوه کرد (مراجعه شود به ارمیا ۳۲:۷، ۶:۱۹ الی ۷).
۳. یهودیان روزگار عیسی اجدادشان از حضور در مراسم عبادت بت پرستان و کفار به خاطر قربانی کردن کودکان ترسانده بودند، به همین دلیل آنها این مکان را تبدیل به زباله‌دانی شهر اورشلیم کرده بودند. بسیاری از استعاره‌های داوری جاودانی عیسی از این مکان می‌آیند (آتش، دود، کرمها، بوی تعفن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۹:۴۴ و ۴۶). اصطلاح جهنما/جهنم فقط توسط عیسی استفاده شده است (به استثنای یعقوب ۶:۳).
۴. استفاده عیسی از جهنم
 - a. آتش، انجیل متی ۲۲:۵، ۹:۱۸، انجیل مرقس ۹:۴۳
 - b. همیشگی، انجیل مرقس ۹:۴۸ (انجیل متی ۴۶:۲۵)
 - c. محل خراب شدن (هم روح و هم جسم)، انجیل متی ۲۸:۱۰
 - d. همسو با شئول، انجیل متی ۲۹:۵ الی ۳۰، ۹:۱۸
 - e. پلیدی را بیان می‌دارد مانند "فرزند جهنم"، انجیل متی ۱۵:۲۳

- f. نتیجه حکم داوری، انجیل متی ۲۳:۳۳، انجیل لوقا ۱۲:۵
- g. مفهوم جهنم همسو با مرگ دوم است (مراجعه شود به مکاشفه ۲:۱۱، ۶:۲۰ و ۱۴) یا دریاچه آتش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳:۴۲ و ۵۰، مکاشفه ۱۹:۲۰، ۱۰:۲۰ و ۱۴ الی ۱۵، ۸:۲۱). احتمال دارد که دریاچه آتش تبدیل به محل دائمی انسانها (از سئول) و شیطان (از تارتاروس، دوم پطرس ۲:۴، یهوذا ۱:۶ یا هاویه، مراجعه شود به انجیل لوقا ۸:۳۱، مکاشفه ۱:۹ الی ۱۱، ۱:۲۰ و ۳) شود.
- h. این برای انسانها نبود، بلکه برای شیطان و فرشتگان او بود، مراجعه شود به انجیل متی ۲۵:۴۱
- E. این احتمال هست، به واسطه همپوشانی حادس و سئول و جهنم که:

۱. همه انسانها به سئول/حادس بروند
۲. کارهای (نیک و بد) آنها پس از داوری تشدید می شود، ولی مکان پلیدی بود، به همین دلیل انجیل KJV حادس را قبر و جهنم را جهنم ترجمه کرده است.
۳. تنها جایی در انجیل که مجازات قبل از داوری را ذکر کرده، تمثیل انجیل لوقا ۱۶:۱۹ الی ۳۱ (ایلغازر و مرد ثروتمند) است. سئول به عنوان مکان فعلی مجازات توصیف شده (مراجعه شود به تثنیه ۳۲:۲۲، مزمور ۱۸:۱ الی ۵). با این حال، کسی نمی تواند برای آن دکترینی یا تمثیلی تعریف کند.

III. حالت میان مرگ و بازگشت از مرگ

- A. انجیل جاودانگی روح را تعلیم نمی دهد، که یکی از چندین نگرش باستانی در مورد پس از مرگ است، و تصریح می کند که:
۱. روح انسان قبل از زندگی فیزیکی وجود داشته است
 ۲. روح انسان قبل و بعد از مرگ فیزیکی جاویدان است
 ۳. اغلب جسم فیزیکی به عنوان زندان دیده می شود و مرگ آن را به حالت قبل از وجود تبدیل می کند
- B. عهد جدید به حالت جدا شدن از بدن میان مرگ و رستاخیز اشاره می کند
۱. عیسی از حالت جدایی میان بدن و روح صحبت می کند، انجیل متی ۲۸:۱۰
 ۲. ابراهیم ممکن است جسم داشته باشد، انجیل مرقس ۱۲:۲۶ الی ۲۷، انجیل لوقا ۱۶:۲۳
 ۳. موسی و الیاس در زمان تغییر شکل بدن فیزیکی داشتند، انجیل متی ۱۷
 ۴. پولس تصریح می کند که در زمان آمدن دوم، ایماندارانی که با عیسی می آیند ابتدا بدن جدیدی می گیرند، اول تسالونیکیان ۴:۱۳ الی ۱۸
 ۵. پولس تصریح می کند که ایمانداران در روز رستاخیز بدن معنوی جدیدی می گیرند، اول قرنتیان ۱۵:۲۳ و ۵۲
 ۶. پولس تصریح می کند که ایمانداران به حادس نمی روند، ولی در زمان مرگ با عیسی هستند، دوم قرنتیان ۵:۶ و ۸، فیلیپیان ۱:۲۳. عیسی بر مرگ غلبه کرد و پارسایان را با خود به بهشت برد، اول پطرس ۳:۱۸ الی ۲۲.

IV. بهشت

- A. این اصطلاح به سه مفهوم در انجیل استفاده شده است
۱. اتمسفر بالای زمین، پیدایش ۱:۱ و ۸، اشعیا ۵:۴۲، ۱۸:۴۵
 ۲. بهشت درخشان، پیدایش ۱:۱۴، تثنیه ۱۰:۱۴، مزمور ۱۴۸:۴، عبرانیان ۴:۱۴، ۷:۲۶
 ۳. محل پادشاهی خدا، تثنیه ۱۰:۱۴، اول پادشاهان ۸:۲۷، مزمور ۱۴۸:۴، افسسیان ۴:۱۰، عبرانیان ۹:۲۴ (بهشت سوم، دوم قرنتیان ۱۲:۲)
- B. انجیل مطالب زیادی در مورد پس از زندگی بیان نمی کند، احتمالاً به این دلیل که انسان گمراه نمی تواند یا توان درک آن را ندارد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹:۲)
- C. بهشت هم مکان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۲ الی ۳) و هم فرد (دوم قرنتیان ۵:۶ و ۸) است. بهشت می تواند باغ احیا شده عدن باشد (پیدایش ۱ الی ۲، مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). زمین پاک شده و احیا می گردد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳:۲۱، رومیان ۸:۲۱، دوم پطرس ۳:۱۰). تصویر خدا (پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷) در مسیح احیا می شود. اینک دوستی صمیمانه باغ عدن دوباره امکانپذیر است.

با این حال، این می‌تواند استعاره‌ای باشد (بهشت به عنوان یک شهر مکعب شکل عظیم مکاشفه ۹: ۲۱ الی ۲۷) و نه فقط مفهومی. اول قرن‌تینان ۱۵ تفاوت‌های میان بدن فیزیکی و بدن معنوی را به عنوان بذر گیاه بالغ توصیف می‌کند. اول قرن‌تینان ۹: ۲ (نقل قولی از اشعیا ۴: ۶۴ و ۱۷: ۶۵) وعده بزرگی است. می‌دانم که وقتی او را ببینیم، همانند او خواهیم بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳).

V. منابع مفید

A. William Hendriksen, *The Bible On the Life Hereafter*

B. Maurice Rawlings, *Beyond Death's Door*

۷:۵ "زیرا با ایمان زندگی می‌کنیم، نه با دیدار" این بحث در موضوعیت عهد جدید تکراری است (دوم قرن‌تینان ۴: ۱۸؛ عبرانیان ۱۱: ۱، ۱۰، ۲۷؛ اپطرس ۸: ۱). "زندگی کردن" (در نسخه انگلیسی "قدم برمی‌داریم" یک استعاره انجیلی برای سبک زندگی است. ایمانداران در دنیای فیزیکی زندگی می‌کنند، اما بوسیله ایمان و باور، جهان نامرئی را درک می‌کنند.

۸:۵ این آیه برای مسیحیان فوق‌العاده است. این آیه تصریح می‌کند که ما به نوعی در لحظه مرگ با مسیح خواهیم بود. این آیه تکذیب مفهوم خواب روح است. با اینکه همراهی ما با دیگر ایمانداران در این مرحله مشخص نبوده و همراهی و مجالست ما با مسیح تا زمان روز رستاخیز و دریافت بدن جدید خود محقق نخواهد گردید، اما بزرگترین تضمین این است که بهر حال ما با او خواهیم بود! این واقعیت احتمالاً بجز فیلیپیان ۱: ۲۱-۲۳، در هیچ جای دیگر از کتاب مقدس تدریس نشده، که همین باعث اهمیت بسیار آیه می‌گردد! در نور این واقعیت، پولس و همه ایمانداران می‌توانند با هر شرایطی در زندگی مواجه گردند.

۹:۵ "این را هدف قرار داده‌ایم که او را خوشنود سازیم" این همان هدف و نیروی محرکه‌ایست که متعلق به همه ایمانداران است (افسیان ۵: ۸-۱۰؛ کولسیان ۱: ۱۰).

عبارت "خوشنود سازیم" را می‌توان در بسیاری از کتیبه‌های خطی، حتی کتیبه‌هایی که در پیش از دوران پولس نوشته شده بودند، مشاهده کرد. این شعاری بود برای صداقت و وفاداری در فرهنگ تحت سیطره یونان باستان قرن اول (از کتاب *The Vocabulary of the Greek Testament*، نوشته Moulton and Milligan، صفحه ۲۵۹). پولس کاتبی اهل مطالعه بزبانهای یونانی و عبری بود.

۱۰:۵ "همه ما باید در برابر مسند داوری مسیح حاضر شویم" متن اولیه خطاب به ایمانداران نوشته شده است؛ حتی ایمانداران نیز برای پاسخگویی در برابر خداوند خواهند ایستاد (رومیان ۱۴: ۱۰؛ اول قرن‌تینان ۳: ۱۰-۱۷). بدیهی است که ما براساس انگیزه‌هایی که داشته‌ایم، میزان آمادگی خود و شیوه بکارگیری هدایایی که روح به ما عطا کرده، روزی مورد داوری قرار گرفته و پاداش/جزا دریافت خواهیم کرد. گناه و گناهان ما بواسطه کفاره‌ای که مسیح بخاطر ما پرداخت کرد، بطور کامل از میان رفت، اما وظیفه شاگردی ما و کاری که برای مسیح باید انجام دهیم همچنان موضوع مورد بحث خواهد بود! در اینجا خلاصه‌ای از تفسیر من درباره مفهوم عیسی در جایگاه داور و قاضی را که بر روی یوحنا ۳: ۱۷ نوشتم، می‌توانید مطالعه نمایید. (کامل این تفسیر را در وبسایت www.freebiblecommentary.org مطالعه نمایید).

"بخشهای زیادی در انجیل یوحنا وجود دارند که تصریح می‌کنند که عیسی به عنوان نجات دهنده آمده، نه محکوم کننده (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۷-۲۱؛ ۸: ۱۵؛ ۱۲: ۴۷). اما بخشهای دیگری هم در انجیل یوحنا هستند که تصریح می‌کنند عیسی برای محاکمه کردن آمده، و قضاوت خواهد کرد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۲-۲۳، ۲۷؛ ۹: ۳۹، همچنین سایر بخشهای عهد جدید، اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱، دوم تیموتائوس ۴: ۵).

چندین نظریه الهیاتی در این ارتباط وجود دارند: (۱) خدا همانطور که مخلوقاتش و رستگاری را به عنوان نشان افتخار (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۳) به عیسی داد، اختیار قضاوت را هم به او داد؛ (۲) عیسی یک مرتبه نیامد که قضاوت کند، بلکه برای نجات آمد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۷)، ولی این واقعیت که مردم او را پس زدند، آنها خودشان خود را محاکمه کردند؛ (۳) عیسی به عنوان شاه شاهان و قاضی خواهد آمد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳۹: ۹).

این اظهارات بظاهر متناقض شبیه به اظهارات مربوط به یحییای تعمیددهنده بوده و نه الیاه"

☐ "هر کس بنا بر اعمال خوب یا بدی که در ایام سکونت در بدن خود کرده است" این یک قاعده کلی است که بشر مسئول اعمالیست که انجام می‌دهد و روزی نیز باید در مقابل خداوند پاسخگو باشد (ایوب ۳۴: ۱۱؛ امثال ۲۴: ۱۲؛ جامعه ۱۴: ۱۲؛ ارمیا ۱۷: ۱۰؛ ۳۲: ۱۹؛ متی ۱۶: ۲۷؛ ۲۵-۳۱؛ ۴۶؛ رومیان ۲: ۶؛ ۱۴: ۱۲؛ اول قرن‌تینان ۳: ۸؛ غلاطیان ۶: ۷-۱۰؛ تیموتائوس ۴: ۱۴؛ اپطرس ۱: ۱۷؛ مکاشفه ۲: ۲۳؛ ۲۰: ۱۲؛ ۲۲: ۱۲). حتی ایمانداران نیز بابت نوع زندگی که داشتند و میزان و کیفیت خدمتی که به مسیح و در راه مسیح انجام دادند، به خداوند پاسخگو خواهند بود

(«کتاب خاطرات»). ایمانداران بوسیله کارهای خود نجات نمی‌یابند، بلکه با نسبت به کارهایی که انجام می‌دهند مورد بازخواست قرار خواهند گرفت (افسیان ۸:۲-۱۰؛ یعقوب و اول یوحنا). به موضوع خاص: آزادی در مسیحیت در برابر مسئولیت در مسیحیت در اول قرن‌تین ۱۰:۲۳ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۵:۱۱-۱۵

۱۱ پس چون معنی ترس خداوند را می‌دانیم، می‌کوشیم مردمان را مُجاب کنیم. آنچه هستیم بر خدا آشکار است و امیدوارم بر وجدان شما نیز آشکار باشد. ۱۲ نمی‌خواهیم باز شروع به توصیه درباره خود کنیم، بلکه می‌خواهیم دلیلی به شما بدهیم که به ما فخر کنید، تا بتوانید پاسخ کسانی را بدهید که به ظاهر فخر می‌کنند، نه به آنچه در قلب است. ۱۳ اگر عقل از کف داده‌ایم، به خاطر خداست؛ و اگر عقل سلیم داریم، به خاطر شماسست. ۱۴ زیرا محبت مسیح بر ما حکمفرماست، چون یقین داریم که یک تن به خاطر همه مرد، پس همه مردند. ۱۵ و به خاطر همه مرد تا زندگان دیگر نه برای خود، بلکه برای آن کس زیست کنند که به خاطرشان مرد و برخاست.

۱۱:۵ «ترس خداوند» (ترجمه صحیح «خداترسی» است) این عبارت به جایگاه داوری مسیح که در دوم قرن‌تین ۵:۱۰ به آن اشاره شد دارد. در ارتباط با داوری جهان (عبرانیان ۱۰:۳۱؛ ۱۲:۲۹؛ یهودا ۲۲:۲۳)، توجهی خاص وجود دارد (اعمال رسولان ۵:۱۱؛ ۹:۳۱)؛ ایمانداران برای زندگی با چارچوبهای آسمانی و الهی ترغیب شده تا خبر خوش انجیل را بوسیله دانشی که هر یک از آن دارند، به اشتراک همگان قرار دهند و بابت این نیز روزی در برابر خداوند پاسخگو خواهند بود.

عنوان «Lord» می‌تواند اشاره به یهوه یا عیسی داشته باشد. عبارت «ترس خدا» در نسخه Septuagint بسیار استفاده شده که به یهوه اشاره دارد. با اینحال، این عنوان برای عیسی نیز در عهد جدید رایج می‌باشد. داوری متعلق به یهوه بوده، اما او بار این مسئولیت را بر دوش پسر خود قرار داده است.

□ «مردمان را مُجاب کنیم» این عبارت در این متن می‌تواند اشاره به چند گروه خاص داشته باشد.

۱. بی‌ایمانان (دوم قرن‌تین ۵:۱۰)

۲. معلمان دروغین (دوم قرن‌تین ۵:۱۲)

۳. ایمانداران ضعیف (دوم قرن‌تین ۵:۱۱-۱۲)

خدمت پولس در امر بشارت مأموریت بزرگ تبلیغ مسیحیت (متی ۲۸:۱۹) و شاگردی مسیح را بحد کمال به اتمام رساند (متی ۲۸:۲۰).

□ «آنچه هستیم بر خدا آشکار است» این جمله مجهول کامل اخباری است. پولس با جسارت تمام تصریح می‌کند که خداوند بطور کامل به انگیزه‌ها و نیات وی آگاهی دارد (دوم قرن‌تین ۴:۲). به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تین ۲:۱۴ مراجعه نمایید.

□ «بر وجدان شما نیز آشکار باشد» این مصدر مجهول کامل است. پولس در حال بازگشت به فکری است که در دوم قرن‌تین ۴:۲ مطرح کرده بود. مأموریت او به‌مراهی آنان کاملاً آشکار و صادقانه بود. پولس می‌خواست که این کلیسا انگیزه‌ها و اعمال او را همانگونه که خداوند به آنها اشراف داشت، درک نماید.

□ «وجدان» به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تین ۱۲:۱ مراجعه نمایید.

۱۲:۵ «توصیه درباره خود» به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تین ۳:۱ مراجعه نمایید.

□ «تا بتوانید پاسخ کسانی را بدهید که به ظاهر فخر می‌کنند، نه به آنچه در قلب است» عوامل محرکه خدمت و شیوه‌های آن حیاتی هستند! بدیهی است که پولس شیوه‌های خود را با دیگر رهبران در کلیسای قرن‌تس مقایسه می‌کند (دوم قرن‌تین ۴:۲؛ همچنین به اول قرن‌تین ۳:۱۰-۱۵ توجه نمایید). برخی رهبران فقط جنبه نمایشی داشته و دارای هیچ جوهره‌ای نبودند.

□ «فخر... فخر» (نسخه انگلیسی: «فخر... غرور») این دو از واژه «*kauchēma*» گرفته شده‌اند. یک فخر فروشی معقول وجود دارد (کلیسا به وجود پولس افتخار می‌کند) و یک غرور غیرمعقول (فخرفروشی معلمان دروغین). به موضوع خاص: فخرفروشی در اول قرن‌تین ۵:۶ مراجعه نمایید.

□ «ظاهر» به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تین ۱:۱۱ مراجعه نمایید.

۱۳:۵ «اگر... اگر» اینها دو جمله شرطی نوع اول هستند که با توجه به دیدگاه نویسنده یا اهداف ادبی خاصی که دنبال می‌کند، صحیح بنظر می‌رسند.

NASB, NRSV,

NKJV «در کنار یکدیگر هستیم»

TEV "حقیقتاً مجنون هستیم"

NJB "بی دلیل و منطق هستیم"

این واژه یونانی "ایستادن" بوده (*histēmi*)، موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱۵:۱ را نیز مطالعه نمایید) با حرف اضافه "خارج از" (*ek*) می‌باشد. می‌تواند به شیوه‌های زیر مورد بهره‌برداری قرار گرفته باشد

۱. حیرت (متی ۱۲:۲۳؛ مرقس ۵:۴۲)

۲. ترس (مرقس ۱۶:۸؛ لوقا ۵:۲۶)

۳. از خود بیخودی (اعمال رسولان ۱۰:۱۰؛ ۱۱:۵؛ ۱۷:۲۲)

۴. از دست دادن حواس یا عصبانیت (مرقس ۳:۲۱؛ دوم قرن‌تین ۵:۱۳)

بسیار دشوار است که بدانیم پولس دقیقاً به چه چیزی اشاره می‌کند. بسیاری از مفسران این آیه را به آیات ۱۱:۱، ۱۶:۱۲؛ ۱۱ ارتباط می‌دهند. با اینحال، کلمه دیگری نیز بکار رفته است: "احمقانه". در این فصلها پولس تجربیات روحانی و کیفیت کارهای خود را با معلمان دروغین مقایسه کرده است. احتمالاً این یک نظری بوده که معلمان دروغین در اشاره به پولس اظهار کرده بودند.

□ "اگر عقل سلیم داریم، به خاطر شمامست" پولس بطور قطع لحظات وجد روحانی خود را داشته است (اعمال رسولان ۹؛ اول قرن‌تین ۱۴:۵، ۱۸؛ دوم قرن‌تین ۱۲)، اما برای خدمت او زندگی کرد و در طول زندگی و در کنار انتظارات فرهنگی گروهی که وی به آنان خدمت می‌نمود، کلام خوش انجیل را با کیفیت و عقلانگی معرفی نمود (اول قرن‌تین ۹:۱۹-۲۳).

۱۴:۵ "محبت مسیح" این عبارت به لحاظ دستور زبانی می‌تواند یا "محبت مسیح بخاطر ماست" (حالت مضاف‌الیه) یا "محبت ما بخاطر مسیح است" (حالت مفعولی) ترجمه گردد. در این متن گزینه شماره ۱ بهترین است.

NASB "کنترل می‌کند"

NKJV "تحمیل می‌کند"

NRSV "ترغیب می‌کند"

TEV "حکمفرماست"

NJB "گسترده شده"

این عبارت بمعنی "اتحاد خود را حفظ کنید" می‌باشد. محبت، اعمال و گزینه‌های ما را محدود می‌کند. ذات انجیل کردار مناسب و معقول را تمنا دارد؛ در این مورد، مرگ جاه‌طلبی و مدل زندگی مد نظر است.

□ "یک تن به خاطر همه مرد" عشق خداوند به همه جهانیان را می‌توان در مسیحی دید که بخاطر یهودی و غیریهودی مرد (افسسیان ۲:۱۱ - ۳:۱۳). همه انسانها می‌توانند بواسطه مسیح نجات یابند (دوم قرن‌تین ۵:۱۹؛ یوحنا ۳:۱۶-۱۸؛ ۴:۴۲؛ رومیان ۵:۱۸؛ ۱ تیموتائوس ۲:۴؛ ۲ پطرس ۳:۹؛ ۱ یوحنا ۲:۲؛ ۴:۱۴). آیات ۱۴-۱۵ دارای یک رابطه به موازات یکدیگر هستند. کفار مسیح (اشعیا ۵۳ سه مرتبه مورد تأکید قرار گرفته است. همین حقیقت در رومیان ۵:۱۲-۲۱ نیز بیان شده است. اغلب به این عبارات، واژگان ویژه آدم/مسیح می‌گویند (اول قرن‌تین ۱۵).

□ "خاطر همه مرد" بلحاظ الهیاتی ایمانداران با مرگ مسیح و تعمیدی که دریافت می‌کنند، به یکدیگر ملحق می‌شوند. مرگ او به ما بخشش و حیات ابدی عطا می‌کند (رومیان ۶).

درحالیکه ما با مرگ او برسمیت شناخته می‌شویم، در عین حال با قربانی شدن زندگی او بخاطر دیگران نیز شناخته می‌شویم (۱ یوحنا ۳:۱۶). خودخواهی و خودمحوری در زندگی بخاطر خونی که برای ایمانداران ریخته شد، کاملاً ناپسند است (دوم قرن‌تین ۵:۱۵).

Robert B. Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament* بحث خوبی را پیرامون این توارد جدید "مرگ" برای ایمانداران مطرح کرده است. وی می‌گوید:

"مسیح ما به شاگردانش گفت (متی ۱۶:۲۸)، 'برخی اینجا ایستاده‌اند که تا پسر انسان را نبینند که در پادشاهی خود می‌آید، طعم مرگ را نخواهند چشید'. مرقس مقدس همین کلام را بنوعی دیگر بیان کرد (۱:۹) 'برخی اینجا ایستاده‌اند که تا آمدن نیرومندان پادشاهی خدا را نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید'. همچنین به لوقا ۹:۲۷ نیز توجه نمایید.

هدف این بخش آماده نمودن اذهان حواریون برای حقیقت بزرگ بود، مرگ که مایه وحشت همه جهان بود در حال از دست دادن ابهت خود در برابر کسانی بود که بواسطه ایمان با مسیح پیمان اتحاد بسته بودند. مسیح خود بنا بود که بمیرد، او بنا بود که بخاطر درد ناشی از رفتن بسوی مرگ رنج برد، روح او بشدت درد می کشید، حتی در حالیکه بسوی مرگ می رفت، و او همه اینها را برای کسانی تحمل می کرد که بخاطر ترس از مرگ، همه زندگی خود را به اسارت داده بودند. او دیدگاه جدیدی از مرگ و زندگی ارائه داد. او به شاگردان خود گفت هر کس که او را انکار کند، باید نجات خود را از دست دهد، در حالیکه هر آنکس که زندگی خود را بخاطر مسیح دهد، باید نجات یابد. عیسی مسیح بخاطر آن که او را انکار کرد در روز بزرگ شرمگین خواهد بود ولی بخاطر نفر دوم شهادت خواهد داد.

ورود به یک زندگی جدید که بواسطه ایمان امکان پذیر خواهد بود که به نوعی مرگ نیز در این امر دخیل است. این کار مستلزم قطع طبیعت انسانی از حالات و قواعدی که در گذشته از آنها پیروی می نمود، می باشد. این کار یعنی مرگ گناه. در زمان تجزیه فیزیکی بدن، احساس قطع می گردد، قلب نمی تپد، دست کار نمی کند و پاها از حرکت باز می ایستند، لذا در این مقطع از مرگ، بدن و تمام اجزای آن دیگر در خدمت گناه نیستند؛ مشابه همین کار میان مسیحیان و گناه روی می دهد همچون انسان مرده ای که زمانی با دنیای بیرونی، در جاییکه قبلاً زندگی و حرکت می کرد ارتباط داشت. این مرگ مرتبط است با مصلوب شدن مسیح، که "بخاطر گناه دیگران مرد". فرد ایماندار با مرگ عیسی تعمید می گیرد، با مسیح می میرد، با مرگ او آرام می گیرد، و با مسیح بروی صلیب می رود (رومیان ۵:۶؛ دوم قرنتیان ۵:۱۴؛ غلاطیان ۲:۱۹، ۲۰؛ کولسیان ۲:۲۰؛ ۳:۳). " (صفحات ۲۸۵-۲۸۶)

۱۵:۵ آیه ۱۵ دوم قرنتیان ۵:۱۴ را با خود همتراز و تشریح می کند. این یک حقیقت مهم است. نجات رایگان است، اما زندگی همچون مسیح بهای سنگینی دارد که بخاطر آن هر آنچه که داریم و هستیم را باید پرداخت کنیم (غلاطیان ۲:۲۰)!

NASB, NKJV
NRSV, TEV,
NJB
"دوباره برخاست"
"برخیزانده شد"

این یک وجه وصفی مجهول آئوریستی با یک حالت بیان نشده می باشد. عهد جدید اغلب کارهای مربوط به احیای بشریت را به سه ضلع تثلیث خداوند مربوط می کند.

۱. خدای پدر عیسی را برخیزاند (اعمال رسولان ۲:۲۴؛ ۳:۱۵؛ ۴:۱۰؛ ۵:۳۰؛ ۱۰:۴۰؛ ۱۳:۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷:۳۱؛ رومیان ۶:۴، ۹؛ ۸:۱۱؛ ۱۰:۹؛ اول قرنتیان ۶:۱۴؛ دوم قرنتیان ۴:۱۴؛ غلاطیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۲۰؛ کولسیان ۲:۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۱۰)
۲. خدای پسر خود برخاست (یوحنا ۲:۱۹-۲۲؛ ۱۷:۱۸)
۳. خدای روح عیسی را برخیزاند (رومیان ۸:۱۱)

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۵:۱۶-۱۹

^{۱۶} بنابراین، از این پس درباره هیچ کس با معیارهای بشری قضاوت نمی کنیم، و هر چند پیشتر درباره مسیح این گونه قضاوت می کردیم، اکنون دیگر چنین نیست. ^{۱۷} پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است! ^{۱۸} اینها همه از خداست که به واسطه مسیح ما را با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است. ^{۱۹} به دیگر سخن، خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می داد و گناهان مردم را به حسابشان نمی گذاشت، و پیام آشتی را به ما سپرد.

۱۶:۵ " بنابراین، از این پس " زندگی و مرگ عیسی عصر جدیدی را رقم زد. همه چیز در زیر نور وی متفاوت است (غلاطیان ۳:۲۸؛ کولسیان ۳:۱۱).

NASB "هیچکس را از روی ظاهر نمی شناسیم"
NKJV "به ظاهر هیچکس احترام نمی گذاریم"
NRSV "از نگاه انسانی به هیچ کس احترام نمی گذاریم"
TEV "دیگر قضاوت نمی کنیم"
NJB "درباره هیچ کس با معیارهای بشری قضاوت نمی کنیم"

این آیه ممکن است ۱ سموئیل ۷:۱۶؛ اشعیا ۱۱:۳؛ یوحنا ۷:۲۴؛ ۸:۱۵ را انعکاس دهد. عیسی همه حوزه‌های ارزیابی را تغییر داد. استانداردهای انسانی دیگر اکنون برای داوری کفایت نمی‌کنند (رومیان ۳:۲۲؛ اول قرنتیان ۱۲:۱۳؛ غلاطیان ۳:۲۸؛ کولسیان ۳:۱۱). شناخت عیسی منجر به تغییر ما می‌گردد (دوم قرنتیان ۵:۱۷).

این امر می‌تواند منعکس کننده برخی افراد درون کلیسای قرنتیان باشد که در تلاش برای ارزیابی پولس، انجیل او و خدمت او بودند (فصلهای ۴، ۱۱ و ۱۲).

این بدین مفهوم نیست که پولس عیسی را بلحاظ تاریخی بی‌اهمیت خوانده یا حتی در تضاد با مسیح جلال یافته بوده است. پولس اغلب از اوان زندگی مسیح، آموزه‌های او و کارهایی که برای احیای بشریت انجام داده بود صحبت می‌کرد (صلیب، رستاخیز). اشاره پولس به موازین سنجشهای انسانی بود (دانش بر اساس ظواهر). احیای بشریت به ایمانداران اجازه می‌دهد تا تمام زندگی و تاریخ را در نوری به مرکزیت مسیح مشاهده کنند. تاریخ بشر تبدیل به تاریخ رستگاری و پارسایی می‌گردد. عیسی تبدیل شد به مسایح، به منجی عالم بشریت، به کسی که وعده او داده شده بود. زندگی و آموزه‌های او مایه‌ی وحی کلام انجیل شدند. تاریخ اسرائیل باید در زیر نور مسیح دوباره مورد ترجمه و تفسیر قرار گیرد!

برای مطالعه بیشتر درباره "ظاهر" و بدن انسان به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱:۲۶ مراجعه شود.

۱۷:۵ "اگر" این جمله دیگر شرطی از نوع اول است که همچون سایر جملات شرطی در دوم قرنتیان ۵:۱۳ و ۱۶ می‌باشد.

□ "در مسیح" (ترجمه صحیح "در راه مسیح" است) این یکی دیگر از استعاره‌هایی است که پولس علاقمند به تعریف از مسیحیان بوسیله آن بود. این عبارت سخن از موقعیت ما در راهی که مسیح برای ما مشخص کرده دارد.

NASB	"موجودی تازه"
NKJV, NRSV,	
NJB, NIV	"خلقتی تازه"
TEV	"موجودی تازه"

پولس همچنین در رومیان ۸:۱۸-۲۵ جزئیات آفرینش را تشریح می‌کند. او خلقت جدید خدا، عصر جدید و عصر روح را در دوم قرنتیان ۵:۱۷ و غلاطیان ۱۵:۶ شخصیت‌پردازی می‌کند. ایمانداران باید همچون شهروندان عصر جدید زندگی نمایند (رومیان ۴:۶).

موضوع خاص: *KTISIS* (ساختن) (Special Topic: Ktisis)

اصطلاح *KTISIS* به مفاهیم مختلفی در عهد جدید استفاده شده است. فرهنگ LOUW AND NIDA احتمالات زیر را فهرست می‌کند:

۱. خلقت (عمل خلق کردن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳:۱۹، رومیان ۱:۲۰ الی ۲:۲۲، افسسیان ۳:۹)
۲. موجود (آنچه خلق شده و زنده است، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰:۶، رومیان ۱:۲۵، ۸:۳۹، کولسیان ۱:۱۵، ۲۳)
۳. جهان (هر آنچه خلق شده است، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳:۱۹، رومیان ۸:۲۰، عبرانیان ۹:۱۱)
۴. نهاد (مراجعه شود به اول پطرس ۲:۱۳، ۴۲/۳۹)
۵. اقتدار (مراجعه شود به اول پطرس ۲:۱۳، ۳۷/۴۷)

پولس همچنین در رومیان ۸:۱۸ الی ۲۵ به خلقت شخصیت می‌بخشد. او خلقت جدید خدا را به عنوان عصر جدید، عصر روح در دوم قرنتیان ۵:۱۷ و غلاطیان ۶:۱۵ مشخص می‌سازد. مومنین باید همانند شهروندان عصر جدید زندگی کنند (مراجعه شود به رومیان ۴:۶).

□ "چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است" به زمان افعالی که به عمد تغییر داده شده‌اند، توجه نماید.

۱. "چیزهای کهنه درگذشتند" این زمان آنوریستی در حالت خبری اغلب اشاره به عملی کامل شده در زمان گذشته دارد. این عبارت اشاره به تغییر دین دارد.
۲. "همه چیز تازه شده است" این عبارت زمان حال کامل است که اشاره به عملی کامل شده در گذشته با نتایج پایدار دارد. این عبارت اشاره به شاگردی مسیح دارد.

در نسخه خطی یونانی تفاوت‌هایی وجود دارد که در بند آخر بر روی "همه چیزها" منعکس می‌گردد (MS D²). اینگونه توضیح در میان کاتبانی که در آینده بکار مشغول بودند، رواج داشت. قدیمیترین نسخه خطی یونانی (MSS P46، B، C، D*، F، G) با کلمه *kaina* خاتمه می‌یابد. نسخه UBS4 به این برداشت رتبه "A" یعنی کاملاً قابل اطمینان را داده است.

مفهوم "تازه" بخشی از ریشه‌شناسی واژگان برای واژه *eschaton* است. انبیای عهد عتیق درباره این عصر سخن می‌گفتند.

۱. "چیزهای تازه" (اشعیا ۹:۴۲؛ ۱۹:۴۳؛ ارمیا ۳۱:۲۲)

۲. "پیمان جدید" (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴)

۳. "دلی تازه، روحی تازه" (حزقیال ۱۱:۱۹؛ ۱۸:۳۱؛ ۳۶:۲۶)

۴. "نام تازه" (اشعیا ۶۲:۲؛ ۵۶:۵؛ ۶۵:۱۵)

۵. "آهنگی تازه" (مزمور ۹۶:۱؛ اشعیا ۴۲:۱۰)

۶. "آسمانی تازه، زمینی تازه" (اشعیا ۶۵:۱۷؛ ۶۶:۲۲)

تازگی اسکاتولوژیک بوسیله مسیح بوجود آمد، اما آن چه قدیمی بود، هنوز از بین نرفته بود. "دو دوره" یهود (به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱:۲۰) مراجعه نمایند) با دو بار آمدن عیسی توسط انبیای عهد عتیق پیشبینی شده بود با وجود اینکه آنها مسیح منجی را با واژگان سطح فرودستانه‌ای چون خدمتگزار و یا واژگان پیروزمندانه اشرافی تشریح می‌کردند.

۱۸:۵ "اینها همه از خداست" این محبت خداوند بود که پسر را به این دنیا فرستاد (یوحنا ۳:۱۶). نجات بطور کامل از جانب خداوند حاصل می‌گردد (به موضوع خاص در دوم قرن‌تین ۸:۱۶-۱۷، یوحنا ۶:۴۴، ۶۵؛ افسسیان ۱:۴؛ ۲:۸-۹ مراجعه نمایید)، ولی ایمانداران نیز باید وی را اجابت کرده و به این اجابت در عهد جدید بوسیله توبه، ایمان، اطاعت و استقامت ادامه دهند.

■ "آشتی داده" این یک حقیقت بزرگ الهیاتی است. معنای اولیه این کلمه، تبادل یا عوض کردن چیزی که منجر به دور یک میز نشستن و مصالحه کردن گردد، می‌باشد. بشر سرکش بواسطه مسیح به سوی خدا بازگشت تا با وی مجالست نماید. خداوند بخاطر گناهان بشر، رستگاری مسیح معاوضه نمود (دوم قرن‌تین ۵:۲۱). مسیح بجای ما مرد (دوم قرن‌تین ۵:۱۴، ۲۱).

این متن (دوم قرن‌تین ۵:۱۶-۲۱) و رومیان ۵:۱۰-۱۱ بخشهای دقیقی در ارتباط با این واژگان الهیاتی می‌باشند. گناهکاران، حتی خانواده‌ها اکنون با آن مقدس رفاقت می‌کنند. بازیابی این دوستی آسیب‌دیده در زمان رانده شدن انسان از بهشت (پیدایش ۳) بواسطه مسیح کامل گشته است. مبحث "آشتی و مصالحه" بعنوان یک مفهوم الهیاتی در کتاب *New Testament Theology* بقلم Frank Stagg صفحات ۱۰۲-۱۰۴، ۱۴۲ مورد بحث قرار گرفته است.

■ "خدمت آشتی را به ما سپرده است" این عبارت بلحاظ الهیاتی به موازات دوم قرن‌تین ۵:۱۴-۱۵ تلقی می‌گردد. عیسی آشتی دهنده ایمانداران شد، اکنون آنان باید این خبر خوش آشتی دهنده را با دیگران به اشتراک گذارند. ایمانداران مرگ عیسی را در اختیار دیگران می‌گذارند و ما خدمت به او را مشترکاً انجام می‌دهیم (دوم قرن‌تین ۵:۱۹). خدمت شبیه به مسیح هدف نهایی ما است (یوحنا ۳:۱۶). به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرن‌تین ۱:۴ مراجعه نمایید.

۱۹:۵ "خدا در مسیح" این مشکل اصلی در مسیحیت است. آیا خدا (خدا، یهوه عهد عتیق)، بواسطه عیسیای ناصری، دنیا را با خود آشتی داد (غلاطیان ۴:۱-۳)؟ در اینصورت، مسیحیت صحت دارد؛ در غیر اینصورت، دروغ است. آیا عیسی بواقع کسی است که از هر لحاظ برای خداوند کامل است (یوحنا ۱۴-۱:۱؛ کولسیان ۱:۱۵-۱۶؛ فیلیپیان ۲:۶-۱۱؛ عبرانیان ۱:۲-۳)؟ آیا او تنها راه برای بخشش و مصالحه است (یوحنا ۱۴:۶)؟ در اینصورت، پس انجیل مهمترین منبع اطلاعاتی بوده که مردم تا ابد خواهند شنید! ما باید حقیقت را بیان کنیم؛ ما باید انجیل را موعظه نماییم؛ ما باید مسیح را بالا ببریم؛ ما باید یک رستگاری به جهان گمراه نشان دهیم که حصول به آن رایگان می‌باشد.

■ "جهان" خداوند جهان را دوست می‌دارد (یوحنا ۳:۱۶). جهان می‌تواند نجات یابد (۱ تیموتائوس ۲:۴؛ ۲ پطرس ۳:۹). به موضوع خاص کاربرد واژه *kosmos* توسط پولس در اول قرن‌تین ۳:۲۱-۲۲ مراجعه نمایید.

■ "گناهان مردم را به حسابشان نمی‌گذاشت" این عبارت می‌تواند انعکاس مزمور ۲:۳۲ باشد، که خود نقل قولی در رومیان ۴:۶-۸ است. پیش از شریعت، گناه توسط فرد صورت نمی‌پذیرفت (رومیان ۴:۱۵؛ ۵:۱۳-۱۴؛ اعمال ۱۷:۳۰). اما این متن دارای حقیقتی حتی بزرگتر است. در صورت

- بشر سرکش، بخشش در راه مسیح دیده می‌شود. خون عیسی همه گناهان را می‌شوید! گناه دیگر مرزی میان خداوند و نوع بشر محسوب نگردیده، بلکه اکنون این مرز شامل موارد زیر می‌باشد
۱. بی‌ایمانی
 ۲. پس زدن ایمان به مسیح
 ۳. عدم تمایل به قبول پیشنهاد خداوند

- **”به حسابشان نمی‌گذاشت”** واژه بکار برده شده *logizomai* بوده که سی و چهار مرتبه، اما در دو حالت کاملاً متفاوت توسط پولس بکار برده شده است. اولین حالت را می‌توان در دوم قرن‌تیا ۳:۵ مشاهده کرد، ”حساب خود بگذاریم”. برای مطالعه بیشتر به همان فصل مراجعه نمایید.
- دومین حالت ”شمردن” و ”نسبت دادن” است. این حالت را به روشنی می‌توان در رومیان ۴:۳، ۴:۵، ۸:۶، ۹:۱۰، ۱۱:۲۲، ۲۳:۲۴ و غلاطیان ۳:۶ مشاهده نمود. این شیوه کاربرد الهیاتی حکایت از گذاردن وجهی به حساب بانکی شخص دیگری دارد.
- خداوند پارسایی عیسی را به حساب ما می‌گذارد (دوم قرن‌تیا ۵:۲۱). همچنین خداوند گناه را نه به ما نسبت می‌دهد و نه به حساب ما می‌گذارد. چه خدای شگفت‌انگیز و چه ناجی تأثیر گذاری داریم!
- **”پیام آشتی را به ما سپرد”** جهان گمراه، آستان درب یک خدای ناتوان و عاری از محبت نیست، بلکه دربی برای یک کلیسای بی‌روح و فاقد مسئولیت است. ما پیام را دریافت کرده‌ایم؛ ما کلید پادشاهی خداوند را در دست داریم (متی ۱۶:۱۹؛ مکاشفه ۱:۱۸؛ ۳:۷). روح القدس در ما حلول کرده است (رومیان ۸:۹، ۱۱؛ اول قرن‌تیا ۳:۱۶؛ ۶:۱۹؛ ۲ تیموتائوس ۱:۱۴). ما فرامین خود را از عیسی دریافت کرده‌ایم (متی ۲۸:۱۸-۲۰). اکنون چه خواهیم کرد؟

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تیا ۵:۲۰-۲۱

”پس سفیران مسیح هستیم، به گونه‌ای که خدا از زبان ما شما را به آشتی می‌خواند. ما از جانب مسیح از شما استدعا می‌کنیم که با خدا آشتی کنید.^۱ او کسی را که گناه را نشناخت، در راه ما گناه ساخت، تا ما در وی پارسایی خدا شویم.

۵:۲۰ **”سفیران مسیح هستیم”** در این آیه ”هستیم” و ”شما” به چه کسی اشاره می‌کند؟ آیا پولس برای کلیسا موعظه می‌کند؟ در اینصورت منظور از ”هستیم” پولس و گروه بشارتی او بوده و ”شما” در بخش بعدی آیه، ایمانداران قرن‌تس می‌باشند. این مردمان نیازی به نجات یافتن نداشتند، بلکه آنها می‌بایست به اتحاد خود باز می‌گشتند.

توجه داشته باشید که پولس نمی‌گوید که ایمانداران باید سفیر باشند، بلکه آنان سفیر هستند. این مشابه بیاناتی است که عیسی در متی ۵:۱۳-۱۶ اظهار داشت. ایمانداران نمک و نور هستند. سوال اینست که چه نوعی از نمک و نور هستند. ایمانداران نمایندگان مسیح هستند، اما چه نوع سفیری مد نظر بوده است؟ نفاق افکن، بدعت‌گذار، عاری از محبت یا غیره؟

■ **”استدعا می‌کنیم”** به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تیا ۱:۴-۱۱ مراجعه نمایید.

■ **”با خدا آشتی کنید”** این یک جمله دستوری حال کامل است. آیا این دستور به مردمان گمراه داده شده یا نجات یافته؟ بخش بزرگتر متن سخن از اجبار برای شکل‌گیری زندگی مناسب و معقول از سوی ایمانداران می‌گوید. عیسی ما را از گناه و منازعه نجات داد؛ ما نجات یافتیم تا خدمت کنیم! ما فرا خوانده شده‌ایم تا همچون مسیح خدمت نماییم، ولی نه بر اساس ضوابط شخصی.

این متن پیامی برای دنیای ره‌گم کرده دارد - مسیح برای شما مُرد (حقانیت بر اساس موقعیت). این متن پیامی برای کلیسای متفرق نفاق افکن عاری از محبت نیز دارد - مسیح برای شما مُرد (حقانیت در عمل).

این جمله مجهول را می‌توان به اینگونه نیز ترجمه نمود: ”بگذارید خداوند شما را با او آشتی دهد”؛ ”اجازه دهید تا نجات یابید” (*The Jerome Biblical Commentary*، صفحه ۲۸۱)؛ یا ”اجازه دهید تا خداوند شما را از دشمن به دوستان خود تبدیل نماید” (TEV). ایمانداران حقیقت را جار می‌زنند، روح گمراهان را قانع می‌کند، پسر همه چیز را فراهم می‌کند و پدر، مأموریت وی را بواسطه اجابت عهدی که با او بسته‌اید، باتمام می‌رساند.

۵:۲۱ این متن چندین حقیقت را در خود نهفته دارد.

۱. خدا عیسی را فرستاد تا جان خود را برای ما فدا کند (یوحنا ۳:۱۶). عیسی آمد تا برای ما بمیرد (مرقس ۱۰:۴۵).
۲. عیسی بری از گناه بود (یوحنا ۸:۴۶؛ عبرانیان ۴:۱۵؛ ۷:۲۶؛ ۱ پطرس ۱:۱۹؛ ۲:۲۲؛ ۱ یوحنا ۳:۵).

۳. هدف رستگاری فردی و خدمت به کسانی است که زندگی شبیه مسیح را انتخاب می‌کنند (رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ دوم قرنتیان ۳: ۱۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۳؛ ۱ پطرس ۱: ۱۵). با اینحال، یک احتمال نیز مد نظر است (وجه شرطی). همه ایمانداران نیت نهایی خداوند را از رستگاری و نجات درک نمی‌کنند. این یک فراخوان برای خدمت، برای پرهیز از خودخواهی دعوتی برای تقدس است. مسیحیت فقط هنگامی شروع می‌شود که فرد به مسیح ایمان آورد. باور تنها قدم اول در راه یک سفر طولانی است.

NASB "بخاطر ما گناه شود"

NKJV "برای ما گناه شود"

NRSV "گناه شود"

TEV "در گناه ما سهیم شود"

NJB "فاتحی برای گناه"

خداوند چگونه عیسی را تبدیل به گناه کرد؟ این ممکن است کنایه‌ای به گناه در عهد عتیق باشد (اشعیا ۵۳؛ رومیان ۸: ۳). خداوند عیسی را همچون بره‌ای بی‌گناه تقدیم ما کرد (یوحنا ۱: ۲۹، ۳۶).

من فکر می‌کنم کلام عیسی از روی صلیب که گفت، "ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی؟" (مرقس ۱۵: ۳۴)، که نقل قولی از مزامیر ۲۲ است، واقعیت معنوی پدر را منعکس می‌کند که در حالیکه او گناه جهان را حمل می‌کرد، از پسر روی گرداند (نماد تاریکی، مرقس ۱۵: ۳۳). این آیه بلحاظ الهیاتی بموازات غلاطیان ۳: ۱۳ است، "مسیح به جای ما لعن شد!"

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. آیا این فصل دوره میان تجزیه بدن در هنگام مرگ و قیام را آموزش می‌دهد؟

۲. آیا دوم قرنتیان ۵: ۱۰ می‌گوید که ایمانداران نیز مورد داوری قرار خواهند گرفت؟ اگر چنین است، برای چه؟

۳. دو انگیزه برای بشارت که توسط پولس مطرح گردید را بنویسید (دوم قرنتیان ۲: ۱۱، ۱۴)

۴. توضیح دهید که چرا آیات ۱۴: ۱۵ برای درک زندگی در خور مسیحیت حیاتی است؟

دوم قرنتیان ۱:۶ - ۱:۷

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
خدمتِ مصالحه	نشانه‌های خدمت	دفاع بیشتر از خدمت به آشتی دادن بشر با خدا	دوستی با خدا در راه مسیح	رسالت در عمل
(۵:۱۱-۶:۱۳)		(۵:۱۱-۶:۱۳)	(۵:۱۱-۶:۱۳)	(۵:۱۱-۶:۱۰)
۵:۱۱-۶:۱۰	۱۰-۱:۶			
	مقدس باشید		۱۰-۳:۶	یک هشدار
۱۳-۱۱:۶	۱:۷-۱۱:۶	۱۳-۱۱:۶	۱۳-۱۱:۶	۱۳-۱۱:۶
معبد زندگی خداوند		یک استثنا در ارتباط با روابط با بی‌ایمانان	هشدار در برابر اثرات سوء کافران	
۱:۷-۱۴:۶		۱:۷-۱۴:۶	۱:۷-۱۴:۶	۱:۷-۱۴:۶

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

دیدگاه‌های متنی

- A. آیه ۱ در این فصل معمای ترجمه سرتاسر فصل می‌باشد. متن شامل ایمانداران کلیسای قرن‌تس بوده و بنابراین، شامل ارتداد نگشته (به موضوع خاص در اول قرنتیان ۹:۶ مراجعه نمایید)، بلکه شکست یک زندگی مؤثر و پربار در مسیحیت است.
 - B. آیه ۴ یا مجموعه‌ای از حروف اضافه شروع می‌گردد.
 ۱. *En* با حالت زمانی، هجده بار، دوم قرنتیان ۷-۴:۶
 ۲. *Dia* با حالت مالکیت، سه بار، دوم قرنتیان ۸-۷:۶
 ۳. *Hōs* با صفات مفعولی، هفت بار، دوم قرنتیان ۱۰-۹:۶
 - C. بنظر می‌رسد که این موارد شامل جزئیات خدمت پولس بدور از مشکلات و فشارها، هم درونی و هم بیرونی، و به‌مراه رحمت خداوند، می‌گردد.
 - D. بنظر می‌رسد که تناقضهای پایان دوم قرنتیان ۸:۶-۱۰ زندگی پولس را تعریف می‌کند، هم از نقطه نظر منتقدان و هم از دیدگاه خداوند.
- بخش ۱:۷-۱۴:۶ بنظر از مفاد متن بدور است. آیه ۲:۷ ریشه واژه و مبحث دوم قرنتیان ۱۳:۶ را برای بحث انتخاب کرده است. این بخش نشان دهنده کامل ذات و طبیعت یهودیان است. در عین حال هشدار در برابر نزدیک شدن زیاد به فرهنگ کفار است. هشدارها از زمان عهد عتیق

نشأت می‌گیرند (یهودیان در برابر غیر یهودیان یا قوم خدا در برابر بت‌پرستان). با اینحال، پولس از روش مشابه بکار رفته در اول قرن‌تین ۱۰:۱۴-۳۳ بهره می‌برد، روشی که او در آنجا از مشارکت در مراسم عبادی بت‌پرستان صحبت کرده بود. ظاهراً تفکیک این پاراگراف باعث بوجود آمدن نظریه‌هایی درباره دوم قرن‌تین بعنوان یک نامه مرکب از ده‌ها نامه‌ای که پولس به قرنتس فرستاده بود، گردیده است.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۱:۶-۱۰

۱ در مقام همکاران خدا، از شما استدعا داریم که فیض خدا را بیهوده نیافته باشید. ۲ زیرا خدا می‌گوید: «در زمان لطف خود، تو را اجابت کردم و در روز نجات، یاری‌ات دادم.» هان، اکنون زمان لطف خداست؛ هان، امروز روز نجات است. ۳ اما در هیچ چیز سبب لغزش کسی نمی‌شویم، تا خدمت‌مان ملامت کرده نشود، ۴ بلکه در هر چیز شایستگی خود را نشان می‌دهیم، آن‌گونه که از خادمان خدا انتظار می‌رود: با بردباری بسیار در زحمات، در سختیها، در تنگناها، ۵ در تازیانها، در زندانها، در هجوم خشمگین مردم، در کار سخت، در بی‌خوابی، و در گرسنگی؛ ۶ با پاک‌ی، با معرفت، با صبر، با مهربانی، با روح القدس، با محبت بی‌ریا، ۷ با راستگویی، با قدرت خدا، با اسلحهٔ پارسایی به دست راست و چپ؛ ۸ در عزت و ذلت، و بدنامی و نیکنامی. گویی گمراه‌کننده، اما حقیقت را می‌گوییم؛ ۹ گویی گمنام، اما شناخته شده‌ایم؛ گویی در حال مرگ، اما هنوز زنده‌ایم؛ گویی دستخوش مجازات، اما از پا در نیامده‌ایم؛ ۱۰ گویی غمگین، اما همواره شادمانیم؛ گویی فقیر، اما بسیاری را دولت‌مند می‌سازیم؛ گویی بی‌چیز، اما صاحب همه چیزیم.

۱:۶ "در مقام همکاران خدا" این یک وجه وصفی حال معلوم است. هیچ بحثی مطرح نگردیده و متن فقط از "با خدا" بودن سخن می‌گوید (دوم قرن‌تین ۲۰:۵؛ اول قرن‌تین ۹:۳). پولس از مشابه همین واژه برای تعریف از همکاران خود در نشر انجیل استفاده کرده است (دوم قرن‌تین ۱:۲۴؛ ۸:۲۳؛ اول قرن‌تین ۱۶:۱۶؛ رومیان ۳:۱۶، ۹:۲۱)، اما در اینجا محتوای متن قویاً از خدا می‌گوید. عجب تفکر شگفت‌انگیزی که ایمانداران را همکارانی برای خدا تلقی می‌کند (اول قرن‌تین ۲:۵-۹).

□ "از شما استدعا داریم" پولس از فعل مشابهی در دوم قرن‌تین ۵:۲۰ استفاده کرده بود. به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تین ۱:۴-۱۱ مراجعه نمایید.

□ "فیض خدا را بیهوده نیافته باشید" مصدر این فعل، آئوریستی بوده که اشاره به ایمانداران قرن‌تسی دارد که مسیح را پذیرفته بودند. اما "بیهوده یافتن" اشاره به هدف نجات و رستگاری دارد، که محصولی برای پادشاهی خدا می‌باشد و نه رستگاری فردی. پولس غالباً از این واژه برای بیان سطح انتظارات خدمت به پادشاهی استفاده کرده است (اول قرن‌تین ۱۵:۱۰، ۱۴، ۵۸؛ غلاطیان ۲:۲؛ فیلیپیان ۲:۱۶؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۱؛ ۵:۳). این مفهوم هم‌تراز با کاربرد "رفتار کردن" که پولس در افسسیان استفاده کرده، می‌باشد (افسسیان ۴:۱، ۱۷؛ ۵:۲، ۱۵).

□ ۲:۶ "خدا می‌گوید" پولس از یک بخش از عهد عتیق در ارتباط با اسرائیل نقل قول می‌کند، اما بوسیله بکار بردن این عبارت خبری (می‌گوید)؛ وی نشان می‌دهد که وعده‌ی داده شده مربوط به هر دوره و هر قومی می‌گردد. پولس این نقل قول را بصورت تمنای مستقیم از خدا برای کلیسای قرنتس بیان می‌دارد. کلام خدا هم اکنون نیز شامل حال همه می‌گردد.

□ "در زمان لطف خود" این نقلی از اشعیا ۴۹:۸ در نسخه Septuagint است (یکی از اشعار/غزل‌های آن خدمتکار)، که به خوش‌آمدگویی و تجهیز (۱ مسیح و ۲) جامعه مسیحی توسط خداوند می‌پردازد. اغلب اختلافی میان جنبه مشارکتی (قوم بنی اسرائیل) و پادشاه ایده‌آل اسرائیلی (مسیح منجی) در اشعیا ۴۰-۵۳ وجود داشته است.

□ "زمان لطف... زمان لطف" اولین عبارت از اشعیا ۴۹:۸ در نسخه Septuagint نقل شده که کلمه *dektos* را بکار برده است، اما پولس در هنگامی که این نبوت را به وضعیت قرن‌تین نسبت می‌دهد، از حالت شدیدتری از این کلمه بهره می‌برد (*eurosektos*، رومیان ۱۵:۱۶)، در آنجا این نبوت را در رابطه با وضعیت قرن‌تین اعمال می‌نماید (دوم قرن‌تین ۲:۶). مسایح اکنون آمده و دعوت به قبول تمام و کمال خداوند به دست آنان رسیده است. آنان باید از این لحظه نهایت بهره را ببرند. آنان باید چنین موقعیت تاریخی را برای جامعه مسیحیت فراهم آورند.

روز نجات انسان، واقعه‌ای شگرف و اعجاب‌انگیز است، اما این واقعه اغلب با رنج و دشواریهایی همراه است (دوم قرن‌تین ۶:۴-۱۰).

NASB, NKJV "هان"

NRSV "ببینید"

این حرف ندای یونانی *idou*، بمنظور جلب توجه عموم برای بیان حرفی مهم می‌باشد. پولس از این حرف ندا اغلب در دوم قرن‌تین استفاده کرده است (دوم قرن‌تین ۱۷:۵؛ ۲:۶، ۹؛ ۱۱:۷؛ ۱۲:۱۴).

■ "امروز روز نجات است" جمله آخر دوم قرن‌تین ۲:۶ نظر پولس درباره نقل قولی از اشعیا است. این امر می‌تواند اشاره به دعوت فردی به اجابت انجیل و یا زندگی سرشار از خدمت به پادشاهی مسیح باشد.

۳:۶ "در هیچ چیز سبب لغزش کسی نمی‌شویم" دو مفهوم منفی پر قدرت در این متن یونانی وجود دارد. پولس مصمم بود، هم در زندگی شخصی خود و هم در خدمت، تا هیچ مرزی میان خود و شنوندگان انجیل بوجود نیارد (اول قرن‌تین ۹:۱۹-۲۳). او از زندگی خود برای دو چیز مایه می‌گذارد: (۱) به مردم سرمشقی برای پیروی در امر خدمت دهد و (۲) اتهامات معلمان دروغین را خنثی نماید (دوم قرن‌تین ۱۱:۱۲).
تنها "سنگ بر سر راه" او، خود مسیح بود (اول قرن‌تین ۱:۱۸-۲۵). انجیل توسط عوامل زیر انکار شده بود

۱. یهودیان، بدلیل یک مسیح رنج کشیده

۲. غیریهودیان، بدلیل یک بدن قیام کرده از مرگ

۳. معلمان دروغین قرن‌تس، بدلیل نداشتن فن بیان کافی برای ارائه انجیل توسط پولس

بدلیل کور شدن توسط شیطان (دوم قرن‌تین ۴:۴) و تنش کلام انجیل، پولس نمی‌خواست تا کاری کند تا منجر به رد مؤعظت او توسط مردم گردد (اول قرن‌تین ۹:۱۹-۲۳، ۲۴-۲۷).

NASB "تا خدمت بی‌اعتبار نشود"

NKJV "تا خدمت‌مان ملامت کرده نشود"

NRSV "تا خطایی در خدمت ما بوجود نیاید"

TEV "ما نمی‌خواهیم هیچکس خطایی در کار ما ببیند"

NJB "تا هیچ ملامتی به کار خدمت ما نچسبید"

"عبارت "ما" (NKJV, NRSV, TEV, NJB) در متن یونانی که تنها یک حرف مالکیت قطعی برای "خدمت" می‌باشد، وجود ندارد. این آیه بلحاظ الهیاتی به ۱ تیموتائوس ۲:۳-۱۰ مرتبط بوده، که تصریح می‌کند که مبشران نباید ابزاری برای انتقادات باشند. ایمانداران برای پیشرفت پادشاهی مسیح زندگی و خدمت می‌کنند، نه برای قدرت گرفتن و منافع شخصی (اول قرن‌تین ۹:۱۲). به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرن‌تین ۴:۱ مراجعه نمایید.

۴:۶-۷ این آیات مجموعه‌ای از عبارات هستند که بوسیله حرف اضافه *en* در زبان یونانی معرفی گردیده‌اند. این حرف اضافه هجده بار بمنظور تأکید تکرار گردیده است. فهرستهای متعددی از نوشته‌های پولس درباره مشکلاتی که با آنها روبرو شده بود، وجود دارد (اول قرن‌تین ۴:۹-۱۳؛ دوم قرن‌تین ۷:۵؛ ۱۱:۲۳-۲۹). وی به آنان گوشزد کرده تا ایمان خود را تقویت نموده و ادعاهای معلمان دروغین را نادیده گیرند. به موضوع خاص: رضایل و فضایل عهد جدید در اول قرن‌تین ۵:۹ مراجعه نمایید.

عبارات یونانی EN

NJB	TEV	NRSV	NKJV	NASB	
استقامت قاطع	بردباری و تحمل	بردباری بسیار	تحمل زیاد	بردباری زیاد	آیه ۴، <i>hupomonē</i>
سختیها	دردسرها	مصائب	محنتها	مصائب	آیه ۴، <i>thlipsis</i>
دشواریها	سختیها	سختیها	ملزمت	سختیها	آیه ۴، <i>anagkē</i>
پیشانی	دشواریها	فجایع	پیشانیها	پیشانیها	آیه ۴، <i>stenochōria</i>
شلاق خورده	کتک خورده	زدنها	تازیانها	کتک زدنها	آیه ۵، <i>plēgē</i>
به زندان افتاده	زندانی شده	زندانی شدن	زندانی شدن	زندانی شدن	آیه ۵، <i>phulakē</i>
ازدحام	ازدحام	شورشها	جنگالها	جنگالها	آیه ۵، <i>akatastasia</i>
کار	غرق گشته	کارها	کارها	کارها	آیه ۵، <i>kopos</i>

بی خواب	بدون خواب	شب زنده داری	بی خوابی	بی خوابی	agrupnia, ۵
گرسنگی	بدون غذا	گرسته	روزه‌ها	گرسنه	nēsteia, ۵
پاکی	پاکی	پاکی	پاکی	پاکی	hagnotēs, ۶
معرفت	معرفت	معرفت	معرفت	معرفت	gnōsis, ۶
صبر	صبر	صبر	رنج طولانی	صبر	makrothumia, ۶
مهربانی	مهربانی	مهربانی	مهربانی	مهربانی	chrēstotēs, ۶
روح القدس	روح القدس	قدوسیت روح	روح القدس	روح القدس	pneumati, ۶
<i>Hagiō</i>					
محبت عاری از تظاهر	محبت راستین	محبت بی‌ریا	محبت بی‌ریا	محبت بی‌ریا	agatiē, ۶
<i>Anuplkritō</i>					
کلام حقیقت	پیام حقیقت	سخنرانی پر از حقیقت	کلام راستین	کلام راستین	logō aletheias, ۷
قدرت خدا	قدرت خدا	قدرت خدا	قدرت خدا	قدرت خدا	dunamei, ۷
<i>theou</i>					

۴:۶ "بلکه در هر چیز شایستگی خود را نشان می‌دهیم" مشکل همینجاست. این مرجع عبارت "بیهوده نیافتن" در دوم قرن‌تین ۱:۶ است. پولس بر اولویت خدمت به پادشاهی تأکید دارد. همه ایمانداران دارای هدیه‌ی (اول قرن‌تین ۷:۱۲، ۱۱) خدمت هستند (افسیسیان ۴:۱۲). انجیل هم بر فرد تمرکز دارد (نجات و رستگاری فردی) و هم بر مشارکت جمعی (انتشار انجیل و خدمت به آن، اول قرن‌تین ۷:۱۲). به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرن‌تین ۱:۴ مراجعه شود.

۶:۶ "با پاکی" این عبارت یا به ۱) ریشه این واژه بمعنی یکی بودن هدف و یا ۲) اخلاق و سبک زندگی پولس اشاره دارد.

■ "با صبر" این عبارت اغلب در اشیاء به صبوری و بردباری با مردم استفاده می‌شود، با اینحال، در عهد جدید برای اشاره به ذات خدا نیز مورد استفاده قرار گرفته است (رومیان ۲:۲؛ ۹:۴؛ ۲۲:۹؛ ۲ پطرس ۳:۹، ۱۵).

■ "با محبت" این عبارت اغلب "شیرینی روح" ترجمه گردیده، و گرایش بوده که فرد بیشتر ترجیح می‌دهد ناراحتی ببیند تا اینکه دیگران را ناراحت کند، یا باعث بوجود آمدن احساس پذیرفته شدن گردد تا اینکه فرد احساس غریبیگی نماید.

■ "با روح القدس" The New English Bible این عبارت را "هدایای روح القدس" ترجمه کرده است. *Jerome Biblocal Commentary* آن را "در یک روح مقدس" ترجمه کرده است (ص. ۲۸۲). علت تغییر در ترجمه‌ها اینست که برای پولس بی‌فایده بود که در میان مجموعه‌ای از کلمات پر نغز، شخصیت روح القدس را تعریف نماید. من قبول دارم که این عبارت اشاره به روح پولس که بوسیله روح القدس بوجود آمده دارد، ولی نمی‌توان با توجه به آیات رومیان ۹:۱؛ ۱۴:۱۷؛ ۱۵:۱۶؛ اول قرن‌تین ۳:۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۱؛ ۵ دگم‌اندیش بود.

■ "محبت بی‌ریا" مشابه همین فراز در رومیان ۹:۱۲ بکار رفته است. پولس از همین صفت برای تشریح ایمان در ۱ تیموتائوس ۵:۱ و ۲ تیموتائوس ۵:۱ بهره برده است. پطرس نیز این صفت مشابهی با یک معنی مترادف با *Philadelphiā, agapē* در ۱ پطرس ۱:۲۲ استفاده کرده است.

۷:۶ "با راستگویی" باید بخاطر داشت که پیشزمینه عبرانی در رابطه با این واژه در "حقیقت در برابر غیرواقع" نیست، بلکه "وفاداری و قابل اعتماد بودن"، در روابط بین افراد می‌باشد (۱ یوحنا ۸:۳۲؛ ۱۴:۶). به موضوع خاص: "حقیقت" در نوشته‌های پولس در دوم قرن‌تین ۸:۱۳ مراجعه نمایید.

جملات یونانی که با *dia* شروع می‌گردند

NIV	NJB	TEV	NRSV	NKJV	NASB	
اسلحهٔ پارسایی	اسلحهٔ پارسایی	پارسایی بعنوان سلاح ما	اسلحهٔ پارسایی	اسلحهٔ پارسایی	اسلحهٔ پارسایی	hoplōntēs, ۷
						<i>Dikaiousunēs</i>
جلال و ذلت	عزت و جلال و ذلت	عزت یافته و ذلت رسوایی	عزت و ذلت	عزت و ذلت	جلال و ذلت	dozēs kai, ۸
						<i>Atimias</i>

آیه ۸، نیکنامی و بدنامی نیکنامی و بدنامی توهین شده و اشتهار سخیف و مدمت و تجلیل نیکنامی و بدنامی
duosphēmias
kai euphēmias

▣ "اسلحهٔ پارسایی به دست راست و چپ" این عبارات اشاره به پیشگوییهای خداوند برای نبردهای روحانی ما در زمین دارد (دوم قرن تیان ۲: ۱۱؛ رومیان ۶: ۱۳؛ افسسیان ۲: ۲؛ ۴: ۱۴، ۲۷؛ ۶: ۱۰-۱۸؛ ۱ پطرس ۵: ۸). این امکان وجود دارد که دست راست اشاره به سلاحهای حمله کننده و دست چپ اشاره به سلاحهای دفاعی داشته باشد (با یک دست جنگیدن و با دست دیگر دفاع کردن). به موضوع خاص: پارسایی در اول قرن تیان ۱: ۳۰. مراجعه نمایید.

۸:۶ "ذلت" این واژه برای شهروندانی بکار برده می شود که حقوق شهروندی خود را از دست می دهند.

عبارات یونانی که با *hōs* شروع می شوند

NJB	TEV	NRSV	NKJV	NASB	
فریبکار شناخته شده اما اصیل	دروغگو اما حقیقت گو	فریبکار، اما حقیقت گو	گمراه کننده، اما حقیقت	گمراه کننده، اما حقیقت	آیه ۸، <i>planoi kai</i> <i>alētheis</i>
گویی گمنام، اما شناخته شده	گویی گمنام، اما شناخته شده بوسیله همگان	گویی گمنام، اما شناخته شده	گویی گمنام، اما شناخته شده	گویی گمنام، اما شناخته شده	آیه ۹، <i>agnooumenoi</i> <i>kai</i> <i>epigninōskomenoi</i>
در حال مرگ، اما هنوز زنده	مرده اما هنوز زنده	در حال مرگ، اما هنوز زنده	در حال مرگ، اما هنوز زنده	در حال مرگ، اما هشیار باشید که هنوز زنده ایم	آیه ۹، <i>apothnēskontes</i> <i>kai idou zōmen</i>
تازیانه خورده اما اعدام نشده	با وجود مجازات، اما از پا در نیامده ایم	دستخوش مجازات، اما از پا در نیامده	متنبه اما کشته نشده	دستخوش مجازات، اما از پا در نیامده	آیه ۹، <i>paideuomenoi kai</i> <i>mē</i> <i>thanatoumenoi</i>
گویی پر درد، اما همواره شادمان	گویی غمگین، اما همواره شادمان	گویی اندوهناک، اما همواره شادمان	گویی اندوهناک، اما همواره شادمان	گویی اندوهناک، اما همواره شادمان	آیه ۱۰، <i>lupoumenoi</i> <i>aei de chairontes</i>
فقیر، اما بسیاری را دولتمند می سازیم	بنظر فقیر می رسیم، اما بسیاری را دولت مند می سازیم	گویی فقیر، اما بسیاری را دولت مند می سازیم	گویی فقیر، اما بسیاری را دولت مند می سازیم	گویی فقیر، اما بسیاری را دولت مند می سازیم	آیه ۱۰، <i>ptōchoi</i> <i>pollous de</i> <i>ploutizontes</i>
هیچ نداریم ولی با وجود این همه چیز داریم	به ظاهر بی چیزیم، اما در واقع صاحب همه چیزیم	گویی بی چیز، اما صاحب همه چیزیم	گویی بی چیز، اما صاحب همه چیزیم	گویی بی چیز، اما صاحب همه چیزیم	آیه ۱۰، <i>mēden</i> <i>echontes kai</i> <i>panta katechontes</i>

۸:۹-۹ "اما...اما" جمله یونانی *kai* را نوشته، که معمولاً بمعنی "و" است، اما در برخی متون می تواند معنی "و اما" یا "و با این وجود" نیز بدهد (یوحنا ۲۰: ۲۹). بخاطر داشته باشید که محتوای متن است که تعیین کننده معنی آن می باشد و نه فرهنگ لغات.

۱۰:۶ " غمگین، اما همواره شادمانیم" (رومیان ۵:۵-۳؛ فیلیپیان ۲:۱۷-۱۸؛ ۳:۱؛ ۴:۴؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۱۶).

□ "اما صاحب همه چیزیم" این مجموعه از نقیضها ظاهراً در تضاد با منظر جهانی و خداوند است. ایمانداران بواسطه مسیح وارث همه چیز هستند (رومیان ۸:۱۷، ۳۲؛ اول قرنتیان ۳:۲۱).

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱۱:۶-۱۳

□ ای قرنتیان، ما بی پرده با شما سخن گفتیم و دل خود را بر شما گشودیم.^{۱۲} ما محبت خود را از شما دریغ نمی داریم. شما باید که مهر خود را از ما دریغ می کنید.^{۱۳} با شما همچون فرزندانم سخن می گویم؛ شما نیز دل خود را بر ما بگشایید.

۱۱:۶ در اینجا هر دو فعل مجهول هستند. پولس واقعاً انجیل را تمام و کمال بیان کرده و مفاهیم آن را با ایمانداران قرنتس در نهایت وضوح و صداقت در میان گذاشته است.

□ "ای قرنتیان" اینجا تنها یکی از سه جایی است که در نوشته‌های پولس، وی شخصاً کلیسای خاص را مورد خطاب قرار می دهد (غلاطیان ۳:۱؛ فیلیپیان ۴:۱۵). همه این بخشها نشان دهنده قلب رسول می باشد.

۱۲:۶

NASB	"شما بوسیله ما مهار نمی شوید"
NKJV	"شما بوسیله ما محدود نمی شوید"
NRSV	این محدودیت نیست"
TEV	"اینگونه نیست که ما قلبهای خود را بروی شما بسته باشیم"
NJB	"هر گونه ناراحتی شما از سوی ما نیست"

حالت موصوف این فعل در دوم قرنتیان ۴:۶ و ۱۰:۱۲ بکار برده شده است (رومیان ۲:۹؛ ۸:۳۵). این فعل دقیقاً اشاره به چیزها یا افرادی که در یک جای وسیع بدور هم گرد آورده شده تا محدود شوند، اشاره دارد. این واژه بصورت استعاره برای "تنگه‌ها"، "قید و بندها" یا "غم و اندوه" بکار برده شده است (دوم قرنتیان ۴:۸؛ ۶:۱۲).

NASB, NKJV,

NRSV	"محبتها"
TEV	"دل های خود را دریغ می کنید"
NJB	"اندوه"

این یک استعاره در عهد عتیق است که از "اعماق دل" می گوید. باستانیان فکر می کردند که احشای تحتانی یا ارگانهای اصلی بدن (همچون قلب، جگر، ریه‌ها) جایگاه احساسات هستند (امثال در نسخه Septuagint ۱۲:۱۰؛ ۲۶:۲۲؛ ارمیا ۲۸:۱۳، ۵۱؛ ۵-۶؛ II Macc. 9:5-6؛ Baruch 2:17, IV Macc. 10:8). پولس از این استعاره زیاد استفاده کرده است (دوم قرنتیان ۶:۱۲؛ ۷:۱۵؛ فیلیپیان ۱:۸؛ ۲:۱؛ کولسیان ۳:۱۲؛ فیلمون ۱:۷، ۱۲، ۲۰).

۱۳:۶

NASB	"اکنون همچون یک تبادل"
NKJV	"اکنون در عوض"
NRSV	"در عوض"
NJB	"در یک تبادل منصفانه"

در این بخش کلمه اصلی *antimisthia* بوده که از واژه *misthos* گرفته شده (عوض دادن بر اساس آنچه که شخص لیاقت آن را دارد، اول قرنتیان ۳:۸، ۱۴؛ ۱۷:۹-۱۸؛ ۱ تیموتائوس ۵:۱۸) بانضمام حرف اضافه *anti*. این حالت را می توان فقط در اینجا و در رومیان ۱:۲۷ یافت.

این واژه می تواند در یک حالت مثبت یا منفی بکار رود؛ این مفهوم متن است که تصمیم گیرنده شیوه بکارگیری آن است. در رومیان ۱:۲۷ بصورت منفی بکار برده شده، اما در اینجا ظاهراً بصورت مثبت و آنگونه کرد غلاطیان ۴:۱۲ بکار رفته، استفاده شده است.

□ «همچون فرزندانم» پولس نیز همچون یوحنا، کسانی را که توسط او به مسیحیت گرویده بودند را همچون فرزندان خود خطاب می‌کرد (اول قرن‌تینان ۱۴:۱۷؛ غلاطیان ۴:۱۹؛ ۱ تیموتائوس ۲:۱۸؛ ۲ تیموتائوس ۱:۲؛ ۱:۲؛ تیتوس ۴:۱؛ فیلمون ۱:۱۰).

□ «دل خود را بر ما بگشایید» پولس در حالی دل خود را می‌گشاید تا آنان را نیز شامل حال گرداند که آنان تفرقه‌اندازانه و ستیزه‌جویانه برخورد می‌کردند، او به جد علاقمند بود که آنان مقابله به مثل نمایند. این یک جمله دستوری مجهول آئوریستی است. به حالت مجهول آن توجه کنید، آنان خود نمی‌توانستند کاری کنند، بلکه آنان باید بخدا اجازه می‌دادند تا دل را بگشایند.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تینان ۱۴:۱۸-۱۴

^{۱۴} زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مروید، زیرا پارسایی و شرارت را چه پیوندی است و نور و ظلمت را چه رفاقتی؟^{۱۵} مسیح و بلیعال را چه توافقی است و مؤمن و بی‌ایمان را چه شباهتی؟^{۱۶} و معبد خدا و بتها را چه سازگاری است؟ زیرا ما معبد خدای زنده‌ایم. چنانکه خدا می‌گوید: «بین آنها سکونت خواهیم گزید و در میانشان راه خواهیم رفت، و من خدای ایشان خواهیم بود و آنان قوم من خواهند بود.»^{۱۷} پس، خداوند می‌گوید: «از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید. هیچ چیز نجس را لمس نکنید و من شما را خواهیم پذیرفت.»^{۱۸} «من شما را پدر خواهیم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود، خداوند قادر مطلق می‌گوید.»

۱۴:۶

NASB "خود را با بی‌ایمانان محشور نکنید"

NKJV "زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مروید"

NRSV "با بی‌ایمانان تطابق پیدا نکنید"

TEV "سعی نکنید که بصورت برابر با بی‌ایمانان کار کنید"

NJB "خود را در یک گروه برابر با بی‌ایمانان قرار ندهید"

پولس اغلب از استعاره‌های حوزه کشاورزی برای ترسیم حقایق مسیحیت (اول قرن‌تینان ۹:۹؛ ۱ تیموتائوس ۵:۱۸) بمنظور انعکاس آیه تثنیه ۲۲:۱۰ بهره برده است. این یک جمله حال کامل دستوری با بار منفی بوده که می‌گوید آنان "در حال شکل‌دهی" روابط غیرمعقول، نزدیک و کاملاً شخصی با بی‌ایمانان بودند. واژه یونانی یک واژه ترکیبی از "به زیر یوغ رفتن" (zugeō) و "نوع دیگری" (hereros)، انواع دیگری از حیوانات) می‌باشد. این آیه در ارتباط با ازدواج ایمانداران و بی‌ایمانان سخن می‌گوید. با اینحال، این متن ظاهراً به امر ازدواج بصورت خاص نپرداخته، اما یقیناً در اظهارات وسیعتری آن را شامل حال کرده است. ایمانداران باید هر چه می‌توانند روابط خود را محدود به ارتباط با سایر برادران و خواهران ایماندار نمایند. این امر به ما کمک می‌کند تا بتوانیم فرهنگ دنیای رو به انحطاط را از مسیح جدا نماییم. ایمان در راه مسیح و حلول روح در ما باعث بوجود آمدن شکاف عمیق میان خانواده‌ها، تجارتها، سرگرمیها، موارد تفریحی و حتی کلیساها گردیده است.

باید همچون اول قرن‌تینان ۵:۹-۱۳؛ ۷:۱۲-۱۶؛ ۱۰:۲۷ وضعیتی را در نظر گیریم که توازن الهیاتی نسبت به این واقعیت صورت پذیرد. ما باید شرارت‌های فرهنگ کفار قرن اول را بخاطر داشته باشیم. این بمعنی تارک دنیا شدن و بدور از تمدن زندگی کردن نیست، بلکه تلاشی بمنظور کاهش روابط شخصی نزدیک با نظام دنیای رو به انحطاط است (اول یوحنا ۲:۱۵-۲۷).

□ «پارسایی و شرارت را چه پیوندی است» مشابه همین واقعیت در تبادل نامه به افسسیان تکرار گردیده است (دوم قرن‌تینان ۵:۷، ۱۱). تضاد پارسایی پولس با شرارت در این متن بوضوح نشان می‌دهد که پارسایی اشاره به به آنچه که به پارسایی نسبت داده می‌شود (رومیان ۴؛ غلاطیان ۳) نداشته، بلکه پارسا زندگی کردن مد نظر می‌باشد (متی ۶:۱). به موضوع خاص: پارسایی در اول قرن‌تینان ۱:۳۰ مراجعه شود.

□ «رفاقت» به موضوع خاص در اول قرن‌تینان ۹:۱ مراجعه شود.

۱۵:۶

NASB, NKJV "بلیعال"

NRSV, NJB "بلیعالی"

TEV "شریر"

این یک واژه عبری است (بلی و یعل، BDB 116) که ریشه آن مایه تردید است. بلیعال در برخی نوشته‌ها به زبان عبری بشکل متفاوت هجی شده است. پیشزمینه آن می‌تواند یکی از موارد زیر باشد:

۱. فاقد ارزش (از ویژگیهای مردمان شیر، تشبیه ۱۳:۱۳؛ ۲ سموئیل ۲۳:۶؛ ۱ پادشاهان ۲۱:۱۰، ۱۳)

۲. بی قانونی (۲ سموئیل ۵:۲۲)

۳. جایگاهی که فاقد هرگونه ترقی باشد (*sheol*، مزمور ۱۸:۴)

۴. واژه دیگری برای شیطان (ناهوم ۱:۱۵؛ Jubilees 1:20; 15:33؛ و طومارهای دریای مرده [IQS 1:18, 24; 2:5, 19])

۱۶:۶ "و معبد خدا و بتها را چه سازگاری است" این آیه باید با اول قرنیتیان ۳:۱۶ مقایسه گردد، در آن آیه کلیسای محلی معبد خدا نامیده شده بود. در اول قرنیتیان ۳:۱۶ هیچ "معبدی" وجود ندارد (*naos*، مرکز خود زیارتگاه است). ضمیر "شما" جمع است، در حالیکه "معبد" بصورت مفرد بکار رفته، لذا، در این متن "معبد" باید اشاره به تمام کلیسای قرنتس داشته باشد (افسیان ۱:۲۱-۲۲).

تمرکز ایمان در یهودیت، به جای ایمان قلبی به یهوه، تبدیل به مراسم و آیینهای مذهبی در معبد گردید. بحث بر این نیست که کجا یا کی یا چه موقع انسان باید به نیایش بپردازد، بلکه چه کسی در این رابطه با خداوند قرار دارد. عیسی بدن خود را بعنوان معبد خدا می دید (یوحنا ۲:۲۱). عیسی بزرگتر از معبد تعریف شده در عهد عتیق است (متی ۱۲:۶). فعالیتهایی که خداوند انجام می داد از یک ساختمان مقدس به بدن مقدس ایمانداران انتقال یافت (بدنی احیا شده و مقدس).

بت پرستان و ایمانداران بطور کامل در اول قرنیتیان ۸ و ۱۰:۱۴-۲۲ مورد بحث قرار گرفته است. اینها باید متقابلاً منحصر بفرد باشند! همه راهها به بهشت ختم نمی شوند!

□ "خدای زنده ایم" نام خداوند در عهد عتیق یهوه بود (به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۲:۸ مراجعه نمایید)، که حالتی از فعل "بودن" است. نویسندگان عهد عتیق اغلب از صفت "زنده" برای انعکاس جاودانگی و یگانگی خداوند استفاده کرده اند. کنایه های عهد عتیق در دوم قرنیتیان ۶:۱۶-۱۸ شامل مجموعه واژگان عهد خداوند می باشد، "من خدای ایشان خواهم بود و آنان قوم من خواهند بود" (حزقیال ۳۷:۲۷).
ظاهراً عبارت "در میانشان راه خواهم رفت" از لاویان ۲۶:۱۲ گرفته شده است. متن عهد عتیق در دوم قرنیتیان ۶:۱۶ انعکاس عصر جدید است، در هنگامی که یهوه، آنگونه که قرار بود در پیدایش ۲ و بطور موقت در دوران آوارگی در بیابان ظاهر گردد، در میان قوم خود جای گرفته، اما در عوض در آسمانها و زمینهای جدید درک خواهد شد (مکاشفه ۲۱-۲۲).

□ "خداوند می گوید" این یک ترکیب بی قاعده از لاویان ۲۶:۱۱-۱۲ و حزقیال ۳۷:۲۷ از نسخه Septuagint می باشد. در این متن، پولس در اصل این وعده ها را به اسرائیلی که متعهد به عهد بوده، در کلیسایی که اسرائیل معنوی است، اعمال می کند (رومیان ۹:۶؛ غلاطیان ۶:۱۶).

۱۷:۶ "بیرون آید ... جدا شوید" اینها جملات دستوری آنوریستی هستند. این عبارات کنایه هایی به اشعیا ۵۲:۱۱ در نسخه Septuagint می باشند. قوم خدا باید خود را از گناهکاران و بی ایمانان جدا نموده تا در حد ممکن کمتر مورد دآوری قرار گیرند (مکاشفه ۴:۱۸)
امروزه اغلب می شنوم که این آیه را در ارتباط با فرقه هایی که افراد به آنها وابسته هستند، نقل می نمایند. اجازه دهید نقل قولی از F.F. Bruce از کتاب *Answers to Questions* بنویسم، "بکار بردن این عبارات بمنظور توجیه جدایی بوجود آمده میان مسیحیان، حاکی از عدم موفقیت قرائت صحیح در متون خود می باشد" (ص. ۱۰۳).

□ "هیچ چیز نجس را لمس نکنید" این جمله دستوری حال ساده است. ایمانداران نباید در رفتارهای گناه آلود فرهنگی که در آن زندگی می کنند، مشارکت نمایند. بعنوان افرادی که بخدا روی آورده ایم، باید دل و ذهن تازه قوم خدا را به نمایش گذارده و برای همگان جار زنیم. همه چیز به واسطه او تغییر می کند!

۱۸:۶ این آیه بازتاب دهنده حقیقت بسیاری از انبیا، بیش از همه هوشع است (یا احتمالاً ۲ سموئیل ۷:۱۴).

□ "خداوند قادر مطلق" این عبارت منعکس کننده واژه عهد عتیق برای خداوند، یعنی یهوه (خروج ۳:۱۴)، و *El Shaddai* (خروج ۶:۳) است. این عبارت در نسخه Septuagint "خداوند میزبانان" ترجمه شده است. به موضوع خاص: نامهایی برای خداوند در اول قرنیتیان ۲:۸ مراجعه شود.

متن NASB (بروز شده): دوم قرنیتیان ۱:۷

پس ای عزیزان، حال که این وعده ها از آن ما است، بیایید خود را از هر ناپاکی جسم و روح بزداییم و با ترس از خدا، تقدس را به کمال رسانیم.

۱:۷ "این وعده ها از آن ما است" این یک وجه وصفی حال معلوم است. پولس کلمات نبوت شده از سوی خدا در عهد عتیق را که گویی هم اکنون به قرنیتیان گفته شده را نقل می کند (دوم قرنیتیان ۲:۶). عهد عتیق نیز که در دوم قرنیتیان ۶:۱۶-۱۸ نقل شده، نشان دهنده تداوم شوق یهوه به داشتن قومی است که

ویژگیهای او را منعکس نمایند. پولس سعی دارد تا برای ایمانداران قرن‌تس به یک زندگی خدا پسندانه، انگیزه ایجاد کند. آنان "رحمت" را تجربه کرده‌اند (دوم قرن‌تس ۱:۶)، اکنون آنها باید چنین زندگی داشته باشند. این آیه فراخوانی به تقدس شبیه به مسیح است (افسیان ۱:۴؛ ۲:۱۰).

■ "ای عزیزان" این عبارت در متی ۱۷:۳ و ۱۷:۵ بعنوان لقبی برای عیسی بکار برده شده است. پولس از عبارت مشالهی برای تعریف از پیروان عیسی بهره برده است (دوم قرن‌تس ۱۹:۱۲؛ اول قرن‌تس ۱۰:۱۴؛ ۵۸:۱۵؛ رومیان ۱۹:۱۲؛ فیلیپیان ۲:۱۲؛ ۱:۴). این واژه سخن از پیمان مودت بوجود آمده توسط خداوند (عبری، *hesed*؛ یونانی، *agapē*) برای ما در راه مسیح داشته، اما در اینجا سخن از محبت پولس برای این کلیسای سرسخت متفرق نفاق افکن دارد.

■ "بیباید خود را از هر ناپاکی جسم و روح بزدااییم" این یک وجه شرطی معلوم آئورستی می‌باشد. زمان آئورستی شیوه‌ایست که ادبیات یونانی کوبین برای تأکید بر عملی از آن بهره می‌برد. این عبارت معانی متعددی می‌تواند داشته باشد (به کتاب *Exegetical Fallacies* نوشته D. A. Carson جلد دوم، صفحات ۶۸-۷۳ مراجعه شود). در اینجا ندایی برای عملی قاطع است (وجه شرطی تشویقی که بصورت یک دستور بکار رفته است). حالت شرطی عنصر احتمال را اضافه می‌کند. ایمانداران باید در رسیدن به رستگاری و سپس بلوغ با خداوند مشارکت و همکاری داشته باشند.

■ "جسم و روح" این عبارت سخن از سرتاسر بدن انسان می‌گوید. بسیاری، این آیه را بدلیل کاربرد فنی پولس از این دو واژه در متون دیگر، بعنوان اصل قبول ندارند. با اینحال، دوم قرن‌تس ۲:۵ هنگامی که با دوم قرن‌تس ۲:۱۳ مرتبط می‌شود (که شروع و پایان سخنان مهم پولس است)، این دو واژه را بصورت هم معنی استفاده کرده است. پولس اغلب واژگان مشابهی را به حالات مختلفی بکار برده است (کتاب *A Man in Christ* نوشته James S. Stewart, Harper and Row را مطالعه نمایید).

■ "با ترس از خدا، تقدس را به کمال رسانیم" این وجه وصفی حال معلوم است. بلحاظ الهیاتی درست است که هنگامی که نجات می‌یابیم، همزمان داوری و تقدیس می‌گردیم (اول قرن‌تس ۱:۳۰ و همچنین به موضوع خاص: تقدس/تقدیس در عهد جدید در اول قرن‌تس ۱:۲ مراجعه نمایید). این عبارت از جایگاه ما در راه مسیح سخن می‌گوید. با اینحال، ما باید در دور جایگاهی که در آن قرار گرفته‌ایم، زندگی نماییم. بنابراین، ترغیب می‌گردیم که آنچه را که در تذهیب یا شبیه شدن به مسیح باید انجام دهیم را با تمام رسانیم (رومیان ۸:۲۸-۲۹؛ افسسیان ۴:۱). این چالشی است که همیشه ادامه دارد (رومیان ۷). تقدس نیز همچون نجات و رستگاری، هدیه‌ای رایگان و تعهدی پرهزینه می‌باشد. این امر صحت دارد که ایمانداران قدیس (اخباری) و سپس به تقدس فرا خوانده می‌شوند (دستوری). من به بیگناهی در این دنیا اعتقاد ندارم، اما معتقدم که ایمانداران کمتر و کمتر گناه می‌کنند! این یک تنش الهیاتی و کاربردی بوده که بوسیله ایماندارانی که در پادشاهی خدا هستند بوجود آمده، اما این پادشاهی به پایان نمی‌رسد. (بر گرفته از کتاب *How to Read the Bible For All Its Worth* نوشته Fee, Stewart، صفحات ۱۳۱-۱۳۴).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. آیا دوم قرن‌تس ۱:۶ به ما می‌گوید که ممکن است نجات خود را از دست دهیم؟

۲. چگونه یک مسیحی می‌تواند زندگی کند تا سنگی بر سر راه دیگران قرار ندهد؟

۳. چرا زندگی پولس تا این حد دشوار بود؟

۴. عبارت "جدا شوید" یعنی چه؟

۵. آیا رستگاری کاملاً رایگان هستند یا بابت آن باید همه چیز را هزینه کرد؟

دوم قرن‌تیاں ۱۶-۲:۷

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
				یک هشدار (۶:۷ - ۱۱:۶)
شادی پولس از توبه کلیسا	عکس‌العمل قرن‌تیاں	شادی پولس	شادی پولس	۴ - ۲:۷
۱۲ - ۲:۷	۱۲ - ۲:۷	۴ - ۲:۷	۴ - ۲:۷	
				پولس در مقدونیه: او به تیتوس ملحق می‌شود
۱۳ - ۵:۷		۱۳ - ۵:۷	۷ - ۵:۷	۷ - ۵:۷
			۱۱ - ۸:۷	۱۳ - ۸:۷
	شادی تیتوس		۱۳ - ۱۲:۷	
۱۶ - ۱۳:۷		۱۶ - ۱۳:۷	۱۶ - ۱۳:۷	۱۶ - ۱۳:۷

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تیاں ۴-۲:۷

آما را در دل خود جای دهید. در حق کسی بدی روا نداشته‌ایم، کسی را فاسد نساخته‌ایم و از کسی بهره‌جویی نکرده‌ایم. این را نمی‌گوییم تا محکومتان کنیم. پیشتر به شما گفتم که چنان در دل ما جای دارید که آماده‌ایم با شما بمیریم و با شما زیست کنیم. آمن می‌توانم بی‌پرده با شما سخن بگویم، و به شما بسی فخر می‌کنم. بسیار دلگرم شده‌ام، و به‌رغم همه سختیها، شادی مرا حد و مرزی نیست.

۲:۷ "ما را در دل خود جای دهید" این پاراگراف از تفکر دوم قرن‌تیاں ۱۳:۶ پیروی می‌کند. جمله، دستوری کامل آئوریستی، به‌مراه یک دستور تعیین کننده، ولی با تأکیدی متداوم می‌باشد. پولس این تفکر را در دوم قرن‌تیاں ۱۳:۶ مطرح کرده است. او از یک عبارت متضاد در دوم قرن‌تیاں ۱۲:۶ استفاده کرده بود (دریغ کردن). پولس دوست داشت که همانطور که خود دل را بر روی قرن‌تیاں گشوده بود، آنان نیز همان کار را در مقابل وی انجام دهند. برای پولس عبارت "دل" در دوم قرن‌تیاں ۱۱:۶ راهی برای اشاره به خود بوده است. او متقابلاً همین کار را با "بدن" دوم قرن‌تیاں ۵:۷ و با "روح" در دوم قرن‌تیاں ۱۳:۷ انجام داد. به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تیاں ۵:۷ مراجعه نمایید.

□ "در حق کسی بدی روا نداشته‌ایم، کسی را فاسد نساخته‌ایم و از کسی بهره‌جویی نکرده‌ایم" همه اینها بلحاظ دستوری، کامل اخباری هستند. "کسی را" بمنظور تأکید تکرار گردیده است. این عبارات با کارهایی که معلمان دروغین انجام می‌دادند و یا اتهاماتی که توسط منتقدان بر علیه پولس و خدمت او وارد می‌گردید، در ارتباط بوده است (دوم قرن‌تبیان ۱۲:۱۷-۱۸).

□ "فاسد" به موضوع خاص در اول قرن‌تبیان ۴۲:۱۵ مراجعه نمایید.

۳:۷ "با شما بمیریم و با شما زیست کنیم" در نسخه یونانی بجای این عبارت نوشته شده؛ "من با شما خواهم مرد یا به زندگی با شما ادامه می‌دهم". فعل اول یک مصدر حال کامل آتوریستی و فعل دوم مصدر حال کامل است. این جمله می‌تواند اشاره به آیه ۱:۶ داشته باشد. پولس علامند به داشتن کلیسایی بالغ و کاربردی در قرتس بود. اگر آنان از رهبری او پیروی می‌کردند و حدود اختیارات او را می‌پذیرفتند، به حاصل مورد نظر می‌رسیدند، اما در غیراینصورت، وجود آنها بی‌حاصل می‌گردید. همچنین ممکن است که این عبارت یک اصطلاح فرهنگی برای نشان دادن تعلق خاطر به کسی تا آخر کار بوده باشد.

۴:۷ "دلگرم" به موضوع خاص: *Parrhēsia* در دوم قرن‌تبیان ۱۲:۳ مراجعه نمایید.

□ "فخر می‌کنم" به بخش کامل مطالعه لغات در اول قرن‌تبیان ۵:۶ و موضوع خاص در دوم قرن‌تبیان ۱۲:۱ مراجعه نمایید.

□ "بسیار دلگرم شده‌ام، شادی مرا حد و مرزی نیست" بنظر می‌رسد که این عبارات اشاره به گزارش تیتوس در دوم قرن‌تبیان ۷:۶-۱۳ داشته باشد. پولس درباره وضعیت روحانی این کلیساها بسیار حساس و احساساتی بود (غلاطیان ۴:۱۹). جمله حد و مرزی نیست (*huperperisseuomai*، رومیان ۵:۲۰) حالتی تأکیدی از واژه *perisseuo* می‌باشد. این عبارت و حالت عنوان شده مرتبط با آن اغلب در نامه‌های پولس به قرتس بکار برده شده است. به موضوع خاص: کاربرد واژگان تلفیقی *Huper* توسط پولس در اول قرن‌تبیان ۲:۱ مراجعه نمایید.

۱. *Perissos| perissoteros*

a. بشدت (اول قرن‌تبیان ۱۲:۲۳، ۲۴:۱۵) (۱۰:۱۵)

b. بیش از اندازه (دوم قرن‌تبیان ۲:۷؛ ۱۰:۸)

c. زائد (دوم قرن‌تبیان ۱:۹)

۲. *Perissoterōs*، به وفور (دوم قرن‌تبیان ۱:۱۲؛ ۲:۴؛ ۷:۱۳، ۱۵؛ ۱۱:۲۳؛ ۱۲:۱۵)

۳. *Perisseuō*

a. فراوان شدن (دوم قرن‌تبیان ۱:۵؛ ۳:۹؛ ۹:۸، ۱۲)

b. هدایای وافر دریافت شده (اول قرن‌تبیان ۱۴:۱۲؛ دوم قرن‌تبیان ۸:۷)

c. با تمام وجود به کار مشغول بودن (اول قرن‌تبیان ۱۵:۵۸)

d. فراوانی خوراک (اول قرن‌تبیان ۸:۸)

e. منجر به فراوانی (دوم قرن‌تبیان ۴:۱۴؛ ۹:۸)

۴. *Perisseuma*، وفور نعمت (دوم قرن‌تبیان ۸:۱۳، ۱۴)

۵. *Perisseia*، وفور نعمت (دوم قرن‌تبیان ۸:۲؛ ۱۰:۱۵)

□ "بهرغم همه سختیها" به موضوع خاص: محنت در دوم قرن‌تبیان ۱:۴ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تبیان ۷:۵-۱۳

^۵ زیرا هنگامی که به مقدونیه رسیدیم، این تن ما آسایش نیافت، بلکه از هر سو در زحمت بودیم - در برون جدالها داشتیم، و در درون ترسها. ^۶ اما خدایی که افسردگان را دلگرمی می‌بخشد، با آمدن تیتوس ما را دلگرم ساخت. ^۷ و ما نه تنها از آمدن او، بلکه به واسطه آن دلگرمی که از شما یافته بود، دلگرم شدیم. او از اشتیاق شما به دیدار من، و اندوه عمیق‌تان، و غیرتی که نسبت به من دارید، خبر آورد، که این بیش از پیش مرا شادمان ساخت.

^۸ زیرا هر چند با نامه خود اندوهگینتان ساختم، از کرده خود پشیمان نیستم. زیرا با آنکه تا حدی پشیمان بودم - چون می‌بینم نامه‌ام هر چند کوتاه‌زمانی، شما را اندوهگین ساخت - ^۹ اما اکنون شادمانم، نه از آن رو که اندوهگین شدید، بلکه چون اندوهتان به توبه انجامید. زیرا اندوه شما برای خدا بود، تا هیچ زبانی از ما به شما نرسد. ^{۱۰} چون اندوهی که برای خدا باشد، موجب توبه می‌شود، که به نجات می‌انجامد و پشیمانی ندارد. اما اندوهی که برای دنیاست، مرگ به بار می‌آورد. ^{۱۱} ببینید اندوهی که برای خدا بود چه ثمراتی در شما پدید آورده است: چه شور و

شوقی، چه اشتیاقی به اثبات بی‌گناهی‌تان، چه نارضایی و احساس خطری، چه دل‌تنگی، غیرت و مجازاتی. شما از هر حیث ثابت کردید که در آن قضیه بی‌تقصیر بوده‌اید.^{۱۲} پس نامه من به شما به خاطر آن کس که بدی کرده و یا آن که به او بدی شده نبوده است، بلکه بدین منظور بوده که در حضور خدا ارادت شما به ما، بر خودتان آشکار شود.^{۱۳} اینها همه موجب دلگرمی ما شده است.

۵:۷ " زیرا هنگامی که به مقدونیه رسیدیم " پولس دوره مربوط به گزارش تیتوس را که در دوم قرنتیان ۱۳:۲ آغاز کرده بود، ادامه می‌دهد. میان آیات ۱۳:۲ و ۵:۷، در جاییکه وی شادیها و ناراحتیهای خدمت خود بعنوان یک رسول را بحث می‌کند، انحراف زیادی وجود داشته است.

□ "این تن ما آسایش نیافت" پولس شدت نگران این کلیسا بود (دوم قرنتیان ۱۲:۲-۱۳، هر دو جمله کامل اخباری هستند). برای من مفید است که در میانه‌ی نگرانیها و تردیدهای خود بدانم که رسول بزرگ غیریهودیان نیز از تردیدهای خود درباره تداوم نتایج خدمتش بستوه آمده بود (دوم قرنتیان ۱:۶).

پولس از واژه "بدن" بعنوان مترادفی برای خودش بهره برده است (به موضوع خاص در اول قرنتیان ۲۶:۱ مراجعه نمایید). او همین کار را در ارتباط با روح در دوم قرنتیان ۱۳:۷ در ارتباط با تیتوس انجام می‌دهد (جمله موازی در دوم قرنتیان ۱۳:۲، "روح آرام نداشت"). عهد جدید از دیدگاه سه قسمتی بشر پشتیبانی نمی‌کند. بشر واحد است (پیدایش ۷:۲). پولس به شیوه‌های مختلفی درباره این وحدانیت چند وجهی صحبت کرده است.

□ "بلکه از هر سو در زحمت بودیم" این وجه وصفی حال مجهول است. این آیه مختصری از مشکلاتی بوده که پولس در دوم قرنتیان ۱:۴-۱۰؛ ۴:۷-۱۲ و ۳:۶-۱۰ به آن اشاره کرده است.

□ "در برون جدالها داشتیم، و در درون ترسها" از دوره جان کریسوستوم، این عبارت در اشاره به مشکلات با ایمانداران و بی‌ایمانان ترجمه شده است (دوم قرنتیان ۱۱:۲۸). پولس نگران برنامه‌های شیطان است (دوم قرنتیان ۳:۱۱؛ اول قرنتیان ۵:۷).

۶:۷ "اما خدایی که افسردگان را دلگرمی می‌بخشد،... ما را دلگرم ساخت" چه جمله زیبایی - "خدایی که همیشه در حال دلگرمی بخشیدن است" (وجه وصفی کامل). به یادداشت مربوط به دلگرمی در دوم قرنتیان ۱:۴-۱۱ مراجعه نمایید.

۷:۷ دعاها و نامه‌های پولس اثرات خود را باثبات رسانده‌اند. اکثریت در کلیسا نسبت به اختیارات او و انجیلی که معرفی کرد، پاسخ مناسب دادند. آنان معلمان بی‌اخلاق و تفرقه‌افکن را ترد کردند (دوم قرنتیان ۸:۷-۱۳).

۸:۷

NASB "زیرا اندوهگینتان ساختم"

NKJV, NRSV "چون اگر اندوهگینتان ساختم"

TEV "حتی اگر اندوهگینتان ساختم"

NJB "پس اکنون، با اینکه شما را اندوهگین ساختم"

این یک جمله شرطی نوع اول است که درست استفاده شده است.

□ "با نامه خود" بنظر می‌رسد که این عبارت در اشاره به نامه سوم پولس به کرتس بوده که توسط مفسران "نامه‌ی شدیدالحن" خوانده می‌شود (دوم قرنتیان ۲، ۴، ۹). این یکی از دو نامه گمشده می‌باشد، مگر اینکه فصلهای ۱۰-۱۳ بصورت گزیده‌ای نوشته شده‌اند.

۸:۷ - ۱۱ "اندوه...پشیمان...توبه" سه عبارت یونانی مهم در این فراز بمنظور تشریح پشیمانی و توبه بکار برده شده‌اند. واژه اول (*lupeō*) یک عبارت کلی برای "اندوه" یا "ناراحتی" است. بلحاظ الهیاتی واژه‌ای خنثی بود که دو بار در دوم قرنتیان ۸:۷؛ سه بار در دوم قرنتیان ۹:۷؛ دو بار در دوم قرنتیان ۱۰:۷؛ و یکبار در دوم قرنتیان ۱۱:۷ بکار برده شده است (دوم قرنتیان ۲:۲، ۴، ۵؛ ۱۰:۶).

عبارت "پشیمان" (*metamelomai*) دو بار در دوم قرنتیان ۸:۷ و در دوم قرنتیان ۱۰:۷ بصورت منفی بکار رفته که معنی "بدنبال مراقبت" می‌دهد. بنظر می‌رسد که این عبارات بمعنی ناراحتی از عواقب کارهایی که در گذشته انجام شده بود، دارد: (مثال: ۱) آنانه که در تمثیل عیسی توبه راستین نکردند، متی ۲۹:۲۹، ۳۲؛ ۲) یهودا، عبرانیان ۱۲:۱۶-۱۷؛ ۳) عیسو، متی ۲۷:۳.

آخرین واژه (*metanoiea*) که در دوم قرنیتان ۷:۹ و ۱۰ دیده می‌شود، بلحاظ الهیاتی بسیار مهم می‌باشد. این عبارت نه تنها شامل یک تغییر نوع نگرش است، بلکه تغییر رفتار را نیز شامل می‌گردد (مرقس ۱:۱۵؛ اعمال ۳:۱۶؛ ۲۱:۲۰). نمونه‌های مثال درباره توبه را می‌توان در داستان شاه داوود و پطرس رسول یافت.

پولس اشاره به نامه "دردناک" خود که پیشتر به کلیسای قرنتس نوشته بود می‌کند. او درد خود را بروشنی بیان کرده بود، اما نگران امکان بوجود آمدن دلخوری زیاد بجای یک توبه سالم بود که برای اصلاح رفاقت و دوستی لازم بود. آنان پولس را وا داشته بودند که همچون یک جراح روح عمل کند بجای اینکه یک پدر روحانی باشد. پولس این کارها و رفتارهای ناشایست را مورد خطاب قرار داده و انتظار پاسخی در خور نیز بود. اما همچون پدری که فرزندان خود را با ناراحتی تربیت می‌کند، نامه خود را با ناراحتی نوشت و انتظار بدترینها را نیز بر جان خرید، زیرا که حدس می‌زد آنان با توبه حقیقی پاسخ نداده و دوستی آنان احیا نگردیده و در نتیجه کار او بیهوده می‌گردید (دوم قرنیتان ۶:۱).

موضوع خاص: توبه (عهد عتیق)

(Special Topic: Repentance In The Old Testament)

این مفهوم بسیار حساس بوده و در عین حال تعریف آن سخت است. بیشتر ما تعریفی داریم که از تفکرات دینی ما ناشی می‌شود. با این وجود، معمولاً یک مجموعه تعاریف مذهبی بر چندین کلمه عبری (و یونانی) اعمال می‌شوند که معمولاً دلالت بر این مفهوم ندارند. باید به خاطر داشت که نویسندگان عهد جدید (به استثنای لوقا) با تفکر عبری اصطلاحات یونانی کوبین را استفاده می‌کردند، بنابراین جایی که باید شروع کنیم خود اصطلاحات عبری هستند که اساساً دو اصطلاح می‌باشند:

۱. *nacham* (BDB 636, KB 688)

۲. *shub* (BDB 996, KB 1427)

کلمه نخست، *nacham*، که در اصل به معنی "نفس عمیق کشیدن" است، در چندین مفهوم استفاده شده است:

- a. "استراحت"، "راحتی" (برای مثال، کتاب پیدایش ۲۹:۵، ۶۷:۲۴، ۴۲:۲۷، ۳۵:۳۷، ۱۲:۳۸، ۲۱:۵۰، اغلب به صورت اسم استفاده شده، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۴:۱۵، اول تواریخ ۱۹:۴، نحما ۱:۱، ۷:۷، ناحوم ۱:۱)
- b. "اندوهگین"، "مغموم" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶:۶ و ۷)
- c. "تغییر یافتن عقیده" (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۷:۱۳، ۱۲:۳۲ و ۱۴، اعداد ۱۹:۲۳، یعقوب ۵:۴۲ الی ۶)
- d. "رحم و شفقت" (مراجعه شود به تثنیه ۳۶:۳۲)

توجه داشته باشید که تمامی اینها در بردارنده احساسات عمیق هستند. نکته کلیدی اینجا است: احساسات عمیقی که منجر به عمل می‌شوند. تغییر عمل معمولاً به سوی افراد دیگری، و همچنین خدا، هدایت می‌شود. این تغییر گرایش و عمل به سوی خدا است که به این اصطلاح چنین اهمیت الهیاتی می‌دهد. ولی در اینجا محبت و توجه را نیز باید آزمود. خدا گفت که باید توبه کرد (مراجعه شود به پیدایش ۶:۶ و ۷، خروج ۱۴:۳۲، داوران ۱۸:۲، اول سموئیل ۱۱:۱۵ و ۳۵، مزمور ۴۵:۱۰۶)، ولی این نتیجه اندوه به خاطر گناه و یا خطا نیست، بلکه یک شیوه مفهومی برای نشان دادن رحم و شفقت خدا و توجه خدا است (مراجعه شود به اعداد ۱۹:۲۳، اول سموئیل ۲۹:۱۵، مزمور ۴:۱۱۰، ارمیا ۲۷:۴ الی ۲۸، حزقیال ۱۴:۲۴). اگر گناهکار واقعاً به سوی خدا روی آورد، مجازات گناه و شورش او بخشیده می‌شود. این یک تغییر مسیر زندگی است.

اصطلاح دوم، *shub*، یعنی "چرخیدن" (چرخش از، به عقب چرخیدن، چرخیدن به طرف). فعل *shub* (BDB 996, KB 1427) اساساً به معنی به عقب برگشتن یا "بازگشتن" است. در موارد زیر استفاده شده است:

۱. روی گرداندن از خدا، اعداد ۴۳:۱۴، یوشع ۱۶:۲۲ و ۱۸ و ۲۳ و ۲۹، داوران ۱۹:۲، ۳۳:۸، اول سموئیل ۱۱:۱۵، اول پادشاهان ۶:۹، ارمیا ۳:۱۹، ۴:۸
۲. روی آوردن به سوی خدا، اول پادشاهان ۳۳:۸ و ۴۸، دوم تواریخ ۱۴:۷، ۱۵:۴، ۹:۳۰، مزمور ۱۳:۵۱، اشعیا ۱۰:۶، ۲۱:۱۰ و ۲۲، ۶:۳۱، ارمیا ۳:۷ و ۱۲ و ۱۴ و ۲۲، ۱:۴، ۳:۵، ۵:۴، ۱:۱۰، ۷:۱۰، ۱۶:۵، ۱۱:۱، ۱۴:۲، عاموس ۶:۴ و ۸ الی ۱۱ (به خصوص به ارمیا ۷ و عاموس ۴ توجه کنید)
۳. یهوه در ابتدا به اشعیا می‌گوید که قوم یهود نمی‌تواند توبه کند و نخواهد کرد (مراجعه شود به اشعیا ۱۰:۶)، ولی نه برای نخستین بار در کتاب، او آنان را فرا می‌خواند تا به سمت او بازگردند.

توبه آنقدر که گرایش به سمت خدا است، احساسی نیست. تغییر مسیر زندگی است از خود به سمت او. نشان دهنده تمایل به تغییر در زندگی و تغییر کردن است. توقف کامل گناه نیست، بلکه توقف روزانه شورش آگاهانه است! حالت معکوس نتایج خود-محوری سقوط در پیدایش ۳ است. نشان دهنده تصویر و شباهت خدا (پیدایش ۲۶:۱ الی ۲۷)، هر چند آسیب دیده، ولی احیا شده است. رفاقت با خدا مجدداً توسط انسان گمراه ممکن است.

توبه در عهد عتیق اساساً به معنی "تغییر اعمال" است، در حالیکه در عهد جدید به معنی "تغییر فکر" است (موضوع خاص: توبه در عهد جدید را مطالعه کنید). هر دوی اینها برای توبه واقعی انجیلی ضروری هستند. همچنین ضروری است که تشخیص دهیم توبه هم عمل اولیه و هم یک فرایند ممتد است. عمل اولیه را می‌توان در انجیل مرقس ۱:۱۵، اعمال رسولان ۳:۱۶ و ۱۹، ۲۰:۲۱ مشاهده کرد، در حالیکه فرایند در حال انجام را می‌توان در اول یوحنا ۱:۹، مکاشفه ۲ و ۳ دید. توبه یک گزینه نیست (مراجعه شود به انجیل لوقا ۳:۳ و ۵).

اگر این درست باشد که دو پیش نیاز پیمان جدید توبه و ایمان باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۲، ۴:۱۷، انجیل مرقس ۱:۴ و ۱۵، ۲:۱۷، انجیل لوقا ۳:۳ و ۸، ۵:۳۲، ۱۳:۳، ۵، ۱۵:۷، ۱۷:۳)، پس *nacham* اشاره به احساسات شدید تشخیص دادن گناه فرد و روی برگرداندن از آن است، در حالیکه *shub* اشاره به روی برگرداندن از گناه و بعد روی آوردن به سمت خدا است (یکی از مثالهای این دو عمل معنوی عاموس ۴:۶ الی ۱۱ است، "به سمت من نخواهید آمد" [پنج مرتبه] و عاموس ۵:۴ و ۶ و ۱۴ "مرا بجوئید... خدا را بجوئید... خدا را بجوئید نه شیطان را). بزرگترین مثال در مورد قدرت توبه گناه داوود با بتشبا است (مراجعه شود به دوم سموئیل ۱۲، مزمور ۳۲ و ۵۱). عواقب دنباله داری برای داوود، خانواده اش و اسرائیل وجود داشت، ولی داوود دوستی اش با خدا را تجدید نمود! حتی مناسب ضعیف می‌تواند توبه کند و بخشیده شود (مراجعه شود به دوم تواریخ ۳۳:۱۲ الی ۱۳).

هر دو این اصطلاحات به صورت همسو در مزمور ۹۰:۱۳ استفاده شده‌اند. باید گناه تشخیص داده شود و از روی عمد و به صورت فردی باید از آن روی برگرداند، همچنین باید تمایل به جستجوی خدا و پارسایی او وجود داشته باشد (مراجعه شود به اشعیا ۱:۱۶ الی ۲۰). توبه جنبه شناختی، جنبه فردی و جنبه اخلاقی دارد. هر سه مورد نیاز و ضروری هستند، دو تا برای شروع رابطه با خدا و برقراری رابطه جدید. احساس عمیق تاسف و پیشمانی به اطاعت و پیروی و وقف خدا شدن منتهی می‌شوند.

۹:۷

"بلکه شما طبق خواست خدا ناراحت گردیده‌اید"	NASB
"زیرا آنگونه که خدا خواست متأسف گردیده‌اید"	NKJV
"زیرا شما عذابی الهی را متحمل شدید"	NRSV
"که این ناراحتی بوسیله خدا استفاده شد"	TEV
"رنج شما بگونه‌ای بود که خدا قبول کرد"	NJB

معنی دقیق این عبارت این است: "زیرا که شما طبق خواست خدا رنج بردید". شما می‌توانید دیدگاه‌های مختلف الهیاتی را در ترجمه‌های مختلف ببینید. آیا خدا از درد و رنج و حتی نیروی شریر برای مقاصد خود بهره‌برداری می‌کند؟ برخی با توجه به آیه رومیان ۸:۲۸ پاسخ "بلی" را انتخاب می‌کنند. دیگران با توجه به آیه یعقوب ۱:۱۳، ۱۷ می‌گویند "خیر". پولس فهرستی از مشکلات و رنجهایی را که بعنوان یک رسول با آنها مواجه شده بود را تهیه کرده است. او منابع این رنجها را در افسسیان ۲:۲-۳ بعنوان شیطان، دنیای رو به انحطاط و ذات بشر رانده شده از بهشت تعریف کرده است. خداوند می‌خواهد که مردم گناهکار را ببخشد، با آنها کار کند و آنها را پذیرا باشد. او از شیطان برای مقاصد خود بهره می‌گیرد، اما شخصاً درگیر این ماجرا نمی‌شود. رنج و مشکلات ناشی از آن اغلب منجر به نتیجه‌ای مثبت می‌گردد. در این متن، نتیجه حاصل از آن توبه است (دوم قرنتیان ۷:۹-۱۱).

■ "تا هیچ زبانی از ما به شما نرسد" این یک وجه شرطی مجهول آنوریستی می‌باشد. توجه داشته باشید که در اینجا عنصر احتمال وجود دارد. پولس می‌خواست که برای کلیسا مایه‌ی برکت باشد و نه مانع، به هر صورت ممکن. با اینحال، کلیسا باید وی و خدمت او را پذیرا باشد.

۱۰:۷ "به نجات می‌انجامد" توبه یکی از عناصر لازم برای نجات است. توبه بعنوان یکی از ملزومات توسط یحییای تعمیدگر (متی ۳:۲)، عیسی (متی ۴:۱۷)، پطرس (اعمال ۲:۲۸) و پولس (اعمال ۲۰:۲۶) ذکر گردید. توبه بازگشت از گناه، و ایمان بازگشت به عیسی است؛ هر دو از ملزومات هستند (مرقس ۱:۱۵؛ اعمال ۳:۱۶، ۱۹؛ ۲۰:۲۱). من به این باور رسیده‌ام که چندین چیز لازمی یک نجات کامل است: توبه، ایمان، تعمید، اطاعت، خدمت و استقامت. مسیحیت یک زندگی به شیوه ارتباطات است، نه مجموعه‌ای از حلقه‌ها که باید به درون آنها پرید. یک زندگی ابدی نیازمند ویژگیها و مشخصه‌های مشهود است.

تنش درون دو عهد میان یک پادشاهی خدا و یک اجبار برای پاسخگویی انسان را می‌توان در این حوزه از الهیات مشاهده کرد، زیرا آیه ۱۱:۱۸ از اعمال رسولان تصریح می‌کند که خدا توبه را عطا می‌کند. نجات را می‌توان بلحاظ انجیلی بعنوان همه خداوند دید و با اینحال، نیاز به توبه توسط بشر لازم می‌باشد. این متن تضاد یک نجات رایگان و یک زندگی مسیحی که مستلزم هزینه سرسام‌آور است، می‌باشد.

مفهوم نجات در عهد جدید بعنوان شروع کار ایمان و بدنبال آن رشد روابط در آن تعریف گردیده و می‌تواند در آینده با بازگشت مسیح به نقطه اوج خود برسد. این متن ظاهراً از پایانی خوش می‌گوید. به موضوع خاص: زمان افعال یونانی برای نجات در اول قرن‌تینان ۳:۱۵ مراجعه نمایید.

■ **اما اندوهی که برای دنیاست، مرگ به بار می‌آورد** این جمله دارای سه کلمه کلیدی می‌باشد که باید آنها را در همان متن عهد جدیدی که قرار دارند، درک نمود.

۱. "اندوه". این آیه شامه سه کلمه یونانی برای اندوه، پشیمانی و توبه می‌باشد. در این عبارت، اندوه *lupeō* بوده که بمعنی حزن می‌باشد. انسانها بخاطر آنچه که در گذشته انجام داده‌اند، متأسف می‌باشند ولی این تأسف آنها دلایل خودخواهانه‌ای دارد.

۲. "دنیا". این نام اشاره به جامعه سازمان یافته بشر که بدور از خدا در حال فعالیت می‌باشد، دارد. این همان بشریت سقوط کرده‌ی رانده شده از بهشت است.

۳. "مرگ". کاربرد این واژه احتمالاً دلیل مبهمی دارد. این واژه اشاره به مرگ روحانی و معنوی (پیدایش ۳) و مرگ فیزیکی (پیدایش ۵) دارد.

۱۱:۷ اندوه از سوی خدا (*lupeō*) نتایج معنوی بدنبال دارد (توبه راستین، *metanoēō* و حاصل آن). این نتایج در آیه ۱۱ فهرست‌وار بیان شده است.

■ **چه اشتیاقی به اثبات بی‌گناهی‌تان** واژه دقیق بکار برده شده "انتقام" است، اما در حالت بدور از عدالت بکار برده شده است. در میان مفسران برخی تباین نظرات وجود داشته مبنی بر این که این آیه دقیقاً به چه چیز اشاره می‌کند. برخی تصریح می‌کنند که (۱) اشاره به اول قرن‌تینان ۵:۵ دارد، در حالیکه برخی دیگر معتقدند که (۲) اشاره به معلمان دروغین یا تفرقه‌افکن دارد (دوم قرن‌تینان ۷:۱۲).

۱۲:۷ بنظر می‌رسد که آیه ۱۲ یک اصطلاح عبری درباره قیاس باشد، نه یک اظهار نظر منفی (*The Jerome Biblical Commentary*، صفحه ۲۸۳).

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تینان ۷:۱۳-۱۶

۱۳ افزون بر دلگرمی خود ما، دیدن شادی تیتوس نیز موجب شادی هر چه بیشتر ما شد، زیرا همگی شما جان او را تازه ساخته بودید.^{۱۴} من نزد او به شما فخر کردم و شما مرا سرافکننده نساختید، بلکه همان‌گونه که هر آنچه به شما گفتیم درست بود، ثابت شد که فخر ما نزد تیتوس نیز به‌جا بوده است.^{۱۵} هر بار که او اطاعت همگی شما را به یاد می‌آورد و این را که چگونه با ترس و لرز او را پذیرفتید، دل‌بستگی‌اش به شما بیشتر می‌شود.^{۱۶} شادمانم که در هر چیز به شما اطمینان دارم.

۱۳:۷ (قسمت دوم آیه) "دیدن شادی تیتوس نیز موجب شادی هر چه بیشتر ما شد، زیرا همگی شما جان او را تازه ساخته بودید" کلیسا رفتار خوبی با تیتوس داشت (در آیه انگلیسی، "جان او تازه شده بود" جمله خبری مجهول کامل). بدیهی است که پولس بدلیل رفتاری که با تیموتائوس پیشتر شد، نگران این مسئله بود.

توجه داشته باشید که پولس "روح" را بعنوان مترادف شخصیت تیتوس بکار می‌برد و نه فقط بعنوان یک جنبه از وی (بدن، جان، روح، کتاب *Evangelical Dictionary of Theology* نوشته Elwell، صفحات ۶۷۶-۶۸۰). به یادداشت کامل درباره "روح" در دوم قرن‌تینان ۴:۱۳ مراجعه نمایید. برای مطالعه بیشتر درباره "هر چه بیشتر" به موضوع خاص در دوم قرن‌تینان ۲:۷ مراجعه نمایید.

۱۴:۷ "اگر" این یک جمله شرط نوع اول است که با توجه به دیدگاه نویسنده یا مقاصد ادبی استفاده شده، درست بنظر می‌رسد. پولس نسبت به رفتاری که کلیسای قرن‌تس با تیتوس داشت، افتخار می‌کرد.

■ **فخر** به موضوع خاص: فخر کردن در اول قرن‌تینان ۵:۶ مراجعه نمایید.

■ **درست بود** به موضوع خاص در دوم قرن‌تینان ۱۳:۸ مراجعه نمایید.

۱۵:۷ "دل‌بستگی‌اش" این واژه یونانی *splangchna* است. به یادداشت دوم قرن‌تینان ۶:۱۲ مراجعه نمایید.

■ **بیشتر می‌شود** به موضوع خاص در دوم قرن‌تینان ۲:۷ مراجعه نمایید.

■ **هر بار که او اطاعت همگی شما را به یاد می‌آورد** این یک وجه وصفی معلوم (کتاب *Analytical Greek Lexicon Revised*، نوشته Moulton، صفحه ۲۴)، یا یک وجه وصفی مجهول (کتاب *Analytical New Testament* نوشته Friberg، صفحه ۵۶۲) می‌باشد. چگونگی رفتار کلیساها با مبشران خدا حکایت از روح آن کلیسا دارد (اول قرن‌تینان ۱۶:۱۶؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۱۲؛ عبرانیان ۱۳:۱۷).

۱۶:۷ آنچه که در این آیه گفته شده، ختم‌کننده این سری از مجموعه نامه‌ها (دوم قرن‌تینان ۲:۱۴ - ۷:۱۶) به‌مراه یک ضمانت‌نامه تأکیدی می‌باشد.

□ "اطمینان دارم" به یادداشت دوم قرن‌تین ۵:۶ مراجعه نمایید.

سوالات این بحث

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.
۱. چرا گزارش تیتوس برای پولس حائز اهمیت بود؟
 ۲. سه کلمه متفاوت برای "ناراحتی" را که در آیات ۸-۱۱ وجود دارد بیان کرده و اهمیت ارتباط الهیاتی آن را ذکر نمایید.

دوم قرن تیان ۸

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
بخشش زیاد	برتری در بخشش	کمکهای جمع شده برای کلیسای اورشلیم (۱:۸ - ۱۵:۹)	بخشش مسیحی	چرا قرن تیان باید بخشنده باشند
۷ - ۱:۸	۷ - ۱:۸	۷ - ۱:۸	۷ - ۱:۸	۱۵ - ۱:۸
	عیسی الگوی ما			
۱۵ - ۸:۸	۱۵ - ۸:۸	۱۵ - ۸:۸	۹ - ۸:۸	
			۱۲ - ۱۰:۸	
			۱۵ - ۱۳:۸	
تیتوس و همراهان او	کمکهای جمع شده برای قدیسان یهودایی		تیتوس و همراهان او	نمایندگان معرفی شده به قرن تیان
۲۴ - ۱۶:۸	۲۴ - ۱۶:۸	۲۴ - ۱۶:۸	۱۰ - ۱۶:۸	۵:۹ - ۱۶:۸
			۲۱ - ۲۰:۸	
			۲۴ - ۲۲:۸	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

دیدگاه‌های متنی

A. فصلهای ۸ و ۹ یک مجموعه از نامه‌ها را در ارتباط با سهم قرن تیان در کمک کلیسای غیریهودی برای فقرای کلیسا در اورشلیم تشکیل می‌دهند (اول قرن تیان ۱۶:۱-۳).

B. پیشزمینه هدایای پولس به کلیسای اورشلیم

۱. در اعمال رسولان ۲۷:۱۱-۳۰ کلیسای انتیوخ برنامه کاری را برای اورشلیم آغاز کرد. این راهی برای متحد کردن یهودیان و غیریهودیان کلیسا بود.

۲. در غلاطیان ۲:۱۰ و ۱۰:۶ پولس تأکیدات مشابهی را در خدمت اولیه خود آغاز کرد.

۳. در اول قرن تیان ۱۶:۱-۴ نشان داده می‌شود که مشارکت در قرنتس از پیش آغاز شده است.

۴. در رومیان ۱۵:۲۶ مشارکت در آخائیه و مقدونیه ذکر گردیده است.

C. بحث کلی پولس درباره کمکهای اهدایی مسیحیان

۱. مثالهایی از دیگران (اهالی مقدونیه) دوم قرن تیان ۸: ۱-۵

۲. بخشش یکی از جنبه‌های رشد روحانی است، دوم قرن تیان ۸: ۷-۸

۳. مثال عیسی، دوم قرن تیان ۸: ۹؛ ۹: ۱۵

۴. شروع آنها، دوم قرن تیان ۸: ۶، ۱۰

۵. پیش قدم بودن برای ابراز اشتیاق، دوم قرن تیان ۸: ۱۰

۶. انگیزه و نه میزان، کلید کار است، دوم قرن تیان ۸: ۱۲

۷. برقراری مساوات، دوم قرن تیان ۸: ۱۴

D. راهنماییهای عهد جدید برای هدایای مسیحیان براساس مدل کلیساهای مقدونیه

۱. شادی بی حد حتی در میان فقر بسیار، دوم قرن تیان ۸: ۲؛ ۹: ۷

۲. بخشش در حد توان، دوم قرن تیان ۸: ۳

۳. اهدای قربانی بیش از حد توان، دوم قرن تیان ۸: ۳، ۱۲

۴. بخشش آزادانه، دوم قرن تیان ۸: ۳؛ ۹: ۷

۵. بخشش صادقانه، دوم قرن تیان ۸: ۴

۶. بخشش بیش از پول، دوم قرن تیان ۸: ۵

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرن تیان ۸: ۱-۶

۱ اکنون ای برادران، می‌خواهیم شما را از فیضی که خدا به کلیساهای مقدونیه عطا کرده است، آگاه سازیم. ^۲ زیرا در همان حال که ایشان به سبب زحماتی توانفرسا، در بوتهٔ آزمایش قرار داشتند، از شادی بی حد و فقر بسیارشان، سخاوتی بیکران جاری گشت. ^۳ چرا که در حد توان خویش - و من شادم که حتی بیش از آن - خود پیشقدم شده، ^۴ با اصرار زیاد از ما خواهش کردند که در این خدمت به مقدسین سهیم باشیم. ^۵ ایشان حتی بسیار بیش از انتظار ما عمل کردند، زیرا نخست خویشتن را به خداوند تقدیم داشتند، و سپس به ما نیز، بر طبق ارادهٔ خدا. ^۶ به همین جهت، از تیتوس خواستیم همان گونه که خود پیشتر قدمهای آغازین را در تدارک این عمل سخاوتمندانهٔ شما برداشته بود، اکنون نیز آن را به کمال رساند.

۱:۸ "فیض خدا" لغت "فیض" (*charis*) بیش از ده بار در فصلهای ۸ و ۹ بکار برده شده است. این واژه در حالات زیر استفاده شده است:

۱. محبت بدون استحقاق و بی حد خداوند به مسیح، دوم قرن تیان ۸: ۱، ۹: ۹؛ ۸: ۱۴

۲. التفات/افتخار، دوم قرن تیان ۸: ۴

۳. تقدیم شده به اورشلیم، دوم قرن تیان ۸: ۱، ۶، ۷، ۱۹

۴. تشکرات، دوم قرن تیان ۸: ۱۶؛ ۱۹: ۱۵

توجه داشته باشید که فیض یا رحمت بعنوان یکی از رحمت‌های بی حد و اندازه خداوند به مسیح درک شده یا برای اشاره به آنچه که از کلیسای غیریهودیان پولس به کلیسای مادر در اورشلیم ارسال می‌گردید، استفاده شده است. واژه یونانی حوزه معنایی وسیعتری را در بر می‌گیرد.

□ "کلیساهای مقدونیه" این بخش می‌تواند اشاره به فیلیپی، تسالونیک و بیره داشته باشد (اعمال رسولان ۱۶-۱۷). میان اخائیه و مقدونیه یک مسابقه فرهنگی در جریان بود. به موضوع خاص: کلیسا در اول قرن تیان ۱: ۲ مراجعه نمایید.

۲:۸ "به سبب زحماتی توانفرسا" ما گوشه‌ای از این زحمات و رنجها را در اعمال رسولان ۱۷: ۱-۱۵ و تسالونیکیان ۱: ۶؛ ۲: ۱۴ دیدیم. دو کلمه یونانی وجود دارد که "آزمون"، "آزمایش"، یا "وسوسه" ترجمه می‌شوند (در اینجا "مصیبت" ترجمه شده است). یکی از کلمات اشاره به یک آزمون با دید تخریبی داشته، درحالیکه دیگری اشاره به آزمونی با دید سازنده دارد (دوم قرن تیان ۸: ۲، ۸، ۲۲؛ ۹: ۱۳). به موضوع خاص در اول قرن تیان ۳: ۱۳ مراجعه نمایید. برای مطالعه بیشتر درباره "رنج"، به موضوع خاص: محنت در دوم قرن تیان ۱: ۴ مراجعه نمایید.

■ "شادی بی حد" شگفت‌انگیز است که این عبارت را در میان دو عبارت "زحمات (رنجها) توانفرسا" و "فقر بسیار" قرار گرفته است. این شادی در شرایط نامناسب از ویژگی‌های یک ایماندار است (متی ۵: ۱۱۰-۱۲؛ رومیان ۵: ۳؛ یعقوب ۱: ۲). شادی نتیجه حاصل از روح بوده (غلاطیان ۵: ۲۲) و ربطی به شرایط موجود ندارد!

برای مطالعه بیشتر درباره تکرار عبارات "بی حد" و "بیکران" توسط پولس، به یادداشت دوم قرن‌تبیان ۵: ۱ مراجعه نمایید.

■ "فقر بسیارشان، سخاوتی بیکران جاری گشت" واژه "فقر" (*ptōchos*) واژه‌ای پرمعنی در زبان یونانی بوده که برای این موارد بکار برده می‌شود: (۱) فقر شدید که در کتاب تثنیه نسخه Septuagint ۸: ۹؛ داوران ۶: ۶؛ ۴: ۱۵؛ و (۲) گدایان (دوم قرن‌تبیان ۶: ۱۰؛ رومیان ۱۵: ۲۶؛ مکاشفه ۲: ۹؛ ۳: ۱۷). آنها مایحتاج اضافی خود را خیرات نمی‌کردند. این مردمان اطمینان داشتند که خداوند نیازهای آنان را برآورده خواهد کرد (مرقس ۱۲: ۴۲؛ لوقا ۱۲: ۲). در این متن "فقر بسیار" بنظر در ارتباط با تحت ستم بودن بخاطر انجیل می‌باشد (دوم قرن‌تبیان ۸: ۱۳-۱۸).

■ "سخاوت" معنی ریشه این لغت "تک‌ذهنی" که بمعنای "اصل" یا "صادق" می‌باشد (نسخه Septuagint ۲ سموئیل ۱۵: ۱۱؛ ۱ تواریخ ۲۹: ۱۷). اما در عهد جدید (فقط در نوشته‌های پولس) به صورت "سخاوت" یا "بخشنده‌گی" بکار برده شده است (دوم قرن‌تبیان ۹: ۱۱، ۱۳). کتاب *Jerome Biblical Commentary* (صفحه ۲۸۴) تصور می‌کند که این کلمه منعکس کننده کلمه عبری بمعنی "کمال" یا "تمامیت" چیزست، و لذا، اشاره به خلوص انگیزه دارد. انگیزه برای بخشش کلید کار می‌باشد (دوم قرن‌تبیان ۸: ۱۲). به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تبیان ۱۲: ۱ مراجعه نمایید.

۳: ۸ پولس از اول شاهد فقر آنان بود.

NASB	"آنان در حد توان خود بخشیدند"
NKJV	"آنها آزادانه می‌خواستند که"
NRSV	"آنها داوطلبانه بخشیدند"
TEV	"با خواست خود"
NJB	"طیب خاطر آنها بود"

این واژه از کلمه *autos* و *haireomai* گرفته شده که بمعنی "خواست قلبی" می‌باشد. این واژه هم در دوم قرن‌تبیان ۸: ۳ و هم ۱۷ بکار برده شده است. ریشه کلمه معنای انتخاب با لذت و عشق را اضافه کرده است (متی ۱۲: ۱۸، که نقل قولی از شعر خادم در اشعیا ۴۲: ۱-۳ می‌باشد). این واژه در (۱) II Maccabees 6:19 و Maccabees 6:6; 7:10 و III Maccabees 6:6 و (۲) نسخه پاپیروس به زبان کویین یونانی که در مصر کشف شده و از کسی سخن می‌گوید که با طیب خاطر و آزادی عمل کاری را انجام می‌دهد، دیده می‌شود.

کتاب *A Handbook on Paul's Second Letter to the Corinthians* نوشته Roger L. Omanson and John Ellington چگونگی تفاوت ترجمه‌ها به لحاظ دستوری پیرامون ضمیمه شدن کدام بند به این عبارت را نشان می‌دهد.

"این کلمات ممکن است بخشی از جمله قبل باشند، عبارتی، مقدونیه‌ایها با خواست قلبی هدایای خود را اهدا کردند (RSV, NRSV, NJB, SPCL)، یا جمله‌ای که بدنبال آیه ۴ آمده، یعنی، آنان با طیب خاطر التماس می‌کردند که در جمع‌آوری هدایا سهم داشته باشند (TEV, NIV, REB, NJB, TNT, FRCL). ترجمه‌ای که بعدها صورت گرفت از علامتگذاری نسخه *UBS Greek New Testament* پیروی کرده و احتمالاً همین نسخه نیز درست می‌باشد" (صفحه ۱۴۲).

۴: ۸ "با اصرار زیاد" به یادداشت کامل درباره این عبارت در دوم قرن‌تبیان ۱-۴: ۱۱ مراجعه نمایید.

■ "برای خاطر خدمت" (در نسخه فارسی نیست) به یادداشت دوم قرن‌تبیان ۸: ۱ مراجعه شود. واژه "سهیم" (*koinōnia*) اغلب توسط پولس در نامه‌های قرن‌تبیان به شیوه‌های گوناگون ولی مرتبط با هم نوشته شده است. به موضوع خاص در اول قرن‌تبیان ۹: ۱ مراجعه نمایید.

۱. صمیمیت، نزدیک، روابط شخصی (واژه مرتبط *koinōneō* اغلب برای مراحل شروع مذاهب مرموز بکار برده می‌شود)

- با پسر، اول قرن‌تبیان ۹: ۱
- با روح، دوم قرن‌تبیان ۱۳: ۱۴
- نه با شیر، دوم قرن‌تبیان ۶: ۱۴
- تیتوس و پولس در خدمت، دوم قرن‌تبیان ۸: ۲۳

۲. گشاده‌دستی (واژه مرتبط *koinōnikos* بمعنی بخشش آزادانه اموال شخصی است)، دوم قرن‌تبیان ۹: ۱۳

۳. سهیم شدن در چیزی

a. اول قرن‌تینان ۱۰:۱۶ (در خون مسیح)

b. دوم قرن‌تینان ۸:۴ (در جمع‌آوری اعانه برای قدیسان مستمند در اورشلیم)

c. دوم قرن‌تینان ۱:۷ (در رنج)

مسیحیت یعنی خدمت. ما نجات داده شدیم تا خادم باشیم!

■ "در خدمت به" به یادداشت اول قرن‌تینان ۱:۱۶ مراجعه نمایید.

■ "مقدسین" به موضوع خاص: مقدسین در اول قرن‌تینان ۲:۱ مراجعه نمایید.

۵:۸ "نخست خویشتن را به خداوند تقدیم داشتند، و سپس به ما نیز، بر طبق اراده خدا" مباشرت شامل همه آن چیزهاییست که ما هستیم و داریم. شما اگر خود را در اختیار عیسی قرار دهید دیگر چیزی برای بخشش نخواهید داشت! مباشرت در مسیحیت یک ابزار سنجش برای بلوغ معنوی ما است. ایمانداران مالک هیچ نبوده اما مباشران خداوند در همه چیز هستند. گاهی درک این حقیقت برای فقرا ساده‌تر از افراد متمول است.

۶:۸ "تیتوس" F. F. Bruce در کتاب *Paul: Apostle of the Heart Set Free* درباره نظریه‌ای که بر پایه آن فصل‌های ۱۰ تا ۱۳ را بخشی از نامه قبل متصور است، می‌گوید، "ولی با توجه به آیه ۱۲:۱۸ این نتیجه غیرمحتمل است، زیرا بوضوح اشاره به آیات ۸:۶، ۱۶-۱۹ دارد" (صفحه ۲۷۴، پانویس ۵۱).

■ "عمل سخاوتمندانه" این عبارت اشاره به هدایای کلیسای غیریهودی پولس به فقرای کلیسای مادر در اورشلیم دارد (اول قرن‌تینان ۱:۱۶-۱۴؛ رومیان ۱۵:۲۶). Paul Barnett در کتاب *Jesus and the Rise of Early Christianity* به نکته خوبی درباره تفاوت‌های عباراتی که پولس برای تشریح هدایای محبت‌آمیز برای ایمانداران فقیر کلیسا در اورشلیم بکار برده، اشاره می‌کند. او می‌گوید:

"جذابیت این جملات با واژگان خاص خود مشخص می‌شوند: "کمک برای مقدسین" (اول قرن‌تینان ۱:۱۶)؛ "هدیه" (اول قرن‌تینان ۱۶:۳)؛

"فیض" (دوم قرن‌تینان ۸:۶، ۷، ۹؛ ۹:۱۴)؛ "خدمت" (دوم قرن‌تینان ۹:۱۲؛ رومیان ۱۵:۲۷) و "دوستی" (دوم قرن‌تینان ۸:۴؛ ۹:۱۳؛ رومیان

۱۵:۲۶) (صفحه ۳۴۴).

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تینان ۷:۸-۱۵

۷ پس چنانکه در همه چیز ممتازید - در ایمان، در بیان، در معرفت، در شور و حرارت بسیار، و در محبتتان به ما - پس در این فیض بخشندگی نیز گوی سبقت را برابید.

۸ این را به شما حکم نمی‌کنم، بلکه می‌خواهم خلوص محبتتان را در قیاس با شور و حرارت دیگران بیازمایم. ^۹ زیرا از فیض خداوند ما عیسی مسیح آگاهید که هر چند دولت‌مند بود، به خاطر شما فقیر شد تا شما در نتیجه فقر او دولت‌مند شوید.

۹ پس نظر خود را در این باره بیان می‌کنم، زیرا به سود شماست: سال گذشته، شما نه تنها در انجام این کار خیر، بلکه در ابراز اشتیاق به انجام آن نیز پیشقدم بودید. ^{۱۱} پس اکنون کار خود را به کمال رسانید، تا اشتیاقتان به این کار، انجام کامل آن را نیز، به فراخور توان مالی‌تان، در پی داشته باشد. ^{۱۲} زیرا اگر اشتیاق باشد، هدیه شخص مقبول می‌افتد، البته بر حسب آنچه کسی دارد، نه آنچه ندارد.

۱۳ زیرا خواست ما این نیست که دیگران در رفاه باشند و شما در فشار، بلکه خواهان برقراری مساواتیم، ^{۱۴} تا غنای شما در حال حاضر، کمبود آنان را برطرف کند، و روزی نیز غنای آنها کمبود شما را برطرف خواهد کرد. بدین‌سان مساوات برقرار خواهد شد، ^{۱۵} چنانکه نوشته شده است: «آن که زیاد برگرفته بود، اضافه نداشت، و آن که کم برگرفته بود، کم نداشت.»

۷:۸ "چنانکه در همه چیز ممتازید" توجه داشته باشید که این فهرست (ایمان، بیان، معرفت، شور و حرارت) ارتباطی با آنچه که بدست می‌آوریم، ندارد. ما چیزی را نمی‌دهیم که بیشتر آن را بدست آوریم. ما اگر چیز زیادی داریم بواسطه عیسی است (اول قرن‌تینان ۵:۱). او همه نیازهای ما را برآورده می‌کند (دوم قرن‌تینان ۹:۸).

■ "بسیار" این کلمه دو بار در این آیه بکار برده شده است ("لبریز شده" در متن اصلی). اولین بار بصورت کامل اخباری، آنان لبریز از برکات انجیل بودند. دومین بار بصورت وجه وصفی حال کامل، که عنصر احتمال را نیز اضافه می‌کند. درحالیکه آنها سرشار از مزایای عهد جدید بودند، می‌بایست مسئولیتهای جدید را نیز می‌پذیرفتند. کمکهای این مردم برای فقرا در کلیسای اورشلیم یکی از همین "اعمال سخاوتمندانه" بود.

NASB "در محبتی که ما به شما الهام دادیم"

NKJV, TEV "در محبتان برای ما"

NRSV "در محبتان برای شما"

NJB "و همینطور محبت برای ما"

این ترجمه‌ها تفاوت‌های نسخه یونانی را آشکار می‌کنند.

۱. "در محبتان برای شما" (NRSV) از MSS P⁴⁶, B

۲. "در محبتان برای ما" (NKJV, TEV, NIV) از MSS 8, C, D, F, G

۳. نسخه NASB شماره یک را با تغییراتی جزعی استفاده کرده است، "محبتی که ما به شما الهام دادیم"

۴. UBS⁴ گزینه شماره ۱ را در متن قرار داده ولی رتبه C به آن داده است.

همین آشفتگی در بکار بردن ضمائر در نسخه‌های یونانی در دوم قرن‌تین ۸:۹ نیز دیده می‌شود.

۸:۸ "این را به شما حکم نمی‌کنم" بعنوان مباشر مسیحی، فرامین در این حوزه غیرعقلانی و بی‌اثر می‌باشند. انگیزه‌های مناسب در این حوزه از زندگی مسیحیان بسیار حیاتی می‌باشند.

موضوع خاص: ده یک

(SPECIAL TOPIC: TITHING)

عهد جدید دارای چند مرجع درباره ده یک می‌باشد. من اعتقاد ندارم که عهد جدید این کار را آموزش می‌دهد زیرا اینکار برخلاف شرع یهود است (متی ۲۳:۱۳-۳۶). من معتقدم که عهد جدید ضوابط این کار در دوم قرن‌تین ۸ و ۹ مشخص شده‌اند (اشاره به هدیه کلیساهای غیریهودیان به فقرای کلیسای مادر در اورشلیم)، که از مسئله ده یک فراتر رفته است. اگر یک یهودی تنها با اطلاعاتی که از عهد عتیق درباره اهدای ده به سی (در عهد عتیق دو یا احتمالاً سه نوع وجود دارند؛ به موضوع خاص: ده یک در آیین موسی مراجعه نمایید) دارد فرمان صادر شده را اطاعت می‌کند، پس مسیحیان باید فراتر از این رفته و حتی وقت خود را با بحث درباره این مسئله از دست ندهند!

مسیحیان باید مراقب باشند تا مسیحیت تبدیل شریعتی همچون مسیحیت تلمود نگردد. تمایل آنان برای رضایت خدا باعث می‌گردد تا بدنبال ضوابطی برای هر بخش در زندگی خود باشند. با اینحال، بلحاظ الهیاتی بیرون آوردن قواعد قدیمی پیمان پیشین خداوند که مورد تأیید عهد جدید نیز نمی‌باشد، خطرناک بوده (شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵) و منجر به دگم‌اندیشی آنان می‌گردد، بویژه هنگامی که متکبران را سعادت‌مند و بدکاران را کامروا می‌خوانند (ملاکی ۳).

در اینجا نقل قول خوبی از Frank Stagg در کتاب *New Testament Theology* صفحات ۲۹۲-۲۹۳ ذکر می‌کنم.

"عهد جدید به یکباره ده یک را اهدا از روی بخشش معرفی نمی‌کند. این امر فقط سه بار در عهد جدید ذکر گردیده است:

۱. برای نادیده گرفتن احکام عدالت، رحمت و امانت در شریعت توسط فریسیان، در حالیکه از از نعنای و شویید و زیره‌ی بعمل آمده در باغچه خانه خود ده یک می‌دادند (متی ۲۳:۲۳؛ لوقا ۱۱:۴۲)

۲. در اشاره به فریسی مغروری که با هفته‌ای دوبار روزه گرفتن برای خود دعا می‌کرد (لوقا ۱۸:۱۲)

۳. در مبحث ملک‌بصق که از لاویان نیز نبود، اما از ابراهیم ده یک می‌گرفت (عبرانیان ۷:۶-۹)

بدیهی است که عیسی، ده یک را بعنوان بخشی از نظام کاری معبد پذیرفته بود، اما فقط بعنوان یک قاعده از برنامه‌های عمومی معبد و کنیسه‌ها حمایت می‌کرد. اما هیچ نشانه‌ای مبنی بر اعمال هر یک از قواعد معبد بر پیروانش در دست نمی‌باشد. ده یک‌ها عمدتاً محصولاتی بودند که قبلاً توسط کاهن در معبد خورده شده بودند. ده یک‌ها در عهد عتیق حول محور نظام قربانی کردن حیوانات توسط شریعت بوجود آمده بودند"

"بسیاری از مسیحیان این امر را برنامه‌ای عملی و منصفانه برای اهدا می‌دانند. این شیوه تا زمانی که بصورت یک اجبار و حکم شرعی تبدیل نگردد، می‌تواند کارایی خود را ثابت نماید. با اینحال، کسی نمی‌تواند ادعا کند که هدایای ده یک در عهد جدید آموزش داده شده است. این امر برای مراعات یهودیان مناسب شناخته شده (متی ۲۳:۲۳؛ لوقا ۱۱:۴۲)، اما برای مسیحیان تحکم نشده است. در واقع، یهودیان و مسیحیان اکنون می‌توانند بنوعی شبیه به عهد عتیق ده یک خود را پرداخت نمایند. امروزه این عمل بسختی شبیه مراسم باستانی متعلق به سیستم قربانی کردن توسط یهودیان است."

Stagg جمع‌بندی می‌کند:

"در حالیکه درباره اهدای داوطلبانه بعنوان یک استاندارد برای اهدا کننده می توان گفت، بدون اینکه آن را به سایر مسیحیان تعمیم دهیم، بدیهی است که چنین امری بر اساس تعالیم عهد عتیق به ما نرسیده است. در نهایت شخص کاری را شبیه آنچه که در عهد عتیق صورت می پذیرفت، یعنی پرداخت مالیات برای حمایت از معبد و نظام کاهنیت و یک نظام مذهبی که دیگر وجود ندارد، انجام می دهد. ده یک در یهودیت بعنوان پرداخت مالیات امری واجب محسوب می گردید، تا زمانی که در سال ۷۰ پس از میلاد، معبد بزرگ تخریب گردید، ولی آن قواعد اکنون به گردن مسیحیان نمی باشد. آنچه گفته شد بمنظور کم اعتبار جلوه دادن ده یک نیست، بلکه برای روشن شدن رابطه آن با عهد جدید است. حمایت عهد جدید از انگیزه های مادی، منفعت طلبانه و چانه زنی های شرعی که امروزه درباره ده یک اظهار می گردد را باید انکار کرد. بعنوان یک سیستم داوطلبانه، ده یک بسیار بیش از اینها است؛ اما اگر می خواهد مسیحی تلقی گردد باید بوسیله رحمت و بخشش عطا گردد. صرف اعتراف به عملی بودن آن، فقط منجر به آزمایشهای پراگماتیک دنیوی می گردد. در اینصورت دیگر عمل مسیحی محسوب نمی گردد. پرداخت ده یک اگر همسان با الهیات عهد جدید باشد، باید ریشه در رحمت و محبت خداوند داشته باشد".

"در حالیکه جدیدت دیگران اثبات می گردد، صداقت محبت شما نیز"	NASB
"بلکه می خواهیم خلوص محبتتان را در قیاس با شور و حرارت دیگران بیازماییم"	NKJV
"بلکه می خواهیم اصالت محبتتان را در برابر جدیدت دیگران بیازماییم"	NRSV
"بلکه با نشان دادن میزان شوق دیگران برای کمک، سعی می کنم بفهمم محبت شما تا چه حد واقعی است"	TEV
"بلکه با آزمودن اصالت محبتتان در برابر علاقه دیگران"	NJB

پولس در هنگام بازدید تیتوس (دوم قرن ۸: ۶، ۱۶-۲۴)، کلیسای اخائیان را برای پیروی از رهبری کلیسای مقدونیه به چالش گرفته بود (دوم قرن ۸: ۱-۵).

□ "بیازماییم" (متن اصلی: اثبات کنم) به موضوع خاص در اول قرن ۳: ۱۳ مراجعه نمایید.

۹: ۸ "فیض" به یادداشت دوم قرن ۸: ۱ مراجعه نمایید.

□ "عیسی مسیح" به یادداشت دوم قرن ۱: ۲ مراجعه نمایید.

□ "هر چند دولت مند بود" این عبارت اشاره به وجود ازلی پر جلال عیسی مسیح دارد (یوحنا ۱: ۱؛ ۸: ۵۶-۵۹؛ ۱۶: ۲۸؛ ۱۷: ۵، ۲۴؛ دوم قرن ۸: ۹؛ فیلیپیان ۲: ۶-۷؛ کولسیان ۱: ۱۷؛ عبرانیان ۱: ۳؛ ۵: ۱۰؛ ۸-۵؛ ۱ یوحنا ۱: ۱).

□ "به خاطر شما فقیر شد" این عبارت تأکیدی بر تجسم ازلی Logos در آخور بیت الحم بود. او از یک زن جوان باکره ی دهقان، در خانه یک نجار روستایی زاده شد، اما او خدا بود در قالب انسان (برگرفته از کتاب *A Theology of the New Testament* نوشته George Ladd، صفحات ۲۴۱-۲۴۲).

□ "تا شما در نتیجه فقر او دولت مند شوید" پولس از ازلی بودن مسیح، به دو شیوه استفاده می کند.

۱. او آمد تا بخاطر گناهان ما بمیرد (مرقس ۱۰: ۴۵)

۲. او آمد تا به ما الگویی برای پیروی ارائه دهد (۱ یوحنا ۳: ۱۶)

این تفکر شگرف با آیه ۹: ۱۵ موازی می باشد. این کلیسا فکر می کرد که دولت مند است (اول قرن ۴: ۸). اکنون معنای راستین دولت مردی مشخص گردیده که جنبه روحانی و معنوی داشته و حول محور خدمت، و نه خودخواهی و روشنفکری یا مادی گرایی می گردد.

۸: ۱۰ "نظر خود را در این باره بیان می کنم" با وجود اینکه پولس تصریح می کند که این تنها نظر اوست، اما با توجه به آنچه که در اول قرن ۷: ۲۵، ۴۰ ذکر شده می توان نتیجه گرفت که این اظهارات با توجه به اختیارات (وحی شده) وی می باشند.

□ "سال گذشته، شما... پیشقدم بودید" دوم قرن ۲ میان بین شش تا هجده ماه پس از اول قرن ۲ به رشته تحریر درآمد (دوم قرن ۱۶: ۱-۴).

۱۱: ۸ "پس اکنون کار خود را به کمال رسانید" این یک جمله دستوری کامل آئوریستی است. آنها یکی از اولین کلیساهایی بودند که برای کمک به فقرا در اورشلیم علاقه نشان می دادند. اکنون زمان انجام آن فرا رسیده است (TEV).

NASB, NKJV "آمادگی"

“اشتیاق”	NRSV
“مشتاق”	TEV
“شور و ذوق”	NJB

این کلمه یونانی، *prothumia* در دوم قرن‌تین ۸:۱۲ و ۸:۱۹ و همچنین ۹:۲ بکار رفته است. معنای اولیه‌ی آن “آمادگی” است (اعمال رسولان ۱۷:۱۱).

■ **انجام کامل آن را نیز، به فراخور توان مالی‌تان** توجه داشته باشید که پولس دوباره به این مضمون باز می‌گردد. برای من غافلگیرکننده است که پولس هرگز درباره بخشش معمولی در مسیحیت صحبت نکرده است. تنها نظرات او درباره “بخشش” در ارتباط با یکبار هدیه دادن برای کلیسا در اورشلیم است. او اذعان می‌کند که هر کارگر شایسته دستمزد است و کلیساها نیز باید به مبشرین مسافر کمک کنند، اما راهنمایی‌های دیگری در این زمینه ارائه نمی‌دهد.

ایمانداران در پیمان جدید باید مراقب برداشت سطحی از یک آیه از عهد عتیق و القای سطحی آن به ضوابط عهد جدید باشند (*Hard Sayings of the Bible*، صفحه ۵۳۹، پانویس شماره ۱). اگر ما بپذیریم که پرداخت ده-یک خواست خداست، پس چه چیزی می‌تواند دیگران را از اجبار برای قربانی کردن یا پرستش‌های روز شبات دور نگه دارد؟ عیسی در هنگام گفتگو با متشرعین یهودی به ده-یک اشاره کرد (متی ۲۳:۲۳؛ لوقا ۱۱:۴۲)، اما این امر نمی‌تواند بعنوان تنها شاهد و مدرک در عهد جدید تلقی گردیده که فقط این مناسک عهد عتیق دارای اعتبار می‌باشد (به موضوع خاص در دوم قرن‌تین ۸:۸ مراجعه نمایید).

من سعی در پایین آوردن سطح بخشش ایمانداران ندارم، بلکه ضوابط مطرح شده توسط پولس را در دوم قرن‌تین ۸-۹ بعنوان تنها منبع اطلاعاتی عهد جدید برجسته می‌نمایم (همچنین به اول قرن‌تین ۱۶:۲ مراجعه نمایید). ایمانداران نباید هرگز با استانداردهای عهد عتیق به پیش روند! دوباره آنچه را که پولس گفته را مطالعه نمایید (کتاب *New Testament Theology* نوشته Frank Stagg صفحات ۲۸۵-۲۹۳).

۸:۱۲ “اگر” این یک جمله شرطی نوع اول است. پولس تصور می‌کرد که آنان آماده و مشتاق به کمک بودند.

■ **زیرا اگر اشتیاق باشد، هدیه شخص مقبول می‌افتد، البته بر حسب آنچه کسی دارد، نه آنچه ندارد** کلید مباشرت در مسیحیت رفتار و انگیزه‌های ما می‌باشد، نه درصد و حجم (مرقس ۱۲:۴۱-۴۴).

۸:۱۳-۱۴ کلمه کلیدی در این آیات “برابر” و مفهوم کلیدی، عمل متقابل است. اعضای خانواده خداوند باید در زمان نیاز به یکدیگر کمک کنند (افسیان ۲۸:۴). کلیسای اورشلیم خبر خوش مسیح را منتشر کرده است (رومیان ۱۵:۲۷). کلیسای غیریهودیان می‌تواند در برآوردن نیازهای ایمانداران فقیر در اورشلیم کمک نمایند. برخی ممکن است بخاطر ایمانشان به مسیح فقیر باشند.

■ **“غنا” به موضوع خاص: فراوانی در دوم قرن‌تین ۱:۴ مراجعه نمایید.**

۸:۱۵ “چنانکه نوشته شده است” این جمله مجهول کامل خبری (اصطلاح عبری) برای معرفی یک نقل قول از عهد عتیق بکار برده شده است. این جمله از وحی الهی و ارتباط با متن سخن می‌گوید. متن نقل قول شده با معجزه گردهمایی روزانه مَنَّا (گزانگبین) ارتباط دارد، در آنجا اسرائیلیان برخی زیاد و برخی کم برمی‌داشتند (خروج ۱۶:۱۷، ۱۸). خداوند نیازهای ایمانداران را تا زمانی که او را بجویند و از وی اطاعت کنند، برآورده می‌نماید (متی ۶:۱۹-۳۴).

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۸:۱۶-۲۴

۱۶ خدا را شکر می‌کنم که در دل تیتوس نیز نهاده است که همچون من خالصانه به فکر شما باشد.^{۱۷} زیرا او نه تنها تقاضای ما را پذیرفت، بلکه خود با اشتیاق بسیار، برای آمدن نزد شما پیشقدم شد.^{۱۸} و ما همراه او برادری را می‌فرستیم که همه کلیساها او را به خاطر خدمتش به انجیل می‌ستایند.^{۱۹} به علاوه، او از سوی کلیساها انتخاب شده تا در انجام این کار خیر که برای جلال خدا و نشان دادن خیرخواهیمان خدمت آن را بر عهده گرفته‌ایم، همسفر ما باشد.^{۲۰} ما بسیار مراقبیم که خدمت ما در گردآوری این هدیه سخاوتمندانه مورد انتقاد کسی قرار نگیرد.^{۲۱} زیرا می‌کوشیم نه تنها در نظر خداوند، بلکه در نظر مردم نیز آنچه شایسته است انجام دهیم.^{۲۲} همراه این افراد، برادر خود را نیز می‌فرستیم که بارها اشتیاقش از راههای گوناگون بر ما ثابت شده، و اکنون اشتیاق او به خاطر اطمینان بسیارش به شما حتی افزونتر نیز گردیده است.^{۲۳} درباره تیتوس باید بگویم که در خدمت به شما شریک و همکار من است؛ و درباره برادرانمان نیز باید بگویم که فرستادگان کلیساها و جلال مسیح‌اند.^{۲۴} پس محبت خود را در عمل به آنها ثابت کنید و نشان دهید که فخر ما به شما بی‌اساس نیست، تا همه کلیساها ببینند.

۱۶:۸- ۱۷ "خدا را شکر می‌کنم که در دل تیتوس نیز نهاده است که همچون من خالصانه به فکر شما باشد" به میزان درک پولس از تجهیز شدن توسط خداوند (افسیسیان ۴:۱۲) و بوجود آوردن انگیزه برای خدمت توجه نمایید. مشابه همین درک از رهبری پادشاهی خدا در کارهای بشر را می‌توان در مکاشفه ۱۷:۱۷ مشاهده کرد. این همان خدمت آسمانی و خواست آزادانه بشر است.

موضوع خاص: انتخاب، تقدیر و نیاز برای برقراری یک توازن الهیاتی

(Special Topic: Election/Predestination And The Need For A Theological Balance)

انتخاب دکترین جالبی است. فراخواندن برای طرفداری یا حمایت نیست، بلکه فراخواندن برای این است که راه باشید، ابزاری برای رستگاری دیگران. در عهد عتیق این اصطلاح اساساً برای خدمت کردن استفاده شده است، در عهد جدید برای رستگاری استفاده شده که خدمتی است. انجیل هرگز آنچه که به نظر می‌رسد تضاد میان اراده خدا و اراده آزاد انسان است را نمی‌پذیرد، ولی هر دو را تأیید می‌کند. مثال خوبی از تنش انجیلی می‌توان رومیان ۹ در مورد انتخاب پادشاهی خدا و رومیان ۱۰ در مورد نیاز انسان به پاسخ باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۱:۱۰ و ۱۳).

کلید این تنش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۴:۱ یافت. عیسی مرد منتخب خدا است و همه چیز در انتخاب او است (Karl Barth). عیسی پاسخ "بله" خدا به نیاز انسان سقوط کرده است (Karl Barth). افسسیان ۴:۱ همچنین با تصریح اینکه هدف تقدیر بهشت نیست، بلکه تقدس است کمک می‌کند تا مسئله مشخص شود (همانند مسیح بودن). ما اغلب جذب مزایای انجیل می‌شویم و مسئولیتها را فراموش می‌کنیم! فراخواندن خدا (انتخاب) برای زمان و در عین حال برای ابدیت است!

دکترین‌هایی در رابطه با سایر حقایق ارائه شده‌اند، البته نه یک حقیقت منفرد و نامربوط. یک مقایسه خوب می‌تواند یک کهکشان در برابر یک ستاره باشد. خدا حقیقت را در یک قالب شرقی ارائه داده نه غربی. ما نباید تنشی را که با پارادوکسهای دکترین حقیقت به وجود می‌آیند حذف کنیم (خدا به عنوان متعالی در برابر خدا به عنوان همه جا حاضر. امنیت در برابر استقامت، عیسی برابر با پدر در مقابل عیسی به عنوان خدمتگزار پدر، آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی به پیمان، و غیره).

۱. تقدیر در برابر اراده آزاد بشر
۲. امنیت ایمانداران در برابر نیاز به استقامت
۳. گناه اصلی در برابر گناه ارادی
۴. بی‌گناهی (کمال‌گرایی) در برابر کم‌گناه کردن
۵. توجیه آنی اولیه و تقدیس در برابر تقدیس مترقی
۶. آزادی مسیحیت در برابر مسئولیت‌پذیری در مسیحیت
۷. برتری و تفوق خدا در برابر حضور وی در همه‌ی عرصه‌ها
۸. خدا بعنوان ناشناخته‌ترین در برابر خدا بعنوان شناخته شده در متن
۹. پادشاهی خدا در حال حاضر در برابر آینده فانی
۱۰. توبه بعنوان هدیه‌ای از خدا در برابر توبه بعنوان یک الزام برای اجابت انسان به عهد
۱۱. عیسی بعنوان برابر با پدر در برابر عیسی بعنوان تابع پدر
۱۲. عیسی بعنوان آسمانی در برابر عیسی بعنوان یک انسان

مفهوم الهیاتی پیمان پادشاهی خدا را (که همیشه پیش قدم بوده و دستور کار را تعیین می‌کند) با الزام اولیه در توبه پایدار و پاسخ از روی ایمان از جانب نوع بشر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۵، اعمال رسولان ۱۶:۳ و ۱۹، ۲۱:۲۰) را به هم می‌پیوندد. مراقب باشید که تأیید یک وجه پارادوکس وجه دیگر را کم ارزش نکند.

۱۶:۸- ۲۴ آیات ۱۶ تا ۲۴ بنظر توصیه‌نامه برای تیتوس می‌باشند. به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تینان ۳:۱ مراجعه نمایید. خلاصه‌ای از بیوگرافی تیتوس به شرح زیر است:

۱. تیتوس یکی از معتمدترین همکاران پولس بود. این نشان دهنده این واقعیت است که چرا پولس او را به نقاط پر دردسر و مسئله ساز قرن‌تس و کرت فرستاد.
۲. او کلا غیر یهودی بود (تیموتائوس فقط نیمه یونانی بود)، که بر اثر موعظه‌های پولس ایمان آورده بود. پولس از ختنه کردن او ممانعت کرد (مراجعه شود به غلاطیان ۲).

۳. از او اغلب در نامه های پولس نام برده شده است (مراجعه شود به دوم قرنیتیان ۲: ۱۳؛ ۷: ۶-۱۵؛ ۸: ۶-۲۴؛ ۱۲: ۱۸؛ غلاطیان ۲: ۱-۳؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۰) بسیار شگفت آور است که لوقا نام او را در کتاب اعمال رسولان ننوشته است. بعضی از تفسیرها این نظریه را ارائه میدهند که: (۱) او ممکن است از اقوام لوقا (احتمالاً یک برادر) بوده که از دید لوقا ذکر نام او را از نظر فرهنگی و اخلاقی درست نبوده است؛ یا (۲) تیتوس منبع اصلی اطلاعات لوقا در مورد زندگی و بشارت پولس است و بنابراین، مانند لوقا، نام او ذکر نخواهد شد
۴. او پولس و بارناباس را در تمامی جلسات مهم شورای اورشلیم که در کتاب اعمال رسولان ۱۵ ثبت شده اند، یعنی جاهایی که مسئله رابطه مومنین غیر یهودی با شریعت موسی به بحث کشیده میشد، را همراهی میکرد.
۵. تمرکز این کتاب بر نصایحی است که پولس به تیتوس در مورد بشارت در کرت می کند. تیتوس به عنوان نماینده رسمی پولس عمل میکرد.
۶. آخرین اطلاعات در عهد جدید در مورد تیتوس این است که برای بشارت به دالماتیا اعزام شد (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۰).
- ۱۶:۸ "دل" پولس از این واژه در دوم قرنیتیان زیاد استفاده کرده است (دوم قرنیتیان ۱: ۲۲؛ ۳-۲: ۳، ۱۵؛ ۴: ۶؛ ۵: ۱۲؛ ۶: ۷؛ ۸: ۱۶؛ ۹: ۷). به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۱۴: ۲۵ مراجعه نمایید.

۱۸:۸ "ما همراه او برادری را می فرستیم که همه کلیساها او را به خاطر خدمتش به انجیل می ستایند" سنت کلیسا تصریح کرده است که این برادر می تواند لوقا بوده باشد. لوقا در فهرست همسفران پولس که در اعمال رسولان ۲۰: ۴ ثبت شده نیست، اما بخش "ما"، که از حضور و شروع بکار لوقا در اعمال رسولان ۲۰: ۵-۶ می گوید، در این بخش از متن ظاهر می گردد (Origen در کتاب *Word Pictures in the New Testament* نوشته A. T. Robertson صفحه ۲۴۵ این مطلب را ثبت کرده است).

F.F. Bruce در کتاب *Paul: Apostle of the Heart Set Free* از تیتوس و لوقا بعنوان برادران یاد می کند. وی می گوید:

"توضیحی که میتوان درباره سکوت لوقا بعنوان کسی که معتمدترین برای پولس بود، اینست که تیتوس برادر لوقا بوده باشد؛ W. M. Ramsay از کتاب *St. Paul the Traveller and the Roman Citizen* (لندن ۱۸۹۵)، صفحه ۳۹۰؛ *Luke the Physician and Other Studios* (لندن ۱۹۰۸) صفحه ۱۷، f.؛ "A Suggested Relationship Between Titus and Luke"، A. Souter، از انتشارات Expository Times 18 (۷-۱۹۰۶)، صفحه ۲۸۵؛ و "The Relationship between Titus and Luke"، *ibid* ص ۳۵۵. f. اما این ارتباط بوجود آمد و سپس امکان اینکه لوقا بعنوان 'برادر' در دوم قرنیتیان ۱۸:۸ شناخته شد پدید آمد (صفحه ۳۲۰). هدف پولس از فرستادن این 'برادر' به همراه تیتوس این بود که او باید ضامن مستقیمی در مورد مسئولیت اداره کمکهای امدادی بوده تا منتقدین فرصتی برای جلب توجه به این رابطه خونی بدست نیاورند. هیچ چیز نمی توانست بهتر از رابطه بین این دو برای تقویت سوء ظن موجود وجود داشته باشد" (ص. ۳۳۹ پانویس شماره ۵).

M.R. Vincent در کتاب *Word Studies* نظریه دیگری را مطرح می کند:

"فردی که به وی اشاره شده برادر تیتوس، برناباس، مرقس، لوقا و اپیتوس که در رومیان ۱۶: ۵ از وی ذکر به میان آمد، می باشد. مرجع برای نام اپیتوس، احتمالاً ریشه کلمه *epainos* بمعنی ستایش بوده است؛ اپیتوس بمعنی کسی است که شایسته ستایش بوده؛ و بموازات اونسیموس کسی که پولس می گوید از این به بعد سودآور خواهد بود، فیلمون آیه ۱۱" (ص. ۸۳۰).

۱۹:۸ "او از سوی کلیساها انتخاب شده" فعل بکار برده شده *cheirotoneō* بوده که ترکیبی از "دست" و "کشیده شده" می باشد. در اصل اشاره به یک رأی گیری با استفاده از بلند کردن دستها دارد. در اعمال رسولان ۱۴: ۲۳ نمی تواند این معنا را بدهد، اما در اینجا، دوم قرنیتیان ۱۹: ۸ به این مفهوم است. این مثال دیگری از طرز اداره کلیسا مرتبط با چندین کلیسای دیگر متصل است. به یادداشت کاملتر در اول قرنیتیان ۱۶: ۳ مراجعه نمایید.

NASB "همسفر ما در کار خیرخواهانه"

NRSV "همسفر ما با این هدیه"

NKJV "همسر با ما در حالیکه ما این کار خیرخواهانه را اداره می کنیم"

TEV "همسفر با ما در حالیکه ما این خدمت را با محبت حمل می کنیم"

NJB "همسفر ما در این کار خیرخواهانه باشد"

پولس همیشه نگران اتهام به خود پیرامون عدم توانایی در کنترل امور مالی بود (دوم قرنیتیان ۸: ۲۰؛ ۹: ۱۱؛ ۱۲). بنابراین، او می خواست که نمایندگان متعددی را از کلیساهای مختلف غیریهودیان با خود همراه کرده تا کمکهای اهدایی را به کلیسای مادر در اورشلیم برساند.

□ "برای جلال خدا و نشان دادن خیرخواهییمان خدمت آن را بر عهده گرفته‌ایم" هدایای مالی دارای هدفهای متعددی می‌باشند. در اینجا به دو مورد آن اشاره می‌کنم.

۱. جلال خدا

۲. نشان دادن علاقمندی کلیساهای غیریهودی به کمک به کلیسای مادر در فلسطین.

این کار احتمالاً به پولس در نشان دادن وفاداری و صداقت به طرف یهودیان ایماندار در کلیسا کمک می‌کرد. به موضوع خاص: جلال (*DOXA*) در اول قرن‌تینان ۷:۲ مراجعه نمایید.

یک نسخه خطی یونانی متفاوت وجود دارد که به "او" وصل است. این ضمیر متقابل به دو شکل ظاهر می‌گردد:

۱. MSS α , D¹ - *Auto*

۲. MS P - *Autēn*

۳. در نسخه MSS B, C, D*, F, G, L از قلم افتاده است (NJB).

UBS⁴ به گزینه ۱ رتبه C داده که یعنی کمیته انتخاب متن نتوانسته درباره آن به نتیجه برسد.

۸:۲۰ "مورد انتقاد کسی قرار نگیرد" این عبارت ("پرهیز کردن"، وجه وصفی معلوم حال میانی که فقط اینجا و در دوم تسالونیکیان ۳:۶ بکار رفته است) استعاره‌ای خنثی برای مراقبت مضاعف در کنترل کشتی یا قایقی بود که در هنگام لنگر انداختن در کنار بار انداز بکار برده می‌گردید (Moulton and Milligan صفحه ۵۸۷ از کتاب *Homer*).

NASB "بی‌اعتبار"

NKJV, NRSV "سرزنش"

TEV "هر گونه شکایتی را بر انگیزختن"

NJB "بتواند هر اتهامی روا دارد"

Mōmos واژه یونانی بکار برده شده بمعنی سرزنش، تمسخر، رسوایی یا فشار است (۲ پطرس ۲:۱۳). فعل بکار برده شده در اینجا (آتوریست میانه [دستور لاتین] وجه شرطی) از "پیدا کردن مقصر" یا "سرزنش کردن" سخن می‌گوید (دوم قرن‌تینان ۶:۳؛ ۸:۲۰).

NASB, NRSV,

TEV "این هدیه سخاوتمندانه"

NKJV "این هدیه سخاوتمندانه"

NJB "این جمع زیاد"

این یک واژه معمولی برای هدیه نیست. از این واژه در نسخه Septuagint برای بزرگسالان بالغ (۲ سموئیل ۱۵:۱۸؛ ۱ پادشاهان ۹:۱) و برای رهبران (۲ سموئیل ۱۴:۱۸؛ ۲ پادشاهان ۱۰:۶، ۱۱؛ اشعیا ۷:۳۴) استفاده شده است. در ادبیات یونانی از این واژه برای دانه رسیده یا چیزی کلفت بکار برده می‌شود. این واژه فقط اینجا در عهد جدید دیده می‌شود.

۸:۲۱ "زیرا می‌کوشیم نه تنها در نظر خداوند، بلکه در نظر مردم نیز آنچه شایسته است انجام دهیم" بنظر می‌رسد که این آیه نقل قولی از امثال ۳:۴ در نسخه Septuagint باشد. ایمانداران باید فراتر از ظن به همه چیز باشند (متی ۱۰:۱۶؛ رومیان ۱۲:۱۷؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۲۲).

عبارت "شایسته" (NASB) یا "درست" (NKJV, NIV) واژه یونانی *kalos* بوده که تفاوت‌های ظریفی دارد.

۱. زیبا

۲. نیک

۳. مفید

۴. عالی

۵. فقط

۶. شایسته

۷. برجسته

۸. تعالی اخلاق
۹. با ارزش
۱۰. فضیلت
۱۱. مراعات نزاکت

▣ "در نظر خداوند" این اشاره به انگیزه‌های فردی و دانش متن انجیل دارد. اگر دوم قرنتیان ۸:۲۱ از امثال ۳:۴ گرفته شده باشد، پس واژه Lord در اشاره به یهوه می‌باشد.

▣ "بلکه در نظر مردم نیز" این عبارت اشاره به شاهد ما دارد (رومان ۱۴:۱۸؛ فیلیپیان ۲:۱۵؛ ۴:۸؛ تیموتائوس ۳:۷؛ ۱ پطرس ۲:۱۲).

۸:۲۲ "برادر خود را نیز می‌فرستیم" این باید دومین همراه برای تکمیل کردن ملزومات عهد عتیق برای دو شاهد باشد (تثنیه ۱۷:۶؛ ۹:۱۵). این عبارت به این معنی است که پولس در این متن به سه نفر اشاره می‌کند:

۱. تیتوس

۲. برادر دوم قرنتیان ۸:۱۸

۳. برادر دوم قرنتیان ۸:۲۲

▣ "بر ما ثابت شده" واژه *dokimazō* در دوم قرنتیان ۸:۸ و همچنین شکل دیگری از کلمه در دوم قرنتیان ۸:۲ دیده می‌شود. به موضوع خاص: واژگان یونانی برای "آزمون" و توارد آنها در اول قرنتیان ۳:۱۳ مراجعه نمایید.

▣ "اطمینان بسیارش به شما" به یادداشت کاملتر در دوم قرنتیان ۳:۴ مراجعه نمایید.

۲۳:۸

NASB, NKJV,

NRSV "آنان پیام‌آوران کلیساها هستند"

TEV "آنان نمایندگان کلیساها هستند"

NJB "آنان فرستادگان کلیساها هستند"

واژه *apostolos* بمعنی "پیام‌آور" یا "نماینده" است. بدلیل کاربرد منحصر بفرد آن در انجیل یوحنا در اشاره به عیسی بعنوان "فرستاده" و فرستادن وی برای پیروانش، این واژه حالت خاصی از معرفی رسمی بخود گرفت (رسول). در اینجا بحالت طبیعی خود برای آنها (تیتوس و دو برادری که از آنها نام برده نشده) که بعنوان معرف کلیسا در سفر به اورشلیم به همراه هدایا فرستاده شده‌اند، دارد. به موضوع خاص: فرستادن در اول قرنتیان ۹:۴ مراجعه نمایید.

▣ "جلالی برای مسیح" این عبارت را باید در اشاره به دوم قرنتیان ۸:۱۹ داشته باشد. به موضوع خاص: جلال (*DOXA*) در اول قرنتیان ۷:۲ مراجعه نمایید. احتمالاً این عبارت اشاره به کلیساهایی دارد که هدایا برای آنان فرستاده شده بود.

۲۴:۸ سوال بدیهی اینست که "آنها" اشاره به چه کسانی دارند؟

۱. می‌تواند اشاره به فقرا در کلیسای اورشلیم داشته باشد. کلیسای قرنتیان محبت خود را بوسیله ارسال هدایا برای کلیسای مادر ابراز داشتند. سخاوتی که آنان نشان دادند باعث شد که سایر کلیساهای غیریهودی نیز همکاری نموده و از رهبری پولس پیروی نمایند.
۲. می‌تواند اشاره کلیساهای دیگر داشته باشد. بهترین گزینه متنی و دستور زبانی همین گزینه است.

▣ "تا همه کلیساها ببینند" به یادداشت کاملتر در دوم قرنتیان ۱:۱۱ مراجعه نمایید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. بخشش در عهد جدید چگونه از عهد عتیق تمیز داده می‌شود؟

۲. آیه ده-یک، واقعتی کلی بوده یا فرهنگی؟ چرا بله و چرا خیر؟

۳. هدایای اهدایی شما در برابر اهالی مقدونیه چگونه گردآوری می‌شوند؟
۴. تفاوت میان بخشش و مباشرت را توضیح دهید.
۵. برادر ذکر شده در دوم قرنتیان ۸:۱۸ چه کسی بود؟

دوم قرنتیان ۹

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
اهدایی برای مقدسین	مدیریت هدایا	جمع آوری کمک برای نیازمندان کلیسای اورشلیم (۱:۸ - ۱۵:۹)	کمک برای ایمانداران نیازمند	هیئتی که به قرنتیان معرفی شدند (۱:۸ - ۵:۹)
۵ - ۱:۹	۵ - ۱:۹	۵ - ۱:۹	۵ - ۱:۹	دعا برای برآورده شدن انتظارات از هدایای جمع آوری شده
	بخشنده‌ی شادمان			
۱۵ - ۶:۹	۱۵ - ۶:۹	۱۵ - ۶:۹	۱۵ - ۶:۹	۹ - ۶:۹
				۱۵ - ۱۰:۹

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

دیدگاه‌های متنی

- A. باید بخاطر داشت که فصلهای ۸ و ۹ یک مجموعه از نامه‌ها را تشکیل می‌دهند. همچنین تا اندازه‌ای هم به موازات هم قرار دارند. احتمالاً پولس دو موعظه را با هم ادغام کرده است.
- B. این دو فصل، به نظر من، در کنار یکدیگر، بحث نهایی مباشرت در عهد جدید می‌باشند.

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۹-۱۵

نیازی نیست درباره این خدمت به مقدسین به شما بنویسم،^۲ زیرا از اشتیاقتان به یاری رساندن آگاهم و در این خصوص نزد ایمانداران مقدونیه به شما بالیده‌ام. بدیشان گفته‌ام که شما در ایالت آخائیه از سال گذشته برای دادن هدیه آماده بوده‌اید. این شور و حرارت شما بیشتر آنان را نیز به عمل برانگیخته است.^۳ اما این برادران را می‌فرستم تا فخر ما به شما در این خصوص اشتباه از کار در نیاید، بلکه تا همان گونه که به ایشان گفته‌ام، آمادگی لازم را داشته باشید.^۴ زیرا اگر کسی از ایمانداران مقدونیه همراهم بیاید و دریابد که آماده نیستید، ما - و چقدر بیشتر خودتان - از اطمینانی که به شما داشته‌ایم، سرافکننده خواهیم شد.^۵ پس ضروری دانستم از برادران بخواهم که پیشاپیش به دیدارتان بیایند و تدارک هدیه سخاوتمندانه‌ای را که وعده داده بودید، به اتمام رسانند. آنگاه این هدیه، هدیه‌ای خواهد بود که نه با تنگ‌چشمی، بلکه با گشاده‌دستی داده شده است.

■ "به شما بنویسم" برای پولس گفتن چنین حرفی غیرطبیعی بوده، درحالیکه بتازگی برای آنان درباره همین موضوع نامه نوشته بوده است (مجموعه مکاتبات درباره کمکهای کلیساهای غیریهودیان به کلیسای مادر در اورشلیم، فصل ۸). این دو فصل در سلسله قواعد روحانی مرتبط با مباشرت در مسیحیت، به موازات یکدیگر می‌باشند. احتمالاً یا دو موعظه هستند، یا قسمتهایی از دو پرسشنامه مذهبی.

■ "خدمت" واژه یونانی (*diakonia*) اغلب برای مباشرت در مسیحیت بکار برده می‌شود (اعمال رسولان ۶:۱؛ ۱۱:۲۹؛ رومیان ۱۵:۳۱؛ دوم قرنتیان ۸:۴؛ ۹:۱؛ ۱۲:۱۳). در اینجا اشاره به خادم بودن دارد. روابط ایمانداران با یک خداوند بخشنده و مسیح ناجی، طلب یک زندگی سرشار از خدمت به دیگران می‌کند (یوحنا ۱۷:۱۸؛ ۲۰:۲۱؛ ۱ یوحنا ۳:۱۶). به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرنتیان ۴:۱ مراجعه نمایید.

■ "به مقدسین" به موضوع خاص: مقدسین در اول قرنتیان ۱:۲ مراجعه نمایید.

۲:۹ "از اشتیاقان به یاری رساندن آگاهم" (در نسخه اصل: "از آمادگی شما برای یاری رساندن آگاهم") پولس در دوم قرنتیان ۸:۸-۱۲، ۲۰ به این امر اشاره کرده است.

■ "در این خصوص نزد ایمانداران مقدونیه به شما بالیده‌ام" این یک جمله حال اخباری است. پولس همچنان به اهالی اخائیه افتخار می‌کند. در دوم قرنتیان ۸:۱-۵، پولس از اهالی مقدونیه برای تشویق قرنتیان بهره برد؛ اکنون، در فصل ۹، وی می‌گوید که از ایمانداران اخائیه برای تشویق مقدونیه‌ایها استفاده می‌کند.

■ "بالیده‌ام" به موضوع خاص: فخر در اول قرنتیان ۵:۶ مراجعه نمایید.

■ "اخائیه" این یکی از مناطق رومی در جنوب خلیج یونان می‌باشد. در دوم قرنتیان ۱:۱، در جاییکه نامه برای تمامی اقوام خدا در اخائیه نوشته شده بود، به این منطقه اشاره گردید. این امر نشان می‌دهد که نامه در چندین کلیسای این منطقه یا در قرنتس که مرکز این ناحیه بود، خوانده شده که شامل منطقه جغرافیایی وسیعی می‌گردید.

■ "از سال گذشته برای دادن هدیه آماده بوده‌اید" بنظر می‌رسد که در فصل ۸ یک مقایرت وجود داشته باشد. بهر حال، قرنتیان می‌خواستند که کمکهای اهدایی خود را یک سال زودتر شروع نمایند، اما موفق به اتمام آن نگردیدند. مشکل اصلی در اینجا ترجمه فعل است (حالت‌های صرف شده یکسان هستند).

۱. اگر اخباری کامل باشد، باید "آماده‌سازی کرده‌اند" ترجمه شود.

۲. اگر اخباری مجهول باشد، باید "آماده گردیده است" ترجمه شود.

من فکر می‌کنم با توجه به متن و سازگاری قواعد دستوری در دوم قرنتیان ۹:۳، جمله باید مجهول باشد (مجهول کامل).

■ "بیشتر آنان را نیز به عمل برانگیخته است" فعل این جمله می‌تواند بصورت منفی (تثنیه ۲۰:۲۱ در نسخه Septuagint؛ کولسیان ۳:۲۱)، یا بصورت مثبت (دوم قرنتیان ۲:۹) بکار برده شود. فقط محتوای متن تعیین کننده معنای آن می‌باشد.

۳:۹ "آمادگی لازم را داشته باشید" این جمله وجه شرطی مجهول کامل است. زمان جمله با دوم قرنتیان ۲:۹ سازگاری داشته، اما حالت شرطی نشان دهنده عنصر احتمال مبتنی با خواست ایمانداران در قرنتس در ارتباط با جمع‌آوری هدایا و کمکها می‌باشد.

۴:۹ "اگر کسی از ایمانداران مقدونیه همراهم بیاید" این یک جمله شرطی نوع سوم و بمعنی احتمال وقوع عملی می‌باشد. این نمایندگان در دوم قرنتیان ۱۹:۸-۲۴ معرفی گردیدند. در اعمال رسولان ۲۰:۴، از نمایندگان اعزامی به اورشلیم به همراه این هدایا صحبت به میان آمد، ولی نام هیچکس از قرنتس مطرح نگردید. برخی تصریح کرده‌اند که ممکن است تیتوس که پیشتر اعزام شده بود، نماینده آنان محسوب می‌گردید، اما در اعمال رسولان نامی از وی برده نمی‌شود.

■ سه فعل در دوم قرنتیان ۴:۹ با وجوه شرطی آئوریستی هستند عنصر احتمال را بر مبنای کارهایی که کلیسای اخائیان انجام می‌دادند، معرفی کنند.

NASB "ما - بدون سخن گفتن از شما -"

NKJV "ما (بدون آوردن ذکر از شما!)"

NRSV "ما ... بدون گفتن چیزی از شما -"

NJB "ما - بدون گفتن چیزی از خودتان -"

مشکلی که باعث بوجود آمدن این ترجمه‌های مختلف شده، مرتبط با ضمیر و چگونگی ارتباط آن با فعل قبل می‌باشد ("باید شرمنده بود"، *kataischunthōmen*، وجه شرطی کامل آنوریستی، جمع). UBS4 سه گزینه را مطرح می‌کند.

۱. "lego" (وجه شرطی حال کامل، مفرد) - C*, D, F, G, MSS P⁴⁶

۲. "legōmen" - (وجه شرطی حال کامل - جمع) - B, C², N, MSS

۳. حذف شده - MS K

UBS⁴ به گزینه ۱ رتبه "B" (بمعنی تقریباً مطمئن) داده است. پولس از اول شخص مفرد در دوم قرن‌تبیان ۹:۱، ۲، ۳ و ۵ استفاده کرده است (Metzger، صفحه ۵۸۲).

NASB	"با این اطمینان"
NKJV	"با چنین اطمینانی مفتخریم"
NRSV	"با بعهده گرفتن"
TEV	"با اطمینانی کامل از شما"
NJB	"از اطمینانی که به شما داشته‌ایم"

چرا پولس و کلیسای قرن‌تبیان باید سرافکنده باشند؟ طبق گفته Bauer, Arndt, Gingrich و Danker در کتاب *Greek-English Lexicon* واژه *hupostasis* (NASB، "اطمینان")، نمی‌تواند "اطمینان" ترجمه شود، بلکه باید "چارچوب فکری" یا احتمالاً "درک" از جمع‌آوری اعانات برای مستمندان در اورشلیم ترجمه شود (NRSV) (صفحه ۸۴۷ شماره ۲ و شماره ۳). نگرانی پولس از اهداییها بود و نه فخری که داشت. این مورد با نحوه کاربرد کلمه در عبرانیان ۱:۳ نیز متناسب است. بهر حال، هنگام مقایسه همین کلمه در دوم قرن‌تبیان ۱۱:۱۷، "فخر با اطمینان"، بعد می‌توان فهمید که چرا نسخه NASB این آیه را بدین صورت ترجمه کرده است.

کلمه "فخر" (NKJV) در بیشتر نسخه‌های خطی اولیه یونانی وجود ندارد (MSS P⁴⁶, N*, B, C, D*, F, G). اما در نسخه‌های (MSS N², D¹). UBS⁴ به حذف آن رتبه B داده که بمعنی تقریباً مطمئن است.

۵:۹ سه کلمه در این آیه وجود دارند که در نسخه اصلی با *pro* (بمعنی قبل) شروع می‌شوند.

۱. پولس نمایندگان کلیسا را بیشتر گسیل داشته بود (*proerchomai*، اعمال رسولان ۵:۲۰، ۱۳)
۲. پولس می‌خواست که آنان از قبل آمادگی داشته باشند (*prokatartizō*، اعمال رسولان ۳:۱۸، ۲۴:۷، ۵۲:۷)
۳. پولس می‌خواست که آنان به وعده‌های که از قبل داده بودند، عمل نمایند (*propeṅgellomai*، رومیان ۱:۲)

▣ "هدیه‌ی سخاوتمندانه" این واژه *eulogia* می‌باشد (دقیقاً بمعنی "کلام خوش"). این واژه همچنین در دوم قرن‌تبیان ۹:۶ با مفهوم "فراوانی" بکار رفته است.

مفهوم این واژه حوزه وسیعی را در بر می‌گیرد. Louw and Nida در کتاب *Greek-English Lexicon* شش حالت را فهرست‌وار نوشته‌اند (جلد ۲، صفحه ۱۰۸).

۱. شکر (یعقوب ۳:۹)
 ۲. تملق (رومیان ۱۸:۱۹)
 ۳. دعای خیر (رومیان ۱۵:۲۹)
 ۴. منفعت (رومیان ۱۵:۲۹)
 ۵. هدیه (دوم قرن‌تبیان ۹:۵)
 ۶. حجم زیاد (دوم قرن‌تبیان ۹:۶)
- کاربرد شماره ۳ در نسخه Septuagint دیده میشود (داوران ۱:۱۵).

NASB	"هدیه‌ای سخاوتمندانه که تحت تأثیر طمع نیست"
NKJV	"در نهایت سخاوت و نه بعنوان سؤ‌نیت"
NRSV	"بعنوان هدیه‌ای داوطلبانه، نه اجبار"

بعبارتی معنی این جمله چنین است؛ "پس بعنوان یک برکت و نه از روی آزمندی". بحث کلی پولس درباره بخشش در این مجموعه از مکاتبات (دوم قرن‌تیان ۸-۹) از روی نزاکت و بشیوه‌ای مثبت نگاشته شده، اما این عبارات نشان می‌دهد که در کلیسا عنصر مخالفی وجود داشته است. پولس می‌خواست که کلیسای قرن‌تس احساس کند که در دوستی بزرگتری در میان کلیساهای او نقش داشته و بخشی از مشارکت در خدمت خیرخواهانه باشند. او می‌دانست، در هر حال، برخی ممکن است از این فرصت برای اتهام زدن به او در رابطه با این جمع‌آوری اعانات برآیند. لذا برای جلوگیری از هرگونه مشکل، وی گفت: "پیش از آنکه بدانجا رسم کار را تمام کنید!"

کتاب *Jerome Biblical Commentary* می‌گوید که موصوف ترجمه شده در متن بصورت "طمع"، باید "هدیه‌ای که از روی سؤ نیت داده می‌شود" ترجمه گردد" (صفحه ۲۸۵).

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تیان ۹:۶-۱۵

باید یاد داشته باشید که هر که اندک بکارد، اندک هم خواهد دروید، و هر که فراوان بکارد، فراوان هم بر خواهد داشت.^۷ هر کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده است، نه با اکراه و اجبار، زیرا خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد.^۸ و خدا قادر است هر نعمت را برای شما بس فزونی بخشد تا در همه چیز همواره همه نیازهایتان برآورده شود و برای انجام هر کار نیکو، به فراوانی داشته باشید.^۹ چنانکه نوشته شده: «با گشاده‌دستی به نیازمندان بخشیده، نیکوکاری‌اش جاودانه پاینده است.»

^{۱۰} و او که بذر را برای کشاورز و نان را برای خوردن فراهم می‌سازد، بذرتان را مهیا ساخته، فزونی خواهد بخشید و محصول پارسایی شما را فراوان خواهد ساخت.^{۱۱} آنگاه از هر حیث دولت‌مند خواهید شد تا بتوانید در هر فرصتی سخاوتمند باشید، و این سخاوت شما به واسطه ما به سپاس خدا خواهد انجامید.^{۱۲} انجام این خدمت، نه تنها نیازهای مقدسین را برآورده می‌سازد، بلکه به صورت سپاسگزاریه‌های بسیار حتی به سوی خدا سرریز می‌شود.^{۱۳} به‌خاطر مهر تأیید این خدمت بر زندگی شما، مردم خدا را برای اطاعتی که با اعتراف شما به انجیل مسیح همراه است تمجید خواهند کرد، و نیز برای سخاوتی که در کمک به آنها و به همه نشان می‌دهید.^{۱۴} آنان به‌خاطر فیض عظیم خدا که بر شماست، با علاقه و اشتیاق بسیار برای شما دعا خواهند کرد.^{۱۵} سپاس بر خدا برای عطای وصف‌ناپذیرش!

۹:۶ "هر که اندک بکارد، اندک هم خواهد دروید" این عبارات باید کنایه‌ای به امثال ۱۱:۲۴-۲۵ باشد (امثال ۱۹:۱۷؛ ۲۲:۹). مضمون آن منعکس‌کننده آموزه عیسی پیرامون بخشش است (متی ۷:۲؛ مرقس ۴:۲۴؛ لوقا ۶:۳۸). استعاره کشاورزی درباره کاشت محصول غالباً در انجیل بکار برده شده است؛ برخی اوقات بصورت اسکاتولوژیک (دکترین پایان زمان)، یا بصورت قضاوت (غلاطیان ۶:۷)، اما در عین حال بعنوان راهی برای اشاره به کارهای ماورا الطبیعه همچون زنده شدن یک مرده بکار رفته است (اول قرن‌تیان ۱۵:۳۵-۳۷). در این متن این عبارت، سخن از بذری که تولیدکننده بذره‌های دیگر است، یعنی بعنوان روشی برای تکثیر، دارد. (اما در ابتدا بذر باید داده شود (یا بعبارتی کاشته شود)!

۹:۷ "هر کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده است" این یک جمله دستوری حال کامل است. این یکی از قواعد کلیدی در بخشش است. این آیه را می‌تواند در کنار آیه ۸:۱۲ در بخشش ایمانداران بعنوان راهنمای مهم در امر مباشرت ارزیابی کرد.

□ "دل" به یادداشت کاملتر در اول قرن‌تیان ۱۴:۲۵ مراجعه نمایید.

□ "نه با اکراه و اجبار" بخشش معنوی باید داوطلبانه و با انگیزه مناسب باشد (دوم قرن‌تیان ۸:۱۲). من شخصاً هنگامی که موعظه‌های مربوط به پرداخت ده-یک در عهد عتیق را می‌شنوم (معمولاً از ملاکی یا لاویان) وحشتزده می‌شوم. در آنجا (۱) این کار یک اجبار در مقابل ثروت شخصی و یا (۲) تهدید در مقابل سلامت فردی و فیزیکی افراد مطرح می‌گردد. به موضوع خاص: ده-یک در دوم قرن‌تیان ۸:۸ مراجعه نمایید.

□ "خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد" بنظر می‌رسد که این عبارت از امثال ۸:۲۲ در نسخه Septuagint گرفته شده باشد. این سخن در عهد جدید دیده نمی‌شود. ما واژه انگلیسی "hilarious" بمعنی "خنده‌دار" را از ریشه همین لغت یونانی گرفته‌ایم. واژه مشابهی در ارتباط با رحمت در رومیان ۸:۱۲ بکار برده شده است. در نسخه پایروس بزبان یونانی کویین (متون جادویی) واژه *hilaros* (شاد) مترادف با *hileōs* (رحمت) نوشته شده است. بهمین دلیل Moulton and Milligan در کتاب *The Vocabulary of the Greek New Testament* فکر می‌کنند که این کلمه در قالب رؤفت و بخشندگی بکار برده شده است (صفحه ۳۰۳).

۸:۹ "خدا قادر است" این شهادت پر معنایی از ذات خدا و همزمان یک لقب شگفت‌انگیز است ("به‌خدایی که قادر است"، رومیان ۲۵:۱۶؛ افسسیان ۳:۲۰؛ یهوذا ۲۴). ایمانداران به خداوندی که عمل می‌کند، باور دارند، عشق می‌ورزند و به او خدمت می‌کنند!

■ "هر نعمت را برای شما بس فروزی بخشد" این عبارت اشاره به بخشش هدایای کلیسای قرن‌تین ندارد، بلکه اشاره به ذات اولیه خدا، که همانا رحمت است، دارد. بخاطر ذات خدا و هدیه‌ای که او عطا کرد (عیسی)، ایمانداران باید بخشنده باشند. ایمانداران منعکس کننده ذات خداوند هستند.

■ "همواره همه نیازهایتان برآورده شود" به تعداد "همه" (*pas*) توجه نمایید.

۱. همه رحمتها (*pasan*)

۲. همیشه (*pantote*)

۳. همه نیازها (*pasan*)

۴. در همه چیز (*panti*)

۵. هر کار نیکی (*pan*)

بخشش در مسیحیت بر روی زندگی اثر می‌گذارد! خداوند همه نیازها را برآورده می‌سازد (متی ۶:۱۹-۳۴).

واژه "نیازها" از دو واژه یونانی "خود" و "قناعت" گرفته شده است (۱ تیموتائوس ۶:۶-۱۰؛ فیلیپیان ۴:۱۱-۱۲؛ عبرانیان ۱۳:۱۵). A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures In the New Testament* جلد ۴ صفحه ۲۴۸ و M. R. Vincent در کتاب *Word Studies* صفحه ۸۳۱، هر دو معتقدند که بکارگیری این واژه نشان می‌دهد که پولس با فلسفه و واژگان رواقی^۲ آشنایی داشته است. ولی وی در نور انجیل معانی آن را دوباره تعریف می‌کند. به کتاب *Paul Among the Sphists* نوشته Bruce Winter مراجعه نمایید.

■ "برای انجام هر کار نیکو، به فراوانی داشته باشید" خداوند به هر آنکس که منابع خود را در راه او صرف کند، بیشتر عطا خواهد کرد. این وفور، در هر حال، برای مصارف فردی نبوده، بلکه برای مقاصد نیست که عیسی تعریف کرده است (افسسیان ۴:۲۸). بخشندگی در مسیحیت، به راهی برای آنچه که خداوند برای نیازهای دیگران تدارک دیده است، تبدیل می‌شود. این حقیقتی است که غالباً در آموزشهایی که می‌دهیم یا مباشرتهایی که در مسیحیت برعهده می‌گیریم، فراموش می‌کنیم. بله، برکت در عهد خدا و وفور آن تحقق خواهند یافت، اما باید برای پادشاهی خدا با دیگران با اشتراک قرار گرفته شوند، نه اینکه ذخیره گردند! ایمانداران نجات یافته‌اند تا خدمت نموده و برکت می‌گیرند تا ببخشند!

۹:۹ "چنانکه نوشته شده" این نقل قولی از مزمور ۹:۱۱۲ از نسخه Septuagint است (۹:۱۱۱). این نقل قول شامل یکی از نادرترین کاربردهای واژه "پارسایی" (به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱:۳۰ مراجعه شود) برای اشاره به اعمال بشر است (متی ۶:۱). در یهودیت از این واژه برای اشاره به برنامه‌های هفتگی صدقه دادن برای مستمندان کنیسه استفاده می‌شد (مزمور ۱۱۲:۱-۶). معمولاً در عهد جدید، پارسایی هدیه‌ای از جانب خداوند در راه مسیح و جدا از کارهای انسان می‌باشد.

موضوع خاص: صدقه دادن

(Special Topic: Almsgiving)

I. خود اصطلاح

A. این اصطلاح در میان یهود بسط یافت

B. اشاره به دادن به فقیر یا نیازمند دارد

C. کلمه انگلیسی، *almsgiving*، مختصر شده اصطلاح یونانی *eleēmosunē* حاصل شده است.

II. مفهوم عهد عتیقی

A. مفهوم کمک کردن به فقرا پیشتر در تورات بیان شده است.

۱. به عنوان مثال، کتاب تثنیه ۱۵: ۷ الی ۱۱

^۲ مکتبی فلسفی است که به‌وسیله زنون رواقی (کیتسیونی) (Zeno of Citium) تأسیس شد.

۲. "خوشه چینی کردن"، کنار گذاشتن بخشی از حاصل درو برای فقرا، لاویان ۱۹: ۲۳، ۲۲، کتاب تثنیه ۲۴: ۲۰
۳. "سال سبت" اجازه دادن به فقرا که محصول هفتمین سال را بخورند، کتاب خروج ۲۳: ۱۰ الی ۱۱، لاویان ۲۵: ۲ الی ۷
- B. مفهوم آن در ادبیات عرفانی بسط یافت (مثالهای منتخب)
۱. یعقوب ۵: ۸ الی ۱۶، ۲۹: ۱۲ الی ۱۷ (ضعیف در ۲۴: ۱ الی ۱۲ توصیف شده است)
۲. مزمور ۱۱: ۷
۳. امثال ۱۱: ۴، ۱۴: ۲۱ و ۳۱: ۶، ۱۶: ۲۱ الی ۳: ۱۳

III. بسط آن در یهود

- A. نخستین بخش میشنا در رابطه با این است که چگونه با فقرا، نیازمندان و لاویان محلی برخورد کرد.
- B. نقل قولهای منتخب
۱. Ecclesiasticus (همچنین به عرفان بن سیراک نیز شناخته میشود) ۳: ۳۰ "همانطور که آب شعله آتش را خاموش میکند، صدقه هم گناه را تدهین میکند" (NRSV)
۲. Tobit ۴: ۶ الی ۱۱ "زیرا آنان که اعمال خود را بر اساس حقیقت انجام میدهند، تمامی کارهایشان رونق میگیرد. برای همه کسانی که عدالت را انجام می دهند، از اموال خود^۷ صدقه میدهند، و اجازه ندهید از صدقه ای که میدهید غبطه بخورید. چهره خود را از هر کسی که فقیر است دور نکنید و صورت خدا از شما دور نخواهد شد. اگر شما دارای اموال زیادی هستید، صدقات خود را از میان آنها تقسیم کنید؛ اگر کم بود، نگران نباشید با توجه به کمی که داشته اید. ^۸پس شما برای روزی که ضرورت دارد، گنج خوبی برای خودتان می گذارید. ^۹زیرا صدقه از مرگ از مرگ رهایتان میکند و شما را از رفتن به تاریکی دور میکند. ^{۱۱}ایده، برای همه کسانی که از آن بهره می برند، یک جایزه عالی در حضور والاترینها است" (NRSV)
۳. Tobit ۱۲: ۸ الی ۹ "نماز و روزه خوب هستند، اما بهتر از هر دو طرف، عدالت و پارسایی است. کمی پارسا تر بهتر از ثروتی است که مرتکب اشتباه می شود. بهتر است به جای انباشتن طلا، صدقه داد. ^۹زیرا صدقه شما را از مرگ رهایی داده و گناهانتان را پاک می کند. کسانی که صدقه میدهند، از زندگی کامل لذت خواهند برد." (NRSV)
- C. آخرین نقل قول از Tobit ۱۲: ۸ الی ۹ نشان میدهد که مسئله در حال بسط یافتن است. اعمال/منافع انسانی به عنوان مکانیزمی هم برای بخشش و هم فراوانی دیده میشوند.
- این مفهوم در نسخ یونانی انجیل بیشتر بسط می یابد به طوری که اصطلاح یونانی برای "صدقه دادن" (*eleēmosunē*) تبدیل به اصطلاح مترادف برای "پارسایی" (*dikaiousunē*) میشود. اینها را میتوان هنگام ترجمه به عبری برای "پارسایی" (BDB 842)، پیمان محبت و وفاداری خدا، مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۲۵، ۲۴: ۱۳، اشعیا ۱: ۲۷، ۲۸: ۱۷، ۵۹: ۱۶، دانیال ۴: ۲۷) به جای یکدیگر استفاده کرد.
- D. اعمال خیرخواهانه انسان به خودی خود برای دستیابی به فراوانی شخصی فرد در اینجا و رستگاری در مرگ تبدیل شد. خود عمل به جای انگیزه ای از عمل، به لحاظ الهی به شدت تاکید میشود. خدا به قلب نگاه می کند، سپس کار دست را قضاوت می کند. این آموزش ربی ها بود، اما به نوعی در خود پارسایی فردی گم شد (مراجعه شود به میکاه ۶: ۸).

IV. واکنش عهد جدید

- A. این اصطلاح در آیات زیر یافت میشوند
۱. انجیل متی ۱: ۶ الی ۴
۲. انجیل لوقا ۱۱: ۴۱، ۱۲: ۳۳
۳. اعمال رسولان ۲: ۳ الی ۳ و ۱۰: ۲، ۴ و ۳۱، ۲۴: ۱۷
- B. عیسی درک سنتی از پارسایی را به عنوان موارد زیر توصیف میکند:
۱. صدقه دادن
۲. روزه گرفتن
۳. دعا کردن
- C. در موعظه عیسی در کوه (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷) او به صورت ریشه ای گرایش بینش سنتی پارسایی را تغییر میدهد (اعتماد کردن به اعمال فرد). "پیمان جدید" ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ تبدیل به استاندارد جدید با خدا بودن میشود (مراجعه شود به رومیان ۳: ۱۹)

الی (۳۱). خدا قلب جدیدی میدهد، فکر جدیدی میدهد و روح جدیدی میدهد. تمرکز بر کارایی انسان نیست بلکه بر عملکرد الهی است.

■ "همواره" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: 'Olam' (تا ابد)
Special Topic: 'Olam (Forever)

واژه عبری 'Olam' לאולם (BDB 761, 798) کاملاً گنگ است (کتاب Nidotte، جلد ۳، صفحه ۳۴۵). این واژه برای نشان دادن طول زمان در حالات مختلف استفاده می شود (که مفهوم آن در متن مشخص می گردد). به مثال های زیر توجه نمایید.

۱. چیزهای باستانی

a. مردم، پیدایش ۴:۶؛ ۱ ساموئیل ۸:۲۷؛ ارمیا ۵:۱۵؛ ۲۸:۸

b. مکان ها، اشعیا ۵۸:۱۲؛ ۶۱:۴

c. خدا، مزمور ۹۳:۲؛ امثال ۸:۲۳؛ اشعیا ۶۳:۱۶

d. اشیا، پیدایش ۲۶:۴۹؛ ایوب ۱۵:۲۲؛ مزمور ۷:۲۴، ۹:۴۶

e. زمان، اشعیا ۵۱:۹؛ ۶۳:۹، ۱۱؛ تثنیه ۳۲:۷

۲. زمان آینده

a. زندگی افراد، خروج ۶:۲۱؛ تثنیه ۱۷:۱۵؛ ۱ ساموئیل ۱:۲۲؛ ۱۲:۲۷

b. مبالغه در تکریم به پادشاه، ۱ پادشاهان ۱:۳۱؛ مزمور ۶۱:۷؛ نحما ۲:۳

c. تداوم وجودی

(۱) زمین، مزمور ۷۸:۶۹؛ ۱۰۴:۵؛ جامعه ۱:۴

(۲) آسمان ها، مزمور ۱۴۸:۵

d. وجود خدا

(۱) پیدایش ۲۱:۳۳

(۲) خروج ۱۵:۱۸

(۳) تثنیه ۳۲:۴۰

(۴) مزمور ۹۳:۲

(۵) اشعیا ۴۰:۲۸

(۶) ارمیا ۱۰:۱۰

(۷) دانیال ۱۲:۷

e. عهد

(۱) پیدایش ۹:۱۲، ۱۶؛ ۱۷:۱۷، ۱۳، ۱۹

(۲) خروج ۳۱:۱۶

(۳) لاویان ۲۴:۸

(۴) اعداد ۱۸:۱۹

(۵) ۲ ساموئیل ۲۳:۵

(۶) مزمور ۱۰۵:۱۰

(۷) اشعیا ۲۴:۵؛ ۵۵:۳؛ ۶۱:۸

(۸) ارمیا ۳۲:۴۰؛ ۵۰:۵

f. عهد ویژه با داوود

(۱) ۲ ساموئیل ۷:۱۳، ۱۶، ۲۵، ۲۹؛ ۲۲:۵۱؛ ۲۳:۵

(۲) ۱ پادشاهان ۲:۳۳؛ ۴۵:۹

(۳) ۲ تواریخ ۱۳:۵

- ۴) مزمور ۱۸:۵۰، ۸۹:۴، ۲۸، ۳۶، ۳۷
- ۵) اشعیا ۷:۹؛ ۳:۵۵
- .g. مسیح خداوند
- ۱) مزمور ۴۵:۲؛ ۷۲:۱۷؛ ۸۹:۳۵-۳۶؛ ۱۱۰:۴
- ۲) اشعیا ۹:۶
- .h. شرع خداوند
- ۱) خروج ۲۹:۲۸؛ ۳۰:۲۱
- ۲) لاویان ۶:۱۸، ۲۲:۷؛ ۳۴:۱۰؛ ۱۵:۲۴؛ ۹:۲۴
- ۳) اعداد ۱۸:۸، ۱۱، ۱۹
- ۴) مزمور ۱۱۹:۸۹، ۱۶۰
- .i. وعده‌های خداوند
- ۱) ۲ساموئیل ۷:۱۳، ۱۶، ۲۵؛ ۲۲:۵۱
- ۲) ۱پادشاهان ۹:۵
- ۳) مزمور ۱۸:۵۰
- ۴) اشعیا ۴۰:۸
- .j. نوادگان ابراهیم و سرزمین موعود
- ۱) پیدایش ۱۳:۱۵؛ ۱۷:۱۹؛ ۸۴:۴
- ۲) خروج ۳۲:۱۳
- ۳) ۱تواریخ ۱۶:۱۷
- .k. جشن‌های ویژه عهد خداوند
- ۱) خروج ۱۲:۱۴، ۱۷، ۲۴
- ۲) لاویان ۲۳:۱۴، ۲۱، ۴۱
- ۳) اعداد ۱۰:۸
- .l. ابدیت، بی‌پایان
- ۱) ۱پادشاهان ۸:۱۳
- ۲) مزمور ۶۱:۷-۸؛ ۷۷:۸؛ ۹۰:۲؛ ۱۰۳:۱۷؛ ۱۴۵:۱۳
- ۳) اشعیا ۲۶:۴؛ ۴۵:۱۷
- ۴) دانیال ۹:۲۴
- .m. ایمانداران به آنچه که مزامیر می‌گویند، تا ابد عمل خواهند کرد
- ۱) شکرگذاری مزمور ۳۰:۱۲؛ ۷۹:۱۳
- ۲) تحمل برای حضور وی، مزمور ۴۱:۱۲؛ ۶۱:۴، ۷
- ۳) اعتماد به شفقت او، مزمور ۵۲:۸
- ۴) شکر خداوند، مزمور ۵۲:۹
- ۵) سرودن پرستشها، مزمور ۶۱:۸؛ ۸۹:۱
- ۶) اعلام عدالت او، مزمور ۷۵:۷-۹
- ۷) جلال دادن نام او، مزمور ۸۶:۱۲؛ ۱۴۵:۲
- ۸) تقدیس نام او، مزمور ۱۴۵:۱
- .n. آنچه که در اشعیا بمنظور تعریف عصر جدید بکار رفته است
- ۱) عهد بی‌انتهای اشعیا ۲۴:۵؛ ۵۵:۳؛ ۶۱:۸
- ۲) بیهوه، سخره‌ای تا ابد ماندگار، اشعیا ۲۶:۴
- ۳) نشاط تمام نشدنی، اشعیا ۳۵:۱۰؛ ۵۱:۱۱؛ ۶۱:۷

- ۴) خداوندگار لازل، اشعیا ۱۷:۴۵
 ۵) رستگاری ابدی، اشعیا ۱۷:۴۵
 ۶) محبت بی‌پایان (Hesed)، اشعیا ۸:۴۵
 ۷) نشانی بی‌پایان اشعیا ۱۳:۵۵
 ۸) نامی ماندگار، اشعیا ۵۶:۵؛ ۶۳:۱۲، ۱۶
 ۹) نوری جاودان، اشعیا ۶۰:۱۹، ۲۰

یکی از کاربردهایی که در ارتباط با تنبیه ابدی فرد گناهکار بصورت منفی در اشعیا ۳۳:۱۴ دیده می‌شود، "آتشگاه جاودان" است. اشعیا اغلب از "آتش" برای نشان دادن خشم خدا استفاده می‌کند (اشعیا ۹:۱۸، ۱۹؛ ۱۰:۱۶؛ ۴۷:۱۴)، اما فقط در اشعیا ۳۳:۱۴ است که به آن لقب جاودان داده است.

۳. هم به سمت جلو و هم بسمت عقب در زمان ("از ابدیت تا ابدیت")

a. مزمو ۱۳:۴۱ (شکر خداوند)

b. مزمو ۲:۹۰ (خود خداوند)

c. مزمو ۱۷:۱۰۳ (محبت عیسی مسیح)

بخاطر داشته باشید که این متن است که وسعت معانی عبارات را مشخص می‌کند. عهدها و قول‌های بی‌انتهای همگی مشروط هستند (ارمیا ۷، به موضوع خاص پیمان رجوع کنید). مراقب نقطه نظر امروزی خودتان در هنگام قرائت، و یا الهیات سیستماتیک در بکار رفتن هر یک از لغات عهد عتیق، باشید. بیاد داشته باشید که عهد جدید، وعده‌های عهد عتیق را جهانی کرده است (به موضوع خاص: نبوت‌های عهد عتیق درباره آینده در مقابل نبوت‌های عهد جدید، رجوع نمایید).

۹:۱۰ قسمت اول این آیه ظاهراً نقل قولی از اشعیا ۵۵:۱۰ بوده و قسمت دوم نقل قولی از هوشع ۱۰:۱۲ است. این آیات تصریح می‌کنند:

۱. خداوند مالک همه چیز، و فراهم کننده همه چیز است

۲. ایمانداران مباشران خداوند هستند

خداوند سرمنشأ همه چیز است، ولی ایمانداران باید برکتی را که دریافت می‌دارند را با دیگران تقسیم نمایند.

مالکیت خداوند در کلمه یونانی *chorēgeō* (بمعنی "تدارکات") تعریف گردیده که کلمه انگلیسی "chorus" نیز از همین ریشه گرفته شده است.

این واژه در یونانی کوبین برای فردی که بانی امور خیر بوده و مایحتاج گروه‌های همسرایان محلی را فراهم می‌نموده است. ایمانداران امروزی غالباً موفقیت و سعادت خود را در اخلاق کاری، دانش انباشته شده یا تلاشهای فردی نسبت می‌دهند. در هر حال، بر مبنای دیدگاه انجیلی، همه منابع منتسب به خداوند هستند. به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرن‌تیان ۴:۱ مراجعه نمایید.

NASB, NRSV "برداشت پارسایی شما را فراوان خواهد ساخت"

NKJV "محصول پارسایی شما را فراوان خواهد ساخت"

TEV "محصولی غنی از سخاوت شما تولید خواهد ساخت"

NJB "برداشت پارسایی شما را بزرگتر خواهد ساخت"

در دوم قرن‌تیان ۸:۵ واژه "رحیم" و همینطور پارسایی، به اشکال مختلفی بکار برده شده است. راز الهیاتی اینست که ایمانداران چگونه برکت یا پاداشی را برای چیزهایی که خداوند می‌دهد یا وحی می‌کند را دریافت می‌کنند؟ این رازیست که در پادشاهی خدا و الزام به اجابت پیمان او نهفته است! ایمانداران بدلائل زیر بخشنده هستند

۱. بخشندگی عیسی

۲. نماد عیسی

۳. نیاز بشر

۴. جهانبینی جدید

۵. حلول روح در بدن

بخشش نتیجه طبیعی رستگاری و نجات است. متضاد این واژه، یک مسیحی خسیس است!

۱۱:۹ "از هر حیث دولت‌مند خواهید شد" این وجه وصفی از فعل *ploutizō* با عبارت "از هر حیث" بمنظور تأکید می‌باشد. از آیات ۸:۷-۹ روشن گردیده که این عبارت اشاره به برکات فیزیکی نداشته، بلکه شامل برکات معنوی می‌گردد (دوم قرن‌تبیان ۶:۱۰؛ اول قرن‌تبیان ۵:۵).

□ "در هر فرصتی سخاوتمند باشید" به دو *pas* اضافی توجه نمایید (دوم قرن‌تبیان ۸:۹). این واژه یونانی همچنین می‌تواند معنی ذهنیت تک‌بعدی نیز (صداقت، خلوص) و اصالت داشته باشد (دوم قرن‌تبیان ۸:۲؛ ۹:۱۱، ۱۳). به یادداشت دوم قرن‌تبیان ۱:۱۲ مراجعه نمایید.

□ "به واسطه ما به سپاس خدا خواهد انجامید" تأکید بخش اختتامیه فصل ۹ بر دریافت جلال از سوی بخشش ایمانداران می‌باشد (دوم قرن‌تبیان ۱۳-۹:۱۱). این موضوع متی ۵:۱۶ را بیاد من می‌آورد، در آنجا گفته می‌شود، "تا کارهای نیک شما را دیده، پدر آسمانی‌تان را تمجید کنند". هدف اصلی پولس در مرتبط نمودن کلیسای مادر در اورشلیم با کلیساهای خود که همگی از غیریهودیان بودند، امکان بوجود آوردن فضایی از محبت و صمیمیت بود.

۱۲:۹ "خدمت" این واژه یونانی *leitourgia* (تلفیق کار و عموم جامعه) بوده که ما واژه انگلیسی "liturgy" بمعنی مناجات‌نامه را از همین واژه گرفته‌ایم. در اصل این واژه اشاره به کسی دارد که با هزینه خود خدمات عمومی انجام داده است. در این حالت بسیار شبیه به *chorēgeō* در دوم قرن‌تبیان ۹:۱۰ می‌باشد.

□ "انجام این خدمت، نه تنها نیازهای مقدسین را برآورده می‌سازد" این واژه یونانی *prosanaplēroō* بوده (حال کامل با زوائد اخباری)، که *pros* علاوه بر *anaplēroō* بوده که بمعنی پر کردن یا تکمیل می‌باشد (اول قرن‌تبیان ۱۴:۱۶؛ ۱۷:۱۶). پولس از افعال شدیدالحن زیادی با *pros* استفاده کرده است (دوم قرن‌تبیان ۹:۵)، با اینحال، نتیجه حاصله دقیق مشخص نیست. پولس از همین حالات شدیدالحن در دوم قرن‌تبیان ۱۱:۹ نیز بهره برده است.

عبارت "نیازها" بمعنی "کمبودها" می‌باشد (اول قرن‌تبیان ۱۶:۱۷؛ دوم قرن‌تبیان ۸:۸، ۱۳، ۱۴؛ ۱۱:۸). ایمانداران فقیر در اورشلیم نیازهای جدی داشتند که این کلیسای غیریهودی توان برآوردن آنها را داشت. برای مطالعه درباره "مقدسین" به موضوع خاص در اول قرن‌تبیان ۱:۲ مراجعه نمایید.

□ "سپاسگزاریهایی بسیار حتی به سوی خدا سرریز می‌شود" نیازمندان اورشلیم و همه ایمانداران در فلسطین برای بیاد داشتن آنها و کمکهای کلیساهای غیریهودی، شکرگزار خدا بودند (دوم قرن‌تبیان ۹:۱۳).

۱۳:۹ "مُهر تأیید" این کلمه برای "آزمون" در دوم قرن‌تبیان ۲:۹؛ ۸:۲؛ ۱۳:۳ بکار برده شده است. به موضوع خاص در اول قرن‌تبیان ۳:۱۳ مراجعه نمایید.

□ "این خدمت" این عبارت اشاره به جمع‌آوری اعانات توسط کلیسای پولس برای کلیسای مادر در اورشلیم دارد. مشابه همین عبارت در دوم قرن‌تبیان ۱:۹ بکار برده شده است.

موضوع خاص: اعتراف/اقرار

(Special Topic: Confession-Profession)

A. در زبان یونانی دو حالت متفاوت برای کلمه‌ای از یک ریشه برای "اعتراف" و "اقرار" به کار می‌رود، *exomologō / homologeō*. لفظ مرکب از *homo*، است مشابه *legō* به معنی صحبت کردن، یا *ex* به معنی بیرون از. معنی پایه گفتن یک مطلب مشابه یا موافق بودن است. حرف اضافه *ex* که اضافه شده دلالت بر اعلام عمومی است.

B. ترجمه انگلیسی این کلمه مرکب اینها هستند:

۱. Praise - ستایش

۲. Agree - موافق

۳. Declare - اعلام (رجوع شود به انجیل متی ۷:۲۳)

۴. Profess - اقرار

۵. Confess اعتراف (رجوع شود به عبرانیان ۴:۱۴ و ۱۰:۲۳)

C. این کلمه مرکب کاربردهای متضاد هم دارد

۱. ستایش کردن (خدا)

۲. اقرار به گناه

اینها ممکن است نشأت گرفته از احساسات انسانی نسبت به مقدس بودن خدا و گناهکار بودن خودش باشد. تأیید کردن حقیقت هر کدام تأیید کردن هر دو می‌باشد.

D. کاربردهای این کلمه مرکب در عهد جدید به شرح زیر می‌باشند.

۱. وعده دادن (رجوع شود به انجیل متی ۱۴: ۷، اعمال رسولان ۷: ۱۷)
۲. موافقت کردن یا رضایت دادن به چیزی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۰، انجیل لوقا ۲۲: ۶، اعمال ۲۴: ۱۴، عبرانیان ۱۱: ۱۳)
۳. ستایش کردن (رجوع شود به انجیل متی ۱۱: ۲۵، انجیل لوقا ۱۲: ۸، انجیل یوحنا ۹: ۲۲، رومیان ۱۰: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۲۳، مکاشفه ۳: ۵)
۴. موافق بودن با
 - a. یک فرد (رجوع شود به انجیل متی ۱۰: ۳۲، انجیل لوقا ۱۲: ۸، انجیل یوحنا ۲۲: ۹، ۱۲: ۴۲، رومیان ۹: ۱۰، فیلیپیان ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۲۳، مکاشفه ۳: ۵)
 - b. حقیقت (رجوع شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸، اول یوحنا ۴: ۲)
۵. اعلام عمومی کردن (مفهوم قانونی و حقوقی در تأیید مذهبی وارد شده است، رجوع شود به اعمال رسولان ۲۴: ۱۴، اول تیموتائوس ۶: ۱۳)
 - a. بدون اقرار به گناه (رجوع شود به اول تیموتائوس ۶: ۱۲ و عبرانیان ۲۳: ۱۰)
 - b. با اقرار به گناه (رجوع شود به انجیل متی ۳: ۶، اعمال رسولان ۱۹: ۱۸، عبرانیان ۴: ۱۴، یعقوب ۵: ۱۶، اول یوحنا ۱: ۹)

NASB, NKJV,

"بندگی" NRSV, NJB

"وفاداری" TEV

معنی این عبارت "تسلیم و سرسپردگی" است (*hupotagē*، غلاطیان ۲: ۵؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۱۱؛ ۳: ۴)، ولی با توجه به اینکه موضوع "انجیل" است و نه یک انسان، معنی اطاعت می‌دهد.

موضوع خاص: تسلیم/ارائه (*hupotassō*)

(Special Topic: Submission)

انجیل Septuagint از این اصطلاح برای ترجمه ده اصطلاح متفاوت عبری استفاده کرده است. معنی اصلی آن "فرمان دادن" یا "حق فرمان" است. این برگرفته از Septuagint (LXX) است.

۱. فرامین خدا (مراجعه شود به لایوان ۱۰: ۱، یونا ۲: ۱، ۴: ۶ الی ۸)
 ۲. فرامین موسی (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۶: ۶، کتاب تثنیه ۲۷: ۱)
 ۳. فرمان پادشاهان (مراجعه شود به دوم تواریخ ۳۱: ۱۳)
- در عهد جدید این حس تداوم پیدا میکند همانند اعمال رسولان ۱۰: ۴۸، جایی که یکی از شاگردان فرمان صادر میکنند. با این حال، مفاهیم جدیدی در عهد جدید بسط یافته اند.
۱. یک جنبه اختیاری بسط می‌یابد (اغلب زمان میانی)
 ۲. این عمل محدود میتواند در دستورات و خواسته های عیسی دیده شود
 - a. به پدر (مراجعه شود به اول قرنطیان ۱۵: ۲۵)
 - b. به والدین زمینی خود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۱)
 ۳. مؤمنان به جنبه های فرهنگی می‌پردازند تا انجیل تحت تاثیر قرار نگیرد
 - a. سایر مومنین (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱)
 - b. همسران مومن (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۸، افسسیان ۵: ۲۲ الی ۲۴، تیتوس ۲: ۵، اول پطرس ۳: ۱)
 - c. مومنین نسبت به دولتهای کافر (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱ الی ۷، اول پطرس ۲: ۱۳)
- مومنین بر اساس انگیزه های عشق نسبت به خدا، نسبت به مسیح، نسبت به پادشاهی خدا، و به خاطر دیگران رفتار میکنند.

همانند *agapaō* (عشق) کلیسا این اصطلاح را با معنی جدیدی بر اساس نیازهای پادشاهی و نیازهای دیگران لبریز میسازد. این اصطلاح، یک عالم جدیدی از فروتنی، نه مبتنی بر یک فرمان، بلکه یک رابطه جدید با یک خداوند متعال و مسیح او است. مؤمنان اطاعت می کنند و به خاطر همه و برکت خانواده خداوند استوار می شوند.

■ "اعتراف شما به انجیل مسیح" اعتراف در اینجا بمعنی "موافقت با" می باشد (۱ تیموتائوس ۶: ۱۲-۱۳؛ ۱ یوحنا ۱: ۹). در این متن استعاره اعتراف برای آنان، آزادی در مشارکت در جمع آوری اعانات بوده، که تأییدی بر رابطه آنان با دیگر کلیساهای غیریهودی و مسیح است. حیات ابدی ویژگیهای مشهودی دارد!

■ "کمک به آنها" این واژه *koinōnia* (رومیان ۱۵: ۲۶)، که بمعنی "مشارکت مشترک با" می باشد. در اینجا اشاره به وجوه نقد داده شده برای فقرای کلیسای اورشلیم دارد (به یادداشت اول قرنیتیان ۱: ۱۶ مراجعه نمایید). به موضوع خاص در اول قرنیتیان ۹: ۱ مراجعه نمایید.

۱۴: ۹ "و به همه" این آیه اشاره به کسانی که هدایا را دریافت کردند، دارد (فقرای کلیسای اورشلیم و همه اعضای آن). پولس می خواست که این دو بال کلیسای اولیه برای همیشه بشکل جدا نشدنی متحد با یکدیگر باشند.

■ "نشان می دهید" *Huperballō*. بموضوع خاص: کاربرد کلمه تلفیقی *Huper* توسط پولس در اول قرنیتیان ۱: ۲ مراجعه نمایید.

۱۵: ۹ "سپاس بر خدا برای عطای وصف ناپذیرش" عده ای از مفسران این متن را در اشاره به هدایای نقدی قرنیتیان می دانند. آنان به این موارد استناد می کنند:

۱. فداکاری بزرگ عیسی که در دوم قرنیتیان ۸: ۹ ذکر آن بمیان آمد

۲. خیر خوش عیسی که در دوم قرنیتیان ۹: ۱ ذکر آن بمیان آمد

احتمالاً این جمله اشاره به خدمت عیسی ناصری، مسیح منجی دارد. James D. G. Dunn در کتاب *Unity and Diversity in the New Testament* (صفحه ۱۸۴) می گوید که "هدیه خدا" در کتاب اعمال رسولان اشاره به روح القدس دارد (عصر جدید، اعمال رسولان ۲: ۳۸؛ ۸: ۲۰؛ ۱۰: ۴۵؛ ۱۱: ۱۷). از خود گذشتگی در خدمتی که پسر انجام داد (دوم قرنیتیان ۸: ۹) برای:

۱. الهام بخشیدن به ایمانداران برای شکر نمودن خدا (*eucharistia*، دوم قرنیتیان ۹: ۱۱، ۱۲؛ *Charis*، دوم قرنیتیان ۹: ۱۳)

۲. مجاب نمودن آنان به کمک به ایمانداران نیازمند، از منابع مالی خود

NASB, NKJV,

NRSV "غیر قابل توصیف"

TEV "گرانقیمت"

NJB "فرا تر از توصیف"

این واژه یونانی *ekdiēgeomai*، که بمعنای توضیح کامل دادن یا ذکر همه جزئیات است، با اضافه شدن یک پیشوند آلفا، مفهوم منفی می گیرد. گاهی محبت خداوند بقدری برای انسانها شگفت انگیز است که عاجز از درک همه وجوه آن می گردند (تثنیه ۳۰: ۱۱؛ ایوب ۱۱: ۷؛ مزمور ۱۳۹: ۶؛ امثال ۳۰: ۱۸؛ اشعیا ۵۵: ۸-۹؛ رومیان ۱۱: ۳۳).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. ضوابط مباشرت در فصول ۸ و ۹ را با عبارات خود بصورت خلاصه بیان کنید؟

۲. با استفاده از عبارات خود تعریف کنید که نقل قول بکار برده شده در دوم قرنیتیان ۹: ۶ و دوم قرنیتیان ۹: ۱۰ چه مفهومی در زندگی شما دارد؟

دوم قرنتیان ۱۰

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
دفاع پولس از خدمت خود	نبرد روحانی	دادخواست برای رسالت راستین	دفاع پولس از خدمت خود	پاسخ پولس به اتهامات ضعیف
۶ - ۱:۱۰	۶ - ۱:۱۰	۶ - ۱:۱۰	۶ - ۱:۱۰	۱۱ - ۱:۱۰
	واقعیتِ اختیاراتِ پولس			
۱۱ - ۷:۱۰	۱۱ - ۷:۱۰	۱۱ - ۷:۱۰	۱۱ - ۷:۱۰	
۱۸ - ۱۲:۱۰	۱۸ - ۱۲:۱۰	۱۸ - ۱۲:۱۰	۱۶ - ۱۲:۱۰	پاسخ او به اتهامات جاه طلب
			۱۸ - ۱۷:۱۰	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

دیدگاه‌های متنی

A. فصلهای ۱۰ تا ۱۳ یک مجموعه از نامه را تشکیل می‌دهند که در آنها پولس در برابر اتهامات معلمان دروغین از خود دفاع می‌کند. این معلمان، پولس را تبدیل به معمای بحث خود نموده بودند. بنابراین، او با اکراه، بر مبنای زمینه‌های بشری و با استفاده از سبک آیینها و کلماتی که این معلمان با آنها آشنا بودند، از خود دفاع می‌کند. هدف او در نهایت دفاع از انجیل بوده است.

B. برخی مثالها از اتهاماتی که علیه پولس مطرح بودند، بشرح زیر است

۱. او رو در رو بسیار مهربان، ولی در نامه‌هایی که می‌نوشت بسیار گستاخانه و جسورانه بود، دوم قرنتیان ۱:۱۰، ۹، ۱۱
۲. او در پایینترین سطح از انگیزه‌های بشری عمل می‌کرد، دوم قرنتیان ۲:۱۰
۳. او دارای ظاهری نامناسب بوده و در اجرای آیینهای مذهبی بسیار ضعیف بود؛ دوم قرنتیان ۱۰، ۲:۱۰
۴. او فقط بخاطر پول و مادیات موعظه می‌کرد، دوم قرنتیان ۸:۱۱، ۱۲، ۱۶:۱۲

C. دشمنان پولس

۱. بنظر می‌رسد که سه گروه در دشمنی با او دخیل بودند

- a. یک بومی احتمالی اهل قرتنس (نفاق افکنان اول قرنتیان ۱-۴)
- b. یک یهودی احتمالاً از فلسطین (شبيه به متخصمان با یهودیت در دوم قرنتیان ۱۰-۱۳)
- c. احتمالاً تلفیق هر دو مورد بالا

۲. با توجه به اول قرنتیان، بنظر می‌رسد که گروه‌های متخاصم و مهاجم از گروه‌های مخالف بوده باشند

a. گروه‌های شریعتگرا (زاهدان)

b. گروه‌های ضد دین (آزادی‌گرایان)

D. بدلیل اینکه پولس از ده‌ها نام‌های که به کلیسای قرن‌تس نوشته بود، که بروشنی نگهداری نشده بودند ذکر بمیان آورده، میان مفسران گمانه‌زنی‌هایی درباره این نام‌های گمشده از دوم قرن‌تین وجود داشته است. بطور یقین درست است که بدلیل کاربرد پولس از دستور زبان یونانی آئوریست در رساله‌های خود برای اشاره به نام‌های مختلفی که نوشته بود، منجر به بوجود آمدن سردرگمی و البته مجموعه‌ی روشنی از نام‌ها که دوم قرن‌تین را بوجود آورده شده، و لذا تخمین ترتیب زمانی و عقلی نام‌ها بهیچوجه درست بنظر نرسد. این احتمال قطعاً وجود دارد که قطع ارتباط بوسیله نوشتن این نام در طول دوره خاص بوجود آمد و آن اطلاعات جدید پس از اینکه وی مجموعه‌ای از مکاتبات را انجام داد، بدست آمدند. نام با یک تأکید مثبت شروع و سپس بحالت منفی باز می‌گردد.

احتمال مفقود شدن برخی نام‌های پولس باعث ناراحتی من نگشته (احتمالاً آنها حاوی اطلاعاتی بودند که روح نمی‌خواست تبدیل متن گردد)، چون هیچ سندی در نسخه‌های سنتی یونانی و نه سنت کلیسا درباره روح محتوای دوم قرن‌تین وجود ندارد، اما این حدس و گمان‌هایی که مفسران غربی امروزی مطرح می‌کنند مرا آزار می‌دهد! ما نباید متفکران و نویسندگان مشرق زمین باستان را به زور در دسته‌بندی‌های ادبی غرب امروزی جای دهیم.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۱۰:۱-۶

۱ من، پولس، که در حضور شما 'زبونم' اما به دور از شما 'جسور'، با حلم و نرمش مسیح از شما استدعا دارم^۲ و التماس می‌کنم که به هنگام آمدنم نزد شما ناگزیر نباشم با کسانی که می‌پندارند ما با میزانی‌های این دنیا زندگی می‌کنیم، با جسارت بسیار عمل کنم. زیرا هرچند در این دنیا به سر می‌بریم، اما به روش دنیوی نمی‌جنگیم. چرا که اسلحه جنگ ما دنیوی نیست، بلکه به نیروی الهی قادر به انهدام دژهاست. ^۵ ما استدلال‌ها و هر ادعای تکبرآمیز را که در برابر شناخت خدا قد علم کند ویران می‌کنیم و هر اندیشه‌ای را به اطاعت از مسیح اسیر می‌سازیم. ^۶ و در حال آماده‌باش هستیم، تا وقتی اطاعت خود شما کامل شود، هر ناطاعتی را به مجازات رسانیم.

۱۰:۱ من، پولس از شما استدعا دارم " در اینجا پولس همچون فصل‌های گذشته از برای دفاع از خود در برابر اتهامات معلمان دروغین از "ما" استفاده نمی‌کند. پولس از کلمات *autos* و *ego* (دوم قرن‌تین ۱۲:۱۳؛ رومیان ۷:۲۵؛ ۹:۴؛ ۱۵:۲۴؛ و غلاطیان ۵:۲ *ego* و *Paulos*) برای تأکید بر دادخواست شخصی خود بهره می‌برد.

برای مطالعه بیشتر درباره "استدعا" به یادداشت دوم قرن‌تین ۱:۴-۱۱ مراجعه نمایید.

□ "با حلم و نرمش مسیح" پولس حتی با این معلمان دروغین با بهره‌گیری از روش‌های مناسب گفتاری برخورد می‌کند (متی ۱۱:۲۹). حلم (نجابت) نزد متفکران یونانی تقوا محسوب نمی‌گردید (سقراط، ارسطو، رواقی). این عبارت منعکس‌کننده یکی از انتقادات از پولس می‌باشد. M. R. Vincent در کتاب *Word Studies* جلد ۲ تصریح می‌دهد که در نسخه Septuagint که "حلم" (*parus*، دوم قرن‌تین ۱۰:۱)، "نرمش" (*tapeinos*)، دون قرن‌تین ۱۰:۱) و "فقیر" (*penēs* آیه ۹:۹) برای ترجمه کلمات مشابه عبری بکار برده شده‌اند. آنها متضاد غنی و توانمند در برابر حقیر و فرومایه هستند (ص. ۸۳۲).

□ "که در حضور شما 'زبونم' اما به دور از شما 'جسور'" اینگونه ارزیابی می‌تواند اشاره به نام شدیدالحن پولس که گمشده، داشته باشد (دوم قرن‌تین ۹:۱-۱۱). به نوع کاربردی که با مفهوم "حلم" انجام می‌دهد توجه داشته باشید. وی مسیح را فروتن می‌نامد (کاربرد *praus* درباره مسیح منجی در متی ۲۱:۵ و ایمانداران در متی ۵:۵؛ ۱ پطرس ۳:۴، ۱۵). در این عبارت او از واژه مترادف با *tapeinos* استفاده نموده (Louw and Nida در کتاب *Greek-English Lexicon*، جلد ۱، صفحه ۷۴۸)، که در عین حال برای عیسی (متی ۱۱:۲۹) و پولس (دوم قرن‌تین ۷:۱۱؛ ۱۲:۲۱) نیز بکار برده شده است.

□ "جسور" به یادداشت دوم قرن‌تین ۵:۶ مراجعه نمایید.

۱۰:۲ "استدعا دارم" این واژه یونانی *deomai* بوده، که بمعنی تمنا کردن با حالت فوریت یا عرضحال دادن می‌باشد. این واژه مترادف با واژه‌ایست که Louw and Nida، *parakaleō* در کتاب *Greek-English Lexicon*، جلد ۱ صفحه ۴۰۸) پولس در دوم قرن‌تین ۱۰:۱ بکار برده است (دوم قرن‌تین ۵:۸؛

۵:۲۰؛ ۶:۱؛ ۸:۶؛ ۹:۵؛ ۱۲:۸؛ ۱۸؛ ۱۳:۱۱). وی از ایماندارن تمنا می‌کرد که در ارزشیابی خود نسبت به آنچه که از معلمان دروغین شنیده بودند، تجدید نظر کنند.

■ "به هنگام آمدنم" پولس نمی‌خواست تا زمانی‌که همه چیز تغییر یابد، به قرنتس باز گردد. او نمی‌خواست جسارت داشته باشد بلکه می‌خواست با آنان با ملایمت برخورد کند.

■ "ناگزیر نباشم با کسانی که می‌پندارند ما با میزانهای این دنیا زندگی می‌کنیم، با جسارت بسیار عمل کنم" در متن یونانی با واژه‌ای که برای "کسانی" بکار رفته تغییراتی داده شده است. معلمان دروغین پولس را متهم به کار با کیفیت پایین و بر اساس انگیزه‌های دنیوی می‌کردند (انگیزه‌های انسانی و دنیوی). درحالی‌که پولس می‌پذیرد که او یک انسان است، (دارای بدن فیزیکی، دوم قرنتیان ۳:۱۰)، وی قویاً تصریح می‌کند که با انگیزه‌های انسانی و دنیوی کار نمی‌کند (دوم قرنتیان ۱:۱۷؛ ۲:۱۷؛ ۳:۴؛ ۷:۲؛ ۱۰:۳-۴). برای مطالعه بیشتر درباره "اعتماد بنفس" به یادداشت دوم قرنتیان ۳:۴ مراجعه نمایید.

■ "توجه...پیشنهاد" (در نسخه فارسی بکار نرفته است) اینها واژگان تغییر یافته یونانی کلمه‌ی *logizo* هستند. پولس از این فعل (حال کامل اخباری [deponent]) برای تشریح عقاید خود، و از وجه وصفی معلوم (حال میانی [deponent]) برای تشریح اتهامات معلمان دروغین بهره برده است. این واژه می‌تواند یک عبارت تکنیکی که صوفسطائیان بکار می‌بردند، باشد (به کتاب *Philo and Paul Among Sophists* نوشته Bruce W. Winter مراجعه نمایید). به یادداشت کاملتر درباره این واژه در دوم قرنتیان ۵:۳ مراجعه نمایید.

■ "زندگی می‌کنیم" این یک اصطلاح عبری برای نوع و سبک زندگی است (افسیسیان ۱:۴؛ ۱۷؛ ۲:۵؛ ۱).
■ "میزانهای این دنیا" این مردم پولس را در با توجه به استانداردهای جامعه مورد داوری قرار داده بودند (اول قرنتیان ۸:۹؛ ۱۵:۳۲؛ رومیان ۳:۵؛ غلاطیان ۱:۱۱؛ ۳:۱۵). ایمانداران استانداردهای متفاوتی دارند. آنان کلام خدا را با استاندارد (۱) عهد عتیق؛ (۲) مسیح؛ و (۳) عهد جدید برای همگان عیان می‌کنند. به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱:۲۶ مراجعه شود.

■ "میزانهای این دنیا" این مردم پولس را در با توجه به استانداردهای جامعه مورد داوری قرار داده بودند (اول قرنتیان ۸:۹؛ ۱۵:۳۲؛ رومیان ۳:۵؛ غلاطیان ۱:۱۱؛ ۳:۱۵). ایمانداران استانداردهای متفاوتی دارند. آنان کلام خدا را با استاندارد (۱) عهد عتیق؛ (۲) مسیح؛ و (۳) عهد جدید برای همگان عیان می‌کنند. به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱:۲۶ مراجعه شود.

■ "جنگ" واژه یونانی بکار برده شده *strateuō* می‌باشد. ما واژه استراتژی را در زبان انگلیسی از همین کلمه گرفته‌ایم. این واژه برای سرباز (اول قرنتیان ۹:۷؛ ۲ تیموتائوس ۲:۲) یا بعنوان استعاره درباره یک جنگ معنوی بکار برده شده است (در اینجا و ۱ تیموتائوس ۱:۱۸). در عالم معنویت همچنان مناقشه وجود دارد.

■ "جنگ" واژه یونانی بکار برده شده *strateuō* می‌باشد. ما واژه استراتژی را در زبان انگلیسی از همین کلمه گرفته‌ایم. این واژه برای سرباز (اول قرنتیان ۹:۷؛ ۲ تیموتائوس ۲:۲) یا بعنوان استعاره درباره یک جنگ معنوی بکار برده شده است (در اینجا و ۱ تیموتائوس ۱:۱۸). در عالم معنویت همچنان مناقشه وجود دارد.

■ ۱۰:۴-۵ مجموعه‌ای از مواردی که در دوم قرنتیان ۱۰:۴-۵ ذکر گردیده موجود می‌باشد که پولس آنها را مورد حمله قرار داده است:

۱. انهدام دژها (*ochurōma*)

۲. انهدام استدلالها (*logizomai*)

۳. انهدام هر چه در برابر خدا قد علم کند (*huphōma*)

۴. اسیر کردن همه اندیشه‌ها (*noēma*)

احتمالاً این مطالب را در اشاره به علوم صوفسطائیان عنوان شده که پولس پیشتر در اول قرنتیان ۱-۴ آن را بی‌اعتبار خوانده بود (Bruce W. Winter در کتاب *Philo and Paul Among the Sophists*، صفحات ۱۸۰-۲۰۲).

■ ۱۰:۴ "اسلحه جنگ ما" پولس پیشتر در دوم قرنتیان ۶:۷ به این اسلحه اشاره کرده بود. کتاب رومیان در همین حدود زمانی در قرنتس نوشته شد. وی همچنین به این اسلحه در رومیان ۶:۱۳ و ۱۳:۱۲ اشاره کرده است. پطرس از این فعل در ۱ پطرس ۴:۱ استفاده کرد، در جاییکه وی ایمانداران را تشویق به مجهز کردن خود در برابر چالشهای دنیوی می‌کند.

کتاب خوبی که در این زمینه می‌توانم به شما معرفی کنم، *Three Crucial Questions About Spittual Warfare* به قلم Clinton E. Arnold چاپ انتشارات Baker است.

□ "انهدام دژها" این عبارت می‌تواند اشاره‌ای به امثال ۲۲:۲۱ باشد (متن طولانیتر در دوم قرن‌تین ۱۰:۱۳-۳۱). در میان مفسران بحث‌های زیادی درباره معنی این عبارت وجود داشته، اما بدیهی است که دوم قرن‌تین ۵:۱۰ توضیحات دژهای روحانی است که پولس به آنها اشاره می‌کند. بنظر می‌رسد که وی الهیات دروغین معلمان دروغین را مورد خطاب قرار می‌دهد.

۵:۱۰

NASB	"تخریب گمانها"
NKJV	"فرو ریختن جدلها"
NRSV	"جدلها را تخریب کنید"
TEV	"پایین کشید"
NJB	"تفکر ایتیسست که ویران می‌کنیم"

به یادداشت دوم قرن‌تین ۵:۳ مراجعه نمایید.

NASB	"و هر چیز رفیع"
NKJV	"و هر چیز بلند"
NRSV	"و هر مانع مرتفع"
TEV	"هر مانع مرتفع"
NJB	"هر قوم جسور"

واژه‌ای که بکار برده شده، "ارتفاع" است، ولی در قالب بالا بودن تفکرات انسانی. این واژه منعکس کننده تأکیدات بیش از اندازه معلمان دروغین بر

۱. دانش و استدلال بشری (دوم قرن‌تین ۱:۱۸-۲۵؛ کولسیان ۸:۲)

۲. شریعت‌گرایی (کولسیان ۲:۱۶-۲۳)

□ "هر اندیشه‌ای را به اطاعت از مسیح اسیر می‌سازیم" فعل بکار برده شده، ترکیبی از "نیزه" و "در جنگ به اسارت گرفته شده" است. این معلمان دروغین فکر و ذهن ایمانداران قرن‌تس را به اسارت گرفته بودند. پولس ما را بر آن داشت تا "افکار خود را تازه ساخته" (رومیان ۲:۱۲؛ افسسیان ۴:۲۳)؛ از ذهن خود محافظت نماییم (فیلیپیان ۴:۷). نجات به رایگان بدست می‌آید، اما زندگی در مسیحیت بوسیله اطاعت، خدمت، عبادت و استقامت شکل می‌گیرد. اینها مسئولیتهایی هستند که ما در عهد خداوند داریم. در عالم معنویت همچنان مناقشه وجود دارد!

پولس در دوم قرن‌تین اغلب از کلمه "اندیشه" (*noēma*) استفاده کرده (دوم قرن‌تین ۲:۱۱؛ ۳:۱۴؛ ۴:۴؛ ۳:۱۱)، اما در فیلیپیان ۷:۴ فقط یک بار آن را بکار برده است. تأکید بیش از اندازه‌ی قرن‌تین بر روی حکمت و دانش بشر علت تکرار این موضوع بوده است. کتاب *The Analytical Greek Lexicon Revised* نوشته Harold K. Moulton چندین فهرست از معانی آن را ثبت کرده است (صفحه ۲۸۰).

۱. ذهن، درک، هوشمندی - دوم قرن‌تین ۳:۱۴؛ ۴:۴

۲. دل، روح، تأثیرات، احساسات، وضعیت - دوم قرن‌تین ۱۱:۳

۳. مفهومی از ذهن، تفکر، مقصود، ابزار - دوم قرن‌تین ۲:۱۱؛ ۵:۱۱

۱۱:۶ پولس به معلمان دروغین و پیروان آنها هشدار می‌دهد که روز حساب و کتاب آنها در حال فرا رسیدن است. آنها وی را به متهم به ضعف کردند، اما آنان در واقع متوجه صبری که پولس در برابرشان نشان می‌داد، نمی‌شدند. صبری که (۱) بخاطر مسیح و (۲) بخاطر سلامت و تشریک مساعی در کلیسا پولس از خود نشان می‌داد. پولس هشدار می‌دهد که این کلیسا باید پیش از ورود وی مشکلات خود را حل کرده، در غیر اینصورت او شخصاً به این مشکلات خواهد پرداخت (اول قرن‌تین ۵:۳-۵).

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۱۰:۷-۱۱

^۷ شما تنها به ظواهر می‌نگرید. اگر کسی اطمینان دارد از آن مسیح است، باید در نظر داشته باشد که ما نیز به همان اندازه از آن مسیحیم.
^۸ زیرا سرافکنده نخواهیم شد حتی اگر اندکی بیش از اندازه به اقتداری فخر کنم که خداوند نه برای ویرانی بلکه برای بنای شما به ما داده است.
^۹ نمی‌خواهیم به نظر آید که می‌کوشیم با نامه‌های خود شما را بتراسانیم،^۱ زیرا بعضی می‌گویند: «نامه‌های او وزین و قوی است، اما حضورش

ضعیف و بیانش رقت‌انگیز.»^{۱۱} آنان که چنین می‌گویند باید بدانند که هرآنچه در غیاب خود در نامه‌ها مان می‌گوییم، همان را به هنگام حضور، به عمل خواهیم آورد.

۷:۱۰ "می‌نگرید" در یونانی صرف فعل یا می‌تواند دستوری (NRSV, NJB) یا اخباری (NASB, TEV, NIV) باشد. نسخه‌های NKJV و ASV این عبارت را بصورت سوالی ترجمه کرده است.

کلیسای قرن‌های زمینی/دنیوی/انسانی را بجای تمرکز بر روی انجیل تحلیل و مورد هجمه قرار داده بود.

□ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است. برخی در کلیسای قرن‌س (اول قرن‌تیا ۱۴:۳۷) خود را بخاطر موقعیت و جایگاه روحانی که داشتند، می‌فریفتند ("اگر کسی اطمینان دارد"، مجهول کامل اخباری).

□ "کسی اطمینان دارد" پولس از عبارت *eaoutou* دو بار در این آیه استفاده کرده است. این معلمان دروغین خود را می‌فریفتند. این دشوارترین وضعیت روحانی برای دلیل آوردن و اثر گذاردن است.

□ "از آن مسیح است، باید در نظر داشته باشد که ما نیز به همان اندازه از آن مسیحیم" معلمان دروغین مدعی داشتن اقتدار و جایگاه خاص بودند، اما پولس را انکار می‌کردند.

۸:۱۰ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم بوده که سخن از احتمال روی دادن عملی می‌گوید (دوم قرن‌تیا ۱۱:۱ - ۱۳:۱۲)

□ "فخر" این عبارت (*kauchaomai* و حالات دیگر آن) اغلب در نامه‌های پولس به قرن‌تیا بکار برده شده است.

۱. *Kauchaomai* (جلال، فخر، اول قرن‌تیا ۱:۲۹، ۳۱:۳؛ ۴:۷؛ ۱۳:۳؛ دوم قرن‌تیا ۵:۱۲؛ ۷:۱۴؛ ۹:۲؛ ۱۰:۸، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷؛ ۱۱:۱۲، ۱۶، ۱۸، ۳۰؛ ۱۲:۱، ۵، ۶، ۹)

۲. *Kauchēma* (اول قرن‌تیا ۵:۶؛ ۹:۱۵، ۱۶؛ دوم قرن‌تیا ۱:۱۴؛ ۵:۱۲؛ ۹:۳)

۳. *Kauchēsis* (اول قرن‌تیا ۱۵:۳۱؛ دوم قرن‌تیا ۱:۱۲؛ ۴:۷؛ ۱۴:۸؛ ۲۴:۱۱؛ ۱۰:۱۷)

به یادداشت کاملتر درباره این کلمه در دوم قرن‌تیا ۱:۱۲ و موضوع خاص در اول قرن‌تیا ۵:۶ مراجعه نمایید.

□ "اقتداری که خداوند به ما داده است" این اشاره به رویدادی که پولس در جاده دمشق با آن روبرو شد، دارد (اعمال رسولان ۹:۱۵، ۱۶؛ رومیان ۵:۱؛ غلاطیان ۲:۹).

□ "نه برای ویرانی بلکه برای بنای شما" پولس این عبارت را در دوم قرن‌تیا ۱۳:۱۰ تکرار می‌کند. این عبارت شبیه به فراخوان اشعیا (اشعیا ۶) و ارمیا (ارمیا ۱) بوده، بجز اینکه آنان فرا خوانده شده بودند که هر دو کار را با هم انجام دهند! پولس از فعل مشابهی (*kathairesis*) که در دوم قرن‌تیا ۱۰:۴ (دو بار) برای تخریب دژهای انسانی استفاده نموده است. پولس فراخوانده شده تا بجز کلیسای خویش، برخی چیزها و تفکرات را نابود سازد. وی فراخوانده شده تا از کلیسا دفاع و محافظت نماید (دوم قرن‌تیا ۱۰:۹). به موضوع خاص: تقدیس در اول قرن‌تیا ۸:۱ مراجعه نمایید.

□ "سرافکنده نخواهم شد" پولس از خود دفاع می‌کند چون معلمان دروغین چنین وضعیتی را برای او بوجود آورده‌اند. او از (۱) اقتدار و اختیاراتی که به او داده شده بود و (۲) انجیلی که وعظ می‌کرد، دفاع می‌نمود.

این امر منعکس کننده وعده‌های خداوند در عهد عتیق است (رومیان ۹:۳۳ و ۱۰:۱۱؛ نقل قول از اشعیا ۲۸:۱۶)، در آنجا، آنان که به خداوند اعتماد داشتند سرافکنده و ناامید نمی‌شدند. پولس می‌دانست که به چه کسی باید اعتماد کند!

حتی اگر پولس (NRSV, TEV) در ندا و منصب خود فخر زیاد می‌داشت، باز هم این خدای راستین بود که از وی دفاع می‌کرد! آنان که اقتدار پولس را منکر می‌شدند، محکوم به فنا بودند (اول قرن‌تیا ۱۴:۳۷-۳۸).

۹:۱۰ نامه‌های پولس وزین بوده و معرف توبه‌ی او بودند و بنا نبود که محکومیت به ارمغان آورند (دوم قرن‌تیا ۷:۵-۱۳). اما وضع برای معلمان دروغین بگونه‌ای دیگر بود (دوم قرن‌تیا ۱۰:۸، ۱۱؛ ۱۳:۱۰).

۱۰:۱۰ "زیرا بعضی می‌گویند" نسخه‌های MSS B، Latin Vulgate و Peshitta عبارت "بعضی می‌گویند" را ثبت کرده‌اند (ترجمه Syriac قرن پنجم میلادی). اکثر نسخه‌های خطی یونانی نوشته‌اند "او می‌گوید"، که اشاره به حلقه رهبری معلمان دروغین دارد (دوم قرن‌تیا ۱۰:۷، ۱۱؛ ۱۱:۴). بیشتر نسخه‌های خطی یونانی دیگر عبارت "او می‌گوید" را ثبت کرده‌اند که اشاره به حلقه رهبری معلمان دروغین دارد (دوم قرن‌تیا ۱۰:۷، ۱۱؛ ۱۱:۴).

□ "حضورش ضعیف" ویژگیهای بدنی پولس، بر اساس یک سنت قرن دوم، در کتاب بنام *Paul and Thekla* از تسالونیک نوشته شده است. مطابق آنچه که در این کتاب نوشته شده، وی دارای قدی کوتاه، سری طاس، زانوهای قوس دار، ابروهای پر پشت و چشمانی بیرون زده بود. پولس بلحاظ فیزیکی مردی جذاب محسوب نمی گردید (غلاطیان ۱۴:۴). برخی از این مشخصات فیزیکی می تواند به بدن پاره‌ی او مرتبط باشد (دوم قرنتیان ۷:۱۲). که من فکر می کنم مشکلات مربوط به چشم، احتمالاً مربوط به ماجرای کور شدن وی در "جاده دمشق" بوده است. احتمال دارد که این عبارت، همچون عبارت بعدی، به فن بیان پولس در جمع مربوط بوده باشد که یکی از موضوعات اصلی مشاجره می باشد (اول قرنتیان ۱۷:۱). از این موضوع اغلب بعنوان "حضور در صحنه" یاد می شود (کتاب *Afiter Paul Left Corinth* نوشته Bruce W. Winter صفحه ۳۵).

□ "بیانش رقت انگیز" این یک وجه وصفی مجهول کامل، و عبارتی شدیدالحن یونانی می باشد (اول قرنتیان ۲۸:۱؛ ۴:۶؛ ۱۱:۱۶؛ رومیان ۳:۱۴، ۱۰). پولس سخنوری قهار نبود (فن بیان به سبک یونانی، اول قرنتیان ۱۷:۱؛ دوم قرنتیان ۶:۱۱). آپولس واعظی با فن بیان فصیح از اسکندریه بود. با اینحال، پولس با وجود عدم مهارت در فن بیان (دوم قرنتیان ۶:۱۱)، مدعی بود که پیام و اقتدار خود را از مسیح دریافت داشته بود.

۱۱:۱۰ معلمان دروغین پولس را متعم به نگارش نامه‌های قوی، اما با ارائه‌ای ضعیف می کردند. پولس تصریح می کند که قدرتی که آنها در نامه‌های او اذعان می کنند، می تواند برابر با ارائه شخصی آن بوده و همه چیز برای او درست گردد!

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱۲:۱۰-۱۸

۱۲ ما جرأت نمی کنیم خود را از زمره کسانی بشماریم یا با کسانی قیاس کنیم که خودستایند. چه نابخردانه است که آنان درباره خویشتن با میزانهای خودشان قضاوت می کنند و خود را با خود می سنجند. ۱۳ ولی ما نه بیش از حد مجاز، بلکه در حدودی فخر می کنیم که خدا برایمان معین کرده است، حدودی که شما را نیز در بر می گیرد. ۱۴ ما از حدود خود پا فراتر نگذاشته ایم، چنانکه گویی هرگز نزد شما نیامده باشیم. زیرا نخستین کسانی بودیم که انجیل مسیح را به شما رساندیم. ۱۵ ما به آنچه دیگران انجام داده اند فخر نکرده، از حدود خود تجاوز نمی کنیم. امید ما این است که هر چه ایمان شما بیشتر رشد می کند، دامنه فعالیت ما در میان شما نیز گسترده تر شود، ۱۶ تا بتوانیم انجیل را در سرزمینهایی فراسوی شما بشارت دهیم. زیرا نمی خواهیم به کاری فخر کنیم که بیشتر، و آن هم در قلمرو شخصی دیگر انجام شده است. ۱۷ پس «هر که فخر می کند، به خداوند فخر کند.» ۱۸ زیرا نه آن که خودستایی کند پذیرفته می شود، بلکه آن که خدا او را بستاید.

۱۲:۱۰ "آنان درباره خویشتن با میزانهای خودشان قضاوت می کنند و خود را با خود می سنجند" پولس در دوم قرنتیان ۳:۱ به تقدیر بشر اشاره کرد (دوم قرنتیان ۱۸:۱۰)؛ اکنون وی این قیاسها را بسط می دهد. بدیهی است که این معلمان دروغین خود را با پولس مقایسه می کردند به گونه‌ای که موقعیت خود را برجسته نموده و او را بی ارزش جلوه دهند.

پولس بر اساس مطالعات خود از عهد عتیق (۱ سموئیل ۷:۱۶؛ امثال ۲:۲۱) می دانست که حاصل این داستان چه خواهد بود. او احتمالاً با آموزه‌های عیسی درباره مردمی که خود را توجیه می کردند، آشنایی داشت (لوقا ۲۹:۱۰؛ ۱۵:۱۶؛ ۹:۱۸، ۱۴). همچون آیه دوم قرنتیان ۱:۱۰، در اینجا نیز طعنه‌ای وجود دارد. پولس از این قالب در اول قرنتیان زیاد استفاده کرده است.

میان دو مصدر کامل اُتوریستی، تغییراتی داده شده است

۱. *Egkrinai* (en) و *krinō*، بمعنی قاضی در حالیکه به یک طبقه ورده تعلق دارد

۲. *Sugkrinai* (sun) و *krinō*، داوری بوسیله مقایسه کردن

در دستخط باستانی بیزا (Unical MS قرن پنجم) عبارتی در پایان دوم قرنتیان ۱۲:۱۰ و شروع دوم قرنتیان ۱۳:۱۰ از قلم افتاده است. بنظر می رسد که چشمان کاتب از "ou" در دوم قرنتیان ۱۲:۱۰ به "ouk" دوم قرنتیان ۱۳:۱۰ سریع حرکت کرده و این کلمات را ندیده است ("درک نمی کنیم. اما نخواهیم..."). به ضمیمه دوم انتقادات متنی مراجعه نمایید. نسخه UBS4 به اضافه شدن این عبارت رتبه "B" داده است (بمعنی تقریباً مطمئن).

□ "چه نابخردانه است" این اظهار نظر تکان دهنده ایست.

۱. از نظر فیلسوفان یونانی این می تواند ادعای دستیابی آنان به فراتر از دانش روحانی را کم بها نماید

۲. از نظر متفکران عبرانی این می تواند اشاره به حیوانات باشد

۱۳:۱۰ پولس اشاره به ندای آسمانی برای او و الزام (تجربه "جاده دمشق"، اعمال رسولان ۹:۲۲-۳:۱۶؛ ۹:۲۶-۱۸) به رسالت وی برای غیریهودیان می کند. او نه قیاس می کند و نه خودستایی، بلکه ندای خدا را بیان می کند.

خداوند او را بعنوان معرف به غیریهودیان خوانده، و حتی کلیسای قرنتس را نیز شامل حال کرده بود (دوم قرنتیان ۱۴:۱۰-۱۵).

▣ "حدودی که خدا برایمان معین کرده است" نسخه NASB Study Bible (صفحه ۱۷۰۱) نظر خوبی درباره این متن دارد.

۱۳:۱۰ حدودی که خدا برایمان معین کرده است. تصویری که پولس در ذهن مجسم کرده همچون میدان دو بوده که برای هر دونه، خط‌کشی مشخص راه‌ها را از یکدیگر جدا نموده است. در اینصورت، 'حدود' باید همچون 'مسیر' ارزیابی شود (همچنین در دوم قرنتیان ۱۰:۱۵-۱۶). رسولان دروغین همچون مزاحمینی، وارد مسیری که خدا برای پولس مشخص، و وی را بعنوان رسول راستین برای قرنتیان فرستاده بود، شده بودند. او برخلاف معلمان دروغین، قصد نداشت وارد محدوده‌ای که برای آنان مشخص شده بود، شود. دیگران کلمات یونانی بکار برده شده در جمله سوالی را برای اشاره به حوزه اختیارات مشخص شده می‌دانند.

۱۴:۱۰ "ما از حدود خود پا فراتر نگذاشته‌ایم" این یک تلفیق دیگر *Huper* است، *huperekeinō*. به موضوع خاص: کاربرد واژه تلفیقی *Huper* توسط پولس در اول قرنتیان ۲:۱ مراجعه نمایید.

▣ "نخستین کسانی بودیم که انجیل مسیح را به شما رساندیم" پولس بنیانگذار کلیسای قرنتس بود، با اینحال معلمان دروغین سعی داشتند تا امتیاز آن را بنام خود ثبت نمایند (دوم قرنتیان ۱۰:۱۸).

۱۵:۱۰ "ما به آنچه دیگران انجام داده‌اند فخر نکرده، از حدود خود تجاوز نمی‌کنیم" معلمان دروغین اعتبار کلیسای قرنتس را که پولس بنیان گذارده بود، از آن خود می‌دانستند.

۱۶:۱۰ "بتوانیم انجیل را در سرزمینهایی فراسوی شما بشارت دهیم" این عبارت ظاهراً در اشاره به اشتیاق پولس به رفتن به روم و/یا اسپانیا دارد (اعمال رسولان ۲۱:۱۹؛ رومیان ۱۵:۲۲). او می‌خواست کلیساهایی تأسیس کند تا بتوانند او را بمنظور مشارکت در جمع‌آوری اعانات برای اورشلیم و برای قادر ساختن وی به سفر بسوی غرب مدیترانه و ساختن کلیساهای بیشتر کمک نمایند.

"فراسو"، واژه ترکیبی "*huper*" دیگری می‌باشد (*huperekeinē*)، به موضوع خاص: کاربرد واژه تلفیقی *Huper* توسط پولس در اول قرنتیان ۲:۱ مراجعه نمایید.

۱۷:۱۰ "هر که فخر می‌کند، به خداوند فخر کند" این نقل قول از ارمیا ۹:۲۳-۲۴ در نسخه Septuagint است. این عبارات همچنین در اول قرنتیان ۳۱:۱ نقل گردیده است. فخرفروشی بشر حماقت است. به موضوع خاص: فخر در دوم قرنتیان ۱:۱۲ مراجعه نمایید.

۱۸:۱۰ سوال اصلی در اینجا اینست که کدام نقایق افکن، معلم یا الهیاتی را عیسی می‌پذیرد (اول قرنتیان ۴:۱-۵).

سوالات این بحث

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.
۱. انقطاع مشهود میان فصلهای ۹ و ۱۰ را توضیح دهید.
 ۲. برخی از اتهامات معلمان دروغین علیه پولس چه بودند؟
 ۳. چرا پولس از استعارات نظامی برای تشریح تنش میان معلمان دروغین استفاده کرده است؟
 ۴. آیا این معلمان دروغین مسیحیان صادقی بودند که فقط دارای نقاط ضعف یا اشتباهی در الهیات بوده که رهبران آنها سعی در دور نگه داشتن آنها از حقیقت انجیل داشتند؟

دوم قرتیان ۱۱

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
پولس و رسولان دروغین	نگرانی برای ایمان آنان	پاسخ پولس به مخالفان	پولس و رسولان دروغین	پولس به صدای دعا‌های خود کشیده می‌شود (۱:۱۱ - ۱۸:۱۲)
۶ - ۱:۱۱	۴ - ۱:۱۱	۶ - ۱:۱۱	۴ - ۱:۱۱	۶ - ۱:۱۱
	پولس و رسولان دروغین		۶ - ۵:۱۱	
۱۱ - ۷:۱۱	۱۵ - ۵:۱۱	۱۱ - ۷:۱۱	۱۱ - ۷:۱۱	۱۵ - ۷:۱۱
۱۵ - ۱۲:۱۱		۱۵ - ۱۲:۱۱	۱۵ - ۱۲:۱۱	
عذاب پولس بعنوان یک رسول	عدم تمایل به فخرفروشی		عذاب پولس بعنوان یک رسول	
۲۹ - ۱۶:۱۱	۲۱ - ۱۶:۱۱	۲۱ - ۱۶:۱۱	۲۱ - ۱۶:۱۱	۲۱ - ۱۶:۱۱
	رنج بخاطر مسیح			
	۲۳ - ۲۲:۱۱	۲۹ - ۲۱:۱۱	۲۹ - ۲۱:۱۱	۲۹ - ۲۱:۱۱
۳۳ - ۳۰:۱۱		۳۳ - ۳۰:۱۱	۳۳ - ۳۰:۱۱	۳۳ - ۳۰:۱۱

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

دیدگاه‌های متنی

- A. دوم قرتیان ۱۰-۱۳ یک مجموعه از مکاتبات را تشکیل می‌دهد. در این بخش که بسیار نیز با فصلهای پیشین در دوم قرتیان متفاوت می‌باشد، پولس از خود در برابر حملات معلمان دروغین دفاع می‌نماید. آنان در تلاش برای بی‌اعتبار کردن انجیل او، باعث گردیده بودند که پولس خود را به سُخره گیرد.
- B. پولس در فصل دوم قرتیان آیات ۴:۱۱، ۸، ۱۲-۱۵، ۱۸-۲۰ به اتهامات مخالفان خود پاسخ می‌دهد.
- C. پولس از ریشخند و طنز برای تکان دادن حافظه مسیحیان قرتس در ارتباط با خدمت خود بهره برده است (دوم قرتیان ۱۱:۵، ۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱).

■ "از سرسپردگی صادقانه" به یادداشت دوم قرنیتان ۱:۱۲ مراجعه نمایید.

■ "و خالصی" عبارت "و خالصی" (ترجمه صحیح "خلوص" است) در نسخه خطی یونانی اضافه شده است. این واژه در B, G, * , MSS P46 دیده می شود (NASB, NRSV, TEV, NIV). اما در نسخه های MSS κ^C , D^C, H, K, P وجود ندارد (NKJV, NJB, REB). نسخه های MS D* دیگر بدینگونه خوانده نمی شوند، اما عبارات ترتیب معکوس گرفته اند. میان کاتبان متون درباره اصالت این عبارت دو دستگی وجود دارد. وجود این عبارت در دوم قرنیتان ۱:۲ و در برخی نسخه های خطی باستانی با تنوع جغرافیایی، مناسب بوده است.

NASB "از سرسپردگی به مسیح"

NKJV "که به مسیح وجود دارد"

NRSV, TEV,

NJB, NIV "سرسپردگی به مسیح"

حرف اضافه مفعولی، apo، سه موضوع را مطرح می کند

۱. از سادگی

۲. از خلوص

۳. از "مسیح"

تفاوت آنها در دوم قرنیتان ۱:۳ چیست؟ بسیاری از متون ترجمه شده به زبان انگلیسی، "سرسپردگی" را درج کرده اند، که می تواند اشاره "به مسیح" داشته باشد که عبارت معروف پولس درباره ایمان شخصی به مسیح می باشد.

۴:۱۱ "زیرا اگر کسی نزدتان بیاید" این یک جمله شرطی نوع اول است که با توجه به دیدگاه نویسنده یا اهداف ادبی، درست بنظر می رسد. "کسی" ظاهراً اشاره به سرکرده معلمان دروغین بوده که در دوم قرنیتان ۱:۷، ۱۰ به او کنایه زده شده است.

■ "عیسای دیگری جز آن که ما به شما موعظه کردیم" این معلمان دروغین با برخی مسائل جزعی مخالفت نمی کردند، بلکه مخالفت اصلی آنها شخص عیسی مسیح و کار او بود (اول قرنیتان ۳:۱۱). بدیهی است که با کنار هم قرار دادن شواهد موجود، می توان دریافت که این معلمان دروغین تلفیقی از یهوداییان، آنگونه که در کتاب غلاطیان به آنها اشاره شده، و طرفداران یهودیت هلنیست (گونه ای از یهودیت در جهان باستان است که سنت دینی یهودی را با عناصر فرهنگ یونانی ترکیب می نماید) می باشند (صوفستاییان). این نمایندگان از اورشلیم تأکید بر ختنه را حذف کردند، احتمالاً به دلیل مبحث شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵، اما آنها به نوعی با ادغام یا تغییراتی در تفکر صوفستایی، به شرع یهودیت ادامه دادند.

این احتمال وجود دارد که پولس از اتهامات این معلمان دروغین به نفع خود استفاده می کرد. آنها او را به "موعظه انجیل دیگری" متهم می کردند. آنان که باور دارند انجیل کلام وحی شده خداوند است، چندین سوال و جواب در ذهن خود دارند.

۱. آیا ما عهد جدید را با نگاه عهد عتیق می خوانیم، یا عهد جدید دارای تفسیر برتری است؟

۲. آیا کلام پولس (یا هر نویسنده دیگر در عهد جدید) باندازه کلام عیسی تحت وحی بوده اند؟

۳. آیا حضور "برخی" گوناگونی ها میان نویسندگان عهد جدید، به مترجمان امروزی اجازه "خانه تکانی" بر سر برخی موضوعات را می دهد؟ آیا ما همین اجازه را درباره برخی موارد در میان مترجمان کلیسای اولیه (کشیشان کلیسای یونانی و لاتین؛ سپس رهبران کلیسا همچون آگوستین، آکینا، لوتر، کالوین و غیره) داریم؟ یا اگر به گونه ای دیگر بگوییم، اردتودکس را چگونه باید درک، تعریف یا حتی محدود کنیم؟

■ "یا اگر روحی متفاوت با آن روح که دریافت کردید" برخی این جمله را بعنوان مرجعی برای روح القدس می بینند (غلاطیان ۴:۶؛ TEV)، اما بنظر می رسد که بهتر باشد این جمله را با ۱) "روح ترس و بردگی" (رومیان ۸:۱۵؛ ۲ تیموتائوس ۱:۷) و یا ۲) "روح صلح و شادی" (رومیان ۱۴:۱۷) ربط دهیم. برای مطالعه بیشتر درباره "روح" به اول قرنیتان ۲:۱۱ مراجعه نمایید.

واژه "متفاوت" در زبان یونانی heteros است که بمعنی نوع دیگری از یک جنس می باشد. پولس پیامهای خود را با معلمان دروغین قیاس می کند (غلاطیان ۱:۶). تشابهات زیادی میان مشکلات ذکر شده در غلاطیان ۱:۶-۹ و اینجا دیده می شود.

■ "دریافت کردید... شنیدید" افعال یونانی lambanō و dechomai مترادف هستند. معنی اولیه هر دوی این افعال، چیزی را گرفتن است. دو یادداشت در کتاب Louw and Nida از Greek-English Lexicon جلد اول مفید هستند:

۱. هر فایده یا چیزی که به هر کسی می‌رسد، ابتدا باید یک رساننده یا دهنده وجود داشته باشد، اما همیشه تمرکز همواره بر روی گیرنده است" (صفحه ۵۷۲)

۲. پانویس ۳۱ می‌گوید، "ممکن است تفاوت معنی داری بین دو واژه یونانی *Dechomai* و *lambanō* با مفهومی که سخن از مشارکت فعال تر کسی است که هدیه را دریافت می‌کند، وجود داشته باشد، اما این مفهوم را نمی‌توان از درون متن موجود مشخص کرد" (صفحه ۵۷۲).

شخصاً برای من بعنوان یک مسیحی پروتستان، این واژه‌ها برای پاسخ مناسب دادن به انجیل حیاتی می‌باشند (یوحنا ۱: ۱۲). وعده‌های خداوند، کارهای عیسی، و دم روح همگی باید هم روی دهند و هم تداوم داشته باشند. این کار مبنای مفهوم عهد خداوند را تشکیل می‌دهد (خداوند آغازگر است، اما انسانها پاسخگو می‌باشند).

واژه *Lambanō* در این متن تکرار گردیده است (دوم قرن‌تیاں ۴: ۱۱، ۸، ۲۰، ۲۴؛ ۱۶: ۱۲).

NASB "به زیبایی تحملش این را تحمل می‌کنید"

NKJV "ممکن است خیلی خوب از عهده آن برآید"

NRSV "با آمادگی کامل آن را می‌پذیرید"

TEV "با خوشحالی تحملش می‌کنید"

NJB "و با خواست کامل خود آن را می‌پذیرید"

این جمله یا یک جمله دستوری زمان حال، و یا یک جمله اخباری با زمان حال می‌باشد. روی سخن این ریشخند تلخ به مسیحیان قرن‌تس بود که با میل خود گوش به معلمان دروغین سپرده بودند.

پولس از این واژه، *anechomai*، بارها در این فصل استفاده کرده است (دوم قرن‌تیاں ۱: ۱۱، ۴، ۱۰، ۲۰). در دوم قرن‌تیاں ۱: ۱۱ به حالت "تحمل چیزی را داشتن" (اول قرن‌تیاں ۴: ۱۲)، اما در دوم قرن‌تیاں ۴: ۱۱، ۱۹، ۲۰ به حالت تمسخر و "بردباری" بکار برده شده است.

۵: ۱۱ "گمان نمی‌کنم" پولس از در این مجموعه از نامه‌ها، اغلب از فعل *logizomai* استفاده کرده است (دوم قرن‌تیاں ۱: ۱۰، ۷، ۱۱؛ ۵: ۱۱؛ ۶: ۱۲). ممکن است که این یک کلمه اتفاقی بکار برده شده، یا از کلمات رایج میان معلمان دروغین صوفستایی بوده باشد.

□ "چیزی کم ندارم" فعل این جمله، مصدر کامل معلوم است. پولس هرگز، چه در گذشته و چه در آینده، خود را کمتر از این نمایندگان فرضی از اورشلیم تصور نمی‌کرد (دوم قرن‌تیاں ۱۲: ۱۱). این امر همچنین در غلاطیان ۱: ۱۱ - ۱۴: ۲، در جاییکه پولس از رسالت خویش دفاع می‌کند نیز مورد بحث قرار گرفته است.

NASB, NKJV "والامقام‌ترین رسولان"

NRSV "این بزرگ‌رسولان"

TEV "این رسولان خیلی خاص شما"

NJB "این اَبَر رسولان"

این شرح تمسخرآمیز، تلفیق دو عبارت یونانی است، *hyper* (بر روی و بالا) و *lian* (بزرگ یا بحد زیاد). این عبارت بسیار نادر بوده و پولس آن را فقط در اینجا و دوم قرن‌تیاں ۱۲: ۱۱ بکار برده است. آیه ۵ بلحاظ متنی و دستور زبانی به دوم قرن‌تیاں ۴: ۱۱ وصل است، که بروشنی اشاره به معلمان دروغین دارد (دوم قرن‌تیاں ۱۱: ۱۳-۱۵). پولس از واژه "رسولان" بصورت استحزا در حالت استفاده کرده است: (۱) دوازده؛ و (۲) پیام‌آوران فرستاده شده از کلیساها (دوم قرن‌تیاں ۱۱: ۲۲). بدیهی است که این معلمان دروغین با کلیسای اورشلیم در ارتباط بودند (دوم قرن‌تیاں ۱۱: ۲۲) با این استنباط نشان می‌دهد که آنها مدعی داشتن زمینه یهودی بودند؛ آیه ۱۲: ۱ نشان می‌دهد که آنها مدعی داشتن تجربیات کاریزماتیک بودند).

□ "بزرگترین" (در نسخه انگلیسی بجای بزرگ‌رسولان بکار رفته است) "*hyperlian*" به موضوع خاص: کاربرد واژه تلفیقی *Huper* توسط پولس در اول قرن‌تیاں ۲: ۱ مراجعه نمایید.

□ "شاید" (جمله اصلی در نسخه انگلیسی: حتی اگر) این یک جمله شرطی نوع اول است. پولس نزد آنان قبول کرده بود که از فن بیان یونانی برخوردار نیست. توان وی در محتوای پیام او نهفته بود.

■ "سخنوری ماهر نباشم" واژه‌ای که بکار برده شده در حالت "آموزش ندیده" یا "کاملاً آما تور" بوده است (اعمال رسولان ۱۳:۴؛ در آنجا برای پطرس، یوحنا یا اول قرن‌تین ۱۴ بکار برده شده، در جاییکه برای آنان که از هدایای روحانی خود چیزی فرا نگرفته‌اند). بنظر می‌رسد که این امر در ارتباط با اعتراف پولس بوده باشد که او آموزش فن بیان ندیده بود (دوم قرن‌تین ۱۰:۱۰؛ اول قرن‌تین ۱:۱۷).

بدیهی است که این نظر از سوی معلمان دروغین، نشان می‌دهد که آنها برای فنون سخنوری بسیار اهمیت قائل بوده و لذا از پیشزمینه صوفسطایی برخوردار بودند. به کتاب *Philo and Paul Among the Sophists* نوشته Bruce W. Winter مراجعه شود.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۱۱-۷:۱۱

۱۲ آیا گناه کردم که با بشارت رایگان انجیل خدا به شما، خود را پست ساختم تا شما سرافراز شوید؟^۸ من با پذیرفتن کمک مالی، کلیساهای دیگر را غارت کردم تا بتوانم شما را خدمت کنم.^۹ و در مدت اقامت من بین شما، هر گاه به چیزی نیاز داشتم، باری بر دوش کسی ننهادم، زیرا برادرانی که از مقدونیه آمدند احتیاجات مرا برآوردند. و من به هیچ روی باری بر دوشتان نبوده‌ام و از این پس نیز نخواهم بود.^{۱۰} به آن راستی مسیح که در من است قسم، که هیچ کس در نواحی آخائیه این فخر مرا از من نخواهد گرفت.^{۱۱} آیا از آن رو چنین می‌گویم که دوستتان ندارم؟ خدا می‌داند که دوستتان دارم!

۷:۱۱ "آیا گناه کردم که با بشارت رایگان انجیل خدا به شما، خود را پست ساختم تا شما سرافراز شوید" آیه ۷ پرسشی را مطرح کرده که پاسخ آن "منفی" است. این نمونه دیگری از ریشخند پولس به جنجال ادامه‌دار در مورد عدم دریافت وجه نقدی از سوی کلیسای قرن‌تین است (اول قرن‌تین ۳:۹-۱۸). کلمه "گناه" (*hamaritia*) بشکل ناپسندی درباره "آیا اشتباه کرده‌ام" یا "داوری غیرمنصفانه" بکار برده شده است. بخاطر داشته باشید که معنی کلمات را فقط متن تعیین می‌کند، متن، و فقط متن. مراقب معانی الهیاتی از پیش تعیین شده کلمات باشید چون بهر شکل ممکن است خود را نشان دهند!

■ "انجیل خدا" توجه داشته باشید که انجیل مسیح (دوم قرن‌تین ۲:۱۲؛ ۹:۱۳؛ ۱۰:۱۴) نیز انجیل خدا است!

۸:۱۱ "کلیساهای دیگر را غارت کردم" در دوران باستان یونانیان و رومیان به معلمان سیار و مسافر پول پرداخت می‌کردند، اما پولس می‌دانست که این امر می‌توانست مرجعی برای حمله به او از سوی معلمان دروغین قرار گیرد، لذا از پذیرش دریافت وجه نقد از سوی این کلیسا امتناع نمود (یا هر کلیسای دیگری که در میان آنها کار می‌کرد، ۱ تسالونیکیان ۵:۲-۹؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۷-۹). پولس کمک از فیلیپی و تسالونیکای را پس از ترک آنجا پذیرفت (فیلیپیان ۴:۱۵-۱۸ و احتمالاً ۱ تسالونیکیان ۳:۶). بدیهی است که این امر باعث رنجش احساسات این کلیسا واقع گردید (دوم قرن‌تین ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۱۳، ۱۴؛ اول قرن‌تین ۹:۱۲، ۱۵، ۱۸).

■ "کلیساهای" به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۲:۱ مراجعه نمایید.

■ "شما را خدمت کنم" به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرن‌تین ۴:۱ مراجعه نمایید.

۱۱:۱۰ "به آن راستی مسیح که در من است" این شیوه‌ای اصطلاحی برای تصریح قابل اعتماد بودن یا حس تحت وحی بودن پولس است (رومیان ۱:۹). به موضوع خاص: "حقیقت" در نوشته‌های پولس در دوم قرن‌تین ۱۳:۸ مراجعه نمایید.

■ "هیچ کس در نواحی آخائیه این فخر مرا از من نخواهد گرفت" این یک واژه پرمعنی یونانی است که در نسخه Septuagint برای سد ایجاد کردن در یک رودخانه بکار برده شده است. پولس از دریافت پول از کلیسای قرن‌تین امتناع کرد و بدیهی است که او این امر را در ملاً عام و اغلب اعلام می‌کرد. برای مطالعه بیشتر درباره "فخر" به یادداشت دوم قرن‌تین ۱:۱۲ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۱۱-۱۲:۱۵

۱۲ و این زویۀ خود را ادامه خواهیم داد تا فرصت را از فرصت طلبان بازستانم، از آنان که در صددند تا خود را در آنچه بدان فخر می‌کنند با ما برابر سازند.^{۱۳} زیرا چنین کسان، رسولان دروغین و کارگزارانی فریبکارند که خود را در سیمای رسولان مسیح ظاهر می‌سازند.^{۱۴} و این عجیب نیست، زیرا شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد؛^{۱۵} پس تعجبی ندارد که خادمانش نیز خود را به خادمان طریق پارسایی همانند سازند. سرانجام اینان فراخور کارهایشان خواهد بود.

۱۲:۱۱ پولس مخالفان خود را می‌شناخت. وی سعی داشت تا فرصت هر حمله‌ای را از سوی آنان بگیرد. او آزادی و حق و حقوق خود را بمنظور محافظت از انجیل و گسترش آن، محدود ساخته بود. (رومیان ۱:۱۴ - ۱۳:۱۵)

۱۳:۱۱ "زیرا چنین رسولان دروغین" این رهبران مذهبی غیربومی، احتمالاً اهل اورشلیم، مدعی داشتن اختیارات و اقتدار بودند. پولس آنان را رسولان کذب و برادران کذب (دروغین) می‌خواند (دوم قرنتیان ۱۱:۲۶).

■ "کارگزارانی فریبکارند" این کلمه از یک ضمیر گرفته شده که بمعنی "طعمه ماهیگیری" بوده است. آنان سعی می‌کردند که ایمانداران قرنتیان را بمنظور مقاصد و اهدافی که برای آینده دنبال می‌کردند، صید نمایند.

■ "خود را در سیمای رسولان مسیح ظاهر می‌سازند" اینان مسیحیانی نبودند که به گمراهی کشیده شده باشند. اینها بلحاظ روحانی انسانهای گمشده‌ای بودند (دوم قرنتیان ۱۴:۱۱) که در تلاش برای شکاف انداختن در کلیسای خداوند بودند (اول قرنتیان ۳:۱۰-۱۵). آنها گرگهایی بودند در لباس میش (متی ۷؛ اعمال رسولان ۲۰:۲۹؛ ۲ پطرس ۲:۱-۲؛ یهوذا ۱:۳-۱۶).

واژه "مبدل سازند" [واژه بکار رفته در نسخه اصل] (*metaschēmizō*) در دوم قرنتیان ۱۳:۱۱، ۱۴، ۱۵ بکار برده شده است. این واژه سخن از تغییر شکل بیرونی چیزی یا کسی دارد (فیلیپیان ۳:۲۱). این افراد (معلمان دروغین و شیطان) وانمود به چیزی می‌کردند که آن نبودند!

۱۴:۱۱ "زیرا شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور در می‌آورد" این یک حقیقت مشهود است، اما در هیچ جای دیگر از انجیل این عبارات بکار برده نشده است. احتمالاً این عبارات از سنت ربیان درباره کتاب پیدایش ۳ نشأت گرفته شده است (DSS Cave 1, *Manual Discipline* 3:20, 24). حقه بزرگی که شیطان بکار می‌برد اینست که شکل ظاهری خود را بصورت حقیقت در می‌آورد (پیدایش ۳). شیطان همیشه سعی داشته تا ظاهر بدلی خود را بصورت نیکی نشان دهد. معلمان دروغین همواره از درون کلیسا شکل می‌گیرند (۲ پطرس ۲؛ ۱ یوحنا ۲:۱۸-۱۹). به موضوع خاص: شیطان شخصی در اول قرنتیان ۷:۵ مراجعه نمایید.

۱۵:۱۱ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است. درون کلیسای قرنتس معلمان دروغینی بودند که از شیطان الهام می‌گرفتند. آنها امروز نیز در میان ما هستند!

■ "خدامان طریق پارسایی" پولس از واژه "پارسایی" به صورتی که اینجا بکار برده، اغلب استفاده نمی‌کند. در اینجا معنی "نیکی" یا "حقانیت" داشته (متی ۶:۱)، اما در حالت الهیاتی بمعنی مورد قضاوت گرفتن بوسیله ایمان معنی نمی‌دهد (رومیان ۴). به موضوع خاص: پارسایی در اول قرنتیان ۱:۳۰ مراجعه نمایید. به موضوع خاص: خدمت رهبری در اول قرنتیان ۴:۱ مراجعه نمایید.

■ "سرانجام اینان فراخور کارهایشان خواهد بود" بنظر می‌رسد که این جمله کنایه‌ای به امثال ۱۲:۲۴ باشد. این عبارات همچنین حقیقت اولیه در کتاب مقدس است. به یادداشت کاملتر در دوم قرنتیان ۵:۱۰ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱۱:۱۶-۲۱

۱۶ باز می‌گویم: کسی مرا بی‌فهم نپندارد. اما اگر چنین می‌کنید، دست‌کم مرا چون شخصی بی‌فهم بپذیرید، تا بتوانم اندکی فخر کنم. ۱۷ وقتی این چنین با اطمینان از فخر خود می‌گویم، نه از جانب خداوند، بلکه از سر بی‌فهمی است. ۱۸ از آنجا که بسیاری به طریق دنیایی فخر می‌کنند، من نیز فخر خواهم کرد. ۱۹ زیرا شما بی‌فهمان را شادمانه تحمل می‌کنید، چرا که خود البته بس فهمیم هستید! ۲۰ حقیقت این است که شما حتی کسانی را که شما را بنده خود می‌سازند، یا از شما بهره می‌کشند، یا شما را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند، یا بر شما ریاست می‌کنند، یا به صورتتان سیلی می‌زنند، به خوبی تحمل می‌کنید. ۲۱ با کمال شرمندگی باید اقرار کنم که ما ضعیفتر از آن بوده‌ایم که قادر به چنین کارهایی باشیم!

۱۶:۱۱ "کسی مرا بی‌فهم نپندارد... تا بتوانم اندکی فخر کنم" پولس دوست نداشت کسی فخرفروشی نماید (دوم قرنتیان ۱۱:۱، ۱۷). معلمان دروغین او را بر آن داشته تا از شیوه‌های آنها برای دفاع از خود استفاده کند (روش بکار برده شده در فصلهای ۱۰-۱۳ مشخصات مراسم صوفسطاییان را انعکاس می‌دهد).

برای مطالعه بیشتر درباره "حمایت" به موضوع خاص در اول قرنتیان ۱۵:۳۶، و برای "فخر" به موضوع خاص: فخرفروشی در اول قرنتیان ۵:۶ مراجعه نمایید.

■ "اگر" این یک جمله شرطی ناقص نوع اول است (فعل ندارد). این ایمانداران قرنتس از نامه پولس شگفت‌زده شده بودند.

۱۷:۱۱ پولس به زندگی عیسی و طرز برخورد وی به امور در دوم قرن‌تین ۱:۱۰ اشاره می‌کند (بوسیله فروتنی و ملایمت مسیح)، اما هنگامی که به قیاس و فخر انسان می‌رسد، وی باید بپذیرد که چنین چیزی در رابطه با عیسی مسبوق به سابقه نمی‌باشد.

۱۸:۱۱ "از آنجا که بسیاری به طریق دنیایی فخر می‌کنند، من نیز فخر خواهم کرد" این مبحث، تمرکز اصلی در فصل‌های ۱۰ تا ۱۳ است. معلمان دروغین بوسیله قیاس میراث و هدایای روحانی پولس با آنها، به وی و انجیل وی حمله می‌کردند (دوم قرن‌تین ۸:۱۱). پولس از اینکه کلیسا به آنان گوش فرا داده و به سمت عقاید آنها متمایل شده، اندوهناک بود. بنابراین، وی تصمیم گرفت برای اینکه دوباره کلیسا و رهبری و انجیل خود را بدست آورد، خود را تا سطح آنها پایین آورد!

۱۹:۱۱ - ۲۰ این آیات ریشخند تلخی به کلیسای قرن‌تین است. هر آنچه‌ی که مایه اتهام پولس توسط معلمان دروغین بود، بواسطه کلیسا انجام شده و پاسخ مثبت نیز دریافت کرد!

▣ "تحمل می‌کنید" به یادداشت دوم قرن‌تین ۴:۱۱ مراجعه نمایید.

۲۰:۱۱ "حتی کسانی را که شما را بنده خود می‌سازند" (ترجمه متن اصلی: "اگر کسی شما را به بندگی گیرد") این عبارات مجموعه‌ای از جملات شرطی نوع اول را بوجود آورده‌اند. فعل بکار برده شده (*katadouloō*) فقط در این آیه و در غلاطیان ۴:۲، در جاییکه به یهودی‌کنندگان اشاره نموده، آورده شده است. آنان تصریح کرده بودند که پیش از آنکه کسی بتواند مسیحی گردد، باید ابتدا یک یهودی کامل گردد. حال چطور این معلمان دروغین به یهودی‌کنندگان مرتبط شده‌اند، نامشخص است. قواعد دقیق یا آیین‌هایی که معلمان دروغین بعنوان الزام برای نجات و رستگاری در کلیسای قرن‌تس بوجود آورده بودند نیز مشخص نمی‌باشد.

▣ "مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند" پولس از این فعل دو بار استفاده کرد است، یکبار در اینجا و دیگری در غلاطیان ۵:۱۵ که درباره کلیسای صحبت می‌کند که با معلمان دروغین مشاجره داشتند.

NASB, NRSV,

TEV "از شما سوء استفاده می‌کند"

NKJV "از شما می‌گیرد"

NJB "شما را تحت فرامین خود قرار می‌دهد"

فعل بکار برده شده *lambanō* بوده که در کتاب مقدس زیاد دیده می‌شود، اما با یک ضمیمه استعاره با شکل ادبی "چیزی را تحت کنترل درآوردن". در اینجا بمعنای گول زدن کسی برای مقاصد شخصی بکار برده شده است.

NASB, NKJV "خود را بالاتر از شما می‌داند"

NRSV "روی هوا ننگه می‌دارد"

TEV "از دید بالاتر به شما می‌نگرد"

NJB "خود را برتر از شما قرار می‌دهد"

پولس در دوم قرن‌تین ۵:۱۰ از واژه مشابه دیگری برای تشریح تکبر معلمان دروغین و مباحث و جدلهای آنها استفاده کرده است. این واژه کلمه ساده "بلند کردن" است (۱ تیموتائوس ۸:۲). اما در اول قرن‌تین دارای بار منفی نسبت به غرور و تکبر انسان دارد.

▣ "به صورتان سیلی می‌زنند" کلام پولس مملو از ریشخند است (دوم قرن‌تین ۲۱:۱۱). او بسیار نرم و با فروتنی با آنان برخورد می‌کرد (دوم قرن‌تین ۱:۱۰)، اما او پس زده می‌شد؛ معلمان دروغین بسیار خودخواه و گمراه‌کننده بودند، اما کلیسای قرن‌تس به آنان علاقمند بود.

۲۱:۱۱ "با کمال شرمندگی" پولس احساس می‌کرد که فروتنی و ملایمت وی باعث سؤتفاهم گردیده و توسط معلمان دروغین مورد سؤاستفاده قرار گرفته است. این عبارات نیز نمونه دیگری از ریشخند وی می‌باشد.

▣ "ضعیفتر" به موضوع خاص: ضعف در دوم قرن‌تین ۹:۱۲ مراجعه نمایید.

اگر کسی به خود اجازه می‌دهد به چیزی فخر کند - باز هم همچون بی‌فهمان سخن می‌گویم - من نیز به خود اجازه می‌دهم به آن فخر کنم.
 ۲۲ آیا عبرانی‌اند؟ من نیز هستم! آیا اسرائیلی‌اند؟ من نیز هستم! آیا از نسل ابراهیم‌اند؟ من نیز هستم! آیا خادم مسیح‌اند؟ چون دیوانگان سخن می‌گویم - من بیشتر هستم! از همه سخت‌تر کار کرده‌ام، به دفاعات بیشتر به زندان افتاده‌ام، بیش از همه تازیانه خورده‌ام، بارها و بارها با خطر مرگ روبه‌رو شده‌ام. ۲۴ پنج بار از یهودیان، سی و نه ضربه شلاق خوردم. ۲۵ سه بار چوبم زدند، یک بار سنگسار شدم، سه بار کشتی سفرم غرق شد، یک شبانه‌روز را در دریا سپری کردم. ۲۶ همواره در سفر بوده‌ام و خطر از هر سو تهدیدم کرده است: خطر گذر از رودخانه‌ها، خطر راهزنان؛ خطر از سوی قوم خود، خطر از سوی اجنبیان؛ خطر در شهر، خطر در بیابان، خطر در دریا؛ خطر از سوی برادران دروغین. ۲۷ سخت کار کرده و محنت کشیده‌ام، بارها بی‌خوابی بر خود هموار کرده‌ام؛ گرسنگی و تشنگی را تحمل کرده‌ام، بارها بی‌غذا مانده‌ام و سرما و عریانی به خود دیده‌ام. ۲۸ افزون بر همه اینها، بار نگرانی برای همه کلیساهاست که هر روزه بر دوشم سنگینی می‌کند. ۲۹ کیست که ضعیف شود و من ضعیف نشوم؟ کیست که بلغزد و من نسوزم؟

۲۱:۱۱ (بخش دوم) پولس آماده بود که با آتش بازی کند. آنان می‌خواستند اعتبار او را قیاس کنند، پس منتظر عواقب آن هم باشند!

۲۲:۱۱ "آیا عبرانی‌اند؟ من نیز هستم" این اولین سوال از چهار سوال است. "عبرانیان" اصطلاحاً یعنی کسی که قادر به سخن گفتن به زبان آرامی بوده است (اعمال رسولان ۱:۶)، اما با این دیدگاه که باید از ریشه یهودی برخوردار باشد. این گواه دیگری مبنی بر این که این گروه از معلمان دروغین دارای اصلیت فلسطینی/یهودایی داشتند، می‌باشد.
 "من نیز هستم" (*kagō*) سه بار در دوم قرن‌تینان ۲۲:۱۱ تکرار شده است.

□ "آیا اسرائیلی‌اند؟ من نیز هستم" بدیهی است که آنان درباره اینکه بخشی از قوم خدا در عهد عتیق بودند، لاف می‌زدند (فیلیپیان ۳:۵؛ یوحنا ۸:۳۱-۵۹).

۲۳:۱۱ "آیا خادم مسیح‌اند" پولس نمی‌گوید که آنان مسیحی بودند. او تنها تصریح می‌کند، که از جنبه دیالکتیکی، که او دارای اعتبارات و اختیاراتی بود که معلمان دروغین فقط لاف آن را می‌زدند. آنها مدعی بودند که بلحاظ روحانی از پولس برتر بودند.

□ "من بیشتر هستم" پولس با حرف اضافه *en* یکسری قیاسها را انجام می‌دهد.

۱. در کار بیشتر، دوم قرن‌تینان ۲۳:۱۱
۲. در زندانی شدن بیشتر، دوم قرن‌تینان ۲۳:۱۱
۳. در بیش از حد تازیانه خوردن، دوم قرن‌تینان ۲۳:۱۱
۴. در خطر مرگ قرار داشتن، دوم قرن‌تینان ۲۳:۱۱
- a. سی و نه ضربه شلاق (پنج بار)، دوم قرن‌تینان ۲۴:۱۱
- b. با چوب کتک خوردن، (سه بار)، دوم قرن‌تینان ۲۵:۱۱
- c. سنگسار شدن، (یکبار)، دوم قرن‌تینان ۲۵:۱۱
- d. کشتی وی غرق شد (سه بار)، دوم قرن‌تینان ۲۵:۱۱

برخی از این موارد در اعمال رسولان ثبت شده، ولی نه همه موارد. در واقع ما از کلیسای قرن اول اطلاعات کمی در دست داریم. پولس بابت بیان انجیل بهای گزافی پرداخت کرد!

۲۴:۱۱ "از یهودیان، سی و نه ضربه شلاق خوردم" این مورد اشاره به رای دادگاه کنیسه برای تنبیه وی دارد (تثنیه ۲۵:۱-۳). احتمالاً ضربات با ترکه و در ملاء عام زده شده بود (خروج ۲۱:۲۰؛ امثال ۱۰:۱۳؛ ۱۹:۲۹؛ ۳:۶). این نوع تنبیه در آشور و مصر مرسوم بود. در اسرائیل نیز از همین شیوه برای تنبیه استفاده می‌گردید (اشعیا ۵۰:۶؛ ارمیا ۲۰:۲؛ ۳۷:۱۵).

بعدها ربیان در تعداد ضربه‌ها تغییر داده و آن را از چهل ضربه به سی و نه ضربه تقلیل دادند (حداکثر تعداد، منبع: Josephus در کتاب *Antiq.* 4:8:21). بر اساس دستورالعمل آنان، ضربه‌ها باید به پشت، جلو، شانه چپ و راست وارد شوند (*Maccoth* 3:10ff).

۲۵:۱۱ "سه بار چوبم زدند" این جمله اشاره به رای دادگاه روم دارد (*verberatio*)، احتمالاً این دادگاه توسط یک دادگاه شهری در ملاء عام مدیریت و برگزار می‌گردید (اعمال رسولان ۱۶:۲۲-۴۰؛ ۱ قرن‌تینان ۴:۲۱).

□ "یک بار سنگسار شدم" در اعمال رسولان گفته شده که حمله‌کنندگان به او تصور می‌کردند که وی مرده است! این مورد ممکن است اتفاقی بوده باشد.

□ "سه بار کشتی سفرم غرق شد" این عبارت نشان می‌دهد که تا چه حد تاریخ محدود گفته شده در اعمال رسولان، صحت دارد. غرق شدن کشتی پولس در اعمال رسولان پس از این نقطه تاریخی که در اینجا بیان شده، روی داده است. اعمال رسولان تاریخ کامل نیست، اما دوره الهیاتی انجیل بوده که از فلسطین به روم و از یهودیان به غیریهودیان در حرکت بوده است.

۲۶:۱۱

NASB	"اغلب در سفرهایی بودم"
NKJV	"اغلب در سفرهایی"
NRSV	"همواره در سفر بوده‌ام"
TEV	"در مسافرت‌های متعددی"
NJB	"مدام در سفر"

این عبارت مجموعه‌ای از تاریخها را بصورت جمع فهرست نموده، و یا در هشت ردیف همچون کاری که A. T. Robertson انجام داده، قرار داده است. در دوم قرن‌تین ۲۶:۱۱، ۲۷، ۲۸ هیچ فعل، وجه شرطی یا وصفی بکار برده نشده است. این آیات خدمت پولس را برای مسیح شرح می‌دهند.

۱. خطر گذر از رودخانه‌ها
۲. خطر راهزنان
۳. خطر از سوی قوم خود
۴. خطر از سوی اجنبیان
۵. خطر در شهر
۶. خطر در بیابان
۷. خطر در دریا
۸. خطر از سوی برادران دروغین (همچون زمانی که در قرنتس بود)

۲۷:۱۱ "بوده‌ام" در اینجا پولس فهرست دیگری را بر اساس زمان و مکان عنوان می‌نماید.

۱. در کار
۲. در سختی
۳. در بیخوابی
۴. در گرسنگی
۵. در تشنگی
۶. هر روزه ("منظور بدون غذا")
۷. در سرما
۸. در عریانی (دقیقاً بمعنی بدون لباس بودن)

با این اوصاف همه ما که مدعی خادم بودن به انجیل هستیم باید دست از گلایه برداریم!

۲۸:۱۱ مورد دیگری که باعث درد روزافزون برای پولس بود، نگرانی بلحاظ روحانی و الهیاتی بابت سلامتی و اثرگذاری احتمالی کلیسا بوده که این بدترین درد بود!

۲۹:۱۱ "کیست که ضعیف شود و من ضعیف نشوم" آیه ۲۹ حاوی دو سوال مهم است. هنگامی که پولس می‌دید که کلیسا و ایمانداران در حال اذیت شدن بودند، این برای وی دردناک بوده و او را نگران افراد کوچکتری می‌کرد که ممکن بود به لغزش افتند (متی ۱۸).

NASB	"نگرانی شدید"
NKJV	"سوختن در خشم"

NRSV	"خشم"
TEV	"سرشار از نگرانی"
NJB	"در عذاب سوختن"

پولس از واژه سوختن به حالت خاصی در نامه‌های قرنتیان استفاده کرده است. این واژه بار منفی یا تخریبی نداشته (افسیان ۶: ۱۶)، اما استعاره‌ای برای نشان دادن اشتیاق و میل شدید است (اول قرنتیان ۷: ۹).

NASB, TEV	"به گناه می‌کشاند"
NKJV, NRSV	"باعث لغزش می‌گردد"
NJB	"سبب سقوط می‌گردد"

واژه یونانی *skandalon*، دقیقاً بمعنی تله چوبی با طعمه است (رومیان ۱۱: ۹). این واژه در حالت سقوط اخلاقی (در اینجا و اول قرنتیان ۸: ۱۳) یا احتمالاً فریفته شدن توسط الهیات دروغین "آبر رسولان" بکار برده شده است (اول قرنتیان ۱: ۲۳؛ غلاطیان ۵: ۱۱).

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱۱: ۳۰-۳۳

"اگر می‌باید فخر کنم، به چیزهایی فخر خواهم کرد که ضعف مرا نشان می‌دهد. ^{۳۱}خدا، پدر خداوند عیسی، که او را جاودانه سپاس باد، می‌داند که دروغ نمی‌گویم. ^{۳۲}در دمشق، حاکم منصوب شاه حارث، نگهبانانی بر شهر دمشق گماشت تا گرفتارم کنند. ^{۳۳}اما مرا در زنبیلی، از پنجره‌ای که بر حصار شهر بود، پایین فرستادند و این‌گونه از چنگش گریختم.

۱۱: ۳۰ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است.

□ "چیزهایی ضعف مرا نشان می‌دهد" محاکمات و انتقادات از پولس منجر گردیده بود که وی درک نماید که قدرت او از خدا نشأت گرفته و ضعف‌هایش فرصتی برای دریافت جلال خداوند بوده است (دوم قرنتیان ۱۲: ۱-۱۰).

۱۱: ۳۱ "خدا، پدر خداوند عیسی" این آیه یک قسم است. پولس از نام خدا برای اثبات حقیقت اظهارات خود استفاده می‌کند (رومیان ۱: ۹؛ دوم قرنتیان ۱: ۱۸؛ ۱۱: ۱۰؛ ۱۱: ۱۱؛ غلاطیان ۱: ۲۰؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۷).

□ "جاودانه" این دقیقاً بمعنی "همه دوره‌ها و عصرها" است (رومیان ۱: ۲۵؛ ۹: ۵؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۶: ۲۷). عبارت مشابهی، اما مفرد، در اول قرنتیان ۸: ۱۳ و دوم قرنتیان ۹: ۹ بکار برده شده است.

۱۱: ۳۲-۳۳ "در دمشق، حاکم منصوب شاه حارث" برخی می‌گویند که این خلاف انتظار است، اما بدیهی است که شرم‌آورترین (ضعیف‌ترین) لحظه زندگی پولس بوده است. این مورد باید مربوط به یکی دیگر از اتهامات معلمان دروغین باشد. شاه آرتاس (*Harethath*) پادشاه امپراطوری نبطیان از ۹ پیش از میلاد تا ۴۰ سال پس از میلاد بوده است. وی پدر زن هیروودیس آنتیپاس بود. واژه "آرتاس" همچون واژه "فرعون"، لقبی برای همه حکمرانان نبطی که در پترا حکومت می‌کردند، بوده است. "حکمران" نماینده رسمی آرتاس در دمشق محسوب می‌گردید. این دوره در اعمال رسولان ۹: ۲۳-۲۵ به نوعی متفاوت بوده و احتمالاً معلمان دروغین از این رویداد برای حمله به شخصیت پولس بهره‌برداری می‌کردند.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماس و قطعیت ندارند.

۱. چرا پولس در برابر معلمان دروغین از خود دفاع می‌کرد؟
۲. آیا دوم قرنتیان ۱۱: ۳ اشاره به دور شدن رحمت یا فتنه از اقتدار رسولی دارد؟
۳. چرا پولس از کلیسای قرنتس پول دریافت نمی‌کرد؟
۴. رسولان دروغین چه کسانی بودند؟
۵. الهیات این معلمان دروغین را تشریح کنید.
۶. چرا زندگی پولس با چنین رفتارهای خشنی، همچنان نشانه اقتدار رسول بودن وی محسوب می‌گردید؟ (اول قرنتیان ۴: ۹-۱۳؛ دوم قرنتیان ۴: ۶)

دوم قرتیان ۱۲

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
رویاها و مکاشفات	رویای بهشت	فخر بیشتر: قدرت در ضعف	رویای پولس و مکاشفه	پولس به صدای دعاهای خود کشیده می شود (۱:۱۱ - ۱۸:۱۲)
۱۰ - ۱:۱۲	۱۰ - ۱:۱۲	۱۰ - ۱:۱۲	۶ - ۱:۱۲ ۶ - ۷:۱۲	۶ - ۱:۱۲ ۶ - ۷:۱۲
دغدغه پولس نسبت به کلیسای قرتیان	نشانه‌های یک رسول		دغدغه پولس نسبت به قرتیان	
۱۸ - ۱۱:۱۲	۱۳ - ۱۱:۱۲	۱۳ - ۱۱:۱۲	۱۳ - ۱۱:۱۲	۱۳ - ۱۱:۱۲
	عشق برای کلیسا	برنامه پولس برای بازدید دوباره از قرتس (۱۰:۱۳ - ۱۴:۱۲)		
	۲۱ - ۱۴:۱۲	۱۸ - ۱۴:۱۲	۱۵ - ۱۴:۱۲ ۱۸ - ۱۶:۱۲	۱۵ - ۱۴:۱۲ ۱۸ - ۱۶:۱۲
		فراخوانی برای خودآزمایی و اصلاح (۱۰:۱۳ - ۱۹:۱۲)		نگرانیه‌ها و اضطرابهای پولس (۱۰:۱۳ - ۱۹:۱۲)
۲۱ - ۱۹:۱۲		۲۱ - ۱۹:۱۲	۲۱ - ۱۹:۱۲	۲۱ - ۱۹:۱۲

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیر

دیدگاه‌های متنی

A. به رویای خاص پولس و مشکلات فیزیکی وی در یک متن پرداخته شده، احتمالاً هر دوی این موارد ۱۴ سال قبل در دوران تارسوس رخ داده بودند (۴۲ یا ۴۳ پس از میلاد). این مورد نباید به تغییر مذهب وی که حدود ۲۰ سال پیش از آن رخ داده بود، مربوط گردد، با اینحال من فکر می‌کنم که

"پارگی" وی بدلیل مشکلات مربوط به چشم وی بوده که احتمالاً در ماجرای مواجهه با عیسی در جاده دمشق روی داده بوده است (اعمال رسولان ۲۲:۹، ۲۶).

B. پولس به ریشخندهای تلخ خود در دوم قرن‌تبیان ۱۱:۱۲، ۱۳ و ۱۵، همچون دوم قرن‌تبیان ۴:۱۱، ۵، ۷، ۱۹-۲۱ ادامه داده است. من باور دارم که فصلهای ۱۰ تا ۱۳ به شیوه قلم صوفستاییان و با هدف نشان دادن آموزه‌های متکبرانه صوفستایی معلمان دروغین یهودی نوشته شده، و او نیز خود می‌دانست که توانایی بکارگیری از شیوه ادبی آنان را دارد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تبیان ۱:۱۲-۱۰

۱ می‌باید که فخر کنم؛ هر چند سودی از آن حاصل نمی‌شود، ادامه می‌دهم و به رؤیایها و مکاشفات خداوند می‌پردازم. ۲ شخصی را که در مسیح است، می‌شناسم که چهارده سال پیش به آسمان سَوم رفته شد. نمی‌دانم با بدن به آسمان رفت یا بیرون از بدن، خدا می‌داند. ۳ و می‌دانم که به فردوش بالا برده شد - با بدن یا بیرون از بدن، خدا می‌داند - ۴ و چیزهای وصف‌ناشدنی شنیدم، که سخن گفتن از آنها بر انسان جایز نیست. ۵ من به چنین شخصی فخر می‌کنم. اما دربارهٔ خود، جز به ضعف‌هایم فخر نخواهم کرد. ۶ حتی اگر بخوام فخر کنم، بی‌فهم نخواهم بود، زیرا حقیقت را بیان می‌کنم. اما از این کار می‌پرهیزم تا کسی مرا چیزی بیش از آن مپندارد که در من می‌بیند و از من می‌شنود. ۷ اما برای اینکه عظمت بی‌اندازهٔ این مکاشفات مغرورم نسازد، خاری در جسمم به من داده شد، یعنی عامل شیطان، تا آزارم دهد و مرا از غرور بازدارد. ۸ سه بار از خداوند تمنا کردم آن را از من بگیرد، ۹ اما مرا گفت: «فیض من تو را کافی است، زیرا قدرت من در ضعف به کمال می‌رسد.» پس با شادی هر چه بیشتر به ضعف‌هایم فخر خواهم کرد تا قدرت مسیح بر من ساکن شود. ۱۰ از همین رو، در ضعف‌ها، دشنام‌ها، سختی‌ها، آزارها و مشکلات، به خاطر مسیح شادمانم، زیرا وقتی ناتوانم، آنگاه توانا می‌باشم.

۱:۱۲ "می‌باید که فخر کنم" کلمه یونانی *dei* بمعنی "لزوم" است. معلمان دروغین پولس را مورد حمله قرار داده بودند. او با دفاع از خود سعی در محافظت از پیامش داشت. واژه "فخر" اغلب در فصلهای ۱۰-۱۳ بکار برده شده (دوم قرن‌تبیان ۸:۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷؛ ۱۱:۱۲، ۱۶، ۱۸، ۳۰؛ ۱۲:۱، ۵، ۶، ۹؛ به یادداشت کاملتر در دوم قرن‌تبیان ۱:۱۲ و موضوع خاص در اول قرن‌تبیان ۵:۶ مراجعه کنید)، مشخصات نوعی فن بیان رایج در قرن اول میلادی است. پولس به معلمان دروغین خودشیفته نشان داد که توانایی شرکت در بازی آنها را دارد.

این جمله متمرکز بر کاتبان باستانی بوده که به روشهای مختلف و متعددی تغییر داده شده بود.

۱. برخی "اگر" را اضافه کرده‌اند (MSS \aleph^2 , H)

۲. برخی *dei* (بمعنی باید) را به *de* (بمعنی اما) تغییر دادند، (MSS \aleph و D)

۳. حالت بکار برده شده در UBS^4 از نسخه‌های $MSS P^{46}$, B, D², F, G و با رتبه A بمعنی کاملاً مطمئن پشتیبانی کرده است.

شماره‌های ۲ و ۳ کاملاً نشان می‌دهند که چگونه متون یونانی اصل بوسیله کاتبان خوش‌نیت تغییر داده شده‌اند.

NASB "هر چند سودی از آن حاصل نمی‌شود"

NKJV "بی‌تردید سودی ندارد"

NRSV "هیچ چیزی از آن حاصل نخواهد گشت"

TEV "با اینحال هیچ حاصل مثبتی ندارد"

NJB "نه اینکه نتیجه مثبتی داشته باشد"

اگر فخر پولس هیچ سودی در بر نداشته باشد، پس چرا به اینکار ادامه می‌دهد؟ او بخاطر تأثیر آن، بوسیله هر واژه یا عبارتی که معلمان دروغین از آن استفاده می‌کردند، از ریشخند استفاده می‌کند (یهودیان ایماندار دور از وطنی که بخوبی به فن بیان آموزش دیده بودند و بنوعی با کلیسای اورشلیم متصل بودند، شبیه به یهودی‌کنندگان غلطیان و عناصر فریسی که در شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵ دیده می‌شوند، بودند).

▣ "رؤیایها و مکاشفات" احتمالاً میان این دو واژه تفاوت خاصی وجود ندارد؛ هر دو یک نوع مکاشفه مستقیم را تعریف می‌کنند (اول قرن‌تبیان ۲:۱۰؛ ۲۳:۱۱؛ غلطیان ۱:۱۲؛ ۲:۲؛ افسسیان ۳:۳). از این آیه اینگونه بنظر می‌رسد که معلمان دروغین مدعی داشتن مکاشفه خاص و جدی بوده‌اند. واژه "مکاشفه" در زبان یونانی *apocalypse*، بمعنی "پرده‌برداری" است.

مشخصات معلمان دروغین در آن زمان و امروز عبارتند از:

۱. بهره‌برداری جنیس
۲. بهره‌برداری مادی
۳. مدعی داشتن مکاشفه خاص و منحصر بفرود

■ "خداوند" این جمله می‌تواند مضاف‌الیه فاعلی باشد، مکاشفه‌ای از خداوند" یا مضاف‌الیه مفعولی، "درباره خدا". متن پیش رو سخن از "از خداوند" دارد (زمان مجهول، دوم قرنتیان ۱۲: ۲، ۴، ۷).

۲:۱۲ "شخصی را می‌شناسم" این یکی از شیوه‌های ریبها برای صحبت کردن از خودشان است. بنظر می‌رسد که پولس تمایلی حتی به ذکر آن رویداد نداشت، اما بدلیل علاقه‌ای که به این کلیسا و ادعای رویاهای روحانی معلمان دروغین داشت، این کار را انجام می‌دهد.

■ "در مسیح" این یکی از ویژگیهای پولس بعنوان یک مسیحی بود. ایمانداران بوسیله زندگی/مرگ/قیام مسیح تشخیص داده می‌شوند (رومیان ۶). هدف ایمانداران، شبیه بودن به عیسی مسیح است (رومیان ۸: ۲۹؛ دوم قرنتیان ۳: ۱۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ ۳: ۴؛ ۱ پطرس ۱: ۱۵).

George E. Ladd در کتاب *A Theology of the New Testament* نظر جالبی دارد. وی می‌گوید "کسی که در راه مسیح قدم بر می‌دارد، روح نیز در وی حلول کرده است. اگر نقطه مقابل 'در راه مسیح بودن'، در راه آدم بودن باشد، پس نقطه مقابل 'حلول روح در وی' نیز 'در بدن و جسم خاکی' می‌باشد. زندگی همراه با روح بمعنی حیات اسکاتولوژیک در عصر جدید است" (صفحه ۴۸۳).

■ "چهارده سال پیش" این زمان احتمالاً مربوط به دوره ثبت نشده از خدمت اولیه پولس در تارسوس دارد، درست در پیش از زمانی که برنابا برای کمک به او در آنطاکیه شتافت (اعمال رسولان ۱۱: ۲۵-۲۶). توجه داشته باشید که رویاهای خاص چیزی نبودند که هر روزه بر پولس نمایان شوند، ولی او چندین مورد را تجربه کرده بود (اعمال رسولان ۹: ۴؛ ۱۸: ۹؛ ۲۳: ۱۱؛ ۲۷: ۲۳).

■ "نمی‌دانم با بدن به آسمان رفت یا بیرون از بدن" پولس خودش هم مطمئن نبود چه روی داده است (عبارت در دوم قرنتیان ۱۲: ۲ و ۳ دو بار تکرار شده است). این امکان وجود دارد که این تجربه شبیه آنچه که حزقیال در حزقیال ۸ یا یوحنا در کتاب مکاشفه تجربه کرده بودند، باشد (مکاشفه ۱: ۱۰؛ ۲: ۴؛ ۱۷: ۳؛ ۲۱: ۱۰). توجه داشته باشید که بدن در مسیحیت همچون فلسفه یونان از بهشت و آسمان تفکیک نمی‌شود.

■ "رپوده شد" مشابه همین عبارت در (۱) اعمال رسولان ۸: ۳۰ برای فیلیپ؛ (۲) ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۷؛ (۳) بصورت غیرمنتظره و سریع در جسم یا ذهن بسمت حضور خدا حرکت داده شده (دوم قرنتیان ۴: ۱۲) بکار برده شده است.

■ "آسمان سوم" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: آسمان و آسمان سوم

(Special Topic: The Heavens And The Third Heaven)

در عهد عتیق اصطلاح "آسمان" معمولاً به صورت جمع به کار برده شده است (*shamayim*, KB 1559, BDB 1029). معنی عبری این کلمه "ارتفاع" است. خدا در ارتفاعات ساکن است. مفهوم این اصطلاح مقدس بودن و تعالی خدا است. در کتاب پیدایش ۱: ۱، حالت جمع، این طور نگاه شده که خدا "آسمان‌ها و زمین"، (۱) اتمسفر بالای این سیاره یا (۲) راهی برای اشاره به تمامی واقعیت را خلق کرد (یعنی معنوی و فیزیکی). از این درک ابتدایی در سایر متون استفاده شده برای سطوح آسمان: "آسمان آسمان‌ها" (مراجعه شود به مزمور ۶۸: ۳۳) یا "آسمان و آسمان آسمان‌ها" (مراجعه شود به تثنیه: ۱۴: ۱۰، اول پادشاهان ۸: ۲۷، نحμία ۹: ۶، مزموز ۴: ۱۴۸). روحانیون چنین جمع بندی کرده‌اند که احتمال دارد:

۱. دو آسمان وجود داشته باشد (R. Judah, Hagigah 12b)

۲. سه آسمان (تست، لاویان ۲ الی ۳، اشعیا ۶ الی ۷، Midrash Tehillim در مزمور ۱: ۱۱۴)

۳. پنج آسمان (III Baruch)

۴. هفت آسمان (R. Simonb. Lakish, اشعیا ۷: ۹)

۵. ده آسمان (دوم انوش ۳: ۲۰، ۲۲: ۱)

تمامی اینها برای این هستند که جدایی خدا را از مخلوقات فیزیکی و متعالی بودن او نشان دهند. متداولترین تعداد آسمان در ربینوی یهود هفت است. A. Cohen در کتاب *Everyman's Talmud* صفحه ۳۰ می‌گوید "این متداولترین عددی بود که به سیارات فضایی مرتبط می‌شده است، ولی من فکر می‌کنم به دلیل این است که عدد هفت، عدد کاملی است (یعنی روزهای خلقت باضافه هفت که روز استراحت خدا در کتاب پیدایش ۲:۲ است). پولس در کتاب دوم قرنیتان ۱۲:۲ می‌گوید که آسمان "سوم" (*Ouranos* در زبان یونانی) راهی برای شناسایی شخصیت و حضور والامنشانه خدا است. پولس خدا را شخصا دیده بود!

۳:۱۲-۴ این آیات توضیح بیشتر درباره رویداد است که در دوم قرنیتان ۱۲:۲ از آن ذکر بمیان آمد.

۴:۱۲ "فردوشی" این کلمه از زبان فارسی عاریه گرفته شده و بمعنی باغی که بدور آن حصار کشیده شده، می‌باشد. کلمه یونانی بکار برده شده در نسخه Septuagint برای این واژه، "باغ عدن" است (پیدایش ۲:۸؛ ۳:۱؛ حزقیال ۲۸:۱۳؛ ۳۱:۱۸). این واژه در لوقا ۲۳:۴۳ برای حقانیت Hades یا Sheol بصورت فردوس بکار برده شده است. در کتاب شریعت *The Secret of Enoch* یا *II Enoch* فصل ۸، از فردوس یا پردیس برای سخن گفتن از آسمان سوم یا حضور خداوند استفاده شده است. آسمان سوم و پردیس هر دو از راههای اشاره به حضور خداوند می‌باشند.

■ "چیزهای وصف‌ناشدنی شنیدید، که سخن گفتن از آنها بر انسان جایز نیست" در هیچیک از حوزه‌های حقیقت، کنجکاوی بشر اغنا شدنی نیست. در حالیکه ایلعازاز تجربه خود در قبر سخنی بر زبان نمی‌آورد، پولس نیز از این تجربه سخنی به میان نیاورده (بدلیل مقدس بودن زیاد) و نمی‌توانست که بمیان آورد (بدلیل کمبود دایره واژگان انسانی). در واژه "وصف‌ناشدنی" تغییراتی داده شده است: *arrētos* بمعنی "سخنرانی"، و *hrētos* یا احتمالاً این یک اصطلاح فنی درباره شروع مراسم مذهبی آیینهای مرموز بوده است. احتمالاً در آن زمان واژه مناسبی در دایره لغاتی که او بکار می‌برد، وجود نداشته است (اول قرنیتان ۹:۲).

۵:۱۲ پولس به آنچه که دست یافته بود فخر نمی‌فروخت (یادداشت کاملتر در دوم قرنیتان ۱:۱۲)، بلکه به مکاشفه خدا نسبت به خود بواسطه تجربیات شخصی و حقیقت انجیل افتخار می‌کرد. نداشته‌های پولس به وی این اجازه را می‌دادند که شکوه خداوند در وی نمایان شود (یوحنا ۱۵:۵ را با فیلیپیان ۱۳:۴ مقایسه نمایید).

■ "ضعف" به موضوع خاص در دوم قرنیتان ۹:۱۲ مراجعه نمایید.

۶:۱۲ "اگر" این یک جمله شرطی نوع سوم بوده که بمعنی احتمال روی دادن عملی می‌باشد.

■ "بی‌فهم" به موضوع خاص در اول قرنیتان ۳۶:۱۵ مراجعه شود.

■ "از این کار می‌پرهیزم تا کسی مرا چیزی بیش از آن مپندارد که در من می‌بیند و از من می‌شنود" از این عبارت ریشخند می‌بارد. این معلمان دروغین بسیاری از تجربیات پیشین خود را به رخ همگان می‌کشاندند و این در حالی بود که قرنیتان فقط وصف آن را شنیده بودند. پولس می‌گوید، "بابت چیزی که به شما نشان نداده‌ام مرا مفتخر ننموده، بلکه بابت کارهایی که انجام داده‌ام و آنهم زمانی که در میان شما بودم به من افتخار کنید. به امتیازات من بنگرید!"

۷:۱۲ "برای اینکه عظمت بی‌اندازه این مکاشفات" بلحاظ دستور زبانی، این عبارات با "مرا چیزی بیش از آن مپندارد" در دوم قرنیتان ۱۲:۶، یا "مرا از غرور بازدارد" در دوم قرنیتان ۷:۱۲ مرتبط است (MSS \aleph , A, B, F, G) بنابراین احتمالاً با آیه ۶:۱۲ مرتبط می‌گردد، اما *dio* در بسیاری از نسخه‌های خطی یونان باستان از قلم افتاده است (ترجمه‌های (MSS P⁴⁶, Vulgate, Armenian, Peshitta). نسخه UBS⁴ به جمله دارای *dio* رتبه C را داده است (معنی دشواری در تصمیم‌گیری نهایی).

برای مطالعه بیشتر درباره "عظمت بی‌اندازه" (*hyperbolē*) به موضوع خاص: کاربرد واژه ترکیبی *Huper* توسط پولس در اول قرنیتان ۱:۲ مراجعه نمایید.

■ "مغرورم نسازد" مشابه همین کلمه در ۲ تسالونیکیان برای تعریف فخر فروشی "گناهکار بزرگ" یا دجال بکار برده شده است. پولس دوباره خود را در قیاس با معلمان دروغین قرار می‌دهد. آنها به هر شکلی نسبت به شیوه‌های آیین صوفستایی خود فخر فروشی نموده و جولان می‌دادند (پولس در فصلهای ۱۰ تا ۱۳ ادای آنها را در می‌آورد).

پولس معتقد بود که خداوند (زمان مجهول "داده شده") این جسم پاره را برای منظور خاصی به وی داده است (بند *hina*). این ممکن است همان حالت رومیان ۸:۲۸ نیز باشد (برخی نسخه‌های خطی یونانی عبارت "خداوند باعث و بانی همه چیز است" را نوشته‌اند)، اما نیکی نهفته شده در زندگی همچون مسیح به روشنی در رومیان ۸:۲۹ بیان شده است (مطابق تصویر پسر خداوند). شیطان یک عامل است!

■ **"خاری در جسمم" (در نسخه انگلیسی "پاره")** واژه "پاره" می‌تواند معنی "میخ" نیز بدهد ("هدف گرفتن"). در ادبیات کلاسیک یونانی از این عبارت برای میخ تیز استفاده می‌گردید در حالیکه در نسخه Septuagint برای خار گیاه بکار برده شده است (اعداد ۳۳:۵۵؛ حزقیال ۲۸:۲۴؛ هوشع ۲:۶). برخی نظریه‌ها پیرامون خاری در جسم پولس عبارتند از:

۱. پدران کلیسای اولیه، لوتر و کلوین، می‌گویند که این خار، مشکلات معنوی مرتبط با ذات بشر رو به انحطاط بوده ("در بدن")
 ۲. Chrysostom می‌گوید که خار، مشکلات فردی بوده است (اعداد ۳۳:۵۵؛ داوران ۲:۳)
 ۳. برخی معتقدند که وی دارای بیماری صرع بوده است
 ۴. Sir William Ramsay می‌گوید که وی مبتلا به مالاریا بوده است
 ۵. من تصور می‌کنم که وی به بیماری رایج آماس یا همان التهاب چشم دچار بوده (آیات غلاطیان ۴:۱۳ را با ۶:۱۱ مقایسه نمایید) که منجر به نابینایی در جاده دمشق گردیده بود (اعمال ۹؛ احتمالاً با کنایه‌ای به یوشع ۲۳:۱۳)
- برای مطالعه درباره "بدن" به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۱:۲۶ مراجعه نمایید.

■ **"عامل شیطان"** خداوند در جاییکه لازم بدانند از نیروی شریر بهره می‌برد (ایوب ۲:۶؛ ۱ قرن‌تین ۵:۵؛ تیموتائوس ۱:۲۰). واژه "عامل" (در نسخه انگلیسی "پیامبر" نوشته شده است) ظاهراً اشاره به نماینده‌ای شیطانی دارد. این واژه هم در نسخه عبری و عم یونانی "فرشته" ترجمه شده است. اگر چنین باشد، پس می‌بینیم که ایمانداران می‌توانند توسط نیروهای شیطانی مورد آسیب واقع گردند، اما توجه داشته باشید که این آسیب برای مقاصد خداوند صورت می‌پذیرد. خداوند از شیطان برای مقاصد به حق خود بهره می‌برد.

موضوع خاص: شیطان

(Special Topic: Satan)

به دلایل متعددی این موضوع بسیار دشواری است.

۱. عهد عتیق به عنوان دشمن خوبی او را نشان نمی‌دهد، بلکه به عنوان بنده یهوه نشان می‌دهد (به *OT Theology*، A. B. Davidson، صفحات ۳۰۶-۳۰۰ مراجعه کنید)، که جایگزینی را به بشریت ارائه می‌دهد و همچنین انسان را به نادرستی متهم می‌کند. تنها یک خدا وجود دارد (به موضوع ویژه: یکتاپرستی مراجعه کنید)، یک قدرت، یک علت در عهد عتیق، یعنی یهوه (مراجعه کنید به اشعیا ۴۵:۷؛ عاموس ۳:۶).
 ۲. مفهوم دشمن شخصی شخصی خداوند در ادبیات بین فرهنگی (غیر کانونی) تحت تاثیر ادیان دوالیسم پارسی (زرتشتیان) توسعه یافت. این، به نوبه خود، به شدت تحت تاثیر یهودیت روحانیون و جامعه اسسن (به عنوان مثال، کتیبه بحرالامیت).
 ۳. عهد جدید تم‌های عهد عتیق را به شکل شگفت‌انگیزی، اما انتخابی، دسته بندی می‌کند.
- اگر کسی به مطالعه شر از دیدگاه الهیات کتاب مقدس (هر کتاب یا نویسنده یا ژانر به طور جداگانه مورد مطالعه و تعریف قرار گیرد) توجه کند، دیدگاه‌های بسیار مختلفی از شر بدست می‌آید.

با این حال، اگر کسی به مطالعه شر از رویکرد غیر کتاب مقدس یا کتاب مقدس ادیان جهانی یا ادیان شرقی توجه کند، در این صورت بیشتر توسعه عهد جدید در پیشگویی دوالیسم ایرانی و روح‌گرایی یونانی-رومی حاصل می‌شود.

اگر کسی به طور پیش شرطی به اقتدار الهی کتاب مقدس متعهد باشد (همانطور که من هستم)، پس توسعه عهد جدید باید به عنوان معرفت مترقی شناخته شود. مسیحیان باید در برابر نفوذ فولکلور یهودی یا ادبیات غربی (دانت، میلتن) از این مفهوم بیشتر جبهه‌گیری کنند. مطمئناً رمز و راز و ابهام در این زمینه وحی است. خدا خواسته است که تمام جنبه‌های شر و پلیدی، منشاء آن (موضوع خاص: لوسیفر)، توسعه آن، و هدف آن را فاش نکند، اما او شکست خود را نشان داده است!

در عهد عتیق اصطلاح "شیطان" یا "متهم کننده" (KB 1317, BDB 966) می‌تواند به سه گروه جداگانه مرتبط باشد.

۱. متهم کنندگان انسانی (به جز ۱ سموئیل ۲۹:۴، دوم سموئیل ۱۹:۲۲؛ اول پادشاهان ۱۱:۱۴، ۲۳، ۲۵؛ مزمور ۱۰۹:۶)
۲. فرشتگان متهم کننده (مراجعه شود به اعداد ۲۲:۲۲ الی ۲۳؛ یعقوب ۱-۲؛ زکریا ۳:۱)
۳. شیاطین متهم کننده (مراجعه شود به اول تواریخ ۲۱:۱، اول پادشاهان ۲۲:۲۱، زکریا ۲:۱۳)

تنها بعداً، در دوره مقدماتی، مار پیدایش ۳ به عنوان شیطان شناسایی شده است (مراجعه شود به کتاب خرد ۲: ۲۳ الی ۲۴؛ دوم انوش ۳: ۳۱)، و حتی بعداً این تبدیل به گزینه روحانیون می‌شود (مراجعه شو به Sot ۹ ب و سانه‌دین ۲۹ الف). "فرزندان خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان در اول انوش ۵۴: ۶ می‌شوند. من این را ذکر می‌کنم، نه به دقت کلامی آن، بلکه برای نشان دادن توسعه آن. در عهد جدید، این کارهای عهد عتیق به شرارت فرشتگی و شخصیتی شیطان نسبت داده می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان به ۱۱: ۳؛ مکاشفه ۱۲: ۹).

منشا شرارت شخصیت (بسته به دیدگاه شما) در عهد عتیق دشوار یا غیرممکن است. یکی از دلایل این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (به موضوع ویژه: یکتاپرستی مراجعه کنید؛ همچنین به اول پادشاهان ۲۲: ۲۰ الی ۲۲؛ جامعه ۷: ۱۴؛ اشعیا ۴۵: ۷، عاموس ۳: ۶ مراجعه کنید). همه علیت (مراجعه شود به اشعیا ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶) به یهوه نسبت داده میشوند تا یکتا بودن و اولویت او را نشان دهند (مراجعه شود به اشعیا ۴۳: ۱۱، ۴۴: ۶ و ۸ و ۲۴، ۴۵: ۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع اطلاعات احتمالی عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، جایی که شیطان یکی از "پسران خدا" است (یعنی، فرشتگان)؛ یا (۲) اشعیا ۱۴ و حزقیال ۲۸، که در آن پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تایلر) احتمالاً برای نشان دادن غرور شیطان به کار استفاده شده‌اند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۶). من احساسات مختلفی در مورد این رویکرد دارم. حزقیال از استعاره‌های باغ عدن، نه تنها برای پادشاه تایلر به عنوان شیطان (مراجعه شود به حزقیال ۲۸: ۱۲ الی ۱۶) بلکه برای پادشاه مصر نیز به عنوان درخت آگاهی از خیر و شر (حزقیال ۳۱) استفاده می‌کند. با این حال، اشعیا ۱۴، به خصوص در آیات ۱۲ الی ۱۴، به نظر می‌رسد شورش فرشتگان را از روی غرور توصیف می‌کند. اگر خدا بخواهد ماهیت و منشا شیطان را به ما نشان دهد، این یک شیوه و مکان بسیار مبهم برای انجام آن است. ما باید علیه روند الهیات سیستماتیک در استفاده بخشهای کوچک و متضاد آیات مختلف، نویسندگان، کتاب‌ها و ژانرها و ترکیب آنها به عنوان قطعه یک پازل الهی محافظت کنیم.

من با Alfred Edersheim *The Life and Times of Jesus the Messiah*، جلد ۲، پیوست‌های XIII (صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳) و XVI (صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶) موافقم) که روحانیون یهودی به شدت تحت تأثیر حدس و گمان دوالیسم پارسی و اهریمنی قرار گرفته‌اند. روحانیون منبع خوبی برای حقیقت در این زمینه نیستند. مسیح عمدتاً از آموزه‌های کنیسه در این حوزه دور می‌شود. من فکر می‌کنم که مفهوم دشمن قوی یهوه از دو خدای بزرگ دوالیسم ایرانی، اهریمن و اهورامزدا تشکیل شده است و سپس توسط روحانیون به دوالیسم یهوه و شیطان تبدیل شد.

یقیناً مکاشفه مترقیانه‌ای در عهد جدید در خصوص شخصیت پردازی پلیدی وجود دارد، اما نه به آن دقت روحانیون. مثال خوبی از این تفاوت "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان ضرورت منطقی است، اما مشخص نیست (نگاه کنید به موضوع ویژه: سقوط شیطان و فرشتگان او). حتی آنچه که داده می‌شود، در سبک آخرالزمانی ظاهر شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۲: ۴ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). اگر چه شیطان از عیسی مسیح شکست خورده و به زمین فرستاده می‌شود، او همچنان به عنوان خادم یهوه عمل می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱؛ انجیل لوقا ۲۲: ۳۱ الی ۳۲؛ اول قرنتیان ۵: ۵؛ اول تیموتائوس ۱: ۲۰).

ما باید کنجکاویمان را در این زمینه محدود کنیم. یک نیروی شخصی از وسوسه و بدی وجود دارد، اما تنها یک خدا وجود دارد و ما هنوز در برابر انتخاب خود مسئول هستیم. یک جنگ معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروزی فقط با خدای سه گانه حاصل می‌شود و دوام می‌آورد. پلیدی شکست می‌خورد و از بین می‌رود (مراجعه شود به مکاشفه ۲۰: ۱۰)!

■ "آزارم دهد" این یک وجه شرطی حال کامل است. کلمه دقیقاً بمعنی "با مشت کوبیدن" است. این مشکل بسیار دردناک و در حال تکرار بود.

■ "مرا از غرور بازدارد" این یک هدف است (*hina*). ادعاهای معنوی معلمان دروغین فقط خودپسندی آنان را برجسته می‌نمود. پولس شکسته نفسی می‌کرد.

■ ۸:۱۲ "از خداوند تمنا کردم" این عبارت بلحاظ متنی اشاره به (۱) یهوه یا (۲) عیسی دارد (یوحنا ۱۴: ۱۳-۱۴). پولس معمولاً به درگاه پدر دعا می‌کرد. مسیحیان می‌تواند به هریک از شاخه‌های آسمانی تثلیث دعا کنند، با وجود اینکه ما معمولاً به درگاه پدر دعا می‌کنیم، ولی بنام پسر و بواسطه روح القدس.

■ "آن" ممکن است که "آن" اشاره به (۱) آن وضعیت؛ (۲) آن رنج؛ (۳) آن پیام‌آور از شیطان؛ یا (۴) آن بیماری مزمن فیزیکی داشته باشد.

■ "سه بار" دعای عیسی در باغ جتسیمانی سه بار تکرار شده بود (متی ۲۶: ۴۲؛ مرقس ۱۴: ۳۹، ۴۱). این تکرار سه مرتبه‌ای نشان از تأکید داشته و بمعنی عدم اطمینان نبود، بلکه نشان دهنده این امر است که ما می‌توانیم درباره هر چیزی که بخواهیم و هر چقدر که احساس کنیم نیاز است، دعا نماییم. این مشکل دردناک تکراری به پولس درد روحانی بزرگی داد (دوم قرنتیان ۹: ۱۲). باید اذعان کنم که در روزگار ما، این داستان تأکید بیش از اندازه‌ای بر شفا یافتن از طریق ایمان دارد، منتها به همان اندازه که فرد به شفا نیاز دارد، باید ایمان داشته باشد. بدیهی است که پولس از ایمان بالایی

برخوردار بود. همچنین، تعلیم ناخوشایند که خداوند می‌خواهد هر ایمان‌داری را که از هر مشکلی شفا یافته و از آن‌هایی یافته، در این قسمت بیان شده است. درخواستهای عیسی و پولس آنگونه که می‌خواستند پاسخ داده نشد. خداوند از مشکلات و بیماری در زندگی ما برای مقاصد خود استفاده می‌کند (رومیان ۸: ۱۷؛ دوم قرنتیان ۱: ۵، ۷؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛ ۱ پطرس ۴: ۱۲-۱۷). نیاز ما اینست که خداوند فرصتی را برای مکاشفه او و خواست او برای ما فراهم نماید!

۹:۱۲ "اما مرا گفت" این یک جمله کامل و مصطلح برای "او در نهایت گفت"، می‌باشد.

■ " فیض من تو را کافی است" خداوند و حضور وی، تنها چیزی بود که پولس نیاز داشت. من فکر می‌کنم پولس همچون اول پادشاهان ۲۷:۸ فکر می‌کرد. این یکی از جاها در عهد عتیق بود که عبارت "آسمان و آسمان آسمانها" در آن بکار برده شده، که ممکن است سرمنشأ عبارت "آسمان سوم" پولس در دوم قرنتیان ۲:۱۲ بوده باشد. دعای سلیمان سخن از برتری "بالاترین آسمان" خداوند و وجود او در معبد می‌گوید. پولس قرار نبود که در عظمت آسمان سوم سکنی گزیند، بلکه قرار بر این بود که ذات رحیم خداوند و حضور او همواره در شبانه روز در کنار او باشد.

■ " قدرت من به کمال می‌رسد" این یک جمله مجهول کامل است. قدرت خداوند توسط عوامل دیگری بجز بشر عملیاتی می‌گردد. خداوند هنگامی جلال می‌یابد که بدن بشر ضعیف بوده و قادر به برآوردن نیازهای خود نباشد. قدرت خداوند از ویژگیهای تغییرناپذیر او است! این عبارات احتمالاً آیات اول قرنتیان ۵:۲ یا دوم قرنتیان ۷:۴ را بیاد پولس آورده و ارتباطی به تأکیدات معلمان دروغین بر کارایی بشر ندارد.

■ "به ضعفهایم فخر خواهم کرد" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: ضعف

(SPECIAL TOPIC: WEAKNESS (*astheneō*))

معلمان دروغین به اعتبارات و فن بیانی که داشتند، فخر می‌فروختند، اما پولس به ارزش "ضعف" (*astheneō*) آگاهی داشت. پولس از مفهوم ضعف به شیوه‌های گوناگونی استفاده کرده است.

۱. ضعف خداوند از انسان قوی‌تر است، اول قرنتیان ۱: ۲۵
۲. ضعف در دنیا، اول قرنتیان ۱: ۲۷
۳. ضعف و ترس پولس، اول قرنتیان ۲: ۳؛ ۹: ۲۲؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۲۹، ۳۰؛ ۱۲: ۵
۴. پولس و گروه مأموریتی وی، اول قرنتیان ۸: ۷، ۹، ۱۰؛ ۱۳: ۴، ۹
۵. ضعف ایماندار (رومیان ۱: ۱۴ - ۱۳: ۱۵)؛ اول قرنتیان ۸: ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲؛ ۹: ۲۲
۶. بیماری جسمی، اول قرنتیان ۱۱: ۳۰
۷. اعضای بدن انسان، اول قرنتیان ۱۲: ۲۲
۸. بدن فیزیکی، اول قرنتیان ۱۵: ۴۳
۹. حضور فیزیکی پولس یا قدرت فن بیان وی، دوم قرنتیان ۱۰: ۱۰
۱۰. ضعف پولس قدرت خداوند را بزرگ می‌نمایاند، دوم قرنتیان ۱۲: ۹، ۱۰؛ ۱۳: ۴، ۹
۱۱. پیام مسیح بوسیله پولس، دوم قرنتیان ۱۳: ۳
۱۲. بدن فیزیکی مسیح، دوم قرنتیان ۱۳: ۴

■ "تا قدرت مسیح" توجه داشته باشید که این قدرت از خداوند است! قدرت مسیح است! مسیح خدا است!

NASB, NRSV "در من حلول کند"

NKJV, NJB "بر من ساکن شود"

TEV "محافظت را احساس کند... بر من"

این واژه یونانی، *episkēnoō*، که *epi* به‌علاوه *skēnē* (بمعنی چادر، دوم قرنتیان ۵: ۱) می‌باشد، بنابراین، بصورت استعاره برای تحت‌الشعاع قرار دادن یا سایه افکندن معنی می‌دهد. این کلمه فقط اینجا در عهد عتیق دیده می‌شود. ریشه مشابه آن برای تولد عیسی (لوقا ۱: ۳۵) تغییر ماهیت عیسی (متی ۵: ۱۷)، و سایه افکندن رسولان بر مردم و شفای آنان بکار برده شده است (اعمال ۵: ۱۵).

پولس آگاه بود که ابرهای بر فراز زمین در طول دوران آوارگی در بیابان (خروج ۳۵:۴۰) توسط ریبهای "Shekinah" ابر جلال "فرا خوانده شده بودند. Shekinah یعنی "برای همیشه سکنی گزیده". پولس خواهان حضور خدا، بطور کامل و قرار گرفته در بدن مسیح، و به همراه او بود. این هدف مسیحیت است، نه نیروی شخصی، یا جایگاه و منزلت شخصی، یا دانش و تجربه خاص ("می‌خواهم مسیح و نیروی رستاخیزش را بشناسم و در رنجهای او سهیم شده، با مرگش همشکل گردم" فیلیپیان ۳:۱۰).

۱۰:۱۲ "زیرا وقتی ناتوانم، آنگاه توانایم" پولس بر مبنای تجربیات شخصی (جاده دمشق) می‌دانست که نیات خوب و کارهای فردی کافی نمی‌باشد. ما به رحمت خداوند نیاز داریم (دوم قرنتیان ۹:۱۲)، نه توان انجام کار. هیچ انسانی نمی‌تواند به زور صاحب جلال خداوند شود (اول قرنتیان ۱:۲۹؛ افسسیان ۹:۲). رحمت خدا، توان و جلال خداوند در جسم نحیف و ناتوان بشر برجسته شده است.

■ "ناتوانم، آنگاه توانایم" این آیه خلاصه‌ای از محاکمات مربوط به خدمت پولس را ارائه داده که او پیشتر در دوم قرنتیان ۷:۴-۱۱؛ ۱۰:۶؛ ۱۱:۳-۲۴-۲۸ از آن ذکر بمیان آورد. پولس معنی کامل کلام عیسی را در متی ۵:۱۰-۱۲ درک می‌کرد!

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱۱:۱۲-۱۳

۱) 'همچون بی‌فهمان رفتار کرده‌ام! شما ناگزیرم کردید. می‌بایست مورد ستایشتان باشم، چرا که هرچند هیچم، اما از آن 'بزرگ‌رسولان' چیزی کم ندارم. ۲) نشانه‌های رسالت، در نهایتِ بردباری در میان شما به ظهور رسید، با آیات و عجایب و معجزات. ۳) در قیاس با سایر کلیساهای، چه اجحافی در حق شما شد، جز اینکه هرگز باری بر دوشتان نبوده‌ام؟ برای این بدی که در حق شما کردم، مرا ببخشید!

۱۱:۱۲ "همچون بی‌فهمان رفتار کرده‌ام" این جمله اخباری معلوم است. برخی از اعضای تفرقه‌افکن (اول قرنتیان ۱-۴) یا برخی از معلمان دروغین سیار (دوم قرنتیان ۱۰-۱۳) به پولس، رهبری وی، اختیارات و اقتدار او، شیوه سخنوری او و انجیل، حمله کرده‌اند. لذا پولس از مجبور بود از خود دفاع کند. این کار را به شیوه‌های مختلف انجام می‌داد.

۱. زندگی خود را با آنان قیاس می‌کرد
۲. از شیوه سخنوری آنان استفاده می‌کرد، اما با تواضع
۳. برای گفتن فحواوی کلام خود از ریشخند بهره می‌برد

به موضوع خاص: واژگان بکار برده شده برای مردم ابله در اول قرنتیان ۱۵:۳۶ رجوع نمایید.

■ "من" این نوع استفاده از "من" () به جهت تأکید، در دوم قرنتیان ۱۱:۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۶ بکار برده شده است.

■ "ستایش" به یادداشت کامل در دوم قرنتیان ۳:۱ مراجعه نمایید.

■ "اما از آن 'بزرگ‌رسولان' چیزی کم ندارم" به یادداشت کامل در دوم قرنتیان ۱۱:۵ مراجعه نمایید.

■ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول بوده که برای مقاصد ادبی و بمنظور رساندن فحواوی کلام، و نه واقعیت از آن استفاده شده است. پولس بهیچ شکل چیزی از آنها کم نداشت.

■ "هرچند هیچم" پولس به جایگاه خود را در رحمت خدا واقف بوده و آن را درک کرده بود (اول قرنتیان ۹:۱۵؛ افسسیان ۳:۸؛ ۱ تیموتائوس ۱:۱۵).

۱۲:۱۲ "آیات و عجایب و معجزات" خدمت پولس بواسطه قدرت خدا مشهود بود (اول قرنتیان ۲:۴؛ ۲:۴؛ رومیان ۱۵:۱۹). با اینوجود، این فقط معجزه نبود، اما رویکرد و اعمال او در مقابل این کلیسا بود که نشان می‌داد وی از سوی خداوند فرستاده شده بود.

۱۳:۱۲ "باری بر دوشتان نبوده‌ام" پولس اجازه نمی‌داد که این کلیسای متفرق به او کمک کند. او به کلیساهای فیلیپه (فیلیپیان ۴:۱۵) و تسالونیک (۱ تسالونیکیان ۳:۶) این اجازه را داد، اما فقط پس از اینکه او از آن شهرها رفته بود. این کار باعث رنجش کلیسای قرتنس شد (دوم قرنتیان ۱۲:۱۳)، اما پولس اینکار را بدلیل اتهامات معلمان دروغین انجام نمی‌داد (دوم قرنتیان ۸:۱۱-۲۰). با اینحال، پولس (بعنوان یک قاعده) از کمک مالی کلیسا برای خادمین حمایت می‌کرد (اول قرنتیان ۹:۳-۱۸).

■ "کلیساهای" به موضوع خاص در اول قرنتیان ۲:۱ مراجعه نمایید.

■ "برای این بدی که در حق شما کردم، مرا ببخشید" این نیز یک ریشخند تلخ است.

۱۴ اکنون آماده‌ام برای بار سوّم به دیدارتان بیایم، و باری بر دوستتان نخواهم بود. زیرا نه اموال شما، بلکه خود شما را می‌خواهم. چرا که فرزندان نیستند که باید برای والدین خود بیندوزند، بلکه والدین برای فرزندان خود می‌اندوزند. ۱۵ پس من با شادی بسیار هر چه دارم در راه جانهای شما خرج خواهم کرد و حتی جان خود را نیز دریغ نخواهم داشت. اگر من شما را بیشتر دوست می‌دارم، آیا شما باید مرا کمتر دوست بدارید؟ ۱۶ اما حتی اگر بپذیرید که خود بر دوش شما باری نبوده‌ام، لابد می‌گویید چون شخصی مگّار هستم، باید به نحوی از شما بهره‌برداری کرده باشم. ۱۷ آیا به واسطه آنان که نزدتان فرستادم از شما سوءاستفاده کردم؟ ۱۸ من تیتوس را بر آن داشتم که نزد شما بیاید و برادرمان را نیز همراهش فرستادم. آیا تیتوس از شما سوءاستفاده کرد؟ آیا ما نیز به همین شیوه رفتار نکردیم و همین زویه را در پیش نگرفتیم؟

۱۴:۱۲

NASB, NRSV,

NJB "اینجا"

NKJV "اکنون برای"

TEV -از قلم افتاده است-

Idou حرف تأکید یونانی که اغلب در اناجیل بکار برده شده و معمولاً "هشبار باشید" یا "ای مردم" ترجمه شده است. از این واژه زمانی استفاده می‌شود که بخواهند توجه حضار را به اظهارات فردی معطوف دارند. پولس بندرت آن را بکار برده است (رومیان ۹:۲۳ [نقل قول عهد عتیق]؛ اول قرن‌تینان ۱۵:۵؛ دوم قرن‌تینان ۵:۱۷؛ ۶:۲ [نقل قول عهد عتیق]، ۹:۷؛ ۱۱:۱۲؛ ۱۴:۱؛ غلاطیان ۱:۲۰).

▣ "برای بار سوّم" کتاب اعمال رسولان دو مرتبه ملاقات و بازدید را از قرنتس ثبت کرده است (اعمال رسولان ۱۸:۱؛ ۲۰:۲-۳؛ دوم قرن‌تینان ۱:۱۵؛ ۱۳:۱، ۲). با اینحال، عمل رسولان یک کتاب تاریخی با جزئیات و بطور کامل نبوده، بلکه سندی الهیاتی است که پراکندگی مسیحیت را میان اقوام و از فلسطین تا روم نشان می‌دهد.

▣ "باری بر دوستتان نخواهم بود" این جمله اشاره به مبحث مالی دارد (دوم قرن‌تینان ۱۱:۹؛ ۱۲:۱۳؛ اول قرن‌تینان ۹:۱۲، ۱۸). پولس تأیید می‌کند که خادمین صادق باید وجه مالی را دریافت کنند، اما خود شخصاً آن را نپذیرفت، زیرا (۱) بوسیله معلمان دروغین بابت همین موضوع زیر حمله قرار داشت (دوم قرن‌تینان ۱۲:۱۴) و (۲) گذشته او بعنوان یک ربی وی را از این کار منع می‌کرد.

▣ "بلکه خود شما" پولس پول آنها را نمی‌خواست، اما وفاداری و دعای خیر آنان را طلب می‌کرد.

▣ "فرزندان...والدین" پولس از واژگان خاص خانواده استفاده می‌کند. او خود را پدر معنوی آنان می‌دانست (اول قرن‌تینان ۴:۱۴-۱۵؛ غلاطیان ۴:۱۹).

۱۵:۱۲ "خرج خواهم کرد" این کلمه یونانی را به دو صورت می‌توان برداشت نمود: (۱) "پرداخت پول" (اعمال رسولان ۲۱:۲۴ یا ۲) بصورت استعاره "وجهی را بطور کامل بابت چیزی پرداختن" (مرقس ۵:۲۶). پولس حاضر بود تا همه دار و ندار خود را بخاطر مسیح، در میان ایمانداران قرنتس پخش کند. پولس بروشنی بر سر پول با کلمات بازی می‌کند. او نمی‌خواست که آنان هیچ وجهی بابت وی خرج نمایند، بلکه می‌خواست خود این کار را برای آنان انجام دهد.

▣ "در راه جانهای شما" "جانها" (*psychē*) در نامه‌های پولس در چارچوب افراد و همچون "روح" بکار برده شده است (*pneuma*، فیلیپیان ۱:۲۷). این یک دوگانگی هستی‌شناختی در بشریت نیست، بلکه یک رابطه دوگانه میان این سیاره و با خدا است. در کتاب پیدایش کلمه عبری *nephesh* (BDB 659) هم برای بشر و هم برای حیوانات بکار برده شده، در حالیکه "روح" (*ruah*, BDB 924) بشکل منحصر بفردی برای بشریت بکار برده شده است. این بمعنی برداشت یک آیه در رابطه با طبیعت بشر بعنوان یک موجود سه ضلعی و بوجود آوردن یک دکترین بر مبنای آن نیست. در کتاب مقدس بشر بشکل واحد تعریف و معرفی شده است (پیدایش ۲:۷). برای مطالعه بیشتر درباره نظریه‌هایی پیرامون بشر بعنوان یک انسان دو ضلعی یا سه ضلعی یا واحد، به کتاب *Christian Theology* نوشته Millard J. Erickson (چاپ دوم) صفحات ۵۳۸-۵۵۷ و کتاب *Polarities of Man's Existence in Biblical Perspective* نوشته Frank Stagg مراجعه نمایید.

▣ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که با توجه به دیدگاه‌های نویسنده یا اهداف ادبی او، درست بنظر می‌رسد.

■ "بیشتر" این مجموعه از واژگان ویژگیهای احساسی و سبک عجیب ادبی او را در دوم قرن‌تینان نشان می‌دهد. به یادداشت کامل در دوم قرن‌تینان ۷:۲ مراجعه نمایید.

■ "آیا شما باید مرا کمتر دوست بدارید" هر چقدر پولس بیشتر به آنها محبت می‌کرد، بیشتر از سوی آنان بی‌مهری و احترام و محبت می‌دید. این وضعیت قابل تحمل نبود.

۱۶:۱۲ "چون شخصی مکار هستم، باید به نحوی از شما بهره‌برداری کرده باشم" این موضوع باید مربوط به گردآوری اعانات برای کلیسای اورشلیم در فصل‌های ۸-۹ باشد. معلمان دروغین احتمالاً او را متهم به فرستادن افراد دگبری برای جمع‌آوری پول برای مصارف شخصی کرده بودند (دوم قرن‌تینان ۱۷:۱۲-۱۸). توضیح پولس در اینجا ریشخند تلخی است!

۱۸:۱۲ "تیتوس" شگفت‌انگیز است که در کتاب اعمال رسولان ذکر از تیتوس به میان نیامده (احتمالاً وی برادر لوقا بوده است). او یکی از دستیاران صدیق و قابل اعتماد پولس بود (به موضوع خاص در دوم قرن‌تینان ۱۳:۲ مراجعه نمایید. بدیهی است که با عنایت به مثال پولس، تیتوس نیز هیچ پولی از این کلیسا دریافت نکرده بود.

■ "برادرمان را نیز همراهش فرستادم" احتمالاً این شخص همان فردیست که در دوم قرن‌تینان ۸:۱۸ از صحبت شده بود. برخی تصور می‌کنند که وی لوقا بوده است (اورینگن). فرستادن اینگونه همراهان با نمایندگان از کلیسا، یکی از روشهای پولس برای خلع سلاح نمودن اتهام زندگان مرتبط با ارسال کمک به کلیسای اورشلیم بود.

■ آیات ۱۷ و ۱۸ مجموعه‌ای از چهار سوال در خود دارند. حالت دستور زبانی دو سوال اول انتظار پاسخ "منفی"، درحالی‌که دو سوال آخر انتظار پاسخ "مثبت" دارند. هدف از این سوالات نشان دادن این مطلب است که برخلاف دیگران، نه پولس و نه تیتوس از آنها سوء استفاده نموده‌اند.

■ "در یک روح" (در نسخه فارسی نیست) این عبارت اشاره به روح انسانی تیتوس دارد (حالت مکانی)، و نه روح القدس (حالت ابزاری). پولس اغلب از "روح" برای اشاره به خود استفاده می‌کند (دوم قرن‌تینان ۲:۱۳؛ ۷:۱۳؛ اول قرن‌تینان ۲:۱۱؛ ۵:۴؛ ۱۶:۱۶؛ رومیان ۱:۹؛ ۱۸:۱۶؛ فیلیپیان ۴:۲۳). به یادداشت دوم قرن‌تینان ۷:۱۳ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تینان ۱۲:۱۹-۲۱

۱۹ آیا تا اینجا بر این تصور بوده‌اید که می‌کوشیم در برابر شما از خود دفاع کنیم؟ ما در حضور خدا و همچون کسانی سخن می‌گوییم که در مسیح‌اند، و هرآنچه می‌کنیم، ای عزیزان، برای بنای شماست. ^{۲۰} زیرا بیم آن داریم که نزدتان بیایم و شما را آن‌گونه که انتظار داریم، نبینیم، و شما نیز مرا چنانکه انتظار دارید، نبینید. بیم آن داریم که در میان شما جدال، حسد، خشم، خودخواهی، افترا، غیبت، غرور و بی‌نظمی ببینیم. ^{۲۱} و نیز بیم آن داریم که چون نزد شما آییم، خدا بار دیگر مرا در حضور شما فروتن سازد و من به‌خاطر برخی که در گذشته گناه کرده و از ناپاکی، بی‌عفتی و عیاشی خود توبه نکرده‌اند، اندوهگین شوم.

۱۹:۱۲ "تا اینجا" اشاره پولس به نامه‌ای که در حال نوشتن آن بود، می‌باشد (دوم قرن‌تینان).

■ "بر این تصور بوده‌اید که می‌کوشیم در برابر شما از خود دفاع کنیم" این یک جمله تمسخرآمیز است. پولس این کلیسا را بخوبی می‌شناخت. آنها ارزش و آزادی خود را در حد بالایی می‌پنداشتند.

■ "در حضور خدا" پولس این عبارت را در دوم قرن‌تینان ۲:۱۷ برای قسم خوردن به حقانیت خود در پیشگاه خداوند، زیاد بکار برده است.

■ "هرآنچه می‌کنیم برای بنای شماست" پولس با بکار بردن این واژه در دوم قرن‌تینان ۱۰:۸ اختیارات خود را ذکر می‌کند. او برای محافظت از این کلیسای راه‌گم‌کرده، از خود دفاع می‌کند. اعمال او از آنان نشأت گرفته بود و نه از خودش. به موضوع خاص: تقدیس در اول قرن‌تینان ۸:۱ مراجعه نمایید.

■ "ای عزیزان" پولس این کلیسا را با صداقت و با محبت زیاد مورد خطاب قرار می‌دهد. از این عبارت برای عزیز نشان دادن فرد یا افرادی استفاده می‌گردید (اول قرن‌تینان ۱۰:۱۴؛ ۱۵:۵۸؛ دوم قرن‌تینان ۷:۱۰؛ ۱۲:۱۹).

۲۰:۱۲ این آیه بدرستی مشخصات این کلیسا را در اول قرن‌تینان در برابر یکدیگر و همینطور پولس منعکس می‌کند.

- ▣ "جدال" به یادداشت اول قرن‌تین ۱۱:۲ مراجعه نمایید.
- این واژه و واژه بعدی در نسخه‌های A, 8, MSS P⁴⁶, بصورت مفرد بکار برده شده، اما دیگر واژه‌های این فهرست بصورت جمع نوشته شده‌اند.
- ▣ "حسد" در این متن اشاره به یک بخش یا روح تفرقه دارد (اول قرن‌تین ۳:۳). به یادداشت دوم قرن‌تین ۹:۲ مراجعه نمایید.
- ▣ "خشم" این عبارت اشاره به طغیان یک خشم دارد (غلاطیان ۵:۲۰؛ افسسیان ۴:۳۱؛ کولسیان ۳:۸).
- ▣ "خودخواهی" این واژه (*eitheia*) در اصل بمعنی "بدنبال استخدام کسی بودن" است. بعدها از این واژه برای تکبر ثروتمندان در مقابل کسانی که برای زندگی روزمره مجبور به کار کردن بودند، استفاده گردید. این رویکرد با رقابت گروه‌های تفرقه‌افکن در اول قرن‌تین، بویژه در فصل ۱۱ سازگاری دارد. پولس اغلب از این واژه استفاده می‌کرد (رومیان ۲:۸؛ غلاطیان ۵:۲۰؛ فیلیپیان ۱:۱۷؛ ۲:۳؛ و همچنین یعقوب ۳:۱۴، ۱۶).
- ▣ "افترا" این واژه اشاره به سخنان شیطانی نسبت به دیگران بمنظور بدنام کردن آنان دارد (رومیان ۱:۳۰؛ دوم قرن‌تین ۱۲:۲۰؛ یعقوب ۴:۱۱؛ ۱پطرس ۲:۱، ۱۲؛ ۱۶:۳). از این واژه سابقاً برای تعریف کارهای شیطان استفاده می‌گردید.
- ▣ "غیبت" کلمه یونانی بکار برده شده بمعنی "نجوا" بوده که اشاره به پشت سر کسی افسانه ساختن و بصورت خصوصی دارد.
- ▣ "غرور" واژه یونانی *phusioō* در اصل بمعنی باد کردن چیزی است (کتاب *Word Pictures in the New Testament* نوشته Robertson صفحه ۱۰۵ و کتاب *Word Studies* نوشته Vincent صفحه ۷۶۶، از کلمه *phusa - bellows*). از این کلمه در ادبیات مسیحی بصورت استعاره برای تکبر و گردن‌افرازی استفاده می‌گردد (احتمالاً بانی آن نیز پولس بوده است). این یکی از معضلات عدیده روحانی در کلیسای قرن‌تس بود. پولس این کلمه را در اول قرن‌تین ۴:۶، ۱۸، ۱۹؛ ۵:۲؛ ۸:۱؛ ۱۳:۴ و در فهرستی از گناهان در دوم قرن‌تین ۱۲:۲۰ بکار برده است. این کلمه فقط در خارج از نامه‌های قرن‌تین در عهد جدید، در کولسیان ۲:۱۸ بکار برده شد، در آنجا اشاره به رویاهای حکمت خاص عرفانی داشت.

"اختلالات"	NASB
"التهابها"	NKJV
"بی‌نظمی"	NRSV, TEV
"تابهنجاری"	NJB

به یادداشت اول قرن‌تین ۱۴:۳۳ توجه نمایید. این یک کلیسای متفرق بود. این واژه در یعقوب ۳:۱۶ نیز بکار برده شده است. فهرستهای متعددی درباره فساد و گناه در مکاتبات پولس دیده می‌شود (رومیان ۱:۲۹-۳۱؛ اول قرن‌تین ۵:۱۱؛ ۶:۹؛ غلاطیان ۵:۱۹-۲۱؛ افسسیان ۴:۳۱؛ ۵:۳-۵-۹). از بسیاری جهات این فهرستها با فسادهای رواقیون هم‌تراز هستند. مسیحیت مطالبه یک پاسخ در خور و اخلاقی است. زندگی ابدی دارای ویژگیهای اخلاقی مشهود می‌باشد.

۲۱:۱۲ پولس نگران بود که اگر این کلیسا توبه نکند، او هنگام بازگشت مجبور خواهد گردید تا از اختیارات و اقتدار رسولی خود استفاده نماید (دوم قرن‌تین ۲:۱۳). بدیهی است که برخی از تفرقه‌اندازان (اول قرن‌تین) و معلمان دروغین (دوم قرن‌تین) زندگیهای عیاش و خودمحمور بدور از خدا را هدایت می‌کردند.

"تحقیر"	NASB, TEV, NJB
"فروتن"	NKJV, NRSV, NIV

پولس از ریشه این لغت در نامه‌های خود به قرن‌تین به روشهای مختلفی استفاده کرده است (برداشت از کتاب *The Analytical Greek Lexicon Revised* نوشته Harold K. Moulton صفحه ۳۹۷).

1. *Tapeinos*

a. افسرده (دوم قرن‌تین ۷:۶)

b. محبت با حلم یا به اندازه (دوم قرن‌تین ۱۰:۱)

2. *Tapeinoō*

a. (زمان ساده) زندگی در کمال فروتنی (دوم قرن‌تین ۷:۱۱)

b. در برابر آرزوها و انتظارات فروتن و متواضع بودن؛ افسردگی همراه با ناامیدی (دوم قرن‌تیان ۲۱:۱۲)

■ "اندوهگین" به یادداشت اول قرن‌تیان ۲:۵ مراجعه نمایید.

■ "در گذشته گناه کرده" کل این عبارت یک بند را ترجمه نموده و وجه وصفی در اینجا و در دوم قرن‌تیان ۲:۱۳ بکار برده شده است. این یک وجه وصفی مجهول کامل با یک حرف اضافه یونانی *pro* (بمعنی قبل) و *hamartanō* (بمعنی گناه کردن) می‌باشد. مجموعه‌ی این حالات، شامل کسانی می‌شود که گناه کرده و به گناه کردن ادامه می‌دهند. کلمه "گذشته" در این عبارت یونانی لحاظ نشده، اما مترجمان آن را اضافه کرده‌اند.

■ "توبه نکرده" این آیه به روشنی اشاره به مسیحیانی دارد که کماکان به گناه کردن ادامه می‌دهند. توبه نه فقط شروع آن (مرقس ۱:۱۵؛ اعمال ۲:۳۸، ۴۱؛ ۳:۱۶، ۱۹؛ ۲۰:۲۱)، بلکه تداوم آن نیز امری حیاتی است (۱ یوحنا ۱:۹). توبه برای یک ایماندار منجر به احیای نزدیکی به خدا می‌گردد و نه نجات! توبه یکی از گرایش‌ها به خداوند بوده تا مجموعه‌ای از کارها و قدم‌های روحانی. به یادداشت دوم قرن‌تیان ۷:۸-۱۱ مراجعه نمایید.

■ "ناپاکی، بی‌عفتی و عیاشی" باید بخاطر داشته باشیم که این ایمانداران جدید از فرهنگ بی‌خدا و شهوت‌ران قرن‌تس بوجود آمدند. آنها با زیاده روی در مسایل جنسی و کینه‌ورزی به نام خدایان بزرگ شده بودند. با اینحال، توجه داشته باشید که این آیه همچنین به مفاهیمی می‌پردازد که بوسیله آن، مسیحیان به مسئله گناه در زندگی خود می‌پردازند - توبه (۱ یوحنا ۱:۹؛ مزمور ۱۹:۱۲-۱۴). ایمان و توبه هر دو شروع و تداوم تجربیات روحانی در زندگی مسیحیان هستند.

این امر می‌تواند به منعکس کننده کارهای معلمان دروغینی بوده که بر فن بیان خود به شیوه یونانی تأکید ورزیده، که می‌تواند گویای ضعف آنها در مقابل فلسفه عرفان نیز بوده باشد. عرفان تأکید بر حکمت داشت اما استانداردهای اخلاقی را بی‌ارزش نشان می‌داد. همه این واژگان در فهرست گناههایی که پولس در غلاطیان ۵:۱۹ تنظیم کرده بود، قرار دارند. توجیه نباید و نمی‌تواند از تقدیس جدا گردد!

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. چرا پولس از مکاشفه خاص خود ذکر بمیان می‌آورد، ولی درباره جزئیات آن چیزی به ما نمی‌گوید؟

۲. چرا ضعف کلیدی برای قابل استفاده بودن است؟

۳. آیا خدا از شیطان برای مقاصد خود استفاده می‌کند؟

۴. چرا پولس نسبت به دریافت وجه از این کلیسا حساسیت نشان می‌داد؟ (دوم قرن‌تیان ۱۲:۲۰-۲۱)

دوم قرنتیان ۱۳

بخشهای پاراگراف از ترجمه پیشرفته *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
آخرین هشدارها و خداحافظی	آمدن با اقتدار	ندایی برای خودآزمایی و اصلاح (۱۰:۱۳-۱۹:۱۲)	آخرین هشدارها و خداحافظی	ترس‌ها و اضطراب‌های پولس (۱۰:۱۳-۱۹:۱۲)
۴-۱:۱۳	۶-۱:۱۳	۴-۱:۱۳	۴-۱:۱۳	۴-۱:۱۳
۱۰-۵:۱۳	پولس غیریهودیان را ترجیح می‌دهد ۱۰-۷:۱۳	۱۰-۵:۱۳	۱۰-۵:۱۳	۱۰-۵:۱۳
	خداحافظی و دعای خیر	نتیجه‌گیری		نتیجه‌گیری
۱۲-۱۱:۱۳	۱۴-۱۱:۱۳	۱۲-۱۱:۱۳	۱۱:۱۳	۱۱:۱۳
			۱۲:۱۳	۱۲:۱۳
			۱۲:۱۳	
۱۳:۱۳		۱۳:۱۳	۱۳:۱۳	۱۳:۱۳

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. غیر

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱۳:۱-۴

این سوّمین بار است که به دیدارتان می‌آیم. «به گواهی دو یا سه شاهد، هر سخنی ثابت خواهد شد.»^۲ من در دیدار دوّم خود، کسانی را که در گذشته مرتکب گناه شده بودند، و نیز هر کس دیگر را هشدار دادم و اکنون نیز در غیاب خود باز هشدار می‌دهم که وقتی نزدتان بیایم، بر کسی آسان نخواهم گرفت.^۳ زیرا شما حجت می‌خواهید بر اینکه مسیح در من سخن می‌گوید. او در قبال شما ضعیف نیست، بلکه در میان شما تواناست.^۴ زیرا هر چند در ضعف بر صلیب شد، اما به قدرت خدا زیست می‌کند. به همین سان، ما نیز در او ضعیفیم، اما با او در قبال شما به قدرت خدا زیست خواهیم کرد.

۱:۱۳ "این سوّمین بار است که به دیدارتان می‌آیم" این عبارت به نظریه‌ی ملاقات دردناک پولس با قرنتیان مابین اول و دوم قرنتیان، اعتبار می‌دهد (دوم قرنتیان ۱۴:۱۲). این بازدید در کتاب اعمال ثبت نشده است.

- "هر سخنی" این عبارت نقل قولی را از تثنیه ۱۹:۱۵ آغاز می‌کند (اعداد ۳۵:۳۰؛ تثنیه ۱۷:۶؛ متی ۱۹:۱۶؛ تیموتائوس ۵:۱۹)، که به مراحل دادگاه می‌پردازد. این فصل به چه چیز اشاره می‌کند؟ دو امکان وجود دارد:
۱. اشاره به ارزشیابی کلیسا توسط پولس دارد. وی دو بار با آنها ملاقات کرده بود. آنها بعنوان شنوندگان حقیقت مسئول و پاسخگو بودند.
 ۲. اشاره به انضباط مرتبط با گروهی در کلیسا دارد.
- a. گروه‌های تفرقه‌افکن در اول قرن‌تین ۱-۴ (دوم قرن‌تین ۱۲:۲۰)
 - b. گروهی فاسد (دوم قرن‌تین ۱۲:۲۱)
 - c. "بزرگ‌رسولان" یا معلمان دروغینی که با یهودیت و اورشلیم در ارتباط بودند (فصلهای ۱۰-۱۳، بویژه ۱۱:۱۳-۱۵)

NASB "باید تأیید شود"

NKJV "باید تصدیق شود"

NRSV "باید تحمل شود"

TEV "باید تأیید شود"

NJB "لازم است"

حالت این فعل مجهول اخباری زمان آینده است (NKJV)، اما Barbara و Timothy Friberg در کتاب *Analytical Greek New Testament* در صفحه ۵۷۳ این کتاب می‌گویند که این فعل بصورت مجهول دستوری اُتوریستی عمل می‌کند (NRSV, NJB). به موضوع خاص: ایستادگی (*Histēmi*) در اول قرن‌تین ۱:۱۵ مراجعه نمایید.

۲:۱۳ "کسانی را که در گذشته مرتکب گناه شده بودند" این عبارت بنظر در ارتباط با دو گروه گفته شده است. اولین گروه "کسانی که در گذشته گناه کرده بودند" (وجه شرطی معلوم کامل)، باید در اشاره به ایمانداران قرن‌تس باشد که دو بار کلام پولس را شنیده بودند، اما با اینحال در برابر رهبری این مقاومت و می‌شوریدند. این گروه می‌تواند تفرقه‌افکنان اول قرن‌تین ۱ تا ۴، یا گروه فاسد دیگری باشند (دوم قرن‌تین ۱۲:۲۰-۲۱؛ اول قرن‌تین ۵). عبارت "هر کس دیگر" ظاهراً اشاره به آنان که در هیچکدام از آن دو بار حضور نداشتند، احتمالاً رسولان دروغین از اورشلیم و یا حامیان آنان که کانون تمرکز فصلهای ۱۰ تا ۱۳ بودند، مد نظر است. با اینحال، هر دو گروه یا همه گروه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند، زیرا که پولس می‌خواست که مشکلات آنان را حل نماید، اما آنان نمی‌خواستند. او مشکلاتشان را حل خواهد کرد!

■ "اگر" این یک جمله شرطی نوع سوم بوده، اما در اینجا به حالت "هنگامیکه" بکار برده شده است (یوحنا ۱۶:۷ و یوحنا ۳:۲).

■ "بر کسی آسان نخواهم گرفت" پولس از این عبارت در اول قرن‌تین ۷:۲۳ و دوم قرن‌تین ۱:۲۳ بصورت مثبت، اما در اینجا و در دوم قرن‌تین ۱۲:۶ در قالب قضایی استفاده کرده است.

۳:۱۳ "ثابت" مفهوم امتحان کردن در این متن موضوعی تکراری است. میان معانی دو واژه یونانی *dokimazō* و *peirazō* تفاوت‌هایی وجود دارد.

۱. آیه ۳، ثابت (کردن) - *dokimē* (دوم قرن‌تین ۲:۹؛ ۸:۲؛ ۹:۱۳؛ ۱۳:۳)

۲. آیه ۵، آزمودن - *peirazō* (دوم قرن‌تین ۱۳:۵)

۳. آیه ۵، امتحان کردن - *dokimazō* (دوم قرن‌تین ۹:۸، ۲۲؛ ۱۳:۵)

۴. آیه ۵، در آزمایش مردود شدن - *adokimos*

۵. آیه ۶، مردود نشدن - *adokimos*

۶. آیه ۷، قبول شدن - *dokimos* (دوم قرن‌تین ۱۰:۱۸)

۷. آیه ۷، مردود شدن - *adokimos*

برای مطالعه کاملتر به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۳:۱۳ مراجعه نمایید.

■ "مسیح در من سخن می‌گوید" برخی در قرن‌تس اقتدار و اختیارات پولس را به چالش گرفته بودند. آنها پولس را "آزمایش" می‌کردند! پولس نیز در دوم قرن‌تین ۱۳:۵ آنها را آزمایش "خواهد" کرد! حضور مسیح در پولس تأیید شده بود (دوم قرن‌تین ۱۲:۱۲).

■ "ضعیف نیست" ضعف برای خداوند راهی برای پیروزی است، آنگونه که در زندگی مسیح ترسیم (دوم قرن‌تین ۱۳:۴) و زندگی پولس (دوم قرن‌تین ۱۰:۱۰، ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۹؛ ۱۳:۹) ترسیم شده بود. هیچ انسانی در حضور خداوند برای آنچه که در معنویات بدانها دست یافته جلال نمی‌یابد. نتیجه مستقیم

- این امر اینست که خدا کیست و نه اینکه ما که هستیم. سرمنشأ آن چه که در معنویات به آنها دست می‌یابیم، خداوند است! ایمانداران باید اجازه دهند تا قدرت وی در نیازمندی و درماندگی، در آنها جریان یابد. به موضوع خاص: ضعف در دوم قرن‌تین ۱۲:۹ مراجعه نمایید.
- آیات ۳ و ۴ خلاصه تناقضات معلمان دروغین متکبر است. آنها مدعی بودند که برتری خود را از منابع زیر دریافت کرده بودند
۱. تبار تژادی
 ۲. تجربیات کاریزماتیک شخصی
 ۳. برتری صوفستایی، آموزه‌های فن بیان
 ۴. قیاسهای فردی

■ **“در قبال شما... در میان شما”** کلمه جمع “شما” نشان می‌دهد که پولس اشاره به تجربیات جمعی داشته و نه شخصی (دوم قرن‌تین ۱۳:۵). احتمالاً ترجمه TEV، “در میان شما” مفهوم اصلی را درک کرده است.

■ **“بر صلیب شد”** پولس از عبارات متعددی برای مرگ عیسی استفاده می‌کند:

۱. مرگ (رومیان ۵:۶؛ ۸:۳۴؛ ۱۴:۱۵؛ اول قرن‌تین ۸:۱۱؛ ۱۵:۳؛ دوم قرن‌تین ۵:۱۵؛ غلاطیان ۲:۲۱؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۴؛ ۵:۱۰)
۲. خون (رومیان ۳:۲۵؛ ۵:۹؛ افسسیان ۱:۷؛ ۲:۱۳؛ کولسیان ۱:۲۰)
۳. صلیب (اول قرن‌تین ۱۷:۱-۱۸؛ غلاطیان ۵:۱۱؛ ۶:۱۲، ۱۴؛ افسسیان ۲:۱۶؛ فیلیپیان ۲:۸؛ کولسیان ۱:۲۰؛ ۲:۱۴)
۴. مصلوب (اول قرن‌تین ۱:۲۳؛ ۲:۲؛ دوم قرن‌تین ۱۳:۱۴؛ غلاطیان ۳:۱)

■ **“اما به قدرت خدا زیست می‌کند”** عبارات این چینی بودند که جدلهای حول محور مسیح را در کلیسای اولیه بوجود آوردند. مگر مسیح، خدا نیست؟ آیا عیسی انسان بوسیله نیرویی جدا از نیروی خداوند زندگی می‌کرد (یهوه)؟ انسان نمی‌تواند بر اساس یک آیه یا منتخبی از آیات، درک سیستماتیک بوجود آورد، بلکه باید سعی کند تا همه مفاهیم الهیاتی را بصورت کلی متحدالشکل نماید. به موضوع خاص: تک‌خدایی در اول قرن‌تین ۸:۴ مراجعه نمایید.

معمولاً بلحاظ ریشه‌شناسی، این آیه برای تأیید این مطلب است که خدای پدر بعنوان عملی حاکی از پذیرش، پسر را بزرگ نمود (اعمال رسولان ۲:۲۴؛ ۳:۱۵؛ ۴:۱۰؛ ۵:۳۰؛ ۱۰:۴۰؛ ۱۳:۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷:۳۱؛ رومیان ۱:۴؛ ۶:۴، ۹؛ ۸:۱۱؛ ۱۰:۹؛ اول قرن‌تین؛ اول قرن‌تین ۶:۱۴؛ دوم قرن‌تین ۴:۱۴؛ غلاطیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۲۰؛ کولسیان ۲:۱۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱:۱۰). با اینحال، متنهای دیگری نیز هستند که بر (۱) روح پسر را بزرگ کرد (رومیان ۸:۱۱) یا (۲) پسر خود بتنهایی بزرگ شد (یوحنا ۲:۱۹-۲۲؛ ۱۰:۱۷-۱۸) صحنه می‌گذارند.

■ **“ما نیز در او ضعیفیم، اما با او در قبال شما به قدرت خدا زیست خواهیم کرد”** درک پولس از مسیحیت یکی از مشخصه‌هایی برای ایمانداران در زندگی، مرگ و قیام مسیح است. او با فروتنی، ملاطفت زندگی کرد، ما نیز بهمین صورت زندگی خواهیم نمود؛ وی در حال خدمت به دیگران مرد، ما نیز باید همینگونه از دنیا برویم؛ او رشد کرد؛ ما نیز (زندگی جدید) رشد خواهیم کرد (بدن قیام کرده در زمان بازگشت دوم). مشخصه الهیاتی در رومیان ۶ کاملاً مشهود است. پولس درحالی رومیان را نوشت که مشغول رسیدگی به مشکلات قرن‌تین بود. درک سیستماتیک پولس از مسیحیت (رومیان) در حالیکه بر روی کلیسای از کار افتاده کار می‌کرد، عیان گردید.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تین ۱۳-۵-۱۰

خود را بیازمایید تا ببینید آیا در ایمان هستید یا نه. خود را مَحک بزنید. آیا در نمی‌یابید که عیسی مسیح در شماست؟ مگر آنکه در این آزمایش مردود بشوید! و امیدوارم پی ببرید که ما مردود نشده‌ایم. ادعای ما به درگاه خدا این است که مرتکب خطایی نشوید؛ نه تا معلوم شود که ما از آزمایش سرفراز بیرون آمده‌ایم، بلکه تا شما آنچه را که درست است، انجام دهید، حتی اگر به نظر آید که ما مردود شده‌ایم. ^۸ زیرا نمی‌توانیم هیچ عملی برخلاف حقیقت انجام دهیم، بلکه هرآنچه می‌کنیم برای حقیقت است. ^۹ زیرا هر گاه ما ضعیف باشیم و شما قوی، موجب شادیمان خواهد بود، و دعای ما این است که شما احیا شوید. ^{۱۰} به همین خاطر، در غیابم این مطالب را به شما می‌نویسم تا وقتی نزدتان آمدم، مجبور نباشم از اقتدار خود با شدت عمل استفاده کنم، اقتداری که خداوند نه برای ویران کردن، بلکه برای بنا به من داده است.

۵:۱۳ **“خود را بیازمایید”** این جمله دستوری حال کامل است. لغت یونانی بکار برده شده *peirazō* بمعنی “آزمودن چیزی با دید مخرب” می‌باشد. به یادداشت کامل در اول قرن‌تین ۳:۱۳ مراجعه نمایید. قرن‌تین پولس را آزموده بودند؛ اکنون آنها باید خود را آزمایش می‌نمودند!

- "آیا" این جمله شرطی نوع اول بوده که بنظر درست بکار برده شده است. پولس نسبت به ایمان آنان تردید ندارد، اما آنها را برای بیدار شدن از خواب به چالش گرفته است!
- "ایمان" واژه یونانی بکار برده شده برای "ایمان" (*pistis*) در زبان انگلیسی به سه کلمه مختلف ترجمه شده است؛ ایمان، باور، یا اعتماد. به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۴:۲ مراجعه نمایید. ایمان در عهد جدید در سه حالت بکار رفته است: ۱) بعنوان پذیرش فردی عیسی بعنوان عیسای خداوند؛ ۲) بعنوان زندگی کردن بخاطر او در وفاداری کامل؛ و ۳) بعنوان بدنه‌ی حقیقت درباره او (دوم قرن‌تین ۱۳:۳؛ غلاطیان ۱:۲۳؛ ۳:۲۳-۲۵). مسیحیت به کمال رسیده شامل همه‌ی این سه مورد می‌باشد.
- "خود را محک بزیند" پولس فرمان خود را تکرار می‌کند (یک جمله دستوری حال کامل دیگر)، ولی با واژگان متفاوت (*dokimazō*) برای آزمودن، که سخن از آزمودن می‌گوید ولی با دید پذیرش و نه تخریب. به موضوع خاص در اول قرن‌تین ۳:۱۳ مراجعه نمایید.
- "درنمی‌یابید" این واژه یونانی *epignōskō* (حال کامل خبری)، معمولاً بمعنی دانش تجربی کامل می‌باشد.
- "مسیح در شما" درحالیکه آیه دوم قرن‌تین ۴:۱۳ بر جنبه مشارکتی تمرکز دارد، این آیه (با استفاده از ضمیر جمع مشابه) اشاره به جنبه‌های فردی بیشتری دارد. بطور یقین مسیح در میان همه‌ی پیروانش هست، اما در عین حال روح وی در همه‌ی آن پیروان نیز حضور دارد! خدمتهای مسیح و روح آنقدر به یکدیگر مرتبط هستند که اغلب "روح" بنام "روح مسیح" خوانده می‌شود (رومیان ۸:۹؛ ۱ پطرس ۱:۱۱). حتی گفته می‌شود این عیسی است که روحش در بدن ایمانداران جای می‌گیرد (یوحنا ۱۴:۲۳؛ رومیان ۸:۱۰؛ کولسیان ۱:۲۷. همچنین به متی ۲۸:۲۰ نیز توجه نمایید). به موضوع خاص: عیسی و روح در دوم قرن‌تین ۳:۱۷ مراجعه نمایید.
- "مگر آنکه در این آزمایش مردود بشوید" این عبارت موازی است با عبارتی که پیشتر در آیه ۱۳:۵ گفته شد "آیا در ایمان هستید". پولس به شیوه‌های مختلفی تصریح کرده (جمله شرطی نوع اول در دوم قرن‌تین ۱۳:۵ و بکار بردن کلمه *dokimazō*) که او باور دارد که خوانندگان انجیل او دارای ایمان هستند، ولی نه همه آنها. حتی محتمل است که معلمان دروغینی وجود داشته باشند که اصلاً مسیح را نمی‌شناسند (به موضوع خاص: ارتداد *APHISTĒMI*) در اول قرن‌تین ۶:۹ مراجعه نمایید). این قسمت در ارتباط با آنها است. این قسمت ربطی به ایمانداران گناهکار ندارد چون پولس آنها را در دوم قرن‌تین ۱۲:۲۰-۲۱ مورد خطاب قرار داده بود. آنها نیاز به توبه داشتند، اما معلمان دروغین نیازمند مسیح هستند (متی ۷).
- پولس همین واژه را بعنوان دلیلی برای اینکه چرا او برای حفظ خود زیر چتر خداوند دچار درگیری و چالش بود، در اول قرن‌تین ۹:۲۷ بکار برد. پولس نمی‌خواست که "سلب صلاحیت" شده یا ترد شود. ایمانداران برای محک زدن خود به چالش گرفته شده‌اند (فیلیپیان ۲:۱۲).
- ۶:۱۳ "پولس تصریح می‌کند که او و دستیارانش، بویژه در ارتباط با کلیسای قرنتس، از آزمون عبور کرده‌اند (بدون هیچ تقلبی، *adokimos*، دوم قرن‌تین ۷:۱۳). اگر روح مسیح در آنان حلول کرده باشد، پس خدمت پولس کاملاً تأثیرگذار و مفید بوده است.
- ۷:۱۳ یک کلیسای ارتودکس قرنتسی قوی می‌تواند به نوعی بر رهبری و اعتبارات رسولی پولس صحنه گذارد. او بیشتر علاقمند بود که آنها آنچه را که درست است انجام دهند زیرا که وظیفه‌ی خداوند و انجیل، فقط نشان دادن اعتبارات پولس یا صحنه‌گذاران بر رهبری او نبود (دوم قرن‌تین ۱۳:۹).
- "سرافراز بیرون آمده‌ایم ... مردود شده‌ایم" پولس به بازی با کلمات *dokimos* و *adokimos* ادامه می‌دهد.
- ۸:۱۳ در این متن حقیقت اشاره به انجیل بعنوان یک شخص (عیسای مسیح)، بعنوان یک پیام (انجیل درباره عیسی)، و بعنوان یک سبک‌زندگی دارد (شبه‌سازی زندگی عیسی).

موضوع خاص: "حقیقت" در نوشته‌های پولس

(SPECIAL TOPIC: "TRUTH" IN PAUL'S WRITINGS)

کاربرد این واژه و حالات مختلف آن توسط پولس از معادل عهد عتیق آن، *emet* بمعنی قابل اعتماد بودن یا وفادار نشأت می‌گیرد (BDB 53)؛ بموضوع خاص: باور، ایمان، اعتماد، وفاداری در عهد عتیق مراجعه نمایید). در نوشته‌های دو عهد از این واژه برای حقیقت در تضاد با دروغ استفاده شده است. ممکن است نزدیکترین معادل آن در طومارهای دریای مرده یافت شود، "سرودهای شکرگزاری"، در جاییکه از آموزه‌های آشکار استفاده می‌شود. اعضای جامعه Essene "شاهدان حقیقت" می‌گردند.

پولس از این واژه برای اشاره به انجیل عیسی مسیح استفاده می‌کند.

۱. رومیان ۱:۱۸، ۲:۸، ۳:۷؛ ۳:۲۰، ۱۵:۸
۲. اول قرنتیان ۱۳:۶
۳. دوم قرنتیان ۴:۲؛ ۶:۷؛ ۱۱:۱۰؛ ۱۳:۸
۴. غلاطیان ۲:۵، ۱۴:۷
۵. افسسیان ۱:۱۳؛ ۶:۱۴
۶. کولسیان ۱:۵، ۶
۷. ۲ تسالونیکیان ۲:۱۰، ۱۲، ۱۳
۸. تیموتائوس ۲:۴؛ ۳:۱۵؛ ۴:۳؛ ۶:۵
۹. ۲ تیموتائوس ۲:۱۵، ۱۸، ۲۵؛ ۳:۷؛ ۴:۸
۱۰. تیتوس ۱:۱، ۱۴

پولس همچنین از این واژه بعنوان راهی برای نشان دادن صداقت/حقیقت در سخنان خود استفاده می‌کند

۱. اعمال ۲۶:۲۵
۲. رومیان ۹:۱
۳. دوم قرنتیان ۷:۱۴؛ ۱۲:۶
۴. افسسیان ۴:۲۵
۵. فیلیپیان ۱:۱۸
۶. تیموتائوس ۲:۷

او همچنین در اول قرنتیان ۵:۸ از این واژه برای تشریح انگیزه‌ها و سبک زندگی خود (همچنین برای همه مسیحیان) در افسسیان ۴:۲۴؛ ۵:۹؛ فیلیپیان ۸:۴ استفاده کرده است. او گاهی این واژه را در ارتباط با مردم نیز بکار می‌برد.

۱. خدا، رومیان ۳:۴ (یوحنا ۳:۳۳؛ ۱۷:۱۷)
۲. عیسی، افسسیان ۴:۲۱ (شبهه به یوحنا ۱۴:۶)
۳. شاهدان رسولی، تیتوس ۱:۱۳
۴. پولس، دوم قرنتیان ۶:۸

پولس از این واژه بصورت فعل (*alētheō*) فقط در غلاطیان ۴:۱۶ و افسسیان ۴:۱۵، در جاییکه به انجیل اشاره کرده استفاده می‌کند. برای مطالعه بیشتر به کتاب *The New International Dictionary of New Testament Theology* نوشته Colin Brown (ed)، جلد ۳ صفحات ۷۸۴-۹۰۲ مراجعه نمایید.

۹:۱۳ "هر گاه ما ضعیف باشیم و شما قوی، موجب شادیمان خواهد بود" پارادوکس پولس در همینجاست. او می‌داند که نیروی روحانی در زمان ضعف انسان رها می‌گردد (دوم قرنتیان ۱۲:۱۰؛ ۱۳:۴). لذا، وی می‌خواهد که ضعیف باقی بماند. با اینحال، برای اینکه کلیسای قرنتیان قوی گردد، او نیز باید ضعیف شود. این کاملاً در نقطه مقابل روشی قرار دارد که مردم زندگی را ارزیابی می‌کنند. معلمان دروغین قدرت را در تحصیلات، پشتوانه خانوادگی و تجربه می‌دانند، اما پولس قدرت را بواسطه مسیح می‌شناسد (دوم قرنتیان ۱۳:۴).

■ "شما احیا شوید" حالت ضمیر این واژه فقط اینجا در عهد عتیق دیده می‌شود. فعل این واژه بمعنی "به یکدیگر گره خوردن" است. پولس از حالت فعل در اول قرنتیان ۱:۱۰ استفاده کرده، که کلیسای قرنتیان را به تمام کردن بحث جداییها و تفرقه‌ها فرا خوانده است. اکنون در پایان کتاب دوم قرنتیان او به این الزام دوباره باز می‌گردد (وحدتی که منتهی به شایستگی روحانی می‌گردد).

Nida و Louw در کتاب *Greek-English Lexicon of the New Testament* جلد اول صفحه ۶۸۰ تصریح می‌کنند که *artios* (بمعنی کامل، شایسته، کسی که صلاحیت کامل برای انجام وظایف محوله را دارا باشد)، با همه ترکیبات مختلف پیش فرض آن (*kata* و *epi*)، همگی هم معنی هستند (لوقا ۶:۴۰؛ دوم قرنتیان ۹:۱۱، ۱۱؛ افسسیان ۴:۱۲؛ دوم تیموتائوس ۳:۱۷).

پولس کلیسایی کارا، متحد و دوست داشتنی در قرن‌س را می‌خواهد (دوم قرن‌تیا ۱۳:۱۱). برای تحقق این امر، باید بخشش، مصالحه و نظم در کلیسا وجود داشته باشد (غلاطیان ۶:۱).

۱۰:۱۳ پولس نمی‌خواست که بازدید دردناک دیگری از کلیسا داشته باشد (دوم قرن‌تیا ۲:۳-۴). او نمی‌خواست که با دستان بسته در اختیارات رسولی خود به آنجا رود، بلکه می‌خواست که همچون والدین پر محبت قدم به کلیسا گذارد. با اینحال، این عکس‌العمل کلیسا بود که مشخص می‌کرد وی چه تصمیمی باید در این رابطه اتخاذ نماید.

□ "اقتداری که خداوند به من داده است" دقیقاً همین عبارت در دوم قرن‌تیا ۸:۱۰ دیده می‌شود. این اقتدار رسولی، چه با حضور فیزیکی و چه از راه دور (اول قرن‌تیا ۵:۴)، از عیسی مسیح نشأت گرفته است (دوم قرن‌تیا ۱۲:۱۹؛ ۱۳:۳). این اقتدار طی مواجهه‌ای در جاده دمشق به پولس داده شد (اعمال رسولان ۹، ۲۲، ۲۶).

□ "برای بنا" به موضوع خاص: تذهیب در اول قرن‌تیا ۸:۱ مراجعه شود.

متن NASB (بروز شده): دوم قرن‌تیا ۱۳-۱۱

۱۱ "در خاتمه، ای برادران، شاد باشید؛ احیا شوید؛ پند گیرید؛ هم‌رای باشید؛ و در صلح و صفا زندگی کنید، که خدای محبت و صلح و صفا با شما خواهد بود. ۱۲ یکدیگر را به بوسه‌ای مقدس سلام گوئید. ۱۳ همه مقدسین، شما را سلام می‌فرستند.

۱۱:۱۳ "در خاتمه" معنی این واژه در واقع "از این پس" می‌باشد (غلاطیان ۶:۱۷). این عبارت اختتامیه از مشخصه‌های پولس بوده است (افسیان ۶:۱۰؛ فیلیپیان ۳:۱؛ ۴:۸؛ ۲سالونیکیان ۳:۱). معمولاً این عبارت در ابتدای جمله، پایان موضوعی را علامتگذاری می‌کند.

□ "ای برادران" عجب عبارت دلگرم کننده‌ای برای پایان دادن به این نامه دشوار به یک کلیسای مشکل‌دار انتخاب شده است. این عبارت همچنین بعنوان یک ابزار ادبی برای گذر به موضوعی جدید نیز عمل می‌کند.

□ در اینجا مجموعه‌ای از پنج عبارت دستوری با زمان حال مطرح شده است.

۱. "شاد باشید" (حال کامل دستوری). پولس از این واژه در دوم قرن‌تیا زیاد استفاده کرده است (دوم قرن‌تیا ۲:۳؛ ۶:۱۰؛ ۷:۷، ۹، ۱۳، ۱۶؛ ۱۳:۹، ۱۱). این واژه می‌تواند معنای "خدانگهدار" نیز داشته باشد (فیلیپیان ۳:۱؛ ۴:۴)، اما در این مجموعه از پنج عبارت دستوری قابل استفاده نمی‌باشد.

۲. "احیا شوید" [جمله انگلیسی: "مکمل یکدیگر باشید"] (حال کامل دستوری). این جمله بمعنی متحد شدن می‌باشد (آیه ۹).

۳. "پند گیرید" [جمله انگلیسی: "در آرامش باشید"] (حال کامل دستوری). پولس از این عبارت در دوم قرن‌تیا اغلب استفاده کرده است (دوم قرن‌تیا ۱:۴، ۶:۷، ۷:۲؛ ۶:۷، ۱۳، ۷، ۶:۸؛ ۹:۵؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۲:۸، ۱۱:۱۳).

۴. "هم‌رای باشید" (حال کامل دستوری). این واژه یونانی معنای متعددی دارد (Nid و Louw، جلد ۲، صفحه ۲۵۹)، اما در این متن بموازات "احیا شوید" بکار برده شده است. این عبارت اشاره به اتحاد برای خاطر انجیل مسیح دارد. این جمله به این معنا نیست که ایمانداران باید درباره هر موضوعی با یکدیگر موافق باشند، بلکه به این معناست که آنها همواره باید انجیل را ارجح بر مسائل شخصی خود پندارند!

۵. "در صلح و صفا زندگی کنید" (حال کامل دستوری). این جمله منعکس کننده اول قرن‌تیا ۱ تا ۴ و دوم قرن‌تیا ۱۰ تا ۱۳ است. مشخص نیست که چگونه این مشکلات به یکدیگر ربط پیدا می‌کنند، اما در هر حال منجر به مشاجره و تفرق گشته بودند. پولس فرمان صلح صادر کرد، ولی نه با سازش، بلکه با شبیه شدن به مسیح. خداوند صلح (دوم قرن‌تیا ۱۳:۱۱) ما را در ضعف‌هایمان یاری خواهد کرد!

□ "خدای محبت و صلح و صفا" چه عنوان شگفت‌انگیزی برای یهوه. اغلب یهوه با "صلح" متصل است (رومیان ۱۵:۳۳؛ ۱۶:۲۰؛ اول قرن‌تیا ۱۴:۳۳؛ فیلیپیان ۴:۹؛ ۱سالونیکیان ۵:۲۳؛ عبرانیا ۱۳:۲۰). وی در ۲سالونیکیان ۳:۱۶ "خدای صلح" نامیده شده است. محبت و صلح (سلامتی) هر دو در افسسیان ۶:۲۳ ذکر شده‌اند. ایمانداران باید این ویژگی را در روابط میان خود از یکدیگر تقلید نمایند.

۱۲:۱۳ "سلام گوئید" این عبارت می‌تواند معنی "خداحافظی کردن" نیز داشته باشد (اعمال رسولان ۲۰:۱؛ ۲۱:۶). این عبارت حالتی از پذیرش و همکاری را می‌رساند. نقطه مقابل این حالت در متی ۵:۴۷ گفته شده است.

بعنوان توضیح مختصری درباره شماره‌گذاری این دو آیه باید بگویم؛ برخی ترجمه‌های انگلیسی دو آیه‌ی دوم قرن‌تیا ۱۳-۱۲: TEV, NJB, RSV, (NRSV) را با یکدیگر تلفیق کرده‌اند، در حالیکه دیگر ترجمه‌ها در دو آیه مجزا نوشته‌اند (KJV, NKJV, NASB, NIV).

■ **"بوسه‌ای مقدس"** این رسم (میان اعضای خانواده و دوستان) بعدها به دلیل برداشت نامناسبی که برای کفار بوجود آورده بود حذف گردید (بوسه شهوانی). در کلیسای اولیه مردان یکدیگر را و زنان نیز یکدیگر را می‌بوسیدند (پیرو رسم قدیمی در کنیسه، رومیان ۱۶:۱۶؛ اول قرنتیان ۱۶:۲۰؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۲۶). به یادداشت اول قرنتیان ۱۶:۲۰ نیز مراجعه نمایید.

این جمله با دستور بیان گردیده است. آیا به این معنا می‌باشد که مسیحیان باید با چنین شیوه خاصی خوش‌آمد یا خداحافظی گویند؟ این مثال خوب است که چگونه فرهنگ و موقعیتهایی که در آینده بوجود خواهد آمد باید با آن برخورد کنند. مشکل اصلی حالت این کار نیست بلکه رویکرد و نحوه گرایش است. ایمانداران همگی اعضای یک خانواده هستند.

۱۳:۱۳ "همه مقدسین" این عبارت نه تنها پولس و گروه دستیاران خدمت او، بلکه "همه مقدسین" را نیز شامل می‌شود (دستیاران دیگر پولس در سایر کلیساها). میان کلیسای قرنتس و سایر کلیساها تنش وجود داشت. بر روی این کلیسا نیز فضایی از خودبزرگ‌بینی بوجود آمده بود. پولس این معضل را با ذکر چندین باره‌ی استانداردهایی که وی به همه کلیساها آموخته بود، یادآور می‌شود (اول قرنتیان ۴:۱۷؛ ۷:۱۷؛ ۱۱:۱۶؛ ۳۴؛ ۴۴:۳۳). قرنتس باید بخشی از یک خانواده باشد، نه یک عضو هوشمند پرافتخار. به موضوع خاص: مقدسین در اول قرنتیان ۲:۱ مراجعه نمایید.

در شرایط بحرانی کنونی، همه اجتماعات کلیسایی که توسط پولس بوجود آمده بودند، سلام می‌فرستادند که خود گویای دوستی، همکاری، اهمیت، دعاها و پذیرش آنان بوده است.

متن NASB (بروز شده): دوم قرنتیان ۱۴:۱۳

۱۴ فیض خداوند عیسی مسیح، محبت خدا و رفاقت روح القدس با همه شما باد.

۱۴:۱۳ پولس این نامه را با دعا یا دعای خیر به پایان می‌برد، اما این مورد کاملاً منحصر بفرد است. این عبارات مجموعه‌ای از سه جنبه‌ی ویژگی خداوند با سه شاخه‌ی تثلیث می‌باشد. همچنین غیرطبیعی است که نام عیسی در ابتدا ذکر شده است. برای مطالعه بیشتر درباره "تثلیث" به موضوع خاص در اول قرنتیان ۲:۱۰ مراجعه نمایید.

سه جنبه‌ی خداوند عبارتند از: رحمت، محبت و دوستی، که برای "همه" ایمانداران قرنتس آرزو شده است. این یک بخش از دعای مهم است. پولس می‌خواهد که اتحاد میان ایمانداران احیا گردد، اما در عین حال معلمان دروغین نیز شناسایی و ترد گردند. پولس از برای نوشتن نامه‌های خود از یک کاتب استفاده کرده، احتمالاً اما برای دعای آخر، خود قلم را بدست گرفته است (۲ تسالونیکیان ۳:۱۷). پولس این کلیسا را دوست می‌داشت!

■ **"محبت روح القدس"** به موضوع خاص در اول قرنتیان ۹:۱ و ۱۱:۲ مراجعه نمایید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. ایمانداران چگونه خود را محک می‌زنند؟
۲. چرا پولس در فصلهای ۱۱ تا ۱۳ از ضعف خود زیاد صحبت کرده است؟
۳. ضمانت چه ارتباطی با استقامت دارد؟
۴. چگونه خداوند می‌تواند همزمان یک نفر و سه نفر باشد؟

معانی واژگان دستور زبان یونانی

بطور خلاصه

یونانی کوین (*Koine Greek*) که اغلب یونانی هلنی (*Hellenistic Greek*) هم گفته می‌شود، زبان متداول در منطقه مدیترانه بود که از زمان اسکندر کبیر (۳۳۶ تا ۳۲۳ قبل از میلاد) رایج شد و تا هشت صد سال (۳۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ بعد از میلاد) دوام یافت. این زبان صرفاً یک زبان ساده شده و کلاسیک یونانی نبود، بلکه از جهات مختلف حالت جدیدی از زبان یونانی بود که تبدیل به زبان دوم سرزمینهای باستانی خاور نزدیک و مدیترانه شده بود.

نسخه یونانی عهد جدید از برخی جهات منحصر به فرد است، زیرا نویسندگان آن به استثنای لوقا و نویسنده عبری، زبان اولش احتمالاً آرامی بود. بنابراین نوشته‌های او تحت تاثیر کلمات و چارچوب ساختاری زبان آرامی بود. همچنین آنها *Septuagint* (ترجمه یونانی عهد عتیق) را می‌خواندند و از آن نقل قول می‌کردند که آن هم به زبان یونانی کوین نوشته شده بود. ولی *Septuagint* توسط اساتید یهودی که زبان مادری آنها یونانی نبود، نوشته شده بود.

این امر به ما یادآوری می‌کند که ما نمی‌توانیم عهد جدید را در قالب دستور زبانی درست ببینیم. منحصر به فرد است و وجوه اشتراک زیادی با (۱) *Septuagint*، (۲) نوشته‌های یهودی مانند نوشته‌های جوزفوس و (۳) پاپیروسی که در مصر یافت شد، دارد. پس چگونه می‌توانیم عهد جدید را از نظر دستور زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم؟

ویژگی‌های دستور زبانی یونانی کوین و عهد جدید روان هستند. از جهات بسیاری نوعی ساده‌سازی دستور زبان است. متن راهنمای اصلی ما می‌باشد. کلمات فقط در متون طولانی دارای معنی هستند، بنابراین ساختار دستور زبانی را فقط می‌توان در سایه (۱) شیوه نگارش یک نویسنده خاص، و (۲) یک متن خاص درک کرد.

زبان یونانی کوین اساساً یک زبان گفتاری بود. اغلب کلید تفسیر و ترجمه نوع و فرم کلمات و افعال هستند. در بیشتر عبارات اصلی فعل اول می‌آید تا برتری آن را نشان دهد. در تحلیل فعل در زبان یونانی باید به سه بخش اطلاعات توجه کرد: (۱) تاکید اولیه زمان فعل، لحن گفتار و حس گفتار (اصول صرف و نحو و تاریخ لغوی)، (۲) معنی اصلی یک فعل خاص (واژه نگاری)، و (۳) موضوع متن (هماهنگی قسمت‌های مختلف متن).

۱. زمان فعل

- a. زمان یا وضع فعل شامل رابطه افعال برای تکمیل یک عمل یا کامل نشدن یک عمل است. این اغلب "کامل" یا "ناتمام گفته" می‌شود.
- i. فعل زمان کامل بر رخداد یک عمل تمرکز دارد. هیچ گونه اطلاعات بیشتری داده نمی‌شود به جز اینکه اتفاقی رخ داده است! شروع، طول مدت یا دوام و پایان آن مشخص نمی‌شود.
 - ii. فعل زمان ناتمام بر تداوم فرایند یک عمل تمرکز دارد. می‌توان آن را در قالب یک حرکت خطی، مدت زمان سپری شده و پیشرفت عمل توصیف کرد.
- b. زمانهای افعال را می‌توان بر اساس اینکه نویسنده چگونه پیشرفت عمل را می‌بیند، طبقه‌بندی کرد
- i. رخ داد (عمل انجام شد) = آنوریستی
 - ii. رخ داد و نتایج آن متوقف شد = کامل
 - iii. در زمان گذشته در حال انجام بود و خاتمه یافت، ولی نه در حال = ماضی بعید
 - iv. در حال وقوع است = زمان حال
 - v. در حال انجام بود = ناکامل

یک مثال صریح از اینکه چگونه این زمان‌ها به ترجمه و تفسیر کمک می‌کنند می‌تواند فعل "نجات دادن" (*save*) باشد. این در

چندین حالت زمانی مختلف استفاده شده است تا روند اجرا و نقطه اوج آن نشان داده شود.

- i. آنوریست - "نجات داد" (رجوع شود به رومیان ۸: ۲۴)
- ii. کامل - "نجات داده شد و نتیجه آن همچنان ادامه دارد" (رجوع شود به افسسیان ۲: ۵ و ۸)
- iii. حال - "نجات داده می‌شود" (رجوع شود به اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲)
- iv. آینده - "نجات داده خواهد شد" (رجوع شود به رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۱۰: ۹)

c. با تمرکز بر روی زمان فعل، مترجمین باید بدنبال دلیلی بگردند که چرا نویسنده اصلی یک زمان خاصی را برای بیان عبارت خویش استفاده کرده است. زمان فعل "ریشه‌دار نکردن" آنوریستی بود. از آن می‌توان برای طیف وسیعی از شیوه‌هایی که متن باید تعیین کننده باشد، استفاده کرد. خیلی ساده، می‌گوید که اتفاقی رخ داده است. جنبه گذشته زمان صرفاً به منظور این است که نشان دهنده حالت باشد. اگر

هر زمان دیگری استفاده شده بود، بر روی چیزی دقیقتر تاکید شده بود. ولی چه؟

- i. زمان کامل. از کامل شدن عملی با نتیجه مشخص صحبت می‌کند. در برخی شرایط، ترکیبی از زمان آنوریستی و زمان حال است. معمولاً تمرکز بر روی نتایج حاصله و یا کامل شدن عمل است (مثال: افسسیان ۲: ۵ و ۸، "از راه ایمان نجات یافته‌اید")
- ii. زمان ماضی بعید. این زمان همانند زمان کامل است با این تفاوت که نتیجه آن کامل شده است. مثال: انجیل یوحنا ۱۸: ۱۶ "پطرس پشت در ایستاد."
- iii. زمان حال. این زمان از عملی ناقص و خاتمه نیافته صحبت می‌کند. تمرکز آن معمولاً بر روی ادامه یک رخداد است. مثال: اول یوحنا ۳: ۶ و ۹، "آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند." "آن که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند"
- iv. زمان غیر کامل. در این زمان، رابطه با زمان حال مشابه رابطه میان زمان کامل و ماضی بعید است. زمان غیر کامل از کامل نشدن عملی در گذشته خبر می‌دهد. مثال: انجیل متی ۳: ۵ "مردمان اور شلیم و سرا سر یهودیه و تمامی نواحی اطراف رود اردن، جملگی نزد او می‌رفتند" یا "پس همه مردم اوشلیم بیرون آمده و نزد او می‌رفتند."
- v. زمان آینده. این زمان از عملی صحبت می‌کند که باید در یک مقطع زمانی در آینده رخ دهد. تمرکز آن بر روی احتمال وقوع آن است تا حتم بر وقوع آن. مثال: انجیل متی ۵: ۴ الی ۹، "خوشا به حال ... خواهد شد."

۲. لحن گفتار

- a. لحن یا صدای گفتار از رابطه میان عمل فعل و موضوع سخن می‌گوید.
- b. لحن فعال یک شیوه معمولی، قابل انتظار، غیر تأکیدی برای بیان موضوعی است که عمل فعل بر روی آن انجام می‌گیرد.
- c. لحن مجهول یعنی موضوع عمل فعل را که توسط یک عامل خارجی انجام شده، دریافت می‌کند. عامل خارجی که عمل را ایجاد می‌کند در نسخه یونانی عهد جدید با حروف اضافه و حالات مختلف نشان داده‌اند.
 - i. عامل مستقیم فردی توسط *hupo* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲، اعمال رسولان ۲۲: ۳۰)
 - ii. یک عامل فردی واسطه توسط *dia* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲)
 - iii. یک عامل غیر فردی توسط *en* با حالت موردی
 - iv. گاهی اوقات یک عامل فردی یا غیر فردی و توسط مفعول عنه به تنهایی
- d. لحن متوسط یعنی موضوع عمل فعل را ایجاد می‌کند و همچنین به صورت مستقیم با عمل فعل در ارتباط است. این حالت اغلب لحن بلند با اهداف شخصی گفته می‌شود. این ساختار به شیوه‌ای تأکید بر موضوع جمله یا عبارت دارد. این ساختار در زبان انگلیسی وجود ندارد. احتمالات زیادی برای معانی و ترجمه آن از زبان یونانی وجود دارد. برخی مثالهای این حالت به شرح زیر هستند:
 - i. انعکاسی - عمل مستقیم موضوع بر روی خودش. مثال: انجیل متی ۲۷: ۵، "خود را حلق آویز کرد"
 - ii. شدید - موضوع عملی را برای خودش ایجاد می‌کند. مثال: دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴، "شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد"
 - iii. متقابل - عمل متقابل دو موضوع. مثال: انجیل متی ۲۶: ۴، "شور کردند"

۳. حس گفتار (یا "حالت")

- a. در یونانی کوبین چهار نوع حالت وجود دارد. آنها، حداقل از دیدگاه شخصی نویسنده، دلالت بر رابطه فعل با واقعیت دارند. حالت‌ها به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: آنها که بر واقعیت دلالت دارند (دلالت کننده) و آنها که بطور بالقوه دلالت می‌کنند (وجه شرطی، دستوری و آرزویی).
- b. حالت دلالت کننده حالت معمولی برای بیان عملی است که رخ داده است و یا در حال وقوع است، حداقل از دیدگاه نویسنده. اینها حالتی در دستور زبان یونانی هستند که زمان مشخصی را بیان می‌کنند، و حتی در اینجا این یک جنبه ثانویه است.
- c. حالت وجه شرطی احتمال وقوع عمل در آینده است. چیزی که هنوز اتفاق نیفتاده است، ولی احتمال وقوع آن می‌رود. این زمان وجه اشتراک زیادی با آینده دلالت کننده دارد. تفاوت در این است که وجه شرطی تردیدی را نشان می‌دهد. در انگلیسی این حالت معمولاً با *may, would, could* و یا *might* بیان می‌شود.
- d. حالت آرزو، آرزویی را که از نظر تئوری وقوع آن ممکن است را بیان می‌دارد. یک گام جلوتر از واقعیت نسبت به وجه شرطی در نظر گرفته شد. حالت آرزویی احتمال وقوع را تحت شرایط خاصی بیان می‌دارد. حالت آرزویی در عهد جدید به ندرت استفاده شده است. بیشترین کاربرد آن توسط پولس در جمله معروف او است: "شاید که هرگز نباشد" (انجیل نسخه شاه جیمز، "خدا منع می‌کند")، پانزده مرتبه استفاده شده است (رجوع شود به رومیان ۳: ۴ و ۶ و ۳۱، ۶: ۲ و ۱۵، ۷: ۷ و ۱۳، ۹: ۱۴، ۱۱: ۱ و ۱۱، اول قرنتیان ۶: ۱۵، غلاطیان ۲: ۱۷، ۳: ۲۱، ۶: ۱۴)
- e. حالت دلالت کننده بر فرمانی که احتمالش هست، تاکید می‌کند، ولی تاکید بر روی قصد گوینده است. فقط احتمال قابل نقض و مشروط،

انتخاب دیگر است. یک کاربرد دلالت کننده خاص در درخواست دعای شخص ثالث هم هست. این دستورات فقط در زمان آئوریستی در عهد جدید هستند.

f. برخی دستورات گرامری ضمائر مفعولی را به عنوان نوع دیگری از حالت طبقه‌بندی می‌کنند. آنها در عهد جدید یونانی بسیار متداول هستند، معمولاً به عنوان صفت شفاهی تعریف می‌شوند. تنوع زیادی در ترجمه صفات مفعولی وجود دارد. آنها در ترکیب با فعل اصلی که به آن مرتبط هستند ترجمه می‌شوند. احتمال تنوع در ترجمه صفت مفعولی بسیار زیاد است. بهترین کار این است که به ترجمه‌های مختلف مراجعه کرد. *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیکر کمک زیادی می‌کند.

g. زمان آئوریست دلالت کننده فعال یک شیوه معمولی و بدون نشان برای ثبت یک رخداد است. سایر زمانها، لحن یا حالت یک اهمیت تفسیری خاصی دارند که نویسنده اصلی قصد داشته تا بدان طریق ارتباط برقرار کند.

۴. برای کسی که با زبان یونانی آشنایی نداشته باشد، مطالعات ذیل کمک کرده و اطلاعات مورد نیاز را ارائه می‌کنند:

a. باربارا و تیموتی فرایبرگ. *Analytical Greek New Testament*. انتشارات بیکر، سال ۱۹۸۸

b. آلفرد مارشال. *Interlinear Greek-English New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۷۶

c. ویلیام دی. ماونس. *The Analytical Lexicon to the Greek New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۹۳

d. ری سامرز. *Essentials of New Testament Greek*. انتشارات برادمن، سال ۱۹۵۰

e. دروس مکاتباتی زبان یونانی کوین که دارای تأیید آکادمیک می‌باشند نیز توسط Moody Bible Institute در شیکاگو ایلینویز قابل دسترسی است.

۵. اسم

a. از نظر دستور زبان، اسم‌ها بر اساس موردی طبقه‌بندی می‌شوند، یعنی بر اساس یک اسم که رابطه آن با فعل و سایر اجزا جمله را نشان می‌دهد، طبقه‌بندی می‌شوند. در زبان یونانی کوین، بسیار از عملکردهای مورد دلالت بر ضمائر مفعولی دارند. از آنجا که حالت مورد می‌تواند روابط مختلفی را شناسایی کند، از ضمیر مفعولی برای بسط آن استفاده می‌شود تا تفکیک سازی بهتر این اعمال انجام شود.

b. مورد در دستور زبان یونانی به هشت گروه زیر تقسیم می‌شود:

i. حالت فاعلی برای نامگذاری استفاده می‌شود و معمولاً موضوع جمله یا عبارت بود. همچنین برای اسم‌های پیش فرض و صفت با متصل کردن به افعال "بودن" یا "شدن" استفاده می‌شد.

ii. حالت مضاف الیه برای توصیف کردن استفاده می‌شد و معمولاً یک صفت یا کیفیتی که با آن در ارتباط بود، به کلمه اطلاق می‌شد. این به سوال "چه نوعی" پاسخ می‌دهد. در زبان انگلیسی با حرف اضافه of این حالت توصیف می‌شود.

iii. حالت مفعول عنه به همان شیوه صرف شده برای مضاف الیه استفاده می‌شد، ولی برای توصیف جدا سازی به کار می‌رفت. معمولاً برای بیان جدا شدن از یک نقطه در زمان، مکان، مبدأ، منشا یا درجه استفاده می‌شد. در زبان انگلیسی این حالت با حرف اضافه "از" (*from*) بیان می‌شود.

iv. حالت مفعولی برای توصیف نفع شخصی استفاده می‌شد. می‌توانست به جنبه مثبت یا منفی دلالت کند. اغلب مفعول غیر مستقیم بود. اغلب در زبان انگلیسی با حرف اضافه "به" (*to*) بیان می‌شد.

v. حالت مکانی مشابه فرم صرفی حالت مفعولی است، ولی موقعیت یا مکان را در فضا، زمان یا محدودیت‌های منطقی بیان می‌کرد. این معمولاً در زبان انگلیسی با یکی از حروف اضافه "در"، "آن"، "روی"، "میان"، "در طول"، "توسط"، و "باضافه" بیان می‌شود.

vi. حالت‌یابی مشابه همان حالت صرف حالت مفعولی و حالت مکانی است. از آن برای بیان ابزار یا پیوستگی استفاده می‌شد. اغلب در زبان انگلیسی با "بوسیله" یا "با" بیان می‌شد.

vii. حالت مفعولی اتهامی برای توصیف جمع‌بندی یک عمل استفاده می‌شد. این حالت محدودیت را بیان می‌کرد. استفاده اصلی آن برای مفعول بیواسطه بود. این حالت به سوال "چه اندازه" یا "تا چه حد" پاسخ می‌دهد.

viii. حالت آوایی برای بیان مستقیم استفاده می‌شد.

۶. حروف ربط

a. یونانی زبان بسیار دقیقی است زیرا کلمات ربط بسیار زیادی دارد. آنها افکار (عبارات، جملات و پاراگرافها) را به یکدیگر متصل می‌سازند. آنها بسیار متداول هستند بطوری که بودن آنها اغلب اهمیت خاصی دارد. در حقیقت، این حروف ربط مشخص کننده مسیر فکری نویسنده هستند. اغلب آنها در تعیین اینکه گوینده دقیقاً چه چیزی می‌خواهد بگوید بسیار مهم هستند.

b. در اینجا فهرستی از برخی حروف ربط و معنی آنها را ارائه می‌کنم (این اطلاعات بیشتر از *A Manual Grammar of the Greek New Testament* اثر H. E. Dana and Julius K. Mantey گردآوری شده‌اند).

- i. حروف ربط زمانی
۱. *epei, epeidē, hopote, hōs, hote, hotan* (موضوع) - "وقتی که"
 ۲. *heōs* "در حالی که"
 ۳. *hotan, epan* (موضوع) - "هر وقت"
 ۴. *heōs, achri, mechri* (موضوع) - "تا وقتی که"
 ۵. *priv* (مصدر) - "قبل از"
 ۶. *Hōs* - "از وقتی که"، "وقتی که"، "از"
- ii. حروف ربط منطقی
۱. هدف
 - a. *hina, hopōs, hōs* - به منظور، "که"
 - b. *hōste* (مصدر مفعولی) - "که"
 - c. *Pros* (مصدر مفعولی) یا *eis* (مصدر مفعولی) - "که"
 ۲. نتیجه (ارتباط نزدیکی میان حالات دستوری هدف و نتیجه وجود دارد)
 - a. *hōste* (مصدر، این متداولترین است) - "به منظور اینکه"، "بنابراین"
 - b. *hiva* (موضوع) - "تا"
 - c. *Ara* - "بنابراین"
 ۳. دلیل یا سبب
 - a. *gar* (سبب/تاثیر یا دلیل/جمع بندی) - "برای"، "زیرا"
 - b. *dioti, hotiy* - "از"
 - c. *dia* (با حالت مفعولی) و (با حالت مفصل انتزاعی) - "زیرا"
 ۴. استنتاج
 - a. *ara, poinun, hōste* - "بنابراین"
 - b. *dio* (قویترین حرف ربط استنتاجی) - "به چه حسابی"، "بر چه اساسی"، "بنابراین"، "به چه دلیل"
 - c. *oun* - "بنابراین"، "در نتیجه"، "بدنبال آن"
 - d. *Toinoun* - "متعاقبا"
 ۵. حرف نقض یا مخالف
 - a. *Alla* (قویترین حرف نقض) - "ولی"، "بجز"
 - b. *De* - "ولی"، "اما"، "با این حال"، "به عبارت دیگر"
 - c. *kai* - "اما"
 - d. *mentoi, oun* - "معهدا"
 - e. *plēn* - "با این وجود"
 - f. *oun* - "معهدا"
 ۶. مقایسه
 - a. *hōs, kathōs* (معرفی جمله مقایسه‌ای)
 - b. *kata* (در ترکیب، *kathosper, kathaper, katho*)
 - c. *hosos* (در عبرانیان)
 - d. *ē* - "از"
 - e. توالی یا سری
 - f. *de* - "و"، "حالا"
 - g. *kai* - "و"
 - h. *tei* - "و"
 - i. *hina, oun* - "که"

ج. *oun* - "بعد" (در انجیل یوحنا)

۷. کاربردهای تاکیدی

a. *Alla* - "قطعیت"، "اری"، "در حقیقت"

b. *ara* - "در واقع"، "یقینا"، "واقعا"

c. *gar* - "اما واقعا"، "یقینا" حتما"

d. *de* - در واقع

e. *ean* - "حتی"

f. *kai* - "حتی"، "در واقع"، "واقعا"

g. *mentoi* - "در واقع"

h. *oun* - "واقعا"، "با تمام قوا"

۷. جملات شرطی

a. یک جمله شرطی جمله‌ای است که شامل یک یا چند شرط باشد. این ساختار دستور زبانی به تفسیر جمله کمک می‌کند زیرا شرایط یا دلایلی را ارائه می‌دهد یا عواملی را نشان می‌دهد که چرا عمل فعل اصلی انجام شده یا انجام نشده است. چهار نوع جمله شرطی وجود داشتند. آنها از آن که تصور می‌شود از دیدگاه نگارنده یا برای منظورش درست بودند شروع می‌شود و تا اینکه فقط یک آرزو بود ختم می‌شوند.

b. جمله شرطی نوع اول برای بیان عمل یا حضوری استفاده می‌شود که از دیدگاه نگارنده و یا به خاطر منظورش تصور می‌شود درست باشد، حتی در صورتیکه "اگر" در جمله به کار رفته باشد. در بسیاری از جملات می‌توان آن را "از آنجا که" ترجمه کرد (رجوع شود به انجیل متی ۴: ۳، رومیان ۸: ۳۱). با این حال، این بدین معنی نیست که تمامی جملات شرطی نوع اول در واقعیت درست هستند. اغلب از آنها برای ایجاد یک نکته در بحث و یا مشخص کردن یک اشتباه استفاده می‌شود (رجوع شود به انجیل متی ۱۲: ۲۷).

c. به حالت جملات نوع دوم شرطی اغلب "برخلاف واقعیت" گفته می‌شود. بیان کننده چیزی است که خلاف واقعیت است و برای ایجاد یک نکته استفاده می‌شود. مثالها:

i. "اگر این مرد برآستی پیامبر بود، می‌دانست این زن که لمسش می‌کند کیست و چگونه زنی است - می‌دانست که بدکاره است" (انجیل لوقا ۷: ۳۹)

ii. "اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است" (انجیل یوحنا ۵: ۴۶).

iii. "اگر همچنان در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی‌بودم" (غلاطیان ۱: ۱۰)

d. حالت سوم از احتمال وقوع عملی در آینده صحبت می‌کند. اغلب احتمال وقوع عملی را تصور می‌کند. معمولا بر یک احتمال دلالت دارد. عمل فعل اصلی احتمال عمل در "اگر" است. مثالهای این حالت: اول یوحنا ۱: ۶ الی ۱۰، ۲: ۴ و ۶ و ۹ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۹، ۳: ۲۱، ۴: ۲۰، ۵: ۱۴ و ۱۶.

e. حالت چهارم شرط، دورترین حالت احتمال است. این حالت به ندرت در عهد جدید به کار رفته است. در واقع، هیچ جمله شرطی نوع چهارمی که در آن هر دو حالت شرط در آن قرار بگیرند، کامل نمی‌شوند. به عنوان مثال جمله شرطی چهارم در اول پطرس ۳: ۱۴ دیده می‌شود. مثال جمله شرطی نوع چارم تقریبا جمله جمع‌بندی در اعمال رسولان ۸: ۲۱ می‌باشد.

۸. ممانعت‌ها

a. زمان حال امری با پسوند $M\bar{E}$ اغلب (ولی نه انحصارا) تاکید بر متوقف کردن عملی را دارد که در حال حاضر در حال انجام است. برخی مثالها: "بر زمین گنج می‌اندوزید" انجیل متی ۶: ۱۹، "نگران زندگی خود نباشید" (انجیل متی ۶: ۲۵)، "اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند" (رومیان ۶: ۱۳)، "روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید" (افسیسیان ۴: ۳۰)، "مست شراب مشوید" (افسیسیان ۵: ۱۸).

b. وجه شرطی ائوریستی با پسوند $M\bar{E}$ تاکید بر "عملی را حتی شروع یا آغاز نکن" دارد. برخی مثالها: "گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم" (انجیل متی ۵: ۱۷)، "پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم" (انجیل متی ۶: ۳۱)، "از شهادت بر خداوند ما عار مدار" (دوم تیموتائوس ۱: ۸).

c. منفی مضاعف با حالت وجه شرطی نفی کاملا محرز است. "هرگز، نه هرگز"، یا "تحت هیچ شرایطی نه". برخی مثالها: "مرگ را تا به ابد نخواهد دید" (انجیل یوحنا ۸: ۵۱)، "تا ابد گوشت نخواهم خورد" (اول قرنتیان ۸: ۱۳).

۹. حرف تعریف

- a. در یونانی کوبین حرف تعریف مطلق "the" کاربردی دقیقاً مشابه انگلیسی دارد. کاربرد اصلی آن به عنوان یک نشانگر است که توجه به یک کلمه، اسم یا عبارت جلب شود. کاربرد آن میان نویسندگان عهد عتیق متفاوت است. حرف تعریف مطلق می‌تواند کاربردهای زیر را داشته باشد
- i. به عنوان تضاد روش برای نشان دادن ضمیر
 - ii. به عنوان نشان برای اشاره کردن که موضوع یا فردی که قبلاً معرفی شده
 - iii. شیوه‌ای برای شناسایی موضوع در یک جمله با فعل ربط. مثالها: "خدا روح است" (انجیل یوحنا ۴: ۲۴)، "خدا نور است" (اول یوحنا ۱: ۵)، "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴: ۸ و ۱۶)
- b. یونانی کوبین حرف تعریف نامعین همانند "a" یا "an" نداشت. عدم وجود حرف تعیین مطلق به یکی از معانی زیر می‌تواند باشد:
- i. تمرکز بر روی مشخصه یا کیفیت چیزی
 - ii. تمرکز بر روی طبقه‌بندی چیزی
 - c. نویسندگان عهد جدید از روشهای کاملاً متنوعی برای استفاده از حرف تعریف استفاده کرده‌اند.
۱۰. راه‌های نشان دادن تاکید در عهد عتیق یونانی
- a. در عهد جدید تکنیک‌های به کار رفته برای نشان دادن تاکید میان نگارندگان کاملاً متفاوت است. رسمی‌ترین و ثابت قدم‌ترین نویسندگان لوقا و نویسنده عبرانیان بودند.
 - b. پیشتر گفتیم که آئوریست دلالت کننده فعال یک روش استاندارد برای تاکید است، ولی زمان، لحن و حالت اهمیت تفسیری دارند. این دلالت بر این ندارد که آئوریست دلالت کننده فعال اغلب برای مفاهیم دستور زبانی مهمی بکار نمی‌رفت. (مثال: در رومیان ۶: ۱۰ دو مرتبه تکرار شده)
 - c. ترتیب کلمه در یونانی کوبین
 - i. زبان یونانی کوبین زبان متفاوتی است که به ترتیب کلمات مانند زبان انگلیسی وابسته نیست. در نتیجه، نویسنده می‌تواند از ترتیبی که انتظار می‌رود برای نشان دادن موارد زیر استفاده کند
 ۱. آنچه که نگارنده می‌خواست به خواننده تاکید کند
 ۲. آنچه که نگارنده تصور می‌کرد برای خواننده حیرت‌انگیز باشد
 ۳. آنچه نگارنده عمیقاً بدان فکر می‌کرد
 - ii. هنوز ترتیب درست کلمات در ادبیات یونانی معضلی است. با این حال، ترتیبی که تصور می‌شود درست باشد، به شرح زیر است
 ۱. برای وصل کردن افعال
 - a. فعل
 - b. فاعل
 - c. متمم
 ۲. برای افعال متعدی
 - a. فعل
 - b. فاعل
 - c. مفعول
 - d. مفعول باواسطه
 - e. حرف اضافه
 ۳. برای عبارات اسمی
 - a. اسم
 - b. تعدیل کننده
 - c. حرف اضافه
 - iii. ترتیب کلمات می‌تواند یک نکته بیش از حد مهم در ترجمه و تفسیر باشد. مثالها:
 ۱. "دست رفاقت به من و برنابا دادند". عبارت "دست رفاقت" در متن اصلی و انگلیسی جدا شده و در ابتدای جمله آمده تا اهمیت آن نشان داده شود (غلاطیان ۲: ۹).
 ۲. "با مسیح" در اول جمله آمده. مرگ او در وسط (غلاطیان ۲: ۲۰).

۳. "بارها و از راه‌های گوناگون" (عبرانیان ۱: ۱) در اول جمله قرار گرفته است. این شیوه‌ای است که خدا خودش را نشان داد که متناقض است، نه واقعیت مکاشفه.
- d. معمولا مقداری تاکید نشان داده می‌شود توسط:
- i. تکرار ضمیری که قبلا در حالت تعریف فعل معرفی شده است. مثال: "من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!" (انجیل متی ۲۸: ۲۰)
 - ii. نبود حرف ربطی که باید باشد، یا سایر اضافاتی که میان کلمات، عبارات یا جملات باید باشند. به این حالت غیر مرتبط گفته می‌شود. انتظار یک رابط می‌رفت، بنابراین نبود آن جلب توجه می‌کند. مثالها:
 ۱. سعادت جاویدان، انجیل متی ۵: ۳ (تاکید در لیست)
 ۲. انجیل یوحنا ۱۴: ۱ (موضوع جدید)
 ۳. رومیان ۹: ۱ (بخش جدید)
 ۴. دوم قرنتیان ۱۲: ۲۰ (تاکید در لیست)
 - iii. تکرار کلمات یا عبارات حاضر در یک متن مشخص. مثالها: "فیض پر جلال او ستوده شود" (افسسیان ۱: ۶ و ۱۲ و ۱۴). از این عبارت استفاده شده تا نقش هر فرد در تثلیث نشان داده شود.
 - iv. استفاده از یک کلمه (صدا) یا اصطلاح برای بازی میان کلمات
 ۱. Euphemisms - کلمات با فاعل‌های تابو را جایگزین می‌کند مانند "خواب" برای مرگ (انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱ الی ۱۴) یا "پا" برای اندام تناسلی مرد (روت ۳: ۷ و ۸، اول سموئیل ۲۴: ۳)
 ۲. بیان غیر مستقیم - نام خدا را با کلمات دیگر جایگزین می‌کند، مانند "پادشاهی بهشت" (انجیل متی ۳: ۲) یا "صدایی از بهشت" (انجیل متی ۳: ۱۷)
 ۳. حالات سخن گفتن
 - a. اغراق غیر ممکن (انجیل متی ۳: ۹، ۵: ۲۹ و ۳۰، ۱۹: ۲۴)
 - b. اظهارات زیادی ملایم (انجیل متی ۳: ۵، اعمال رسولان ۲: ۳۶)
 - c. تجسم شخصیت (اول قرنتیان ۱۵: ۵۵)
 - d. وارونه گویی (غلاطیان ۵: ۱۲)
 - e. شعر (فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱)
 - f. اصوات میان کلمات
 - i. کلیسا
 ۱. کلیسا (افسسیان ۳: ۲۱)
 ۲. صدا کردن (افسسیان ۴: ۱ و ۴)
 ۳. فرا خوانده شدن (افسسیان ۴: ۱ و ۴)
 - ii. آزاد
 ۱. زن آزاد (غلاطیان ۴: ۳۱)
 ۲. آزادی (غلاطیان ۵: ۱)
 ۳. آزاد (غلاطیان ۵: ۱)
 ۴. زبان اصطلاحی - زبانی است که اولاً فرهنگی و مشخص است
 - a. استفاده تمثیلی از "خوراک" (انجیل یوحنا ۴: ۳۱ الی ۳۴)
 - b. استفاده تمثیلی از "معبد" (انجیل یوحنا ۲: ۱۹، انجیل متی ۲۶: ۶۱)
 - c. اصطلاح عبری مقایسه، "نفرت" (سفر پیدایش ۲۹: ۳۱، تشبیه ۲۱: ۱۵، انجیل لوقا ۱۴: ۲۶، انجیل یوحنا ۱۲: ۲۵، رومیان ۹: ۱۳)
 - d. "همه" در مقابل "بسیاری". اشعیا ۵۳: ۶ (همه) را با ۵۳: ۱۱ و ۱۲ (بسیاری) مقایسه کنید. اصطلاحات مترادف هستند مانند آنچه رومیان ۵: ۱۸ و ۱۹ نشان می‌دهد.
 - v. استفاده از یک عبارت کامل دستوری در مقابل یک کلمه. مثال: "خداوند عیسی مسیح".
 - vi. استفاده خاص *autos*

۱. وقتی که با مفعول (صفت مکانی) "همان" ترجمه شده باشد
 ۲. وقتی که بدون مفعول (موقعیت پیش‌بینی شده) و به عنوان ضمیر انعکاسی با شدت ترجمه شده باشد، مانند "خودش".
- e. دانشجویی که انجیل غیر یونانی را مطالعه می‌کند، می‌تواند تأکیدها را به شیوه‌های مختلف شناسایی کند:
- i. استفاده تحلیلی فرهنگ لغت و مقایسه سطر به سطر متن یونانی/انگلیسی
 - ii. مقایسه ترجمه‌های مختلف انگلیسی، به خصوص ترجمه‌هایی از دیدگاه‌های مختلف. مثال: مقایسه "کلمه به کلمه" (نسخه شاه جیمز، نسخه بازبینی شده شاه جیمز، نسخه استاندارد انگلیسی، نسخه انگلیسی امروز، نسخه بازبینی شده استاندارد، نسخه استاندارد بازبینی شده جدید) با "معادل دینامیک" (ویلیامز، نسخه انگلیسی استاندارد، انجیل انگلیسی جدید، نسخه انگلیسی بازبینی شده، انجیل اورشلیم، انجیل جدید اورشلیم، نسخه انگلیسی امروز). کمک مفید در اینجا - *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیکر است.
 - iii. استفاده از *The Emphasized Bible* اثر جوزف برایت روترهام (کرگل، ۱۹۹۴)
 - iv. استفاده از ترجمه‌های تحت الفظی
۱. *The American Standard Version* (نسخه استاندارد امریکایی) از سال ۱۹۰۱
 ۲. *Young's Literal Translation of the Bible* از رابرت یانگ (انتشارات گاردین، ۱۹۷۶)
- مطالعه دستور زبان خسته کننده است ولی برای ترجمه درست لازم است. این تعاریف، تفسیرها و مثالهای مختصر به منظور تشویق و آماده کردن خوانندگانی است که نسخه غیر یونانی را می‌خوانند تا بتوانند از توضیحات دستور زبانی که در اینجا قید شده استفاده نمایند. به طور قطع این تعاریف بیش از حد ساده شده‌اند. از آنها نباید بطور محض (دگماتیک) یا غیر قابل انعطاف استفاده شوند، بلکه به عنوان آگاهی بیشتر برای درک بهتر می‌باشند. امیدواریم که این تعاریف به درک خواننده از ترجمه‌های سایر منابع مطالعاتی مانند تفاسیر فنی عهد جدید کمک کنند.
- ما باید بتوانیم تعبیر خود را بر اساس بخشهای اطلاعاتی که در متون انجیل یافت می‌شوند، تأیید نمائیم. دستور زبان یکی از کمک کننده‌ترین این موارد است. سایر اقلام شامل زمینه‌های تاریخی، متون تحت الفظی، و کاربرد کلمات امروزی عبارات مترادف می‌باشند.

موضوع خاص: انتقادات متنی

این موضوع خاص جهت توضیح یادداشتهای متنی است که در این تفسیر یافت می‌شوند. رئوس مطالب زیر مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت:

I. منابع انگلیسی انجیل

A. عهد قدیم

B. عهد جدید

II. توضیح مختصر مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "انتقاد متنی"

III. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

IV. منابع متنی انجیل انگلیسی ما

A. عهد قدیم

۱. منبع مازراتی (Masoretic Text - MT) - متن عبری مختلط که توسط ربی آکویبا (*Rabbi Aquiba*) در سال ۱۰۰ پس از میلاد تنظیم شده است. اضافه کردن حروف صدا دار، تاکیدها، پی‌نویسها، علامتگذاریها و نشانه‌گذاریها در قرق ششم پس از میلاد شروع و در قرن نهم پس از میلاد خاتمه یافت. این کار توسط یک خانواده تحصیل کرده یهودی بنام مازراتی انجام شد. فرم متنی که مورد استفاده قرار گرفت مشابه همان فرمی است که در میشنا، تلمود، تارگومز، پیشیتا و والگیت استفاده شد.

۲. سپتواگینت (*Septuagint - LXX*) - روایتی می‌گوید که سپتواگینت (ترجمه یونانی عهد عتیق) توسط هفتاد استاد یهودی در هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تحت حمایت شاه پتولمی دوم (*Ptolemy*) (۲۸۵ الی ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. این ترجمه ظاهراً به درخواست یک رهبر یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد تهیه شده است. این روایت از "نامه‌های ارسطو" می‌آید. *LXX* عمدتاً بر اساس تفاوت‌های میان متن سنتی عبری از متن ربی آکویبا (*MT*) هستند.

۳. کتیبه دریای سیاه (*Dead Sea Scrolls - DSS*) - کتیبه دریای سیاه به زبان رومی در دوره ۲۰۰ تا ۷۰ بعد از میلاد توسط یک فرقه یهودی بنام "اسنس" (*Essenes*) نوشته شده بود. نسخه دستنویس عبری، در چندین نقطه در اطراف دریای سیاه یافت شد، که نگارشهای مختلف متن عبری *MT* و *LXX* در پی هم نشان می‌دهد.

۴. برخی مثالها که نشان می‌دهند چگونه مقایسه این متون به مترجمین کمک کرده است که عهد عتیق را بهتر درک کنند.

a. *LXX* به مترجمین و اساتید کمک کرده است که تا *MT* را درک کنند

(۱) *LXX* اشعیا ۵۲: ۱۴، "چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند"

(۲) *MT* اشعیا ۵۲: ۱۴ "بسیاری از تو به حیرت درآمدند"

(۳) در اشعیا ۵۲: ۱۵ تمایز ضمیر در *LXX* تأیید می‌شود.

a. *LXX* پس بسیاری از ملتها از او در حیرت خواهند شد

b. *MT* پس او ملتهای زیادی را شگفت زده می‌کند

b. *DSS* به مترجمین و اساتید کمک کرد که *MT* را درک کنند

(۱) *DSS* اشعیا ۲۱: ۸ "آنگاه دیدبان فریاد برآورد از بالای برج من ایستاده‌ام..."

(۲) *MT* اشعیا ۲۱: ۸ "و من فریاد زدم، شیر! خداوندا، من همیشه در روز در برج ایستاده و مراقب خواهم بود"

c. هر دو *DSS* و *MT* به روشن شدن اشعیا ۵۳: ۱۱ کمک کرده‌اند

(۱) *DSS* و *LXX* "ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد"

(۲) *MT* "او خواهد دید... مصیبت روحش را، او اقناع خواهد شد"

B. عهد جدید

۱. بیش از ۵۳۰۰ دستنویس از نسخه یونانی عهد جدید وجود دارند. حدود ۸۵ نسخه بر روی پاپیروس و ۳۶۸ نسخه دستنویس با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود قرن نهم میلادی، یک نسخه منحصر به فرد تنظیم شد. تعداد نسخ یونانی به صورت دستنویس حدود ۲۷۰۰ نسخه می‌باشد. همچنین حدود ۲۱۰۰ کپی از فهرست کتاب مقدس برای دعا استفاده می‌شد که ما به آنها "صورت آیات" می‌گوئیم.

۲. حدود ۸۵ نسخه یونانی حاوی بخشهایی از عهد جدید بر روی پاپیروس هستند که در موزه نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی باز می‌گردد، ولی بیشتر آنها مربوط به قرنهای سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این *MSS*ها متن کامل

کتاب مقدس را شامل نمی‌شوند. صرفاً به دلیل اینکه اینها قدیمیترین کپی‌های عهد جدید هستند، بدین معنا نیست که انواع دیگری وجود نداشته باشد. از روی بسیاری از اینها برای استفاده داخلی کپی برداری شد. در طول این فرایند، به مراقبت از آنها توجهی نشد. بنابراین در میان آنها تنوع و تفاوت وجود دارند.

۳. Codex Sinaiticus که با حرف "א" (الف) یا (۰۱) شناخته می‌شود، در صومعه سنت کاترین در کوه سینا توسط تیشندورف پیدا شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی باز می‌گردد. و حاوی هم LXX عهد عتیق و هم یونانی عهد عتیق است. این یکی از انواع "متون اسکندریه‌ای" است.

۴. Codex Alexandrinus که با "A" هم شناخته می‌شود، دستنویس متعلق به قرن پنجم میلادی است که در اسکندریه مصر یافت شد.

۵. Codex Vaticanus که با "B" یا (۰۳) هم شناخته می‌شود، در کتابخانه واتیکان در رم یافت شد و قدمت آن مربوط به اواسط قرن چهارم بعد از میلاد است. حاوی هم LXX عهد عتیق و هم نسخه یونانی عهد جدید است. این متن از نوع "متن اسکندریه‌ای" است.

۶. Codex Ephraemi، که با "C" یا (۰۴) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی است که بخشی از آن نابود شده است.

۷. Codex Bezae، که با "D" یا (۰۵) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی مربوط به قرن پنج یا شش میلادی است. این نسخه اصلی است که نماینده چیزی است که امروز "انجیل غربی" خوانده می‌شود. حاوی اضافات بسیاری است و شاهد اصلی است برای ترجمه شاه جیمز.

۸. NT MSS را می‌توان در سه یا شاید چهار گروه/خانواده تقسیم بندی کرد که در مشخصه‌های خاصی با هم وجه اشتراک دارند.

a. متن اسکندریه‌ای از مصر

(۱) P⁶⁶, P⁷⁵ (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می‌کند

(۲) P⁴⁶ (حدود سال ۲۲۵ میلادی)، که نامه‌های پطرس را ثبت می‌کند

(۳) P⁷² (حدود سالهای ۲۲۵ تا ۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهودا را ثبت می‌کند

(۴) Codex B که به آن Vaticanus هم گفته می‌شود (حدود سال ۳۲۵ میلادی) که شامل متن کامل عهد عتیق و عهد

جدید است

(۵) نقل قول اورینگن از این نوع متن

(۶) سایر MSSها که این نوع متن را نشان می‌دهند: W, L, C, א, 33

b. متن غربی از آفریقای شمالی

(۱) نقل قولهای پدران کلیسای آفریقای شمالی ترتولیان، سایپریان، و ترجمه قدیمی به لاتین

(۲) نقل قولهایی از ایرانیوس (Irenaeus)

(۳) نقل قولهایی از تالیان و ترجمه قدیمی سیریاک

(۴) Codex D یا "Bezae" که به این نوع متن نوشته شده

c. متن بیزانس شرقی از قسطنطنیه

(۱) این نوع متن منعکس کننده بیش از ۸۰٪ از ۵۳۰۰ متن MSS است

(۲) نقل قول شده از Antioch از پدران کلیسای سوریه، کاپادوسیانس (Cappadoceans)، کریسوستوم

(Chrysostom) و تروودورت (Therodoret)

(۳) Codex A فقط در انجیل

(۴) Codex E (قرن هشتم) برای متن کامل عهد جدید

d. نوع احتمالاً چهارم سزاری از فلسطین

(۱) عمدتاً فقط در انجیل مرقس دیده میشود

(۲) برخی از اقرارها به آن در P⁴⁵ و W هستند

v. مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "نقد متنی"

A. تنوعات چگونه به وجود آمدند

۱. غیر عمدی یا تصادفی (طیف وسیعی از پیش آمدها)

a. خطای چشمی در زمان کپی و دستنویسی که چشم دو کلمه مشابه را می‌بیند و یکی یا همه کلمات بین آنها را ناخودآگاه حذف

می‌کند (homoioteleuton)

- ۱) خطای چشم در حذف کلمات دو حرفی یا عبارات
- ۲) خطای ذهن در تکرار عبارت یا جمله یک متن یونانی
- b. خطای شنیداری در زمان دستنویسی و هنگامی که فرد متن را برای کپی کننده می خواند و در این حالت خطای نوشتاری صورت می گیرد. اغلب اغلاط املائی به دلیل تشابه صوتی کلمات یونانی صورت گرفته اند.
- c. نسخ اولیه متن یونانی فصل بندی و آیه بندی نشده بود، علامتگذاری بسیار کم و اغلب نداشتند و هیچ فاصله ای میان کلمات نبود. این احتمال وجود دارد که یک کلمه از جاهای مختلف جدا شود و بدین ترتیب کلمه دیگری شده و معنی دیگری بدهد
۲. عمدی
- a. تغییراتی اعمال شدند تا ساختار دستور زبانی متن کپی شده بهبود یابد
- b. تغییراتی اعمال شدند تا متن با سایر متون انجیل همخوانی داشته باشد (هارمونی مترادفها)
- c. تغییراتی اعمال شدند تا با ادغام دو یا چند متن متفاوت یک متن مرکب طولانی به وجود آید (تالیف)
- d. تغییراتی اعمال شدند تا مشکلی که در مشاهده شده بود اصلاح گردد (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۱: ۲۷ و اول یوحنا ۵: ۷ و ۸)
- e. برخی اطلاعات توضیحی در مورد رخداد های تاریخی یا تفسیر مناسب متن به صورت پی نویس توسط یک نگارنده اضافه شد و نگارنده بعدی آن را به داخل متن منتقل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۴)
- B. فرضیه های اولیه نقد متنی (راهنماییهای منطقی برای تعیین اینکه کدام متن اصلی وقتی تنوع زیادی موجود است خواننده شود)
۱. عجیبترین و غیر معمولترین دستور زبان به کار رفته در متن احتمالا اصل است
۲. کوتاهترین متن احتمالا اصل است
۳. به متن قدیمتر بهای بیشتری داده می شود به دلیل نزدیکی تاریخی به اصل، بقیه برابر هستند
۴. MSS ها که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، معمولا خوانندگان اصل دارند
۵. متونی که از نظر دکنترین ضعیف هستند، به خصوص آنها که در ارتباط با بحثهای اصلی الهیات در دوران تغییر دستنویسها بودند مانند تثلیث در اول یوحنا ۵: ۷ الی ۸ باید ترجیح داده شود.
۶. متنی که به بهترین شکل بتواند سایر نسخه های متفاوت را توضیح دهد
۷. دو نقل قول که می توانند به برقراری توازن میان سایر نسخه های متفاوت کمک کنند و آن را نشان دهند
- a. کتاب *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر J. Harold Greenlee "هیچ دکنترین مسیحی نمی تواند نسبت به یک متن قابل بحث کوتاه بیاید، و دانشجوی عهد جدید باید آگاه باشد که متن او باید ارتدکسی تر یا از نظر دکنترین باید قویتر از نسخه اصل که تحت الهام بوده، باشد" (صفحه ۶۸).
- b. W. A. Criswell به Greg Garrison از *The Birmingham News* گفته که او (کریسول) باور ندارد که تمامی کلمات انجیل تحت الهام باشد، "حد اقل نه تمامی کلماتی که طی قرنهای توسط مترجمین به دنیای مدرن منتقل کرده اند". کریسول گفت:
- "من شدیداً به نقد متن اعتقاد دارم. بدین ترتیب، فکر می کنم، نیمه آخر فصل شانزدهم انجیل مرقس ارتداد است. تحت الهام نیست، صرفاً ساختگی است... وقتی آن دستنویسهای بسیار قدیمی را مقایسه می کنیم، چنین جمع بندی که در کتاب مرقس آمده وجود ندارد. کسی آن را اضافه کرده است...."
- بزرگان SBC همچنین ادعا کردند که اضافاتی هم در انجیل یوحنا ۵، در قسمتی که عیسی در کنار حوض بیت الحم است صورت گرفته است. و در مورد دو شیوه مختلف قتل یهودا صحبت می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷ و اعمال رسولان ۱). کریسول می گوید: "این صرفاً یک نگرش متفاوت نسبت قتل است." "اگر در انجیل قرار دارد، توضیحی برای آن وجود دارد. و دو شرح از قتل یهودا در انجیل وجود دارد." کریسول اضافه می کند "نقد متنی به نوبه خود، علم حیرت انگیزی است. زودگذر نیست، بی ربط نیست، پویا و مرکز...."
- VI. مشکلات دستنویس (نقد متن). منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر
- c. *Biblical Criticism: Historical, Literary and Textual* اثر آر. اچ. هریسون
- d. *The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption and Restoration* اثر بروس ام مترزگر
- e. *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر جی. اچ. گرینلی

واژه نامه

Adoptionism/پذیرش/فرزندخواندگی. این یکی از نخستین دیدگاه‌ها نسبت به رابطه عیسی با خدا بود. اساسا این دیدگاه می‌گفت که عیسی از هر جنبه یک انسان معمولی بود و به مفهومی خاص، در زمان تعمید فرزند خدا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۷، انجیل مرقس ۱:۱) و یا در زمان قیامش از مردگان (مراجعه شود به رومیان ۴:۱). عیسی آنچنان زندگی نمونه‌ای داشت که خدا در مقطعی، (تعمید، قیام)، او را به عنوان "پسر" خود قبول کرد (مراجعه شود به رومیان ۴:۱، فیلیپیان ۲:۹). این دیدگاه کلیسای اولیه و کلیسای قرن هشتم بود. بجای اینکه خدا تبدیل به انسان شود، عمل عکس صورت گرفته و انسان تبدیل به خدا می‌شود!

سخت است بیان اینکه چگونه عیسی، خدای پسر، با وجود از پیش وجود داشتن الهی، به خاطر زندگی نمونه‌اش پاداش می‌گیرد. اگر او خدا بوده و از قبل وجود داشته، چگونه می‌تواند پاداش بگیرد؟ اگر او شکوه و جلال از قبل وجود داشتن را داشته، چگونه می‌تواند بیشتر مورد تقدیر قرار بگیرد؟ هرچند درک و هضم این برای ما مشکل است، ولی به نوعی پدر به شیوه‌ای خاص به دلیل تحقق بخشیدن کامل به اراده‌اش او را مورد تقدیر قرار می‌دهد.

Alexandrian School/مکتب اسکندرون. این شیوه ترجمه و تفسیر انجیل در اسکندریه، مصر در قرن دوم میلادی توسعه یافت. این مکتب از اصول ترجمه و تفسیر فیولا، که از پیروان افلاطون بود استفاده می‌کند. به این شیوه اکثرا روش مجازی گفته می‌شود. این روش تا دوران اصلاحات در کلیسا رواج داشت. اورینگن و اگوستین از طرفداران این مکتب و شیوه بودند. جهت اطلاعات بیشتر به *Moises Silva, Has The Church Misread The Bible? (Academic, ۱۹۸۷)* مراجعه کنید.

Alexandrinus/الکساندرینوس. این نسخه دستنویس یونانی قرن پنجم از اسکندریه، مصر شامل عهد عتیق، آپوکریفا، و بیشتر عهد جدید بوده و یکی از شواهد اصلی برای کل نسخه یونانی عهد جدید است (به استثنای انجیل متی، یوحنا و دوم قرنتیان). این دستنویس، رتبه A دریافت کرده، و دستنویس اطلاق شده به آن رتبه B (*Vaticanus*) در خواندن مطابقت دارد، و از جانب اکثر اساتید در بیشتر بخشها اصل تلقی می‌شود.

Allegory/قیاس. این نوعی تفسیر انجیلی است که در ابتدا توسط پیروان اسکندریه توسعه یافت. این روش توسط فیولا از اسکندریه محبوبیت یافت. قدرت پایه آن در میل به ساختن کتاب مقدس در رابطه با فرهنگ فرد یا سیستم فلسفی با نادیده انگاشتن ترتیبات تاریخی و یا مفهوم واقعی متن است. این روش در جستجوی مفاهیم پنهان یا معنوی در فراسوی هر متن کتاب مقدس است. باید اذعان داشت که عیسی، در انجیل متی ۱۳، و پولس در غلاطیان ۴، از تمثیل برای بیان حقیقت استفاده کرده‌اند. با این وجود، روش قیاس در قالب نوع‌شناسی است نه فقط تمثیل.

Analytical Lexicon/تحلیل واژگانی. این یک شیوه ابزار تحلیل است که اجازه می‌دهد فرد هر حالت کلمه یونانی را در عهد جدید شناسایی کند. در ترتیب الفبای یونانی، مرکب است از حالت و مفهوم پایه کلمه. با ترکیب ترجمه سطر، اجازه می‌دهد ایماندارانی که متن یونانی را نمی‌خوانند بتوانند اصطلاحات دستور زبانی یونانی و صرف و نحو آنها را تحلیل کنند.

Analogy of Scripture/تشابه در کتاب مقدس. این عبارتی است که برای توصیف دیدگاهی که تمام انجیل تحت الهام خدا است و بنابراین متناقض نبوده بلکه مکمل یکدیگر هستند، به کار می‌رود. این تصریح پیش فرض پایه‌ای است برای استفاده متون همسو در تفسیر متون انجیلی.

Ambiguity/ابهام. این اشاره به عدم قطعیت در نتایج حاصله در متن دارد، زمانی که دو یا چند مفهوم وجود دارند و یا وقتی که همزمان دو معنی یا مفهوم خاص به یک موضوع اشاره کند. احتمال دارد که یوحنا از روی عمد از ابهام استفاده کرده باشد (دو مفهومی).

Anthropomorphic/انسان شناسی. به معنی "داشتن مشخصه‌هایی که به انسان‌ها اطلاق می‌شود" است، از این اصطلاح برای توصیف زبان مذهبی ما درباره خدا استفاده می‌شود. این عبارت از اصطلاح یونانی که برای نوع بشر استفاده می‌شود آمده است. به این معنی است که ما به شیوه‌ای درباره خدا صحبت می‌کنیم که گویی انسان است. خدا در قالب اصطلاحات فیزیکی، اجتماعی و فیزیولوژیکی توصیف می‌شود که مربوط به انسانها است (مراجعه شود به پیدایش ۳:۸، اول پادشاهان ۲۲:۱۹ الی ۲۳). البته این فقط قیاس است. هیچ طبقه‌بندی یا اصطلاحی غیر از اصطلاحات انسانی وجود ندارند که بتوان از آنها استفاده کرد. بنابراین، دانش ما در مورد خدا، هرچند درست است، ولی محدود می‌باشد.

Antiochian School/مکتب آنتیوخیا. این روش تفسیر انجیل در آنتیوخ سوریه در قرن سوم میلادی به عنوان واکنشی در برابر روش قیاس اسکندریه مصر بسط یافت. فشار اولیه آن بر روی تمرکز بر معانی تاریخی انجیل است. این روش انجیل را به صورت متن معمولی و انسانی ترجمه و تفسیر می‌کند. این مکتب وارد جدل بر سر این شد که آیا عیسی دارای دو ماهیت است (*Nestorianism*) یا یک ماهیت (تماما الهی و تماما انسانی). توسط کلیسای

کاتولیک رم این به مکتب برچسب تاریخی زده شد و به پاس منتقل شد و اهمیت چندانی ندارد. اصول پایه ای تفسیر این مکتب بعدها تبدیل به اصول تفسیر اصطلاح طلبان کلاسیک پروتستان شد (اوتر و کالوین).

Antithetical/ضد و نقیض. این یکی از سه اصطلاحی است که در مورد رابطه میان ابیات اشعار عبری استفاده می‌شود. در رابطه با ابیات شعر است که معنی تضاد دارند (مراجعه شود به امثال ۱:۱۰، ۱:۱۵)

Apocalyptic literature/ادبیات آخروزمایی. این یک بحث غالب و حتی احتمالا منحصر به فرد در موضوعات یهودی است. این یک شیوه نگارش رمزی بود که در دوران تهاجم و اشغال یهودیان توسط قدرتهای جهانی استفاده می‌شد. تصور می‌کند که خدا رخدادهای را ایجاد کرده و کنترل می‌کند، و اینکه اسرائیل یکی از علائق خاص او است. این ادبیات وعده پیروزی نهایی از طریق تلاش خاص خدا را می‌دهد.

این ادبیات شدیداً نمادین و تخیلی است و اصطلاحات رمزی زیادی دارد. اغلب حقیقت را در قالب رنگها، اعداد، نگرش، رویا، فرشتگان واسطه، کلمات رمزی و دوگانگی شدید میان خوب و بد نمایش می‌دهد.

برخی از مثالهای این موضوع (۱) در عهد عتیق، حزقیال (فصلهای ۳۶ الی ۴۸)، دانیال (فصلهای ۷ الی ۱۲)، زکریا، و (۲) در عهد جدید، انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، دوم تسالونیکیان و مکاشفه دیده می‌شوند.

Apologist (Apologetics)/دفاعی. این اصطلاح از ریشه یونانی برای "دفاع قانونی" است. مبحث خاصی در الهیات وجود دارد که در جستجوی شواهد و مباحثات مربوطه برای ایمان مسیحی است.

A priori/استقرا. این اصطلاح مترادف با "پیش فرض" است. شامل دلیل آوردن برای مفاهیم، اصول یا موقعیتهایی است که پیش‌تر صحت آنها پذیرفته شده است. حالتی است که بدون آزمایش یا تحلیل پذیرفته شده است.

Arianism/آریانیسم. آریوس شبان کلیسا در اسکندریه مصر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم بود. او تصریح کرده بود که عیسی از پیش وجود داشت ولی الهی نبود (نه در مفهوم پدر)، احتمالا از امثال ۸:۲۲ الی ۳۱ ایده گرفته بود. او توسط اسقف کلسیای اسکندریه به چالش کشیده شد که از سال ۳۱۸ میلادی جدلی آغاز شد و سالهای زیادی ادامه یافت. آریانیسم تبدیل به فرقه ای در کلیسای شرق شد. شورای نیکا در سال ۳۲۵ میلادی آریوس را محکوم کرد و یکسان بودن الهی و انسانی بودن پسر را تصریح کرد.

Aristotle/ارسطو. او یکی از فلاسفه یونان باستان و شاگرد افلاطون و معلم اسکندر کبیر بود. نفوذ او، حتی امروز، بر زمینه‌های گسترده‌ای از مطالعات مدرن حاکم است. این امر به دلیل آن است که او بر دانش بر پایه مشاهده و طبقه‌بندی تاکید داشت. این یکی از گرایش‌ها و روشهای علمی است.

Autographs/دستخط/دستنوشته. این نامی است که به نسخه اولیه نوشته‌های انجیل داده شده است. این نسخ اصل و دستنویس همگی از بین رفته‌اند. فقط نسخه‌ای از کپی آنها موجود است. این منشا بسیاری از متون متنوع دستنویس عبری و یونانی باستانی است.

Bezae/بزا. این نسخه دستنویس یونانی و لاتین قرن ششم میلادی است. به این نسخه رتبه D داده شده است. حاوی اناجیل، اعمال رسولان و برخی نامه‌های عمومی است. از مشخصه‌های آن اضافات حاشیه‌ای دستنویس بسیار زیاد است. این نسخه مبنای Textus Receptus، نسخه دستنویس قدیمی یونانی است که در ورای نسخه شاه جیمز قرار دارد.

Bias/تعصب. از این اصطلاح برای توصیف آمادگی و گرایش شدید نسبت به یک موضوع یا دیدگاه استفاده می‌شود. ذهنیتی است که توسط آن بی‌طرفی نسبت به یک موضوع یا دیدگاه غیر ممکن است. این یک موضعگیری متعصبانه است.

Biblical Authority/اقتدار کتاب مقدس. این اصطلاح در یک مفهوم خیلی خاص استفاده می‌شود. این اصطلاح به شکل درک آنچه نویسنده اصلی در روزگار خودش گفته و اعمال این حقیقت در روزگار امروز تعریف می‌شود. اقتدار کتاب مقدس یا اقتدار انجیلی معمولاً به صورت نگرش به خود انجیل به عنوان تنها راهنمای مجاز ما تعریف می‌شود. با این وجود، در نور تفاسیر و ترجمه‌های نامناسب جاری، من این مفهوم را به انجیل به آن طور که توسط اعتقادات مذهبی و شیوه‌های دستور زبان قدیم تفسیر می‌شود، محدود کرده‌ام.

Canon/مجموعه کتب. این اصطلاح برای توصیف نوشته‌هایی که باور بر این است به صورت انحصاری تحت وحی نوشته شده‌اند، استفاده می‌شود. این اصطلاح در مورد هم عهد عتیق و هم عهد جدید استفاده می‌شود.

Christocentric/کریستوسنتریک. این اصطلاح برای توصیف مرکزیت و محوریت مسیح استفاده می‌شود. من از این اصطلاح در رابطه با مفهوم "عیسی سرور کل انجیل است"، استفاده می‌کنم. عهد عتیق به او اشاره می‌کند و او تحقق و هدفش است (مراجعه شود به متی ۱۷:۵ الی ۴۸).

Commentary/تفسیر. این یک نوع کتاب تخصصی در زمینه تحقیق است. یک زمینه کلی در مورد کتب انجیل ارائه می‌دهد. سپس تلاش می‌کند معانی هر بخش کتاب را توضیح دهد. برخی بر کاربرد تمرکز می‌کنند، در حالی که دیگران در ارتباط با متن به شیوه تخصصی‌تر هستند. این کتب مفید هستند، ولی فرد باید پس از اینکه خودش مطالعات اولیه‌ای را انجام داد، آنها را مطالعه کند. بدون انتقاد نباید تفسیر مفسرین را بی‌قید و شرط پذیرفت. معمولاً مطالعه و مقایسه چندین مفسر از چند دیدگاه مختلف مفید و کمک کننده است.

Concordance/تطابق. این یک نوع ابزار تحقیقاتی برای مطالعه انجیل است. تکرار هر کلمه را در عهد عتیق و عهد جدید فهرست می‌کند. به چندین شیوه کمک می‌کند: (۱) مشخص ساختن کلمه عبری یا یونانی که در پس هر کلمه انگلیسی خاص قرار دارد، (۲) مقایسه عبارتهایی که یک اصطلاح مشابه یونانی یا عبری استفاده شده است، (۳) نشان دادن جاهایی که دو کلمه عبری یا یونانی خاص به یک کلمه انگلیسی خاص ترجمه شده‌اند، مشخص کردن تناوب استفاده از کلماتی خاص در کتبی خاص یا نوشته‌های نویسنده‌ای خاص، (۴) کمک کردن در یافتن عبارت خاص در انجیل (مراجعه شود به *Walter Clark's How to Use New Testament Greek Study Aids*, صفحه ۵۴ الی ۵۵).

Dead Sea Scrolls/کتیبه بحر المیت. این اشاره به مجموعه متون باستانی نوشته شده به زبانهای عبری و آرامی دارد که در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی بحر المیت پیدا شدند. آنها کتابخانه‌ای از یک فرقه یهودی قرن اول هستند. فشار رومیان اشغالگر و جنگهای متعصبانه دهه ۶۰ باعث شد کتیبه‌ها را در کوزه‌های در بسته داخل غارها و سوراخها پنهان کنند. آنها به ما کمک کرده‌اند تا شرایط تاریخی فلسطین قرن اول را درک کنیم و تأیید می‌کنند که متون مازراتی، حداقل تا اواخر دوران قبل از میلاد کاملاً دقیق هستند. این متون با اختصار DSS مشخص می‌گردند.

Deductive/استقرایی/قیاسی. این روش منطق یا استدلال از طریق اصول، از اصول کلی به کاربردهای خاص منتقل می‌شود. این استدلال مخالف استدلال استنتاجی است که روش علمی را با حرکت از جزئیات مشاهده شده به نتیجه کلی (نظریه‌ها) بازتاب می‌دهد.

Dialectical/مناظره‌ای. این روش استدلال است که به موجب آن، آنچه که متناقض یا متضاد به نظر می‌رسد در یک تنش با هم حضور دارند، به دنبال پاسخی یکپارچه است که شامل هر دو جنبه متضاد است. بسیاری از آموزه‌های کتاب مقدس دارای جفت دیالکتیکی هستند، اراده آزاد است. امنیت-استقامت؛ ایمان-کارها؛ تصمیم‌گیری-شاگردی؛ آزادی مسیحی-مسئولیت مسیحی.

Diaspora/دیاپورا. این اصطلاح یونانی است که یهودیان فلسطینی برای توصیف یهودیان دیگر که در خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین موعود زندگی می‌کنند، استفاده می‌نمایند.

Dynamic equivalent/معادل پویا. این یک نظریه ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن پیوسته از مکاتبات "کلمه به کلمه" مشاهده کرد، که در هر عبارت، به ازای هر کلمه عبری یا یونانی باید یک کلمه انگلیسی ارائه شود، و در آن تنها اندیشه و تفکر ترجمه می‌شود کمتر به اصطلاحات اولیه یا عبارت توجه می‌شود. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را به طور جدی در نظر بگیرد، اما آن را در قالب‌های اصطلاحی و اصطلاحات مدرن ترجمه می‌کند. بحث جالبی را در مورد نظرات مختلف برای ترجمه می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth*, p. 35 and in Robert Bratcher's Introduction to the TEV مطالعه کنید.

Eclectic/منتخب. این اصطلاح در ارتباط با انتقاد متنی استفاده می‌شود. این اصطلاح اشاره به انتخاب یک متن از نسخ دستنویس مختلف یونانی است تا بتوان به متنی دست یافت که به بیان نگارنده اصلی نزدیک باشد. این اصطلاح دیدگاهی را که معتقد به اصل بودن هر یک از نسخ یونانی است، مردود می‌داند.

Eisegesis/تفسیر به رای. این مخالف تفسیر است. اگر تفسیر استخراج قصد مؤلف اصلی باشد، این اصطلاح به معنای "وارد کردن" یک ایده یا عقیده خارجی است.

Etymology/ریشه یابی. این یک جنبه از مطالعه کلمه است که تلاش می‌کند تا معنی اصلی کلمه را تعیین کند. از این ریشه به معنی، کاربردهای تخصصی به راحتی شناسایی می‌شوند. در تفسیر، ریشه شناسی تمرکز اصلی نیست، بلکه معنای معاصر و استفاده از یک کلمه است.

Exegesis/تفسیر. این اصطلاح فنی برای تفسیر یک متن خاص است. به معنی "استخراج کردن" (از متن) بوده و حاکی از این است که هدف ما درک هدف مؤلف اصلی به سبب شرایط تاریخی، زمینه ادبی، نحو و معنای معاصر است.

Genre/نوع. این یک اصطلاح فرانسوی است که انواع متفاوتی از ادبیات را نشان می‌دهد. محور اصطلاح عبارت است از تقسیم اشکال ادبی به دسته‌هایی است که ویژگیهای مشترک دارند: روایت تاریخی، شعر، ضرب المثلی، آخزمانی و شریعت.

Gnosticism/عرفان. بیشتر دانش ما در مورد این ملکوت از نوشته‌های عرفانی قرن دوم می‌آید. با این حال، ایده‌های ابتدایی در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت.

برخی از اصول ادعای والنتاین و عرفان سرینتین قرن دوم عبارتند از: (۱) ماده و روح همسو باقی مانده‌اند (دوگانگی هستی‌شناختی). کالبد بد است، روح خوب است. خداوند، که روح است، نمی‌تواند مستقیماً با قالب‌زیری کالبد شیرین کاری داشته باشد؛ (۲) خلقت (ائون یا فرشتگان) بین خدا و ماده وجود دارد. آخرین و یا کمترین آن یهوه در عهد عتیق بود که جهان را تشکیل داد. (۳) عیسی مانند یهوه بود اما در مقیاس بالاتر، نزدیک به خدا واقعی است. بعضی او را به عنوان بالاترین می‌دانند، اما هنوز هم کمتر از خداوند است (انجیل یوحنا ۱:۴). از آنجا که ماده بد است، عیسی نمی‌تواند بدن انسان داشته باشد و در عین حال الهی هم باشد. او شیخ معنوی بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۱:۱ الی ۳، ۴:۱ الی ۶)؛ و (۴) رستگاری از طریق ایمان به عیسی به همراه دانش ویژه به دست می‌آید، که تنها توسط افراد خاص شناخته می‌شود. دانش (رمزها) برای گذر از حوزه‌های آسمانی مورد نیاز بود. شریعت‌گرایی یهودی برای رسیدن به خدا لازم بود.

معلمان دروغین عرفانی از دو نظام مخالف اخلاقی حمایت می‌کردند: (۱) برای برخی، سبک زندگی به هیچ وجه به نجات منجر نمی‌شود. برای آنها، رستگاری و معنویت به دانش مخفی (کلمه عبور) از طریق فرشتگان محصور شدند. یا (۲) برای دیگران، شیوه زندگی برای نجات بسیار مهم بود. آنها تأکید کردند که شیوه زندگی زاهدانه در حکم سند معنویت واقعی است.

Hermeneutics/علم تفسیر. این یک اصطلاح فنی برای اصولی است که راهنمای تفسیر را ارائه می‌دهد. این هم مجموعه‌ای است از دستورالعمل‌های خاص و هنر/هدیه. علم تفسیر کتاب مقدس معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: اصول کلی و اصول خاص. این مربوط به انواع مختلف ادبیات موجود در کتاب مقدس است. هر نوع مختلف (ژانر) دارای رهنمودهای منحصر به فرد خود می‌باشد، ولی همچنین برخی از مفروضات و روشهای تفسیر مشترک را نیز به اشتراک می‌گذارد.

Higher Criticism/انتقاد بالا. این روش تفسیر کتاب مقدس است که بر شرایط تاریخی و ساختار ادبی یک کتاب مقدس خاص متمرکز است.

Idiom/اصطلاح. این کلمه برای عباراتی که در فرهنگهای مختلف یافت می‌شوند، استفاده می‌گردد که مفهوم خاصی دارند و معنی لغوی بر آن حاکم نیست. برخی از نمونه‌های مدرن از این اصطلاحات عبارتند از: "که خیلی معرکه بود" یا "منو میکشی". کتاب مقدس همچنین شامل این نوع عبارات است.

Illumination/نورانی/چراغانی. این نام به مفهومی است که خدا با انسان صحبت کرده است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) وحی - خدا در تاریخ بشری کار کرده است؛ (۲) الهام بخش - او تفسیر مناسب از اعمال او و معنای آن دادن وحی و الهام به برخی از افراد منتخب است تا کلام خدا را برای انسان ثبت کنند؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر گمراه فرستاد تا به انسانها کمک کند و او را بشناسند.

Inductive/استنتاجی/القایی. این یک روش منطقی برای استدلال است که از جزء به کل می‌رسد. این روش تجربی علم مدرن بوده و اساساً رویکرد ارسطویی است.

Interlinear/خطی/اسطری. یک نوع ابزار پژوهشی است که اجازه می‌دهد کسانی که یک زبان کتاب مقدس (یونانی/آرامی/عبری) را مطالعه نمی‌کنند، بتوانند معنی و ساختار آن را تجزیه و تحلیل کنند. این روش ترجمه انگلیسی کلمه به کلمه در زیر کلمات زبان اصلی کتاب مقدس قرار می‌دهد. این ابزار، همراه با "تحلیل لغوی"، به تعاریف اساسی عبری و یونانی شکل می‌داد.

Inspiration/وحی/الهام. این مفهومی است که خداوند با هدایت نویسندگان کتاب مقدس به بشریت سخن گفته است و به وضوح وحی او را ثبت کرده‌اند. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Language of description/زبان توصیف. این در رابطه با اصطلاحاتی است که در عهد عتیق نوشته شده است. از دنیای ما در رابطه با مواردی صحبت می‌کند که در حواس پنجگانه ظاهر می‌شوند و یک توصیف علمی نیست.

Legalism/شریعت پرستی. این نگرش با تأکید بیش از حد بر قوانین یا آیین‌ها مشخص می‌گردد. تمایل به این دارد که به عملکرد انسان بر مقررات به عنوان ابزار پذیرش خداوند تکیه کند. این نگرش تمایل بر این دارد که روابط را از بین ببرد و عملکرد را افزایش دهد، که هر دو جنبه مهمی از روابط میان خدای مقدس و انسان گناهکار است.

Literal/تحت اللفظی/مفهومی. این نام دیگری برای روش تمرکز بر متن و روش تاریخی علم تفسیر انجیل از آنتیوخوس است. به این معناست که تفسیر معنای عادی و آشکار زبان بشری را در بر می‌گیرد، البته هنوز زبان مجازی را به رسمیت می‌شناسد.

Literary genre/سبک ادبی. این به اشکال متمایزی که انسانها می‌تواند ارتباط برقرار کنند، مانند شعر یا روایت تاریخی، اشاره می‌کند. هر نوع ادبیات علاوه بر اصول کلی نوشته شده، دارای رویکرد خاص در علم تفسیر است.

Literary unit/واحد ادبی. این مفهوم به تقسیمات فکری مهم در کتاب مقدس اشاره دارد. این مفهوم را می‌توان از تشکیل چند آیه، پاراگراف یا فصل شکل داد.

Lower Criticism/انتقاد سطح پائین. موضوع خاص: انتقاد متنی را مطالعه کنید.

Manuscript/دستخط. این اصطلاح مربوط به نسخه‌های مختلف عهد جدید یونانی است. معمولاً آنها را به انواع مختلف تقسیم می‌کنند (۱) مواد که بر روی آن نوشته شده‌اند (پاپیروس، چرم)، یا (۲) شکل خود نوشتن (همه با حروف بزرگ و یا دستخط). این عبارت "MS" (منحصر به فرد) یا "MSS" (جمع) است.

Masoretic Text/متن مازروتی. به نسخ خطی عبری از عهد عتیق قرن نوزدهم اشاره دارد که طی چندین نسل توسط اساتید یهودی تهیه شده و حاوی حروف صدا دار و دیگر نکات متنی هستند. این متن اصلی برای عهد عتیق انگلیسی ما است. متن آن به طور تاریخی توسط MSS عبری تایید شده، به ویژه اشعیا، از کتیبه دریای مرده. این اختصار این اصطلاح "MT" است.

Metonymy/کنایه. شکلی از بیان است که در آن از نام یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری مرتبط با آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال، "کتری جوش" در واقع "آب در داخل کتری جوش است".

Muratorian Fragments/قطعه موراتورین. فهرستی از کتابهای عهد جدید است که قبل از سال ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شده بود. این همان بیست و هفت کتاب را به عنوان عهد جدید پروتستان معرفی کرده به وضوح نشان می‌دهد کلیساهای محلی در نقاط مختلف امپراتوری روم "عملاً" کانون را قبل از شورای بزرگ کلیسای قرن چهارم تشکیل داده بودند.

Natural revelation/مکاشفه طبیعی. این یک طبقه‌بندی از افشای خدا به انسان است. این شامل نظم طبیعی (رومیان ۱: ۱۹ الی ۲۰) و آگاهی اخلاقی (رومیان ۲: ۱۴ الی ۱۵) است. از آن در مزمور ۱: ۱۹ الی ۶ و رومیان ۱ الی ۲ توضیح داده شده است. این مشخصه از وحی ویژه است که خود افشاء خاص خدا در کتاب مقدس است و در عیسی ناصری متعالی است.

بر این طبقه‌بندی الهیاتی با جنبش "زمین قدیم" در میان دانشمندان مسیحی مجدداً تأکید شده (به عنوان مثال نوشته‌های Hugh Ross). آنها از این طبقه‌بندی استفاده می‌کنند تا ادعا کنند که همه حقیقت، حقیقت خدا است. طبیعت درها را برای دانش در مورد خدا باز نموده و آن را از وحی ویژه (کتاب مقدس) متمایز می‌کند. به علوم مدرن اجازه می‌دهد با آزادی نظم طبیعی را بررسی کند. به نظر من این یک فرصت فوق العاده جدید است تا به جهان مدرن علمی غربی شهادت داده شود.

Nestorianism/نستوریستی. نستوریوس پدرسالار قسطنطنیه در قرن پنجم بود. او در آنتیوخ سوریه آموزش دیده و تأیید کرد که عیسی دارای دو طبیعت بود، یکی کاملاً انسان و یک فرد کاملاً الهی. این دیدگاه از دیدگاه طبقاتی اسکندریه از دیدگاه ارتدوکس منحرف شد. نگرانی اصلی Nestorius عنوان "مادر خدا" است که به مریم داده شده است. نستوریوس با سیریل اسکندریه مخالف بود و به طور ضمنی آموزش خود را در اسکندریه برگزار کرد. آنتیوخ ستاد رویکرد تاریخی-دستوری-متنی به تفسیر کتاب مقدس بود، در حالی که اسکندریه مقرر چهارم (تفسیری) مدرسه تفسیر بود. نستوریو در نهایت از مقام خود خلع و تبعید شد.

Original Author/مؤلف اصلی. این عبارت به نویسندگان اصلی کتب مقدس اشاره دارد.

Papyrus/پاپیروس. این یکی از موادی است که از مصر بوده و بر روی آن می‌نوشتند. این ماده از نی کنار رودخانه‌ها ساخته می‌شد. این ماده‌ای است که قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد جدید یونانی بر روی آن نوشته شده است.

Parallel passages/عبارتهای همسو. این قبیل عبارات بخشی از مفهومی هستند که تمام کتاب مقدس از جانب خدا داده شده و بنابراین، به نوبه خود بهترین مترجم از حقایق دوگانه است. این نیز هنگامی که یک نفر تلاش می‌کند بخشی که نامشخص یا مبهم است را بتواند تفسیر کند. همچنین به شما کمک می‌کند تا واضحترین بخش در مورد یک موضوع مشخص شده را درک و همچنین تمام جنبه‌های معنوی یک موضوع مشخص را بیابید.

Paraphrase/ترجمه/تفسیر/ترجمه آزاد. این نام یک نظریه در مورد ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن دنباله‌دار "کلمه به کلمه" از مکاتبات مشاهده کرد، جایی که باید به ازای هر واژه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی، بدون توجه به اصطلاح اولیه یا اصطلاح ترجمه شده قرار گیرد. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد، اما آن را با اصطلاحات مدرن دستور زبانی ترجمه می‌کند. بحث بسیار خوبی در مورد نظریه‌های مختلف ترجمه را می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth* صفحه ۳۵ مطالعه کنید.

Paragraph/پاراگراف. این واحد ادبی تفسیر اصلی متن است. شامل یک موضوع اصلی و گسترش آن است. اگر ما مفهوم و قصد نویسنده را حفظ کنیم، چیزی از نیت اصلی نویسنده را، از دست نخواهیم داد.

Parochialism/پاروسیاالیسم. این مربوط به تعصباتی است که در یک محیط محلی فرهنگی بسته هستند. ماهیت فرامنطقی آن، حقیقت کتاب مقدس یا کاربرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

Paradox/دوگانگی. به حقایقی اشاره دارد که به نظر می‌رسد متناقض هستند، هر چند در تنش با یکدیگرند، ولی هر دو درست می‌باشند. آنها حقیقت را با بیان اینکه اگر از طرف مقابل هستند، شکل می‌دهند. حقیقت کتاب مقدس در جاهای پارادوکسی (یا دیالکتیکی) ارائه شده است. حقایق کتاب مقدس همانند ستارگانی منفک هستند، اما یک کهکشان از ستارگان، از مجموعه ستارگان منفک تشکیل می‌شود.

Plato/فلاطون. او یکی از فیلسوفان یونان باستان بود. فلسفه او از طریق محققان اسکندریه، مصر و بعداً، آگوستین بر کلیسای اولیه تأثیر گذاشت. او بر این عقیده بود که همه چیز روی زمین، توهم است و فقط یک نسخه از یک نمونه اولیه معنوی است. به علاوه نظریه پردازان بعدها "شکلها/ایده‌های" افلاطون را با قلمرو روحانی برابر می‌کردند.

Presupposition/پیش فرض. این به درک پیشین ما از یک موضوع اشاره دارد. اغلب ما عقاید یا قضاوت‌های مربوط به مسائل را قبل از اینکه به کتاب مقدس مراجعه کنیم، تشکیل می‌دهیم. این حالت نیز به عنوان یک تعصب، یک موقعیت پیشین، یک فرض یا یک مقدمه شناخته شده است.

Proof-texting/اثبات متن. این تمرین تفسیر کتاب مقدس با نقل قول از یک آیه بدون در نظر گرفتن زمینه آنی آن و یا زمینه بزرگتر در واحد ادبی آن است. ارتباط آیات را از نیت نویسنده اصلی حذف می‌کند و معمولاً در تلاش است تا یک نظر شخصی را در هنگام تایید اقتدار کتاب مقدس بیان کند.

Rabbinical Judaism/یهودیت روحانی. این مرحله از زندگی یهودیان در تبعید بابلی آغاز شد (۵۸۶-۵۳۸ قبل از میلاد). همانطور که نفوذ کاهنان و معبد از بین رفت، کنیسه‌های محلی بر زندگی یهودی تمرکز کردند. این مراکز محلی فرهنگ یهودی، مذهبی، عبادت و مطالعه کتاب مقدس تبدیل به محور زندگی مذهبی ملی شده‌اند. در روزگار عیسی این "کاتبین مذهبی" با کاهنان همسو بود. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، فرم کاتبین که تحت فرمانروایی فریسیان بود، بر زندگی مذهبی یهودیان کنترل و نظارت داشت. آن را با یک تفسیر عملی و شریعتی از تورات می‌توان مشخص کرد که در سنت شفاهی (تالمود) توضیح داده شده است.

Revelation/افشا. این نام به مفهومی است که خدا با بشریت سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Semantic field/زمینه معنایی. این به کل محدوده معانی مرتبط با یک کلمه اشاره دارد. این اساساً مفاهیم متفاوت یک کلمه در متون مختلف است.

Septuagint. این نام به ترجمه یونانی عهد عتیق عبری داده شده است. سنت می‌گوید که در هفتاد روز توسط هفتاد محقق یهودی برای کتابخانه اسکندریه مصر نوشته شده است. تاریخ سنتی حدود ۲۵۰ قبل از میلاد (در حقیقت احتمالاً بیش از صد سال طول کشید). این ترجمه قابل توجه است زیرا (۱) به ما یک متن باستانی را با مقیاس الهام بخش مقدس می‌دهد؛ (۲) به ما وضعیت تفسیر یهودیان در قرن سوم و دوم قبل از میلاد را نشان می‌دهد؛ (۳) به ما مفهوم مسیح یهودی را قبل از رد عیسی نشان می‌دهد. اختصار آن "LXX" است.

Sinaiticus. یک نسخه یونانی از قرن چهارم میلادی است. این توسط محقق آلمانی، Tischendorf، در صومعه سنت کاترین در جبل موسی، مکان سنتی کوه سینا یافت شد. این دستنوشته با اولین حرف الفبای عبری به نام "الف" [א] تعیین شده است. این شامل عهد قدیم و عهد جدید است. این یکی از قدیمی‌ترین MSSهای غیر رسمی ما است.

Spiritualizing/معنوی. این واژه مترادف با تمثیل است به این معنی که زمینه تاریخی و ادبی یک متن و تفسیر آن بر اساس معیارهای دیگر آن را حذف می‌کند.

Synonymous/ مترادف. به اصطلاحات با معانی دقیق یا بسیار مشابه اشاره دارد (اگر چه در واقع دو کلمه هیچ یک همپوشانی معناشناسی کامل ندارند)، آنها خیلی نزدیک به هم هستند به طوری که می‌توانند جایگزین یکدیگر در یک جمله بدون از دست دادن معنی باشند. همچنین برای تعیین یکی از سه شکل همسو در اشعار عبری استفاده می‌شود. به این معنا، به دو بیت شعر می‌گویند که یک حقیقت را بیان می‌کنند (مراجعه شود به مزمو ۳:۱۰۳).

Syntax/ نحو. این اصطلاح یونانی است که به ساختار جمله اشاره دارد. این مربوط به راه‌هایی است که بخشهایی از یک جمله برای ایجاد یک تفکر کامل ساخته می‌شوند.

Synthetical. این یکی از سه اصطلاحی است که مربوط به انواع اشعار عبری است. این اصطلاح از ابیات شعر می‌گوید که بر اساس یک معنی نوشته می‌شوند، گاهی اوقات "climatic" نامیده می‌شوند (ش. ۱۹: ۷-۹).

Systematic theology/ الهیات سیستماتیک. این مرحله‌ای از تفسیر است که تلاش می‌کند تا حقایق کتاب مقدس را به شیوه‌ای متحدالشکل و منطقی مرتبط سازد. این یک رویکرد منطقی و نه صرفاً تاریخی از نظر الهیات مسیحی طبقه بندیها (خدا، انسان، گناه، نجات، و غیره) است.

Talmud/ تلمود. این عنوان برای تدوین سنت شفاهی یهودی است. یهودیان معتقد بودند که او به موسی به در کوه سینا گفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که این خرد جمعی معلمان یهودی طی این سالها باشد. دو نسخه مختلف نوشته شده از تلمود وجود دارند: نسخه بابلی که کوتاهتر است و نسخه ناتمام فلسطینی.

Textual criticism/ انتقاد متنی. این علم مطالعه نسخ خطی کتاب مقدس است. انتقاد متنی ضروری است زیرا هیچ نسخه اصلی وجود ندارد و همه نسخه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. این تلاش برای توضیح تغییرات و رسیدن به (نزدیکترین حد ممکن) به اصطلاحات اصلی دستنویس عهد عتیق و جدید است. این اغلب "انتقاد کمتر" است.

Textus Receptus. این نام به نسخه Elzevir از عهد جدید یونانی در سال ۱۶۳۳ اطلاق شد. اساساً این یک نوع عهد جدید یونانی است که از چند نسخه خطی یونانی و نسخه‌های لاتین اراسموس (۱۵۱۰-۱۵۳۵)، استفاناس (۱۵۴۶-۱۵۵۹) و الزویر (۱۶۲۴-۱۶۷۸) تهیه شده است. در *An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament*، ص. ۲۷، A. T. Robertson می‌گوید: "متن بیزانس عملاً Textus Receptus است." متن بیزانس کم ارزشترین نسخه از سه نوع نسخ خطی یونانی (غربی، اسکندریه و بیزانسی) است. این شامل خطاهای انباشته شده طی قرن‌ها از متون دستکاری شده است. با این حال، A. T. Robertson همچنین می‌گوید: «Textus Receptus برای ما متن قابل ملاحظه دقیقی را حفظ کرده است» (ص ۲۱). این نسخه دستنویس یونانی (به خصوص نسخه سوم ۱۵۲۲ Erasmus) نسخه مبنای انجیل شاه جیمز در سال ۱۶۱۱ میلادی را شکل می‌دهد.

Torah/ تورات. این واژه عبری برای "آموزش" است. این عنوان رسمی برای نوشته‌های موسی بود (از پیدایش تا تثنیه). این بخش برای یهودیان، قدرتمندترین بخش است.

Typological/ تایپوگرافی. این یک نوع تفسیر تخصصی است. معمولاً این امر شامل حقیقت عهد جدید است که در عبارات عهد عتیق با استفاده از علامتهای متشابه یافت می‌شود. این طبقه‌بندی از علم تفسیر انجیل یک عنصر اصلی از روش اسکندریه بود. به دلیل سوء استفاده از این روش تفسیر، باید استفاده از آن را به نمونه‌های خاصی که در عهد جدید وارد شده محدود کرد.

Vaticanus/ واتیکانوس. این نسخه یونانی قرن چهارم است. این در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود. در اصل شامل تمام عهدعتیق، Apocrypha و عهد جدید بود. با این حال، برخی از بخشها از بین رفته‌اند (پیدایش، مزمو، عبرانیان، کاهنان، فیلیمون و مکاشفه). این یک نسخه خطی بسیار مفید در تعیین قالب‌بندی اصلی نسخ دستنویس است. این نسخه امتیاز "B" بزرگ دریافت کرده است.

Vulgate/ والگیت. این نام لاتین کتاب مقدس جروم است. این نسخه تبدیل به نسخه مبنا یا "مشترک" برای کلیسای کاتولیک روم شد. در سال ۳۸۰ میلادی این کار صورت گرفت.

Wisdom literature/ ادبیات عرفانی. این یک نوع ادبیات رایج در خاور نزدیک باستان (و جهان مدرن) بود. اساساً تلاشی بود به عنوان دستورالعملی برای راهنمایی نسل جدید جهت زندگی موفق از طریق شعر، تمثیل یا مقاله بود و بیشتر فرد را مورد خطاب قرار می‌داد تا جامعه. به تاریخ اشاره نداشت، اما بر تجربیات و مشاهدات زندگی استوار بود. در کتاب مقدس، وظیفه از طریق غزل غزل‌ها حضور و پرستش یهوه را پذیرفت، اما این دیدگاه مذهبی در هر تجربه انسانی در هر زمان صریح نیست.

به عنوان یک ژانر، حقیقت عمومی را بیان کرد. با این حال، از این ژانر/نوع نمی‌توان در هر وضعیت خاصی استفاده کرد. اینها اظهارات کلی هستند که همیشه برای هر وضعیت فردی قابل اعمال نیستند.

این حکما شهامت این را داشتند تا سوالاتی سخت در مورد زندگی بپرسند. اغلب آنها دیدگاه‌های سنتی مذهبی (یعقوب، جامعه) را به چالش کشیدند. آنها تعادل و تنش را به پاسخ آسان در مورد تراژدی‌های زندگی می‌رسانند.

World picture and worldview/تصویر و جهان بینی جهانی. اینها اصطلاحات همراه هستند. آنها هر دو مفاهیم فلسفی مربوط به خلقت هستند. اصطلاح "تصویر جهان" به "چگونگی" خلقت اشاره می‌کند در حالی که "جهان‌بینی" مربوط به "چه کسی است". این اصطلاحات در ارتباط با تفسیری هستند که پیدایش ۱-۲ در درجه اول با چه کسی، نه چگونه، خلقت صورت گرفت، سر و کار دارد.

YHWH/یهوه. این نام خدا در عهد عتیق است. این نام در خروج ۳:۱۴ تعریف شده است. این شکل ظاهری اصطلاح عبری "بودن" است. یهودیان می‌ترسیدند این نام را بر زبان آورند مبادا نابجا به کار برند، بنابراین، اصطلاح عبری آدونایی، "ارباب" جایگزین کردند. به این دلیل است که پیمان در انگلیسی این چنین ترجمه می‌شود.

بیانیه عقیدتی

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاه‌های اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از فریب و خطاهای الهیاتی، من حاصل تحقیقاتم را در زمینه الهیات مسیح، در زیر به طور خلاصه تقدیم می‌کنم.

A. کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش‌ناپذیر، با اقتدار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح به وسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.

B. تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با این حال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح‌القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دارای ذات واحد.

C. خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.

D. گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شرایطی که از آدم و حوا به ارث برده‌ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادیمان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.

E. خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.

F. هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصاً دریافت کند. این به وسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.

G. همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت قدم می‌مانند.

H. روح‌القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گمشده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیحگونه را در نجات یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات، عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید به وسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.

I. پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را داوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، به هنگام بازگشت او بدنهای جلال یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد.

J. آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.

K. مطمئناً مواردی که ذکر کردم کامل یا بی نقص نیستند اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"